نسخه ۲

داستانهای مهدوی



مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،1388

عنوان و نام پدیدآور:دانستنیهای مهدوی2/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان / علی غزالی اصفهانی

مشخصات نشر:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ، 1388.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

مهدویت

فطرت و مهدویت

از دیدگاه مذاهب و ادیان ، عقیده به ظهور حضرت مهدی (ع) مسأله ای کاملاً فطری و طبیعی است که با سرشت آدمی آمیخته شده ، و عمری به درازای عمر آفرینش انسان دارد فطرت ، همان الهام و درک درونی ، خواست طبیعی و تمایل باطنی انسان است که نیاز به دلیل ندارد و هرانسانی بدون دلیل و برهان آن را می پذیرد و به آن ایمان دارد وجود تشنگی وگرسنگی در نهاد آدمی ، یک امر فطری و طبیعی است و نیاز به دلیل ندارد ، پس اگر تشنه می شویم و احساس گرسنگی می کنیم و علاقه به آب و غذا داریم ، دلیل بر آن است که آب و غذایی وجود دارد که دستگاه آفرینش ، تشنگی وگرسنگی و میل به آن را در وجود بشر قرار داده است .

اگر انسان ها در انتظار ظهور مصلح بزرگ جهانی به سر می برند و شبانه روز انتظارش را می کشند ، دلیل بر آن است که چنان نقطه ارجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر است . حقیقت مهدویت ، در واقع منتهی شدن سیر جوامع بشری به سوی جامعه واحد ، سعادت عمومی ، تعاون و همکاری ، امنیت و رفاه همگانی ، حکومت حق و عدل و خلافت شایستگان و مؤمنان به رهبری موعود پیامبران و ادیان است و این همان چیزی است

که مطلوب هر فطرت پاک و خواست طبیعی هر انسان سالم و وجدان بیدار است .

به همین جهت است که هم ادیان و مذاهب مختلف و هم دین مبین اسلام به این میل باطنی و خواسته درونی- ایجاد آرمان شهر حقیقی به دست منجی - توجه خاصی مبذول داشته و ظهور رهبری الهی و منجی آسمانی را در پایان جهان به پیروان خود وعده داده اند (1) .

1 . ظهور مهدی از ، دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 52 .

مهدویت

مصدر جعلی مهدی ، به معنای مهدی بودن است .

در اصطلاح ، اعتقاد به ظهور مهدی (ع) را گویندکه از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است .

این موضوع در اسلام به قدری مسلم است که درباره آن کتاب هایی تألیف شده است که تاریخ نگارش بعضی از سالها پیش از تولد حضرت مهدی (ع) بوده . مانندکتاب المشیخه که یکصد سال قبل از غیبت کبری نوشته شده و اخبار مربوط به غیبت حضرت مهدی (ع) درآن آمده است .

همچنین برخی از اصحاب و شاگردان ائمه (ع) درباره حضرت و قیام اوکتاب نوشته اند . مانند :

- ابراهیم بن صالح انماطی از یاران امام باقر (ع) .

- حسن بن محمد بن سماعه ، از اصحاب اما م موسی بن جعفر (ع) .

- محمد بن حسن بن جمهوراز اصحاب حضرت رضا (ع) .

- علی بن مهزیار

، از یاران حضرت جواد (ع) .

روفضل بن شاذان نیشابوری ، از شاگردان امام رضا ، امام جواد و امام هادی (ع) .

مهدویت شخصیه

در باب مهدویت ، عقیده مذهب شیعه این است که مهدویت خاصه صحیح ومقبول است و به تعبیر دیگرآن چه مورد پذیرش است مهدویت شخصیه است ، نه مهدویت نوعیه .

لکن بعضی از صوفیه و عرفا قائل به مهدویت نوعیه بوده یا هستند . به این معنا که عقیده دارند در هر عصری و دوره ای باید یک مهدی وجود داشته باشد که ویژگی ها و خواص مهدویت و هادویت را داشته باشد و می گویند هیچ عصری خالی از یک مهدی هادی نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه خصائصی را داراست .

این عقیده بعضی صوفیه و عرفا است که البته از نظر ما نامفهوم بلکه مردود است .

عقیده مبرهن و مستدل مذهب شیعه آن است که مهدویت ، مهدویت شخصیه است . یعنی یک فرد است که مهدی این امت است و موعود امت ها و ملت ها است و ابعاد و ویژگی های او مشخص است .

خانواده اش ، پدر و مادرش ، محل ولادت و غائب شدن و نشانه های ظهورش و حتی خصوصیات جسمی او و دریک کلام همه ابعاد مربوط به او اعلام شده است و با این مشخصات و ویژگی های ذکر شده ، ما فقط یک مهدی را قبول داریم . آری یک فرد به عنوان مهدی است که واجد و جامع تمامی این خصائص و

ویژگی ها و نشانه ها است . (1)

1 . نشریه موعود شمار 100 و 110 ص 48 .

آخر الزمان

آخر الزمان

آخرالزمان اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا ، به معنای آَخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت . در فرهنگ اسلامی ، آخر الزمان ، هم دوران نبوت پیامبر اکرم (ص) ، تا وقوع قیامت را شامل می شود و هم دوران غیبت وظهور مهدی موعود (ع) را در دوران معاصر ، عده ای از مفسران ومتفکران مسلمان از قبیل : مرحوم علامه طباطبایی ، استاد شهید مرتضی مطهری ، سید قطب ، محمد رشید رضا ، شهید سید محمدباقر صدر و . . . با اتکا به آیاتی از قرآن کریم اعراف : 138 ، انبیاء : 105 ، صافات : 171 و 172 استخلاف انسان در زمین ، فرمانروا شدن نیکوکاران زمین وراثت صالحان وپیروزی حق بر باطل را به رقم جولان دائمی باطل ، به عنوان سرنوشت آینده بشر مطرح کرده اند و آیات وروایات مربوط به تحولات آخر الزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ می دانند و به اعتقاد ایشان ، عصر آخر الزمان عبارت است از دوران شکوفایی تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان .

چنین آینده ای امری است محتوم که مسلمانان باید انتظار آن را داشته باشند و نباید منفعل و دلسرد به حوادث واقعه بنگرند ، بلکه با حالتی پر نشاط و خواهان صلاح جامعه انسانی و آگاه از تحقق اهداف تاریخی انتظار ، باید سرشار از امید ، آمادگی وکوشش درخور این انتظار مقدس باشند .

در

چارچوب این برداشت ، آخر الزمان قطعه معینی از تاریخ نوع انسان است که او باید در آن ، حرکت تکاملی تدریجی خود را تا تحقق وعده الهی ادامه دهد . در حالی که درکتب علماء متقدم همچون " کمال الدین " رحمه الله الغیبه شیخ طوسی رحمه الله چنین تفسیری از تاریخ نبوده وتحولات آخر الزمان امری است غیر عادی که در آخرین بخش از زندگی نوع انسان واقع می گردد وبه تحولات قبلی جامعه انسانی مربوط نمی شود .

شناخت آخر الزمان یا فرجام شناسی (Eschetologie) در ادیان یهود ، مسیحیت وزرتشتی نیز حائز اهمیت است . نگاهی به دردها وآلام بشر اندیشمند امروز وقربت او در زوال فطرت پاک آدمی ، چنین می نمایاند که در میان همه خواسته های ضد ونقیضش ، امروز یکی هست که همه در آن مشترکند همه اقوام و ملل یکصدا خواهان آزادی اند . (1)

دراحادیث بسیاری آمده است که حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان ظاهر می شود . پیامبراکرم (ص) بر فراز منبر فرمود : مهدی از عترت و اهل بیت من است . او درآخرالزمان ظهور می کند . (2)

ونیز فرمود : مژده باد شما را به ظهور مهدی که او در آخرالزمان به هنگام سختی روزگار وفتنه و اختلاف وعدم امنیت می آید وخداوند به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل می نماید . (3)

امام باقر (ع) نیز می فرماید : دولت ما آخرین دولت هاست . . . . (4)

پیامبر

(ص) دست ها را بهسوی آسمان برافراشت وگفت : خداوندا برادرانم را به من بنمایان . یکی از اصحاب گفت : مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود : نه ، شما یاران من هستید . برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می آیند و به من ندیده ایمان می آورند . خداوند آن ها را پیش از آن که از صلب پدران به رحم مادران درآیند ، با نام خود و پدرانشان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آن ها در دین خود ، ازکندن خارهای گون در شب تاریک ، و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است . آن ها مشعل های هدایت هستند که خداوند آن ها را از فتنه های تیره و تار نجات می بخشد . (5)

درباره فتن وحوادث آخرالزمان ، احادیث بی شماری از حضرت ختمی مرتبت و حضرات ائمه (ع) درکتب حدیث به ثبت رسیده است .

مجموعه هایی از آن احادیث ، به صورت کتب مستقلی به نام ملاحم, الغیبه ودیگر نام ها نگاشته شده است .

روایات معصومین (ع) نشان می دهد :

1 . با سپری شدن این دوران ، بساط زندگی دنیوی برچیده و مرحله ای جدید در نظام آفرینش آغاز می شود .

2 . آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می شود : دوران نخست که در آن انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می رسد .

دوران بعد ، عصر تحقق وعده های الهی به پیامبران و اولیای خدا است و با قیام مصلح

جهانی آغاز می شود . کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همه فرقه های بزرگ اسلامی پذیرفته شده است ، ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی (ع) و نیز هویت او اختلاف نظر وجود دارد .

1 . نشریه موعود شماره 11 و 10ص 54 .

2 . غیبه طوسی ص 111 بحارالانوار ، ج 51ص 74

3 . منتخب الأثرص 171 .

4 . بحارالانوار ج 52 ص 332 اثبات الهداه ج 3 ص 6 51 .

5 . بحارالانوار ج 52ص 24 ا منتخب الاثرص 515 الزام الناصب ص137 .

آینده جهان و نظریه پردازان

امروزه در اثر تحولاتی که در آخرین دهه قرن بیستم رخ داده است ، خصوصاً فروپاشی شوروی وپایان رسمی جنگ سرد ، اندیشه حکومت جهانی به محور پیش بینی نویسندگان معاصر عمدتاً آمریکاییان درباره آینده جهان تبدیل شده است .

دیدگاه مشترک نویسندگان غربی ، توسعه خطی تحولات ورسیدن حتمی به حکومت جهانی دموکراسی لیبرال است . لذا " مسؤولیت " رهبران عرب برای رسیدن به آن موقعیت و بی فایده بودن مقاومت مردم و رهبران غیرغربی در برابر این سیر محتوم وقایع جهان را متذکر می شوند . اما هر یک از آن ها برای مقصود خویش راهی جداگانه را برگزیده اند . به تعدادی از این نظریات یا پیش بینی ها ، بدون نقد آن ، اشاره می کنیم .

الف) فرانسیس فوکویاما : معاون ژاپنی الاصل بخش برنامه ریزی سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا- تابستان 1989با پردازشی نو از اندیشه هگل درباره آخر الزمان ، چنین می اندیشد که جریان حقیقی تاریخ

، در سال 1806 کمال معنوی پیدا کرده است وپس از ظهور وشکست محتوم فاشیسم ومارکسیسم ، سرانجام به سیطره دموکراسی لیبرال می انجامد وبه کمال مادی هم دست می یابد .

او تنها الترناتیو جایگزین واقعی ومعتبر لیبرالیسم را فاشیسم وکمونیسم می داند که فروپاشیده اند ، ولی معتقد نیست که دیگر هیچ اندیشه ای وجود ندارد . بلکه به نظر او در پایان تاریخ برخی جوامع به صورت جوامع لیبرال موفق در آمده وبقیه هم از ادعای خود مبنی بر ارایه اشکال والگوهای متفاوت و برتر درباره ساماندهی انسانی چشم می پوشند . در واقع لیبرالیسم از آن رو بر جهان مسلط می شود که در برابرش ، ایدئولوژی بسیج کننده ای برای رویارویی با آن وجود ندارد . این به منزله نقطه پایان تحول ایدئولوژیکی بشریت و جهانی شدن دموکراسی غربی به عنوان شکل نهایی حکومت با لوازم آن یعنی شیوه زندگی سرمایه داری ومیل دستیابی به جامعه مصرفی که به لیبرالیسم اقتصادی وسیاسی منجر می شود است .

او این رکود برخورد وتکاپوی اندیشه ها را پایان تاریخ می نامد دورانی که در آن شور و شوق ها از بین رفته و سده های ملالت باری در پیش خواهد بود .

او درباره جهان سوم معتقد است که هنوز در تاریخ فرو رفته است ، و آن را تحقیر می کند ومی گوید که جهان سوم در تحول ایدئولوژیکی جهان نقشی ندارد . از نظر او تعارض شمال و جنوب به جای شرق و غرب بیداری جهان اسلام ، رشد ملی گرایی ، شکست سیاست های توسعه ، گسترش تروریسم ،

بحران سیستم پولی بین المللی ، بی ثباتی بازارهای جهانی ، قدرتمند شدن متزاید هند وبرزیل ، همگی فرعی بوده وتناقض بنیادین با لیبرالیسم ندارند . بلکه میراث مشترک ایدئولوژیکی بشریت اهمیت دارد . این میراث مشترک ، همان لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی است .

ب) مارشال مک لوهان نیز همین نظر را با دیدگاه دیگری بیان می کند . دیدگاه او مبتنی بر انقلاب در عملیات با اطلاعات است که جهان کنونی را به یک دهکده تبدیل کرده است وحتی ارتباطات در جهان فعلی از ارتباط افراد یک دهکده سریع تر و راحت تر شده است .

در همه دنیا یک دریای واحد اطلاعاتی هست که سرچشمه ومنبع آن غرب است . این تحول در اطلاعات سبب تماس نزدیک فرهنگهای بومی غیر غربی با فرهنگ غربی دموکراسی لیبرال شده است ودر این تماس طبعاً فرهنگ قوی وغالب ، فرهنگهای دیگر را جذب وهضم می کند وتفکرلیبرالیسم در سراسر جهان رواج می یابد . فرهنگها یک کاسه می شوند و عناصرکلیدی ساختار اجتماعی اقتصاد ، سیاست ، فرهنگ و غیره همه به سوی یکسان شدن پیشرفته و نهایتاً مقتضی ایجاد یک حکومت جهانی که فرهنگ وساختار اجتماعی دهکده جهانی هویت آن را تعیین می کند ، خواهد بود . با این مقدمات ضرورتاً حکومت واحد جهانی با فرهنگ دموکراسی لیبرال تشکیل می شود .

ج) آلون تافلر دیدگاهی دارد که نه مبنای فلسفی دارد و نه روش جامعه شناختی استدلال و برهان نهایی ارایه نمی دهد بلکه همواره ازیک نقطه شروع کرده و با ارایه مثال و نمونه به نقطه دیگری عزیمت می

کند . او مشکل آینده جهان را بر اساس نوع قدرت و تقسیم آن ترسیم می کند وقدرت را مهم ترین یا تنها عامل موثر سیاسی جهان وساختار اجتماعی بشر می داند .

او معتقد است که سه گونه تمدن در جهان وجود دارد که هر یک نظام خاصی برای تولید ثروت دارد : تمدن کشاورزی موج اول تمدن صنعتی موج دوم تمدن علمی و اطلاعاتی موج سوم که راه آینده جهان در نتیجه برخورد آن ها با هم ایجاد ومشخص خواهد شد .

در این تمدن ها اگر چه عناصری از مذهب ، فرهنگ و قومیت وجود دارند ، ولی این پیوندها توسط نیروهای صنعتی ضعیف شده اند ، لذا در تمدن موج سوم تأثیر این عناصر بسیار اندک و در تمدن کشاورزی در بالاترین حد است .

او هر یک از این تمدن ها را- چون جوامعی با مذاهب ، فرهنگها وقومیت های متفاوتی را در بر می گیرد- یک ابر تمدن می نامد که با مفهوم رایج تمدن چندان سازگار نیست . به نظر تافلر جنگ به شیوه موج سوم ، جنگی با ابزار وتسلیحات هوشمندانه الکترو- لیزری است ، که دقت بسیار و آسیب پذیری کم دارد و جنگی بهداشتی وپاکیزه است . (1)

د) پال کندی از استادان مشهور انگلیسی دانشگاه های آمریکا ، نظراتی واقع بینانه تر دارد . البته نظریات وی جنبه پیش بینی ندارد ، بلکه بررسی مشکلات واقعی است که به ترتیب ایالات متحده آمریکا ، غرب وبالاخره تمام انسان ها با آن مواجه هستند و خواهند بود . بنابراین می توانیم نظریات

او را در دو قسمت بیان کنیم :

1 . افول نسبی ایالات متحده آمریکا : که به تعبیر وی به عارضه گستردگی بیش از اندازه امپراتوری دچار شده است . یعنی مجموع منافع وتکالیف جهانی آن ، امروزه بسیار بزرگتر از قدرت آن برای دفاع همزمان از همه آن هاست . وهمچنین با امکان نابودی هسته ای که ماهیت سیاست قدرتمندانه بین المللی را کاملا دگرگون کرده است روبرو است . به نظر وی به دلیل امکان نابودی کامل طرفین در یک جنگ تمام عیار هسته ای ، آن ها به گسترش نیروهای سنتی خود که هزینه بسیار بیشتری دارد ، رو آورده اند . مجموع این خصوصیات سبب شده است که اگر روزی کشورهای مهم درگیرجنگ غیرهسته ای شوند ، وضعیت استراتژیکی ایالات متحده آمریکا سبب شود مثل اسپانیایی امبراتوری یا بریتانیای دورآن ادوارد هفتم ، مخاطراتی عظیم متوجه منافع این کشور در خارج از آن شود واین کشور هم به تنهایی قادر به دفاع همزمان از آن ها نخواهد بود وترک هر یک از آن ها هم خطرات بزرگ دیگری دارد .

2 . مشکلات آینده جهان خصوصاجهان غرب : پاول کندی برخی از مسایل را که مشکلاتی مشترک البته از وجوه مختلف در انتهای قرن بیستم برای بشر می آفریند ، بررسی می کند : انفجار جمعیت ، انقلاب بیولوژی ونتیجه بیکاری ، فقر ونگرانی میلیون ها کشاورز ، پشرفت ارتباطات و . . .

او نتایج این مشکلات و راهای مبارزه با آن با تقویت آن را نیز بررس می کند . روی هم رفته کار پاول کندی عمدتا بررسی

واقعیت است نه پیش بینی آینده البته نویسندگان دیگری هم در این مورد نظراتی دارند . مثلا دکتر احمد سیف معتقد است که دموکراسی های غربی ازجهان سوم دشمنانی دیو هیبت واهریمنی نشان می دهند از نظر رقابت ایدئولوژیک ، از نظر احتمال مهاجرت گسترده جنوب به شمال ، واز نظر تهدید نظامی وغیره تا خود موفق شوند به حالت بربریت برگردند .

ه) ساموئل هانتین گتون استاد دانشگاه هاروارد آمریکا که نظریه معروف برخورد رویاروی تمدن ها را پرداخته است ، خلاصه اندیشه وی از این قرار است :

1 . نقطه اصلی برخورد در جهان آینده نه ایدئولوژیکی است ونه اقتصادی ، بلکله فرهنگی است وبین تمدن ها صورت می گیرد

2 . حتی ممکن است در درون یک تمدن نزاع ها وبرخوردهای هم پدید آید ولی سرنوشت جهان را برخورد تمدن ها تعیین خواهد کرد .

3 . تمدن ، بزرگترین واحد عرصه بین الملل است ودرجهان کنونی هفت یا هشت تمدن بزرگ وجود دارد : تمدن غربی ، تمدن کنفوسیوسی ، تمدن ژاپنی ، تمدن اسلامی ، تمدن هندو ، تمدن اسلاوی- ارتدوکس ، تمدن آمریکای لاتین و احتمالا تمدن آفریقایی .

این تمدن ما وجوه اختلاف اساسی دارند : تاریخ ، زبان ، فرهنگ ، سنت ، واز همه مهم تر مذهب البته اختلاف لزوما به معنی درگیری ودرگیری مترادت باخشونت نیست . هر چند اقلب ، طولانی ترین وخشونت آمیزترین برخوردها بین تمدن ها بود ه است

4 . جهان در حال کونش و واکنش ، بین ملت های وابسته به تمدن های مختلف درحال افزایش ، و درنتیجه هوشیاری

تمدنی وآگاهی به وجوه اختلاف بین تمدن ها ووجوه اشتراک در درون هر تمدن در حال شدت یافتن است خودآگاهی تمدنی

5 . مذهب وفرهنگ ، هویت واقعی افراد را تشکیل می دهد وحل مسایل مربوط به آن از حل مسایل اقتصادی وسیاسی دشوارتر است وتمایزات مربوط به آن واقعی وغیر قابل تعویض یا معامله است .

6 . تمدن های کنفوسیوسی واسلامی در حال ارتباط وهمکاری با هم در برابر تمدن غرب برای برخورد با منافع ، ارزش ها وقدرت آن هستند . موضوعات همکاری وارتباط این دو با هم ، سلاح های هسته ای شیمیایی وبیولوژیکی ، موشک های بالستیک و ابزار پیشرفته پرتاب آن ها ، قابلیت های راهبری واطلاعاتی و دیگر امکانات الکترونیکی در این زمینه است و غرب می کوشد در قالب کنترل تسلیحات با آن مقابله کند .

این امر احتمالاً موجب درگیری بین غرب وچند کشور اسلا می- کنفوسیوسی در آینده بسیار نزدیک خواهد شد . در انتها وی به غرب اندرزهایی از قبیل همکاری ووحدت بیشترکشورهای غربی با هم ، افزایش قدرت خود وسازش با تمدن های دیگر وادامه رابطه با روسیه و ژاپن ، استفاده از تعارض های درون تمدن های دیگر و حمایت ازگروه های غربگرا در تمدن های دیگر و درک عمیق تر از ارزش ها و باورهای تمدن های دیگر و شناخت عناصر مشترک بین تمدن غربی وسایر تمدن ها و نیز تقویت نهادهای بین المللی تحت سلطه اش می نماید .

7 . از نظر هانتین گتون جهان معاصر پس ازجنگ سرد دو خصیصه دارد :

1 . درگذشته یک نظام بین المللی

چند قطبی پس از شکست ناپلئون مبتنی بر چارچوب غرب واروپا وجود داشت ، اکنون برای اولین بار در تاریخ ، سیاست های جهانی هم چند قطبی است وهم چند تمدنی هر یک یا چند قدرت بزرگ متعلق به یک تمدن هستند

2 . درجهان چند قطبی- چند تمدنی ، بی تردید غرب همچنان به صورت فائقه خواهد ماند ، ولی قدرت وجذابیت تمدن های دیگر در حال افزایش وعکس العمل بر ضد غرب هم در حال شکل گیری است . ولی در دراز مدت قدرت غرب نسبت به دیگر تمدن ها در حال کاهش است .

8 . مهم ترین منابع بی ثباتی درجهان معاصر عبارتند از :

الف : درجهان چند ملیتی- چند تمدنی ، بروز درگیری های قومی و قبیله ای در درون کشورها و جوامع امری کاملا بدیهی است .

ب : پویایی موجود درجهان اسلام در زمینه تجدید حیات اسلام که بنیادگرایی اسلامی صرفاً بخش کوچکی از آن است . احیای اسلام واکنشی است به مشکلات ناشی از نوسازی وتحول اجتماعی ، افزایش جمعیت ، شهری شدن مردم و از خود بیگانگی گسستن از سنت های بومی و نیز واکنشی است علیه قدرت غرب

ج : تحولات ژرف جاری در آسیای شرقی که پویاترین منطقه اقتصادی جهان است و چرخش قدرت از غرب به سمت کشورهایآسیایی بسیار بدیهی است وچین بازیگر اصلی درآسیاست ودر آینده این کشور پس از رشد اقتصادی سریع گستاخ تر وتوسعه طلب تر و مهاجم تر وامپریالیست تر خواهد شد .

9 . هانتین گتون جریان های دموکراسی شدن درجهان معاصر و آخرین مراحل آن وتغییر ساختارهای

حکومتی مختلف در نقاط متفاوت جهان وهمچنین تغییرات نهادها وسازمان های تشکیل دهنده هر یک ومیزان سازگاری آیین کنفوسیوس واسلام با دموکراسی را بررسی می کند ورهنمودهایی را نیز برای دموکرات شدن ذکر می کند وعلل میزان پیشرفت دموکراسی در جوامع را مورد تحقیق قرار می دهد .

واما از دیدگاه قرآن؛ قرآن کریم درباره سرانجام بشر ، دیدگاهی خوش بینانه دارد و در آن پایان دنیا ، پایانی روشن و سعادت آمیز دانسته شده است . عبودیت الهی در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی آن ، براساس برنامه ریزی خداوند و در چارچوب اصل اختیار واقع شده و غالب انسان ها از آن بهره مند می شوند .

آیات ناظر به آینده جهان ، بر عنصر خوش بینی در جریان کلی نظام طبیعت و طرد عنصر بدبینی درباره ، پایان کار بشر تأکید ورزیده ، به نوعی فلسفه تاریخ بر اساس سیرعمودی و تکاملی آن اشاره دارد .

از نگاه اسلام ، دین با پشت سرگذاشتن مراحل مختلف ، درکامل ترین شکل خود به بشر عرضه شده است و تمام نبوت ها و شرایع پیشین ، مقدمه شریعت ختمیه اند . در مجموع می توان نتیجه گرفت که دوره اسلامی ، همان دوره آخرالزمان است که تحقَق کامل دیدگاه مثبت اسلام ، درباره پایان تاریخ ، در عصر ظهور امام مهدی (ع) به وقوع خواهد پیوست .

آیه 55 سوره نور وَعَدَ آللهُ آلذِین أمنوا مِنکُنم وَعَمِلوا ألصالحا ت لیستخلفنهم فی الأرضِ کما استخلف الذین من قبلهمَ وَلیمکن لهم دینهم لهم دینهم الذیی ارتضی لهمَ ولیبلنهم من بعد خوفهم امنا یعبودوننی لا

یشرکون بی شیئا .

دلالت بر پایانی خوش برای جهان دارد .

1 . نشریه موعود شماره 10 ص 76

غرب و مهدویت

امروز به وضوح تلاش های ضد دینی دولت های غربی که به طرفداری از اومانیسم و انسان مداری که مأمور طرد و نفی تفکر خداگرایی و دین باوری در جوامع غربی است ، به بن بست رسیده و نسل رنسانس بی دین غرب که در چندین قرن پیش شکل گرفته است رو به انقراض است و ونسان مذهبی در غرب فراگیر می شود .

امروزه نشانه های بی شماری از رنسانس مذهبی در غرب دیده می شود که برخی از این گرایش ها را در بین فرقه های مسیحی می توان مشاهده کرد این نشانه های رنسانس مذمبی در غرب تنها درگرایش به کلیسا و دعا نیایش خلاصه نمی شود ، بلکه به دلیل رشد روز افزون و آگاهانه آن ، واکنش در برابراهانت به مقدسات را نیز نتیجه می دهد و سردمداران وحامیان اندیشه های ضد دینی را که دولت های غربی در راس آن قرار دارند ، در موضع ضعف می افکند نمونه های این بیداری را در اعتراض به نمایش فیلم های توهین آمیزی چون آخرین وسوسه های مسیح و . . . می توان دید (1)

از طرف دیگر امروزه هزاران گروه از فرقه های مذهبی بر این عقیده اند که هزاره بعدی ، زمان ظهور منجی آخرالزمان است . تد دانیلز اهل فیلادلفیا که دکترای خود را از دانشگاه پنسیلوانیا اخذ کرده و تحصیل کرده هاروارد است می گوید : در پی یک نظر خواهی انجام شده از

سوی هفته نامه یواس . نیوز این نکته روشن شده است که ، 61 درصد از آمریکایی ها بازگشت دوباره مسیح) ع (را به زمین باور دارند و 59 درصدآنها به آخرالزمان معتقدند و حتی 12 درصدآن ها آخرالزمان را برای چند سال آینده پیش بینی می کنند .

اگر چه از جهت فلسفی بین گروه ها و فرقه های گوناگون ، اختلافاتی وجود دارد ، اما دانیلز یک دور نمای اصلی را در همه آن ها یکسان می انگارد وآن همان طرز فکری است که بر اساس آن ها این اعتقاد وجود دارد که زمین به حالت اولیه اش باز می گردد و عدالت و یکرنگی بر همه جا حاکم می شود .

آن روز دیگر از بدبختی و جنگ خبری نیست این اندیشه همواره با ظهور قهرمانی که همه امور را مرتب می سازد همراه است . اما قبل از رسیدن به این نقطه ، باید جهان مصائبی چون طوفان های

عظیم ، فوران آتشفشان ها ، سقوط شهاب سنگها و حتی اپیدمی هایی چون ایدز را پشت سر بگذ ا رد .

از جمله دیگرگروه های فعال دراین رنسانس مذهبی گروها وفاداران به عهد ، هستند که به گفت بیل مک کارتنی مؤسس این گروه ، نباید انتظار نجات آمریکا را از سیاستمدارآنان داشت آنان نجات آمریکا را از خدا می خواهند و می گویند برانیم تا تحت تأثیر اراده خداوند جامعه خود را طبق نمونه دینی خود دوباره بسازیم . در این رنسانس مذهبی آن آیین و دینی که بیش از همه راهگشا و تغییر دهنده بوده و جبهه اهل

مبارزه با الحاد را تشکیل داده اسلام است .

در دنیای سرگشته امروز و در میان عطش روز افزون نیاز به مذهب و معنویت ، این اسلام است که در همه ابعاد پاسخگوی نیازهای فطری و اصیل بشری است و راه روشن و هموار اتصال به مبدأ وجود را فرا راه بشریت امروز قرار می دهد .

روزی برنارد شاو) فیلسوف برجسته انگلیسی صریحا به زنده بودن دین اسلام اعتراف کرده و اعلام نمود : من همیشه نسبت به دین محمد ، به واسطه خاصیت زنده بودن شگفت آورش نهایت احترام را داشته ام به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد .

من چنین پیش بینی می کنم و اکنون هم آثارآن پدیدار شده است ، که ایمان محمد مورد قبول اروپای فردا می باشد (2) .

وقتی برنارد شاو پیش بینی می کرد که آیین اسلام جهانگیر می شود و مورد قبول مردم اروپا قرار می گیرد و تنها اسلام است که می تواند مشکلات جهان را حل کند ، همه به اظهاراتش می خندیدند و بدون تحقیق و بی اعتنای ازکنارآن می گذشتند .

اما امروز حقیقت سخنان برنارد شاو و سایر متفکران آزاد اندیش برای مردم غرب آشکارگشته وگرایش روزافزون مردم به جهان اسلام ، نشانه بارزی است برای صحت پیش بینی های او .

امروزه کسانی که درآمریکا و اروپا به اسلام می گروند ، همان حقایقی را در می یابند که متفکران غربی آن را از ویژگی های

بزرگ اسلام و عامل نجات بشریت و پناهگاه امن معنوی برای انسان های سرگشته غربی معرفی می کنند یک تازه مسلمان شده آمریکایی می گوید : این آیین قادراست فشارهای جامعه بی بنیاد و مصرفی آمریکا را که متوجه افراد است ، برطرف کند . اسلام نه تنها یک دین بلکه یک شیوه درست زندگی نیز می باشد

یک آمریکایی آفریقایی تبار نیزکه تازه به اسلام گرویده است ، اسلام را یک دین جهانی می داند که میان ابنا بشر از لحاظ رنگ وپوست ونژاد فرقی قائل نیست . باآنکه مردم غرب شیفته اسلام شده اند و به طور روز افزون به این آیین حیات بخش می پیوندند ، دولت مردان و سیاست مداران غربی که تعالیم مقدس اسلام را با منافع نامشروع و قدرت طلبی های خود در تضاد می بینند ، با تبلیغات گسترده و مسموم خود سعی در ایجاد مانع و جلوگیری از استقبال مردم غرب از تعالیم اسلام دارند امروزه طرفداران نهضت جهانی اسلام ، باید بیش از هر زمان دیگر خود را مسئول پاسخگویی به نیازهای معنوی مردم غرب بدانند و با سازماندهی وگسترش تبلیغات همه جانبه خود ، از آثار سوء دستگاه های تبلیغی غرب بکاهند و جلوه های نورانی فرهنگ و معارف اسلامی را به بهترین وجه به روح های تشنه حقیقت عرضه بدارند (3) .

1 . روزنامه جمهوری اسلامی 23/5/73 ص101 .

2 . روزنامه جمهوری اسلامی 24/5/73 ص11 .

3 . نشریه موعود شماره 7ص64 .

هالیوود و مهدویت

جهان امروز جهان تصویر است و عمده ترین مصداق این تصویر سینماست . پستمن در کتاب

زندگی در عیش ، مردن در خوشی سه دوره را برای انتقال معلومات ذکر می کند .

دوره اول دوره انتقال معلومات به وسیله زبان بود پدر می گفت ، فرزند حفظ می کرد .

دوره دوم دوره مکتوب بود وکتاب ، حافظ و حامل معنا برای نسل بعدی شد . ایشان سومین دوره را دوره تصویر می داند که تصویر سینمایی و تلویریونی جای در موج قبلی نشسته است . واقعیت قضیه این است که ما در عصر تصویر و عصر سینما زندگی می کنیم و عنوانی که تحت عنوان دنیای اطلاعات و انفجار اطلاعات داریم ، عصاره اش تصویر است یعنی این اطلاعات جذاب ترین ، مؤثرترین ، کارآمدترین و ماندگارترین شیوه ابراز آن تصویر است . ما در شبانه روز بین 78 تا 79 درصد اطلاعات دریافتی روزانه را از چشممان به دست می آوریم و بقیه حواس ، درصد بعدی را به خود اختصاص می دهند .

طبق تحقیقاتی که طی 15 ، 10 سال گذشته صورت گرفته ، انسان با نیمکره راست مغزش با اطلاعات برخورد شهودی می کند یعنی در آن جا ماندگار است و بزرگترین و عمیق ترین تأثیرات را روی شخصیت انسان می گذارد مجموعه این قضایا تصویر را کارآمدترین عامل نه تنها برای انتقال معلومات ، بلکه تأثیرگذاری روی شخصیت و روان افراد قرار می دهد .

این مقدمه به نحوی بیانگر جایگاه تصویر و سینماست غرب در ذات تکنولوژیکی خودش تفوق طلب است فرانسیس بیکن در ابتدای رنسانس گفته که هدف نهایی علم ، قدرت است .

در چنین فضایی ، غرب برای اعمال این

قدرت وکسب مطامع بیشتر ، از تصویر بهترین استفاده را می کند هالیوود به عنوان مرکز فیلمسازی آمریکا در سال ، 70 فیلم تولید می کند و سالانه 15,16میلیارد دلار سود خالص دارد و نزدیک به 78 درصد سینماها و تلویریون های جهان از آن تغذیه می شوند .

الان مهم ترین کاری که می کنند این است که مبانی نظری خودشان راکه محصول ایده ها و اهداف شان است به زبان تصویر ترجمه کنند . بزرگترین ویژگی غرب ، ترجمه معنا به تصویر است . چون روانشناسی مدرن بیانگر این است که تأثیری که تصویر دارد هیچ کلامی ندارد و بحثی در روان مناسی داریم که هر تصویر معادل هزارکلمه است .

کار دیگر تصویر و سینما توأم درگیرکردن احساسات و ادراک است . سخنورها ادراک را مخاطب قرار می دهند و فیلم های بی محتوا ، احساس را و فیلم های هدفمند ، ادراک و احساس را با هم . در چنین قلمرویی احساس ، جذابیت را ، ادراک ، معنا پذیری را و جمع آن ها سینما را می سازد . در حقیقت واقعیت های جهانی و هالیوود و فرهنگ سازی آن بیانگر این است که غرب از سینما حداکثر استفاده را می برد ، چون برایش استفاده دارد ، لذا جایگاه ویژه ای هم دارد . آمریکایی ها فیلمی ساخته اند به اسم روز استقلال این فیلم از لحاظ جلوه های ویژه بسیار بالاست و خیلی هم در آمریکا مطرح شد و در جهان هم روی آن خیلی تبلیغ شد پیام آن این بود که آمریکا و نظام فرهنگی حاکم بر

غرب تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که وجود دارد حفظ می کند و این پیام را در اکثر فیلم ها ترویج و تبلیغ می کنند .

در فیلم پیشگویی های نوستر آداموس این آمریکاست که مقابل مسلمان ها می ایستد یا مثلاً بازی کامپیوتری خیلی مشهور یا مهدی که اسم اصلی اش persian gulf inferno جهنم خلیج فارس است ، خلیج فارس را مرکز حرکت های تروریستی جهان جلوه می دهد .

ما در بعد روانشناسی می گوئیم این بازی افراد را نسبت به امام زمان و لفظ یا مهدی شرطی می کند ، ولی وقتی باطن قضیه را نگاه می کنید می بینید پیام دیگری هم دارد و آن این است که وقتی خلیج فارس مرکز حرکت های تروریستی جهان می شود ، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس توجیه می شود .

غرب یکی از کارهایش این است که قبل از اینکه به عملیات گسترده دست بزند ، از طریق رسانه ها کار خودش را توجیه می کند در سال 2000 فیلمی داشتیم در هالیوود با عنوان ماتریکس matrix . این فیلم فروش و استقبال غیر منتظره ای داشت .

در این فیلم هویت انسان آینده که به ماشین تبدیل شده ، زیر سؤال می رود . اما نجاتی که برای فرار از این بحران ذکر می شود شهری است به اسم zoin صهیون یعنی شما در این فیلم پنج ، شش بارکلمه صهیون را می شنوید با اصطلاح لاتین آن و با چهره شهر منجی . یعنی تصویری که ارائه می شود این است که فقط یکجاست که در

آن جا می توانید نجات پیداکنید ، چه در قلمرو ماده و چه معنا و آن صهیون است . با توجه به مطرح بودن بحث آینده جهان در صحبت های اندیشمندان مختلف غربی نظیر هانتینگتون و فوکویاماو و مسأله آرماگدون armagddon یا نبرد آخرالزمان ، دیدگاه غرب نسبت به مسأله آخرالزمان مهم است .

اگر به تاریخ سینما مراجعه کنید از تقریبا 1964 ، 1965 سینما وارد مرحله جدیدی می شود که این مرحله توجیه کننده افزایش قدرت تسلیحاتی شرق و غرب است ، یعنی از آن موقع فیلم ها می روند سراغ بشقاب پرنده ها و موجودات فضایی مثل فیلم های جنگ ستارگان jourlocus که از همان موقع شروع شد .

بعد کشف شد که شرق و غرب که این فیلم ها را می سازند ، تعمد دارند . اگر انسان نسبت به یک قدرت فضایی بسیار قدرتمند ترسانده می شد ، تلاش در جهت افزایش قدرت تسلیحاتی شرق و غرب توجیه می شود و توجیه هم شد .

واقعیت این است که بحث آینده گرایی در غرب خیلی جدی است و به عبارتی جدی تر از فضای ما و علتش هم این است که ما با مسأله انتظار در بعد مذهبی ودینی خودمان روبرو می شویم و حضرت امام زمان (ع) در قلمرو دینی ما حضور دارد . اما در غرب ، بحث آینده نگری در تمامی ابعاد فوق العاده جدی است؟ به همین دلیل متفکران بخش مهمی از افکارشان را صرف این می کنند ، چون قلمرو علمی غرب بالاست .

غربی ها متوجه شدند که ما در اعتقادات

اسلامی یک منجی داریم که زمانی ظهور می کند و لذا سعی کردند که از این موضوع برای رسیدن به اهداف سلطه جویانه خود استفاده کنند . مستر همفر درکتاب خاطراتش ذکر می کند که چطور ما محمد علی باب را انداختیم در این فضا وگفتیم تو بابی و امام زمانی به نحوی نشان می دهد که غرب نسبت به تأثیر و اوج حضور این اندیشه در تمدن اسلامی شناخت پیداکرده است .

قبل از انقلاب اسلامی و فیلم نوستر آداموس هم غربی ها فعالیت هایی انجام داده بودند منتهی مسأله مهدویت پس از پیروزی انقلاب ایران برای این ها مطرح شد . این فیلم مربوط به سال های 80 و 81 میلادی است .

این فیلم را اورسون ول که فوق العاده معتبر بود در جهان سینما - و بنا به اعتبارش او را مفسر اشعار نوستر آداموس کردند ساخته بود .

مسأله امام زمان (ع) ، برای این ها مهم است . بعد بازی کامپیوتری یامهدی ساخته شد ، مقالات مختلفی نوشته شد ، فیلم های مختلفی ساخته شد ، منتهی از دهه نود سبک کار را عوض کردند . دیدند اگر بیایند امام زمان شیعیان را نفی کنند به نحو دیگری اثباتش کرده اند . چون در جهان این اتفاق وجود دارد که اگر چیزی را غرب نفی کند ، حتماً یک ارزشی دارد .

لذا در دهه 90 در فیلم هایی مثل صهیون آرماگدون یک بعد اثباتی برای آن طرف مطرح شد به جای بعد تخریبی این طرف . در سال 97 گاسپار وان برگر next war جنگ بعدی

را نوشت و بخشی از آن را اختصاص داد به اینکه در سال 99 شخصی در ایران به قدرت می رسد ، به اسم " محمد منتظری " که اسم اصلی امام زمان (ع) است . منتظری هم ، از انتظارگرفته شده و هیچ ارتباطی با شهید محمد منتظری حزب جمهوری اسلامی ندارد در فیلم نوسترآداموس هم می گوید مردی که نام آخرین پیامبر را با خود دارد ، دوشنبه را برای تعطیل برخواهدگزید .

می گوید ایشان به قدرت می رسد و دانشمندان ناراضی هسته ای شوروی را فرا می خواند و می گوید من به شما دلار می دهم ، اسلحه بسازید ، این ها یک اسلحه می سازند به اسم ذوالفقار که کره زمین را متلاشی می کند الان غرب روی تخریب مفهوم مهدویت در جهان کار می کند از یک طرف دارد مهدویت تخیلی خودش را ترویج می دهد ، ماتریکس می سازد zion را الان در استرالیا همزمان قسمت دوم و سوم ماتریکس را می سازند و حتما استعاره های صهیونیستی و مهدویت در آن نقش دارد (1)

1 . نشریه موعود شماره 25 و 26برگرفته ازگفت وگو با دکتر حسن بلخاری

آرماگدون

کلمه Armageddon هرمجدون واژه ای است اصلا یونانی که بنا به تعریف واژه نامه های آمریکایی همچون فرهنگ وبستر به معنی نبرد نهایی حق وباطل در آخرالزمان است .

همچنین این واژه نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا به آن چه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا ، در عهد جدید آمده است ، جنگی عظیم در آن جا رخ می دهد

ومرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می یابد . به عبارتی نبرد مذکور ، مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد .

حادثه شریف ظهور ، حادثه ای بزرگ است و قدرت های بزرگ جهان ، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می دهد جهت داده ونقشه های نظامی خود را به شکلی سامان داد که آمادگی های لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند . این در حالی است که مؤسسات دینی ورسانه های این دولت ها نیز ، مردم خود را برای پیشباز این حادثه آماده می سا زند .

این مؤسسات دینی به همراه رسانه های دیداری و شنیداری این دولت ها ، از سال های دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی به وقوع حادثه ای بزرگ در سرزمین شام که به نبردی هسته ای خواهد انجامید توجه داده اند .

این مؤسسات پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن از میلیون ها نظامی تشکیل یافته ، از عراق حرکت می کند وپس ازگذشتن از رود فرات که در آن زمان به خشکی گراییده است به سوی قدس رهسپار می شود .

اما نیروهای مؤمن به مسیح ، راه این لشکر را سد کرده و همگی در آرماگدون با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در این مکان است که درگیری اتفاق خواهد افتاد . صخره ها ذوب می شوند . . . دیوارها بر

زمین فرو می فرومی قلتند . . . پوست تن انسان ها در حالی که ایستاده اند ذوب شده و ملیونها نفر از بین می روند . وهسته ای است . سپس مسیح برای بار دوم از جایگاه بلند خود بر زمین فرود می آید وپس از چندی زمام رهبری جهان را در دست گرفته وصلح جهانی را برقرار می کند . او دولت صلح را بر زمین نو وزیر آسمانی تازه بنا می کند واین مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می سازد .

. یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه تلسن که در اکتبر سال 985 م . به نشر رسیده است نشان می دهد که در حال حاضر 61 میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون گوش خوابانده اند و این در حالی است که ذکر مؤسسات دینی و ایستگاه های رادیو تلویزیونی که به این مهم پرداخته اند در این مجال میسر نیست .

مؤسسات دینی آمریکایی این نکته را روشن ساخته اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد ، بنا به پیشگویی حرقیال فصل 38 و 39 از نظامیانی از عراق ، ایران ، لیبی ، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می شوند .

مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می سازد . . . و این واقعه ای بسیار نزدیک است ، به تبلیغ این دیدگاه پرداخته اند .

آرماگدونی که این عده از آن سخن می گویند ، همان حادثه عظیمی

است که پیش از ظهور مهدی (ع) رخ خواهد داد ، همان حادثه بزرگی که ائمه ما (ع) ، نام قرقیسیا را بر آن اطلاق کرده اند .

ائمه ما ، از این نکته خبر داده اند که میلیون ها نظامی از آمریکا ، اروپا ، روسیه , ترکیه ، مصر ودول مغرب عربی به اضافه سربازانی از سرزمین شام شامل کشورهای سوریه اردن ، لبنان ، فلسطین واسراییل همگی درناحیه ای در این محدوده تحت عنوان قرقیسیا با یکدیگر برخورد کرده وپس از حصول درگیری ، این سفیانی است که همگی را چونان کشتزاری درو شده درهم می کوبد و از صحنه نبرد پیروز بیرون می آید .

در صحیحه میسر از امام باقر (ع) نقل است که فرمود : ای میسرا از این جا تا قرقیسیا چقدر راه است عرض کردم : همین نزدیکی ها در ساحل فرات قرار دارد . سپس فرمودند : اما در این ناحیه واقعه ای اتفاق خواهد افتاد که از زمانی که خداوند متعال آسمان ها وزمین را آفریده بی سابقه بوده ، چنانکه تا وقتی آسمان ها وزمین برپا هستند هم ، واقعه ای همچون آن اتفاق نخواهد افتاد . . . سفره ای است که درندگان زمین وپرندگان آسمان از آن سیر می شوند . (1) امثال این روایات از امام صادق (ع) و سایر ائمه نقل شده است .

به هر حال مؤسسات دینی انجیلی آمریکا واروپا آن چه را روانشناسان گفته اند در قضیه بازگشت دوباره مسیح به زمین پس از حادثه آرماگدون ،

به کار بسته و به این گفته قائل اند که بی گمان امکان تحقق هر نوع پیشگویی در وهله نخست به ایمان مردم به آن وبه پافشاری شان بر ضرورت به کرسی نشستن آن وهمچنین به شمار نفرات آن ها وشمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیشگویی را بر عهده دارند .

1 . کافی ج 6 ص 295 غیبه نعمانی ص 267 .

غرب و آخر الزمان

امروزه یکی از مباحثی که در دنیای غرب ومسیحیت توجه بسیاری را به خود جلب نموده ، توجه به یکی از مباحث مسیحیت است که در رابطه با آخر الزمان و آمدن مسیح (ع) گفتگو می کند وموجب گشته تا کتب وفیلم های خاصی در زمینه مباحث آخر الزمان ، علایم آخر الزمان ، مکاشفات مختلف ، چگونگی حفظ خود ازگزند حوادث و وقایع وغیره ساخته ومنتشر شوند .

یکی از انتشاراتی که اخیرا در این زمینه به ویژه در زمینه تولید فیلم های ویدیویی ، فعالیت وسیعی را آغازکرده انتشارات آرماگدون است که خود را با عنوان بزرگترین کتابفروشی در زمینه کتب مربوط به نبوت ، مکاشفات وانجیل معرفی نموده است . جستجوی کامپیوتری در شبکه اینترنت ، فهرستی ازکتب وفیلم های ویدیویی تهیه شده در این زمینه را معرفی می نماید که نمونه هایی از این کسب و نوارهای ویدیویی را معرفی می نماییم :

ادر مورد بازگشت مسیح (ع) فیلم ویدیویی به روایت (ادوند پا ردوم) :
موضوع این نوار ویدیویی در رابطه با به پایان رسیدن هزاره دوم میلادی

ونگرشتن دقیق بشر به آینده مشکوک قرن بیست ویکم است .

عده ای از مردم ، پایان هزاره دوم را به عنوان سرآغاز جدیدی تصور می نمایند . کتاب آسمانی مسیحیان می گوید : مسیح زمانی می آید که شما انتظار آمدن او را ندارید ، و این چنین است که شمارش معکوس آغاز شده است و سؤالی که به ذهن وارد می شود این است که ما در چه زمانی از تاریخ واقع شده ایم؟

هشدار دو دقیقه ای زمین : این نوار ویدیویی مهیج وجنجالی شما را به کشف این مطلب

می رساند که چرا متخصصان وکارشناسان امور دینی و مکاشفات در غرب معتقدند که هشدار دو دقیقه ای زمین به گوش می رسد در این نوار شما می توانید نگاهی دقیق به روزگاران آشفته ای داشته باشید که ما درآن بسر می بریم وضمنا به شواهدی دست یابید که توضیح دهنده این مطلب است که ما در واپسین روز زندگی می کنیم . این نوار ویدیوبی بر اساس کتاب جان ویلر تهیه شده و روایت کننده آن نیز کاریل ماتریسیانا می باشد .

آخر الزمان دوران سختی : این نوار ویدیویی در سه کاست تهیه شده وبا این که به شیوه ای حرت ای تهیه شده است ، اما ازآن جاکه دربرگیرنده اطلاعات کمی وکیفی خاصی است که به حیات وبقای روحی وجسمی بشر در خلال دوران آشوب واضطراب آخر الزمان می پردازد ، بسیار حیرت آور است . اولین بخش از این نوار ویدیویی به بحثی جامع در رابطه با دوران قبل از آشوب واضطراب پرداخته واین مطلب را خاطر نشان می سازدکه

بشر برای رسیدن به آشوب واضطراب به دنیا نیامده است . اما دچار آشوب واضطراب شده وخوشی خود را از دست داده است . در این فیلم دیک آینزورت انسان را در زمینه این که چگونه خود را ازگزند حوادث دور ساخته و حفظ نماید ویا اینکه چگونه غذا تهیه نموده ، محصولات خودرا به بار آورد وخود را برای شرایط سخت آماده سازد ، راهنمایی می کند .

در بخش دوم وسوم این نوار به افراد آموخته می شود که چگونه وسایل ولوازمی را که به

طور روزمره دور می اندازند ، می توانند به عنوان ابزاری مفید مورد استفاده قرار دهند و همچنین به شما آموخته می شود که چگونه اجاق خورشیدی وابزار دیگری بسازید و آب به راحتی پیدا نمایید .

دلایل شگفت انگیز آیا خدا به راستی وجود دارد : این نوار ویدیویی نواری مستند است که شواهدی جدید و شگفت انگیز را که موجب اثبات خدا شده است ، ارایه می دهد . تهیه کنندگان این فیلم نظیر) پاول لالوند گرانت جفری ، دیو بریس ، دیو مانت وچووک میسار معتقدند که با دیدن این فیلم می توانید خود ودوستان نجات نیافته خود را به فلاح ورستگاری برسا نید .

مکاشفه : این فیلم نشان می دهد که در دوزخ خشونت ، حیله و نیرنگ) و در دنیای شهوانی امروز ، مردان وزنان با ایمانی وجود دارند که همه چیز را به نام خدا وبا استعانت از او می خواهند وآنان اهل مقاومت و بردباری وپایداری هستند . مدت این نوار ویدیویی 97 دقیقه است (1) .

1 . نشر مرعود شماره 16 ، ص66 .

مردان آخر الزمان

در روایات برای مردانی که در آخرالزمان دچار آسیب شده اند ، نشانه هایی ذکر شده است . معمولاً اسلام توقعش از مرد این است که حس غیرت دینی و مهابت الهی داشته باشد . روایات حاکی است که در سیمای مبارک خود امام زمان (ع) هم مهابت الهی وجود دارد . یعنی در چهره مبارک امام زمان (ع) در عین ملاحت و شیرینی ، نوعی مهابت و ترس الهی هم وجود دارد و ترکیبی از ملاحت و مهابت درآن دیده می شود . اما در آخرالزمان بنابرآن چه از روایات به دست می آید ، اگر شما در بین بیست مرد کمتر یا بیشتر ، چهره هایی را مورد ارزیابی و شناسایی قرار دهید ، نمی توانید کسی را پیدا کنید که در چهره اش هیبت و مهابت الهی و آثار ترس از خداوند وجود داشته باشد . اهل معصیت خیلی راحت در برابرشان مرتکب معصیت می شوند وآن ها هم هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهند

روایت دوم درباره نشانه ها و خصلت های منفی مردان آخر الزمان می فرماید یطیع الرجل زوجته و یعصی والدیه مردان دوره آخر الزمان از اطاعت و احترام والدین دوری می کنند ، در عین حال یک گرایش و اطاعت وپیروی صد درصد از همسران خود در رفتارشان دیده می شود .

باز روایت دیگر می فرماید : یکون الرَجل همه بطنه و قبلته زوجته و دینه دراهمه : مردانی وجود دارند که تمام همت و عزم شان برای پرکردن شکم

های شان است و اصلاً به فکر معیشت دیگران نیستند . همسران شان قبله آن ها می باشند قبلته زوجته گویا این زن ها خدای مردان خود شده اند و برای آن ها اطاعت از همسر ، اطاعت از خدا به حساب می آید و دین آن ها هم پولشان می گردد حتی برای آن ها مقدس ترین و مهم ترین مسئله پول و ثروت روایت دیگری از این حکایت می کند که مردان از مرد بودن خودشان خسته می شوند : لعن الله المخنثین من الرجال تعبیر روایت این است که این ها از صفات مردانه خود خسته شده و سعی می کنند که گرایش ها ، تمایلات و حالت های زنانه را در خودشان نمایان کنند . این گرایش ها ممکن است در حرف زدن ، آرایش و آراستگی ، طرز پوشش و یا تفکر باشد .

در نقطه مقابل هم حتی روایتی داریم که والمترجلات من النساء زنانی هم پیدا می شوند که این ها می خواهند خصوصیات مردان را در خودشان ایجاد کنند و مثل مردان شوند .

روایت دیگری می فرماید : یتسمن الرجال للرجال والنساء للنساء و یا یا یتمشط الرجل کما یتمشط المرأه لزوجها امَا یکی از آفت هایی که در دوره آخر الزمان برای مردان به وجود می آید این است که به جای آراستگی دست به آرایش می زنند . آراستگی با آرایش امر بسیار متفاوتی است .

یا در روایت دیگر می فرماید که : بعضی از مردها در دوره آخرالزمان خود را برای دیگران آرایش می کنند ، همانند نوعروسی که برای داماد آرایش

می کند آفت خطرناک تر ، این که در آخرالزمان یتنافس فی الرجل یغار علیه من الرجال یعنی در آخرالزمان باندهایی به وجود می آیند که طرفدار همجنس بازی هستند و در این راستا مردان ، هوسرانی های خودشان را به یکدیگر اختصاص می دهند .

روایت می فرماید که یتنافس فی الرجل یعنی ممکن است با هم رقابت داشته باشند و بعد می فرماید یغار علیه من الرجال یعنی ممکن است دو مرد بر سر مرد دیگری یا فرد دیگری ، با هم غیرت و حسادت داشته باشند و هر یک رقیب دیگری برای رسیدن آن فرد باشد (1)

1 . نشریه موعود شماره32 ص 31 .

هالیوود و آخر الزمان

هالیوود در واقع یک نام استعاری و نمادین است که برای مدیریت امپراتوری تصویری غرب انتخاب شده ، والا یک شرکت توریستی است در حومه شهر لوس آنجلس آمریکا .

منظور از هالیوود ، نظام مدیریتی حاکم بر پروژه های تصویری آمریکا به نحو اخص ومغرب زمین به نحو اعم است . در حقیقت اتاق فکری است که تعیین می کند ، کدام سوژه وکدام مفهوم ، دستمایه کار تصویری قرار بگیرد . رویکرد هالیوود به بحث آخرالزمان ، مثل دیگر رویکردهایش ناظر به فکر ، برنامه ریزی و اندیشه قبلی است هالیوود صرفاً ا ز این جهت که آخرالزمان سوره ناب ، بدیع ، جذاب و تماشاگر پسندی است سراغ آخرالزمان نرفته است ، بلکه مقاصدکاملاً جدی و نهفته ای در این رویکرد وجود داشته است اصولا آخرالزمان و پایان دنیا و باور این پدیده ، مبنی بر یک کهن الگوی مشترک بشری

است که در ضمیر ناخود آگاه ابنای بشر نهادینه شده است چگونه می توانیم بپذیریم که این دنیا ، همین طور پیش برود و به پایان نرسد و اصولاً ضمیر ناخود آگاه ما این را نمی پذیرد که دنیا بدون پایان باشد .

به همین دلیل برای این پایان ، دوست داریم که تصویر ارائه کنیم . قرائت های مختلفی را در حوزه هنر ، ادبیات وکسب دینی ، نسبت به آخر الزمان برای ما ترسیم کرده اند و در اساطیر ملل متعدد هم ، نقاط مشترکی که می توانیم بیابیم ، چند تا بیشتر نیست یکی از آن چند تا ، آغاز آفرینش و پایان عمر دنیا است . قصه ای که تقریبا در اکثر قریب به اتفاق اساطیر ملل یافت می شود و همین نشان می دهد که ما ناگزیریم به آخرالزمان به عنوان یک سوره مستتر در ضمیر ناخود آگاه جمعی بشر بپردازیم خصوصاً که اگر برای مخاطب ، بار محتوایی و معنایی و سیاسی هم داشته باشد و هالیوود در واقع ، با این رویکرد به سراغ آخرالزمان رفته است .

چون اولاً پدیده ای جذاب است آن چه که نیامده و پیشگویی می شود ، همیشه برای انسان جذاب است ، دیگر این که روایت های متعدد و متفاوتی نسبت به این یک پدیده می توانست اتخاذ کند و این تعدد روایت ما باعث می شد ، آن افکاری که اتاق فکر هالیوود تولیدکرده بود ، خیلی راحت و از طرق مختلف به مخاطب منتقل شود به نوعی موضوع آخرالزمان ، این پتانسیل را داشت که دستمایه اتاق فکر هالیوود

قرار بگیرد و در جهت تزویج غیر مستقیم مفاهیمی که به گونه ای صهیونیسم بین الملل پی جوی آن بود ، به کار رود از همان آغاز ، یهودیان به دلیل نفوذی که در هالیوود داشتند ، توانستند بسیاری از آموزه های توراتی را به فیلم های هالیوردی تشری دهند اصولا نگاه آخرالزمانی در هالیوود ، انواعی دارد که در نگره دینی ، عمدتاً توراتی است ا لبته در آثار هالیوود ، عامدانه ، رویکرد توراتی نسبت به آخرالزمان به کار می رود .

اگر چه شباهت هایی هم بین آخرالزمان تورات و انجیل هست ولی انگار قرار بوده است ، قرائت یهودی در نگره دینی هالیوود رعایت شود . همچنین نگاه به شیطان ، نگاه به فرشته ها ، نگاه به بهشت و دوزخ در سینمای هالیوود ، باز به گونه ای توراتی است حال آن که اصولا وقتی هالیوود به سمت قرائت و روایت دینی می رود ، عمدتاً از تورات تأثیر می پذیرد

واما اهداف غرب از طرح سینما ، آن چه اراده کند القا می کند و بیننده هم این تأثیر

را می پذیرد و قبول می کند) مگر بینندگان خیلی خاص (بدیهی است که غرب از این ظرفیت استفاده می کند خصوصاً در شرایطی که تمام لوازم این صنعت را در اختیار داشته باشد . طبیعتا اهدافی که نظام استکباری غرب دنبال می کند ، در سینمای او نیز منعکس می شود . فرهنگ غرب در ذات خود ، کاملا - مهاجم و سلطه گر است و سینما هم در همین راستا تعریف می شود و اهداف هالیوود چندان

از غایات نظام غرب دور نیستند . ما در فیلم های هالیوودی ، انواع آخر الزمان را شاهد هستیم آخرالزمان تکنولوژیک ، آخرالزمان طبیعی ، آخرالزمان متافیزیک ، آخرالزمان اسطوره ای و . . . مثلا آخرالزمان اسطوره ای ، آخرالزمانی است که در آن ، موجوداتی و مفاهیمی از اعماق افسانه و از آن سوی تاریخ ، از دنیای افسانه ها و اساطیر ملل سر بر می آورند و در شرایط کنونی ، خطر ساز می شوند و تقابل آن هاست که وقایع آخرالزمانی را ایجاد می کند .

در نگاه هالیوودی ، اسلام به صورت یک خطر ما قبل تاریخی ، یک خطر قدیم و باستانی از دیان تخم های هیولاهای باستانی در یک فضای مرموز ومدهوش متولد می شود . آزاد می شود و به صورت یک موجود مهاجم بیگانه در می آید و نهایتا نسل بشر را نابود می سازد . این موجود بیگانه ، حتی خونش هم خطرناک است و اگر خونش را بریزی ، با نیروی مخرب نهفته در خون خود ، همه چیز را نابود می کند . این مسأله ما را یاد چه می اندازد؟ در اسلام ، حتی خون هم می تواند بر شمشیر غلبه کند و به گونه ای بر رقیب لطمه بزند .

فرهنگ شهادت و استشهاد ، همیشه کابوس دنیای غرب بوده است . خط شیر فیلم های هالیوودی ، از پیچیده گویی به سمت صراحت است . فیلم معروف مردی که فردا را دید که بازیگر معروف سینما اورسن ولز تک گویی و پلاتوهای آن را اجرا کرده بر مبنای پیشگویی های

نوستر آداموس خط آخرالزمانی مسلمانان را گوشزد می کند و به نوعی شخصیت آخرالزمان منجی مسلمانان را به عنوان دجال غرب نشان می دهد و این که ، این همان آنتی کرایست معروف است که می آید و دنیا را با خطر مواجه می کند .

به تدریج از دهه نود به این سو ، فیلم ها ، صراحت لهجه پیشه کردند و مسلمین را جناح باطل آخرالزمان و رهبر آنان را آنتی کرایست نشان دادند (1)

1 . نشریه موعود شماره 37 ص 12 برگرفته ازگفت وگو با مجید شاه حسینی .

ادعای مهدویت

متمهدی

به کسی گویند که ادَعای مهدویت و مهدی بودن کند . این قبیل افراد در طول تاریخ ، کم نبوده اند .

ادعای مهدویت

در طول تاریخ اسلام افراد بسیاری ادعای مهدویت کرده اند و شاید شماره مدعیان مهدویت در اسلام کمتر از مسیحیت نباشد .

در این باره دارمس ته ترخاورشناس فرانسوی ، هنگام بحث درباره ظهور وقیام محمد احمد متمهدی سودانی ، چهار ماه قبل از مرگ نابهنگام متمهدی ، ضمن اعتراف به اصالت عقیده منجی بزرگ می گوید : . . . در این دنیا به ویژه در جهان اسلام ، تاریخ با چنان وضع غریبی تکرار می شود که اگر سرگذشت متمهدی های گذشته را برای شما نقل کند ، مثل این است که تاریخ ماضی وحال و آینده مهدی امروزی را بیان کرده باشند

متمهدی امروزی ، در نوع خود نمونه نخستین نیست که ظهورکرده است و مسلماً آخرین نفر هم نخواهد بود . مدعیان مهدویت بسیار بوده اند وبعد از او نیز خواهند بود . تاریخچه نفوذ این مردمان ونوید دادن ، وکامیابی آنان ونومیدی که ناچار در آخرکار رخ می دهد مکرر در عالم اسلام رخ نشان داده وبعد از این هم مکرراً هویدا خواهد شد . ظهور مهدی را ازنخستین

ایام پیدایش اسلام النتظار داشته اند وتا زمانی که یک نفر مسلمان باقی باشد ، مهدی ها ظهور خواهند کرد . (1)

ابن خلدون808 -732 ه 0 ق با توجه به زمینه تب مهدی پرستی وگرم بودن بازار مهدویت در عصر خود ، در شش قرن پیش می نویسد : این است که غالباً بسیاری ازکم

خردان ، ریاکارانه ، برای تبلیغ و دعوت بدان جایگاه می شتابند و خیالات پوچ و احمقانه ای در سر می پرورند که به منظور خویش نائل آیند ودعوت خود را به کمال رسانند ، در حالی که بیشتر آنان جان خود را در این راه از دست داده وبه قتل رسیده اند (2)

چون در عصر ابن خلدون نظر به شرایط خاصی که در جهان اسلام پیش آمده وتب مهدی پرستی بالا گرفته بود ، افراد فرصت طلب برای پیشبرد اهداف خود از عنوان مهدی موعود استفاده میکرده اند ، لذا ابن خلدون به خاطر سوء استفاده از این حقیقت ، به خود عقیده نیز ، بی اعتقاد شده و در صحت احادیث شبهه کرده است .

تا هنگامی که مهدی موعود قیام نکرده است ، همواره اشتیاق به برترین رهبر و منجی بزرگ ، قلب توده ها را مالامال خواهد کرد وتا این آشتیاق هم دامنگیر توده هاست ، همواره مدعیان دروغین ، ایفای نقشی چنین بزرگ نیز خواهند کرد ، نهایت هر روز به شکلی ودر میان هر قومی به اسمی .

1 . مهدی دارمس ته تر ، ترجمه محسن جهانسوز ، ص 3 .

2 . مقدمه ابن خلدون ج 1ص 641 ترجمه گنابادی .

استکبار جهانی و مهدویت

هزاره گرایی

هزاره گرایی (millennialism) میراث قدیم ادیان است که امروزه در جوامع مسیحی رواج یافته و در آینده نزدیک ، شاهد آثار و نتایج آن خواهیم بود .

این آرمان در یهودیت بسیار اوج گرفت و در مسیحیت - به ویژه در حدود سال 1000 میلادی - به نهایت اوج خود

رسید .

اکنون هزاره گرایی در جهان مسیحیت بیداد می کند و شور و التهاب این آرمان در آن جوامع بدان پایه است که پژوهشگران علوم اجتماعی و رسانه های جمعی گاهی از آن به عنوان سندرم 2000 و جنون هزاره ای یاد می کنند . این آرمان خاص مسیحیت نیست و نشانه هایی از آن در اسلام و ادیان دیگر وجود دارد .

دائره المعارف بین المللی علوم اجتماعی در مدخل (millennialism) می نویسد : واژه لاتینی millennialism ، و معادل یونانی آن chilias در لغت به معنای یک دوره هزار ساله است . سنت هزاره بر ادبیات مکاشفه ای یهود وکتاب مکاشفه یوحنا استوار است .

بر اساس آن سنت ، مسیح پس از اینکه بار دیگر به شکل یک جنگاور آشکار می شود ، بر ابلیس پیروز خواهد گردید و او را در بند خواهد کرد . آنگاه ملکوت خدا را پدید خواهد آورد و شخصاً به مدت 1000 سال حکم خواهد راند . قدیسانی که در ایمان ثابت مانده و جان بر سرآن نهاده اند ، از خاک برمی خیزند و در پادشاهی او به کهانت می پردازند .

در پایان این دوره ، شیطان تا چندی آزاد خواهد ماند و سرانجام کشته خواهد شد . آنگاه رستاخیز همه مردگان ، واپسین داوری و آخرین رستگاری فرا خواهد رسید .

هزاره گرایی تا اندازه ای به پیشگویی های مربوط به آینده جهان ارتباط دارد و در جستجوی پاسخی برای سرنوشت انسان و جهان است .

واما هزاره مسیحی : کتاب مکاشفه یوحنا از اعداد و ارقام سخن گفته است

و دو عدد بسیار معروف در آن یافت می شود : 1000 و ، 666 .

به گفته آن کتاب ، حضرت عیسی (ع) شیطان را دربند می کند و مدت هزار سال با قدیسان خود و شهیدان آغاز مسیحیت که تعدادشان بسیار است ، سلطنت می نماید . آن گاه شیطان اندکی آزاد می شود شیطان برای جنگ با نیکان و تسخیر شهر قدس لشکرگرانی را فراهم می کند ، ولی وی و سپاهش به اراده خدا نابود می شوند .

این مسأله روشن بعدا تفسیرهای مختلفی گرفت . مثلأ گروهی گفتند سلطنت هزار ساله حضرت عیسی مسیح (ع) ، به بهشت مربوط می شود زیرا شیطان به آن جا راهی ندارد . درباره تقدم و تأخر این رویدادها نیزگرایش های گوناگونی پدید آمد که مکتب های پیش هزاره پس هزاره و نفی هزاره از آن جمله است .

هزاره گرایی همراه انتظار موعود ، از یهودیت به مسیحیت سرایت کرد و به علت ناتمام ماندن رسالت حضرت عیسی مسیح (ع) در مسیحیت ادامه یافت . (1)

1 . نشریه موعود ش 19 ص 14

استکبار جهانی و مهدی باوری

نظام سلطه جهانی وجبهه استکبار برای استمرار بخشیدن به نفوذ وتسلط وحفظ منافع نامشروع خود ، با دقت فراوان ، امکانات ونقاط قوت جهان اسلام را زیر نظر دارد تا آن ها را به دقت شناسایی کرده و نابود سازد .

یکی از این نقاط قوت ، اندیشه رهایی بخشِ " مهدی باوری " است که درخط مشی مبارزاتی امت مسلمان از جایگاه استراتژیکی برخوردار است . از این رو استکبار

جهانی ، سناریوهای متعددی را جهت تضعیف ونابودی این اندیشه مقدس طراحی کرده و متناوباً به اجراگذارده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم :

1 . دخالت مستقیم و حمایت از پروسه شخصیت پردازی و مهدی تراشی : حمایت خائنانه استعمارگران وجبهه استکبار از مدعیان مهدولت مانند مهدی الصومال در آفریقا ، سید علی محمد باب ، حسینعلی بهاء وسید محمد نوربخش در ایران ، میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان ، سید محمد جونپوری در هند ومحمد بن عبدالله القحطانی در حجاز ، به خوبی روشنگر اهداف شوم وپلید آنان است

2 . تخریب پایه های فکری مهدی باوری از طریق ژست های علمی وبه ظاهر شرق شناسی : نظام سلطه زیر نقاب شرق شناسی ، سربازان صلیبی خود مانند فان فلوتن ، گلدزیهر یهودی ، ولهوسن پروکیلمن ودونالد سن را با نام مستشرق ، راهی کشورهای اسلامی کرد تا شاید از طریق شبهه سازی وتردید افکنی ، اذهان افراد غیر متخصص وغیر آشنا با مبانی دقیق اسلامی را مشوب سازند که متأسفانه در این باب به توفیقاتی هم نایل شدند واسلام گرایانی چون) احمد امین (و محمد رشید رضا را به این دام کشیدند .

3 . پرورش و حمایت از خودباختگان سرسپرده داخلی : کوته فکرانی چون احمد کسروی ، شریعت سنگلجی ، سلمان رشدی و احمد الکاتب طعمه های خوبی بودند که استکبار جهانی آنان را به راحتی یا اعطای مدال های نویسنده آزاد اندیشه ، متفکر منصف وپژوهنده روشنفکر به دام خود بکشند وبه آنان گوشزد کنند که هر لقب وعنوان در برابر یک ضربه

به اصول وباورها یا دهن کجی به مفاخر وارزش ها ، نصیب شان خواهد شد

4 . انتشار تبلیغات مسموم رسانه ای : مانند ساخت سریالی به نام نوسترا داموس که به مدت سه ماه متوالی از شبکه تلویریونی آمریکا پخش شد و هدف از آن به تصویرکشیدن چهره ای خشن وگرفتارِ جنون قدرت از مهدی موعود) نستجیر بالله (وتحریک عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن بود . تحریف اندیشه ناب مهدویت از طریق ارایه مقالات به ظاهر تحقیقی درکتب معتبر (1)

1 . درانتظار ققنوس ص 309 .

آسیب شناسی تربیتی و مهدویت

انحصار گرایی و کسرت گرایی

انحصار گرایی و کسرت گرایی : انحصارگرایی یعنی اعتقاد به حکومت عدل مهدی (ع) ، موجب تحریمِ هر حکومتی- حتی عدل- پیش از آن گردد ، که متأسفانه این دیدگاه عملاً در میان برخی از معتقدان به مهدویت آشکار شده است ، واین که هر حکومتی قبل از حکومت مهدی (ع) طاغوت است ، فهمی آسیب زا از مهدویت است ، چون پیامد عمليِ چنین فهمی ، عدم تلاش برای برقراری حکومت عادلانه پیش از ظهور است وحاصل عملی آن ، تمکین نسبت به هرگونه حکومت جور پیشه خواهد بود .

در مقابل ، کثرتگرایی نیز قطب دوم اسیب است . کثرتکرایی به مفهوم برابر دانستن طریقه های مختلف می تواند به این نتیجه منجر شود که هر وضع موجودی ، شروع تلقی شود و بالاخره کثرتگرایی به تجویز هر حکومتی ختم خواهد شد . (1)

1 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 33 .

خرافه پردازی و راز زدایی

خرافه پردازی و راز زدایی : خرافه پردازی یعنی حقایق ماورای طبیعی دین ، دست خوش عوام زدگی گردد وبستر مناسبی برای خرافه پردازی فراهم آید وعده ای داعیه رؤیت حضرت در خواب وبیداری کنند هر چند امکان این امر ، در اصل منتفی نیست .

راز زدایی هم یعنی امور ، مانند اموری طبیعی نگریسته شوند ورد پای هر امر ماورای طبیعی در آن ها محوگردد مانند ابن خلدون که معتقد است مراد از ظهور مهدی (ع) ، پیدایش حکومتی مبتنی بر اتحاد قبایل سادات اطراف مدینه و حجاز است .

کمال گرایی

کمال گرایی (غیر واقع گرا) و سهل انگاری : این که کمال گرایی چگونه در عرصه تربیت مهدوی آشکار می گردد ، زمینه این امر آن است که مهدی (ع) عهده دار رسالتی سترگ است واین رسالت ، جز با یارانی نستوه به انجام نمی رسد .

در نظر بودن چنین غایت بلندی در مسأله مهدویت ، زمینه ساز آسیب تربیتی کمال گرایی می گردد . مربیان ، بدون توجه به وسع فهمی وعملی افراد ، آنان را از همان ابتدا به فتح این قله عظیم می خوانند ، لذا فرد از همان آغاز از مقصد ومقصود اِعراض می کند .

در نقطه مقابل کمال گرایی ، سهل انگاری است یعنی جایی برای مهدویت ، در ذهن وضمیر فرد فراهم نمی آید وسهل انگاری نسبت به مهدویت در تربیت دینی ، به منزله از دست نهادن این تأثیر عظیم تحول بخش در شخصیت افراد است .

مرید بروری و تکروی

مرید بروری و تکروی : مرید پروری صورتِ تحریف شده امامت است ، یعنی افراد ، امامان را چنان بستایند که گویی آنان ، منشأ اولیه حق و حقیقت اند محب غال افراطی گری آنان در این است که امام را از حد خوبش فراتر می برند واو را به مقام الوهی برمی کشند ، در حالی که حضرت ، کارگزار و فرمانبر خداست .

قطب دوم آسیب ، تکروی است " یعنی نفی امامت یا تعمیم امامت . در حالت تکروی ، فرد تربیت شونده در حد خود محدود می شود واز بهره جستن از نمونه ها والگوهای برجسته باز می ماند

حصار بندی و حصار شکنی

حصار بندی و حصار شکنی از آسیب های تربیتی مهدویت است .

برخی معتقدند پیروان حق ، باید بریده وبرکنار از پیروان باطل ، انتظار بکشند تا لحظه وقوع واقعه فرا رسد .

در این تصور ، دوران غیبت به مثابه اتاق انتظار است که باید در آن ، به دورازاهل باطل نشست ومنتظر بود تا صاحب امر بیاید وکار را یکسره کند . تنها تلاش افراد در این جا برای دور نگاه داشتن ومصون داشتنِ خود ودیگران ، از اهل باطل است . این آسیب ازکج فهمی نسبت به مهدویت نشأت گرفته است چون اگر مهدویت ، ناظر به قلبه نهایی حق بر باطل است ، باید این قلبه را در پرتو قانون کلی چالش میان حق و باطل فهم کرد . در چالش با باطل است که حق قالب می گردد . حصارشکنی هم از آسیب هاست .

در حصار شکنی هر مرزی را بر می دارند و بی مرزی

را حاکم می کنند . نمونه این بی مرزی و التقاط در عرصه مهدویت ، آن است که کسانی معتقد شوند ، مهدی (ع) اسم خاصی برای فرد معینی نیست ، بلکه نمادی کلی برای اشاره به چیرگی نهایی حق وعدالت بر باطل وبیدادگری است ومصداق این نماد می تواند هرکسی باشد .

قشری گری و عقل گرایی

قشری گری و عقل گرایی : قشری گری در دین ، مانع فهم عمق معارف دینی می گردد واز این رو ، بستری برای رشد کج فهمی وانحراف وبدعت است مانند خوارج که در زمان حضرت علی (ع) حاضر نشدند بر ورقهای کاغذین قرآن تعرض کنند .

در دوران غیبت هم ، قشری بودن افراد ، آنان را به تعبیرهای نادرست از احکام دینی خواهد کشاند چنان که هنگام ظهور حضرت ، سخنان او و احکام دینی که او مطرح می سازد ، در نظر مردم ، جدید و ناشناخته است .

از سوی دیگر ، عقلکرایی نیز یکی دیکر از ورطه های لغزش است یعنی این که انسان در عرصه دین ، همه چیز را پس از اثبات قطعی عقل بپذیرد . چنین تصوری نه با واقعیت عقل هماهنگ است ونه با تربیت دینی .

گسست و دنباله روی

گسست و دنباله روی : هنگامی که مباحث ومطالب مربوط به مهدویت ، به زبانی مهجور مطرح گردد یا با مسائل ومباحثی که نسل جدید با آن ها درگیر است ارتباط نیابد ، گسست رخ می دهد .

در نقطه مقابل ، قطب آسیب زای دیگر ، دنباله روی نسل پیشین نسبت به نسل جدید است که می تواند در عرصه مهدویت به دو شکل آشکار شود : اول سخن نگفتن از آن ، به سبب این که به ذائقه نسل جدید ، خوش نمی آید ، دوَم فروکاستن مهدویت به شکل های رایج حکومت ، مانند دموکراسی .

هیچ یک از دو روش مطلوب نیست . پس کسانی که مسأله مهدویت را در جریان تربیت

دینی مطرح می کنند ، باید هم تناسب وهماهنگی آَن را با ذهن وزبان نسل جدید بازشناسی کنند وهم مراقب باشندکه آن را به امیال و آرای رایج آنان فرو نکاهند .

آسیب شناسی تربیتی مهدویت

مهدویت تنها مسأله ای اعتقاد نیست ، بلکه بعد تربیتی نیز دارد .

هنگامی که ما مشخص می کنیم بر اساس متون روایی ، اعتقاد به وجود و ظهور مهدی (ع) ضروری است ، مجموعه دانشی را برای افراد فراهم نموده ایم .

امَا هنگامی که این مجموعه ، به همراه خود ، تحولات هیجانی ، عاطفی وعملی معینی را ایجاد می کند که ضمن آن ، افراد می کوشند خود را برای یاوری امام مهدی (ع) مهیا سازند ، چهره تربیتی مهدویت آشکار می گردد . وقتی به جنبه تربیتی مهدویت واقف شدیم ، باید آسیب شناسی تربیتی مهدویت را مورد تأمل قرار دهیم :

1 . حصار بندی و حصار شکنی از آسیب های تربیتی مهدویت است . برخی معتقدند پیروان حق ، باید بریده وبرکنار از پیروان باطل ، انتظار بکشند تا لحظه وقوع واقعه فرا رسد . در این تصور ، دوران غیبت به مثابه اتاق انتظار است که باید در آن ، به دور از اهل باطل نشست ومنتظر بود تا صاحب امر بیاید وکار را یکسره کند .

تنها تلاش افراد در این جا برای دور نگاه داشتن ومصون داشتنِ خود ودیگران ، از اهل باطل است . این آسیب ازکج فهمی نسبت به مهدویت نشأت گرفته است چون اگر مهدویت ، ناظر به قلبه نهایی حق بر باطل است ، باید

این قلبه را در پرتو قانون کلی چالش میان حق و باطل فهم کرد . در چالش با باطل است که حق قالب می گردد . حصارشکنی هم از آسیب هاست .

در حصار شکنی هر مرزی را بر می دارند و بی مرزی را حاکم می کنند . نمونه این بی مرزی و التقاط در عرصه مهدویت ، آن است که کسانی معتقد شوند ، مهدی (ع) اسم خاصی برای فرد معینی نیست ، بلکه نمادی کلی برای اشاره به چیرگی نهایی حق وعدالت بر باطل وبیدادگری است ومصداق این نماد می تواند هرکسی باشد .

2 - کمال گرایی (غیر واقع گرا) و سهل انگاری : این که کمال گرایی چگونه در عرصه تربیت مهدوی آشکار می گردد ، زمینه این امر آن است که مهدی (ع) عهده دار رسالتی سترگ است واین رسالت ، جز با یارانی نستوه به انجام نمی رسد .

در نظر بودن چنین غایت بلندی در مسأله مهدویت ، زمینه ساز آسیب تربیتی کمال گرایی می گردد . مربیان ، بدون توجه به وسع فهمی وعملی افراد ، آنان را از همان ابتدا به فتح این قله عظیم می خوانند ، لذا فرد از همان آغاز از مقصد ومقصود اِعراض می کند .

در نقطه مقابل کمال گرایی ، سهل انگاری است یعنی جایی برای مهدویت ، در ذهن وضمیر فرد فراهم نمی آید وسهل انگاری نسبت به مهدویت در تربیت دینی ، به منزله از دست نهادن این تأثیر عظیم تحول بخش در شخصیت افراد است .

3 . گسست و

دنباله روی : هنگامی که مباحث ومطالب مربوط به مهدویت ، به زبانی مهجور مطرح گردد یا با مسائل ومباحثی که نسل جدید با آن ها درگیر است ارتباط نیابد ، گسست رخ می دهد .

در نقطه مقابل ، قطب آسیب زای دیگر ، دنباله روی نسل پیشین نسبت به نسل جدید است که می تواند در عرصه مهدویت به دو شکل آشکار شود : اول سخن نگفتن از آن ، به سبب این که به ذائقه نسل جدید ، خوش نمی آید ، دوَم فروکاستن مهدویت به شکل های رایج حکومت ، مانند دموکراسی . هیچ یک از دو روش مطلوب نیست . پس کسانی که مسأله مهدویت را در جریان تربیت دینی مطرح می کنند ، باید هم تناسب وهماهنگی آن را با ذهن وزبان نسل جدید بازشناسی کنند وهم مراقب باشند که آن را به امیال و آرای رایج آنان فرو نکاهند .

4 . مرید بروری و تکروی : مرید پروری صورتِ تحریف شده امامت است ، یعنی افراد ، امامان را چنان بستایند که گویی آنان ، منشأ اولیه حق و حقیقت اند محب غال افراطی گری آنان در این است که امام را از حد خوبش فراتر می برند واو را به مقام الوهی برمی کشند ، در حالی که حضرت ، کارگزار و فرمانبر خداست .

قطب دوم آسیب ، تکروی است یعنی نفی امامت یا تعمیم امامت . در حالت تکروی ، فرد تربیت شونده در حد خود محدود می شود واز بهره جستن از نمونه ها والگوهای برجسته باز می ماند .

5 قشری

گری و عقل گرایی : قشری گری در دین ، مانع فهم عمق معارف دینی می گردد واز این رو ، بستری برای رشد کج فهمی وانحراف وبدعت است مانند خوارج که در زمان حضرت علی (ع) حاضر نشدند بر ورقهای کاغذین قرآن تعرض کنند . در دوران غیبت هم ، قشری بودن افراد ، آنان را به تعبیرهای نادرست از احکام دینی خواهد کشاند چنان که هنگام ظهور حضرت ، سخنان او و احکام دینی که او مطرح می سازد ، در نظر مردم ، جدید و ناشناخته است .

از سوی دیگر ، عقلکرایی نیز یکی دیکر از ورطه های لغزش است یعنی این که انسان در عرصه دین ، همه چیز را پس از اثبات قطعی عقل بپذیرد . چنین تصوری نه با واقعیت عقل هماهنگ است ونه با تربیت دینی .

6 خرافه پردازی و راز زدایی : خرافه پردازی یعنی حقایق ماورای طبیعی دین ، دست خوش عوام زدگی گردد وبستر مناسبی برای خرافه پردازی فراهم آید وعده ای داعیه رؤیت حضرت در خواب وبیداری کنند هر چند امکان این امر ، در اصل منتفی نیست .

راز زدایی هم یعنی امور ، مانند اموری طبیعی نگریسته شوند ورد پای هر امر ماورای طبیعی در آن ها محوکردد مانند ابن خلدون که معتقد است مراد از ظهور مهدی (ع) ، پیدایش حکومتی مبتنی بر اتحاد قبایل سادات اطراف مدینه و حجاز است .

7 انحصار گرایی و کسرت گرایی : انحصارگرایی یعنی اعتقاد به حکومت عدل مهدی (ع) ، موجب تحریم هر

حکومتی- حتی عدل- پیش از آن گردد ، که متأسفانه این دیدگاه عملاً در میان برخی از معتقدان به مهدویت آشکار شده است ، واین که هر حکومتی قبل از حکومت مهدی (ع) طاغوت است ، فهمی آسیب زا از مهدویت است ، چون پیامد عملیِ چنین فهمی ، عدم تلاش برای برقراری حکومت عادلانه پیش از ظهور است وحاصل عملی آن ، تمکین نسبت به هرگونه حکومت جور پیشه خواهد بود .

در مقابل ، کثرتگرایی نیز قطب دوم اسیب است . کثرتگرایی به مفهوم برابر دانستن طریقه های مختلف می تواند به این نتیجه منجر شود که هر وضع موجودی ، شروع تلقی شود و بالاخره کثرتگرایی به تجویز هر حکومتی ختم خواهد شد . (1)

1 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 33 .

اعتقاد به منجی

عقیده به منجی بزرگ ، یک عقیده عمومی ومشترک است واختصاص به یک قوم وملت و دین ندارد .

ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می کنند ، عموما ظهور اورا خبر داده اند ، اگر چه دراسم او اختلاف دارند .

انتظار فرج و اعتقاد به موعود یک اشتیاق و میل باطنی است ، اسلام و ادیان دیگر نیز با وعده ظهور منجی بزرگ این خواسته و شوق درونی را بی پاسخ نگذاشته و این خواسته نیز مانند دیگر خواسته ها در شرایط گوناگون ، کم و زیاد و شدت و ضعف پیدا می کند .

آشفتگی اوضاع و نا امنی حاصل از آن وفشار وتبعیض و ستم در جامعه ، عقیده به ظهور منجی بزرگ را تشدید

می نماید . آن چنان این شوق دیرینه وانتظار در لحظات فشار واختناق ، تبدیل به التهاب سوزان و نیاز شدید می شود ، و خرمن اشتیاق توده ها را برای ظهور واپسین منجی ومهدی موعود شعله ور می سازد که افراد فرصت طلب ، از پریشانی توده ها سوء استفاده کرده و به دروغ ادعای مهدویت می نمایند . لذا در هر زمانی که فشارها ومحرومیت های اجتماعی ، سیاسی واقتصادی وغیر آن بالا می رود ، جاذبه ووسوسه رهبری نیز افراد بسیاری را به خود مشغول می دارد وچه بسا افرادی که جان خویش را بر سرِ این سودا می نهند .

البته این شرایط ممکن است باعث بالا رفتن تب منجی پرستی در جامعه بشود وافرادی هم از این فرصت سوء استفاده کرده ، ادعای مهدویت بنمایند ، ولی این موضوع هرگز به اصالت این عقیده لطمه نمی زند . پس اصالت مسأله مهدی وجهانی بودن آن روشن می شود ومعلوم می گردد که این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد ، بلکه پیروان همه ادیان در انتظار چنین مصلح جهانی به سر می برند .

این اعتقاد و اشتیاق در میان یهود و نصاری ، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملت ، مدعیان شگفتی را پدید آورده است و افراد بسیاری خود را به دروغ ، مسیح موعود معرفی کرده اند ، چنان که قاموس کتاب مقدس درباره شماره مدعیان دروغین مسیح موعودمی نویسد :

24 نفر مسیحیان دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهرگشته که مشهور ومعروف ترین آن ها برکوکبه است که دراوائل

قرن ثانی می زیست و آن دجال معروف ادعا می نمود که رأس و رئیس وپادشاه قوم یهود است . . . ودر قرن دوازدهم حدود ده نفر مسیحیان دروغگو ظاهرگردیده ، جمعی را به خودگروانیده . این مطلب اسباب فتنه وجنگ شده ، جمع کثیری نیز در آن معرکه طعمه شمشیرگردیدند . (1)

علامه طباطبایی (ع) می نویسد : بشراز روزی که روی زمین سکنی گزیده ، نوشته درآرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت می باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم برمی دارد واگراین خواسته تحقق خارجی نداشت ، هرگز چنین آرزو وامیدی در نهاد وی نقش نمی بست چنان چه اگر غذایی نبود ، گرسنگی نبود ، اگرآبی نبود ، تشنگی تحقق نمی یافت و . . . ازاین روی ، به حکم ضرورت آینده جهان روزی را در برخواهد داشت که آن روز جامعه بشری پراز عدل وداد شده وبا صلح وصفا زندگی خواهند کرد وافرادانسانی غرق فضیلت وکمال می شوند . والبته استقرار چنین وضعی به دست خودانسان خواهد بود ورهبر چنین جامعه ای ، منجی جهان بشری و به لسان روایات مهدی خواهد بود . (2)

بنابراین ، اعتقاد به مهدی تنها یک باوراسلامی نیست ورنگ خاص دینی ندارد ، بلکه عنوانی است برای خواسته ها وارزوهای همه انسان ها با کیش ها و مذاهب گوناگون .

1 . قاموس کتاب مقدس چاپ بیروت ص 808 .

2 . شیعه دراسلام علامه طباطبایی ص 220 .

امام مهدی و کتب اسلامی

تورات و بشارت موعود

درکتاب تورات که ازکتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست

اهل کتاب و مورد قبول آن ها است ، بشارات زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است .

در زبور حضرت داود (ع) که تحت عنوان مزامیر درلابلای کتب " عهد عتیق " آمده ، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است و در 35 بخش از مزامیر 150 گانه ، اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت ونویدی از پیروزی صالحان بر شریران وتشکیل حکومت واحد جهانی وتبدیل ادیان ومذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید ، موجود است . (1)

و جالب این که مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی (ع) اززبور نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود و از دستبرد تحریف وتفسیر مصون مانده است . قرآن کریم چنین می فرماید : ولقد کتبنا فی الزبور من بعده الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (2)

ما علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم که درآینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد . مقصود از ذکردر آیه شریفه ، تورات موسی (ع) است که زبور داود (ع) پیرو شریعت تورات بوده است . در زبور آمده است : . . . زیرا که شریران منقطع می شوند . اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد (3) .

اسم او ابداً بماند ، اسمش مثل آفتاب باقی بماند ، در او مردمان برکت خواهند یافت وتمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت ، بلکه اسم ذوالجلال او ابداً

مبارک باد وتمامی زمین از جلالش پر شود ، دعای داوود پسر یسئ تمام شد . (4)

درکتاب اشعیای نبی که یکی از پیامبران پیرو تورات است ، بشارات فراوانی درباره ظهور حضرت آمده است : ونهالی ازتنه یسی (5)

بیرون آمده ، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شگفت وروح خداوند بر او قرار خواهد گرفت . . . مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد وبه جهت مظلومان زمین ، به راستی حکم خواهد نمود . . . کمربند کمرش عدالت خواهد بود وکمربند میانش امانت . . . (6)

منظور ازنهالی که از تنه یسی خواهد رویید ممکن است یکی از چهار نفر : حضرات داود ، سلیمان ، عیسی و مهدی (ع) و باشند ولی دقت و بررسی کامل آیات مذکور نشان می دهد که منظور از این نهال ، هیچ یک از آن پیامبران نیستند ، بلکه همه آن بشارت ها ویژه قائم آل محمد (ع) است ، زیرا حضرت داود وسلیمان فرزندان پسری یسی ، وحضرت عیسی (ع) نواده دختری وی ، و مهدی (ع) نیز از جانب مادرش ، جناب نرجس خاتون- که دختر یشوعا ، پسر قیصر ، پادشاه روم و از نسل حضرت داود ، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی (ع) بوده ، ونسب شریفش به (ع) شمعون صفا ، وصی حضرت عیسی (ع) می رسد نواده دختری یسی می باشد . (7)

درکتاب یوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است

، چنین آمده است : آن گاه جمیع امت ها را جمع کرده ، به وادی یهوشافاظ (8) فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود ومیراث خویش ، اسرائیل را محاکمه خواهم نمود . زیرا که ایشان را در میان امت ها پراکنده ساخته وزمین مرا تقسیم نموده اند وبر قوم من قرعه انداخته وپسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند (9) درکتاب عاموس نبی (10) وهوشع نبی (11) نیز از نزول حضرت عیسی (ع) وداوری آن حضرت سخن به میان آمدهاست .

درکتاب " زکریای نبی بشارت ظهور مهدی (ع) چنین آمده است : اینک روز خداوند می آید وغنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد . وجمیع امت ها را به ضد اورشلیم برای جنگ فراهم خواهد کرد وشهر را خواهند گرفت وخانه ها را تاراج خواهند نمود . . . وخداوند بیرون آمده با آن قوم ها مقاتله خواهد کرد چنان که در روز جنگ مقاتله نمود . . . و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود . . . ویهوه خدا بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود . . . (12)

لازم به یادآوری است که درکتب عهدین تورات وانجیل کلمه خداوند بیشتر در مورد حضرت عیسی (ع) به کار می رود . درکتاب حزقیال نبی نیز در مورد حضرت مهدی (ع) و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده ادست : . . و اما توای پسر انسان

خداوند یهوه چنین می فرماید : که به هر جنس مرغان وبه همه حیوانات صحرا بگو : جمع شوید وبیایید ونزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آیید .

قربانی عظیمی که بر کوه های اسرائیل ، تا گوشت بخورید و خون بنوشید . و خداوند یهوه می گوید : که بر سفره من از اسبان وسواران وجباران وهمه مردان جنگی سیر خواهید شد . ومن جلال خود را در میان امت ها قرار خواهم داد و جمیع امت ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت ودست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد ، مشاهده خواهند نمود . . . . . (13)

باید توجه داشت که منظور از پسر انسان مانند کلمه مسیح ، حضرت عیسی (ع) نیست بلکه مراد از آن ، حضرت مهدی (ع) است ، زیرا در انجیل بیش از هشتاد بارکلمه پسر انسان آمده است که تنها در سی مورد آن حضرت مسیح (ع) اراده شده است (14)

درکتاب حَجیِ نبی نیز بشارت ظهور آمده است : یهوه

صبایوت چنین می گوید : یک دفعه دیگر آسمان ها وزمین ودریا وخشکی را متزلزل خواهم ساخت وتمامی امت ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت ها خواهد آمد . . . این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت . . . (15)

که در آن به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره شده است . درکتاب " صفنیای نبی " همچنین آمده است : . . . خداوند می

گوید : برای من منتظر باشید ، تا روزی که به جهت غارت برخیزم ، زیرا که قصد من این است که امت ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود وتمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم ، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد . . . (16)

نیز درکتاب دانیال نبی آمده که : . . . امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است ، خواهد برخاست . . . بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد . . . (17)

1 . آخرین امید ، داود الهامی ص 193 .

2 . سوره انبیاء ، آیه 105 .

3 . عهد عتیق ، کتاب مزامیر مزمور37 .

4 . همان ، مزمور 72 .

5 . یسی به معنای قوی ، پدر حضرت داود و نوه " راعوت " است ، و به طوری مشهور بود که داود را پسر یسی می نامیدند در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بوده است . قاموس کتاب مقدس .

6 . تورات ، کتاب اشعیای نبی ، باب 11 .

7 . ظهور حضرت مهدی ا زدیدگاه اسلام ، مذاهب وملل جهان هاشمی شهیدی ، ص 312

8 . نام صحرای است در نزدیکی بیت المقدس که اکنون وادی قدرون نامیده می شود . لغت نامه دهخدا ص 177

9 . تورات ، کتاب یوئیل نبی ، ص 1327 باب 3 بندهای 2 و

3 .

10 . تورا ت ، کتاب عاموس نبی ، ص1333 باب 4 بندهای 2 1 و 3 1 .

11 . تورات ، کتاب هوشع نبی ص 1314باب 5 بندهای 14 و 15 .

12 . تورات کتاب زکریای نبی ص 1382 باب 4 1 ، بندهای ا- 10

13 . تورات کتاب حزقیال نبی ص 1265 باب 39 ، بند 7 1-23 .

14 . قاموس کتاب مقدس ، ماد ه پسر خواهرص 219 .

15 . کتاب مقدس کتاب حجی نبی ص 1367باب 2بندهای 6-9 .

16 . کتاب مقدس کتاب صفنیای نبی ص 1363باب 3 ، بندهای 5- 9

17 . کتاب مقدس کتاب دا نیال نبی ص 1309 ، باب 12 بندهای ا- 12 .

پیشگویی

پیشگویی های نوسترآداموس

برسی پیشگویی های نوستر آداموس درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران : شاهزاده عرب ، مریخ ، خورشید ، ناهید ، شیر ، حکومت کلیسا را از طریق دریا از پای درخواهد آورد ، از جانب ایران پرشیا بیش از یک میلیون پرهیزگار به بیزانس ومصر ، به سوی شمال هجوم خواهند آورد (1)

ازکشور عربی خوشبخت در منطقه غنی وثروتمند اعراب شخصی قدرتمند ومسلط بر شریعت حضرت محمد (ص) زاده خواهد شد ، اسپانیا را به درد سر انداخته وبرگرانادا

غرناطه مستولی می شود . از طریق دریا بر مردم نیکوزیا ظفر خواهد یافت . (2)

مرد مشرقی از محل استقرار خویش خارج خواهد شد ، برای دیدار فرانسه ازکوه آپونین خواهد گذشت ، از فراز آسمان ، از برف ها ، دریاها وکوه هاگذر خواهد کرد و

همگان را با عصایش مضروب خواهد کرد . . . (3)

ادبیات رمزآلود ، واژه ای است که به بهترین نحو می تواند عمق معانی شعرواره های نوسترآداموس را بیان کند چرا که طبق نظر اغلب مفسران معروف نوستر آداموس یعنی اریکاچیتهام ، گی بوحک رژان شارل, دو فن برون ، حداقل وقایع ذیل را می توان بدون هیچ شک وتردیدی از میان شعرواره های رمزآلود نوستراً دا موس برشمرد :

آتش سوزی بزرگ لندن در سال1666 م اعدام چارلز اول ، روی کار آمدن حکومت مذهبی کرامول در انگلستان ، وقوع انقلاب فرانسه ، انقلاب روسیه ، رویارویی استالین وتروتسکی پس از مرگ لنین ، اضمحلال رژیم شوروی ، اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتَوانت ، به قدرت رسیدن ناپلئون وانتخاب لقب امپراتور توسط وی ، به قدرت رسیدن هیتلر ورژیم نازی ، به قدرت رسیدن موسولینی در ایتالیا و ژنرال فرانکو در اسپانیا ، تروركندی ، سقوط شاه ایران و وقوع انقلاب اسلامی در ایران ، رهبری امام خمینی (ره) از فرانسه- او دقیقاً عنوان می کند که رهبر ایران از فرانسه باعث سقوط شاه ایران می شود- وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و آتشی که در برج های دوقلوی شهر جدیدنیویورک ایجاد می شود و بسیاری از حوادث تاریخی دیگر از سال های 1555 میلادی به بعدکه حدود450 سال را در بر می گیرد .

دو محاصره ، درگرمایی سوزان ، انجام می گیرد . آن مرد ، ازفشار تشنگی ، به خاطر دوفنجان مملواز آب ، کشته می شود .

دژ نظامی ، مملو می شود ، ویک

آرمانگرای کهنسال امام خمینی ره ، نشانه های نیرا سرزمین ایران ، را به اهالی ژنو سازمان ملل متحد نشان خواهد داد . (4)

رهبر پاریس ، اسپانیای بزرگ را اشغال می کند ، کشتی های جنگی در برابر مسلمانان محمدی ها که از پارتیا ناحیه ای درا یران و مدیا ناحیه ای درایران برخاسته اند ، می ایستند آن مرد ، سیکلادا روپا را تاراج می کند ، وآنگاه انتظاری بزرگ در بندر یونان حکلم فرما می شود .

در مجموع نوستر آداموس به این موضوع به صراحت اشاره می کند که ایران پارت ، نیرا ، پرشیا ، مدیا با کمک مسلمانان سراسر جهان ، از جمله کشورهای عربی و مخصوصاً سوریه ، عربستان سعودی ولیبی حکومت مقتدری را تشکیل می دهند وپس از جنگی مذهبی که هسته آن از لبنان شروع می شود و عمدتا بر علیه اسرائیل است ، جهان را به تسخیر خود در می آورند وسپس جنگی جهانی و عظیم رخ خواهد داد وجهان نابود خواهد شد (5)

در هنگامه دمیدن خورشید ، آتش بزرگ ، دیده خواهد شد صدا و روشنای ، درامتداد شمال ، ادامه خواهد یافت . در میانه کره خاک ، مرگ وآوای مرگ ، کشیده خواهد شد مرگ از درون سلاح ما ، آتش وخشکل سالی آنان را به انتظارخواهند نشاند .

درخاتمه ، ا ین سرزمین به واسطه جنگ جهانی سوم نابود ونامسکون خواهد شد . (6)

سرزمین مسکونی ، از سکنه خالی خواهد شد برای به دست آوردن سرزمین ها ، جدال واختلاف شدیدی در می

گیرد , قلمروما به مردانی سپرده خواهد شد که از غرور و سربلندی تهی خواهند بود . سپس ، برای برادران بزرگ ، نفاق و مرگ پیش خواهد آمد .

وچنین برمی آید که ایران ، جهان را ابتدا از طریق حمله به ترکیه و مقدونیه به تصرف خود درخواهد آورد :

شب در آسمان ، مشعلی رو به خاموشی ، دیده خواهد شد . در مرکز رن ، جنگ و خشک سالی به بار می آید ، کمک خیلی دیر می رسد . پرشیا ایران حمله آورده وماگدونیا و در جای دیگر می گوید : مقدونیه را به محاصره درمی آورد (7)

توای فرانسه اگر ازآب های لیگوریاگذرکنی خود را ، درمیانه دریا و جزا یر در محاصره خوا هی یافت . و پیروان محمد ، در برابرتو خواهند ایستاد . و همچنین توای دریای آدریاتیک استخوان خزان واسبان را خواهی جوید . (8)

وباز می گوید : آن مرد ، با سلاح ها وآتش درختان ، در نزدیکی دریای سیاه از پرشیا برای تسخیرترابوزان خواهد آمد .

فاروس و میتیلن به لرزه درخواهد آمد خورشید ، دریای آدریاتیک راکه مملو ازاجساد اعراب است روشن خوا هدکرد (9)

و سپس نوستر آداموس ، عواقب جنگ اتمی و نابودی تدریجی جهان به واسطه جنگ جهانی سوم را شرح می دهد :

کسوفی در پیش خواهد بود که از زمان آفرینش گیتی تا زمان مرگ و مصائب حضرت مسیح واز آن زمان تا به امروز مرکزرخ نداده است وجهان چنین ظلمتی به خود ندیده است . . . (10

)

که در این مورد آیات مربوط به قیامت در سوره قیامت به ذهن انسان تداعی می شود :

فاذا برق البصر و خسف القمر و جمع الشمس والقمر یقول الانسان یومئذ این المفر . هنگامی که بینایی خیره می گردد ، و ماه فرو می رود ، و خورشید و ماه گرد هم آیند ، آن روز انسان می گوید : به کجا فرارکنم

مرد والامقامی از تبار عرب به زودی پیش خواهد تاخت . از سوی اهالی بیزانس به او خیانت خواهد شد . ازشهرقدیمی رودس به پیشوازاو خواهند آمد ، از جانب هانگری مجارستان متحمل آزار بسیارخواهد شد . (11)

در حوالی دریای آدریاتیک براثرتوفانی عظیم ، کشتی غرق می شود وزمین به لرزه درآید وبه سوی آسمان پرتاب می شود ودوباره فرومی افتد در مصرجنبش پیروان محمد افزایش می یابد و پیکی به آن سوی مرزها ، فرستاده می شود تا خبررا اعلان کند . . . . . شهرهاآلوده وکثیف گشته ، باعث اعتراض وشرمساری زیادی خواهد شد ، وتاریکی وجهل فقط با درخشش نورازبین می رود وبا تغییراتی حکومت جهل وظلمت پا یان خواهد یافت . . . رهبری اصلی مشرق زمین با شورش های زیادی روبرو خواهد شد ، که اکثرا از طرف شمالی ها و غربی ها مغلوب شده است ، که عده ای کشته و برخی مورد آزار قراگرفته اند و بقیه در حال گریزند و فرزندانشان که از زنان متعددی هستند ، زندانی شده اند (12)

م . پ . ادوارد درکتاب خود در باب پیشگویی های نوسترآداموس نقل می کند که سانتوری

هشتم ، قطعه مربوط به وقوع جنگ جهانی سوم است :

. . . جنگ و خونریزی برای مرتبه سوم حتمی است آتش به حدی است که دریاها به جوش می آید واز دولت ما فقط دو دولت واز جهان فقط نیمی باقی می ماند . . . (13)

شاهزاده لیبیای که نماینده حکومت ایران است در غرب به قدرت خواهد رسید ، یک فرانسوی ازاعراب به شدت مکدرخواهد شد ، دانشمند ادیب ، ادبا خود را با اوضاع وفق خواهند داد ، زبان عرب برفرانسه پیش می گیرد . . . (14)

در نزدیکی سوربن جهت حمله به مجارستان ، قهرمانی ازاهالی برودها سیاه پوستان به آنان هشدار خواهد داد . رهبر بیزانس ، سالون ازاسلاوینا ، آنان را به شریعت محمد درخواهد آورد . همچنین نوستر آداموس چنین می سراید که :

امپراتوری مقدس به آلمان خواهد آمد پیروان اسماعیل جایگاه بی مانع خواهند یافت . آدم های نادان همچنان خواستارکارمانی شریعت کهنه هستند . تمامی حمایت کنندگان محمد سراسر گیتی را خواهند پوشاند . . . (15)

بنابراین ، نوسترآداموس دراغلب سانتو ری ها از جمله سانتوری نسبت به فتح جهان به وسیله شریعت حضرت محمد (ص) به غرب وتمدن غربی هشدار می دهد وبه جهانیان اعلام می کند که روزی مسلمانان به رهبری ایران وتمدن ایرانی بر جهان مسلط خواهند شد که این بی شک در پیوند باگسترش و جهانی شدن انقلاب اسلاْمی ایران است (16)

1 . سانتوری قطعه 5/55

2 . قطعه 29/2

3 . سا نتوری4 قطعه 59 .

4 . سانتوری 4 ص 63/3

5 . سانتوری 2 قطعه 91

6 . سانتوری 2 قطعه 95

7 . سانتوری 2 قطعه 96

8 . سانتوری 3 قطعه 23

9 . قطعه 27/5

10 . سانتوری 5 قطعه 47

11 . سانتوری 2 قطعه 86 .

12 . نوستر آداموس نامه به فرزند ص 274 .

13 . سانتوری 3 قطعه 27 .

14 . سانتوری 10 قطعه 62 .

15 . سانتوری 10 قطعه 31 .

16 . نشریه موعود ، شماره37 ص 27 .

پیشگویی ولادت حضرت

پیامبراکرم (ص) وائمه معصومین (ع) نسبت به ولادت حضرت مهدی (ع) پیشگویی کرده بودند .

عبدالرحمن بن سمره می گوید : به پیامبر اکرم (ص) عرض کردم : ای رسول خدا مرا به طریق نجات هدایت کن . فرمود : هنگامی که اختلاف خواسته ها وتفرقه آرا پیش آمد ، بر تو باد رجوع به علی بن ابی طالب که او امام امت من وخلیفه من بر آنان بعد از من است . . . از اوست دو امام امت من . . . و نه فرزند حسین ، که نهم آنان ، قائم امت من است که

زمین را از عدل وداد پر می کند ، پس از آن که از ظلم وجور پر شده باشد . (1)

جابر بن عبدالله انصاری در روایتی از صحیفه ای خبر داده است که در دست حضرت فاطمه (ع) مشاهده نموده و در آن نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یاد آور شده و آخرین نام ، قائم آل محمد

(ع) بوده است . (2)

امام حسین (ع) فرمود : قائم این امت ، نهمین فرزند از اولاد من است ، واو است صاحب غیبت ، وکسی که میراثش در حالی که زنده است ، تقسیم می شود . (3)

و امَا روایاتی که در مورد حضرت مهدی (ع) ، غیبت ظهور ، علامات ظهور وحوادث پس از ظهور . از طریق دو امام باقر وصادق (ع) نقل شده است به مراتب , بیشتر از روایات رسیده از سایر معصومین (ع) است .

ویژگی این روایات آن است که علاوه بر بیان اصل مسأله به بیان بعضی از خصوصبات نیز پرداخته اند .

جابر جعفی از امام باقر (ع) نقل نموده که فرمود : زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن زمان امامشان غایب خواهد شد . پس خوشا به حال کسانی که ثابت بر امر ما باشند (4)

روایت های نیز از حضرت علی (5) امام حسن مجتبی (6) اما م سجاد (7) وامام صادق (8) اما م کاظم ، (9) امام رضا (10) وامام جواد (11) (ع) در پیشگوی ولادت حضرت مهدی (ع) آمد ه است .

1 . کمال الدین ج 1 ص 257

2 . غیبت طوسی ص 92, کمال الدین ، ج 1 ، ص 305 .

3 . کمال الدین ج 1 ، ص 0315

4 . کمال الدینج 1, ص 330 .

. همان , ص 303 .

6 . همان, ص 315 .

7 . همان , ص 319 .

8 . همان , ص 333 .

9 . غیبه نعمانی , ص 100 .

10 . کمال الدین ج 2 ص 372 .

11 . همان ص 377 .

پیشگویی های واقع شده

برخی از حوادثی که احادیث ، پیشاپیش از رخ دادن آن ها پیش از ظهور خبر داده اند

و وقوعشان درکتب تاریخی پس ازگذشت سال ها به ثبت رسیده . پیشگویی های مطابق واقع ایشان از این قرار است :

پیشگویی اول و دوم : انحراف و فساد بنی عباس , پیامبر (ص) و ائمه (ع) درباره ویژگی های حکومت بنی عباس از جهت منحرف شدن آن ها به سمت فساد وخروج شان از مسیر حق خبر داده اند .

به خوبی می دانیم که دولت بنی عباس چه بر سر ائمه (ع) و دیگر فرزندان رسول اکرم (ص) در طول تاریخ آوردند و چه آوارگی ها ، تعقیب ها و دستگیر شدن ها و ستم هایی را از آن ها چشیدند که مشهورتر از آن است که این روزما بخواهیم آن را به نگارش درآوریم . امام باقر (ع) طی حدیثی می فرماید : . . . سپس بنی عباس به سلطنت می رسند وهمواره در عیش و نشاط حکومت و وفور خوشی ها خواهند بود ، تا اینکه در میان آن ها اختلاف می افتد وپس از آن که دچار اختلاف شدند حکومت را ازکف می دهند . (1)

لازم است به

یاد داشته باشیم امام باقر (ع) پس از زوال سلسله بنی امیه به شهادت رسیدند

و 18 سال بعد حکومت عباسیان بر مسلمانان مسلط شدند . (2)

پیشگویی سوم : اختلاف اهل مشرق و مغرب در ادامه حدیثی که از امام باقر (ع) نقل کردیم حضرت فرمودند : و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می شوند . (3)

که نمونه های بسیاری برای این اختلاف در طول تاریخ می توان یافت : مانند اختلاف اهل مشرق و مغرب برای تعیین مرزهای کشورهای اسلامی که این مسأله سابقه طولانی در میان مسلمانان دارد به طوری که بر مشرق عباسیان حکومت می کردند . و بر مغرب یا همه اندلس اسلامی حکمرانان اموی . یا اینکه در شمال آفریقا غرب دولت فاطمیون را تأسیس کردند . در هر دو حالت غرب از خلافت مشرق که در دست عباسیان بود ، جدا شده بودند .

شاید هم منظور چیزی است که در عصرکنونی از زمان جنگ جهانی دوم تا الان- شاهدش هستیم که دو دولت بزرگ وجود داشته اند به طوری که یکی مدعی زعامت جمهرری ها در مشرق است و دیگری خود را فرمانروای غرب می شمرد .

به هر حال اختلاف را به هرکدام از این معانی یا معانی دیگر بگیریم این اختلاف میان شرق وغرب از جمله نشانه های ظهور است و همواره شاهدش بوده ایم .

این سه پیشگویی اتفاق افتاده در تاریخ آن هم پس از بیان آن حضرت (ع) ونقل محدثین در منابع شان ، خود بهترین دلیل یر صدق صدورآن از

معصوم (ع) است .

پیشگویی چهارم : انحراف جامعه اسلامی پیامبر اکرم (ص) بارها از انحراف در رهبری اسلامی جامعه پس از خویش خبر داده اند که از آن جمله این روایت است که ابن عباس نقل کرده که حضرت ضمن صحبت های شان از معراج ، این مطالب را از جمله علایم ظهور برشمرده اند : کافران ، فرمانروای مردم می شوند و فاجران ستمکاران سرپرست ، و ظالمان هم آنان را یاری می کنند وفاسقان هم مشارران آن ها می شوند .

در چنین زمانی سه خسف فرو رفتن پیش می آید : در مشرق ، مغرب و جریره العرب ، بصره را هم یکی از نوادگان توکه زنگی ها از او پیروی می کنند خراب می کند . (4)

ودر حدیث دیگری چنین می فرمایند : . . . وپس از من ، رهبرانی خواهند آمد که به هدایت من هدایت نگردند از طریق من که هدایت است پیروی نمی کنند و به سنت من هم رفتار نمی کنند ، از میان آن ها مردانی قیام خواهندکرد که قلب های شان قلب شیطان است درکالبد انسان

این همان مسأله ای است که پس از رسول اکرم اسلام (ص) رخ داد و حکومت بر اساس مصلحت ها ویا به طور موررثی دست به دست شد .

پیشگویی پنجم : شورش صاحب زنج , جریان صاحب الزنج وقومش در تاریخ از این قرار ثبت شده است که وی شخصی بود که در سال 255 ق مصادف با میلاد حضرت مهدی (ع) قیام کرد .

نامش علی بن محمد بود وعلی رقم اینکه از حیث عقاید وتفکرات با اهل بیت (ع) اختلاف داشت ، گمان می کرد که از علویان است . طی مدت 15 سال در جامعه چنان فسادی به راه انداخته بود که نهایتاً در سال 270 ق دستش را به قتل عام مردم آلوده کرد . علاوه بر انتساب خویش به علویان عمده مطلبی که در شورش خود روی آن تکیه می کرد این بود به طور اساسی به کارگران وطبقه زحمتکش جامعه ، خصوصا بندگان وغلامان تحت سرپرستی دیگران نظرداشت واز این جهت بود که به وی صاحب الزنج یا سرور بندگان لقب داده بودند .

فساد زیادی در جامعه به پا کرد ودولت عباسی را به شدت به زحمت انداخت وساکنان بصره و بسیاری دیگر از شهرها را با قتل وغارت و سرگردانی مردم تحت فشار قرار داد . این واقعه تاریخی هم خود دلیل بزرگی برای صدق حدیث وگوینده آن می باشد .

4 . تاریخ ا لغیبه الکلبری ص 59 .

پیشگویی ششم : ظهور علم در شهر قم , از جمله این احادیث ، این مورد است که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند : کوفه از حضور مؤمنین خالی خواهد شد وعلم از آن رخت برمی بندد ، همانند ماری که به سوراخ لانه خویش خزیده باشد . سپس در شهری که به آن قم می گویند نمایان می شود و آن جا معدن علم وفضل می گردد ، به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی ماند حتی عروسان حجله

نشین که این جریان نزدیک ظهور قا ئم (ع) می با شد . (5)

این موضوع در دهه گذشته پیش آمده است وعظمت اامامان (ع) را زمانی متوجه می شویم که بدانیم امام از ظهور علم دینی در قم در حالتی خبر می دهند که حتی موقعیت مکانی این شهر در زمان ایشان هنوز ناشناخته بود وساکنان آن هم بت پرست و آتش پرست بودند وپس از گذشت قریب 1200 سال مرکز مطالعات وشهر علم شیعه گشت .

1 . نشریه موعود ، شماره37 ص 27 0

2 . غیبه نعمانی ص 175 .

3 . همان .

5 . منتخب الاثر ص 443 یوم الخلاص ص 480 .

پیشگویی های کتاب مقدس

در سال های اخیر ، جهان مسیحیت شاهد بروز وظهور موجی فزاینده از توجه به پیشگویی ها کتاب مقدس درباره آخر الزمان بوده است .

موجی که در آستانه سال2000م و پایان هزاره دوم میلادی به اوج خود رسید . در این سال ها در نشریات غربی وپایگاه های اینترنتی مقالات فراوانی منتشر شده که درآن ها پیشگوئی های کتاب مقدس با رویدادهای عصر حاضر تطبیبق داده شده و از حوادث مختلف سیاسی اجتماعی وزیست محیطی که در سال های اخیر در جهان رخ داد . یا در حال رخ دادن است , به عنوان نشانه های آخر الزمان با بایان دنیا یاد شده است .

با اذعان به این مطلب که برخی از این مقالات با اهداف تبلیغی وتبشیری مسیحیان در جهان هماهنگی وهمسویی دارد وبا نگاهی که امررز در میان مسیحیان درباره حوادث آخرالزمان وجود دارد .

خلاصه یکی از این مقالات را می آوریم (1)

در خلال اعصار وقرون شماری از معلمان روحانی وغیبگویان , بصیرت خاصی نسبت به آینده دریافت کرده اند . یکی از عمیق ترین این بصیرت ها نسبت به آن چه اتفاق خواهد افتاد 2000سال پیش ، در دامنه کوهی خارج از اورشلیم اعطا شد . گروه کوچکی از حقیقت جویان در گرد معلمشان , عیسای ناصری , جمع شده بودند . سؤالی که از او پرسیدند ، جوابی را در پی داشت که سال ها وقرنها , تا این زمان که ما در آن زندگی می کنیم , ادامه دارد : وهمانطورکه او عیسی (ع) بر فرازکوه زیتون ها نشست ، حواریون به سوی او آمدند ، گفتند : به ما بگو نشانه های آمدن تو و پایان دنیا چه خواهد بود؟

عیسی (ع) با شماری از مشخصات جوابشان ، را داد تا مراقب باشند .

عبارت پایان دنیا که در این جا به کار رفته به معنای پایان عمرکره زمین نیست ، بلکه منظور پایان سلطه غیر انسانی بشر بر روی زمین است . اگر چه بسیاری از نشانه هایی که او داد ، قرنها گریبانگیر دنیا بوده اما جالب توجه آن است که شدت وکثرت این نشانه ها اکنون افزایش یافته است :

1 . افزایش جنگها : از جنگ ها خواهید شنید وشایعات جنگ ها زیرا ملتی علیه ملتی بر خواهد خاست ، ومملکتی علیه مملکت دیگر . هیچ مقطعی از تاریخ مانند قرن بیستم ، شاهد افزایش تعداد جنگ ها نبوده است .

طبق برآورد صلیب

سرخ جهانی ، بیش از 100 میلیون نفر در جنگ هایی که از آغاز این قرن به وقوع پیوسته است جان خود را از دست داده اند .

از جنگ جهانی دوم تاکنون ، بیش از 150 جنگ عمده وصدها شورش مسلحانه وانقلاب رخ داده است . از پایان جنگ جهانی دوم ، ارقام کشته ها در نزاع های مسلحانه ، بیش از 23 میلیون نفر است .

طبق گزارش واشنگتن پست : جنگ های قرن بیستم ، جنگ های تمام عیاری علیه جنگجویان وغیر نظامیان بوده است . . . در حالی که در قیاس با آن ، جنگ های وحشیانه قرون پیشین مانند جنگ های خیابانی بوده است .

3 . گسترش خشکسالی : و نیز خشکسالی خواهد بود . اواخر سال 6 199 ، بانک جهانی گزارش کرد که روزانه بیش از 800 میلیون نفرگرسنه در جهان به سر می برند وبیش از 500 میلیون کودک ، غذای کافی برای رشد روانی وجسمانی دریافت نمی کنند . معاون بانک جهانی می گوید : روزانه حدود 40 هزار نفر در جهان ، بر اثرگرسنگی می میرند که غالباً در مناطق روستایی رخ می دهد .

4 . شیوع بیماری های مهلک : و نیز بیماری های مهلک خواهد بود . کمتر از 20 سال پیش ، حرفه پزشکی مدعی بود که بر بسیاری از بیماری های باکتریایی وویروسی فائق آمده است ، اما امروزه مواردی از بیماری های عفونی بیداد کرده است . خبرگزاری آسوشیتد پرس گزارش می دهد : ظهور انواع باکتری هایی که نمی توان با آنتی بیوتیک های فعلی آن

ها را از بین برد ، می تواند خود تبدیل به تهدیدی علیه سلامت عمومی و بدتر از بیماری ایدز شود . بیماری هایی که اخیراً گمان می رفت بر آن ها فائق آمده باشند ، رفته رفتار مهارناشدنی می شوند . . . دانشمندان انتظار چیزی کمتر از یک فاجعه پزشکی ندارند .

UNAIDS برنامه مشترک سازمان ملل علیه ویروس ایدز ، درگزارش پایان سال خود در دسامبر 1996 ، عنوان کرد که در آن سال ، 3/ 1 میلیون مورد جدید از آلودگی به ویروس اچ . آی . وی . در تمام دنیا رخ داده است . در سال1996 ، یک و نیم میلیون نفر از بیماری ایدز مردند که مجموع کسانی که تا کنون در ارتباط با این بیماری مرده اند به 4/6 میلیون نفر می رسد . بر اساس همین نوشتار ، افزون بر 23 میلیون نفر مبتلا به ویروس اچ . آی . وی یا بیماری ایدز ، اکنون درتمام دنیا زندگی می کنند این آمار وارقا م به خوبی می رساند که از سال 1981 که این بیماری برای اولین شناسایی شد تا کنون بالغ بر 30 میلیون نفر به آن مبتلا شد ه اند .

سازمان بهداشت جهانی می گوید : در تمام دنیا روزانه بیش از 6000نفر به این بیماری مبتلا می شوند واین سرایت روز به روز بدتر می شود .

4 . فراوانی زمین لرزه : در جاهای متعدد زمین لرزه خواهد بود . سالنمای جهانی به ما می گوید که بین سال های 1000و 1800 میلادی ، تنها 21زمین لرزه عمده وجود داشت

. اما بین سال های 1800تا 1900 تعداد آن 18 واقعه بود . بین سال های 1900 تا 1950, 33 زمین لرزه بزرگ به وقوع پیوست تقریبا به انداز : آن چه در طی 1850 سال گذشته رخ داده است بین سال های 1950 تا1991 , 93زمین لرزه بزرگ اتفاق افتاد تقریبا سه برابر تعداد آن در نیم قرن گذشته ، و 3/ 1 میلیون نفر از مردم را در سراسر جهان به کا م مرگ فر ستاد . بسیاری از دانشمندان هشدار می دهند که ما در حال حاضر به دوره ای از بلایای زمین لرزه ای وارد می شویم .

5 . گسترش خشونت : یکی دیگر از شرایطی که به گفته عیسی (ع) درست در زمان پیش از بازگشتش رواج خواهد داشت ، خشونت وحشیانه است : همانطورکه در ایام دوره نوح بوده در زمان آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود . در ایام دوره نوح زمین در برابر خداوند فاسد وپر از خشونت بود ، روزنامه های امررز پر ازتیترهای از ماجراهای غم انگیزی از خشونت های بی رحمانه است .

امروزه میزان آدم کش و خود کشی وقتل در آمریکا ، تقریبا به اندازه مجموع کشته شدگان آمریکایی در طول جنگ ویتنام است . تنها در 30 سال گذشته ، خود کشی و قتل جان بیش ازیک میلیون ودویست هزار آمریکا یی یعنی بیش ازتمام مردانی را که درکل جنگ های تاریخ امریکا کشته شده اند ، گرفته است .

6 . ابلاغ مژ ده انجیل : سرانجام وقتی به گوش همه مردم جهان رسید وهمه از

آن باخبر شدند . آن گاه دنیا به آخر خواهد رسید بر خلاف رشد غم انگیز جنگها ، خشکسالی, طاعون وزمین لرزه هایی که به گفته عیسی ، آغازغم ها است ، ، ابلاغ موعظه انجیل به تمام ملت ها ، نشانه ای ویژه برای زمانی است که دنیا حقیقتا به پایان خود برسد .

هیچ گا ه در طول تاریخ مانند الآن انجیل درسراسر دنیا وبرای کل ملت ها خوانده نشده بود اگر چه مستقیماَ به وسیله مبلغان مسیحیت انجام نمی گیرد ، اما با وسایل ارتباط جمعی نوین از قبیل : رادیو ، تلویزیون وارتباطات راه دور انجام می گیرد .

طبق سالنامه جهان مسیحیت ، پیام انجیل هم ا کنون برای چهار میلیارد نفر یعنی عملا برای تمام کشورها موعظه شده است . آنگاه پایان فرا خواهد رسید .

7 . افزایش مسافرت ها : بسیاری به جلو و عقب خواهند دوید حوالی 534 بیش از میلاد مسیح خداوند به پیامبرش دانیال گفت : در آخر زمان بسیاری به جلو وعقب خواهند دوید ودانش زیاد خواهد شد . عبارات بسیاری به جلو وعقب می دوند ، به لحاظ لغوی یعنی : به سرعت در اطراف در تکاپو هستند یا به قول لیوینگ بایبل : مسافرت ها افزایش خواهد یافت . در نظر بگیرید وسایل حمل ونقل مردم هزاران سال بود که تغییر اساسی نکرده بود ، با این نگرش اهمیت این پیشگویی آشکار می شود .

امروزه می توانند ظرف 23 ساعت دور دنیا را طی کنند فضا پیما قادر است در 80 دقیقه کره زمین را دور بزند تعداد مردمی که

امروزه اقدام به سفر می کنند ، بی سابقه است . به گفته متخصصان اقتصادی ، مسافرت وگردشگری ، امروزه بزرگترین وپرانرژی ترین صنعت در دنیاست .

8 . فزونی دانش : دانش زیاد خواهد شد افزایش دانش در سال های اخیر ، تقریبا خارج از تصور ماست واژه بار سنگین اطلاعات برای نسل ما وضع شده است .

هم اکنون روزانه ، معادل بیش از 300 میلیون صفحه از اطلاعات ، به شبکه اینترنت فرستاده می شود . هم اکنون هشتاد درصد ازکل دانشمندان بشریت ، در قید حیات هستند ودر هر دقیقه 2000 صفحه به علوم بشر اضافه می کنند . حدوداً نیمی از دانش پزشکی ، هر ده سال یک بار منسوخ شده از دور خارج می شود .

فناوری رایانه ، انفجار دانشی را که در زیر بار آن قرار داریم ترسیم می کند . در سال 1948 ، ترانزیستور یا واحد ساختمانی اصلی رایانه ها ، در آزمایشگاه های بل ابداع شد . در سال 2000 ، هر تراشه پردازشگر ، شامل میلیارد ترانزیستور خواهد بود .

9 . ظهور ضد مسیح : ضد مسیح می آید نشانه با اهمیت وپایانی آخر زمان که چندین فصل انجیل به آن اختصاص یافته است ، ظهور حکومت واحد جهانی به سرکردگی یک مستبد اهریمنی ، موسوم به ضد مسیح یا جانور است .

به گفته کتاب مکاشفه ، تمام دنیا ، شیطان را در قالب این رهبر حیوان منش جهانی پرستش خواهد کرد . به گفته انجیل ، پیمان یا موافقت نامه صلح ابتکارآمیزی به مدت هفت سال ، نقشی محوری در

ادعای ضد مسیح در رهبری جهان دارد . این توافقنامه ، بحران خاورمیانه را موقتاً با صلحی میان اسرائیل و کشورهای عرب همسایه ، حل خواهد کرد .

کوه موریاه در اورشلیم بیت المقدس که زمانی معبد یهودیان در آن قرارداشت و همانجا که قبه الصخره مسلمانان هم اکنون وجود دارد ، نقطه کانونی خواهد بود . سه سال ونیم پس از وضع پیمان ، ضد مسیح آن را لغو خواهدکرد . آنگاه بیت المقدس را پایتخت بین المللی خود خواهد نمود وغیر از پرستش خود وتصویر عرفانی اش ، تمام ادیان را ممنوع خواهد کرد . این تصویر به طریقی نیرو می گیرد تا هم صحبت کند وهم سبب کشته شدن کسانی شود که از پرستش او سرباز می زنند . عیسی گفت این هنگام ، زمان غیبت بزرگ است ، آن چنان که از زمان پیدایش جهان وجود نداشته است .

10 . پیدایش نشانه جانور : و موجب می شود تا همگان نشانی بر روی دست راست یا روی پیشانی شان دریافت دارند ، به طوری که هیچ کس نمی تواند بخرد یا بفروشد مگرکسی که نشان یا نام جانور ، یا شماره اسم او را داشته باشد . . . شماره او666 است .

این پیشگویی مطلبی را توصیف می کند که تا پیش از این هیچ گاه امکان پذیر نبود . دو هزار سال پیش ، یوحنای حواری ، ماهی گیری ساده ، پیشگویی کرد که روزگاری ، نظام اقتصادی جهانی ای ظهور خواهدکرد که هرکس در لوای آن مجبور است شماره ای دریافت کند و بدون آن قادر به

خرید و فروش نخواهد بود . تنها از زمان پیدایش رایانه ها وبانکداری الکترونیکی ، چنین اتفاقی ، امکان رخ دادن داشته است .

11 . ظهور ثانوی مسیح ، بلا فاصله پس از مصیبت بزرگ . . . . . . آن ها پسرانسان را خواهند دید که در میان ابرهای آسمان ، با قدرت وشکوهی خیره کننده می آید واو برگزیدگان خود را گرد هم خواهد آورد .

تیره ترین ساعت دنیا به ناگاه با طلوع سپیده دم روز روشنی که عیسی مسیح باز می گردد ، پایان می یابد . تمام کسانی که به او تعلق دارند ، به طور معجزه آسایی به بدن های مافوق طبیعی تبدیل شده ، از آزار دهندگان ضد مسیح خود ، رهایی می یابند وبه تماشایی ترین جشن پیروزی ای که تا به حال برگزار شده است ، به شام ازدواج بره در بهشت ، انتقال خواهند یافت در آن زمان خشم خوفناک خداوند بر ضد مسیح وپیروان اهریمنی او خواهد افتاد و منجر به بازگشت عیسی به زمین می شود تا امپراتوری واحد جهانی آن ها را در مواجهه ای بهت انگیز ، موسوم به نبرد آرماگدون ، شکستی تمام عیار داده ، نابود سازد

این چنین ، حکمرانی بی رحمانه انسان بر روی زمین ، پایان می پذیرد و عیسی و نیروهای مافوق بشری ، دنیا را در اختیارگرفته وبا عشق بر آن سلطنت وحکومت خواهندکرد . بدین ترتیب دوره ای موسوم به هزاره ، یا هزار سال صلح و فراوانی وبهشت ، برای همگان آغاز خواهد شد .

1 . نشریه موعود ,

شماره 37 ص 32 .

مهدویت در ادیان و مکاتب

اهل کتاب

هوشع نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که درکتاب خود درباره بازگشت حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور خبر داده است . (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) ازدیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ، ص 327 .

یهود و نصاری و مهدویت

مسترهاکس نویسنده آمریکایی کتاب قامو س کتاب مقدس درباره شیوع اعتقاد به ظهور ،

و انتظار پیدایش منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود چنین می نویسد : عبرانیان منتظر قدوم مبارک مسیح ، نسل به نسل بودند و وعده آن وجود مبارک مکرراً در زبور وکتب انبیا ، علی الخصوص درکتاب اشعیا داده شده است .

تا وقتی که یحیای تعمید دهنده آمده ، به قدوم مبارک وی بشارت داد ، لیکن یهود آن نبوات) پیش گویی ها (را نفهمیده و به خود می اندیشیده که مسیح) سلطان زمان (خواهد شد و ایشان را از دست جورپیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد (1)

نویسنده کتاب قاموس کتاب مقدس درکتاب خود از یهودیان ، زبان به شکایت می گشاید که دعوت عیسای مسیح را پس از آن همه اشتیاق و انتظار ، سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی پنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدس شان داده بود و سال ها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه

شماری می کردند ، مطابق نیافتند . از این رو ، با او به دشمنی برخاستند, حتی وی را جنایتکار

به هفت اسرائیل ، و تعالیمش را ضد آرمان اساسی کتب مقدس عهد عتیق) تورات وملحقات آن (دانستند ، ناچار به محاکمه اش فرا خواندند و به اعدام محکومش کردند ، و همچنین با احساس غبنی جانکاه مجددا به انتظار مسیح موعود و رهایی بخش از رنج وستم نشستند .

مسیحیان ، با این که حضرت عیسی (ع) را مسیح موعود یهودیان می دانستند ، چون نسبت به پیروی او احساس نا تمامی کردند ، یکباره امیدشان از زمان حال برکنده شد ، حماسه انتظار را از سرگرفتند و در انتظار مسیح و بازگشت او از آسمان ، در پایان جهان نشستند .

درکتاب قاموس کتاب مقدس آمده است : کلمه پسر انسان هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن) عهد جدید (به کار رفته است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است و پنجاه مورد آن از مصلح و نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد (2) .

1 . قاموس کتاب مقدس ص 806 .

2 . او خواهد آمد علی اکبر مهدی پور ، ص 33 .

یوئیل نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که درکتاب خود ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) ، نزول حضرت عیسی (ع) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز را آورده است (1)

1 . ظهورحضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 327 .

ا هل کتاب

از روایات فهمیده می شود که ستیز و رویارویی حضرت مهدی (ع) با اهل کتاب ، همیشه یکسان نبوده ، بلکه در مواردی با دریافت جریه ، به آنان اجازه می دهد به دین خودشان برجای بمانند وباگروهی به بحث ومناظره می پردازد و آنان را با این روش ، به اسلام دعوت می کند وممکن است بگویم در آغاز قیام ، با آنان به بحث می پردازد ، و باکسانی که حق را پنهان سازند ، می جنگد . (1)

شهر بن حوشب می گوید : حجاج به من گفت : در قرآن آیه ای است که مرا خسته کرده است و معنای آن را نمی فهمم . گفتم : کدام آیه گفت : آن جاکه خداوند می فرماید : وَ إنْ مِن أَهلِ الکتابِ الا لیؤمِنَن بِهِ قبلَ مَؤته (2)

هیچ یک ازاهل کتاب نیست مگر آن که قبل از مرگش ایمان می آورد . ومکرر اتفاق افتاده است که فردی نصرانی یا یهودی را پیش من می آورند وگردنش را می زنم و آن گاه به لب مایش خیره می شوم ، ولی حرکتی نمی کند تا این که نفس او قطع می شود .

شهر بن

حوشب می گوید : به اوگفتم : معنای آیه ، این نیست که تو پنداشتی بلکه مراد این است که وقتی پیش از قیامت عیسی بن مریم از آسمان فرود آید وبه حضرت قائم (ع) اقتدا کند ، در آن هنگام هیچ یهودی ونصرانی نمی ماند ، مگر آن که پیش از مرگ به او ایمان می آورد . حجاج پرسید : این تفسیر را ازکجا فراگرفته ای وچه کسی آن را به تو آموخته است گفتم : این تفسیر را امام باقر (ع) فرمود . حجاج گفت : از چشمه ای زلال به دست آورده ای . (3)

عبدالله بن بکیر از امام کاظم (ع) درباره تفسیر آیه وَ لهُ اسلمَ مَن فِی السماواتِ ؤ الأرضِ طوعاً و کرهاً ، (4)

سؤال کرد . امام فرمود : این آیه درباره قائم (ع) فرود آمده است . هنگامی که علیه یهود ، نصارا ، صائبیان ، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام وکافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید . هرکس پذیرفت ، دستور می دهد که نماز بخواند وزکات بدهد وبر طبق آن چه فرد مسلمان ، مأمور به انجام آن است ، رفتار نماید وهرکس مسلمان نشود گردنش را می زند تا آن که در شرق وغرب جهان ، یک کافر بر جای نمی ماند . عبدالله پرسید : قربانت گردم ، در روی زمین مردم بسیاری هستند؟ چگونه حضرت می تواند همه آنان را مسلمان کند یا گردن بزند؟

امام کاظم (ع) فرمود : وقتی خداوند چیزی را اراده کند ، چیز اندک را بسیار و بسیار را اندک می گرداند . (5)

1 . چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طبسی ص43 1 .

2 . سوره نساء 159 .

3 . بحارالانوار ج 4 1 ، ص 349 . تفسیر قمی ص 461 . احقاق الحق ج 3 1 ، ص 332 .

4 . سوره آل عمران 84 .

5 . نورالثقلین ، ج 1ص 362 . بحارالانوار ج 52 ص 340 اثبات لهداه ج 3 ، ص 549 .

تخریب مسجد الاقصی

یک جریان مسیحی صهیونیستی در آمریکا شکل گرفته که اعتقاد دارد ویرانی مسجد الاقصی وساخت معبد سوم سلیمان به جای این مسجد ، شرط ظهور حضرت مسیح (ع) است و بدون ساخت معبد سوم ، مسیح هرگز ظهور نمی کند . این جریان ، به ویژه گروه های تندرو صهیونیست وابسته به آن ، اعتقاد دارند که خرابه های معبد نخست ودوم سلیمان در زیر مسجدالاقصی است وبرای ساخت مجدد این معبد ، راهی جز ویرانی مسجدالاقصی وجود ندارد .

با توجه به همین اعتقاد پیروان این جریان صهیونیستی مبالغ هنگفتی را در سازمان های افراطی صهیونیستی مانند عطیرات کوهانیم قرار می دهند که یهودی کردن قدس وتخریب مسجد الاقصی هدف اعلام شده آن ها است .

چهره های بارز این جریان در مصاحبه های مختلف با رسانه های ارتباط جمعی رژیم صهیونیستی می گویند که هیچ رئیس جمهوری در آمریکا جرأت آن را ندارد که به اسرائیل کمک نکند زیرا

در غیر این صورت سرنگون خواهد شد .

در چارچوب اعتقادات وتلاش های این جریان صهیونیستی روز 21 مهرماه سال 1382 مراسمی قدس با حضور سه هزار نفر از طرفداران جدی رژیم صهیونیستی که به سرزمین های اشغالی آمده بودند ، برگزار شد .

9 آریل شارون نخست وزیر رژیم صهیونیستی خطاب به شرکت کنندگان در این مراسم گفت : کشمکش کنونی اسرائیل با فلسطینیان ریشه در مخالفت جهان عرب با حقوق یهودیان دارد وجهان عرب نمی خواهد با ملت یهود آشتی کند .

وی همچنین در این مراسم برای تحریک احساسات اعضای این جریان افراطی ادعا کرد : اسرائیل ظرف سه سال گذشته شاهد جنگ تحمیلی فلسطینیان بوده است ، اما این کشمکش صد سال پیش آغاز شد .

هدف از سفر این سه هزار آمریکایی به سرزمین های اشغالی آن بوده که ازکابینه شارون بخواهند از قدس دست نکشد وشارون نیز به آنان گفته است که قدس برای همیشه مرکز یکپارچه اسرائیل باقی خواهد ماند . (1)

1 . نشریه موعود ، شماره 40 ص 32 .

تورات و بشارت موعود

حجی نبی

از انبیای پیرو تورات است که درکتاب خود ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) را داده است . (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ، ص 334 .

تورات و بشارت موعود

درکتاب تورات که ازکتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون دردست اهل کتاب و مورد قبول آن ها است ، بشارات زیادی از آمدن مهدی موعود

و ظهور مصلحی جهانی درآخرالزمان آمده است .

در زبور حضرت داود (ع) که تحت عنوان مزامیر در لابلای کتب عهد عتیق آمده ، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است و در 35 بخش از مزامیر 150 گانه ، اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت ونویدی از پیروزی صالحان بر شریران وتشکیل حکومت واحد جهانی وتبدیل ادیان ومذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید ، موجود است . (1)

و جالب این که مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی (ع) اززبور نقل کرده است ، عیناً در زبور فعلی موجود و از دستبرد تحریف وتفسیر مصون مانده است .

قرآن کریم چنین می فرماید : ولقد کتبنا فی الزبور من بعده الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (2)

ما علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم که درآینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد . مقصود از ذکر در آیه شریفه ، تورات موسی (ع) است که زبور داود (ع) پیرو شریعت تورات بوده

است . در زبور آمده است : . . . زيرا كه شريران منقطع مى شوند . اما متوكلان به خداوند وارث زمين خواهند شد (3) .

اسم او ابداً بماند ، اسمش مثل آفتاب باقى بماند ، در او مردمان بركت خواهند يافت وتمامى قبايل او را خجسته خواهند گفت ، بلكه اسم ذوالجلال او ابداً مبارك باد وتمامى زمين از جلالش پر شود ، دعاى داوود پسر يسئ تمام شد . (4)

دركتاب اشعياى نبى كه يكى از پيامبران پيرو تورات است ، بشارات فراوانى درباره ظهور حضرت آمده است : ونهالى ازتنه يسى (5) بيرون آمده ، شاخه اى از ريشه هايش خواهد شگفت وروح خداوند بر او قرار خواهد گرفت . . . مسكينان را به عدالت داورى خواهد كرد وبه جهت مظلومان زمين ، به راستى حكم خواهد نمود . . . كمربند كمرش عدالت خواهد بود وكمربند ميانش امانت . . . (6)

منظور از نهالى كه از تنه يسى خواهد روييد ممكن است يكى از چهار نفر : حضرات داود ، سليمان ، عيسى و مهدى (ع) و باشند ولى دقت و بررسى كامل آيات مذكور نشان مى دهد كه منظور از اين نهال ، هيچ يک از آن پيامبران نيستند ، بلكه همه آن بشارت ها ويژه قائم آل محمد (ع) است ، زيرا حضرت داود وسليمان فرزندان پسرى يسى ، وحضرت عيسى (ع) نواده دخترى وى ، و مهدى (ع) نيز از جانب مادرش ، جناب نرجس خاتون- كه دختر

يشوعا ، پسر قيصر ، پادشاه روم و از نسل حضرت داود ، و مادرش از اولاد حواريون حضرت عيسى (ع) بوده ، ونسب شريفش به (ع) شمعون صفا ، وصى حضرت عيسى (ع) مى رسد- نواده دخترى يسى مى باشد . (7)

دركتاب يوئيل نبى كه از پيامبران پيرو تورات است ، چنين آمده

است : آن گاه جميع امت ها را جمع كرده ، به وادى يهوشافاظ (8) فرود خواهم آورد و در آن جا با ايشان درباره قوم خود وميراث خويش ، اسرائيل را محاكمه خواهم نمود . زيرا كه ايشان را در ميان امت ها پراكنده ساخته وزمين مرا تقسيم نموده اند وبر قوم من قرعه انداخته وپسرى در عوض فاحشه داده و دخترى به شراب فروخته اند تا بنوشند (9) دركتاب عاموس نبى (10) وهوشع نبى (11) نيز از نزول حضرت عيسى (ع) وداورى آن حضرت سخن به ميان آمدهاست 0 دركتاب " زكرياى نبى " بشارت ظهور مهدى (ع) چنين آمده است : اينک روز خداوند مى آيد وغنيمت تو در ميانت تقسيم خواهد شد 0 وجميع امت ها را به ضد اورشليم براى جنگ فراهم خواهد كرد وشهر را خواهند گرفت وخانه ها را تاراج خواهند نمود 000 وخداوند بيرون آمده با آن قوم ها مقاتله خواهد كرد چنان كه در روز جنگ مقاتله نمود . . . و آن يک روز معروف خداوند خواهد بود . . . ويهوه خدا بر تمامى زمين پادشاه خواهد بود . .

0 " . (12)

لازم به یاد آوری است که درکتب عهدین تورات وانجیل کلمه " خداوند بیشتر در مورد حضرت عیسی (ع) به کار می رود . درکتاب " حزقیال نبی نیز در مورد حضرت مهدی (ع) و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده ادست : . . و اما تو ای پسر انسان خداوند یهوه چنین می فرماید : که به هر جنس مرغان وبه همه حیوانات صحرا بگو : جمع شوید وبیایید ونزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آیید 0 قربانی عظیمی که بر کوه های اسرائیل ، تاگوشت بخورید و خون بنوشید . و خداوند یهو ه می گوید : که بر سفره من از اسبان وسواران وجباران وهمه مردان جنگی سیر خواهید شد . ومن جلال خود را در میان أمت ها قرار خواهم داد و جمیع امت ها داوری مراکه آن را اجرا خواهم داشت ودست مراکه بر ایشان فرود خواهم آورد ، مشاهده خواهند نمود (13) باید توجه داشت که منظور از " پسر انسان مانند کلمه مسیح ، حضرت عیسی (ع) نیست؟ بلکه مراد از آن ، حضرت مهدی (ع) است ، زیرا در انجیل بیش از هشتاد بارکلمه پسر انسان " آمده است که تنها در سی مورد آن حضرت مسیح (ع) اراده شده است . (14) درکتاب حَجیٔ نبی نیز بشارت ظهور آمده است : یهوه

1 . آخرین امید ، داود الهامی ص 193 .

2 . سوره انبیاء ،

آیه 105 .

3 . عهد عتیق ، کتاب مزامیر مزمور37 .

4 . همان ، مزمور 72 .

5 . یسی به معنای قوی ، پدر حضرت داود و نوه " راعوت " است ، و به طوری مشهور بود که داود را پسر " یسی " می نامیدند در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بوده است . قاموس کتاب مقدس .

6 . تورات ، کتاب اشعیاینبی ، باب 11 .

7 . ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ، مذاهب وملل جهان هاشمی شهیدی ، ص 2 1 3 .

8 . نام صحرای است در نزدیکی بیت المقدس که اکنون وادی " قدرون " نامیده می شود 0 لغت نامه دهخداص 177

09 تورات ، کتاب یوئیل نبی ، ص 327 1باب 3 بندهای 2 و 3 .

010 تورا ت ، کتاب عاموس نبی ، ص1333 باب 4 بندمای 2 1 و 3 1 .

11 . تورات ، کتاب هوشع نبی ص 1314باب 5 ، بندهای 14 و 15 .

12 . تورات کتاب زکریای نبی ص 1382 باب 4 1 ، بندهای ا- 10

13 . تورات کتاب حزقیال نبی ص 265 1باب 39 ، بند 7 1-23 .

14 . قاموس کتاب مقدس ، ماد ه " پسر خواهر " ص 9 1 02

صبایوت چنین می گوید : یک دفعه دیگر آسمان ها وزمین ودریا وخشکی را متزلزل خواهم ساخت وتمامی امت ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت ها خواهد آمد 000 این خانه را از

جلال خود پر خواهم ساخت . . (15) که در آن به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره شده است . درکتاب " صفنیای نبی " همچنین آمده است : " . . . خداوند می گوید : برای من منتظر باشید ، تا روزی که به جهت غارت برخیزم ، زیراکه قصد من این است که أمت ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود وتمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم ، زیراکه تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد . . . (16) نیز درکتاب دانیال نبی " آمده که : " . 00 امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است ، خواهد برخاست . . 0 بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد . . . (17)

015 کتاب مقدس کتاب حجی نبی ص 1367باب 2بندهای 6-9 .

16 . کتاب مقدس کتاب صفنیای نبی ص 1363باب 3 ، بندهای 5- 9 .

17 . کتاب مقدس کتاب دا نیال نبی ص 1309 ، باب 12 بندهای ا- 12 .

مهدویت در زرتشت

گات ها

کهنه ترین ومقدس ترین قسمت اوستا است که در میان یسنا جای داده شده است .

آن ها عبارتند از سرود ونظم وشعر ، و هر فرد از اشعارگات ها را گاس گویند . کلیه گات ها 17 فصل است وشامل 238 قطعه و896 بیت می باشد . (1)

در آن نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) و سیطره جهانی او آمده است) 2)

گات های اوستاشامل پنج قسمت است وبه منزله پنج کتاب اسفار تورات است که یهودیان آن ها را از خود موسی دانسته واحترام خاصی برای آنها منظور دارند : اهنود ، اشنود ، سپنتمد ، وهوخشتر ، وهشتد است (3) 1 . معارف ومعاریف ج8 ص 625 .

2 . ادیان ومهدویت ، محمد بهشتی ، ص 18 .

3 . معارف ومعاریف ج 8 ص 625 .

زند

ازکتاب های مذهبی زرتشتیان است که درآن به بشارت منجی اشاره شده است .

در این کتاب درباره انقراض اشرار ووراثت صالحان پس از شکستن شوکت جباران ، سخن به میان آمده است (1)

1 . ادیان ومهدویت ، محمد بهشتی 15 .

منجی اعظم

درکتب مقدسی که در میان زردشتیان و مندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان آن ها از نظرشان به عنوان پیامبر شناخته می شوند ، تصریحات بسیاری به منجی اعظم شده است که اوکسی جز حضرت مهدی (ع) نیست (1)

1 . آخرین امید ، داود الهامی ، ص 195 .

زرتشت و بشارت موعود

در منابع زرتشتیان تصریحات بسیاری به ظهور حضرت مهدی (ع) شده است که قسمتی از آن ها را در این جا می آوریم : درکتاب زند که ازکتب مقدسه زرتشتیان است ، درباره انقراض اشرار و وراثت صلحا می گوید : لشکرِ اهریمنان با ایزدان ، دایم در روی خاکدان محاربه وکشمکش دارند وغالباً پیروزی با اهریمنان باشد ، امَا نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو ومنقرض سازند ، چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان

است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد .

آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند ، وتمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند ، و بعد ازپیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان ، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده ، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست (1)

در بخش گات ها که یکی از بخش های چهارگانه اوستاست ، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) وسیطره جهانی آن حضرت آمده است : . . . وهنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد ، پس آنگاه

ای مزدا کشورت را بهمن در پایان برپا کند ، از برای کسانی که دروغ را به دست های راستی سپرند ، وخواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند . . . کی ای مزدا بامداد روز فراز آید ، جهان دین راستین فرا گیرد ، با آموزش های فزایش بخش پر خرد رهانندگان ، کیانند آنانی که بهمن به یاری شان خواهد آمد ، از برای آگاه ساختن ، من تو را برگزیدم ای اهورا بهمن را نماینده توانایی و منش نیک وراستی وپارسایی دادار اهور مزدا ، تفسیر کرده ا ند (2)

جا ماسب درکتاب معروف خود جاماسب نامه می گوید : پیغمبر عرب ، آخر پیغمبران باشد

که در میان کوه های مکه پیدا شود ، وشتر سوار شود وقوم او شتر سواران خواهند بود ، وبا بندگان خود چیز خورد ، وبه روش بندگان نشیند ، واو را سایه نباشد وازپشت سر ، مثل پیش رو ببیند .

دین او اشرف ادیان باشد وکتاب او باطل گرداند همه کتاب ها را . . . واز فرزندان دختر آن پیغمبرکه خورشید جهان وشاه زنان نام دارد ، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان ، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد ودولت اوتا به قیامت متصل باشد وبعد از پادشاهی او ، دنیا تمام شود . . . همه جهان را یک دین کند ودین گبری وزرتشتی نماند ، وپیغمبران خدا وحکیمان وپری زادان ودیوان ومرغان وهمه اصناف جانوران وابرها وبادها ومردان سفیدرویان در خدمت او باشند . . . (3)

در زند و هومن یسن از ظهور شخصیت فوق العاده ای بنام سوشیانس ، - نجات دهنده بزرگ- خبر داده و درباره نشانه های ظهور وی چنین می گوید . نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند وفرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند ، وبه همه دنیا پیام می فرستند . . . سوشیانس دین را به جهان رواج دهد ، فقر وتنگدستی را ریشه کن سازد ، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده ، مردم جهان را هم فکر و همگفتار و همکردارگرداند . (4)

لازم به یاد آوری است که اعتقاد یه ظهور سوسیانس در میان ملت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست های جنگی وفراز ونشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری ، خود را از یأس ونا امیدی نجات می دادند . (5)

1 . بشارت عهدین ص237

2 . بشارات عهدین استدراکات ، پس از مقدمه چاپ دوم ص 10 و 11 .

3 . لمعات النور ، ج 1 ص 23-25 .

4 . او خواهد آمد علی اکبر مهدی پور ، ص 1 08 و 121 و 122 .

5 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان ، هاشمی شهیدی ص 355 .

مهدی باوری در ادیان

ایده ظهور منجی بزرگ که با خروج خود ، عدل و قسط ، گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان ، به ارمغان خواهد

آورد و به ستم و تجاوز ظالمان در پهنه کره خاکی پایان خواهد بخشید و دولت کریمه عدل پرور و دادگستری را بنیان خواهد نهاد ، عقیده ای است که پیروان ادیان سه گانه ابراهیمی و بخش چشم گیری از سایر ملل بدان ایمان داشته و دارند . یهودیان مانند مسیحیان- که به بازگشت عیسی (ع) معتقدند- به ظهور یک منجی می اندیشند و همان گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت بهرام شاه اند ، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود تئودور موعود هستند و هندوها نیز به خروج ویشنو دل بسته اند و مجوسی ها به زنده بودن هوشیدراعتقاد راسخ دارند و بودایی ها منتظر باز آمدن بودا و اسپانیایی ها مترقب بزرگ خود رودریک اند و اقوام مغول هم رهبر خود چنگیز را منجی بزرگ می شمارند .

هم چنین ایده ظهور منجی در مصر باستان هم رواج داشته است ، همان گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است . (1)

درکنار این حقایق تکان دهنده ، تصریحات قابل توجهی ازنوابغ مغرب زمین و اندیشمندان آن دیار می یابیم ، مبنی بر این که جهان در انتظار مصلح کبیری است که سر رشته امور را به دست خواهد گرفت و جامعه بشری را زیر یک پرچم و به دنبال یک هدف ، گرد هم خواهد آورد . مانند فیلسوف شهیر انگلیسی برتراند راسل که می گوید : دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه یک پرچم و یک شعار متحد سا زد .

متفکر دیگر ، پروفسور آلبرت انیشتاین

، این گونه اظهار می کند : فرا رسیدن آن روزی که در جای جای جهان ، صلح و صفا حکومت کند همه اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند ، دیری نخواهد پایید .

در این میان ، سخن فیلسوف نامدار انگلیسی برنارد شار شایان توجه است . وی درکتاب خود بشر و ابرمرد به ظهور یک مصلح بشارت می دهد .

در این زمینه ، استاد بزرگ عباس محمود العقاد می نویسد : به نظرِ ما ابرمرد مورد نظرِ شار ، صرفاً یک فرضیه و امری ناشدنی نیست و فراخوانی بشر به سوی چنین مصلحی توسط شار از حقیقتی ثابت و واقعیتی اصیل ریشه گرفته است . علی رغم وجود مذاهب مختلف اسلامی و تفاوت های مهدی در روایات 717 عقیدتی ناشی از آن ، همه مسلمانان طبق بشارت رسول اکرم (ص) به ظهور امام مهدی (ع) در آخر الزمان اعتقاد راسخ دارند . بسیاری از علمای اهل سنت ، از قرن سوم هجری تا امروز بدین معنا تصریح کرده اند .

اساساً میان مسلمانان دیگر پیروان ادیان و ملل مختلف ، در اصل اعتقاد به ظهور یک منجی در آخر الزمان هیچ گونه اختلافی نیست ، هر چند در مصداق آن میان مسلمانان و دیگران اختلافاتی وجود دارد ، لیکن تمامی امت اسلامی بر این باورند که اسم مبارک وی محمد و لقب او مهدی است . (2)

1 . المهدیه فی الاسلام سعد محمد حسن ص 43 .

2 . درانتظار ققنوس ، مهدی علیزاده ، ص 47 .

انتظار و صهیونیسم

در عصر ما

که یهودیان صهیونیست خود بر پای خاسته وبا اشغال فلسطین درصدد برآمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند ، چیزی از تب وتاب انتظار موعود کاسته نشده است ویهودیان در انتظار مسیحا لحظه شماری می کنند .

حدود صد سال پیش متفکران یهود گفتند قوم ما این همه سال در انتظار مسیحا خواری ها را بر خود هموارکرد ، ولی از وی خبری نیامد . دیگر انتظارمان به سر آمد وکاسه صبرمان لبریز شد . جا دارد که خود برای پایان دادن به وضع موجود برخیزیم . آنان مکتب صهیونیسم را تأسیس کردند وگفتند باید خودمان فلسطین را بگیریم . عموم یهودیان می گفتند این کار درست نیست ، زیرا طبق باورهای دینی ، تنها مسیحا می تواند به چنین کاری اقدام کند . صهیونیست ها گفتند ما برای قیام مسیحا پایگاهی در فلسطین درست می کنیم .

قانع نمودن قومی که قرن ها در خیالات واهی به سر برده بود ، کاری مشکل بود . اما آنان با صبر وحوصله فراوان ، برای این کار تبلیغ کردند و مهاجرانی را به فلسطین بردند وپنجاه سال پیش دولت غاصب اسرائیل را در اراضی اشغالی بنیاد نهادند . البته هنوز هم اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم ، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحای می دانند وپیوسته با آن مخالفت کرده ، می گویند باید به سنت انتظار ادامه داد . سرانجام ، سواد اعظم یهودیت صهیونیسم را از جان ودل پذیرفتند و آن را رهگشای عصر مسیحا دانستند . از این رو ، صهیونیست های غاصب فلسطین ،

علاوه بر دعاهای مسیحایی موسوم ، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم غاصب پنجم ماه اِیار عبری پس از دمیدن در شیپور عبادت ، این گونه دعا می کنند :

اراده خداوند ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم ونفخ صور مسیحا ، گوش ما را نوازش دهد . (1)

1 . نشریه موعود ، شماره 11 .

عهدعتیق

درکتاب های عهد عتیق هم نوید حضرت مهدی (ع) آمده است .

درکتب اشعیاء نبی فصل1و 45 (ز کریا نبی) فصل 14 (صفنیاء نبی) فصل 3 سلیمان نبی فصل 2 (حجی نبی فصل 2 (اول سمودئیل) فصل 2 (دوم سموئیل) فصل 2 1 و 23 (و حزقیل نبی) فصل 1 (1)

بشارت منجی و نوید ظهور حضرت مهدی (ع) ذکر شده است .

1 . روزگار رهایی ج 2 ، ص 1014 .

مهدویت در مسیحیت

مسیح دروغین

اعتقاد به ظهور منجی بزرگ جهانی واشتیاق به ظهور رهبری آسمانی ، در میان یهود و نصاری ، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این در هفت ، مدعیان شگفتی را پدید آورده و افراد بسیاری پیدا شده ا ند که خود را به دروغ مسیح موعود معرفی کرده اند . به طوری که صاحب کتاب قاموس کتاب مقدس درباره شماره مدَعیان دروغین مسیح موعود می نویسد : بیست و چهار نفر مسیح های دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهرگشتند که مشهورترین و معررف ترین آن ها برکوکبه است که در اوایل قرن ثانی می زیست و آن دجال معروف ادعا می کرد که رأس و پادشاه قوم یهود است . . . آخرین مسیح های دروغگو " مردخای " است .

او شخصی آلمانی بود که در سال 1682 میلادی ظهورکرده ، اسباب شدت گرفتن فتنه و فساد گشت و چون آتش فتنه بالاگرفت ، فراری گردیده و

معدوم الاثر شد . اما متاسفانه اطلاع " مسترهاکس "

مؤلف آن کتاب درباره شماره مدعیان مسیحایی و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان مسیح موعود قیام کرده است ، نارسا است .

شماره این مدعیان ، به مراتب بیشتر از آن است و قیام " مردخای " آلمانی در قرن هفدهم ، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیت آن را به یاد می آورد . تنها طی دو قرن هیجدهم و نوزدهم در انگلستان ، بیش از شش تن ، به نام مسیح موعود (ع) ظهورکرده اند و اغتشاش هایی را هم دامن زده اند ، و پاره ای از آن ها به کیفر رسیده ا ند . (1)

البته به موازات دین مسیح ، در دین یهود نیز ، مسیح های دروغین متعددی ظهورکرده اند . از جمله یکی از مسیح های یهودی " داود آل روی " از یهودیان ایران است . او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران ، مدعی شد که مسیح موعود است . (2)

1 . دیباچه ای بررهبری ص 95 .

2 . همان ص101 .

هزاره گرایی

هزاره گرایی (millennialism) میراث قدیم ادیان است که امروزه در جوامع مسیحی رواج یافته و در آینده نزدیک ، شاهد آثار و نتایج آن خواهیم بود .

این آرمان در یهودیت بسیار اوج گرفت و در مسیحیت - به . ویژه در حدود سال 1000 میلادی - به نهایت اوج خود رسید .

اکنون هزاره گرایی در جهان مسیحیت بیداد می کند و شور و التهاب این آرمان در آن جوامع بدان پایه است که پژوهشگران علوم اجتماعی و

رسانه های جمعی گاهی از آن به عنوان سندرم 2000 و جنون هزاره ای یاد می کنند . این آرمان خاص مسیحیت نیست و نشانه هایی از آن در اسلام و ادیان دیگر وجود دارد .

دائره المعارف بین المللی علوم اجتماعی در مدخل (millennialism) می نویسد : واژه لاتینی millennialism ، و معادل یونانی آن chilias در لغت به معنای یک دوره هزار ساله است . سنت هزاره بر ادبیات مکاشفه ای یهود وکتاب مکاشفه یوحنا استوار است .

بر اساس آن سنت ، مسیح پس از اینکه بار دیگر به شکل یک جنگاور آشکار می شود ، بر ابلیس پیروز خواهد گردید و او را در بند خواهد کرد . آنگاه ملکوت خدا را پدید خواهد آورد و شخصاً به مدت 1000 سال حکم خواهد راند . قدیسانی که در ایمان ثابت مانده و جان بر سر آن نهاده اند ، از خاک برمی خیزند و در پادشاهی او به کهانت می پردازند .

در پایان این دوره ، شیطان تا چندی آزاد خواهد ماند و سرانجام کشته خواهد شد . آنگاه رستاخیز همه مردگان ، واپسین داوری و آخرین رستگاری فرا خواهد رسید .

هزاره گرایی تا اندازه ای به پیشگویی های مربوط به آینده جهان ارتباط دارد و در جستجوی پاسخی برای سرنوشت انسان و جهان است .

واما هزاره مسیحی : کتاب مکاشفه یوحنا از اعداد و ارقام سخن گفته است و دو عدد بسیار معروف در آن یافت می شود : 1000 و ، 666 .

به گفته آن کتاب ، حضرت عیسی (ع) شیطان

را دربند می کند و مدت هزار سال با قدیسان خود و شهیدان آغاز مسیحیت که تعدادشان بسیار است ، سلطنت می نماید . آن گاه شیطان اندکی آزاد می شود شیطان برای جنگ با نیکان و تسخیر شهر قدس لشکرگرانی را فراهم می کند ، ولی وی و سپاهش به اراده خدا نابود می شوند .

این مسأله روشن بعدا تفسیرهای مختلفی گرفت . مثلأ گروهی گفتند سلطنت هزار ساله حضرت عیسی مسیح (ع) ، به بهشت مربوط می شود زیرا شیطان به آن جا راهی ندارد . درباره تقدم و تأخر این رویدادها نیزگرایش های گوناگونی پدید آمد که مکتب های " پیش هزاره " ، " پس هزاره " و نفی هزاره " از آن جمله است .

هزاره گرایی همراه انتظار موعود ، از یهودیت به مسیحیت سرایت کرد و به علت ناتمام ماندن رسالت حضرت عیسی مسیح (ع) در مسیحیت ادامه یافت . (1)

1 . نشریه موعود ش 19 ص 14

انجیل و بشارت موعود

بر اساس بشارات فراوانی که درکتاب انجیل آمده است ، حضرت مسیح (ع) به دنبال قیام حضرت قائم (ع) در فلسطین آشکار خواهد شد وبه یاری آن حضرت خواهد شتافت وپشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد ، تا یهودیان و مسیحیان وپیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند وحامی حضرت مهدی (ع) گردند .

از این رو ، در آخرین روزهای زندگی- و شاید در طول دوران حیات- به یاران و شاگردان خود ، توصیه ها و سفارش های بسیاری درباره بازگشت خود

به زمین نموده و آنان را در انتظارگذارده وامر به بیداری و آمادگی فرموده است . ما برای نمونه متن برخی از آن بشارات راکه درانجیل آمده است می آوریم :

انجیل متی : . . . . عیسی در جواب ایشان گفت : زنهارکسی شما را گمراه نکند . آن روکه بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد . و جنگ ها واخبار جنگها را خواهید شنید . زنهار مضطرب مشوید ، زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست ، زیرا قومی با قومی وممملکتی با مملکتی تفاوت خواهند نمود وقحطی ها ووباها و زلزله ها در جای ها پدید آید . و فوراً پس از مصیبت آن امام ، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد وستارگان از آسمان فرو ریزند ، وقوَت های افلاک متزلزل گردد .

آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد ، ودر آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند وپسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت وجلال عظیم آید . . . (1)

انجیل مرقس : . . . از آن روز وساعت ، غیر از پدر ، هیچ کس اطلاع ندارد ، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم ، پس برحذر و بیدارشده دعا کنید ، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود . مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد وخادمان خود را قدرت داده ، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید ودربان

را امر فرماید که بیدار بماند . پس بیدار باشید زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید . در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح . مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد . اما آن چه به شما می گویم به همه می گویم ، بیدار باشید . (2)

انجیل لوقا : کمرهای خود را بسته ، چراغ های خود را افروخته بدارید . وشما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند ، که چه وقت از عروسی مراجعت کند ، تا هر وقت آید ودر را بکوبد ، بی درنگ برای او بازکنند . پس شما نیز مستعد باشید ، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید (3)

انجیل یو حنا : وبدر قدرت بخشیده است که داوری هم بکند ، زیراکه پسر انسان است واز

این تعجب مکنید ، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید وبیرون خواهند آمد ، هرکه اعمال نیکوکرد برای قیامت حیات ، وهرکه اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری . (4)

مکاشفه یوحنا : وعلامتی عظیم در آسمان ظاهر شد . زنی که آفتاب را در بر دارد وماه زیر پای هایش وبر سرش تاجی از دوازده ستاره است . و آبستن بوده ، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد برمی آورد .

وعلامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سر وده شاخ بود وبر

سرهایش هفت افسر ، ودمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آن ها را بر زمین ریخت واژدها پیش آن زن- که می زایید- بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد .

پس پسر نرینه را زایید که همه امت های زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهد کرد وفرزندش به نزد خدا وتخت او ربوده شد . . . . (5)

با اندکی تأمل آمد درآیات مذکور این نتیجه به دست می آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده ، بزرگترین مولود جهان انسانیت ، حضرت مهدی (ع) است که در زمان نامعلومی از پشت پرده غیبت با شمشیر ظاهر شده وبا عصای آهنین بر بشریت حکومت می کند (6)

رساله پولس به رومیان : پولس ، رساله های متعددی داشته است ، که در رساله اش به رومیان می نویسد : زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد ، هیچ است . . . و آن که برای حکمرانی امت ها مبعوث شود ، امید امت ما بر وی خواهد بود . (7)

کتاب اعمال رسولان : و چون دین را گفت ، وقتی که ایشان همی نگریستند بالا برده شد وابری او را از چشمان ایشان در ربود . وچون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند ، هنگامی که ا و می رفت ناگاه دو مرد سفید پوش نزد ایشان ایستاده ، گفتند : ای مردان جلیل چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما

به آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد ، به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید . (8)

1 . کتاب مقدس ، انجیل متی ص 41 باب 24 .

2 . کتاب مقدس ، انجیل مرقس ، ص77 باب 13 .

3 . کتاب مقدس انجیل لوقا ، ص 116 ، باب 12 . .

4 . کتاب مقدس ، انجیل یوحنا ، ص 152 ، باب 5 .

5 . کتاب مقدس ، مکاشفه یوحنا ص 408 ، باب 12 .

6 . بشارت عهدین ص 265-267 .

7 . رساله پولس رسول به رومیان ، ص 252 و 261باب 8 و 5 .

8 . کتاب مقدس اعمال رسولان ص187 باب 1 .

صهیونیسم مسیحی

صهیونیسم مسیحی واژه ای است که برای شاخه افراطی پروتستان های آمریکایی به کار می رود .

این گروه به جهت حمایت از اسرائیل ، بدین نام مشهور شده اند .

واما مسیحیت به سه شاخه کاملا جدا و مخالف یکدیگر یعنی کلیسای کاتولیک روم ، ارتدکس وپروتستان تقسیم شده است . این سه کلیسا در اعتقادات دینی ومراسم عبادی کاملا از یکدیگر جدایند ومانند سه دین مختلف عمل می کنند وحتی انجیل کلیسای پروتستان با انجیل کلیسای کاتولیک تفاوت زیادی دارد .

یکی از ویژگی های کلیسای پروتستان رابطه بسیار نزدیک آن ها با دولت های اروپایا یی می باشد و این دولت ما برای ترویج مسیحیت پروتستان از مبلغان خود درکشورهای جهان سوم حمایت های گسترده مالی ، تبلیغاتی وسیاسی می کنند به عنوان مثال در انگلیس ، دولت وکلیسای

پروتستان از هم جدا نیست وملکه انگلیس در رأس دولت وکلیسا قرار دارد .

در یک قرن گذشته جریان جدیدی که در بین پروتستان ها فوق العاده قدرتمند شده است ، مکتب نو ظهور مبلغان انجیل می باشد .

قبل از جنگ جهانی دوم این مکتب نوظهور به بنیادگرایی معروف وشعار آن ها بازگشت به انجیل وتغییر جامعه با تحول فرهنگی بود وهدف آن ها به وجود آوردن حکومت در آمریکا بر مبنای بنیادهای انجیل می باشد .

بعد از جنگ جهانی دوم ، بنیادگرایان آمریکایی خود را مبلغان انجیل معرفی کردند و با استفاده گسترده از وسایل ارتباطات جمعی توانستند در جامعه آمریکا نفوذ فراوانی به دست آورند واکنون این جریان قدرتمندترین وفعال ترین تشکیلات دینی در آمریکا محسوب می شود و در مراکز سیاسی این کشور نفوذ زیادی دارند .

اصول ومبانی جریان مبلغان انجیل در آمریکا وانگلیس ، حمایت همه جانبه عقیدتی وسیاسی از صهیونیسم می باشد و آن ها اعتقاد دارند که پیروان کلیسای پروتستان برای ظهور دوباره مسیح باید چند خواسته مسیح را که در تفاسیر انجیل در قرن بیستم به عنوان پیشگویی های انجیل بیان شده ، عملی نمایند .

این جریان نوظهور در پروتستانَیسم با عنوان خواسته های مسیح شهرت دارد .

پیروان این مکتب خود را از مبلغان انجیل می دانند واعتقاد دارند پیروان این مکتب ، مسیحیان دوباره تولد یافته می باشند که فقط اینان اهل نجات خواهند بود ودیگران هلاک خواهند شد . از ویژگی های ممتاز پیروان این مکتب اعتقاد راسخ وتعصب خاص به صهیونیسم می باشد وتعصب این مسیحیان به صهیونیسم بیش از

صهیونیست های یهودی مقیم اسرائیل و آمریکا می باشد . مطابق اعتقادات مکتب فوق به وسیله پروتستان ما حوادثی باید به وقوع بپیوندد تا مسیح دوباره ظهور نماید وپیروان این مکتب وظیفه دینی دارند برای تسریع در عملی شدن این حوادث کوشش نمایند . حوادثی که توسط آن ها باید عملی شوند ، عبارتند از :

1 . یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین آورده شوند وکشور اسرائیل درگستره ای از رودخانه نیل تا رودخانه فرات به وجود آید ویهودیانی که به اسرائیل مهاجرت نمایند ، اهل نجات خواهند بود .

2 . یهودیان باید دو مسجد اقصی وصخره در بیت المقدس را منهدم کنند وبه جای این دو مسجد مقدس مسلمانان ، معبد بزرگ را بنا نمایند ا ز سال1967 تا به حال دو مسجد اقصی و صخره در بیت المقدس بیش از صد بار مورد حمله یهودیان ومسیحیان صهیونیست قرارگرفته است .

3 . روزی که یهودیان مسجد اقصی ومسجد صخره در بیت المقدس را منهدم کنند ، جنگ نهایی مقدس) آرماگدون (به رهبری آمریکا وانگلیس آغاز شده ، دراین جنگ جهانی تمام جهان نابود خواهد شد .

4 . روزی که جنگ آرماگدون آغاز شود ، تمامی مسیحیان پیرو اعتقادات عملی نمودن خواسته های مسیح که مسیحیان دوباره تولد یافته می باشند ، مسیح را خواهند دید وتوسط یک سفینه عظیم از دنیا به بهشت منتقل می شوند از آن جا همراه با مسیح ، نظاره گر نابودی جهان وعذاب سخت در این جنگ مقدس خواهند بود .

5 . در جنگ آرماگدون زمانی که ضد مسیح) دجال

(در حال دستیابی به پیروزی است ، مسیح همراه مسیحیان درباره تولد یافته در جهان ظهور خواهد کرد و ضد مسیح را در پایان این جنگ مقدس شکست می دهد وحکومت جهانی خود را به مرکزیت بیت المقدس برپا خواهد ساخت ومعبدی که به جای مسجد اقصی وصخره در بیت المقدس که توسط مسیحیان ویهودیان قبل از آغاز جنگ آرماگدون ساخته شده- محل حکومت جهانی مسیح خواهد بود .

6 . دولت صهیونیستی اسرائیل با کمک آمریکا وانگلیس ، مسجد اقصی ومسجد صخره در بیت المقدس را نابود خواهد کرد ومعبد بزرگ به دست آنان در این مکان ساخته خواهد شد واین رسالت مقدس به عهده آن ها می باشد .

7 . این حادثه پس از سال 2000 میلادی حتماً اتفاق خواهد افتاد .

8 . قبل از آغاز جنگ آرماگدون ، رعب ووحشت جامعه آمریکا و اروپا را فرا خواهد گرفت .

9 . قبل از ظهور دوباره مسیح ، صلح در جهان هیچ معنی ندارد ومسیحیان برای تسریع در ظهور مسیح باید مقدمات جنگ آرما گدون و نابودی جهان را فراهم نمایند رهبران مذهبی فرقه های پروتستان در ایالات متحده وانگلیس که به این مکتب نوظهورخواسته های مسیح اعتقاد دارند ، در دهه 1990م اعتقادات یاد شده را به شدت در جامعه آمریکا واروپا تبلیغ کرده اند و در 10 سال گذشته در آمریکا در این زمینه ده ها کتاب منتشر شده وفیلم های گوناگونی به نمایش درآمده اند .

کشیش آمریکایی به نام هال لیندسی کتابی با عنوان در پیشگویی های انجیل جای آمریکا کجاست را تألیف کرده که یکی

از پرفروشترین کتاب های سال 2001 در آمریکا به شمار آمده است .

در این کتاب نقش دولت واشنگتن در جنگ آرماگدون بیان شده است نویسنده در این کتاب اثبات نموده است که دولت آمریکا جنگ آرماگدون را رهبری خواهد کرد ومخالفان مسیح در سراسر جهان را که قبل ازآغاز این جنگ باعث ایجاد رعب و وحشت در جهان شده اند ، شکست خواهد داد .

در این جنگ مقدس ، دولت انگلیس همکار آمریکا خواهد بود . دولت آمریکا در اوج جنگ سرد ، موشک های هسته ای قاره پیمای خود را شمشیرهای جنگ مقدس نامیده بود .

پیروان این مکتب در یک دهه گذشته تبلیغ کرده اند که عملیات طوفان صحرا علیه عراق در سال 1991 فراهم کردن مقدمه برای جنگ آرما گدون بوده است .

مسیحیان صهیونیست از فرقه پروتستان ها در آمریکا وانگلیس اعتقاد دارند که مسیح همیشه در امور خاورمیانه به سود دولت اسرائیل مداخله نموده است واعلام می دارند که خواست دولت اسرائیل در حقیقت خواست مسیح می باشد و مذاکرات صلح در خاورمیانه بیهوده است وتأسیس کشور اسرائیل بزرگ از رودخانه نیل تا رودخانه فرات ، خواست مسیح می باشد که به زودی عملی خواهد شد .

صهیونیست های یهودی هم مطابق اعتقاد به مجموعه قوانین دینی خود تلمود به مکتب خواسته های خدا اعتقاد دارند و مطابق این اعتقاد ، آن ها برنامه ای را اجرا می نمایند که با کمک دولت های آمریکا وانگلیس و دیگرکشورهای غربی بتوانند دو مسجد مقدس اقصی وصخره در بیت المقدس را تخریب کرده ، کشور اسرائیل بزرگ را با نابودی

کامل کشورهای اسلامی به وجود آورند به همین منظور میان صهیونیست های یهودی و صهیونیست های مسیحی از فرقه پروتستان ها اتحاد و هماهنگی کامل وجود دارد و مسیحیان پیرو اعتقاد خواسته های خدا را همواره اظهار می دارند ، هر عملی که از سوی دولت اسرائیل انجام می شود در حقیقت از سوی مسیح طراحی شده است وباید توسط مسیحیان سراسر جهان مورد حمایت قرارگیرد به لطف حمایت همه جانبه جهان مسیحی غرب از دولت تل آویو ، اکنون ذخایر عظیم موشک های هسته ای وانواع و اقسام تسلیحات شیمیایی و میکروبی در اسرائیل وجود دارد و در واقع ، رژیم صهیونیستی را به یک انبار مهمات و پادگان نظامی جهان مسیحی ایالات متحده آمریکا وغرب تبدیل کرده اند .

البته هدف استراتژیک جهان مسیحی غرب این است که کشورهای اسلامی را در زمینه های اقتصادی ونظامی برای همیشه ضعیف نگاه دارند .

یک نویسنده آمریکایی در سال 1997 کتابی با عنوان خیانت به بیت المقدس را تألیف نمود که در آن هر نوع مذاکره صلح با فلسطینیان را خیانت به تعلیمات انجیل وخواسته های مسیح می داند واین مطلب را به خوانندگان القا می نماید که مسیح با آغاز هزاره سوم وقبل از سال 2007 م ظهور خواهد کرد و اسراییل بزرگ را از نیل تا فرات به وجود خواهد آورد .

در این کتاب ها تبلیغ می گردد که برای تعجیل ظهور مسیح ، مسیحیان باید کشور بابل را - که عراق کنونی می باشد - نابود کنند و رودخانه فرات باید کاملا خشک گردد گفتنی است که آن ها جنگ آرماگدون

را " جنگ فرات " نیز می نامند .

رهبران دینی صهیونیسم مسیحی تبلیغات گسترده ای در این باره انجام داده اند .

در یک نظرسنجی که توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس در سال 1997 انجام شد ، اعلام گردید 25 درصد جمعیت آمریکا اعتقاد راسخ دارند که با آغاز هزاره سوم ، جنگ جهانی آرماگدون در محل فلسطین آغاز خواهد شد واین جنگ تا مدت هفت سال ادامه خواهد داشت .

در اثر این جنگ دنیا نابود می شود و در پایان این جنگ هفت ساله که آن ها آن را " مصیبت بزرگ برای کلیسا و مسیحیان " می دانند ، مسیح همراه مسیحیان دوباره تولد یافته ظهور خواهد کرد و دجال را شکست می دهد وحکومت جهانی خود را با مرکزیت بیت المقدس تشکیل خواهد داد .

به همین منظور آن ها معبد بزرگ را که موجب جنگ آرماگدون می شود معبد مصیبت بزرگ می نامند مطابق اعتقادات صهیونیسم مسیحی ، غیر از معتقدان به خواسته های مسیح ، تمامی مردم جهان ، چه مسیحی وچه غیر مسیحی ، به دست دجال کشته خواهند شد .

ارتش صهیونیستی در سال1967 بخش شرقی بیت المقدس را تصرف کرد ومسجد اقصی ومسجد صخره به دست صهیونیست های یهودی اشغال گردید بعد از آن ، رژیم تل آویو همواره اعلام کرد که بیت المقدس پایتخت ابدی اسراییل است . به همین منظور صهیونیست ها 87 درصد بخش شرقی بیت المقدس را تصرف کرده اند ومردم فلسطین حق ندارند در بخش شرقی این شهر ، خانه سازی کنند وحتی خانه های فلسطینی ها در این بخش شهر مرتب

تخربب می گردد ویهودیان در آن جا ساکن می شوند صهیونیست ها زیر محوطه مسجد اقصی و مسجد صخره را کا ملا حفاری کرده اند .

صهیونیست های مسیحی ویهودی مقیم فلسطین اشغالی و آمریکا اعلام نموده اند که آن ها سقف و ستون های معبد بزرگ را آماده کرده اند و می توانند درکوتاه ترین مدت معبد بزرگ را در جای مسجد اقصی ومسجد صخره احداث نمایند . آن ها نقشه معبد بزرگ را در روی جلد کتاب هایی که در این موضوع نوشته شده است چاپ کرده اند .

رهبران صهیونیسم مسیحی ویهودی خود اعلام کرده اند مطابق تفسیر مکاشفه یوحنا درانجیل ، صهیونیسم رسالت الهی دارند و برای تأسیس دولت اسراییل بزرگ حق دارند علاوه بر سلب مالکیت فلسطینیان ، حتی نسل کشی فلسطینیان واعراب را انجام دهند رهبران دینی پروتستان ، مبلغان انجیل را از مسیحی کردن یهودیان منع می کنند ، چرا که مطابق اعتقادات آنان یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین مهاجرت نمایند واسراییل بزرگ را تشکیل دهند و اقدام به ساخت معبد بزرگ نمایند بیشتر مطلق یهودیان در جنگ آرماگدون توسط ضد مسیح کشته خواهند شد وتعداد اندکی که زنده خواهند ماند ، با ظهور حضرت مسیح به وی ایمان خواهند آورد .

تروریسم مقدس و مبلغان جنگجوی انجیل مکتب صهیونیسم مسیحی درکشورهای پروتستان مخصوصاً در ایالات متحده آمریکا وانگلیس توسط مبلغان انجیل در سطح گسترده ترویج می شود .

نویسنده معروف آمریکایی به نام گریس هالسل در دوکتاب معروف خود برنامه های مبلغان جنگجوی انجیل ، مقیم آمریکا را به خوبی افشا کرده بود . نویسنده

در این دوکتاب با عنوان پیشگوی وسیاست ومبلغان جنگجوی انجیل در بستر جنگ هسته ای برنامه های مشترک

دولت های آمریکا ، انگلستان واسراییل با همکاری مبلغان انجیل را برای به وجود آوردن اسراییل بزرگ تشریح می کند .

هالسل که ازکارمندان برجسته دفتر ریاست جمهوری آمریکا بود اتحاد محرمانه بین مبلغان انجیل در آمریکا وانگلیس با اسراییل را آشکار می نماید .

تأثیر تبلیغات گسترده دستگاه های ارتباط جمعی آمریکا که کاملاً تحت کنترل صهیونیست ها می باشند ، مردم آمریکا را به زود باورترین مردم جهان تبدیل کرده وحادثه 11 سپتامبر هم کینه ونفرت مردم آمریکا وجهان غرب را به خاطر تبلیغات هدایت شده ، علیه اعراب ومسلمانان برانگیخته است .

صهیونیست ها وطرفداران آن ها که سال ها یک سلسله برنامه های دینی ، فرهنگی ، اجتماعی ، وسیاسی خود را تبلیغ می کردند ، با حادثه 11 سپتامبر 2001 بهترین فرصت را به دست آوردند تا برنامه های شان را با سرعت بیشتری به مردم آمریکا و اروپا بقبولانند ودر حال حاضر می کوشند برنامه های خود را عملی نمایند . در دوران جنگ سرد ، آمریکا اتحاد جماهیر شوروی سابق را امپراتوری شر معرفی می کرد و بعد از جنگ سرد ، دستگاه های ارتباط جمعی آمریکا ترس از مسلمانان را تبلیغ کردند وبعد از حادثه 11 سپتامبر ، این تبلیغات علیه اسلام ومسلمانان جهان در دنیای غرب به اوج خود رسیده است .

گروه های مسیحی پیرو اعتقاد خواسته های مسیح در آمریکا 100 میلیون پیرو دارند و آن ها در هر دو حزب بزرگ آمریکا یعنی جمهوری خواه و

دموکرات صاحب نفوذ می باشند و همراه صهیونیست های یهودی ، دولت واشنگتن را کاملاً در اختیار دارند .

آمریکا ودیگرکشورهای پروتستان و 1500 فرقه مسیحی حامل این اعتقاد در سطح جهان ، برای جنگ آرماگدون تبلیغات گسترده انجام می دهند وبرای تسریع در ظهور مسیح کوشش می نمایند ، وضعیتی را پیش آورند که سراسر جهان نابود شود .

نویسندگان غربی این اعتقادات را به عنوان تروریسم مقدس معرفی می کنند . این گروه های مسلح مسیحی در آمریکا بعد از حادثه 11 سپتامبر از سوی اف بی ای متهم شده اند که درپخش) سیاه زخم که یک اسلحه بیولوژیک می باشد در آمریکا نقش داشته اند . سیاست دولت آمریکا نیز بر نبرد تمدن ها استوار است و آن ها خود را کدخدای دهکده جهانی اعلام کرده اند و به بهانه مبارزه با تروریسم می کوشند سلطه خود را بر سراسر جهان گسترش دهند . ولی آمریکا در حال فروپاشی از داخل می باشد و ریشه حوادث 11 سپتامبر در داخل خود آمریکا وجود دارد .

گروه های صهیونیست مسیحی ویهودی در داخل آ مریکا روز به روز قدرتمندتر می شوند و اکنون در واقع ، دولت و مردم ایالات متحده آمریکا در دست این گروه هاگروگان می باشند (1)

1 . برگرفته از سایت W W W . Mouood . Org

مسیحیت سیاسی آمریکا

به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا در 25 سال آخر قرن بیستم ، با حوادثی جهانی همراه گردید که شامل احیای اصولگرایی در سه دین آسمانی اسلام ، یهودیت و مسیحیت بود .

اما می

توان ویژگی های خاصی برای جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا در نظرگرفت که عبارتند از : 1 . مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا جنبشی پس لائیک " بود که در جامعه ای پس لائیک ظهورکرد .

جامعه ای که لامذهبی را از دو قرن پیش می شناخته و از یک قرن قبل در تمام زمینه های اجتماعی ، چه در فضای قانونی وسیاسی و چه در سایر فضاها ، با آن آشنا بوده و در آن ریشه دوانده بود .

برعکس جوامع اسلا می که وقتی پدیده لامذهبی در این جوامع ظهورکرد ، فقط نخبگان غربزده آن را در بر می گرفت . یک مسلمان وظایف فردی واصطلاحات قرآنی را می خواند ، آن ها را می شناسد یا به راحتی آن ها را به یاد می آورد و در آن مسیرگام بر می دارد ، چون مرجع کنونی و حال حاضر مذهبی آن است ، در حالی که یک آمریکایی چون لامذهبی بر او تأثیرگذاشته است ، نیاز به این دارد که وظایف فردی واصطلاحات کتاب مقدس را دوباره از نو بخواند و فراگیرد و سرانجام این که احیای مذهبی در آمریکا غسل تعمید دوباره از پایین تأثیر بر جامعه (ع) یا از بالا تلاش جهت تغییر نظام بود .

2 . جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا برعکس جوامع اسلامی در جامعه ای دمکراتیک زاده شد ، به همین دلیل مقید و محدود به فرهنگ و آداب و رسومی دمکراتیک است . به همین دلیل به خشونت و زور روی نمی آورد ، مگر به وسیله گروه های

بی اهمیت و خرده پا ، همچنین در معرض قلع و قمع و سرکوب به سان جوامع اسلامی قرار نمی گیرد ، مگر در موارد خاصی مانند خودکشی .

همچنین به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا آمریکا در جامعه ای دمکراتیک ، آن را به سوی مبارزات سیاسی به عنوان قدرت رأی دهنده مولر و حاکمیت بر شوراهای مدارس وشهرها در بسیاری از ایالت ها سوق داد و باعث شد تا نمایندگانی درکنگره و میان استانداران ایالت ها داشته باشد .

غیر از آن ، راست مسیحی ، در چارچوب سعی و تلاش خویش جهت تعمید از بالا اقدام به ارائه کاندیدای خویش جهت حضور در انتخابات اولیه حزب جمهوری خواه در سال 1988 نمود و اوکسی نبود جز پاپ رابرتسون .

این تلاش درکاندیداتوری اولیه جهت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال 2000 به وسیله معرفی گری پویرکه در جنگ انتخاب کاندیداهای حزب جمهوری خواه پیروز شده بود ، تکرار شد .

3 . جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا ، در جامعه ای پسا مدرنیسم و پسا صنعتی ظهور نمود به همین دلیل توانایی خارق العاده ای داشت که از زبان و تکنولوژی بسیار پیشرفته برای نشر رسالت خویش استفاده کند .

این مسئله در ابداع کلیساهای تلویزیونی و استفاده از " اینترنت " و پست الکترونیک " جهت تأسیس شبکه های ارتباطی با یاران و پیروان خویش و حتی مردم عادی ، طی حملات انتخابی یا جمع آوری کمک ها با فشار بر اداره ریاست جمهوری وکنگره نمود پیدا می کند .

4 . در جامعه سرمایه داری که بر اساس

اصول آزادی و رقابت استوار است ، نشو و نما یافت .

به همین دلیل ملاحظه می کنیم ، بر اساس منطق " بازار " فعالیت می کند . به اندازه ای که می توان گفت به خاطر نبود " دین رسمی برای دولت " و یاکلیسای ملی ، بازار آمریکایی دین وجود دارد که در آن شبکه های مذهبی تلویزیونی کلیساهای مرئی یا تصویری و دانشگاه های الهیات و سازمان های بشارت دهنده و دستگاه های چاپ کاغذی و الکرونیکی مسیحی با هم در رقابت هستند .

5 . جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگری آمریکا بسان جنبش اسلامی شرایط اجتماعی را به مبارزه فرا می خواند . جنبش اسلامی به مبارزه با بدبختی و فقر مادی و اجتماعی می پردازد .

در حالی که نوع آمریکایی آن به مبارزه یا بدبختی های اجتماعی در جامعه ای مادی و آزاد ، با وعده ، به درمان اجتماعی از خدای واعظان تلویریونی و دانشگاه های الهیات و درمان های سحرآمیز و التزام به قوانین خشک اخلاقی می پردازد . قوانینی که سقط جنین را منع و هم جنس بازی را تحریم کرده و روابط جنسی را محدود به ازدواج می کند وکود کانی بر اساس اصول اخلاقی مسیحیت تربیت می کند و آن ها را از ارتکاب خلاف موارد فوق یا " پورنوگرافی " بر حذرمی دارد .

بی شک هرکس که به سیاست داخلی و سیاست خارجی امریکا توجه دارد ، می بایست بداند که مسیحیت آمریکایی از زمان پای گذاشتن مهاجران پروتستانی پورتانی اولیه بر سواحل آمریکا ، صبغه ای یهودی یافت و با

اولین بیداری و آگاهی بزرگ مذهبی در قرن نوزدهم تبدیل به مسیحیتی یهودی شد و از آن تاریخ ، مسیحیت صهیونیسم از آن نشأت گرفت و نشو و نما یافت . (1)

1 . نشریه موعود شماره 40 ص 19 مقدمه کتاب المسیح الیهود ی و نهایه العالم نوشته رضا هلال ، ترجمه قبس زعفرانی .

مسیحیت یهودی

مذهبی شدن و یهودی شدن آمریکا با شکل گیری و نشو و نمای آن ارتباط پیدا می کند . مهاجران اولیه آمریکا را اورشلیم جدید یا کنعان جدید تلقی کردند و خود را به عبرانی های قدیم تشبیه نمودند ، که از ظلم و ستم فرعون جیمز اول پادشاه انگلیس فرارکردند و ازسرزمین مصر انگلیس به جست وجوی سرزمین موعود جدیدگریختند .

به این ترتیب ، تعقیب و بیرون راندن سرخپوستان توسط مهاجران پروتستان در دنیای جدید آمریکا بسان تعقیب و بیرون راندن عبرانی های قدیم توسط کنعانی ها در فلسطین بود .

بدین ترتیب ، شهرک نشینان از پندها و سفارشات حکایات سفر خروج چراغی فرا راه خود

در تدوین قانون اساسی آمریکا ساختند . بنابراین بندگی در مصر ، بیرون رانده شدن ، سرگردانی ، وارد شدن به سرزمین موعود ، قتل عام ساکنان آن و . . . تاریخ پیشین و آینده ای برای ملت جدید برگزیده خداوند در سرزمین جدید موعود شد .

تبدیل دنیای جدید به اسرائیل جدید ، هدف اصلی طرح شهرک نشینان پروتستانی پورتانی اولیه بود . آن ها همیشه در انگلستان خواب تطبیق و اجرای شرت تورات را می دیدند و هنگامی که به آمریکا آمدند ، رویای دولتی

را در سر پروراندند که دستورات و فرمان های خداوند بر آن حکومت کند ، حتی مورخی چونا جان فیسک می گوید :

همین که می بینی تاریخی در آمریکا ساخته می شود ، ملاحظه می کنی که آن ، تاریخی آمریکایی- یهودی است .

یهودی شدن مسیحیت امریکایی در اصل به آن چیزی باز می گردد که ما آن را مسیحیت یهودی نامیدیم و با ظهور قدیس پولس دومین بنیانگذار مسیحیت پس از یسوع روی از دیده ها نهان کرد ، اما طی دوره اصلاح گرایی و انقلاب در اروپا ظاهر شد و رشد نمود و نقش مهمی پس از باز پس گرفتن اسپانیا توسط مسیحیان- که در آن زمان در دست یهودیان به آیین مسیحیت در آمده یا یهودیان مارانو بود- بازی کرد .

با شروع قرن شانزدهم ، تأثیرات مسیحیت یهود منجر به انتشار ایده هزاره گردید وتفسیرهای جدید و نوینی از سفر دانیال در عهد قدیم (و رؤیای یوحنا) در عهد جدید شد و بدین ترتیب یهودیان در نقشه خداوند جهت پایان تاریخ ، که شامل بازگشت یهود به فلسطین ، آن هم قبل ازآمدن مسیح می شد ، جایگاه مهمی پیدا ، کردند .

اما حرکت بزرگ مسیحیت یهود با جنبش اطلاح طلبانه پروتستان ها در قرن شانزدهم ارتباط پیدا می کند ، به طوری که پروتستان ها اعتبار و آبروی یهودیان را به آن ها بازگرداندند و عهد قدیم یهودیان بالاترین منبع اعتقادی پروتستان ها شد .

با انقلاب پورتانی ها در قرن هفده ، یهودی شدن مسیحیت به ارج خود رسید . پورتانی ها درگرامی داشت

عهد قدیم ، سنگ تمام گذاشتند و از دولت بریتانیا خواستند ، قوانین تورات را به عنوان قانون اساسی کشور اعلام کند و آداب و رسوم یهودیت را جایگزین مسیحیت نمودند و حتی پا را از این هم فراتر نهاده برخی از آن ها نماز وکتاب مقدس را به زبان عبری می خوا ندند .

هنگامی که مهاجران پورتانی اولیه به دنیای جدید آمریکا رسیدند ، اسطوره های هفت برگزیده ، سرزمین موعود و سرزمین اسرائیل چراغ راه و راهنمای ایشان بود . آن ها نماز را به زبان عبری می خواندند و بر فرزندان خویش نام هایی از داستان های تورات می گذاشتند و اولین کتابی که در آ مریکا چاپ کردند ، کتاب مزامیر داوود سرودهای مذهبی داوود بود .

به این ترتیب ، مسیحیتی که با دومین گروه از مهاجران وارد آمریکا شد ، مسیحیتی یهودی بود به عبارت دیگر " مسیحِ " یسوع ناصری که در راس دین مسیحیت قرار دارد ، تبدیل به مسیحی یهودی یا یکی ازپیامبران بی شمار قوم یهود شد .

با تأثیرپذیری از مسیحیت یهودی و با آغاز قرن هجدهم ، اعتقاد به برانگیختگی یهود در فلسطین تبدیل به یکی از اصول لاهوتی مهم در پررتستان های آمریکایی شد به طوری که اعتقاد به مسیح منتظر و عصر هزاره خوشبختی جایگاه مهم و بارزی در اعتقادات این مسیحیان پیداکرد .

با ورود آمریکا به دوره رشد و بیداری بزرگ مذهبی در دهه 40 قرن نوزدهم ، مسیحیت صهیونیسم از مسیحیت یهود ، زاده شد و با هدف قرار دادن فرهنگ و سیاست آمریکا آن ها را

ملزم به فریضه برپایی اسرائیل برانگیختگی یهود و حمایت از آن ما ، به عنوان فریضه ای الهی و فرهنگی و در نهایت سیاسی کرد .

به این ترتیب صهیونیسم آمریکایی دهه ها پیشتر ، گوی سبقت را از صهیونیسم هرتزلی در زمینه برپایی اسرائیل ربود و این یکی از دلایل تفسیرکننده حمایت آمریکا از برپایی اسرائیل در سال 1948 و سپس پشتیبانی آمریکا از اسرائیل است .

این حمایت و جانبداری ، الهی و فرهنگی است که در جان و روح و سیاست آمریکایی ها ، سال ها قبل از ظهور صهیونیسم یهودی و لابی یهودی- که هر روز بیش از پیش بر قدرت و نفوذ آن افزوده می شود ، بی آن که به احساسات مسیحیان صهیونیست آمریکایی توجه کند- نفوذکرده است .

بنایراین برای بحث وگفتگو پیرامون مذهبی شدن و یهودی شدن آمریکا می بایست ، برجنبش احیای مذهبی در آمریکا که در بیست وپنج سال آخر قرن بیستم به وقوع پیوست تمرکز نمود و به آن توجه کرد .

از سال ، 1976 ایالات متحده آمریکا شاهد به قدرت رسیدن مسیحیت اصولگرا بود که اصطلاحا راست مسیحی یا مسیحیان راستگرا نامیده می شدند . این مسئله باعث شد تا هزاران نفر از جوانان آمریکایی به مسیحیان دوباره زاده شده تبدیل شوند و نظرسنجی مؤسسه گالوپ آشکار ساخت که پنج و یک سوم آمریکایی ها غسل تعمید را دوباره انجام دادند .

مسیحیان دوباره زاده شده و- پیروان کلیساهای افراطی و تندرو افزایش یافت و شبکه های تلوینیونی مذهبی یا کلیساهای تلویزیونی تأسیس شدند . . . این موج به کاخ سفید

نیزکشیده شد ، به گونه ای که رئیس جمهور وقت آمریکا کارتراعلام کرد مسیحی دوباره زاده شده است . به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا یا به قدرت رسیدن مسیحیت صهیونیسم ، به ویژه پس از پیروزی اسرائیل در جنگ ژوئن 1967 واشغال قدس توسط آن ، ارتباط پیدا می کند و این مسئله ای است که مسیحیت صهیونیستی آمریکا آن را تاکیدی بر درستی و راستی پیشگویی های تورات و مقدمه نزدیک بودن ظهور مسیح تلقی کرد .

به این ترتیب مسیحیت صهیونیسم دارای سازمان های مخصوص به خود شد که وسایل گروه های فشار " لابی " را به خدمت گرفت تا بر افکار عمومی وکنگره آمریکا با هدف تاید بر مشروع بودن دولت اسرائیل و حمایت اقتصادی و نظامی و سیاسی از آن به عنوان فریضه ای الهی و اخلاقی- آمریکایی و یهودی کردن قدس به عنوان شهری که مسیح پس از ظهورش از آن جا بر جهان حکومت می کند ، تأثیر بگذارد 0 قدرت یافتن جناح راست مسیحی در دهه هشتاد و نودهم ادامه یافت ، تا این که رای دهندگان به آن در انتخابات ریاست جمهوری وکنگره تبدیل به قدرت مولر و با نفوذی شدند . این جناح 25 درصد آراء را در ایالات متحده آمریکا به خود اختصاص می دهد حدود ده برابر آراء یهود, در راه سلطه بر میدان و عرصه سیاسی آمریکا ، جناح راست مسیحی با جناح راست سیاسی در حزب جمهوری خواه متحد شد تا حزبی را تشکیل دهند که به " حزب الله " معروف شد . این مسئله با افزایش نقش

راستگرایان مسیحی که شامل کاتولیک های آمریکایی و پروتستان ها می شد ، همراه می شد و باعث شد تا یهودیت مسیحی ویژگی و صفتی جدایی ناپذیر ، لاهوتی ، اخلاقی و فرهنگی برای آمریکا شود ، به اندازه ای که هرکس در توصیف آمریکا صفت یهودیت را به مسیحیت اضافه نمی کرد ، زبانش قطع می شد . این موضوعی بود که طی و پس از انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان در سال 1992 به وقوع پیوست وآمریکای یهودی-مسیحی شاهد به قدرت رسیدن بوش بود .

با وجود اینکه در دوره ریاست جمهوری " بوش " شاهد سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق و پیروزی آمریکا در جنگ خلیج فارس بودیم .

دهه نود شاهد تثبیت و تحکیم سازمان های اصولگرای مسیحی تحت نام ها و عنوان های مختلف " ائتلاف مسیحیان " ، " احیای اصولگرایی " ، " مجلس مطالعات خانواده " ، " تمرکز بر خانواده " ، " ا ئتَلاف ارزش های سنتی " و . . . . بود هم چنین گروه ها و جمعیت های زور و خشونت ظاهر شدند و برای تخریب و از بین بردن سیستم اجتماعی و سیاسی و تأسیس دوباره آن بر اساس تعالیم و اصول کتاب مقدس ، روی به قتل وکشتار و خونریزی آوردند تا زمینه بازگشت و ظهور مسیح را فراهم آورند .

سیستم های مسیحیت سیاسی و اصولگرا فقط به آماده ساختن جامعه آمریکا برای بازگشت مسیح اکتفا نکردند ، بلکه رسالت آن ها ، رسالت جهانی و صلیبی بود و نقش آن فقط به سیاست داخلی محدود

نمی شد ، بلکه در سیاست خارجی آمریکا نیز دارای نقش مهم و مؤثری شدند چرا که پشت سر حملات ایالات متحده علیه سازمان ملل و بدهی های صندوق بین المللی پول و صندوق جمعیت سازمان ملل قرار داشتند ، همانگونه که پشت سر تصویب قانون تحریم سرنگونی مذاهب نیز بودند . به این ترتیب آماده ساختن جهان برای پایان تاریخ و دومین ظهور مسیح ، در چارچوب مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا قرار می گرفت . (1)

1 . نشریه موعود شماره 40 ص16 مقدمه کتاب المسیح الیهودی و نهایه العالم نوشته رضا هلال ترجمه قبس زعفرانی

انتظار در مسیحیت

حضرت عیسی (ع) از میان مردم رفت . گروهی از یاران وی گفتند : درست است که او درگذشت وبه خاک سپرده شد ، ولی در روز سوم از قبر خود برخاسته وبه آسمان رفته است و دوباره برای پادشاهی بر روی زمین برخواهد گشت .

همچنین گفتند : حضرت عیسی برای این کشته شد که فدای گناهان مردم شود و مدعی شدند که پیامبران پیشین درد ورنج وتصلیب وی را پیشگویی کرده بودند .

از نظر مسیحیان ، حضرت عیسی (ع) شهید نشد ، بلکه قربانی گناهان مردم گردید . تا جایی که تاریخ نشان می دهد ، این باور زیربنای مسیحیت بوده است و مسیحیان در تبلیغات خود این مسأله را بسیار مطرح می کنند . پس از صعود حضرت عیسی (ع) مسیحیان یقین داشتند که او به زودی می آید ، زیرا از حضرت عیسی (ع) نقل می شد که درباره خود گفته است

: پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود ، و درآن وقت هرکس را موافق اعمالش جزا خواهد داد .

شوق ظهورعیسی مسیح (ع) مردم بر اثر علاقه شدید به بازگشت حضرت عیسی (ع) دچار توهمات شدند و تاریخ هایی را برای این رویداد پیشگویی کردند . این پیشگویی ها ، مانند پیشگویی های مشابه آن در ادیان دیگر ، غلط از آب در آمد و در نتَیجه ، رهبران دینی مردم را از این کار برحذر داشتند .

فرقه های منتظر ظهور متعددی پدید آمد که پایه آن ما را بر این توهمات گذاشته بودند . مثلاً فردی به نام ویلیام میلر اعلام کرد حضرت عیسی (ع) درسال 843 1 تا 844 1م بازخواهد گشت . پیشگویی وی تحقق نیافت وخود او متعهد شد که دیگر پیشگویی نکند . فرقه ادوِنیست های روز هفتم که بر اثر پشگویی های این شخص پدید آمد ، تا عصر ما باقی است . گروهی از آناباپتیست ها در قرن شانزدهم ، برای آماده کردن زمینه سلطنت هزار ساله حضرت عیسی (ع) برخاستند وبرخی از شهرها را برای مدتی در اختیارگرفتند ، ولی شورش آنان بی رحمانه سرکوب شد .

ایروینگیان برای سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت ، دوازده حواری تعیین کردند ، ولی از این ابتکار طرفی نبستند . گروهی از آنان به نام نوایروینگیان برای آن حواریون جانشینانی تعیین کردند و به این حرکت ادامه دادند . گواهان یهوه برای پذیرایی ازحضرت عیسی (ع) و انبیای پیشین در امریکا آپارتمان

تهیه کردند . مورمون ها ، کریستادِ لفین ها وبرخی از فرقه های عجیب وغریب دیگر مسیحیت ، برای شتاب دادن به ظهور حضرت عیسی (ع) به کارهایی از این قبیل دست زدند . (1)

1 . نشریه موعود شماره 11ص 18 .

بنی آصفر

به معنی زرد پوستان ، تعبیری است که عرب ها به رومیان- غربی ها- داده اند .

آن چه از سوره مبارکه روم ، آیات 31 و 32 وسوره مبارکه کهف آیات 12 و 21 وغیر آن درباره شرک رومی ها نسبت به خداوند متعال و احزاب و پیروان آن ها استفاده می شود ، این است که مراد از آنان ملت ها واحزاب مدعی پیروی از حضرت مسیح (ع) می باشند . (1)

1 . عصر ظهور ، کورانی ص 54 .

مسیحیت صهیونیستی

مسیحیت صهیونیستی جریانی فرهنگی ، سیاسی است که با تکیه بر آموزه های توراتی ، تمایلات سیاسی صهیونیستی و امکانات نظامی آمریکا سعی درکسب سلطه کامل بر جغرافیای فرهنگی و خاکی مسلمین از نیل تا فرات دارد .

این جریان موضوع زمینه سازی ظهور مقدس را بهانه حضور در خاور میانه ، حمایت از اسرائیل ، تسلط بر عراق و . . . ساخته است .

این جریان ظهور حضرت عیسی (ع) را مشروط به تشکیل اسرائیل بزرگ ، انهدام بیت المقدس ، بنای هیکل سلیمان و بالاخره واقعه آرماگدون می شناسند و حذف عوامل تحقق این استراتژی ، مقابله با مسلمین و روحیه جهادی شیعیان ، سلطه کامل بر ایران اسلامی و قتل عام مخالفان سلطه صهیونیسم بر سرزمین های اسلامی را مقدمه لازم به شمار می آورد .

رسانه های غربی ، به ویژه سینمای هالیوود طی سه دهه اخیر ، سعی در القاء آموزه های آخر الزمانی توراتی از طریق فیلم های سینمایی و بازی

های کامپیوتری و . . . به

مردم غرب و زمینه سازی ذهنی برای آن ها داشته و چهره منفور ، غیر واقعی و ظالمانه ای از مسلمین ، جهادگران مسلمان شیعی و فرهنگ والایی ارائه کرده اند .

همچنین سازندگان این فیلم ها سعی در ایجاد انفعال و تأثیر پذیری در روحیه جوانان مسلمان داشته و تلاش می کنند آموزه های مذهبی و دینی آن ها به ویژه باور مهدوی و موعودی را خرافه ، اساطیری و موهوم جلوه دهند .

غرب در دهه های آخر قرن بیستم به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دریافت که ایده

مهدوی و فرهنگ ولایی اصیل که توسط شیعیان مطرح می شود ، از استعداد بالقوه و شگرفی برای تهدید فرهنگ و تمدن الحادی و سیاست استکباری غرب برخوردار است و به عنوان طرحی جایگزین فرهنگ لیبرالیستی می تواند جاذب عموم مردم سرخورده امروز شود از این رو مخدوش ساختن چهره این فرهنگ ، القاء این معنا که آینده از آن فرهنگ لیبرالیستی است و بیهوده جلوه دادن هرگونه تلاش برای تغییر وضع موجود ، در دستورکارگردانندگان نظام سلطه در بخش های فرهنگی و سیاسی غربی قرارگرفته است .

متمسک شدن به موضوع قریب الوقوع بودن ظهور حضرت مسیح (ع) برای محتوم جلوه دادن سلطه یهودیت و مسیحیت برکل جهان در هیأت حکومت جهانی ، حکایت از طرح زیرکانه و سلطه جویانه دارد که عدم بازشناسی صبغه فرهنگی و سیاسی آن ، و همچنین مخفی ماندن زوایای این امر برای مخاطبان مسلمان ، موجب بروز انحراف فرهنگی جوانان و تأثیر پذیری آن ها از آموزه های منحرف غرب مسیحی و یهودی خواهد شد

.

غرب دریافته است که ایده مهدویت به صورت اصیل چنان که نزد شیعیان است می تواند کیان فرهنگی و مدنی غرب را با چالش جدی و بنیان کن روبروکند . چنانکه در یک قرن گذشته انگلستان با فرقه سازی در میان مسلمین بهائیت ، بابیت ، شیخیه و . . . سعی در ایجاد تفرقه و انحراف میان شیعیان و پیروان سایر مذاهب کرده است .

کنفرانس دهه هشتاد تل آویو و حضور جمعی از شیعه شناسان در آن کنفرانس ، روح حرکت های اصلاح طلبانه مسلمین را برای غرب و یهودیت صهیونیستی آشکار ساخت . در آن نشست اعلام شد که نهضت سرخ عامل ورا و باور سبز مهدوی در عامل مهم و تعیین کننده در حرکت های اصلاح طلبانه شیعیان است .

مقابله با حاق فرهنگ اصلاح طلبانه فرهنگ ولایی شیعه (و عوامل مبلغ آن) کانون مبلغان ایرانی آن مهم ترین استراتژی غرب برای حفظ نظام سلطه خود در سرزمین های شرق اسلامی و سایر بلاد است .

طی چهارصد سال اخیر غرب تمامیت ولایت مهر و دوستی (و ولایت) حکمرانی و خلافت را به خود معطوف ساخته و هر جریانی جز آن را سرکوب کرده است . غرب دریافته که توجه ، مهرورزی ، دوستی و توسل مستضعفان به حجت حیَ خداوند و آمادگی پذیرش ولایت و ظهور حضرتش به معنی به صدا در آمدن زنگ مرگ تمام عیار فرهنگ و تمدن استکباری است .

به زعم آنان ارائه چهره ای ناپسند از موعود مقدس و معرفی مسلمین و شیعیان به عنوان وحشت آفرینان تروریست ، می

تواند راه خلاصی از بن بست بحران فراگیر قرن جدید باشد . مسیحیت صهیونیستی با توسل وتمسک به این حیله و با استفاده از همه قوا سعی در حفظ قدرت غرب و استمرار حاکمیتش بر سرتاسر جهان دارد .

به طوری که از اولین سال های پیروزی انقلاب اسلامی ، شاهد ورود فیلم هایی چون نوستراداموس و صدها فیلم دیگر از این دست بودیم که سعی در مخدوش ساختن چهره مقدس منجی آخرالزمان و موعود مسلمانان کرده است .

بازشناسی این جریان محرف ، نقد و رد عملکرد تبلیغاتی ، سیاسی و نظامی آن در جهان و به ویژه سرزمین های اسلامی ، مقدمه ای است برای مصونیت بخشیدن به جوانان ، بیداری گردانندگان و حاکمان سرزمین های اسلامی و متذکر شدن محققان و مبلغان برای نقد و مقابله جدی فرهنگی با این خطر بزرگ . (1)

1 . نشریه موعود ، شماره 41 ، ص 3 .

هندو

هندوها و بشارت موعود

درکتاب های مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته می شوند ، تصریحات بسیاری به وجود مقدس مهدی موعود (ع) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آن ها را می آوریم : درکتاب اوپانیشاد که یکی ازکتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود ، بشارت ظهور مهدی موعود (ع) چنین آمده است : این مظهر ویشنومظهر دهم در انقضای کلی یا عصرآهن ، سوار بر اسب سفیدی ، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله

دار در دست دارد ، ظاهر می شود و شریران را هلاک می سازد . . .

درکتاب " باسک " که ازکتب مقدسه آسمانی هندوهاست ، بشارت ظهور حضرت ولی عصر (ع) چنین آمده است : دور دنیا تمام می شود . پادشاه عادلی در آخرالزمان ، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آن چه در دریا و زمین ها وکوه ها پنهان باشد ، همه را به دست آورد و از آسمان ها و زمین و آن چه باشد خبر می دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید .

درکتاب " پاتیکل " نیزکه ازکتب مقدسه هندویان است ، بشارت ظهور حضرت چنین آمده است : چون مدت روز تمام شود ، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد ، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی " ناموس آخرالزمان " و دیگری صدیق اکبر " . یعنی وصی بزرگتر وی که پشن نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه " راهنما " است . به حق پادشاه شود و خلیفه " رام " باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد . . . .

در این بشارت ، مقصود از " ناموس آخرالزمان " پیامبر اسلام است . پشن نام هندی حضرت علی (ع) است . " صاحب ملک تازه " ، حضرت ولی عصر (ع) است و راهنما نام مبارک حضرت مهدی (ع) است وکله " رام " به

لغت سانسکریتی ، نام اقدس حضرت احدیت است .

درکتاب وشن جوک نیز بشارت به ظهور حضرت آمده است : آخر دنیا به کسی برمی گردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او خجسته و فرخنده باشد . درکتاب دید که ازکتب مقدسه هندیان است آمده که : پس از خرابی دنیا ، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد و نام منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد . . . درکتاب " دادتگ " نیزآمده است : بعد از آن که مسلمانی به هم رسد ، در آخرالزمان ، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و . . . برطرف شود و دنیا مملو از ظلم و ستم شود . . . دست حق به درآید و جانشین آخر ممتاطا (1)

ظهورکند و شرق و مغرب عالم را بگیرد . . .

و درکتاب " ریگ و دا " آمده است که : ویشنو در میان مردم ظاهر می گردد . . . او از همه کس قوی تر است . . . در یک دست ویشنو نجات دهنده شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و در دست دیگرش انگشتری درخشنده دارد ، هنگام ظهور وی ، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید " .

درکتاب " شاکمونی " نیزکه ازکتب مقدسه هندیان است آمده : " پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلایق دو جهان گشن " بزرگوار تمام شود ، و اوکسی باشد که

برکوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند ، و بر ابرها سوار شود و فرشتگان ، کارکنان او باشند . . . دین خدا یک دین شود و زنده گردد و نام او " ایستاده " باشد و خداشناس باشد .

گشن در لغت هندی نام پیامبر (ص) است و حضرت مهدی (ع) به نام ایستاده و خداشناس می خوانند (2)

1 . در زبان هندی به معنی محمد ، است .

2 . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص 16 ظهور حضرت مهدی (ع) ازدیدگاه اسلام مذهب و ملل جهان ، هاشمی شهیدی ص302 .

اوپانیشاد

ازکتب معتبره واز منابع هندوه است که در آن ، بشارت ظهور مهدی موعود (ع) آمده است . (1)

1 . ظهورحضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 273 .

دادتگ

ازکتب مقدسه برهمائیان هند است که در آن به ظهور مهدی (ع) بشارت داده شده است . (1)

1 . ادیان ومهدویت محمد بهشتی ص 18 .

پاتیکل

ازکتب مقدسه هندیان است وصاحب آن از اعاظم کفره هند است وبه گمان پیروانش ، صاحب کتاب آسمانی است .

در آن کتاب بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی (ع) آمده ادست . (1)

1 . ادیان ومهدویت محمد بهشتی ص 16

شا کمونی

ازکتب مقدسه هندیان است وبه اعتقاد کفره هند ، پیغمبر صاحب کتاب است ومی گویند : وی بر اهل خطا وختن مبعوث بوده است ودر آن کتاب ، به ظهور آخرین حجت خدا بشارت داد است (1)

1 . ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ، مذاهب وملل جهان ، هاشمی شهیدی ص 302 .

مهدویت در اسلام

از دیدگاه شیعه

لطف وجود حضرت

قاعده لطف از قواعد کلامی است که متکلمان به آن ، بر وجود ولزوم معصوم استدلال می کنند .

واین بدان معنی است که خداوند ، زمینه نزدیکی انسان به طاعت و دوری او را از معصیت ، فراهم می کند ، اما نه به گونه ای که به حد اجبار برسد .

شیخ مفید در پاسخ از این پرسش که دلیل بر وجود امام زمان (ع) چیست؟ به قاعده لطف استناد می کند و می نویسد : وجود امام معصوم و حجت حق ، در هر زمان لازم واین وجود معصوم ، لطف است و لطف ، همیشه بر خدا لازم است (1)

خواجه نصیرالدین طوسی در اول بحث امامت تجرید الاعتقاد ، (ص 222) می نویسد : نزد عقلا ، معلوم است که انحصار لطف الهی در تعیین امام است . وجود امام لطف الهی وتصرف او در مسائل اجتماعی ، لطفی دیگر وغیبت امام ، مربوط به ما می شود (2)

پس وجود امام (ع) لطف است سید مرتضی در رساله غیبت می گوید : وجود حضرت در پرده غیب نیز لطف است زیرا شیعیان با اعتقاد به وجود حضرت . . . در

ارتکاب کار زشت ، هراسی از حضرت دارند (3)

وجود امام ، لطف است و تصرف او در امور ، لطف دیگر ، خداوند به ایجاد امام ، به لطف خود جامه عمل پوشاند و فردی را که برای اداره جامعه لازم است آفرید و حجت را بر مردم تمام کرد ، تا اگر شایسته بودند ، از وجودش بهره ببرند و بسط ید امام ، لطف دیگری است که به کوشش ما مربوط می شود . تقویت قدرت امام در مواردی ، درتوان ماست . بنابراین ، ما مکلف به آن هستیم و قدرت نداشتن امام را باید از چشم خود ببینیم (4)

1 . مصنفات شیخ مفید ج 1 ، چاپ کنگره هزاره شیخ مفید .

2 . چشم به را ه مهدی پاورقی ص 80 .

3 . رسائل الشریف المرتضی ج2 ص 299 ، به نقل از چشم براه مهدی ص 80

4 . غیبه طو سی ، ص 11

مهدویت از دیدگاه شیعه

شیعه معتقد است که مهدی ، فاطمی است .

یعنی از فرزندان آن بانوی بزرگوار است و پسر امام حسن عسکری (ع) و دوازدهمین امام و وصی و جانشین پیامبر است . شیعه برخلاف سایر فرق اسلامی معتقد است که زمین هیچگاه خالی از حجت نخواهد بود ، (1)

لذا یکی از امتیازاتش از سایر فرق ، اعتقاد به مهدی موعود (ع) با نام و نشان است .

شیعه درباره وجود حضرت مهدی (ع) و ظهور او در آخرالزمان ، کتاب های بسیاری تألیف کرده و مقالات و رساله های

بسیاری نوشته است . این نوشتن عمدتأ از زمان امام حسن عسکری (ع) شروع شده و تا عصر حاضر ادامه یافته است .

برخی ازکتاب های شیعه که درباره حضرت مهدی (ع) نوشته شده چه مستقلاً و چه فصلی ازکتاب عبارتند از : اصول کافی از کلینی ، کمال الدین ازصدوق ، ارشاد از شیخ مفید ، الوجیزه فی الغیبه از سید مرتضی علم الهدی ، غیبه از شیخ طوسی ، غیبه نعمانی از محمد بن ابراهیم نعمانی ، الملاحم والفتن از سید بن طاووس ، اعلام الوری از امین الاسلام طبرسی ، المحجه فیما نزل فی القائم الحجه از سید هاشم بحرانی ، بحارالانوار علامه محمد باقر مجلسی ، اثبات الهدی از شیخ حر عاملی ، نجم الثاقب از میرزا حسین نوری ، منتخب الاثر از آیه الله صافی و ده هاکتاب دیگر .

1 . کافی ج1 کتاب الحجه .

امامیه

عنوانی است برای عموم فرقه هایی که به نص روشن ، علی بن ابی طالب (ع) را جانشین پیغمبر اسلام (ص) می دانند ومعتقدند که امامت در فرزندان علی (ع) باقی است ودنیا هرگز از امام خالی نیست ومنتظرند که یکی از علویان در آخر الزمان ظهورکند ودنیا را پر از عدل وداد نماید . در مقابل آنان ، اهل سنت هستند .

امامیه در مقاطع مختلف تاریخ به فرقه های متعدد منشعب شده اند : فرقه ای امامت را پس از امام حسین (ع) به محمد حنفیه ختم می دانند واو را امام مهدی می خوانند و آنان کیسانیه

اند . فرقه ای پس از امام علی بن الحسین (ع) ، به امامت زید ، فرزند آن حضرت قائلند و آن ها را زیدیه گویند .

گروهی امام پس از حضرت جعفر بن محمد (ع) را ، اسماعیل فرزند آن حضرت می دانند ، وآن ها را اسماعیلیه می شناسند . جمعی امام موسی بن جعفر (ع) را آخرین امام می دانند و آنان واقفه اند . امامیه اثنی عشریه ، شیعه جعفری مذهب که از علی بن ابی طالب (ع) تا حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری را امام واجب الطاعه می دانند ، اکثریت امامیه را تشکیل می دهند .

این گروه تنها گروهی بودند که بر صفحه تاریخ تشیع باقی ماند واین نشانگر آن است که اقدامات صورت گرفته و مقدماتی برای غیبت ، به اندازه ای حساب شده بود که توانست شیعه را ازگرفتاری های شک وتردید پس از رحلت امام عسکری (ع) نجات دهد .

نمایندگان ویژه حضرت با حرکت های سنجیده و رهبریت مدبرانه خود ، اوضاع نابسامان اجتماع شیعه را سامان بخشیده ومردم را از سرگردانی نجات دادند واختلافات وانشعابات را به تدریج از بین بردند . شیخ مفید تأیید می کند که از آن فرقه های چهارده گانه ، تنها امامیه باقی مانده است . به نوشته وی این گروه ، بزرگترین فرقه شیعه از نظر جمعیت ، علماء ، متکلمان ، نظار ، صالحان ، عابدان ، فقیهان ، محدثان ، ادیبان و شاعران هستند . آنان ابروی شیعه امامیه ، سرپرستان اجتماع و در

دین ، مورد اعتماد شیعیان می باشند (1)

1 . الفصول المختاره ، ص 261 حیات مرکزی سیاسی اماما ن شیعه ج 2 ، ص 220 .

امامیه ودوازده امام

به عقیده اکثریت شیعه ، پس از حضرت رسول (ص) ، دوازده امام یکی پس از دیگری جانشین آن حضرت بودند و آنان عبارتند از :

1 . علی بن ابی طالب ، ملقب به مرتضی وامیرالمؤمنین .

2 . حسن بن علی ، ملقب به مجتبی

3 . حسین بن علی ، ملقب به سید الشهداء

4 . علی بن الحسین ، ملقب به زین العابدین وسجاد

5 . محمد بن علی ، ملقب به باقر یا باقرالعلوم

6 . جعفر بن محمَد ، ملقب به صادق

7 . موسی بن جعفر ، ملقب به کاظم

8 . علی بن موسی ، ملقب به رضا

9 . محمد بن علی ، ملقب به تقی وجواد

10 . علی ین محمد ، ملقب به نقی وهادی

11 . حسن بن علی ، ملقب به عسکری

12 . محمد بن حسن ، ملقب به مهدی ، مهدی موعود ، امام زمان ، امام عصر ، صاحب الزمان و صاحب العصر (ع) دوازده امامی

امامیه و شیعه و مهدی

از نظر شیعه ، مسآله مهدویت ونوید ظهور مهدی موعود (ع) ، یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می رود و به اندازه ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت ، در ردیف وقوع قیامت ، وتکذیب وتصدیقش در ردیف تکذیب وتصدیق رسول اکرم (ص) می باشد .

از نظر شیعه ، مهدویت یک مسأله کهن وریشه دار است وسابقه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام ودوران رشد شخص نبی اکرم (ص) برمی گردد .

به اعتقاد شیعه ، علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد

شده وپیشوایان دینی آن ها را به وجود مقدس مهدی موعود تفسیرکرده اند ، صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت صادر شده که در آن هاصفات ، خصوصیات وجزئیات زندگی آن منتظر موعود واین که پس از تولد دو بار غیبت خواهد داشت وپس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد وبا تشکیل حوادث واحد جهانی ، جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود ، بیان شده است .

شیعیان بر اساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود (ع) ، سری از اسرار حق و آخرین برگزیده الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده است وپس از مدت زمانی طولانی ظهور می نماید واو حجه الله ، خلیفه الله و بقیه الله است .

مهدی موعود (ع) از نسل پاک پیامبر خدا (ص) و از علی و زهرا (ع) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) است . شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی (ع) ، همنام وهم کنیه پیامبر (ص) وهم اکنون زنده است وهنگامی که خداوند اجازه ظهورش دهد قیام می کند وزمین را پر از عدل و داد می نماید .

شیعیان طبق وعده های انبیای سلف (ع) و نویدهای کتب مذهبی ، و وعده های صریح قرآن کریم عقیده دارند که : آن گاه که اخلاق ومعنویت از میان بشر رخت بربندد وظلم و ستم فراگیر شود واسباب ظهور مهیا گردد

، حضرت مهدی (ع) به فرمان حق قیام می کند .

با آمدنش هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند . مرزهای جغرافیایی میان کشورها برداشته می شود ، مظامر شرک وکفر وبی عدالتی از بین می روند ، عدالت اجتماعی تأمین می گردد ، هر حقی به صاحب حق می رسد و در سراسر جهان ، تنها یک نظام حکومت می کند و آن نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است . (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب وملل جهان هاشمی شهیدی ص 68

اعتقاد به مهدی (ع)

ما معتقدیم که سرانجام ، اداره امور جهان در قبضه با کفایت صالح ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت واو جهان را از تاریکی ، فقر ، جهل وظلم رهایی می بخشد ، و حکومت واحد جهانی را براساس مساوات وعدالت استوار می سازد .

علی رقم اتفاق نظر دراصل مصلح ومنجی ، لیکن در مصداق وتطبیق آن اختلاف دارند . روایات نقل شده در باره حضرت مهدی (ع) وبحث از نواب خاص آن حضرت که در طول هفتاد سال ، واسطه میان شیعیان وحضرت بوده اند این اعتقاد را از محدوده ذهن به دنیای واقعیات می آورد . یعنی او یک حقیقت فرضی و خیالی نیست بلکه یک موجود واقعی است . بنابراین موضوع مهدی ، نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه پیشگویی است که باید درانتظار مصداقش ماند . بلکه واقعیت استوار وفرد مشخصی است که در میان ما زندگی می کند

، ما را می بیند وما نیزاو را می بینیم و دراندوه و شادی هامان شریک است .

احادیث و نیزتاریخ غیبت صغری ، این باور را در جان ما زنده می کند که مصداق آن مصلح و مهدی منتظر ، کسی جز " محمد " امام دوازدهم شیعیان وپسرامام حسن عسکری (ع) نیست که وجودش به تجربه تاریخی ثابت شده است .

آیت الله محمد باقر صدر رحمه الله می نویسد : اعتقاد به مهدی (ع) به عنوان یک قائد منتظرکه جهان را به یک صورت برتر متحول می سازد ، ازاخبار پیامبراکرم (ص) عموماً وازاحادیث ائمه اهل البیت (ع) خصوصاً سرچشمه گرفته است ، و در نصوص بسیاری مورد تأیید وتاکید واقع شده ، به طوری که اصلأ مطلب قابل تردید نیست .

در مجموع اخبار واحادیثی که در موردامامت مهدی (ع) و غیبت وظهور واصلاح آینده جهان و خصوصیات شخصی اواز طریق سنی وشیعه وارد شده است ، تمام آن ها نزدیک به شش هزار حدیث است و در مورد هیچ یک از موضوعات مسلم و غیر قابل تردیداسلامی ، این اندازه حدیث و روایت وارد نشده است . (1)

گذشته از قطعی بودن موضوع مهدی موعود (ع) از دیدگاه مدارک متقن اسلامی ، اختصاص داشت شخصیت والا به امام دوازدهم شیعه ، وپسرامام حسن عسکری (ع) ، دلایل محکم و روشنی دارد که تمام آن دلایل را ممکن است در دو دلیل خلاصه کنیم :

1 . دلیل اسلامی : مهدی (ع) در

صدها روایتی که از پیغمبراکرم (ص) وازائمه (ع) نقل شده ، متمثَل است .

روایاتی که مهدی (ع) را به اهل بیت (ع) ، نواده فاطمه (ع) ، ذریه حسین (ع) ، وفرزند نهم آن حضرت نسبت داده است ، ونیزآن سلسله ازاحادیثی که دلالت می کنند که جانشینان پیامبر (ص) دوازده نفرند ، تمام ا ین احادیث ، آن فکر و عقیده عمومی مهدی (ع) را محدود می کنند وآن موضوع فکری کلی را درامام دوازدهم ازائمه (ع) مشخص می سازند این حدیث نبوی شریف به این مضمون که امامان پس از من یا خلفاء بعداز من ، دوازده نفرند با عبارات مختلف در بیش از دویست وهفتاد روایت از رسول اکرم (ص) نقل شده ، که در حدیث سنی وشیعه مانند : صحیح بخاری ، صحیع مسلم ، صحح ترمذی وسنن ابن داود ومسنداحمد حنبل ومستدرک الصحیحین حاکم نیشابوری نقل شده است .

در حالی که بخاری در زمان امام جواد وامام هادی وامام عسکری (ع) می زیسته وکتاب صحیح بخاری را درآن زمان نوشته است که هنوزامامان به دوازده نرسیده بود . این خود دلالت می کند که این حدیث پیش از آن که فکر و عقیده دوازده امامی در مغزها تکمیل شود ، از رسول اکرم (ص) صادر شده است وجای تردید درآین احادیث باقی نمی ماند .

ایمان و عقیده شیعه دوازده امامی که می گوید : جانشینان پیامبر (ص) از علی (ع

) شروع شده وبه مهدی (ع) ختم می شود ، قابل تطبیق با احادیث شریف نبویاست .

2 . دلیل علمی : دلیل علمی آن ، تجربه ای است که شیعیان در طی هفتاد سال دوران غیبت صغری آموختند . از واقعه مسلم تاریخ مهدی (ع) در دوران غیبت صغری ، این نتیجه گرفته می شود که آن حضرت ، بزرگ حقیقتی بود که ملت شیعه مدت هفتاد سال در تحت رهبری مستقیم وی زندگی کرده اند و با نمایندگان ویژه وی سر وکارداشته اند ، و در طول این هفتاد سال ، کوچک ترین حادثه وجریانی پیش نیامد که باور واعتقاد درآنان را نسبت به وجود وحقیقت امام شان متزلزل کند .

نکته قابل توجه دیگراین است که تمام نامه هایی که به وسیله یکایک این چهار نفرازامام (ع) به دست مردم می رسید ، همه یک خط داشت واز نظر روش انشاء یکسان بود بنابراین ، در پس پرده ، یک حقیقت ثابت ومحقق ویک موجوداصیلی وجود داشته است .

محال است یک چنین جریانی دروغ باشد ودر طی این هفتاد سال برای مردمی که آن را به عنوان یک حقیقت ثابت پذیرفته اندکشف نشود بلکه اطمینان و باورآنان به این حقیقت ثابت ، بیشتر و شدیدتر می گردد .

پس نتیجه می گیریم که تحلیل غیبت صغرایامام (ع) می تواند به صورت یک دلیل علمی ، واقعیت وثبوت و وجودامام مهدی (ع) و ولادت و زندگی و غیبت او را ثابت کند . (2)

1 . بحث حول المهدی محمد

باقر صدر 72-63

2 . بحث حول المهدی محمد باقر صدرص 72-63 .

اهل سنت و مهدی

اهل سنت و مهدی

برخی تصور می کنند که اعتقاد به مهدی منتظر (ع) ویژه شیعیان است در حالی که اصل این عقیده از نظر اهل سنت ، با شیعه همسان بوده وبین این دو فرقه از حیث بشارت های پیامبر (ع) راجع به ظهور آن حضرت ومأموریت جهانی وی ودرباره شخصیت برجسته ونفوس آن بزرگوار وحتی نشانه های ظهور و ویژگی های انقلاب او ، تفاوتی وجود ندارد . تنها تفاوتی که وجود دارد این است که اغلب دانشمندان اهل سنت می گویند : حضرت هنوز متولد نشده وغایب نیست ، بلکه به زودی متولد خواهد شد وبه آن چه پیامبر (ع) بشارت داده جامه عمل می پوشاند وعده کمی از آنان در مورد ولادت وغیبت او ، با شیعه هم عقیده اند . (1)

آن چه از مجموع منابع تاریخی وحدیثی اهل سنت استفاده می شود این است که مسأله ظهور حضرت مهدی (ع) مورد اتفاق واجماع مسلمین است . مؤلف کتاب الإمام المهدی (ع) استاد علی محمد علی دخیل ، اسامی 205 نفر از بزرگان اهل سنت را درکتاب خود آورده ، به این ترتیب که تعداد

سی نفر از آن ها مستقلاً درباره حضرت مهدی (ع) کتاب نوشته اند وسی ویک نفر دیگر فصلی را درکتاب های خود به روایات حضرت مهدی (ع) اختصاص داده اند و 144 نفرشان به تناسب های مختلف ، روایات حضرت مهدی (ع) را درکتاب های خود آورده اند .

(2)

حتی این اعتقاد در معروف ترین و معتبرترین کتب روایی اهل سنت ، یعنی صحاح سته (3) آمده است .

این محدثان نامی اهل سنت ، روایات مربوط به حضرت مهدی (ع) را از : عمر بن خطاب ، عبدالله بن مسعود ، عبدالله بن عباس ، ثوبان ، جابر بن عبدالله انصاری ، جابر بن سمره ، عبدالله بن عمر ، عبدالله بن عمرو بن عاص ، انس بن مالک ، ابو سعید خدری ، أم سلمه وغیر این ها نقل کرده اند . (4)

1 . عصر ظهور , علی کورانی , ص 391 .

2 . آخرین امید ، داود الهامی ص 223 .

3 . صحاح سته عبارتند از : صحیح بخاری صحیح مسلم ، سنن ابن داود ,سنن ترمذی, سنن نسایی ، و سنن ابن ماجه .

4 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان ، هاشمی شهیدی ، ص 71 .

راویان احادیث مهدی از اهل سنت

حافظان (1) روایات و صاحبان کتب صحیح و سنن اهل تسنن ، احادیث حضرت مهدی (ع) را درکتاب های خود ذکرکرده اند که برخی ازآن ها را می آوریم : ابو داود درکتاب سنن ، ترمذی در کتاب جامع ، ابن ماجه درکتاب سنن ، نسائی درکتاب الکلبری ، احمد بن حنبل درکتاب مسند ابن حیان درکتاب صحیح ، حاکم نیشابوری درکتاب المستدرک علی الصحیحین ، ابوبکر بن ابی شیبه درکتاب المصنف ، نعیم بن حماد درکتاب الفتن ، ابو نعیم اصفهانی درکتاب المهدی ونیز در

کتاب الحلیه ، طبرانی درکتاب های الکبیر الاوسط والصغیر دارقطنی درکتاب الافرا د ، البارودی درکتاب معرفه الصحابه ، ابو یعلی الموصلی درکتاب المسند ، البزاز درکتاب المسند ، حارث بن ابی اسامه درکتاب المسند ، خطیب درکتاب های تلخیص المتشابه والمتفق والمفترق ، ابن عساکر درکتاب تاریخ خود ، ابن منده درکتاب تاریخ اصبهان ، ابوالحسن الحربی درکتاب الاول من الحربیات ، تمام الزاری درکتاب فوائد ، ابن جریر درکتاب تهذیب الآثار ابوبکر المقری درکتاب معجم ، ابو عمر والدانی درکتاب سنن ابو اعثم الکوفی درکتاب فتن ، الدیلمی درکتاب مسند الفردوس ، ابوبکر الاشکاف درکتاب فوائد الاخبار ابوالحسن بن المناوی درکتاب الملاحم ، البیهقی درکتاب دلائل النبوه ، ابو عمرو المقری درکتاب سنن ، ابن الجوزی درکتاب تاریخ خود ، یحیی الحمانی درکتاب مسند ، رویانی درکتاب مسند وابن سعد درکتاب الطبقات .

بسیاری از علمای اهل سنت ، احادیث حضرت مهدی (ع) را متواتر دانسته اند یا تواترآن ها را از دیگران نقل کرده و بدان اعتراض ننمود ه اند (2) .

1 . حافظ کسی است که می بایست بر سنن رسول اکرم (ص) اطلاع داشته وموارد اتفاق و اختلاف آن را بداند و به احوال راویان و طبقات مشایخ حدیث کاملأ اطلاع داشته باشد . بعضی گفته اند حافظ کسی است که صد هزار حدیث با سندآن از حفظ داشته باشد . علم الحدیث شانه چی ، ص 213

2 . آخرین امید ، داود الهامی ص 232 .

راویان احادیث مهدی از صحابه

مسأله مهدویت و ظهور حضرت مهدی (ع) در قرون گذشته ، میان تمام

مسلمانان مطرح بوده است و صحابه بزرگ رسول خدا (ص) وتابعين ، وسپس تابعين تابعين و ساير طبقات روات ، ازآن زمان تا امروز ، روايات مربوط به آن حضرت را با تمام مشخصات ، اوصاف و نشانه ها روايت كرده و علماء و محدثان بزرگ اسلامى نيزآن ها را دركتاب هاى خود گردآورى نموده اند .

حتى برخى ازآنان در اين خصوص كتاب هاى مستقلى تأليف كرده اند .

در اين جا تعدادى از نام هاى راويان احاديث مهدوى را از ميان صحابه ياد آور مى شويم : ابو امامه باهلى ، ابو ايوب انصارى ، ابو سعيد خدرى ، ابو سليمان چوپان رسول اكرم (ص) ابو الطفيل ، ابو هريره ، ام حبيبه همسررسول خدا (ص) (ام سلمه) همسر رسول خدا (ص) (انس بن مالک ، ثوبان) غلام پيامبر (ص) جابر بن سمره ، جابر بن عبدالله انصارى ، حذيفه بن يمان ، سلمان فارسى ، شهر بن حوشب ، طلحه بن عبيدالله ، عائشه همسر پيامبر (ص) عبدالرحمن بن عوف ، عبدالله بن حارث بن حمزه ، عبدالله بن عباس ، عبدالله بن عمر ، عبدالله بن عمرو بن عاص ، عبدالله بن مسعود ، عثمان بن عفان ، على بن ابى طالب (ع) ، على هلالى ، عمار بن ياسر ، عمران بن حصين ، عوف بن مالک ، قره بن اياس ، مجمع بن جاريه انصارى ، قيس بن جابر . (1)

1 . آخرين اميد داود الهامى ص 230

.

صحاح

" صحاح سته " نام شش کتاب حدیث اهل سنت وجماعت است که فقها واصحاب حدیث بر آن ها اعتماد دارند و آن ها عبارتند از : الجامع الصحیح تألیف محمد بن اسماعیل بخاری م256ه ، صحیح تألیف ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری م 261ه سنن تألیف ابن ماجه م 273ه ، جامع تألیف ترمذی م 279ه ، سنن تألیف ابی داود م303ه ، سنن تألیف نسائی م303ه .

متقی هندی متوفی 975 می نویسد : علمای مذاهب چهارگانه شافعی ، حنفی ، مالکی وحنبلی ، در صحت احادیث مهدی (ع) اتفاق نظر دارند ومعتقدند که واجب است تمام مسلمانان بر این موضوع ایمان بیاورند . (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 8 .

مهدویت و فرقه های انحرافی

فر قه گرایی

پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) در آغاز ، اکثر شیعیان نسبت به امام بعدی دچار شک

و تردید شدند و حتی بعضی از عقایدشان برگشتند .

چون آغازغیبت امام و عدم حضور مستقیم فیزیکی وی در میان شیعیان بود .

علت شدت بحران در آن زمان ، این بود که امام حسن عسکری (ع) به خاطر شرایط خاص زمانی ، توانست جانشین خود را برای عموم آشکارا منصوب نماید .

طبق نوشته شیخ مفید در ارشاد ، حتی به بخش عظیمی از پیروان خویش معرفی نکرد (1)

به هر حال به خاطر عدم معرفی رسمی و آشکار جانشین امام حسن عسکری (ع) و جاه طلبی شخصی برادر امام حسن عسکری (ع) ، یعنی جعفرکذَاب ، انشعاب

در زمان رحلت امام حسن عسکری (ع) در سال260 هجری قمری به اوج خود رسید .

مسعودی در مروج الذهب بیست فرقه ذکر می کند (2)

سعد قمی درالمقالات والفرق پانزده گروه ذکر می کند (3)

نوبختی در فرق الشیعه (4) و شیخ مفید

در الفصول المختاره (5) از چهارده فرقه نام می برند .

با این فرق که نوبختی در مقام توضیح ، سیزده فرقه را بیان می کند ولی مفید ، چهاردهمین فرقه را نیز بیان کرده است . شهرستانی در " ملل و نحل " از یازده گروه نام می برد (6)

مشهور در میان علماء این است که پس از امام حسن عسکری (ع) امامیه به چهارده فرقه تقسیم شدند .

1 . ارشاد مفید ، ص 345 .

2 . مروج الذهب ، ج4 ص 2 1 1 .

3 . اشعری قمی سعد بن عبدالله المقالات والفرق ص 102 .

4 . فرق ا لشیعه نوبختی ص 105 .

5 . الفصول المختاره ص 258 .

6 . ملل و نحل شهرستانی ص 130 .

قرامِطه

فرقه ای از غلاه شیعه شش امامی ، اسماعیلیه هستند که به سبعیه نیز نامیده شده اند .

آنان می گویند : محمدبن اسماعیل ، امام هفتم وصاحب الزمان است ومعتقد به قیام به سیف وقتل و حرق مخالفان خود از سایر مذاهب

اسلامی بودند .

زیارت قبور و بوسیدن سنگ کعبه و اعتقاد به ظواهر ، در مذهب آنان حرام بود و در احکام شریعت ، قائل به تأویل

بودند (1) .

رئیس قرامطه ، ابوطاهر قرمطی بود . قرامطه حجرالاسود را از جاکنده وبه بحرین- مسکن خود- بردند وبیست ودو سال نزد خود نگاه داشتند (2)

1 . معارف ومعاریف ج 8 ص271

2 . مهدی موعود پاورقی ص 616 .

محمد بن بشیر

از اهالی کوفه ، از موالی بنی اسد و از اصحاب امام کاظم (ع) بود .

وی از غلاه و مبتدعین بود و مدعی بود که پس از امام موسی بن جعفر (ع) ، خود امام است و می گفت : امام کاظم (ع) زنده است و او همان امام قائم است .

پیروانی داشت و در شعبده و اعمال خارق العاده ، مهارت داشت (1)

1 . معارف ومعاریف ج9ص161 .

مرجئه

به معنای تأخیر افکننده ، نام فرقه ای از فرق اسلامی است که در پایان نیمه اول قرن اول هجری پدید آمد .

آنان گروهی از خوارج اند که مرتکب گناه کبیره را مخلد در دوزخ نمی دانستند ، بلکه کار او را به خدا وا می گذاشتند .

اکثریت مرجئه ، امامت را برای غیر قریشی جائز نمی دانستند ، ولی بعض آنان می گفتند : هرکس احکام قرآن و سنت رسول (ص) را بر پا دارد ، می تواند امام باشد .

مکتب اعتقادی مرجئه ، برای امویان که از ارتکاب معاصی بزرگ ، پرهیزی نداشتند پناهگاه خوبی بود بدین جهت امویان از مرجئه پشتیبانی می کردند (1)

مرجئه جزو سپاه سفیانی هستند که به سپاه حضرت مهدی (ع) هجوم می برند (2) .

1 . معارف و معاریف ج9 ص 268 .

2 . بحارالانوار ج 52 ، ص 343 .

مغیریه

فرقه ای از غلات شیعه و پیرومغیره بن صعید عجلی می باشند .

آنان " عبد الله بن حسن " را پس از امام باقر (ع) امام دانند و او را مهدی منتظر می خوانند و می گویند او نمرد ه است و روزی ظهور خواهد کرد .

هنگامی که امام صادق (ع) خبر یافت که بزیع یکی از سران مغیریه به قتل رسیده ، گفت : الحمد لله ابن مغیریان را جز قتل ، چاره ای نباشد ، زیرا آنان تا ابد توبه نمی کنند . (1)

1 . معارف و معاریف ج 9 ،

ص 519 .

ناووسیه

فرقه ای از غلاه ، اتباع ، عجلان یا عبدالله بن ناووس بصری هستند که امام جعفر صادق (ع) را امام زنده غایب و مهدی منتظر و قائم آل محمد (ع) می دانند . (1)

یکی از ناووسیه به نام عنبسه بن مصعب ، حدیثی از امام صادق (ع) جعل نمود که ایشان فرمود : اگرکسی به شما خبر داد که وی مرا غسل داده وکفن کرده و دفن نموده ، سخنش را باور مکنید (2)

طبق روایتی که از حضرت علی و امام باقر (ع) نقل شده ، اینان از یاران حضرت مهدی (ع) از سرزمین مصر هستند . (3)

ودر روایتی از امام صادق (4) رسیده است که نجبا از سرزمین کوفه هستند . (5)

با توجه به معنای نجبا که جمع نجیب و به معنای افراد پاک سرشت و خوش نفس و جوانمرد است به ویژگی دیگری از یاران حضرت مهدی (ع) پی می بریم .

تعداد نجبا را هفتاد نفر آورده اند وگفته اند گاهی می شود که بیشتر از این باشند (6)

امام صادق (ع) فرمود : آنان که در امر دین به بحث و جدال نشستند ، تباه گشتند و آن ها که به حقایق دین تسلیم شدند ، اهل نجات خواهند بود ، همانا تسلیم شدگان نجبا باشد

1 . معارف ومعاریف ج10ص63 .

2 . بحارالانوار ج37ص9 .

3 . بحارالانوار ، ج 52ص 334 .

4

. همان .

5 . نجم الثاقب باب نهم .

6 . بحارالانوار ج 52 ص 321 .

واقِفه

فرقه ای از شیعه هستند که امام موسی بن جعفر (ع) را آخرین امام می دانند و می گویند او زنده و مهدی منتظر است .

این فرقه علاوه بر عقیده غلطی که در امر امامت داشتند ، عقاید خرافی دیگری از قبیل تناسخ و وحدت وجود و غلو داشتند (1)

1 . معارف ومعاریف ج10ص299 .

احمدیه

یکی از فرق مبتدعه است که میرزا غلام احمد قادیانی آن را بنیان نهاد . وی دعوی نمود که مهدی موعود و مظهر رجعت ، مسیح است .

سپس در روز چهارم مارس 1889م ادعا کرد که وحی بر او نازل شده وپیامبر است .

چون مردی عالم وزباندان بود ، جمعی از مردم قادیان به او گرویدند و با او بیعت کردند . پیروان این مذهب تازه را قادیانی یا میرزائی و به طوری که خودشان می نویسند احمدی نام نهادند .

بعدها این فرقه ، دو گروه شدند که مجموع پیروان مذهب احمدی از دوگروه ، از یک میلیون متجاوز است که بیشتر در پنجاب وبمبئی وافغانستان و عربستان و ایران و مصر سکونت دارند . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 1ص 607 .

ادعای ارتباط با حضرت

درباره ارتباط با امام زمان (ع) ، کتاب هایی نوشته شده که در این اواخر ، رواج فوق العاده ای یافته است .

این کتاب ها مشحون از حکایات و داستان ها ومطالبی است که برخی از آن ها به یقین ، نادرست وبرخاسته از تصوَرات وخیال بافی های نویسندگانِ آن هاست ودر برخی شمه ای از حقیقت وجود دارد .

نقل این داستان ها وحکایت ها ، باعث می شود که یک عقیده درست و صحیح ، به ناصواب هایی آمیخته گردد و عقائد خرافی و ناصحیح و غیر مستند در میان مردم رواج یابد . وقتی که آقا وخانمی به راحتی و آسانی اهل مکاشفه شوند و آن را درکتاب خود بنویسند ، چرا دیگران به چنین مقامی نرسند . زمانی

که مدعی مکاشفه ، پا را فراتر نهد ودر بیداری ، حضرت رسول (ص) و برخی از معصومین (ع) را ببیند چرا دیگران از این نعمت محروم باشند رواج این گونه کتاب ها باعث شده که در برخی از مناطق ، شاهد اتفاقات عوام فریبانه و خرافی باشیم :

کسی در منطقه ای مدعی می شود که قطره ای از خون سر امام حسین (ع) ریخته وسر مبارک حضرت را دیده است .

چوپانی مدعی می شود که غلام شاه چراغ است واز وی دستورهایی دریافت کرده است . خانمی که از دست شوهرش فرارکرده ، به مسجد روستایی می رود ومدعی می شود که مسجد ، نظرکرده است ومریض هایی که به این مسجد بیایند شفا می یابند . در مواردی ، دختر یا زنی نظرکرده می شود و حاجت مردم را برآورده می کند . (1)

یا سید مهدی شیوخی م 1278ه . ق درکتاب بوارق الحقایق که شرح سفرهای اوست ادعا می کند : در طوس ، مهدی (ع) را دیده و ایشان آیات واورادی را در دهان وی ، فوت کرده است . در این دیدار ، امام زمان ، چند کلمه به فارسی ، با لهجه افغانی گفته ، او مطلب را فهمید . امَا زمانی که او چند واژه به فارسی می گوید ، حضرت متوجه مقصود وی نمی شود ، از این روی برای آن حضرت توضیح می دهد . (2)

پیامد ناگوار این کتاب ها و عقاید برگرفته از حکایت و خواب ، فضایی را

به وجود می آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند وزمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد و در نتیجه ، مخالفان تشیع ، امکان رشد وگسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت می شود وبه دیگران انتقال می یابد ویک عقیده ای که در اصل آن ، تمام فرق اسلامی توافق دارند ، به گونه ای مطرح می شود که فرسنگها با اسلام فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیشه وران اسلامی تنگ می کند .

1 . چشم به راه مهدی ص 35 .

2 . همان ، ص102 .

بابیه

بنیانگذار فرقه بابیه سید علی محمد شیرازی است .

از آن جا که او در ابتدای دعوتش مدعی بابیت امام دوازدهم شیعه بود وخود را طریق ارتباط با امام زمان می دانست ، ملقب به باب گردید وپیروانش " بابیه " نامیده شدند .

سید علی محمد در سال 1235ق . در شیراز به دنیا آمد . درکودکی به مکتب شیخ عابد رفت وخواندن ونوشتن آموخت . شیخ عابد از شاگردان شیخ احمد احسائی بنیانگذار شیخیه وشاگردش سید کاظم رشتی بود ولذا سید علی محمد از همان دوران با شیخیه آشنا شد ، به طوری که چون سید علی محمد در سن حدود نوزده سالگی به کربلا رفت در درس سید کاظم رشتی حاضر شد . در همین درس بود که با مسائل عرفانی وتفسیر وتأویل آیات واحادیث ومساثل فقهی به روش شیخیه آشنا گردید . قبل از رفتن به کربلا ، مدتی در بوشهر اقامت کرد

و در آنجا به ریاضت کشی پرداخت . نقل شده است که در هوای گرم بوشهر بر بام خانه رو به خورشید اورادی می خواند .

پس از درگذشت سید کاظم رشتی تا مریدان وشاگردان وی جانشینی برای او می جستند که مصداق " شیعه کامل یا رکن رابع " شیخیه باشد میان چند تن از شاگردان رقابت افتاد وسید علی محمد نیز در این رقابت شرکت کرد ، بلکه پای از جانشینی سید رشتی فراتر نهاد و خود را باب امام دوازدهم شیعیان یا " ذکر " او ، یعنی واسطه میان امام و مردم شمرد . هجده تن از شاگردان سیدکاظم رشتی که همگی شیخی مذهب بودند از او پیروی کردند .

علی محمد در آغاز امر بخش هایی از قرآن را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود تأویل کرد وتصریح کرد که از سوی امام زمان (ع) ، مأمور به ارشاد مردم است . سپس مسافرت هایی به مکه وبوشهرکرد ودعوت خود را آشکارا تبلیغ نمود .

یارانش نیز در نقاط دیگر به تبلیغ ادعاهای علی محمد پرداختند . پس از مدتی که گروه هایی به اوگرویدند ، ادعای خود را تغییر داد واز مهدویت سخن گفت وخود را مهدی موعود معرفی کرد وپس از آن ادعای نبوت ورسالت خویش را مطرح کرد ومدعی شد که دین اسلام فسخ شده وخداوند دین جدیدی همراه باکتاب آسمانی تازه به نام بیان بر او نازل کرده است .

علی محمد درکتاب " بیان " ، خود را برتر از همه پیامبران دانسته وخود را مظهر نفس پروردگار پنداشته است .

در زمانی که علی محمد هنوز از ادعای بابیت امام زمان (ع) فراتر نرفته بود ، به دستور والی فارس در سال 1261ق . دستگیر وبه شیراز فرستاده شد وپس از آنکه در مناظره با علمای شیعه شکست خورد ، اظهار ندامت کرد و در حضور مردم گفت : لعنت خدا برکسی که مرا وکیل امام غایب بداند . لعنت خدا برکسی که مرا باب امام بداند پس از این واقعه شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود واز آنجا به اصفهان وسپس به قلعه ماکو تبعید شد . در همین قلعه با مریدانش مکاتبه داشت و از اینکه می شنید آنان درکار تبلیغ دعاوی او می کوشند به شوق افتاد وکتاب " بیان " را در همان قلعه نوشت .

دولت محمد شاه قاجار برای آنکه پیوند او را با مریدانش قطع کند در سال 1264 ق ، وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق در نزدیکی ارومیه منتقل کرد . پس از چندی او را به تبریز بردند ودر حضور چند تن از علما محاکمه شد . علی محمد در آن مجلس آشکارا از مهدویت خود سخن گفت و " بابیت امام زمان " راکه پیش از آن ادعاکرده بود به بابیت علم خداوند تأویل کرد .

علی محمد در مجالس علما نتوانست ادعای خود را اثبات کند و چون از او درباره برخی مسائل دینی پرسیدند ، ازپاسخ فرو ماند و جملات ساده عربی را غلط خواند . در نتیجه وی را چوب زده تنبیه نمودند و او از دعاوی خویش تبری جست وتوبه نامه نوشت .

اما این توبه نیز مانند توبه قبلی او واقعی نبود ، از این رو پس از مدتی ادعای پیامبری کرد . پس از مرگ محمد شاه قاجار در سال 1264 ق . مریدان علی محمد ، آشوب هایی درکشور پدید آوردند ودر مناطقی به قتل وغارت مردم پرداختند .

در این زمان میرزا تقی خان امیرکبیر صدر اعظم ناصر الدین شاه تصمیم به قتل علی محمد وفرو نشاندن فتنه بابیه گرفت . برای این کار از علما فتوا خواست . برخی علما به دلیل دعاوی مختلف ومتضاد او ورفتار جنون آمیزش شبهه خبط دماغ را مطرح واز صدور حکم اعدام او خودداری کردند . اما برخی دیگر علی محمد را مردی دروغگو وریاست طلب می شمردند واز این رو حکم به قتل او دادند . علی محمد همراه یکی از سرانش در 27 شعبان1266 در تبریز تیرباران شد .

همان طورکه گذشت ، سید علی محمد آراء وعقاید متناقضی ابراز داشته است . ازکتاب " بیان " که آن را کتاب آسمانی خویش می دانست ، برمی آید که خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار می دانسته و عقیده داشت که با ظهور آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن ، به پا شده است .

علی محمد خود را مبشر ظهور بعدی شمرده واو را من یظهره الله کسی که خدا او را آشکار می کند خوانده است و در ایمان پیروانش بدو تکید فراوان کرد . از نسبت به کسانی که آیین او را نپذیرفتند خشونت بسیاری را سفارش کرده است . وی از جمله وظایف فرمانروای

بابی را این می داند که نباید جز بابی ها کسی را بر روی زمین باقی بگذارد . باز دستور می دهد غیر ازکتاب های با بیان ، همه کتاب های دیگر باید محو و نابود شوند وپیروانش نباید جزکتاب بیان وکتاب های دیگر با بیان ، کتاب دیگری را بیاموزند (1)

1 . نشریه موعود , ش 22 , ص 80 .

بتریه

یکی از فرقه های زیدیه از پیروان کثیر النوی می باشند .

آنان عقاید مشابهی با سلیمانیه ، یکی دیگر از فرقه های زیدیه دارند . در اسلام وکفر عثمان توقف وتردید دارند . در مسائل اعتقادی ، مشرب اعتزال ودر فروع فقهی بیشترپیروابو حنیفه هستند . گروهی از آنان نیزپیرو شافعی یا مذهب شیعه می باشند . (1)

امیرالمؤمنین (ع) درباره فرقه بتریه می فرماید : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، به سوی کوفه رهسپار می شود . در آن جا تعداد ده هزار نفرکه آنان را بتریه می نامند ، در حالی که سلاح بر دوش گرفته اند ، جلوحضرت رامی گیرند و می گویند از همان جا که آمده ای ، بازگرد زیراما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم . حضرت شمشیر می کشد و همگی آنان را از دم تیغ می گذارند . (2)

امام باقر (ع) نیز می فرماید : . . . حضرت مهدی (ع) به سوی کوفه رهسپار می شود . در آن جا شانزده هزار نفر از بتریه ، مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند

آنان قاریان قرآن ودانشمندان دینی هستند که پیشانی های آنان از عبادت زیاد ، پینه بسته ، چهره های شان در اثر شب زنده داری زرد شده ونفاق سراپای شان راپوشانده است . آنان یک صدا فریاد برمی آورند : ای فرزند فاطمه (ع) از همان راه که آمده ای بازگرد ، زیرابه تو نیازی نداریم .

حضرت در پشت شهر نجف ، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد وهمه رامی کشد . (3)

گفته شده ، بدین سبب آن ها را بتریه گویند که یکی از سران آن ها مغیره بن سعد بوده واو ملقب به ابتر بود . (4)

1 . ملل ونحل 6 ج ا ص 161 .

2 . ارشاد مفید ص 334 اعلام الوری ص 431 بحارالانوار ج 52 ص 328 .

3 . غیبه طوسی ص 283 بحارالانوار ج 2 ، ص 598 اثبات ا لهداه ، ج 3 ، ص 3 1 5 .

4 . معارف ومعاریف ج 3ص 59 .

بهائیت وبنیان گذار بهائیت

در سال 1834 میلادی ، جاسوسی از روس به ایران آمد و به منظور مبارزه با اسلام و مسلمانان ، نقشه پلید و شیطانی استعمارگران را نیز به همراه داشت و متأسفانه این عنصر خیانت کار توانست در سیاست آن روز ایران ، نقش کینه توزانه و ویرانگری را بازی کند . پس از مدتی به عراق آمد و با اینکه نامش کنیاز دالگورکی بود ، خود را شیخ عیسی لنکرانی معرفی کرد و به لباس روحانیت درآمد ر در درس سیدکاظم رشتی که

از علمای کربلا بود شرکت کرد و در همان جا با مردی- که نامش علی محمد و شاگرد سید رشتی بود و به مصرف حشیش عادت داشت- ملاقات کرد و با شگردهای خاصی توانست با او طرح دوستی و رفاقت بریزد و اعتماد متقابل پدید آورد .

دریکی از شب ها که علی محمَد طبق برنامه و عادت خویش مشغول حشیش کشیدن بود ، جاسوس روسی با استفاده از فرصت او را مخاطب ساخت و با همه خضوع و احترام و تواضع به اوگفت : ای صاحب الزمان به من محبت کن . . . تو بی هیچ تردیدی صاحب الزمانی .

" علی محمد " با اینکه در اوج کیف و نشئه تخدیر حشیش بود و به خاطر آن تا حدودی مشاعر خویش را از دست داده بود ، خطاب جاسوس را ردکرد وکوشید تا این نسبت دروغین را نپذیرد و از خود دفاع کند ، اما جاسوس روسی سخت اصرارکرد که : نه همین است که من می گویم . و شیوه تکرار و تلقین را به کارگرفت و مرتب به او اصرارکرد که او حضرت مهدی (ع) است .

هرگاه " علی محمد " به مصرف حشیش می پرداخت ، جاسوس روسی نیز فرصت را برای تلقین و تکرار آن دروغ رسوا ، غنیمت می شمرد و سؤال های ساده ای از او می کرد و او نیز جواب های سست وآبکی سر هم می کرد و جاسوس بازیگر ، شروع به تحسین و تشویق او می کرد و خود را در برابر پاسخ های آبکی و سست او شگفت

زده و مسحور نشان می داد .

روزی جاسوس نابکار ، یک بطری عرق از بغداد برای علی محمد خرید و با شگردی خاص به او تقدیم کرد و هنگامی که آن را به او خورانید و مست شد ، تلقین و اصرار خویش را به اوج رسانید که علی محمد همان امام مهدی است و از او تقاضا کرد که گفتار صادقانه و خالصانه جاسوس روسی را بپذیرد . او نیز تصدیق کرد و پذیرفت که چنین است اما از ترس ، جرأت اظهار آن را نداشت و بدان تصریح نمی کرد . درگام دوم ، جاسوس او را به اظهار آن دروغ رسوا تشجیع کرد و وعده ثروت هنگفتی به او داد . . . .

سرانجام علی محمد ازکربلا به بصره و از آن جا به بوشهر آمد و ادعا کرد که : نائب خاص امام مهدی (ع) است ، اما جاسوس روسی به این اندازه رضایت نداد و به او اصرار ورزید که : تو ، خود امام عصر هستی ، نه نایب خاص او .

جاسوس پس از ورود علی محمد به ایران ، درکربلا به صورت گسترده ای پخش کرد که : علی محمد ، صاحب الزمان است و در بوشهر ظهورکرده است . او مردم را بر اثر پخش این دروغ رسوا ، دو دسته ساخت . بیشتر مردم بوشهر کسانی که علی محمد را عنصری حشیشی وشرابخوار ، می شناختند به این شایعات که به وسیله جاسوسان استعمار مرتب دامن زده می شد می خندیدند . اما برخی ساده لوحان و ابلهان نا آگاه نیز

می گفتند : نکند درست است . . . و تصدیق می کردند .

جاسوس روسی ، پس از افشاندن بذر اختلاف و جنایت و انجام این شگردهای شیطانی ، به عنوان سفیر روس به تهران رفت و با قدرت و امکانات و میدان عملِ آماده ای با بهره وری از فرصت ، جدی تر ازگذشته به ادامه عملیات ابلیسی خویش همت گماشت .

در تهران از دوستان خویش ، جاسوسان جدیدی تربیت کرد و با امکانات گسترده خویش ، وجدان و عقیده آنان را خرید و آنان خود را در اختیار او و درگرو اشاره و دستور او قرار دادند که از جمله آنان حسین علی ، ، معروف به بهاء ، را میرزا یحیی معروف به صبح ازل بودند که این دو برادر ، نقش ویرانگری بر ضد اسلام و جامعه اسلامی و در اجرای نقشه این جاسوس پلید استعمار داشتند .

علی محمد دو ماه در بوشهر ماند و از آن جا راهی شیرازگردید و از روستایی که عبورکرد ، خود را نایب خاص امام عصر (ع) جا زد ، اما هنگامی که به شیراز رسید ، ادعا کرد که : صاحب الزمان است و برخی فرومایه هایی که به مبدأ و معادی پایبند نیستند به دورش حلقه زدند .

هنگامی که علمای شیراز از ورود آن شیطان رانده شده آگاه شدند ، برخی از افراد آگاه و مورد اعتماد خویش را برای تحقیق از واقعیت جریان ، به محفل " علی محمد " فرستادند و آنان توانستند با اظهار مهر و دوستی و تعظیم به او ، اعتماد وی

را جلب کنند و پس از آن مراحل بود که علی محمد عقاید سخیف و خرافات و بافته های رسوای خویش را برای آنان آشکار ساخت و به صراحت خود را امام مهدی (ع) جا زد و آنان نیز بافته های آن عنصر منحرف وگمراه را به علمای شیراز انتقال دادند .

این جا بود که علمای شیراز بر ضد او بپا خاستند و بستگان و خاندانش نیز بر او شوریدند و او را از منزل بیرون راندند و دستگیر و به محکمه سپردند . پس از محاکمه ای سریع ، او را به زندان و شلاق محکوم ساختند و پس از مدتی آزاد گردید و از شیراز به اصفهان رفت .

جاسوس روس با ورود علی محمد به اصفهان نامه ای به استاندار آن جا نوشت و از او خواست که آن عنصر پلید را احترام نماید و امنیت او را تضمین کند ، اما در همان روزها استاندار از دنیا رفت و امام ساختگی و دروغین ، دستگیر و تحت نظر به تهران فرستاده شد . جاسوس روسی ، به دوستان و همکارانش دستور داد که در میان مردم سر و صدا و بلوا برانگیزند که : هان ای مردم چه نشسته اید که امام مهدی دستگیر شد . . . حکومت وقت ، علی محمد را به وسیله مأموران خویش به قزوین گسیل داشت و از آن جا به تبریز وماکوفرستاد ، اما جاسوس روس و دوستانش به هیاهو و تاخت و تاز خویش ادامه دادند و خبر دستگیری علی محمد را در شهرها پخش کردند و برخی فرومایگانی را

که جاسوس استعمار ، با ثروت و امکانات ، آماده ساخته بودند با فریاد و هیاهو بر ضد حکومت وقت به شورش وادارکردند . سرانجام شاه ، علی محمد را احضارکرد و دستور محاکمه او را با حضور علما و فقها صادر کرد . دادگاه تشکیل شد و بحث وگفتگو در نهایت به توبه " علی محمد " به دست علما منجر شد و او ازگناه خویش طلب مغفرت کرد .

جاسوس روس ، از روند کار هراسان شد و ترسید که نقشه شیطانی اش فاش گردد . به همین جهت برای مخفی ساختن توطئه پلید روس ، راه را برای نابودی امام دروغین هموار ساخت و برای کشته شدن او از هیچ کاری فروگذار نکرد . درست در همین روزها بود که شاه کشته شد و ناصرالدین شاه که به قدرت رسید ، دستور به دار اویخته شدن علی محمد را صادرکرد و او اعدام گردید .

پس از اعدام شدن علی محمد حسین علی بهاء و همکارانش چیزی نمانده بود که به کیفر جنایات خویش برسند ، اما تلاش سفارت روس وکارمندان آن برای نجات آن ها ، کار خویش را کرد و آنان به دستور جاسوس روس و مساعدت همه جانبه سفارت روس به بغداد شتافتند و در آن جا بر اساس آموزشهای آن جاسوس ، حسین علی مأموریت یافت که به نفع برادر خویش یحیی وارد عمل شود و ادعا کند که او همان کسی است که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و امکانات گسترده و ثروت هنگفتی نیز در اختیار او برای تعقیب این دروغ رسوا قرار داد و

او نیز دعوت خویش را آغازکرد و به نشر این مرام ساختگی پرداخت .

در همان شرایط بود که حکومت " عثمانی " این گروه فاسد را از بغداد به ترکیه و از آن جا به ادرنه (1) تبعید ساخت ، امَا آموزش های این مسلک منحط ، همچنان در سفارت روس در تهران تنظیم و به حسین علی بها ارسال می گردید و او نیز آن ها را در میان پیروان خویش ، نشر و تبلیغ می کرد .

سرانجام کار به اختلاف میان حسین علی بهاء و برادرش یحیی کشید . یحیی به قبرس رفت و در آن جا ازدواج کرد و خود را صبح ازل نامید . اما حسین علی و پیروانش از ترکیه به عکا ، در فلسطین تبعید شدند و تلاش ارتجاعی خویش را برای نشر این مرام استعماری و خرافی در ایران و فلسطین از طریق بذل و بخشش های هنگفت ادامه دادند .

حسین علی برای خویش ، لقب بها را برگزید و به همین جهت است که پیروان او را بهایی می نامند .

روشن است که مرام بهایی هیچ ربطی به اسلام و اصول و فروع آن ندارد و بهائیان نیز مسلمان نیستند و خود را پیرو دین دیگری به نام بهائیت می شمارند .

به هر حال این حزب سیاسی- که لباس دین را بر تن کرد- در برخی ازکشورهای اسلامی و غربی نفوذ کرد و امریکا و روسیه هر دو در ترویج آن بر ضد اسلام و مسلمانان ، هماهنگ شدند . به همین جهت است که در هرکشوری که آمریکا حضور

و نفوذ بیشتری داشته باشد ، بهائیان بدانجا روی می آورند و هنگامی که نفوذ آمریکا در یکی ازکشورهای اسلامی فروکش کرد و متزلزل گردید ، مرام بهائیت نیز نفوذ خود را در آن جا از دست می دهد . (2)

1 . ولایتی از ولایات عثمانیه ترکیه جدید .

2 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ، ص 573 .

بهائیت وبهائیه

فرقه بهائیه ، فرقه ای منشعب از فرقه بابیه است .

بنیانگذار آیین بهائیت ، میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله است واین آیین نیز نام خود را از همین لقب برگرفته است .

پدرش از منشیان عهد محمد شاه قاجار ومورد توجه قائم مقام فراهانی بود و بعد از قتل قائم مقام فراهانی از مناصب خود برکنار شد وبه شهر نور رفت .

میرزا حسینعلی در1233در تهران به دنیا آمد و آموزش های مقدماتی ادب فارسی وعربی را زیر نظر پدر و معلمان ومربیان گذراند . پس از ادعای بابیت توسط سید علی محمد شیرازی در شمار نخستین گروندگان به باب درآمد واز فعالترین افراد بابی شد و به ترویج بابیگری به ویژه در نور و مازندران پرداخت برخی از برادرانش از جمله برادر کوچکترش میرزا یحیی معروف به صبح ازل نیز بر اثر تبلیغ او به این مرام پیوست .

پس از اعدام علی محمد باب به دستور امیرکبیر ، میرزا یحیی ادعای جانشینی باب راکرد . ظاهراً یحیی ، نامه هایی برای علی محمد باب نوشت و فعالیت های پیروان باب را توضیح داد . علی محمد باب در پاسخ به

این نامه ها وصیت نامه ای برای یحیی فرستاد واو را وصی و جانشین خود اعلام کرد .

برخی گفته اند این نامه ها توسط میرزا حسینعلی و به امضای میرزا یحیی بوده است حسینعلی این کار ونیز معرفی یحیی به عنوان جانشینی باب را برای محفوظ ماندن خود از تعرض مردم انجام داده است وعلی محمد در پاسخ به نامه ها میرزا یحیی را وصی خود ندانسته بلکه به او توصیه کرده که در سایه برادر بزرگتر خویش حسینعلی قرارگیرد .

در هر حال پس از باب ، عموم بابیه به جانشینی میرزا یحیی معروف به صبح ازل معتقد شدند وچون در آن زمان یحیی بیش از نوزده سال نداشت ، میرزا حسینعلی زمام کارها را در دست گرفت .

امیرکبیر برای فرو نشاندن فتنه بابیان از میرزا حسینعلی خواست تا ایران را به قصد کربلا ترک کند واو در شعبان 1267به کربلا رفت ، اما چند ماه بعد ، پس از برکناری و قتل امیرکبیر در ربیع الاول1268وصدارت یافتن میرزا آقا خان نوری ، به دعوت وتوصیه شخص اخیر به تهران بازگشت .

در همین سال تیراندازی بابیان به ناصر الدین شاه پیش آمد و بار دیگر دستگیری و اعدام بابی ها انجامید ، وچون شواهدی برای نقش حسینعلی در طراحی این سوء قصد وجود داشت ، او را دستگیرکردند .

اما حسینعلی به سفارت روس پناه برد وشخص سفیر از او حمایت کرد . سرانجام با توافق دولت ایران وسفیر روس ، میرزا حسینعلی به بغداد منتقل شد وبدین ترتیب بهاءالله با حمایت دولت روس از مرگ نجات یافت او .

پس از رسیدن به بغداد نامه ای به سفیر روس نگاشت و از وی و دولت روس برای این حمایت قدردانی کرد .

در بغداد کنسول دولت انگلستان ونیز نماینده دولت فرانسه با بها ءالله ملاقات وحمایت دولت های خویش را به او ابلاغ کردند وحتی تابعیت انگلستان وفرانسه را نیز پیشنهاد نمودند . والی بغداد نیز با حسینعلی و بابیان با احترام رفتارکرد وحتی برای ایشان مقرری نیز تعیین شد . میرزا یحیی که عموم بابیان او را جانشین بلا منازع باب می دانستند ، با لباس درویشی مخفیانه به بغداد رفت و چهار ماه زودتر از بهاء الله به بغداد رسید .

در این هنگام بغداد وکربلا ونجف مرکز اصلی فعالیت های بابیان شد و روز به روز بر جمعیت ایشان افزوده می شد . در این زمان برخی از بابیان ادعای مقام من یظهره اللهی را سازکردند . می دانیم که علی محمد باب به ظهور فرد دیگری پس از خود بشارت داده بود و او را من یظهره الله نامیده بود و از بابیان خواسته بود به او ایمان بیاورند .

البته از تعبیرات وی برمی آید که زمان تقریبی ظهور فرد بعدی را دو هزار سال بعد می دانسته است . به ویژه آنکه ظهور آن موعود را به منزله فسخ کتاب بیان خویش می دانسته است . اما شماری از سران بابیه به این موضوع اهمیت ندادند وخود را من یظهره الله یا " موعود بیان " دانستند .

گفته شده که فقط در بغداد بیست وپنج نفر این مقام را ادعاکردند که بیشتر این مدعیان با طراحی حسینعلی

وهمکاری یحیی یا کشته شدند یا از ادعای خود دست برداشتند . آدمکشی هایی که در میان بابیان رواج داشت و همچنین دزدیدن اموال زائران اماکن مقدسه در عراق و نیز منازعات میان بابیان و مسلمانان باعث شکایت مردم عراق و به ویژه زائران ایرانی گردید ودولت ایران از دولت عثمانی خواست بابی ها را از بغداد وعراق اخراج کند .

بدین ترتیب در اوایل سال 280 1ق فرقه بابیه از بغداد به استانبول و بعد از چهار ماه به ادرنه منتقل شدند .

در این زمان میرزا حسینعلی مقام من یظهره اللهی را برای خود ادعا کرد واز همین جا نزاع وجدایی وافتراق در میان بابیان آغاز شد . بابی هایی که ادعای او را نپذیرفتند و بر جانشینی میرزا یحیی صبح ازل باقی ماندند ، ازلی نام گرفتند وپذیرندگان ادعای میرزا حسینعلی بها الله " بهائی " خوانده شدند . میرزا حسینعلی با ارسال نوشته های خود به اطراف واکناف ، رسماً بابیان را به پذیرش آیین جدید فرا خواند ودیری نگذشت که بیشتر آنان به آیین جدید ایمان آوردند .

منازعات ازلیه و بهائیه در ادرنه شدت گرفت واهانت وتهمت وافترا وکشتار رواج یافت وهر یک از دو طرف بسیاری از اسرار یکدیگر را بازگفتند . بهاء الله درکتابی به نام " بدیع " ، وصایت و جانشینی صبح ازل را انکارکرد وبه افشاگری اعمال و رفتار او وناسزا گویی به او وپیر وانش پرداخت . در برابر ، عزیه خواهر آن دو درکتاب تنبیه النائمین کارهای بهاء الله را افشا کرد ویک بار نیز او را به مباهله فراخواند .

نقل

شده است که در این میان صبح ازل برادرش بهاء الله را مسموم کرد وبر اثر همین مسمومیت بهاء الله تا پایان عمر به رعشه دست مبتلا بود . سرانجام حکومت عثمانی برای پایان دادن به این درگیری ها بهاء الله وپیروانش را به عکا در فلسطین و صبح ازل را به قبرس تبعیدکرد ، اما دشمنی میان دوگروه ادامه یافت . بهاء الله مدت نه سال در قلعه ای در عکا تحت نظربود وپانزده سال بقیه عمر خویش را نیز در همان شهرگذراند ودر هفتاد وپنج سالگی در 1308ق در شهر حیفا از دنیا رفت .

میرزا حسینعلی پس از اعلام من یظهره اللهی خویش ، به فرستادن نامه الواح برای سلاطین و رهبران دینی وسیاسی جهان اقدام کرد وادعاهای گوناگون خود را مطرح ساخت . بارزترین مقام ادعایی او ربوبیت و الوهیت بود . او خود را خدای خدایان ، آفریدگار جهان ، کسی که لم یلد ولم یولد است ، خدای تنهای زندانی ، معبود حقیقی ، رب ما یری و ما لا یری نامید .

پیروانش نیز پس از مرگ او همین ادعاها را درباره اش ترویج کردند ، و در نتیجه پیروانش نیز خدایی او را باورکردند وقبر او را قبله خویش گرفتند .

گذشته از ادعای ربوبیت ، او شریعت جدید آورد وکتاب اقدس را نگاشت که بهائیان آن را ناسخ جمیع صحائف ومرجع تمام احکام و اوامر و نوامی می شمارند . بابی هایی که از قبول ادعای او امتناع کردند ، یکی از انتقاداتشان همین شریعت آوری او بود ، از این روکه به اعتقاد آنان ،

نسخ کتاب بیان نمی توانست در فاصله بسیارکوتاه روی دهد . به ویژه آنکه احکام بیان و " اقدس " هیچ مشابهتی با یکدیگر ندارند اساس بابیت ، از بین بردن همه کتاب های غیر بابی وقتل عام مخالفان بود ، در حالی که اساس بهائیت ، رأفت کبری ورحمت عظمی والفت با جمیع ملل بود . با این حال میرزا حسینعلی دربرخی جاها منکرنسخ بیان شد .

مهمترین برهان او بر حقانیت ادعایش ، مانند سید باب ، سرعت نگارش وزیبایی خط بود . نقل عمده که در هر شبانه روز یک جلد کتاب می نوشت . بسیاری از این نوشته ها بعدها به دستور میرزا حسینعلی نابود شد . نوشته های باقیمانده او نیز مملو از اغلاط املایی ، انشایی ، نحوی وغیر آن بود .

مهمترین کتاب بهاء الله ایقان بود که در اثبات قائمیت سید علی محمد باب در آخربن سال های اقامت در بغداد نگاشت . اغلاط فراوان ونیز اظهار خضوع بهاء الله نسبت به برادرش صبح ازل در این کتاب ثبت شد که از همان سال های پایانی زندگی میرزا حسینعلی پیوسته در معرض تصحیح وتجدید نظر قرارگیرد .

و اما بهائیه پس از بهاء الله : پس از مرگ میرزا حسینعلی ، پسر ارشد او عباس افندی (1260- 1340ق) . ملقب به عبدالبهاء جانشین وی گردید . البته میان او وبرادرش محمدعلی بر سر جانشینی پدر مناقشاتی رخ داد که منشأ آن صدورلوح عهدی از موی میرزا حسینعلی بود که در آن جانشین خود را عباس افندی وبعد از او محمدعلی افندی معین کرده بود .

در ابتدای کار اکثر بهائیان از محمدعلی پیروی کردند ، اما در نهایت عباس افندی غالب شد . عبدالبهاء ادعایی جز پیروی از پدر ونشر تعالیم او نداشت وبه منظور جلب رضایت مقامات عثمانی ، رسما وبا التزام تمام ، در مراسم دینی از جمله نماز جمعه شرکت می کرد وبه بهائیان نیز سفارش کرده بود که در آن دیار به کلی از سخن گفتن درباره آیین جدید بپرهیزید . در اواخر جنگ جهانی اول ، در شرایطی که عثمانی ها درگیر جنگ با انگلیسی ها بودند وآرتور جیمز بالفور ، وزیر خارجه انگلیس در صفر 133 6 نوآمبر 1917 اعلامیه مشهور خود مبنی بر تشکیل وطن ملی یهود در فلسطین را صادرکرده بود ، مسائلی روی داد که جمال پاشا ، فرمانده کل قوای عثمانی ، عزم قطعی بر اعدام عبدالبهاء ، و هدم مراکز بهائی در عکا وحیفا گرفت .

برخی مورخان ، منشأ این تصمیم را روابط پنهان عبدالبهاء با قشون انگلیس که تازه در فلسطین مستقر شده بود ، می دانند .

لرد بالفور بلافاصله به سالار سپاه انگلیس در فلسطین دستور داد تا با تمام قوا در حفظ عبدالبهاء وبهائیان بکوشد . پس از تسلط سپاه انگلیس بر حیفا ، عبدالبهاء برای امپراتور انگلیس ، ژرژ پنجم ، دعا کرد و از اینکه سراپرده عدل در سراسر سرزمین فلسطین گسترده شده به درگاه خدا شکرگزارد .

پس از استقرار انگلیس در فلسطین ، عبدالبهاء از دولت انگلیس نشان شهسواری نایت هود دریافت کرد و به عنوان سر ملقب گردید . عبدالبهاء در سال 1340ق . درگذشت ودر حیفا به خاک

سپرده شد . در مراسم خاکسپاری او نمایندگانی از دولت انگلیس حضور داشتند وچرچیل ، وزیر مستعمرات بریتانیا ، با ارسال پیامی مراتب تسلیت پادشاه انگلیس را به جامعه بهائی ابلاغ کرد .

از مهمترین رویدادهای زندگی عبدالبهاء ، سفر او به اروپا وامریکا بود . این سفر نقطه عطفی در ماهیت آیین بهایی محسوب می گردد . پیش از این مرحله ، آیین بهایی بیشتر به عنوان یک انشعاب از اسلام یا تشیع ویا شاخه ای از متصوفه شناخته می شد ورهبران بهائیه برای اثبات حقانیت خود از قرآن وحدیث به جستجوی دلیل می پرداختند واین دلایل را برای حقانیت خویش به مسلمانان وبه ویژه شیعیان ارائه می کردند .

مهمترین متن احکام آنان نیز از حیث صورت با متون فقهی اسلامی تشابه داشت . اما فاصله گرفتن رهبران بهایی از ایران و مهاجرت به استانبول وبغداد وفلسطین و در نهایت ارتباط با غرب ، عملا سمت وسوی این آیین را تغییر داد و آن را از صورت آشنای دین های شناخته شده ، به ویژه اسلام دورکرد .

عبدالبهاء در سفرهای خود تعالیم باب وبهاء را با آن چه در قرن نوزدهم در غرب ، خصوصا تحت عناوین روشنگری و مدرنیسم و اومانیسم متداول بود ، آشتی داد . البته باید توجه داشت که خود بهاء الله نیز در مدت اقامتش دربغداد با برخی از غربزده های عصر قاجار مثل میرزا ملکم خان ، که به بغداد رفته بودند آشنا شد . همچنین در مدت اقامتش در استانبول با میرزا فتحعلی آخوندزاده که سفری به آن دیارکرده بود آشنا گردید . افکار این

روشنفکران غربزده در تحولات فکری میرزا حسینعلی بی تأثیر نبود .

نمونه ای از متأثر شدن عبدالبهاء از فرهنگ غربی ، مسأله وحدت زبان وخط بود که یکی از تعالیم دوازده گانه او بود . این تعلیم برگرفته از پیشنهاد زبان اختراعی اسپرانتواست که در اوایل قرن بیستم طرفدارانی یافته بود ، ولی به زودی غیر عملی بودن آن آشکار شد و در بوته فراموشی افتاد . موارد دیگر تعالیم دوازده گانه عبارت است از : ترک تقلید تحری حقیقت ، تطابق دین با علم وعقل ، وحدت اساس ادیان , بیت العدل ، وحدت عالم انسانی ، ترک تعصبات ، الفت ومحبت میان افراد بشر ، تعدیل معیشت عمومی ، تساوی حقوق زنان ومردان ، تعلیم وتربیت اجباری ، صلح عمومی وتحریم جنگ . عبدالبهاء این تعالیم را از ابتکارات پدرش قلمداد می کرد و معتقد بود پیش از او چنین تعالیمی وجود نداشت .

این اصول دوازده گانه متأثر از تفکر ماسونی و نظریه پردازان مشرب فراماسونرهای انگلیسی است . ماسونیت با نشر این تعالیم سعی در استحاله تمامی فرهنگ های مذهبی در تفکر وفرهنگ غربی داشت ، چنان که پیامد نشر این تفکرامانیسم و لیبرالیسم مذهب همه روشنفکران گردید ومبشر جهانی شد که با تبلیغ فرهنگ جهانی سعی در مستولی ساختن فرهنگ وتمدن مغرب زمین بر تمامی سرزمین های غیر غربی داشت .

پس از عبدالبهاء ، شوقی افندی ملقب به شوقی ربانی فرزند ارشد دختر عبدالبهاء ، بنا به وصیت عبدالبهاه جانشین وی گردید . این جانشینی نیز با منازعات همراه بود زیرا بر طبق وصیت بهاء الله پس از عبدالبهاء

باید برادرش محمد علی افندی به ریاست بهائیه می رسید ، اما عبدالبهاء او را کنار زد وشوقی افندی را به جانشینی او نصب کرد ومقرر نمود که ریاست بهائیان پس از شوقی در فرزندان ذکور او ادامه یابد . برخی از بهائیان ریاست شوقی را نپذیرفتند وشوقی به رسم معهود اسلاف خود به بدگویی وناسزا نسبت به مخالفان پرداخت . شوقی بر خلاف نیای خود تحصیلات رسمی داشت و در دانشگاه امریکایی بیروت وسپس در اکسفورد تحصیل کرده بود .

نقش اساسی او در تاریخ بهائیه ، توسعه تشکیلات اداری و جهانی این آیین بود واین فرایند به ویژه در دهه شصت میلادی در اروپا وامریکا سرعت بیشتری گرفت وساختمان معبدهای قاره ای بهائی موسوم به مشرق الاذکار به اتمام رسید . تشکیلات بهائیان که شوقی افندی به آن " نظم اداری امر الله " نام داد ، زیر نظر مرکز اداری و روحانی بهائیان واقع در شهر حیفا درکشور اسرائیل که به " بیت العدل اعظم الهی " موسوم است ، اداره می گردد .

در زمان حیات شوقی افندی حکومت اسرائیل در فلسطین اشغالی تأسیس شد وشوقی از تأسیس این دولت حمایت کرد ومراتب دومشی بهائیان را نسبت به کشور اسرائیل به رئیس جمهور اسرائیل ابلاغ کرد .

بنا بر تصریح عبدالبهاء پس از وی بیست وچهارتن از فرزندان ذکورش ، نسل بعد از نسل با لقب ولی امر الله باید رهبری بهائیان را بر عهده می گرفتند وهریک باید جانشین خود را تعیین می کرد . اما شوقی افندی عقیم بود و طبعاً پس از وفاتش دوران دیگری از دو دستگی

و انشعاب وسرگشتگی در میان بهائیان ظاهر شد . ولی سرانجام همسر شوقی افندی ، روحیه ماکسول وتعدادی ازگروه 27 نفری منتخب شوقی ملقب به ایادیان امر الله اکثریت بهائیان را به خود جلب و مخالفان خویش را طرد وبیت العدل را در 1963تأسیس کردند .

ازگروه ایادیان امر الله در زمان حاضر سه نفر یعنی روحیه ماکسول ودو تن دیگردرقید حیات اند وبا کمک افراد منتخب بیت العدل که به مشاورین قاره ای معروف اند ، رهبری اکثر بهائیان را بر عهده دارند . به موازات رهبری روحیه ماکسول ، چارلز میس ریمی نیز مدعی جانشینی شوقی افندی را کرد وگروه " بهائیان ارتدکس " را پدید آورد که امروزه در امریکا ، هندوستان و استرالیا و چند کشور دیگر پراکنده اند .

عده ای دیگر از بهائیان به رهبری جوانی از بهائیان خراسان ، به نام جمشید معانی که خود را سماء الله می خواند ، گروه دیگری از بهائیان را تشکیل دادند که در اندونزی ، هند ، پاکستان ، و امریکا پراکنده اند . (1)

1 . درنگارش این مقاله ، ازکتاب دانشنامه جهان اسلام ، ج 1 ص 16- 9 1 ، ص 733- 743 استفاده شد به نقل از نشریه موعود ش 22

جارودیه

پیروان ابی الجارود زیاد بن منذر می باشند و مذهب شان این است که امامت پس از پیغمبر (ص) ، خاص علی بن ابی طالب (ع) است وصحابه که او را رها نموده ، دیگری را به خلافت برگزیدند ، کافرشدند .

وامام حسن وامام حسین (ع) را

پس از امیرالمؤمنین (ع) ، امام می دانند ولی پس از آن دو ، همه فرزندان این دو امام را در امامت یکسان می شمارند وهر یک از آن ها که دارای علم وشجاعت بود وقیام به سیف نمود ، وی امام است (1)

این فرقه درباره امام مهدی منتظر (ع) اختلاف دارند . گروهی از این ها گفتند : وی محمد بن عبدالله بن حسن می باشد که در مدینه در حکومت منصور به قتل رسید وگروهی دیگرگفتند : وی محمد بن قاسم بن علی بن الحسن است که در طالقان خروج کرد و در زندان معتصم از دنیا رفت . گروه سوم گفتند : او یحیی بن عمر می باشد که از نواده های زید بن علی است که درکوفه خروج کرد و در حکومت مستعین بالله کشته شد (2) .

1 . معارف ومعاریف ج 4 ، ص 45 .

2 . بحارالانوار ج 37 ,ص 29 .

دروزی

فرقه ای از باطنیه اند که عقایدی پنهانی دارند وآن ها در جبال لبنان و حوران واطراف حلب سکونت دارند .

مذهب دُروز ، در قرن یازدهم میلادی وپنجم هجری در مصر ، زمان الحاکم بامر الله ، خلیفه فاطمی توسط مردی به نام محمد بن اسماعیل درزی (ع) پدیدآمد .

از معتقدات آن ها این است که خدایی جز " حاکم بامر الله " نیست . او نمرده وروزی ظهور می کند وآن هنگامی است که یأجوج و مأجوج آشکارگردند وحاکم ، کنار رکن یمانی بایستد و شمشیر زرین خویش را به

دست حمزه دهد وبه فرمان او شیطان را بکشد . سپس کعبه را ویران سازد ومسلمانان و نصاری را نابود کند و زمین را تا ابد مالک شود (1)

اعتقاد دارند ، امَا موعودی با ویژگی هایی که ذکرکردیم

1 . معارف ومعاریف ج 5 ، ص386 .

سبائیه

نام فرقه ای است که گمان می کردند حضرت علی (ع) همان مهدی موعود و نجات بخش آینده است آنان پیروان عبدالله بن سباءهستند .

عبدالله به نبوت والوهیت حضرت علی (ع) هم معتقد بوده است (1)

1 . فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بید گلی ص122 .

عزاقریه

پیروان ابن ابی العزاقر ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی هستند .

وی ازکسانی است که به مخالفت با " حسین بن روح " بر خاست و مذهب جدیدی به نام عزاقریه " یا شلمغانیه " تأسیس کرد .

مهم ترین عقاید آنان آن است که در باب قائم آل محمد می گویند ، همان ابلیسی است که در قرآن اشاره شده فسجد الملائکه کلهم اجمعون الأ ابلیس ، و چون سجده نکرد وگفت لا قعدون لهم صراطک المستقیم از این جا معلوم می شود که در موقع امر به سجود ، او قائم بوده و بعد نشسته است ، و در این که شیعه می گوید که قائم قیام خواهد کرد ، این ابلیس است که در موقع امر به سجده ، قائم بوده و از سجده ابا نموده است (1)

1 . معارف و معاریف ج 7 ، ص 353 .

فطحیه

فرقه ای است که اعتقاد به امامت عبدالله افطح دارند و او را مهدی موعود می دانند .

عبدالله افطح فرزند امام جعفر صادق (ع) بود .

چون سر یا دو پای وی پهن بود ، از این رو او را افطح وپیروانش را افطحیه یافطحیه می نامند (1)

1 . مهدی موعود علی دوانی ص 431 .

کیسانیه

نام فرقه ای است که در نیمه دوم قرن اول هجری در میان شیعیان پیدا شد و در حدود یک قرن ادامه یافت و سپس به طورخفی منقرض گردید .

این گروه به امامت جناب محمد حنفیه معتقد بودند و او را پس از امیر مؤمنان ، امام حسن و امام حسین (ع) ، چهارمین امام می پنداشتند . وی دقیقاً بر قیام برادرانش واقف بود و هرگز به ناحق دعوی امامت نکرد . پس از ارتحال محمد حنفیه ، فرقه کیسانیه به فرقه های مختلف منشعب شدند :

1 . سراجیه اصحاب " حسان بن سراج " هستند که معتقدند ، محمد حنفیه وفات نکرده و درکوه رضوی مدفون است ولی روزی رجعت کرده و جهان را پر از عدل و داد می کند .

2 . کرنبیه اصحاب " ابن کرنب " هستند که معتقدند محمد حنفیه زنده است و درکوه رضوی اقامت دارد . او ظهور می کند و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد ، آن چنان که پر از جور و ستم شده است . البته در بیشتر منابع آن ها را " کربیه " یا کریبیه " یادکرد ه اند .

3 . هاشمیه اصحاب ابوهاشم عبدالله هستند که پس از محمد حنفیه به امامت پسرش عبدالله معتقد شدند . هاشمیه نیز پس از فوت ابوهاشم به گروهک های مختلفی چون : مختاریه ، حارثیه ، روندیه ، بیانیَه و فیر آن ها منشعب شدند . (1)

اکثریت قاطع کیسانیها معتقدند که " محمد حنفیه " نمرده است ، بلکه درکوه رضوی مخفی شده ، پس از یک دوران استتار سرانجام ظهورکرده ، جهان را پر از عدل و داد می کند . آن ها معتقدند که " محمد حنفیه " همان مهدی موعود است و از مکه معظمه ظهور خواهد کرد . (2) آن ها می گویند : هر روز بامدادان و شامگاهان ، اشترانی به خدمت محمد حنفیه می آیند و ایشان از شیر وگوشت آن ها استفاده می کند . (3)

در مورد نامگذاری این فرقه به " کیسانیه " نظرهای مختلفی است :

1 . کیسان ، لقب مختار بنیانگذار این فرقه بوده است .

2 . کیسان ، نام رئیس شرطه پلیس مختار بود .

3 . کیسان ، نام یکی از غلامان امیر مؤمنان (ع) بود که مختار را به خونخواهی امام حسین (ع) تشویق نمود .

در میان اقوال ، قول دوم را معتبر دانسته اند . (4)

درباره کیسانیه و رد اعتقادات آن ها ، بزرگانی از قدمای علماء ، چون : شیخ صدوق درکمال الدین ، شیخ مفید در العیون والمحاسن ، سید مرتضی علم الهدی درالفصول المختاره ، شیخ طوسی درالغیبه و ده ها

تن از شخصیت های برجسته جهان تشیع ، در طول قرون به تفصیل سخن گفته اند . (5)

1 . کمال الد ین ج2 ص 420 .

2 . المقالات والفرق ص26 .

3 . فرق الشیعه ص29 .

4 . با دعای ندبه در پگاه جمعه علی اکبر مهدی پور ص93 .

5 . همان .

محمدیه

از غلات شیعه و منتظر رجعت محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن هستند .

این فرقه می گفتند که امام محمد باقر (ع) جانشینی خود را به ابو منصور واگذاشته و این مقام ، پس از ابو منصور به آل علی برمی گردد و انتظار رجعت محمد بن عبدالله بن حسن را به عنوان قائم می کشیدند و از فروع مغیریه بودند (1)

1 . خاندان نوبختی ، ص 263 معارف ومعاریف ، ج9 ص 215 .

مسلمیه

از مذاهبی است که به وسیله اصحاب ابی مسلم ، صاحب الدعوه معروف ، در خراسان پدید آمد .

مسلمیه ، ابو مسلم را امام می دانند و می گویند او زنده است .

آنان- مانندکیسانیه ، نسبت به محمد حنفیه- اعتقاد دارند که او روزی معلوم ، بیرون می آید . (1)

1 . معارف و معاریف ، ج9 ص377 .

ممطوره

نام فرقه ای است که معتقد بودند ، امام کاظم (ع) همان مهدی موعود است و اخبار مربوط به او از زمانِ رسول اکرم (ص) به بعد در همه جا شایع بوده است (1)

1 . آخرین امید داود الهامی ص59 .

نمیریه

این فرقه منسوب به محمد بن نصیر نمیری است .

محمد بن نصیر نمیری یکی از مدعیان دروغین نیابت در دوران نایب دوم بوده است .

نمیریه فرقه ای از قائلین به امامت امام هادی (ع) در زمان حیات او بودند وبعد منحرف شدند و قائل به نبوت محمد بن نصیر نمیری شدند و ادعا کردند که محمد بن نصیر را امام هادی (ع) مبعوث کرده است (1)

گاهی فرقه منسوب به او را نصیریه نیز می گویند . ابن نصیر با- حمایت بنو فرات وادرشده بود تا ادعای خود را در میان امامیه نشر دهد و چون دو نفر ایشان در این امر شرکت داشتند ، فرقه ایشان به نمیریه الفراتیه معروف شد . (2)

1 . فرق الشیعه ص 102 .

2 آخرین امید ، داود الهامی ص 125 .

واقفیه

فرقه ای بودند که رحلت امام حسن عسکری (ع) را نپذیرفته و اظهارکرده اند که آن امام زنده است .

اینان امام یازدهم را همان " مهدی " می دانستند (1)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ص 81 .

اخباریه

فرقه ای از علمای شیعه امامیه هستند که عمدتا اخبار اهل بیت (ع) را مأخذ عقاید واحکام دِین می دانند وبه دیگر مدارک ، در صورتی استناد می

کنند که به احادیث تأیید شده باشد .

در مقابل این فرقه ، اصولیون وپیروان مکتب اجتهاد می باشند که احکام را ازکتب و سنت و اجماع وعقل استنباط می کنند وبر این باورند که اخبار ، به تنهایی نمی تواند جامع احکام وجوابگوی همه نیازهای جامعه در عصر و زمان باشد .

پیش از امام دوازدهم (ع) 260ه . ق وظایف شرعی شیعه از سوی حضرات ائمه (ع) ، به صورت شفاهی یاکتبی ، مستقیماً یا توسط یاران و شاگردان ابلاغ می گردید و مشکلی در این زمینه وجود نداشت .

گذشت زمان وپدید آمدن مسائل جدید که در عهد ائمه (ع) ، محل ابتلاء نبوده ، واز سویی جعل احادیث کاذبه توسط غرض ورزان ، گروهی از فقهای شیعه را بر این داشت که ازکتاب وسنت ، به ضمیمه عقل واجماع ، قواعد کلیه ای تنظیم کنند واین مشکل را حل واین کمبود را تأمین کنند . از این رو ، این ها را مجتهد یا اهل اجتهاد خواندند وچون امتیاز آن به اصول-یعنی قواعد کلیه

فقهیه- بود به اصولی نیز موسوم گشتند .

مؤسس مکتب اخباریه ، میرزا محمد امین بن محمد شریف استرآبادی بود . کمال فضل وفتوای استرآبادی سبب شد که تألیفات او در بین فقهای شیعه مرغوب افتد و مشرب اخباریه مورد توجه آنان قرارگیرد .

در قرن یازدهم و دوازدهم هجری ، این طریقت در بلاد شیعه ، مخصوصاً عراق عرب و سواحل خلیج فارس وایران توسعه یافت وفاصله بین تشیع وتسنن عمیق ترگشت . علمای اخباری مشرب ، مجموعه های بزرگی از اخبار اهل بیت (ع) را ثبت وتدوین نمودند که اهم آن ها کتاب ا لوافی تصنیف ملا محسن فیض کاشانی وکتاب وسائل الشیعه الی احکام الشریعه از شیخ حرَ عاملی بود که مؤلف این دوکتاب ، اخباری بودند وکتاب مبسوط بحارالانوار تألیف علامه مجلسی که مشرب معتدل اخباری داشت .

مکتب اخباری ، بعد از میرزا محمد تقریباً منقرض شد وکربلا وکاظمین که مرکز آن جماعت بود ، به دست علمای اصولی افتاد . در عهد قاجاریه با پیشرفت ورواج علوم مثبته عقلی ، دوران قبول بی چون وچرای منقولات سپری شده بود ومراجع شیعه در عراق وایران ، ناگزیر بودند برای حفظ محور جامعه خود ، احادیث را با دلائل عقلی تطبیق یا تأویل وتوجیه کنند وگرنه طرح نمایند تا بتوانند اعتقاد مردم را از انحراف مصون دارند وبا استفاده از اجتهاد وحکم عقل ، و صدور احکام ثانویه ، تشیع را پویا و قابل انطباق با هر عصر وزمان سازند .

شاید مهم ترین علت خصومت مجتهدان با اخباریان که منجر به انقراض ایشان شد- آن بود که وساطت

مجتهد را بین امام غائب (ع) وشیعیان ، ووجوب تقلید عوام را از مجتهد ونیابت مرجع تقلید را از امام غائب (ع) انکار می کردند .

این یک واقعیت است که شیعیان همواره احساس می کنند به وجود رهبری روحانی نیاز دارند که با حضور عینی خود ، خلاء غیبت امام (ع) را جبران کند وبا استناد به عقل واستفاده از مدارک شرع ، بتواند سیستم قانونی وشرعی شیعه را قابل انعطاف وبا نیازهای های روز متناسب سازد . مکتب اخباری ، این نیاز اجتماعی را برنمی آورد ، از این رو محکوم به انقراض گشت . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 1 ، ص 617 .

اسماعیلیه

همان اسماعیلیان ، سبعیه ، هفت امامی ها ، باطنیان وفدائیان هستند .

فرقه ای از شیعه هستند که سلسله ائمه را به اسماعیل- فرزند بزرگتر امام جعفر صادق (ع) - ختم می کنند واسماعیل را امام هفتم می دانند .

اسماعیل ، پنج سال پیش از وفات پدر ، در مدینه سال 145ه درگذشت و در بقیع دفن شد . با این که گروهی شاهد مرگ او بودند ، طرفداران او ادعا کردند که وی تا پنج سال پس از فوت پدر زندگی کرد و او را در بازار بصره مشاهده کردند و آن جا ، مردی مفلوج را با مس دست شفا داد . آنان در اسلام حضرت رسول (ص) را ناطق ، حضرت علی (ع) را اساس ، امام حسن وامام حسین وامام زین العابدین وامام باقر وامام صادق

(ع) وپس از ایشان اسماعیل را ائمه هفتگانه دانسته اند .

محمد بن اسماعیل را قائم وخلفای فاطمی را جزو امامان دور قائم می دانند ومی گویند هر امام را دوازده حجت باشد وهر یک از حجت ها در منطقه مخصوص از روی زمین ، مأموریت دعوت وسرپرستی شیعه را به عهده دارند .

اسماعیلیه علم واعتقاد را غایت وجود بشر می دانند وبه بهشت ودوزخ جسمانی قائل نیستند وبهشت را ، نفس انسان کامل ودوزخ را نفس انسان جاهل ودور از خدا تأویل می کنند . (1)

1 . معارف و معاریف ج 2 ص 212 .

باقریه

گروهی از شیعیان اند که معتقد به رجعت امام محمد باقر (ع) بودند . آنان رشته امامت را از حضرت علی بن ابی طالب (ع) به نواده او امام باقر (ع) کشانیده و او را مهدی منتظر می دانستند .

از نظر آنان جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا به او فرموده است :

همانا تو او را خواهی دید و چون او را دیدی سلام مرا به وی برسان . باقریه می گویند : از آن جایی که جابر مأمور رسانیدن سلام از طرف جدش به وی بود ، پس آن حضرت مهدی منتظر است . (1)

1 . فرهنگ فرق اسلامی محمد جواد مشکور ص96 .

بشریه

فرقه ای از غلاه شیعه وشاخه ای از فرقه واقفیه - شیعیان هفت امامی- ومفوضه هستند مهم ترین عقیده بشیریه که عامل ظهور ، استقلال وتمایز آن ها از دیگر فرق اسلامی نیز هست ، عقیده آنها در باب امامت است .

آنان سلسله امامان را به امام موسی بن جعفر (ع) پایان یافته می دانند ومعتقدند : امام در زندان هارون الرشید زندانی نگردیده و در آنجا نمرده است ، بلکه زنده و غایب است ، وروزی باز می گردد . بشیریه ، آشکارا

زندانی شدن امام موسی بن جعفر (ع (و شهادت آن حضرت را در زندان هارون انکار می کنند این فرقه معتقدند که حضرت موسی بن جعفر) ع (قائم است ومهدی وسرانجام برای رهبری مردم وگستراندن عدل بر جهان باز می گردد ورجعت می کند

. (1)

1 . معارف ومعاریف ، ج 3 ، ص 190 .

جعفریه

فرقه ای بودند که به امامت جعفر بن علی الهادی (ع) اعتقاد داشته وبا ندیدن فرزندی از امام یازدهم ، جعفر را که از طرف امامیه ، ملقب به کذاب بود ، پذیرفتند .

اینان خود نظرات متفاوتی داشتند . (1)

این فرقه در چگونگی انتقال امامت از امام هادی (ع) به جعفر ، برادر امام حسن عسکری (ع) ، دچار اختلاف شدند وبه چهار فرقه منشعب گردیدند :

1 . عده ای گفتند امام عسکری (ع) به شهادت رسید وپسری به جای نگذاشت ، تا امامت را عهده دار شود بنابراین تنها برادرش جعفر امام خواهد بود . این فرقه همچون فطحیه صحت حدیثی که می گوید : امامت پس از امام حسن وامام حسین (ع) به دو برادر نمی رسد را پذیرفته بودند ، ولی کاربرد آن را هنگامی می دانستند که امام عسکری (ع) آشکارا از خود پسری به جای گذاشته باشد؛ چون امام عسکری (ع) بی آنکه آشکارا جانشینی معرفی کند از دنیا رفت ، پس برادرش جعفر امام منصوص می باشد .

2 . دومین فرقه وانمود می کردند که امام یازدهم (ع) خود جعفر را بر اساس اصل بداء به جانشینی معرفی کرده است . به این معنی که خداوند امامت را به امام عسکری (ع) سپرده بود؛ ولی پس ازآن این حقیقت را روشن کرد که امامت نباید به نسل امام عسکری

(ع) برسد . رهبر این گروه یکی ازکلامیون کوفی ، معروف به " علی بن طحی " یا " طلحی فزاز " بود؛ که مردم را به جانبداری از امامت جعفر تحریص می کرد .

3 . عده ای نیز معتقد شدند که امامت جعفر از جانب پدرش تعیین شده بود وامامت امام عسکری (ع) را فاقد اعتبار دانسته اند . این فرقه در زمان حیات امام عسکری (ع) وجود داشته اند وبعد از شهادت امام عسکری (ع) اقتدار بیشتری پیدا کردند . " علی بن احمد بشار رهبر این فرقه بود .

4 . گروه چهارم ، معروف به نفیسیه معتقد بودند امام دهم (ع) پسر بزرگش محمد را وصی

خود تعیین کرده است . چون محمد در زمان حیات پدر درگذشت ، با دستور پدر ، جعفر جانشین او شد وعلم سری ، سلاح های مورد نیاز جامعه ووصایت را به غلام جوان ومورد اعتماد خویش به نام نفیس ، سپرد وبه او سفارش کرد که آنان را پس از مرگ پدر به جعفر بدهد . جعفر خود مدعی شد که امامت از جانب برادرش به او رسیده است . (2)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) , علی غفارزاده, ص 81 .

2 . مجله انتظار, ش 10 , ص 179 .

زیدیه

پیروان زید ، فرزند امام سجاد (ع) هستند که وی را مهدی موعود می دانستند .

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که : مهدی (ع)

از فرزندان حسین (ع) است . او با شمشیر قیام می کند و مادرش ، بهترین کنیزان خواهد بود . (1)

هنگامی که زید فرزند امام سجاد (ع) بر ضد دستگاه پلید امویان قیام کرد ، پیروان او ادعا کردند که او همان مهدی موعود است ، چرا که اولاً ز نسل

حسین (ع) است ، ثانیا شهامت مندانه قیام کرده وثالثاً از سوی مادر ، فرزند اسیر است .

اما آنان از یاد بردند که پیامبر (ص) در انبوه روایات در نوید از مهدی (ع) فرمود : امامان پس از من دوازده نفرند ، نه نفر آنان از نسل فرزندم حسین خواهند بود ونهمین آنان قائم آل محمد (ع) است . (2)

وجناب " زید " نهمین امام از نسل پاک حسین (ع) نبود تا مهدی موعود باشد .

اما پیروان انقلابی زید ، به خاطر جلب توجه توده ها وتسخیر عواطف واحساسات مذهبی وبه انگیزه های نفسانی خویش ، به این ادعای دروغین دست یازیدند و سرانجام مذهب زیدیها به وجود آمد .

پیروان مذهب " زیدیه " بیشتر در یمن هستند ومتأسفانه از مذهب شیعه وراه ورسم اهل بیت (ع) جدا شده ودر فقه واصول وفروع ، از مذاهب دیگری پیروی می کنند . زیدی ها ، در برابر امامان معصوم (ع) مواضع ناپسندی دارند که شایسته است آنان به اصل ونسب واصالت خویش بازگردند ودر مذهب شان به راه ورسم ومذهب خاندان پاک تمسک جویند همان مذهبی که در آغاز

راه برآ ن بودند . (3)

1 . غیبه نعمانی ، ص 228 .

2 . بحارالانوار ج 36 ص292

3 . امام مهدی آغاز ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص569 .

سردابیه

فرقه ای از غلات دوازده امامی اند که منتظر خروج مهدی (ع) بودند و در ری می زیستند . آنان هر بامداد جمعه ، اسبی زین و لگام شده به سردابی برده سه بار می گفتند : یا امام بسم الله محل این سرداب را در حله و بغداد نیز ذکرکرده اند که خود برداشتی از سرداب سامرا است .

مخالفان امامیه ، عقیده غلات مذکور را به همه دوازده امامیان تعمیم داده اند اما درکتاب های امامیه از این موضوع اثری نیست .

عسکریه

فرقه عسکریه معتقد به مهدویت امام حسن عسکری (ع) شدند .

به این معنی که او قائم مهدی است ونمرده و اکنون در حالت غیبت به سر می برد وبعداً ظاهر خواهد شد تا جهان را از عدل وداد پرکند .

البته از این گروه های مدعی ، جز درکتاب های پیشینیان اثری نیست . أبو غانم می گوید : از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که فرمودند : در سال 260ه . شیعیان من دچار جدایی وافتراق خواهند شد . موسی بن جعفر بن رهب بغدادی می گوید : شنیدم امام عسکری (ع) می فرمود : گویا می بینم که پس از من دوباره جانشینم دچار اختلاف شده اید . بدانید که برای فرزندم غیبتی است که در آن مردم دچار تردید می شوند مگر آن کسی که خدا او را حفظ نماید .

این فرقه درکیفیت قائم بودن امام عسکری (ع) به سه گروه منشعب شدند :

1 . این ها پنداشته بودند که امام عسکری (ع

) از دنیا نرفته ، بلکه غایب شده است ، با تمسک به روایت زیر ادعای خود را به ظاهر اثبات می کردند : هیچ امامی تا آشکارا پسر خود را به جانشینی معرفی نکند ، از دنیا نمی رود زیرا زمین نمی تواند بدون حجت باشد .

این ها مدعی بودند که امام نمرده ، بلکه غایب شده است . این نخستین غیبت اوست وپس از آن دوباره قیام خواهد کرد وغیبت دوم بعد از آن آغاز می شود .

این گروه به نوعی در مورد امام عسکری (ع) متوقف شدند

2 . این گروه معتقد بودند که حضرت عسکری (ع) رحلت کرده ، ولی دوباره به زندگی باز می گردد و او مهدی قائم است . این ها بر اساس روایتی از امام صادق (ع) که فرمود : مهدی قائم بدین خاطر قائم نامیده می شود که پس از رحلتش قیام خواهد کرد ، گفتند : پس تردیدی نیست که او قائم است وپس از مرگ دوباره زنده می شود .

اینان نظریات خود را با اندرز امام علی (ع) به کمیل تأیید می کنند که حضرت فرمودند : خداوندا حتما تو زمین را بدون قائم یا حجتی آشکار یا پنهان ، که از سوی تو می آید ، رها نخواهی ساخت زیرا حجت ها وعلاماتت هرگز بی اعتنا نمی شود .

از این رو بر این مبنا نتیجه گیری می کردند که امام عسکری (ع) غایب وپنهان است ، ولی وی قیام خواهد کرد

3 . انشعاب سوم واقفه ، لا ادریه بودند

. آن ها فکر می کردند حضرت رحلت کرده ، ولی مطمئن نبودند جانشین امام چه کسی است پسرش یا برادرش . بنابراین ، در عسکری (ع) متوقف شدند تا موضوع برای این ها روشن شود .

به نظر می رسد که هواداران امام عسکری (ع) در اماکنی دور از شهر سامرا زندگی می کردند ، که چنین ادعایی داشتند ولحظه رحلت حضرت حضور نداشتند .

در مجموع این فرقه وانشعابات آن منقرض شده اند و اکنون وجودخارجی ندارند .

1 . مجله انتظار ش 10 ص 180 .

مهدی های جعلی

محمدحنفیه

نخستین کسی است که در اسلام ، مهدی موعود نامیده شد .

محمد حنفیه فرزند برومند امیر مؤمنان علی (ع) و مورد توجه خاص آن حضرت بود . شهرتش به حنفیه از این جهت است که مادرش خوله از قبیله بنی حنیفه بود . امیر مؤمنان (ع) او را آزادکرد ، سپس به حباله نکاح (1)

حود در آورد . حصرت علی (ع) به این فرزند ارزشمند علاقه ای وافر داشت و درباره او سخنان تحسین آمیزی فرموده از جمله تعبیر مشهور آن حضرت است که فرمود ، محمدها اجازه نمی دهند که به خدا نافرمانی شود . راوی پرسید : محمدها کیانند؟ فرمود : محمد بن جعفر ، محمد بن ابی بکر ، محمد بن ابی حذیفه و محمد بن امیر المؤمنین . (2)

در جنگ جمل محمد حنفیه موقعیت بسیار ممتازی داشت . پرچم پیروزی در دست او بود ، با شجاعت و صلابت کم نظیری ، دشمن را

به عقب راند ، صف ها را شکست و امتحان نیکویی داد . در همین جنگ بود که از محمد حنفیه پرسیدند : چگونه است که در شرایط سخت و هولناک ، پدرت ترا درکام خطر می اندازد و هرگز برادرانت حسن و حسین را در این مواقع به میدان نمی فرستد محمد حنفیه با تعبیر بسیار ظریفی بیان داشت : حسن و حسین ، دیدگان پر فروغ پدر هستند و من بازوی پرزور او می باشم . پدرم با دست خود از دیدگانش محافظت می کند . (3) روی این بیان ، تردید نمی ماند در این که محمد حنفیه دقیقاً بر تمام برادرانش واقف بود وکسی نبود که به ناحق ، دعوی امامت کند .

پس از شهادت امام حسین (ع) گروهی به امامت اوگرویدند و بیش از همه " مختار " بر محوریت او تکیه می کرد و از مردم به نام او بیعت می گرفت . ولی محمد حنفیه از کار او راضی نبود و هرگز بر این کار صحه نگذاشت . هنگامی که " ابو خالد کابلی " از جناب محمد حنفیه پرسید : آیا امام واجب الطاعه شما هستید به صراحت تمام فرمود : امام بر من ، بر تو و بر همه مسلمانان علی بن الحسین است . (4)

آن گاه برای این که امر امامت بر همگان روشن شود ، با حضرت علی بن الحسین به گفت وگو نشست . حجرالاسود را حکم قرار دادند ، حجرالاسود به امامت حضرت سجاد (ع) شهادت داد ، او نیز تسلیم شد

(5) .

متانت درگفتار ، اعتدال در رفتار و سلوک درکردار ، به ضمیمه دانش سرشار ، عقل پربار و دیگر محاسن اخلاقی ، موجب شد که دل ها از محبت او پر شود و همگان حسن اعتقاد به او داشته باشند و همین موجب شد که مختار خود را به او منتسب کند ، تا بتواند دلها را به سنوی خود جلب کند . ولی هنگامی که او از دسیسه مختار آگاه شد ، از وی تبری جست .

جناب محمد حنفیه در محرم سال81 ق در65 سالگی و در مدینه طیبه دیده از جهان فرو بست و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد . در مورد درگذشت او چند قول است : مدینه ، طائف ، ایله بین مکه و مدینه وقولی هم می گوید : درگذشت او در رضوی و دفن در بقیع است .

فرقه کیسانیه ، به امامت او معتقد بودند و او را پس از امیرمؤمنان ، امام حسن و امام حسین (ع) ، چهارمین امام می پنداشتند . اکثریت قاطع کیسانیه معتقدند که او نمرده است؟ بلکه درکوه رضوی مخفی شده و پس از یک دوران استتار ، سرانجام ظهورکرده و جهان را پر از عدل و داد می کند . آن ها معتقدند که محمد حنفیه همان مهدی موعود است و از مکه ظهور خواهدکرد (6)

1 . غیبه طوس ص 398 فرق الشیعه ص 103 .

2 . فرق الشیعه ، ص 102 .

3 . وفیات الاعیان ابن خلکان ، ج4 ص 72 1 .

4 . مناقب

آل ابی طالب ، ابن شهرآشوب ، ج 4 ص 1 2 1 .

5 . کافی ، ج 1 ص 384 غیبه طوسی ، ص 18 .

6 . با دعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ص83

مهدی بن محمد

" عبید الله ، مهدی بن محمد " از مدعیان مهدویت بود .

وی از نوادگان امام صادق (ع) و بنیان گذار سلسله فاطمی در مصر و مغرب عربی بود . (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص 578 .

مهدی عباسی

از مدعیان مهدویت است .

پدرش منصور دوانیقی ، ادعا کرد که وی همان مهدی موعود است ، با این که این عنصر فریب کار پیش از این ادعا ، به " محمد بن عبدالله محض " به عنوان مهدی نجات بخش ، دست بیعت فشرده بود و او را مهدی نجات بخش می دانست (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص571 .

ابو اسحاق ابوعبیده ثقفی

یکی از مدَعیان مهدویت بود که به نام خونخواهی حسین (ع) به کمک ابراهیم بن اشتر قیام نمود و محمد حنفیه را که چهارمین فرزند حضرت علی (ع) بود در قبه زمزم ، که محبس ابن زبیر بوده ، نجات داده وپس از او مدعی مهدویت شد ومحمد حنفیه را امام می دانست .

چندین مسلک پس از فوت محمد حنفیه پدیدارگشت تا اینکه در سال 67 به دست مصعب بن زبیر کشته شد .

شهرستانی در ملل ونحل نوشته که اوکیسانی مذهب بوده ، پس از آن زبیری وسپس شیعه گردید (1)

1 . محمد بهشتی ، 54 .

عباس فاطمی

در سده هفتم هجری در مغرب عربی پدیدار شد و به دروغ ، ادعای مهدویت کرد (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص 578 .

مدعیان مهدویت

از جمله مسائلی که ثابت می کند موضوع مهدویت و ظهور یک مصلح غیبی از مسائل مسلمی بوده که مسلمانان بدان اعتراف داشته اند ، ادعای عده ای است که در طول تاریخ خود را به عنوان مهدی موعود معرَفی کرده اند .

اسامی برخی مدعَیان مهدویت در طول تاریخ از این قرار است : ابو اسحاق ابو عبیده ثقفی ، کیخسرو ، ابوالحسن زید بن علی ، ابوالعباس سفاح ، ابو مسلم امین آل محمد ، معروف به ابو مسلم خرŮƏǗƙɠ، ابن مقفع ، ابو محمد عبدالله مهدی ، حاکم بامر الله ، ابو عبدالله مغربی ، مهدی سودانی ، عباس الرَیفی ، اَلرجل الجَبَلی ، توزری ، الرجل الطرابلسی ، السیَد محمد الجونپوری الهندی ، سید محمد مشهدی ، موسی کردی ، ابوالکرم دارانی ، شیخ علایی ، عبدالله عجفی ، بنگالی ، محمد بن احمد سودانی ، شیخ سعید یمانی ، السید محمد بن علی بن احمد الادریسی ، الشیخ شمس الدین محمد الفریانی بن احمد المغربی ، الشیخ المغربی ، الرجل المصری ، محمد بن عبدالله ، محمد قرمانی ، غلام احمد قادیانی ، میرزا طاهر مشهور به حکاک ، شیخ مهدی قزوینی ، سید محمدگجراتی هندی ، سید محمد همدانی ، سید ولی الله اصفهانی ، میرزا حسن همدانی ، غلامرضا شاه معروف به مرکب ساز ، سید علی شاه هندی ،

هاشم شاه نوربخش ، شیخ عبدالقدیر بخارایی ، میرزا بلخی ، ملا عرشی کاشانی ، سید علی موسوی ، میرزا مشتاق علی شیرازی ، بایزید ترکمانی ، سید علی محمد باب ، میرزا یحیی ازل ، حسین علی عبد البهاء و یوسف خواجه کاشغری . (1)

کسانی که در تاریخ به مدعیان مهدویت شهرت یافته اند به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم اند :

1 . کسانی که دیگران روی انگیزه های خاصی ، آنان را مهدی موعود خواندند . مانند : محمد حنفیه ، زید ، محمد بن عبداله محض

2 . کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی ، چنین ادعای دروغین نمودند مانند : مهدی عباسی

3 . کسانی لَه طبق نقشه استعمار و به اشاره بیداد گران ، به چنین دجال گری و فریب ، دست یازیدند و خود را مهدی موعود معرفی کردند مانند : علی محمد باب (2)

مدعیان نیابت

در عصر غیبت صغری افرادی پیدا شدند که به دروغ ، مدعی سفارت و نیابت خاص امام بودند و در اموال متعلق به امام تصرفات بی مورد نموده و در مسائل فقهی و اعتقادی ، سخنان گمراه کننده بر زبان می راندند . از این رو نواب خاص با رهنمود امام به مقابله با آنان بر می خواستند وگاه در طرد و لعن آنان از ناحیه حضرت ، توقیع صادر می شد . شروع تفکر ادعای

دروغین نیابت ، به دوران نایب دوم- محمد بن عثمان- برمی گردد . کسانی که در این دوران به دروغ ادعای نیابت امام را داشتند ، عبارتند از :

ابو محمد حسن شَریعی ، محمد بن نصَیر نمَیری ، احمد بن هلال عبرتایی ، ابو طاهر محمد بن علی بن بلال ، ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان معروف به ابوبکر بغدادی ، اسحاق احمر ، باقطانی ، حسین بن منصور حلاج . البته شلمغانی در زمان نایب سوم و ابودلف کاتب ، پس از وفات نایب چهارم نیز ادعای نیابت نموده اند . (3) از دیگرکسانی که ادعای نیابت خاصه کرده اند : محمد بن سعد ، شاعرکوفی متوفی مال 540 ، احمد بن حسین رازی متوفی سال 670 ، حسین بن علی اصفهانی متوفی سال 853 , علی بن محمد سجستانی متوفی سال 860 ، سید محمد هندی متوفی سال 987 ، شیخ محمد مشهدی متوفی سال 1090 ، سید علی مشهدی ، شیخ محمد فاسی مغربی متوفی سال 1095و میرزا محمد هروی . (4)

با تعمق در روایات و حوادث دوران ، علت انحراف مدعیان نیابت را می توان چنین برشمرد :

1 . حرص و آز در تامین منافع نامشروع شخصی ، 2 . طمع به اموال و امکاناتی که انبوه دوستداران امام عصر به آن ها داده بودند تا به وسیله آنان به آن حضرت برسد ، 3 . جاه طلبی و دوستی ریاست و عشق به شهرت و قدرت ، تا از ورای آن ها به جامعه ، فرماندهی و ریاست کنند . 4 . و بالاخره پیروی از هوای نفس که انسان را از حق و فضیلت باز می دارد . سرانجام کارشان به جایی رسید که نفرین و لعنت حضرت مهدی شامل

آنان گردید و نگون بخت شدند .

1 . ادیان ومهدویت ، محمد بهشتی ، ص 54

2 . امام مهدی ازولادت تا ظهور ، سید محمدکاظم قزرینی ص 6 53 .

3 . زندگانی نواب خاص امام زمان عج ، غفار زاده ص 179 .

4 . اد یان و مهدویت , محمد بهشتی ، ص 64 .

مهدی سودانی

محمد احمد مهدی سودانی به دروغ خود را مهدی موعود معرفی کرد .

او پیش از این ادعا ، مرتب به مردم ستمدیده سودان ، بشارتِ آمدنِ حضرت مهدی (ع) را برای نجات آنان از فشار فقر و بیداد و مالیات سنگین دولت وقت می داد . بدین گونه نام حضرت را در نقاط حساس سر زبان ها افکند و پس از آن هنگامی که از او پرسیدند : امام مهدی (ع) کی خواهد آمد ، نکند خودت باشی؟ پاسخ داد : آری من همان مهدی نجات بخش هستم .

آن گاه اندیشه های پوچ خویش را در میان مردم پراکند و خبر او به خرطوم و اطراف آن رسید و قبیله های صحرا گرد به امامت او ایمان آوردند . وی با انگلیسی ها پیکارکرد و پیروز شد و پس از پیروزی ، بر اثر تب شدید در سال 1308 هجری مرد . (1)

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص 579 .

ابن حوشب

ابوالقاسم رستم بن حسین بن فرج بن حوشب بن زاذان نجارکوفی ملقب به منصور الیمن از داعیان اسماعیلی سده سوم هجری بود .

وی از مدعیان مهدویت بود و لقب منصور به داعیه او دلالت دارد چون در سرزمین یمن ، مهدی را منصور می خوانند .

وی اصلا ایرانی و از اهالی کوفه و نخست ، شیعه دوازده امامی بود ولی پس از رحلت امام عسکری (ع) به اسماعیلیه گروید .

وی در 270 ق از قادسیه به یمن آمد و

مانند عباسیان ، بی ذکر نامی خاص به الرضا من آل محمد دعوت کرد . نخست دژ استواری درکوه لاعه برآورد وپس از آن که سپاهی بر خود فراز آورد وکارش بالاگرفت ، دست به تسخیر شهرهای عمده یمن از جمله صنعا زد و داعیانی ازسوی خود به سراسر نواحی یمن وبحرین ویمامه سند وهند ومصر ومغرب فرستاد .

ابو عبدالله شیعی ، داعی فاطمیان در شمال افریقا ، پیش از عزیمت به این سرزمین ، چند گاهی در یمن ، پیش " ابن حوشب " به سر برد ودر مجالس او حاضر شد ، دقایق ورموز دعوت را از او بیاموخت .

در 302 یا 303 امام زیدی یمن ، دمت ابن حوشب وعمالش را از یمن کوتاه کردند (1)

1 . معارف معاریف ج 1 ص 254 .

سنوسی

محمد بن علی بن محمد سنوسی از مدعیان مهدویت است .

وی در الجزایر وحدود سال های 1211 هجری به دنیا آمد .

مذهبی دروغین تأسیس کرد ودر لیبی سکونت گزید وپسرش نیز پس از او جانشین پدر شد (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص 579 .

دعای حضرت برای شیعیان

با استناد به فرموده حضرت که لا ناسین لذکرکم ، ایشان هیچگاه از یاد شیعیان و دعا برای آنان غافل نیست . از ابن طاووس نقل شده که سحر در سرداب مقدس ، از حضرت مهدی (ع) شنید که حضرتش درباره شیعیان چنین دعا می فرمود : " اللهم إن شیعتنا من شعاع انوارنا و بقیه طینتنا و قد ذنوبا کثیره اتکالا علی حبنا وولایتنا فان کانت ذنوبهم بیتک و بینهم فاصفح عنهم فقد رضینا وماکان منها فیما بینهم ، فاصلح بینهم وقاص بها عن خمسنا وادخلهم الجنه وزحزحهم عن النار ولا بینهم ولا تجعل بینهم وبین اعدائنا فی سخطک (1)

دعای حضرت مهدی (ع)

در مفاتیح الجنان آمده است : کفعمی در مصباح فرموده این دعاء حضرت مهدی (ع) است :

اللهم ارزقنا توقیع الطاعه و بعد المعصیه و صدق النیه . . . . . 0 . ، در مهج ذکر شده که این دعاء حضرت حجت است : " اِلهی بِحق من ناجاک و بِحق من دعاک فی البر والبحر . . . . . 0 (2) .

دعای سمات-سمات

ا . بحارا لانوار ج 53 ص 302 به نقل از

نجم الثاقب ، باب هفتم ، حکایت نوزدهم .

02 مفاتیح باب اول فصل هفتم .

اثبات وجود امام مهدی

چگونه می شود اثبات کرد که مهدی واقعاً در تاریخ وجود داشته است شاید شرایط خاص روحی- روانی این باور را در ذهن مردم جا انداخته باشد این اصل که مهدی رهبر موعود و منجی عالم بشریت است به صورت عام در احادیث نبوی ، و به صورت خاص در روایات ائمه اهل بیت (ع) آمده است .

در این روایات مسأله به گونه ای مورد تاکید قرارگرفته که جای هیچ گونه شکی باقی نمی گذارد وچهارصد حدیث فقط از طریق اهل سنت شمارش شده که به ضمیمه روایات شیعه به بیش از شش هزار روایت می رسد و چنین آماری بسیار بالاست .

در مورد خیلی از مسائل بدیهی اسلام که مسلمانان به آن معتقدند ، این همه روایت وارد نشده است .

اما تجسم این اندیشه در وجود امام دوازدهم (ع) هم دلایل کافی دارد که کاملاً اقناع کننده است . این دلایل را می توان در دو دلیل نقلی و علمی ، خلاصه کرد : دلیل نقلی ، وجود امام موعود را اثبات می کند ودلیل علمی ، ثابت می کند که مهدی (ع) یک اسطوره ویک فرضیه نیست ، بلکه حقیقتی است که وجود او در تاریخ لمس شده است .

اما دلیل نقلی صدها روایت و حدیث از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) رسیده است که می گوید مهدی موعود دارای این خصوصیات است : از اهل بیت است ،

از فرزندان فاطمه است ، از نسل حسین ونهمین فرزند آن حضرت است . وروایاتی که می گوید جانشینان پیامبر (ص) دوازده نفر می باشند .

این روایات ، مهدی موعود را در شخص امام دوازدهم ، منحصر و معین می کند وبا اینکه ائمه (ع) برای حفظ آن حضرت از ترور وقتل سعی داشتند مسأله در سطح عمومی مطرح نشود ، در عین حال روایات زیادی در این زمینه وارد شده است . البته زیادی روایت به تنهایی نمی تواند مقبولیت آن را برساند ، بلکه در این جا قرینه وگواه خاصی وجود دارد که دلیل بر صحت این روایات است . در حدیث شریف نبوی ، سخن از امامان ، جانشینان ، امیران و سخن از دوازده تن آمده است . متن احادیث مختلف است در بعضی دوازده امام و در بعضی دوازده خلیفه ودر بعضی دیگر دوازده امیر ، ذکر شده است . بعضی از مؤلفان ، این احادیث را بیش از دویست وهفتاد شمارش کرده اندکه همگی ازکتابهای معتبر شیعه وسنی از قبیل صحیح بخاری ، صحیح مسلم ، سنن ترمذی ، سنن ابوداود ، مسند احمد و مستدرک حاکم نقل شده است .

اما دلیل علمی : دلیل علمی تجربه است ، تجربه ای که مدت زمان هفتاد سال گروهی از مردم با آن زندگی کردند یعنی " غیبت صغری " . غیبت صغری برگزارشد تا مردم به تدریج با غیبت خو بگیرند و خود را بر اساس آن بسازند . امام از دیده ها پنهان بود ولی از طریق وکیلان ویاران مورد وثوق) نواب

اربعه (با مردم ارتباط داشت . در این مدت ، چهار تن از پاکترین و باتقواترین مؤمنان ، نیابت وجانشینی آن حضرت را بر عهده داشتند ودر مدت هفتاد سال واسطه میان او ومردم بوده اند وهیچ کسی در هیچ زمینه ای خطایی از آنان ندیده و نشنیده است .

آیا تصور می کنید امکان داشته باشد یک دروغ ، هفتاد سال دوام بیاورد وچهار نفر با هماهنگی کامل ویکصدا ، یک نقش را بازی کنندآنان با رفتار صمیمانه خود چنان در مردم ایجاد اطمینان کرده بودندکه همه به گفتار وکردار آنان ایمان داشتند . آیا می شود این چهار تن به گونه ای نقش بازی کنندکه هیچ کس به حقیقت پی نبرد در حالی که این افراد هیچ رابطه خاصی با هم نداشته اند تا بگوییم در این قضیه تبانی کرده بودند . از قدیم گفته اند : طناب دروغ ، کوتاه است . امکان ندارد یک دروغ بتواند بدین شکل دوام بیاورد ودر تمام این مدت وبا همه بده و بستان ها وروابط مختلف موضوع کشف نگردد وهمه به درستی آن ایمان داشته باشند . بدینسان در می یابیم که پدیده غیبت صغری می تواند به عنوان یک آزموده علمی ، دلیل بر واقعیت خارجی یک موضوع باشد و آن وجود ، زندگی و سپس غیبت حضرت مهدی (ع) است . آن حضرت پس از غیبت صغری ، خود اعلان کرده است که در پرده غیبت کبری خواهد رفت واز نظرها پنهان خواهدگشت وهیچ کسی او را نخواهد دید . (1)

ا . نشریه موعود شماره 14 ص

80 (مقاله شهید سید محمد باقر صدر) .

اقامتگاه حضرت

ناشناخته بودن حضرت

بخشی از روایات تصریح دارندکه حضرت در میان مردم است و آنان را می بیند و می شناسد ، ولی مردم آن حضرت را نمی شناسند و به طور مطلق نفی رؤیت می کنند . امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل می کند : " اگر زمین ، یک ساعت از حجت خالی باشد ، ساکنان خود را فرو خواهد برد . حجت ، مردم را می شناسد ، لیکن مردم او را نمی شناسد ، همان گونه که یوسف ، مردم را می شناخت و آنان او را نمی شناختند (1)

امام صادق (ع) نیز درباره آن حضرت می فرماید : " چگونه این امت انکار می کندکه خداوند با حجت خود ، آن گونه عمل می کند که با یوسف انجام داد و صاحب شما مظلومی است که از حقش بازداشته شده . صاحب حکومت ، در میان مردم رفت و آمد می کند ، در بازارهای آنان گام می نهد و در منزل های آنان قدم می گذارد ، ولی او را نمی شناسند ، تا زمانی که خداوند به او اجازه دهدکه خود را به آنان بشناساند؟ آن گونه که به یوسف اجازه دادکه در پاسخ برادرش که پرسید : آیا تو یوسفی بگوید : بله من یوسفم (2)

از این روایات استفاده می شودکه امام زمان (ع) همراه با مردم و درکوچه و بازار است ، مانند یوسف که برادرانشان او را نمی شناختند ،

ولی او آنان را می شناخت سخن مردم را می شنود و بر آنان سلام می کند . در مراکز آنان حاضر می گردد از این روی ، در بحث امام زمان (ع) سخن از روح مجرد و حضور غیر فیریکی نیست حضرت مانند دیگران در مجامع حضور می یابد ، ولی افراد او را نمی شناسند . (3)

1 . غیبه نعمانی ، ص 14 .

2 غیبه نعمانی ، ص 164

3 چشم به راه مهدی ص 63

بیت الحمد

بر طبق فرمایش امام صادق (ع) ، برای صاحب الزمان ، خانه ای است که به آن " بیت الحمد " گفته می شود . در آن خانه چراغی است که از روز ولادت آن حضرت روشن است 0 این چراغ خاموش نمی شود تا روزی که با شمشیر قیام کند . (1)

احتمال می رود منظور یک معنای کنایی باشدکه با ولادت آخرین حجت الهی ، به چراغ هدایت بشر با فروغی هر چه بیشتر به پرتو افشانی پرداخته و زمین را از نور وجود خود اکنده ساخته است .

این واژه در منابع اهل سنت نیز آمده است ، اما به معنای خانه ای است که در بهشت ساخته می شود 0 (2)

ا . غیبه نعمانی ص 26 01

02 مسنداحمد ، ج 54 ص 5 1 4 .

جزیره خضراء

داستان جزیره خضرا حکایت از آ ن می کندکه : زین الدین علی بن فاضل مازندرانی ، در سال 690 هجری به اقیانوس اطلس سفرکرده واز سرزمین بربر ، سه روز با کشتی در دل اقیانوس رفته ، تا به جزایر روافض جزیره های شیعیان رسیده است . در آن جا اطلاع یافته که جزیره ای به نام " جزیره خضراء وجود دارد که فرزندان حضرت ولی عصر (ع) در آن زندگی می کنند . چهل روز در آن جا اقامت کرده وسرانجام پس از

چهل روز ، هفت کشتی مواد غذایی از جزیره خضراء به این جزیره آمده است . ناخدای کشتی اورا با نام ونام پدر صداکرده وگفته مشخصات تو را به

من گفته اند واجازه دادندکه تو را به جزیره خضراء ببرم . او را به جزیره خضرا برد ه ا ند . پس از 16 روز دریانوردی ، سرانجام به آب های سفید رسیده اند 0 ناخدا توضیح داده که این آب ها ، چون جزیره را احاطه کرده است ، کشتی دشمنان هرگز نمی تواند از آن بگذرد وبه برکت حضرت ولی عصر (ع) در آن آب ما فرق می شود . آن ها به جزیره خضراء رسیده ، جمعیت انبوهی را با بهترین لباس ووضع مشاهده کرده ، شهری بسیار آباد با درختان سرسبز وانواع میوه ها وبازارهای بسیار و ساختمان های مجلل از سنگهای شفاف وخام دیده است 0 شخصی به نام سید شمس الدین " که او را نوه پنجم حضرت ولی عصر (ع) معرفی می کنند ، متصدی تعلیم ، تربیت واداره آن جاست واو نائب خاص حضرت در آن جریره است ومستقیما ا ز امام فرمان می گیرد 0 وی حضرت را نمی بیند ، بلکه صبح هر جمعه ، نامه ای به خط امام (ع) در نقطه معینی گذاشته می شود ودر آن ، اوامر آن حضرت و آن چه مورد نیاز " سید شمس الدین (ع) تا هفته آینده خواهد بود ، مندرج می باشد . علی بن فاضل ، هیجده روز در آن جزیره اقامت نموده واز محضر جناب سید شمس الدین " خوشه ها چیده ، وپس از هیجده روز ، به او دستور رسیده که به وطن خود بازگردد . " علی بن فاضل ، آن

چه را که از محضر جناب سید شمس الدین " استفاده کرده ، درکتابی به نام " الفوائد الشمسیه " گرد آورده و مشروح تشرف خود را به چند نفر از علمای بزرگ عصر خود بازگوکرده است .

فضل بن یحیی طیبی " نویسنده قرن هفتم ، در سال 99 6هجری ، مشروح داستان را از زبان شخص " علی بن فاضل " درحله شنیده و آن را درکتابی به نام الجزیره الخضراء " گردآورده است . این داستان به طورکامل درکتاب بحارالانوارج 52 ، صفحات 159 تا 174 آمده است . علاوه بر علی بن فاضل ، ابن انباری " نیز داستان جزیره خضراء را نقل کرده است که درکتاب بحارالانوارج 53 ، صفحات 213 تا 221 آمده است . در دو داستان علی بن فاضل مازندرانی و ابن انباری نقاط مشترک بسیاری به چشم می خورد .

واما داستان جزیره خضراء از هفتصد سال پیش به این طرف ، در برخی ازکتاب ها راه یافته است و از همان زمان تاکنون ، دو دیدگاه درباره آن مطرح بوده است : یکی ، دیدگاه افرادی که این داستان را پذیرفته اند و دیگری ، دیدگاهی است که این داستان را ساختگی و افسانه می دانند . به تازگی دو ادعای جدید نیز بر آن ها اضافه شده است 0 آن دو ادعا این است که : 1 . بر اساس بعضی نشانه ها ، احتمالا جزیره خضراء ، همان منطقه مثلث برمودا است . 2 . بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جریره خضراء امام زمان (ع) و فرزندانش است . این

دو ادعا را ناجی نجار " در کتاب خود آورده است تقریباً همه عالمان شیعی ، روایت جریره خضراء را ساختگی می دانند و این ساختگی بودن را در دو جهت می توان دید : یکی زنجیره حدیث و راویان ، دیگری محتوای آن . وقتی اصلِ جزیره خضراء ، یک افسانه وداستان ساختگی شد ، دو ادعای دیگر) جریره خضراء همان مثلث برمودا است وبشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جریره خضرا است (همه باطل وخیالی می شود .

ادله کسانی که جزیره خضراء را پذیرفته اند این است که علمای بسیاری از قبیل شهید اول ، محقق کرکی ، علامه مجلسی ، مقدس اردبیلی ، شیخ حر عاملی ، وحید بهبهانی ، بحرالعلوم ، قاضی نورالله شوشتری ، میرزا عبدالله اصفهانی ، میرزای نوری و این داستان را درکتاب خود آورده ، یا به آن استناد کرد ه اند .

و اما ادله کسانی که این داستان را افسانه می دانند ، این است که :

داستان از جهت سند ومتن صحیح نیست ، تناقضاتی در داستان است که راه حلی برای آن ها نیست ، در آن سخن از تحریف قرآن آمده است . روایاتی که داد بر وجود فرزند برای حضرت است قابل اعتماد نیست وبسیاری مطالب دیگرکه در جای خود به طورکامل بحث شده است .

آیت الله ابراهیم امینی درکتاب دادگسترجهان می نویسد : داستان جزیره خضراء شبیه افسانه ورمان است زیرا : اولا سند معتبر وقابل اعتمادی ندارد داستان از یک کتاب خطی ناشناخته ، نقل شده ومرحوم مجلسی هم درباره اش می نویسد : چون

من داستان را درکتاب های معتبر نیافتم ، باب جداگانه ای را به آن اختصاص دادم

ثانیاً در متن داستان تناقضاتی دیده می شود ثالثا در آن به تحریف قرآن تصریح شده که قابل قبول نیست و مورد انکار شدید علمای اسلام است . رابعاً موضوع اباحه خمس در این داستان مطرح شده ومورد تأیید قرارگرفته که آن هم از نظر فقها مردود است . علاوه بر آیت الله امینی ، آیا ت عظام ، علامه شیخ محمدتقی شوشتری ، علامه حسن زاده آملی ، محمدباقر بهبودی ، شیخ آغابزرگ تهرانی ، شیخ جعفرکاشف الغطاء و . . . نیز داستان جریره خضراء را خیالی می دانند (1) مطالبی را نیزکه ناجی نجّار " در خصوص مثلث برمودا و نیز بشقاب پرنده هاگفته اند مستند به نوشته های دقیق علمی وتحقیقی نیست ، بلکه بیش تر آن ها بر اساس خبرهایی است که رادیو لندن و یا روزنامه و مجله ها- خصوصاً روزنامه جمهوریت عراق گزارش کرده اند . (2) علاقمندان برای مطالعه داستان جریره خضراء ، و دیدگاه های موافقان و مخالفان ، می توانند

به کتاب " جزیره خضراء ، افسانه یا واقعیت " نوشته ابوالفضل طریقه دار ، مراجعه کنند .

ا . جزیره الخضراء افسانه یا واقعیت ا بوالفضل طریقه دار ص 211 .

2 . همان ، ص 013

مثلث برمودا

ناجی نجار " درکتاب خود می نویسد : مثلث برمودا در غربی ترین نقطه اقیانوس اطلس ، در دهانه دریای کارائیب و در مسیر جریان آبی " گلف استریم " قرارگرفته است 0 این منطقه را می

توانیم به صورت مثلثی فرض کنیم که رأس مثلث در جزایر برمودا و قاعده آن در جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا قرار بگیرد . سرگردانی دانشمندان در مورد رویدادهای مثلث برمودا ، تنها به حوادث اسرارآمیزی که کشتی ها و هواپیماها را درکام خود فرو می برد ، منحصر نیست . بلکه حوادث دیگری نیز در این منطقه روی می دهد که شگفتی آن کمتر از حوادث کشتی ها و هواپیماها نمی باشد ، که تاکنون بیش از هزار نفر از خلبانان و ملوانان و دیگر مسافران دریایی و هوایی ، به هنگام عبور از این منطقه اسرارآمیز جان خود را از دست داده اند 0 از حوادث شگفت انگیز مثلث برمودا ، این است که مسافران به هنگام نزدیک شدن به این منطقه ، یک مرتبه متوجه می شوند که ساعت های آن ها دچار اختلال شده ، و عقربه ها موازنه خود را از دست داده اند . خلبان ها و ملوان ها نیز متوجه می شوندکه همه بی سیم ها و دیگر وسایل ارتباطی ازکار افتاد اند .

دانشمندان تصریح کرده اندکه آن چه در این منطقه از اقیانوس اطلس می گذرد ، در هاله ای از ابهام پوشیده است وکسی نتوانسته توجیه علمی آن را پیداکند . حوادثی که در 150 سال اخیر در برمودا روی داده و دانشمندان را دچار سردرگمی کرده است ، بسیار جالب و در عین حال پیچیده است . سرگذشت کشتی) ماری سیلست " ، سرگذشت اتلانتا " ناو جنگی انگلستان ، سرگذشت پنج هواپیمای ناپدید شده آمریکایی ، سرگذشت 240 کشتی اکتشافی ،

سرگذشت جت های سوخت رسان ، سرگذشت ناو جنگی اوچکرافت (، حوادث سال 1975 و ، 197 از حوادث برمودا است .

بیش از یکصد حادثه مهم هوایی- دریایی در سی سال گذشته در آمار رسمی کشورها ثبت شده است که از ناپدید شدن بیش از یک صد هواپیما وکشتی در این منطقه اسرارآمیز حکایت می کند . همه این حوادث به صورت مرموزی در مثلث برمودا و در منطقه ای بین جریره های برمودا و جزیره های پاناما به وقوع پیوسته است و سرنخی از این حوادث به دست پژوهشگران نیفتاده است 0 رویدادهای مثلث برمودا به عنوان یک سلسله حوادث پیچیده فضایی ، به دانشمندان متخصص این فن عرضه شدکه شاید بتوانند راه حلی برای تکرار نشدن این حوادث پیدا کنند . زیرا این حوادث یکی از زیان بارترین حوادث دریایی و هوایی است که از این رهگذر به زندگی هزاران خلبان ، ملوان ، خدمه و مسافر خاتمه داده شده و صدها کشتی ، هواپیما ، زیردریایی ، ناوگان و ناوشکن در این حوادث ناپدید شد ه اند . نتیجه پژوهش هزاران پژوهشگر این شدکه تعدادی فرضیه یا تئوری غیرقابل اعتمادکه احیانا با یکدیگر نیز تضاد داشتند ، عرضه شدکه این تئوری ها هرگز مشکلی را حل نکرد .

برخی از پژوهشگران میان حوادث مثلث برمودا و بشقاب های پرنده ، ارتباطی قائل شده اند . بعضی دیگر شکل مثلث را در پدید آمدن این حوادث ، مولر دانسته اند . برخی دیگر این حوادث را مربوط به اشعه هایی می دانند که از شهر خیالی " اطلنطید " برمی خیزد

و موجب بروز این حوادث می شود . و برخی دیگر ، آن ها را معلولا هرم هایی می دانند که چون اهرام مصر در زیر آب وجود دارد و موجب این رویدادها می شوند . برخی ادعاکرده اند ، مثلث برمودا همان جزیره خضرا است .

ناجی النجار

روحانی ای است اهل کاظمین عراق و از شاگردان شهید آیت الله محمد باقر صدر و از وکلای ناحیه مقدسه مرحوم آیت الله خویی 0 (1)

وی کتابی را با عنوان " الجزیره الخضراء وقضیه مثلث برمودا " نوشته که آن را آقای علی اکبر مهدی پور ، با عنوان " جزیره خضراء وتحقیقی پیرامون مثلث برمودا " ترجمه کرده است . ناجی النجار درکتاب خود ، علاوه بر ذکر داستان جزیره خضراء ، دو ادعا کرده است : 1 . بر اساس بعضی نشانه ها ، احتمالاً جزیره خضرایی که علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش به آن سفرکرده است ، همان منطقه وحشتناک مثلث برمودا ، واقع در اقیانوس اطلس است . که امروزه روزنامه ها و مجله ها از آن سخن می گویند .

بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جزیره خضراء) امام زمان (ع) و یاران و فرزندانش است .

و اما در جای خود درباره جزیره خضراء ، مثلث برمودا و واقعی یا ساختگی بودن این دا ستان ، بحث کرده ایم .

ا . جزیره خضراء ، افسانه؟ یا واقعیت طریقه دار پاورقی ص 9 .

صافیه و جزیره خضراء

بر طبق روایت " ابن انباری " در داستان جزیره خضراء ، نام شهری است که ابراهیم ، فرزند امام زمان (ع) حاکم آن است 0 (1)

ا . نجم الثا قب ، ص 222 .

طلوم

بر طبق روایت " ابن انباری " در داستان جزیره خضراء ، نام شهری است که عبدالرحمن ، فرزند امام زمان (ع) حاکم آن است . (1) در بعضی نسخه ها " ظلوم " آمده است 0

1 . نجم الثاقب ص222 .

عناطیس و جزیره خضراء

بر طبق روایت ابن انباری " در داستان جزیره خضراء ، نام شهری است که هاشم ، فرزند امام زمان (ع) حاکم آن است . (1)

01 نجم الثاقب ، ص 2 22 .

پروژه بولیمود

داستان تأسیس پروژه بولیمود " را مجله باراليلى چاپ بلغارستان تحت عنوان افسانه هایمثلث برمودا چنین می نویسد : دوکشور آمریکا و شوروی تصمیم گرفتند که تلاش های خود را در راه حل مشکلات مثلث برمودا هماهنگ کنند وبا تشریک مساعی و سرمایه گذاری مشترک ، نیروهای مادی ومعنوی خود را یک جا بسیج کنند تا شاید این مشکل گشوده شود .

در نخستین روزهای تأسیس این پروژه مشترک ، نخستین اکیپ پژوهشی با کشتی ویکتور بوغایف از بندر " هالیفاکس کندی به سوی جزایر برمودا به راه افتادند .

در این پروژه قرار است چهارکشتی شوروی وپنج کشتی آمریکا تشریک مساعی کنند . این پژوهش علمی تا پایان سال 1978 ادامه خواهد داشت .

این برنامه جزء یک پروژه گسترده ای است که پروژه بولیمود " نامیده شده واست آن بر مبنای مطالعات صدها دانشمند از ده ها کشور جهان در مورد حوادث " مثلث برمودا " پی ریزی شده ، و مم اکنون از طرف دو دولت آَمریکا و شوروی در دست اجرا می باشد .

در این پروژه علمی در مورد مسائل زیر بحث وتحقیق خواهد شد .

رویدادهای اقیانوسی ، گرداب های دریایی ، امواج دریایی ، جاذبه و مغناطیس ، حوادث جوی ، چاه های هوایی و دیگر مسائل هوایی- دریایی .

مجله بلغاری می افزاید : نظیر این همکاری پیش

تر میان آمریکا ، کانادا و انگلستان در پروژه ماگنیت برای مطالعه مغناطیس استثنایی در مثلث برمودا عملی بود .

سپس توضیح می دهد که کشتی " ویکمور بوغایف " که به مدرن ترین دستگاه های الکترونیکی مجهز است یک سال تمام در یکی از زاویه های مثلث برمودا مستقر خواهد شد که تمام حرکت ها و فعل وانفعال های منطقه را زیر نظر بگیرد ودیگرکشتی ها به پژوهش در پیرامون مسایل دیگر خوا هند پرد ا خت .

کرعه

نام روستایی از یمن است (1) مرحوم مجلسی در تذکره الائمه- ازکتب اهل سنت- نقل می کند که حضرت مهدی (ع) در غیبت کبری ، در " کرعه " اقامت می کند (2) در حدیثی از حضرت رسول (ص) نیز آمده که حضرت مهدی (ع) از روستایی به نام کرعه " ظهور خواهد کرد . (3)

1 . معارف ومعاریف ج8ص 486

2 . عبقری الحسان ج2 ص 134 .

3 . بحار الانوار ج51ص80

ذی طوی

طوی ، در لغت به معنای پیچیدن ودرنوردیدن است . (1) ذی طوی " نام منطقه ای است در یک فرسخی مکه که داخل حرم قرار دارد (2) و طبق برخی روایات ، حضرت مهدی (ع) در آن جا زندگی می کند واز همان جا نیز همراه یارانش قیام خواهدکرد . در برخی روایات ، محل ظهور وخروج آن حضرت ومرکز تجمح یاران ودوستان وی نیز ، همین منطقه یاد شده است (3) در روایتی آمده است که : " هنگام ظهور امام قائم (ع) آن حضرت قبل از آن که کنارکعبه برود و صدای خود را بلندکرده ربه جهانیان برساند ، در این مکان در انتظار 313 نفر از یاران خاصش توقف می کند ، تا این که آن ها می آیند وبه آن حضرت می پیوندند . . .

در دعای ندبه هم می خوانیم : لیت شِعری أینَ استقرت بِکَ النوی ، بَل ای ارض تقلک او ثری 0 اِبرضوی اوغیرها ام ذی طوی . (

(4

ای کاش می دانستم که کجا دل ها به ظهور ، آرام و قرار خواهد یافت ، درکدامین سرزمین اقامت داری؟ در سرزمین رضوی یا غیر آن ، یا در دیار ذی طوی مسکن کرد ه ا ی؟

ذی طوی ، بین " حجون و فخ " قرار دارد کسی که در مسجد تنعیم احرام بسته به سوی مسجد الحرام عزیمت می کند ، پس از عبور از منطقه فخ " وارد ذی طوی می شود ، آن گاه از طرف قبرستان حضرت ابوطالب (5) وارد مکه معظمه می شود . رسول اکرم (ص) در حجه الوداع ، شب چهارم ذی حجه الحرام را در آن جا بیتوته کردند . نماز صبح را در آن جا ادا نمودند ، آن گاه غسل کرده ، از بخش سنگلاخ " ذی طوی " که مشرف بر حجون است ، وارد مکه معظمه شدند (6) امام صادق (ع) می فرماید : " گویی قائم را با چشم خود می بینم که با پای برهنه در ذی طوی سر پا ایستاده ، همانند حضرت موسی (ع) نگران ومنتظر است که به مقام ابراهیم بیاید و دعوت خود را اعلام نماید (7)

1 . معجم مقاییس اللغه ج 3؟ ص430 0

2 . مجمع البحرین ، ج 1 ص 279 .

3 . غیبه نعمانی؟ ص 182 0

4 . بحارالانوار ، ج 2 5ص 304 .

5 مفاتیح الجنان دعای ندبه .

6 . با دعای ندبه در پگاه جمعه مهدی پور ص100

7 . بحار الانوار

ج 52 ص385

خلوت حضرت

در روایتی از امام صادق (ع) ، محل خلوت حضرت مهدی (ع) تپه های سفید و نورانی نجف اشرف ذکر شده است . (1)

1 . بحارا لانوار ج 53 ، ص11

اماکن زیارتی

مسجد کوفه

از مساجد معروف و مهمی که همواره مورد توجه مسلمانان بوده ، مسجد شریف کوفه است .

آن چه که سبب توجه بیشتر شیعیان به این مکان مقدس شده است؟ عنایت خاصی است که حضرت مهدی (ع) به این مسجد دارند بسیاری از سعادتمندان در این مکان پربرکت ، توفیق زیارت امام (ع) را پیدا کرده اند افزون بر این براساس روایات زیادی از جمله روایات معروف " مفضل بعد از ظهور آن حضرت ، کوفه مرکز حکومت و مسجد جامع آن ، مرکز قضاوت و اجرای عدالت خواهد شد .

در روایتی که مفضل از امام صادق (ع) نقل می کند ، درباره جایگاه مسجدکوفه در عصر ظهور چنین آمده است :

به امام صادق (ع) عرض کردم : سرور من محل استقرار حضرت مهدی (ع) و مکان تجمع مؤمنان پس از ظهورکجا خواهد بود حضرت در جواب فرمودند : پایتخت آن حضرت کوفه و مرکز قضاوتش مسجد جامع خواهد بود . . . (1)

برطبق روایتی دیگر از علی (ع) ، امام زمان (ع) در مسجدکوفه نماز را اقامه می کنند .

ابن نباته می گوید : روزی در مسجد کوفه گرد حضرت امیرالمؤمنین (ع) جمع شده بودیم که آن حضرت فرمودند : ای اهل کوفه این

مسجد شما یکی از آن چهار مسجدی است که خداوند تبارک و تعالی آن را برای اهلش اختیار نموده است . . زمانی پیش می آیدکه این مسجد محل اقامه نماز فرزندم مهدی (ع) و همه مؤمنان خواهد شد (2) .

این روایت را روایت دیگری از امام باقر (ع) تکمیل می کند براساس روایت نقل شده از آن حضرت وقتی امام مهدی (ع) وارد کوفه می شوند با استقبال گرم مردم روبرو می گردند؟ همه به حکم حضرت گردن می نهند و آنگاه وارد مسجد شده برای مردم خطبه می خوانند و نقل است که تجمع مردم به قدری زیاد خواهد بودکه وقتی از شوق دیدار امامشان بی اختیارگریه می کنند ، سخنان حضرت به گوش کسانی که دورتر از منبر هستند نخواهد رسید ، لذا در هفته دوم بعد از ورود امام (ع) به کوفه ، مردم خطاب به حضرت مهدی (ع) می گویند : ای پسر رسول خدا نماز در پشت سر شما خواندن همانند نماز خواندن در پشت رسول خدا (ص) است ، در حالی که این مسجدگنجایش این همه جمعیت ندارد منظور مردم آن است که حضرت تدبیری بیندیشند تا همه مردم توفیق حضور در نماز جماعت و جمعه را داشته باشند .

امام (ع) در پاسخ می فرمایند : مسجدی برای شما خواهم ساخت که گنجایش همه مردم را داشته باشد ، در ادامه روایت آمده است : طرح مسجد بزرگی را که دارای هزار در است و همه مردم را در خود

جای می دهد ارائه می دهند (3)

نکته دیگری که در مورد مسجد کوفه در روایات به چشم می خورد این است که آن حضرت مسجد کوفه را برای اصلاح قبله آن بازسازی خواهند کرد .

علی (ع) در این زمینه می فرمایند : گویی هم اکنون به شیعیان در مسجدکوفه می نگرم که خیمه ها برپاکرده اند و قرآن را آن گونه که نازل شده است برای مردم آموزش می دهند . قائم ما چون قیام کند آن مسجد را خراب و قبله آن را اصلاح خواهند نمود (4)

واما تاریخچه ومشخصات مسجد کوفه : به نوشته کتاب های تاریخ ، وقتی شهرکوفه اولین باردر سال17ق . به دستور عمر بن خطاب و توسط سعد بن وقاص ، فرمانده لشکر اسلام ، به عنوان اردوگاه سربازان اسلام بنا گشت؟ سعد وقاص در مرکز این پایگاه نظامی در فضایی کوچک به شکل چهارگوش مسجدی بدون سقف را از چوب و نی تأسیس کردکه البته بعدها برای در امان ماندن ان از خطر آتش سوزی ، اطراف آن را با دیوارهای گلی محصورکردند و سال ها بعد همین مسجد را زیاد بن ابی سفیان حاکم معاویه به سبک ساختمان سازی مرسوم در بین ساسانیان تجدید بناکرد (5) ولی از مضمون روایات چنین برمی آیدکه سابقه این مسجد بسیار قدیمی تر از آن است که در اسناد تاریخی ذکر شده است . به عنوان مثال از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت فرمودند شبی که مرا سیر دادند تا مسجد اقصی در جریان معراج

از مسجد کوفه گذشتیم؟ سوار براق بودم . به محلی رسیدیم که جبرئیل گفت : یا محمد در این جا پیاده شو و نماز بخوان وقتی در آن جا نماز به جای آوردم از جبرئیل پرسیدم : این جا کجاست؟ جبرئیل گفت : این جا کوفان (کوفه) است و این محل هم مسجد آن جاست . من تاکنون بیست مرتبه دیده ام که این جا خراب شده و دوباره تجدید بناگشته است و فاصله بین هر خرابی و آبادی آن پانصد سال بوده است (6) .

بنابر مضمون روایتی دیگر ، روزی امام صادق (ع) به نزدیکی های مسجد کوفه رسیدند و از مرکب خود پیاده شدند؟ وقتی علت پیاده شدنشان را سؤال کردند آن حضرت فرمودند : محدوده مسجدکوفه آخر سراجین نام محلی در نزدیکی مسجد است که این حد را حضرت آدم (ع) برای مسجد مشخص کرده است و من نمی پسندم که سواره وارد این محدود بشوم در ادامه روایت آمده است که راوی می پرسد : اگر محدوده مسجد کوفه آن است که می فرمایید ، پس چه چیز باعث تغییر آن شده است حضرت در پاسخ می فرمایند : اولا امری که سبب تغییر آن شد توفان نوح بود . بعدها هم اصحاب کسری و سپس نعمان بن منذر و بعد هم زیاد بن ابی سفیان تغییراتی در آن ایجادکردند .

بر این اساس معلوم می شودکه این مسجد شریف از زمان آدم ابو البشر به عنوان محلی برای عبادت خداوند تبارک و تعالی مطرح بوده است؟ منتهی در طول تاریخ دستخوش

تغییروتحولاتی شده و در زمان های مختلف در تجدید بناها حدود محوطه مسجد تغییر پیدا کرده است . در جنوب غربی مسجد به فاصله 85 متر ، خانه کوچک و محقری وجود دارد و مشهور است که آن جا خانه علی (ع) بوده است که قبر میثم تمار در نزدیک آن خانه قرار دارد . در بین این خانه و مسجد ، قصر دار الخلافه واقع شده است که در ضلع جنوب غربی مسجد می توان به دار الخلافه وارد شد .

ضمناً قبر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در دو مکان نزدیک به هم ، چسبیده به دیوار ضلع شرقی مسجد است که از طریق یک در بزرگ که در دیوارگذاشته شده است می توان به حرم آن دو بزرگوار داخل شد البته در شمالی هم به این در آرامگاه راه دارد و قبر مختار ثقفی به آرامگاه مسلم بن عقیل نزدیک تر است . در دور تا دور محوطه این مسجد ، هفتاد و شش حجره (غرفه) وجود دارد . در مجموع درهای ورود و خروج به مسجد چهار تاست . باب السده که معروف به باب امیرالمؤمنین (ع) است؟ 2 . باب الکنده که در طرف غربی مسجد است؟

3 باب الانماط " که محاذی قبله است؟ ، 4 . باب الفیل یا الثعبان .

در این مسجد مکان های مقدس و محراب های زیادی وجود داردکه هر یک از آن ها را مقام می نامند . از جمله آن هاست : مقام حضرت ابراهیم خلیل (ع) ، مقام حضرت خضر (ع

) ، مقام حضرت زین العابدین (ع) مقام نوح (ع) یا باب الفرج ، مقام امیرالمؤمنین (ع) ، مقام جبرئیل ، دکه قضاء محل قضاوت امیرالمؤمنی (ع) دکه حضرت صادق (ع) محراب امیرالمؤمنین (ع) که محراب حضرت زکریا هم گفته می شود ، بیت الطشت ، مقام بیعت النبی (ع) دکه المعراج محلی که پیامبر اکرم (ص) در شب معراج در آن مقام نماز به جای آوردند و برای مسجد کوفه در روایات حضرات معصومین (ع) فضایل زیادی بیان شده است : امام با قر (ع) می فرمایند :

اگر مردم به فضیلتی که مسجد کوفه دارد واقف بودند؟ از راه های بسیار دور به آن جا سفر می کردند . یک نماز واجب خواندن در آن جا مساوی با به جای آوردن یک حج ، و یک نماز مستحبی خواندن در آن جا معادل با انجام دادن عمره است (7)

علی (ع) نیز در ابن باره می فرمایند : خواندن نماز نافله در این مسجد معادل انجام عمره در کنار پیامبر اکرم (ص) وخواندن نماز واجب در آن جا مساوی انجام دادن حج با رسول اکرم (ص) است .

در این مسجد هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر نماز خوانده اند (8) امام صادق (ع) به یکی از اصحاب که اهل کوفه بود فرمودند : آیا تمام نمازهایت را در مسجدکوفه می خوانی؟ وی عرض کرد : خیر . حضرت فرمودند :

من اگر در آن جا حاضر باشم امیدرارم که هیچ نمازی از من در آن مسجد فوت نشود . سپس حضرت اضافه کردند : آیا فضیلت نماز در این مسجد را می دانی راوی می گوید : گفتم : خیر . حضرت فرمودند : هیچ بنده صالح و پیامبری نبوده است ، مگر آنکه در مسجدکوفه نماز خوانده است؟ حتی رسول خدا (ص) وقتی به معراج می رفتند جبرئیل (ع) به ایشان عرض کرد : آیا می دانی حالا درکجا هستی؟ حضرت رسول (ص) فرمودند : خیر . جبرئیل گفت : حالا در مقابل مسجد کوفه قرار گرفته اید . پیامبر (ص) به جبرئیل فرمود : از خداوند متعال اجازه بخواه تا پائین رفته در آن نماز بخوانیم . وقتی خداوند متعال اجازه دادند . حضرت در آن جا دو رکعت نماز به جای آوردند 0 سپس امام صادق (ع) فرمودند : یک نماز واجب در آن برابر با هزار نماز و یک نماز نافله در آن مساوی با پانصد نماز در اماکن دیگر است .

قبله این مسجد ، باغی از باغ های بهشت و دست راست و چپ آن نیز از بستان های بهشت است . در آن مسجد نشستن ، عبادت محسوب می شود 0 اگر مردم فضیلت آن را می دانستند ، با چهار دست وپا همچون طفل خود را به آن جا می رساندند تا از برکات آن بهره مند شوند (9)

محمد بن سنان می گوید : از امام رضا (ع) شنیدم که فرمودند :

یک نماز فرادا در مسجدکوفه خواندن ، با فضیلت تر از هفتاد نمازی است که به طور جماعت در جاهای دیگر خوانده شود (10)

1 . بحارالانوار ، ج53 ص 011

2 . بحا رالا نوا ر ج 97 ، صص 389- 0 039

3 . بحارالانوار؟ ج52ص 330 .

4 . بحارالا نوارج52 ص 364 .

5 . جهت اطلاع بیشتر به تاریخ طبری ج 1 ص 248 ومعجم البلدان ج 4 ، ص 323 به بعد مراجعه شود .

6 . من لا یحضره ا لفقیه ج 1 ، ص 150 .

7 . المزارالکبیر ص122 .

8 . بحارالانوارج 97 ص 0 040

9 . بحار الانوار ج 97 ، ص 391 .

10 . بحار الانوارچ97ص139

مقام امام زمان

مکانی است که یا شخصی در آن جا به محضر حضرت مشرف شده یا از آن حضرت ، معجزه ای در آن جا ظاهر شده است . مانند : مسجدالحرام ، وادی السلام ، سرداب سامرا ، مسجد سهله و حله ، مسجدکوفه ، مسجد جمکران و . . 0 (1)

برخی به اماکنی که به نحوی به آن حضرت منسوب و مربوط است نیزگویند 0 مانند : مشاهد مشرفه ائمه معصومین و انبیاء و اوصیاء (ع) و قبور اولیاء الله و مؤمنین . بزرگداشت آن چه به حضرت منسوب و مربوط است ، یکی از وظایف مؤمنان است 0 بزرگداشت این اماکن به شیوه های مختلفی ممکن است : زینت دادن ، آباد کردن ، فرش گستراندن ، پاکیزه و خوشبو نمودن ، بوسیدن ، چراغ روشن کردن ، رفت

و آمد کردن ، پای برهنه وارد شدن ، با حالت وقار و آرامش وارد شدن ، مشغول شدن به اذکار و دعا و قرائت قرآن ، پرهیز از نجس کردن یا کثیف نمودن آن تطهیر آن ها در صورت نجس شدن ، جاروکردن ، پرهیز از مزاح و بیهوده گویی ، پرهیز از جدال ، حفظ و نگهداری آن ها (2) و . . 0 محدث نوری درکتاب جنه الماوی " حکایت کرده که گوید : در بعضی از نوشته ها به نقل از خط شیخ زین العابدین علی بن الحسن بن محمد خازن حائری- شاگرد شیخ شهید- دیدم که : ابن ابی جواد نعمانی به حضور مولایمان حضرت مهدی (ع) مشرف شد و به آن حضرت عرضه داشت : برای شما در شهر نعمانیه یک مقام و در شهر حله یک مقام است . شما درکدامیک از آن ها تشریف می آورید حضرت فرمودند : در نعمانیه شب سه شنبه و روز سه شنبه و روز جمعه و شب جمعه را در حله می باشم ، ولی اهل حله نسبت به مقام من تادب نمی کنند . هرکس که با ادب به مقام من داخل شود و بر من و بر امامان (ع) سلام کند ، و بر من و ایشان دوازده بار درود فرستد ، سپس دو رکعت نماز با دو سوره به جای آورد و به وسیله آن ها با خداوند مناجات کند ، خداوند آن چه را از او بخواهد ، به وی می دهد (3)

ا . نجم الثاقب باب هفتم

.

2 . راه وصال حسین مطلق ص191

3 . مکیال المکارم ج 2 ، ص 474 ترجمه قزوینی .

مکان های دعا برای حضرت

همان گونه که دعا برای تعجیل فرج حضرت در زمان های مخصوصی تاکید شده ، هم چنین در مکان های معینی موکد است؟ یا از جهت تاسی جستن و اقتداکردن به آن حضرت و یا به خاطر روایت شدن آن از امامان بزرگوار ، و یا از روی اعتبارات عقلی که نزد اهل فهم مقبول است . از جمله آن اماکن مسجدالحرام ، عرفات ، سرداب ، مسجد کوفه ، مسجد سهله ، مسجد صعصعه ، مسجد جمکران ، حرم حضرت سید الشهداء (ع) ، حرم امام رضا (ع) ، حرم عسکریین (ع) ، حرم هرکدام از امامان (ع) (1)

1 . مکیال المکارم ج2 ص 83 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

جمکران

نام روستایی است در پنج کیلومتری جنوب قم, که مسجد جمکران به جهت همجواری با این روستا بدین نام مشهور شده است . جمکران , روستایی است کوچک با مردمانی متدین در حاشیه کوه دو برادران که از رود خانه قم مشروب می شود . باغات انار و انجیر دارد و اهالی آن به کشاورزی و کرباس بافی گذاران می کنند . (1)

1 . فرهنگ جغرافیای ایران ج 1

سرداب سامرا

سرداب مقدس ، زیرزمینی است در سامرَا ، کنار مزار امام هادی و امام عسکری (ع) آن سرداب محل زندگی وعبادت امام هادی وامام حسن عسکری و حضرت مهدی (ع) بوده وتمام دیدارها با حضرت مهدی (ع) در زمان پدرش در همین منزل و سرداب انجام می گرفته است .

خانه امام عسکری (ع) همانند دیگر خانه های عراق ، شامل غرفه ای برای مردان ، غرفه ای برای زنان و سرداب بوده که سرداب نیز شامل

غرفه هایی برای مردان و زنان بوده است ودر تابستان از شدت گرما به این سرداب پناه می برده اند . مقدس شمردن آن سرداب از سوی شیعیان موجب شدکه دشمنان اهل بیت ، شیعیان را متهم کنند بر اینکه آن ها می گویند امام زمان در این سرداب مخفی شده است اما شیعیان از چنین اعتقادی منزه هستند . شیعیان سرداب را به این دلیل مقدس می شمارندکه محل زندگی ونیایش سه امام معصوم ، همچنین محل زندگی حضرت حکیمه خاتون ونرجس خاتون بوده است .

واما موقعیت کنونی سرداب سامرا : امروزه هرکس از هر نقطه

شهر سامرا به مرکز شهر نگاه کند ، دوگنبد با شکوه می بیندکه یکی از آن ها باکاشی های طلایی براق ودیگری باکاشی های رنگی زیبائی پوشیده شده است . هر یک از این گنبدها به ساختمان مستقلی تعلق دارند . گنبد بزرگ طلایی بر بالای ضریح مطهرکه مرقدهای مقدس امام دهم (ع) وامام یازدهم (ع) در آن جای دارد ، قرارگرفته است . ولی گنبدهای کوچک بر بالای ساختمان مسجد جامع شهر ساخته شده است . ساختمان حرم مطهر به شکل مستطیل وساختمان مسجد جامع به صورت مستقل از ساختمان حرم ، ولی متصل به صحن حرم است وسرداب غیبت درست در زیر ساختمان مسجد قرارگرفته ودر طول تاریخ بارها در بنا وبخش های مختلف آن تعمیرات وتغییراتی انجام شده است .

سرداب غیبت از جمله سرداب های عمیقی است که در زیر یک لایه سنگی حفر شده ودر کل دارای سه قسمت عمده است : یک غرفه شش ضلعی ، یک غرفه مستطیل کوچک ویک غرفه به شکل مستطیل بزرگ0 توضیح بیشتر آنکه غرفه مستطیل بزرگ در میان مردم به مصلای مردان وغرفه مستطیل شکل کوچک به مصلای بانوان ، معروف است . این بخش ها با دو راهرو بلند و طولانی به یکدیگر مربوط می شوند یعنی یک راهرو طولانی مصلای مردان ومصلای زنان را به هم وصل می کند ویک راهرو طولانی دیگر بین مصلای مردان و غرفه شش ضلعی وجود دارد .

همچنین این بخش های سه گانه هر یک از طریق روزنه ای کوچک و طولانی که از قسمت های فوقانی دیوار آغاز شده ،

تا پایین ترین حد دیوار بیرونی مسجد جامع امتداد می یابد و نور و هوا دریافت می کند . پلکانی که راه ورود وخروج سرداب است وبه غرفه شش ضلعی منتهی می شود دارای بیست پله است . ورودی این پلکان و سرداب در داخل ساختمان مسجد و بر دیواری قرارگرفته که ورودی نماز خانه نیز در آن واقع است .

طول مصلای مردان پنج متر وهشتاد سانیمتر وعرض آن سه متر وپنجاه سانتمتر است . در ضمن طول مصلای زنان چهار متر وشصت سانتی متر وعرض آن سه متر است . طول راهرویی که مصلای مردان و زنان را به هم مربوط می سازد ، چهار متر است . طول روزنه ای که نور غرفه شش ضلعی را تأمین می کند ، حدود شش متر وطول روزنه ای که نور مصلای زنان را تأمین می کند ، چهار متر وپنجاه سانتیمتر است . در انتهای غرفه مستطیل شکل یعنی انتهای همان مصلای مردان ، یک در چوبی که معروف به باب غیبت است وجود دارد . در پشت این در اتاق کوچکی قرار داردکه طول آن یک متر وپنجاه سانتیمتر است . این اتاق به نام محل غیبت شهرت پیدا کرده است که در حقیقت بخش مکمل غرفه مستطیل شکل بزرگ محسوب می شود ودر جلوی آن حفاظ مشبکی است که آن را از بقیه غرفه جدا می کند . چاه معروف به چاه غیبت هم درگوشه ای از همین اتاق قرار دارد .

اشاره به این نکته نیز خالی از فایده نیست که این سرداب در جهت غربی صحن عسکری (ع)

به سمت شمال واقع شده ودر طول تاریخ اصلا حات وتعمیرات زیادی در آن انجام گرفته است . همیشه در موقع تعمیر وترمیم بارگاه عسکریین (ع) در ساختمان سرداب نیز تغییرات واصلاحاتی به عمل آمده است به عنوان مثال در زمان های گذشته از داخل بارگاه عسکریین (ع) ازکنار مرقد حضرت نرجس خاتون به سرداب می رفتند واین وضع به همین صورت تا سال 1202ق ادامه داشت ودر این سال احمد خان دنبلی برای سرداب ، راهی جداگانه از طرف شمال بازکرد وراه سرداب از طرف روضه عسکریین (ع) را مسدود نمود و صحن سرداب را جداگانه ساخت که تقریباز یک فضای بزرگی به طول60 متر وعرض 20 متر برخوردار است . بنابراین اگر درکتاب هایی چون مزار شهید اول ، اعمال و دعاهای مربوط به زیارت این همه امام دریک مکان ذکر شده است علت آن است که در زمان سابق راه سرداب نیز از پشت حرم عسکریین (ع) در یک ساختمان بوده است ، لذا پس از زیارت عسکریین (ع) بلافاصله زیارت امام زمان (ع) وسپس زیارت حضرت نرجس خاتون ذکر شده است .

در هر حال این سرداب در طول تاریخ به اندازه ای مورد توجه مردم بوده است که در آن آثار ارزشمندی از منبتکاری وکاشی کاری و سایر هنرهای معماری به کار رفته است . از جمله این اشیاء درِ چوبی نفیسی است که از دوران خلافت عباسیان به جای مانده است واز ویژگی های هنری وتاریخی ارزشمندی برخوردار است . (1)

ا . نشریه موعودشماره

امام مهدی در قرآن

سوره فتح

از القاب حضرت و به معنای پیروزی است .

روایت است که در آیه شریفه اذا جاء نصر الله والفتح ، (1) مراد ازفتح ، قائم (ع) است .

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است : آیه مبارکه نصر من الله وفتح وقریب (2) اشاره دارد به فتح حضرت قائم (ع) (3)

1 سوره نصر 1 0

2 . سوره صف 13

3 . نجم ا لثاقب ، باب دوم .

سوره فجر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

روایت است از امام صادق (ع) که در تفسیرآیه والفجر فرمود : مراداز فجر ، قائم (ع) است .

و نیز در روایت دیگری درباره سوره قدر فرمود : حتی مطلع الافجر (1) یعنی : تا آن که قائم (ع) برخیزد و ظاهرشود (2)

1 . سوره قدر5

2 . نجم الثاقب باب دوم .

سوره قدر

شب قدر ، شب امام زمان (ع) است وملائکه وروح بر آن حضرت نازل شده ، تقدیر امور را در اختیار او می گذارند .

پیشوایان معصوم (ع) در تفسیر سوره قدر فرموده اند : فرشتگان در این شب ، مقدرات یک سال را نزد ولی مطلق زمان آورده ، بر او عرضه وتسلیم می کنند . (1)

در چنین شبی که به حضرت مهدی (ع) تعلق دارد ، یاد جد بزرگوارش در دل ها زنده می شود ، چراکه یکی از اعمال مستحبی شب قدر ، زیارت امام حسین (ع) است . (2)

هنگامی که درد زایمان نرجس خاتون شروع شد ، امام عسکری (ع) به حکیمه خاتون فرمود : عمه جان سوره " انا انز لناه " را بر او بخوان 0 حکیمه می گوید : من مشغول خواندن این سوره شدم ، ومی شنیدم که طفلِ داخلِ رحم نرجس نیز ، همان گونه که من می خوانم ، می خواند . در حال تعجب بودم که امام عسکری (ع) با

صدای بلند فرمود : عمه جان از امر خدا تعجب مکن که خداوند ، زبان ما را درکودکی به حکمت بازکرده ودر بزرگی ، حجت خود در زمین قرار می دهد . (3)

در روایات آمده است که در شب قدر ، دعا برای حضرت را باید بر دعا برای خود مقدم داشت وبهترین دعاها طلب نصرت وحفظ اوست و آن این است : " اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک علیه وعلی آبائه 00 " (4)

1 . کافی ، کتاب الحجه باب فی شأن انا انزلناه

2 . مفاتیح الجنان زیارت امام حسین (ع) در شب های قدر .

3 . بحا رالانوار ج 51 ص 13

4 . نجم ا لثاقب ، باب یازدهم .

قرآن و بشارت موعود

آیات متعددی در قرآن کریم وارد شده که پیشوایان دینی آن ها را به وجود مقدس حضرت مهدی (ع) وظهور مبارک آن حضرت تفسیر وتأویل کرده اند .

برخی کتب ، نزدیک به یکصد و چهل آیه از قرآن کریم را به استناد احادیث فریقین ، بر امام مهدی (ع) تطبیق کرد ه اند . (1)

ما در این جا تعدادی از آیات مهدوی قرآن را می آوریم :

. سوره بقره

- آیه 2 و 3 : هدی للمتقین الذین یومنون بالغیب

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمودند : متقین ، شیعیان علی بن ابی طالب هستند وغیب ، حجت غایب است . (2)

- آیه 124 : وَ إذِ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن ؟ یعنی : هنگامی

که حضرت ابراهیم را پروردگارش به وسیله کلماتی آزمود ، پس آن ها را به انجام رسانید .

راوی می گوید : درباره این آیه مبارکه از امام صادق (ع) پرسش کردم ، حضرت فرمود : این همان کلماتی است که حضرت آدم (ع) از پروردگار خود دریافت نمود . پس توسط آن کلمات به پیشگاه پروردگار توبه کرد و خداوند توبه اش را پذیرفت .

جریان توبه چنین بودکه حضرت آدم (ع) عرض کرد : ای خدای من از تو می خواهم که به واسطه محمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین (ع) توبه مرا بپذیری پس خداوند توبه او را پذیرفت که او بسیار توبه پذیر و مهربان است " .

راوی می گوید : پرسیدم مقصود از " فا تمهن " در آیه چیست حضرت فرمود :) مقصود این است که خداوند آن ها را تا قائم مهدی (ع) به اتمام رسانید ودوازده امام (ع) راکه نه تن آنان از فرزندان حسین (ع) می باشند ، برای او بیان فرمود (3)

- آیه 155 : و لنبلونکم بشیء من الخوف والجوع . . . یعنی : ما شما را به چیزهایی از قبیل ترس وگرسنگی وکاستی در اموال وجان ها و محصولات می آزماییم ، و مژده بده به آن ها کهشکیبا وثابت قدم هستند . امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود : " پیش از آمدن قائم (ع) علامت هایی برای امتحان مؤمنین خواهد بود " عرض کردم آن علامت

ها چیست؟ فرمود : بیماری های گوناگون که سبب ترس و دلهره است وبالا رفتن نرخ ها که سبب گرسنگی است وکاهش در اموال و جان ها که قحطی ومرگ ومیر فراوان است ونقص در محصولات که به نیامدن باران است . پس در آن موقع به آن هاکه در عقیده به ما ثابت می مانند ، مژده بده " آن گاه فرمود : " این تأویل آیه است وهیچ کس جز آن هاکه راسخ در علم اند ، تأویل آن را نمی دانند ومابیم راسخان در علم " (4)

. سوره آل عمران

- آیه83 افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السماوات . . . ؟ یعنی : آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آن که آن چه در آسمان ها وزمین است ، خواه وناخواه تسلیم او هستند و به سوی او بازگردانیده می شوند 0

امام کاظم (ع) فرمود : " این آیه درباره حضرت قائم (ع) نازل شده است . هنگامی که ظاهر شود ، آیین مقدس اسلام را درشرق و غرب جهان ، به یهود ونصاری و صائبان وملحدان و مرتدان وکافران عرضه می دارد . . (5) .

. سوره نساء

- آیه 159 : وان من اهل الکتاب الا لیومنن به قبل موته و . . . . یعنی : وهیچ یک از اهل کتاب نیست جز این که پیش از مرگ ، به او ایمان می آورد 0 درباره ضمیر " مَوتهِ " دو احتمال است؟ یکی این که به اهل کتاب برگردد ودیگر این که به حضرت

عیسی (ع) . بنابر احتمال اول ، معنای آیه شریفه این است که " احدی از اهل کتاب نیست جز این که پیش از مرگ ، به حضرت عیسی (ع) ایمان آورد " و بنابر احتمال دوم ، معنای آیه چنین خواهد بود احدی از اهل کتاب نیست جز این که پیش از مرگ) حضرت عیسی (ع) به او ایمان خواهد آورد . " برخی از مفسران اهل سنت که احتمال اول را برگزیده ا ند ناچار شده اند که توجیهات عجیبی را در مورد آیه شریفه ملتزم شوند ، ولی بنا بر احتمال دوم ، معنای آیه بسیار روشن است . چون طبق عقیده قطعی مسلمانان ، حضرت عیسی (ع) هنوز زنده است وپس از ظهور حضرت بقیه الله او نیز از آسمان نازل شده واز یاران واصحاب آن حضرت خواهد بود (6) وچون به حضرتش اقتدا می نماید ، نصاری نیز به جهت اقتدای حضرت عیسی (ع) به حضرت صاحب الامر (ع) در نماز ، به آن حضرت ایمان می آورند ویهود نیز به حضرت مهدی (ع) می گروند 0

. سوره انفال

- آیه 39 : " وقاتلوهم حتی لا تکون فتنه . . . . ؟ باکافران بجنگید تا فتنه ای باقی نماند .

امام محمد باقر (ع) فرمود : " تأویل این آیه هنوز نیامده است 0 . . و این در زمان قیام قائم ما خواهد بود (7) . سوره توبه

- آیه 33 : وهو الذی ارسل رسوله بالهدی .

. . (8) او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت ودینی حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند ، اگر چه مشرکان ناخشنود باشند . امام باقر (ع) فرمود : " این آیه مبارکه به هنگام خروج مهدی آل محمد (ع) تحقق می یابد " (9)

. سوره هود

- آیه86 بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین ، ؟ یکتا بازمانده خدا برای شما بهتر است ، اگر مؤمن هستید . امام باقر (ع) در تأویل این آیه شریفه می فرماید : " هنگامی که مهدی ظاهر شود . . . اولین سخنی که بر زبان مبارکش جاری می شود این آیه شریفه است " (10)

. سوره ابراهیم

- آیه 5 : ولقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام الله . . . . . . ، ؟ همانا ما موسی را با آیات خود فرستادیم ، که قوم خود را از تاریکی ها به سوی نور بیرون بیاور ، و روزهای خدا " ایام الله را به آن ها یاد آوری کن از امام باقر (ع) روایت است که فرمودند : روزهای خداوند سه روز است : روز قیام قائم (ع) ، روز رجعت و روز قیامت (11)

. سوره حجر

- آیه 36- 38 : قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون , قال فانک من المنتظرین الی یوم الوقت المغلوم ، ، امام رضا (ع) فرمود : " وقتِ معلوم ، روز قیام قائم

ماست . (12)

. سوره اسراء

- آیه 33 ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا . . . . ، . امام باقر (ع) فرمود : " حسین (ع) مظلوم کشته شد وما اولیاء وارث خون او هستیم ، وقائم ما به خون خواهی حسین (ع) قیام خواهد کرد (13)

امام صادق (ع) نیز فرمود : منصور ، قائم آل محمد (ع) است و چون ظهور نماید ، اقدام به خون خواهی حسین (ع) می کند . (14)

. سوره مریم

- آیه 75 : حتی اذا راوا ما یوعدون اما العذاب واما الساعه . . . . " ، ؟ یعنی : تا وقتی آن جه به آنان وعده داده می شود : یا عذاب یا قیامت را ببینند 0 امام صادق (ع) فرمودند : منظور از ساعه ، قیام قائم است . (15)

. سوره قصص

- آیه 5 : ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض . . . ، ، وما اراده کرده ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند ، منت نهاده آن ها را پیشوایان ووارثان زمین قرار دهیم 0 امام باقر وامام صادق (ع) فرمودند : این آیه مبارکه مخصوص صاحب الامری است که در آخر الزمان ظاهر می شود . 00 (16)

. سوره سجده

- آیه 29 : قل یوم الفتح لا ینفع الذین کفروا ایمانهم . . . . ، ؟ بگو ای پیامبر

روزپیروزی ، دیگر ایمان آوردن برای کافران سودی ندارد .

امام جعفر صادق (ع) فرمود : یوم الفتح ، روزی است که دنیا به دست قائم (ع) فتح می شود 0 . . (17)

. سوره فتح

- آیه 28 : لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا ، امام صادق (ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمودند : این آیه در حق قائم اهل محمد (ع) نازل شده است . . . " (18)

ناگفته نماند ، آیاتی که به وجود مقدس) مهدی موعود (ع) وظهور مبارک آن حضرت تأویل شده است فراوان است . کسانی که طالب تفاصیل بیشتری هستند می توانند به کتاب های بحارالانوارج 51 " ، " الزام الناصب " ، " موعود قرآن وکتب تفاسیر مراجعه فرمایند 0

1 . سیمای امام زمان (ع) درآیینه قرآن علی اکبر مهدی پور .

2 . بحا رالانوا ر ، ج51 ، ص 52 .

3 . تفسیرنورالثقلین ، ج 1 ص 20 1؟ الزام ا لناصب ج 1 ص 179 .

4 0 ینابیع الموده ج3 ص 235 .

5 . المحجه ص 50اثبات الهداه ج3ص 549

06 تفسیر درالمنثور ، ج2 ص 427 .

7 . تفسیرمجمع البیان ج 4 ، ص 834 .

8 . نیز در سوره فتح ، آیه 28 و سوره صف ، آیه 9 آمده است .

9 . تفسیر مجمع البیان ج5ص38

10 . بحارالانوار ج52 ص 192

11 . ینابیع الموده ج 3 ص 242 .

12 . منتخب

الاثر ، ص 220 و کمال الدین ، ج 2 ، ص0371

013المحجه ص 128

14 . کامل الزیارا ت ، ص63

015 کافی ج 1؟ ص 431؟ بحارالانوا ر ، ج 51ص63

16 . تفسیربرهان ج3 ص 220 .

17 . منتخب الاثر ص 470المحجه ص 174

18 . بحارالانوا ر؟ ج 51 ، ص 50 المحجه ص 208

سوره ملک

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای آب روان در زمین است (1) .

در قرآن آمده است : قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین (2) بگو اگر آب های سرزمین شما فرو رفت ، چه کسی برای شما آب روان می آورد؟

از امام رضا (ع) درباره این آیه سؤال شد ، حضرت فرمودند : " مأوکم یعنی ابوابکم " که مراد از آن امامان هستندکه هرکدام ابواب الهی بین او و خلق اویند (3) . اگر هرکدام از این درهای رحمت الهی بسته شود ، سرچشمه حیات معنوی انسان بسته می شود .

امام محمد باقر (ع) نیز در تأویل آیه محل بحث می فرماید : آین آیه درباره امام قائم (ع) نازل شده است . می گوید : اگر امامتان از شما غایب گردد و ندانیدکجاست چه کسی برای شما امام می فرستد که اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیاورد 0

سپس فرمود : سوگند به خدا ، تأویل این آیه نیامده و سرانجام خواهد آمد (4)

در روایتی است که عمار از پیامبر اکرم (ص

) سؤال کردکه مهدی کیست؟ حضرت فرمودند : ای عمار خداوند تبارک و تعالی با من پیمان بسته که از صلب حسین ، نه امام بیرون آورد ، و نهمین آن ها از مردم پنهان می شود 0 سپس همین آیه را تلاوت کردند و فرمودند : غیبتی طولانی دارد ، به گونه ای که گروهی از عقیده شان بر می گردند وگروه دیگر ثابت قدم می مانند 0 پس وقتی آخر الزمان شود ، خروج کند و دنیا را پر از قسط و عدل می کند ، همان طورکه از ظلم و جور پر شده است . بنابر این ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است و باطن آیه مربوط به امام علم و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی (5)

اما وجه تشبیه آب به امامان معصوم این است که همان طورکه آب رحمت الهی و مایه حیات مادی انسان ها است و بدون آب نمی توان زندگی کرد ، امامان معصوم نیز رحمت خداوند و وسیله ای برای وجود حیات روحانی انسان ها و سلامت جامعه اند .

به همین جهت در حدیثی است که ابو حمزه از امام صادق (ع) سؤال کرد : آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود : اگر زمین بدون امام باشد ، آن را فرو می برد (6) آب وسیله ای برای زدودن پلیدی های درونی و شرک و جهل وگناه اند 0 آب با فرو رفتن در زمین در آن ذخیره می شود تا با برنامه

ریزی دقیق موجودات زنده از آن بهره مند شوند . حضرت مهدی (ع) ، نیز با غیبت خود ذخیره ای برای جهانیان است تا با ظهور خود در موقع مناسب ، دنیا با بهره گیری از وجودشان ، راه تکامل و معنویت را پیش بگیرد و مردم به سعادت برسند 0

البته باید توجه داشت که آب پنهان در زمین ، بدون تلاش و تحمل رنج و زحمت به دست نمی آید . هرگاه انسان احساس تشنگی کند و در زمین ، آبی برای آشامیدن نیابد ، برای رسیدن به آب های زیرزمینی به حفر چاه و قنات می پردازد . ظهور حضرت مهدی (ع) نیز زمانی تحقق می یابدکه مردم مشتاق عدالت شوند و با تلاش خود مقدمات آن را فراهم کنند . در این میان فقط مؤمنان واقعی هستندکه فقدان وجود آن حضرت را احساس می کنند و تشنه وصال اویند . همچنان که امام رضا (ع) می فرماید : چه بسیارند مؤمنان اندوهگین و بسیار تشنه که هنگام فقدان آن آب روان غمناک هستند (7) .

1 . نجم الثاقب باب دوم

2 . سوره ملک 30

3 . بحار الانوار ج24ص100

4 . تفسیرنورا لثقلین ج 5؟ ص 387 .

5 . تفسیر نمونه ج24ص360

6 . کافی ، ج 1 ، ص 179 .

7 . بحار الانوار ج52ص289

سوره مائده

سفره آراسته به طعام را گویند .

در روایت است که وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، زیورهای بیت المقدس ، تابوت سکینه ، مائده بنی اسرائیل و را بیرون می آورد .

همچنین یک قفیز (1) از " من " که برای بنی اسرائیل فرود آمده بود بیرون می آورد ، در حالی که از شیر سفیدتر است (2)

هنگامی که یاران خاص عیسی (ع) گفتند : ای عیسی بن مریم آیا خدای تو می تواند ، خوانی را از آسمان بر ما فرود آورد ، عیسی (ع) گفت : از خدا بترسید و پس از آن همه آیات و بینات ، بهانه نگیرید . اگر به راستی ایمان آورده اید؟ گفتند : می خواهیم از آن بخوریم و دلهای مان یک جهت شود و بدانیم که تو در دعوی رسالتت به ما راست گفتی و بر آن گواه باشیم .

عیسی (ع) گفت : بار پررودگارا سفره ای را از آسمان فرو فرست که ما را و مردمان پس از ما را ، عید بود و از سوی تو نشانی باشد و تو بهترین روزی دهندگانی خداوند فرمود : من آن را به شما خواهم فرستاد ، ولی پس از آن ، اگرکسی کافرگشت وی را عذابی کنم که هیچ کس را آن چنان عذاب نکرده باشم (3) دانشمندان در این مائده اختلاف کرده اند که آیا فرود آمده یا نه " حسن " ومجاهد گفته اندکه نازل نشد و حواریون ، پس از آن که آن شرط سخت و سنگین را مترتب بر آن دانستند ، از خواسته خود دست برداشتند ، ولی صحیح آن است که مائده نازل شد اول بهدلیل این که خداوند فرمود : " انی منزلها " و وعده

خدا تخلف ناپذیر است ، دوم به دلیل دیگر اخبار مستفیضه که از پیامبر (ص) و تابعین در این باره آمده است 0 درکیفیت آن نیز اختلاف است .

از عمار یاسر از حضرت رسول (ص) آمده که آن مائده ، نان وگوشت بوده است .

ابن عباس گفته : حضرت عیسی (ع) به آنان گفت : سی روز روزه بدارید ، آن گاه هر چه از خدا بخواهید شما را می دهد . آنان روزه را به انجام رساندند و ملائکه ، هفت گرده نان و هفت ماهی آوردند و همه مردم از آن خوردند تا سیر شدند .

این قول از امام باقر (ع) نیز نقل است . قتاده گفته است که : هر صبح و شام ، آن مائده بر یاران عیسی (ع) نازل می شد (4)

ا . قفیر واحد وزن و معادل 90 رطل عراقی است

2 . الزام النا صب ، ج 2 ص 299 .

3 . سوره مائده ، 112 .

4 . معارف و معاریف ج 9 ص 3 .

سوره الرحمن

دو باغ سبز ر سیراب که از فرط سبزی به سیاهی می زند .

آَیه ای است از سوره مبارکه الرحمن .

یونس بن ظبیان می گوید : از امام صادق تأویل این آَیه را پرسیدم . فرمود : " باغ مای درخت خرما در عصر ظهور مهدی ، یا قبل از ظهور آَن حضرت بین مکه و مدینه به هم گسسته می شوند " . (1)

1 . امام مهدی

از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص 282

سوره الرحمن

دو باغ سبز و سیراب که از فرط سبزی به سیاهی می زند .

آَیه ای است از سوره مبارکه الرحمن .

یونس بن ظبیان می گوید : از امام صادق تأویل این آَیه را پرسیدم . فرمود : " باغ مای درخت خرما در عصر ظهور مهدی ، یا قبل از ظهور آَن حضرت بین مکه و مدینه به هم گسسته می شوند " . (1)

1 . امام مهدی از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص 282

مسبحات

عنوان دسته ای از سوره های قرآن کریم است که با تسبیح خداوند آغاز می شود .

این سوره ها عبارتند از : بنی اسرائیل ، حدید ، صف ، حشر, جمعه ، تغابن واعلی

اما م باقر (ع) در باب فضیلت این سوره ها فرمود : هرکس همه مسبحات را پیش از آن که بخوابد ، تلاوت نماید ، نمی میرد تا حضرت مهدی (ع) را درک کند و چنان چه مرد ، در پناه و همسایگی رسول خدا (ص) خواهد بود (1)

1 . ثواب الاعمال ص148 .

مهدی در قرآن

خداوند در قرآن کریم ، در آیات متعددی وعده تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام ، بسط دین اسلام ، غلبه آن بر همه ادیان ، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت و پیروزی حزب الله را داده است .

در این زمینه ، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده همه محققان امامیه ، کتب مستقلی درباره مهدی در قرآن نگاشته اند که از جمله آن ها کتاب

المحجه فی منزل القائم فی الحجه تألیف محدث و مفسر خبیر سید هاشم توبلی بحرانی است .

مؤلف در این کتاب ، یکصد و بیست آیه از آیات قرآن کریم را به استناد احادیث وارده ، بر امام مهدی (ع) تطبیق کرده است .

همچنین سید صادق شیرازی ، درکتاب " المهدی فی القرآن " یکصد و ده آیه از آیات قرآن را به استناد احادیث فریقین ، به امام مهدی (ع) تطبیق کرده است .

نیز علی اکبر مهدی پور درکتاب سیمای امام زمان

درآیینه قرآن ، یکصد و چهل آیه از آیات شریفه قرآن کریم را به استناد احادیث فریقین ، بر امام مهدی (ع) تطبیق کرده است .

علی دوانی نیز درکتاب " مهدی موعود " که ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار چاپ سنگی است ، در باب پنجم ، شصت و یک آیه از قرآن را که در روایات اهلبیت (ع) تأویل به ظهور امام زمان (ع) شده ، آورده است .

در نویدهای قرآن کریم ، چهار رکن اساسی برای کارنامه قیام مصلح جهانی بیان شده است :

1 . حکومت واحد جهانی بر اساس توحید ، به رهبری موعود قرآن ، تشکیل خواهد شد و اداره آن به دست مردم صالح و با ایمان واگذار خواهد گردید ، 2 . برنامه های عالی اسلامی و نظام کامل حکومت " الله " در سرتا سر جهان ، بدون کم وکاست ، اجرا می شود و همه احکام الهی به خود جامه عمل خواهد پوشید ، 3 . بیم و هراس توده مردم از بین خواهد رفت و آرامش و امنیت کامل در سراسرگیتی بر قرار خواهد گردید . همگان خدای یکتا را پرستش خواهند کرد و هرگونه شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد شد . (1)

ا . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 0197

سوره تکاثر

وقتی از امام هفتم تفسیر آیه " و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه ، (1) را پرسیدند ، فرمود : نعمت ظاهر ، امام ظاهر و نعمت

باطن ، امام غائب است .

پرسیده شد : آیا در میان شما کسی هست که غائب شود ، فرمود آری ، اوکسی است که شخصاً از دیدگان غائب می گردد ، ولی یادش از دل های مؤمنان نمی رود . او دوازدهمین ما ائمه است ، خداوند هر مشکلی را برای او آسان می کند و هرگردن کشی را به وسیله او سرکوب می نماید . . . " . (2)

علاوه بر این که وجود حضرت ، نعمت است ، آن چه از نعمت هاکه بندگان در آن غوطه ورند از نعمت های ظاهری و باطنی همه به برکت وجود شریف حضرت حجت (ع) است .

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ثم لتسئلن یوم عن النعیم ، (3) می فرماید : نعیم ما هستیم (4)

وجود امام ، عظیم ترین نعمت های الهی است ، زیراکه اصل سایر نعمت های ظاهری و باطنی است و از این جا است که در روایات آمده که همه مردم روز قیامت درباره نعیم مورد سؤال قرار می گیرند .

البته نعمت های آن حضرت در زمان ظهورش نیز ویژگی خاصی دارد . (5) چنان که اخباری در این باره وارد شده است .

پیامبر اکرم (ص) فرمود : امت من در زمان مهدی به نعمتی متنعم خواهند شدکه هیچ گاه به مثل آن متنغم نگشته اند . آسمان باران رحمتش را بر آن ها می بارد و زمین هیچ گیاهی را رها نمی کند ، مگر این که آن را

برآورد (6)

حضرت امیر (ع) در تفسیر آیه مبارکه : الم تر الذین بدلوا نعمه الله کفرا (7) آیا ندیدی آنان راکه نعمت الهی را به کفر بدل ساختند ، فرمود : ما آن نعمت هستیم که خداوند بر بندگانش عنایت کرده و به سبب ما رستگار می گردند آنان که روز قیامت رستگار می شوند (8)

پس خود حضرت مهدی (ع) نعمت است و از آن جاکه شکر نعمت واجب است ، شیعیان باید شکر نعمت حضرت را چنین به جا بیاورند : 01 شناخت قلبی و معرفت این نعمت والای الهی 2 . بیان کردن فضایل و نشر دلایل آن بزرگوار 03 صدقه دادن برای سلامتی وجود آن حضرت 4 . تقرب جستن به آستانه او با انجام دادن کارهایی که مورد پسند و مایه نزدیک شدن به درگاهش است 05 اهتمام به دعاهای خالصانه برای تعجیل فرج آن حضرت (9)

1 . سوره لقمان20

2 . مهدی موعود علی دوانی ص 199 .

3 . سوره تکاثر8

4 . تفسیر برهان ج4س503

5 . مکیال المکارم ، ج 1 ص 292 .

6 . بحار الانوار ج51ص83

7 . سوره ابراهیم 28

8 . اصول کافی ج1 ص 217

9 . مکیال المکارم ج1 ص 363

سوره شمس

از القاب حضرت و به معنی روز است .

شیخ فرات بن ابراهیم در تفسیر خود روایت کرده از امام باقر (ع) که فرمود : حارث اعور عرض کرد به امام حسین (ع) که : یابن رسول الله ا فدای تو شوم مرا از قول

خداوند " والشمس و ضحیها (1) خبر ده . فرمود : " وای بر تو ای حارث این محمد ، رسول خدا است " . گفتم : " فدایت شوم معنای قول خداوند والقمر اذا تلیها ، (2) چیست؟ " فرمود : " این امیرالمؤمنین ، علی ابن ابی طالب (ع) است که در پی محمَد (ص) آمده . " باز گفتم : " قول خداوند والنهار اذا جلیها (3) چیست؟ گفت : این قائم آل محمد (ع) است که زمین را از عدل و داد پر می کند و نیز در تفسیر علی بن ابراهیم روایت شده از امام باقر (ع) که فرمود : در آیه شریفه " والنهار اذا تجلی " (4) نهار " آن قائم از ما اهل بیت است که هرگاه بر خیزد ، بر دولت باطل غلبه می کند . . . "

ا . سوره شمس1

2 . سوره شمس 2 .

3 . سوره شمس 3 .

4 . سوره لیل ، 02

سوره های صف و زمر

از القاب حضرت مهدی (ع) است در روایات آمده است که در آیه شریفه ، والله متم نوره (1) یعنی به ولایت قائم (ع) و به ظهور آن حضرت ، و در آیه واشرقت الارض به نور ربها (2) مراد ، روشن شدن زمین به نور آن حضرت است .

در یکی از زیارات جامعه نیز در اوصاف آن حضرت می خوانیم : نور الانوار الذی تشرق به الارض عما قلیل

روایت شده از جابر بن عبدالله انصاری که گفت : در مسجد کوفه داخل شدم ، در حالی که امیرالمؤمنین (ع) با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم می فرمود . گفتم : " یا امیرالمؤمنین (ع) چه چیز شما را به خنده آورده است؟ " فرمود : " عجب دارم از آن که این آیه را می خواند ، ولی به حق ، به آن معرفت ندارد " .

گفتم : کدام آیه فرمود : الله نور السموات و الارض ، تا آخر مثل نوره کمشکوه ، ؟ " مشکوه " محمد (ص) است " فیها مصباح ، منم مصباح زجاجه الزجاجه " حسن و حسین (ع) هستند . کانهاکوکب دری " علی بن الحسین (ع) و " یوقد من شجره مبارکه " محمد بن علی (ع) است . ، زیتونه ، جعفر بن محمد (ع) است . " لا شرقیه " موسی بن جعفر (ع) است . " ولا غربیه " علی بن موسی الرضا (ع) است . " یکاد زیتها یضء ، محمد بن علی (ع) است . " لو لم تمسسه نار " علی بن محمد (ع) است " نور علی نور " حسن بن علی (ع) ست . و " یهدی الله لنوره من یشاء " قائم مهدی (ع) است (3)

در پاره ای از اخبار معراج آمده است که نور آن حضرت ، در عالم اظله میان انوار ائمه (

ع) مانند ستاره ای درخشان بود در بین سایرکواکب (4)

1سوره صف 8 .

2 سوره زمر69

3 نجم الثاقب باب دوم

4 . همان

نور الرب

به حضرت مهدی (ع) اطلاق می شود .

قرآن می گوید : واشرقت الارض بنور ربها . حدیث می فرماید : نور الرب ، حضرت حجت (ع) است و تحقق این آیه ، در وقت ظهور حضرت است .

نیز در ذیل آیه مبارکه یهدی الله لنوره من یشاء ، معصوم می فرماید : نوره مراد امام زمان (ع) است .

بنابراین وقتی هر دو آیه درباره حضرت حجت (ع) است ، یعنی در عصر ظهور حضرت ، " اشرقت الارض نور ربها " همه باید از این نور استفاده کنند ، اما در عصر غیبت این گونه نیست ، بلکه " یهدی الله لنوره من یشاء ، بعضی از نور حضرت استفاده می کنند و بایدکاری کردکه رمز من یشایی پیدا شود (1)

1 . برگرفته ازکلام آیت الله وحید خراسانی که در پایان کتاب " پیام امام زمان ، آمده است .

جوار الکنس

یعنی ستاره های سیاه که در برابر شعاع آفتاب پنهان می شوند . روایت است از امام باقر (ع) در تفسیر دو آیه شریفه : فلا اقسِمُ بالخنس الجوار الکنس که فرمود : مراد از آن ، امامی است که غایب شود در سنه 260 وسپس ظاهر شود مانند شهاب درخشان در شب تاریک . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

سور ه کهف

در باب فضیلت این سوره روایاتی آمده است 0 پیامبر اکرم (ص) فرمود : هرکس سوره کهف را بخواند تا هشت روز از هرگونه فتنه ای محفوظ می ماند ، واگر دجال در آن هشت روز خروج کند ، خداوند او را از فتنه دجال مصون می گرداند . (1) و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده که : هرکس ده آیه از سوره کهف را از حفظ بخواند ، فتنه دجال به او ضرری نخواهد رساند و هر که تمام سوره را بخواند ، داخل بهشت می شود (2) و در خبر دیگری از آن حضرت آمده که فرمود : شما را دلالت نکنم بر سوره ای که هنگام نزولش هفتاد هزار فرشته آن را مشایعت کردند که عظمت آن ها بین آسمان وزمین را پرکرده بود گفتند : چرا؟ فرمود : سوره اصحاب کهف هرکس روز جمعه آن را بخواند ، خداوند تا جمعه دیگر به اضافه سه روز او را می آمرزد ، و نوری بخشیده می شودکه تا آسمان می رسد واز فتنه دجال محفوظ خواهد ماند (3)

1 . مجمع البیان ، ج6

، ص 447 .

2 . همان .

3 . همان

غیب

از نام های حضرت مهدی است که در قرآن ذکر شده است .

روایت شده است از حضرت صادق (ع) که فرمودند : در آیه شریفه ، هُدیً للمتقین الذین یومنونَ بالغیب (1) متقین شیعیان علی بن ابی طالب (ع) هستند ، واما غیب ، او غایب است و شاهد بر این ، قول خداوند تبارک و تعالی است که فرمود : " می گویند چرا فرو فرستاده نشده برای او آیتی از پروردگارش پس بگو نیست غیب ، مگر خدای را . پس منتظر باشید (2) به درستی که من با شما از منتظرانم (3) یعنی بر آمدن آن غیب از آیات خداوندی است . در تفسیر آیه شریفه الذین یومنون با لغیب ، آمده است که غیب سه روز است : روز رجعت ، روز قیامت و روز قیام قائم (ع) (4) .

ا . سوره بقر2 و 3 .

2 . سوره یونس20 .

3 . نجم الثاقب ، باب دوم .

4 . الزام النا صب "ج 2؟ ص 340 .

ولی عصر

از القاب حضرت مهدی (ع) است . به حضرت ، ولی عصرگفته اند چون ولایت دارد بر " عصر " و زمان ، و مقدَم است بر زمان . پس حضرت بر خودِ زمان نیز امام است و نه فقط اثرپذیر نیست ، که تاثیر در زمان می کند .

در بعضی روایات آمده که منظور از عصر در سوره والعصر " عصر ظهور مهدی (ع) است که در آن

عصر ، حق بر باطل به طورکامل غلبه می کند . (1)

1 . تفسیر المیزان

اوصاف و القاب

ماء معین

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای آب روان در زمین است (1)

در قرآن آمده است : قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین (2)

بگو اگر آب های سرزمین شما فرو رفت ، چه کسی برای شما آب روان می آورد؟

از امام رضا (ع) درباره این آیه سؤال شد ، حضرت فرمودند : " مأوکم یعنی ابوابکم " که مراد از آن امامان هستندکه هرکدام ابواب الهی بین او و خلق اویند (3)

اگر هرکدام از این درهای رحمت الهی بسته شود ، سرچشمه حیات معنوی انسان بسته می شود .

امام محمد باقر (ع) نیز در تأویل آیه محل بحث می فرماید : آین آیه درباره امام قائم (ع) نازل شده است .

می گوید : اگر امامتان از شما غایب گردد و ندانیدکجاست چه کسی برای شما امام می فرستد که اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیاورد

سپس فرمود : سوگند به خدا ، تأویل این آیه نیامده و سرانجام خواهد آمد (4)

در روایتی است که عمار از پیامبر اکرم (ص) سؤال کردکه مهدی کیست؟ حضرت فرمودند : ای عمارا خداوند تبارک و تعالی با من پیمان بسته که از صلب حسین ، نه امام بیرون آورد ، و نهمین آن ها از مردم پنهان می شود

سپس همین آیه را تلاوت

کردند و فرمودند : غیبتی طولانی دارد ، به گونه ای که گروهی از عقیده شان بر می گردند وگروه دیگر ثابت قدم می مانند 0

پس وقتی آخر الزمان شود ، خروج کند و دنیا را پر از قسط و عدل می کند ، همان طورکه از ظلم و جور پر شده است .

بنابر این ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است و باطن آیه مربوط به امام علم و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی (5) اما وجه تشبیه آب به امامان معصوم این است که همان طورکه آب رحمت الهی و مایه حیات مادی انسان ها است و بدون آب نمی توان زندگی کرد ، امامان معصوم نیز رحمت خداوند و وسیله ای برای وجود حیات روحانی انسان ها و سلامت جامعه اند .

به همین جهت در حدیثی است که ابو حمزه از امام صادق (ع) سؤال کرد : آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود : اگر زمین بدون امام باشد ، آن را فرو می برد (6)

آب وسیله ای برای زدودن پلیدی های درونی و شرک و جهل وگناه ا ند 0 آب با فرو رفتن در زمین در آن ذخیره می شود تا با برنامه ریزی دقیق موجودات زنده از آن بهره مند شوند . حضرت مهدی (ع) ، نیز با غیبت خود ذخیره ای برای جهانیان است تا با ظهور خود در موقع مناسب ، دنیا با بهره گیری از وجودشان ، راه تکامل و

معنویت را پیش بگیرد و مردم به سعادت برسند 0 البته باید توجه داشت که آب پنهان در زمین ، بدون تلاش و تحمل رنج و زحمت به دست نمی آید . هرگاه انسان احساس تشنگی کند و در زمین ، آبی برای آشامیدن نیابد ، برای رسیدن به آب های زیرزمینی به حفر چاه و قنات می پردازد . ظهور حضرت مهدی (ع) نیز زمانی تحقق می یابدکه مردم مشتاق عدالت شوند و با تلاش خود مقدمات آن را فراهم کنند . در این میان فقط مؤمنان واقعی هستندکه فقدان وجود آن حضرت را احساس می کنند و تشنه وصال اویند . همچنان که امام رضا (ع) می فرماید : چه بسیارند مؤمنان اندوهگین و بسیار تشنه که هنگام فقدان آن آب روان غمناک هستند (7)

1 . نجم الثاقب باب دوم

2 . سوره ملک 30

3 . بحار الانوار ج24ص100

4 . تفسیرنورا لثقلین ج5 ص 387 .

5 . تفسیر نمونه ج24ص360

6 . کافی ، ج 1 ، ص 179 .

7 . بحار الانوار ج52ص289

مامور

از القاب آن حضرت است . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

ابن الحسین

احادیث بسیاری در باب نَسَب امام مهدی (ع) وارد شده که مشخص می گردد ایشان قطعاًاز نسل امام حسین (ع) ونهمین فرزند وی است . شیعه معتقد است که حضرت مهدی (ع) متولد شده ، نامش محمد است ، فرزند امام حسن عسکری (ع) ونهمین فرزند از نسل امام حسین (ع) است .

سلمان فارسی گفت : بر نبی اکرم (ص) داخل شدم و حسین را بر ران رسول خدا یافتم ، در حالی که حضرت چشمان و دهان او را می بوسید ، می فرمود : تو سرور ، پسر سرور ، و امام ، پسرِامامی ، تو پدر امامانی ، تو حجَت وپدر نه حجت خدایی که از نسل تو هستند ونهمین نفر آن ها ، قائم خواهد بود . (1)

ابو بصیر از امام باقر (ع) روایت می کندکه : نه امام پس از حسین بن علی (ع) وجود دارندکه نهمین آن ها قائم شان خواهد بود . " (2)

رسول اکرم (ص) در آَخرین روزهای زندگی ، با دست مبارک به شانه امام حسین (ع) زد و خطاب به حضرت زهرا (ع) فرمود : مهدی امت از نسل اوست . دنیا سپری نمی شود ، جز این که مردی از اولاد حسین (ع) به پا خیزد و جهان را پر از عدل کند ، چنان که

پر از ظلم وستم شده باشد (3) و در حالی که با دست مبارکشان به سوی امام حسن و امام حسین (ع) اشاره می کرد ، فرمود : مهدی امت از آن هاست . (4)

نظر به این که مادر امام باقر (ع) ، دختر امام حسن مجتبی (ع) است ، از این رهگذر امامان بعدی حسنی و حسینی هستند و حضرت مهدی (ع) نوه پسری امام حسین و نوه دختری امام حسن مجتبی (ع) است . (5)

ا . کمال لدین ج اص 262 الخصال ج 2 ص 475

2 . کافی ج ا ص 533 .

3 . منتخب الاثرص 99 ا الزام الناصب ص 52 عیون اخبارالرضا ج 2 ص 130 .

4 . بحارالانوار ج 51 ص 78 .

5 روزگار رهای ج 1 ص 73 .

ابو القاسم

کنیه حضرت مهدی (ع) است .

روایت است از رسول خدا (ص) که فرمودند : مهدی از فرزندان من است ، اسم او اسم من وکنیه اوکنیه من است . درتاریخ ابن خشاب ، روایت است از امام صادق (ع) که فرمود : خلف صالح ، از فرزندان من است ، اوست مهدی ، اسم او محمد است . کنیه او ابوالقاسم . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

ابو صالح

کنیه معروف حضرت مهدی (ع) است .

در میان عرب ها ، بلدی وبادیه نشین وپیوسته در توسلات واستغاثات خود ، آن حضرت را به این اسم می خوانند وشاعران وادیبان در قصاید و مدایح خود ذکر می کنند .

از امام صادق (ع) روایت است که فرمود : هرگاه گم شدی در راه نداکن یا بگو : یا صالح (ع) یا ابا صالح (ع) ارشدنا الی الطریق رحمکم الله و آورده اند که صالح ، اسم جنی است که سیر می کند در بلاد به جهت ارشادگم شده وحبس کردن حیوان فرارکرده؟ چنان چه در خصال ازامیرالمؤمنین (ع) روایت شده است (1)

بسیاری از منتظران ، با جمله یا ابا صالح المهدی از حضرت مدد می گیرند .

1 . بحار الانوار ج 52 ص 72 ا .

ابو ابراهیم

کنیه حضرت مهدی (ع) است (1)

1- نجم الثاقب باب دؤم

ابو الحسن

کنیه حضرت مهدی (ع) است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

ابوجعفر

روایت شده که کنیه حضرت مهدی (ع) است . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

ابو محمد

کنیه حضرت مهدی (ع) است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

احسان

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

احمد

از اسامی حضرت مهدی (ع) است .

شیخ صدوق در کمال الدین روایت کرده از امیرالمؤمنین (ع) که فرمود : بیرون می آید مردی از فرزندان من در آخر الزمان . . . برای او دو اسم است ، اسمی مخفی واسمی ظاهر ، اما اسمی که مخفی است ، احمد است . . . !.

درغیبت شیخ طوسی روایت شده از حذیفه که گفت : شنیدم رسول خدا (ص) راکه ذکر کرد مهدی را پس فرمود : بیعت می کنند با او میان رکن ومقام . اسم او احمد است وعبدالله ومهدی . در تاریخ ابن خشاب وغیره روایت است که آن جناب ، صاحب دو اسم است و ظاهراً مراد ، دو اسم مبارکرسول خدا (ص) باشد . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

أذن سامعه

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است 0 (1)

1 . نجم الثاقب باب دؤم .

ابو عبدالله

کنیه حضرت مهدی (ع) است .

گنجی شافعی درکتاب البیان " در احوال صاحب الزمان (ع) روایت کرده از حذیفه از رسول خدا (ص) که فرمود : اگرنماند از دنیا مگر یک روز ، هر آینه برمی انگیزاند خداوند ، مردی راکه اسم او اسم من است وخلق او خلق من ، کنیه او ابو عبدالله است وبیایدکه آن جناب ، مکنی است به کنیه جمیع اجداد طاهرین خود (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

امام زمان

امام به معنای پیشوا ومقتدا است ودر اصطلاح امامیه ، پیشوای معصوم ومنصوب از طرف خدا است که مقام ریاست عامه را دارا می باشد .

" امام زمان " ، متخذ ازکلمه صاحب الزمان است که در ادعیه وزیارات آمده است .

در زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح ، حضرت ولی عصر (ع) به آن زیارت می شود آمده است : اللهم بلغ مولای صاحبَ الزمان صلوات الله علیه . . .

حضرت آیت الله وحید خراسانی درباره کلمه " امام زمان " چنین می گوید :

اگر درباره اضافه شدن کلمه " صاحب وامام " به زمان اندیشه کنید و در این که آن حضرت ، جلوی زمان وپیش از زمان است وزمان ، پشت سر اوست فکرکنید ، تمام کمال معرفت را نسبت به حضرت مهدی (ع) پیدا می کنید . زیرا اصلاً هیچ تعبیری اَدَق از این تعبیر نیست واین تعبیر ، فقط نسبت به حضرت حجَت (ع) ودر خصوص آن حضرت است . اگرکسی عمق این مطلب

را بفهمد ، خواهد دانست که چرا امام زمان (ع) پیر نمی شود .

آن حضرت هم مقدَم برزمانیات است وهم مقدم بر زمان ، وامامت زمان ممکن نیست مگر آن که به سر حد تجرَدی برسدکه بتواند تمام زمان را امامت کند و آن چه همه فحول بشر را گیج کرده این است که او به مرحله تجردی است که تمام زمان را امامت می کند ودر عین حال ، متجسد است واجتماع این تجسد با آن تروُح ، و آن تروُح با این تجسد ، از خصوصیات حضرت حجت (ع) است . امام است برای زمان .

این مطلب که برای بعضی کوتاه فکران مشکل شده که چگونه است همه پیر می شوند و آن بزرگوار پیر نمی شود و چطور مرور زمان بر او اثری نمی گذارد ، که " ان الشمسَ وَالقمَرَ یبلیان کل جدید " حل می شود . زیرا وقتی شمس وقمر به آن جا می رسد خاموش می شود .

مقام آن حضرت مقامی است که به مجرد رسیدن شمس وقمری که یبلیان کلَ جدید به آن مقام این دو خاموش می شوند . او شمس و قمر راکهنه می کند ، اما شمس و قمر او را پیر و فرسوده نمی سازد .

این امامت در مرحله فعلیت ، بالنسبه به زمان ، نه تنها اهل زمان ، از مختضات حضرت حجت (ع) است وجز او برای احدی در عالم چنین مقامی نیست ، لذا آن حضرت ملقب است به صاحب الزمان ، پس وجود او مسیطر بر زمان است .

(1)

ا . برگرفته ازگفتاری که در پایان کتاب " پیام امام زمان " نوشته سید جمال الدین حجازی از حضرت آیت الله وحید خراسانی آمده است .

امان زمین

در نامه مبارک امام مهدی (ع) به اسحاق بن یعقوب " آمده است که : " . إنی أمان لِأهل الأرض ، کما ان النَجوم امان لِأهل السماء " (1) من مایه آرامش و امنیت زمینیان هستم ، همان گونه که ستارگان آسمان ، باعث امنیت آسمانیان هستند .

این تعبیر در سخنان پیامبرگرامی اسلام (ص) (2) ، امام سجاد (3) ، امام باقر (4) ، امام صادق (5) و امام رضا (ع) (6) نیز آمده است .

پیامبر (ص) فرمود : " ستارگان ، پناهگاه و مایه امنیت اهل آسمان ها هستند و خاندان من ، مایه امنیت برای امت من . (7)

ا . کمال ا لدین ، ج 2ص 485 غیبه طوسی ، ص 77 ا حتجاج طبرسی ج 2ص 471 .

02 بحار الانوار ، ج 27ص 9 30 . 3

3 . کمال الدبن ، ج 1ص 207 .

4 . همان ص 206 .

5 . همان ج 2 ص 205 .

6 . همان ص 2 0 02

7 . بحار الانوار ج 27 ص 309

امیر الامره

امیرالمؤمنین (ع) ، حضرت مهدی (ع) ، را به این لقب می خواندند .

فضل بن شاذان درکتاب " غیبت " روایت کرده از امام صادق (ع) ، که فرمودند : " . . . بیرون می آید دخال و مبالغه می کند در اغوا واضلال ، پس ظاهر می شود امیر امَره

وقاتل کفره وسلطان مأمول که متحیَر است در غیبت او عقول واو نهم از فرزندان تو است ای حسین ، که ظاهر می شود بین رکنین وغلبه می کند بر ثقلین (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

ایدی

از القاب حضرت شمرده شده است وظاهرا مراد از " ایدی " که جمع ید است ، به معنی نعمت باشد . (1)

استعمال کلمه " ید " به معنای نعمت ، در زبان عربی بسیار است .

1 . خصال صدوق ص 108 تفسیرصانی ج 4ص 225 .

بئر معطله

از القاب حضرت مهدی (ع) است .

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه (. . . و بئر معطله . . . (1) فرمود : این مثلی است جاری شده برای آل محمد (ع) , بئر معطله , چاهی است که از او آب کشیده نمی شود و منظور امامی است که غایب شده (2)

1 . سوره حج, 45 .

2 . نجم الثاقب , باب دوم .

باب الله

یکی از القاب حضرت مهدی (ع) " باب الله " است .

در زیارت آل یاسین می خوانیم : " السلام علیک یا باب الله و دیان دینه .

امام صادق (ع) می فرمایند : " جانشینان پیامبر ، همان ابواب خدایند ، درهایی که از طریق آنها می توان به حق رسید . اگر آنها نبودند ، خداوند شاخته نمی شد " . (1)

امام باقر (ع) نیز فرمود : " نحن حجه اله و باب الله (2) در دعای ندبه هم نسبت به امام زمان (ع) می خوانیم : " این باب الله الذی منه یوتی " ؟ کجاست آن باب اللهی که از طریق او می توان به خدا رسید .

باب الله یعنی چه؟ همان گونه که باب ودر وسیله ارتباط است که هرکسی بخواهد به طور صحیح وارد خانه ای شود ، باید از در وارد گردد ، این خاندان هم باب هستند وهرکسی می خواهد به خدا برسد و بهره ای ازکمالات ربانی ببرد ،

باید از طریق این خاندان قدم بردارد .

امروز در عالم هستی ، خدا یک باب دارد و آن وجود مقدس حضرت ولی عصر (ع) است که هر کس می خواهد به آن جا که باید برسد ، باید از این در وارد شود .

از آغاز عالم ، همه انبیای الهی واوصیای گرامی آنها ، باب الله بودند . در هر عصری و زمانی خدا دری گشود وبابی برای هدایت و وصول خلق باز نمود تا این که سرانجام ، مقام باب اللهی به آن وجود مقدس رسید 0 هر چند ، عصر غیبت است ، امَا باب الله برای اهل الله مفتوح است . (3)

1 . تفسیربرهان ، ج 1 ص 19 .

2 . همان

3 . نشریه موعود ، شماره 17 ، ص84 .

باسط

درهدایه و مناقب ، از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

به معنی فراخ کننده وگسترنده است وفیض آن حضرت چنان که خود فرمودند مانند آفتاب به همه جا رسیده وهر موجودی از آن بهره ور است ودر ایام حضور وظهور ، عدلش چنان منبسط وعام شود که گرگ وگوسفند با هم محشور شوند . (1)

نجم الثاقب , باب دوم .

برهان الله

اسم حضرت مهدی (ع) درکتاب انکلليون است (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

بقیه الانبیاء

از القاب حضرت مهدی (ع) است .

روایت شده از حکیمه خاتون که می فرماید : وقتی امام مهدی (ع) به دنیا آمد ، آن جناب را به نزد برادرم حسن بن علی (ع) آوردم ، پس با دست شریف ، روی پرنور او را مسح کرد و فرمود : سخن بگو ای حجه الله و بقیه الانبیاء ونور الاصفیاء . . . . . . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

بقیه الله

یکی از القاب معروف حضرت مهدی (ع) است .

بقیه الله یعنی بقیه وبازمانده خلفای خدا در زمین از انبیا واوصیا پاکسانی که خدا به وسیله آن ها بندگانش را باقی می دارد ومورد رحمت قرار می دهد .

واما ارتباط واختصاص این لقب شریف به آن وجود مقدس هر چند از بعضی احادیث استفاده می شود که این لقب بر همه خاندان رسالت (ع) اطلاق می شود وهمه آن ها بقیه الله هستند .

در زیارت جامعه به همه آن ذوات مقدس به این عنوان عرض سلام داریم : السلام علی الأئمه الدعاه والقاده الهداه والساده الولاه وأهل الذکر وأولی الأمر وبقیه الله وخیرته (1)

علاوه بر این جهت کلی ، در قسمتی از روایات این لقب شریف به خصوص به بعضی از ائمه (ع) نسبت داده شده است وخود را به عنوان بقیه الله معرفی نموده اند .

از جمله وقتی حضرت باقر (ع) از مسافرت پر ماجرای شام- که به الزام خلیفه مروانی صورت گرفته بود- مراجعت می نمودند ، نزدیک

مدْین که رسیدند مردم ، به دنبال سم پاشی های دستگاه خلافت ، دروازه ها را بسته مانع از ورود آن حضرت و همراهان به شهر شدند . حتی از فروختن آذوقه به آنان هم خودداری نمودند .

امام (ع) بالای کوهی که مشرف به شهر بود رفته وبا صدای بلند فریاد برآوردند : ای اهل شهری که ساکنانش ستم پیشه اند من بقیه الله هستم . خداوند می فرماید : بقیه الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید (2)

همچنین نجمه مادرگرامی حضرت رضا (ع) گوید : چون فرزندم به دنیا آمد ، پسر را در پارچه سفیدی پیچیده به دست پدر دادم . درگوش راستش اذان و درگوش چپش اقامه گفتند وکامش را با آب فرات برداشته به من برگرداند و فرمودند : بگیر او را . بدرستی که او بقیه الله عزوجل است در زمین (3)

با همه آن چه آوردیم ، در بسیاری از احادیث این لقب شریف به خصوص به حضرت صاحب الامر (ع) اطلاق شده و آن وجود مقدس خود را به این عنوان معرفی نموده وسایر بقیه الله ها حضرتش را به این نام نامیده اند . به حدی این لقب با آن سرور ارتباط نموده که به صورت لقب اختصاصی حضرتش درآمده است به طوری که تا بقیه الله گفته می شود جز آن بقیه الله منتظر به نظر نمی آید .

شاید سر مطلب این باشدکه این بقیه الله ، بقیه تمام بقیه الله هاست وپس از او دیگر بقیه اللهی نیست . هرکدام از

حجج الهیَه که از آغاز عالم آمدند ، گرچه بقیه الله بودند وخدا آن ها jĀبرای هدایت خلق باقی وبجا گذارده بود ، بعد از هر یک دیگری می آمد واگر بقیه اللهی از دنیا می رفت ، بقیه اللهی دیگر به جا می ماند واین رشته باقی بود . ولی آن وجود مقدَس ، بقیه ای است که پس از او دیگر بقیه ای نیست آخرین بقیه الله است . با آمدن او دیگر بقیه ای باقی نمانده است که بیاید .

در حدیث مفصلی از امیرالمؤمنین (ع) که متضمن سؤالات یکی از منکران نسبت به عده ای از آیات قرآن است این جمله یافت می شودکه سائل پرسید : می یابم که قرآن می گوید : بقیه الله بهتر است برای شما . این بقیه چیست وکیست؟ (4) امیرالمؤمنین (ع) فرمود : آنان اولیای خدا بقیهالله اند . مقصود مهدی (ع) است که در هنگام پایان پذیری این مهلت خواهد آمد و زمین را از عدل وداد پر می کند آنگونه که از ظلم وجور مملوگشته است از آیات ونشانه های او غیبت است وپنهانی آنگاه که طغیان گسترش گیرد و انتقام فرا رسد (5)

از حضرت صادق (ع) سؤال شد : آیا می شود به قائم آَل محمد به عنوان امیرالمؤمنین سلام کرد ؟ فرمود : نه . این اسمی است که خدا امیرالمؤمنین علی (ع) را به آن نامیده وقبل وبعد از او جزکافر به این نام نامیده نشود . (6)

راوی حدیث عرضه داشت

: فدای شما شوم پس به حضرتش چگونه باید سلام کرد؟ فرمود : بایدگفت : " السلام علیک یا بقیه الله " آنگاه آیه شریفه را تلاوت فرمود : ، بقِیت اللهِ خَیر لکم إن کنتم مُؤمِنِینَ ، (7)

همچنین خود آن وجود مقدس در سنین طفولیت خود را به این لقب معرفی نموده است .

آنگاه که جناب احمد بن اسحاق شرفیاب محضر امام یازدهم (ع) گردید واز حضرتش جویای خلیفه وجانشین پس از آن حضرت شد ، امام (ع) از جا برخاسته به اندرون رفتند وقتی بیرون آمدند ، نور دیده شان ، مهدی آل محمد (ع) که در سن سه سالگی بود وچهره اش چون ماه تمام و بدرکامل می درخشید- بر دوش شریفشان بود . فرمودند : ای احمد بن اسحاق ، اگر نه این بودکه در نزد خدا وحجج اوکرامتی داری ، این پسرم را به تو نشان نمی دادم . . . . حدیث به این جا می رسدکه جناب احمد عرضه داشت : آقای من ، آیا می شود آیت وعلامتی مشاهده کنم که دلم آرام گیرد وگواه امامت نور دیده تابان باشد تا این جمله را احمد بن اسحاق گفت ، ناگهان حجت سه ساله پروردگار ، لب به سخن باز نمود وبه زبان عربی فصیح فرمود : أنابقیه الله فی ارضه والمنتقم من اعدائه فلا تطلب اثرا بعد عین یا احمد بن اسحاق من بقیه الله هستم در زمین خدا وانتقام گیرنده از دشمنان او پس بعد از این که به سرچشمه رسیدی نشانه مجو (8)

ا . عيون ا خبارالرضا ج 2ص 273 .

2 . اصول كافى ج 1ص 471 - 472 .

3 . عيون اخبارالرضا ، ج 1 ص 20 .

4 . بحا رالانوارج 93ص 106

5 . همان ص119

6 . اصول كافى ج 1 ص 411- 412

7 . كمال الدين ص 384

8 . نشريه موعود شماره 21ص 546 . نجم الثاقب باب سوم

بلد الامين

يعنى قلعه محكم خداوند كه كسى را به وى تسلطى نيست .

ميرزا محمدرضا مدرس در جنات الخلود آن را از القاب حضرت مهدى (ع) شمرده است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

پسر انسان

كلمه پسر انسان ، هشتاد بار در انجيل وملحقات آن عهد جديد تكرار شده كه فقط سى مورد آن با حضرت عيسى قابل تطبيق است .

پنجاه مورد ديگر ، از نجات دهنده اى سخن مى گويد كه در آخر الزمان ظهور خواهد كرد .

عيسى نيز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد دادواز ساعت وروز ظهور او ، جز خدا كسى اطلاع ندارد واوكسى جز حضرت مهدى (ع) نيست . (1)

1 . قاموس كتاب مقدس مسترهاكس آمريكاى ، ماده پسر خواهر ، ص 219 .

تالی

در مناقب از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است (1)

1 . نجم الثاقب , باب دوم

تایید

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنی نیرو و قوت دادن است .

در " کمال الدین " روایت شده از امیرالمؤمنین (ع) که بعد از ذکر شمایل و نام های آن جناب ، فرمود : می گذارد دست خود را بر سرهای عباد ، ومؤمنی نمی ماند مگر آن که دلش سخت تر از پاره آهن می شود وخداوند به آن مؤمن ، قوت ونیروی چهل مرد می دهد (1)

1 نجم الثاقب , باب دوم .

تمام

از القاب حضرت حجت (ع) شمرده شده ومعنی آن واضح است ، زیرا آن حضرت در صفات حمیده وکمال وافعال وشرافت نسب ، شوکت ، حشمت ، سلطنت ، قدرت ورأفت ، تام وتمام است .

احتمال دارد که مراد از تمام ، متمم باشد ، زیرا به آن حضرت ، خلافت وریاست الهیه در زمین تمام می شود (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

ثائر

از القاب حضرت شمرده شده وبه معنی کینه خواه است که آرام نمی گیرد تا قصاص نماید 0

به آن حضرت ثائرگویند چون خواهد آمد تا مطالبه خون جد بزرگوارش بلکه خون جمیع اصفیا را بکند .

در دعای ندبه است که این الطالب بذحول الانبیاء این الطالب بدم المقتول بکربلا (1)

1 . نجم الثاقب , باب دوم .

جابر

به معنای درست کننده وشکسته بند ، از لقب های خاص حضرت مهدی (ع) است که فَرجش ، گشایش همه کارها وجبران کننده دل های شکسته و خرسندی همه قلوب پژمرده است . (1)

1 . نجم الثاتب باب دوم .

جعفر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

شیخ صدوق درکمال الدین روایت کرده از حمزه بن الفتح که گفت : مولودی ، برای ابی محمد (ع) زاده شد که امر فرمود به کتمان او .

حسن بن منذر از او پرسید که : اسم او چیست؟ ، گفت : نامیده شده محمد وکنیه گذاشته شد به جعفر .

ظاهرا مراد ، کنیه معروفه نباشد ، بلکه مقصود آن است که تصریح به اسم آن جناب نمی کنند ، بلکه تعبیر می کنند از او به کنایه به جعفر ، از ترس عمویش جعفر ، که شیعیان چون با یکدیگر سخن می گویند ، بگویند : دیدیم جعفر را ویا او امام است یا از او توقیع رسید و مانند این ها تا تابعان جعفر نفهمند ، مقصود کیست .

در غیبت نعمانی نیز دو خبر از امام محمد باقر (ع) است که در آن جعفر (ع) از القاب حضرت شمرده شده که کنیه گذاشته شد به عمری خود یا از او کنایه کنید به عمویش (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

جنب الله

از القاب حضرت حجت (ع) شمرده شده ودر تفسیر آیه شریفه یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله (1) رسیده که امام (ع) جنب الله است . (2)

1 . سوره زمر 56 .

2 . نجم الثاقب , باب دوم .

چراغ مخفی

تعبیری است که امام جواد (ع) درباره حضرت مهدی (ع) به کار برده است .

حضرتش می فرماید : " هنگامی که پسرم علی امام هادی (ع) از دنیا برود ، چراغی بعد از او آشکار شود وچراغ بعد از او مخفی گردد . وای به حال کسی که در حق او شک وتردید به خود راه دهد . . . (1) .

منظور از چراغ آشکار در این حدیث ، امام حسن عسکری (ع) است

1 . بحارالانوار ج ص 157 .

حامد

درکتاب هدایه از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

حجاب

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده و در زیارت آن جناب است : السلام علی حجاب الله الازلی القدیم (1) حجاب یعنی حائل و واسطه . چون حضرت ، واسطه فیض حق است ، حجاب نامیده شده است .

ا . نجم الثاقب باب سوم .

حجت

در لغت به معنای دلیل ، برهان راهنما است (1)

از القاب مشهور حضرت است که در بسیاری از ادعیه و روایات آمده است . با آن که در این لقب ، سائر ائمه (ع) شریکند و همه از جانب خداوند بر خلق حجت اند ، لکن این لقب چنان اختصاص به آن حضرت دارد که در روایات ، هر جا بی قرینه ذکر شود ، مراد حضرت مهدی (ع) است .

از امام علی النقی (ع) پرسیده شد که چگونه جانشین بعد از جانشین شما را یادکنیم؟ حضرت فرمود بگویید حجه آل محمد علیهم السلام (2)

در آیات متعددی از قرآن کریم کلمه " حجت " به کار رفته است مانند : رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون علی الله حجه بعد الرسلو کان الله عزیزا حکیما (3) و یا آیه قل فلله الحجه البالغه فلو شاء لهداکم اجمعین (4)

در روایات نیز ، " حجت " جایگاه خاصی دارد ، تا آن جاکه مرحوم کلینی در الکافی ، بخشی با عنوان " کتاب الحجه " آورده که در آن با بیان ده ها روایت ، ابعاد مختلف این موضوع روشن گردیده است .

حضرت علی (ع

) دربیان ضرورت وجود حجت های الهی می فرماید : لا تخلوا الارض من قائم لله بحجه . . . (5) زمین ، ازکسی که حجت خداست خالی نمی ماند .

امام هادی (ع) نیز می فرماید : ان الارض لا تخلو من حجه و انا و الله ذلک الحجه (6) زمین هرگز از حجت خالی نمی ماند و به خدا قسم من آن حجت هستم .

در دعاهایی که از ائمه علیهم السلام وارد شده نیز به دفعات به واژه حجت بر می خوریم : " اللهم عرفنی حجتک , فانک ان لم تعرفنی حجتک , ضللت عن دینی حال که با جایگاه حجت در معارف شیعی آشنا شدیم ، باید به وظایف خود در قبال حضرت مهدی (ع) به عنوان " حجت حی خداوند " بیشتر بیندیشیم . (7)

1 . لسان العرب ج 3 , ص 53 .

2 . نجم الثاقب , باب دوم .

3 . سوره نساء 165 .

4 . سوره انعام, 149 .

5 . نهج البلاغه, کمات قصار, ص 147 .

6 . کافی, ج 1, ص 179 .

7 . کمال الدین , ج 2 , ص 512 .

حجه الله

از القاب حضرت مهدی (ع) ذکر شده و به معنی غلبه یا سلطنت خدا بر خلایق است .

و این سلطنت به واسطه آن حضرت به ظهور خواهد رسید .

نقش انگشتر آن حضرت انا حجه الله است و به روایتی انا حجه الله و خالصته و به همین مهر ، روی زمین

حکومت می کند . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم 0

حجت پنهان

در روایات آمده است که زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود و حجت ، یا ظاهر و یا پنهان خواهد بود (1)

همین عبارت از امیر مؤمنان ، امام باقر و امام صادق (ع) نیز وارد شده است . (2)

امیر مؤمنان (ع) فرمود : بار خدایا همواره باید حجتی در روی زمین باشد که بندگانت را به سوی دین تو رهنمون شود . . . حجت تو ، یا ظاهر خواهد بود که اطاعت نخواهد شد ، و یا از دیده ما غائب بوده که انتظارش را خواهند کشید . (3)

حضرت ولی عصر (ع) نیز در نامه ای که به سفیر اول خود برای او و شیعه در توضیح امر خدا و ثبات قدم به حق مرقوم فرموده اند چنین می فرماید : مگر نمی دانند که زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود؟ یا ظاهر و آشکار ، و یا غائب و پنهان (4) بر طبق این احادیث ، منظور از حجت پنهان ، امام غائب و حضرت ولی عصر (ع) است 0

1 . منتخب الاثر, ص 270 ؛غیبه نعمانی, ص 7 غیبه طوسی , ص 132 ؛ بحار الانوار, ج 2 , ص 92 .

2 . روزگار رهایی , ج 1 , ص 72 .

3 . غیبه نعمانی , ص 68 .

4 . بحار الانوار, ج 53 , ص 191 .

انگشتری حضرت

نقش نگین انگشتری حضرت مهدی (ع) أنا حجه الله است وبه روایتی أنا حجه الله و

خاصته می باشد که به همین مهر ، روی زمین حکومت می کند (1)

به نقل کفعمی ، عبارت انگشتری حضرت ، أنا حجه الله و خاصته " است 0 (2)

ا . نجم الثاقب باب دوم

2 . اعیان الشیعه ج 2 ص 44 .

حق

از القاب حضرت شمرده شده است .

امام باقر (ع) فرمود : تعبیر به صیغه ماضی در آیه شریفه قل جاء الحق . . . ، به جهت تاکید وقوع آن است آن چنان که گویی واقع شده است 0

در زیارت حضرت هم هست که : " السلام علی الحق الجدید " . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

حمد

درکتاب هدایه از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

خاتم الائمه

از القاب حضرت شمرده شده است (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

خاتم الاوصیاء

از القاب مشهورحضرت است و آن حضرت خود را به همین لقب شناساند .

خادم حضرت عسکری (ع) گفت : داخل شدم بر حضرت صاحب الزمان (ع) پس به من فرمود : ای طریف سندل سرخ برای من بیاور " آن را برای حضرت آوردم . فرمود : مرا می شناسی؟ " گفتم : آری . فرمود : من

کیستم گفتم : تو مولای من وپسر مولای منی فرمود : این را از تو سؤال نکردم

گفتم : فدای توشوم ، بیان کن برای من آن چه را اراده کردی . فرمود : " منم خاتم الاولیاء به سبب من ، خداوند بلا از اهل من وشیعیان من برمی دارد (1)

خاتم به معنای چیزی است که به وسیله آن ، پایان داده می شود ونیز به معنی چیزی آمده است که با آن ، اوراق ومانند آن را مهر می کنند دراقرب الموارد " و قاموس کلمه خاتم- به کسرتاء وفتح آن- به معنی انگشتر ، آخر قوم ، عاقبت شیء وغیره آمده است .

در مجمع البحرین می گوید : خاتم النبیین " یعنی آخرین پیامبران که پس از وی پیغمبری نخواهد بود .

این که به حضرت مهدی (ع) خاتم الاوصیاءوخاتم الائمه گویند یه این جهت است که او آخرین نفر از سلسله امامان است وپس از او امامی نخواهد بود .

ا . نجم الثاقب باب دوم .

خازن

از القاب حضرت شمرده شده است (1)

ا . نجم ا لثاقب باب دوم

خلف صالح

خلف وخَلَف صالح از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

روایت شده ازامام رضا (ع) که فرمود : خلف صالح از فرزندان ابی محمد ، حسن بن علی است واوست صاحب الزمان و اوست مهدی نیز روایت کرده از حضرت صادق (ع) که خلف صالح از فرزندان من است .

اوست مهدی اسم او محمد است وکنیه او ابوالقاسم خروج می کند در آخر الزمان ومراد از خلف ، جانشین است و آن حضرت ، خلف جمیع انبیاء واوصیای گذشته است وجمیع علوم وصفات و حالات وخصایص آن ها را

دارد ومواريث الهيه ، كه از آن ها به يكديگر مى رسد وهمه آن ها ، در آن حضرت ودر نزد او جمع بود . (1)

در حديث لوح معروف كه جابر در نزد صديقه طاهره (ع) ديد بعد از ذكر عسكرى (ع) آ مده است كه : آن گاه كامل مى كنم اين را به پسر خلف اوكه رحمت است براى جميع عالميان بر اوست كمال صفوت آدم ورفعت ادريس وسكينه نوح وحلم ابراهيم وشدت موسى وبهاء عيسى وصبر ايوب . (2)

در حديثى كه امام صادق (ع) از حضرت مهدى (ع) به عنوان خلف صالح ياد كرده است .

ممكن است كسى خيال كند كه امام صادق (ع) فرزند بلافصل خود را قصد كرده است

ولى روايات صريح وارده از آن حضرت و امامان پيشين

، آن را توضیح می دهدکه منظورنواده ششم آن بزرگوار است .

ا . مروج الذهب ، ج 4 ص 5 شیعه در اسلام علامه طباطبایی ، ص 26 .

02 منتخب الاثرص 214

3 . روزگارهایی ج 1 ص96 .

خلیفه الاتقیاء

از القاب حضرت شمرده شده است .

روایت شده از حکیمه خاتون که می گوید : پس از تولد حضرت آن جناب را آوردم به نزد برادرم حسن بن علی (ع) پس با دست شریفش ، روی پر نوراو رامسح کردو فرمود : سخن بگو ای حجه الله ، بقیه انبیاء خاتم اوصیاء ، صاحب کره بیضاء ، مصباح از دریای عمیق شدید الضیاء ، سخن گوی ای خلیفه اتقیاء ، نور اوصیاء . . . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم0

خلیفه الله

از القاب حضرت شمرده شده وبه معنی جانشین خداوند است .

در زیارت آل یاسین می خوانیم : " السلام علیک یا خلیفه الله وناصر حقه .

پیامبر اسلام (ص) فرمود : خروج می کند مهدی وبر سر او ، ابری است ودر آن منادی ای ندا می کند این مهدی ، خلیفهالله است او را پیروی کنید واژه خلیفه بر معانی متعددی آمده است ، از جمله : به معنای کسی است که درکاری به جای دیگری قرارگیرد ووظیفه او را انجام دهد به معنای امام راستین وپیشوای والایی است که برتر از او نیست ، 3 . به معنای بزرگترین فرمانروا وپرشکوه ترین زمامدار است .

حضرت مهدی (ع) در فرازی از نخستین سخنرانی خود پس از ظهور می فرماید : " انا بقیه الله وخلیفته "

به راستی حضرت مهدی (ع) ، همان خلیفه باقی مانده ای است که قرآن شریف نیز به اواشاره دارد که : إنی جاعل فی الأرض خلیفه (1)

امام مهدی (

ع) خلیفه خدا به مفهوم حقیقی وجامع کلمه است وهمه معانی واره خلیفه را داراست .

خداوند او را جانشین پیامبر (ص) قرار داده واو برگزیده خداست ، نه منتخب مردم . خداوند او را به خلافت انتخاب نموده واز او خواسته است که برای هدایت انسان ها به دین صحیح وسالم آسمانی واداره امور بلاد وعباد را صلاح بشریت وفراهم آوردن تمامی وسایل وامکانات نیکی ونیک بختی بشر ، قیام کند وجهان را سرشار از امکانات و وسایل مادی و معنوی برای سعادت بشریت سازد .

ا . سور ه بقره ، 30

خلیل

از القاب آن حضرت شمرده شده است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

دابه الارض

ازالقاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده وخروج آن از علائم آخر الزمان است .

امیر المومنین (ع) فرمود : آگاه باشید قسم به خداوند که دابه الارض انسان است (1)

این واژه ، متخذ از آیه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض (2) می باشد .

این آیه وسه آیه بعد از آن از واقعه هولناکی که در آینده به وقوع می پیوندد خبر می دهند .

معنی ظاهر آیه این است : هنگامی که مردم مستوجب عذاب شدند و دوران مهلت پایان پذیرفت جانوری جنبنده ای رااز زمین بیرون می آوریم که با آن ها سخن می گوید که مردم به آیات ما یقین نمی آورند مشهور میان شراح حدیث و اغلب مفسران ، این است که دابه الارض از علامات قیامت است ، یا نخستین علامت است که کوه صفا منشق می شوددر

اخبار شیعه ، مکرر آمده که دابه الارض از نشانه های قیامت است وامیر المومنین علی (ع) است

در بیشترکتب حدیث اهل سنت آمده که دابه الارض ، همان صاحب عصا و میسم آلت شانگذار است منظور از عصاعصای حضرت موسی (ع) است که در دست آن حضرت خواهد بود

میسم به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چارپایان داغ می زنند ونشان دار می کنند ، چنان که در آخرت ، امیر مؤمنان قسیم الجنه و النار هستند ، در رجعت نیز دوست

و دشمن را از یکدیگر جدا می کنند وبر روی بینی دشمنان مهر باطله می زنند . (3)

در حدیثی آمده که در روز سوم ورود حضرت مهدی (ع) به بیت المقدس ، دابه الارض خارج می شود (4)

از نظر روایات اهلبیت عصمت وطهارت هیچ تردیدی نیست که منظور از دابه الارض رجعت وجود مقدس حضرت علی بن ابی طالب (ع) می باشد که احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم : امام باقر (ع) از حضرت علی نقل می کنند که فرمود : من تقسیم کننده بهشت و دوزخم ، کسی وارد آن ها نمی شود جز بر اساس تقسیم من . من فاروق اکبر من پیشوای آیندگانم . من گزارشگرگذشتگانم . جز رسول اکرم (ص) کسی بر من پیشی نمی گیرد . او ومن دریک صراط مستقیم ، جز اینکه این صراط به نام اوست .

به من شش فضیلت داده شد : ا . علم منایا وبلایا ووصایا به من داده شد 20 . سخن فصل جدا کننده حق وباطل به من عطا شد . 3 . من صاحب رجعت ها هستم . 4 . فرمانروائی کل به من عطا شده 50 . من صاحب عصا ومیسم هستم 60 . من دابه الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت (5)

امام صادق (ع) می فرماید : روزی رسول اکرم (ع) وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیر مؤمنان (

ع) شن های مسجد را زیر سرش بالش کرده و خوابیده است .

با پای مبارک شان او را حرکت دادند و فرمودند : " ای دابه الارض برخیز یکی از اصحاب گفت : ای رسول گرامی آیا ما همدیگر را با این نام بخوانیم فرمود : نه ، به خدا سوگند که این نام به او اختصاص دارد . او همان دابه الارض است که خدای تبارک وتعالی درکتابش فرموده : " چون سخن بر آن ها فرود آید جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم وبرای مردم سخن می گوید که مردم به آیات ما باور نمی کردند . سپس خطاب به علی (ع) فرمود ای علی چون آخر الزمان فرا رسد خداوند تو را در زیباترین صورتی ظاهر می سازد ودر دست تو میسمی آهنی هست که دشمنانت را با آن علامت می گذاری (6) (

رسول اکرم (ص) در وصف " دابه الارض فرمود : " تیز پائی به او نمی رسد ، فرارکننده ای از او فوت نمی شود . مؤمن را نشان مؤمن ، وکافر را نشان کافر می زند . عصای حضرت موسی وانگشتر حضرت سلیمان با اوست . (7)

امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که در شب معراج گفته شد : " ای محمد ! علی اول است ، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است علی آخر است ، زیرا اوآخرین امامی است که روحش را قبض می کنم . او همان دابه است که

با مردم سخن می گوید (8)

رسول اکرم (ع) در ضمن حدیث مفضلی می فرماید که دابه الارض " سه بار ظاهر می شود

و هر سه را بیان می فرماید . (9)

از محضر امیر مؤمنان در مورد " دابه الارض " پرسیدند ، فرمود به خدا سوگند ، آن جنبنده ای نیست که دم داشته باشد ، بلکه جنبنده ای است که ریش دارد " (10)

امیر مؤمنان در ضمن خطبه مفصلی که در مورد " دجال " ایراد فرموده است ، بعد از شرح کشته شدن دجال می فرماید " پس از آن طامه کبری است اصحاب پرسیدند : " طامه کبری " چیست؟ فرمود " " خروج دابه الارض است که در نزدیکی صفا ظاهر می شود0 انگشتر حضرت سلیمان وعصای حضرت موسی در دست اوست . . . هنگامی که سرش را بلند می کند همه کسانی که در میان مشرق ومغرب هستند به قدرت الهی او را می بینند . و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام درِ توبه بسته می شود .

از بررسی روایات اهل سنت استفاده می شود که از نظر آن ها نیز ، روایات بسیار مشابه روایات شیعه است ، جز این که به رجعت وبه نام مقدس حضرت علی (ع) تصریح نکرده اند ، ولی غالب نشانه ها یکی است .

اینک فهرست نشانه ها یکی که در احادیث اهل سنت در مورد " دابه الارض " آمده است : 1 . برای دابه الارض سه خروج است

(11) اولین نشانه ، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابهالارض (12) خروج دابه الارض از مسجد الحرام است . (13) خروج دابه الارض از نزدیکی صفا است . (14) انگشتر حضرت سلیمان وعصای حضرت موسی در دست اوست 0 (15)

سه بار بانگ برمی آورد وهمه مردم مشرق ومغرب آن را می شنوند (16)

چون دابه الارض خارج شد در توبه بسته می شود . (17)

دابه الارض مؤمن وکافر را نشان می گذارد که برای همه شناخته می شوند . (18)

طلوع خورشید از مغرب ملازم خروج دابه الارض است ، هرکدام از آن دو جلوتر واقع شود ، آن دیگری به دنبال آن واقع می شود 0

خروج دابه الارض یکی از اشراط ساعه دهگانه ای است که بیش از قیامت بدون تردید تحقق خواهند یافت .

از بررسی احادیث ، به این نتیجه می رسیم که روایات اهل سنت در مورد " دابه الارض (ع) دقیقا با روایات شیعه منطبق است .

جز این که تصریح نکرده اند که منظور از آن مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) می با شد . (19)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

2 . سوره نمل 82 .

3 . معارف ومعاریف ج 5 ص 315 .

4 . بحار الانوار ج 53 ص 127 .

05 تفسیر بر هان ج 3 ، ص 209نور الثقلین ج 4 ، ص 97 تفسیرصافی ج 4 ، ص 75 .

6 . بحارالانوار ج

39 ص 243 تفسیرقمی ص 479 ثفسبر صافی ج 4 ، ص 674 نورالثقلین ، ج 4 ، ص 98 نفسیر برهان ج 3 ، ص 209 .

7 . بحا والا نوار ج6 ص 300 جمع البیان ، ج 7 ص 234 نورالثقلین ، ج 4 ، ص 98 تفسیر صافی ج 4 ص 75 .

8 . بحار الانوار , ج 40 , ص 38 و بصائر الدرجات , ص 150 .

9 . نورالثقلین ، ج 4 ، ص 99 مبمع البیان ، ج 7 ، ص 234 و بحار الانوار] ج 6 , ص 300 .

10 . تفسیرتبیان ، ج 8, ص 119 و نور الثقلین , ج 4 ص 98 .

11 . بحار الانوار , ج 52 , ص 194 ؛ تفسیر صافی , ج 4 , ص 75 و کمال الدین , ج 2 ص 527 .

12 . تفسیرکشاف ج 3 ص 374عقدالدرر313و تفسیرالدر المنثور, ج5 ص 116 .

13 . عقد الدرر , ص 313 و سنن ابن ماجه , ج 2 , ص 1353 .

14 . مستدرک حاکم , ج 4 , ص 484 ؛ عقد الدرر , ص 314 و کشاف , ج 3 ص 384 .

15 . الدر المنثور, ج 5 , ص 115 ؛ عقد الدرر , ص 315 و کشاف , ج 3 , ص 384 .

16 . کشاف , ج 5 , ص 384؛ الدر المنثور , ج 5 ص 116 ؛ عقد الدرر , ص 316 و سنن ترمذی , ج 5 , ص

. 340

17 . عقد الدرر, ص 315 و الدر المنثور , چ 5 , ص 117 .

18 . کنز العمال , ج 14 , ص 258 ؛ صحیح مسلم, ج 1ص 138 و عقد الدرر, 322 .

19 . رجعت محمد خادمی شیرازی ، ص65 .

داعی

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

به معنای دعوت کننده است و آن حضرت ، بندگان را از جانب خداوند به سوی خداوند دعوت میکند وحضرت ، دعوت خود را به آن جا می رساندکه دینی مگر دین جد بزرگوارش در دنیا نباشد (1)

1نجم الثاقب باب دوم .

رَب الارض

یکی از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

در تفسیر آیه شریفه ، و اشرف الارض بنورربها (1) امام صادق (ع) فرمودند : مربی زمین ، امام زمان است و به نور حضرت مهدی (ع) ، مردم از نور آفتاب و ماه مستغنی می شوند . (2)

1 . سوره زمر 79 .

2 . نجم الثاقب باب دوم .

رجل

از القاب رمزی حضرت مهدی (ع) شمرده شده است که شیعیان ، آن حضرت را به این اسم می خوا ند ند (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

ساعه

از القاب حضرت شمرده شده است .

امام صادق (ع) ساعه در آیات شریفه یَسئلونَک عَنِ السَاعَهِ ایانَ مرسیها (1) وَ عِندَ علم الساعَه (2) و هَل ینظرون الساعَه " (3)

و . . . َ ما یُدریکَ لعَل الساعَهألا اِن الذین َ یُمارُونَ فِی الساعَهِ لفی ضَلالٍ بَعید (4) را به حضرت مهدی (ع) تأویل کرده اند .

سؤال کردند : معنی یمارون چیست؟ فرمود : " مجادله می کنند و می گویند کسی متولد شد وچه کسی او را دیده وکجاست وچه وقت ظاهر می شود؟ همه این ها به سبب عجله کردن در امر الهی و شک در قضا ودخالت در قدرت خداست

وجوه مشابهت آن حضرت با ساعه قیامت بسیار است ، ازآن جمله اند : ناگهانی اتفاق می افتند ، در بسیاری علامات شریکند ، مؤمن ازکافر شناخته می شود ، جباران هلاک می شوند ، خداوند برای آنها وقت معین در نزد انبیاء وملائک قرار نداده است و همه پیامبران به آمدن آنها خبر داده اند . امام حسن مجتبی (ع) از رسول خدا (ص) پرسید : " قائم ما اهل بیت کی خروج می کند؟ حضرت فرمود ای حسن جز این نیست که مَثَل او ، مثل روز قیامت ساعه است که خداوند علم آن را بر

اهل امت مان وزمین پنهان داشته است ونمی آید مگر ناگاه وبی خبر " (5)
سال فرد

در روایات است که حضرت مهدی (ع) در یکی از سال های فرد ظهور می کند؟ سال هایی چون یک ، سه ، پنج ، هفت یا نُه (6) .

1 . سوره اعراف 187

2 سوره زخرف 85

3سوره زخرف 66 .

4 سوره شوری 17و18

5 . نجم الثاقب باب دوم

6 کشف الغمه ج 3ص 534بحار الانوار ج 52ص235

سبیل

ازالقاب حضرت شمرده شده است . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم

سدره المنتهی

از القاب حضرت شمرده شده است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

سلطان مامول

یکی از القاب حضرت شمرده شده است .

امام صادق (ع) فرمودند : بعد از ذکر جمله ای از فتن وحروب و آشوب ها ، دجال بیرون می آید و درگمراهی مردم بسیار می کوشد . پس ظاهر می شودامیر آمَره وقاتل کفره وسلطان مأمول که عقول در غیبت او متحیر است .

امام جعفر صادق (ع) فرمودند : وکسی است که خداوند تعالی ، اطاعت او را پس از انبیاء و مرسلین ، بر جمیع آدمیان وجنیان واجب کرده است 0

او سلطانی است پس از سلطانی ، تاآن که منتهی شود به سلطان دوازدهم . (1)

01 نجم الثاقب باب دوم .

سنا

از القاب حضرت شمرده شده است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

سید

از القاب حضرت شمرده شده است .

کنیزکی که علی خیزرانی او را به امام حسن عسکری (ع) هدیه کرده بود گفت : " چون سید حضرت مهدی (ع) متولد شد ، از او نوری ساطع بود که تا آسمان می رسید ، مرغان سفیدی فرود آمدند وبال خودرا برسر ورو وسایر بدن حضرت مالیدند و آن گاه پروازکردند .

جریان را به امام حسن (ع) خبر دادیم ، خندید و فرمود : آن ها ملائکه آسمان بودند ، نازل شدندکه به او متبرک شوند0 (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

شرید

از القاب حضرت وبه معنی رانده شده است 0

یعنی رانده شده از خلایق ، چون حضرتش را نشناختند ، قدر نعمتِ وجودش را ندانستند ، ذریه طاهره اش راکشتند و حتی ادلّه بر اصلِ نبودن و نفیِ تولدش اقامه کردند .

آن حضرت به ابراهیم بن علی مهزیار فرمود : پدرم به من وصیت نمودکه در زمین منزل نگیرم مگر جایی که از همه جا مخفی تر ودورتر باشد ، به

جهت پنهان کردن امر خود ومحکم کردن محل خود از حیله دشمنان وگمراهان . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

شیخ الاوصیاء

به حضرت قائم (ع) نسبت می دهند به جهت عمر طولانی اش وبه حضرت نوح شیخ الانبیاءگفته اند چون دو هزار وپانصد سال عمرکرد (1)

1 . مکیال المکارم ج 1 ، ص 199

صاحب الزمان

ازالقاب مشهور حضرت است ودر ادعیه وزیارات واحادیث مختلف آمده است .

در زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح ، حضرت مهدی (ع) به آن زیارت می شود آمده است : " اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات اله علیه . . .

در احادیث فراوانی که از اهل بیت (ع) رسیده نیز عنوان صاحب الزمان به حضرت مهدی (ع) اطلاق شده است .

امام صادق (ع) فرمودند : اِن الغیبه ستقع بالسادس من ولدی و هو الثانی عشر من الائمه الهداه عد رسول الله (ص) اولهم امیر المومنین علی بن ابی طالب وآخرهم القائم بالحق بقیه الله فی ارضه و صاحب الزمان . . . .

یعنی : زود است که ششمین فرزند من غایب شود واو دوازدهمین امام هدایتگر بعد از رسول خدا (ص) است که نخستین ایشان ، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) است وآخر آن ها قائم به حق بقیه خدا در زمین وصاحب زمان است (1)

از طریق عامه نیز روایات بسیاری نقل شده که در آن ها حضرت ، با لقب صاحب الزَمان نام برده شده است . از جمله قندوزی حنفی در جزءدوم کتاب ینابیع المَوَده صفحه513 ، حدیثی را به واسطه عبدالله بن مسکان از حضرت باقر وحضرت صادق

وحضرت کاظم (ع) نقل کرده که قسمت آخر حدیث چنین است . . . حتی ینتهی الی صاحب الزمان المهدی (ع)

. نخستین کتابی که از طرف علمای اهل سنت در حق حضرت مهدی (ع) نگارش یافته ، کتاب صاحب الزمان است که آن را ابو العنبس کوفی نوشته است . (2)

1 . کمال الد ین باب 33 ، ص 342

2روزگار رهایی ج ا ص 15

صاحب العصر

از القاب حضرت است ودر شهرت مثل صاحب الزمان است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

صاحب الدار

از القاب خاصه آن حضرت است .

حضرت در جایی فرموده است : اَنا صاحب الدار (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

صاحب الدوله الزهراء

ازالقاب حضرت شمرده شده است . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

صاحب الرجعه

ازالقاب حضرت (ع) شمرده شده است (1)

شاید بدین جهت گفته اند که حضرت سنت پیامبراسلام (ص) را بازگردانده واحیاء می کند وشاید هم به جهت این است که رجعت ، پس از قیام او صورت می گیرد والله العالم .

ا . نجم الثاقب باب دوم .

صاحب السیف

در بعضی روایات از حضرت مهدی (ع) به صاحب السیف تعبیر شده است (1)

در شباهت های حضرت مهدی (ع) به انبیاء ، شباهت حضرت را به پیامبر (ص) ، قیام با شمشیر ذکر کرده اند0 (2)

شخصی به نام ابو خدیجه از امام صادق (ع) راجع به امام قائم (ع) پرسید ، فرمود : همه ما قائم به امر خداییم . یکی پس از دیگری ، تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید وچون صاحب شمشیر آمد ، امر و دستوری غیر از آن چه بوده می آورد . (3)

یعنی پدرانش مأمور به تقیه وصبر بودند ولی او مأمور به جهاد وبرانداختن ستم است 0

ا . بحارالانوارج 52 ص 354 و 355 .

2 . همان ج 51ص 218 .

3 . اصول کافی ، ج1 ص536 .

صاحب الغیبه

یکی از القاب معروف حضرت است .

زیاد بن صلت گفت : شنیدم امام رضا (ع) فرمود : قائم ، مهدی ، پسر پسر من ، حسن ، است؟ جسمش دیده نمی شود واسمش را احدی نمی برد مگر پس از غیبت او . .

گفتم : " ای سید ما اگر بگوییم صاحب الغیبه وصاحب الزمان چه؟ فرمود : همه این ها مطلقاَ جایز است ، اما من شما را از تصریح به اسم مخفی او نهی می کنم تا دشمنان او را نشناسند . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

صاحب الناحیه

ازالقاب حضرت است

وبر امام حسن وامام هادی (ع) نیز اطلاق می شود .

آورده اندکه ناحیه هر مکانی است که صاحب الامر (ع) در غیبت صغری در آن جا بوده (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

صاحب سرداب

گروهی آغاز غیبت امام زمان (ع) را از زمانی می دانند که مأموران خلیفه به منزل حضرت در سامرا ، هجوم آوردند تا وی را دستگیرکنند وحضرت در آن هنگام ، در سرداب رفت و همان جا ، از دیده ها پنهان شد وتاکنون در آن جا بدون آب و غذا زندگی می کند و روزی از آن جا ظهورخواهد کرد .

این داستان چنان شهرت یافته که حضرت را " صاحب سرداب " لقب داده ا ند . .

در پاسخ این سخنان بایدگفت : در منابع شیعی ، هیچ نامی از سرداب نیست نویسندگان اهل سنت در نوشته های خود بر این نظر اسرار می ورزند ومتأسفانه این مسأله دستاویز حمله نا آگاهانه برخی از آنان به تشیع گردیده است (1)

پنداشته اند که شیعیان در میانه سرداب ، امام خود را می جویند وظهورش را از آن نقطه انتظار می کشند؟ از این روی ، تهمت هایی به شیعه زده اند وزحمت مراجعه به منابع شیعی را در این زمینه به خود نداده ا ند .

البته منشأ خرده گیری های نا آگاهانه برخی به شیعه ، در این زمینه آن است که شیعیان به بخشی از حرم عسکریین در سامرا ، یعنی سرداب " احترام وتوجه خاصی دارند و آن را

زیارت می کنند واین نه به خاطر آن است که امام زمان (ع) در این جا مسکن گزیده است وزندگی می کند ، بلکه از آن جهت است که زمانی مرکز عبادت وسکونت چند تن از امامان راستین تشیع بوده است . پس داستان غیبت حضرت مهدی (ع) در سرداب سامرا و زندگی کردن حضرت در آن مکان ، بهتان ودروغی بیش نیست وهیچ یک از بزرگان شیعه ، چنین باوری نداشته و ندارند . (2) .

ا . منتخب ا لاثر ص 372 . .

2 . چشم به راه مهدی ص 339 .

صاحب کرهالبیضاء

از القاب حضرت است .

حکیمه خاتون می گوید : پس از تولد مهدی (ع) آن جناب را آوردم نزد برادرم ، حسن بن علی (ع) پس با دست شریف خود روی پرنور او را مسح کرد و فرمود : سخن بگو ای حجه الله ، بقیه انبیاء خاتم اوصیاء ، صاحب کره بیضاء و . . . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

صالح

از القاب حضرت گفته اند . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

صبح فسفر

از القاب خاصه حضرت شمرده شده وبه معنای صبح روشن است .

احتمال داده اندکه آن را از آیه شریفه والصبح اِذااسفر (1) استنباط کرده اند ومناسبت آن به حضرت این است که حضرت نیز چون صبحِ صادق ، ورشن و هویدا است .

1 . نجم الثاقب باب دوم

صدق

از القاب خاصه حضرت محسوب کرده اند . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

صراط

از القاب حضرت به شمار می آید .

البته درکتاب وسنت اطلاق آن بر هر امامی بسیار شده وشاهدی برای اختصاص به حضرت به نظر نرسیده است . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

طالب

از القاب حضرت مهدی (ع) است

وبه معنای جوینده و خواهان است .

در دعای ندبه می خوانیم : این الطالب به دم المقتول بکربلا کجاست جوینده خون شهید کربلا

طالب التراث

از القاب حضرت شمرده شده و به معنای طلب کننده میراث ها است .

امام صادق (ع) فرمود : صاحب الامر از مدینه به سوی مکه با میراث رسول خدا (ص) بیرون می آید .

راوی پرسید : میراث رسول خدا چیست؟ حضرت فرمود : " شمشیر رسول خدا ، زره او ، عمامه آن حضرت ، عصای ایشان ، اسلحه وزین اسب آن حضرت . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

عاقبه الدار

از القاب حضرت مهدی (ع) است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

عالم

از القاب حضرت شمرده شده است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

عدل

از القاب حضرت حجت (ع) گفته اند . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

عزه

ازالقاب حضرت مهدی (ع) است . (1)

1 . نجم ا لثاقب باب دوم .

علم منصوب

به معنای پرچم افراشت و نشانه بر پا داشته شده است .

تعبیری است که در زیارت آل یاسین نسبت به حضرت مهدی (ع) داده شده السلام عیک ایَها العلم المنصوب (1)

خداوند در قرآن می فرماید : و عَلامات و بالنجوم هم یهتدون (2)

و علامت هایی قرار داد و به وسیله ستاره ، هدایت می شوند .

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمودند : مائیم آن علامت ها و منظور از ستاره رسول خدا (ص) می باشد (3)

پیامبر اکرم (ص) فرمود : خداوند ستارگان را مایه ایمنی اهل آسمان قرار داد و خاندان مرا مایه ایمان اهل زمین (4)

مرحوم علامه مجلسی می فرماید : منافاتی ندارد که ظواهر آیات مقصود باشد چون همان طوری که برای اهل زمین ، کوه ها و نهرها و ستاره

هاعلامت هایی است که به وسیله آن ها ، مردم به راه های ظاهری خود رهنمون می گردند ، همچنین وجود پیامبر (ص) و امامان (ع) و نیز علماء برای اهل زمین ، مانند کوه های استوار و افراشته است که توسط آنان ، زمین پایدار می ماند و ایشان سرچشمه های علوم و معارف اند که زندگی معنوی مردم به وجود ایشان وابسته است

ا . کمال الد ین ج 2 ص 0653

2 . مفاتیح الجنان زیارت آل یاسین

3 . سور ه

نحل 17 .

4 . مجمع البیان ج 6ص 354

عین

از القاب حضرت شمرده شده و در زیارت آن حضرت است عین الله البته اطلاق آن بر همه ائمه (ع) شایع است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

غایب

از القاب شایع آن حضرت وبه معنای پنهان است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

غایهالقصوی

ازالقاب آن حضرت شمرده شده است (1)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 157 .

غایهالطالبین

ازالقاب آن حضرت شمرده شده است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

غریم

علمای رجال تصریح کرده اندکه از القاب خاصه آن حضرت است .

غریم هم به معنای طلبکار است و هم بدهکار ، ولی در این جا به معنای اول از روی تقیه بوده است هرگاه شیعیان می خواستند مالی را نزدآن حضرت یا وکلایش بفرستند یا وصیت کنند ، حضرت را می خواندند و ایشان از بیشتر صاحبان کشاورزی ، تجارت وصنعت طلبکار بود .

شیخ مفید می گوید : این رمزی بودکه شیعه در قدیم ، آن را میان خود می شناختند و خطاب کردن غریم به آن حضرت ، برای تقیه بوده است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

غلام

این لقب حضرت در زبان راویان واصحاب ، بسیار تکرار شده است . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

غوث

از القاب خاصه آن حضرت و به معنای پناه و پناهگاه است (1)

در توسل جستن به ائمه (ع) جهت حوائج دنیا و آخرت گفته اند : هرگاه شمشیر به محل ذبح تو رسید کنایه ازکثرت گرفتاری و بی پناهی به حضرت حجت (ع) استغاثه کن؟ به درستی که تو را درمی یابد و او غیاث المستغیثین است .

بگو : یا صاحب الزمان انا مستغیث بک اغثنی یا صاحب الزمان ادرکنی (1)

1 . انساب سمعانی ، ج 4 ص 315 .

2 . نجم الثاقب ، باب دوم

3 . نجم الثاقب ، باب دوم

غوث الفقرا

ازالقاب آن حضرت و به معنی پناه بیچارگان است (1)

1 . نجم الثاقب باب نهم

غیب

از نام های حضرت مهدی است که در قرآن ذکر شده است .

روایت شده است از حضرت صادق (ع) که فرمودند : در آیه شریفه ، هُدیَ للمتقین الذین یومنونَ بالغیب ، (1)

متقین شیعیان علی بن ابی طالب (ع) هستند ، واما غیب او غایب است و شاهد بر این ، قول خداوند تبارک و تعالی است که فرمود : می گویند چرا فرو فرستاده نشده برای او آیتی از پروردگارش پس بگو نیست غیب مگر خدای را پس منتظر باشید به درستی که من با شما از منتظرانم (2) یعنی بر آمدن آن غیب از آیات خداوندی است (3)

در تفسیر آیه شریفه الذین یومنون با لغیب آمده است که غیب سه روز است : روز رجعت ، روز قیامت و روز قیام قائم (ع) (4)

ا . سوره بقره 2 و 3 .

2 . سوره یونس20 .

3 . نجم الثاقب باب دوم .

4 . الزام النا صب ج2 ص 340 .

المضطر

امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء و یحعلکم خلفاء الارض إله مع الله قلیلا ما یذکرون .

یست که درمانده را زمانی که او را بخواند اجابت کند ، وگرفتاری را برطرف سازد و شما را جانشینان این زمین قرار دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می گیرید خداوند متعال در آین آیه و در آیه قبل وبعد آن ، پرسش هایی درباره بعضی واقعیت های جهان هستی مطرح کرده تا بدین وسیله از مردم اعتراف بگیردکه کسی

نمی تواند در این کارها همراه با خدا باشد وشریک او معرفی شود 0

در آیه 2 سؤال درباره این است که وقتی انسان همچون غریقی در امواج دریا قوطه ور است وهیچ پناهگاهی ندارد وازتمام اسباب قطع امید کرده است در این حالت چه کسی است که اگر انسان او را صدا زند و از اویاری طلبد ، جوابش می دهد و او را ازگرفتاری نجات می دهد آیا غیر از خدایی که خالق همه چیز ورازق همه مردم است وهمه امور از مبدأ ومعاد تحت قدرت اوست ، کسی شایسته عبودیت است

این آیا از راه رجوع به فطرت ، ما را به خدایی رهنمون می سازدکه انسان های درمانده و مضطر در صورتی که او را بخوانند واز او یاری طلبند ، اجابت کرده و ازگرفتا ری می رهاند .

واما اضطرار حالتی درونی است وزمانی به وجود می آید که انسان هیچ وسیله وپناهگاهی برای حل مشکل خود ندارد ودستش از همه راه های طبیعی کوتاه شده است

در این حالت درونش او را به یک وسیله معنوی راهنمایی می کند وبه وسیله آن امید نجات پیدا می کند .

دل انسان در حالت اضطرار به گونه ای به خداوند متصل می شود و آدمی با تمامی وجودش خدا را می بیند وصدایش می زند .

از ویژگی های انسان این است که هنگام گرفتاری به یاد خدا می آفتد ودر همه حال او را صدا می زند گر چه ممکن است بعد از رفع مشکل دوباره خدا را فراموش کند .

و اذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما

فلما کشفنا عنه ضره مر کان لم یدعنا الی ضر مسه (2) گامی که به انسان ناراحتی برسد ، ما را در حالی که به پهلو خوابیده یا نشسته ویا ایستاده است می خواند .

اما هنگامی که ناراحتی او را برطرف کردیم چنان می رود مثل اینکه هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده ، نخوانده است .

از آیه محل بحث استفاده می شود که برای اجابت دعا تحقق دو شرط لازم است : 1 . انسان به حد اضطرار ودرماندگی برسد أمن یجیب المضطر

2 . انسان از تمام اسباب مادی نا امید شود وبا تمام وجود فقط خدا را بخواند . إذا دعاه

در این حالت انسان ارتباط قوی ومحکمی با خداپیدا می کند وخداوند نیز دعای او رامستجاب می کند وگرفتاری را از او برطرف می کند و یکشف السوء پس اگر در جامعه ای ظلم وستم فراگیر شود ، مردمی که به ضعف کشیده شده اند یار ویاوری نداشته باشند تا آن ما را از این رنج وبلا نجات دهد ، وتلاش وکوشش آن ما برای تغییر اوضاع اثر نداشته باشددر این حالت اگر مردم با قطع همه واسطه ها ، ارتباط کامل با خداوند پیداکنند ، آن وعده الهی که همان تحقق خلافت در زمین برای مؤمنان صالح ومستضعفان روی زمین است محقق خواهد شد .

این بخش از آیا که می فرماید : " و یجعلکم خلفاء الارض " بیانگر خواسته مهمی است که مردم باید طالب آن باشند ، وهمین جمله قرینه ای است که یکی از مصادیق " سوء چیره شدن

ظالمان بر مستضعفانی است که پناهگاهی جز خدا ندارند . ولذا اگر در این حال مستضعفان ، با اخلاص تمام خدا را بخوانند وعده الهی محقق می شود و آن ها وارث زمین می گردند .

از مصادیق بارز این آیه مردمی هستند که با تحمل همه سختی ها وگرفتاری ها ، زمینه حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) را فراهم می کنند .

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که : سیکون من بعدی خلفاء ، ومن بعد الخلفأء أمراء ومن بعد الأمراء ملوک ومن بعدالملوک جبابره ثم یخرج رجل من إهل بیتی یملا الارض عدلا کما ملئت جورا (2)

بعد از من خلفایی می آیند ، وپس آز آن امیرانی می آیند ، وبعد از آن پادشاهانی می آیند ، وپس از آن جبارانی می آیند ، سپس مردی از خاندان من قیام می کند وزمین را پر از عدل می کند همان طورکه از ظلم پرشده بود .

روایت دیگری از امام صادق (ع) نیز چنین آمده است : به خدا سوگند گویا من به سوی قائم می نگرم در حالی که پشتش را به حجر الاسود زده وخدا را به حق خود می خواند . . . سپس فرمود : به خدا سوگند مضطر درکتاب خدا, در آیه امن یجیب المضطر . . . اوست . (3)

آری ، انتظار فرج وقتی از حالت دعاهایی که فقط بر زبان جاری است خارج شود وممه به مرحله ای برسندکه واقعاً منتظر قیام مهدی (ع) باشند وخود را برای آن

روز آماده کنند وبا تمام وجود از خداوند درخواست فرج کنند ، دعای آن ها به اجابت می رسد (4)

1- سوره انعام 62 .

2 . سوره یونس 12 .

03کنزل العمال ج 14 ص 265 .

4 . تفسیر نورالثقلین ج 4ص 94 .

اولین دادگاه پس از ظهور

برطبق برخی روایات ، نخستین دادگاهی که در دولت حقه حضرت مهدی (ع) تشکیل می شود برای بررسی خون به ناحق ریخته شده محسن حضرت فاطمه (ع) است . (1)

1 . روزگار رهایی ج 2 ص 1070

استضعاف

به معنای ناتوان شمردن و حقیر داشتن است .

خداوند در قرآن کریم وعده داده که می خواهیم بر تحقیر شدگان در زمین منت نهاده وایشان را به پیشوایی برسانیم ووارث پیشینیان شان کنیم . (1)

بسیاری گفته اند تحقق این وعده الهی ، در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) خواهد بود .

1 . سوره قصص 5 .

انگشتر سلیمان

انگشتر سلیمان از مواریث انبیاست که نزد حضرت مهدی (ع) است .

سلطنت جهانی حضرت سلیمان (ع) وسیطره آن حضرت بر تمام موجودات روی زمین ، تنها یک رمز داشت و آن در همان انگشتر نهفته بود

. آن انگشتر با تمام ویژگی هایی که دارد هم اکنون در دست حضرت صاحب الزمان می باشد . (1)

امام باقر (ع) می فرماید : نخستین کاری که قائم (ع) در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی وانگشتر سلیمان در آن است . (2)

ونیز می فرماید : در بیت المقدس ، تابوت سکینه ، انگشتر سلیمان رالواحی را که بر موسی نازل شده ، بیرون می آورد . (3)

امام صادق (ع) نیز می فرماید : عصای موسی وانگشتر سلیمان در دست او خواهد بود (4)

در فرهنگ معین آمده است : انگشتری سلیمان (ع) همان انگشتر ومهرِ حضرت سلیمان است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بسته بود وسلطنت وی بر انس وجن ، وابسته آن بود

دیوی

به شکل حضرت سلیمان (ع) آن انگشتری را به دست آورد وچندی سلطنت کرد تا بار دیگر ، انگشتری به دست حضرت سلیمان افتاد وسلطنت خود را باز یافت . نام های دیگر آن خاتم جم خاتم جمشیدانگشتری جم " انگشتری جمشید است . (5)

در روایتی آمده که حضرت سلیمان ، هنگامی که آن انگشتر را با خود برمی داشت خداوند پرنده وباد وفرشتگان را مسخر او می ساخت . (6)

و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که امام حسین (ع) وقتی به دنیا باز می گردد حضرت مهدی (ع) انگشتر سلیمان را به همراه زمام امور جامعه به او می سپارد واو کسی است که قائم (ع) را پس از یک زندگی طولانی وپر برکت که از دنیا می رود غسل می دهد و به خاک می سپارد (7)

در پاره ای روایات ، سخن از منبر سلیمان هم به میان آمده است که حضرت مهدی (ع) آن را هم بیرون می آورد (8)

ا . جهان بعد از ظهور ص 55 به نقل از ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 426 .

2 . روزگار رهایی ج ا ، ص 455 .

3 . همان .

04 همان ص 0457

ه . فرهگ فارسی معین ج 5 ، ص 190 .

6 . بحارالانوار ج 63 ص 194 .

7 . همان ج 53 ، ص 03 1

8 . الزام

الناصب ج 2 ص 299 .

فارِس الحجاز

به معنای سوار سرزمین حجاز وکنایه ازظهور حضرت مهدی (ع) از سرزمین مکه است .

لقبی است که به امام زمان (ع) می دهند و حضرت را با یافارس الحجاز می خوانند البته ما این لقب را در نجم الثاقب ندیدیم .

فتح

از القاب حضرت و به معنای پیروزی است .

روایت است که در آیه شریفه از جاء نصر الله والفتح (1) مرادازفتح ، قائم (ع) است .

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است : آیه مبارکه نصر من الله وفتح وقریب (2)

اشاره دارد به فتح حضرت قائم (ع) (3)

1سوره نصر 1 0 2 سوره صف 13 3 نجم الثاقب باب دوم .

فجر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

روایت است از امام صادق (ع) که در تفسیرآیه والفجرفرمود : مراداز فجر ، قائم (ع) است .

و نیز در روایت دیگری درباره سوره قدر فرمود : حتی مطلع الافجر (1) یعنی : تا آن که قائم (ع) برخیزد و ظاهرشود (2)

1 . سوره قدر

2 . نجم الثاقب باب دوم .

فرَج الاعظم

از القاب آن حضرت و به معنای گشایشگر بزرگ است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

فرَج المؤمنین

از القاب حضرت مهدی (ع) است .

در هنگام ولادت آن حضرت ، حکیمه خاتون به نرجس خاتون گفت : خداوند امشب به تو غلامی می بخشدکه سید است در دنیا و آخرت ، و فرج مؤمنان است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

فقیه

از القاب حضرت حجت (ع) است .

شیخ طوسی درتهذیب در باب حد حرم امام حسین (ع) از محمد عبدالله حمیری روایت کرد که گفت : نوشتم به فقیه و سؤال کردم از اوکه آیا جایز است که مرد تسبیح بفرستد به خاک قبر امام حسین (ع) و آیا در او فضلی است؟ پس جواب داد و من آن توقیع را خواندم و از آن نسخه کردم : تسبیح بفرست به آن و مراد از فقیه در این جا یقینا حضرت مهدی (ع) است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

قائم الزمان

از القاب حضرت شمرده شده است .

در کمال الدین روایت است : ازدی در مسجدالحرام خدمت آن جناب رسید حضرت ، سنگی را برای او طلاکرد ودر حق او دعا نمود و فرمود : مرا می شناسی؟ گفت : نه فرمود : منم مهدی منم قائم الزَمان (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

قابض

از القاب آن حضرت شمرده شده است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

قاتل الکفره

یکی از القاب امام زمان (ع) است .

امام صادق (ع) فرمودند : . . . بیرون می آید دجال و مبالغه می کند در اغوا و اخلال ، پس ظاهر می شود امیر امَره و قاتل کفره و سلطان مأمول ، که متحیر است در غیبت او عقول . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

قطب

القاب مشهور حضرت مهدی (ع) است در نزد عرفا و صوفیه .

شیخ ابراهیم کفعمی در حاشیه جنه الواقیه در دعای ام داوود می فرماید : گفته شده که زمین خالی نیست از قطب وچهار اوتاد وچهل ابدال وهفتاد نجیب وسیصد وشصت صالح پس قطب ، مهدی است 000 وهمه با دایره قطب همراهند . (1)

در اصطلاح تصوف ، قطب کسی است که منظور نظر خداوند است در همه زمان ها وطلسم اعظم به او داده شده است . .

او تنها انسان کاملی است که به نظر صوفیان ، احاطه اش به جمیع آدمیان محقق است وهمه مقامات وحالات تصوف را می داند . او عقل عالم امکان است وتصرف وی در عقول ، برای صوفیان مسلم است . (2)

ا . نجم الثاقب ، باب نهم .

2 . فرهنگ معین ج 2 ، ص 2690 .

قوه

ازالقاب حضرت حجت (ع) شمرده شده است (1) .

01 نجم الثاقب ، باب دوم .

قیامت

از القاب حضرت مهدی (ع) است .

مشابهت حضرت با قیامت از جهات بسیاری است که از جمله آن ها : هر دو ناگهانی می رسند ، علامات مشترک دارند مثل خسف ومسخ و ظهور آتش و 000 ، مؤمن وکافر به سبب هر دو جدا می شوند ، خداوند برای آن ها وقت قرار نداده است و 000 (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

قیم الزمان

از القاب امام زمان (ع) است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

کار

به معنی رجوع کننده است .

در هدایه و مناقب ، از القاب حضرت شمرده شده ظاهر آن است که حضرت از عالم غیبت و استتار برمی گردد و جمعی از مردگان را برمی گرداند (1)

ا . نجم الثاقب ، باب دوم .

کاشف الغطاء

در هدا یه و مناقب ، از القاب حضرت شمرده شده است (1)

1نجم الثاقب باب دوم

کمال

از القاب حضرت مهدی (ع) است (1)

در روایات آمده است که علم و عقل در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) به کمال می رسد (2)

1 . نجم الثاقب باب دوم

2 . بحارالانوار ج 52ص 326 .

مؤمَل

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای این است که خلایق آرزوی او را دارند

امام حسن عسکری (ع) فرمود : " آن هنگام که حجت (ع) به دنیا آمد دشمنان گمان کردند که ایشان را می کشند تا نسلش را قطع کنند ، پس چگونه دیدند قدرت خداوند را؟ که نامید او را مؤمل (1)

البته در دعای ندبه اشاره به این مضمون شده : بنفسی انت من امنیه شایق یتمنی من مؤمن ومؤمنه ذکرا فحنا

ا . نجم الثاقب ، باب دوم .

مامول

یعنی امید داشته شده کسی که آرزوی او را دارند و آن چه یا آنکه مایه امید باشد (1)

امام صادق (ع) بعد از ذکر بسیاری علامات ، فرمود : آن گاه قائم مأمول و اما ، مجهول برمی خیزد

در زیارات مأثوره آن حضرت است : السلام علیک ایها الامام المأمول (2)

مامول که پیش تر از القاب حضرت شمرده شده ، به همین معناست 0

1 . معارف ومعاریف ج9ص52

2 . نجم الثاقب باب دوم

مبدا الآیات

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای " ظاهرکننده آیات خداوند " یا محل بروز و ظهور آیات الهیه است .

چون از آن روزکه بساط خلافت در زمین گسترده شد و انبیاء و رسل با آیات بینات و معجزات ، برای هدایت خلق آمدند و مأمور ارشاد شدند ، خداوند برای احدی ، چنین تکریم نفرمود و با احدی آن مقدار آیات نفرستاد که برای مهدی (ع) فرستاده و روانه خواهد کرد 0

بسیاری از آیات الهی ، برای آمدن آن حضرت ظاهر می شودکه یک دهم آن ، برای آمدن هیچ حجتی ظاهر نشده است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

مبلی السرائر

از القاب حضرت و به معنای آشکارکننده رازها است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

مجازی بالاعمال

ازالقاب حضرت مهدی (ع) است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

محسن

از القاب حضرت مهدی (ع) و از اسماء حسنی است که خداوند تعالی آن حضرت را مظهر اعظم آن قرار داده . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

مخبِربمایعلَن

از القاب حضرت شمرده شده و به معنای خبر دمنده به آن چه آشکار می شود است (1)

ا . نجم الثاقب باب دؤم .

مدبر

از القاب آن حضرت شمرده شده است 0

مصباح الشدید الضیاء

به معنای چراغ نورانی و از القاب حضرت است . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

مظهرالفضایح

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای جلوه گاه رسوایی ها است . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

مفرج اعظم

به معنای گشایشگر بزرگ و از القاب حضرت است .

امام رضا (ع) فرموده است : هرگاه عِالم شما غایب شد ، پس فرج اعظم را منتظرباشید . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

مفضل

از القاب حضرت مهدی (ع) و از اسماء حسنی است که خداوند تعالی آن حضرت را مظهر اعظم آن قرار داده . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

مقتصِر

به معنای اکتفا کننده واز القاب حضرت مهدی (ع) است .

شاید منظور این باشد که حضرت مهدی (ع) برخلاف همه انبیاء واوصیاء گذشته ، که به خاطر حفظ و بقای دین با منافقین مدارا می کردند ، ایشان تنها به انصار و بندگان صالح اکتفا خواهد فرمود و رشته الفت و موانست باکفار ومنافقین ، در آخرالزمان گسسته خواهد شد . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

مقدره

به معنای توانایی و از القاب آن حضرت است .

حضرت را مقدره گویند چون ازکثرت بروز و ظهور عجایب ، قدرت های الهی در نزد آن حضرت ، به حدی رسیده که گویا عین قدرت شده است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

منان

از القاب حضرت مهدی (ع) و از اسماء حسنی است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

منجی

به معنای نجات دهنده و لقبی است که به حضرت مهدی (ع) می دهند

اما درکتاب نجم الثاقب که 182 اسم و لقب از حضرت ذکر شده نیامده است .

منعم

از القاب حضرت مهدی (ع) واز اسماء حسنی است که خداوند تعالی آن حضرت را مظهر اعظم آن قرار داده . (1)

من لم یجعل الله لَه شبیها

یعنی کسی که احدی شبیه و نظیر او نیست و از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است .

در هدایه این لقب حضرت ، چنین آمده است من لم یجعل الله له سمیا که البته به شبیها تفسیرکرده است .

از ویژگی هایی که برای حضرت نقل شده معلوم می شود ، هیچکس شبیه آن حضرت نیست و به رتبه عزَت و جلالش نرسیده و نخواهد رسید (2)

1 . نجم الثاقب باب دوم

2 . نجم الثاقب باب دوم

مهدی

از مشهورترین لقب های امام زمان (ع) است .

درباره علت نامیده شدن آن حضرت با این لقب ، روایت های مختلفی ذکر شده است .

حضرت امام محمد باقر (ع) می فرمایند : هنگامی که مهدی ما قیام کند ، ثروت ها را به طور مساوی تقسیم و در جامعه به عدالت و دادگری رفتار می کند . هرکسی از او اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است و هرکسی او را نافرمانی کند از خدا نافرمانی کرده است . وآن حضرت را مهدی نامیده اند چون به امور پنهان و نهانی هدایت می گردد . (1)

درباره امور نهانی که آن حضرت به آن ها هدایت می شود و یا هدایت می کند ، با توجه به تعابیر روایات نظرات چندی بیان شده است . ازآن جاکه در دوره غیبت مخصوصاً دوران

غیبت کبری در اثر پیدا شدن تبلیغات ضد دینی و تفسیرها و برداشت های نامناسب از احکام دین ونفوذ خرافات و اندیشه های غلط غیر دینی به اصول و تعالیم اصیل اعتقادی ، مردم دین اصلی و حتی قرآن اصلی را فراموش خواهندکرد ، آن حضرت پس از ظهور ، قرآن اصیل و احکام واقعی اسلام را از لابلای آن همه تحریفات و تفسیرهای نادرست بیرون خواهند کشید ، به گونه ای که حتی مردم گمان خواهندکردکه ایشان یک دین و آیین جدیدی را مطرح می کنند . به این مناسبت آن حضرت را مهدی می گویند .

پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرمایند : دوازدهمین فرزندم به گونه ای غایب خواهد شد که اصلأ دیده نخواهد شد و در این دوره غیبت ، وقایع سختی رخ خواهد داد .

در نتیجه طولانی شدن این دوره ، زمانی خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسم و خطی اثری باقی نخواهد ماند . درآن موقع خداوند متعال به وی اجازه خواهد داد تا قیام کند . آنگاه به وسیله او اسلام را تقویت و تجدید خواهدکرد . (2)

بر طبق این دیدگاه چون حضرت مهدی (ع) مردم را به حقایق پنهان شده دینی راهنمایی خواهندکرد او را مهدی می گویند .

دیدگاه دیگر این است که قائم آل محمد (ع) را از این رو مهدی می گویندکه مردم را به اموری که برآن ها پوشیده است راهنمایی خواهد کرد .

وی پس از ظهور ، جهت ارشاد پیروان ادیان دیگرکتاب های

آسمانی تحریف نشده ، آن ها را به آنان نشان خواهد داد و از این طریق آنان را با دین اصیل خودشان آشنا خواهد ساخت و بر اساس همان احکام تحریف نشده آیین خودشان ، باآنان رفتار خواهد کرد .

در روایتی می خوانیم : از جمله کارهای حضرت امام زمان (ع) پس از ظهور این است که تورات اصلی و انجیل اصلی و سایرکتاب های انبیای گذشته را از یک مخفیگاه خارج خواهد ساخت (3)

دیدگاه دیگر این است که آن حضرت پس از ظهور ، مردم را در تمام زمینه هایی که به بیراهه رفته اند ارشاد خواهند کرد تا به شیوه های درست دستیابند چون انحرافات دوران غیبت تنها در احکام دینی نیست ، چراکه در اثر جهل و نا آگاهی در عرصه های سیاسی ، علمی و صنعتی نیز مردم دچار اشتباهات زیادی می شوند .

طرفداران این برداشت نیز به برخی از روایات که مشتمل برتعابیر خاصی هستند ، تمسک می جویند . به عنوان مثال از امام صادق (ع) روایت شده است که فرموده اند : آن حضرت را مهدی می گویند چون مردم را به اموری که گم کرده اند ، هدایت می کند (4)

این تعبیر شامل انحراف سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی نیز می شود .

نتیجه آن که می توان گفت : چون امام زمان (ع) به برکت علم بی نظیری که دارد ، مردم را در تمام عرصه های حیات فردی و اجتماعی و علمی و دینی به راه صحیح هدایت خواهدکرد

وآن ها را از تمام گمراهی ها نجات خواهد داد ، به این مناسبت آن حضرت را مهدی می گویند .

البته در برخی روایات نیز به این نکته اشاره شده است که یکی از چیزهای مخفی که حضرت مهدی (ع) مردم را به آن هدایت خواهندکرد ، ذخایر زیرزمینی و معادن است که شاید این لقب به این قبیل از عملکردهای حضرت مهدی (ع) نیز دلالت داشته باشد . (5)

وامَا واژه مهدی ، اسم مصدر هدایت است و به معنی کسی است که به وسیله خدا هدایت شده باشد ، و به همین معنی ، برخی از پیامبران و بزرگان را بدون آن که مهدی موعود و منتظر پندارند ، مهدی خوانده اند .

حسان بن ثابت در قصیده خود ، واژه مهدی را برای پیامبر (ص) به کار برده است .

این واژه در حدیثی از پیامبر (ص) به همین معنی درباره حضرت امیر (ع) به کار رفته است . (6)

سنی ها اغلب ، آن را برای چهار خلیفه بعد ازپیامبر (ص) که آنان را خلفاءِ الراشدون المهدیون می گویند ، به کار می برند . (7)

شیعیان کوفه ، عنوان مهدی را در مفهوم راه یافته و هدایت شده آن ، درباره امام سجاد (ع) به کار برده اند .

به این معنی ، همه امامان عنوان مهدی داشته اند ، با این مفهوم که وظیفه شان هدایت مردم به سوی دین خداوند بوده است وکلنا نَهدی الی دین الله

به همین جهت درکتب مربوط به زیارات ، تمام امامان الئمه الراشدون المهدیون اطلاق شده است .

در روایتی از امام حسین (ع) نقل شده است که فرمود : ما دوازده مهدی داریم اول آن ها امیرالمؤمنین (ع) و آخرآن ها نهمین فرزند من است . . . (8) ولی واژه مهدی در مفهوم نجات بخش آن ، عنوان خاص امامدوازهم شیعه است که در آخر الزمان ظهور می کند و در اصطلاح شرع ، اطلاق مهدی به این مفهوم ، به هیچ کس جز امام غائب صحیح نیست و حتی اطلاق آن به سایر امامان نیز درست نمی باشد . (9)

01اثبات الهداه ج 7 ص 110 و 169 .

2 . منتخب الاثرص 98 .

3 . بحارالانوار ج 51 ص 29 .

4 . اثبات الهداه ج 7ص 110

5 . نشریه موعود ش 28 ص 67

6 . آخرین امید داود الهامی ص 207

7 . سنن ابی ماجه ج 1 ، ص 16 .

8 . من لا یحضره الفقیه ج 2 ، ص 371 التذهیب طوس ج 6ص 114 .

9 . آخرین امید داودالهامی ص210 .

مهدی موعود

موعود از القاب مشهور و رایج حضرت مهدی (ع) است .

استاد علی دوانی ، جلد سیزدهم بحارالانوار چاپ سنگی را درکتابی با همین عنوان ، ترجمه کرده است که امروزه بسیار مورد استفاده علاقه مندان قرار می گیرد .

در شهر مقدس قم نیز بنیاد فرهنگی با همین نام ، در زمینه مهدی پژوهی فعالیت می کند .

نخستین کسی که

در اسلام به او لقب مهدی موعود را دادند ، محمد حنفیه بود .

موعود مهدی و نشانه های پیامبران حضرت زین العابدین (ع) فرمود : در قائم ما نشانه هایی از هفت پیامبر وجود دارد : نشانه ای از پدر ما آدم ، نشانه ای از حضرت نوح ، نشانه ای از حضرت ابراهیم ، نشانه ای از حضرت موسی ، نشانه ای از حضرت عیسی ، نشانه ای از حضرت ایوب (ع) و نشانه ای از حضرت محمد (ص اما نشانه اش از حضرت آدم و نوح ، طول عمر است . نشانه اش از حضرت ابراهیم ، ولادت پنهانی وکناره گیری از مردمان است . نشانه اش از حضرت موسی ، استمرارترس و غیبت است . نشانه اش از حضرت عیسی ، اختلاف مردم در حق اوست . نشانه اش از حضرت ایَوب ، فرج بعد از شدت وگشایش پس ازگرفتاری است و اما نشانه اش از حضرت محمد (ص) خروج او با شمشیر است . (1)

1-کمال الدین ج 1 ، ص 438 منتخب الاثرص 0 30 بحار الانوار ج 51ص 217 .

استضعاف

به معنای ناتوان شمردن و حقیر داشتن است .

خداوند در قرآن کریم وعده داده که می خواهیم بر تحقیر شدگان در زمین منت نهاده وایشان را به پیشوایی برسانیم ووارث پیشینیان شان کنیم . (1)

بسیاری گفته اند تحقق این وعده الهی ، در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) خواهد بود .

1 . سوره قصص 5 .

نا قور

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای صور است مانند شاخ و مثل آن که در او می دمند .

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ، فاذا نقر فی الناقور (1)

فرمود : هرگاه خداوند اظهار امرش را اراده کرد ، در دلش می افکند آن گاه ظاهر می شود و خروج می کند به امر خداوند (2)

1 - سوره مدثر 8

2 - نجم الثاقب باب دوم

ناحیه مقدسه

ناحیه در لغت به معنی جهت ، جانب ، کرانه وگوشه زمین است ، و ناحیه مقدسه از القاب حضرت مهدی (ع) است . (1)

این تعبیر احترام آمیز ، کنایه از جایگاه مخفی حضرت ولی عصر (ع) و یا کنایه از شخص آن حضرت بوده که این اسم رمز ، بین شیعیان در زمان غیبت صغری رواج داشته است (2)

شیخ طوسی فرموده است : شیعیان در زمان غیبت نخستین ، از آن حضرت و از غیبت او به عنوان ناحیه مقدسه تعبیر می کردند و این رمزی بودکه شیعیان آن را می شناختند و امام را به یکدیگر معرفی می نمودند (3)

محدث نوری هم به نقل از جنات الخلود آورده است : در ایام تقیه ، گاهی آن حضرت را به این لقب می خواندند (4)

1-نجم الثاقب باب دوم

2-مجمع البحرین ج 1 ، ص410

3- کشف الغمه ج3 ص 309

4- نجم الثاقب باب دوم

ناطق

از القاب حضرت مهدی (ع) است

حضرت ، ناطق است چون آباء طاهرینش ، به علت نبودن اشخاص مورد اطمینان و جاملان اسرار الهی ، مهر خاموشی بر لب زده بودند ،

اماحضرتش بیان کننده و ناطق همه علوم خواهد بود .

روایت شده که رسول خدا (ص) اسامی ائمه را برای مسلمانان ذکر نمود تا این که فرمود : پس حسن بن علی ، صامت امین عسکری و سپس پسر او ، حجه الله ابن الحسن المهدی الناطق القائم بحق الله . (1)

در زیارت عاشورا نیز می خوانیم

: و ان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی طاهر ناطق بالحق منکم (2)

که در این فراز ، یکی از القاب حضرت ، ناطق آمده است .

ا . نجم الثاقب باب دوم

2 . مفاتیح الجنان باب سوم

موتور

به معنای کسی است که یکی از نزدیکانش کشته شده و انتقام او را نگرفته باشد و از القاب حضرت مهدی (ع) است .

در روایات متعددی ، حضرت به لقب موتور ذکر شده است

موتور (1) به والد ، منظورکسی است که پدرش کشته شده و خونخواهی او نشده است علامه مجلسی فرموده که مراد به والد ، یا حضرت عسکری (ع) یا امام حسین (ع) و یا جنس والدکه شامل همه ائمه (ع) می شود است .

امام صادق (ع) نیز فرمود : قائم موتور و خشمناک خروج می کند در حالی که پیراهن خونین رسول خدا (ص) که در جنگ احد بر تن داشت ، بر بدن آن حضرت است . (2)

در برخی روایات موتور بابیه دارد .

در زیارت عاشورا می خوانیم : السلام علیک یاثار الله ابن ثاره والوتر الموتور (3)

یعنی درود بر تو ای کسی که خداوند از خون پاک تو و پدرت که به ناحق ریختند انتقام می گیرد و از ستم وارد بر تو داد خواهی می کند

1 . الرائد ج2ص 8168

2 . نجم الثاقب باب دوم

3 . مفاتیح الجنان باب سوم

نجم

ازالقاب آن حضرت است که در قرآن نیز آمده است .

در سوره نحل می خوانیم وبالنجم هم یهتدون (1)

و شب هنگام به وسیله ستارگان هدایت می شوند .

امام باقر (ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمود : ستاره ، ما هستیم (2)

1

. سوره نحل 16 .

2 . نجم الثاقب باب دوم .

نعمت باطن

وقتی از امام هفتم تفسیر آیه و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه (1)

را پرسیدند ، فرمود : نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن ، امام غائب است .

پرسیده شد : آیا در میان شما کسی هست که عائب شود ، فرمود آری ، اوکسی است که شخصاً از دیدگان غائب می گردد ، ولی یادش از دل های مؤمنان نمی رود .

او دوازدهمین ما ائمه است ، خداوند هر مشکلی را برای او آسان می کند و هرگردن کشی را به وسیله او سرکوب می نماید . . . . (2)

علاوه بر این که وجود حضرت ، نعمت است ، آن چه از نعمت هاکه بندگان در آن غوطه ورند ا ز نعمت های ظاهری و باطنی همه به برکت وجود شریف حضرت حجت (ع) است .

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ثم لتسئلن یوم عن النعیم (1) می فرماید : نعیم ما هستیم (3)

وجود امام عظیم ترین نعمت های الهی است ، زیراکه اصل سایر نعمت های ظاهری و باطنی است و از این جا است که در روایات آمده که همه مردم روز قیامت درباره نعیم مورد سؤال قرار می گیرند .

البته نعمت های آن حضرت در زمان ظهورش نیز ویژگی خاصی دارد . (4) چنان که اخباری در این باره وارد شده است پیامبر اکرم (ص) فرمود : امت من در زمان مهدی

به نعمتی متنعم خواهند شدکه هیچ گاه به مثل آن متنغم نگشته اند . آسمان باران رحمتش را بر آن ها می بارد و زمین هیچ گیاهی را رها نمی کند ، مگر این که آن را برآورد (5)

حضرت امیر (ع) در تفسیر آیه مبارکه : الم تر الذین بدلوا نعمه الله کفرا (6)

آیا ندیدی آنان راکه نعمت الهی را به کفر بدل ساختند ، فرمود : ما آن نعمت هستیم که خداوند بر بندگانش عنایت کرده و به سبب ما رستگار می گردند آنان که روز قیامت رستگار می شوند (7)

پس خود حضرت مهدی (ع) نعمت است و از آن جاکه شکر نعمت واجب است ، شیعیان باید شکر نعمت حضرت را چنین به جا بیاورند : 01 شناخت قلبی و معرفت این نعمت والای الهی 2 . بیان کردن فضایل و نشر دلایل آن بزرگوار 03 صدقه دادن برای سلامتی وجود آن حضرت 4 . تقرب جستن به آستانه او با انجام دادن کارهایی که مورد پسند و مایه نزدیک شدن به درگاهش است 05 اهتمام به دعاهای خالصانه برای تعجیل فرج آن حضرت (8)

1 . سوره لقمان20

2 . مهدی موعود علی دوانی ص 199 .

3 . سوره تکاثر8

4 . تفسیر برهان ج4ص 503

5 . مکیال المکارم ، ج 1 ص 292 .

6 . بحار الانوار ج51ص 83

7 . سوره ابراهیم 28

8 . اصول کافی ج1 ص 217

9 . مکیال المکارم ج1 ص 363

نَفس

از القاب حضرت مهدی (ع) است (1

)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

نهار

از القاب حضرت و به معنی روز است .

شیخ فرات بن ابراهیم در تفسیر خود روایت کرده از امام باقر (ع) که فرمود : حارث اعور عرض کرد به امام حسین (ع) که : یابن رسول الله فدای تو شوم مرا از قول خداوند والشمس و ضحیها (1) خبر ده فرمود : وای بر تو ای حارث این محمد رسول خدا است .

گفتم : فدایت شوم معنای قول خداوند والقمر اذا تلیها (2) چیست؟ فرمود : این امیرالمؤمنین ، علی ابن ابی طالب (ع) است که در پی محمَد (ص) آمده . باز گفتم : قول خداوند والنهار اذا جلیها (3) چیست؟ گفت : این قائم آل محمد (ع) است که زمین را از عدل و داد پر می کند و نیز در تفسیر علی بن ابراهیم روایت شده از امام باقر (ع) که فرمود : در آیه شریفه والنهار اذا تجلی (4) نهار آن قائم از ما اهل بیت است که هرگاه بر خیزد ، بر دولت باطل غلبه می کند

ا . سوره شمس 1

2 . سوره شمس 2

3 . سوره شمس 3

4 . سوره لیل 2

نور آل محمد

از القاب حضرت مهدی (ع) است در روایات آمده است که در آیه شریفه والله متم نوره (1) یعنی به ولایت قائم (ع) و به ظهور آن حضرت ، و در آیه واشرقت الارض به نور ربها (2)

مراد روشن شدن زمین به نور آن حضرت

است .

در یکی از زیارات جامعه نیز در اوصاف آن حضرت می خوانیم : نور الانوار الذی تشرق به الارض عما قلیل روایت شده از جابر بن عبدالله انصاری که گفت : در مسجد کوفه داخل شدم ، در حالی که امیرالمؤمنین (ع) با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم می فرمود . گفتم : یا امیرالمؤمنین (ع) چه چیز شما را به خنده آورده است؟ فرمود : عجب دارم از آن که این آیه را می خواند ولی بهحق ، به آن معرفت ندارد .

گفتم : کدام آیه فرمود : الله نور السَموات و الارض ، تا آخر مثل نوره کمشکوه مشکوه محمد (ص) است

فیها مصباح ، منم مصباح زجاجه الزجاجه حسن و حسین (ع) هستند . کانهاکوکب دری علی بن الحسین (ع) و یوقد من شجره مبارکه محمد بن علی (ع) است . زیتونه ، جعفر بن محمد (ع) است . لا شرقیه موسی بن جعفر (ع) است . ولا غربیه علی بن موسی الرضا (ع) است .

یکاد زیتها یضئ محمد بن علی (ع) است .

لو لم تمسسه نار علی بن محمد (ع) است

نور علی نور حسن بن علی (ع) است .

و یهدی الله لنوره من یشاء قائم مهدی (ع) است (3)

در پاره ای از اخبار معراج آمده است که نور آن حضرت ، در عالم اظله میان انوار ائمه (ع) مانند ستاره ای

درخشان بود در بین سایرکواکب (4)

1 . سوره صف 8

2 . سوره زمر69

3 . نجم الثاقب باب دوم

4 . همان

نور الاتقیاء

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

نور الاصفیاء

از القاب حضرت مهدی (ع) است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

نیه الصابرین

ازالقاب حضرت شمرده شده است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

هادی

از القاب حضرت مهدی (ع) است .

در تاریخ جهضمی در باب القاب ائمه (ع) آمده است که القب قائم (ع) هادی مهدی است .

در اخبار و ادعیه و زیارات ، حضرت به این لقب ، فراوان ذکر شده است .

مهدی یعنی هدایت شده و هادی یعنی هدایت کننده ، وتفسیر هر یک به دیگری جایز است .

از امام صادق (ع) از معنای مهدی پرسیدند ، فرمود : آن که مردم را هدایت می کند یعنی مهدی کسی است که مقام هدایت یافتنش به جایی رسیده که می تواند از جانب خداوند در مقام هدایت کردن برآید . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

واقیذ

به معنای غایب شونده به مدت طولانی و از القاب حضرت است درکتب سماویه .

در تاریخ عالم آرا آمده است که اسم حضرت در تورات واقیذ ما است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

وتر

به معنای " تنها " و فرد از القاب حضرت مهدی (ع) است .

بدین جهت گفته اند ، چون حضرت درکمال و فضایل ، منفرد است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

وجه

از القاب آن حضرت است و در زیارت حضرت می خوانیم : ا لسلام علی وجه الله المتلقب بین اظهر عباده (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

ولی الله

از القاب حضرت شمرده شده و در روایات ، حضرت به این لقب ، مکرر ذکر شده است

خداوند در شب معراج فرمود : او یعنی قائم (ع) ولی من است .

و نیز رسول خدا (ص) فرمود : چون وقت خروج او برسد ، شمشیری غلاف کرده داردکه او را ندا می کند : برخیز ، ای ولی الله و بکش دشمنان خدا را

در روایت دیگری است که علم آن حضرت نیز ، به همین لقب ، وی را ندا می کند . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

ولی عصر

از القاب حضرت مهدی (ع) است .

به حضرت ، ولی عصرگفته اند چون ولایت دارد بر " عصر " و زمان و مقدَم است بر زمان . پس حضرت بر خودِ زمان نیز امام است و نه فقط اثرپذیر نیست ، که تاثیر در زمان می کند .

در بعضی روایات آمده که منظور از عصر در سوره والعصر عصر ظهور مهدی (ع) است که در آن عصر ، حق بر باطل به طورکامل غلبه می کند . (1)

1 . تفسیر المیزان

ید الباسطه

از القاب حضرت و به معنای دستی است که رحمت و لطف را بر بندگان می گستراند روزی را زیاد می کند و بلا را دفع می نماید (1)

1 . نجم الثاقف باب دوم

یعسوب الدین

لقب حضرت قائم (ع) و یعسوب در لغت به معنای ملکه کندوی عسل است رسول خدا (ص) در حدیثی می فرماید امت مهدی به آن حضرت پناه می برند ، چنان که زنبورهای عسل به ملکه خود (1)

امیرالمؤمنین (ع) فرمود : مردم پیوسته در نقصانند ، تا آنکه نام خداوند برده نمی شود . هرگاه چنین شد ، یعسوب دین و اتباعش ثابت می ماند

پس خداوند ، گروهی را از اطراف زمین مانند ابرهای پاییز جمع می کند که عدد آن ها به عدد اهل بدر است

در نهج البلاغه آمده است : فاذا کان ذلک ضرب یعسوب الدین بذنبه فیجتمعون الیه کانه یجتمع قزع الخریف سید رضی فرموده است : یعسوب الدین ، آن سید عظیم است که در آن روز ، مالک امور مردم است ، و قزع ، پاره ابری است که در اوآب نیست (2)

1 . ملاحم ابن طاووس ص 70 احقاق الحق ج 13 ص 154ظ

2 . نجم الثاقب باب دوم .

یمین

ازالقاب حضرت صاحب الامر (ع) است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

اوقات مربوط به امام زمان

اوقات مخصوص حضرت

پاره ای از اوقات و زمان ها ، اختصاص به امام عصر (ع) داردکه از آن جمله است : شب قدر ، روز جمعه ، روز عاشورا ، عصر دوشنبه ، عصر پنجشنبه, شب و روز نیمه شعبان ، روز نوروز ، و از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز . (1)

01نجم الثاقب باب یازدهم

اوقات و حالات دعا برای حضرت

در آیات وروایات ، اوقات وحالات متعددی جهت دعا برای حضرت صاحب الزمان (ع) واردشده است

که از آن جمله است : بعد از هر نماز واجب ، بعد از هر دو رکعت از نماز شب ، در قنوت نمازها ، در حال سجده ، در سجده شکر ، هر صبح و شام ، آخرین ساعت از هر روز ، روز پنجشنبه ، شب و روز جمعه ، روز نوروز ، روز عرفه ، عید فطر ، عید قربان ، روز دَحوالارض ، روز عاشورا ، شب و روز نیمه شعبان ، تمام ماه رمضان ، بعد از ذکر مصیبت سیدالشهدا (ع) ،

بعد از زیارت امام زمان (ع) ، پس ازگریستن از ترس خداوند ، پس از تجدید هر نعمت و زوال هر محنت ، هنگام وارد شدن غم و اندوه ، در سختی ها وگرفتاری ها ، پس از نماز تسبیح نماز جعفر بن ابیطالب پیش از دعا برای خود و خانواده خود ، عید غدیر ، چهل روز مداومت به دعا برای فرج ، ماه محرم و . . . (1)

1 . مکیال المکارم ج 2 ص 18 ترجمه سید

مهدی حائری قزوینی

جمعه

به سکون میم به معنی هفته وبه ضم میم ، نام یکی از روزهای هفته است . (1)

روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام زمان دارد . یکی آن که ولادت حضرت درآن روز بوده است . دیگرآن که ظهورآن جناب در روز جمعه خواهد بود . (2)

انتظار فرج درآن روز بیشتر از روزهای دیگر است ، بلکه عید بودن روز جمعه وشمردن آن را به عنوان یکی از اعیاد چهارگانه ، به جهتآن است که در روز زمین را از لوث شرک و کفر واز وجود ملدین و کافرین پاک می فرماید .

راوی می گوید خدمت امام علی النقی (ع) رسیدم و گفتم : ای سید من حدیثی از رسول خدا (ص) روایت شده که معنای آن را نمی فهمم فرمود : چیست ؟گفتم لا تعادوا الایام فتعادیکم یعنی با روزها دشمنی نکنید که آن ها با شما دشمنی خواهند ، کرد حضرت فرمود مراد از ایام ما هستیم مادامی که آسمان ها وزمین بپاست شنبه اسم رسول خدا (ص) است و یکشنبه امیر المؤمنین (ع) و دوشنبه حسن وحسین (ع) و سه شنبه علی بن الحسین ومحمد بن علی و جعفر بن محمد (ع) و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی ومحمد بن علی (ع) ومنم و پنجشنبه فرزندم حسن (ع) و جمعه فرزند فرزندم است وبه سوی او اهل حق جمع می شوند . . . . . (2)

سفیانی نیز

در روز جمعه خروج می کند (3)

در فضیلت روز جمعه پیامبر (ص) فرمودند روز جمعه بهترین روزهاست و نزد خداوند از روز عید قربان و عید فطر ارجمندتر است (4)

همچنین امام باقر (ع) فرمودند خوبی و بدی در روز جمعه دو چندان می شود (5)

امام صادق (ع) نیزدر روز جمعه عملی را بر تر از صلوات بر محمد و آل محمد نمی داند . (6) پیامبر (ص) فرمود : خداوند در روز جمعه , ششصد هزار نفر را از آتش آزاد می سازد که همه مستحق دوزخ بوده اند (7)

اولین کسی که جمعه را جمعه نامید کعب ابن لوی بن غالب یکی از اجداد پیامبر (ص) بود . پیش از آن این روز را عروبه می گفتند . (8)

1 . معارف ومعاریف ج4ص 192

2 . بحارالانوار ج 52 ص 279

3 . مفاتیح الجنان اعمال روز جمعه

4 . مفاتیح باب اول فصل پنجم

5 . بشاره الاسلام ص 192

6 . بحار الانوار ج 89 ص 367

7 . ثواب الاعمال ص 172

8 . خصال ص 394

ساعت مخصوص حضرت

سید جلیل ابن طاووس درکتاب امان الاخطار فرموده که هر ساعتی از روز ، مختص به یکی از ائمه (ع) است که برای آن دو دعا است . ساعت

اولی ، برای حضرت علی (ع) تا ساعت دوازدهم که برای مولای ما مهدی (ع) است مستحب است انسان دعای مخصوص آن ساعات را بخواند .

واما در

دعای مختص به امام عصر (ع) که باید در ساعت دوازدهم روز خوانده شود ، مطلع آن چنین است ا . یامن توحد نفسه عن خلقه یامن غنی عن خلقه بصنعه یا من عرف نفسه خلقه بلطفه . . . .

2 . اللهم یا خالق السقف المرفوع والمهاد الموضع ورازق العاصی والمطیع االذی لیس من دونه ولی ولا شفیع (1)

ا . نجم الثاقب باب یازدهم .

شب جمعه

روایات ، قدر و منزلتی خاص برای این شب قائلند . تاکیدواهتمام دعا برای امام عصر (ع) در شب جمعه به چند جهت است : 1 . اختصاص داشتن روز جمعه به آن حضرت ، پس شایسته است که در شب آن ، برای آن حضرت دعا شود2 . شب جمعه ، شب عرضه شدن اعمال به حضرت است . 3 . در بعضی ازکتب معتبر شیعه امامیه روایت آمده کَه از جمله اعمال شب جمعه ، آن است که صد بارگفته شود : اللهم صَل علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم واهلک عدوهم من الجن والانس من الاولین ولآخرین (1)

4 . مرحوم محدث نوری درکتاب نجم الثاقب ، نقل کرده که خواندن دعای ندبه در شب جمعه مستحب است . 5 . روایاتی که امرکرده به دعا برای مؤمنین ومؤمنات در شب جمعه وآن حضرت از همه مؤمنین سزاوارتر است . (2)

01 بحارالانوار ج 89 ص 289 .

02 مکلیال المکارم ج 2ص 55ترجمه قزوینی

عرض اعمال

بر اساس روایات ، اعمال شیعیان در روزهای دوشنبه و پنج شنبه بر امام زمان (ع) عرف می شود .

در این صورت لازم است انسان ، مراقب باشد عملی را مرتکب نشودکه حین عرضه اعمال ، باعث شرمندگی او نزد امام (ع) شود و آن وجود مقدس را برنجاند .

از امام مهدی (ع) روایت شده که : اعمال امت در هر دوشنبه وپنج شنبه بر پیغمبر (ص) عرضه می شود ، پس به آن آگاه می گردد .

همچنین بر

ائمه (ع) عرضه می شود و به آن علم پیدا می کنند . (1)

روایات در باب عرضه اعمال به حضرات ائمه (ع) به حد تواتر است ، ولی مضامین آن ها از نظرکیفیت و وقت عرضه متفاوت است : هر بامداد ، هر پنج شنبه و دو شنبه ، هر پنج شنبه ، اول هر ماه و به روایتی نیمه شعبان ، همه اعمال دوران سال بر حضرات معصومین (ع) عرضه می گردد (2)

عبدالله بن ابان زیات می گوید : به حضرت رضا (ع) عرض کردم که برای من و خاندانم دعایی بکنید . حضرت فرمودند : مگر من دعا نمی کنم به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شبی بر من عرضه می شود ، لذا در هر موردکه مناسب باشد دعا کنم . عبدالله می گوید : از این حرف امام تعجب کردم . امام (ع) وقتی متوجه تعجب من شدند ، فرمودند : آیا کتاب خداوند را نمی خوانی ، آن جا که می فرماید : وقل اعملوا فسیری الله عَملکم ورسوله والمؤمِنون (3)

و نیز نقل شده که روزی امام صادق (ع) خطاب به مردی که در مجلس آن حضرت حضور داشتند ، فرمودند : چرا رسول خدا (ص) را از خود می رنجانید؟ شخصی از حضرت سؤال کرد : یابن رسول الله (ص) ما چگونه رسول خدا را ناراحت می کنیم؟ حضرت فرمودند : مگر نمی دانی که اعمال شما بر رسول خدا (

ص) عرضه می شود ، پس اگر معصیتی در اعمال شما مشاهده نماید ، باعث ناراحتی خاطر او خواهد شد . پس با اعمال بدتان پیامبر اکرم (ص) را ناراحت نکنید ، بلکه سعی کنید با اعمال خوبتان او را مسرور سازید (4)

1 . نجم الثاقب باب یازدهم 0

2 . معارف و معاریف ج 7 ، ص 337 .

3 . سوره توبه 105 منبع حدیث کافی ج1 کتاب الحجه .

4 . نشریه موعود شماره 18 ، ص 72 .

امام مهدی در روایات

و صفات و جزئیات زندگی آن مصلح جهانی ، از پیامبر و سایر پیشوایان معصوم (ع) وارد شده است و علمای شیعه و سنی آن ها را در منابع معتبر خود آورده اند ، بیرون از شمار است . از این رو فقط فهرست قسمتی از آن ها را می آوریم : 48 حدیث در مورد این که حضرت مهدی (ع) نامش ، نام مبارک پیامبر (ص) وکنیه اش ، کنیه شریف پیامبر (ص؟ است نقل شده ، 136 حدیث درباره این که حضرت مهدی (ع) دوازدهمین امام و آخرین پیشوا است آمده ، 214 حدیث در مورد این که حضرتش دهمین فرزند امیرمؤمنان علی (ع) است وارد شد192 حدیث در مورد این که آن حضرت از فرزندان حضرت فاطمه (ع) است ذکر شده ، 308 حدیث در مورد این که وی ، نهمین فرزند امام حسین (ع) است بیان شد ، 185 حدیث در مورد این که او ، هشتمین فرزند

امام سجاد است نقل شده ، 103 حدیث در مورد این که او هفتمین فرزند امام باقر (ع است آمده ، 202 حدیث در مورد این که او ، ششمین فرزند امام صادق (ع) است وارد شده ، 199 حدیث در مورد این که او ، پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر (ع) است بیان شده ، 95 حدیث در مورد آین که او ، چهارمین فرزند علی بن موسی الرضا (ع) است آمده ، 90 حدیث در مورد این که او ، سومین فرزند جوادالائمه (ع) است نقل شد . 90 حدیث در مورد اینکه او ، دومین فرزند امام هادی (ع) است آمده ، 293 حدیث در مورد این که او فرزند بلافصل امام عسکری (ع) نقل شده ، 293 حدیث در باب ولادت با سعادت حضرتش آمده است ، 14 حدیث درباره این که آن حضرت ، پنهانی متولد شده است بیان شده ، 318 حدیث راجع به این که عمر شریفش بسیار طولانی خواهد شد نقل شده است ، 91 حدیث در مورد این که مدَت زیادی از انظار غایب و پنهان خواهد بود آمده است ، 10 حدیث در مورد این که غیبت حضرتش به دو غیبت صغری وکبری تقسیم می گردد ذکر شده است ، 15 حدیث در مورد این که آیین وی ، همان آیین مبین اسلام وکتابش قرآن است آمد ه ، 47 حدیث در مورد این که وی جهانیان را به دین مبین اسلام دعوت می نماید و در تمامی روی زمین حکومت

واحد جهانی بر اساس قانون اسلام تشکیل می دهد نقل شده ، 123 حدیث درباره برقراری عدالت اجتماعی در جهان توسط وی آمده است ، 19 حدیث در مورد این که وی زمین را از شرک وکفر پاک می نماید آمده است ، 7 حدیث در مورد این که ایمان و امنیت واقعی در حکومت عادلانه اش حکمفرما خواهد گردید آمده است ، 12 حدیث در مورد این که اسلام ، شرق و غرب جهان را فرا خواهدگرفت نقل شده است ، 7 حدیث در مورد این که بشر پیرو یک آیین خواهد گردید و همه در تحت لوای اسلام در خواهند آمد ، نقل شده است ، 7 حدیث در مورد این که با شمشیر قیام خواهد کرد ذکر شده است ، 5 حدیث در مورد این که در دوران حکومت عدالت پیشه او ، جهان آباد خواهد گردید و عقول مردمان کامل تر خواهد شد ، نقل شده است ، 23 حدیث در مورد این که معجزات و امتیازات پیامبران در او جمع است و به دست توانای حضرتش ظاهر می گردد ، نقل شده است ، 7 حدیث در مورد این که وقت ظهورش بر احدی از آحاد مردم معلوم نیست و هرکس وقت تعیین می کند دروغگوست آمده است ، 25 حدیث در مورد این که اصحاب خاص آن حضرت 313 نفرند و از اطراف و اکناف عالم به سرعت ، به اندازه ، یک چشم بر هم زدن نزدش جمع می شوند نقل شده است ، 29 حدیث در مورد این که حضرت عیسی (ع) در نماز به

وی اقتدا می نماید ، بیان شده است ، 27 حدیث در مورد این که منادی آسمانی حضرتش را به نام و نشان به جهانیان معرفی می کن آمده است ، و بالاخره 657 حدیث در مورد این که برای ظهور مبارک آن حضرت علایم و نشانه هایی خواهد بودکه پیش از ظهور مبارکش به وقوع خواهد پیوست ، آمده است . (1)

1 . منتخب الاثر فصل دوم در ضمن 49 باب .

امام مهدی در نهج البلاغه

مسأله مهدویت در نهج البلاغه از دو نظر قابل بررسی است .

یکی از دیدگاه ملاحم وپیشگویی های امام (ع) ودیگر مربوط به آینده جهان است .

واما خطبه هایی که حضرت در آن ها به مهدویت اشاره کرده اند : خطبه 0 10 ، 138 ، 150, 182 ، 187 ، 195 وحکمت 47 1 و 0259

در نهج البلاغه امیر مؤمنان (ع) درباره حضرت مهدی (ع) سخنانی آمده است . برای نمونه درباره سیرت حضرت ولی عصر (ع) در خطبه شیوایی چنین آمده : جامه حکمت به تن کرده ، و آن را با جمیع آداب و شرایطش ، از توجه و شناخت و اتصال با او وگسستن از غیر او ، فراگرفته است . پس حکمت نزد آن حضرت گمشده اوست که در جست و جوی آن کوشا است و آرزوی اوست که به برآورده شدنش دل بسته است . هنگامی که فتنه ها روی آورده اسلام غریب شود ، او درگوشه ای عزلت می گزیند و غربت اختیار می نماید . رنج ها را به جان می

خرد و از عزلتگاه خود بیرون نمی آید . او یگانه بازمانده از حجت های پروردگار و واپسین جانشین از تبار پیامبران است . (1)

ابن ابی الحدید و دیگران تصریح کرده اند که این خطبه در حق قائم آل محمد (ع) می باشد (2) و در خطبه شقشقیه در همین رابطه می فرماید : قسم به پروردگاری که دانه راشکافت و انسان را آفرید ، اگر نبود انبوه حاضران و قیام حجت با وجود یار و یاور ، و نبود آن پیمانی که خداوند از دانایان امت گرفته است که در برابر پرخوری ستمگر وگرسنگی ستمکش صبر نکنند ، هر آینه زمام و ریسمان شتر خلافت را برکوهان آن می انداختم . . . (3) امیرالمؤمنین (ع) در این خطبه یکی از علل پذیرش بیعت را پس از 25 سال فترت ، اجتماع انبوه مردم و زمینه سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) و قیام قائم آل محمد به هنگام فراهم شدن اصحاب و یاران آن حضرت می شمارد .

از جمله مطالبی که در نهج البلاغه درباره حضرت مهدی (ع) آمده است می توان چنین اشاره کرد : - خالی نبودن زمین از حجت های الهی خطبه 1

- امام زمان ، جانشین پیامبران الهی خطبه 1820

- غیبت طولانی حضرت خطبه 182 .

- ظهور امام زمان بعد از انتظاری طولانی خطبه 150 .

- کامل شدن نعمت ها و برآورده شدن آرزوها در عصر ظهور حکمت 209 .

- الهی شدن خواسته های بشر در زمان ظهور خطبه

1000

- محوری شدن قرآن در عصر ظهور خطبه 138

- حاکمیت عدل اسلامی در عصر ظهور خطبه 138 .

- احیای مجدد قرآن و سنت پیامبر (ص) درعصر ظهور همان .

1 . نهج البلاغه عبده ج 02 ص 108 شرح باب الحدید ج2 ص 435 .

2 . شرح ابن ابی الحدید ج 4 ص 336

3 . نهج البلاغه عبده ج 1 ص 36 .

پدر حضرت

پدر حضرت

حسن بن علی بن محمد بن علی ، ملقَب به عسکری ، یازدهمین امام از ائمه معصوم (ع) ، پدر حضرت مهدی (ع) دوازدهمین امام بوده است .

در روز هشتم یا چهارم یا دهم ربیع الثانی سال 1 23 یا 232ه ق در مدینه متولد و در روز هشتم یا اول ربیع الاول سال 260ه ق در سامرا وفات یافت .

دوران امامت این امام ، شش سال بوده ودر مدت عمر بیست وهشت یا بیست ونه سال خویش ، منشأ برکات وفیوضات بسیاری بوده است .

آن حضرت در دوران حکومت معتمد عباسی از دنیا رفت و درکنار قبر پدرش در سامرا مدفون گشت .

حضرت عسکری (ع) ، جز امام مهدی (ع) فرزندی نداشته است . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 4 ص 514

القاب پدر حضرت

اشاره

حسن خالص از القاب ناشناخته حضرت عسکری (ع) است .

شبراوی شافعی از علمای اهل سنت درباره ولادت حضرت مهدی (ع) درکتاب خویش می نویسد : امام یازدهم ، حسن خالص است که به لقب عسکری معروف است و او را شرافت همین بس که امام مهدی (ع) از فرزندان گرانمایه اوست (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور 0 سید محمدکاظم قزوینی ص 168 .

نماز بر پیکر پدر

امام حسن (ع) در آستانه ارتحال قرارگرفت . چند روزی کسالت شدید پیداکرد .

خلیفه از این امر آگاه شد . به دستور وی ، گروهی از سران دولت و جمعی از پزشکان ، به منزل امام یازدهم (ع) رفتند ، تا ضمن مداوای حضرت وکسب وجهه عمومی ، اوضاع و شرایط رازیر نظر بگیرند و رفت و آمدها را به کنترل در بیاورند واگر صحنه مشکوکی در رابطه با جانشینی و امامت پس از وی دیدند ، آن را گزارش کنند . (1)

تا این که هشتم ربیع الثانی سال260ه . ق امام حسن عسکری (ع) در شهر سامرا ، چشم از جهان فرو بست .

ابوالادیان می گوید : هنگامی که به خانه امام حسن (ع) رسیدیم ، وی را در حالی دیدیم که کفن شده بود . برادرش جعفر جلو افتاد تا بر جنازه امام نماز بخواند . هنوز تکبیر را نگفته بود که کودکی جلو آمد ، لباس جعفر راگرفت و او را از جنازه کنار زد و فرمود : ای عموکنار

بایست که من از تو برای نمازگذاردن بر پدرم شایسته ترم . (2)

جعفر نیز در حالی که رنگ از چهره اش پریده بود کنار رفت .

01 بحارالانوار ج50 ص 328 .

2 . کمال الدین ص 475 .

تداوم امامت

این اندیشه که پس از حضرت امام حسن عسکری (ع) چه کسی زمام امور شیعیان را بر عهده خواهدگرفت ، ذهن و دل بسیاری از یاران آن حضرت را به خود مشغول داشته بود واز این رو آن ها تلاش می کردند در فرصت های نادری که توفیق زیارت حضرتش را می یافتند به نوعی پرسش درونی خود را با امامشان مطرح کنند .

از جمله در یکی از روزهاکه عثمان بن سعید عمری یار ویاور باوفای حضرت عسکری (ع) نیز در مجلس آن حضرت حضور داشت ، یکی از یاران ایشان پرسید : شما درباره این حدیث که از پدران بزرگوارتان نقل شده چه می گویید : زمین تا روز قیامت از حجت خدا بر بندگان تهی نمی ماند . وهرکس که بمیرد وامام زمانش را نشناسد ، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است آن حضرت در پاسخ فرمود : آری این سخن همانند روز حق است .

باز پرسید : ای پسر رسول خدا ، پس چه کسی پس از شما امام وحجت خواهد بود؟

حضرت فرمود : پس از من ، پسرم محمد ، امام وحجت خواهد بود . هرکسی بمیرد واو را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است . آگاه باشیدکه او را غیبتی است که در آن نادانان به گمراهی می

افتند واهل باطل هلاک می گردند . هرکس که در این دوران برای ظهور تعیین وقت کند ، دروغ می گوید . سپس با سپری شدن دوران غیبت او ظهور می کند . گویا پرچم های سفیدی راکه در نجف کوفه بر بالای سرش در اهتزاز است می بینیم . (1)

با انتصاب حضرت مهدی (ع) به عنوان دوازدهمین امام شیعیان ، شجره طیبه امامت ، برگ و باری تازه یافت . (2)

ا . کمال الدین ج 2 ص 409

2 . نشریه موعود شماره 20ص 51

اموال و دارایی حضرت

زمینی که مسلمانان به زور شمشیر ازکفارگرفته و به قلمرو حکومت خویش در آورده باشند گویند . چنین زمینی ملک امام و متعلق به عموم مسلمین است و در عصر حضور جز به اذن امام نمی توان در آن تصرف کرد . ولی در عصر غیبت ، محل خلاف است که آیا مسلمانان ، آن را مالک می شوند و قابل نقل است ، یا به گونه اباحه در آن تصرف می کنند و نقل و انتقال ، به تبع آثار متصرف خواهد بود . (1)

ا . معارف ومعاریف ج 9 ص552

داستانها

خواب مخزومی (مخزومی ، مردی از قبیله مخزوم است .)

در حدیثی از امام صادق (ع) که از اجتماع یاران حضرت مهدی (ع) سخن می گوید آمده است : وقتی حضرت با یارانش در مکه گرد می آیند ، در کوچه های مکه به راه می افتند ، تا برای خود محل اقامتی پیداکنند . مردم مکه افراد ناشناسی را در میان خود می بینند و می گویند : تا به امروز آن ها را در این شهر ندیده ایم به ناگاه مرد مخزومی وارد می شود و می گوید : من خوابی دیده ام که بسیار پریشان و نگران هستم . مردم می گویند : بیا بر نزد فلان ثقیفی برویم چون به پیش او می روند ، مرد مخزونی چنین می گوید ابری را دیدم که از اعماق آسمان ظاهر شد و به تدریج پایین آمد تا به نزدیکی کعبه رسید و آنگاه دورکعبه طواف نمود در این ابر ، ملخ

های فراوانی با بال های سبز بودکه تا مدتی بس دراز دور خانه خدا طواف می کردند . آنگاه به چپ و راست پراکنده شدند ، به هیچ آبادی نمی رسیدند جز این که به خاکستر می نشاندند . به هیچ قلعه ای نمی رسیدند جز این که ویران می کردند . سپس از خواب بیدار شدم و چون بید لرزیدم و تاکنون هم در ترس و وحشت هستم . مرد ثقیفی می گوید : امشب لشکری از لشکرهای الهی بر شهر شما وارد شده ، که شما را یارای مقاومت در برابر آنها نیست . مردم مکه از شنیدن این حرف پریشان می شوند و می گویند چیز عجیبی به وجود آمده است . در بامداد چنین شبی بیعت مبارک انجام می پذیرد و مردم مکه نیز بیعت کرده و به سپاه حق ملحق می شوند و خواب مخزومی و تعبیر ثقیفی تحقق می یابد (1)

ا . روزگار رهایی ج اص433

دعاها

نافله

نماز نافله نماز سنت است که واجب نیست و آن دو قسم است : مبتدئه ، مرتبه .

مبتدئه نافله ای است که وقت معینی نداشته باشدکه نماز در هر حال مطلوب و مقرب به خداست .

مرتبه نوافل شب و روز است که 34 رکعت است .

مرحوم محدث نوری ، حکایت سید رشتی را چنین نقل می کندکه حضرت مهدی (ع) به سید دستور خواندن نافله ، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می دهد و پس از آن می فرماید : شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله ، نافله ، نافله (1)

برخی

می گویند مراد امام (ع) از نافله ، نافله شب است .

1 . نجم الثاقب باب سوم

نماز حاجت

از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان (ع) روایت شده که : هرکس حاجتی دارد باید بعد از نیمه شب جمعه ، غسل کند و به مصلای خود برود و دو رکعت نماز بگذارد . در هر رکعت سوره حمد را بخواند و به ایاک نعبد و ایاک نستعین که رسید صد مرتبه آن را تکرارکند . سپس حمد و سوره راکامل بخواند و رکوع و سجود بجا بیاورد . در رکوع, سبحان ربی العظیم و بحمده و در دو سجده سبحان ربی الاعلی و بحمده را هفت مرتبه بگوید . همانا خداوند ، حاجت او را برآورده می کند ، هرگونه حاجتی که باشد مگر آن که حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد . (1)

ا . نجم الثاقب باب هفتم .

آثار دعای فرج

روایات مختلفی به بیان آثار ، فوائد و ویژگی هایی که بر دعاکردن برای تعجیل فرج مترتب است ، پرداخته است که به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم :

01 فرمایش حضرت ولی عصر (ع) : بسیار دعاکنید برای تعجیل فرج که فرج شما درآن است .

02 این دعا سبب زیاد شدن نعمت ها است .

03 اظهار محبت قلبی است .

0 4 نشانه انتظار است .

05 زنده کردن امر ائمه اطهار (ع) است .

6 . مایه ناراحتی شیطان لعین است .

7 . نجات یافتن از فتنه های آَخر الزمان است .

08 اداء قسمتی از حقوق آن حضرت است که اداء حق هر صاحب حقی ، واجب ترین امور است .

. 9

تعظیم خداوند و دین خداوند است .

10 . حضرت صاحب الزمان (ع) درحق او دعا می کند .

11 . شفاعت آًن حضرت در قیامت شامل حال او می شود .

12 . شفاعت پیغمبر (ص) ان شاء الله شامل حالش می شود .

013 این دعا امتثال امر الهی و طلب فضل و عنایت او است .

14 0 مایه استجابت دعا می شود .

015 اداء اجر رسالت است

016 مایه دفع بلا است .

017 سبب وسعت روزی است ان شاء الله

18 . باعث آًمرزش گناهان می شود .

19 0 سبب تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می شود ان شاء الله .

20 . سبب رجعت به دنیا در زمان ظهور آًن حضرت می شود ان شاء الله

21 . از برادران پیغمبر (ص) خواهد بود

022 فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان (ع) زودتر واقع می شود .

23 . پیروی ازپیغمبروامامان (ع) خواهد بود .

24 . وفای به عهد و پیمان خداوندی است .

025 آًثار نیکی به والدین برای دعاکننده حاصل می گردد .

36 . فضیلت رعایت و اداء امانت برایش حاصل می شود

37 . زیاد شدن اشراف نور امام (ع) در دل او است

28 . سبب طولانی شدن عمراست ان شاء الله .

29 . تعاون و همکاری درکارهای نیک و تقوی است .

30 . رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند است

31 . سبب هدایت به نور قرآًن مجید است .

032 نزد اصحاب اعراف معروف می گردد .

33 . به ثواب طلب علم نائل می شود ان شاء الله .

34 . از عقوبت های اخروی ان شاء الله در امان می ماند

35 . هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او به نرمی رفتار می شود

036 این دعا اجابت دعوت خدا و رسول (ص) است .

37 . با امیرالمؤمنین (ع) و در درجه آن حضرت خواهد بود .

038 محبوب ترین افراد نزد خداوند خواهد بود

39 . عزیزترین وگرامی ترین افراد نزد پیغمبر (ص) می شود

40 . ان شاء الله ازاهل بهشت خواهد شد

41 . دعای پیغمبر (ص) شامل حالش می گردد .

042 کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل می شود .

43 . خداوند متعال در عبادت ، او را تأیید می فرماید .

44 . ان شاء الله با این دعا عقوبت از اهل زمین دور می شود .

45 . ثواب کمک به مظلوم را دارد .

46 . ثواب احترام به بزرگتر و تواضع نسبت به او را دارد .

47 . پاداش خونخواهی حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) را دارد .

48 . شایستگی دریافت احادیث ائمه اطهار (ع) را می یابد .

69 . نور او برای دیگران نیز روز قیامت درخشان می گردد

50 . هفتاد هزار نفر ازگنهکاران را شفاعت می کند .

51 . دعای امیرالمؤمنین (ع) در روز قیامت ,شاملش می گردد .

52 . بی حساب داخل بهشت می شود .

053 از تشنگی روز قیامت در امان می ماند .

54 . در بهشت جاودان است .

55 . مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل او است .

56 . روز قیامت هدیه های ویژه ای دریافت می دارد .

57 . خداوند عزوجل از خدمتگزاران بهشت نصیبش می فرماید .

58 . در سایه گسترده خداوند قرارگرفته و رحمت بر او نازل می شود مادامی که مشغول آن دعا باشد .

59 . پاداش نصیحت مؤمن را دارد .

60 . مجلسی که در آن برای حضرت قائم عجل الله فرجه دعا شود ، محل حضور فرشتگان می گردد .

61 دعا کننده مورد مباهات خداوند می شود .

62 . فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند .

063 از نیکان مردم پس از ائمه اطهار (ع) می شود .

065 این دعا اطاعت از اولی الامر است که خداوند اطاعت شان را واجب ساخته است .

65 . مایه خرسندی خداوند عزوجل می شود .

66 . مایه خشنودی پیغمبر (ص) می گردد .

067 این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است .

068 ازکسانی خواهد بودکه خداوند در بهشت به او حکومت می دهد ، ان شاء الله .

69 . حساب او آسان می شود .

070 این دعا در عالم برزخ و قیامت مونس مهربانی خواهد بود .

71 . این عمل بهترین اعمال است .

72 . باعث دوری قصه ها می شود .

73 . دعای هنکام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور امام (ع) است .

74 .

فرشتگان درباره اش دعا می کنند .

75 . دعای حضرت سیدالساجدین (ع) که نکات و فواثد متعددی دارد شامل حالش می شود .

076 این دعا تمسک به ثقلین کتاب و عترت است .

77 . چنگ زدن به ریسمان الهی است .

78 . سبب کامل شدن ایمان است .

79 . همانند ثواب همه بندگان به او می رسد .

80 . تعظیم شعائر خداوند است .

81 . این دعا ثواب کسی که با پیغمبر (ص) شهید شده را دارد .

82 . ثواب کسی که زیر پرچم حضرت قائم (ع) شهید شده را دارد .

83 . ثواب احسان به مولای ما حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه را دارد .

84 . در این دعا ، ثواب گرامی داشتن عالم هست .

85 . پاداش گرامی داشتن شخص کریم را دارد .

86 . در میان گروه ائمه اطهار (ع) محشور می شود .

87 . درجات او در بهشت بالا می رود .

88 . از بدی حساب در روز قیامت در امان می ماند .

89 . به بالاترین درجات شهدای روز قیامت نائل می شود .

90 . و رستگاری به سبب شفاعت فاطمه زهرا (ع) را در پی دارد . (1)

ا . مکیال المکارم ج1ص 351 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

دعا برای سلامتی حضرت

یکی از وظایف منتظران ، دعا کردن برای سلامتی حضرت مهدی (ع) است .

دعا کردن برای سلامتی حضرت آثار و برکات فراوانی داردکه عبارتتند از :

دعا نشانگر علاقه ومحبت مسلمانان به ایشان است اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین (ع) بخشی از ایمان وشرط قبولی اعمال است ، در عین حال دعا کردن در حق امام زمان (ع) موجب ازدیاد محبت آن حضرت در دل ودرنتیجه موجب تقویت ایمان می گردد . 2 . دعا اظهار تجدید عهد وپیمان باآن حضرت است ومحتوای پیمان باآن حضرت را دین داری ، شریعت محوری وتصمیم قلبی بر اطاعت امر امام (ع) وياری رساندن او با نثار جان ومال تشکیل می دهد .

تجدید بیعت باآن حضرت (ع) کاری است که بعد از هر نماز از نمازهای پنجگانه یا در هر روز ویا در هر جمعه انجام آن مستحب است .

هر روز بعد از نماز صبح ، دعاهایی که مربوط به وجود مبارک امام عصر (ع) است خوانده شود ، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود . دعای شریف اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین . . . و نیز " دعای عهد " شاهدی برای این سخن است . 3 . دعا سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد . یاد امام زمان ((ع) توجه به ارزش های دین واصول اخلاقی را در دل ها زنده می کند وغفلت از یاد امام ، یکی از دلایل عمده پژمردگی وسستی ارزش های الهی و انسانی در جوامع اسلامی است .

4 . کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است ، مسلماًآزردن آن حضرت برایش سخت است در

نتیجه دعا برای سلامتی آن حضرت ، انسان را به انجام کارهایی وامی داردکه موجب خشنودی آن حضرت و درنتیجه سبب رسیدن به مقام رضوان الهی می گردد 5 . دعا بسیار موثر است وموجب فرج آن حضرت ونیز فرج وگشایش در زندگی مؤمنان می شود . 6 . دعا موجب قرب الهی است . امام مهدی (ع) در خصوص زیارت آل یس می فرمایند : هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند وبه ما توجه کنید ، این زیارت راکه از جانب خداوند انشا شده است ، بخوانید . این زیارت که از جهات مختلف محتوایی عمیق دارد بسیار مورد تاکید و سفارش قرار گرفته است این زیارت از ابتدا تا انتها ، دعا برای سلامتی ، تندرستی و بهروزی امام زمان (ع) است در دعای بعد از این زیارت نیز معانی بلندی نهفته است مانند : خدایا او امام زمان (ع) را از شر هر متجاوز وسرکشی واز شر همه خلق خود پناه ده واو را از حوادث یومیه ، از پیش رو واز پشت سر واز طرف چپ ، حفظ ونگه داری کن واز این که آسیب وگزندی به او برسد ، جلوگیری کن و در خصوص او ، رسولت وخاندان رسولت را حفظ نما وبه دست مبارکش عدل وداد را پدیدار نما اللهم اعذه من شرکل باغ وطاغ ومن شر جمیع خلقک واحفظه من بین یدیه ومن خلقه وعن یمینه وعن شماله واحرسه وامنعه من ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولک وآل رسولک واظهر به العدل . . .

نیز دعا کردن برای سلامتی

و فرج آن حضرت ، اطاعت از امر خداوند ونیز اهل بیت پیامبر اکرم (ص) است و هرکه خدا و رسولش را اطاعت کند و خداترس وپرهیزکار باشد ، چنین کسی به فوز وسعادت خواهد رسید (1)

آخرین نکته این است که هر چند طبق وعده الهی حضرت زنده وباقی هستند ، تا زمانی که پرچم توحید وعدل را در همه جهان به اهتزاز درآورند ، ولی بالاخره بشر هستند ودر معرض آفات جسمانی وبلاهای طبیعی و ممکن است مریض شوند و دچارکسالت گردند و از این نظردعای ها برای سلامتی حضرت وحفظ ایشان از این آفات وحوادث ، بدون شک در سلامتی وجودآن عریز عالم وجود و آخرین در صدف امامت و ولایت ، مؤثر و مفید است و بهترین ادعیه برای سلامتی حضرت ، دعای معروف اللهم کن لولیک الفرج . . . است .

ا . نور 52 .

اوقات و حالات دعا برای حضرت

در آیات و روایات ، اوقات و حالات متعددی جهت دعا برای حضرت صاحب الزمان (ع) واردشده است که از آن جمله است : بعد از هر نماز واجب ، بعد از هر دو رکعت از نماز شب ، در قنوت نمازها ، در حال سجده ، در سجده شکر ، هر صبح و شام ، آخرین ساعت از هر روز ، روز پنجشنبه ، شب و روز جمعه ، روز نوروز ، روز عرفه ، عید فطر ، عید قربان ، روز دَحو الارض ، روز عاشورا ، شب و روز نیمه شعبان ، تمام ماه رمضان ، بعد از ذکر مصیبت سیدالشهدا (ع

) ، بعد از زیارت امام زمان (ع) ، پس ازگریستن از ترس خداوند ، پس از تجدید هر نعمت و زوال هر محنت ، هنگام وارد شدن غم و اندوه ، در سختی ها وگرفتاری ها ، پس از نماز تسبیح نماز جعفر بن ابیطالب ، پیش از دعا برای خود و خانواده خود ، عید غدیر ، چهل روز مداومت به دعا برای فرج ، ماه محرم و . . . (1)

1 . مکیال المکارم ج 2 ، ص 18 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دعای افتتاح

دعایی است که حضرت مهدی (ع) آن را به محمد بن عثمان دومین نائب خاص تعلیم داده واو منتشر نموده است .

علامه مجلسی در زاد المعاد می آورد : امام زمان (ع) آن را برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند . فرشتگان می شنوند و برای خواننده آن استغفار می کنند . در این دعای شریف به ویژگی های حکومت حضرت به عنوان دولت کریمه اشاراتی شده است . (1)

1 . سیره چهارده معصوم محمدی اشتهاردی ، پاورقی ص 974 .

دعای سمات

جمع سمَه به معنی علامت ها ونشانه ها است .

دعایی است معروف که علامه مجلسی در سلسله سند آن ، نام محمد بن عثمان عمری ، یکی از نواب خاص حضرت حجت (ع) را ذکر کرده است (1)

نیز در مصباح شیخ طوسی وجمال الاسبوع سید بن طاووس ، به سندهای معتبر ، این دعا از محمد بن عثمان عمری است واز حضرت امام محمدباقر وامام جعفر صادق (ع) روایت شده است . دعای شبور هم نامیده می شود وخواندن آن در ساعات آخر روز جمعه مستحب است . مطلع آن چنین است : اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم . . . (2)

1 . معارف ومعاریف ج6ص 327 .

2 . مفاتیح الجنان باب اول .

دعای عبرات

دعایی است که از امام صادق (ع) روایت شده است . آورده اندکه امام زمان (ع) جهت خلاص شدن شخصی ، از دست گروهی ظالم ، خواندن این دعا را سفارش کرده است .

مطلع آن چنین است : اللهم إنی اسألک یا راحم الدرات ویاکاشف الکربات ، انت الذی تشفع سحائب المحن . . . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب هفتم .

دعای غریق

از ادعیه ای است که خواندن آن در دوران غیبت حضرت مهدی (ع) سفارش شده است . امام صادق (ع) فرمودند : به زودی امر مشتبهی غیبت طولانی به شما می رسد ، پس بدون نشانه ای که دیده شود وبدون امام هدایت کننده می مانید . از آن نجات نمی یابد ، مگرکسی که دعای غریق را بخواند . راوی می گوید : دعای غریق چگونه است , حضرت فرمودند : می گویی : یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک (1)

1 . کمال الدین ص 351 .

دعای فرج

دعایی است که برای طلب ظهور حضرت مهدی (ع) خوانده می شود . چندین دعا به دعای فرج معروف است ، اول : دعای یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یواخذ بالجریره ولم یهتلک الستر یا عظیم المن یا کریم الصفح یا حسن التجاوز یا واسع المغفره یا باسط الیدین الرحمه یا منتهی کل نجوی ویا غایه کل شکوی یا عون کل مستعین یا مبتداء بالنعم قبل استحقاقها یا رباه ده مرتبه یا غایهرباه ده مرتبه اسئلک بحق هذه الاسماء بحق محمد وآله الطاهرین الا ما کشفت کربی و نفسک همی و خرجت غمی واصلحت حالی

دوم : امیرالمؤمنین علی (ع) برای حاجتی نزد حضرت رسول (ص) شکایت کرد وپیامبر به ایشان این دعا را توصیه کرد : یا عماد من لاعماد له ویا سند من لا سند له ویا ذخر من لا ذخر له ویا حرزمن لاحرزله ، یا فخرمن لافخرله ویارکن

من لارکن له یا عظیم الرجاء یا عزَ الضعفاء یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل اسئل الله الذی لا اله الا انت الذی سجد لک سواد اللیل وضوء النهار وشعاع الشمس ونور القمر ودوی الماء وخفیف الشجر یا الله یا رحمن یا ذا الجلال والاکرام .

وامیرالمؤمنین (ع) این دعا را دعای فرج نامید .

سوم : مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید وازگرفتاری خویش شکایت کرد . آن حضرت برای فرج او خواندن این دعا را سفارش کرد : الهی طموح الامال قد حاجت الا ، لدیک ومعاکف الهمم قد تعطلت الا الیک و مذاهب العقول . . .

چهارم : اللهم یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالا لِما یرید اسئلک بنور وجهک الذی ملأ ارکان عرشک وبقدرتک التی قدرت بها علی جمیع خلقک و برحمتک التی وسعت کل شی لا اله الا ، انت یا مبدی یا معید لا اله الا ، انت یا اله البشر یا عظیم الخطر منک الطلب والیک الهرب وقع بالفرج یا مغیث اغثنی .

پنجم : اللهم انی اسئلک یا الله یا الله یا الله یا من علا فقهر یا من بطن فخبر . . . . . . (1)

ششم : کفعمی در بلد الامین فرموده ، این دعاءحضرت مهدی (ع) است که آن را به شخصی که محبوس بود ، تعلیم فرمود و آن فرد خلاص شد : اِلهی عظم البلاء و برح الخفاء وانکشف الغطاء . . . . . . (2)

هفتم

: برخی دعای اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک علیه . (3)

را دعای فرج نامیده اند .

ا . نجم الثاقب ، باب هفتم حکایت سی ام

2 . مفاتیح الجنان باب اول .

3 . مصباح المتهجد ص630 بلدالامین ، ص 203 .

دعای ندبه

دعایی است جامع وپر سوزکه از دیرباز مورد توجه شیعیان و منتظران حقیقی حضرت ولی عصر (ع) بوده است . این دعا در حقیقت ، بیانگر تاریخ فشرده ای از حضور حجت هاواولیای الهی بر پهنه خاک است . سلسله ای که از حضرت آدم (ع) آغاز ، وتا آخرین حجت خدا ، حضرت مهدی (ع) ادامه می یابد . دعای ندبه را امام جعفر صادق (ع) به دوستان وشیعیانش تعلیم داده و به آن ها امر فرموده که این دعا را در اعیاد چهارگانه فطر ، قربان ، غدیر و جمعه بخوانند و به ما امر فرموده که در عصر غیبت با این دعا ، با پیشوای خود راز دل بگوییم وتجدید میثاق کنیم . برخی معترضان به دعای ندبه می گویند : هنگامی که امام صادق (ع) دعای ندبه را انشا فرموده ، بیش از یک قرن به تولد حضرت ولی عصر (ع) مانده بود ، پس چگونه ممکن است ، انسان نسبت به انسانی که بعد از یک قرن به دنیا می آید ، گریه و زاری کند ودر فراقش اشک بریزد؟ پاسخ این است که : این معنی درباره افراد معمولی متصور است ، اما اگر فرد مورد نظرگل سرسبد

جهان خلقت باشد وهمه پیامبران الهی ، نوید او را به پیروان خود داده باشند وبه امت خود از غیبت طولانی وانتظار اوگفت وگوکرده باشند ، بسیار منطقی است که افراد درد آشنا در انتظار آمدنش ثانیه شماری کنند و از طول غیبتش گریه ها سر دهند . (1)

گروهی از اصحاب به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شده و حضرتش را دیدند که روی خاک ها نشسته ، همانند مادر داغ دیده ، سیل اشک ، روان کرده و ناله های جانسوز سر می دهد . هنگامی که از علت آن جویا شده بودند فرمودندکه برای طولانی شدن غیبت حضرت قائم (ع) وپریشانی مؤمنان در دوران غیبت اشک می ریزند . (2)

بسیاری از امامان (ع) در قنوت نماز خود ، از غیبت ولی به پیشگاه خداوند شکایت می کردند ومی فرمودند : اللهم إنا نشکوا إلیک فقد نبیا وغیبه ولینا . . . .

از جمله آنان ، امام علی ، امام جواد ، امام هادی ، امام حسن عسکری وامام باقر است (3)

عاشقان ومنتظران مولا ، دعای ندبه را هر صبح جمعه زمزمه می کنند . متن کامل این دعای ارزشمند در مفاتیح الجنان آمده است . علاوه بر دعای ندبه ، یکی از زیارتنامه های سرداب مقدس نیز ندبه نامیده می شود و آن زیارت ، مشهور به زیارت آل یاسین است (4)

ا . با دعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ، 030

2 . کمال الدین ، ج 2 ص

. 353

3 . بادعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ص 34 .

4 . همان ص 167 .

سندهای ندبه

معارف والا ومعانی روشن که با اسلوبی بدیع ، شیوا ومنطقی وعباراتی بلند وفصیح در این دعای شریف آمده ، ما را از ارائه هرگونه سند ومنبع بی نیاز می کند ، که چنین حقایق تابناک ودقایق درخشان ، هرگز از هیچ منبعی ، جز سرچشمه زلال ولایت صادر نشود . ولی برای یقین بیشتر ونورانیت دل های مشتاقان ، برخی منابع محکم دعای ندبه را می آوریم : نخستین فرد موثق ومورد اعتمادی که دعای شریف ندبه را در اثر مکتوب خود از امام صادق (ع) روایت کرده ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری است . وی از استادان شیخ مفید است وشیخ مفید به فراوانی از او روایت کرده است حاج آقا بزرگ تهرانی می نویسد : وثاقت او ، از نقل فراوان شیخ مفید از او ، وطلب مغفرت بر اوآشکار می باشد . (1)

دومین فرد مورد اعتماد واستنادی که دعای ندبه را درکتاب خود آورده ، محمد بن علی بن ابی قره است که درکتاب الدعاء آن را ازکتاب بزوفری نقل کرده است . علامه مجلسی نیز می نویسد : و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه وتأسف بر غیبت حضرت قائم (ع) به سند معتبر از حضرت امام جعفرصادق (ع) منقول است (2)

علامه مجلسی در همین فرازکوتاه به نکات ارزشمندی اشاره فرموده : دعای ندبه از نظر محتوا مشتمل

بر عقاید حقه است ، مأثور است واز معصوم رسیده است . از نظر سند معتبر است وسندآن به امام صادق (ع) می رسد . (3)

علمای بسیاری چون حاج شیخ عباس قمی ، سید محسن امین ، شیخ محمدباقر فقیه ایمانی ، میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی ، میرزا حسین نوری ، صدر الاسلام همدانی ، سید محمد طباطبایی یزدی ، سید حیدرکاظمی ، سید ابن طاووس ، وابن مشهدی ، دعای ندبه رادر کتاب های ارزشمند خود نقل کرده اند که این نیز می تواند دلیلی بر مستند بودن آن باشد . در حدود سی سال پیش ، کتابچه بی سر وتهی به نام بررسی دعای ندبه از نویسنده ناشناخته ای با نام مستعار علی احمد موسوی در تهران منتشرگردید ، که در سندآن ابراز تشکیک کرده ، و به مطالب آن ناجوانمردانه تاخته بود . از این روی ، عالمان متعهَد ومرزبانان درد آشنا ، خود را موظف دیدند که این تهاجم ناجوانمردانه را بی پاسخ نگذارند ، لذا آثار ارزشمندی در دفاع از سند ، متن و دیگر ابعاد مربوط به دعای ندبه ، به رشته تحریر درآوردند واعتراض های پوچ و بی محتوای او را پاسخ گفتند . (4)

کتاب وزین با دعای ندبه در پگاه جمعه نقد وبررسی اشکالات سندی ومحتوایی دعای ندبه است که توسط جناب آقای علی اکبر مهدی پور تدوین شده ومطالب ارزشمندی دارد .

ا . الذریعه ج 1 ص 194 .

2 . زاد المعاد ص 486

3 . با دعای ندبه در پگاه جمعه مهدی پور ص63 .

4

. همان ص 166 .

کتابنامه دعای ندبه

گروهی از دانشمندان درد آشنا و نویسندگان متعهد ، به دفاع از حریم دعای ندبه پرداخته و در پاسخ به اشکال ها و اعتراض های بی اساس ، پیرامون این دعای با صلابت ، آثار ارزشمند را به تحریر در آورده اند که عناوین برخی از آن ها را می آوریم : (انوارالولایه, آیت اله صافی گلپایگانی) (به عشق مهدی ,محمد شائق قمی) (پاسخ ها به گفته ها, سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی) (تحقیقی درپاره دعای ندبه ,رضا استادی) (ترجمه دعای ندبه ,مولی رفیع گیلانی) (ترجمه وسیله القربه ,علی بن علیرضا خوئی) (جمال حضوردرآئینه غیبت ,سید حسین خادمیان) (درس هایی از ولایت ,شیخ محمد باقر صدیقینی) (دعای ندبه براساس قدیمی ترین نسخه ها ,دکتر باقر قربانی زرین) (سخنان نخبه, علی عطایی اصفهانی) (شرح دعای ندبه ,محمد باقر شریعت پناه) (شفاء للامه ,محمد جعفر شاملی) (فروغ ولایت ودعای ندبه ,آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی) (کشف الکربه فی شرح دعاء الندبه ,سید جلال الدین محدث ارموی) (مدارک دعای شریف ندبه ,جعفر صبوری قمی) (معالم القربه فی شرح دعاء الندبه ,سید جمال الدین محدث ارموی) النخبه فی شرح دعاء الندبه ,سید محمود مرعشی) (ندبه ونشاط ,احمد زمردیان) (نصره المؤمنین ,عبدالرضا ابراهیمی) (نوید بامداد پیروزی ,سید مصطفی طباطبایی) (وظایف الشیعه ,شیخ عباس علی ادیب اصفهانی) (هدیه مهدویه ,صالحی کرمانی)

(1) و . . . .

ا . با دعای ندبه درپگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ، ص 193 .

نمازتسبیح

نماز جعفر بن ابی طالب است .

یکی از اوقاتی که دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی (ع) در آن تاکید شده ، پس از نماز تسبیح است ، به ویژه اگر آن را در روز جمعه به جای آورند . (1)

1 . مکیال ا لمکارم ج2 ص 78 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دعای حضرت برای شیعیان

با استناد به فرموده حضرت که لا ناسین لذکرکم ، ایشان هیچگاه از یاد شیعیان و دعا برای آنان غافل نیست . از ابن طاووس نقل شده که سحر در سرداب مقدس ، از حضرت مهدی (ع) شنید که حضرتش درباره شیعیان چنین دعا می فرمود : اللهم إن شیعتنا من شعاع انوارنا و بقیه طینتنا و قد ذنوبا کثیره اتکالا علی حبنا وولایتنا فان کانت ذنوبهم بیتک و بینهم فاصفح عنهم فقد رضینا وماکان منها فیما بینهم ، فاصلح بینهم وقاص بها عن خمسنا وادخلهم الجنه وزحزحهم عن النار ولا بینهم ولا تجعل بینهم وبین اعدائنا فی سخطک (1)

ا . بحارا لانوار ج 53 ص 302 به نقل از نجم الثاقب باب هفتم حکایت نوزدهم

نماز اما م زمان

نماز حضرت صاحب الزمان (ع) دو رکعت است . در هر رکعت سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین ، می خوانی و چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می گویی و در مرتبه آخر ، سوره را تمام می کنی . سپس قل هو الله را یک بار می خوانی و چون از نماز فارغ شدی این دعا را می خونی .

اللهم عظم البلاء وبرح الخفاء و انکشف الغطاء . . . . تا آخر .

نماز هدیه به حضرت

در توسل به حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین (ع) به وسیله نماز و هدیه کردن نماز خود به آنان ، ایام هفته را به هر امامی تقسیم کرده اند . برای روز جمعه ، هشت رکعت ذکرکرده اند چهار رکعت برای رسول خدا (ص) و چهار رکعت برای حضرت حجت (ع) . در روایتی آمده است : کسی که ثواب نماز خود را چه فریضه ، چه نافله برای رسول خدا و امیرالمؤمنین واوصیای پس از او هدیه کند ، خداوند ثواب نمازش را دو برابر می کند و هنگام جدایی روح از بدنش ، او را به خاطر چنین هدیه ای بشارت می دهند . بهتر آن است که در این نمازها ، تسبیح رکوع و سجود را سه مرتبه بگوید وپس از آن بگوید : و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و بعد از هر دو رکعت بگوید : اللهم انت السلام و منک السلام و الیک یعود السلام حینا ربنا منک بالسلام اللهم ان

هذه الرکعات هدیه منی الی فلان بن فلان و نام آن حجت را ببردکه هدیه برای اوست صل علی محمد و آل محمد وبلغه ایاها واعطنی افضل املی و رجائی فیک و فی رسولک صلواتک علیه و آله و فیه . آن گاه دعاکند ، هر چه راکه خواست . (1)

ا . نجم الثاقب باب هفتم .

ادعیه امام زمان (ع)

دعاها وزیارت های مربوط به ساحت مقدس امام زمان (ع) بخش مهمی از فرهنگ شیعه را به خود اختصاص داده است . این گستردگی منشأیی جز این نداردکه آن حضرت ، خاتم اوصیا وامید امت هاست و با امامتی که تاکنون دوازده قرن از آن می گذرد ، نمونه ای در انبیا وامامان گذشته است . جمع آوری وتدوین ادعیه و زیارات مربوط به آن حضرت به صورت های مختلفی تاکنون انجام شده و دایره وسیعی دارد . لازم به تذکر است که دعا برای وجود شریف امام زمان (ع) در دعاهای مخصوص به حضرت محدود نمی شود بلکه در زیارات ائمه و اعمال شب وروز جمعه وحتی در دعاهای نماز وغیره نیز به چشم می خورد .

بخش اول : برداشتی از ادعیه وزیارات مربوط به امام زمان (ع) که بیانگر محتوای آن هاست و آن چه ما بر زبان جاری می کنیم وباید به معنای آن توجه کنیم ، بخش نخست این نوشتار است که به طور خلاصه و فهرست وار تقدیم می شود : دعاهایی که در مورد ظهور حضرت است :

1 . تعجبل فرج و ظهور حضرت : این مضمون بیش از مضامین

دیگر در ادعیه وزیارات آمده است . در دعاها و زیارت های مربوط به امام زمان (ع) ، آن چه بیش از همه به چشم می خورد دعا برای تعجیل فرج ومقررگشتن امر ظهور حضرت از جانب خداوند به عبارت های مختلف است . دعا برای تعجیل فرج گاهی به صورت تصریح وگاهی به صورت کنایه است مانند : عزت مؤمنان و ذلت جباران ، منافقان ، کفار ، معاندان ، دشمنان ، سلاطین ، رقیبان حضرت و آنان که سعی در خاموش نمودن نور حضرت و از یاد بردن ذکر او دارند .

2 . دعا برای سلامتی حضرت : در دعا برای سلامتی امام زمان (ع) نیزگاهی تصریح به سلامتی وحفظ حضرت شده وگاهی به صورت های دیگر آمده است از نمونه این دعاها دفع حسد وشر حیله گران وظالمان وجباران از حضرت است . سلام هایی که به حضرت داده شده بسیار زیاد است وهمه حاوی مضامین بالا از عقاید شیعه ، در مورد آن حضرت وصفات وخصائص ودیگر جوانب او است . این سلام ها همه به منزله دعا برای سلامتی حضرت بوده ونیز ادای احترام وعرض ادب خدمت اوست . در این سلام ها اشاره شده که تحیتی از جانب خود انسان و نیز درخواست از خداوند است که سلام جمیع مؤمنین و مؤمنات از شرق و غرب عالم را به او برسا ند .

صلوات هایی که در ادعیه وزیارات نسبت به حضرت آمده به عبارات مختلف است واکثراً همواره با صلوات بر پیامبر (ص) و دیگر معصومین (ع) آمده است

.

دعاهایی که در ارتباط غیر مستقیم با حضرت است 1 . دعا هایی برای دوستان ویاوران و خدام آن حضرت : دعا برای دوستان ویاوران و زائرین حضرت نیز در ادعیه و زیارات به چشم می خورد مضامینی از قبیل کمک خواستن از خداوند ویاری حق تعالی برای آن ها و دعا برای اینکه خداوند آن ها را دوست بدارد .

2 . دعاهای شخصی که در رابطه با حضرت برای خود دعا می نماییم : در ادعیه وزیارات مضامینی آمده که دعا برای خود انسان در رابطه با امام زمان (ع) است . از نمونه های آن موارد زیر است : از اعوان و انصار ویاران و ملازمان ومحافظان وتابعین و دوستان و خونخواهان و خالصان وپیشروان در ادای اوامر حضرت و راضی وتسلیم بودن نسبت به آن حضرت ، از منتظران ظهور و فرج حضرت بودن ، محشورگشتن در زمره آن حضرت و زیر پرچم حضرت ، در قیامت از یاران حضرت بودن ، توفیق ادای حقوق آن حضرت ، درک ظهور و زمان پس از ظهور حضرت و بازگشت و زنده شدن در صورت مرگ قبل از ظهور .

3 . دعا علیه دشمنان حضرت : در ادعیه وزیارات دعا علیه دشمنان و خوارکنندگان حضرت نیز آمده است . مضامینی از قبیل خوار شدن خوارکنندگان خاذلین حضرت ، دعا علیه انواع دشمنان حضرت ، دعا برای اینکه خداوند دشمنانش را دشمن بدارد .

در ادعیه وزیارات مربوط به حضرت مضامین دیگری نیز آَمده که به آن ها اشاره می شود : 1 . شکوای دل با خداوند و امام

زمان (ع) از دشواری های زمانه و طولانی شدن غیبت واستغاثه به آن ها ، که اکثراً با مضامین بالا وبه صورت خطابی است ، وگاهی کلماتی از قبیل الغوث وادرکنی والعجل آمده است . 2 . بیان فضائل وخصائص مظلومیت اهل بیت (ع) وبه خصوص امام زمان (ع) . 3 . شهادت به اعتقادات درباره حضرت از قبیل طول عمر حضرت ، رجعت وعدل جهانی که به دست او تحقق می یابد . تجدید بیعت واعلام آمادگی برای جانفشانی و اطاعت از اوامر آن حضرت .

بخش دوم بر شمردن دعاها و زیارات مربوط به امام عصر (ع)

1 . دعای ندبه : دعای ندبه از اعمال سرداب مقدس امام زمان (ع) و نیز از اعمال عید فطر و روز جمعه است ، وخواندن آن در همه اوقات مناسب است . این دعا گرچه مربوط به امام زمان (ع) است ، ولی می توان گفت یک دور عقاید تشیع درآن آمده است . در این دعا ابتدا توحید وسپس نبوت انبیاء (ع) وپیامبر و بعد مسأله ولایت امیرالمؤمنین (ع) و فتنه های پس از پیامبر (ص) آمده وپس از اشاره ای به ائمه (ع) موضوع امام زمان (ع) آورده شده و درباره غیبت و دیگر جوانب مربوط به آن حضرت در قالب شکوای دل خطاب به حضرت آمده است ودر آخر هم دعاهایی بسیار مختصر وجامع آمده است . (1)

2 . دعای عهد : دعای عهد ابتدا خداوند را

به اسامی وصفات می خواند وبعد صلوات بر امام زمان (ع) است . سپس دعاهایی در موردآن حضرت وفرج او ونیز حضور ما در زمان حضرت و دیدار روی حضرت دارد (2)

3 . زیارت آل یاسین : این زیارت توقیعی است که از ناحیه مقدس امام عصر (ع) صادرگشته و حضرت می فرمایند : هرگاه خواستید به ما توجه پیداکنید همانگونه که خداوند فرمود بگویید : سلام علی آل یاسین . . .

این زیارت بسیار معتبر وپر محتوی است ومی توان گفت : خلاصه ای از عقیده هر شیعه در زمان غیبت است وآن چه یک شیعه باید در زمان غیبت بداند درآن آمده است . در این زیارت ابتدا سلام های متعددی با مضامین بالا ، خطاب به امام زمان (ع) آمده وسپس حضرت را برای عقاید قلبی خود از اقرار به ائمه (ع) و دیگر عقاید شیعه شاهد می گیرد . در دعای بعد از زیارت آل یاسین هم پس از صلوات بر پیامبر (ص) دعاهایی در مورد دعا کننده دارد وبعد صلوات بر حضرت حجت (ع) با القاب مخصوص است وبعد دعاهایی در مورد حفظ وفرج وتأیید و ظهور حضرت و درباره شیعیان آمده است (3)

4 . زیارت در حرم سامرا : زیارتی است که شهید در مزار خود ونیز ابن مشهدی در المزارالکبیر آورده اند : هنگامی که از زیارت دو امام در سامرا فارغ شدی بر در حرم امام زمان (ع) بایست وبگو : السلام علیک یا خلفیه الله

. . .

این زیارت ابتدا سلام های متعددی با مضامینی بسیار سنگین داردکه حاوی فضائل وخصایص حضرت وپاره ای از اعتقادات شیعه است وبعد شهادت به جوانب مختلف حضرت ومطالبی در مورد ظهور وبعد از ظهور خطاب به آن حضرت ا ست ودر آخر صلوات بر پیامبر (ص) وآل آن حضرت ودعا برای تعجیل فرج به چند شکل وبرای یاری خداوند به وسیله حضرت واحیای دین توسط حضرت وایجاد امنیت توسط حضرت وبرپایی عدل وبرطرف شدن ظلم توسط حضرت است وبه صلوات ختم می شود . (4)

5 . زیارت امام زمان (ع) در سرداب مقدس زیارتی است که شهید در مزار وابن مشهدی در المزارالکبیرآورده اند که هنگام داخل شدن در سرداب خوانده می شود و بعد از زیارت دوازده رکعت نماز دارد و بعد دعای الهی عظم البلاء . . . خوانده می شود . این زیارت هم سلا م هایی بسیار جامع وکامل دارد که غیر از معصوم (ع) دیگری نمی تواندآن کلمات را بیان فرماید و در آخر حضرت را بر عقاید قلبی خود شاهد می گیرد و دعایی کوتاه در آخر دارد ، وپس ازآن نماز و صلواتی با عباراتی سنگین برای حضرت آمده است . (5)

6 . صلوات بر امام زمان : صلواتی است شامل درود برآن حضرت ودعا برای ظهور او به عبارت های مختلف و همچنین دعا برای بعد از ظهور حضرت است که همان کارها و برنامه های حضرت است . (6)

7 . زیارت حضرت پس ار نماز صبح : زیارتی

است که هر روز پس از نماز صبح خوانده می شود .

در این زیارت از خدا طلب صلوات بر حضرت از سوی جمیع مؤمنین می نماید وهمچنین تجدید بیعت با حضرت و دعا برای خودکه از یاران حضرت واطرافیان ونگهبانان وشهیدان در رکاب حضرت باشیم . (7)

8 . دعا در زمان غیبت : دعایی است که در زمان غیبت خوانده می شود وبه گفته شهید وابن مشهدی از ناحیه خود حضرت وارد شده واین دعا بعد از اعمال سرداب نیز خوانده می شود . در این دعا ابتدا شکایت به خداوند از زمان غیبت آمده وپس از صلوات ، دعا برای فرج و استغاثه به پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و بعد استغاثه به امام زمان (ع) است . (8)

9 . زیارت امام زمان (ع) در روز جمعه : زیارتی است که در روز جمعه که روز ظهور امام زمان (ع) خواهد بود واردشده است . در این زیارت ابتدا سلام هایی است متعدد که همه حاوی صفات و خصایص و فضایل حضرت وگاهی حاوی دعا برای فرج و دیگر جوانب حضرت است و سپس ذکر صلوات آمده ودعا برای خود که از منتظران ویاران وشهیدان ودوستان حضرت باشیم . بعد ازآن خطاب به حضرت درد دل وشکوایی دارد . (9)

10 . دعا برای حضرت در شب نیمه شعبان : دعایی است که در شب نیمه شعبان خوانده می شود . در این دعا خداوند را به حق مولود نیمه شعبان قسم می دهد والقاب

وفضایل حضرت وبعدصلوات بر حضرت آمده ودعا برای حضور در ظهور حضرت و از یاران آن حضرت بودن و در آخر صلوات بر ایشان ولعن بر دشمنان ایشان ذکر شده است (10)

11 . دعا برای امام زمان (ع) در روزجمعه این دعا در اصل صلواتی است که در اعمال روز جمعه وارد شده است . ابتدا صلوات هایی بر پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و ائمه (ع) و بعد صلواتی بر همه معصومین (ع) است . سپس صلوات بر امام زمان (ع) است و بعد دعا برای طول عمر حضرت وحفظ حضرت از انواع شرور و دعا برای رعیت وشیعیان حضرت به انواع مختلف ودر آخر صلواتی بر پنج تن (ع) وامام زمان (ع) آمده است (11)

12 . دعا برای امام زمان در سرداب مقدس : این دعا از امام رضا (ع) نقل شده و در اعمال سرداب مقدس آمده است . ابتدا دعا برای سلامتی حضرت با القاب خاص آمده وحفظ از شرور وتأییدآن حضرت از جانب خداوند ودعا برای فرج وظهور حضرت وانواع دعا علیه دشمنان امام زمان (ع) واقرار به صفات حضرت ودعا برای خود نسبت به حضرت ونیز دعاهایی کلی برای خود انسان و در آخر صلوات بر ائمه (ع) واقرار به فضایل و خصایص اهل بیت (ع) آمده است . (12)

1 3 . دعای برای امام زمان در زمان غیبت : دعایی که ابوعمرو ، عثمان بن

سعید عَمری ، اولین نایب از نواب اربعه در غیبت صغری خوانده وابو علی محمد بن همام شنیده و او را امر نموده که این دعا را بخواند ، وسید بن طاووس نیز فرموده که ما این دعا را از فضل خدا می دانیم . در ابتدای این دعا جمله اللهم عرفنی نفسک . . . . آمده وسپس پیامبر (ص) و ائمه (ع) شهادت داده وبعد دعا برای سلامتی امام زمان (ع) ودعا برای طول عمر حضرت است ودر همه این ها معارف والایی درباره آن حضرت آورده است .

سپس دعا برای خودمان از قبیل یقین وحالت انتظار وتسلیم در مقابل حضرت واز یاران حضرت بودن آمده است . بعد ازآن دعا برای فرج ولعن بر دشمنان حضرت ودعا برای بعد از ظهور حضرت وصلوات بر ائمه (ع) وسپس شکایت از زمان ، ودعا علیه دشمنان حضرت ونیز تحقق یافتن تمام خوبی ها توسط حضرت آمده است (13)

امید است این مختصر ، انیس دل هایی باشد که در عصر غیبت ، انیسی جز مولای شان برای دل خود ندارند و باآن چه به عنوان خطاب با حضرت ولی عصر (ع) بر زبان می آورند ، از اعماق وجودآن محبوب دل ها را دعاکنند و از دور و نزدیک سلامش نمایند و بر او درود فرستند . (14)

ا . بحارالانوارج 102 ، ص 111 .

2 . همان ، ج 53 ص 95 .

3 . احتجاج طبرسی ج 2 ص 316 .

4 . بحارالانوار ج 102

ص116- 118

5 . همان ، ج 102 ص 101-109

6 . همان ، ج 102 ص 102 .

7 . همان ، ج 102 ص 110 .

8 . همان ، ج 102 ، ص 119 .

9 . همان ، ج 102 ص 215 .

10 . اقبال سید بن طاووس ، ص 705-706 مفاتیح الجنان ص 59- 60 .

11 . غیبه طوس ص 177

12 . بحار الانوار ج 95 ، ص 330

13 . کمال الدین ج 2 ص 190 .

14 . نشریه موعود ش 21 ، ص 76 .

تسبیح حضرت

ایام ماه را نسبت به هر امامی تقسیم کرده اند . در آن ایام ، تسبیحی مخصوص آن حجتی است که آن روز را به ایشان منسوب کرده اند . تسبیح حضرت مهدی (ع) از روز هیجدهم ماه است تا آخر ماه واین گونه است : سبحان الله عدد خلقه ، سبحان الله رضا نفسه ، سبحان الله مداد کلماته ، سبحان الله زنه عرشه والحمد لله مثل ذلک (1)

1 . نجم الثاقب باب هفتم

دعا برای امام زمان (ع)

یونس بن عبدالرحمان روایت کرده که امام رضا (ع) فرمودند : حضرت صاحب الامر را این گونه دعاکنید : اللهم ادفع عن ولیک و خلیفتک و حجتک علی خلقک . . . (1)

دعا برای تعجیل ظهورآن حضرت ، عین یقین وایمان وتسلیم در مقابل خداوند متعال است . این دعا در واقع ، اظهار این حقیقت است که ظهور مهدی (ع) و فراهم آمدن اسباب قیام او تنها در دست خداوند است .

البته دعای ندبه ، دعای عهد ، دعای فرج وبسیاری از ادعیه دیگر ، دعا برای حضرت ، سلامتی وظهور اوست . یکی از ادعیه معروف برای آن حضرت ، دعای اللهم کن لویک الحجه بن الحسن صلواتک علیه و . . . (2) است که خواندن آن سفارش شده است .

1 . بحار الانوار ج 95ص 330مصباح التهجد ص 409 مفاتیح الجنان باب سوم بعد از دعای ندبه و عهد .

2 . مصباح المتهجد ص 630بلد الامین ص 203

دعای صلوات

دعایی است که درکتاب غیبت طوسی از حضرت صاحب الامر (ع) روایت شده است . مطلع آن چنین است : اللهم صل علی محمد سید المرسلین وخاتم النبین وحجه رب العالمین . . . . .

ین دعای شریف از ادعیه ارزنده ای است که شایسته است در هر زمان به آن مداومت شود به ویژه اوقاتی که به حضرت مهدی (ع) اختصاص بیشتری دارد ، مانند : شب وروز نیمه شعبان وشب و روز جمعه علی بن طاووس درکتاب جمال الاسبوع آن را در اعمال

روز جمعه یاد کرده است . (1)

1 . مکلیال المکارم ج 2 ص 111 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دعای عهد

به فرموده امام صادق (ع) هرکس چهل صبح این عهد را بخواند از یاورآن حضرت مهدی (ع) قرار می گیرد واگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون می آورد تا در خدمت آن حضرت باشد وحق تعالی به هرکلمه آن ، هزار حسنه به اوکرامت فرماید وهزارگناه از او محو کند .

مطلع آن عهد این است : اللهُم رَب النورِ العظیم ورب النورالعظیم ورب الکرسی الرفیع ورب البحر المسجور . . . . . . (1)

دعای عهد سید بن طاووس در مصباح الزائر وعلامه مجلسی در بحارالانوار (2) بیان داشته اندکه این دعا مستحب است هر روز پس از نماز صبح ، بلکه بعد از هر فریضه خوانده می شود ، ونیز مستحب است این بیعت ، هر روز جمعه تجدید گردد .

دعای عهد هم از امام باقر (ع) روایت شده است ، با این مطلع : اللهم یا اله الالهه یا واحد یا احد یا آخر الاخرین . . . . . . (3) .

علما (4) بیان داشته اند که سزاوار است ، دعای عهدی که از امام باقر (ع) روایت شده ، دست کم برای یک بار در طول عمر خوانده شود . امام باقر (ع) فرمود : هرکس از موالیان ودوستان ما در عمر خود یک مرتبه این دعا را بخواند ،

در رق عبودیت نوشته خواهد شد ودر دیوان حضرت قائم (ع) بلند خواهد شد وچون قائم ظهور نماید ، اسم خواننده این دعا واسم پدر او را ندا می فرماید . . . (5)

1 . مفاتیح الجنان باب سوم .

2 . بحار الانوار ج 102ص 110 .

3 . بحار الانوارج 95ص 337

4 . سید بن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار الانوار ج 102 ، ص 110 .

5 . بحارالانوار ج 95 ص 337 .

دعای غیبت

امام صادق (ع) به زواره فرمود : اگر زمان غیبت را درک کردی این دعا را بخوان : اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک اعرف نبیک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم عرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی (1) .

نیز سید جلیل ابن طاووس درکتاب مهج الدعوات روایت کرده که فرموده اند در عصر غیبت ، چنین دعا کنید : اللهم انت عر فتنی نفسک و عرفتنی رسولک و عرفتنی ملائکتک و عرفتنی ولاده ولا امرک اللهم لاخذ الا ما اعطیک ولا اقی الا ما وقیت اللهم لا تغیبنی عن منازل اولیائک ولا تزغ قلبی بعد اذهدیتنی اللهم اهدنی لولایه من افترضت طاعته (2)

سید در همان جا فرموده که : کسی در خواب ، دعای غیبت را چنین به من تعلیم داد : یا من فضل ابراهیم وآل اسرائیل علی العالمین باختیاره واظهر فی ملکوت السموات والأرض عزه اقتداره واودع محمد (ص) واهل بیته غرائب اسراره

صل علی محمد وآله واجعلنی من اعوان حجتک علی عبادک وانصاره (3)

دعای غریق وادعیه دیگری را نیز به عنوان دعای غیبت ذکرکرده اند (4)

1 . اصول کافی ج 1 ص ، 337 .

2 . بحار الانوار ج 95 ص36 3

3 . همان .

4 . نجم الثاقب باب دهم .

دعای غیبت

از جمله دعاهای رسیده در طلب فَرَج حضرت مهدی (ع) است که از حضرت امام حسن بن علی عسکری (ع) روایت شده . شیخ طوسی درکتاب های مصباح ومختصرالمصباح در باب دعاهای قنوت نماز وَتر آورده ، و سید بن طاووس درکتاب مهج الدعوات در باب قنوت های امامان معصوم (ع) یاد کرده ، وظاهر بعضی رویات چنین است که به وقت خاصی اختصاص ندارد هر چندکه بهتر است در بهترین اوقات و احوال به آن دعاگردد . این دعا در دفع ظلم ویاری جستن برای مظلوم تأثیر تامی دارد ، بلکه می توان از آن استفاده کرد که از جمله فواید دعا برای فرج حضرت صاحب الزمان (ع) ودرخواست ظهور وپیروزی آن جناب ، دفع ستمگر وخلاصی از آزار وسلطه او می باشد . دعای قنوت ، طولانی است ومطلع آن چنین است : الحمد لله شکراً لنعمائه ، واستدعاء لِمَزیده واستخلاصا به دون غیره . . . (1)

1 . مکیال المکارم ج 2 ص 31 1 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

عرفات

موقف حاجیان است در روز نهم ذی حجه و یکی از مکان هایی است که دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی (ع) در آن تأکید شده است (1)

در ایام حج ، حضور حضرت در سرزمین عرفات حتمی است و تعدادی از مشرف شدگان به محضر حضرت ، در آن سرزمین توفیق زیارت یافته اند .

1 . مکیال المکارم ، ج 2 ، ص 84 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

ازدواج حضرت

محوری که (ع) پیرامون زندگی شخصی وکیفیت معیشت امام زمان (ع) مطرح است ، مسأله ازدواج و زن و فرزند حضرت است . سه احتمال وجود دارد : 1 . اساساً حضرت ازدواج نکرده است . ازدواج انجام گرفته ، ولی اولاد ندارد ازدواج کرده و دارای فرزندانی نیز هست . اگر احتمال اول را بپذیریم ، لازمه اش این است که امام معصوم (ع) یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد و این باشان امام سازگار نیست . اما از طرفی دیگر چون مسأله غیبت ، اهم است وازدواج مهم ، ترک ازدواج با توجه به آن امر مهم تر ، اشکالی را ایجاد نمی کند . اما احتمال دوم که اصل ازدواج را بپذیریم بدون داشتن اولاد ، جمع می کند بین انجام سنت اسلامی وعدم انتشار مکان و موقعیت حضرت اما باز این اشکال باقی است که اگر قرار باشد ، آن حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزیند ، یا باید بگوییم که عمر او نیز مانند عمر حضرت طولآنی است که بر این امر دلیلی

نداریم ، یا این که بگوییم مدتی با حضرت زندگی کرده واز دنیا رفته است که در این صورت ، حضرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده وپس از آن ، تنها و بدون زن و فرزند زندگی را ادامه می دهد .

احتمال سوم آن است که آن حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد نیز هست واولاد آن حضرت (1) نیز فرزندانی دارند . این مسأله ، افزون بر آنکه دلیل محکمی ندارد ، اشکال اساسی آن این است که این همه اولاد واعقاب ، بالاخره روزی در جست وجوی اصل خویش می افتند وهمین کنجکاوی وجست وجو ، مسأله را به جایی باریک می کشاند که با فلسفه غیبت حضرت ، سازگار ندارد (2)

ما در این جا روایات وادله ای که وجود همسر وفرزند برای حضرت را اثبات می کند می آوریم ، اما صحت و سقم بسیاری از آنها در جای خود بحث شده و در بسیاری موارد ، سخن از احتمال است که استدلال با آن ، تمام نیست . در رابطه با همسر با همسران حضرت ، تنها یک روایت است که سرنخی به دست می دهد و آن روایتی است که مرحوم کفعمی درکتاب شریف مصباح ، نقل کرده است . بر اساس آن ، همسر حضرت یکی از دخترهای ابی لهب است (3)

و در رابطه با اولاد آن حضرت روایاتی هست که از جمله آن ها روایت انباری است که مرحوم مجلسی در بحارالآنوار آن را آورده و روایتی طولآنی است . (4)

البته بسیاری از بزرگان از

جمله مرحوم آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه در داستان انباری تردید کرده اند . محمد بن مشهدی درکتاب مزار از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود : گویا نزول قائم را با اهل وعیالش در مسجد سهله می بینم (5) مرحوم مجلسی نیز بابی را به خلفاء واولاد حضرت مهدی (ع) اختصاص داده است . علاوه بر روایات ، برخی دعاها نیز که از ائمه معصومین (ع) صادر شده ویا از ناحیه مقدسه رسیده است ، دلالت دارندکه برای حضرت ، اهل و عیال و فرزندانی هست . در این دعاها تعبیر ولد, ذریه اهل بیت و آل بیت به کار رفته است . در آخرین فراز از صلواتی که از ناحیه مقدسه صادرشده چنین می خوانیم : و صل علی ولیک وولات عهده و الائمه من ولد و مدفی اعمارهم و زد فی آجالهم (5)

درود بی پایان خود را بر ولی امرت واولیای عهدش وپیشوایان از اولادش نازل فرما وبر عمر واجلشان بیفزا . ودر دعای که امام رضا (ع) تعلیم فرموده که در عصر غیبت خوانده شود ، چنین آمده است : اللهم اعطه فی نفسه و اهله و ولده و ذریته و امته و جمیع رعیته ما تقر به عینه و تسر به نفسه . . . (6)

خدایا به او درباره خودش و اهلش و فرزندانش و امتش و همه رعیتش عطا فرما آنچه را که دیده اش روشن و دلش مسرور گردد (7)

بر اساس داستان طولآنی و معروف انباری نا

م فرزندان حضرت : طاهر ، قاسم ,ابراهیم ، عبدالرحمن وهاشم است (8)

ا . بحار الانوار ، ج 52 ص 363 .

2 . چشم به راه مهدی ، ص 352 .

3 . نجم الثاقب ص 225 .

4 . بحار الانوار ج 53 ص213 .

5 . نجم الثاقب ص 225 .

6 . غیبه طوسی ص 107 بحار الانوار ج 52 ص 22 .

7 . بحار الانوار ج 95 ص 332

8 . سیمای آفتاب حبیب الله طاهری ص 364 .

زیارت

زیارت آل یاسین

زیارت در لغت ، دیدارکردن با قصد راگویند ودر ریشه آن ، میل وگرایش نهفته است . در لغت به معنی خانواده ، دودمان ، فرزندان و اهل بیت است (1) یاسین ، حضرت محمد (ص) است وآل آن حضرت ، اهل اویند . زیارت آل یاسین ، از مشهورترین زیارت نامه هایی است که در توقیع شریف حضرت ولی عصر (ع) به جناب محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری صادرگردیده . در مقدمه این زیارت چنین آمده است : . . . هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند توجه کنید و به ما روی آورید ، پس همان گونه که خداوند فرموده است ، بگویید : سلام علی آل یاسین . . . (1) این زیارت با بیست وسه سلام آغاز شده که اول به آل یاسین یعنی عترت پاک پیامبر (ص) و سلام های بعدی ، هر یک با القاب و عناوین خاص حضرت مهدی (ع) می باشد ، سپس

با اظهار واقرار اصول اعتقادی صحیح وگواه گرفتن امام عصر (ع) ، برآن ها وتجدید عهد وفاداری نسبت به اولیای دین ، زیارت به پایان می رسد . پس از زیارت ، دعایی است برای نورانیت زائر ، به انواع نورهای الهی که ترجمه بخشی ازآن چنین است : خداوندا از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد ، پیامبر رحمتت وکلمه نورت ، ودلم را به نور یقین وسینه ام را به نور ایمان ، واندیشه ام را به نورانیَت های خوب ، وتصمیمم را به نور دانش ، ونیروی ام را با نورکار ، وزبانم را به نور راستگویی و 000 آکنده سازی آنگاه درخواست درود بر امام عصر (ع) با توجه به صفات حمیده آن بزرگوار ، ودعا برای نصرت وحفاظت وتعجیل فرج وقیام آن حضرت ، وپر شدن زمین از عدل و داد ، و نابودی کفار ومنافقین و دشمنان دین می باشد .

این زیارت به تصریح بعضی از علماء ، جامع وکامل وازبهترین زیارت های آن حضرت است که در همه اوقات ودر هر مکان می شودآن را خواند . سندهای این زیارت را صحیح ومعتبر دانسته اند ودر مجامیع مهم حدیث ودعا نقل گردیده است . (2)

1 . معجم مقاییس اللغه ج 3 ص 36 .

2 . پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی ، ص 135 .

زیارت امام زمان (ع)

زیارت های متعددی برای امام زمان (ع) درکتب معتبر شیعی آمده است که از جمله آن ها : زیارت آل یاسین ، (1) زیارت حضرت در حرم

سامرا (2) زیارت حضرت در سرداب مقدس ، (3) زیارت حضرت پس از نماز صبح (4) وزیارت حضرت در روز جمعه (5) است .

01 احتجاج طبرسی ج 2 ص216 بحار الانوار ج 53 ص17 .

2 . بحارالانوار ، ج 102 ص 116

3 . بحار لانوار ج 102ص101

4 . بحار الانوار ج 102ص110

5 . بحار الانوار ج 102ص215

زیارت جامعه

یکی از جالب ترین و جامع ترین زیارت ها است که از امام هادی (ع) روایت شده . همه امامان معصوم (ع) را می توان باآن زیارت کرد .

علامه مجلسی آ ن را صحیح ترین ، فصیح ترین و بلیغ ترین زیارت ها تعبیرکرده است . (1)

مرحوم محدث نوری ، حکایت سید رشتی را چنین نقل می کند که حضرت مهدی (ع) به سید ، دستور خواندن نافله ، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می دهد و می فرماید : . . . شما چرا جامعه نمی خوانید جامعه ، جامعه ، جامعه (2)

1 . بحار الانوار ج 102ص144

2 . نجم الثاقب باب هفتم

زیارت عاشورا

زیارت مخصوص امام حسین (ع) است که در دو قسمت ازآن ، از خونخواهی حسین (ع) در رکاب حضرت مهدی (ع) خبر می دهد : ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (ص) وان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدیً ظاهر ناطق بالحق منکم . (1)

مرحوم محدث نوری حکایت سید رشتی را چنین نقل می کندکه حضرت مهدی (ع) به سید دستور خواندن نافله ، زیارت جامعه وزیارت عاشورا را می دهد وپس ازآن می فرماید : شما چرا نافله نمی خوانید نافله ، نافله ، نافله ، شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا ، عاشورا ، عاشورا ، شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه ، جامعه ، جامعه (2)

1 . مفاتیح الجنان زیارت عاشورا

2

. نجم الثاقب ص60مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه .

زیارت مادر حضرت

نرجس خاتون مادر امام زمان (ع) در سامرَا ، پشت ضریح امام حسن عسکری (ع) مدفون است .

در مفاتیح الجنان ، زیارت این ملکه دنیا و آخرت چنین آمده است : السلام علی رسول الله صلی الله علیه وآله الصادق الامین .

زیارت ناحیه مقدسه

السلامُ علیک یا اول تین من نسل خیر سلیل . . .

زیارت ناحیه مقدسه ، خونگریه وسوگنامه حضرت مهدی (ع) و مرثیه بلندآن بزرگوار بر مصائب ورنج های جدش ، ابا عبدالله الحسین (ع) در عاشورا است . این زیارت ، ترسیم وتوصیف لحظه های شهادت اباعبدالله (ع) ، غربت ومظلومیت اهل بیت (ع) ، معتبرترین ، مستندترین وبلندترین روضه ای است که از زبان معصوم منتقم وخونخواه سید شهیدان به ما رسیده است .

این مرثیه از زبان کسی است که صحنه ها و لحظه های عاشورا ، هر روز مقابل نگاه اوست و او از پس پرده های اشک ، حنجره ای عطش زده در آزمندی خنجر قساوت و خیمه هایی در آستانه آتش وشیون را نظاره می کند . زیارت ناحیه مقدسه ، گزارش عاشورا است گزارشی که درآن دقایق وصحنه های جزئی نیز توصیف شده است . این زیارت نامه شامل هشت بخش است : 1 . سلام بر انبیاه واولیاء ، 2 . سلام بر امام شهید وصحابه فداکارش ، 03 آرزوی زیارت امام حسین (ع) 4 . طرح اوصاف ، ویژگی ها وسیرت امام حسین (ع) وتأثیر شهادت آن حضرت ، 5 . طرح نهضت وانقلاب مقدس ابا

عبدالله (ع) 6 . توصیف صحنه کربلا ، شهادت ، رنج ها ومصائب بازماندگان وقافله اسیران ، 7 . تحلیل بازتاب حادثه کربلا وغربت اسلام پس از شهادت وسوگواری کائنات و موجودات در شهادت اباعبدالله (ع) 8 . نیایش ، دعا و طرح درخواست های امام زمان (ع) با پروردگار . (1)

این زیارت درکتاب اقبال سید بن طاورس ، ص 573 ونیز در بحارالانوارج 98 ، ص269 نقل شده است . (2)

ا . سلام موعود دکتر سنگری ، ص 5

2 . فرهنگ عاشورا ، جواد محدثی ص 227 .

سلام بر حضرت

سلام دادن به حضرت در هر هفته وهر روز ، وهر مکان وزمان که ممکن باشد ، به ویژه درایام واوقات و مکان هایی که خصوصیت ویژه ای با آن حضرت دارند ، مثل روز وشب جمعه ، شب های قدر ، نیمه شعبان ومکان هایی هم چون مسجد سهله ، مسجدکوفه ومسجد جمکران ، از وظایف مؤمنان منتظر است .

مردی از ا مام صادق (ع) سؤال کرد که چگونه بر قائم (ع) سلام کنیم؟ فرمود : بگویید : السلامُ علیک یا بقیه الله

نیز در روایت است : وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، این آیه را تلاوت می کند : بقیه الله خیر لکم اِن کنتم مومِنین ، (1)

آنگاه می فرماید : أنا بقیه الله پس سلام نمی کند بر او سلام کننده ای ، مگر آنکه می گوید : السلام علیک یابقیه الله فی ارضه (2)

سزاوار است که مؤمن ، حضرت مهدی (ع) را هر روززیارت کند واز آن غفلت نورزد و شایسته است زیارت وسلام به او ، به وسیله زیارات و سلام های وارده از جانب اهل بیت (ع) باشدکه درکتب روایی آمده است . مانند زیارت آل یاسین که هر وقت می توان آن را خواند و مطلع آن این است : سلامٌ علی آل یس السلام علیک یا داعِی الله و (3) یا زیارت مخصوصه آن حضرت در روز جمعه که مطلع آن چنین است : اسلامُ علیک یا حُجه الله فی ارضهِ . (4)

امام باقر (ع) فرمود : هرکس از شما قائم (ع) را درک کرد ، هنگامی که او را دید باید بگوید السلامُ علیکم یا اهل بیت الرحمه والنبوه ومعدن العلم وموضع رساله (5)

سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت ، سلام بر شما ای سر چشمه دانش وکانون رسالت . از این روایات استفاده می شودکه به مردم اجازه داده نشده است که حضرت مهدی (ع) را به هنگام زیارت و سلام ، به نام مبارک یا کنیه اش ندا دهند و بگویند السلام علیک ایها المهدی و این نشانگر تعظیم و تجلیل بر مقام والای اوست (6)

همانگونه که خداوند در قرآن کریم مسلمانان را نهی فرمودکه پیامبر (ص) را به نام صدا بزنند : . . . . لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم ، که دعاء بضکم بعضا (7) .

ا . سوره

هود 86

2 . نجم الثاقب ، باب دوم .

3 . بحارالانوا ر ج 053 ص 171مفاتیح الجنان باب سوم ، فصل دهم .

4 . بحار الانوار ، ج 102ص 215 مفاتیح الجنان ، قبل از دعای صباح وکمیل .

ه . بحارالانوارج 52 ص 331 ,غیبه طوسی ، ص 282 .

6 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 653

7 . سوره نور63

سخنان

آثار حضرت

با توجه به حضور محدود وکوتاه مدت آن حضرت در دوران پدر بزرگوار خود و محدودیت های فراوانی که در دوره غیبت برای آن حضرت وجود داشت ، نباید انتظار داشت که مطالب بسیاری از آن امام همام به دست ما برسد اما با وجود همه این محدودیت ها ، از آن حضرت آثاری چند به یادگار مانده است که گرچه محدود است ، امّا برخی از آن ها بسیار مهم و راهگشا می باشد . آثار آن حضرت عبارتند از : ا- روایات واحتجاج ها : این روایات به ایام کودکی و دوران کوتاه زندگی آن حضرت در زمان حیات پدر بزرگوارشان باز می گردد .

2- دعاها و نمازها در دعاهایی که از آن حضرت به دست ما رسیده ، مضامین بلند و متعددی مطرح شده است . مضامینی همچون : شناخت خداوند ، مقام شامخ اهل بیت (ع) مقام امام زمان (ع) قیامت ، انتظار فرج ، وظائف مؤمنان در عصر انتظار ، پیروزی حق بر باطل ، صبر در شدائد ، رفع گرفتاری ها از مؤمنین ، دعا در حق پیامبر و امامان معصوم (

ع) قضای حوائج ، و بسیاری از مساثل اخلاقی و رفتاری دیگر . افزون بر دعاها ، نمازهای متعددی نیز از آن حضرت نقل شده است .

3- زیارت نامه ها : زیارت ، امام شناسی وگویای رابطه انسان با امام است . در زیارتنامه های منسوب به آن حضرت ، معارفی بلند از امام شناسی ، شأن و مرتبت آن بزرگواران و وظائف و تکالیف مؤمنان نسبت به آنان و نیز برخی حقایق و مجاهدت ها و تاریخ امامان معصوم (ع) آورده شده است .

3- توقیعات وبیانات آن حضرت توقیعات نامه های متعددی به برخی از نایبان خاص نواب اربعه یا نایبان عام همچون شیخ مفید و یا بعضی از شیعیان وپیروان خود دارد . بعضی از این نامه ها در جواب برخی پرسش ها و بعضی دیگر ابتدائاًاز جانب آن حضرت صادر شده است . محتوای این نامه ها حاوی مسائل متعدد و مختلفی است . مسائلی همچون : پرسش و پاسخ های فقهی ، نقش امام در دوران غیبت ، برخی هشدارها و پیشگویی ها ، تأیید و تکذیب برخی افراد ، وظائف منتظران ، مرجعیت فقها در عصر غیبت و . . .

افزون بر توقیعات ، از آن حضرت سخنان فراوانی نیز در باب مسائل مختلف به یادگار مانده است . این سخنان از جانب کسانی نقل شده است که به حضور حضرت شرفیاب شده اند . محمد بن عثمان عَمروی دومین سفیر آن حضرت می گوید : آن حضرت را برای آخرین بار در کنار خانه خدا دیدم که چنین می گفت : اللهم انجزلی

ما وعدتنی خدایا آن چه که به من وعده کردی ، انجام ده و دیدم که در مستجار ، پرده کعبه راگرفته و عرضه می دارد : اللهم انتقم لی من اعدائی خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر (1)

ا . تاریخ عصرغیبت پور سید آقای ص 440 .

توقیع

توقیع در لغت یعنی : نشان گذاشتن ، امضاء کردن نامه ، نوشتن عبارتی در ذیل نامه وکتاب . (1) واصطلاحاً به دستورها ونامه های خلفا وپادشاهان گفته می شود . درکتب علمای شیعه به نامه ها وفرمان هایی که در زمان غیبت از طرف امام غایب ، به شیعیان رسیده توقیعات می گویند .

درکتاب کمال الدین صدوق وغیبت شیخ طوسی واحتجاج طبرسی و بحارالانوار مجلسی ، حدود هشتاد توقیع از ناحیه مقدسه نقل شده است که محتوای آن ها ، برخی خطاب به سفرا ونواب خاصی است وبرخی خطاب به علما وفقهاست ، بعضی در پاسخ به سؤالات است وبرخی در تکذیب ولعن کسانی است که به دروغ ادعای نیابت از طرف آن حضرت را داشتند (2)

درباره توقیعات ، اولین سؤالی که معمولا مطرح است ، این است که آیا آن ها به خط مبارک خود حضرت بوده یا آن که به املا ی حضرت وخط دیگری است بعضی ها معتقدندکه کاتب آن توقیعات خود حضرت بوده است وحتی خط مبارکش میان خواص اصحاب وعلمای وقت معروف بوده وآن را به خوبی می شناختند . مثلا محمد بن عثمان عمری می گوید : از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شدکه خطش را خوب می شناختم (3

) ویا شیخ صدوق می گفت : توقیعی که به خط امام زمان برای پدرم صادر شده بود ، اکنون نزد من موجود است . (4)

لکن در مقابل فراینی است که توقیعات به خط خود امام نبوده است مثلا : ابونصر هبه الله روایت کرده که توقیعات صاحب الامر به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری (ع) صادر می شد ، به وسیله عثمان بن سعید ومحمد بن عثمان برای شیعیان صادر می گشت . (5)

می توان چنین گفت که توقیعات در عین صحت صدور ومتن ، به خط امام نبوده است ، بلکه امام حسن عسکری (ع) کاتب مخصوصی داشته که تا زمان عثمان بن سعید ومحمد بن عثمان زنده ومتصدی نوشتن توقیعات بوده است (6) به هر حالا ممکن است برخی توقیعات با خط مبارک خود امام صادر شده باشد وبرخی دیگر با املای امام وکتابت دیگری صادر شده باشد واین هیچ خللی از این که توقیعات از طرف حضرت بقیه الله می باشد ، وارد نمی سازد . (7)

از معروف ترین توقیعات حضرت را می توان : توقیع برای شیخ مفید وتوقیع برای علی بن محمد سَمری نام برد که در آن ، حضرت ، آغازغیبت کبری را اعلام می کند . نگاهی گذرا به مجموع توقیعاتی که از طرف امام زمان (ع) برای شیعیان آمده ، می رساند که امام غایب چون پیشوای حاضر ، کمال مراقبت و دلسوزی را نسبت به شیعیان و دوستان خود دارد وبه هدایت راه جویان وتربیت

نفوس و معرفی نواب اربعه و افشاگری مدعیان کاذب نیابت ، علماً و عملا قیام می فرماید ، به طوری که درماندگان وگرفتارانی که صمیمانه از او یاری طلبیده اند ، گشایش کار و حل مشکل خود را دیده اند و دانش طلبانی که در معضلات علمی و دینی درمانده اند ، از اشراقات والهامات حضرتش روشن وهدایت شده اند . همه این فیوضات را به صورت پاسخ پرسش ها در توقیعات صادره از ناحیه مقدسه می بینیم . علاوه بر این ها ، نهان بینی ورازگویی و اخبار از غیب ، در بسیاری از توقیعات وجود دارد که نه تنها موجب اطمینان خاطر بیشتر برای مردم آن زمان ، بلکه برای خواننده امروز هم می شود و می فهمد که چگونه امام با دانشی که از گنجینه علم الهی بارور شده است ، بر ضمایر اشراف دارد و قصد و نیت اشخاص را می داند واز پسر یا دختر بودن مولود وروز مرگ افراد با خبر است وپشاپیش آن را اعلام می فرماید ، واز حلال یا حرام بودن مالی که به حضورش تقدیم شده خبر می دهد وحرام آن را رد می کند واگر تقدیم کننده نام خود را بر خلاف بنویسد از دانش امام پنهان نمی ماند وحقیقت به او یاداوری می شود . این ها همه ، اندکی از تجلیات مقام ولایت است که از آینه توقیعات نمایان شده است .

1 . فرهنگ معین ج 51 ص1169

2 . سیمای آفتاب ص 242

3 . بحارا لانوار ، ج 51 ، ص 349 .

4 . انوار نعمانیه ج 3 ص 24

5

. بحارا لانوا رج 51ص 346

06 گستر جهان ابراهیم امینی ، ص 34 01

7 . سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ص 0245

توقیع اسحاق بن یعقوب

یکی از توقیعات با اهمیت ، توقیعی است که توسط محمد بن عثمان در پاسخ به مکتوب اسحاق بن یعقوب از ناحیه مقدسه صادر شده است . این توقیع مشتمل بر مطالب قابل توجهی از جمله تعیین وظیفه مردم درغیبت کبری وبیان علت غیبت ومعرفی مشخص نمودن هویت بعضی افراد است .

اسحاق بن یعقوب می گوید : از محمد بن عثمان خواهش کردم نامه مرا که مشتمل بر پاره ای از مسائل مشکلی که برایم پیش آمده بود ، به ناحیه مقدسه تقدیم دارد . او هم پذیرفت و جواب آن به خط مولایم امام زمان (ع) بدین قرار صادر شد : خداوند تو را هدایت کند وبر اعتقاد حق ثابت وپایدار بدارد . این که سؤال کرده ای از بعضی از افراد خاندان ما و عموزادگان ما ، منکر وجود من هستند ، بدان که میان خداوند وهیچ کس قرابت وخویشی نیست وهرکس منکر وجود من باشد از من نیست وراهی که او می رود ، راه پسر نوح است . وراهی که عمویم جعفر کذاب واولاد او نسبت به من پیش گرفته اند ، راه برادران یوسف است . اما فقاع نوشیدنش حرام است ، ولی نوشیدن شلماب (1) مانعی ندارد . اما اموالی که شما به عنوان هدیه به ما می رسانید ، آن را برای پاک شدن شما ازگناهان قبول می کنیم ، بنابراین هرکس می خواهد به ما برساند ، و

هرکس نمی خواهد قطع کند آن چه خدا به ما داده است ، از آن چه شما می دهید بهتر است . واما وقت ظهور من وابسته به اراده خداوند متعال است . کسانی که وقت آن را تعیین می کنند ، دروغگو هستند . واما حوادثی که برای شما پدید می آید ، پس رجوع کنید به راویان حدیث ها ، زیرا آن ها حجت من برشما هستند ، ومن هم حجت خدا بر آن ها هستم . واما محمد بن عثمان عمری که خداوند از وی واز پدرش خشنود باشد ، مورد وثوق من و نوشته او نوشته من است . واما محمد بن علی بن مهزیار اهوازی ، به زودی خداوند دل او را اصلاح می کند وشک وتردیدش را برطرف می سازد . و اما مالی راکه برای ما فرستاده ای پذیرفته نمی شود ، مگر این که از حرام پاک گردد وپول زن آوازه خوان هم ، حرام است . و اما محمد بن شاذان بن نعیم ، مردی از دوستان ما اهل بیت است . واما ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اجوع (2) او و پیروانش ملعون هستند ، تو با آن هاکه عقیده اینان را دارند ، رفت و آمد مکن زیرا من از آن ها بیزارم ، وپدران من هم از آن ها بیزار بودند . واما کسانی که اموال ما را نزد خود نگاه می دارند ، اگر چیزی از آن را برای خود حلال بدانند وبخورند ، مثل این است که آتش خورده اند . . . اما چگونگی انتفاعی که مردم در

غیبت من از من می برند ، همچون انتفاع از خورشید است ، هنگامی که در پشت ابرها پنهان شود . من امان مردم روی زمین هستم ، همان طورکه ستارگان امان اهل آسمان ها هستند . بنابراین سؤال هایی که به شما سودی ندارد پرسش نکنید وخود را به خاطر چیزی که نیازی به آن ندارید ، به مشقت نیندازید . برای تعجیل در فرج وظهور من زیاد دعا کنید که رهایی شما از قید وبندها در دعا است . سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب وسلام برکسانی که راه هدایت را پیش گرفته ا ند . (3)

1 شلماب : نوعی نوشیدنی است که ازشیلم یعنی دانه ای شبیه جو درست می شود و در انسان نوعی بیهوشی و خواب آلودگی ایجاد می کند . کمال الدین ج 2 ، ص 484 به نقل از استاد شعرانی .

2 . یکی از اصحاب امام صادق (ع) بود و بعد از مدتی منحرف شد وبرای خود مذهبی تأسیس کرد وامام صادق (ع) او را چند بار لعنت نموده است . معجم رجال الحدیث ج 14 ص 244

3 . کمال الدین , ج 2 ص 483 ؛ بحار الانوار , ج 53 ص 180 .

خماهن

سنگی است به غایت سخت وتیره رنگ مایل به سرخی .

در یکی از توقیعات حضرت مهدی (ع) که در پاسخ (ع) سؤال از پوشیدن انگشتری که نگینش خماهن باشد در نماز ، آمده که نماز گزاردن در آن مکروه است (1)

1 . بحارالانوار 53

ص 154 .

خطبه های حضرت

حضرت مهدی (ع) در آغاز قیام عادلانه جهانی اش ، بر دیوار خانه خدا تکیه می زند و سخنرانی تاریخی و جاودانه خویش را آغاز می کند . فرازی از آن خطبه چنین است : . . . . . اینک ما از خدای توانا یاری می طلبیم و تمام ایمان آورندگان به خدا وکسانی راکه ندای جهانی ما را پاسخ مثبت دهند ، همه را برای تحقق اهداف الهی و انسانی خویش به یاری می خوانیم و همه را به حق و عدالت دعوت می کنیم . مردم ما خاندان پیام آور شما محمد هستیم . . . هان ای مردم هرکس به من در مورد آدم (ع) گفتگوکند ، من نزدیکترین مردم به آدم نیای بزرگ بشریت هستم . و هرکس در مورد نوح پیامبر ، ابراهیم بت شکن و محمد ، پیامبر عدالت و حریت بحث و گفتگوکند ، من نزدیک ترین انسان ها به این پیامبران بزرگ خدا و پرچمداران قهرمان هدایت و رسالت هستم (1)

ازامام باقر (ع) خطبه و پیام دیگری نیز برای امام مهدی (ع) آورده اند که اندک تفاوتی با نسخه های پیشین دارد . آن حضرت می فرماید : امام مهدی (ع) به هنگام شامگاهی ، در حالی که پرچم پیامبر در دست ، پیراهن آن گرامی بر تن ، سلاح ویژه او و بیان گرم و دیگر ویژگی ها و نشانه های آن حضرت را به همراه دارد ، در مکه ظهور می کند . نماز عشا را به

جماعت می خواند و آنگاه با صدای دلنوازی جهانیان را مخاطب ساخته و می فرماید : هان ای مردم اینک در پیشگاه پروردگارتان خدای را به یاد شما می آورم خدایی راکه حجت های خویش را بر شما تمام و پیام آورانش را ارسال کرد و قرآن را برای هدایت بشر فرو فرستاد . او شما را فرمان می دهد که چیزی را شریک او نسازید و بر اطاعت او و فرمانبرداری از پیامبرش کوشا باشید . آن چه را قرآن در اندیشه زنده ساختن آن است ، زنده سازید و بدعت ما و ضد ارزش هایی راکه قرآن در محو و نابودی آن ها است ، از میان بردارید . در راه حق و هدایت ، مددکار من باشید و در راه تقوا و عدالت وزیر وکمک کار من مردم پایان جهان و فرجام آن نزدیک شده و دنیا ، جدایی خویش را اعلان نموده است . من شما را به سوی خدای یکتا و پیام آورش محمد (ص) و عمل به کتاب زندگی ساز او و احیاء و رواج ارزش های والای الهی و انسانی و نابودی بدعت های جاهلی و باطل و ضد ارزش ها فرا می خوانم . (2)

و اما سومین خطبه از آن گرامی در یک روایت طولانی ، خطبه پر محتوای دیگری برای آن حضرت ، از امام صادق (ع) روایت شده است که فرازهایی از آن را می آوریم : هان ای توده های انسانی هرکس می خواهد به " آدم " وشیث " نظاره کند ، من آدم و شیث

هستم و از آنان نشان دارم . هرکس می خواهد به نوح و فرزندش سام (ع) بنگرد ، من نوح و سام هستم . . . هرکس می خواهد به ابراهیم (ع) و اسماعیل نظاره کند ، من از ابراهیم و اسماعیل نسب دارم . هرکس می خواهد به عیسی و " شمعون " نگاه کند ، من عیسی و شمعون هستم و از آنان نشان دارم . هر کس می خواهد به محمد (ص) و امیر مومنان (ع) بنگرد ، بداند که من محمد و امیر مومنان هستم . مردم هرکس می خواهد به " حسن و حسین " بنگرد ، من حسن و حسین هستم . مردم هر کس می خواهد به امامان معصوم پس از حسین و از فرزندان او بنگرد ، من از آنان هستم و از آنان نشان دارم (3)

مرحوم مجلسی در تفسیری بر این روایت طولانی می گوید : در فرازهایی که امام مهدی (ع) می فرماید : من آدم ، شیث ، عیسی ، محمد و امامان معصوم هستم ، یعنی در دانش و ارزش های اخلاقی و انسانی آنان که شما آنان را پیروی می کنید ، من همان گونه ام و عصاره و چکیده آن ارزش ها . امام باقر (ع) می فرماید : پس از پایان یافتن خطبه امام مهدی (ع) ، 313 نفر یاران خاص او برگرد خورشید وجودش اجتماع نموده و با او بیعت می کنند (4)

ا . منتخب الاثر ص172 .

2

. عقد الدرر ، ص 145 معجم ا حاديث الامام المهدی (ع) ج 3 ص 295 .

3 . بحارالانوار ، ج3 . ,ص295

4 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص 647 .

عطسه

نسیم خادم می گوید : وقتی امام زمان (ع) ده روزه بود به محضرش شرف یاب شدم و در حضورش عطسه کردم . فرمود : یرحمک للهِ خدای تو را بیامرزد ، دعای مخصوص عطسه کننده که به تسمیه العطاس معروف است

بسیار خوشحال شدم که امام در حق من چنین فرمود . سپس فرمودند : تو را درباره عطسه مژده دهم آن تا سه روز امان از مرگ است (1)

1 . غیبه طوسی ، ص139کشف الغمه ج 3 ص 290 بحارا لانوار ج 51 ، ص 05

شخصیت

ویژگی های حضرت

خصایص و ویژگی های حضرت مهدی (ع) مطابق احادیث و روایات عبارتند از : 1 . از خاندان و ذریه پیامبر (ص) است 2 . هم نام ، هم کنیه پیامبر (ص) وشبیه ترین مردم به آن حضرت است 3 . نهمین فرزند از فرزندان امام حسین (ع) است . اسم پدرش حسن (ع) است 5 . مادرش سیده کنیزان و بهترین ایشان است 06 دوازدهمین امام و خاتم الائمه است 7 . دارای دو غیبت است 8 . عمر بسیار طولانی دارد 9 . زمین را پر از عدل و داد می کند ، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد 10 . گذشت روزگار او را پیر نمی کند 11 . ولادتش پنهانی است 12 . دشمنان خدا را می کشد و زمین را از شرک و ظلم پاک می کند 13 . دین خدا را آشکار و اسلام را در روی زمین گسترش می دهد

و فرمانروای روی زمین می شود 14 . با شمشیر قیام می کند 15 . دارای سنت هایی از انبیا است که از آن جمله غیبت است 16 . روش او سیره پیامبر (ص) است 017 پس از این که مردم در آزمایش های سخت واقع شوند ، ظاهر می شود 18 . حضرت عیسی (ع) نازل می شود و پشت سرش نماز می خواند 19 . پیش از ظهورش بدعت ها وظلم وگناه و تجاهر به فسق و فجور رایج می شود 20 . هنگام ظهورش نادی آسمانی به نام او و پدرش ندا می کندکه همه ، آن را می شنوند و ظهور آن حضرت را اعلام می کند 21 . پیش از ظهورش نرخ ها بالا می رود ، بیماری ها زیاد می شود ، جنگ های بزرگ بر پا می شود و بسیاری کشته می شوند 22 . پیش از ظهورش نفس زکیه و یمانی کشته می شوند و در بیدا مکانی بین مکه و مدینه خسفی واقع می شود و دجال و سفیانی خروج می کنند وحضرت آن ها را می کشد 23 . پس از ظهورش ، برکات آسمان و زمین ظاهر می شود و زمین آباد می گردد و هیچ کس غیر خدا را پرستش نمی کند 24 . سیصد و سیزده نفر اصحاب او هستندکه در یک ساعت به محضرش حاضر می شوند 25 . معجزات بسیاری دارد و بسیاری مشرف به دیدار حضرتش شده اند . (1)

ا . منتخب الاثر فصل دوم .

شباهت

در روایات ، شباهت هایی

میان حضرت مهدی (ع) و انبیاء و ائمه (ع) آمده است : شباهت به آدم (ع) خداوند ، آدم را خلیفه خود در زمین قرار داد

شباهت به هابیل (ع) نزدیک ترین افراد ، هابیل را کشت یعنی برادرش وهمچنین نزدیک ترین افراد ، قصدکشتن امام قائم (ع) را نمود عموی او یعنی جعفرکذاب

شباهت به شیث (ع) حضرت شیث اجازه نیافت که علم خودش را آشکارکند ، حضرت نیز اجازه نیافته تا روز وقت معین .

شباهت به نوح (ع) عمر طولانی

شباهت به ادریس (ع) ادریس (ع) به آسمان بالا برده شد ، وحضرت مهدی (ع) را هنگام ولادت ، روح القدس بر بال خودگرفت و به آسمانها برد . ادریس (ع) نیز از قومش غایب شد .

شباهت به هود (ع) حضرت نوح ، ظهور حضرت هود را بشارت داده بود و خداوند ، کافران را به وسیله او هلاک کرد .

شباهت به صالح (ع) حضرت صالح مدتی از قومش غایب شد و وقتی بازگشت ، عده ای او را انکار کردند .

شباهت به ابراهیم (ع) حضرت ابراهیم (ع) دوران حمل وولادتش مخفیانه بود و رشد او در یک هفته ، به اندازه یک ماه بود ودر یک ماه به اندازه یک سال . حضرت ابراهیم (ع) دو غیبت داشت .

شباهت به اسماعیل (ع) خداوند به ولادت اسماعیل (ع) بشار ت داد . وچشمه زمزم

برای حضرت اسماعیل (ع) از زمین جوشید .

شباهت به اسحاق (ع) پس از آنکه ساره از بچه دار شدن مأیوس شده بود ، خداوند ولادت اسحاق (ع) را بشارت داد .

شباهت به لوط (ع) فرشتگان برای یاری اش نازل شدند .

شباهت به یعقوب (ع) یعقوب (ع) منتظرِ فرَج بود تا این که خداوند پس از مدتی طولانی ، پریشانی اش را برطرف ساخت .

شباهت به یوسف (ع) یوسف (ع) زیباترین اهل زمان خود بود و مدتی غایب و مدتی نیز دچار زندان شد .

شباهت به خضر (ع) عمر طولانی وحضور هر سال در مناسک حج .

شباهت به الیاس (ع) عمر طولانی وحضور هر سال در حج و غایب شدن از قومش .

شباهت به ذو القرنین : پیغمبر نبود ، ولی بر مردم حجت بود واز قومش غایب شد غیبتی طولانی .

شباهت به شعیب (ع) عمرش طولانی واستخوان هایش کوفته شد . از نظر قومش غائب شد

ودوباره به صورت جوانی به آنها بازگشت .

شباهت به موسی (ع) دوران حمل و ولادتش مخفی بود و دو غیبت داشت . از ترس دشمنانش غایب شد و بنی اسرائیل منتظر قیامش بودند . عصایی داشت که معجزه اش بود .

شباهت به هارون (ع) خداوند هارون را به آسمان بالا برد . هارون سخن موسی را از راه دور می شنید .

شباهت به یوشع (ع) منافقان با او جنگ کردند خورشید

برای یوشع (ع) بازگشت

شباهت به حزیقل (ع) خداوند برایش مردگانی را زنده کرد .

شباهت به داود (ع) خداوند او را خلیفه در زمین قرار داد و آهن را برایش نرم کرد .

شباهت به سلیمان (ع) داود (ع) او را جانشین خود قرار داد ، در حالی که به سن بلوغ نرسیده بود . حکومت سلیمان بر جن و انس وپرندگان بود و مدتی از قومش غایب شد . خورشید برایش بازگشت .

شباهت به دانیال (ع) مدتی غایب شد .

شباهت به عزیر (ع) وقتی به قومش بازگشت ، تورات را آن طورکه بر موسی (ع) بن عمران (ع) نازل شده بود خواند .

شباهت به جرجیس (ع) خداوند مردگانی را برایش زنده کرد .

شباهت به ایوب (ع) بر بلا صبرکرد . چشمه برایش جوشید . خداوند مردگانی را برایش زنده کرد .

شباهت به یونس (ع) پس از غیبت ، به قیافه جوانی به سوی قومش بازگشت .

شباهت به زکریا (ع) فرشتگان او را ندا می کردند . ودر مصیبت ابا عبدالله الحسین سه روز گریه کرد .

شاهت به یحیی (ع) به ولادتش بشارت داده شده بود ودر شکم مادر سخن می گفت .

شباهت به عیسی (ع) فرزند بهترین زنان زمانش بود و در شکم مادر تکلم می کرد و درگهواره سخن می گفت . خداوند او را به آسمان برد و مردم درباره اش اختلاف کردند

. به اذن خداوند مرده را زنده می کرد .

شباهت به حضرت محمد (ص) حضرت رسول اکرم (ص) فرمود : مهدی از فرزندان من است ، اسم او اسم من ، کنیه اش کنیه من ، واز نظر خلق وخلق شبیه ترین مردم به من است .

شباهت به امام علی (ع) وزهد وشجاعت .

شباهت به امام حسن (ع) حلم و بردباری .

شباهت به امام حسین (ع) نبودن بیعت طاغوت زمان بر ایشان ، بالا بردن به آسمان ، آرزوی بودن در رکاب حضرت ، ترس حضرت هنگام حرکت از مدینه ، طلب یاری و . . . .

شباهت به امام سجاد (ع) عبادت

شباهت به امام باقر (ع) شباهت به رسول خدا (ص) .

شباهت به امام صادق (ع) کشف علوم و بیان احکام برای مردم .

شباهت به امام کاظم (ع) تقیه وشدت ترس از دشمنان .

شباهت به امام رضا (ع) تقیه وترس در زمانش برداشته شد .

شباهت به امام محمد تقی (ع) درکودکی به امامت رسید .

شباهت به امام علی نقی (ع) هیبت حضرت .

شاهت به امام حسن عسکری (ع) هیبت حضرت . (1)

ا . مکیال المکارم ج اص 196 تا 257 .

امامت

نور حضرت

امام (ع) نور است . امام باقر (ع) در تفسیر آیه فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا ، (1) فرمود :

نور ، به خدا قسم ، نور امامان از آل محمد (ع) است تا روز قیامت ، والله نور الهی که نازل شده همان ها هستند؟ والله نور خدا در آسمان ها و زمین آن ها هستند (2) در زیارت روز جمعه آن حضرت هم آمده سلام بر تو ای نور خداوندکه هدایت جویان به وسیله او هدایت می شوند . (3) شب معراج ، نور حضرت مهدی (ع) برای خاتم الانبیاء (ص) آشکار شد . پیامبر (ص) فرمود : . . . . . ای محمد دوست داری آن ها اوصیای خودت را ببینی ؟ گفتم : بله ، ای پروردگار فرمود : به سمت راست عرش توجه کن چون متوجه شدم ، ناگاه علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفربن محمد و موسی بن جعفرو علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را دیدم که در رودی از نور ایستاده ، نماز می گذارند و او مهدی در وسط آن ها مانند ستاره ای درخشان بود . واما درخشندگی نورحضرت در دنیا هنگام ولادت ، نور آن حضرت به طوری بودکه تا آسمان رسید . درخشندگی نور آن حضرت در هر دو زمان حضور و غیبت وجود دارد . اشراق بدون واسطه ، برای جمعی از مؤمنین ، تشرف به دیدار آن حاصل گردیده است و دیگر ، اشراق نور آن حضرت با واسطه است . یعنی که خورشید و ماه

از نور آن حضرت آفریده شده است چنان که روایتی بر این معنی دلالت می کند (4) اخباری که دلالت می کند بر این که بقای عالم وآن چه در آن است به سبب وجود حضرت قائم (ع) است ، بنابراین درخشندگی نور آفتاب و ماه از آثار نور آن حضرت است در غیبت وحضور و اشراق نور حضرت در زمان غیبت بر دو قسم است : الف : اشراق باطنی در دل مؤمنین است که امامِ خود را با حقایق ایمان مشاهده می کنند .

ب : اشراق ظاهری : نور آن حضرت برای بعضی از اخیار اتفاق افتاده که این امر به برخی از خواص و پاکبازان اهل اخلاص اختصاص دارد .

قِسم دیگر ، اشراق نور آن حضرت در زمان ظهور است که دوگونه است : اشراق باطنی که در دل مؤمنین است و اشراق ظاهری ، این است که امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ، واشرقت الارض بنور ربها ، (5) فرمود : رب الارض یعنی امام ارض ، و هرگاه ظهورکند مردم از نور آفتاب و ماه بی نیاز می شوند و به نور امام اکتفا می کنند . (6) واما نورآن حضرت در آخرت است . امام صادق (ع) فرمود : نور ائمه مؤمنین در روز قیامت ، در پیشاپیش و سمت راست مؤمنین پیش می رود تا این که آن ها را در منازل شان در بهشت فرود آورند . (7)

1 . سوره تغابن 08

2 . کافی ج 1 ص

. 1 94

3 . بحارالانوار ج 102 ص 215

4 . بحارالانوار ج 15 ص 10 .

5 . سوره زمر 69 .

6 . تفسیر قمی ج2 ص253

7 . تفسیربرهان ج 4 ص 289 .

استخلاف

به معنای کسی را جانشین خودکردن وجایگرین نمودن است . در قرآن آمده است که وَعَدَ آلله آلذِینَ آمَنُوا مِنکم وَ عمِلوا الصالحات لیستخلفنهم فِی آلأزضِ کَمَا استخلف الذِینَ مِن قبلهم خداوند آن گروه از شما را که خدا باور و درست کردارند وعده داده که در زمین جایگزین کفار وبدکاران سازد ، چنان که پیش از این نیزکسانی بنی اسرائیل را جایگرین جباران ساخت . بعضی گفته اند : این آیه مربوط به مهدی موعود (ع) است که اخبار متواتره از ظهورش خبر داد . وفرموده که زمین را پر از عدل وداد می کند ، همان طورکه پر از ظلم وجور شده باشد و مراد به الذین آمنوا وعملوا الصالحات ، رسول خدا (ص) وائمه است . (1)

1 . ترجمه تفسیرالمیزان ج 15 ، ص 218

معرفت امام

از مهم ترین تکالیف مؤمنان ، پس از معرفت به خدا و رسول او ، معرفت و شناخت ولی امر ، امام زمان (ع) است . از حضرت باقر یا صادق (ع) روایت است که فرمود : بنده خدا مؤمن نخواهد بود ، مگر اینکه خدا و رسول و همه امامان را بشناسد و نیز امام زمانش را بشناسد و در تمام امور خود به او مراجعه کند و تسلیم امر وی باشد (1) در حدیث صحیح از حارث بن المغیره آمده که گفت : به حضرت ابو عبدالله صادق (ع) گفتم : آیا پیغمبر (ع) فرموده : من مات و لایعرت امام زمانه مات میته جاهلهیه فرمود : آری

عرضه داشتم : این کدام جاهلیت است ، آیا جاهلیت مطلق است یا جاهلیت کسی که امامش را نشناخته؟ فرمود : جاهلیت کفر و نفاق و ضلال . (2)

نیز امام صادق (ع) فرموده : هرکس شبی را صبح کند در حالی که امام زمانش را نشناسد ، به مرگ جاهلیت می میرد . (3) البته آنچه در معرفت امام واجب است ، دو امر است : یکی شناختن شخص امام به اسم و نسب ، دوم شناخت شخصیت امام با صفات و خصوصیات اوکه به وسیله آن ها از دیگران امتیاز می یابد . (4)

امام صادق (ع) می فرمایند : کمترین حد معرفت به امام آن است که امام ، همسنگ و مساوی با پیامبر (ص) است ، مگر در درجه نبوت . (5) از آن جا که امام صادق (ع) فرمود ، معرفت از ساخته های خداوند است ، (6) انسان باید حصول آن را از خداوند متعال طلب کند و با دعا ، آن را از خداوند بخواهد . در این زمینه و برای حصول معرفت به آن حضرت ، خواندن این دعا مناسب است : اللهم عرفنی نفسک . . . (7)

1 . اصول کافی ج 1 ص 180 .

2 . اصول کافی ج 2 ص377 .

3 . غیبه نعمانی ص 62 .

4 . مکیال المکارم ج1ص37

5 . البرهان ، ج 02 ص 34 .

6 . کافی ج1ص163

7 . کافی ج1ص 337

دانش حضرت

برای درک موقعیت

علمی امام ومقام پر ارج حضرت صاحب الامر (ع) که آخرین حجت خداوند است به احادیث چندی اشاره میکنیم : پیامبر (ص) فرمود : دوازده نفر از اهل بیت من ، خداوند علم وفهم وحکمت مرا به آن ها عطا فرموده ، و آن ها را از خاک وگل من آفریده است .

(1) امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود : علم مرگ ومیرها به ما داده شده ، علم تأویل وتنزیل و حل وفصل خصومت ها به ما عطاگردیده ، علم حوادث ووقایع به ما داده شده وهرگز چیزی از ما پوشیده نمی ماند (2) ودر حدیث دیگری می فرماید : آسمان ها وزمین در نزد امام ، همچون کف دست اوست ، ظاهر وباطن آن ها را می فهمد ونیک وبد آن ها را می شناسد (3) امام باقر (ع) می فرماید : دیدگان امام به خواب می رود ولی قلبش همیشه بیدار است . . . از پشت سر همچون پیش رو می بیند ، وفرشتگان پیوسته با او سخن میگویند تا زمانی که روزگار او به سر آید (4) ونیز درباره علم ودانش حضرت مهدی (ع) می فرماید : علم به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) در دل مهدی ما ، همچون زراعت می روید ، پس اگرکسی از شما باقی بماند تا زمانی که آن حضرت را درک کند ، باید به هنگام سلام دادن به وی بگوید : السلام علیکم یا اهل بیت الرحمه والنبوه و معدن العلم و موضع

الرساله (5) . امام صادق (ع) فرمود : همه دنیا همانند یک حبه گردو در برابر امام ، نمایان است و چیزی از آن بر او پوشیده نیست . از هر طرف بخواهد در آن تصرف میکند ، آن چنان که یکی از شما در سفره ای که در برابرتان گسترده است ، از هر طرف بخواهد دست می برد واز آن بهره می گیرد . (6) و در حدیث دیگری می فرماید : امام هنگامی که در شکم مادر است می شنود . . . . و چون به امامت رسید ، خداوند برای او عمودی از نور برمی افرازدکه به وسیله آن ، اعمال مردم هر شهری را می بیند . (7) و درباره علم حضرت مهدی (ع) می فرماید : هنگامی که امور به دست حضرت صاحب الامر (ع) برسد ، خدای تبارک وتعالی ، هر زمین پستی را برای او بالا می برد ، وهر زمین بلندی را پایین می آورد تا این که همه جهان همانندکف دست او ، برایش آشکار (8) ازمجموع این روایات پی به عظمت حضرت مهدی (ع) و علم ودانش او می بریم .

ا . منتخب الاثرص 32 کشف الغمه ج 2 ص 507 .

2 . الزام الناصب ج 2 ، ص246

3 . بحار الانوار ج25 ، ص 173 .

4 . کافی ، ج 1 ص 88 3 بحارالانوار ج 25 ، ص 165 .

5 . بحارالانوار ج 51 ص 36 .

6 . ا

ختصاص مفید ص 17 2 بحار الانوار ج 25ص 367

7 . کافی ج ا ، ص 387 .

8 . بشاره الاسلام ص 243 .

ولی نعمت

آن که برکسی حق نعمت دارد . در عصر حاضر ولی نعمت ما حضرت ولی عصر (ع) است . اگر بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء (1) و اگر لو لا الحجه ، لساخت الارض بأهلها (2) پس نعمت رزق و روزی ، آرامش آسمان و زمین را مدیون اوهستیم . امیدواریم که سپاسگزار وجود پر فیض او باشیم .

1 . مفاتیح الجنان ، دعای عدیله .

2 . اصول کافی ج10

اثبات امامت حضرت

امامت در لغت به معنای پیشوایی ودر اصطلاح ، یعنی ریاست عامه در امور دین ودنیا ، به نیابت از پیغمبر (ص) .

امامت حضرت مهدی (ع) به دو راه نص ومعجزه ثابت شده است . اما نص : شیخ صدوق در کتاب کمال الدین به سندی صحیح به نقل از یونس بن عبدالرحمن آورده است که گفت : به محضر امام موسی بن جعفر (ع) مشرف شدم وعرضه داشتم : یابن رسول الله آیا تو قائمِ بالحق هستی؟ فرمودند : من هم قائم بالحق هستم ولکن آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عزوجل پاک می کند و آن را پر از عدالت می نماید ، همچنان که از جور وستم پر شده باشد ، پنجمین فرزند من است که غیبتی طولانی دارد ، زیرا که بر جان خود می ترسد . در این مدت عده ای از حق برگشته وعد ه ایی دیگر ثابت قدم می مانند . سپس فرمود : خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما

چسبیده وبه دوستی ما ثابت مانده واز دشمنان ما بیزار باشند . آنان از ما وما از آن هاییم . (1)

نمونه های دیگری از نص را می توان در جلد دوم کتاب کمال الدین ، صفحات ، 376 , 381 و 409ملاحظه کرد .

همچنین درکتاب کفایه الاثرفی النص علی الائمه الاثنی عشرتألیف شیخ علی بن محمد بن علی الخزاز قمی ، 170 حدیث از طریق شیعه وسنی روایت شده که همه آن ها به امامت حضرت مهدی (ع) تصریح دارد .

واما معجزه : معجزات وکرامات حضرت ، دلیلی بر اثبات امامت اوست . از علی بن محمد سمری نقل شده که به محضر مقدس حضرت مهدی (ع) نامه نوشت ودرخواست کفن کرد . جواب آمدکه در سال هشتاد یا هشتاد ویکم به آن نیازمند خواهی شد . پس در همان وقتی که آن حضرت برایش تعیین کرده بود وفات یافت ویک ماه پیش از فوتش کفن برایش فرستاده شد . (2) و از جمله معجزات آشکار حضرت ، حاجت گرفتن مردم از آن حضرت است که هر ازگاهی زبان به زبان می چرخد ومشتاقان را امیدوارتر ومشتاق تر می کند . شفا یافتن بیماران لا علاج در مسجد جمکران از آن جمله است . درکتاب های کمال الدین شیخ صدوق ، بحارالانوار علامه مجلسی ونجم الثاقب میرزا حسین نوری از معجزات حضرت بسیار آمده است .

ا . کمال الدین ، ج 2 ص 361

2 . همان ص 501 .

مرگ جاهلیت

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده : هرکس بمیرد وامام

زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است (2) جاهلیت در اصطلاح تاریخ به روزگار پ?ش از اسلام ، که جهل و بی خردی بر مردم عموماً ، و عرب خصوصاً حاکم بوده و بت می پرستیدند و اسیراحساسات و خرافات بودند و خودخواهی و خون ریزی و تجاوز و ستیز ، مایه مباهات آن ها بود ، اطلاق شده است . وبه قول مرحوم طریحی : حالتی که عرب های قبل از اسلام داشتند وآن عبارت بود از : جهل به خدا و پیامبران و شرایع دین ، و فخر و مباهات به آباء وانساب . (3) این کلمه چهار بار در قرآن کریم آمده است و در هر یک از این چهار بار (4) به نحوی از جاهلیت نکوهش شده و این شیوه مورد استنکار قرارگرفته است .

از امام باقر (ع) ذیل آیه ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی (5) آمده که فرمود : یعنی جاهلیت دیگری در آینده خواهد آمد (6) احتمالاً منظور از مرگ جاهلیت ، این است : آن کس که امام زمانش را نشناسد و بمیرد ، بهره ای از دین و اسلام نبرده و در جاهلیت محض به سر برده است

1 . اصول کافی ج 2 ص377

2 . معارف و معاریف ج 4 ص 70 .

3 . سوره آل عمران 154 سوره مائده 50 سوره احزاب 33 سوره فتح 26 .

4 . سوره احزاب 33 .

5 . بحا رالانوا ر ج22 ص 189 .

6 . بحارالانوار ج 52 ، ص 383

.

ختم وصایت

در پشت مبارک رسول خدا (ص) علامتی بودکه آن راختم نبوت گویند . حضرت مهدی (ع) نیز علامتی در پشت دارد ، مانند علامت پشت مبارک رسول خدا (ص) ، که برخی از آن به " ختم وصایت " تعبیر کرده اند . (1)

1 . نجم الثاقب باب سوم .

حق واسطه نعمت

در زیارت جامعه درباره امامان (ع) می خوانیم واولیاء النعم و از امام صادق (ع) آمده که : اگر ما نبودیم ، نه نهرها جاری می شد ، نه میوه ها می رسید و نه درخت ها سبز می گشت (1)

امام سجاد (ع) نیز به ابو حمزه فرمود : ای ابو حمزه پیش از طلوع آفتاب نخواب ، که برایت خوش ندارم . به تحقیق که خداوند در آن وقت ، روزی های بندگان را تقسیم می کند و بر دست ما آن ها را جاری می سازد . (2)

1 . اصول کافی ج 1 ص 44 ا .

2 . مکیال المکارم ج اص62

حق بقا در دنیا

در روایتی از امام صادق (ع) آ مده است که : اگر زمین بدون امام زمان باقی بماند ، از هم می پاشد (1)

1 . اصول کافی ج 1 ص 179 .

حق عالم بر متعلم

خداوند در قرآن فرموده است : فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون (1)

1 . سوره انبیا 7 .

وجود هستی

از توقیعات شریفه آن حضرت است که فرمود : نحن صنایع ربنا و الخلق بعد صنایِعنا (1) و امام زمان و پدران بزرگوارش (ع) واسطه هستند در رساندن فیض های الهی به سایر مخلوقات ، و به همین معنی در دعای ندبه اشاره شده که : ، أین السبب المتصل بین الأرض و السماء

1 . احتیاج طبرسی ج 2ص 0278

حق قرابت وخویشاوندی پیامبر (ص)

که در قرآن کریم آمده است : قل لا اسئلکم علیه اجرا الا ، الموده فِی القربی (1) ، بگوکه من از شما بر تبلیغ رسالت توقع مزدی ندارم ، جز این که در مورد خویشاوندانم مودت ورزید . و در حدیث ندای حضرت قائم (ع) هنگام ظهورش آمده ، از شما می خواهم شما را به حق خدا و حق رسول خدا و حق خودم بر شماکه مرا بر شما حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر هست (2)

1 . سوره شوری ، 023

2 . غیبه نعمانی ص 49 1 .

حق پدربر فرزند

شیعیان از باقی مانده گل خاندان وحی آفریده شده اند ، همان طورکه فرزند از پدر به وجود می آید . امام رضا (ع) فرمود : امام ، همدم و رفیق و پدر مهربان است (1) از امام باقر (ع) نیز روایت شده است که فرمود : به تحقیق که خداوند ما را از اعلی علیین خلق فرموده و دل های شیعیان ما را از مایه خلقت ها و تن شان را ازپایین تر از آن آفرید .

پس دل های شان در هوای ما است ، زیرا از آن چه ما آفریده شدیم ، آن ها نیز آفریده شده اند (2)

1 . اصول کافی ج ا ص 0 020

2 . همان ، ص 390 .

حق امام بر رعیت

امیرالمؤمنین (ع) فرمود : مهم ترین چیزی که خداوند آن را از جمله حقوق ، فرض کرده ، حق والی و زمامدار بر رعیت است (1) این ها بخشی از حقوق حضرت بر شیعیان بود . (2)

1 . روضه کافی ص 35 .

2 . مکیال ا لمکارم ، ج ا ص 56 .

شهادت

مامنا الا مقتول

یعنی هیچ یک از ما معصومین خاندان نبوت نباشد ، جز این که به مرگ شهادت از دنیا برویم . این جمله از قول چند تن از حضرات معصومین (ع) نقل شده است (1) در روایتی آمده است که : ما مِنا الا مسموم او مقتول (2) . کسانی که معتقدند پایان عمر حضرت ، شهادت است و به مرگ طبیعی نمی میرد ، به این احادیث استناد کرده اند .

1 . بحار الانوار ج27 ص 214 و 209 .

2 . بحار الانوار ج 27ص217

خاک سپاری حضرت

امام صادق (ع) می فرماید : . . . چون معرفت و ایمان به حضرت در دل های مردم استقرار یافت ، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد . پس حضرت امام حسین (ع) متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن ایشان خواهد شد وهرگز غیر از وصی ، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند (1)

1 . بحارالانوار ج53, ص13 و ج 51 ص 56 کافی ج 8 ص 206

هفت تکبیر

با هفت تکبیر بر جنازه حضرت علی (ع) نماز خواندند ، و این عمل پس از ایشان ، فقط بر جنازه حضرت مهدی (ع) جایز است . ا میر المؤمنین (ع) بر امام حسن (ع) وصیت کرد که : پس از کفن و حنوط و بردن تا موضع

قبر شریف ، بر من نمازکن و هفت تکبیر بگو . بدان که این عمل برای احدی غیر از من ، حلال نیست ، مگر بر مردی که در آخرالزمان ظهور می کند اسم او قائم مهدی (ع) است که از فرزندان برادر تو ، حسین است . (1)

در معجزات حضرت مهدی (ع) آمده است که حضرت جلوی قسطنطنیه فرود می آید . در آن روزگار ، آن دژ ، هفت دیوار دارد و حضرت هفت تکبیر می گوید و دیوارها فرو می ریزد . (2)

1 . نجم الثاقب باب سوم

2 . عقد الدرر ص 180 .

مرگ حضرت

این که حضرت ، به مرگ طبیعی یا شهادت از این جهان خواهد رفت ، اختلاف هایی در روایات به چشم می خورد .

برخی از روایات می گویندکه آن حضرت مدتی حکومت خواهدکرد ، سپس وفات می کند و مسلمانان بر او نماز می گذارند از بعضی روایات استفاده می شودکه مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران ، با مشخصاتی که برای آنان ذکر شده ، به شهادت می رسد . (1)

امام صادق (ع) می فرمایند : چون دولت حقه

مدتش به سر آید ، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد . او را زنی از بنی تمیم به شهادت می رساندکه نام او سعیده است و همانند مردان ، ریش و سبیل دارد . او به هنگام عبور حضرت ، سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی او پرتاب می کند و حضرت را به شهادت می رساند (2)

بررسی و قضاوت در این امر مبتنی بر دو مسأله است : 1 . آیا همه امامان معصوم (ع) شهید می شوند یا امکان دارد که به مرگ طبیعی از دنیا بروند؟ 2 . اگر در سایر ائمه (ع) پذیرفتیم که همه به شهادت رسیده اند ، نسبت به امام زمان (ع) چه خواهد شد؟

اما این که آیا همه ائمه به شهادت رسیده اند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند اختلاف است : شیخ صدوق بر این باور است که همه معصومین به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند . . . . کسی که چنین عقیده نداشته باشد ازما نیست . (3)

شیخ مفید در جواب صدوق می نویسد : آن چه را که شیخ صدوق در رابطه با درگذشت پیامبر (ص) وامامان معصوم (ع) به ستم و قتل گفته ، برخی از آن ها ثابت است و برخی مشکوک . اما شهادت امام علی و امام حسن و امام حسین (ع) حتمی و قطعی است . پس از ایشان ، مسمومیت و شهادت موسی بن جعفر (ع)

نیز قطعی و مسلم است . درباره امام رضا (ع) نیز قول قوی مسمومیت و شهادت ایشان است ، گرچه جای تردید هست . اما در دیگر ائمه (ع) راهی برای اثبات این که آنان به وسیله ستم یا ترور ویا قتل ، به شهادت رسید ه اند ، در دست نیست . (4)

علامه مجلسی پس از آن که روایات را زیر عنوان انهم علیهم السلام لایموتون الأ بالشهاده

می آورد ، نظر شیخ مفید را مورد نقد و بررسی قرار می دهد .

امام حسن مجتبی (ع) می فرماید : هیچ یک از ما امامان نیست ، جز آن که مسموم یاشهید می شود (5)

قاتلین به شهادت ائمه ، اصل کلی را از این گونه روایات استفاده کرده اند و بر این نظرند که ساختار بدنی پیامبر و امامان (ع) به گونه ای است که زمینه و ظرفیت حیات و عمر طولانی را دارند؟ مگر عارضه و حادثه ای از خارج بر آنان تحمیل شود . (6)

به هر حال اگر نظر شیخ صدوق را بپذیریم و به روایات ما مِنا الأمسموم او مقتول (7)

پایبند باشیم و آن ها را از نظر سند بپذیریم ، امام زمان (ع) به دست جنایتکاران به شهادت می رسد . ولی اگر قول شیخ مفید را بپذیریم ، باید بگوییم که چگونگی مرگ حضرت مهدی (ع) روشن نیست . (8)

امام صادق (ع) فرمود : . . . چون معرفت و ایمان

به حضرتش در دل های مردم استقرار یافت ، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد حضرت امام حسین (ع) متولی غسل وکفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی ، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند . (9) سلام علیه یوم ولد و یوم یظهر و یوم یموت و یوم یبعث حیا

1 . تاریخ ما بعد الظهور سید محمد صدر ص 881 .

2 . الزام الناصب ص 09 1 به نقل از روزگار رهایی ج 2 ص 662

3 . اعتقادات ، صدوق ج 5 ، ص 99 کنگره شیخ مفید .

4 . تصحیح الاعتقاد مفید ج 5 ص 131

5 . بحار الانوار ج27ص217

6 . تاریخ الغیبه الصغری ، ص 230 .

7 . بحار الانوارج27 ص217

8 . چشم به راه مهدی ص360

9 . کافی ج8 ص206 بحار الانوارج53ص13

شیعه و مهدی

از نظر شیعه ، مسأله مهدویت ونوید ظهور مهدی موعود (ع) یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می رود و به اندازه ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت ، در ردیف وقوع قیامت ، وتکذیب وتصدیقش در ردیف تکذیب وتصدیق رسول اکرم (ص) می باشد . از نظر شیعه ، مهدویت یک مسأله کهن وریشه دار است وسابقه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام ودوران رشد شخص نبی اکرم (ص) برمی گردد . به اعتقاد شیعه ، علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد شده وپیشوایان دینی آن ها را به وجود مقدس مهدی موعود تفسیرکرده

اند ، صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت صادر شده که در آن ها (1) صفات ، خصوصیات وجزئیات زندگی آن منتظر موعود واین که پس از تولد دو بار غیبت خواهد داشت وپس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد وبا تشکیل حوادث واحد جهانی ، جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود ، بیان شده است . شیعیان بر اساس روایات عقیده دارندکه مهدی موعود (ع) ، سری از اسرار حق و آخرین برگزیده الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده است وپس از مدت زمانی طولانی ظهور می نماید واو حجه الله ، خلیفه الله و بقیه الله است . مهدی موعود (ع) از نسل پاک پیامبر خدا (ص) و از علی و زهرا (ع) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین و فرزند بلافصل امام حسن عسکری (ع) است . شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی (ع) ، همنام وهم کنیه پیامبر (ص) وهم اکنون زنده است وهنگامی که خداوند اجازه ظهورش دهد قیام می کند وزمین را پر از عدل و داد می نماید .

شیعیان طبق وعده های انبیای سلف (ع) و نویدهای کتب مذهبی ، و وعده های صریح قرآن کریم عقیده دارندکه : آن گاه که اخلاق ومعنویت از میان بشر رخت بربندد وظلم و ستم فراگیر شود واسباب ظهور مهیاگردد ، حضرت مهدی (ع) به فرمان حق قیام می کند

. با آمدنش هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند . مرزهای جغرافیایی میان کشورها برداشته می شود ، مظاهر شرک وکفر وبی عدالتی از بین می روند ، عدالت اجتماعی تأمین می گردد ، هر حقی بهصاحب حق می رسد و در سراسر جهان ، تنها یک نظام حکومت می کند و آن نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است . (2)

ا . بحارالانوار ج52ص 345

2 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب وملل جهان هاشمی شهیدی ص 68

طول عمر حضرت

طول عمر حضرت

درباره طول عمر حضرت مهدی (ع) سخن های بسیاری گفته اند . مهم ترین مسأله دخیل در طول عمرِ حضرت ، قدرت الهی است . اگرکسی به کتب آسمانی به ویژه قرآن کریم آشنایی داشته باشد ، می داند که کارهای خارق العاده بسیاری در عالَم واقع شده و معجزات بسیاری صادرگردیده که همگی حاکی از قدرت لا یزال الهی است از قبیل : توفان نوح (1) سرد شدن آتش برای ابراهیم (ع) (2) عصای موسی (ع) وتبدیل شدن به اژدها (3) بی پدر متولد شدن حضرت عیسی (ع) (4) و سخن گفتن او درگهواره (5) وامثال این ها . اگر خداوند قادر است این کارهای خارق العاده را انجام دهد ، قادر است حجت وولی خود را نیز سال های متمادی نگه دارد . (6)

واما طول عمر از نظر ادیان : همه ادیان از عمر طولانی جمعی از افراد بشر خبر

داده اند ، به عنوان مثال در اصحاح سوره پنجم از سفر تکوین تورات ، آیات ، 8,5 1 1 ، 14 ، 17 ، 20 ، 27 ، 31 در اصحاح نهم ، آیه 29 و اصحاح یازده آیه 0 1 تا 17 و در موارد دیگر ، افرادی را از پیامبران و دیگران نام برده و عمرهای طولانی هر یک را که متجارز از 400 ، 600 ، 700 ، 800 و 900 سال بوده به صراحت بیان داشته است . ادیان باستانی دیگر مانند زرتشتی ، بودایی ، برهمایی و . . . نیز از عمرهای طولانی جمعی از افراد بشر مخصوصاً رهبرانشان خبر داده اند و همه قائل به طول عمر ، بلکه بقای حیات اشخاص تا این زمان هستند . (7) ومسیحی ها عموماُ معتقدندکه حضرت عیسی (ع) پس از قتل زنده شده وتاکنون زنده است .

طول عمر از دیدگاه قرآن : با مراجعه به قرآن کریم معلوم می شود که بعضی ها از عمر طولانی برخوردار بوده وهستند ، به عنوان نمونه درباره حضرت نوح (ع) می خوانیم که قبل از توفان ، 950 سال در میان قوم خود بوده (8) وپس از توفان نیز زنده بود . در تاریخ تا 2500 سال درباره طول عمر آن حضرت نوشته اند . همچنین درباره حضرت عیسی (ع) وقتی یهودیان گفتند : ما او را به دار آویخته وکشته ایم ، قرآن کریم نظر آنان را مردود دانسته وفرمود : خداوند او را به آسمان برده است . (9

) لذا در روایات داریم که حضرت عیسی (ع) زنده و در آسمان است وپس از ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان نازل شده وپشت سر حضرت نماز می خواند . در مورد زندگی حضرت خضر (ع) گر چه در قرآن ذکر نشده ، امّا در داستان حضرت موسی (ع) (10) و پیرمراد ومعلم او در روایات آمده که آن رجل الهی حضرت خضر بوده و همچنان زنده است . پس طبق آیات قرآن و روایات ، داشتن عمر طولانی امری ممکن و قابل تحقق است .

طول عمر از منظر تاریخ : در بیشترکتبی که دانشمندان درباره زندگی ووجود امام زمان (ع) نوشته اند " بابی را به معمرین اختصاص داده واسامی افرادی را که عمر طولانی داشته اند ، ضبط کرده اند که ما اسامی برخی از آنان را در باب معمرین آورده ایم .

طول عمر در تحقیقات جهان پزشکی : از نظر علم پزشکی ، عمر انسان محدود به هفتاد و هشتاد سال نیست ، بلکه تمام اعضای بدن انسان ، جداگانه برای یک عمر طولانی ساخته شده است . یکی از دانشمندان در مقام مقایسه عمر انسان با سایر موجودات ، مطالعات فراوانی نموده وبالاخره ثابت کرد که بدن آدمی برای آن ساخته شده که هزاران سال عمرکند . (11) یکی از پزشکان می گوید : برای مدت زندگانی انسان ، حدی که تجاوز از آن محال باشد ، معین نشده است . (12) یکی دیگر از دانشمندان می گوید : اگر می توانستیم

نیم پایین روده ها را از تفاله پاک نگهداریم ونگذاریم بدن از آن ناحیه مسموم شود ، مرگ را جواب می گفتیم وبعض دیگر این ادعا را درباره جهازات دیگرکرده اند . (13) چیزی که تاکنون ثابت شده است ، این است که علت اصلی مرگ ، امراض وعوارضی است که به یکی از اعضاء عارض شده ، در نتیجه آن عضو را از انجام کار باز می دارد وبه واسطه ارتباط واتصالی که میان اعضاء برقرار است ، از مرگ آن عضو ، مرگ سایر اعضاء نیز فرا می رسد امروزه بشر در این فکر است که به کرات دور دست آسمانی که احتمالاً صدها ویا هزارها سال وقت می خواهد سفرکند ، وچون عمرکوتاه انسان با این نوع مسافرت های طولانی وفق نمی دهد در این صدد برآمده اند که برای رسیدن به کرات آسمانی ، اول باید عمر انسان را زیادترکرد . لذا امروز در دانشگاه های مهم دنیا ، کرسی دو علم جدید ژریاتری وجرونتولوژی به همین منظور مشغول فعالیت است و دانشمندان پیش بینی می کنندکه روزی خواهد رسیدکه بشر ، هم عمر خود را به هزاران سال می رساند وهم به کرات دور دست آسمانی سفر می کند . لذا عمر انسان از نظر علمی حد ثابت ومعینی ندارد ، بلکه انسان قابلیت آن را داردکه هزارآن سال عمرکند .

واما حضرت آیت الله وحید خراسانی درباره کلمه امام زمان (ع) می گوید : اگر درباره کلمه امام زمان و صاحب الزمان دقت کنید می بینید آن حضرت ، جلوی زمان است و زمان ،

پشت سرِ اوست آن حضرت ، امام وصاحب زمان است وچون مقدم بر زمان است ، بر زمان هم امامت می کند . اگرکسی عمق این مطلب را بفهمد ، خواهد دانست که چرا امام زمان (ع) پیر نمی شود . (14) پس با این همه ، طول عمر هم امکان دارد وهم واقع شده است .

ا . سوره هود 38 تا 48 .

2 . سوره انبیاء ص69

3 . سوره قصص 32 و طه 20 و شعراء 32 .

4 . سوره انبیاء 91

5 . سوره مریم 27 تا 34 .

6 . سیمای آفتاب حبیب الله طاهری 99

7 . امامت ومهدویت ، ج 2 ص373

8 . سوره عنکبوت 14

9 . سوره نساء، 158 .

. 1 . سوره کهف 65 تا 82 .

11 . اولین دانشگاه وآخرین پیامبر ج 2 ، ص 220 .

12 . مصلح جهانی ، ص 67 .

13 . آخرین امید داود الهامی ص 337

14 . پیام امام زمان حجازی ، ص 173 .

حبابه و البیه

اززنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) جزو یارانِ حضرت مهدی (ع) خواهد بود . شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن (ع) و ابن داود او را از اصحاب امام حسن ، امام حسین ، امام سجاد و امام باقر

(ع) می داند . برخی دیگر ایشان را از اصحاب هشت امام معصوم تا امام رضا (ع) شمرده اند . هم چنین گفته شده است که امام رضا (ع

) ایشان را درپیراهن شخصیِ خود کفن کرد . او به هنگام مرگ ، بیش از 240 سال داشت . او دوبار به دوران جوانی بازگشت که یک بار با معجزه امام سجاد (ع) و بار دوم با معجزه امام رضا (ع) بود و اوست که هشت امام معصوم بر سنگی که به همراه داشت ، با خاتم خود ، بر آن نقش زدند . (1) حبابه والبیه می گوید : . . . به امیر مؤمنان (ع) عرض کردم : خدا تو را مشمول رحمت خود قرار دهد . دلیل امامت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود : آن سنگ ریزه را نزد من بیاور . آن را به حضور حضرت آوردم ، علی (ع) با انگشتر خود برآن مهر زد ، به گونه ای که آن مهر بر آن سنگ, نقش بست و به من فرمود : ای حبابه هرکس که مدعی امامت شد و توانست مانند من این سنگ را مهرکند ، او امامی است که پیروی از او واجب است . امام کسی است که هر چیز را بخواهد می داند . من پی کار خودم رفتم ، تا امیر مؤمنان (ع) از دنیا رفت . آن گاه خدمت امام حسن (ع) آمدم که بر جای علی (ع) نشسته بود و مردم از او سؤال می کردند . چون مرا دید ، فرمود : ای حبابه والبیه عرض کردم : بلی سرور من فرمود : آن چه همراه داری بیاور . من آن سنگ کوچک را

به آن حضرت دادم . آن بزرگوار مانند علی (ع) با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که جای مهر بر آن نقش بست . سپس به حضور امام حسین (ع) که در مسجد رسول خدا بود آمدم . مرا نزد خود خواند و خوشامد گفت و فرمود : دلیل آن چه تو می خواهی موجود است . آیا نشانه امامت را می خواهی؟ گفتم : آری ، ای آقای من فرمود : آن چه با خود داری بیاور من آن سنگ کوچک را به او دادم ، انگشترش را بر آن زد و مهرش بر آن نقش بست .

پس از امام حسین (ع) خدمت امام سجاد (ع) رسیدم و به قدری پیرشده بودم که رعشه بر اندامم مستولی شده بود و صد و سیزده سال داشتم . آن حضرت در رکوع و سجود بود و به من توجهی نداشت . از دریافت نشانه امامت نا امید شدم . آن حضرت با انگشت سبابه خود به من اشاره کرد و به اشاره او جوانی ام برگشت . گفتم : ای آقای من از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟ فرمود نسبت به آن چه گذشته است ، آری و آن چه مانده است نه . یعنی ما به گذشته علم داریم؟ اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی داند و یا مصلحت نیست بگویم . آن گاه به من فرمود : آن چه با خود داری بیاور . من آن سنگ را به حضرت دادم و

حضرت مهر بر آن زد . پس ازگذاشت زمانی ، به حضور امام باقر (ع) آمدم ، آن حضرت نیز بر آن سنگ ، مهر زد . بعد از او نزد امام صادق (ع) آمدم و آن جناب نیز آن را مهرکرد . پس از طی شدن سال ها به حضور امام کاظم (ع) شرفیاب شدم ، آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد و بعد از او خدمت حضرت رضا (ع) رسیدم ، مهر آن حضرت نیز بر آن نقش بست . حبابه پس از آن ، نه ماه زنده بود . (2)

1 . تنقیح المقال ، ج 23 ، ص 75 .

2 . کافی ج 1 ص 346؛ تنقیح المقال ج 3 ، ص 75 چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طبسی ، ص ، 074

کتب

الغیبه

الغیبه عنوان دوکتاب است یکی نوشته شیخ طوسی و دیگری تألیف محمد ابراهیم نعمانی . نعمانی از بزرگان قرن چهارم وکتاب الغیبه وی ، شامل ، 2 فصل است که درباره امامت و ولایت ائمه (ع) ، علائم ظهور ، مدعیان امامت ، زمین بدون حجت نیست ، صبر ، انتظار فرج و . . . مطالب ارزشمندی آورده است .

واما شیخ طوسی در الغیبه به همه جوانب مسأله غیبت به گونه دقیق پرداخته وپاسخ اشکالات مخالفان را با استدلال به کتاب ، سنت و عقل داده است . آقا بزرگ تهرانی درباره این کتاب می نویسد : قوی ترین برهان های عقلی و نقلی بر وجود امام زمان

(ع) وغیبت و ظهور آن حضرت را در آخر الزمان در بردارد . خود شیخ در مقدمه کتاب می آورد : شیخ بزرگوار ما ، به من دستور داد کتابی درباره غیبت صاحب الزمان و سبب دوام غیبت و پاسخ شبهات مخالفان بنویسم . (1)

1 . چشم به راه مهدی ص 466

الفصول العشر فی الغیبه

کتابی است از شیخ مفیدکه در آغاز آن چنین اشاره می کند : . . . در این نوشته به ده پرسش درباره مهدی پاسخ می دهم . . . در این اثر ، آن چه تمام خردمندان بدان نیاز دارند ، آورده شده و به گونه ساده ، در دسترس همگان قرارگرفته است . و اما پرسش های دهگانه : 1 . آیا امام حسن عسکری (ع) ، فرزندی به نام مهدی داشته است؟ آیا این را فقط شیعه باور دارد یا غیر شیعیان نیز بدان اعتراف دارند؟ 2 . تکذیب وجود فرزند برای امام عسکری (ع) ، از سوی جعفر بن علی عموی امام زمان3 . امام عسکری (ع) اگر فرزندی به نام مهدی داشت ، چطور در وصیت خود از او نام نبرده و به مادرش وصیت کرده است؟ . 4 . دلیل بر ولادت مخفیانه وغیبت آن حضرت چیست؟ ه . غیبت طولانی خلاف عادت ، پذیرفته نیست . چگونه می تواند فردی که در زمان های دور چشم به جهان گشوده ، تا این زمان زنده باشد؟ 6 . غیبت طولانی ، با دست نیابیدن و مشخص نبودن محل سکونت وی ، چگونه ممکن است؟ 7 .

بر فرض صحت غیبت ، در صورت اجرا نکردن حدود ، بیان نکردن احکا م ، هدایت نکردن گمراهان ، اقامه نکردن امر به معروف و نهی از منکر و . . . چه نفعی خواهد داشت؟ 8 . به هر دلیلی که شیعه امامیه ادعاهای فطحیه ، کیسانیه ، ناووسیه و اسماعیلیه را در باب غیبت باطل می شمرد ، به همان دلیل ادعای شیعه امامیه نیز ، درغیبت حضرت مهدی باطل است 9 . شیعه امامیه براین باور است که خداوند غیبت حضرت را لازم دانسته و چیزی را اراده نمی کند ، مگر آن که دارای مصلحت باشد . از سوی دیگر معتقدند که در مشاهده آن حضرت و اخذ معارف دین از وی ، مصلحت کامل بندگان وجود دارد ، و با ظهور آن حضرت ، همه مصالح تحقق می پذیرد . بنابراین چگونه خداوند ، غیبت حضرت را اراده نموده است؟ 10 . اگر امامیه برغیبت امام عصر (ع) اسرارکند ، باید در هنگام ظهور معتقد به معجزه باشد تا مردم او را بشناسند ، در حالی که داشتن معجزه از ویژگی های پیامبران الهی است .

پس از طرح این پرسش ها ، شیخ به یکایک آن به شرح پاسخ می دهد . این اثر با عنوان " المسائل العشره فی الغیبه والاجوبه عن المسائل العشر نیز چاپ شده است . (1)

ا . چشم به راه مهدی ص 452 .

عَبقری الحِسان

کتاب العبقری الحسان فی الاحوال مَولینا صاحب الزمان (ع) از تألیفات مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی است .

مؤلف در

این کتاب به تشرفات ، مکاشفات ، رؤیاها ، توسلات و مسائل دیگر پرداخته است . مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در سال1280 . ه ق متولد شد . ایشان از شاگردان ملا لطف الله مازندرانی ، میرزا حبیب الله رشتی ، مرحوم مامقانی ، شریعت اصفهانی و حاجی نوری صاحب مستدرک الوسائل بوده است . این عالم بزرگوار به کثرت تقوی و زهد و ورع معروف بود .

وی در مسجد جامع گوهرشاد ، نماز جماعت می خواند . در 19 ربیع الثانی1369 هجری قمری رحلت کرد و پایین پای حضرت رضا (ع) مدفون گردید . برخی از تألیفات ایشان از این قرار است . خزینه الجواهر , گلزار اکبری , وسائل العبید , راحه الروح , جواهر الکلمات , انوار الواهب , انهار النوائب , الفوائد الکوفیه , رشحه الندی , طور سینا , عناوین اللمعات , لمعات الانوار , مفرح القلوب , البیان الرفیع , الجنه العالیه , جنتان مدهامتان , الیاقوت الاحمر (1)

ا . گنجینه دانشمندان ج1 ص 273 وج 7 ، ص 189 .

فوائد الشمسیه

کتاب زین الدین علی بن فاضل مازندرانی است . در آن کتاب ، بیش از نود مسأله راکه از سید شمس الدین در جزیره خضراء آموخته ، گردآورده است . وی این کتاب را از توده مردم مخفی می داشت و فقط به اشخاص مورد اعتماد ارائه می داد (1)

1 . جزیره خضراء . . . . ناجی النجار ترجمه علی اکبر مهدی پور ص 92 1 .

کتابنامه دعای ندبه

گروهی از دانشمندان درد آشنا و نویسندگان متعهد ، به دفاع از حریم دعای ندبه پرداخته و در پاسخ به اشکال ها و اعتراض های بی اساس ، پیرامون این دعای با صلابت ، آثار ارزشمند را به تحریر در آورده اند که عناوین برخی از آن ها را می آوریم : انوارالولا یه آیت اله صافی گلپایگانی به عشق مهدی محمد شائق قمی پاسخ ها به گفته ها سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی تحقیقی درپاره دعای ندبه رضا استادی ترجمه دعای ندبه مولی رفیع گیلانی ترجمه وسیله القربه علی بن علیرضا خوئی جمال حضوردرآئینه غیبت سید حسین خادمیان درس های از ولایت شیخ محمد

باقر صدیقینی دعای ندبه براساس قدیمی ترین نسخه ها دکتر باقر قربانی زرین سخنان نخبه علی عطایی اصفهانی شرح دعای ندبه محمد باقر شریعت پناه شفاء للامه محمد جعفر شاملی فروغ ولایت ودعای ندبه آیه اله لطف اله صافی گلپایگانی کشف الکربه فی شرح دعاء الندبه سید جلال الدین محدث ارموی مدارک دعای شریف ندبه جعفر صبوری قمی معالم القربه فی شرح دعاء الندبه سید جمال الدین محدث ارموی النخبه فی شرح دعاء الندبه سید محمود مرعشی (

ندبه ونشاط) احمد زمردیان نصره المؤمنین عبدالرضا ابراهیمی نوید بامداد پیروزی سید مصطفی طباطبایی ، وظایف الشیعه شیخ عباس علی ادیب اصفهانی (هدیه مهدویه) صالحی کرمانی (1)

ا . با دعای ندبه درپگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ، ص 193 .

کشف الغمه

کشف الغمه فی معرفه الائمه ، کتابی است نوشته ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی , اربلی از ادیبان شیعی قرن هفتم هجری است که در شهر اربلأ ، در شمال عراق به دنیا آمد و در سال693هجری در بغداد بدرود حیات گفت . صاحب " امل الامل " از وی به عظمت یاد کرده و نوشته است : او دانشمند ، فاضل ، محدث ، ثقه ، شاعر ، ادیب و نگارنده و مجمع فضائل بود (1) وی بخش آخر جزء سوم این اثر ارزشمند را به امام زمان (ع) اختصاص داده و به مباحثی چون محل تولد حضرت ، زمان تولد ، نَسَب ، پدر ، مادر ، اسم ، کنیه و لقب او پرداخته است . (2)

ا . اهل الامل ج2 ص 95 01

2 . چشم به راه مهدی ، ص 472 .

کمال الدین و تمام النعمه

کتابی است نوشته علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق ، درباره امام زمان (ع) این کتاب را اکمال الدین و اتمام النعمه هم می گویند . دائره المعارف روایی است با دسته بندی بسیار جالب در باب موضوعات مربوط به امام عصر (ع) شیخ صدوق در قم دیده به جهان گشود و در نزد فقهای بزرگ و محدثان نامداری دانش فقه و حدیث را فرا گرفت . روح جست و جوگرش آرام نگرفت و برای بهره گیری از محضر عالمان اسلامی به سیر و سیاحت پرداخت و به شهرهای ری ، نیشابور ، مشهد ، کوفه ، بغداد ، همدان

، بلخ ، سرخس ومکه مکرمه رفت و از متخصصان فن حدیث ، حدیث آموخت . (1) شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی ، در مقدمه معانی الاخبار تا 252 تن از بزرگان را که شیخ صدوق از آنان استفاده کرده یاد می کند . شیخ صدوق در رشته حدیث به جایی رسید که رئیس المحدثین (نام گرفت . (2)

شیخ صدوق انگیزه خود را از نگاشتن این کتاب چنین اعلا م می دارد : . . . شبی در خواب دیدم خانه کعبه را طواف می کنم . به حجرالاسود رسیدم و آن را استلام کردم . ناگاه دیدم مولی صاحب الزمان (ع) پهلوی درکعبه ایستاده است . سلام کردم . حضرت جواب دادند . فرمود : چرا کتابی راجع به غیبت نمی نویسی ، تا ناراحتی ات برطرف شود؟ عرض کردم : یابن رسول ا . . . من کتاب ها درباره غیبت شما نوشته ام . حضرت فرمود : نه ، آن موضوعات را نمی گویم . کتابی راجع به غیبت من بنویس و غیبت پیامبران را در آن نقل کن . سپس از نظرم غایب شد . من با اضطراب از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر ، به گریه و زاری پرداختم . چون صبح شد ، به منظور انجام امر ولی الله و حجت خدا ، شروع به نوشتن این کتاب کردم (3)

این کتاب در 57 باب تنظیم شده و به غیبت پیامبران (ص) ، معمرین ، نیاز بشر به امام ، سخنان پیشوایان درباره غیبت ، مشرَف

شدگان به محضر حضرت ، نشانه های ظهور ، توقیعات و . . . می پردازد

قسمتی ازکتاب " کمال الدین ، در سال 1901 م . در هایدلبرگ آلمان به وسیله مولر " منتشر شد و رساله " اعتقادات " وی ، به انگلیسی ترجمه شده است . (4)

1 . معانی الا خبار صدوق ، ص 18 .

2 . وسائل الشیعه ج 20ص36

3 . کمال الد ین مقدمه ، انتشارات اسلامی .

4 . معارف و معاریف ج1 ص 242 .

المحجه فیما نزل فی القائم الحجه

کتابی است نوشته سید هاشم بحرانی موضوع مورد بحث این اثر ، آیات قرآنی است که در روایات ، به حضرت مهدی (ع) تفسیر و تأویل شده این آیات به یکصد و بیست عدد می رسندکه از سوره بقره آغاز ، و به سوره عصر پایان می پذیرند . مطالب کتاب نیز به صورت ترتیب سوره های قرآنی تنظیم شده اند (1) بحرانی ، فقیه ، مفسر ، محدث و صاحب نظر در رجال بوده است (2) وی در سال 1107-1108 در قریه " نعیم " درگذشت و در قریه توبلی به خاک سپرده شد . بحرانی از بزرگانی چون سید عباس استرآبادی و شیخ فخر الدین بن طریحی نجفی صاحب مجمع البحرین بهره جسته است . (3)

1 . چشم به راه مهدی ص 477 .

2 . ریحانه الادب ج1 ص233 .

3 . همان .

مصحف فاطمه (س)

وقتی که خداوند ، پیامبرش را قبض روح نمود ، حضرت فاطمه (س) چنان از وفات پدر اندوهگین شد که کسی جز خداوند اندازه اش را نمی داند . از این رو خداوند ، فرشته ای را بر روی زمین فرستاد تا او را

دلداری داده و با او سخن بگوید . فاطمه (س) این جریان را به امیرالمؤمنین (ع) گزارش داد . حضرت علی (ع) فرمود : هرگاه آمدن فرشته را احساس کردی و صدایش را شنیدی ، سخنان او را بلند بازگوکن که من بشنوم . وی چنین کرد و حضرت هر چه می شنید می نوشت؟ تا

آن که از آن سخنان مصحفی ساخته شد . در آن مصحف ، چیزی از حلال و حرام نیست ، بلکه در آن ، علم به مشاهدهای آینده است (1) . ابو بصیر به امام صادق (ع) عرض کرد : مصحف فاطمه چیست حضرت فرمود : مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست دارید به خدا سوگند حتی یک حرف قرآن در آن نیست (2) بر طبق روایات ، این مصحف شریف ، دست به دست از امامی به امام دیگرمنتقل گشته است ، تا به دست مبارک امام زمان (ع) رسیده است امام رضا (ع) می فرماید : امام نشانه هایی دارد : دانشمندترین مردم است . در داوری ، پرهیزکاری ، برد باری ، شجاعت ، عبادت ، سخاوت ، سرآمد روزگار است . . . و مصحف فاطمه نیز در دست او است (3)

روایت شده که صحیفه فاطمه به طول هفتاد ذراع وبه عرض یک پوست گوسفند بوده است

و همه احکامی که بنی آدم به آن نیاز داشته باشد ، حتی تاوان خراش در آن نوشته شده است (4)

1 . اصول کافی ج1ص24

2 . اصول کافی ج 1 ، ص 283 .

3 . اثبات الداه ج7ص388

4 . معارف ومعاریف ج6 ص 655

ممَهدون للمهدی

به معنای زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (ع) است . همچنین عنوان کتابی است از نویسنده ارزشمند ، علی کورانی .

نور الابصار

نورالابصارفی مناقب آل بیت النبی المختار کتابی است نوشته سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی

بخشی از این اثر ، اختصاص به حضرت مهدی (ع) دارد که به بحث درباره ولادت ، کنیه ، القاب ، اوصاف و نایبان حضرت ، چگونگی غیبت ، سال

غیبت طول عمر ، زمان و مکانی که حضرت غائب شده ، حیات وی پس از غیبت ، محال نبودن غیبت طولانی و . . . می پردازد آن گاه دیدگاه کسانی راکه بر این باورند مهدی منتظر ، محمد بن حنیفه است و باز خواهد گشت ، به شدت رد می کند . وی در قریه شبلنج مصر پرورش یافت و در ده سالگی قرآن را حفظ کرد و وارد دانشگاه الازهر مصر شد . در علوم و فنون گوناگون ، به ویژه علم حدیث ، ادب و تاریخ به درجات عالی نائل آمد و آثار ارزشمندی عرضه کرد (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

اثبات الوصیه

کتابی است از ابی الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی . مسعودی در شهر بابل به دنیا آمد . در بغدادکسب دانش کرد . (1) به مصر ، بصره ، فارس ، کرمان ، هند ، چین و عمان رفت تا از دانشمندان آن دیار بهره بگیرد . بالاخره در مصر اقامت گزید و در سال345 یا 363ق در همان جا بدرود حیات گفت . مسعودی را از بزرگان دانش رجال وتراجم ، شخصیت برجسته علمی ، جلیل القدر ، مورد اطمینان و بزرگوار معرفی کرده اند . (2) کتاب اثبات الوصیه

موضوعات تاریخی ، اعتقادی و . . . را در بردارد . ابتدا به بیان جنود عقل وجهل ، خلق جن وانس وسجود ملائکه پرداخته است . آنگاه ، جریان های تاریخی را از هبوط آدم ، رسالت انبیاء الهی ومردان بزرگ ، تاولادت پیامبر اکرم (ص) به بحث می گذارد . از نظر تاریخی در محدوده تاریخ ائمه (ع) جریان هایی که در عصر هر امامی اتفاق افتاده ، شیوه برخورد آنان با حاکمان زمان وعکس العمل های حاکمان را به رشته تحریر در می آورد . در پایان ، امامت امام عصر (ع) را از زبان مخبران صادق اثبات می کند وموضوعاتی را به شرح زیر ، در باب امامت امام دوازدهم و مسأله غیبت وی ، به بوته بررسی می نهد : امام زمان فرزندکیست؟ ویژگی های حضرت ، انتظار فرج ، نشانه های ظهور ، مقابله حضرت به هنگام ظهور باستمکاران (3) و . . . .

1 . مروج الذهب ج ا ، ص 277 .

2 . روضات الجنه خوانساری ج 4ص 282

3 . چشم به راه مهدی ص 455

اربعینیات درباره حضرت

یکی از سنت های پسندیده و خدمت های شایسته ای که از دیرزمان تاکنون در میان محدثان با درایت و عالمان شریعت و سالکان طریقت ، به کثرت معمول بوده و مشتاقانه رواج پیدا نموده است اهتمام به تألیف آثاری با عناوینی همچون اربعین ، اربعون حدیثاً ، اربعون کلمه ، الاربعین عن الاربعین من الاربعین وگردآوردن دفاتر معرفت و برگ های زرینی در قالب چهل حدیث با ویژگی های

مشترک ، یا یکسان ، یا درباره یک موضوع و یا موضوعات گوناگون است .

چهل حدیث ها با هر نیت و با انگیزه ای که پدید آمده باشد ، بخش پر ارج و قابل توجهی از منابع حدیثی مسلمانان را به خود اختصاص داده است . اماگویی سبب اصلی پرداختن به آن ، وجود و نمود توصیه به حفظ چهل حدیث از سوی پیامبر اکرم (ص) باشدکه فرمود : از امت من هرآنکه چهل حدیث پیرامون آن چه در امر دین بدان ها نیازمند است به حافظه سپارد ، خداوند نیز وی را در روز رستخیز در شمار دانشمندان و دین پژوهان برخواهد انگیخت .

در میان بازارگرم و پویای جمع چهل حدیث ، دانشوران شیعه و اهل سنت ، بسیاری از چهل حدیث های خود را به سخنان ، گفته ها ، فضائل و مناقب بی شمار امام غائب (ع) اختصاص داده و به عنوان یکی از عمده ترین و بارزترین مسائل دینی مورد نیاز مردم بدان نگریسته اند . آنان به دلیل مقید بودن به عددچهل تنها به گوشه هایی بسیار محدود از احادیث ، سخنان ، فضائل ، شؤون و مقامات امام زمان (ع) اشارت کرده ، ولی در عوض باگزیده گویی و ایجاز درخشان ، آثار دایره المعارف گونه ای را پدید آورده اند . در این مجال می توان به فهرستی توصیفی از اینگونه اربعینیات به ترتیب تاریخی چنین اشاره نمود :

1 . الاربعون حدیثاً فی امر المهدی : ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی 334- 430 ق

02 الاربعون فی ذکر المهدی

من آل محمد ، حافظ ابوالعلاء حسن بن احمد عطار همدانی مقری 488-569ق

03 اربعون حدیثا فی المهدی ، سراج الدین محدث بغدادی قزوینی قرن ششم

4 . کفایه المهتدی فی معرفه المهدی ، سید محمد میر لوحی اصفهانی زنده در 1085ق ترجمه ، تفسیر و شرح چهل حدیث ازکتاب اثبات الرجعه نوشته فضل بن شاذان متوفای 260ق .

ه . کشف الحق الاربعین ، میر محمد صادق خاتون آبادی متوفای 1272ق این کتاب به اربعین خاتون آبادی شهرت داشته و به شرح چهل حدیث در دو بخش قیام و " رجعت " پرداخته و تألیف آن در 1263ق . به انجام رسیده است .

6 . اربعینیات ، حسین عندلیب زاده همدانی 287 1 ش .

7 . تبیین المحجه الی تعیین الحجه ، میرزا محسن بن محمد مجتهد تبریزی متوفای 1352 ق .

8 . چهل خبر در علامات ظهور مهدی منتظر ، احمد هروی ، یزد ، گلبهار ، چاپ اول 1368ق ، 54 ص ، رقعی .

متن عربی و ترجمه فارسی چهل حدیث درباره نشانه های آخر الزمان .

9 . الاربعون حدیثاً فی من یملأ الأرض قسطاً و عدلاً ، هادی نجفی ، قم ، نشر الهدایه ، چاپ اول محرم 411 1ق ، 91 ص ، وزیری .

10 . چهل حدیث انتظار فرج حضرت مهدی ، محمود شریفی ، تهران ، سازمان تبلیغات اسلامی ، چاپ اول ، 1370 ش ، 72 ص ، پالتویی .

11 . یوسف ناپیدای فاطمه زهرا ، محمد خادمی شیرازی ، تهران ، میقات ، چاپ اول ،

1370 ش ، 84

ص ، وزیری 0

12 . شناخت امام عصر ، احمد سیاح ، تهران ، نشر اسلاْم ، چاپ اول ، 0 37 1ش ، 28 1ص ، رقعی .

13 . قیرخ حدیث چهل حدیث از حضرت مهدی : گروه نویسندگان ، ترجمه از عربی به ترکی به صورت صفحه مقابل ، حسین سرخابلی ، تهران ، بنیاد بعثت ، چاپ اول ، 371 1ش 0

14 . چهل حدیث پیرامون نور یزدان ، علی اکبر مهدی پور ، قم ، حاذق ، چاپ اول ، 1372 ش ، 120 ص ، رقعی .

15 . چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا ، علی اکبر مهدی پور ، قم ، حاذق ، چاپ اول1372ش ، 0 2 1 ص ، رقعی .

16 . چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان ، علی اکبر مهدی پور ، قم ، حاذق ، چاپ اول ، 1372 ش ، 0 2 1 ص ، رقعی .

17 . چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضائل حضرت ولی عصر ، گروه نویسندگان ، تهران ، وزارت ارشاد ، چاپ اول 1374 83 ص ، پالتویی .

18 . چهل حدیث در فضائل حضرت ولی عصر ، گروه نویسندگان ، تهران ، خانه کتاب ایران ، چاپ اول ، 1416 ق 68 ص ، پالتویی .

19 . چهل حدیث سیره مهدوی ، محمود مدنی بجستانی ، قم ، نشر معروف ، 1277 ش ، 80 ص ، پالتویی .

20 . چهل حدیث پیرامون مهدی آل الرسول ، علی اکبر مهدی پور ، چاپ نشده است .

21 .

چهل حدیث پیرامون مهدی فاطمه ، علی اکبر مهدی پور ، چاپ نشده است .

احادیث این کتاب شامل چهل حدیث از چهل صحابی پیامبر اکرم (ص) می باشد . (1)

ا . نشریه موعود ، شماره 39 ص 66 .

اعلام ا لوری

اعلام الورای با اعلام الهدی : کتابی است تألیف امین الاسلام طبرسی وی از عالمان ، مفسران ومجتهدان مشهور قرن پنجم وششم هجری است . به احتمال زیاد در سال 468 یا 469هجری به دنیاآمده ودر رشته های علمی ادبیات عرب ، حدیث ، فقه ، اصول ، تفسیر و . . . اطلاعات گسترده ای اندوخت وصاحب نظر شد . در سال 523 هجری قمری به شهر سبزوار رفت وتا پایان عمر ، در همان جا زندگی کرد و به نشر فرهنگ اسلامی پرداخت . وی ، کتاب اعلام الوری را در چهار رکن اساسی ، سامان داده ورکن چهارم آن ، درباره امامت ائمه (ع) ، به ویژه امامت امام زمان (ع) است . وی دراین کتاب به اسم ، کنیه ، لقب ، ولادت ، نام مادر حضرت ، کسانی که امام را درکوچکی ملاقات کرده اند ، اثبات امامت امام عصر (ع) ، چگونگی غیبت ، دلایل وشواهد بر غیبت ، برخی توقیعات ، نشانه های قیام ، ایام ظهور ، سیره عملی حضرت به هنگام قیام ، روش حکومت حضرت و . . . پرداخته است . (1)

1 . چشم به راه مهدی ص 468 .

المهدی

کتابی است نوشته " سید صدرالدین صدر " ، مشتمل بر هشت فصل که به این موضوعات پرداخته است : بشارت هایی که بر ظهور مهدی (ع) آن درکتاب خدا ، سنت پیامبر (ص) وسخنان حضرت علی (ع) و بزرگان ، در قالب نظم یا نثر وارد شده

، ویژگی های ظاهری و باطنی ، ملکات فاضله ، دانش ، قضاوت ، بیعت ، حکومت و اصلاحات حضرت ، مقام و منزلت حضرت نزد خداوند ، ولادت ، تعیین اسم ، لقب ، کنیه ، نام پدر مادر ، طول عمر ، چگونگی غیبت ، محل غیبت ، علت غیبت ، چگونگی بهره مندی مردم از حضرت در زمان غیبت ، نشانه های آسمانی وزمینی ظهور ، جو عمومی جهان ، خروج سفیانی ، فضیلت انتظار و . . . .

سید صدرالدین ، از عمای شیعه است که در سال 299 هجری قمری درکاظمین دیده به جهان گشود . در سال 1329 به سفارش پدر ، به نجف اشرف هجرت کرد ودر آن جا ، مدت ها از محضر درس آخوند خراسانی ومیرزای نائینی بهره برد . در سال 1349 هجری قمری به مشهد مشرف شد و به تدریس پرداخت . پس از مدتی به درخواست شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم به قم آمد در این حوزه ، جایگاه رفیعی یافت . (1)

ا . چشم به راه مهدی ، ص 492 .

باسک

ازکتب آسمانی هندیان به شمار می رودکه در آن ، بشارت حضرت مهدی (ع) آمده است (1)

1 . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص 16 .

پاتیکل

ازکتب مقدسه هندیان است وصاحب آن از اعاظم کفره هند است وبه گمان پیروانش ، صاحب کتاب آسمانی است . در آن کتاب بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی (ع) آمده است . (1)

1 . ادیان ومهدویت محمد بهشتی ص 16

تذکره

کتاب التذکره فی ا حوال الموتی واموراالآخره

تألیف امام الحافظ القرطبی است . قرطبی از مفسران بزرگ اهل سنت وپیرو مذهب مالک است . این کتاب در دو مجلد چاپ شده که بخشی از جلد دوم آن ، درباره حضرت مهدی (ع) است . و ی در جلد دو م ، تحت عنوان الخلیفه الکائن فی آخر الزمان المسمی بالمهدی وعلامه خروجه روایاتی که صحابه از رسول خدا (ص) درباره خلیفه آخر الزمان و نشانه های ظهور او نقل کرده اند ، گرد آورده است . البته در این کتاب ، تناقض هایی دیده می شود . مثلاًآمده : دجال ، در سال سیصد ظهور می کند و مسائل دیگری که نادرستی آن ها آشکار است . وی در این کتاب ، روایات ساختگی ودروغ راکه با عقل و فطرت سالم ناسازگارند ، مشخص می کند . (1)

1 . چشم به راه مهدی ، ص 470

جامعه

نام صحیفه ای است که در میان خانواده پیغمبر اسلام (ص) از کنوز وذخائر مکنونه به شمار آمده ، وهمواره امانت وار در نزد آحاد این خاندان ، دست به دست نگهداری می شده است . (1) روایات درباره صحیفه بسیار رسیده ، از جمله ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمود : ای ابا محمد جامعه در نزد ما است . مردم چه می دانند جامعه چیست؟ عرض کردم : فدایت گردم جامعه چه باشد ؟ فرمود : صحیفه ای است به طول هفتاد ذراع به ذراع پیغمبر (ص)

که به املاء رسول الله (ص) وخط علی (ع) نگارش یافته هر حلال وحرام وهر آن چه که مورد نیاز مردم باشد در آن موجود است ، حتی دیه خراشاندن یکی ، بدن دیگری را (2)

1 . معارف ومعاریف ، ج 4 ص 55 .

2 . بحا رالا نوارج 26 ، ص 22 .

دادتگ

ازکتب مقدسه برهمائیان هند است که در آن به ظهور مهدی (ع) بشارت داده شده است . (1)

1 . ادیان ومهدویت محمد بهشتی ص 18 .

ریگ ودا

یکی ازکتب مقدسه هند است که بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) درآن آمده است (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب وملل جهان هاشمی شهیدی ص 298 .

زند

ازکتاب های مذهبی زرتشتیان است که درآن به بشارت منجی اشاره شده است . در این کتاب درباره انقراض اشرار ووراثت صالحان پس از شکستن شوکت جباران ، سخن به میان آمده است . (1)

1 . ادیان ومهدویت ، محمد بهشتی 15 .

شرعه التسمیه

شرعه التسمیه حول حرمه التسمیه کتابی است نوسته سید محمد باقر داماد ، معروف به میر داماد . وی در فقه ، حکمت وفلسفه سرآمد دیگران واستاد فقهای عصر خویش شد از جمله مباحث مربوط به امام عصر (ع) که در چندین روایت آمده ومحققان درباره آن ، به بحث وگفت وگو پرداخته

اند ، مسأله حرمت ، کراهت یا جواز تصریح به اسم وکنیه اصلی حضرت در زمان غیبت است که میر داماد در این کتاب به آن پرداخته است . (1)

ا . چشم به راه مهدی ص 476

حسن بن محبوب

یکی از محدثین موثق شیعه حسن بن محبوب زراد است که کتاب مشیخه راکه در میان اصول شیعه مشهور است ، صد سال پیش از غیبت امام زمان (ع) تصنیف کرده است . وی قسمتی از اخبار غیبت حضرت قائم (ع) را در آن کتاب ذکرکرده و همان طورکه خبر داده نیز واقع شده است . (1)

1 . فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بیدگلی ص 81

فرائد السمطین

فرائد السمطین فی فضائل المرتضی والبتول والسبطین والائمه من ذریتهم (ع) کتابی است از محمد بن المؤید الجوینی وی از بزرگان اهل سنت وحافظان حدیث است و بخش بسیاری از کتاب خود را به بیان چگونگی ظهور و قیام مهدی منتظر (ع) اختصاص داده است . نویسنده ، در بیان اثبات مطالباز منابع روایی بهره می جوید و عناوین روایاتی که گرد آوری کرده به شرح زیر است : بشارت ظهور مهدی (ع) مهدی (ع) از ذریه پیامبر (ص) ، قیام برای گسترش قسط و عدل پساز پرشدن دنیااز ظلم و جور ، قیام حضرت مهدی (ع) پس از رستاخیز امری قطعی است ، مهدی دوازدهمین امام شیعیان است و . . .

کتاب های غیبت

موضوع غایب شدن حضرت مهدی (ع) مطلب تازه ای نیست ، بلکه از زمان پیامبر اکرم (ص) همواره مورد بحث وگفت گو بوده و آن حضرت به مردم خبر می دادکه مهدی از اولاد من است و مدتی از نظر مردم مخفی و غایب می گردد ، سپس ظاهر می شود و جهان را اصلاح می کند . علی بن ابی طالب ، فاطمه زهرا ، امام حسن ، امام حسین و سایر ائمه (ع) و خاندان نبوت نیز هر یک در زمان خودشان راجع به غایب شدن مهدی موعود صحبت می کردند و از آن خبر می دادند قبل از این که امام زمان (ع) به دنیا بیاید ، کتاب هایی در خصوص غیبت ، تألیف می شد . مخصوصاً

از زمان موسی بن جعفر (ع) به بعد ، کتاب هایی در غیبت نوشته شد و احادیث غیبت در آن ها ثبت گشت . از آن جمله است : 1 . علی بن حسن بن محمد طائی طاطری یکی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) است کتابی در غیبت نوشته و مرد فقیه و مورد وثوقی بوده است . 2 . علی بن اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده وکتابی در غیبت نوشته است . 3 . ابراهیم بن صالح انماطی کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده و به واسطه اخبار غیبت بودکه کتابی در غیبت تألیف نموده است 4 . حسن بن علی بن ابی حمزه ، در عصر حضرت امام رضا (ع) زندگی می کرده وکتابی در غیبت تألیف نموده است 5 . عباس بن هشام ناشری اسدی کتابی در غیبت نوشته است . مرد جلیل القدر و موثقی بوده که در سال دویست وبیست هجری وفات نمود . شیخ طوسی او را از اصحاب حضرت رضا (ع) می شمارد . 6 فضل بن شاذان نیشابوری کتابی در احوال قائم آل محمد (ع) و غیبت او نوشته است . نجاشی او را توثیق نموده و می نویسد : از فقها و متکلمین امامیه است و احتیاجی به تعریف ندارد و یک صد و هشتادکتاب نوشته که از جمله آن هاکتاب غیبت است . 7 ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی ، نیزکتابی در غیبت نوشته است قاسم بن محمد همدانی در سال دویست و شصت

و نه از او حدیث شنیده است . طبرسی می نویسد اخبار غیبت ولی عصر قبل ازتولد خودش و پدر و جدش صادر شده و محدثین شیعه آن ها را در اصول وکتاب هایی که در عصر امام باقر و امام صادق (ع) تألیف شده ضبط نموده اند . یکی از محدثین موثق ، حسن بن محبوب است که در حدود صد سال قبل از زمان غیبت ، کتاب مشیخه را تألیف نموده و اخبار غیبت را در آن ثبت کرده است .

فرقه دوازده امامی و معتقدین به وجود امام حسن عسکری (ع) در زمان غیبت صغری کاملا در اقلیت بودند و بیش از حد تقیه و تحفظ می نمودند و بدین جهت ، چندان مورد توجه واقع نمی شدند و بحث و انتقاد زیادی در عقیده شان به عمل نمی آمد

کتاب الغیبه نعمانی که در آن زمان ها تألیف شده ، ایراد و بحث های دامنه دار و مفصل در آن دیده نمی شود و در آن به ذکر روایاتی که دلالت دارند بر اینکه ائمه دوازده نفرند و زمین هرگز از امام خالی نمی شود و روایات غیبت اکتفا شده است . هرچه زمان غیبت طولانی تر می گردید تعداد معتقدان به غیبت ولی عصر (ع) زیادتر می شد و دعوت شان علنی تر می گشت و در اظهار عقیده خودشان بیشتر پافشاری می کردند به همین نسبت ، تعداد مخالفان آن عقیده نیز افزایش می یافت و زبان طعن وانتقاد و بحث و رد و ایرادشان بازتر می شد به طوری که وقتی زمان

شیخ صدوق فرا رسید دائره مباحث و رد و ایرادها توسعه یافته بود .

شیخ صدوق ومساله غیبت : صدوق در اواخر زمان غیبت صغری تولد یافت و در سال 381 ق . وفات نمود . وکتاب کمال الدین وتمام النعمه ، را در اواخر عمرش تألیف کرده است اما علت تألیف کتاب یاد شده این بودکه در آن عصر ، از طرف فرقه اسماعیلیه که فرقه قابل توجهی بودند

و فرقه زیدیه و طرفداران جعفرکذاب و اهل تسنن که اکثریت داشتند ، ایرادات و اشکالاتی به فرقه امامیه وارد می شد و بدین وسیله اذهان مردم را مشوش می کردند از این جهت شیخ صدوق ، کتاب کمال الدین ، را تألیف نمود . در اول آن کتاب اشکالات مخالفان را نقل می کند و بدانها پاسخ می دهد و به خوبی از عقیده امامیه دفاع می کند و به تفصیل درباره قائم آل محمد (ع) بحث می کند .

شیخ مفید ومساله غیبت : وقتی نوبت به شیخ مفید رسید باز هم دایره اشکالات توسعه یافته بود و مسأله امامت ، یکی از مسائل قابل توجه شده بود مفید در سال 336ق تولد یافت و در سال 413 ق . وفات نمود . موقعیت حساس و اهمیت مسأله امامت را ازکتاب های زیادی که مفید در آن عصر ، در آن باره تألیف نموده می توان یافت . نجاشی کتاب های زیر را از جمله کتاب های مفید می شمارد : کتاب الا یضاح فی الامامه ، کتاب النقض علی ابن عباد فی الامامه ، کتاب المسائل العشره فی الغیبه ، کتاب

مختصرفی الغیبه ، کتاب جوابات الفارقین فی الغیبه ، کتاب نقض الامامه علی جعفربن حرب ، کتاب النقضی علی الطلحی فی الغیبه ، کتاب المسأله علی الزیدیه ، کتاب نقض الامم فی الامه ، النقض علی غلام العجرانی فی الامامه کتاب النقض علی النصیبی فی الامامه ، الرد علی لکرابیسی فی الامامه ، کتاب الجوابات فی خروج المهدی ، کتاب الرد علی ابن رشید فی الامامه ، کتاب الرد علی فی الاخشید فی الامامه ، کتاب العهد فی الامامه .

سید مرتضی سید مرتضی در سال 355 ق . تولد یافت و در سال 6 43 ق . وفات نمود . سید مرتضی از استادان شیخ طوسی بوده است در آن عصر نیز دائره رد و ایراد باز هم تا حدودی توسعه یافته بود ، لذا سید مرتضی قد علم کرد وکتاب بزرگی پیرامون امامت تألیف نمود به نام الشافی ، او در این کتاب تمام امامت را مورد بحث و بررسی قرار داد و اشکالات و ایرادات مخالفان را پاسخ داده و درباره امام غایب به تفصیل وارد بحث شده است علاوه بر آن کتابی هم در خصوص غیبت تألیف نموده به نام : المقنع

شیخ طوسی ومساله غیبت : سید مرتضی در سال 436 ق . درگذشت و منصب زعامت و ریاست امامیه به شیخ طوسی محول شد شیخ نیز در باب غیبت کتاب های متعددی از جمله الغیبه ، را نگاشت . پس از شیخ طوسی نیزکتاب های بسیاری در موضوع غیبت نوشته شده است ، ولی مندرجات آن ها ، عمدتاً همان مطالبی است که شیخ مفید و سید مرتضی و

شیخ طوسی و شیخ صدوق تحقیق کرده اند (1)

ا . نشریه موعود شماره16 ص 28 .

کتابنامه رجعت

چون مسئله رجعت یکی از اعتقادات ویژه شیعیان است و همواره مورد انتقاد و تهاجم دشمنان بود ، عالمای شیعه ، کتاب های فراوانی پیرامون رجعت تألیف کرده اند که با گذشت زمان ، و هجوم اشرار به منازل علمای شیعه در طول قرون و اعصار از بین رفته است . اینک اسامی تعدادی ازکتاب هائی راکه مستقلاً در موضوع رجعت تألیف شده است ، می آوریم :

1 . آیات الحجه والرجعه از شیخ محمَد علی حائری همدانی ، متوفای1378 ه . شامل 313

آیه در پیرامون ظهور حضرت بقیه الله و رجعت ائمه اطهار (ع) (1)

2 . آیات الرجعه از حاج میرزا محسن عماد ، مشهور به خوشنویس و متخلص به اردبیلی که به سال 1357 . ه در تهران به چاپ رسیده است .

3 آیات الظهورفی النتظار الفرج والظهور از علیقلی ناصر دهخوارقانی که با استشهاد به 107 آیه ، لزوم اعتقاد به رجعت را اثبات کرده است . این کتاب به سال 1350 . به چاپ رسیده است

. اثبات الرجعه ازعلامه بزرگوار مولی محمد باقر مجلسی ، متوفای 1110 . ه که شامل چهارده حدیث پیرامون رجعت و علائم ظهور می باشد .

شیخ حر عاملی و محدث نوری از آن رساله فی الرجعه تعبیرکرده اند ، ولی صاحب " الذریعه " از آن اثبات الرجعه یاد نموده است . مصحح بحارالانوار در شرح حال مرحوم مجلسی می نویسدکه این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده

است ، در حالی که این کتاب به سال 1260 ه . در هندوستان به چاپ رسیده است .

این کتاب به سال 1078 . ه تألیف شده و به سال 1260 . ه در هند به چاپ رسیده ، و اخیراً با تحقیقات آقای ابوذر بیدار در 144 صفحه وزیری ، تحت عنوان رجعت ، در تهران انتشار یافته است .

5 . اثبات الرجعه : از آقا جمال خوانساری ، متوفای1225 .

6 . اثبات الرجعه : از شیخ حسن بن سلیمان بن خالد حلی ، از علمای قرن هشتم ، که به سال 757 ه . از شهید اول اجازه دریافت کرده ، و مؤلف " مختصرالبصائر " می باشد .

7 . اثبات الرجعه : از شیخ حسن بن عبدالرزاق لاهیجی ، صاحب " شمع الیقین " ، که آن را به فارسی نوشته است .

8 . اثبات الرجعه : از حسن بن یوسف بن مطهر ، مشهور به علامه حلی ، متوفای 726 ه که نسخه آن درکتابخانه فاضل خان مشهد موجود است 0

9 . اثبات الرجعه : از شیخ حیدر ، به نقل پسرش اسد حیدر .

10 . اثبات الرجعه : از شیخ سلیمان بن احمد قطیفی ، متوفای1266ه . که درانوار البدرین از آن یادکرده است .

11 . اثبات الرجعه : از شیخ شرف الدین یحیی بحرانی ، شاگرد محقق کرکی و نائب او در یزد و صاحب کتاب " اسامی المشا یخ " از منابع صاحب ریاض .

12 . اثبات الرجعه : از علی بن حسین عبدالعالی ، مشهور به محقق کرکی ،

و متوفای 940 . ه

13 . اثبات الرجعه : از فضل بن شاذان ازدی ، که از اصحاب امام رضا (ع) بود و تا سال260 . ه می زیست و 180 جلدکتاب پر ارج از خود به یادگار نهاد ، که سه جلد آن مربوط به رجعت است . ازکتاب اثبات الرجعه ابن شاذان ، تنهاگزیده آن به نام " منتخب اثبات الرجعه " موجود است . p>>
14 . اثبات الرجعه : از مولی سلطان محمود بن غلامعلی طبسی ، از شاگردان علامه مجلسی ، و تلخیص کننده شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید .

15 . اثبات الرجعه : از شیخ محمد رضا طبسی ، متوفای 405 1ه . که به سال 1354ه در نجف اشرف به چاپ رسیده و به عربی و اردو نیز ترجمه شده است .

16 . اثبات الرجعه : از مفتی میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی تستری ، متوفای 1306 ه به نقل شاگردش در تجلیات .

17اثبات الرجعه : از حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی ، متوفای 1390 که به سال1363 در تبریز چاپ شده است .

18 . اثبات الرجعه : وظهور الحجه, از سید محمد مؤمن استرآبادی ، که مقیم مکه معظمه بودو به سال 1088 در مکه به شهادت رسید . و نسخه آن درکتابخانه های قم آقای مرعشی و رشت جمعیت نشر رشت موجود است .

19 . اثبات الرجعه و وجوبها من التلاوت واسنه : که نسخه اش درکتابخانه مرحوم سماوی موجود است ، ولی به جهت سقط اول آن مؤلفش شناخته نشد .

20 .

اثبات وجوب الرجعه و تفریج الکربه : از سید محمود بن فتح الله کاظمی ، معاصر شیخ حر عاملی ، که نسخه ای به خط مؤلف درکتابخانه مرحوم آخوند در همدان موجود است . و شیخ حرَ در مقدمه کتابش به آن اشاره نموده است .

21 . احادیث الرجعه : از سید حسن صدر ، متوفای 1354 . ه

22 . احیاء السنه وامانه البداعه : در اثبات رجعت از سید دلدار علی نصرآبادی نقوی ، متوفای1235 . که در هند به چاپ رسیده است .

23 . ارشاد الجهله المصرین علی انکار الغیبه والرجعه : احتمالا از مولی محمد هاشم خراسانی ، از علمای قرن دوازدهم .

24 . الامامیه والرجعه : از میرزا عبدالله رزاق همدانی ، رد رد برکتاب " اسلام و رجعت " از فربد تنکابنی ، از شاگردان سنگلجی .

25 . انیس المحجه فی کیفیه الرجعه : فارسی ، از مرحوم میرزا محمد باقر بن شیخ حسینعلی فقیه ایمانی اصفهانی متوفای 1370ه .

26 . ایفظ الامه من الضجعه فی اثبات الرجعه : از سید مهدی بن محمد موسوی خوانساری کاظمی ، که به سال1366 ه . در بغداد به چاپ رسیده است .

27 . الایقاظ من الجعه : از شیخ حرَ عاملی ، صاحب وسائل الشیعه ، و متوفای1104 . ه که مکرر به چاپ رسیده و مؤلف بیش از600 حدیث در این کتاب گرد آورده و بیش از60 آیه در این رابطه یادکرده است .

28 . ایمان ورجعت : از حاج سید احمد زنجانی ، متوفای1393 ه که به سال1359 . ه تألیف کرده و

یاوه گویی های فرید تنکابنی را پاسخ گفته است .

29 . ایمان ورجعت : از سیَد جلال الدین محدث ارموی ، متوفای 1399 . این کتاب در چهار مجلد تألیف شد . و هنوز به چاپ نرسیده است . نسخه خطی هر چهار مجلد درکتابخانه فرزند برومند مؤلف موجود است .

30 . الایمان والرجعه : از شیخ محمد علی بن محمد جواد شاه آبادی ، که به سال1368ه . در تهران چاپ شده است .

31 . بشارت الرجعه از سید هبه الله بهشتی ، که در 176 صفحه وزیری ، به سال 1354 ش . در تهران به چاپ رسیده است .

32 . بشاره الفرج : از مولی محمد بن عاشورکرمانشاهی ، مقیم تهران ، و معاصر فتحعلی شاه ، و صا حب کتاب " اعتذارالفقیر " .

33 . بیان الفرقان : از شیخ مجتبی قزوینی ، متوفای 1387ه . که جلد پنجم آن را تحت عنوان "غیبت ورجعت " به مسئله رجعت اختصاص داده ، شبهات مخالفان را پاسخ گفته است

34 . تحقیق الرجعه : که به دو زبان اردو و هندوستان به چاپ رسیده است .

35 . تفریج الکربه عن المنتقم لهم فی الرجعه : از سید محمود حسینی کاظمی ، معاصر شیخ حر عاملی ، که مرحوم شیخ حر در مقدمه الایقاظ به این کتاب اشاره می کند . نسخه ای از این کتاب به خط مؤلف ، که تاریخ کتابت آن 29 شوال 1097 می باشد ، درکتابخانه آخوند همدانی در همدان موجود است .

36 . ترجمه اثبات الرجعه : از شیخ

محمد رضا طبسی ، متوفای 1405 که توسط سید علی بن سید محمد باقر رضوی کشمیری ، به زبان اردو ترجمه شده است .

37 . ترجمه الایقاظ من الهجه بالبرهان علی الرجعه : از حر عاملی ، متوفای1104ه . که توسط احمد جنتی به فارسی منتشر شده است .

38 . تلازم بین رجعت وولایت : از مؤلف ناشناخته ، که نسخه ای از آن درکتابخانه آیه اله گلپایگانی در قم موجود است .

39 . تنبیه الامامه فی اثبات الرجعه : از شیخ محمَد رضا طبسی نجفی ، متوفای 1405ه . که به سال 1353 در نجف اشرف به چاپ رسیده است .

40 . تنبیه الامامه فی اثبات الرجعه ترجمه عربی از شیخ محمد رضا طبسی ، که به سال1354 . ه در نجف اشرف به چاپ رسیده است .

41 . الجواهر المنضود فی اثبات الرجعه الموعود از شیخ احمد بیان اصفهانی .

42 . حذو النعمل با لنعل : از فضل بن شاذان ، متوفای 260 هجری ، صاحب اثبات الرجعه ، از اصحاب امام هشتم (ع) .

43 . حذوانعل بالنعل : از شیخ صدوق ، محمد بن علی بن بابویه ، متوفای 381ه . شیخ صدوق و فضل بن شاذان عنوان کتاب را از احادیث معروف رسول اکرم (ص) گرفته اند که به طور متواتر از آن حضرت آمده است : آن چه در امت های پیشین واقع شده در این امت نیز مو به مو روی خواهد داد .

44 . حیات الموات بعد الموت : از شیخ احمد بحرانی ، متوفای1331 .

که پسرش درلؤلؤه البحرین از آن یادکرده است .

45 . حیات الاموات : از آقا حسین ، پسر آقا جمال خوانساری ، متوفای1131ه .

46 . دحض البدعه : از شیخ محمد علی همدانی ، متوفای 1378ه . صاحب " خصایص الزهراء " که به سال 1354ه . در نجف اشرف به طبع رسیده است .

47 . دلائل الرجعه : از مرحوم شیخ علامی ، که در رد " اسلام و رجعت " نوشته است و با نام مستعار " غلامعلی عقیقی کرمانشامی " چاپ کرده است .

48 . الرجعه : از محمد بن مسعود عیاشی ، از بزرگان شیعه در قرن سوم هجری و صاحب تفسیر معروف عیاشی ، که نجاشی با دو واسطه از مؤلف نقل می کند .

49 . الرجعه : از احمد بن داود بن سعید فرازی جرجانی ، از علمای شیعه در قرن سوم هجری ، که برای رد یک حدیث در مورد خلیفه دوم ، محمَد بن طاهر خزاعی ، والی خراسان دستور داد که او را هزار ضربه شلاق بزنند و سپس زبان و دست و پایش را قطع کنند و آنگاه به دار آویزند .

50 . الرجعهاز حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی ، از سران واقفیه که در عصر امام رضا (ع) می زیست

51 . الرجعه : از شیخ صدق ، متوفای 381 ه . که نجاشی از او نقل کرده است .

52 . الرجعه : از شیخ احمد احسائی ، متوفای1241ه . که به سال 392 1ه . درکربلای مقدس به چاپ رسیده است .

53 . رجعت : از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی ، متوفای 1395ه . که به سال 1397ه . در تهران به چاپ رسیده است .

54 . رجعت ازدیدگاه عقل قرآن و حدیث : از حسن طارمی ، که به سال1365 ش . در قم به چاپ رسیده است .

55 . رجعت از نظر شیعه : از نجم الدین طبسی معاصر که در سال ه 1400 در 142 صفحه جیبی در قم به چاپ رسیداست .

56 . الرجعه واحادیثها از فضل بن شاذان متوفای 260ه . که از شاگردان امام رضا (ع) می باشد و 180 جلدکتاب در دفاع از حریم تشیع نوشته است . این کتاب تا قرن یازدهم باقی بود و در دست میر لوحی بود وی چهل حدیث از این کتاب برگزیده و آن را در کفایه المهتدی گرد آورده است .

57 . الرجعه واحادیثها المنقوله عن اهل العصمه : از سید احمد بن حسن بن اسماعیل ، که به سال . 1277ه تألیف شده و نسخه اش در تهران کتابخانه مرحوم محدث ارموی موجود است .

58 . الرجعه والرد علی اهل البدع : از شیخ حسن بن سلیمان بن خالد حلی ، ازعلمای قرن هشتم ، که کتابی از ایشان را به نام اثبات الرجعه ، نام بردیم . وی در آن کتاب احادیث سعد بن عبدالله را نیاورده و به کتاب " مختصرالبصائر " ارجاع داده است . این کتاب در واقع همان کتاب است با ضمیمه احادیث سعد بن عبدالله .

59 . رجعت یا حکومت اهل بیت رسول (ص) ،

که ترجمه کتاب حاضر به زبان اردوست که اخیرا در لاهور پاکستان چاپ شده است .

60 . رساله در بیان وجهت ائمه (ع) از حبیب الله کاشانی ، متوفای 1340 . که به سال 1368 . ه به چاپ رسیده است

61 . رساله فی اثبات الرجعه : از شیخ محمد علی ربانی خوراسکانی ، که به سال 1381 . ه در نجف اشرف به چاپ رسیده است .

62 . رساله فی اثبات الرجعه : از شیخ محمد بن هاشم سرابی تبریزی ، که در سه جزء به چاپ رسیده است .

63 . رساله فی اثبات الرجعه : از سلطان محمود بن غلامعلی طبسی ، از شاگردان علامه مجلسی .

64 . رساله فی علائم الظهور واثبات الرجعه : از شیخ محمد حسین سمیسم ، متوفای1377 . ه

65 . رهبر گمشدگان : مرحوم فیض الاسلام ، که به سال1353 . ه در تهران چاپ شده است .

66 . الشیعه والرجعه : از شیخ محمد رضا طبسی نجفی ، متوفای1405 ه که جلد اول و دوَم آن چندین بارتجدید چاپ شده و جلد سوم آن هنوز به چاپ نرسیده است .

67 . فی قتال اهل القبله وانکار الرجعه : از عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی

68 . الکره والرجعه : از سیَد صادق بن باقر موسوی هندی ، که در نجف اشرف به چاپ رسیده است .

69 . مسئله رجعت وظهور در آئین زردشت : از صادق هدایت که سه بار چاپ شده است .

70 . النجعه فی اثبات الرجعه : از سید علی

نقی لکهنوی ، متوفای1409 ه که به سال 354 1 . ه در لکهنو هند- چاپ شده است

ا 7 . النجعه فی الرجعه : ترجمه اثبات الرجعه طبسی ، که توسط سید محسن نوَاب رضوی به عربی ترجمه شده است .

72 . نور الابصار فی رجعه اهل بیت النبی المختار : از محمد بن عیسی بن محمد علی بن حیدر شروکی مجیراوی نجفی ، متوفای 1333ه که بهسال 1320 ه به تألیف آن پرداخته است

73 . نورالانوار : در آثار ظهور و رجعت ائمه اطهار (ع) از علی اصغر بروجردی ، متوفای حدود 1300 ه که به سال1347 ه در تهران به چاپ رسیده است (2)

ا . با دعای ندبه درپگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ، ص 193 .

2 . این کتابنامه ازکتاب رجعت محمد خادمی شیرازی برداشت شده است .

کفایه الاثر

کتابی است ، نوشته ابی القاسم علی بن محمد بن علی الخزاز القمی الرازی معروف به قمی رازی . وی از دانشمندان اواسط قرن چهارم هجری و از شاگردان شیخ صدوق است که در قم زاده شده و در ری می زیسته است . (1) مؤلف در این کتاب ، روایات و احادیثی که به طور صریح بر امامت ائمه (ع) دلالت دارند و اصحاب مشهور پیامبر (ص) از حضرت شنیده و روایت کرده اند ، آورده است . وی آخرین باب کتابش را به روایاتی که از سوی امام حسن عسکری (ع)

درباره حضرت مهدی (ع) و امامت پیشوای دوازدهم شیعیان رسیده

، اختصاص داده است . این اثر نفیس ، همواره مورد توجه بزرگان دانش حدیث بوده است . (2)

1 . الذریعه آقا بزرگ تهرانی ج 18ص 86 تنقیح المقال مامقانی ج 2 ص 307 .

2 . چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه ، ص 457 .

مجالس المؤمنین

عنوان کتابی است از قاضی نورالله تستری که در سال 1091 قمری شهید شد . این کتاب ، قدیمی ترین منبع در مورد حدیث جزیره خضراء است وکسی قبل از او این داستان را نقل نکرده است البته به غیر از احتمالی که راجع به سید شمس الدین محمدبن اسدالله معاصر نورالله تستری داده می شود . (1)

در برخی منابع قاضی نورالله شوشتری شهید ثالث آمده است .

1 . الذریعه ج 5 ص 106

مصحف امیرالمؤمنین (ع)

قرآنی است که توسط حضرت علی (ع) به همان نحوکه در مدت بیست و سه سال نازل گردیده ، جمع آوری شده است . قرآن فعلی که امروز در دست ماست ، جمع آوری عثمان بن عفان است و با مصحف امیرالمؤمنین (ع) از لحاظ کلام الهی ، کم وکاستی ندارد . حضرت علی (ع) آن مصحف را بر صحابه عرضه کرد ، اما آنان نپذیرفتند . پس از آن ، حضرت آن را مخفی کرد و تاکنون به حال خود باقی است و زمانی به دست حضرت مهدی (ع) ظاهر خواهد شد امام صادق (ع) در مورد شیوه جدید نظم قرانی می فرماید : چون قائم (ع) قیام کند ، کتاب خدای تبارک و تعالی را آن چنان که هست ، تلاوت می کند و قرآنی را که امیر مؤمنان (ع) نوشته بیرون می آ ورد (1) و درباره مصحف امیرالمؤمنین (ع) می فرماید : هنگامی که امیر مؤمنان (ع) از نوشتن قرآن فارغ شد

، آن را بر مردم عرضه کرد و فرمود : این کتاب خدای تبارک و تعالی است ، آن را از در لوح آن چنان که خدایش بر محمد (ص) فرو فرستاد ، گرد آورده ام مردم گفتند : ما مصحفی داریم که همه آیات قرآنی را در بردارد ، دیگر نیازی به قرآن شما نداریم . امیر

مؤمنان (ع) فرمود : به خدا سوگند ، دیگر پس از امروز آن را نخواهید دید من وظیفه داشتم هنگامی که ازنوشتن آن فارغ شدم ، آن را برشما عرضه کنم تا شما آن را بخوانید (2) این مضمون از امام باقر (ع) نیز روایت شده است . این دو روایت و روایات دیگر ، مشخص می کنند که قرآن امیر مؤمنان (ع) در محضر حضرت بقیه الله (ع) است و آن بر حسب نزول تنظیم شده و شأن نزول ها را در بردارد ، و حضرت مهدی (ع) آن را به هنگام ظهور عرضه می کند و معلمین قرآن در مسجدکوفه آن را آموزش می دهند .

1 . روزگار رهایی ج 2 ، ص839 .

2 . اصول کافی ج 2 ، ص 633 .

مقنع

المقنع فی الغیبه کتابی است نوشته سید مرتضی علم الهدی ، در موضوع غیبت وی از دانشمندان و نوابغ قرن چهارم و پنجم ه . ق است . در سال 355 ه . ق در بغداد دیده به جهان گشود و در هشتاد و یک سالگی بدرود حیات گفت . ازکودکی به فراگیری دانش پرداخت و

در جوانی در بسیاری علوم سرآمد شد . او از شاگردان ممتاز شیخ مفید است . سید مرتضی درباره سبب نگارش آن می نویسد در مجلس وزیر السید ، سخن از غیبت امام عصر (ع) به میان آمد و این امر مرا بر آن داشت ، در این باب ، اثرکوتاهی بنگارم . این اثر به گفته اهل تحقیق به جز در این اواخرکه در مجله تراثنا ، چاپ شده ، تاکنون به صورت مستقل چاپ نشده است . (1)

1 . چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه ص 459 .

نجم الثاقب

کتابی است ارزشمند در موضوع مهدویت واحوال امام زمان (ع) تألیف میرزا حسین طبرسی نوری . این کتاب به زبان فارسی و در دوازده باب تنظیم شده است . نجم الثاقب در اوایل غیبت کبری نوشته شده است .

ینابیع الموده

کتابی است از حافظ سلیمان بن ابراهیم بن قندوزی حنفی . وی در سال 1220 هجری قمری دیده به جهان گشود و در سال 1294 در قسطنطنیه دیده از جهان فرو بست . قندوزی در این کتاب ، فضایل پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را با استناد به کتاب های مورد اطمینان مانند صحاح ست ، در یک مقدمه و صد باب گرد می آورد . از باب هفتاد و یک به بعد ، مباحثی در باره غیبت امام زمان (ع) ، با استفاده ازکتاب های گوناگون مطرح می کند . این اثر نه تنها در مناطق شیعه نشین ، که در دیگر شهرهای اسلامی نیز از ارزش و اهمیت شایانی برخوردار است (1)

1 . چشم به راه مهدی ص 479 .

اذاعه

الا ذاعه لما کان وما یکون بین یدی الساعه کتابی است نوشته سید محمد صدیق حسن این کتاب ، ملاحم وفتن پیش از قیامت را در بر دارد . نویسنده ، ابتدا احادیثی که در باب حضرت مهدی (ع) ومسأله غیبت در منابع روایی آمده وازآن ها استفاد . تواتر می شود ، گرد می آورد وپس از اثبات تواتر احادیث ، به شبهات و خرده گیری هایی که از سوی ابن خلدون و . . . . در مورد احتجاج به احادیث حضرت مهدی (ع) شده می پردازد .

مؤلف ، در قنوج هند به دنیا آمد وبا تلاش و پشتکار ، ثروت فراوان به دست آورد و با ملکه بهوپال ازدواج کرد . از وی آثار

ارزشمندی در علوم و معارف اسلامی به زبان های عربی ، فارسی و هندی به یادگار مانده است . (1)

ا . چشم به راه مهدی ص 0484

ارشاد

الارشاد فی معرفه حجج الله ، علی العباد عنوان کتابی است از شیخ مفید شمار زیادی ازآثارشیخ ، در باب معارف اسلامی وامامت است که از جمله آنهاکتاب الارشاد است . در این اثر به زندگانی امامان شیعه پرداخته شده است . جزء اول کتاب به حیات امام علی (ع) وجزه دوم به زندگآنی دیگر ائمه (ع) پرداخته و بخش پایانی آن ویژه امام مهدی (ع) است . مطالب اساسی این بخش ازکتاب بدین شرح است : ادله عقلی ونقلی بر امامت امام عصر (ع) روایاتی که درباره : حضرت مهدی رسیده است ، اشخاصی که به فیض ملاقات و زیارت حضرت نائل آمده اند ، برخی کرامات و معجزات حضرت در عصر غیبت ، نشانه های ظهور و حوادثی که پیش از ظهور حضرت رخ خواهد داد ، سال ، روز و محل قیام ، چگونگی گرد آوری سپاه و مأموریت آنان ، مسیر حرکت ، مدت امامت و حکومت ، جریاناتی که در آن روزگار رخ می دهد ، وضعیت زمین و مردم درآن عصر ، ویژگی های جمال ، شمایل ، شیوه رفتار ، سیره اخلاقی و عملی حضرت مهدی (ع) (1)

ا . چشم به راه مهدی ، ص 448

اعیان الشیعه

کتابی است اثر سید محسن امین عاملی مؤلف دراین اثر با عظمت که در حقیقت ، دایره المعارف پیشوایان دین ، رجال علم وادب و فرهنگ است ، درباره حضرت مهدی (ع) سنگ تمام گذاشته وبیش از یکصد وپنجاه صفحه ازکتاب را به آن حضرت اختصاص داده

است . درباره حضرت مهدی (ع) این موضوعات را به بحث گذارده : زمان ولادت ، ویژگی های شخصی ، پوشش ، غیبت و سفراء ، امامت حضرت ، وجود حضرت در شهرها ولی غایب از دیدگان ، اخباری که از طریق اهل سنت درباره ظهور حضرت رسیده و . . .

وی در سال 1283 هجری قمری در جبل عامل متولد شد . برای تحصیل به نجف اشرف رفت واز محضر بزرگان آن حوزه بهره برد و به مقام عالی اجتهاد نائل آمد . سپس به دمشق رفت ومرجع شیعیان شد . (1)

1 . چشم به راه مهدی ص 91

اوپانیشاد

ازکتب معتبره واز منابع هندوه است که در آن ، بشارت ظهور مهدی موعود (ع) آمده است (1)

1 . ظهورحضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 273 .

برهان

رساله البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان (عج) توسط محمد کراچکی طرابلسی تألیف شده است . وی از بزرگان شیعه است که نزد شیخ مفید به فراگیری دانش پرداخته و آثار فراوانی در فقه ، اخبار ، اصول دین نجوم ، هیأت و انساب دارد . از جمله آثار ارزشمند وی کنز الفوائد است . مؤلف در جزء دوم کنز الفوائد ، رساله ای تحت عنوان : البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان عج نگاشته است . (1)

1 . چشم به راه مهدی ، ص 463

تادیب

التأدیب ، عنوان کتابی است که توسط حسین بن روح نائب سوم امام زمان (ع) نوشته شده است وی این کتاب را جهت بررسی وتدقیق نظر به قم مرکز فقها ومحدثین شیعه فرستاد وبه جمعی از فقهای آن جا نوشت : این کتاب را مطالعه کنید وببینید آیا چیزی بر خلاف نظر شما در آن

هست؟ فقهای قم هم پس از مطالعه کتاب نوشتند : تمام مسائل آن صحیح است وچیزی مخالف رأی ما در آن نیست ، جز این که مسأله ای راجع به زکاه فطره در آن است که مقدار فطره یک نفر ، نصف صاع ازگندم ذکر شده است ، در صورتی که نظر ما این است که گندم هم مانند جو ، هرکسی باید یک صاع بدهد (1) آن کتاب ، بیانگر دانش ومقام علمی حسین بن روح بود .

1 . غیبه طوسی, ص 390 بحار الانوار ج 51 , ص 358 .

جا ماسب نامه

کتاب جاماسب است که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده ، واحوالات پادشاهان ، انبیاء ، اوصیاء واولیاء را بیان می کند ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می کند ، در مورد پیامبر (ص) و دولت جاودانه حضرت مهدی (ع) و رجعت گروهی از اموات و . . . نیز سخن می گوید . (1)

جاماسب در ادبیات ایران وعرب به لقب فرزانه و حکیم خوانده شده است . پیشگویی هایی نیز به او نسبت داده اند ، و ظاهراً حکیمی ستاره شناس بوده است ، وبه قول

مؤلف کتاب حبیب السیر وی شاگرد لقمان و برادر گشتاسب است ، و در علم نجوم مهارت کامل داشته است (2)

ا . ظهور حضرت مهدی (ع) ازدیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 352 .

2 . همان ص 354 .

جفر

کتابی است شامل علم منایا وبلایا ومرگ ومیرهاآن چه در جهان اتفاق افتاده وآن چه در آینده روی خواهد داد ، در این کتاب منعکس گردیده است . این کتاب ، هم اکنون در دست مبارک حضرت ولی عصر (ع) می باشد (1)

در حدیث است که پیغمبرجفر وجامعه را به حضرت علی (ع) املا نمود . که در حدیث ، تفسیر شده به پوست بزی وپوست قوچی که همه علوم ، حتی خون بهای خراش ویک تازیانه ونیم تازیانه درآن است . از محقق شریف درشرح مواقف نقل شده که جفر وجامعه دو کتاب انداز حضرت علی که در آن ، به روش علم حروف ، همه حوادث تا انقراض عالم ثبت شده و حضرات ائمه معصومین (ع) بدان آگاه بوده و طبق آن حکم می کرده اند . گواه این حدیث امام صادق (ع) است که فرمود : جفر ابیض ، نزد من است زید بن ابی العلاء راوی حدیث عرض کرد : چه چیزی درآن است؟ فرمود : زبور داود ، تورات موسی ، انجیل عیسی ، صحف ابراهیم (ع) واحکام حلال وحرام ومصحف فاطمه (ع) درآن است . نیز درآن است ، آن چه که مردم درآن

به ما نیاز دارند وفرمود : جفر احمر نزد با است وچه می دانند آن چیست؟ درآن سلاح است ، وبه جهت خون گشوده می شود که صاحب شمشیر حضرت ولی عصر (ع) آن را برای کشتن می گشاید . (2)

رفید می گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : فدایت شوم آیا حضرت قائم (ع) با اهل عراق به همان روشی که امیرالمؤمنین (ع) با آنها داشت عمل می کند ؟ فرمود : خیر ، ای رفید علی (ع) با آنها بر طبق جفر ابیض عمل می نمود ، ولی قائم (ع) با عرب ها طبق جفر احمر عمل خواهد کرد . عرض کردم : فدایت شوم ، جفر احمر چیست؟ حضرت به انگشت به گلوی خویش اشاره نمود و فرمود : این چنین ، یعنی کشتار . (3)

گروهی از اصحاب امام صادق (ع) به خدمت آن حضرت شرفیاب شدند و آن حضرت رادیدند که روی زمین نشسته ودر حالی که به شدت می گریست ، فرمود : سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده ، خاطرم را پریشان ساخته و آرامش دلم را از من سلب کرده است . یکی از یاران عرضه نمود : مولای من خدا دیدگانت را نگریاند ، چه چیزی موجب شده که این چنین سیلاب اشک بر صورت مبارکت جاری شود؟ امام صادق (ع) آهی کشید که قفسه های سینه اش باز شد و لرزه بر اندامش افتاد و فرمود : وای بر شما

امروز صبح کتاب جفر را مطالعه می کردم ، در زندگی قائم می اندیشیدم که از دیده ها غائب می شود و غیبتش طولانی می گردد و عمرش بسیار طولانی می شود و مؤمنان درآن زمان به سختی آزموده می شوند واز طول غیبتش دچار شک وتردید شده ، بیشترشان از دین خود مرتد می شوند . . . از مطالعه وضع آن ها رشته افکارم گسست وکوه غم و اندوه بر تنم فرو ریخت (4)

1 . اصول کافی ج 1 ص 239 ؛ الزام الناصب ص 7و 9 .

2 . کافی, ج1 ص 240 ؛ معارف ومعاریف ج 4 ص 167 .

3 . بحار الانوار ج 52 ص 313 .

4 . بحارالانوارج 51 ص 219 غیبه طوسی ص 105 منتخب الاثرص 259 .

دید

ازکتب مقدسه هندیان است که در آن ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است . (1)

1 . ادیان ومهدویت محمد بهشتی ص 16 .

زبور

جمع زبر به معنای نوشته ومکتوب است هرکتابی زبور است ، اما بیشتر ، کتاب پیغمبر داود (ع) بدین نام خوانده می شود و این کتاب ، در شب هیجدهم ماه رمضان نازل شده است . (1) در قرآن آمده است : ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (2) این آیه شریفه به ظهور حضرت مهدی (ع) تفسیر شده است . در باب حقوق اقلیت ها در حکومت حضرت مهدی (ع) آمده است که وقتی حضرت ظهورکرد ، بین اهل زبور با زبور قضارت خواهد کرد . (3) درکتاب زبور ، تحت عنوان مزامیر ، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است (4)

1 . بحا ر الا نوار ج 14 ص 33 .

2 . سوره انبیاء ، 106 .

3 . غیبه نعمانی ص 125آخرین امید داود الهامی ، ص299 .

4 . آخرین امید داود الهامی ص 193 .

شا کمونی

ازکتب مقدسه هندیان است وبه اعتقاد کفره هند ، پیغمبر صاحب کتاب است ومی گویند : وی بر اهل خطا وختن مبعوث بوده است ودر آن کتاب ، به ظهور آخرین حجت خدا بشارت داد است (1)

1 . ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ، مذاهب وملل جهان ، هاشمی شهیدی ص 302 .

مادر

مادر حضرت

نرجس خاتون ، مادر بزرگوار امام زمان (ع) است . پیشوایان و ائمه (ع) از او به عنوان شایسته ترین کنیزان بهترین زنان و یا سرور زنان یاد کرده اند . محدثین و مورخین ، نام های متعددی برای آن بانو ذکرکرده اند . از آن جمله ، سوسن ، سبیکه ، مریم ، صیقل ، صقیل ، حدیثه ، حکیمه ، ملیکه ، ریحانه و خمط است (1)

اما مشهورترین نام اونرجس و معروف ترین کنیه اش ا م محمد است . هرکدام از نام های آن بانوی بزرگوار ، بعدی از شخصیت والای او را بیان می کند . نرجس نام گلی عطرآگین است . خمط نوعی درخت میوه است که قرآن نیز آن را به کار برده است . (2) سوسن نوعی گل خوشبو و معطر و پرفایده است که درکتاب های طب نیز آمده است صیقل به مفهوم پدیده نورانی وپر جلوه و نرم است . به هر حال هیچ مانعی نداردکه یک زن با شخصیت ، دارای نام های متعددی باشد و هرکدام از آن ها در مورد او به تناسب به کار رود . در مورد نرجس خاتون ، چه بساکه این نام

های متعدد ، بز اساس مصالح سیاسی و اجتماعی بوده که برای ما ناشناخته مانده است . (3)

1 . بحارالانوار ج51ص 6 کشف الغمه ، ج 3 ص 265 منتخب الاثر ، ص 320 .

2 . سوره سبا ، 16 .

3 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ، ص 72 1

رؤیای نرجس

هنگامی که نرجس در روم بود ، خواب های شگفت انگیزی دید . یک بار در خواب ، پیامبر اسلام (ص) و عیسای مسیح (ع) را دید که او را به عقد ازدواج امام حسن عسکری (ع) درآوردند . در خواب دیگری ، به دعوت حضرت فاطمه زهرا (س) مسلمان شد ، امَا اسلام خود را از خانواده واطرافیان پنهان می کرد ، تاآن گاه که میان مسلمانان وررومیان جنگ درگرفت و قیصر ، خود به همرا ه لشکر ، روانه جبهه های جنگ شد " نرجس " در خواب فرمان یافت که به طور ناشناس ، همراه کنیزان وخدمتکاران به دنبال سپاهی که به مرز می روند برود . او چنین کرد ودر مرز ، برخی از جلوداران سپاه مسلمانان ، آنان را اسیر ساختند وبی آن که بدانند او از خانواده قیصر است ، او را همراه سایر اسیران ، به بغداد بردند . این واقعه در اواخر دوران امامت حضرت هادی (ع) روی داد . اگر " نرجس " در سال 248 ، خود را میان اشراف روم انداخته و اسیر شده باشد ، مصادف با

شانزده سالگی حضرت امام حسن عسکری (ع) بوده است . کارگزار امام هادی (ع) بشر بن سلیمان نامه ای را که امام به زبان رومی نوشته بود ، در بغداد به " نرجس " رساند و او را از برده فروش خریداری کرد و به سامرا ، نزد امام هادی (ع) برد . امام ، آن چه نرجس در خواب های خود دیده بود به او یاد آوری کرد وبشارت داد که او همسر امام یازدهم ومادر فرزندی است که جهان را از عدل وداد پر می سازد (1)

1 . پیشوای دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق ، ص 026

سرگذشت نرجس

مرحوم مجلسی در بحارالانوارازکتاب غیبت شیخ طوسی ، از بشر بن سلیمان برده فروش که از فرزندان ابو ایوب انصاری ویکی از شیعیان مخلص حضرت امام علی النقی وامام حسن عسکری (ع) در سامرا همسایه حضرت بود ، روایت کرده که گفت : روزی کافور غلام امام علی النقی (ع) نزد من آمد ومرا احضارکرد ، چون خدمت حضرت رسیدم فرموده ای بشرتو از اولاد انصار هستی ، درستی شما نسبت به ما اهل بیت پیوسته میان شما برقرار است به طوری که فرزندان شما آن را به ارث می برند و شما مورد وثوق ما می باشید . می خواهم تو را فضیلتی دهم که در مقام دوستی با ما واین رازی که با تو در میان می گذارم ، بر سایر شیعیان پیشی گیری سپس نامه پاکیزه ای به خط وزبان رومی مرقوم فرمود وسَرِ آن را با خاتم

مبارک مهرکرد وکیسه زردی که 220 اشرفی در آن بود بیرون آورد وفرمود : این را گرفته به بغداد می روی وصبح فلان روز در سر پل فرات حضور می یابی . چون کشتی حامل اسیران نزدیک شد و اسیران را دیدی ، می بینی بیشتر مشتریان فرستادگان اشراف بنی عباس و قلیلی از جوانان عرب می باشند . در این موقع ، مواظب شخصی به نام عمر بن زید برده فروش باش که کنیزی را به اوصافی مخصوص که از جمله دو لباس حریر پوشیده وخود را از معرض فروش و دسترسی مشتریان حفظ می کند ، به مشتریان عرضه می دارد . در این هنگام ، صدای ناله او را به زبان رومی از پس پرده رقیقی می شنوی که بر اسارت وهتک احترام خود می نالد یکی از مشتریان به عمر بن زید خواهدگفت : عفت این کنیز رغبت مرا به وی جلب کرده ، او را به سیصد دینار به من بفروش کنیزک به زبان عربی می گوید : اگر تو حضرت سلیمان و دارای حشمت او باشی ، من به تو رغبت ندارم ، بیهوده مال خود را تلف مکن فروشنده می گوید : پس چاره چیست ، من ناگزیرم تو را بفروشم . کنیزک می گوید : چرا شتاب می کنی؟ بگذار خریداری ندا شودکه قلب من به او و امانت وی آرام گیرد .

در این هنگام نزد فروشنده برو وبگو من حامل نامه لطیفی هستم که یکی از اشراف به خط وزبان رومی نوشته وکرم ووفا وشرافت وامامت خود را در آن شرح داده است . نامه

را بهکنیزک نشان بده تا درباره نویسنده آن بیاندیشد . اگر به وی مایل گردید وتو نیز راضی شدی ، من به وکالت اوکنیزک را می خرم . بشر بن سلیمان می گوید : آن چه امام علی النقی (ع) فرمود ، امتثال کردم . چون نگاه کنیزک به نامه حضرت افتاد ، سخت گریست . سپس رو به عمر بن زید کرد وگفت : مرا به صاحب این نامه بفروش ، و سوگند یادکردکه اگر از فروش او به صاحب وی امتناع کند ، خود را هلاک خواهدکرد . من در تعیین قیمت او با فروشنده گفتگوی بسیارکردم تا به همان مبلغ که امام به من داده بود راضی شد . من هم پول را به وی تسلیم کرده وباکنیزک که خندان وشادان بود به محلی که در بغداد اجاره کرده بودم آمدیم . در آن حال ، با بی قراری زیاد نامه امام را از جیب بیرون آورده می بوسید وروی دیدگان و مژگان خود می نهاد وبر بدن وصورت می کشید من گفتم : عجبا نامه ای را می بوسی که نویسنده آن را نمی شناسی گفت : ای درمانده کم معرفت گوش فرا ده ودل سوی من بدار . من ملیکه دختر یشوعا پسر قیصر روم هستم؟ مادرم از فرزندان حواریین است وبه شمعون وصی عیسی (ع) نَسَب می رسانم . بگذار داستان عجیب خود را برایت نقل کنم جد من قیصر می خواست مراکه سیزده سال بیشتر نداشتم برای پسر برادرش تزویج کند ، سیصد نفر از رهبانان و قسیسین نصاری از دودمان حواریین عیسی بن

مریم (ع) وهفتصد نفر از اعیان واشراف وچهار هزار نفر از امرا وفرماندهان وسران لشکر و بزرگان مملکت را جمع کرد . آنگاه تختی آراسته به انواع جواهرات روی چهل پایه نصب کرد . چون پسر برادرش را روی آن نشانید وصلیب ها را بیرون آورد واسقف ها پیش روی او قرار گرفتند وسِفرهای اناجیل را گشودند ، ناگهان صلیب ها از بلندی بر روی زمین فرو ریخت وپایه های تخت در هم شکست . پسر عمویم با حالت بیهوشی از بالای تخت بر روی زمین افتاد و رنگ صورت اسقف ها دگرگون گشت و سخت لرزیدند بزرگ اسقف ها رو به جدم کرد وگفت : پادشاها ما را از مشاهده این اوضاع منحوس که نشانه زوال دین مسیح ومذهب پادشاهی است معاف بدار . جدم نیز اوضاع را به فال بدگرفت . با وجود این ، به اسقف ها دستور داد تا پایه های تخت را استوارکنند وصلیب ها را دوباره برافرازند وگفت : پسر بد بختِ برادرم را بیاورید تا هر طوری هست این دختر را به وی تزویج کنم ، باشدکه با این وصلت میمون ، نحوست آن برطرف شود . چون دستور او را عملی کردند ، آن چه بار نخست روی داده بود تجدید شد ، مردم پراکنده گشتند و جدم با حالت اندوه به حرم سرا رفت وپرده ها افتادند .

شب هنگام در خواب دیدم مثل اینکه حضرت عیسی وشمعون وصی او وگروهی از حواریین در قصر جدم قیصر اجتماع کرده اند و در جای تخت ، منبری که نور از آن می درخشید قرار دارد

چیزی نگذشت که محمد (ص) پیغمبر خاتم وداماد و جانشین او وجمعی از فرزندان وی وارد قصر شدند . حضرت عیسی (ع) به استقبال شتافت وبا محمد معانقه کرد ومحمد (ص) فرمود : یا روح الله من به خواستگاری دختر وصی شما شمعون برای فرزندم آمدم ، در این هنگام اشاره به امام حسن عسکری (ع) کرد . حضرت عیسی نگاهی به شمعون کرد وگفت : شرافت به سوی تو روی آورده ، با این وصلت با میمنت موافقت کن . او هم گفت : موافقم پس محمد (ص) بالای منبر رفت وخطبه ای انشا فرمود ومرا برای فرزندش تزویج کرد وحضرت عیسی و فرزندان خود وحوارپین راگواه گرفت . چون از خواب برخاستم از بیم جان ، خواب خود را برای پدر وجدم نقل نکردم وهمواره آن را پوشیده می داشتم بعد از آن شب چنان قلبم از محبت امام حسن عسکری (ع) موج می زدکه از خوردن و آشامیدن باز ماندم وکمکم لاغر ورنجورگشتم و سخت بیمار شدم . جدم تمام پزشکان را احضارکرد و از مداوای من استفسار کرد وچون مأیوس شد ، گفت : نور دیده هر خواهشی داری بگو تا در انجام آن بکوشم گفتم : پدر جان اگر در به روی اسیران مسلمین بگشایی و آن ها را از قید وبند وزندان آزادگردانی ، امید است که عیسی ومادرش مرا شفا دهند .

پدرم تقاضای مرا پذیرفت ومن نیز به ظاهر اظهار بهبودی کردم وکمی غذا خوردم . پدرم از این واقعه خشنودگردید و سعی در رعایت

حال اسیران مسلمین و احترام آنان کرد . چهارده شب بعد از این ماجرا باز در خواب دیدم که حضرت فاطمه (ع) ومریم (ع) وحوریان بهشتی به عیادت من آمده اند . حضرت مریم روی به من کرد و فرمود : این بانوی بانوان جهان ومادر شوهر تو است . من دامن مبارک او راگرفتم وگریه کردم واز نیامدن امام حسن عسکری (ع) به دیدنم شکایت کردم . فرمود : او به عیادت تو نخواهد آمد ، زیرا تو مشرک به خدا وپیرو مذهب نصارا هستی . این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می برد . اگر می خواهی خدا وعیسی (ع) ومریم از تو خشنود باشند ومیل داری فرزندم به دیدنت بیاید ، به یگانگی خداوند واینکه محمد پدر من ، خاتم پیامبران است گواهی بده چون این کلمات را ادا کردم ، فاطمه (ع) مرا در آغوش گرفت وبدین گونه حالم بهبود یافت . سپس فرمود : اکنون منتظر فرزندم حسن عسکری باش که او را نزد تو خواهم فرستاد .

چون از خواب برخواستم ، شوق زیادی برای ملاقات حضرت در خود حس کردم . شب بعد امام را در خواب دیدم ، در حالی که ازگذشته شکوه می کردم ، گفتم : ای محبوب من من که خود را در راه محبت تو تلف کردم فرمود : نیامدن من علتی سوای مذهب سابق تو نداشت و اکنون که اسلام آورده ای ، هر شب به دیدنت می آیم تا موقعی که فراق ما مبدل به

وصال شود از آن شب تاکنون ، شبی نیست که وجود نازنینش را به خواب نبینم .

بشر بن سلیمان می گوید : پرسیدم چطور شدکه به میان اسیران افتادی گفت : در یکی از شب ها در عالم خواب امام حسن عسکری (ع) فرمود : فلان روز جدت قیصر ، لشکری به جنگ مسلمانان می فرستد ، تو هم به طور ناشناس در لباس خدمتکاران همراه عده ای ازکنیزان از فلان راه به آنان ملحق شو سپس پیش قراولان اسلام مطلع شدند وما را اسیرکردند وکار من بدین گونه که دیدی انجام پذیرفت ، ولی تا کنون به کسی نگفتم که نوه پادشاه روم هستم حتی پیر مردی که من در تقسیم غنایم جنگ سهم او شده بودم نامم را پرسید ، ولی من اظهار نکردم وگفتم : نرجس " گفت : نام کنیزان

بشر می گوید : گفتم عجب است که تو رومی هستی وزبانت عربی است؟ گفت : جدم در تربیت من جهدی بلیغ داشت . او زنی راکه چندین زبان می دانست معین کرده بودکه صبح و شام نزد من آمده ، زبان عربی به من بیاموزد ، به همین جهت عربی را به خوبی آموختم بشر می گوید : چون او را به سامرا خدمت امام علی النقی (ع) آوردم ، حضرت از وی پرسید : عزت اسلام و ذلت نصارا وشرف خاندان پیامبر را چگونه دیدی؟ گفت : درباره چیزی که شما از من داناتر هستید چه عرض کنم؟ فرمود : می خواهم ده هزار دینار یا مژده مسرت انگیزی به تو بدهم ، کدام یک

را انتخاب می کنی عرض کرد : مژده فرزندی به من دهید فرمود : تو را مژده به فرزندی می دهم که شرق و غرب عالم را مالک شود و جهان را از عدل وداد پرگرداند ، از آن پس که پر از ظلم و جور شده باشد . عرض کرد : این فرزند از چه شوهری خواهد بود؟ فرمود : از آن کسی که پیغمبر اسلام در فلان شب وفلان ماه وفلان سال رومی تورا برای او خواستگاری کرد در آن شب عیسی بن مریم (ع) ووصی او تو را به چه کسی تزویج کردند؟ گفت : به فرزند دلبند شما فرمود : او را می شناسی عرض کرد : از شبی که به دست حضرت فاطمه (س) اسلام آوردم ، شبی نیست که او به دیدن من نیامده باشد . در این هنگام امام دهم به کافور خادم فرمود : خواهرم حکیمه را بگو نزد من بیاید . هنگامی که آن بانوی محترم آمد ، به او فرمود : خواهر این زن همان است که گفته بودم . حکیمه خاتون آن بانو را مدتی در آغوش گرفت و از دیدارش شادمان شد . آنگاه امام علی النقی (ع) فرمود : عمه او را به خانه خود ببر وفرایض دینی واعمال مستحبه را به او بیاموز که او همسر فرزندم حسن ومادر قائم آل محمد است . (1)

ا . مهدی موعود ص 88 ا بحار الانوارج 51ص 6 کمال الدین ج 2 ص 418 نجم الثاقب ص 2

شمعون

یکی از دوازده حواری حضرت عیسی

(ع) و برگریده ترین آن ها و وصی آن حضرت به شمار می رفته است . (1) نرجس خاتون ، از طرف مادر ، از نسل شمعون است . (2) به او شمعون صفا می گفتند . وی استاد مرقس بوده و انجیل را او تنظیم نموده و به نام شاگردش کرده است . شمعون ویهودا به هم پیو ستند وبه تبلیغ دین مسیح پرداختند . کاهنان یهود ، مردم را علیه آن دو شوراندند . پس شمعون را با اره دو نیم کردند ویهودا را سر بریدند . (3)

ا . معارف ومعاریف ، ج6ص 547

2 . پیشوای ، دوازدهم هیات تحریریه مؤسسه در راه حق ، ص 25 .

3 . معارف ومعاریف ج6 ، ص 0548

خمط

از نام های مادر امام زمان (ع) است (1) هم چنین ، نوعی درخت میوه است که قرآن نیز آن را به کار برده است . (2)

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمدکاظم قزوینی ، ص 172 .

2 . سوره سباء ، 16 .

سوسن

یکی از نام های مادر امام زمان (ع) (1) ونام گلی خوشبو ومعطر وپرفایده است که در کتاب های طب نیز آمده است .

ا . پیشوای دوازدهم هیات تحریریه مؤسسه در راه حق ، ص 25

صیقل

یکی از نام هایی است که نرجس خاتون مادر حضرت به آن خوانده می شده . (1) همچنین صیقل کنیزی بودکه وقتی معتمد عباسی دستور داد به جست وجوی خانه امام حسن عسکری (ع) وخانه همسایگان پس از شهادت امام بپردازند ، این کنیز به خاطر حفظ جان امام زمان (ع) ادَعای بارداری کرد . لذا او را دستگیرکردند و به مدَت دو سال نگاه داشتند ، تا آن

که به باردار نبودن وی مطمئن شده واو را رها ساختند برخی منابع " صقیل " ذکرکرده اند و صقیل ، به مفهوم پدیده نورانی وپرجلوه و نرم است 0 (2)

01 امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 172 .

2 . کمال الدین ج2 ص 476 حیات فکری سیاسی امامان شیعه ص 5 1 2 .

ریحانه

یکی از نام های مادر امام زمان (ع) است (1)

1 . پیشوای دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق ، ص25

حدیثه

از نامهای مادر امام زمان (ع) است . (1)

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ، ص 172 .

بانوی کنیزان

" سیده الاماء " به معنای بانوی کنیزان ، تعبیری است که در روایات از نرجس خاتون مادر حضرت مهدی (ع) شده است . امام حسن مجتبی (ع) می فرماید : نهمین فرزند برادرم حسین (ع) ، پسر بانوی کنیزان است که خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی گرداند . آن گاه با قدرت خود او را به صورت جوان چهل ساله ظاهر می نماید ، تا دانسته شود که خداوند به هر چیزی قادر است (1)

1 . کشف الغمه ج 3 ص 312 بحارالانوار ج 52 ، ص 279 الزام الناصب ص 66

متفرقه

لوح فاطمه

حدیث لوح حضرت فاطمه (ع) را بسیاری از محدثین شیعه از جمله شیخ طوسی ، شیخ مفید ، شیخ صدوق وشیخ کلینی نقل کرده اند . در این حدیث ، نام تمام ائمه (ع) از اول تا آخر و نام حضرت مهدی (ع) آمده است . ابی بصیر از حضرت صادق (ع) نقل کرده که فرمودند : پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود : من با توکاری دارم ، چه موقع برای تو آسان تر است که در خلوت ، از آن موضوع سؤال کنم

جابر عرض کرد : هر زمان شما دوست داشته باشید . بالاخره یکی از روزها با جابر تنها نشست وبه وی فرمود : ای جابر به من گزارش بده از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه (ع) بود . و جابر از لوحی خبر داد که آن را در دست حضرت فاطمه (

ع) مشاهده نموده و درخشندگی عجیبی داشته است . در آن لوح ، نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یادآور شده و آخرین نام ، قائم آل محمد (ع) بوده است . (1) .

کاسرعَینِه

به معنای چشم شکسته است عبید بن زراره می گوید : نزد امام صادق (ع) در مورد سفیانی سخن گفته شد . فرمود : او چگونه خروج کند در حالی که کاسر عینه در صنعاء هنوز خروج نکرده است . (1)

ممکن است جند احتمال در تفسیر کاسر عینه وجود داشته باشد که بهترین آن ها می تواند بیان رمزی از ناحیه امام صادق (ع) باشدکه معنای آن جز در وقت خود آشکار نمی گردد (2)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 245

2 . عصر ظهور علی کورانی ص162

کفِ دست

وقتی حضرت مهدی (ع) قیام می کند ، برای هر مرز و بومی از زمین ، فرمانروایی تعیین می کند

وبه او می فرماید : برنامه کار تو در دست تو است ، چنان چه در هنگام انجام وظیفه ، مشکلی پیش آمدکه حکم آن را ندانستی ، به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آن چه در آن می یابی ، رفتار نما . (1)

البته ممکن است فهمیدن حکم مشکلات به وسیله کف دست کنایه از سرعت ارتباط با حکومت مرکزی وکسب تکلیف برای رفع مشکل باشد ، یا اشاره به مهارت خیره کننده مسؤولان برکار داشته باشد که با یک نگاه می توانند اظهار نظرکنند و شاید به وسیله معجزه ، مشکل حل شودکه عقل بشر از فهم آن ناتوان است . (2)

در برخی منابع ، ظاهر شدن کف دست در آسمان ، یا ظاهر شدن صورت و سینه وکف دستی در نزد چشمه خورشید ، از

علائم ظهور حضرت نام برده شده است . (3) در معجزات حضرت مهدی (ع) نقل کرده اندکه حضرت به پرنده ای که در هوا در حال پرواز است می نگرد و پرنده به اشاره حضرت بر روی کف دست آن گرامی فرود می آید و به قدرت آفریدگار به امامت مهدی (ع) گواهی می دهد . (4)

1 . غیبه نعمانی ، ص319 بحارالانوار ج52 ص 365 وج 53 ، ص 1 09

2 . چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طبسی ، ص 194 .

3 . منتهی الآَمال باب 14 فصل 7 .

4 . الزام الناصب ، ج2 ص 205 عقدالدرر ص 97 .

مثلث الهی

تعبیری است که ناجی النجار نسبت به مثلث برمودا دارد . وی می گوید : اکنون که اسرار این منطقه کشف نشده ، و در واقع یکی از آیات و نشانه های اعجاب انگیز الهی است ، چه مانعی داردکه این منطقه را مثلث الهی بنامیم . این نامگذاری ، گذشته ازکشش معنوی و جذبه روحی که دارد ، به دور از مفاهیم وحشت انگیز و رعب آوری است که بر زبان ملوان ها رواج یافته است . (1)

ا . جزیره خضراءافسانه یا واقعیت ابوالفضل طریقه دار ، ص 50 .

محمدوعلی وحسن

امام صادق (ع) می فرماید : هنگامی که سه نام مقدس : محمد ، علی و حسن پشت سر همقرار بگیرد ، چهارمی آن ها قائم خواهد بود . (1) شبیه همین تعبیر از رسول اکرم (ص) نیز وارد شده است : هنگامی که در ضمن چهار امام از اولاد من ، نام های محمد ، علی و حسن پشت سر هم قرارگرفت ، چهارمی آن ها قائم منتظر است . (2) وطبق فرموده پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) در سه تن از امامان معصوم : امام محمد تقی ، امام علی النقی و امام حسن عسکری (ع) سه نام مقدس پشت سر هم قرارگرفت و چهارمی آن ها حضرت ولی عصر (ع) می باشد .

ا . منتخب الاثر ص 242 بحارالانوار ج51ص 38 و 143 اعلام الوری ص 403 .

02 همان .

مردی از قم

از زمره روایات ظهور ، به پاخاستن مردی از قم و یاران وی است . از امام کاظم (ع) روایت شده است که فرمود : مردی از قم ، مردم را به سوی خدا دعوت می کند ، افرادی گرد او جمع می شوند که قلب های شان همچون پاره های آهن ستبر است که بادهای تند حوادث ، آنان را نمی لغزانداز جنگ خسته نشده و نمی ترسند ، اعتمادآنان بر خداست و سرانجام کار ازآن پرهیزکاران است .

نکته قابل توجه این است که ، امام (ع) در روایت ، تعبیر به " مردی از

قم " نموده ونفرموده است از اهل قم ، می توان این جمله را بر امام خمینی تطبیق داد . چه ایشان اهل خمین و ساکن قم می باشند و او مردم را به سوی خدا دعوت می کند نه فقط اهل قم یا اهل مشرق زمین را .

روایت ، زمان رجود این مرد را که به آن بشارت داده شده مشخص نکرده است ، اما در تاریخ قم و ایران چنین شخصیت و یارانی دارای این صفات برجسته قبل از امام خمینی و طرفدارانش بی سابقه بوده است

البته احتمال اینکه این روایت ناقص باشد وجود دارد و یا اینکه امام آن را به مناسبتی فرموده اند همین روایت را صاحب بحارالانوار ، ازکتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن الحسن قمی که هزار سال پیش آن را تأليف نموده است ، نقل کرده که متأسفانه نسخه آن کتاب یافت نمی شود . گاه گفته می شود : درست است که در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین مرد وعده داده شده ای را با یارانی دارای این صفات برجسته ، کسی سراغ نداشته است . . . اما دلیلی هم نداریم که این روایت ، منطبق بر امام خمینی و طرفداران وی باشد شاید منظور مرد دیگری باشدکه در عصر و زمان ما ظاهر خواهند شد و یا اینکه بعد از مدتی طولانی و یاکوتاه خواهند آمد . . .

پاسخ : آری ، درست است که روایت ، آن گونه که بیان کردیم زمان این پیشامد روشن نشده است ، اما مجموعه صفاتی که در روایت آمده ، به

علاوه آن چه که در روایات متعدد دیگر ، پیرامون قم و ایران وارد شده است ، موجب اطمینان این معنا است که مراد از صفات یاد شده ، امام خمینی و یاران وی اند . . . بنابراین اگر پیامبر (ص) و امامان (ع) به حادثه و پیشامدی خبر دادند که منطبق بر وضع موجود باشد ، معقول نیست که ازآن چشم پوشی نموده وآن را بر قضیه و حادثه ای مشابه آن و یا واضح تر ، که وعده پیامبر (ص) و اهل بیت او برآن منطبق شود ، حمل نماییم .

از روایاتی که درباره قم و برتری و آینده آن از اهل بیت (ع) نقل شده است ، به خوبی روشن است که این شهر نزدآن بزرگواران از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار است ، بلکه می توان گفت مؤسس و بنیانگذار این شهر و طرح و ایجادآن در قلب ایران در سال 73ق . به دست باکفایت اما م باقر (ع) بوده است که بعد ازآن نسبت به این شهر عنایت خاصی داشته اند (1)

ا . نشریه موعود شمار140 ص 48 .

مقبوله عمر بن حنظله

مقبوله در اصطلاح حدیث ، روایتی است که مورد قبول همگان است ، هر چند سند حدیث ضعیف باشد . مقبوله عمر بن حنظله ، روایتی معروف است که مورد عمل فقهاء بوده و از دیرزمان ، به حسن قبول تلقی شده است . از مقبوله عمر بن حنظله استفاده شده است که مقام نیابت عامه به وسیله خود ائمه (ع)

و به ویژه امام عصر (ع) ، به فقیه واجد شرایط تفویض شده است .

بنابر این حدیث ، عمر بن حنظله ، از امام صادق (ع) سؤال می کندکه اگر در مشکلاتی که مردم برای آن به حاکم یا به قضاتِ منصوب از طرف حاکم مراجعه می کنند ، بین دونفر شیعه رخ دهد چه کنند آیا می توانند به حاکم وقت یا قضاتِ منصوب از ناحیه آن ها ، مراجعه نمایند یا اینکه مراجعه به آن ها حرام است؟ حضرت فرمود : مراجعه به آن ها حرام است ، زیرا رجوع به آن ها ، رجوع به طاغوت است و خدای سبحان ، مراجعه به طاغوت را نهی فرموده است . دو مرتبه سؤال کرد : پس چه کنند؟ حضرت ، با ذکر معیارهایی ، علمای واجد شرایط را برای آن ها معرفی کرده و سپس فرمود : در میان خودتان از فقهای شیعه ، کسی را انتخاب کنید و مشکل تان را از این طریق حل نمایید ، زیرا آنان منصوب از ناحیه من هستند و من ، آن ها را حاکم بر شما قرار دادم . اگر پس از مراجعه به آنان ، آن ها بر طبق نظر ما برای شان حکم کنند و طرفین دعوا ، حکم آن ها را نپذیرند ، ما را ردکرده اند و حکم خدا را سبک شمرده اند و رد ما رد خداست و چنین شخصی ، مشرک به خداست (1) .

از این حدیث به روشنی استفاده می شودکه فقها به عنوان نواب امام ، منصوب شده اند

در این نیابت ، نقش مردم صرفاً بیعت و پذیرش این ولایت نیابتی است ، به اعطای مقام نیابت

1 . اصول کافی ج 1 ص 54 .

ملا حم

جمع ملحمه ، حوادث عظیمی است که از حیث آشوب و فتنه ، پیچیده و مبهم باشند . اخبار ملاحم ، اخباری است که از فتنه های آینده خبر می دهد . اخبار بدین مضمون در متون حدیثی اسلام ، فراوان آمده است . از آن جمله ، خطبه 138 نهج البلاغه است که در آن امیرالمؤمنین (ع) ، به ظهور حضرت بقیه الله (ع) خبر می دهد . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 9 ، ص 588 .

موالی خاصه

امام صادق (ع) می فرماید : حضرت قائم دو غیبت دارد : یکی کوتاه و دیگری طولانی است . در غیبت نخست ، از مکان حضرت کسی آگاه نیست ، مگر شیعیان خاص و در غیبت دوم ، مکان وی را نمی داند ، مگر موالیان خاص آن حضرت . (1) علامه مجلسی در شرح این حدیث می نویسد : منظور از موالی خاصه ، خادمان و خاندان و فرزندان وی هستند ، یا سی نفری که همواره همراه حضرت اند (2)

ملا صالح مازندرانی می نویسد : منظور از خاصه موالی ، حواریون حضرت هستند . (3) فیض کاشانی در وافی خاصه موالی را به خدمه حضرت تفسیرکرده و تصریح می کندکه شیعیان در دوران غیبت ، به آن حضرت دسترسی ندارند (4)

1 . کافی ج1 ص340

2 . مرآه العقول ج 4 ، ص 52 .

3 . شرح کافی ج6 ص245

4 . وافی ج2 ص416

یوفولوژی

رشته ای از علوم است که برای کشف حقیقت بشقاب های پرنده به وجودآمده است . واژه " یوفو " علامت اختصاری سه کلمه اجسام پرنده ناشناخته می باشد (1) یوفولوژیست نیز به معنای کسی است که متخصص در علم یوفولوژی باشد . پرفسور هانیک ، یوفولوژیست معروفی است که او را گالیله یوفولوژی نامیده اند (2)

I . یوفولوژی از سه حرف o . f . u . تشکیل شده که حرف u علامت اختصاری UNIDENTID به معنای ناشناخته و مجهول الهویه و F علامت اختصاری FLVHNG به معنای پروازکننده ، و

O علامت اختصاری OBJECTS به معنای اشیاء وموجودات است .

2 . جزیره خضراء افسانه ، یا واقعیت طریقه دار ص 85 .

سرمه در چشم

تعبیری است در روایات ، کنایه از قلت چیزی ، و درباره یاران سال خورده حضرت آمده است (1)

امام باقر (ع) فرمود : خداوند قائم (ع) را بر می انگیزد برای عموم ستمگران ، و در میان گروهی که از نظر مردم کمتر از سرمه در چشم به شمار می آیند . (2) نمک در طعام

1 . بحار الانوار ج 52 ص333 غیبه نعمانی ص 5 31 .

2 . غیبه طوسی ص 279 بحارالانوار ج52ص 7 1 2 .

شمشیرهای آسمانی

از خصوصیات حضرت مهدی (ع) ، آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب خود است . (1)

1 . نجم الثاقب باب سوم .

صندل

چوب هندی بسیار معطری است که از آن تسبیح درست می کنند . حضرت مهدی (ع) در گهواره ، از ابو غانم خادم ، تقاضای صندل قرمز فرمود (1)

1 . کشف الغمه ج 3 ص 289 غیبه طوسی ، ص 48 1 ینابیع الموده ، ج 3 ص 126 .

مقدس مآب

کسانی هستندکه به ظاهر ، خود را به قداست و تقوی آراسته می کنند و از درون به بیماری خود خواهی و خود پسندی دچارند و عوام الناس آن ها را مقدس می پندارند .

طبق روایات بیشترین کار شکنی ها علیه حضرت از طرف کسانی است که ادعای موافقت با امام را دارند و خود را از منتظران حضرت (ع) می دانند . اینان ، امام را نه به خاطر پیاده کردن اسلام اصیل ، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوهای خود می خواهند . اینان چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند ، با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق (ع) : چه بسیارکسانی که ادعای پیروی او را دارند ، ولی پس از ظهور از او رو برمی گردانند (1) امام باقر (ع) می فرماید : . . . . حضرت مهدی (ع) به سوی کوفه رهسپار می شود . در آن جا شانزده هزار نفر از بتریه ، مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند؟ آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستندکه پیشانی های شان از عبادت بسیار ، پینه بسته ، چهره

های آن ها بر اثر شب زنده داری زرد شده و نفاق سراپای شان را پوشانده است . آنان یک صدا فریاد بر می آورند ، ای فرزند فاطمه (ع) از همان راه که آمده ای برگرد ، زیرا به تو نیازی نداریم . حضرت مهدی (ع) در پشت شهر نجف ، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را می کشد (2)

ا . میزان الحکمه ج 1 ، ص 292 .

2 . غیبه طوسی ص 283 اثبات الهداه ، ج 3 ص 516 بحارالانوار ج 2 ص598 .

فلان

در روایات مهدوی ، از فلان ، بنی فلان ولدفلان بسیار یاد شده است . در روایتی داریم : چون اولاد فلانی دچار اختلاف شدند ، فرج نزدیک است (1) در روایات دیگری می خوانیم : در بغداد هشتاد هزار نفرکشته می شوندکه هشتاد تن از آن ها از اولاد فلانی است . (2) و نیز آمده آست : این امر واقع نمی شود ، مگر هنگامی که شمشیرهای بنی فلانی در میان خود به کار افتد و حلقه تنگتر شود . (3) البته در شرح پاره ای احادیث ، منظور از فلان ذکر شده است .

1 . غیبه نعمانی ص 135 بحارالا نوار ج 52 ، ص 231 .

2 . الزام الناصب ص 88 01

3 . کشف الغمه ج3 ص 319 منتخب الاثر ، ص 252 .

کبرییت احمر

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است : سوگند به خداوندکه مرا به حق برانگیخت ، آنان که در عهد غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می مانند ازکبریت احمرکمتر خواهند بود . (1)

کبریت احمر ، به معنای گوگرد سرخ است و در برخی منابع آمده که منظور از آن معدن طلاست . (2)

گویاکبریت احمر ، کنایه از جنس مرغوب و ارزشمند است .

1 . بحارالانوار ج 1 5 ، ص 73 اعلام الورى ص 399 المحجه البيضاء ج 4 ، ص337 .

گل نرگس

تعبیری است شاعرانه که عاشقان ودوستداران مولا ، به واسطه نرجس خاتون نسبت به حضرت مهدی (ع) می دهند . از این تشبیه ، بیشتر در سرودها واشعار فارسی استفاده می گردد :

بیا تا نغمه شوق از نهاد خاک برخیزد غبار از خاطر؛آیینه افلاک برخیزد

به هنگام ظهور تو تو ای خورشید نورانی به پیش پای تو چون خاکیان افلاک برخیزد

مگرحرف مرا تکرار سازد ای گل نرگس سخن باکوه می گویم ، کزو پژواک برخیزد (1)

1 . جواد جهان آرایی .

محاضیر

به معنای اسب های چموش مغرور است .

امام صادق (ع) می فرماید : الغبره علی من اثارها هلک الحاضیر

گرد و غبار به ضررکسی است که آن را برانگیخته است و اسب های چموش و مغرور ، هلاک می شوند . عرضه شد : اسب های چموش چه کسانی هستند؟ فرمود : المستعجلون ؟ کسانی که شتاب می کنند . . . . (1)

در این حدیث ، شتاب نکردن در رسیدن به دولت حقه جهانی ، منظور است عجله کنندگان .

1 . فروع کافی ج 8ص 273 وسائل الشیعه ج11 ص 36-37 .

مروانی

در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است که : پیش از آن که امر ظهور واقع شود ، باید سفیانی برخیزد ، یمانی برخیزد ، مروانی برخیزد ، شعیب بن

صالح برخیزد . تعبیر مروانی در این حدیث ، ممکن است اشاره به مصری و یا مغربی باشد و شاید اشاره به ابقع باشد (1)

1 . روزگار رهایی ج 2 ص 995 .

معراج

نور حضرت مهدی (ع) در عرش نسبت به انوار سایر ائمه (ع) ممتاز بود . رسول اکرم (ص) فرمود : وقتی مرا به معراج بردند ، به جانب راست عرش نگاه کردم 0 علی و فاطمه و فرزندان او را دیدم که نماز می خواندند و در میان آنان ، مهدی (ع) مانند کوکب تابان می درخشید . گفتم : ای پرور گار من این هاکیستند فرمود : این ها ائمه اند و این قائم است؟ حلال می کند ، حلال مرا و حرام می کند ، حرام مرا و از دشمنان من انتقام می کشد . ای محمد او را دوست دار و دوست بدارکسی را که او را دوست د ا رد (1)

درخشندگی نور حضرت مهدی (ع) در معراج و امتیاز او بر سایر ائمه (ع) دلالت بر عظمت آن حضرت دارد .

1 . نجم الثاقب باب سوم .

ملعون ملعون

این عبارت ، درکلام حضرت مهدی (ع) تکرار شده است . حضرت در فرازی از توقیع خود می فرماید : ملعون است ، ملعون است کسی که در محفلی از محافل مردم نام مرا ببرد 0 (1) و حضرت به زهری فرمود : ملعون است ، ملعون است کسی که نماز عشاء را به قدری تأخیر بیندازدکه ستاره ها درهم فرو رود . ملعون است ، ملعون است کسی که نماز صبح را به قدری تأخیر بیندازد که ستاره ها کلا ناپدید شود . (2)

1 . بحار الانوار ج 51ص33

2

. بحار الانوار ج52ص51 الزام الناصب ص113

نمک در طعام

تعبیری است در روایات ، کنایه از قلت چیزی . امیر مؤمنان علی (ع) فرمود : یاران اصلی قائم (ع) همگی جوان هستند ، و سالخورده در میان آن ها اندک است ، به سان سرمه در چشم یا نمک در طعام ، باز هم کمتر . (1)

1 . بحارا لانوار ج 052 ص 333 غیبه نعمانی ص 5 1 3 .

چهل اربعین

در عدد چهل ، رازی نهفته است در باب این عدد ، روایات بسیاری آمده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم حضرت مهدی (ع) در سن انسان چهل ساله ظهور می نمایند (1) و چهل روز قبل از قیامت از دنیا خواهد رفت هرکس چهل صبح ، دعای عهد را بخواند از یاران حضرت ولی عصر (ع) قرار می گیرد (2) بسیاری از صالحان ، چهل شب جمعه از مسجد کوفه به مسجد سهله رفته ویا چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله بیتوته کرده وتضرع و عبادت می کردند تا به فیض دیدار حضرت نائل شوند (3) بسیاری نیز برای ملاقات با حضرت نذر می کنند تا چهل شب جمعه به مسجد جمکران بروند . حضرت علی (ع) در پاسخ صعصعه بن صوحان ، چهل علامت برای آخر الزمان ذکرکردند (4) پیامبرگرامی اسلام (ص) در چهل سالگی مبعوث شدند . حضرت موسی (ع) چهل شب با خدا خلوت کردند . معمولا عرفا برای خودسازی چله می گرفتند و برخی علما ، چهل حدیث

اربعین نوشته اند . رسول خدا فرمود : هنگامی که عیسی (ع) از آسمان فرود آید و دجال را بکشد . . . تا چهل سال ، زندگی پر بار و آسوده ای خواهید داشت (5) امام سجاد (ع) فرمود : هنگامی که قائم ما قیام کند ، توان و نیروی هر یک از شیعیان ما را ، برابر نیروی چهل مرد می گرداند

1 . مفاتیح الجنان ، باب سوم .

2 . آخرین امید داود الهامی ص 1 39 .

3 . بحارالانوارج 13 ص 0693

4 . ملاحم ابن طاووس ص 097

5 . غیبه نعمانی ص 317 خصال صدوق ج 52 ص 541 بحارالانوار ، ج 52 ، ص 317 .

سنت جدید

در پاره ای روایات از احکام جدید ، قضاوت های حضرت مهدی (ع) واصلاحاتی که حضرت انجام می دهد ، به سنت جدید تعبیر شده است . (1)

1 . چشم اندازی به حکومت مهدی (عج) ، نجم الدین طبسی ، ص 149 .

شهاب ثاقب

به معنای ستاره درخشان است . تعبیر شهاب ثاقب درسخنان رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در خصوص ولی عصر (ع) بسیار به کار رفته است . این تعبیر در مورد جنگهای آن حضرت نیز به کار رفته است که آن را می توان به شمشیر ژیان ترجمه کرد (1)

1 . روزگار رهایی ج1 ص 278 و 311 .

طا غوت

هر چیزی است که جز خدا ، پرستیده شود . در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است : هر پرچمی که پیش از قیام قائم (ع) برافراشته گردد ، پرچم دار آن طاغوت است (1)

1 . معارف ومعاریف ، ج 7 ص 43 .

سوار بر ابر

موضوع سوار شدن حضرت مهدی (ع) بر ابرهای آسمان در روایات ها آمده است . حتی در کتب هندوها (1) و بشارت های انجیل (2) از آن سخن رفته است . علامه مجلسی در ضمن حدیثی از پیامبر (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود : خداوند در شب معراج خطاب به من کرد و فرمود :

. . . . . و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم ، شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم ، بادها را به تسخیر او درمی آورم ابرهای سخت و نا آرام را برای او رام می گردانم . . . تا دعوت مرا آشکار سازد . (3) امام باقر (ع) نیز فرمود : ذو القرنین میان دو ابر مخیر شد : یکی ابر رام ودیگری ابر نا آرام ، واو ابر رام را برای خود برگیرد وابر نا آرام را برای صاحب شما نگه داشت . گفته شد : ابر نا آرام چیست؟ فرمود : ابری که با رعد و برق و غرش باشد ، که صاحب شما سوار بر آن خواهد شد . آری صاحب شما سوار ابر می شود ، همه اسباب

ها وابزارها را زیر پا می گذارد ، اسباب های هفت آسمان وهفت زمین را . (4)

مفضل از امام صادق (ع) نقل می کندکه فرمود : هنگامی که امر ظهور امضاء شد ، . . . سیصد وسیزده تن از یارانش چون پاره های ابر پاییزی به دور اوگرد می آیند و آمدن آن ما به مکه دو گونه است : 1 . افرادی که شبانه از رختخواب های شان ناپدید می شوند و صبح در مکه هستند . 02 افرادی

که در روز روشن ، بر ابر سوار می شوند وبا نام ، نام پدر ، حَسَب ونَسَب شان شناخته می شوند مفضل می گوید : عرض کردم : کدام یک ایمان شان قوی تر است؟ حضرت فرمود : آن ها که بر ابر سوا ر می شوند . . . . (5)

1 . در کتاب شاکمونی از کتب مقدسه هندیان

2 . کتاب مقدس ، انجیل متی ص 1 4 ، باب 24 انجبل لوقا ، باب 12 ، بندهای 25-27 .

3 . بحا رالا نوار ، ج 52 ص 2 1 03

4 . بحار الانوار ج 52ص321

5 . بحا را لا نوار ، ج 52 ص 368 غیبه نعمانی ص 313 .

معجزات

شاهدین معجزات

و اما تعدادی از افرادی راکه در غیبت صغری به مشاهده معجزات آن حضرت نائل شده اند ، می آوریم : ابن اعجمی ، ابن بادشاله ، ابن قاسم بن موسی ، ابرثابت ، ابو جعفر رفا ، ابورجا ، ابو عبدالله بن فروخ ، ابو عبدالله جنیدی ، ابو عبدالله

کندی ، ابو علی اسدی ، ابوالقاسم بن ابی حابس ، ابوالقاسم بن دبیس ، ابو محمد بن هارون ، ابو محمد بن وجناء ، احمد بن ابی الحسن ، احمد بن اسحاق ، اسحاق کاتب ، بسامی ، بلالی ، جعفر بن حمدان ، جعفری ، حاجز ، حسن بن فضل بن یزید ، حسن بن نضر ، حسن هارون ، حسن به یعقوب ، حصینی ، زیدان ، شمشاطی ، عاصمی ، عطار ، علی بن احمد ، علی بن محمد ، علی بن محمد بن اسحاق ، فضل بن یزید ، قاسم بن علاء ، قاسم بن موسی ، مجروح ، مرداس ، مسرور طباخ ، محمد بن ابراهیم مهریار ، محمد بنابی الحسن ، محمد بن اسحاق ، محمد بن شاذان ، محمد بن شعیب ، محمد بن صالح محمد بن کشمرد ، محمد بن محمد ، محمد بن محمدکلینی ، محمد بن هارون بن عمران ، هارون فزار و . . . (1)

1 . اعلام الوری ص 425 اثبات الهداه ج 3 ص 669 بحارالانوار ، ج 52 ص 31 کمال الدین ص 442 .

طی الاَرض

پیمودن مسافت طولانی در مدت بسیارکوتاه را گویند ، واین یکی از معجزات وکرامات حضرت است . امام رضا (ع) می فرماید : هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، زمین از نور خداوند روشن می شود وزمین زیر پای مهدی به سرعت حرکت می کند0 (1) درباره شیوه آگاهی یاران و سپاهیان حضرت از قیام وگرد هم آمدن آنان در مکه ،

روایات به شیوه های گوناگونی اشاره دارد . بعضی شب در بستر خود به خواب رفته اند وصبحگاهان خود را در محضر امام می بینند و برخی با طیَ الارض به حضرت می پیوندند وگروهی پس از آگاهی از قیا م ، به وسیله ابرها نزد حضرت می آیند . (2)

امام باقر (ع) می فرماید : شیعیان ویاران مهدی (ع) از سراسر زمین به سوی او حرکت می کنند زمین زیر پای شان جمع می شود وبا طی الارض به امام (ع) می رسند وبا او بیعت می کنند (3)

رسول خدا (ص) فرمود : پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان پیموده می شود و درهای جهان به روی شان باز می گردد . . . . زمین درکم تر از یک چشم به هم زدن پیموده می گردد به گونه ای که اگرکسی از آنان بخواهد شرق تا غرب زمین را در ساعتی بپیماید ، این کار را انجام می دهد . (4)

ا . کمال الدین ص 372 کشف الغمه ج 3 ، ص 314 بحارالانوار ، ج 1 5 ص 157 .

2 . کمال الدین ، ج2 ص672 غیبه نعمانی ص 315 بحارالانوار ج 2 ص 368 .

3 . روضه الواعظین ج 2 ص263 عقد الدرر ص 65 به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) ، نجم الدین طبسی ، ص 0110

4 . فردوس الا خبار ج 2 ص 449 احقاق الحق ج 13 ، ص

. 351

معجزات حضرت مهدی (ع)

پیشوایان معصوم هرچه به دوران غیبت نزدیک می شوند ، معجزات بیشتری از خود نشان می دهند تا شیعیان با عزمی راسخ و ایمانی استوار ، گام در عصر غیبت نهاده و پیروزمندانه دوران غیبت را پشت سر قرار دهند . از این رو شمار معجزاتی که از امام هادی و امام عسکری (ع) صادر شده ، قابل مقایسه با شمار معجزات پیشوایان قبلی نبود . به همین دلیل در دوران غیبت صغری ، هرچه به غیبت کبری نزدیک تر می شویم ، معجزات بیشتری از ناحیه مقدسه صادر می شود و به خصوص به صورت خبرهای غیبی درباره زندگی شخصی افراد ، که در مدتی کوتاه به وقوع پیوسته ، اعجاز آن آفتابی می گردد . معجزاتی که از ناحیه حضرت در غیبت صغری به وقوع پیوسته بسیار است . در برخی روایات ، پاره ای معجزات برای حضرت ذکر شده است . اینک به بخشی از معجزات وکرامات حضرت اشاره می کنیم : 1 . سبزکردن چوب خشک 2 . نرم کردن سنگ سخت 3 . سخن گفتن پرنده به امر حضرت امیرالمؤمنین (ع) می فرماید : حضرت مهدی (ع) در مسیر حرکت خود به یکی از سادات حسنی که دوازده هزار رزمنده به همراه دارد ، برخورد می کند . حسنی در مقام احتجاج برمی آید و خود را سزاوارتر به رهبری می داند . حضرت در پاسخ او می گوید : من مهدی هستم . حسنی می پرسد : آیا دلیل و نشانه ای داری تا با تو بیعت کنم؟ حضرت به

پرنده ای که در آسمان در حال پرواز است ، اشاره می کند و آن پرنده فرود می آید و در دستان حضرت قرار می گیرد ، آنگاه به قدرت خداوند لب به سخن می گشاید و بر امامت حضرت مهدی (ع) گواهی می دهد . برای اطمینان بیشترسید حسنی ، امام (ع) چوب خشکی را به زمین فرو می برد آن چوب سبز می شود و شاخ و برگ می دهد . بار دیگر ، پاره سنگی را ، از زمین برمی دارد و با یک فشار آن را خردکرده ، همانند خمیر نرم می کند . سید حسنی با دیدن آن کرامات ، به حضرت ایمان می آورد . خود و همه نیروهایش تسلیم امام می شوند و حضرت او را به عنوان فرمانده نیروی خط مقدَم می گمارد . (1)

4 . جوشش آب وآذوقه از زمین : امام صادق (ع) می فرماید : هنگامی که حضرت قائم (ع) در شهر مکه ظهور می کند و قصد حرکت به کوفه را دارد ، به نیروهایش اعلاْم می کندکه کسی که آب و غذا و توشه راه با خود بر ندارد . حضرت ، سنگ موسی (ع) را همراه دارد 0 هرجا توقف می کنند سنگ را به زمین می کوبد و از زمین چشمه های آب می جوشد . هرکس گرسنه باشد با نوشیدن آن سیر می گردد و هرکس تشنه باشد ، سیراب می شود . (2)

5 . طی الارض ونداشتن سایه : امام رضا (

ع) فرمود : هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، زمین از نور خداوند روشن می شود و زمین زیر پای مهدی به سرعت حرکت می کند

او با سرعت ، مسیرها را می پیماید و اوست که سایه نخواهد داشت . (3)

6 . کندی حرکت زمان : امام باقر (ع) فرمود : وقتی امام زمان (ع) ظهورکند ، به سوی کوفه حرکت می کند و در آن جا هفت سال حکومت می کندکه هر سال آن برابر ده سال از سالیان شماست (4)

7 . قدرت تکبیر : رسول خدا (ص) می فرماید : . . . حضرت مهدی (ع) جلوی قسطنطنیه فرود می آید . در آن روزگار ، آن دژ ، هفت دیوار دارد حضرت هفت تکبیر می گوید و دیوارها فرو می ریزد (5)

8 . عبوراز آب : امام صادق (ع) می فرماید : پدرم فرمود : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند . . . سپاهیانی را به شهر قسطنطنیه می فرستد . آن گاه که به خلیج برسند ، جمله ای بر روی پاهای خود می نویسند و از روی آب می گذرند . رومیان وقتی این معجزه را می بینند به یک دیگر می گویند : وقتی سپاهیان امام این چنین باشند ، خود حضرت چگونه خواهد بود . از این رو ، درها را به روی آنان می گشایند . (6)

9 . ندای ابر امام صادق (ع

) فرمود : . . . حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان ظهور می کند بر سر آن حضرت ابری در حرکت است و هرجا برود ، آن ابر نیز می رود تا حضرت را از تابش خورشید حفظ کند و با صدای رسا و آشکار ، ندا می دهد ، این مهدی است (7)

برای مطالعه بیشتر در باب معجزات حضرت ، می توانید به کتاب " نجم الثاقب " باب ششم مراجعه نمایید .

و اما تعدادی از افرادی راکه در غیبت صغری به مشاهده معجزات آن حضرت نائل شده اند ، می آوریم : ابن اعجمی ، ابن بادشاله ، ابن قاسم بن موسی ، ابرثابت ، ابو جعفر رفا ، ابورجا ، ابو عبدالله بن فروخ ، ابو عبدالله جنیدی ، ابو عبدالله کندی ، ابو علی اسدی ، ابوالقاسم بن ابی حابس ، ابوالقاسم بن دبیس ، ابو محمد بن هارون ، ابو محمد بن وجناء ، احمد بن ابی الحسن ، احمد بن اسحاق ، اسحاق کاتب ، بسامی ، بلالی ، جعفر بن حمدان ، جعفری ، حاجز ، حسن بن فضل بن یزید ، حسن بن نضر ، حسن هارون ، حسن به یعقوب ، حصینی ، زیدان ، شمشاطی ، عاصمی ، عطار ، علی بن احمد ، علی بن محمد ، علی بن محمد بن اسحاق ، فضل بن یزید ، قاسم بن علا " ء ، قاسم بن موسی ، مجروح ، مرداس ، مسرور طباخ ، محمد بن ابراهیم مهریار ، محمد بنابی الحسن ، محمد بن اسحاق ، محمد

بن شاذان ، محمد بن شعیب ، محمد بن صالح محمد بن کشمرد ، محمد بن محمد ، محمد بن محمدکلینی ، محمد بن مارون بن عمران ، هارون فزار و . . . (8)

ا . عقدالدرر ص 97,138,139 ,الشیعه والرجعهج 1 ص 158 به نقل از چشم اندازی به حکلومت مهدی (ع) نجم الدین طبسی ص 88 .

2 . کافی ج 1 ، ص 1 23 غیبه نعمانی ص 238 بحارالانوار ج13 ص 85 1 وج 52 ، ص324 .

3 . کمال الدین ، ص 372 اعلام الوری ، ص 408 بحارالانوارج 51 ص 157 .

4 . ارشاد مفید ، ص 365 بحا رالانوار ، ج 52ص377

5 . عقدالدرر ، ص 180 .

6 . غیبه نعمانی ص 59 1 بحارالانوار ج 52ص 365 اثبات الهداه ، ج 3 ، ص 573 .

7 . کشف الغمه ج 3ص 265 بحارالانوار ، ج 51 ص 240 ا ثبات الهداه ، ج 3 ص 615 .

8 . اعلام الوری ص 425 اثبات الهداه ج 3 ص 669 بحارالانوار ، ج 52 ص 31 کمال الدین ص 442 .

إنا انزلنا

سوره ای است که حضرت مهدی (ع) در رحم مادر آن را تلاوت کرده است . حکیمه خاتون می گوید : هنگام طلوع فجر صادق ، وقتی درد زایمان نرجس شروع شد ، از درون خانه ، امام حسن عسکری (ع) صدا زد : عمه جان سوره انا انزلنا را بر او بخوان حکیمه می گوید : من مشغول خواندن سوره انا انزلنا

شدم ، طفل داخل رحم نرجس نیز ، همان گونه که من می خواندم ، می خواند . در حالا تعجب بودم که امام عسکری (ع) با صدای بلند فرمود : عمه از امر خدا تعجب مکن که خداوند زبان ما را درکودکی ، به حکمت بازکرده ودر بزرگی ، حجت خود در زمین قرار می دهد . (1)

1 . بحار الانوارج51 ص13 .

مهدی و بهشت

سرور اهل بهشت

حضرت مهدی (ع) سرور اهل بهشت است . پیامبر اکرم (ص) فرمودند : ما هفت نفر از اولاد عبد المطلب سروران اهل بهشت هستیم : من ، حمزه ، علی ، جعفر ، حسن ، حسین ومهدی (1)

1 . بحارالانوار ج 51 ، ص 65 غیبه طوسی ، ص 13 1 کشف الغمه ، ج 3 ، ص 263 و 267 .

شفاعت حضرت

رسول خدا (ص) فرمود : من در حوض کوثر بر شما وارد می شوم . وتو ای علی ساقی هستی ، وحسن حمایت کننده ، وحسین فرمان دهنده ، وعلی بن الحسین تقسیم کننده ، ومحمد بن علی نشر دهنده ، وجعفر بن محمد بسیج کننده ، وموسی بن جعفر شمارش کننده محبان ومبغضان وباز دارنده منافقان ، وعلی بن موسی زینت کننده مؤمنین ، و محمد بن علی فرود آورنده اهل بهشت به منزلگاه های شان و درجات شان ، وعلی بن محمد خطیب و سخنور شیعیانش وتزویخ کننده آن ها با حور العین ، وحسن بن علی چراغ اهل بهشت که از آن روشنی می گیرند ، ومهدی شفاعت کننده آن ها است روز قیامت؟ روزی که خداوند اجازه نمی دهد شفاعت را ، جز به کسی که راضی باشد به شفاعت او . (1)

طبقه این حدیث با این که تمام امامان (ع) روز قیامت شفیع هستند شفاعت به حضرت حجت (ع) اختصاص داده شده است . البته شفاعت ایشان به منکران حضرت مهدی (ع) نمی رسد ، چون انکار حضرت حجت

(ع) انکار پیامبر (ص) است زیرا امام صادق (ع) فرمود : هر کس به امامت پدران و فرزندانم اقرار داشته باشد ، ولی مهدی از فرزندان مرا انکار نماید ، مانند آن است که به همه پیغمبران اقرار واعتقاد داشته باشد ومحمد (ص) را انکارکند (2)

ا . غایه المرام ص 692 به نقل از مکیال المکارم ، ج1 ص 135

2 . کمال الدین ج2 ص338

نامها

لوح فاطمه

حدیث لوح حضرت فاطمه (ع) را بسیاری از محدثین شیعه از جمله شیخ طوسی ، شیخ مفید ، شیخ صدوق وشیخ کلینی نقل کرده اند . در این حدیث ، نام تمام ائمه (ع) از اول تا آخر و نام حضرت مهدی (ع) آمده است . ابی بصیر از حضرت صادق (ع) نقل کرده که فرمودند : پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود : من با توکاری دارم ، چه موقع برای تو آسان تر است که در خلوت ، از آن موضوع سؤال کنم

جابر عرض کرد : هر زمان شما دوست داشته باشید . بالاخره یکی از روزها با جابر تنها نشست وبه وی فرمود : ای جابر به من گزارش بده از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه (ع) بود . و جابر از لوحی خبر داد که آن را در دست حضرت فاطمه (ع) مشاهده نموده و درخشندگی عجیبی داشته است . در آن لوح ، نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یادآور شده و آخرین نام ،

قائم آل محمد (ع) بوده است . (1) مصحف فاطمه (ع)

1 . کمال الدین ج 1 ، ص 305 غیبه طوسی ص 92 غیبه نعمانی ص62 اختصاص مفید ص 210 .

کنیه حضرت

کنیه اسمی است که مزین به ابن ، اب ، أم ، اخ یا اخت باشد . در عرب متداول است و به منظور تعظیم و تجلیل ازکسی گفته می شود . (1) کنیه های حضرت مهدی (ع) چنین است : ابو القاسم ، ابو عبدالله ، ابو جعفر ، ابو محمد ، ابو ابراهیم ، ابو الحسن ، ابو بکر ، ابو صالح و ابو تراب (2)

پیامبر اسلام (ص) فرمود : مهدی از فرزندان من است و اسم او اسم من وکنیه اوکنیه من است (3)

1 . معارف و معاریف ج8 ص595

2 . نجم الثاقب باب دوم .

3 . کمال الدین ص 286

منصور

اسم آن حضرت است ، درکتاب دید براهمه . در تفسیر آیه شریفه . . . ومَن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا (1)

امام باقر (ع) فرمود : خداوند مهدی را منصور نامیده است ، چنان چه نامیده شده است احمد ، به محمد و محمود و نامیده شده است عیسی ، به مسیح (ع) (2)

در یکی از بخش های زیارت عاشورا آمده است : ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد

مقصود از منصور ، امام زمان (ع) است و علت این که او را منصور نامیده اند ، این است که ایشان در طلب خون جدشان یاری می شوند

محمد بن مسلم می گوید : شنیدم ابا جعفر فرمود : قائم ما منصور

به رعب و مویَد به نصر است (3)

در دعای ندبه هم می خوانیم : " این المنصورُ علی مَن اعتدی علیه " (4)

1 . سوره اسراء 33

2 . نجم الثاقب باب دوم بحارالانوار ج 151ص 28 .

3 . بحارالانوار ج 52 ص ، 191 .

4 . مفاتیح الجنان باب سوم

اصل

از اسامی حضرت مهدی (ع) است . درکتب رجالیه آمده که مراد از " اصل " امام است یعنی مقصودِ اصلی اند از خلقت جمیع عوالم علویه وسفلیَه (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

پرویز

اسم آن حضرت است درکتاب برزین از رفرس ، چنان چه درکتاب ذخیره الالباب ذکر شده است . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

عبدالله

اسم مبارک حضرت مهدی (ع) است . رسول خدا (ص) فرمود : اسم مهدی ، احمد و عبدالله و مهدی (ع) است (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

غیب

از نام های حضرت مهدی است که در قرآن ذکر شده است .

روایت شده است از حضرت صادق (ع) که فرمودند : در آیه شریفه ، هُدیَ للمتقین الذین یومنونَ بالغیب (1)

متقین شیعیان علی بن ابی طالب (ع) هستند ، واما غیب ، او غایب است و شاهد بر این ، قول خداوند تبارک و تعالی است که فرمود : می گویند چرا فرو فرستاده نشده برای او آیتی از پروردگارش پس بگو نیست غیب ، مگر خدای را . پس منتظر باشید به درستی که من با شما از منتظرانم (2) یعنی بر آمدن آن غیب از آیات خداوندی است (3) در تفسیر آیه شریفه الذین یومنون با لغیب ، آمده است که غیب سه روز است : روز رجعت ، روز قیامت و روز قیام قائم (ع) (4)

ا . سوره بقره2 و 3 .

2 . سوره یونس20 .

3 . نجم الثاقب ، باب دوم .

4 . الزام النا صب ج 2 ص 340 .

حاشر

یکی از نا م های حضرت مهدی (ع) است در صحف ابراهیم (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

بهرام

اسم حضرت مهدی (ع) است درکتاب ایستاع چنان چه در " ذخیره الالباب " ذکر شده است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

جعفر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . شیخ صدوق درکمال الدین روایت کرده از حمزه بن الفتح که گفت : مولودی ، برای ابی محمد (ع) زاده شد که امر فرمود به کتمان او . حسن بن منذر از او پرسید که : اسم او چیست؟ ، گفت : نامیده شده محمد وکنیه گذاشته شد به جعفر .

ظاهرا مراد ، کنیه معروفه نباشد ، بلکه مقصود آن است که تصریح به اسم آن جناب نمی کنند ، بلکه تعبیر می کنند از او به کنایه به جعفر ، از ترس عمویش جعفر ، که شیعیان چون با یکدیگر سخن می گویند ، بگویند : دیدیم جعفر را ویا او امام است یا از او توقیع رسید و مانند این ها تا تابعان جعفر نفهمند ، مقصود کیست .

در غیبت نعمانی نیز دو خبر از امام محمد باقر (ع) است که در آن جعفر (ع) از القاب حضرت شمرده شده که کنیه گذاشته شد به عمری خود یا از اوکنایه کنید به عمویش (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

عصر

از اسامی آن حضرت است ودر قرآن هم ذکر شده است (1)

ا . سوره عصر1 .

برهان الله

اسم حضرت مهدی (ع) درکتاب انکلليون است . (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

خجسته

نام حضرت است درکتاب کندر آل فرنگیان . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

خسرو

درکتاب " خسرو مجوس " نام حضرت است . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

زند افریس

اسم حضرت است درکتاب ماریاقین احتمال داده اند که اصل اسم افریس باشد و مراد از زند ، همان کتابِ منسوب به زردشت یا صحف حضرت ابراهیم (ع) یا فصلی ازآن باشد . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

شماطیل

اسم آن حضرت است درکتاب ارماتش . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

صمصام الاکبر

نام حضرت است درکتاب کندرال (1)

1 . نجم الثافب باب دوم .

کلمه الحق

درذخیره آمده است که این نام آن حضرت است در صحیفه . (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم

لسان الصدق

اسم آن حضرت است درصحیفه (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

مهمیدآخر

نام امام زمان (ع) است درکتاب " ذخیره " والذکره (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

اسم حضرت

درکتاب نجم الثاقب اسامی حضرت مهدی (ع) چنین آمده است : محمد ، احمد ، مهدی ، اصل ، اوقیدمو در تورات ، ایزدشناس و ایزدنشان در نزد

مجوس ، ایستاده درکتاب شاکمونی ، بقیه الله ، بهرام ، بنده یزدان درکتاب ایستاع ، پرویز درکتاب برزین ، برهان الله ، جعفر ، جمعه ، حاشر در صحف ابراهیم (خجسته) درکتاب کندر (خسرو) درکتاب خسرو مجوس (خدا شناس ، راهنما ، زندافریس) درکتاب ماریاقین (سروش ایزد) در کتاب زمزم زردشت (شما طیل) در کتاب ارماتش (صمصام الاکبر) در کتاب کندرال (عصر ، غیب ، فردوس الاکبر ، فیروز) درکتاب فرنگان (فرخنده) درکتاب اشعیای نبی (فیذموا) در تورات (قاطع ، کلمه الحق ، کیقباد دوم) در نزد مجوس (کوکماً) درکتاب بختا (لندیطارا) درکتاب هزارنامه هند (لسان الصدق ، ماشع) در تورات عبریه (مهمید الاخر) در انجیل (مسیح الزمان) درکتاب فرنگیان (میزان الحق) درکتاب آژی (صالح ، منصور ، عبدالله ، موملل ، متَان ، نور آل محمد (ع) ، نجم ، وهوه ل در تورات (1)

1 . نجم الثاقب باب دوم .

اسم اصلی حضرت

نام اصلی حضرت " محمد " است . نامی که پیامبر اکرم (ص) برای ایشان گذارده و فرمود : مهدی از فرزندان من است . اسم او اسم من وکنیه اوکنیه من است . (1) در این که آیا

می توان به نام اصلی حضرت ، یعنی " محمد " تصریح کرد یا نه در میان علمای شیعه اختلاف نظر است . واما یاد کردن نام شریف معهود آن حضرت بر چند گونه متصور است : 1 . یاد کردن آن در کتاب ها ، که در جایز بودنش تردید نیست ، زیرا دلایل منع ، شامل آن نمی شود و نیز شیوه علمای صالح وعامل از زمان کلینی تاکنون بر این بوده که نام آن حضرت را درکتاب های خود ذکر کرده اند بدون این که کسی بر آنان اعتراض نماید 2 . یادکردن نام آن حضرت با اشاره وکنایه ، مانند این که گفته شود : اسم او ، اسم رسول خدا (ص) است وکنیه اش ، کنیه آن حضرت می باشداین نیز جایز است ، به همان دلایلی که درگونه اول گذشت . به اضافه روایات متعددی از طرق شیعه و سنی از پیامبر اسلام (ص) که در آن ها تصریح فرموده است : مهدی از فرزندان من است . نام او نام من وکنیه اش کنیه من می باشد . (2)

گفتنی است که جایز بودن در این دو مورد مذکور ، به غیر حال ترس اختصاص دارد ، زیرا ترس از جمله عناوین عارضی است که مایه حرام شدن هر جایزی می گردد . 3 . یادکردن آن حضرت در دعا ومناجات که ظاهراً در این مورد نیز جایز است . 08 یاد کردن آن حضرت در مجامع و غیره به طور سری و به عنوان درد دل ، که در این صورت

نیز جایز است ، زیرا دلایل منع از این قسم منصرف است ، پس اصل جواز و دلایل جواز ، بدون معارض باقی می مانند . ضمن این که در روایت نبوی آمده : اوست کسی که نامش به طورآشکارا پیش از قیامش نبرد مگرکافر به او (3)

1 . یادکردن این اسم شریف در مواقع ترس ، مانند : محافل و مجالس دشمنان دین که تقیه با آنان واجب است . در حرمت این نوع هیچ اختلافی وجود ندارد ، چنان که در روایات متعددی بر این حرمت ، تصریح شده است . 6 . یادکردن نام آن حضرت در مجالس ومجامعی که ترس وتقیه ای در آن ها نباشد . این مورد است که معرکه آراء وجای بحث وگفتگو است . بعضی می گویند : اخبارگوناگونی در دست است که دلالت بر حرمت این نوع دارد . از جمله روایات ، این است که امام هادی (ع) فرموده : جانشین بعد از من ، پسرم حسن است ، پس چگونه خواهید بود در جانشین پس از جانشین من راوی می گوید : عرض کردم : خداوند مرا فدای شما گرداند ، چرا؟ فرمود : زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نامش برای شما روا نیست گفتم : پس چگونه او را یادکنیم فرمود : بگویید حجت آل محمد (ع) (4)

نیز در توقیع آن حضرت است که : ملعون است ملعون است کسی که در محفلی از مردم ، اسم مرا ببرد . (5)

عده ای می گویند : منظور

از حرمت بردن اسمِ صریح امام ، در مورد تقیه است . زیرا روایاتی داریم که به جهت جایز دانستن ذکر نام آن امام ، در مقابل روایات حرمت قرار دارند ، وتنها راه جمع بین روایات حرمت وجواز همین است 0 ودلایل دیگری هم می آورند که منطقی می نماید . در این رابطه عالم بزرگ تشیع ، علی بن عیسی اربلی می گوید : فتوای من این است که منع تلفظ به نام مهدی (ع) از روی تقیه بوده است ، ولی اکنون اشکال ندارد . (6) همانگونه که محدث کبیر شیخ حر عاملی در وسایل الشیعه اختیارکرده است . پس ذکر نام شریف حضرت مهدی (ع) که عبارت از امام محمد فرزند امام حسن عسکری (ع) می باشد ، در امثال زمان ما که تقیه لازم نیست ، جایز است . (7) البته با توجه به فتوای علمای بزرگی به حرمت مسأله ، جای احتیاط است و اصولا از مسائل فقهی و اجتهادی محل اختلاف می باشد

1 . کمال الدین ج 2 ص 286 .

2 . همان .

3 . مستدرک الوسائل ج 2 ص 380 .

4 . اصول کافی ج ا ، ص 328 .

5 . بحار الانوار ج 53 ص 184

6 . کشف الغمه ج 2 ، ص 520 .

7 . یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (ع) علی رضا رجالی تهرانی ص 66

اوقیدمو

درکتاب ذخیره الالباب معروف به دوائرالعلوم آمده که اسم آن جناب حضرت . مهدی (ع)

در تورات به لغت ترکوم " اوقیدمو " است . (1)

1- نجم الثاقب باب دوم

بنده یزدان

اسم آن حضرت است درکتاب ا یستاع چنان چه در " ذخیره الالباب " ذکر شده است . (1)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

خدا شناس

نام آن حضرت است درکتاب شاکمونی که به اعتقادکفره هند ، پیغمبری صاحب کتاب بوده است . در آن آمده است : دنیا وحکومت آن به فرزند سید خلایق دو جهان یشن (1) خواهد رسید واو برکوه های مشرق ومغرب دنیا حکم براند وفرمان دهد وبر ابرها سوار شود وفرشتگان ، کارگزاران وی باشند وپریزادان و آدمیان در خدمت او درآیند و . . . نام او ایستاده و خدا شناس ا ست . (2)

1 . به زبان آنان نام رسول خدا (ص) است .

2 . نجم باب دوم .

راهنما

از اسامی حضرت است درکتاب " باتیکل " ، که صاحب آن از عظمای کفره است . ازآن کتاب ، در بشارت به وجود و ظهورآن حضرت کلماتی نقل کرده اند . (1)

1 . بحارالانوار ج 51ص 335 .

سروش ایزد

اسم حضرت است درکتاب زمزم زردشت (1)

1 . نجم الثاقب ، باب دوم .

شیلو

یکی از اسامی موعود درکتاب تورات است . در سِفر پیدایش آمده است : عصای قدرت وسلطنت از یهود دور نخواهد شد ونه فرمان فرمایی از میان پاهای وی ، تا شیلو بیاید واو را اطاعت امَت ها خواهد بود . (1)

1 . فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بید گلی ص142

دشمنان

شیطان

از امام صادق (ع) پرسیدند : این که خداوند به شیطان فرمود فانک من المنتظرین الی یوم الوقت المعلوم (1)

به تو مهلت داده خواهد شد تا روز معینی . این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود : آیا پنداشته ای این روز ، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما ، به شیطان مهلت داده است 0 وقتی خداوند اوقائم را مبعوث می کند ، حضرت به مسجدکوفه می رود . در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود ، به آن جا می آید ومی گوید : ای وای بر من از امروز . حضرت مهدی (ع) پیشانی او را می گیرد وگردنش را می زند و آن هنگام ، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد . (2) در جای دیگری می خوانیم : امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود : ابلیس از خداوند خواست که او را تا روز رستاخیز مهلت دهد ، ولی خداوند آن را رد کرد و فرمود : تا روز وقت معلوم ، تو از مهلت داده شده ها هستی ، چون روز وقت معلوم فرا رسد ، ابلیس با

تمام پیروانش که از زمان خلقت آدم تا آن روز از او پیروی کرده اند ، ظاهر می شود و آن در آخرین رجعتِ امیر مؤمنان (ع) اتفاق می افتد . آنگاه امام صادق (ع) توضیح می دهد که چگونه سپاه ابلیس در سرزمین . " روحا " در نزدیکی کوفه اجتماع می کنند واصحاب امیر المؤمنین (ع) برای نبرد با آن ها آماده می شوند ومهم ترین جنگ تاریخ بشری در آن روز واقع می شود و سرانجام سپاهیان ابلیس ، شکست می خورند وخود ابلیس پا به فرارمی گذارد و رسول اکرم (ص) او را دنبال می کند و از میان شانه هایش یک ضربت کاری وارد می کند واو را به هلاکت می رساند . پس از هلاکت شیطان وپیروانش ، دیگرکسی جز خدا را نمی پرستد و هرگزکسی به خداوند شرک نمی ورزد . (3)

ا . لسان العرب ج 1 ص 0495

2 . عصر ظهور علی کورانی ص 34 1 .

3 . بحارالانوار ج53 ص 42 تفسیر برهان ج 2 ، ص 343 الزام الناصب ج2 ص 332

خزیمه

فرمانده سپاه سفیانی وعنصر پلیدی از امویان است . دوازده هزار نفر از سپاه سفیانی به سوی مکه ومدینه حرکت می کنندکه خزیمه پرچمدار آن سپاه است . چشم چپ اوکور است وپرده سفیدی روی چشمش را گرفته است . او قساوت پیشه ای است که مردم را مثله می کند وهمه جا را می کوبد تا وارد مدینه می گردد . در آن جا مستقر می شود و

در جست وجوی بزرگ مردی از خاندان پیامبر (ص) ، سپاهی گران به سوی مکه گسیل می داردکه پرچمدار آن ، مردی از طایفه غطفان است . (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور ، سید محمدکاظم قزوینی ص 541 .

شیصبانی

در لغت معانی مختلفی برای شیصبان آورده اند از جمله : مورچه نر ، لانه مورچگان ، از اسامی شیطان و رهبرگروهی از پریان . (1) مراد از شیصبانی در روایات اهل بیت (ع) ، مردی از بنی عباس ویا مردی دشمن اهل بیت است ، زیرا امامان معصوم (ع) بنی عباس را به بنی شیصبان تعبیر می کردند و آن ، نام مردی بدکردار یاگمنامی است که دشمنِ خود را به طورکنایه با این کلمه به کار برده اند . پس از آن که قدرت در دَست زمینه سازان خراسانی و طرفداران آن هاست ، شیصبانی در عراق خروج می کند . (2)

جابر جعفی می گوید : از امام باقر (ع) درباره سفیانی و خروج او پرسیدم ، فرمود : پس از خروج او ، شیصبانی درکوفه خروج می کند ، آن چنان که یک باره لشکر انبوهی به دور اوگرد می آیند ، بسان آب که از چشمه بجوشد ، وهیأت اعزامی شما که به جنگ او روند کشته می شوند ، آن گاه منتظر خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی (ع) باشید (3)

گفته می شودکه منظور از شیصبانی ، طغیان آب فرات از این منطقه است

که خانه های کوفه واطراف آن را می پوشاند ، ولی به نظر می رسدکه آن ، رمز یکی از ستمگران باشدکه بر عراق حکومت می کند و دمار از زندگی شیعیان در می آورد . (4)

ا . لسان العرب ، ج 1 ص 0495

2 . عصر ظهور علی کورانی ص 34 1 .

3 . بحارالانوار ج52 ص 250

4 . روزگار رهایی ج 2 ، ص 1105 .

قبیله کلب

سفیانی از طرف مادر از آن قبیله است . حدیثی تصریح می کند : مردی از قریش به وجود می آید که دایی هایش از قبیله کلب است . پس سپاهی را به سوی حضرت مهدی گسیل می دارد که سپاه اسلام بر آن ها پیروز می شود . حسرت و پشیمانی از آن کسی است که از غنایم کلب محروم باشد . (1)

قبیله کلب ، ظاهراً از ساکنان اردن می باشند که در عهد اموی ، این قبیله در اردن سکونت داشتند . (2)

1 بحار الانوار ج 51ص 88 ینابیع الموده ، ج 3 ، ص 87

2 . روزگار رهایی ج 2 ، ص 084 1

رفتار امام با دشمنان

زراره از امام صادق (ع) پرسید : آیا روش و سیاست حضرت قائم (ع) همانند روش پیامبر (ص) خواهد بود؟ فرمود هرگز ، هرگز ای زراره او سیاست پیامبر را در برخورد با دشمنان پیش نمی گیرد . پیامبر (ص) با ملایمت ومهربانی رفتار می کرد تا دل ها را به دست آورد ومردم با آن حضرت الفت گیرند ، ولی حضرت قائم (ع) سیاست قتل را در پیش می گیرد وطبق دستوری که دارد ، رفتار می کند وتوبه کسی را نمی پذیرد . پس وای برکسی که با او مخالفت کند . (1)

بر طبق روایات حضرت مهدی (ع) در برخورد با دشمنان ، از یک نوع مجازات استفاده نمی کند ، بلکه برخی از آنان را در جنگ نابود می سازد (2) وحتی

فراریان وزخمیان آنان را نیز تعقیب می کند (3) گروهی را اعدام نموده ، (4) خانه های شان را ویران می کند وگروهی را تبعید می نماید (3) ودست برخی را قطع می کند . (5)

البته حضرت با گروه ها و دسته های گوناگونی برخورد خواهد کرد . برخی از آنان قوم و نژاد خاصی هستند ، گروهی پیرو ادیان دیگری غیر از اسلا مند وگروهی هر چند به ظاهر مسلمان اند ، ولی منافقانه رفتار می کنند ویا از مقدس نماهای کج فهمی هستندکه با حضرت مخالفت می نمایند ویا پیرو فرقه های باطل می باشند . امام با هر یک ستیز خاصی دارد . امام صادق (ع) فرمود : (ع) آن گاه که قائم ما قیام کند ، بین او و عرب و قریش ، راهی جز شمشیر نخواهد بود . (6) امام کاظم (ع) فرمود : . هنگامی که قائم ما علیه نصارا ، صائبیان ، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام وکافران در شرق وغرب کره زمین قیام می کند ، اسلام را به آنان پیشنهاد می کند وهر کس مسلمان نشود ، گردنش را می زند . منافقان ، اهل کتاب ، ناصبی ها ، قریش

ا . غیبه نعمانی ص231 بحارالانوار ج 52 ، ص 3530

2 . ارشاد مفید ص364 کشف الغمه ج 3 ص 255 بحار الانوارج 52 ص 338

3 . کافی ج 8ص 227 مراه العقول ج 26 ، ص 160 بحار الانوارج 52 ، ص 375 .

4 .

بحارالانوار ج 52 ص 317 .

5 . بحار الانوار ج 52 ، ص 355 غیبه نعمانی ص 122 .

6 . بحارالانوار ، ج 52 ص 340 تفسیرعیاش ج 1ص 83 1 تفسیرصافی ج 1 ص267

بغوطه

درختی بلند وپرشاخه است . در روایت است که سفیانی در زیر آن درخت درحیره ، به هلاکت می رسد . (1)

1 . اثبات الهداه ج 7 ص 168 .

راحت طلبان

از جمله مخالفان حضرت مهدی (ع) هستند

کاسرعَینِه

به معنای چشم شکسته است عبید بن زراره می گوید : نزد امام صادق (ع) در مورد سفیانی سخن گفته شد . فرمود : او چگونه خروج کند در حالی که کاسر عینه در صنعاء هنوز خروج نکرده است (1)

ممکن است چند احتمال در تفسیر کاسر عینه وجود داشته باشد که بهترین آن ها می تواند بیان رمزی از ناحیه امام صادق (ع) باشدکه معنای آن جز در وقت خود آشکار نمی گردد (2)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 0245

2 . عصر ظهور علی کورانی ص162

منزلت

آس

درختی است که در بهشت کاشته شده . عصای حضرت موسی (ع) از شاخه آن درخت بود

و آن را جبرئیل برای او آورد . حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور ، عصای موسی (ع) را همراه دارد . (1) آس ، درختی است بلندتر از انار ، دارای گل وبرگی معطر ، و تخمش سیاه است . در مناهی رسول (ص) از خلال کردن با چوب آن نهی شده است . (2)

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده : ورائحه ابنتی فاطمه الزهراء ، رائحه السفرجل والآس والورد .

ا . نجم الثاقب باب دوم .

2 . معارف ومعاویف ج ا ، ص80

ذو القرنین

جابر بن عبدالله انصاری می گوید : رسول خدا (ص) فرمود : " ذوالقرنین ، بنده ای شایسته بودکه خداوند او را بر بندگانش حجت قرار داد . وی قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد وبه تقوا دستور داد ، ولی آنان بر سرش ضربه ای زدند و او مدتی از آنان پنهان شد ، به طوری که آنان گمان بردندکه مرده است . پس از مدتی نزد قومش بازگشت ، ولی باز بر سمتِ دیگر سرش ضربه ای زدند . در میان شما شخصی است که به سنت رفتار می کند . خدای عزوجلَ برای ذوالقرنین در زمین اقتداری فراهم آورد واز هر چیز ، وسیله ای برای او قرار داد واو را به شرق و غرب جهان رساند . خداوند رفتار وروش او را پیرامون امام غائب جاری می کند واو را

به شرق و غرب زمین می رساند وهیچ آبگاه ومنزلی درکوه و بیابان باقی نمی ماندکه ذوالقرنین بر آن گام نهاده باشد ، جز آن که اوگام می نهد . خداوند برای اوگنج ها و معادن زمین را آشکار می سازد و با ایجاد ترس در دل دشمن ، او را یاری می دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل وداد می کند ، چنان که قبل از قیام پر از جور وستم شده است (1)

نام او در قرآن کریم آمده است (2) در حدیثی آمده است که : وی در سن دوازده سالگی به حکومت تمامی روی زمین رسید و سی سال دوران حکومتش بود . وی از مردم روم بود . پیغمبر نبود ، ولی بنده ای شایسته بود که خدا را دوست می داشت وخدا نیز او را دوست داشت . خداوند ابر را در اختیارش قرار دادکه مرکب او بود واسباب ووسایل خویش فراهم نمود ونور را برایش منبسط کرد ، که شب و روز نزد او یکسان بود (3) امام باقر (ع) فرمود : ذوالقرنین مخیر گردیدکه یکی از دو ابر سخت ورام را برگزیند . او ابر رام را برگزید وابر سخت ، برای حضرت صاحب الامر (ع) ذخیره شد (4) ذوالقرنین با حضرت ابراهیم (ع) همزمان بود ونخستین دو نفری که در روی زمین با هم مصافحه کردند ، او و ابراهیم (ع) بودند . شهر اسکندریه را او بناکرد ومسجدی عظیم در آن ساخت . (5

)

ا . كمال الد ين ج 2ص 394 بحارالانوار ج 52ص 323 ارشاد مفيد ، ص 362 اعلام الورى ص 430 .

2 . سوره كهف ، 83

3 . معارف ومعاريف ، ج 5 ، ص 562 .

4 . بحارالانوار ج52 ص 1 32 اختصاص مفيد ص 99 01

5 . معارف ومعاريف ج 5ص563 .

خورشيد پشت ابر

حضرت مهدى (ع) را به خورشيد پشت ابر تشبيه كرده اند واين مسأله برمى گردد به حديثى از خود حضرت كه مى فرمايند : چگونگى استفاده از من در غيبت ، مانند استفاده خورشيد است هنگامى كه ابرها آن را مى پوشانند (1)

صاحبان ذوق در وجوه تشابه حضرت با خورشيد پشت ابر ، چنين گفته اند : 1 . همچنان كه مردم انتظار بيرون آمدن خورشيد از پشت ابرهاى تيره را مى كشند تا بيشتر از آن بهره مند گردند ، در زمان غيبت نيز شيعيان و محبان حضرت همواره انتظار وجود مباركش را دارند و هرگز نا اميد نمى شوند .

2 . هركس با اين همه آثار ومعجزات و آيات وروايات باز هم منكر وجود مباركش شود ، مانند كسى است كه منكر وجود خورشيد گردد ، هنگامى كه در پشت ابرها از ديدگان ، به ظاهر پنهان است ، گرچه آثار وجودش به جهانيان مى رسد

3 . هر چند خورشيد در پس ابر براى مدَتى پنهان مى گردد ، اما نور روشنى بخش خود را از جهانيان دريغ نمى كند و باز هم از پس ابر زمين و آسمان را روشن مى كند ، امام (ع)

نیز هر چندکه در پس پرده غیبت قرار دارد ، اما نور ولایت آن حضرت بر همه عالمیان پرتوافکن است ، چه این که اگر نور آن امام نباشد ، بنابر روایات معصومین (ع) زمین و اهل آن از بین می روند و اوست که امان اهل زمین است . البته حضرت در توقیع خود به اسحاق بن یعقوب می نویسد :

. . . و اما چگونگی انتفاعی که مردم در غیبت از من می برند ، همچون انتفاع از خورشید است هنگامی که در پشت ابرها پنهان شود . . . (2)

1 . بحار الا نوار ج 53 ص 180 .

2 . کمال الدین ج 2 ، ص 483 بحارالا نوار ج 53 ، ص 180

الیاس (ع)

از پیامبران مرسل است که در قرآن کریم دو بار از او یاد شده است . از حضرت الیاس وخضر (ع) به عنوان اوتادی یاد شده است که پیوسته اطراف حضرت مهدی (ع) هستند . درباره حضرت الیاس (ع) بیان کرده اند که او از جمله زندگان است و ازکسانی ایست که خداوند به سبب حکمتی که خود می داند ، عمرشان را طولانی نموده است . بر طبق نظر عده ای از مفسران که در تفسیر آیاتی راجع به وی اظهار کرده اند وتعدادی از روایات که درباره او از اهل بیت (ع) رسیده است آن حضرت زنده است و خداوند ، عمر او راهمچون خضر طولانی کرده و آن دو بزرگوار ، هر سال در سرزمین عرفات ودیگر جاها با هم

حضور پیدا می کنند . (1)

ا . عصرظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص 289 .

انگشتر سلیمان

انگشتر سلیمان از مواریث انبیاست که نزد حضرت مهدی (ع) است . سلطنت جهانی حضرت سلیمان (ع) وسیطره آن حضرت بر تمام موجودات روی زمین ، تنها یک رمز داشت و آن در همان انگشتر نهفته بود 0 آن انگشتر با تمام ویژگی هایی که دارد هم اکنون در دست حضرت صاحب الزمان می باشد . (1)

امام باقر (ع) می فرماید : نخستین کاری که قائم (ع) در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی رانگشتر سلیمان در آن است . (2) ونیز می فرماید : در بیت المقدس ، تابوت سکینه ، انگشتر سلیمان رالواحی را که بر موسی نازل شده ، بیرون می آورد . (3) امام صادق (ع) نیز می فرماید : عصای موسی وانگشتر سلیمان در دست او خواهد بود " 0 (4)

در فرهنگ معین آمده است : انگشتری سلیمان (ع) ، همان انگشتر ومهرِ حضرت سلیمان است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بسته بود وسلطنت وی بر انس وجن ، وابسته آن بود . دیوی به شکل حضرت سلیمان (ع) ، آن انگشتری را به دست آورد وچندی سلطنت کرد تا بار دیگر ، انگشتری به دست حضرت سلیمان افتاد وسلطنت خود را باز یافت . نام های دیگر آن خاتم جم خاتم

جمشید ، " انگشتری جم " انگشتری جمشید است . (5)

در روایتی آمده که حضرت سلیمان ، هنگامی که آن انگشتر را با خود برمی داشت ، خداوند پرنده وباد وفرشتگان را مسخر او می ساخت . (6) و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که امام حسین (ع) وقتی به دنیا باز می گردد ، حضرت مهدی (ع) ، انگشتر سلیمان را به همراه زمام امور جامعه به او می سپارد واو کسی است که قائم (ع) را پس از یک زندگی طولانی وپر برکت که از دنیا می رود ، غسل می دهد و به خاک می سپارد . (7)

در پاره ای روایات ، سخن از " منبر سلیمان " هم به میان آمده است که حضرت مهدی (ع) ، آن را هم بیرون می آورد (8)

ا . جهان بعد از ظهور ص 55 به نقل از ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان,هاشمی شهیدی ، ص 426 .

2 . روزگار رهایی ج ا ، ص 455 .

3 . همان .

4 . همان ص 0457

ه . فرهگ فارسی معین ج 5 ، ص 190 .

6 . بحارالانوار ج 63 ص 194 .

7 . همان ج 53 ، ص 03 ا .

8 . الزام الناصب ج 2 ص 299 .

نسب

نسب حضرت

درباره نسب حضرت امام زمان (ع) و این که آن حضرت از چه تباری است

روایت های بسیاری وارد شده است

نسب حضرت ازطرف پدر پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری (ع) است . روایات بسیاری مبنی بر این که وی از نسل پیامبر (ص) و از دودمان علی و زهرا (ع) است وارد شده است .

نسب حضرت از طرف مادر مادر بزرگوارشان ملیکه رومیه ، نرجس خاتون است که سوسن و " صیقل " و " ریحانه " نیز نامیده می شد . نرجس خاتون از طرف پدر ، دختر یشوعا ، پسر قیصر روم شرقی و از طرف مادر ، نسل شمعون از یاران حضرت عیسی مسیح (ع) و وصیَ او به شمار می رفته است . (1)

پس امام دوازدهم شیعیان ، حضرت محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) است که حسینی الاَب و حَسَنی الأم می باشد . از طرف فاطمه دختر امام حسن (ع) یعنی مادر امام باقر (ع) (2)

ا . سیمای آفتاب حبیب الله طاهری ، ص59

2 . همان .

خطبه امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) در فرازی از خطبه معروف خود در مسجد جامع شام ودر حضور یزید بن معاویه ، نقش اساسی امام و حجت خدا را بیان فرموده واز حضرت مهدی (ع) یادکرده است : خدای تبارک وتعالی ، به ما علم ، حلم ، شجاعت ، سخاوت ومحبت در دل های مؤمنان را عطا فرموده است . پیامبر اکرم

(ص) از ماست . وصی او علی المرتضی ، حمزه سیدالشهداء ، جعفر طیار ، دو سبط این امت (حسن وحسین) ومهدی این امت از ماست (1)

ا . منتخب الاثر ص172 .

ولادت

قابله حضرت

قابله به زنی گویند که بچه می زایاند قابله حضرت مهدی (ع) حکیمه خاتون ، دختر امام جواد ، خواهر امام هادی و عمه امام عسکری (ع) بود که در هنگام ولادت به نرجس خاتون ، مادر ارجمند امام مهدی (ع) رسیدگی کرد (1) وی پس از تولد یافتن حضرت به ولادت ایشان تصریح کرده است (2) البته عده ای از زنان درکار قابلگی به وی کمک کردند که از جمله می تواناز ماریه ونسیم (3) خادمه امام عسکری (ع) ونیزکنیز ابوعلی خیزرانی که او را به امام عسکری (ع) هدیه کرد نام برد . همچنین تاریخ می نویسد که امام عسکری (ع) در شب میلاد حجت خدا ، یک نفر قابله از زنان صالح غیر شیعه دعوت کرده بود ، تا هنگام تولد آن حضرت حضور داشته باشد ، مولود را به چشم خود ببیند و در میان افراد مورد اعتماد از غیر شیعه خبر را پخش کند تا در میان اهل سنت هم جای شک و تردید نمان (4)

1 . کمال الدین ج2ص 424

2 . کمال الدین ج 2 ، ص433

3 . کمال الدین ج 2 ص 430 .

4 . روزگار رهایی ج1 ص 149

ولادت حضرت

حکیمه خاتون می گوید : هرگاه خدمت امام عسکری (ع) می رسیدم ، برای او دعا می کردم که خداوند فرزندی به او عطاکند تا آنکه غروب روز پنج شنبه چهاردهم ماه شعبان سال255 . ه ق نزد امام عسکری (ع) رفتم

و طبق روال گذشته دعا کردم که خدا به تو فرزندی عطا کند . وقتی شب فرا رسید ، به کنیزم گفتم جامه ام را بیاور تا به منزل بازگردیم ، امام عسکری (ع) فرمودند : عمه جان ، امشب نزد ما بمان ، زیرا در این شب فرزند مبارکی متولد می شود که زمین مرده را حیات بخشیده زنده می کند . عرض کردم : این فرزند با برکت ازکدام کدبانو متولد خواهد شد

فرمود : از نرجس و فقط از او متولد می شود . حکیمه می گوید : من به نزدیک نرجس رفتم وبه دقت به او نگریستم ، ولی هیچ اثری از حمل و داشتن فرزند در او مشاهده نکردم . نزد امام رفتم و ماجرا را به اطلاع امام رساندم .

امام لبخندی زدند و فرمودند : عمه جان هنگام سپیده دمِ صبح اثر بارداری او ظاهر می شود ، زیرا نرجس مانند مادر موسی اسَت که نشانی از فرزند داشتن در او دیده نمی شد و تا هنگام تولد موسی هیچ کسی از ولادتش خبر نداشت . فرعون ستمگرکه می دانست اگر حضرت موسی متولد شود ، با او مبارزه می کند و تخت و تاجش را نابود می سازد ، با تمام نیرو می کوشید تا از ولادت موسی (ع) جلوگیری کند ، لذا دستور داد تا زنان را از مردان جدا کنند اما وقتی خدا بخواهد موسی به دنیا بیاید ، تلاش صدها فرعون هم بی نتیجه خواهد بود . قبل از تولد حضرت موسی (ع) کسی باور نمی کردکه مادرش

باردار است ، نرجس نیز همچون مادر موسی تا آخرین لحظات ولادت امام زمان (ع) نشانی از بارداری در خود نداشت ، زیرا آینده نرجس بسیار حساس و پر اهمیت بود . جاسوس ها همه جا راکنترل می کردند وکار آگاهان حکومت هر حرکت مشکوکی را زیر نظر داشته و به شدت مراقب بودندکه اگر فرزندی از امام یازدهم متولد شود ، نا بود می کنند .

حکیمه می گوید : شب از نیمه گذشته بود ، هنوز نشانه ای از فرزند داشتن در نرجس دیده نمی شد . من زودتر از شب های قبل به نماز شب مشغول شدم . نرجس خاتون نیز از خواب پریده و از اطاق بیرون رفت ، وضوگرفت و مشغول نماز شب شد . او آخرین رکعت نمازش را می خواندکه من از اطاق بیرون رفتم و به آسمان نگاه کردم ، دیدم که طلوع فجر است ، اما هنوز اثری از فرزند نیست . همین که در دلم نسبت به وعده امام عسکری (ع) تردید پیدا شد ، ناگهان امام صدا زد : عمه جان شک نداشته باش . آن چه گفته ام آشکار می شود و به خواست خدا خواهی دید .

در حالی که من از این تردید شرمنده بودم به طرف اطاق برگشتم . دیدم نرجس خاتون نمازش را تمام کرده و با حالتی غیر عادی و شتابزده بیرون می آید . به اوگفتم پدر و مادرم به فدایت آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت : بله . عمه جان چیزی را شدیدا در خود یافتم . گفتم به خواست خدا

جای نگرانی نیست ، سپس او را به درون اطاق بردم . هنگام طلوع فجر صادق ، درد زایمان نرجس شروع شد . از درون خانه ، امام عسکری صدا زد : عمه جان سوره قدر را بر او بخوان حکیمه می گوید مشغول خواندن سوره قدر شدم ، در این هنگام طفل داخل رحم نرجس نیز همانگونه که من می خواندم ، می خواند . در حال تعجب بودم که امام با صدای بلند فرمود : عمه از امر خدا تعجب مکن که خداوند زبان ما را درکودکی به حکمت بازکرده و در بزرگی حجت خود در زمین قرار می دهد . (1) هنوزکلام امام تمام نشده بود که نرجس خاتون از نظرم ناپدید شده وگویا بین من و او پرد ه ای کشیده شد که دیگر او را ندیدم . وحشت زده و نگران ، فریادکنان به طرف اطاق امام عسکری (ع) دویدم . در این لحظه امام فرمود : عمه برگرد ، که او را در جای خود خواهی دید . با تعجب برگشتم . وقتی وارد اطاق شدم ، دیدم نوری از نرجس می درخشدکه چشم ها را خیره می کند ، سپس دیدم نوزاد ، طیب و طاهر ، ناف بریده و ختنه کرده در حالی که در بازوی راستش نوشته است : جاءَ الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهقا ، مواضع سجده را به زمین گذاشته ، انگشتان سبابه را به طرف آسمان بالاگرفته و می گوید : اَشهَدُ أن لا اِلهَ الا الله وحده لا شریک له وان جدی رسول الله (

ص) (4) شهادت می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست . و بی همتا است و شریکی ندارد ، جدم محمد (ص) فرستاده خدا و پدرم علی امیرمؤمنان است . سپس نام یکایک ائمه را برشمرد تا به نام مبارک خود رسید ، آنگاه به درگاه الهی عرضه داشت : اللهم انجز لی وعدی واتمِم لی امری و ثبت و طاتی واملا الارض بی عدلا وقسطا پرورگارا آن چه را به من وعده دادی برآورده ساز وکارم را به اتمام رسان . مخالفانم را نابود و مغلوب کرده ، مرا بر دشمنانم پیروز فرما و زمین را به وسیله من سرشار از انصاف و عدالت گردان

همچنان فرق تماشای مناجات دلنشین وکلمات معجزه آسای این نوزاد بودم که ناگهان صدای امام عسکری بلند شدکه عمه جان ، آن فرزند را در آغوش بگیر و به نزد من آر . من جلو رفتم ، آن نوزاد را بغل کرده به طرف امام عسکری بردم . وقتی بچه در مقابل پدر قرارگرفت ، هنوز روی دست من بود که بر پدرش سلام کرد . آنگاه حضرت فرزندش را از من گرفت و زبانش را در دهان آن طفل نهاد وکودک از زبان علم و عصمتِ آن حضرت دانش و معرفت و اسرار امامت نوشید .

بعد به من فرمود : این کودک را بگیر و به مادرش بسپار تا او را شیر دهد . وقتی نرجس به او شیر داد ، بار دیگر فرزندم را نزد من بیاور . من نوزاد را به مادرش برگرداندم و پس از نوشیدن شیر دو

مرتبه نزد حضرت آوردم . حضرت این بار نیز زبان به کام فرزندش فرو برد ، سپس فرمود : ای فرزندا بخوان طفل شروع به خواندن کرد ، از صحف آدم و زبور داود تا تورات و انجیل را به زبان عبرانی و سریانیِ خواند ، سپس این آیه را تلاوت کرد : ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الوارثین ونمکن لهم فی الارض و نری فرعون (2) آنگاه بر پیامبر اکرم (ص) وامیرالمؤمنین (ع) و همه ائمه تا پدرش درود فرستاد . (3)

ازیک سو می دانیم که در دوران غیبت ، هیچ یک از احکام اسلام تعطیل نشده و باید تا آمدن امام عصر (ع) به همه آن چه اسلام از ما خواسته است ، عمل کنیم و از سوی دیگر می دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم (ع) و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان برای ما وجود ندارد . در این شرایط آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچ یک از احکام اسلام عمل نکنیم ، یا به هر آن چه خود احتمال می دهیم درست باشد ، عمل کنیم قطعاً هیچ یک از این دو راه ما را به مقصود نمی رساند . اما آیا امامان معصوم (ع) فکری برای شیعیان خود در زمان غیبت کرده اند؟ در پاسخ باید گفت : ائمه (ع) ، تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده اند که به فقهای

جامع الشرایط مراجعه کنیم . چنان که امام عصر (ع) در یکی از توقیعات خود در پاسخ اسحاق بن یعقوب می فرماید . . . و اما در رویدادهایی که پیش می آید ، به راویان حدیث ما مراجعه کنید ، زیرا آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان . (4)

چنان که می دانید در طول 69 ، سال غیبت صغری ، از سال 260 تا 329 ه . ق چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان نائب خاص ، واسطه بین امام مهدی (ع) و امت بودند . آن ها پرسش های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می کردند و ایشان نیز پاسخ آن ها را می دادند . امَا با پایان یافتن دوران غیبت صغری و آغاز غیبت کبری ، دیگرکسی به عنوان نائب خاص معرفی نشده و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش های دینی خود به راویان احادیث اهل بیت (ع) که همان فقهای جامع الشرایط بودند ، مراجعه کنند . از آن زمان به بعد ، فقها به عنوان نواب عام امام عصر (ع) مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند . بنابراین بر همه منتظران امام عصر (ع) لازم است که بنا به فرموده امامان خود ، با پیروی از فقها و مجتهدان واجد الشرایط ، اعمال دینی خود را انجام دهند . در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم ، اطاعت

از فقیهی است که از سوی بزرگان شیعه به عنوان ولی فقیه انتخاب شده است .

ا . بحارالانوار ج 51 ، ص 13

2 . قصص آیه

3 . بحارالانوار ج 51 ص 12 کمال الدین دو جلدی ، ص 424 .

4 . کمال الدین ج 2ص 483 .

اسماعیل بن علی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است (1)

1 . کمال الدین ج 2 ، ص 104- 114 ارشاد مفید ، ص 330 .

پیشگویی ولادت حضرت

پیامبر اکرم (ص) وائمه معصومین (ع) نسبت به ولادت حضرت مهدی (ع) پیشگویی کرده بودند .

" عبدالرحمن بن سمره " می گوید : به پیامبر اکرم (ص) عرض کردم : ای رسول خدا مرا به طریق نجات هدایت کن . فرمود : هنگامی که اختلاف خواسته ها وتفرقه آرا پیش آمد ، بر تو باد رجوع به علی بن ابی طالب که او امام امت من وخلیفه من بر آنان بعد از من است . . . از اوست دو امام امت من . . . و نه فرزند حسین ، که نهم آنان ، قائم امت من است که زمین را از عدل وداد پر می کند ، پس از آن که از ظلم وجور پر شده باشد . (1)

جابر بن عبدالله انصاری در روایتی از صحیفه ای خبر داده است که در دست حضرت فاطمه (ع) مشاهده نموده و در آن نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یاد آور شده و آخرین نام ، قائم آل محمد (ع) بوده است . (2)

امام حسين (ع) فرمود : قائم اين امت ، نهمين فرزند از اولاد من است ، واو است صاحب غيبت ، وكسى كه ميراثش در حالى كه زنده

است ، تقسیم می شود . (3) و امَا روایاتی که در موردحضرت مهدی (ع) ، غیبت ظهور ، علامات ظهور وحوادث پس از ظهور . از طریق دو امام باقر وصادق (ع) نقل شده است به مراتب بیشتر از روایات رسیده از سایر معصومین (ع) است . ویژگی این روایات آن است که علاوه بر بیان اصل مسأله به بیان بعضی از خصوصیات نیز پرداخته اند . جابر جعفی از امام باقر (ع) نقل نموده که فرمود : زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن زمان امامشان غایب خواهد شد . پس خوشا به حال کسانی که ثابت بر امر ما باشند . (4) روایت های نیز از حضرت علی امام حسن مجتبی (5) امام سجاد (6) وامام صادق (7) امام کاظم (8) امام رضا (9) وامام جواد (10) (ع) در پیشگوی ولادت حضرت مهدی (ع) آمده است .

ا . کمال الدین ج 1 ص 257

2 . غیبت طوسی ص 92, کمال الدین ، ج ا ، ص 305 .

3 . کمال الدین ج ا ، ص 0315

4 . کمال الدینج 1, ص 330 .

5 . همان , ص 303 .

6 . همان, ص 315 .

7 . همان , ص 319 .

8 . همان , ص 333 .

9 . غیبه نعمانی , ص 100 .

10 . کمال الدین ج 2 ص 372 .

خبر ولادت حضرت

امام حسن عسکری

(ع) با تمام قدرت در پخش و نشر خبر ولادت حضرت مهدی (ع) در میان شیعیان در داخل و خارج سامراء تلاش نمود : 1 . جناب حکیمه خاتون راکه بانوی باعظمتی بود و در میان بنی هاشم شریف ترین بانو ، دختر امام جواد و خواهر امام هادی (ع) ، زاهده و عابده و سرآمد بانوان شیعه در عصر خود بود ، دعوت می کند که آن شب را در خاندان امامت سپری کند و شاهد عینی ولادت آن مهر تابان باشد . 2 . قابله ای از غیر شیعه دعوت می کند تا گواه ولادت آن حجت خدا باشد ، تا حجت بر عده ای از صالحان اهل سنت تمام شود ، که همین بانو موجب شیعه شدن برخی از اعضای خانواده اش شده است 3 . مولود مسعود را در مناسبت های گوناگون به افراد مورد اعتماد و یاران و شیعیان عرضه می نمود تا حجت خدا را با چشم خود ببینند و دیگر سخن دشمنان را در حق او باور نکنند .

4 . حجت خدا را در جمع شیعیان حاضر می کندکه در حضورپدر به پرسش های آن ها پاسخ دهد ، اموال آن ها را دریافت نماید و در بین آن ها داوری کند . 5 . نامه های بسیاری به شهرستان های دوردستی چون : مدینه ، بصره و قم ارسال می کند و در آن ها شیعیان خالص را به ولادت حجَت خدا بشارت می دهد . 6 . گوشت و نان فراوان خریداری نموده و به عنوان عقیقه در بین

شیعیان سامراء تقسیم می کند 70 . گوسفندانی را به خارج از سامراء می فرستاد تا به عنوان عقیقه فرزندش ذبح کرده ، اطعام نمایند .

به هر حال دودمان امامت از هیچ فرصتی در پخش و نشر خبر ولادت آن حضرت غفلت نکرد و پیش از رحلت امام حسن عسکری (ع) ، خبر ولادت حجت خدا را به گوش شیعیان خالص و افرادی صالح از غیر شیعه رسانید (1)

ا . روزگار رهایی ج 1 ، ص 155

عبدالله بن عباس علوی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

1 . بحارالانوار ج51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

علی بن عاصم کوفی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

01ارشاد مفید ، ص 330 بحارالانوار ، ج 51 ص 5 .

عمر الاهوازی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

01بحار الانوار ، ج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

نیمه شعبان

در سحر پانزدهم شعبان سال 255 هجری قمری در شهر سامرا حضرت مهدی (ع) چشم جهان را روشن کرد

شب نیمه شعبان ، شب بسیار مبارکی است و امام باقر (ع) فرمودند : آن شب پس از لیله القدر ، بهترین شب ها است . (1) در شب نیمه

شعبان ، خواندن دعایی سفارش شده است که مطلع آن چنین است :

اللهم بحق لیتنا هذه و مولود ها و حجتک و موعودها التی قرنت الی فضلها فتمت کلمتک صدقا و عدلا (2)

1 . مفاتیح الجنان باب دوم .

2 . نجم الثاقب باب یازدهم .

اسماعیل بن موسی بن جعفر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است (1)

1 . بحار الانوارج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

حکیمه

حکیمه خاتون ، از بانوان خاندان امامت و رسالت و زنی باکفایت و مؤمنه بود . وی دختر امام جواد (ع) ، خواهر امام هادی (ع) و عمَ امام حسن عسکری (ع) بود . امام هادی (ع) ، نرجس خاتون را به خواهرش حکیمه خاتون سپرد تا احکام و دستورات اسلام را به او بیاموزد . حکیمه خاتون ، شاهد ولادت امام زمان (ع) بود و تاریخ وکیفیت ولادت حضرت مهدی (ع) را همه از حکیمه خاتون نقل کرده اند . حکیمه خاتون می گوید : پس از چهل روز از ولادت حضرت مهدی (ع) ، طبق دعوت امام حسن عسکری (ع) به خانه اش رفتم وقتی وارد اطاق شدم ، ناگهان دیدم همان کودک ، چون آفتاب درخشنده در مقابل پدر راه می رود و به اندازه یک فرزند دو ساله می ماند . تعجب کردم و از امام پرسیدم : ای سرور من این کودک به اندازه دو سال رشد کرده است . حضرت تبسمی کرد و فرمود : فرزندان پیامبران و جانشینان آنان که به مقام پیشوایی و امامت برگزیده می شوند ، ورشدشان همانند سایرین نیست ، بلکه وقتی یک ماه از عمرشان می گذرد ، چنان است که بر دیگران یک سال گذشته باشد (1) حکیمه خاتون

از محضر امام حسن عسکری (ع) درخواست نمودکه در حق او دعاکند و از خدا بخواهدکه در زمان حیات امام (ع) از دنیا برود و چنین شد (2) مزار او در سامراکنار حرم عسکریین است .

حکیمه خاتون ، قابله حضرت مهدی (ع) نیز بوده است (3) برخی منابع ، یکی از نام های مادر حضرت مهدی (ع) راحکیمه ، ذکرکرده ا ند (4)

1 . بحارالانوار ، ج 51 ص 14

2 . روزگار رهایی ج ا ، ص 153 .

3 . روزگاررهایی ، ج 1 ص 12 .

4 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 172 .

چهل روزگی حضرت

حکیمه خاتون می گوید : من پس از چهل روز از ولادت حضرت مهدی (ع) طبق دعوت امام حسن عسکری (ع) به خانه اش رفتم ، وقتی وارد اتاق حضرت شدم ، ناگهان دیدم همان کودک چون آفتاب درخشنده در مقابل پدر راه می رود وبه اندازه یک فرزند دو ساله می ماند . از مشاهده این وضع تعجب کردم و از امام پرسیدم : ای سرور من !این کودک به اندازه دو سال رشد کرده است حضرت تبسمی کرد و فرمود : فرزندان پیامبران و جانشینان پیامبران که به مقام پیشوایی وامامت برگزیده می شوند ، رشدشان همانند سایرین نیست ، بلکه وقتی یک ماه از عمرشان چنان است که بر دیگران ، یک سال گذشته باشد و فرزند ما اهل بیت پیامبر (ص) در شکم مادر سخن

می گوید ، قرآن می خواند ، پروردگارش را عبادت می کند و هنگامی که به دوران شیرخوارگی می رسد ، فرشتگان در هر بامداد و شامگاه بر او فرود می آیند و فرمانش را اطاعت می کنند . حکیمه می گوید : از آن پس ، هر چهل روز یک بار ، فرزند ارجمند امام حسن عسکری (ع) را می دیدم تا این که چند روز قبل از شهادت حضرت ، وقتی او را دیدم نشناختم از امام عسکری (ع) سؤال کردم ، فرمود : او پسر نرجس است و من به زودی از دنیا می روم تو مطیع او باش . . (1)

ا . بحارالانوار ج 51 ص 14 .

غانم

در پشت مبارک رسول خدا (ص) علامتی بودکه آن راختم نبوت گویند . حضرت مهدی (ع) نیز علامتی در پشت دارد ، مانند علامت پشت مبارک رسول خدا (ص) ، که برخی از آن به " ختم وصایت " تعبیر کرده اند . (1)

می کند (2) باز ابو غانم از دیدار دیگری سخن می گویدکه در آن گروهی از شیعیان افتخار حضور داشته اند ، وی می گوید : برای ابو محمد امام حسن عسکری (ع) فرزندی متولد شدکه اسم او را محمد گذاشت . روز سوم ولادتش او را بر اصحاب خود نشان داد و فرمود : این مولود امام و سرپرست شما بعد از من است و جانشین من است در میان شما . این همان قائم (ع)

است که گردن ها برای انتظار به سوی اوکشیده می شود ، وقتی که زمین از ظلم و جور پر شده باشد ، قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند (3)

. ارشاد مفید ، ص 320 بحار الانوار ج 51 ص 5 .

2 . کشف الغمه ، ج 3 ، ص 289 ، غیبه طوسی ، ص 48 1 .

3 . بحارالانوار ج51 ص 5 .

ظریف

ابو نصر ظریف از خادمان امام حسن عسکری (ع) بوده وازکسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است . (1) در برخی کتب ظریف بن خادم آمده است

ظریف می گوید : هنگامی که حجت خدا به دنیا آمد ، همه خاندان خوشحال شدند وچون بزرگ شد به من دستور داده شدکه هر روز همراه گوشت ، یک قطعه استخوان مغزدار هم بخرم وگفته می شدکه مغز استخوان برای مولای کوچک ماست . (2)

ا . بحارالانوار ج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

2 . ارشاد مفید ، ص330 غیبه طوسی ، ص 48 1 کافی ج 1 ، ص 330 .

علی بن مطهر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

1 . بحارالانوار ، ج 51 ص 51 ارشاد مفید ص 330 .

حسن بن حسین عسکری

معروف به ابوالفضل ، یکی ازگواهان تولد امام عصر (ع) بوده است (1) وی می گوید : در سامرا به محضر امام حسن عسکری (ع) رسیدم و ولادت صاحب الزمان (ع) را به محضرشان تبریک و تهنیت گفتم (2)

1 . روزگاررهایی ج1 ص160

2 . غیبه طوسی ، ص 51 1 منتخب الاثر ص 343 .

حسین بن الحسن العلوی

از جمله کسانی است که از تولد امام مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (1)

1 . بحار الانوار ج 51 ، ص5 ارشاد مفید ص 330 .

اسماعیل بن موسی بن جعفر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است (1)

1 . بحار الانوارج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

شعر

شعر مهدوی

قصیده ابن عرندس

علامه امینی می گوید : در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود ، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیه الله (ع) به آن مجلس می شود (1) این قصیده را مرحوم شیخ طریحی درالمنتخب و علامه سماوی در الطلیعه ویعقوبی در البابلیات و برخی دیگر از بزرگان درکتاب های خود آورده اند . بیت هایی از این قصیده ، چنین است : اَیُقتلُ ظمانا حسین بکربلا وَفی کُل عُضوٍ مِن آنامِلِه بَحر

ووالِدُهُ الشاکی علی الحَوضِ فی غد وفاطمه ماء الفرات لها مهر

فوا لهف نفسی للحسین وما جنی علیه غداه الطف فی حربه اشمر

آیا حسین (ع) باید درکربلا تشنه به شهادت برسد ، با آن که در هر انگشت او دریایی یافت می شود؟ وبا آن که پدرش علی (ع) در روز رستاخیز ، مردم را از حوض کوثر سیراب می کند

وآب فرات ، مهریه مادرش فاطمه (ع) است جانا دریغا بر حسین (ع) و جنایت هایی که شمر درکربلا ، نسبت به حضرتش روا داشت .

خطیب شیعه مرحوم شیخ عبدالزهراکعبی می گوید : یک روز بعد از ظهر ، وارد صحن امام حسین (ع) شدم . شخصی در مقابل یکی از حجره های صحن شریف ، کتاب های مذهبی می فروخت ومن با وی سابقه آشنایی داشتم .

چون مرادیدگفت : کتابی دارم که شاید برای شما نافع باشد ودرآن اشعاری وجود داردکه زیبنده شماست وقیمت آن ، این است که یک بارآن را برایم بخوانی . شیخ عبدالزهراء می گوید : آن اشعار ، گمشده من بود ومدَت ها در جست وجوی آن بودم . آن راگرفتم ودر هنگامی که به خواندن آن مشغول بودم ، ناگهان دیدم سیدی از بزرگان عرب در برابرم ایستاده وبه اشعارگوش می دهد وگریه می کند . چون به این بیت رسیدم ایقتل ظلمانا حسین بکربلا وفی کل عضو من انامه بحر

گریه آن بزرگوار شدید شد ورو به ضریح امام حسین (ع) نموده واین بیت را تکرارکرد وهم چون زنِ جوان مرده می گریست . همین که اشعار را به پایان رساندم ، دیگر آن بزرگوار را ندیدم . به یقین دانستم که او حضرت حجت وامام منتظر است . (4)

ابن عرندس حلی از فقها وعلما ومحدثین وشعرای مشهور شیعه در قرن نهم هجری بود که قصاید وی در مدح ومنقبت وسوگ ائمه طاهرین (ع) به ویژه امام حسین (ع) معروف است . (5)

ا . غیبه نعمانی ص 297 .

2 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 54 .

3 . الغدیر ج7ص ، 14 .

4 . شیفتگان حضرت مهدی (ع) ج 3 ، ص 172 .

5 . معارف ومعاریف ج1 ص 284 .

گل نرگس

تعبیری است شاعرانه که عاشقان ودوستداران مولا ، به واسطه نرجس خاتون نسبت به حضرت مهدی (ع) می دهند . از

این تشبیه ، بیشتر در سرودها واشعار فارسی استفاده می گردد :

بیا تا نغمه شوق از نهاد خاک برخیزد غبار از خاطر؛آیینه افلاک برخیزد

به هنگام ظهور تو تو ای خورشید نورانی به پیش پای تو چون خاکیان افلاک برخیزد

مگرحرف مرا تکرار سازد ای گل نرگس سخن باکوه می گویم ، کزو پژواک برخیزد (1)

1 . جواد جهان آرایی .

شعر مهدوی

بخش چشمگیری ازگنجینه شعر فارسی به آثاری اختصاص دارد که هویت معنوی و فرهنگی خود را مدیون مفاهیم ارزشی است . مفاهیمی که ریشه درکلام آسمانی قرآن و معارف اسلامی دارد . قرآن کریم ، نهج البلاغه ، نجم الفصاحه ، صحیفه سجادیه ، کلمات قصار و ادعیه مأثوره از حضرات معصومین (ع) و روایات و احادیثی که از خاندان وحی در اختیار جامعه اسلامی است ، سرشار از مفاهیم ارزشی ووالایی است که در همیشه تاریخ ، نظر متفکران و فرهیختگان را در حوزه عرفان و حکمت و اخلاق به خود جلب کرده است ونام آوران عرصه شعر و ادب فارسی با استقاده وتأثیرپذیری از این منابع غنی وگران سنگ ، به آفرینش آثار ممتاز وماندگاری ، نائل آمده اند که التهاب عطش پویندگان راه معرفت را فرو می نشاند و با زلال جاری خود ، جان تازه ای درکالبد راهیان طریق سعادت وکمال می دهد . مسأله مهدویت از دیرباز در شعر فارسی مطرح بوده وشعرای فارسی زبان ، گاه به صورت کنایی وغیر مستقیم وگاه به شکل روشن و آشکار از مهدی موعود (ع) یادکرده اند . در سده های آغازین هجری از نام

مقدس مهدی ، بیشتر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده می شده؟ نمادی که یاد آور صلح و آرامش ، قسط وعدل ، جهان شمولی اسلامی ونابودی کفر جهانی است . همان گونه که از دجال نیز ، به صورت یک نماد ، نمادی که مظهر قساوت ، فتنه ، جنگ و خون ریزی وکفر وشرک است ، یاد می کرده ا ند . از همین پیشینه ادبی می توان به اعتقاد راسخ مسلمانان به ظهور حضرت مهدی (ع) از سده های آغازین هجری تا کنون پی برد . در شعر مهدوی ، موضوعات بسیاری مطرح است

مهم ترین موضوعاتی که در اشعار مهدوی شاعران فارسی زبان حضور دارد ، عبارت است از : ا . معرفی مهدی موعود (ع) به عنوان تنها مصلح جهانی 2 . به تصویرکشیدن ولایت تکوینی حضرت ولی عصر (ع) ، 3 . تبیین رسالت های جهانی امام زمان (ع) .

مسائلی از قبیل : غیبت ، انتظار وظهور نیز در انواع شعر مهدوی مطرح است . (1) برای مطالعه بیشتر در این زمینه ، کتاب سیمای مهدی موعود (ع) در آیینه شعر فارسی اثر استاد محمدعلی مجاهدی بسیار مفید است .

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآیینه شعرفارسی محمدعلی مجاهدی ص 117 .

گات ها

کهنه ترین ومقدس ترین قسمت اوستا است که در میان یسنا جای داده شده است . آن ها عبارتند از سرود ونظم وشعر ، و هر فرد از اشعارگات ها را " گاس " گویند . کلیه گات ها 17

فصل است وشامل 238 قطعه و896 بیت می باشد . (1)

در آن نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) و سیطره جهانی او آمده است . (2) گات های اوستاشامل پنج قسمت است وبه منزله پنج کتاب اسفار تورات است که یهودیان آن ها را از خود موسی دانسته واحترام خاصی برای آنها منظور دارند : " اهنود " ، اشنود " ، " سپنتمد " " وهوخشتر "، وهشتد ا ست ". (3)

ا . معارف ومعاریف ج8 ص 625 .

2 . ادیان ومهدویت ، محمد بهشتی ، ص 18 .

3 . معارف ومعاریف ج 8ص 625 .

اشخاص و افراد

ابن بابویه

درعرف علمای رجال ، کنیه سه تن از فقهای بزرگ شیعه است : علی بن حسین و دو پسرش ابوعبدالله حسین و ابوجعفر محمد صدوق .

بابویه ، نام جد اعلای ایشان ، کلمه است فارسی ، منسوب به بابو یعنی بابا ، پدر ، پیرو مرشد .

محمد ، فرزند علی بن حسین بابوبه ، همان شیخ صدوق ، معروف به ابن بابویه ست .

علی بن حسین بابویه با دختر عموی خود دختر محمد بن موسی بن بابویه ازدواج کرد ، اما از او فرزندی نیافت . نامه ای به حسین بن روح نوشت و به وسیله او از امام زمان (ع) تقاضاکرد که دعا بفرماید تا خدا فرزندانی فقیه به او عنایت کند . از ناحیه امام (ع) پاسخ آمد که از همسر فعلی خود فرزندی نخواهی داشت ، ولی به زودی کنیزی دیلمی را مالک

می شوی و دو پسر فقیه از او نصیب تو خواهد شد . ابن بابویه ، سه پسر پیدا کرد محمد ، حسین وحسن محمد وحسین ، هر دو فقیه شدند وحسن ، به عبادت وزهد مشغول شد (1)

" ابن بابویه " ازعلمای بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری و صاحب تألیفات بسیار وارزشمندی است . مرحوم محدث قمی می نویسد : حدود سیصد تألیف دارد که این تألیفات عمدتاً در ابواب فقه و اصول و تفسیر و سیره پیامبر (ص) ائمه (ع) و احتجاج و اخبار فضائل اهل بیت واخبار غیبت وعلائم ظهور امام غایب (ع) و آداب زیارت مشاهد مشرفه وپاسخ به سؤالات علمای سایر بلاد است . از جمله آن کتاب ها : من لا یحضره الفقیه ، توحید صدوقی رساله اعتقادات ، خصال ، کمال الدین ,عیون اخبار الرضا و . . . است . صدوق به اجماع علمای شیعه در وسعت دانش وقوت حافظه ونظم فکری وکثرت تألیفات وجمع احادیث وصحت اتقان فتاوی در میان سایر علمای شیعه ممتاز است .

مرحوم صدوق در سال 381 هجری ، وفات و در شهر ری درگورستانی که هم اکنون معروف به ابن بابویه است مدفون است . (2)

ومقبره پدرش (علی بن حسین بابوبه) در قم است .

1 . غیبه طوسی ، ص 188 .

. پیشوای ، دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق

أبدال

جمع بَدل یا بدیل به معنای جانشینان است .

این تعبیر را در مورد جمعی از بندگان صالح خدا به کار می

برند که در میان اولیاء ، دارای مرتبتی مخصوص بوده اند ، و می گویند : جهان از وجود آن ها خالی نمی ماند ، و چون یکی از آن ها بمیرد ، خداوند دیگری را جایگرین وی می سازد دهخدا گفته : ابدال ، عده ایی معدود از صلحا و نیکان و بندگان خالص خدایند که شمار آنان هفت یا هفتاد نفر است وگویند : زمین از وجود آن ها خالی نمی شود وجهان بدیشان برپا است و چون یکی از آن ها بمیرد ، خدای تعالی دیگری را به جای او برانگیزد ، این قوم بدانچه خدای از رازها در حرکات و منازلِ کواکب نهاده ، عارفند در وصف آنان آمده که آنان کسانی اند که دارای نیت های پاک و طبع سخی وخوی نیک اند و همواره به خیرخواهی مسلمانان بپردازند ، و آنان معدن و منشأ برکات و خیرات زمین اند و چون یکی از آنان برود ، دیگری جایگزین اوگردد (1)

ابدال در روایات عامه از نظر عدد ونیز از حیث محل ومکان ، مختلف آمده که در بعضی احادیث ، سی ودر برخی چهل ودر برخی دیگر شصت ذکر شده ، چنان که در بعضی از آن ها آمده که آنان در شام اند ودر بعضی عراق وشام ودر برخی یمن ذکر شده است (2)

واما در روایات معتبره شیعه از ابدال ذکری نشده فقط از خالد بن هیثم فارسی که از حیث وثاقت مجهول الحال است آمده که وی از حضرت رضا (ع) پرسید : مردم بر این عقیده اند که در

زمین ، ابدالی وجود دارند ، این ها کیانند؟ حضرت فرمود : راست می گویند . ابدال اوصیایند که خداوند چون انبیاء را از زمین برداشت ، این ها را بدل آن ها قرار داد . (3)

در مجمع البحرین آمده که ابدال قومی باشند که خداوند ، زمین را به وجود آن ها استوار دارد و آن ها هفتاد نفرند . چهل تن آن ها در شام وسی نفر دیگر در جاهای دیگرند چون یکی از آن ها بمیرد ، فرد دیگری به جای او بیاید . (4)

در بحارالانوارنیز آمده است که : از یاران حضرت مهدی (ع) در شام هستند که هنگام ظهور حضرت ، خود را به مکه می رسانند وبا آن حضرت بیعت می کنند (5)

1 . کنزالعمال ج 12 ص 188 .

2 . همان .

3 . سفینه البحار ماده بدل .

4 . مجمع البحرین ماده بدل .

5 . بحارالانوار ، ج 52 ، ص 347 .

اوقید مو

درکتاب ذخیره الالباب معروف به دوائرالعلوم آمده که اسم آن جناب حضرت مهدی (ع) در تورات به لغت ترکوم " اوقیدمو " است . (1)

1- نجم الثاقب باب دوم .

انوری

حکیم انوری ابیوردی (متوفای585 ق) از شاعران معروف ادب فارسی ، تغییر اوضاع زمانه خود را ناشی از بی مهری مردم زمانه به ممدوح خویش می داند وبرچیدن بساط سلطنت او و روی کار آمدن سلطان جور را در همین رابطه ارزیابی می کند که مردم به غلط دم دجال را شمع مهدی می پندارند : مصطفی چون زمکه هجرت کرد

مدتی مکه جفت هجران گشت

عزت کعبه , عارعزی دید

حرم کعبه ، جای حرمان گشت

دم دجال , شعع مهدی شد

سد یأجوج , حبس انسان گشت (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآیینه شعر فارسی, محمد علی مجاهدی ص 66 .

ابراهیم ابن محمد همدانی

از وکلای ناحیه مقدسه و از خواص صحابه ائمه اطهار (ع) است .

در اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم می زیست . در موارد متعددی که نام او نقل شده است ، همه جا مردی موثق خوانده اند . همچنین فرزندان واحفاد وعلی بن ابراهیم ، محمد بن ابراهیم ، محمد بن علی ابن ابراهیم وقاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم ، همه از خواص اصحاب ائمه (ع) ووکلای ناحیه مقدسه بوده اند . نسبت او به شهر هَمَدان در ایران است ، نه هَمدان که نام قبیله ای است در یمن و جنوب عربستان . (1)

وی چهل مرتبه به حج مشرت شده است . با امام رضا ، امام جواد ، امام هادی وامام عسکری (ع) هم عصر بوده واز طرف امام جواد (ع) وکالت داشته و در یکی از نامه های امام

جواد (ع) به او آمده است : به دوستانم در همدان نامه نوشتم و در آن نامه به آنان دستور دادم که از تو پیروی کنند و به آن ها تذکر دادم که جز تو من نماینده ای در همدان ندارم .

بدون این که از امام عصر (ع) درباره او سؤالی بشود ، توقیعی در

1 . معارف ومعاریف ، ج 1 ص 92 1 .

2 . آخرین امید ، داود الهامی ص 120 .

ابراهیم بن ادریس

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته واز آن خبر داده است . (1)

وی فرمود : من پس از رحلت یازدهمین امام نور ، فرزند گرانمایه اش حضرت مهدی (ع) را که گویا جوانی بیست ساله بود ، زیارت کردم وپیشانی و دست مبارک او را بوسه باران ساختم .

1 . بحارالانوار ج 52 ص 14 غیبه طوسی ص 163 .

ابراهیم بن مهزیاراهوازی

کنیه او " ابو اسحاق " است .

ابن طاووس او را از سفرای معروف حضرت ولی عصر (ع) شمرده وگفته که در این امر ، نزد شیعه اختلافی نیست .

مهزیار ، سه پسر داشته ، اولی و مشهور آن ها علی ، دومی ابراهیم وسومی داود است که همگی از فقها واز اصحاب ائمه (ع) بودند . علی که خدمت امام زمان (ع) رسیده ، فرزندابراهیم بن مهزیار بوده است . (1)

1 . معارف و معاریف ج 1 ص 193 .

آبقَع

درلغت به ابلق یعنی هر شیء سیاه و سفید و به خصوص به کلاغ سیاهی که با سفیدی آمیخته باشد و به هر شخص پلید و به ابرص وشورزا وکسی که لباس وصله دار و رنگارنگ بپوشد ، گفته می شود . (1)

از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) روایت شده که خروج ابقع در مصر و به دنبال دیده شدن ستاره دنباله دار وکسوف خورشید و خسوف ماه خواهد بود که همه این ها در نزدیکی ظهور روی خواهد داد . (2)

1 . لسان العرب به نقل از روزگاررهایی ، ج 2 ، ص 997 .

2 . روزگار رهایی ج 2 ، ص 993 .

ابن ابی العزاقر

شلمغانی به ابن العزاقر وابن ابی العزاقر معروف بود . (1)

1 . غیبه طوس ص 303 .

ابن ابی زینب

همان محمد بن ابراهیم نعمانی مؤلف کتاب الغیبه است . (1)

به ابن زینب نیز معروف است .

1 . آخرین امید داود الهامی ص 166 .

ابن انباری

کمال الدین احمد بن محمد بن یحیی انباری ، درسال 543 حدود نهصد سال پیش داستانی را که از بسیاری جهات ، مشابه داستان جزیره خضراء است نقل کرده است .

راوی داستان ابن انباری ، مسیحی است و این داستان درکتاب بحارالانوارج 53 ، ص 213 آمده است . نقاط اشتراکی که در دو داستان علی بن فاضل وابن انباری وجود دارد این هااست :

الف . محل سکونت امام زمان (ع) و فرزندانش در جزایری میان دریاست . ب . امام زمان (ع) اکنون دارای همسر و فرزند است .

جزیره ها بسیار باصفا و سرسبز و خرم اند ، که در نقاط دیگر نظیر ندارند .

مسأله رؤیت و دیدن امام زمان (ع) .

نظم اجتماعی ورفاه وکیفیت سلوک مردم در آن جزایر بسیار عالی است .

راوی اصلیِ هر دو داستان ، مجهول الهویه اند . روایت ابن انباری گویای این مطلب است که امام (ع) در جزایر ناشناخته ای در دریای مدیترانه فرزندانی دارد .

ابن جنید

ابو علی محمد بن احمد بن جنید بغدادی مشهور به " ابن جنید " از اعاظم فقهای امامیه واکابرعلمای شیعه واز مشایخ شیخ مفید و مشایخ نجاشی وشیخ طوسی بوده است .

او نخستین کسی است که باب اجتهاد را مفتوح ساخته ویا این که او در این امر ازحسن بن ابی عقیل پیروی نمود . لذا از این دو بزرگوار در السنه فقها به قدیمین تعبیر می کنند . مرحوم نجاشی پس از آن که وی را به وجه فی اصحابنا ، ثقه جلیل القدر

توصیف کرده گفته است : از بعضی بزرگان شیعه شنیدم می گفت : مبلغی مال وشمشیری از حضرت صاحب (ع) به نزد او بود که در مرض موت ، آن ها را به کنیزش سپرد . از مؤلفات وی : الالفه التراقی الی علی المراقی ، نثرطوبی ، ازاله الران عن قلوب الأخوان ، الاحمدی فی الفقه المحمدی ، الافهام لأصول الأحکام ، احکام الصلاه ، استخرج المراد من مختلف الخطاب است . به قولی ، وی در سال 381 در ری درگذشت . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 1ص 250 .

ابن حسام

ابن حسام خوسفی متوفای 875 ق شاعر پر آوازه آیینی در سده نهم هجری است .

دیوان اشعار او از مناقب آل الله سرشار ومعطر است ، خصوصاً شیفتگی بسیاری را نسبت به ساحت مقدس حضرت ولی عصر (ع) نشان می دهد (1)

ای صبا افتان وخیزان تا به کی

غالیه برخاک ریزان ، تا به کی؟

قصه ازشاه ولایت گوی وبس

داستان پوردستان تا به کی؟

عالم ازظلمت ، سواد شب گرفت

آخرای خورشید تابان تا به کی؟

مرحبا ای مهدی آخرزمان

آشکارا باش پنهان تا به کی؟

ابن حسام سه ترکیب بند مناقبی در ستایش حضرت ولی عصر (ع) دارد که در پیشینه شعر مهدوی در زبان فارسی بی سابقه است (2)

1 . معارف ومعاریف ج 1ص 250 .

2 . سیمای مهدی موعود (ع) درآینه شعرفارسی ، محمدعلی مجاهدی ص 82 .

ابن حوشب

ابوالقاسم رستم بن حسین بن فرج بن حوشب بن زاذان نجارکوفی ملقب به منصور الیمن از داعیان اسماعیلی سده سوم هجری بود .

وی از مدعیان مهدویت بود و لقب منصور به داعیه او دلالت دارد چون در سرزمین یمن ، مهدی را منصور می خوانند . وی اصلا ایرانی و از اهالی کوفه و نخست ، شیعه دوازده امامی بود ولی پس از رحلت امام عسکری (ع) به اسماعیلیه گروید .

وی در 270 ق از قادسیه به یمن آمد و مانند عباسیان ، بی ذکر نامی خاص به الرضا من آل محمد دعوت کرد . نخست دژ استواری درکوه لاعه برآورد وپس از آن که سپاهی بر خود

فراز آورد وکارش بالا گرفت ، دست به تسخیر شهرهای عمده یمن از جمله صنعا زد و داعیانی ازسوی خود به سراسر نواحی یمن وبحرین ویمامه سند وهند ومصر ومغرب فرستاد .

ابو عبدالله شیعی ، داعی فاطمیان در شمال افریقا ، پیش از عزیمت به این سرزمین ، چند گاهی در یمن ، پیش ابن حوشب به سر برد ودر مجالس او حاضر شد ، دقایق ورموز دعوت را از او بیاموخت . در 302یا 303 امام زیدی یمن ، دمت ابن حوشب وعمالش را از یمن کوتاه کردند . (1)

1 . معارف معاریف ج 1 ص 254 .

ابن شاذان

اسم او محمد بن شاذان بن نعیم نعیمی نیشابوری است . (1)

شیخ صدوق او را در ردیف ده نفر دیگراه دو نفرشان از نواب خاصه هستند- عثمان بن سعید و محمد بن عثمان- ذکرکرده واو را از نائبان منصوب از سوی امام قائم (ع) دانسته است . لکن ابن طاووس او را جزء نائبان با واسطه دانسته وازکسانی محسوب داشته که از معجزات حضرت آگاهی پیداکرده و آن حضرت را زیارت کرده است (2)

1 . آخرین امید داود الهامی ص229 .

2 . همان داود الهامی ، ص 181 .

ابن متیلی

یکی از وکلای محمد بن عثمان- نائب دوم - در بغداد بود .

مرحوم صدوق گزارشی را از دیدار سری محمد بن عثمان با ابن متیل نقل می کند (1) طبق این گزارش محمد بن عثمان با ابن متیل در یکی از خرابه های عباسیه بغداد دیدارکرددر آن جا نامه ای که امام دوازدهم به او نوشته بود ، خواند وسپس آن را از بین برد (2) .

این مطلب بیانگر این است که روابط نائب دوم با وکلای خود بسیار دقیق بود تا هیچ رد پایی را به مقامات دولتی نشان ندهد و جان خود وامام و وکلای خود را از خطر محفوظ بدارد . چون جعفر بن احمد بن متیل از

دوستان نزدیک محمد بن عثمان بود ، برخی گمان می کردند که " محمد بن عثمان " امر وکالت و سفارت حضرت را پس از خود به او خواهد سپرد .
چون هنگام وفات محمد بن عثمان فرا رسید

، ابن متیل در بالای سر او وحسین بن روح در پایین پایش نشسته بودند .

محمد بن عثمان در آن حال به ابن متیل روکرد وگفت : من مأمور شدم که حسین بن روح را وصی گردانم وامور را به او واگذارم . وقتی ابن متیل این سخنان را شنید از جای خود بلند شد ودست " حسین بن روح " را گرفت واو را در بالای سر محمد بن عثمان نشانید وخود در پایین پای او نشست . (3)

1 . غیبه طوسی ص 201 به نقل از آخرین امید ص291 .

2 . همان

3 . خورشید مغرب حکیمی ص46 .

ابن مغازلی

ابوالحسن علی بن محمد بن طبیب واسطی " معروف به ابن مغازلی " فقیه شافعی است .

کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان " از تألیفات اوست . وی از علمای اوائل سده چهارم هجری بوده و به چهار واسطه از ابوصلت هروی حدیث نقل می کند (1)

ا . معارف ومعاریف ج ا ، ص 303 .

ابن یمین

امیر فخرالدین محمود ابن یمین (فریومدی) متوفای 769 قمری شاعر پرآوازه شیعی در سده هشتم هجری ، قصایدی در مدح ذوات مقدس معصومین (ع) دارد از جمله آن هاست :

بعد ازو ، صاحب زمان کز سال های دیرباز

دیده ها در انتظار روی آن فرخ لقاست

چون کند نور حضور او جهان را با صفا

هرکژی کاندر جهان باشده شود یک باره راست

این بزرگان هر یکی را در جناب ذوالجلال

از بزرگی رفعتی فوق سماوات العلاست

برامید آن که روز حشر ازین شاهان ، یکی

گوید : این ابن یمین از بندگان خاص ماست

این عنایت بس بود ابن یمین راه بهر آنک

هرکه باشد بنده شان در این دو دنیا پادشاست (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآیینه شعرفارس ، محمدعلی مجاهدی ، ص 82 .

ابوالادیان

ازکسانی است که بر جنازه امام حسن عسکری (ع) نماز خوانده و در مراسم تشییع جنازه ، حضرت بقیه الله (ع) را دیده است (1)

می گوید : وارد خانه امام حسن عسکری (ع) شدیم و با جنازه آن حضرت مواجه گشتیم . برادر امام حسن عسکری (جعفرکذاب) جلو آمد که بر نعش برادر نماز بخواند . چون دست ها را برای تکبیر بالا برد ، کودکی در صحن خانه ظاهر شد و عبای جعفر را گرفت وکشید ، و در آن حال فرمود : ای عمو برو عقب . برای نماز پدرم من از همه شایسته ترم . جعفر در حالی که رنگش پریده بود ، خود را به عقب کشید و آن

کودک بر جنازه پدرش نمازگزارد . آن گاه جنازه امام (ع) درکنار قبر پدر بزرگوارش امام هادی (ع) دفن شد (2)

1 . روزگار رهایی ج 1 ، ص164 .

2 . بحارالانوارج52 ص 67 منتخب الاثر ص367 الزام الناصب ص 108 .

ابوالعنبس

ابو العنبس محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی مؤلف کتاب صاحب الزمان (ع) است .

این کتاب ، نخستین کتابی است که از طرف علمای اهل سنت ، در حق آن حضرت نگارش یافته است . ابو العنبس از علمای بزرگ قرن سوم ، و متوفی 275 هجری است و احتمالا تألیف این کتاب ، پیش از ولادت حضرت بقیه الله (ع) 255ه . باشد (1)

1 . روزگار رهایی ج 1 ، ص 15 .

ابو حامد عمران بن مفلس

وی از دستیاران قاسم بن علاء- کارگزار حسین بن روح در آذربایجان- بود (1)

1 . تاریخ سیاسی غیبه امام دوازدهم (عج) ص 197 .

ابوسهل نوبختی

اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت دانشمندی معروف واهل بحث ومناظره با مخالفان شیعه بود که سی وهفت کتاب ورساله داشت (1)

عده ای از ابوسهل نوبختی سؤال کردند : چطور شد امر نیابه به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح واگذار شد ولی به تو واگذار نشد او پاسخ داد : آنان ائمه (ع) بهتر از هرکس می دانند چه کسی را به این مقام برگزینند (2) .

من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم وبا ایشان مناظره می کنم . اگر آن چه را که ابوالقاسم درباره امام می داند می دانستم ، شاید در بحث هایم با دشمنان وجدال با آنان ،

می کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم ودر نتیجه ، محل اقامت او را آشکار سازم اما اگرابوالقاسم ، امام را در زیر جامه خود پنهان کرده باشد ، بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد ، هرگز چنین نخواهد کرد . (3)

ابو سهل نوبختی از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافت (4)

و بر جنازه پدر حضرت نماز خوانده است .

1 . خاندان نوبختی ص 122 و 123 .

2 . غیبه طوسی ص 391 .

3 . بحارالانوار ، ج 51 ص 5 کمال

الدین ج 2 ، ص 104-114 .

4 . بحارالانوار ج 2 ، ص 6 .

ابو عبدالله بزوفری

شیخ طوسی از برخی علویان روایت کرده که می گوید : من در شهر قم بودم ، میان شیعیان گفت و گویی درباره شخصی که منکر فرزند خود شده بود ، درگرفت وقرار شد از شیخ- نایب دوم یا سوم- سؤال شود ، من نزد ایشان بودم که نامه سؤال را به او دادند . وی نامه را نخواند وگفت : این نامه را نزد ابو عبدالله بزوفری ببرید تا پاسخ دهد . نامه را نزد او بردند ومن نیز در آن جا حاضر بودم . وی پاسخ داد که این فرزند مال همین شخص است ودر فلان روز و فلان جا با مادر او همبستر شده است . نامش را محمد بگذارند . نامه رسان به شهر خود رفت و داستان را به آن ها گفت و مسأله روشن شد وپس از مدتی فرزند متولد شد ونام او را محمد گذاشتند .

این روایت نشان می دهد که بزوفری معلوماتش را مستقیماً یا به واسطه نواب خاص ، از خود آن حضرت فرا می گرفته است . نجاشی درکتاب رجال ، وعلامه در الخلاصه می گوید : او مردی بزرگوار و مورد اطمینان و شخصیتی جلیل القدر است (1)

1 . آخرین امید داود الهامی ، ص 119 .

ابو علی حجدر

از دستیاران " قاسم بن علاء " کارگزار حسین بن روح در آذربایجان بود . (1)

1 . تاریخ سیاسی غیبه امام دوازدهم (عج) ص 197 .

ابوغالب

احمد بن محمد بن سلیمان بن حسن بن جهم بن بکیربن اعین بن سنس شیبانی معروف به ابوغالب ، یکی از افراد خاندان معروف آل اعین و از غیر نژاد عرب بود .

شیخ طوسی در فهرست می گوید : ابوغالب زراری از بکیریون بود و بکیریون زراریان اند وتا زمان ابی محمد (ع) به بکیری معروف بودند تا تو قیعی از ابی محمد (ع) صادر شد و در آن ، نام او ابوطاهر زراری آمده بود . عبارت توقیع این بود فاما الزراری رعاه الله ازاین پس این خاندان خود را زراری خواندند .

ابوغالب در روزگار خویش ، شیخ اصحاب امامیه واستاد وفقیه آنان بود واو را کتبی است از جمله کتاب التاریخ وادعیه السفر الافضال و مناسک الحج الکبیرو . . . . وی در سال68 درگذشت وقبر او در نجف اشرف است . ابوغالب ، در زمان غیبه صغری ، با سفراء اختصاص داشته است (1)

1 . معارف ومعاریف 6 ج 51 ص 365 .

اولین مدعی نیابت

طبق قول شیخ طوسی اولین کسی که به دروغ ، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان (ع) کرد ، شخصی معروف به شریعی بود .

ابو محمد حسن شریعی از اصحاب امام هادی وامام حسن عسکری (ع) بود که بعداً منحرف شد . (1)

گفتنی است ادَعای دروغین نیابت وی در دوران نایب دوم- محمد بن عثمان- بوده که محمد بن عثمان نیز ری را رسواکرده است .

1 . غیبه طوسی ص 397 .

ابو محمد حسین بن ابراهیم

او ابو محمد حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المکتب المؤدب الرازی است .

مکتب یعنی کسی که فن کتابت می آموزد ومؤدب ، یعنی مربی قرآن , وی در ری به همراه علی بن عبدالله وراق ومحمد بن احمد صنانی که مانند وی ، مکتب بود . وبه چنین کاری اشتغال داشته است ، از مشایخ شیعه حدیث نقل می کرد . وبه کتابت می پرداختند . (1)

کسانی که ابو محمد از آنان حدیث نقل کرده عبارتند از : ابو علی محمد بن همام در بغداد ، محمد بن یعقوب کلینی ابوالحسین محمد بن جعفر

الاسدی در ری ، علی بن ابراهیم بن هاشم در قم ، احمد بن یحیی بن زکریاقطان .

ابو محمد حسین بن ابراهیم ، در ری از ملازمان ابوالحسین محمد بن جحفر اسدی 312 وازسفرای مورد ستایش بوده است . ابو محمد ، برای پیگیری مسائل و احتمالا دیدار با حضرت حجه (ع) به بغداد سفر می کند ودر آن جا نزد یکی از بزرگان شیعه ، به نام :

ابوعلی محمد بن همام . 336 می رود ودرباره دیدار با حضرت ، با او به گفت وگو می پردازد . ابو علی نیز دعایی را که عمری- از نایبان چهارگانه- به وی آموخته ، برای او ذکر می کند . در آن دعا ، این مضمون آمد . " خدایا از تو می خواهم ولی امرت را به من بنمایانی " (2)

وی ، به دیدار سمری می رود ودر یکی از این دیدارها که شش روز پیش از فوت سمری بوده ، توقیع شریف صادر می شود واز آن جا که ابو محمد حسین بن ابراهیم ، استاد خط بود . وعلاقمند به جمع آثار خاندان عصمت وطهارت ، آن توقیع را استنساخ می کند وبعدها که به ری باز می گردد ، برای شیخ صدوق باز می گوید .

این توقیع ، چون از متن اصلی استنساخ شده ، اعتبار ویژه دارد . تردید در توقیع مذکور به معنای انکار یکی از معجزات حضرت حجت (ع) است زیرا در این توقیع ، خطاب به سمری بیان شد . که : تو تا شش روز دیگر از دنیا می روی وراوی می گوید : روز ششم ، وی از دنیا رفت . از این روی ، شیخ حر عاملی در اثبات الهداه (3) ، این توقیع را در باب معجزات حضرت می آورد . علاوه بر این ، راوی این توقیع صدوق است که از مشایخ معتمد خودنقل می کند . (4)

1 . چشم به راه مهدی ، ص 73-104 .

2 . کمال

الدین . ص 512 .

3 . اثبات الهدی ج 3 ص693 .

4 . چشم به راه مهدی ص ، 58 .

ابو ها شم جعفری

اسم اوابوهاشم داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب معروف به جعفری است . سید بن طاووس نوشته است که او از جمله نمایندگان ونواب معروفی است که شیعیان قائل به امامت حضرت عسکری (ع) در نیابت آن ها اختلافی ندارند ونیز مؤلف کتاب الزام الناصب نیز او را از نائبان بی واسطه حضرت ولی عصر (ع) دانسته است (1)

شیخ حر عاملی درباره او می گوید وی از اهالی بغداد بوده ، ثقت و جلیل القدر و دارای شخصیتی ارزنده و مورد احترام ائمه (ع) می باشد . امام جواد ، امام هادی و امام عسکری (ع) را در کرده و در خدمت آن ها بوده است شده که حضرت رضا (ع) را نیز درک کرده است . (2)

درکتاب الفهرست شیخ طوسی آمده است که : او امام رضا ، امام جواد ، امام هادی وامام عسکری (ع) و وجود مقدس امام زمان (ع) را زیارت کرده واز آن هاروایت نموده است (3) وی در سال 261از دنیا رفت وظاهرا در بغداد به خاک سپرده شد (4)

ا . آخرین امید داود الهامی ص 121

2 . وسا یل الشیعه ج 20ص 190 .

3 . جامع الرواه ، ج 1 ، ص 307 رجال شیخ طوسی ص 414

4 . معارف ومعاریف

ج 1 ص 487 .

ابوالدنیا

" علی بن عثمان مغربی " ، مرد افسانه در طول عمر بود .

خطیب درتاریخ بغداد آورده که وی در عهد خلافت ابی بکر متولد شد وبه همراه پدر رهسپارکوفه گشت که به خدمت امیرالمؤمنین (ع) برسد ، ولی پدرش در راه مرد و خود به نزد امیرالمؤمنین (ع) آمد و حضرت ، حال پدر را از او پرسید . وی گفت : در بین راه به چاه آبی رسیدیم که تشنه بودیم ، من از آن آب نوشیدم ، ولی چون نوبت به پدرم رسید ، چاه از نظر ما پنهان شد وپدر ، از تشنگی مرد . حضرت فرمود : تو عمری دراز خواهی کرد ، زیرا هرکه از آن چاه بنوشد ، عمرش طولانی می شود . او در سال 300 به بغداد آمد وشنیدم که به سال 327 از دنیا رفته است (1)

1 . بحارالانوار ج 41 ص 311 .

ابوالقاسم حسن بن احمد

وکیل محمد بن عثمان- نائب دوم در سامرا بود که با نائب دوم وهم با امام (ع) تماس مستقیم داشت (1)

1 . غیبه طوسی ص 205 (به نقل ازآخرین امید ، ص 90)

ابوبکر بغدادی

از مدعیان دروغین نیابت در دوران نیابت محمد بن عثمان بود .

اسم اومحمد بن احمد بن عثمان است که برادر زاده محمد بن عثمان- نایب دوم- ونوه عثمان بن سعید- نایب اول امام زمان (ع) می باشد . عموی او- محمد بن عثمان- انحراف او را می دانست ، ولیکن دیگران از آن خبری نداشتند . (1)

ابوبکر بغدادی در بصره وکیل یزیدی بود . مدتی در آن سمت ماند واموال بسیاری به چنگ آورد . آن گاه شکایت او را نزد یزیدی بردند ، یزیدی هم او را گرفت واموالش را مصادره کرد و ضرباتی چند ، بر سرش کوبید که چشمش آب آورد و با حاله کوری درگذشت . (2)

1 . بحارالانوارج 51 ص 269 .

2 . غیبه طوس ، ص 414 .

ابودلف کاتب

اسم او " محمد بن مظفر " است .

به ابوبکر بغدادی ایمان آورده وابوبکر بغدادی ، هنگام مرگش به او وصیت کرد واو را نائب خود دانست . پس از فوت علی بن محمد سمری ، ابودلف ادعای نیابت از سوی امام زمان (ع) کرد ، با این که از آن حضرت ، توقیعی صادر شده بود که دیگر پس از علی بن محمد سمری نائب خاص نخواهد داشت . (1)

یکی از نزدیکان محمد بن عثمان گفت : ابودلف قبلاً کارش جمع آوری خمس اموال شیعیان بود ، زیرا وی در میان شیعیان کرخ تربیت شده و شاگردی آن ها را کرده بود . مردم کرخ هم خمس مال خود را می پرداختند وهیچ

یک از شیعیان در این خصوص تردید نداشتند . ابودلف هم این معنی را اعتراف می کرد وبه آن افتخار می نمود . او بعدها منحرف شده ومی گفت : آقای من شیخ صالح ابوبکر بغدادی (مرا از مذهب ابوجعفرکرخی) محمد بن عثمان به مذهب خود یعنی مذهب ابوبکر بغدادی منتقل نمود . (2)

سپس شیخ طوسی اضافه می کند : جنون ابودلف وحکایات فساد مذهب وی ، بیش از این است که شماره شود

1 . آخرین امید ، داود الهامی ص 130 .

2 . غیبه طوسی ص 256 بحارالانوار ، ج 51 ص 379 .

احبشیه

در کتاب منتخب البصائر از دو زن به نام " احبشیه و " وتیره " نام برده شده است که از اصحاب ویاوران حضرت قائم (ع) شمرده شده اند . (1)

1 . بیان الائمه ج 3 ص 338 (به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی طبسی ص 69)

احمدالکاتب

احمد الکاتب در اصل یک معاود عراقی به نام عبدالرسول لاری است که ازکربلا به ایران آمد ومدتی هم طلبه بود تا اینکه به خاطر ضعف علمی اش سست ومنحرف شد وپس از مدتی منکر امامت حضرت مهدی (ع) شد وبه لندن رفت و آن ها هم به او پناهندگی دادند وبا کنفرانس های مختلف در استانبول و دیگر جاها بزرگش کردند که این متفکر شیعه است و نظریه جدید دارد . او را به سایت های اینترنت هم کشاندند ، اما بعداً که ثابت شد پایه فکری ندارد و شخص دروغگویی است و نقل هایش دقیق نیست ، خودشان او را کنارگذاشتند (1)

وی در سال 1997 میلادی کتابی را با عنوان تطورالفکرالسیاسی الشیعی من الشوری الی ولا یه الفقیه در لندن منتشرکرده است .

نویسنده برای حذف دکترین ولایت فقیه از منشور معرفتی و اعتقادی تشیع ، می کوشد تا در این کتاب به تخربب پایه ها وزیرساخت های کلامی آن بپردازد . کاتب پس از طرح مدعیات وارائه شواهد خود ، به این نتیجه گیری در عرصه اندیشه سیاسی اسلام می رسد که ولایت داشتن فقیه جامع الشرایط بر جامعه اسلامی بر اسامی انگاره نیابت عام فقها از امام در عصر

غیبت مبتنی است پس اگرثابت شود که اساسا امام عصری وغیبتی درکار نیست ، منطقاً مجالی برای طرح ولایت فقیه باقی نمی ماند . محقق ارجمند جناب سید ثامر هاشم العمیدی- مسئول مرکزتحقیقات ولی عصر- دوکتاب در نقد نظریه واثر احمد الکاتب تألیف کرده است :

1 . المهدی المنتظر فی الفکر الاسلامی ، 2 . الامامه والمهدی فی تطؤر الفکر السیاسی الشیعی

من الشوری الی ولایه الفقیه .

مؤلف کوشیده است این حقیقت را درکمال وضوح باز نماید که سخنان احمد کاتب در مجال علم الحدیث وتاریخ سیاسی- اجتماعی عصر عباسی ، اظهار نظرهایی غیر تخصصی است و از منظرکارشناسی فاقد اعتبار و وجاهت علمی است . (2)

لازم به ذکر است که کتاب اول سید ثامر هاشم العمیدی را جناب آقای مهدی علیزاده با عنوان " درانتظارققنوس " ترجمه کرده است .

1 . نشریه موعودش 25 ص 20 .

2 . در انتظار ققنوس ص 33 .

احمد امین مصری

احمد امین مصری محقق و نویسنده ای توانا است ، اما در عین حال متعصب .

وی کتابی به نام المهدی والمهدویه نوشته و هدف اصلی او در واقع ، انکار وجود مهدی (ع) و رد شیعه است . اگر چه آن کتاب سخنان ضد ونقیض بسیاری دارد ومی توان از لابه لای کلامش حقانیت شیعه را در ادعا واصالت مهدویت اثبات کرد ، ولی در صفحه 13 و14 صریحاً می گوید : فکر مهدویت را شیعه در میان ایشان اهل مغرب انتشار داده است .

این کلمه را بر زبان مردی ماهر ، به نام عبدالله الشیعی نهاده است که

وی مردم را به مهدی منتظر خوانده است . (1)

1 . سیمای آفتاب حبیب الله طاهری ص 23 .

احمد بن اسحاق اشعری

اسم او احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک احوص اشعری قمی وکنیه اش ابو علی است .

از شخصیت های معتبر ومعتمد وموثق شیعه قم و رابط میان مردم قم وحضرات ائمه (ع) واز امام جواد وامام هادی (ع) حدیث نقل نموده واز خاصان امام عسکری (ع) بوده حضرت ولی عصر (ع) را ملاقات کرده است .

او مردی جلیل القدر و عظیم الشأن بوده که توسط حسین بن روح- نایب خاص امام عصر (ع) - جهت رفتن به حج ، از حضرت اجازه گرفت و حضرت در اجازه ای که به وی داد از مرگش نیز خبر داد و در بازگشت از حج ، در منزل حلوان بدرود حیات گفت . (1)

اشعریان ، خاندانی عرب تبار از مردم قم بودند که به تشیع معروف بودند . از میان آن ها رجال ودانشمندان شیعی فراوانی برخاسته اند . این خاندان اصلاً از اعراب قحطانی یمن بودند و چون جد اعلای ایشان به نام ادریه ، هنگام زادن ، سر پرمو داشت به اشعر یعنی پر مو- شهرت یافت واین نام در فرزندان او ماند .

نخستین کسی از اشعریان که به آیین اسلام درآمد ، مالک بن عامر بود که در مدینه به حضور پیغمبر (ص) رسید ودر اسلام ، پایگاهی بلند یافت . از حضرت رسول (ص) روایاتی در مدح نیکان

آن ها آمده است از جمله : خداوند ، اشعرک را از خرد وکلان بیا مرزد .

شمار محدثان اشعری چندان زیاد بوده که تعداد آنان را بیش از صد تن دانسته اند وبسیاری از ایشان ، با حضرات ائمه (ع) در تماس بوده و بی واسطه از آن ها حدیث نقل می کردند چنان که دوازده تن از فرزندان سعد بن عبدالله اشعری ، در شمار راویان حدیث از امام صادق (ع) بوده ا ند . (2)

احمد بن اسحاق می گوید : به محضر امام حسن عسکری (ع) مشرف شدم ، می خواستم که از ایشان سؤال کنم که جانشین پس از آن امام همام (ع) کیست؟ بدون اینکه سؤال خود را مطرح کنم ، حضرت (ع) خود فرمودند : ای احمد بن اسحاق خداوند از زمان خلقت آدم (ع) تاکنون ، زمین را از حجت خالی نگذاشته وتا قیامت نیز چنین خواهد بود تا به واسطه او بلا از اهل زمین دور مانده وباران نازل شود وزمین برکات خود را خارج کند .

عرض کردم : ای فرزند رسول خدا امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ آنگاه امام حسن عسکری (ع) از جا برخاستند و وارد اطاقی شدند و در حالی که پسر بچه ای را که سه سال بیشتر نداشت در آغوش داشتند ، خارج شدند . در حالی که چهره آن طفل چون ماه شب چهارده می درخشید ، فرمودند : ای احمد بن اسحاق اگر نبود کرامتی که در نزد خدا وحجج

الهی داشتی ، فرزندم را به تو نشان نمی دادم . او همنام وهم کنیه رسول الله (ص) است وزمین را آنگاه که از ظلم و جور انباشته شده باشد ، پر از عدل و داد می کند . ای احمد بن اسحاق او در این امت مانند حضرت خضر (ع) و ذی القرنین می باشد . خداوند او را از دیده ها غا یب می کند و هیچ کس غیر از آن ها که بر عقیده به امامت ثابتند وبرای تعجیل در فرجش دعا می کنند ، از مهلکه غیبت او رهایی نمی یابند .

عرض کردم : مولاجان آیا علامتی هست که قلبم به آن اطمینان پیداکند ؟ در این هنگام آن پسر بچه به زبان عربی فصیح گفت : من بقیه الله در زمین هستم وانتقام گیرنده از دشمنان خدا ، پس بعد از اینکه به عینه مشاهده کردی ، علامتی را جستجو مکن آن روز خوشحال و شاد از محضر امام (ع) خارج شدم . فردا دوباره به حضور امام (ع) شرفیاب شدم و عرض کردم : ای فرزند رسول خدا بسیار از آن چه به من ارزانی فرمودید ، مسرور شدم . اما آن سنت جاریه ای که فرمودید از خضر (ع) و ذی القرنین در ایشان موجود است ، چیست ؟ فرمودند : غیبت طولانی اوست . عرض کردم : مگر غیبت او باید طولانی شود؟ فرمودند : آری ، قسم به خدا آن قدر طولانی که اکثر آن هایی که قائل به وجود او خواهند بود ، از

عقیده خود باز خواهند گشت وجز آن هایی که خداوند از آن ها به ولایت ما پیمان گرفته است وایمان را در قلب شان تثبیت نموده است و آن ها را به روحی از ناحیه خویش تأیید فرموده ، کسی در این اعتقاد باقی نمی ماند . ای احمد بن اسحاق (ع) این امری است از امر خدا وسری است از اسرار خدا وغیبی است از غیب خدا . آن چه را که به تو دادم بگیر وپنهان دار واز شاکرین باش وفردای قیامت در اعلی علیین درکنار ما باش (3)

1 . بحارالا نوار ، ج 2 ص 286

2 . معارف ومعاریف ج 2 ، ص 247 .

3 . بحارالانوار ج 52 ، ص 23 و 24 .

احمد بن عبدالله هاشمی

از زیارت کنندگان حضرت مهدی (ع) وکسانی است که بر جنازه پدر حضرت نماز خوانده است (1)

1 . روزگار رهایی ج 1ص 164 .

احمد بن محمد زجورجی

از وکلای محمد بن عثمان نائب دوم حضرت درکوفه بود که خاندان او این سِمت را از زمان نائب اول به عهده داشتند و همین مسؤولیت را در زمان نائب سوم هم عهده دار بودند . (1)

1 . غیبت طوسی ص 227 به نقل از آخرین امید ص 89 .

احمد بن هلال

احمد بن هلال عبرتایی کرخی بغدادی از مدعیان دروغین نیابت در دوران نایب دوم بوده است .

وی پس از وفات نایب اول ، منکرِ وکالت محمد بن عثمان شد وخط انحرافی را پیش گرفت . بیشترکتب رجالی او را ملقب به عبرتائی می دانند . (1)

وشیخ طوسی او را کرخی نامگذاری کرده (2) و بغدادی نیز درباره اوگفته شده است (3)

وی در سال 180 ه . ق در عبرتا که روستایی بزرگ و از نواحی نهروانِ بغداد است متولد شد ودر سال 267 ه . ق از دنیا رفت . (4)

او قبل از انحرافش از شخصیت والایی برخوردار بوده وعالمی برجسته وعارفی متقی محسوب می شده است . او از عصر امام رضا (ع) بوده تا هفت سال گذشته از غیبت صغری ، وعبارات بعضی از علمای رجال دلالت بر مقام والای او دارد . نجاشی در رجال خویش می گوید : او صالح الروایه است و دوکتاب برای وی ذکرکرده است ، کتاب یوم ولیله و نوادر (5)

احمد بن هلال پنجاه وچهار بار به حج رفته است وبیست نوبت از آن را با پای پیاده حج نموده است . (6)

در

توقیعی از ناحیه مقدسه که به دست حسین بن روح- نایب سوم- صادر شد ، حضرت وی

را لعنت کرده و به شیعیان امرکرده بود که از وی دوری جویند . (7)

آیت الله خویی رحمه الله می نویسد : شکی نیست که احمد بن هلال از نظر عقیده فاسد است وقابل اعتماد نیست ، بلکه از زندگی او استفاده می شود که به چیزی پای بند نبوده است لذا گاهی غلو می کرده وگاهی اعمال ناصبی بودن از او ظاهر می شده است . . .

1 . فهرست ص 50 رجال طوسی ، ص410 .

2 . غیبت طوسی ص 399 .

3 . رجال طوسی ص 410 .

4 . فهرست ص 50 رجال نجاشی ج 1 ص 218 .

6رجال نجاشی ج 1 ص 218 .

5 . اختیار معرفه الرجال ج 2 ص 816 .

6 . غیبه طوسی ص 399 .

7 . معجم رجال الحدیث ج 2 ص 348 .

احمد بن ابراهیم

معروف به ابوحامد مراقی ، از یاران امام حسن عسکری (ع) به شمار آمده است .

شیخ کشی روایتی از وی نقل کرده متضمن نامه ای از حضرت ولی عصر (ع) که در مورد او به ابوجعفر قمی عطار رسیده و آن حضرت درباره وی دعای خیر فرموده است . (1)

1 . معا رف ومعاریف ، ج 1ص594 .

اخنس

نویسنده کنزالعمال در کتاب برهان ص 200 به نقل از تاریخ ابن عساکر از پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمود :

مردی از قریش به نام اخنس در مصر وجود دارد که به قدرت می رسد . آن گاه بر اوپیروز می شوند ویا قدرت از اوگرفته می شود وبه مردم می گریزد ورومیان را به اسکندریه می آورد و در آن جا با مسلمانان به نبرد می پردازد واین نخستین حادثه است . منظور از حادثه ، حوادث ظهور حضرت مهدی (ع) است . (1)

اسحاق احمر

اسم اوابراهیم بن اسحاق احمری وکنیه او ابو اسحاق نهاوندی است . فردی ضعیف الحدیث ودر دین خود متهم می باشد واحادیث منقول از وی نیز قابل اعتماد نیست . وی کتاب هایی نوشته که یکی از آن ها درباره " غیبت " است (1)

درکتب رجالی ، تصریح به ادعای دروغین نیابت او نیست ، امَا حدیثی در " بحارالانوار " وجود دارد که در آن حدیث ، نیابت دروغین وی وباقطانی فهمیده می شود .

خلا صه آن حدیث این است که : احمد دینوری می گوید : من از اردبیل به قصد حج به دینور آمدم و در آن موقع یکی دو سال از رحلت امام حسن عسکری (ع) می گذشت ومردم در خصوص آن حضرت ، متحیَر بودند . مردم دینور از آمدن من خوشحال گشتند ، شیعیان آن جا نزد من جمع شدند واموالی را که حدود سیزده هزار دینار نزد آن ها برای امام جمع شده بود ، تحویل من دادند

تا به سامرا برسانم و رسید و قبض آن را برای آنان بیاورم . حرکت کردم و چون به بغداد رسیدم ، درباره نایب امام تحقیق می کردم . به من گفتند : مردی در این جاست که او را باقطانی می گویند ومدعی نیابت است ودیگری معروف به " اسحاق احمر " است وسومی معروف به ابو جعفر عمروی منظور عثمان بن سعید عمری است نیز ادعای نیابت دارند من نخست از باقطانی شروع کردم و سری به وی زدم دیدم پیرمردی مهیب وسرشناس وبا شخصیت است .

اسبی عربی وغلامان بسیار دارد مردم بسیاری نیز دور او را گرفته و به گفت وگو می پرداختند داخل شده و سلام کردم . او هم به من مرحبا گفت و نزد خود جای داد و از دیدن من مسرور گردید . به قدری نزد وی نشستم که بیشتر مردم بیرون رفتند . باقطانی از مذهب من جویا شد . گفتم : من مردی از اهل دینور هستم ، مقداری اموال آورده ام که تسلیم کنم گفت : آن ها را بیاور . گفتم : می خواهم دلیلی بر اثبات نیابت شما داشته باشم ، سپس آن را تسلیم کنم . گفت : فردا نزد من برگرد . چون فردا نزد وی رفتم ، هیچ گونه دلیلی برای اثبات ادعای خود نیاورد روز سوم هم نزد وی رفتم ودلیلی نیاورد سپس سری به اسحاق احمرزدم . دیدم جوانی تمیز ، وضع او بهتر ، اسب ها ، لباس ها ، نفوذ وغلامانش بیشتر از باقطانی است .

مردمی که دور او بودند نیز از آن ها

که در نزد باقطانی بودند زیادتر بود . داخل شدم و سلام کردم . او نیز مرحبا گفت و مرا نزدیک خود نشانید من هم قدری صبرکردم که جمعیت کم شد . آن گاه پرسید : آیا حاجتی داری من هم همان جوابی را که به باقطانی داده بودم به او نیزگفتم واز وی دلیلی بر صدق ادعایش خواستم سه روزی در پی نزد او رفتم ، ولی او نتوانست برای اثبات نیابت خود دلیل بیاورد . آن گاه نزد ابوجعفر عمری رفتم واو را نایب حقیقی یافتم (2)

1 . رجال نجاشی ج 1ص 94 .

2 . بحارالانوار ج 1 ، ص 30 .

اسحاق بن اسماعیل

اسحاق بن اسماعیل نیشابوری ، طبق گفته شیخ طوسی در رجال ، از اصحاب امام حسن عسکری (ع) وثقه است .

او پس از وفات امام عسکری (ع) با سفرای امام دوازدهم (نواب اربعه) مکاتبه داشته است . نامه ای از امام حسن عسکری (ع) خطاب به وی درکتب رجال ثبت است که در آن نامه ، حضرت وی را با ابراهیم بن عبده نیشابوری ، وکیل خود تعیین کرده وبه مردم نیشابور سلام رسانده است . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 2 ص 168 .

اسحاق بن یعقوب

از چهره های مورد اعتماد شیعه است که در نامه ای ، مسائل مشکل خود را نوشته و از طریق محمد بن عثمان- از نائبان خاص حضرت- به دست حضرت مهدی (ع) رسانده است . حضرت در پاسخ وی نکاتی را مرقوم داشته اند .

- توقیع اسحاق بن یعقوب اسدی از القاب عثمان بن سعید نائب اول امام زمان (ع) بود .

اسکافی

ابو علی محمد بن همام اسکافی (258-332 ق) معروف به ابن همام وابو علی بن همام ، از مشاهیر علمای شیعه است .

اجدادش ایرانی وپیرو آیین زرتشت بودند . وی در غیبت صغری می زیست ، اما در زمره علمایی است که مستقیما از امام (ع) روایت نکرده اند .

همه رجال نویسان شیعه ، وی را ثقه می دانند . جعفر بن محمد بن قولویه ، محمد بن ابراهیم نعمانی ، ابو غالب زراری ، شیخ صدوق وتلعکبری شاگردان وی بودند و از او روایت کرده اند . (1)

1 . معارف ومعاریف ، ج 2 ، ص 178 .

اسماعیل بن علی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است (1)

1 . کمال الدین ج 2 ، ص 104- 14 1 ارشاد مفید ، ص 330 .

اسماعیل بن جعفر الصادق

اسماعیل بن جعفر الصادق بن محمد الباقر از همه فرزندان امام صادق (ع) بزرگتر ونزد پدر ، محبوبیت زیادی داشته و بدین دو سبب جمعی از یاران آن حضرت معتقد بودند که پس از درگذشت حضرت ، مقام امامت به وی منتقل می گردد .

او در حیات پدرش مرد و حضرت ، به جهت این که جای شبهه ای برای کسی نماند ، در مرگش تشریفات خاصی قائل شد . از جمله این که بر مرگ او بی تابی فراوان می نمود وپا برهنه جنازه اش را تشییع می کرد و دستور فرمود چند جا ، جنازه را به زمین بگذارند ودر هر بار ، کفن از صورت او برمی داشت تا مردم نگاه کنند وببینند وی مرده است .

از این رو ، جمع زیادی از آن ها که بر آن عقیده بودند ، از عقیده خود برگشتند ، ولی گروه اندکی باز هم بر عقیده خود باقی ماندند . آن ها نیز به دو فرقه شدند . فرقه ای گفتند : او زنده است و هم او مهدی موعود است . و فرقه ای گفتند : او مرده ولی امام پس از او ، فرزندش محمد بن اسماعیل است واکثر فرقه اسماعیلیه بر این عقیده اند . (1)

1 . بحارالانوارج 47 ، ص 242 .

اسماعیل بن موسی بن جعفر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است . (1)

1 . بحار الانوار ج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

اشعیا

یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که به آمدن عیسی ومحمد (ع) بشارت داد شعیا نیز گویند و نَسَبش به حضرت سلیمان (ع) می رسد .

درکتاب اشعیای نبی ، بشارت های فراوانی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است . (1)

1 . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص 23 .

اصهب

در لغت به معنای شتر سرخ مو شتر سفیدی که با سرخی آمیخته و نام چشمه ای در میان بصره و بحرین و به معنای دشمن است و به رومیان نیز از جهت رنگ چهره و دشمنی با اسلام گفته می شود . (1)

اصهب و ابقع دو رهبر مخالف سفیانی هستند که سفیانی بر آن ها پیروز شده و بر منطقه تسلط می یابد . روایات بسیاری به صورت متواتر رسیده که حاکی از درگیری بزرگ سفیانی با آنان در قرقیسیا ، واقع در مرز سوریه ، عراق و ترکیه می باشد . این نبرد از جنگهای بزرگ است که ازپیش وعده داده شده ، و انگیزه آن درگیری وکشمکش بر سرگنجی است که در مجرای نهر فرات و یا نزدیک آن کشف می شود (2)

در روایات آمده که اصهب کافر قیام نمی کند ، جز به هنگام شدت یافتن فتنه ها وکثرت حوادث و فجایع (3)

امام باقر (ع) نیز می فرماید : از شر اصهب ابرص پرهیزکن . پرسیدند : اصهب کیست؟ فرمود : ابرص . پس فرمود : از شر سفیانی نیز پرهیز کن و از شر آن عده از آل

محمد که شواذ دارند برحذر باش . (4)

در این حدیث ، اصهب و ابغع یک نفر معرفی شده که براساس احادیث دیگر ، دو نفر هستند . در این حدیث به شیعیان امر شده که تحت تأثیرتبلیغات اصهب و ابقع و سفیانی و شواذ آل محمد قرار نگیرند و به سودشان شمشیرنزنند . (5)

1 . لسان العرب به نقل از روزگار رهایی ج 52 ص 997 .

2 . عصرظهور ، علی کورانی ص 2 6 .

3 . روزگار رها یی ، ج 2 ، ص 993 .

4 . بحارالانوارج51 ص70 وج 52ص278 .

5 . روزگاررهایی ج2ص993 .

آل اعین

از بزرگترین خاندان علمی کوفه و از خواص شیعیان اهل بیت (ع) بوده که مدت رهبری این سلسله ، از اوائل عصر حضرت سجاد ، حدود سال 61 ق تا اواخر غیبت صغری ووفات آخرین سفیر حضرت حجت (ع) در سال 329ق ادامه داشت و در این مدت ، بسیاری از علما و فقها و ادبا و مفسرین و راویان حدیث از این دودمان برخاسته اند . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 1 ص 115 .

ام ایمن

نام وی برکه ، مشهور به امَ ایمن وام الظباء است ، ولی کنیه اش بر اسم وی غلبه دارد .

او از زنانی است که به نقل از امام صادق (ع) ، همراه حضرت مهدی (ع) خواهد بود . (1) وی دختر ثعلبه بن عمرو ، از اصحاب رسول اکرم (ص) وکنیز حضرت آمنه ویا عبدالله بن عبدالمطلب بود که ارثا به پیغمبر (ص) رسید و دایه رسول اکرم (ص) شد و درکودکی ، آن حضرت را پرورش داد . لذا مورد محبت های بسیار پیغمبر بود وپیامبر می فرمود : ام ایمن ،

بعد از مادرم در حکم مادر من است و نیز می فرمود : او جزو اهل بیت من است . پیامبر (ص) پس از ازدواج با حضرت خدیجه ، ام ایمن را آزاد کرد واو با عبید بن حارث خزرجی ازدواج نمود وپسرش ایمن متولد گشت وشهرت او از نام همین پسر است . او زنی شجاع بود ودر جنگ حنین ،

واحد وخیبر شرکت جست . (2)

ام ایمن ، شخصیتی است که وقتی در راه مکه ومدینه تشنگی بر او غلبه کرد و نزدیک بود ازپای در آید ، دلو آبی از آسمان بر او فرود آمد و از آن نوشید و هرگز پس از آن تشنه نشد (3)

وی احادیثی از رسول اکرم (ص) روایت کرده و در هنگام رحلت پیغمبر (ص) ، پیش از اندازه می گریست ومی گفت که گریه من فقط برای انقطاع وحی الهی از خانه ما است و نیز حضرت زهرا (ع) در حادثه فدک ، وی را شاهد خود معرفی فرمود . فرزند وی- ایمن- یکی از ده تنی است که هنگام متفرق شدن لشکر اسلام در جنگ حنین ، شجاعانه مقاومت نمود ودر رکاب رسول اکرم (ص) به شهادت رسید (4)

1 . دلائل الامامه ص 259 اثبات الهداه ج 3 ص 75 .

2 . معارف و معاریف ج 2 ص 413

3 . مصنف عبد الرزاق ج 4 ص 309 . الاصابه ج 4 ص 432 .

ام خالد

از زنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) جزو یارآن حضرت مهدی (ع) است . هنگامی که استاندار عراق ، یوسف بن عمر ، زید بن علی را در شهرکوفه به شهادت رساند ، دست ام خالد را نیز به جرم تشیع وتمایل به قیام زید قطع کرد .

ابوبصیر می گوید : خدمت امام صادق (ع) بودیم که ام خالد با دست بریده شده آمد

. حضرت فرمود : ای ابابصیر آیا میل داری سخن ام خالد را بشنوی ؟ عرض کردم : آری و به آن شادمان می گردم . ام خالد به نزد حضرت مشرف شد وسخنانی عرضه داشت . من او را درکمال فصاحت وبلاغت یافتم . حضرت نیز در مسأله ولایت وبرائت از دشمنان با او سخن گفت . . . . . (1)

1 . ریاحین الشریعه ج 3 ، ص 381 معجم رجال الحدیث ج 14 ، ص 23-08 l- 176 .

ام محمد

معروف ترین کنیه نرجس خاتون ، مادر امام زمان (ع) است . (1)

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص 172 .

اهلی شیرازی

مولانا محمد اهلی شیرازی (متوفای 942 ق) در بسیاری از اشعار مناقبی خود ، از مهدی موعود (ع) یاد می کند :

ای جان همه جان ها روح القدسی گویا

پنهان ز نظر اما در دیده ی جان پیدا

هم مهدی وهم حارث بی ثانی وبی ثالث

درعلم نبی وارث عالم به همه اشیا

ای در همه جا معروف ازخلق وکرم موصوف

مهدی صفتی موقوف از غیب برون فرما

اهلی شیرازی در قصیده مناقبی خود ، ضمن ستایش حضرت محمد (ص) ، از عرض ادب به پیشگاه امام عصر (ع) غافل نمی ماند :

ما را چراغ دیده خیال محمداست

خرم دلی که مست وعمال محمداست

جبریل اگرچه طوطی وحی است وعقل کل

درمانده در جواب وسوال محمد است

اثنی عشرکه بحرکمال اند هریکی

سرچشمه شان محیط زلال محمداست

مهدی که ازنهال وجود آخرین براست

اونیز میوه ای زنهال محمد است

او در قصیده عاشورایی خود ، وجود نازنین امام عصر (ع) را منتقم خون امام حسین (ع) معرفی می کند :

ظلمی که برحسین دراسلام کرده اند

یاورمکن که لشکرکفارکرده است

یا مرتضی علی به شهیدان روا مدار

ظلمی چنین , که چرخ ستمکارکرده است

اینک ظهور مهدی آخر زمان رسید

زین رایت یزید نگون سار کرده است

بعد از هزار سال به شمشیر انتقام

حق لشکر یزید گرفتارکرده است . (3)

1 . سوره آل عمران 84 .

2

. نورالثقلین ، ج 1ص 362 . بحارالانوار ج 52 ص 340 اثبات الهداه ج 3 ، ص 549 .

3 . سیمای مهدی موعود (ع) در آیینه شعرفارسی محمد علی مجاهدی ص 97 .

اوتاد

جمع وَتد به معنای میخ ها است .

در قرآن آمده است : و الجبال اوتادا (1) ما کوه ها را میخ های زمین قرار دادیم .

برخی با توجه به این آیه گفته اند می توان نتیجه گرفت که اوتاد ، مردانی خالص اند که همچون کوه استوار و در خدمت حضرت مهدی (ع) به سر می برند . برخی از اوتاد به سی نفری که همواره در خدمت حضرت مهدی (ع) هستند وهرگاه یکی از آن ها بمیرد ، فرد صالح دیگری جانشین او می شود ، تعبیرکرده اند . (2)

درصفت اوتاد آمده است : آنان قومی هستند که طرفه العینی ازپروردگارشان غفلت نمی کنند ، واز دنیا مگر قوت روزانه جمع نمی کنند و از آنان ، لغزش های بکر صادر نمی شود . (3) برخی گفته اند : اوتاد ، چهار تن از اولیاء هستند که همیشه درعالم برقرارند واگر یکی از آن ها بمیرد ، دیگری به جای او می آید . (4)

در حدیث قدسی آمده که خداوند عزوجل به پیغمبرش (ص) فرمود : ای احمد آیا می دانی که چرا تو را بر سایر انبیاء برتری دادم ؟عرض کرد : نه ، فرمود : به یقین ، خوی نیک ، سخاوت طبع ورحمتی که بر

خلق داشتی وهمچنین اوتاد الارض ، اوتاد نشدند جز بدین صفات (5)

از این حدیث برمی آید : همچنان که کوه ها ، میخ های ظاهری زمین اند (6) که زمین با آن ها معتدل ومتوازن می ماند ، در عالم معنا نیز اولیاء الله ، میخ های نگهدار زمین اند .

1 . سوره نباء 7 .

2 . بحار الانوار ج 52 ص 153 .

3 . نجم الثاقب باب نهم .

4 . معارف ومعاریف ، ج 2 ص 545 .

5 . بحارالانوار ، ج77ص 29 .

6 سوره نباء ، 07

بابا فغانی شیرازی

متوفای 925 ق است در قصاید مناقبی خود به پیشگاه حضرت ولی عصر (ع) عرفی ادب می کند : حضرت ختم ولایت , مهدی صاحب زمان

آن که زو شد صدر خاور, رشک ایوان جلال

از کمال و رحمت و احسان , من درمانده را

دستگیری کن که هستم غرقه بحر ضلال

سر به زانو مانده ام عمری به فکر نعت تو

قامت خم گشته ام اینک بدین معنی است دال

و در جای دیگری می سراید : حاشا که علم عالم , جاهل کند قبول

ذاتی که بر ترست ز اندیشه عقول

حاشا که در غبار حوادث نهان شود

آیینه قبول و چراغ دل رسول

بهر عروج مه چه رایات مهدوی

عیسی فراز طاق زبرجد , کند نزول

قاضی القضات محکمه آخر الزمان

دار القضا کند چمن دهر از عدول (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) در آیینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی , ص 94 .

باقطانی

ابوعبدالله باقطانی در زمان عثمان بن سعید از مدعیان دروغین نیابت بوده ، ولی در زمان محمد بن عثمان از ادعای خود دست برداشته ویکی از نزدیکان محمد بن عثمان به شمار می رفت .

درکتب رجالی ، تصریح به ادعای دروغین نیابت وی نیست . فقط حدیثی در بحارالانوار وجود دارد که از آن حدیث ، نیابت دروغین وی واسحاق احمر (ع) فهمیده می شود . (1)

1 . بحارالانوار ، ج 51 ص 30 .

بحرالعلوم

سید مهدی بن سید مرتضی بن سید محمد بروجردی طباطبایی ، نجفی المسکن ، حائری المولد ، از اعاظم علمای اثنی عشریه واز بزرگان فقهای امامیه است .

شخصیتی است که عامه علمای عصر ری به علو مقامش معترف بود تا آن جا که مرحوم شیخ جعفرکبیر- معروف به کاشف الغطاء خاک کفش او راپاک می کرده است . وی ازکسانی است که کرامات او و ملاقاتش با حضرت حجت (ع) متواتر است . مرحوم مامقانی در رجال ، درجه او را بین وثاقت وعصمت ذکرکرده است . وی در سال 1155 متولد وبه سال 1212 در نجف اشرف درگذشته است .

تألیفات او عبارت است از : اثنا عشریات در مراثی ، اجتماع امر و نهی در اصول ، ارجوزه در فقه ، اصاله البرائه در اصول وتاریخ مکه و مسجدالحرام (1)

ملا زین العابدین سلماسی فرمود : روزی سید بحرالعلوم وارد حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) در نجف شد و این بیت رازمزمه کرد :

چه خوش است صوت قرآن زتو دلربا شنیدن به رخت نظاره

کردن سخن خدا شنیدن

از سبب خواندن آن پرسیدم ، فرمود : هنگامی که وارد حرم شدم ، حضرت مهدی (ع) رادیدم که بالای سر با صدای بلند ، قرآن تلاوت می نمودند ، چون صدای آن حضرت را شنیدم ، این بیت را خواندم . چون وارد حرم شدم ، قرائت قرآن را ترک نمودند و از حرم بیرون رفتند . (2)

درباره علامه بحرالعلوم می گویند : روز عاشورایی بود و موج سوگواران از هر سو ، به طرف کربلا در حرکت بودند ، علامه بحرالعلوم نیز به همراه گروهی از طلاب ، به استقبال عزاداران حرکت کردند . به محله طویریج رسیدند ، که دسته سینه زنی وسبک سینه زنی شان مشهور بود .

هنگامی که علامه وهمراهانش به آنان رسیدند ، ناگهان با آن کهولت سن وموقعیت اجتماعی وعلمی ، لباس خود رابه کناری نهاده ، سینه خویش را گشود ودر صف سینه زنان با شوری وصف ناپذیر به سینه زدن پرداخت . علما وطلاب هر چه تلاش کردند تا مانع کار او شوند که مبادا صدمه ای بر او وارد شود ، موفق نشدند . پس از پایان سوگواری ، یکی از خواص از او پرسید : چه رویدادی پیش آمد که شما چنان دچار احساسات پاک وخالصانه شدید علامه فرمود : حقیقت آن است که با رسیدن به دسته سوگواران ، به ناگاه چشمم به محبوب دل ها ، امام عصر (ع) افتاد ودیدم آن گرامی با سر وپای برهنه ، در میان انبوه سینه زنان ، در سوگ پدر والایش حسین (ع

) با چشمانی اشک بار به سر وسینه می زند به همین جهت آن منظره مرابه حالی انداخت که قرارم ازکف رفت ودر برابرکعبه مقصود وقبله موعود به سوگواری پرداختم . (3)

عالم ربانی ، آخوند ملا زین العابدین سلماسی نقل نمود : در حرم عسکریین (ع) با جناب سید بحرالعلوم نماز می خواندیم ، وقتی ایشان خواست بعد از تشهد رکعت دوم برخیزد ، حالتی برایش پیش آمد که اندکی توقف کرد وبعد برخاست .

همه ما از این کار تعجب کرده بودیم وعلت آن توقف را نمی دانستیم وکسی هم جرأت نمی کرد سؤال کند . بالاخره وقتی در منزل ، سفره غذا را انداختند گفتم : آقایان می خواهند سر آن حالت را که در نماز برای شما پیش آمد ، بدانند . علامه بحر العلوم فرمودند : حضرت بقیه الله (ع) برای سلام کردن به پدر بزرگوارشان داخل حرم مطهر شدند ، لذا از مشاهده جمال نورانی ایشان ، حالتی که دیدید به من دست داد ، تا آن که از آن جا خارج شدند . (4)

تشرفات بسیاری برای علامه بحرالعلوم ذکر کرده اند که دلالت بر صفای باطن ومقام و منزلت ایشان دارد . تشرفات ایشان درکتاب عبقری الحسان نوشته آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی آمده است .

1 . معارف ومعاریف ج 3ص 59 .

2 . نجم الثاقب حکابت 79 جنه المأ وی حکایت 54 .

3 . دیدار یارعلی کرمی ج 2 ، ص 200 .

4 . عبقری الحسان ، ج 2ص 68 .

بُشربن سلیمان

برده

فروش بود واز فرزندان ابو ایوب انصاری .

از شیعیان مخلص امام هادی وامام حسن عسکری (ع) و همسایه ایشان در سامرا بود . امام هادی (ع) به او فرمود : ای بشر تو از اولاد انصار هستی ، درستی شما نسبت به ما اهل بیت ، پیوسته میان شما برقرار است ، به طوری که فرزندان شما ، آن را به ارث می برند وشما مورد وثوق ما هستید . می خواهم تو را فضیلتی دهم که در مقام دوستی با ما واین رازی که با تو در میان می گذارم ، بر سایر شیعیان پیش بگیری .

سپس ، نامه ای به خط وزبان رومی مرقوم فرمود وسر آن را با خاتم مبارک مهرکرد وکیسه زردی که دویست وبیست اشرفی در آن بود بیرون آورد وبه بشر داد تا روانه بغداد شود وکنیز رومی- ملیکه- را با همان اوصافی که امام گفته بود خریداری کند وبه محضر امام هادی (ع) بیاورد . (1)

او چنین کرد وبعدها این کنیز رومی ، همسر امام حسن عسکری (ع) و مادر امام زمان (ع) شد .

1 . بحارالانوار ج 51 ص 6 کمال الدین ج 2 ص418 .

بکمینابدو

یکی از اصحاب کهف است که شاهد خروج حضرت مهدی (ع) خواهد بود (1)

1 . نجم الثاقب باب سوم .

بنی قنطوره

قنطوره نام کنیزی از حضرت ابراهیم خلیل (ع) بوده که نژاد ترک و چین از آن کنیز می باشند .

این واژه در اخبار ملاحم اخبار مشتمل بر پیشگویی از حوادث خونین و وحشت زا در آخرالزمان- آمده است . (1)

در آن جا ذکر شده که بنی قنطوره به عراق ، و به روایتی در بصره فرود می آیند و مردم عراق را ازکشورشان بیرون می کنند . برخی از اهالی به

آن ها می پیوندند و برخی با آنان نبرد می کنند و سرانجام بر آن ها پیروز می گردند . کشته های آنان که با بنی قنطوره بجنگند شهید هستند . (2)

بر طبق آن چه که درکتاب های لغت آمده است ، بنوقنطوره ، عبارت از ترک ها هستند . برخی گفته اند که منظور ، سودانی ها هستند و برخی دیگر آن ها را مردم اندلس می دانند ، ولی صحیح آن است که قنطوره ، همان کنیز حضرت ابراهیم (ع) است . (3)

در حدیث قنطوره آمده است : نزدیک است که سلطنت عرب به دست بنی قنطوره برچیده شود . بنی قنطوره قومی هستند با صورت های پهن ، بینی های فرورفته و دیدگان کوچک ، صورت های شان چون سپرهای آهنین است . کفش های مویی به پا دارند و در محلی در نزدیکی سرزمین عرب ، که از زمین های

عربی است فرود می آیند که به آن جا وادی لون گفته می شود . (4)

در حدیثی تصریح شده که بنی قنطوره از مشرق زمین می آیند : بنی قنطوره مسلمانان را دنبال می کنند و اسب های خود را به نخل های خوخا- در نزدیکی مسجد کوفه- می بندند و از آبشخورهای فرات می نوشند . بنوقنطوره که از خراسان و سجستان می آیند ، مردم عراق را به شدت فراری می دهند . آن ها شریرانی هستند که رحمت از دل های شان گرفته شده است ، در میان حیره وکوفه به هرکس برسند ، می کشند و اسیرمی گیرند . (5)

1 . معارف ومعاریف ، ج 3 ص 277 .

2 . بحارالانوار ج 18 ص 113

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 959

4 . همان

5 . روزگار رهایی ج 2 ص 961 .

بنی هاشم

نسل و نبیره هاشم بن عبد مناف ، جَد رسول خدا (ص) است .

اینان در میان عرب به نجابت و شرافت مشهور و مورد احترام دیگر قبایل بوده اند .

از حضرت رسول (ص) روایت شده که فرمود : دشمنی با علی (ع) کفر و دشمنی با بنی هاشم ، نفاق است . (1)

در حدیثی آمده که هنگام ظهور ، خداوند حجاز را برای ایشان فتح می کند و هرکس از بنی هاشم در زندان باشد را بیرون می آورد و حرکت می کند تا در بیت المقدس فرود می آید (2)

در حدیث دیگر می خوانیم : قائم

(ع) خارج نمی شود تا هنگامی که دوازده تن از بنی هاشم خروج کنند که هر یکی به سوی خود فرا می خواند . (3)

و درباره جنبش سفیانی آمده است : سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و فرمان می دهد که هرکس از بنی هاشم در آن جا باشد ، بکشند . بنی هاشم کشته می شوند و به کوه و صحرا فرار می کنند تا مهدی (ع) ظهورکند . (4)

1 . بحارالانوار96 ص 234 .

2 . روزگار رهایی ج 1 ص 519 .

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 900 .

4 . همان

تمنیحا

از اصحاب کهف است که از انصار حضرت مهدی (ع) ویکی از شاهدان حضرت هنگام خروج خواهد بود . (1)

1 . نجم الثاقب باب سوم .

جبرئیل

کلمه ای عبری به معنای " بنده خدا " است .

نام فرشته وحی و از بزرگان ملائکه است که بر همه انبیاء یا اولوالعزم از آن ها ، یا بر بعضی از غیر اولوالعزم نیز نازل می شده و وحی خداوند را به آن ها ابلاغ می نموده است . نقل است که وی پنجاه بار بر حضرت ابراهیم (ع) ، چهار صد بار بر موسی (ع) ، ده بار بر عیسی (ع) و بیست و چهار هزار بار بر حضرت محمد (ص) فرود آمده است (1)

این نام سه بار در قرآن مجید آمده است (2)

از حضرت رسول (ص) آمده است که جبرئیل از همه فرشتگان برتر است (3)

آیه 19 تا 23 سوره مبارکه تکویر ، تصریح است در این که فرشته وحی ، پیک محترمی است و در نزد خداوند ، مکانت دارد و در میان ملائک مطاع و پیش خدا ، امین است و نیز صریح است در این که حضرت رسول (ص) او را بالعیان دیده است (4)

امام صادق (ع) فرمود : هرگاه جبرئیل به نزد پیامب (ص) می آمد ، مانند بردگان در برابر آن حضرت می نشست و بدون اذن ، بر حضرتش وارد نمی شد (5)

امام صادق (ع) فرمود : نخستین کسی که با قائم (ع) بیعت خواهد نمود ، جبرئیل است . او در چهره پرنده سفیدی از آسمان فرود می آید وبا آن حضرت دست بیعت می دهد . آن گاه یک پا بربیت الله ، و پای دیگر به بیت المقدس می گذارد و با ندای زیبا و رسایی که همگان آن را می شنوند ، می گوید : اتی امر الله فَلا تَستعجلوه . . . (6) فرمان خدا رسید ، پس آن را به شتاب نخوا هید (7) .

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت کرده که فرموده اند : آنگاه که خداوند به حضرت قائم (ع) اجازه خروج دهد . . . خداوند جبرئیل را می فرستد که نزد او بیاید ، جبرئیل در حجر اسماعیل نزد آن حضرت می آید و می گوید : به چه چیز مردم را می خوانی؟ حضرت دعوت خود را به او خبر می دهد , جبرئیل می گوید : من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می کنم ، دست خویش را برای بیعت بازکن ، پس دست به دست آن حضرت می گذارد (8)

همچنین از روایاتی استفاده می شود که صدای آسمانی که از نشانه های حتمی ظهور است و مردم را دعوت به پیروی از حق می کند ، ندا و صدای حضرت جبرئیل است .

محمد بن مسلم روایت می کند : گوینده ای از آسمان ، قائم را به نام صدا می زند ، به

طوری که مردم شرق و غرب آن را می شنوند و از وحشت آن ، هرکس ایستاده ، روی زمین می نشیند و هر کس نشسته بر می خیزد ، و آن صدای جبرئیل امین است (9)

امام باقر (ع) نیز فرمود : وقتی مهدی (ع) قیام کند ، جبرئیل در سمت راست او حرکت می کند (10)

پس از این که حضرت مهدی (ع) متولد شد ، امام عسکری (ع) ، آن حضرت را به جبرئیل روح القدس که به صورت پرنده ای ظاهر شده بود ، داد تا از او مواظبت کند و هر چهل روز یک بار ، به نزد آن ها بیاورد (11) .

1 . معارف و معاریف ج 4ص 94 .

2 . سوره بقره 97 و 98- سوره تحریم 4 سوره شعراء ، 193 .

3 . بحارالانوار ، ج 59 ص 258 .

4 . معارف و معاریف ج 4 ، ص 95 .

5 . بحارالانوار ، ج 18 ، ص 256 .

6 . سوره نحل ، 10 .

7 . بحارالانوار ج 52ص 285 .

8 . مهدی موعود علی دوانی ، ص 154 .

9 . غیبه طوسی 274 .

10 . بحارالانوار ج 52 ، ص 343 .

11 . منتهی الامال باب 41 فصل 1 .

جبیر بن خابور

در برخی روایات ، از وی به عنوان یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) نام برده شده است .

امام صادق) ع) فرمود : جبیر

بن خابور ، گنجینه دار معاویه بود . او مادرپیری داشت که در شهرکوفه زندگی می کرد . روزی جبیر به معاویه گفت : دلم برای مادرم تنگ شده است اجازه بده تا از او دیدارکنم تا کمی از حقوقی که برگردن من دارد ، اداکنم . معاویه گفت : در شهرکوفه چه کار داری در آن جا مرد جادوگری به نام علی بن ابی طالب است واطمینان ندارم که تو را نفریب . جبیرگفت : من با علی کاری ندارم من می خواهم به دیدار مادرم بروم وحق او را به جا آورم . جبیر پس ازکسب اجازه عازم سفر شد . آن گاه که به شهرکوفه رسید ، چون امیرالمؤمنین) ع (پس از جنگ صفین ، پیرامون شهرکوفه دیده بان گماشته بود ورفت و آمدها را کنترل می کردند ، دیده بانان او را دستگیرکردند و به شهر آوردند . حضرت علی) ع (به او فرمود : تو یکی ازگنجینه های خداوندی . معاویه به تو چنین گفته است که من جادوگر هستم . جبیر گفت : سوگند به خدا که چنین گفته است . حضرت فرمود : تو مالی همراه داشته ای که مقداری از آن را در منطقه عین التمر به خاک سپرده ای جبیر این مطلب را نیز تصدیق کرد سپس امیر مؤمنان) ع) به امام حسن ودستور داد تا از وی پذیرایی کند .

روز بعد ، علی (ع) به یاران خود فرمود : این شخص در جبل الاهواز به همراه چهار هزار نفر در حالی سلاح ها را از نیام

کشیده اند ، منتظرند تا قائم اهل بیت ما ظهورکند . آن گاه این شخص ، همراه حضرت و در رکابش با دشمنان خواهد جنگید (1)

1 . بحارالانوار ، ج 41 ص 296 به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبسی ، پاورقی ص 96

جده

مادر امام حسن عسکری (ع) است که در دوران غیبت صغری ، نقش ویژه ای داشت (1)

1 . نشریه موعود ، شماره 27 ، ص 74 .

جعفر کذاب

پسر امام هادی وبرادر امام حسن عسکری (ع) است .

پس از شهادت امام عسکری (ع) با علم به این که امام حسن عسکری (ع) فرزندی دارد وایشان جانشین وامام بعد از او می باشد ، به دروغ ادعای امامت کرد . وی پس از شهادت حضرت ، پیش از آن که مردم جنازه را از خانه بیرون ببرند ، دَمِ در ایستاده و تسلیت را نسبت به شهادت برادر وتبریک را نسبت به امامت خود ، از مردم تحویل می گرفت .

شیخ طوسی ، در ضمن حدیثی که نقل می کند واز شرابخواری ومستی او حکایت می کند ، می گوید : کارهای زشت وگفتارهای ناهنجاری که از وی روایت شده ، به قدری زیاد است که نمی توان احصاء نمود . . . جعفر بن علی ، چون از طرف دستگاه بنی عباس تقویت می شد و آن عنصر فاسد را عامل خود : دانسته ودر مقابل امام حسن عسکری (ع) تقویت می کردند ، پس از آن حضرت ، او را واداشتند که خود را امام دوازدهم شیعه بداند تا بدان وسیله مسأله امام غائب را لوث کنند ، جعفر نیز دعوی امامت و جانشینی برادرکرد .

امام زمان (ع) نیز طی توقیع هایی او را دروغگو دانست به همین جهت در میان شیعیان به جعفرکذاب مشهور شد

(1)

امام هادی (ع) اصحاب خود را از معاشرت و ارتباط با جعفر شدیدا منع کرده و می فرماید : او از تعالیم دین خارج ، و زیر بار فرمان من نیست (2)

وقتی که شیعیان دیدند جعفرکذاب ادعای امامت دروغین می کند و منکر وارث شرعی امام حسن عسکری (ع) است وما تَرکِ امام را تصرف کرد ودولت عباسی هم از آن حمایت می کند ، لذا بعضی از آن ها به عثمان بن سعید متوسل شدند تا از طریق اخراج توقیع از طرف امام زمان (ع) جریان جعفر روشن شود ونتواند اذهان عامه مردم را منحرف سازد واز این طریق رسوا گردد .

جریان از این قرار است که : جعفرنامه ای می نویسد به یکی از دوستان و شیعیان امام مهدی (ع) ودر آن نامه می نویسد که قائم وامام بعد از برادرم من هستم وعلم حلال وحرام وتمام علوم در نزد من است . وقتی نامه به دست شخص می رسد ، ناراحت شده و در مطالب آن مشکوک می شود . لذا نامه را برداشته پیش احمد بن اسحاق اشعری می رود که او از اصحاب خاص امام حسن عسکری (ع) راز مقربین پیش آن حضرت بوده وجریان را به او می گوید : احمد بن اسحاق هم نامه ای نوشته ونامه جعفر را هم در داخل آن می گذارد وبه وسیله عثمان بن سعید ، به خدمت حضرت مهدی (ع) می فرستد . در پاسخ احمد بن اسحاق نامه ای از طرف امام

مهدی (ع) می رسد نامه بسیار تند و با عالی ترین برهان و دلیل و لحن بسیار شدید ، امامت جعفر را رد فرموده است (3)

ما قسمتی از آن نامه را از احتجاج نقل می کنیم : . . این مفسد جعفرکذاب که بر خداوند دروغ بسته ، و ادعای امامت دارد ، نمی دانم به چه چیز خود نظر داشته است . . . . خداوند گواه است که او چهل روز نماز واجبش را ترک کرد ، به این منظورکه با ترک نماز بتواند شعبده بازی را یاد بگیرد شاید خبر آن به شما هم رسیده باشد .

ظرف های شراب او را همه دیده اند . علاوه بر این ها ، آثار و علایم نافرمانی وی از امر و نهی الهی ، مشهود و نزد همگان محقق است . چنان چه ادعای وی مبتنی بر معجزه است ، معجزه خود را بیاورد ونشان دهد واگر حجتی دارد آن را اقامه نماید ، و چنان چه دلیلی دارد ذکرکند (4)

و از این طریق است که عثمان بن سعید ، جعفرکذاب را رسوا می کند . امام سجاد (ع) درپاسخ ابوخالد کابلی که ازآن حضرت پرسید ، چرا ششمین امام ملقب به صادق است ، در حالی که همه شما صادق می باشید؟ فرمود : به جهت این که در نسل پنجم او ، مردی باشد به نام جعفرکه او به دروغ ، دعوی امامت کند و او جعفرکذاب است . (5)

جعفرکذاب در سال 271 به سن چهل وپنج سالگی در

سامرا درگذشت . (6)

1 . مفاخر اسلام ، ج 2 ، ص 40

2 . تاریخ سامرا, ج 2 ص 251 .

3 . احتجاج طبرسی ج 2 ، ص 468 ,تاریخ سامرا, ج 2 , ص 253 .

4 . احتجاج طبرسی,ج 2 , ص 468 .

5 . بحار الانوارج 50 ص 227 .

6 . معارف و معاریف , ج 4 , ص 165 .

جویای تبریزی

میرزا داراب بیگ جویا (تبریزی کشمیری) متوفای 1118ق از شاگردان ممتاز صائب تبریزی در سبک اصفهانی است .

در اشعار او ، لطافت کلا می وغنای محتوایی موج می زند . در قصاید خود از حضرت مهدی (ع) سخن گفته است :

تنگ عیشم دارد از بس دور چرخ چنبری چون شمیم غنچه ام در دام بی بال وپری

تا به کی جویا غزل خواهی سرودن زان که نیست مطلبی جز منقبت گویی تو را از شاعری

به که باشی مدح سنج آن که بر خاک درش جبهه ساید هر سحرکه آفتاب خاوری

مسند آرای امامت ، مهدی هادی که هست چون شه مردان به ذات او مسلم ، سروری

آن که گر سازند در ایام عدل او بجاست از پر شهباز تیر ترکش کبک دری

تا ببخشد فیض آبادی بساط خاک را نقش نعلین تو یعنی آفتاب خاوری

خاک خواری باد برسر دشمن دین تو را دوستانت را بر اعدای تو باشد سروری (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) در آ یینه شعرفارسی محمدعلی مجاهدی ، ص 107 .

حاجز بن یزید

یکی از وکلای حضرت در بغداد و معاون اول عثمان بن سعید بود .

حسن بن عبدالمجید می گوید : درباره حاجزبن یزید به شک افتادم ، سپس مالی جمع کردم و به سامرا رفتم نامه ای به من رسید که درباره ما وکسی که به امر ما جانشین ما می شود شک روا نیست؛ هر چه همراه داری به حاجزبن یزید تحویل بده (1)

وی ملقب به حاجز وشاءِ بود و روایات تصریح دارد که حاجز ، از

وکلای مورد اعتماد امام زمان (ع) بوده و تا آخر هم در این سمت باقی مانده است (2)

1 . اصول کافی ج 2 ص461 .

2 . آخرین امید داود الهامی ص 87 و 511 .

حارث بن حارث

از قیام کنندگان پیش از قیام حضرت مهدی (ع) است .

رسول اکرم (ص) فرمود : مردی از ماوراء النهر قیام خواهد کرد که به او حارث بن حارث گفته می شود . فرمانده سپاه او مردی است که به وی منصورگویند . او حکومت را برای آل محمد (ع) آماده می کند ، هم چنان که قریش برای رسول خدا (ص) زمینه حکومت را فراهم کرد . بر هر فرد مسلمان مؤمن واجب است وی را یاری دهد (1)

1 . عقد الدرر ص 130 ، به نقل از فرهنگ موعود حسین کریمشاهی , ص 77 .

حافظ شیرازی

در دیوان لسان الغیب حافظ شیرازی (متوفای 791 ق) ، از بسیاری از غزل ها ، عطر مهدوی را می توان استشمام کرد .

در این غزل " بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) آشکارا آمده است : بیاکه رایت منصور پادشاه رسید نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید

جمال بخت ز روی ظفر ، نقاب انداخت کمال عدل به فریاد دادخواه رسید

سپهر دور خوش اکنون کندکه ماه آمد جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید

زقاطعان طریق این زمان شوند ایمن قوافل دل و دانش که مرد راه رسید

عزیز مصر به رغم برادران غیور ز قصر چاهبر آمد به اوج ماه رسید

کجاست صوفی دخال چشم ملحد شکل؟ یکو بسوزکه مهدئ دین پناه رسید

زشوق روی تو شاها به این اسیر فراق همان رسید کزآتش به برگ کاه رسید

مرو بخواب که حافظ به بارگاه قبول ز ورد نیم شب و

درس صبحگاه رسید . (1)

نیز حافظ می گوید : گرچه شیرین دهنان پادشهانند ولی او سلیمان زمانست که خاتم با اوست

در احادیث ، شباهت های فراوانی برای حضرت مهدی (ع) با انبیا ذکر شده است و از آن جمله در شباهت آن حضرت با سلیمان ، (ع) ، آمده است : بادها به اذن خداوند مسخر وی می گردند و سلطنت او بر تمام زمین گسترده خواهد شد و امیر مؤمنان در این رابطه می فرماید : نخستین کاری که قائم در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است . (2) و نیز می فرماید : در بیت المقدس ، تابوت سکینه و انگشتر سلیمان و الواحی راکه بر موسی نازل شده بیررن می آورد (3)

همچنین امام صادق ، (ع) ، می فرماید : عصای موسی و انگشتر سلیمان در دست او خواهد بود . (4) پس " او سلیمان زمانست که خاتم " با اوست . "

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار

که دربرابرچشمی وغایب ازنظری

امیر مؤمنان در این رابطه می فرماید : هنگامی که امام غایب از دیده ها پنهان شود و مردم از غیبت او از حد شرع بیرون روند ، توده مردم خیال می کنند که حجت خدا از بین رفته و امامت باطل شده است . سوگند به خدای علی در چنین روزی حجت خدا در میان آن هاست . درکوچه و بازار آن ها گام

بر می دارد و بر خانه های آن ها وارد می شود و در شرق و غرب عالم به سیاحت می پردازد وگفتار مردمان را می شنود بر اجتماعات آن ها وارد شده سلام می فرمایند 000 (5)

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود

ازگوشه ای بیرون آی ای کوکب هدایت روایت زیر با مصرع دوم بیت مذکور مطابق است . امام زین العابدین (ع) ، می فرماید : " فتنه هایی چون امواج تاریک شب بر آن ها مجوم می آورد که کسی از آن ها رهایی نمی یابد ، به جز افرادی که خداوند از آن ها پیمان گرفته است ، آن ها شعله های هدایت و سرچشمه های دانش و فضیلت هستند ، که خداوند آن ها را از هر فتنه تاریک نجات می دهد " . (6)

حاصل آنکه بیت یاد شده از حافظ ، برگرفته از واقعیاتی است که در متن احادیث نقل است : خواجه شیراز در شرایط نابسامان جامعه در جستجوی کوکب هدایت ، حضرت مهدی موعود (ع) است ، تا از طریق وی به حقایق دست یابد 0

هوا خواه توأم جانا و می دانم که می دانی

که هم نادیده می بینی و هم ننوشته می خوانی

پیامبر اکرم ، (ص) می فرماید : نیکان عترت من ، و پاکان بستگان من ، درکودکی حکیم ترین مردمان ، و در بزرگی داناترین آنان هستند . آگاه باشید که ما خاندانی هستیم که از علوم خدا به ما تعلیم شده است و از حکمت خدا به ما عطا شده

، و از صادق مصدق فراگرفتیم ". (7)

آری آن حضرت خزانه دار علوم الهی است و اسرار الهی را از صادق مصدق فراگرفته و به همین علت از اسرار درونی خواهان خود مطلع است . (8)

ا . سیمای مهدی موعود ، در آینه شعر فارسی ، محمد علی مجاهدی ص 80 .

2 . بشاره الاسلام ص253 .

3 . الزام الناصب " ص 202 .

4 . منتخب الاثرص 221 .

5 . بشاره الاسلام ص ، 37 .

6 . غیبه نعمانی ، ص 84 .

7 . منتخب الاثر ص 151 .

8 . نشریه موعود ، ص 25 ، ص 069

حبابه و البیه

از زنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) جزو یارانِ حضرت مهدی (ع) خواهد بود .

شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن (ع) و ابن داود او را از اصحاب امام حسن ، امام حسین ، امام سجاد و امام باقر (ع) می داند . برخی دیگر ایشان را از اصحاب هشت امام معصوم- تا امام رضا (ع) - شمرده اند .

هم چنین گفته شده است که امام رضا (ع) ، ایشان را درپیراهن شخصیِ خود کفن کرد . او به هنگام مرگ ، بیش از 240 سال داشت . او دوبار به دوران جوانی بازگشت که یک بار با معجزه امام سجاد (ع) و بار دوم با معجزه امام رضا (ع) بود و اوست که هشت امام معصوم بر سنگی که

به همراه داشت ، با خاتم خود ، بر آن نقش زدند . (1)

حبابه والبیه می گوید : . . . به امیر مؤمنان (ع) عرض کردم : خدا تو را مشمول رحمت خود قرار علی (ع) با انگشتر خود برآن مهر زد ، به گونه ای که آن مهر بر آن سنگ, نقش بست و به من فرمود : ای حبابه هرکس که مدعی امامت شد و توانست مانند من این سنگ را مهرکند ، او امامی است که پیروی از او واجب است . امام کسی است که هر چیز را بخواهد می داند .

من پی کار خودم رفتم ، تا امیر مؤمنان (ع) از دنیا رفت . آن گاه خدمت امام حسن (ع) آمدم که بر جای علی (ع) نشسته بود و مردم از او سؤال می کردند . چون مرا دید ، فرمود : ای حبابه والبیه عرض کردم : بلی سرور من فرمود : آن چه همراه داری بیاور . من آن سنگ کوچک را به آن حضرت دادم . آن بزرگوار مانند علی (ع) با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که جای مهر بر آن نقش بست . سپس به حضور امام حسین (ع) که در مسجد رسول خدا بود آمدم . مرا نزد خود خواند و خوشامد گفت و فرمود : دلیل آن چه تو می خواهی موجود است . آیا نشانه امامت را می خواهی؟ گفتم : آری ، ای آقای من فرمود : آن

چه با خود داری بیاور من آن سنگ کوچک را به او دادم ، انگشترش را بر آن زد و مهرش بر آن نقش بست .

پس از امام حسین (ع) خدمت امام سجاد (ع) رسیدم و به قدری پیرشده بودم که رعشه بر اندامم مستولی شده بود و صد و سیزده سال داشتم . آن حضرت در رکوع و سجود بود و به من توجهی نداشت . از دریافت نشانه امامت نا امید شدم . آن حضرت با انگشت سبابه خود به من اشاره کرد و به اشاره او جوانی ام برگشت . گفتم : ای آقای من از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟ فرمود نسبت به آن چه گذشته است ، آری و آن چه مانده است نه . یعنی ما به گذشته علم داریم ؟ اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی داند و یا مصلحت نیست بگویم . آن گاه به من فرمود : آن چه با خود داری بیاور . من آن سنگ را به حضرت دادم و حضرت مهر بر آن زد . پس ازگذاشت زمانی ، به حضور امام باقر (ع) آمدم ، آن حضرت نیز بر آن سنگ ، مهر زد . بعد از او نزد امام صادق (ع) آمدم و آن جناب نیز آن را مهرکرد . پس از طی شدن سال ها به حضور امام کاظم (ع) شرفیاب شدم ، آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد و بعد از او خدمت حضرت رضا (ع)

رسیدم ، مهر آن حضرت نیز بر آن نقش بست . حبابه پس از آن ، نه ماه زنده بود . (2)

1 . تنقیح المقال ، ج 23 ، ص 75 .

2 . کافی ج 1 ص 346؛ تنقیح المقال ج 3 ، ص 75 چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طبسی ، ص ، 74 .

حجی نبی

از انبیای پیرو تورات است که درکتاب خود ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) را داده است . (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ، ص 334 .

حذیفه بن یمان

از صحابه پیامبر (ص) بود که در علم و آگاهی به روایات فتنه ها معروف بود ، زیرا در پرسش نمودن از پیامبر (ص) درباره آشوب ها و حفظ آن روایات اهتمام می ورزید .

از این رو بسیاری از روایات مربوط به فتنه ها را در منابعی می بینیم که با ذکر سند و نسبت به حذیفه از پیامبر (ص) و یا از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده ، زیرا حذیفه از یاران خاص آن حضرت نیز بوده است .

چنان که از او روایت کرده اند که می گفت : هیچ فتنه جویی نیست که تعدادشان به سیصدتن برسد ، مگر این که اگر بخواهم نام او و پدر و محل سکونتش را تا روز قیامت یاد آور شوم می توانم ، زیرا تمام آن ها را رسول گرامی به من آموخته است و می فرمود : اگر تمام آن چه را که می دانم برای شما بازگو می کردم ، مرا تا شب مهلت نداده و فوری می کشتید . (1)

1 . عصر ظهور ، علی کورانی ص 39 .

حزقیال نبی

از انبیای پیرو تورات است که درکتاب خود درباره ظهور حضرت مهدی (ع) ، سرنوشت رژیم اسرائیل ، جهانی شدن آیین توحید ، و اجرای احکام و حدود الهی در عصر حضرت ، خبرهایی آ ورده ا ست (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) ازدیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 333 .

حزین لاهیجی

شیخ محمد علی حزین لاهیجی (متوفای 1181 ق) قصاید مهدوی پرشوری در سبک اصفهانی دارد که از مضامین بکر و نازک خیالی ها سرشار است :

در صبح عارض از خط مشکین نقاب کش این سرمه رابه چشم تر آفتاب کش

زال پیشتر که زخم اجل کارگر شود مطرب بیا و زخمه به تار رباب کش

ای چرخ دست فتنه بلند است خویش را زیرلوای خسرو عالی جناب کش

مهدی بگو و از شرف نام نامی اش طغرای فخر بر ورق آفتاب کش . . . .

حزین در قصیده مناقبی دیگری در التجا به ساحت مقدس امام زمان (ع) داد سخن می دهد : تا در چمن این سرو برازنده چمان است چیزی که به دل نگذرد اندوه خزان است

چشمش نشد از دولت دیدار تو محروم پیداست که آیینه زصاحبنظران است

ای پرده نشین دل و جان درره شوقت این مطلع فرخنده مرا ورد زبان است

تا دیده زدل نیم قدم ره به میان است از پرده برا چشم جهانی نگران است . . . (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) ، در آیینه شعرفارسی محمد علی مجاهدی ، ص 108 .

حسن بن حسین عسکری

معروف به ابوالفضل ، یکی ازگواهان تولد امام عصر (ع) بوده است (1)

وی می گوید : در سامرا به محضر امام حسن عسکری (ع) رسیدم و ولادت صاحب الزمان (ع) را به محضرشان تبریک و تهنیت گفتم (2)

1 . روزگاررهایی ، ج1 ص160 .

2 . غیبه طوسی ، ص 151 منتخب الاثر ص 343

.

حسن بن قاسم بن علا

وی از وکلای حضرت مهدی (ع) شمرده شده است (1)

1 . آخرین امید داود الهامی ص122 .

حسن بن مثله

شخصی صالح و عفیف بود که به همت وی ، مسجد مقدس جمکران ساخته شده است .

حسن بن محبوب

یکی از محدثین موثق شیعه حسن بن محبوب زراد است که کتاب مشیخه را که در میان اصول شیعه مشهور است ، صد سال پیش از غیبت امام زمان (ع) تصنیف کرده است .

وی قسمتی از اخبار غیبت حضرت قائم (ع) را در آن کتاب ذکرکرده و همان طورکه خبر داده نیز واقع شده است . (1)

1 . فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بیدگلی ص 81 .

حسن خالص

از القاب نا شناخته حضرت عسکری (ع) است . شبراوی شافعی از علمای اهل سنت درباره ولادت حضرت مهدی (ع) درکتاب خویش می نویسد : امام یازدهم ، حسن خالص است که به لقب عسکری معروف است و او را شرافت همین بس که امام مهدی (ع) از فرزندان گرانمایه اوست (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 168 .

حسین بن روح

سومین نائب خاص از نواب اربعه ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است .

وی در میان شیعیان بغداد ، از اشتهار خاصی برخوردار بود و یکی از افراد مورد اطمینان و اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می رفت . بعد از ابوسهل اسماعیل بن علی مشهورترین افراد خاندان نوبختی ، ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر است و عمده اشتهار او به واسطه مقام دینی بزرگی است که در میان شیعه امامیه دارد و از نواب اربعه حضرت قائم (ع) محسوب می شود . (1)

تاریخ تولد وی درکتب تاریخ و رجال مشخص نشده است و همین مقدار روشن است که در زمان حیات محمد بن عثمان یکی ازکارگزاران وی بوده است و در بین سال های 305- 326ه ق به عنوان نایب امام زمان (ع) ، واسطه میان امام و شیعیان بوده است . برخی گفته اند حسین بن روح قمی بوده است . روایت کشی او را ملقب به قمی ذکر می کند . (2)

در تاریخ الاسلام ذهبی اشاره به قمی بودن او شده

است . (3)

وی به زبان آبه از نواحی قم تکلم می کرده است . (4) با وجود این ، بین نوبختی بودن و قمی بودن نایب سو م ، به یکی از دو صورت می شود ، ارتباط برقرارکرد و آن ها را جمع کرد : 1- وی در اصل ، قمی بوده و از طرف مادر ، نوبختی نامیده شده است . وی از شاخه بنو نوبخت قم بوده و در زمان نخستین سفیر ، به بغداد مهاجرت کرده است . (5)

محمدبن عثمان از دویا سه سال قبل از وفات خود ، با ارجاع بعضی از شیعیان به حسین بن روح که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می بردند ، زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان (ع) همواره می نمود .

نخستین توقیعی که راجع به حسین بن روح از ناحیه مقدسه صدوریافت ، در سال 305ه ق بود . در آن توقیع آمده است : اوکاملاً مورد وثوق و اطمینان ماست و در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می گرد ا ند (6)

با این که محمدبن عثمان غیر از حسین بن روح نه وکیل دیگر در بغداد داشت و همگی زیر نظر وی فعالیت می کردند ، اما حسین بن روح به نیابت امام زمان (ع) انتخاب شد . عفت آن علاوه بر متکلم و فقیه بودن ، بردباری ، هوشیاری و اخلاص او در آن موقعیت خاص سیاسی بود .

حسین بن روح با همکاری

ده وکیل در بغداد و با وکلای سایر بلاد اسلامی ، کار خویش را در سمت نیابت امام زمان (ع) شروع کرد و توانست با روش معقولانه و منطقی ، درمیان دوست و دشمن ، از مقبولیت بالایی برخوردار باشد . بنابر شهادت مورخین قرون اولیه و محدثین متقدم ، او اعقل الناس زمان خود بوده است و از داناترین افراد به شمار می رفت .

حسین بن روح بیست ویک سال نیابت حضرت را به عهده داشت و در ماه شعبان سال ، 326ه ق وفات یافت . (7)

قبر او در نوبختیه در جانب غربی بغداد است . (8)

1 . خاندان نوبختی اقبال آشتیانی ، ص 212 .

2 . اختیار معرفه الرجال ، ج 2 ، ص 831

3 . تاریخ الاسلام ذهبی ، ص 190- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ، ص 212 .

4 . کمال الدین ج 2 ص 3 50 .

5 . غیبه طوسی ص 1 37 خاندان نوبختی ، ص 214 .

6 . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ص 192 .

7 . خاندا ن نوبختی ص 221 .

8 . زندگانی نوا ب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده ص 278 .

حسین بن الحسن العلوی

از جمله کسانی است که از تولد امام مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (1)

1 . بحارالانوار ج 51 ، ص5 , ارشاد مفید ص 330 .

حکیمه

حکیمه خاتون ، از بانوان خاندان امامت و رسالت و زنی باکفایت و مؤمنه بود .

وی دختر امام جواد (ع) ، خواهر امام هادی (ع) و عمَ امام حسن عسکری (ع) بود . امام هادی (ع) ، نرجس خاتون را به خواهرش حکیمه خاتون سپرد تا احکام و دستورات اسلام را به او بیاموزد . حکیمه خاتون ، شاهد ولادت امام زمان (ع) بود و تاریخ وکیفیت ولادت حضرت مهدی (ع) را همه از حکیمه خاتون نقل کرده اند . حکیمه خاتون می گوید : پس از چهل روز از ولادت حضرت مهدی (ع) ، طبق دعوت امام حسن عسکری (ع) به خانه اش رفتم وقتی وارد اطاق شدم ، ناگهان دیدم همان کودک ، چون آفتاب درخشنده در مقابل پدر راه می رود و به اندازه یک فرزند دو ساله می ماند . تعجب کردم و از امام پرسیدم : ای سرور من این کودک به اندازه دو سال رشد کرده است حضرت تبسمی کرد و فرمود : فرزندان پیامبران و جانشینان آنان که به مقام پیشوایی و امامت برگزیده می شوند ، ورشدشان همانند سایرین نیست ، بلکه وقتی یک ماه از عمرشان می گذرد ، چنان است که بر دیگران یک سال گذشته باشد (1)

حکیمه

خاتون از محضر امام حسن عسکری (ع) درخواست نمود که در حق او دعا کند و از خدا بخواهد که در زمان حیات امام (ع) از دنیا برود و چنین شد . (2) مزار او در سامرا کنار حرم عسکریین است .

حکیمه خاتون ، قابله حضرت مهدی (ع) نیز بوده است . (3)

برخی منابع ، یکی از نام های مادر حضرت مهدی (ع) را حکیمه ، ذکرکرده ا ند . (4)

1 . بحارالانوار ، ج 51 ص 14 .

2 . روزگار رهایی ج 1 ، ص 153 .

3 . روزگار رهایی ، ج 1 ص 12 .

4 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص 172 .

حلاج

صوفی معروف و نامش حسین بن منصور حلاج بیضاوی است .

او یکی از مدعیان نیابت و وکالت بوده که در آغاز ، خود را رسول امام غایب (ع) و وکیل و باب آن حضرت معرفی کرد . از این رو علمای علم رجال او را از مدعیان بابیت شمرده اند . (1)

درباره شهر و محل تولد او اختلاف است . خراسان ، نیشابور ، مرو ، طالقان ، ری وکوهستان اقوال مختلفی است که به عنوان زاد گاهش ذکر شده . ابوریحان بیرونی درباره الحاد و ارتداد او می نویسد : حلاج ، ابتدا مردم را به سوی مهدی دعوت می کرد و چنان به مردم القا می کرد که او از طالقان ظهور خواهد

کرد . او را گرفتند و به شام بردند و یک ماه حبس کردند ، تا این که به حیله خود را آزاد کرد .

او مردی شعبه باز و ساحر بود و با هرکسی مجالست می کرد ، ابتدا با اعتقاد او همراهی می کرد ، پس دعوی حلول و اتحاد نمود وگفت : روح القدس در من حلول کرده خود را به نام خدا معرفی می کرد و می گفت : من خدای شما هستم . در نامه هایی که به اصحاب خود می نوشت ، تصریح به خدایی خود می کرد . پیروانش را از ذکر نام خدا باز می داشت و می گفت : گفتن لا اله الا الله ممنوع است . (2)

فقهای مالکی در بغداد ، در روزگار حکومت المقتدر ، به اتفاق آراء نتیجه گرفتند وی را به این دلائل ، به قتل برسانند : به سبب ادعای الوهیت ، به سبب قول به حلول ، برای بیان انا الحق و این که قبول توبه او را مشروع ندانستند . بالاخره او به دار آویخته شد و سپس جسد او را سوزاندند و سرش را بر چوبی بالای پل بغداد زدند . بدین ترتیب او در سال 309 به جرم ادعای باطل وکفر و الحاد به قتل رسید .

وی از نظر شیعه مطرود و ملعون است ، هر چند برخی مانند شیخ عطار درتذکره الاولیاء و جامی در نفحات الانس کرامات فراوانی برای او نقل کرده اند ، که این مطالب به درد خرقه پوشان می خورد و قهرمان پروری های شاعرانه است . (

(3

1 . آخرین امید داود الهامی ص 144 .

2 . همان ، ص 151 .

3 . همان ، ص ، 154 .

حمیری قمی

شیخ ابوجعفر محمدبن عبدالله بن جعفر بن الحسین بن جامع بن مالک حمیری قمی متوفای بعد از 298 ق از محدثان گران قدر و دانشوران نامدار شیعه در اوایل غیبت صغری بوده است . پدرش از اصحاب بزرگوار امام حسن عسکری (ع) و از مؤلفان و محدثان مورد وثوق به شمار آمده و از آثار ارزشمند او ، جمح آوری و تدوین توقیعات بوده است .

همچنین احمد ، جعفر و حسین- برادران دیگر شیخ ابوجعفر حمیری ، از محدثان برومند و نامدار شیعه بوده اند و با حضرت بقیه الله (ع) مکاتبه داشته اند . نسبت حمیری از آن جهت است که این خاندان از نسل قبیله حمیراز قبایل بزرگ یمن بوده اند وعنوان قمی ، به اعتبار اقامت در شهر مقدس قم می باشد .

شیخ ابوجعفر حمیری ، از اساتید شیخ کلینی متوفی 329 ه ق به شمار آمده است . همچنین علی بن حاتم قزوینی کتاب هایش را از وی روایت نموده ، و نیز شیخ صدوق متوفی 381ه ق به واسطه احمد بن هارون فامی و جعفر بن الحسین از او روایت کرده است .

جعفر بن محمد بن قولویه متوفی369ه ق هم از حمیری حدیث گرفته است . حمیری آثار ارزشمندی داشته ، از جمله : کتاب الحقوق ، کتاب الاوائل ، کتاب السماءِ ، کتاب الارض ، الغیبه والحیره ، کتاب المساحه والبلدان ، قرب الاسناد ،

کتاب ابلیس و جنوده ، وکتاب الاحتجاج نیز در ابواب مختلف شریعت ، مسائلی از حضرت ولی عصر (ع) پرسیده است . سه توقیع از سوی آن حضرت در پاسخ به سؤالات او صادرگردیده است؟ در یکی از این توقیعات پس از جواب سؤالات ، امام زمان (ع) ، زیارت آل یاسین را مرقوم داشته اند و شیعیان را به آن افتخار بخشیده اند . (1)

1 . رجال نجا شی ص 152 الذریعه ، ج 4 ص 401 تنقیح المقال ج 3 ص 139 .

خاقانی

حکیم افضل الدین خاقانی شروانی متوفای 595 ق از شاعران بزرگ ، معروف به حسان العجم در قصاید مناقبی خود از نام مقدس مهدی در ستایش ممدوحان خود بهره برده است :

خسرومهدی نیست مهدی آدم صفت آدم موسی بنان موسی احمد قدم

مهدی دجال کش آدم شیطان شکن موسی دریا شکاف احمد جبریل دم

نیز در قصیده منطق الطیر درصفت صبح ومدح کعبه وستایش نبی گرامی اسلام (ص) با ظرافت خاصی از مهدی موعود (ع) نام می برد :

زد نفس سربه مهره صبح ملمع نقاب خیمه روحانیان گشت معنبر طناب

کرچه همه دلکشند از همه گل نغزتر کوعرق مصطفی است وان دگران خاک وآب

ونیز در جای دیگری می گوید : خلوتی کز فقر سازی خیمه مهدی شناس زحمتی کزخلق بینی موکب دجال دان (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآ یینه شعرفارسی , محمدعلی مجاهدی ، ص 76و 67 .

خزیمه

فرمانده سپاه سفیانی وعنصر پلیدی از امویان است .

دوازده هزار نفر از سپاه سفیانی به سوی مکه ومدینه حرکت می کنند که خزیمه پرچمدار آن سپاه است . چشم چپ اوکور است وپرده سفیدی روی چشمش را گرفته است . او قساوت پیشه ای است که مردم را مثله می کند وهمه جا را می کوبد تا وارد مدینه می گردد . در آن جا مستقر می شود و در جست وجوی بزرگ مردی از خاندان پیامبر (ص) ، سپاهی گران به سوی مکه گسیل می دارد که پرچمدار آن ، مردی از طایفه غطفان است (1)

1 . امام

مهدی (ع) ازولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص 541 .

خضر (ع)

از پیامبران مرسل بود که خداوند او را به قومش مبعوث ساخت ، تا آن جان را به یکتاپرستی واقرار به انبیاء ورسل وکتب آسمانی دعوت نماید .

معجزه اش این بود که هرگاه بر چوبی خشک یا زمین بی سبزه ای می نشست ، فوراً چوب ، بر می آورد و زمین سرسبز می شد و از این جهت وی را خضر (ع) گویند . نام اصلی اش تالیا بن ملکان بن عابر بن ارفخشد بن سام بن نوح است .

از امام صادق (ع) آورده اند که . . . اما آن بنده صالح خدا خضر ، خداوند عمر او را نه به خاطر رسالتش طولانی گردانید و نه به خاطرکتابی که بدو نازل کند و نه به خاطر این که به وسیله او وشرت او ، شریعت پیامبران پیش از او را نسخ کند ونه به خاطر امامتی که بندگانش بدو اقتدا نمایند و نه به خاطر طاعتی که خدا بر او واجب ساخته بود ، بلکه خدای جهان آفرین ، بدان دلیل که اراده فرموده بود عمرگرامی قائم (ع) را در دوران غیبت او بسیار طولانی سازد ومی دانست که بندگانش بر طول عمر او ایراد واشکال خواهند نمود ، به همین جهت عمر این بنده صالح خویش خضر را طولانی ساخت که بدان استدلال شود و عمر قائم (ع) بدان تشبیه گردد و بدین وسیله اشکال و ایراد دشمنان و بداندیشان باطل گردد . (1

)

بدون تردید او زنده است وهم اکنون بیش از شش هزار سال از عمر شریفش می گذرد . (2) زندگی حضرت خضر و رفتنش به بحر ظلمات وخوردنش از آب حیات خود داستان مفضلی است که درکتب تاریخی وحدیثی به تفصیل از آن بحث شده ، علاقمندان به کتب مبسوط حدیثی مراجعه فرمایند . (3)

شرکت حضرت خضر در مراسم عید غدیر در سرزمین غدیر خم ودر مراسم سوگواری رسول اکرم (ص) به هنگام رحلت آن حضرت ودر سوگ حضرت علی (ع) به هنگام شهادت آن حضرت درکتاب های حدیثی مشروحا آمده است .

امام رضا (ع) می فرماید : حضرت خضر (ع) از آب حیات خورد ، او زنده است وتا دمیده شدن صور از دنیا نمی رود ، او پیش ما می آید وبر ما سلام می کند ، ما صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم ، او در مراسم حج شرکت می کند وهمه مناسک را انجام می دهد ، در روز عرفه در سرزمین عرفات می ایستد وبرای دعای مؤمنان آمین می گوید . خداوند به وسیله او در زمان غیبت ، از قائم ما رفع غربت می کند وبه وسیله او وحشتش را تبدیل به انس می کند . (4)

از این حدیث استفاده می شود که حضرت خضر (ع) جزء سی نفری است که همواره در محضر حضرت بقیه الله (ع) هستند ورتق وفتق امور به فرمان آن حضرت در دست آن هاست (5)

. کمال ا لدین ج 3 ، ص 357 بحارالانوار ج 51 ، ص 222 .

2 . یوم الخلاص ص157 .

3 . بحارالانوار ، ج 2 1 ، ص 72 1- 5 1 2 وج 13 ص 278 -322 .

4 . کمال الدین ، ج 2 ص 390 بحارالانوار ، ج13 ص 299 .

5 . غیبه نعمانی ، ص 99 بحارالانوار ج 52 ، ص 158 .

خمط

از نام های مادر امام زمان (ع) است . (1)

هم چنین ، نوعی درخت میوه است که قرآن نیز آن را به کار برده است . (2)

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ، ص 172 .

2 . سوره سباء، 16 .

خنس

ازالقاب حضرت شمرده شده وبه معنی ستاره هایی است که برای آنها محل سیری است مانند زحل ، مشتری ، مریخ و زهره و عطارد .

روایت است از ام هانی که گفت : ملاقات کردم حضرت باقر (ع) را ، پس سؤال کردم از آن جناب ، از این آیه فلا أُقسم بِالخنسِ ، (1) فرمود : آن امامی است که پنهان می شود در زمان خود (2)

1 . تکویر ، 15 .

2 . نجم الثاقب باب دوم .

خواجوی کرمانی

ابوالعطاء کمال الدین محمود خواجوی کرمانی متوفای 753 ق از شاعرانی است که در منظومه همای و همایون خود از وجود مقدس مهدی موعود (ع) نام می برد و ممدوحان خود را با او مقایسه می کند :

خدیوجهان ، آصف جم نشین جهان کرم شعس دنیاودین

زخل کمترین هندوی بام او قمر کمترین گوهرجام او

سکندرحشم خضرخلت شعار مسیحا نفس مهدی روزگار

یکی گنج محمود پرداخته یکی رایت مهدی افراخته

یکی دردمش نکهت عیسوی یکی درکفَش معجزموسوی

در دیوان خواجوی کرمانی ، ترکیب بندی وجود دارد در هفده بند ، تحت عنوان فی نعت الانبیاء ومناقب الائمه الاثنی عشر (1)

و بند شانزدهم آن اختصاص به مهدی موعود (ع) دارد : به مقدم خلف منتظر امام همام مسیح خضرقدوم وخلیلِ کعبه مقام

شعیب مدین تحقیق حجه القائم عزیزمصرهدی مهدی سپهرغلام

به انتظاروصول طلیعتش ، خورشید زند درفش درفشنده ، صبحدم

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآیینه شعر فارسی ، محمدعلی مجاهدی ، ص 79 ، 71 .

دانیال

از انبیای پیرو تورات است که درکتاب خود ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) را آورده است . (1)

دانیال نبی از نسل حضرت داود (ع) است . معاصر عزیر پیغمبر بوده وپس از مرگ بخت النصر ، از سوی بهمن پسر اسفندیار ، به بیت المقدس بازگردانیده شد واز آن جا به اهواز رفت ودر شوش دیده از جهان بربست . (2)

جابر جعفی می گوید : از امام باقر (ع) درباره دانیال و تعبیر خواب پرسیدم که آیا حقیقت دارد؟ فرمود : آری

، او پیغمبر بود و وحی بر او نازل می شد و از جمله اموری که خدا بهره اوکرده بود ، تعبیر خواب بود (3)

1 . ادیان ومهدویت محمد بهشتی ص 22 .

2 . معارف ومعاریف ، ج 5 ص 349 .

3 . بحا رالا نوا ر ج 26 ، ص 284 .

دجال

از نشانه های ظهور ، خروج دجال است . دجال از ریشه دجل به معنای دروغگویِ حیله گر است .

در زبان عربی به معنای آب طلا است و به همین علت ، افراد بسیار دروغگوکه باطل را حق جلوه می دهند ، دجال نامیده می شوند . در روایات دجال ها و دروغگویان فراوانی نام برده شده است . در برخی دوازده و در برخی سی ، شصت وهفتاد دجال آمده است . (1)

از میان این دجال ها ، فردی که در دروغگویی و حیله گری سرآمد همه دجالان است و فتنه او از همه بزرگتر است ، نشانه ظهور مهدی (ع) ویا برپایی قیامت (2) است .

بر این اساس باید گفت دو نوع دجال داریم ، یکی دجال حقیقی که پس از همه دجال ها می آید و دیگری گروهی شیاد و دروغگو که به فریب مردم وگمراهی آنان دست می زنند .

دجال در روایات اسلامی این چنین توصیف شده است (3) او دارای قدرت وتأثیر عجیبی است ، چشم راست ندارد وچشم دیگرش در وسط پیشانی اوست ومانند ستاره صبح می درخشد . چیزی در چشم اوست که گویی آمیخته به خون

است , داخل دریاها می شود و آفتاب با او می گردد . کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با اوست . آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه می رویاند . اختیارگنج های زمین با اوست , مرده را زنده می کند . با صدای بلندی که تمام جهانیان صدای او را می شنوند ، می گوید : من خدای بزرگ هستم که شما را آفریده وروزی رسان هستم ، به سوی من بشتابید (4) وی از همه جا می گذرد وفقط در مکه و مدینه قدم نمی گذارد . (5)

بیشترپیروان او از یهود و زنان و عرب های بیابانی است . اصل او را از اصفهان یا بجستان ویا خراسان گفته اند . (6)

اصل داستان دجال درکتاب های مقدس مسیحیان آمده و بارها واژه دجال در انجیل به کار رفته است . درباره دجال ، صرف نظر از ویژگی های او ، چند احتمال وجود دارد : 1 . دجال ، نام شخص معینی نیست . هرکسی که با ادعاهای پوچ وبی اساس وبا توسل به حیله گری ونیرنگ ، در صدد فریب مردم باشد ، دجال است . براین اساس دجال ها خواهند بود و این که در روایات از دجال های فراوان دوازده ، سی ، شصت وهفتاد سخن به میان آمده ، این احتمال را تقویت می کند . فردی معین ومشخص به عنوان دجال در دوره غیبت ، با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده ، خروج می کند و مردم را به انحراف

می کشاند .

2 . این احتمال نیز وجود دارد که مراد از دجال ، همان سفیانی باشد که در کتاب های عامه ، بیشتر به عنوان دجال ودرکتاب های خاصه به عنوان سفیانی آمده است . (7) .

دجال ، کنایه ازکفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان است . استکبار ، به معنای واقعی ، دجال است . استکبار خود را قیم ملت ها می داند و با تکیه بر ثروت انبوه وقدرت عظیمی که در اختیار دارد ، در همه جای زمین دخالت می کند وهمه را به زیر سلطه خویش می آورد (8) .

موضوع دجال ، بیش از آن چه در روایات شیعه است ، از طریق اهل سنت نقل شده است وقسمت عمده آن را احمد بن حنبل درکتاب مسند ترمذی در صحیح خود وابن ماجه در سنن ، و مسلم در صحیح ، و ، ابن اثیر در نهایه از عبدالله بن عمر و ابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده اند (9) .

مرحوم صدوق در این زمینه می گوید : مƠBȘ̦□□ʘlاهل سنت ، این گونه اخبار را تصدیق می کنند و آن را درباره دجال وغیبت وی وزنده بودنش را در این مدت طولانی روایت نموده اند که در آخر الزمان خروج می کند ، ولی درباره قائم باور نمی کنند که او مدت طولانی غائب می شود ، آنگاه آشکار می گردد وجهان را پر از عدل و داد می کند ، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد ، با این

که پیامبر (ص) و امامان (ع) از این موضوع ، صریحا سخن گفته اند (10)

همچنین موضوع دجال ، اختصاص به اسلام ندارد ، بلکه ریشه داستان دجال را باید درکتاب مقدس مسیحیان جست وجوکرد در رساله اول یوحنا نوشته است : دروغگوکیست ، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکارکند ، ان دجال است که پدر وپسر را انکار می نماید (11)

1 . بحارالانوار ، ج 52 ، ص 209 کنز العمال ، ج 14 ص 198 .

2 . طبق کتب شیعه .

3 . طبق کتب اهل تسنن .

4 . بحارالانوار ، ج 52 ، ص 941 به نقل ازآخرین امید داود الهامی ص322 (

5 . الزام الناصب ، ص 74 .

6 . آخرین امید داود الهامی ص 323 .

7 . غیبه طوسی ، ص ، 463 .

8 . آخرین امید ، داود الهامی ، ص 323 .

9 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص 239 .

10 . بحارالانوار ج 52 ص 200

11 . رساله یوحنا باب 2 ، آیه 22 .

دعبِل خزاعی

دعبل بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی کوفی معروف به دعبل خزاعی ، شاعری بلیغ ، سخنوری ادیب ودانشمندی والا مقام بوده که عمر خود را در مدیحه سرایی و ذکر فضایل اهل بیت عصمت وطهارت (ع) سپری کرده است .

مرحوم شيخ طوسى و نجاشى ار را از ياران حضرت رضا (ع) به شمار آورده اند . اين

شاعر توانای سده سوم هجری متوفای246 در قصیده ای که در خدمت امام رضا (ع) خواند ، چنین سروده است :

فَلولا الذی ارجوهُ فی الیوم اوغد

تقطع نَفسی اثرَهُم حَسَراتٍ

خُروج إمام لامُحاله خارج

یَقومُ علی این اسم الله والبرکات

یمیز فینا کل حق و باطل

ویجری علی النعماء والنقمات

ترجمه : اگر آن چه را امروز یا فردا امید وقوع آن را دارم نمی بود ، دلم از حسرت واندوه بر ایشان- اهل بیت (ع) - پاره پاره می شد . - و آن امید به- قیام امامی است که بدون تردید قیام خواهدکرد- که- با نام خدا وهمراه با برکات الهی قیام می فرماید . - واو- در میان ما حق وباطل را از هم جدا می سازد ، وپاداش وکیفر می دهد .

هنگامی که " دعبل " این ابیات را به عرض رساند ، امام رضا (ع) سر برداشت وفرمود : ای خزاعی این اشعار را روح القدس ، بر زبان تو جاری ساخته است . آن گاه فرمود : آیا می دانی آن امام کیست دعبل عرض کرد : نمی دانم ، فقط شنیده ام که امامی از دردمان شما خروج می فرماید و زمین را پر از عدل وداد می سازد . فرمود : ای دعبل امام بعد از من پسرم محمد (1)

امام جواد و بعد از او پسرش علی امام هادی و بعد از او پسرش حسن امام عسکری است ، وپس از حسن ، پسرش حجت قائم است که در غیبت او انتظارش را می برند وبه هنگام ظهور مطاع خواهد بود ،

واگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد ، خدا آن روز را طولانی می سازد تا قائم (ع) خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد سازد ، چنان که از جور پر شده است . (2)

1 . الغدیر ج 2 ص 360 .

2 . الفصوله المهمه ص 251 پیشوای دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق ص 13 .

ذوالسویقَتین

امیرمؤمنان علی (ع) یکی از نشانه های آخرالزمان را ویران کردن کعبه می داند و می فرماید : گویی با چشم خود می بینم که مردی از حبشه ، بسیار نیرومند و شجاع کلنگی به دست گرفته ، خانه کعبه را ویران می کند و سنگ های آن را یکایک دور می اندازد (1)

بر طبق روایات ، این مرد حبشی چابک و چالاک ذوالسویقتین نام دارد (2)

1 . بحارالانوار ج52ص 218 .

2 . صحیح مسلم ، ج8 ص 183 روزگار رها یی ج 2 ، ص 139 .

ذوالقر نین

جابر بن عبدالله انصاری می گوید : رسول خدا (ص) فرمود : ذوالقرنین ، بنده ای شایسته بود که خداوند او را بر بندگانش حجت قرار داد وی قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد وبه تقوا دستور داد ، ولی آنان بر سرش ضربه ای زدند و او مدتی از آنان پنهان شد ، به طوری که آنان گمان بردند که مرده است .

پس از مدتی نزد قومش بازگشت ، ولی باز بر سمتِ دیگر سرش ضربه ای زدند . در میان شما شخصی است که به سنت رفتار می کند . خدای عزوجلَ برای ذوالقرنین در زمین اقتداری فراهم آورد واز هر چیز ، وسیله ای برای او قرار داد واو را به شرق و غرب جهان رساند . خداوند رفتار وروش او را پیرامون امام غائب جاری می کند واو را به شرق و غرب زمین می رساند وهیچ آبگاه ومنزلی درکوه و بیابان باقی نمی ماند که ذوالقرنین بر

آن گام نهاده باشد ، جز آن که اوگام می نهد . خداوند برای اوگنج ها و معادن زمین را آشکار می سازد و با ایجاد ترس در دل دشمن ، او را یاری می دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل وداد می کند ، چنان که قبل از قیام پر از جور وستم شده است (1) .

نام او در قرآن کریم آمده است (2) در حدیثی آمده است که : وی در سن دوازده سالگی به حکومت تمامی روی زمین رسید و سی سال دوران حکومتش بود . وی از مردم روم بود . پیغمبر نبود ، ولی بنده ای شایسته بود که خدا را دوست می داشت وخدا نیز او را دوست داشت . خداوند ابر را در اختیارش قرار داد که مرکب او بود واسباب ووسایل خویش فراهم نمود ونور را برایش منبسط کرد ، که شب و روز نزد او یکسان بود (3)

امام باقر (ع) فرمود : ذوالقرنین مخیر گردید که یکی از دو ابر سخت ورام را برگزیند . او ابر رام را برگزید وابر سخت ، برای حضرت صاحب الامر (ع) ذخیره شد . (4)

ذوالقرنین با حضرت ابراهیم (ع) همزمان بود ونخستین دو نفری که در روی زمین با هم مصافحه کردند ، او و ابراهیم (ع) بودند . شهر اسکندریه را او بنا کرد ومسجدی عظیم در آن ساخت . (5)

1 . کمال الد ین ج 2ص 394 بحارالانوار ج 52 ص

323 ارشاد مفید ، ص 362 اعلام الوری ص 430 . 2 سور ه کهف ، 830 .

3 . معارف ومعاریف ، ج 5 ، ص 562 .

4 . بحارالانوار ج52 ص 132 اختصاص مفید ص 990 .

5 . معارف ومعاریف ج 5ص563 .

رونی

ابوالفرج رونی متوفای 508 ق . از قصیده سرایان مطرح در سده های پنجم و ششم هجری است . در قصیده ای که برای ممدوح خود- سیف الدوله محمود- سروده ، آشنایی مردم زمانه خود را با آیت مهدی از رایت او می داند واز میان رفتن فتنه دجّال را از هیبت وی می شناسد : فتح وظفر ونصرت وفیروزی واقبال با عزخداوند قرین بودند امسال

مشهورشدازرایت او آیت مهدی منسوخ شد ازهیبت او فتنه دجال (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآ یینه شعرفارسی محمدعلی مجاهدی ص64 .

رشیق

یکی از سه نفری است که از اشرار خانه زاد " معتضد " بود .

معتضد که کشتن واز میان برداشتن حضرت مهدی (ع) را در دستورکار وبرنامه استبدادی خود قرار داده بود ، سه تن از اشرار خود ، از جمله " رشیق " را فرا خواند و به آنان دستور داد که به طور پراکنده و سری ، چابک و سبکبال به سوی شهر تاریخی سامرا حرکت کنند . در نقطه ای از شهرکه برای شان وصف کرد ، به خانه ای خواهند رسید که کنار درب و راهروان ، غلام رنگین پوستی ، برای عادی جلوه دادن اوضاع ورد گم کردن ، بافتنی در دست دارد وبه کار بافندگی مشغول است . با یافتن آن خانه ، بی درنگ به آن جا یورش برند وسرهرکسی را که در خانه یافتند از بدنش جدا وبه دربار خلافت به ارمغان بیاورند . (1) جریان این یورش وحشیانه و شکست خورده ، از زبان " رشیق "

چنین است : ما برای اجرای دستور ، به سوی سامرا شتافتیم وپس از ورود بدان شهر ، برنامه را همانگونه که برایمان تشریح شده بود ، پیگیری کردیم . خانه مورد نظر را یافتیم و در راهرو خانه ، غلام رنگین پوستی را دیدیم که مشغول بافتن چیزی است . از او در مورد خانه و اینکه چه کسی در خانه است پرسیدیم ، اما او با بی تفاوتی بسیار ، بی آنکه به ما توجهی کند یا بهایی بدهد ، پاسخ داد که : خانه ازآنِ صاحب آن است وهمو درآن زندگی می کند . ما طبق دستور ، خانه را مورد یورش قرار دادیم و هنگامی که وارد شدیم با سرایی پاک وپاکیزه و فضایی دل انگیز و آرام بخش روبه رو شدیم . در برابر خویش ، پرده زیبا و بی نظیری که گویی هم اکنون نصب شده و هیچ دستی به آن نرسیده است ، جلب نظر می کرد و وجودکسی در خانه احساس نمی شد .

پرده را برای ورود به اطاق ، کنار زدیم که به ناگاه با سالن بزرگی روبه رو شدیم که گویی دریایی عظیم ومواج درآن قرارگرفته است ودر دورترین کرانه آن ، حصیری پاک وپاکیزه بر روی آب گسترده شده و بزرگ مردی که زیباترین چهره وپرشکوه ترین قامت و هیبت را داشت ، بر روی آن به نماز ایستاده است . او چنان غرق در نیایش وراز و نیاز با خدا بود که گویی نه متوجه آمدن ما شد ونه اعتنایی به سر وصدای سلاح های ما وبگیر وببند ما داشت . احمد

که یکی از ما سه نفر بود ، بی درنگ برای اجرای فرمان سردار خود کامه خویش ، گام به سالن نهاد ، اما در درون آب قرارگرفت و با غرق شدن فاصله چندانی نداشت که من با تلاش بسیار ، او را از آب بیرون کشیدم و بیهوش نقش بر زمین گردید . نفر دوم با خیره سری بیشتری کوشید وارد سالن گردد و دستور ظالمانه خلیفه را به اجرا گذارد ، اما او نیز به مجرد پا نهادن بر روی آب ، به سرنوشت شوم نفر اول گرفتار آمد .

من با مشاهده وضعیت آن دو ، در بهت وحیرت قرارگرفتم ، به ناگزیر به آن انسان پرشکوه

و وارسته رو آوردم و ضمن پوزش خواهی از یورش به حریم خانه اش گفتم : سرورم از پیشگاه خدا وشما که بنده شایسته او هستی ، پوزش می خواهم . به خدای سوگند من نمی دانم جریان چیست وبه سوی خانه چه کسی آمده ام ، اینک به سوی خدا باز می گردم وروی توبه به بارگاه او می آورم . . . . اما او همچنان بی اعتنا به گفتار من ، به نماز روح بخش خویش مشغول بود وبدین سان عظمت او و شرایط وصف ناپذیر خانه اش ، ما را دچار وحشت و اضطراب ساخت . شتابان بازگشتیم وزبون وشکست خورده به سوی بغداد و دربار خلافت شتافتیم .

خلیفه در انتظار ما بود وپیش از رسیدن ما به مأموران کاخ دستور داده بود که به مجرد رسیدن ما ، اجازه ورود دهند . سیاهی شب هنوز دامن خود را جمع نکرده

بود که رسیدیم و طبق توصیه خلیفه ، ما را نزد او بردند . او از مأموریت ما و چگونگی کار پرسید وما جربان بهت آوری را که با در چشم خود دیده بودیم به اوگفتیم . خلیفه ، سرگردان و وحشت زده گفت : وای بر شما آیا پیش از من با دیگری ملاقات داشته اید واز جریان مأموریت و شکست آن ، چیزی فاش ساخته اید پاسخ دادیم : نه او در حالی که جوهر صدایش تغییرکرده بود باشدید ترین سوگندها تاکید کرد که : از فرزندان نیای خود نیست و فرزند نامشروع است که اگرکلمه ای از این خبرِ محرمانه ، فاش شود ، گردن ما را نزند . و ما تعهد بر رازداری سپردیم وتا او زنده بود جرأت و جسارت بازگویی آن مأموریت خطرناک را در خود ندیدیم . (2)

خلیفه خود کامه عباسی دست به تلاش احمقانه دیگری می زند که " رشیق " از نقشه تجاوزکارانه وتلاش مذبوحانه و شکست خورده اش که برای دستگیری وبه شهادت رساندن امام مهدی (ع) به اجرا درمی آید ، این گونه گزارش می دهد . او می گوید : سپس ، سپاه بیشتری به سامرا و به بیت رفیع امامت فرستاده شد .

هنگامی که سپاهیان خلیفه ، وارد صحن خانه شدند از داخل سرداب ، نوای دلنواز تلاوت قرآن به گوش شان رسید . همگی درکنار درب خروجی گرد آمدند وراه ها را مسدود ساختند تا حضرت از آن جا خارج نگردد واز حلقه محاصره بیرون نرود . فرمانده سپاه خونخوار عباسی بیشتر از همه ،

کنار درب سرداب ایستاده و در انتظار بود تا همه نیروها بدان نقطه برسند که در این هنگام آن گرامی از سرداب بالا آمد واز برابر دیدگان سپاهیان تا دندان مسلح وفرمانده آنان که پیشاپیش آنان بود گذشت . . . هنگامی که رفت وناپدید شد ، فرمانده سپاه گفت : اینک وارد سرداب شوید واو را دستگیر نمایید .

گفتند : مگر او از برابر شما عبور نکرد؟ گفت : هرگز من کسی را ندیدم . . . شما که دیدید چرا او را رها کردید؟ گفتند : ما فکرکردیم شما او را می بینی . . . (3)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور ، سید محمدکاظم قزوینی ص 309 .

2 . غیبه طوسی ص 149 بحارالانوار ، ج 2 5 ص52 .

3 . بحارالانوارج 52 ، ص 2 5 .

روح القدس

بنا بر عقیده مفسران اسلامی ، درباره روح القدس دو احتمال وجود دارد :
1 . منظور " جبرئیل " است و منظور قرآن از اینکه خداوند ، عیسی (ع) را با روح القدس تأیید فرمود " (1) آن است که خداوند ، جبرئیل را مدد کار عیسی (ع) قرار داد . اما چرا به جبرئیل روح القدس می گویند؟ روح است ، چون جنبه روحانیت در فرشتگان غلبه دارد واضافه کردن روح به القدس به پاکی وقداست این روح اشاره می کند

2 . منظور ، همان نیروی غیبی است که عیسی (ع) را تأیید می کرد و با همان نیروی اسرارآمیز ، مرد گان

را به فرمان خداوند زنده می ساخت .

به طورکلی این پدیده ، همان امدادهای الهی است که انسان را در انجام عبادت ها وکارهای مشکل ، یاری می رساند و ازگناهان باز می دارد . به همین دلیل ، درباره برخی شاعران اهل بیت گفته شده است که پس از خواندن اشعارشان ، ائمه به آنان می فرمودند : این شعر را روح القدس بر زبان تو دمید و آن چه گفتی ، به یاری او بود . (2)

در قرآن کریم ، مکرر از این واژه ترکیبی ذکر به میان آمده (3) که در مورد حضرت عیسی (ع) است . در این که چرا در میان پیامبران ، حضرت عیسی (ع) به این تشریف اختصاص داده شده ، در صورتی که همه انبیاء (ع) به وسیله جبرئیل تأیید شده اند ، گفته شده ، بدین سبب که وی ازکودکی تا به آخر عمر ، در آغوش تأیید جبرئیل بوده است ، (4)

روح الامین نیز همان جبرئیل است که در آیه 193 سوره مبارکه شعراء آمده است . مرحوم طبرسی گفته : از این جهت جبرئیل به روح الامین توصیف شده که وی در صفت امانت وعدم تغییر در امانت ، دین را زنده می دارد و همچون روح مایه حیات دین است . ویا بدین جهت که فرود آورنده برکات است وارواح را زنده می دارد وبا بدین جهت است که او جسمی روحانی می باشد . (5)

حکیمه خاتون می گوید : وقتی امام حسن عسکری (

ع) فرزند دلبندش را - پس از تولد- از من گرفت ، در آن حال مرغانی آسمانی بال های خود را بر سر آن جناب گسترانیدند . پس حضرت ، بزرگ مرغان را آواز داد و فرمود : او را بردار و محافظت کن و هر چهل روز او را به مادرش بازگردان . حکیمه خاتون می گوید ، گفتم : این مرغ چه بود؟ حضرت فرمود : این روخ القدس است (6)

1 سوره بقره 87 .

2 . تفسیرنمونه ج 1 ص 237 .

3 . سوره بقره ، 87 و 253 سوره مائده ، 11 .

4 . معارف ومعاریف ج 5 ص 715 .

5 . مجمع البیان ج 7 ص 320 .

6 . بحارالانوار ج 51 به نقل از نشریه موعود شماره 17 ص 10 .

زبیده

یکی از زنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) ، جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود . وی همسر هارون الرشید واز ضیعیان بوده است . هنگامی که هارون ازعقیده او آگاه شد وسوگند یاد کرد که او را طلاق دهد ، او به انجام کارهای نیک معروف بود .

در زمانی که یک مشک آب در شهرمکه یک دینار طلا ارزش داشت ، او حجاج و شاید همه مردم مکه را سیراب کرد . او با کندن کوه ها واحداث تونل ها ، آب را از خارج حرم- از فاصله ده میلی- به حرم آورد . زبیده صد کنیز داشت که همگی حافظ قرآن بودند وهرکدام موظف بودند که یک دهم

قرآن را بخوانند به گونه ای که از منزل مسکونی او صدای قرائت قرآن ، همانندِ زنبورهای عسل بلند بود (1)

1 . تنقیح ا لمقال ، ج 3 ، ص 70 .

زکریا

زکریا ابن برخیا ابن الیعار نسبش به سلیمان بن داود وبالاخره به هارون بن عمران برادر موسی (ع) می خورد . (1)

از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است که درکتاب خود ، به ظهور حضرت مهدی (ع) بشارت داده است . (2)

1 . معارف ومعاریف ج 6 ص 38 .

2 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان ، هاشمی شهیدی ص328 .

زندیق

نام شخصی است که قبل از قیام حضرت ، از قزوین خروج می کند .

مردم مشرک ومؤمن در اطاعت از او سرعت می گیرند واوکوه ها را پر از خوف می کند . (1)

البته برخی گفته اند : مراد از زندیق در این حدیث ، همان معنی لغوی آن کافر می باشد .

1 . بحارالانوارج52 ص212 .

زیات

به معنای روغن فروش : یکی از القاب عثمان بن سعید نائب اول امام زمان (ع) بوده است .

سطیح کاهن

کاهن به معنای غیبگو است و " سطیح کاهن " یکی از مشهورترین غیبگویان تاریخ است .

وی از مردم یمن بوده وهمواره بر زمین افتاده بود ومی گویند 150 سال عمرکرده است (1)

مرحوم علامه مجلسی درکتاب " بحارالانوار " (2) ازکتاب مشا رق الانوار تألیف حافظ رجب برسی ، که از علما ومحدثان شیعه است ، خبری را درباره ظهور امام زمان از سطیح کاهن بدین مضمون نقل نموده است : ذاجدن پادشاه برای استفسار از موضوعی که در آن تردید داشت به دنبال سطیح کامن فرستاد . چون سطیح آمد خواست (3) او را امتحان کند ، لذا یک دینار درکفش خود پنهان کرد و آن گاه به وی اجازه داد که داخل شود . چون وارد شد ، شاه گفت : ای سطیح برای تو چه پنهان کرده ام سطیح گفت : . درکفش خود یک دینار پنهان کرده ای شاه پرسید : این را ازکجا دانستی؟ سطیح گفت : از یک نفر جن که مانند برادر ، همه جا با من همراه است . شاه گفت : ای سطیح از آن چه در روزگاران پدید می آید مرا مطلع گردان . سطیح گفت : هنگامی که نیکان از میان بروند واشرار به جاه و مقام برسند ، و مقدرات الهی را تکذیب نمایند ، واموال را به سختی حمل کنند . . . و اختلاف کلمه پدید آید . . . ستاره

دنباله داری که عرب را پریشان کند ، طلوع نماید . در آن هنگام ، باران نبارد و رودها خشک شود و اوضاع روزگار دگرگون گردد . . . آن گاه مردی از اولاد صَخر (4) خروج می کند وپرچم های سیاه را به پرچم های سرخ تبدیل می نماید و محرمات را مباح می گرداند . . . در آن موقع " مهدی " فرزند پیغمبر ظاهر می شود و این در وقتی است که مظلومی در مدینه وپسر عموی وی در خانه خداکشته شود . . . او حق را به اهل حق برگرداند و میهمانی را در میان مردم افزون گرانی و با عدالت خوی غبار ضلالت را از میان ببرد (5)

1 . بحارالانوار ج 51 ، ص 65 غیبه طوسی ، ص 113 کشف الغمه ، ج 3 ، ص 263 و 267 .

2 . نجم الثاقب ، باب دوم .

3 . معا رف ومعاریف ج 6 ص 250 .

4 . صَخر : نام ابوسفیان پدر معاویه است و مقصود از او سفیانی مشهور می باشد .

5 . بحارالانوار ج 51 ص 162 .

سفیانی

یکی از نشانه های حتمی ظهور مصلح بزرک جهانی خروج سفیانی است (1)

سفیانی در روایات این گونه توصیف شده است مردی است به رنک سرخ و زرد با جشم کبود در ظاهر ذکر خدا می گوید ولی از پلید ترین و کثیف ترین مردم روزگار است و در پلیدی و خباثت چنان است که زن بچه دار خود را از ترس این که مبادا

مردم را به مخفیگاه او راهنمایی کند زنده به گور می کند . (2)

در روایتی حضرت علی (ع) فرمود : پسر هند جگر خوار سفیانی از بیابان بیرون می آید . او مردی متوسط القامه ، قیافه اش وحشتناک و سرش ضخیم ورویش آبله دارد . اگر او را ببینی خیال می کنی یک چشمی است ، او از اولاد ابوسفیان است . وی خروج می کند وبه کوفه یا نجف می آید وبر منبر آن می نشیند . گروه کثیری را فریب می دهد وآنان را با خود همدست می نماید و مناطق : شام ، دمشق ، حمص ، فلسطین ، اردن و قنسرین را تصرف می نماید . (3) وی گروه بسیاری از شیعیان را به قتل می رساند ، (4) سپس از ظهور حضرت مهدی (ع) اطلاع پیدا می کند . لشکری انبوه به سوی او می فرستد اما به خود امام دست نمی یابد و سرانجام در بیابانی بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند . (5)

از امام صادق (ع) آورده اند که فرمود : گویی می نگرم که سفیانی درکوفه ودر میدان شهر شما ، بساط خویش را گسترده است وجارچی های او جار می زنند که : هرکس سر شیعه ای را بیاورد یک هزار درهم جایزه دارد . (6) آنگاه است که همسایه بر همسایه می شورد واو را به جرم شیعه بودن سر می برد تا هزار درهم جایزه بگیرد .

اصل خروج سفیانی ، صرف

نظر از ویژگی ها و قضایای جزئی ، امری مسلم است ، ولی این که سفیانی کیست و چه ویژگی هایی دارد و چگونه شورمی می کند ، چندان روشن نیست . در برخی از روایات ، از امام علی (ع) در مورد نام سفیانی پرسیده شده و آن حضرت ، از بیان آن خودداری کرده اند (7) حال آنکه اگر نام وی مشخص بود ، دلیلی نداشت که از بردن نام وی ، خودداری کند .

به نظر می رسد ، سفیانی فرد مشخصی نیست ، بلکه فردی است با ویژگی های ابوسفیان ، که در آستانه ظهور مهدی (ع) به طرفداری از باطل ، خروج می کند ومسلمانان را به انحراف می کشاند . امام سجاد (ع) می فرماید : ظهور قائم (ع) از ناحیه خداوند ، قطعی و خروج سفیانی نیز ، قطعی است . در برابر هر قیام کننده ومصلحی ، یک سفیانی وجود دارد . (8)

ویا امام صادق (ع) می فرماید : ما وخاندان ابوسفیان ، دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم . ما سخن خداوند را تصدیق کردیم وآنان تکذیب کردند . ابو سفیان ، با پیامبر (ص) مبارزه کرد ومعاویه با علی (ع) ویزید با حسین بن علی (ع) به مخالفت برخاستند وسفیانی نیز با قائم (ع) خواهد جنگید (9)

بر اساس این روایات ، سفیانی جریان باطل در بسترتاریخ است ورو در رویی بین حق وباطل

در این دو خانواده ، نمونه بارزی از جریان این دو خط است . پس بر فرض که سفیانی را از نسل ابو سفیان هم بدانیم ، آخرین مهره این زنجیره ، همان سفیانی است که در آستانه ظهور قائم (ع) خروج می کند . این که همزمان با خروج سفیانی از منطقه شام ، یمانی و خراسانی به طرفداری از حق در ناحیه خراسان ویمن ، قیام می کنند ، نیز موید این نظر می تواند باشد . (10)

ابو سفیان ، به عنوان سردمدار شرک و بت پرستی و سرمایه داری طاغوتی ، هر نوع حرکت و جنبشی را که دم از عدالت ، برادری وآزادی می زد ، دشمن خود می دانست وبا قدرت تمام در برابر آن به مبارزه برمی خاست .

سفیانی ، فردی است با این ویژگی ها که در برابر انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (ع) خروج می کند . بر این اساس ، در حقیقت سفیانی یک جریان است ، نه یک شخص (11)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 182 .

2 . بحارالانوار ج 52 ، ص206 .

3 . بحارالانوار ج 52 ص206منتخب الاثر ص458 .

4 . بحارالانوار ج 52 ، ص 215 و 222 .

5 . همان ص238 .

6 . غیبه طوسی ص 273 بحارالانوا ج 52ص 5 1 2 .

7 . همان ، ص 206 .

8 . بحارالانوار ج52 ص182

9 . همان

10 . بحارالانوارج 52 ص 210 و 217 .

11 . چشم به راه مهدی جمعی از

نویسندگان مجله حوزه ، ص 275 .

سلار

ابو علی حمزه بن عبدالعریز مقلب به سلار دیلمی ، از اعاظم متقدسین فقهای شیعه واول کسی است که اقامه جمعه را در عصر غیبت امام (ع) حرام شمرده است .

وی شاگرد سید مرتضی وشیخ مفید بوده است (1)

1 . معارف ومعاریف ج 6 ص 294 .

سلمان فارسی

از یاران وهمراهان حضرت مهدی (ع) در هنگام ظهور وپس از رجعت است .

وی که شایستگی سرپرستی کارها را در روزگار پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) داشته ، از مسؤلان برجسته حکومتی حضرت صاحب الامر (ع) نیز قرار می گیرد . (1)

پیامبر (ص) فرمود : (2) سلمان از مشاهیر صحابه پیامبر (ص) بوده است . وی فارسی و روستا زاده ای از ناحیه جی اصفهان یا کازرون یا رامهرمز بود . نام اصلی او ماهو یا " روزبه " است . درکودکی به دین عیسوی گرایید . بعدها اسلام آورد و رسول اکرم (ص) او را از خواجه اش خرید و آزاد کرد وازآن موقع ، سلمان ، ملازم رسول خدا بود ونزد او منزلتی خاص یافت .

کندن خندق در جنگی که در تاریخ اسلام به غزوه خندق معروف است به اشارت سلمان بود . سلمان علاوه بر مقام بزرگی که نزد شیعیان دارد ، نزد اهل سنت نیز دارای منزلتی والا است .

حسن بصری می گوید : مستمری ماهیانه سلمان در دوران استانداری اش ، پنج هزار درهم بود . در آن روزگار بر سی هزار مسلمان

حکومت می کرد . دو جامه داشت که هنگام سخنرانی یکی را به زیرپای خود می گسترد ویکی را به درش می افکند . همه مستمری خود را صدقه می داد وغذای خود را از مزد حصیربافی تأمین می نمود . (3)

1 . ارشاد مفید ص 365 کشف ا لغمه ج 3 ص 256 بحارالانوار ج 52 ص346 .

2 . معجم رجال الحدیث ج8 ص 314 .

3 . معارف ومعاریف ج6ص 315 .

سمان

به معنای روغن فروش است .

عثمان بن سعید- نائب اول امام زمان (ع) به این لقب در میان شیعیان مشهور بود .

روش او چنین بود که شیعیان ، اموالی را که برای امام حسن عسکری (ع) می آوردند ، به وی تسلیم می کردند . او از ترس دستگاه عباسی ، آن اموال را میان ظرف روغن پنهان نموده وبدین گونه به خانه امام (ع) می رسانید (1)

او برای پوشش نهادن به موقعیت حساس خود ، در بازار روغن فروشان ، برای ارتش روغن و اجناس دیگر حمل می کرد . (2)

1 . غیبه طوسی ص354 .

2 . روزگار رهایی ، ج1 ص 291 .

سمری

لقب نایب چهارم امام زمان (ع) - علی بن محمد- سمری به فتح سین ومیم (یا سَیمری) به فتح سین وسکون یاء وضم یا فتح میم (ویا صَیمری) به فتح صاد وسکون یاء وضم یا وفتح میم می باشد لیکن مشهور ، اولی است . (1)

به نظر می رسد که سَمَری به فتح میم صحیح تر باشد ، چون این لقب به " سَمَر " که یکی از قراء بصره ، که بین بصره و واسط قرارگرفته ، منسوب است وشیخ آغا بزرگ تهرانی او را به فتح میم سَمَر ثبت نموده است (2)

در معجم البلدان نیز اشاره ای به این موضوع شده است . (3)

1 . تاریخ الغیبه الصغری ، ص 412 .

2 . نوابغ الرواه ص

3 . معجم البلدان ج 3 ص264 .

سمیه

یکی از زنانی است که طبق روایت امام صادق (ع) جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود . مادر عمار یاسر بود .

او هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و به همین سبب بدترین شکنجه ها را بر او روا داشتند . گاهی که گذر پیامبر (ص) به عمَار وپدر و مادرش می افتاد و می دید که آنان در گرمای سوزان مکه روی زمین های داغ در حال شکنجه هستند ، می فرمود : ای خاندان یاسر صبرکنید بدانید که وعده گاه شما بهشت است .

سرانجام سمیه با نیزه دژخیمی خونخوار چون ابوجهل ، به شهادت رسید واو نخستین زن شهید در اسلام است (1)

1 . اسدالغابه ج 5 ص 481 .

سنایی

حکیم سنایی غزنوی متوفای 545 ق شاعر وعارف پرآوازه شیعی ، در قصیده ای که در انقلاب حال مردمان وتغییر دور زمان سروده از غیبت حضرت مهدی (ع) با حسرت بسیار یاد می کند و از این که در جهانی پر از دجالان عالم سوز حضور دارد ، گلایه مند است : ای مسلمانان خلایق حال دیگرکرده اند از سر بی حرمتی معروف منکرکرده اند

شرع را یک سو نهاد ستند اندر خیر وشر قول بطلیموس وجالینوس باورکرده اند

در مناسک از گدایی, حاجیان حج فروش خیمه های ظالمان را رکن ومشعرکرده اند

ای دریغا مهدیی کامروز از هرگوشه ای یک جهان دجال عالم سوز سر برکرده اند

ای مسلمانان دگرگشته است حال روزگار زان که اغهل روزگار احوال دیگرکرده اند

در جای دیگر می گوید : گر مخالف خواهی ای مهدی

درا از آسمان موافق خواهی ای دجال یک ره سر برار

یک تپانچه مرگ و زین مردار خواران یک جهان یک صدای صورزین فرعون طبعان صد هزار

حکیم سنایی در قصیده دیگری ، ضمن سرزنش اصحاب صورت و برشمردن رذایل صفات انسانی ، انتظار همیشگی خود را روایت می کند :

نظرهمی کنم ارچندمختصرنظرم به چشم مختصر اندرنهادمحتضرم

زرازخانه عصمت نشان مجوازمن که حلقه وارمن آن خانه را ، برون درم

همیشه منتظرم هدیه هدایت را ولیک مهد ی در مهد نیست منتظرم (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآیینه شعر فارسی ، محمدعلی مجاهدی ص 74 .

سنوسی

محمد بن علی بن محمد سنوسی از مدعیان مهدویت است .

وی در الجزایر وحدود سال های 1211 هجری به دنیا آمد . مذهبی دروغین تأسیس کرد ودر لیبی سکونت گزید وپسرش نیز پس از او جانشین پدر شد . (1)

1 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص 579 .

سید بن طاووس

سید رضی الدین علی بن موسی معروف به ابن طاووس ، از علمای ربانی وزاهد مشرب امامیه بود که در عین استادی در فقه ، از فرط تقوا- در عمر خود- فتوی نداد وبه ادعیه واوراد و سیر باطن مشغول بود .

آورده اند که با امام غائب (ع) ملاقات داشت وبه خود وی هم کراماتی نسبت می دهند . وی شخصاً نیز ادعیه وزیاراتی انشاء کرده است . ابن طاووس در دوران زندگی وپس از مرگ ، مورد احترام فریقین بود . مدفن

او در حله است . نواده او نیز به نام رضی الدین بن طاووس مؤلف زوائد الفوائد مشهور است .

ابن طاورس از عالمانی است که عرفای متأخر شیعه ، وی را از پیشروان خود شمرده اند . او با سیزده واسطه از طرف پدر با امام حسن مجتبی (ع) پیوند می خورد واز طرف مادر به امام حسین (ع) می رسد . بدین جهت او را ملقب به ذی الحسنین (ع) نیزکرده اند و چون پدر سید بن طاووس ، فرزند دختری " شیخ طوسی " نیز بوده ، در تألیفاتش از جناب شیخ طوسی ، باکلمه جدی یاد می

کند . از آثار اوست : الامان عن اخطارالاسفار و الزمان ، مهج الدعوات و منهج العبادات ، جمال الاسبوع ، الملهوف علی قتلی الطفوف ، الفتن والملاحم ، فتح الابواب بین ذوی الالباب و رب الارباب در استخارات (1)

1 . معارف ومعاریف ، ج 1 ص 279 .

سید خراسانی

اندکی پیش از ظهور حضرت ، در میان ایرانیان ، شخصی با عنوان سید خراسانی ظاهر شده که رهبری سیاسی مردم را به عهده می گیرد وشعیب بن صالح نیز رهبری نظامی را وایرانیان تحت رهبری این دوتن ، نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا می کنند . سید خراسانی وشعیب جنگ را در مرزهای ایران ، ترکیه وعراق هدایت می کنند ونیروهای مستقر در شام ، خود را به پیش رانده ودر همان زمان ، از دو جناح عراق وشام ، آماده پیشروی بزرگ به سوی فلسطین وقدس می شوند .

پیرامون شخصیت سید خراسانی ، سؤال های بسیاری مطرح است . از مهم ترین آن ها این است که آیا مراد از خراسانی در روایات ، فرد معیَنی است ویا این که تعبیر از رهبر ایران است که در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وجود خواهد داشت؟ روایات به روشنی دلالت دارد بر این که آن شخصیت از ذریه امام مجتبی (ع) ویا امام حسین (ع) است وازاو به عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است وصفات جسمی وی را که دارای صورتی نورانی وخال برگونه راست ویا دست راست دارد ، بیان کرده است .

اما روایاتی که در منابع حدیث

درجه اول شیعه- مانند غیبت نعمانی و طوسی- در خصوص این شخص وارد شده است ، احتمال دارد ایشان را به یاور خراسانیان ویا رهبر اهالی خراسان ویا فرمانده لشکر خراسان تفسیرکرد . زیرا این روایات تعبیر به " خراسانی " تنها نموده نه هاشمی خراسانی ، اما مجموعه قرائن موجود ، پیرامون شخصیت اودلالت دارد که مشخص است وی همزمان با خروج سفیانی ویمنی ظاهر می شود ونیروهای خود را به سوی عراق اعزام می دارد که سپاهیان سفیانی را شکست می دهند .

نسبت ایشان به خراسان به این معنا نیست که حتماً اهل استان خراسان فعلی باشد ، چون در صدر اسلام ، نسبت دادن به خراسان به مشرق زمین اطلاق می شده است که شامل ایران وسایر مناطق اسلامیِ متصل به آن که امررز تحت اشغال شوروی است ، می شود .

بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه ای که از این محدوده باشد ، نسبت او به خراسان صحیح است ، چنان که از منابع درجه اول حدیثی شیعه استفاده نمی شود که او سید حسنی ویا حسینی است آن گونه که در منابع روائی برادران اهل سنت به آن تصریح شده است . سید خراسانی ، آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) بر ایران حکومت کرده ویا معاصر با آخرین فردی است که فرمانروای ایران خواهد بود (1)

1 . عصر ظهور علی کورانی , ترجمه عباس جلالی ، ص 270 .

سید شمس الدین

طبق داستان جزیره خضراء که آن را علی بن فاضل مازندرانی نقل کرده است ، سیَد شمس الدین

محمد عالم حاکم آن جریره است .

بحث ادعای تحریف قرآن در داستان جزیره خضراء ، از سخنان سید شمس الدین به علی بن فاضل است . سید شمس الدین در داستان جزیره خضراء ادعا می کند که هر صبح جمعه به محل گنبد بر بالای کوه می رود ودرآن جا ورقه ای می یابد که همه نیازهای او در قضارت هایش بین مؤمنین درآن نوشته شده است و به آن چه در ورقه آمده عمل می کند . (1) همچنین سید شمس الدین درآن جزیره ، قرآن ، اصول دین ، فقه و اقسام علوم عربی تدریس می کرد .

سید شمس الدین از نوادگان حضرت حجت (ع) است که با پنج پشت به ایشان می رسد . (2)

1 . جزیره خضراء افسانه یا واقعیت طریقه دار ، ص 149 .

2 . بحارالانوار ج 52 ، ص 168 .

سیدحسنی

خروج سید حسنی از نشانه هایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) رخ می دهد . خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است .

سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زند که به فریاد قائم آل محمد (ع) برسید که از شما یاری می طلبد .

این سید حسنی ظاهر از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می باشد . او از مکان خود تا کوفه را

از لوث وجود ظالمان پاک می کند . چون با اصحاب خود وارد کوفه می

شود ، به او خبر می دهند که حضرت حجت (ع) ظهورکرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است .

پس با اصحاب خود ، خدمت آن حضرت مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و مواریث انبیاء را می نماید . او می داند که مهدی (ع) بر حق است ، ولکن مقصودش این است که حقیقت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید . پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می کند . وقتی سید حسنی یقین به صدق امام ندا می کند ، می گوید : الله اکبر دستت را بده تا با تو بیعت کنم . با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او ، سپاهش نیز بیعت می کنند . (1)

1 . بحارالانوار ، ج 52 ص 115 به نقل ازفرهنگ موعود حسین کریمشاهی ، ص 130 .

سیدهاشمی

پدیدارشدن پرچم " هاشمی " از علایم غیر قطعی برای ظهور امام مهدی (ع) است .

در روایات متعددی یاد ونام " سیَد هاشمی " به میان آمده است واز مجموع آن ها استفاده می شود که : او مردی از بنی هاشم و از نسل پیامبر خدا (ص) است . در اوج جوانی است و در دست راست او خالی است واز خراسان حرکت وجنبش خویش را آغاز می کند .

روایات درباره ریشه و نَسَب سید هاشمی دارای دو پیام است . برخی او را " حسنی " وبرخی حسینی معرفی می کنند (1)

از

مسائل قطعی این است که او شیعه وپیرو خاندان وحی ورسالت است . به عقیده خود پایبند و استوار و دارای نفوذ گسترده و محبوبیَت در دل هاست . (2)

امام باقر (ع) فرمودند : در واپسین حرکت تاریخ ، جوانی از بنی هاشم که به دست راست او خالی است با پرچم های برافراشته وسیاه رنگ از سوی خراسان می آید . پیشاپیش او شعیب بن صالح است واو با جنبش سفیانی پیکار می کند وآنان را شکست می دهد . (3)

حضرت علی (ع) نیز در خطبه بیان فرمود : مردی از فرزندان حسن (ع) با دوازده هزار سوار مجهز به دانش و ایمان و سلاح به حضرت مهدی (ع) می پیوندد وهمه امکانات را تسلیم حضرت می کند وسپاه خویش را تحت پرچم مهدی (ع) و فرماندهی او قرار می دهد . (4)

سید هاشمی اندکی پیش از قتل نفس زکیه در مکه و همزمان با روزگاری که سپاه سفیانی در عراق است ، به شهادت می رسد . (5)

1 . آیت الله سید محمد کاظم قزوینی درکتاب ، امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، ص 500 ، می نویسد : به نظر من نسب مرد هاشمی حسنی است و این همان کسی است که برخی روایات از او به " نفس زکیه " تعبیر می کنند . نفس زکیه از تبار بنی هاشم و حسی نسب است .

2 . امام مهدی (ع) از ولادت تا

ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص500 .

3 . ملاحم ابن طاووس ص77 معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج3 ص 270

4 . الزام الناصب ج 2 ، ص 205 عقد الدرر ، ص 97 .

5 . روزگار رهایی ج2 ص 1026 .

سیما

یکی از رجال خلیفه بود و همواره مترصد فرصتی بود که به حضرت ولی عصر (ع) آسیب برساند .

وی می گوید : به خانه امام عسکری (ع) وارد شدم . درِ خانه را شکستم و یک عدد تبرزین درآن جا یافتم و برداشتم . ناگهان با حضرت مهدی (ع) روبرو شدم که به من فرمود : در خانه من چه می کنی؟ گفتم : جعفر خیال می کند که پدرت فرزندی نداشت . اگر خانه مال تو باشد ، من برمی گردم (1)

سیما هرگز شهامت آن را نداشت که این خبر را فاش کند و از ترس و وحشتی که در برابر شکوه و عظمت حضرت بقیه الله (ع) بر او مستولی شده ، سخن بگوید . لکن یکی دیگر از سران ارتش که همراه سیما برای تخریب خانه امام آمده بود ، رنگ پریده او را دید وتضرع او را شنید ، و چون سیما خواست حادثه را از او پوشیده بدارد ، اوگفت : چیزی بر مردم پوشیده نیست . (2)

البته این داستان از طریق نسیم خادم نیز روایت شده است . (3)

1 . بحارالانوار ، ج 52 ص 13 غیبه طوسی ص 162 اصول کافی ج 1

ص332 .

2 . ارشاد مفید ص 329 منتخب الاثر ص 358 .

3 . روزگار رهایی ج 1 ص 167 .

شر وسی

شروسی فردی است که از شهری به نام " اشروسه " از آذربایجان شوروی بین سیحون و سمرقند خروج می کند . (1)

علی بن مهزیارکه سعادت تشرف به پیشگاه حضرت مهدی (ع) را پیداکرده ، در ضمن گفت وگوهایش با آن حضرت نقل می کند که فرمود : شروسی از ارمنستان و آذربایجان حرکت کرده ، به سوی ری وکوه های سیاه و سرخ چسبیده به سلسله کوه های طالقان حرکت می کند . در میان او و مَروَزی مردی از مرو (جنگ) مسلحانه سختی درمی گیرد که کودکان را پیر می سازد و بزرگسالان را از پای در می آورد . . . درآن هنگام منتظر خروج سفیانی از بغداد باشید . (2)

1 . روزگاررهایی ج 2 ص1061 .

2 . بحارالانوار ، ج52 ص 45 کمال الدین ص 469 الزام الناصب ص 22 .

شریعی

شیخ طوسی درباره ایشان می فرماید : نخستین کسی که به دروغ دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان (ع) کرد ، شخصی معروف به شَریعی بود .

تلعکبری می گفت : گمان دارم نام وی حسن باشد . او از اصحاب امام هادي (ع) وبعد ازآن حضرت ، از یاران امام حسن عسکری (ع) به شمار می آمد .

او اول کسی است که مدعی مقامی شد که خداوند برای او قرار نداده بود و شایسته آن هم نبود . . . از این رو شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند وتوقیعی از جانب امام زمان

(ع) در خصوص لعن ودوری از وی صادر شد . (1)

1 . غیبه طوسی ص 397 بحارالانوار ج51 ص 367 .

شعیب بن صالح

شعیب بن صالح جوانی است گندمگون ، لاغر ، با ریش کم پشت ، صاحب بصیرت ویقین از اهالی ری که اندکی پیش از ظهور حضرت در میان ایرانیان ، ظاهر شده و نقش رهبر نظامی را در حرکت ظهور آن حضرت ، ایفا می کند . او مردی است شکست ناپذیر ، اگرکوه در مقابلش بایستد آن را منهدم کرده و عبور می کند .

وی به همراه سید خراسانی که رهبری سیاسی ایرانیان را به عهده دارد ، پرچم اسلام را به حضرت مهدی (ع) می سپارند وبا نیروهای خود در نهضت آن حضرت شرکت می کنند . خراسانی وشعیب در زمره یاران خاص آن حضرت قرار می گیرند ، وشعیب بن صالح به فرماندهی کل نیروهای حضرت مهدی (ع) منصوب می گردد .

البته احتمال دارد که جهت حفظ وایمنی ، نام او مستعار باشد تا وعده الهی محقق شود . هم چنین امکان دارد که نام او ونام پدرش مشابه شعیب وصالح ویا به معنای این دو باشد .

برخی روایات وی را اهل سمرقند که هم اکنون در اشغال شوروی است- می داند ، اما بیشتر روایات می گوید که او اهل ری است وبا قبیله بنی تمیم نسبتی دارد ویا این که از یکی از بخش های بنی تمیم- به نام محروم- می باشد ویا این که وی غلامی از بنی تمیم است . (1) روایتی

که می گوید فاصله میان خروج شعیب وسپردن زمام امور را به مهدی (ع) هفتاد ودو ماه است را می توان حکم به صحت آن نمود که در این صورت ، ظاهر شدن خراسانی وشعیب ، شش سال قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) خواهد بود . (2)

1 . عصر ظهور علی کورانی ص24 و 32 و 271 .

2 . همان .

شَلمَعانی

اسم او ابو جعفر محمد بن علی " معروف به ابن ابی العزاقری " و ابن ابی العزاقیر ، بود . از جمله کسانی بود که به مخالفت با حسین بن روح- نائب سوم- برخاست واز راه حسد دست به تأسیس مذهب جدیدی زد و پیروانش را " عزاقریه " می گویند . او از مردم روستای " شلمغان " از حومه های واسط ویکی از قراء قرآن مجید در آن جا بود .

شملغانی یکی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) ویکی از مؤلفین وعلمای شیعه امامیه بود

و قبل از انحراف ، پیش طائفه امامیه مقامی جلیل داشت و مؤلفات او مورد استفاده امامیه بود ، تا آن جا که حسین بن روح ، در همان روزکه رسماً به مقام نیابت نشست ، پس از اجرای مراسم این کار ، با جماعتی از وجوه شیعه به خانه شلمغانی رفت ، وهنگامی که پنهان شده بود شلمغانی را به نیابت خود منصوب کرد .

شلمغانی در این دوره بین او وطایفه امامیه رابط بود وتوقیعات حضرت قائم (ع) به توسط حسین بن روح به دست شلمغانی صادر می شد و

مردم در رفع حوائج وحل مشکلات خود به او مراجعه می نمودند . البته درست معلوم نیست که حسین بن روح در چه موقع در خفا می زیسته ودوره استتار او چه اندازه طول کشیده است ، ولی از قرائن معلوم می شود که دوره اختفاء او مصادف با شروع ایام وزارت حامد بن عباس 360 تا 311 وپایان آن بوده است .

شلمغانی هدایت فعالیت های امامیه را در بغداد وکوفه سال ها به عهده داشت . وی از موقعیتی که حسین بن روح برای او فراهم کرده بود ، سوه استفاده کرد و جاه طلبی و شهرت ، او را به عقاید انحرافی کشاند (1)

شلمغانی می کوشید تا برخی از وکلای امامیه وخاندان ایشان به ویژه وکلای بسطام را به پذیرش آیین حلولیه وتناسخ ارواح متقاعد سازد . لذا پس از مدتی اعلام داشت که روح پیامبر (ص) در جسم سفیر دوم ، وروح علی بن ابی طالب (ع) در جسم سفیر سوم وروح فاطمه زهرا (ع) در جسم ام کلثوم- دختر سفیر دوم- حلول کرده است؟ در همان حال شلمغانی از وکلای فرعی و زیردست خود خواست تا این راز را فاش نسازند ، زیرا عقیده حق است . (2)

حسین بن روح پس ازکشف عقاید کفرآمیز شلمغانی ، وی را از سمت خود برکنارکرد وارتداد او را در همه جا منتشر ساخت نخست در میان خاندان نوبخت و آن گاه در میان سایرین (3)

کتاب های شلمغانی به جهت مقام علمی وتقرب او به حسین بن روح پیش

از ارتداد ، نزد امامیه شیوع داشته و در دست همه ایشان بوده است .

پس از آن که ارتداد او مسلم شد ولعن او صادرگردید ، عده ای از امامیه از حسین بن روح راجع به کتاب های او سؤال کردند وگفتند : خانه های ما از آن ها پراست ، با آن ها چه باید کرد؟ حسین بن روح گفت : جواب من در این خصوص همان جوابی است که امام ابو محمد حسن بن علی عسکری (ع) موقعی که مردم در خصوص کتب بنی فضال از او پرسیدند به ایشان داد و فرمود : آن چه را روایت کرده اند بگیرید و آن چه را که به رأی خود آورده اند ، رهاکنید . (2)

از سوی امام زمان (ع) توقیعی بر لعن شلمغانی وعده ای دیگر مانند او به دست ابوالقاسم حسین بن روح صادر شد . (4)

پس از آن که لعن شلمغانی به دست حسین بن روح شایع گردید ، امامیه بغداد از او دوری جستند وهمه حکایت لعن او را در محافل ومجالس نقل می کردند . شلمغانی برای اثبات حقانیت خیالی خود معارضه با حسین بن روح ومتقاعد کردن امامیه ، کتاب الغیبه خود را در این ایام تألیف کرد ودر آن به تعرض حسین بن روح پرداخته ومدعی همکاری وهمقدمی با شیخ ابوالقاسم نوبختی در تهیه اسباب کار وکالت و نیابت بوده است . ولی اکثریت امامیه به دعاوی او گوش فرا ندادند و در لعن اوکوشیدند . (5)

شلمغانی وطرفداران او را به امر خلیفه

در حضور قضات ، فقهاء ، کتاب ورؤسای لشگری چند بار محاکمه کردند . سرانجام حکم قتل او به اتفاق آراء ، تصویب وصادرگردید . قبل از اجرای این حکم ، شلمغانی از قضات سه روز مهلت خواست تا از آسمان یا حکم تبرئه او صادر شود ویا دشمنان او به عذاب دچارگردند ، ولی فقها ، خلیفه را امر به تعجیل در قتل اوکردند وخلیفه دستورداد که در روز سه شنبه 29 ذی قعده سال 322ه شلمغانی وابن ابی عون را گردن زدند وسپس جسدشان را به دار آویختند ودر آخرکار ، نعش آن دو نفر را سوزانده وخاکستر آن را به آب دجله دادند . (6)

1 . آخرین امید داود الهامی ، ص134 .

2 . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 372 .

3 . غیبه طوسی ص 251 .

4 . همان ، ص 239 .

5 . احتجاج طبرسی ج2 ص 289 به نقل ازآخرین امید ، ص 140 .

6 . غیبه طوسی ص 255 .

شمعون

یکی از دوازده حواری حضرت عیسی (ع) و برگزیده ترین آن ها و وصی آن حضرت به شمار می رفته است . (1)

نرجس خاتون ، از طرف مادر ، از نسل شمعون است . (2) به او شمعون صفا می گفتند . وی استاد مرقس بوده و انجیل را او تنظیم نموده و به نام شاگردش کرده است . شمعون ویهودا به هم پیو ستند وبه تبلیغ دین مسیح پرداختند . کاهنان یهود ، مردم را علیه آن دو شوراندند . پس

شمعون را با اره دو نیم کردند ویهودا را سر بریدند (3)

1 . معارف ومعاریف ، ج6ص547 .

2 . پیشوای ، دوازدهم هیات تحریریه مؤسسه در راه حق ، ص 25 .

3 . معارف ومعاریف ج6 ، ص 548

شیطان

از امام صادق (ع) پرسیدند : این که خداوند به شیطان فرمود فانک من المنتظرین الی یوم الوقت المعلوم به تو مهلت داده خواهد شد تا روز معینی . این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود : آیا پنداشته ای این روز ، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما ، به شیطان مهلت داده است .

وقتی خداوند او قائم را مبعوث می کند ، حضرت به مسجد کوفه می رود . در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود ، به آن جا می آید ومی گوید : ای وای بر من از امروز . حضرت مهدی (ع) پیشانی او را می گیرد وگردنش را می زند و آن هنگام ، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد . در جای دیگری می خوانیم : امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود : ابلیس از خداوند خواست که او را تا روز رستاخیز مهلت دهد ، ولی خداوند آن را رد کرد و فرمود : تا روز وقت معلوم ، تو از مهلت داده شده ها هستی ، چون روز وقت معلوم فرا رسد ، ابلیس با تمام پیروانش که از زمان خلقت آدم تا آن روز از او

پیروی کرده اند ، ظاهر می شود و آن در آخرین رجعتِ امیر مؤمنان (ع) اتفاق می افتد . آنگاه امام صادق (ع) توضیح می دهد که چگونه سپاه ابلیس در سرزمین . " روحا " در نزدیکی کوفه اجتماع می کنند واصحاب امیر المؤمنین (ع) برای نبرد با آن ها آماده می شوند ومهم ترین جنگ تاریخ بشری در آن روز واقع می شود و سرانجام سپاهیان ابلیس ، شکست می خورند وخود ابلیس پا به فرارمی گذارد و رسول اکرم (ص) او را دنبال می کند و از میان شانه هایش یک ضربت کاری وارد می کند واو را به هلاکت می رساند . پس از هلاکت شیطان وپیروانش ، دیگرکسی جز خدا را نمی پرستد و هرگزکسی به خداوند شرک نمی ورزد (1)

1 . لسان العرب ، ج 1 ص 495 .

شیصبانی

در لغت معانی مختلفی برای شیصبان آورده اند از جمله : مورچه نر ، لانه مورچگان ، از اسامی شیطان و رهبرگروهی از پریان . (1)

مراد از شیصبانی در روایات اهل بیت (ع) ، مردی از بنی عباس ویا مردی دشمن اهل بیت است ، زیرا امامان معصوم (ع) بنی عباس را به بنی شیصبان تعبیر می کردند و آن ، نام مردی بدکردار یاگمنامی است که دشمنِ خود را به طورکنایه با این کلمه به کار برده اند . پس از آن که قدرت در دَست زمینه سازان خراسانی و طرفداران آن هاست ، شیصبانی در عراق خروج می کند

. (2)

جابر جعفی می گوید : از امام باقر (ع) درباره سفیانی و خروج او پرسیدم ، فرمود : پس از خروج او ، شیصبانی درکوفه خروج می کند ، آن چنان که یک باره لشکر انبوهی به دور اوگرد می آیند ، بسان آب که از چشمه بجوشد ، وهیأت اعزامی شما که به جنگ او روند کشته می شوند ، آن گاه منتظر خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی (ع) باشید . (3)

گفته می شود که منظور از شیصبانی ، طغیان آب فرات از این منطقه است که خانه های کوفه واطراف آن را می پوشاند ، ولی به نظر می رسد که آن ، رمز یکی از ستمگران باشد که بر عراق حکومت می کند و دمار از زندگی شیعیان در می آورد . (4)

1 . لسان العرب ، ج 1 ص 495 .

2 . عصر ظهور علی کورانی ص 34 1 .

3 . بحارالانوار ج52 ص 250 .

4 . روزگار رهایی ، ج 2 ، ص 5 0 1 1 .

صَفَنیا

یکی از انبیای پیرو تورات است که درکتاب خود ، به ظهور حضرت مهدی (ع) بشارت داده است . (1)

1 . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص25 .

صیاح

یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است که سفیانی را دستگیر می کند .

سپاه حضرت مهدی (ع) از طریق فلسطین شرقی عارم عراق می شود . درکرانه های دریاچه طبرَیه با سپاه سفیانی روبرو می شوند که از عراق برمی گردد . جنگ سختی میان دو سپاه در می گیرد که سفیانی در آن

شکست می خورد و همه سپاهیانش در آن جا کشته می شوند و فقط خودش می ماند .

یکی از یاران امام به نام صیاح و یا صباح با گروهی از سپاهیان بر او می تازند و او را دستگیر می کنند و به محضر امام می آورند . هنگامی او را می آورند که امام مشغول نماز عشاء هستند . نمارشان را تخفیف می دهند و به طرف او برمی گردند . سفیانی می گوید : ای پسر عمو مرا ازادکن و برای خودت نگه دار ، تا یکی از یاران تو باشم حضرت به اصحاب خود می فرماید : درباره او و سخنانش چه می گویید؟ همگی می گویند : به خدا سوگند به کمتر از قتل او راضی نمی شویم . او چقدر خون ریخته و چقدر به حریم جان و مال و ناموس مردم تجاوزکرده است و انتظار عفو دارد آن حضرت مهدی (ع) می فرماید : هر چه می خواهید انجام دهید . گروهی

از یاران او را می گیرند و روی سنگی درکرانه دریاچه طبریه می خوابانند و همانند گوسفند او را ذبح می کنند (1) .

1 . روزگار رهایی ج2ص 1135 .

صیانه ماشطه

یکی از زنانی است که امام صادق (ع) در روایت مفضل بن عمر ، از آن به عنوان همراه حضرت قائم (ع) نام می برد .

در دولت مهدی (ع) سیزده زن برای معالجه زخمیان ، زنده گشته ، به دنیا باز می گردند که یکی از آنان صیانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است و شوهرش حزقیل ، پسر عموی فرعون وگنجینه دار وی بوده است . به گفته او ، حزقیل ، مؤمنِ خاندان فرعون است وبه پیامبر زمانش- حضرت موسی (ع) - ایمان آوردَ . (1)

پیامبر (ص) فرمود : در شب معراج در مسیر میان مکه و مسجد الاقصی ، ناگهان بوی خوشی به مشامش رسید که هرگز مانند آن را نبوییده ام . او جبرئیل پرسیدم که این بوی خوش چیست گفت : ای رسول خدا همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده بود وایمان خود را پنهان می کرد . عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود . روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دست او افتاد وبی اختیارگفت : بسم الله دختر فرعون گفت آیا پدر مرا ستایش می کنی گفت : نه؟ بلکه آن کسی را ستایش می کنم که پدرتو را آفریده است واو را از بین خواهد برد .

دختر فرعون شتابان نزد پدر رفت وگفت : صیانه به موسی ایمان دارد . فرعون او را احضار کرد وبه اوگفت : مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ صیانه گفت : هرگز ، من از خدای حقیقی دست نمی کشم وتو را پرستش نمی کنم .

فرعون دستور داد ، تنور مسی را برافروختند وچون آن تنور سرخ شد ، همه بچه های آن زن را در حضور او در آتش انداختند . زمانی که خواستند بچه شیرخوارش را که در بغل داشت ، بگیرند و در آتش بیندازند ، صیانه منقلب شد و خواست که با زبان ، از دین اظهار برائت کند که ناگاه به امر خدا ، آن کودک به سخن آمد وگفت : مادر صبرکن تو راه حق را می پیمایی . فرعونیان آن زن وبچه شیرخوارش را نیز در آتش افکندند وسوزاندند وخاکسترشان را در این زمین ریختند وتا روز قیامت این بوی خوش ، از این سرزمین استشمام می شود . (2)

صیانه از زنانی است که زنده می شود وبه دنیا باز می گردد ودر رکاب حضرت مهدی (ع) انجام وظیفه می کند .

1 . ریاحین الشریعه ج5 ص 153 خصائص فاطمیه ص343 .

2 . منهاج الدموع ص 93 .

طالب آملی

متوفای 1036ق ملقب به " ملک الشعراء " در قصیده خود با خطاب قرار دادن حضرت ولی عصر (ع) از نابسامانی هایی که دامنگیر امت اسلامی شده سخن می گوید : طبعم کند درآتش معنی سمندری وآن که فشاند ازپروبال آب کوثری

ازشرم این سیاه دلان می برم پناه بردرگه

امام زمان نقدعسکری

مولای دین محمد مهدی که شرع او دارد رواج قاعده دین جعفری

دعوای غبن عمرکنند اهل روزگار برروزگار چون تونشینی یه داوری (1)

طوسی

شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی ، معروف به شیخ طوسی ، از عالمان بزرگ اسلام و صاحب کتاب ارزشمند " الغیبه " در باب غیبت امام زمان (ع) است .

وی در سال 385 ه . ق در شهر طوس به دنیا آمد و در سال 460 به دیدار حق شتافت . وی از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی بود .

وقتی سید مرتضی در سال ، 436 ق, درگذشت ومنصب زعامت وریاست امامیه به شیخ طوسی محول شد ، در آن عصر فرقه دوازده امامی ، کاملا معروف و سرشناس بودند ومناقشات ومباحثات مذهبی مخصوصا در مسأله امامت به اوج خود رسیده بود .

افکار عالی شیخ مفید وسید مرتضی وسایر دانشمندان در پیرامون امامت ، در بلاد اسلامی مخصوصاً بغداد پخش شده بود وبدین جهت ، حملات ورد وایرادهای مخالفان ، متوجه محیط علمی بغداد بود .

فرقه اسماعیلیه و زیدیه به وسیله زبان و قلم به مبارزه می پرداختند . اکثریت مسلمین یعنی اهل تسنن نیزکه تا آن روزکاملاً به خطرتوجه نداشتند ، در مقابل امامیه بسیج شدند .

اما محیط علمی بغداد ، با تمام این اوضاع خطرناک آماده تبلیغ و مبارزه شده وفداکاری ها ومبارزات علمی شیخ مفید وسید مرتضی وسایر دانشمندان جهان اسلام را متوجه بغداد ساخته بود . در چنین محیط پر انقلاب وغوغایی ، از طرف خلیفه وقتال قائم بالله کرسی کلام رسما به

شیخ طوسی واگذار شد واو در چنین موقعیت حساس وخطرناکی قرارگرفت وبه کارهای علمی ودفاع از عقیده تشیع مشغول گشت .

در اثر مساعی و فداکاری آن دانشمند مبارز و استادان از خود گذشته اش بود که فرقه دوازده امامی که تا مدتی قبل ، فرقه گمنامی شمرده می شد به یک مذهب علمی ، فعال ومبارز تبدیل شد .

تبلیغات شیخ و استادان فداکارش به حدی مؤثر واقِع شد که اذان رسمی شهر بغداد بر طبق عقیده شیعه خوانده می شود وبر درب اکثر خانه های شیعیان نوشته بود : محمد وعلی بهترین مردم هستند . بسیاری از امراء و بزرگان به مذهب امامیه متمایل شده بودند واز آنان طرفداری می کردند . سنی وشیعه در مجلس درس شیخ حاضر می شدند واز سخنان علمی وی بهره مند می گشتند . کار فداکاری کلامی وتبلیغی شیخ به جایی رسید که مخالفان ، از پاسخ علمی عاجز شدند وکار به دست عوام افتاد وناگهان به شیعیان حمله نمودند ومحیط شهر بغداد را تصرف کردند وشعارهای محمد وعلی را که بر درب خانه ها بود محو ساختند واذان شهر را بر طبق مذاق خودشان در آوردند وکتابخانه بزرگ ونفیس امامیه را که بهترین نسخه های خطی در آ ن موجود بود آتش زدند و ضربه بسیار سنگین وغیر قابل جبرانی بر پیکر علمی جهان تشیع وارد ساختند .

شیخ طوسی کتاب " الشافی " استادش سید مرتضی را در زمان حیات استاد ، تلخیص وتألیف کرد و در جلد اول وچهارم آن کتاب درباره امام زمان (ع) بحث نمود . علاوه بر آن ،

کتاب جدا گانه ای در خصوص امام زمان (ع) تألیف نمود و در مقدمه آن کتاب نوشت : شیخ بزرگوار به من دستور داد که کتابی درباره غیبت صاحب الزمان و سبب دوام غیبت وپاسخ شبهات مخالفان بنویسم . من با وجود کمی فرصت و ناراحتی روحی و موانع روزگار ، خواهش او را پذیرفتم و به طور اختصار آن مطلب را تعقیب خواهم کرد .

وقتی که شیخ به تألیف کتاب " الغیبه " مشغول بوده ، در حدود 192سال از عمر امام زمان (ع) می گذشته است . زیرا درکتاب مذکور می نویسد : اکنون که سال 477 ق , است من به نوشتن کتاب اشتغال دارم .

چنانکه از مقدمه کتاب پیداست تألیف غیبت ، در زمانی صورت گرفته که شیخ از هر جهت تحت فشار وشکنجه روحی قرار داشته ومخالفان ، اسباب اذیت و آزارش را فراهم می ساخته اند .

مخالفان چندین مرتبه خانه وکتابخانه اش را مورد تجاوز قرار دادند تا در مرتبه آخر در سال 449 یا 448 ق . خانه اش را خراب نمودند وکتابخانه اش را آتش زدند و نوشته هایش را غارت کردند وکرسی کلامش را سوزانیدند و خودش ناچار شد از ترس دشمنان فرارکند و به نجف منتقل گردد .

مؤلف ، با آن همه گرفتاری و در اوضاع آشفته و خطرناک بغداد ، به تألیف کتاب غیبت اشتغال داشت . ابتدا با ادله وبراهین متعدد ، وجود امام دوازدهم یعنی فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) را اثبات می کند؟ سپس به شبهات اسماعیلیه ، زیدیه

، کیسانیه ، ناووسیه ، واقفیه ، فطحیه و سایرین جواب می دهد و عقایدشان را ابطال ودر هر مورد روایات مناسبی را از باب نمونه نقل می کند .

شیخ طوسی در این کتاب روایات غیبت مهدی موعود را نقل کرده و برای رفع استبعاد از غایب شدن پیغمبر در غار وشعب ابی طالب وغیب شدن خضر ویوسف وموسی ویونس واصحاب کهف وغیبتهای منسوب به بعضی از پادشاهان فرس ، وحکمای روم وهند تمسک می جوید .

شیخ طوسی نسبت به موقعیت زمانی ومکانی وفرصت کمی که داشته به خوبی از غیبت حضرت ولی عصر (ع) دفاع نموده وبه شهادت واشکالات مخالفان پاسخ داده است .

بعد از شیخ طوسی نیزکتاب های بسیاری پیرامون غیبت ولی عصر (ع) نوشته شده است ، ولی مندرجات آن ها همان مطلبی است که شیخ مفید وسید مرتضی وشیخ صدوق وشیخ طوسی علیهم الرحمه تحقیق کرده اند ، تغییر صورت پیدا کرده و مطلب تازه در بین آن ها کم است . (1)

1 . نشریه موعود ، ، شماره16 ، ص 72 .

ظریف

ابو نصر ظریف از خادمان امام حسن عسکری (ع) بوده وازکسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است . (1)

در برخی کتب ظریف بن خادم آمده است .

ظریف می گوید : هنگامی که حجت خدا به دنیا آمد ، همه خاندان خوشحال شدند وچون بزرگ شد به من دستور داده شد که هر روز همراه گوشت ، یک قطعه استخوان مغزدار هم

بخرم وگفته می شد که مغز استخوان برای مولای کوچک ماست (2)

1 . بحارالانوار ج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

2 . ارشاد مفید ، ص330 غیبه طوسی ، ص 481 کافی ج 1 ، ص 330 .

عَمری

" عمری " لقب مشهور نائب اول امام زمان (ع) عثمان بن سعید است .

وجه تسمیه عثمان بن سعید به " عمری " دو منشأ بیشتر نداشته است : یکی این که جد پدری عثمان بن سعید " عمرو بود ، و لذا به اوعمری گفته شده است و دیگر این که حضرت امام حسن عسکری (ع) راضی نشد ، هم اسم عثمان بن عفان و هم لقب او در ایشان جمع شده باشد و لذا دستور داد که کنیه او را بر هم زنند و تبدیل به عمری ، کنند . (1)

البته در یک جا لقب عامری نیز درباره ایشان استعمال شده است . (2)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ص 105 .

2 . بحارالانوار ، ج 53 ص 178 .

عاموس نبی

از پیامبران پیرو تورات است که درکتاب خود از نزول حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور حضرت مهدی خبر داده است (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) ازدیدگاه اسلا م ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 327 .

عبدالله بن صالح

ازکسانی است که حضرت مهدی (ع) را دیده است .

می گوید : حضرت بقیه الله (ع) را در مقابل حجرالاسود دیدم . مردم به طرف حجرالاسود هجوم می بردند و او می فرمود : به این مأمور نیستند . (1)

1 . منتخب الاثرص 372 غیبه طوسی ص 162 .

عبدالله بن عباس علوی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

1 . بحارالانوار ج51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

عبدالله بن شریک

بر طبق برخی روایات ، وی یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است .

طبق فرموده امام صادق (ع) ، وی یکی از ده نفری است که جزو یاران اسماعیل فرزند امام صادق (ع) و پرچم دار اوست . (1)

امام باقر (ع) نیز فرمود : گویا عبدالله بن شریک عامری را می بینم که عمامه مشکی بر سر نهاده ، دو طرف عمامه اش بین شانه هایش افتاده ، با سپاهی چهار هزار نفری ، پیش رویِ قائم ما از دامنه کوه بالا می روند و همواره تکبیر می گویند . (2)

در ضمن روایات رجعت ، از امام باقر (ع) آمده است : گویی عبدالله بن شریک عامری را با چشم خود می بینم که دستاری سیاه بر سردارد و تحت الحنک هایش را در میان دوکتفش آویز کرده ، در دامنه کوه در پیشاپیش قائم اهل بیت (ع) با چهار هزار سلحشور ازکوه بالا می رود ، تکبیر می گویند و حمله می کنند . (3)

1 . رجال ابن داوود ص 206 به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) ، نجم الدین طبسی ص 95 .

2 . بحارالانوار ج53 ص 67 اثبات الهداه ج 3 ، ص 561 .

3 . بحارالانوار ، ج

53 ، ص 76 .

عثمان بن سعید

ابوعمرو عثمان بن سعید عمری ، نخستین سفیر حضرت مهدی (ع) بود و در سامرا اقامت داشت . وی از سوی امام هادی و امام عسکری (ع) وکیل و نماینده بود . وی مورد اعتماد امام هادی (ع) بود و آن حضرت به یاران خود می فرمود : ابوعمرو مردی ثقه و امین است وهرچه به شما بگوید از جانب من است ، وآن چه به شما می رساند از جانب من می رساند . عثمان بن سعید امام حسن عسکری (ع) را غسل داد وکفن و حنوط کرد و به خاک سپرد . (1)

او توانست سرشناسان امامیه را قانع سازد بر این که امام دوازدهم برای محفوظ ماندن از دست دشمنان در پرده غیبت به سر می برد و آن ها را متقاعد ساخت که خود نماینده راستین آن حضرت باشد . موقعیت ممتاز او در زمان امام دهم و یازدهم (ع) سبب شد که وکلا دعوی وی را بپذیرند ، بدون این که او را مورد سؤال قرار داده و معجزه یا حجتی از وی بخواهند . (2)

عثمان بن سعید از زمان امام حسن عسکری (ع) ، رئیس وکلای امام بود و تمام وجوهاتی که شیعیان توسط وکلا می فرستادند ، همه به وی تحویل داده می شد و او نیز آن را خدمت امام تقدیم می کرد .

پس از وفات امام عسکری (ع) نیز به طور مخفیانه سازمان وکالت را اداره می کرد . (

(3

پس از وفات عثمان بن سعید ، حضرت مهدی (ع) طی نامه ای به فرزندش تسلیت فرمود . عثمان بن سعید چون درگذشت او را در جانب غربی بغداد در شارع المیدان ، در اول محل ، که معروف به " درب الجبله " است ، در داخل مسجد ، درب راست که داخل می شوند و قبر در خود قبله مسجد قرار دارد .

در منابع امامیه به تاریخ وفات اواشاره نشده است و مورخان متاخرکوشیده اند تاریخ تقریبی نشان دهند و نوشته اند رحلت وی باید پس از سال 260 ه تاریخ وفات امام عسکری (ع) - و قبل از سال 267 اتفاق افتاده باشد . (4)

برای عثمان بن سعید دو فرزند به نام های محمد بن عثمان - که بعدها دومین نایب امام زمان شد- و احمد بن عثمان ذکر شده است . (5)

وی از یازده سالگی در محضر امام هادی (ع) به خدمتگزاری وکسب فقه و حدیث و تعالیم اسلامی اشتغال داشته است ، و به القابی در میان شیعیان مشهور شده است :

1 . سمان یا زیات روغن فروش : او را " سمَان " یا " زیات " می گفتند زیرا برای پوشش نهادن به مقام والای " وکالت " و نیابت (ع) به تجارت زیتون اشتغال داشت ، تا به این وسیله در آن روزگارکه خفقان و اختناق عجیبی بر جهان پهناور اسلامی و به خصوص شیعیان و دوستداران اهل بیت حاکم بود ، خود را از شر دستگاه خلافت ،

حفظ نماید .

روش وی چنین بود که شیعیان ، اموالی را که برای امام حسن عسکری (ع) می آورند به وی تسلیم می کردند و او از ترس دستگاه عباسی ، آن اموال را میان ظرف روغن پنهان نموده و بدین گونه به خانه امام (ع) می رسانید . (6)

او برای پوشش نهادن به موقعیت حساس خود ، در بازار روغن فروشان برای ارتش روغن و اجناس دیگر حمل می کرد . (7)

2 . اسدی : چون از قبیله بنی اسد بود لذا به او اسدی می گفتنند (8)

3 . عسکری : عثمان بن سعید را " عسکری " نیز می گفتند ، زیرا او از محله عسکر سامرا بوده است . (9)

4 . عمری : به این لقب شهرت بیشتری دارد . دو علت انتساب وی به عَمری بین علمای رجال اختلاف است .

شیخ طوسی در الغیبه ، می نویسد : گروهی از شیعیان گفته اند : حضرت امام عسکری (ع) فرمود : اسم " عثمان " وکنیه او " ابو عَمرو " در یک شخص جمع نمی شود و دستور دادند که کنیه او را بر هم زنند و از آن وقت عمری خوانده شد . (10)

عثمان بن سعید ، وکیل خاص و نماینده سه امام معصوم ، امام هادی ، امام حسن عسکری و امام زمان (ع) بود .

وی محرم اسرار امام حسن عسکری (ع) بود . وقتی امام مهدی (ع) متولد

شد ، امام حسن عسکری (ع) گفت : پیکی دنبال عثمان بن سعید بفرستید . یک نفر فرستاده شد و وعثمان بن سعید آمد . امام حسن عسکری (ع) فرمود : ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بخر و آن را تقسیم کن و به خاطر آن مولود ، چندین گوسفند عقیقه کن . (11)

امام مهدی (ع) به وکالت و نیابت عثمان بن سعید در مقابل جمعیت و هیأت اهالی قم اشاره کرد و آنها را به عثمان بن سعید ارجاع داد (12)

عثمان بن سعید حدود پنج سال نیابت حضرت را به عهده داشت و وقتی از دنیا رفت ، خاطر شریف امام زمان (ع) نیز محزون گردید و طی نامه شریفی به فرزند بزرگوارش (محمد بن عثمان) تسلیت گفت و او را به جای پدرش منصوب کرد . (13)

مرحوم علامه مجلسی در " بحار " زیارتنامه ای را برای عثمان بن سعید نقل کرده است که این گونه شروع می شود : " السلام علیک ایها العبد الصالح ، الناصح له و لرَسوله ولاو لیائه " . (14)

1 . بحار الانوار ج 51 ص346

2 . اصول کافی ج 1ص 329

3 . اختیار معرفه الرجال ص532 .

4 . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ص156 .

5 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ، ص 105 .

6 . غیبه طوسی ص 354 .

7 . روزگار رهایی ، ج1 ص 1 29 .

8

. غیبه طوسی ص 354 .

9 . همان .

10 . همان .

11 . کمال الدین ، ج 2 ، ص 430 .

12 . کمال الد ین ، ج 2 ص 476 .

13 . بحار الانوار ، ج 51 ص 347 کمال الدین ، ج 2 ، باب توقیعات ، ص 510 .

14 . بحار الانوار ج 02 1 ، ص 293 .

عقید

خادم امام عسکری (ع) بود که بارها به دیدار حضرت مهدی (ع) نائل شده و اوصاف مبارکش را بازگوکرده است .

گاهی که امام می خواست فرزند بزرگوارش را به حضور بطلبد به او دستور می داد که داخل خانه شده ، آن حضرت را به محضر پدر بزرگوار بیاورد . (1)

1 . بحارالانوار ج52 ص 16 به نقل از فرهنگ موعود کریمشاهی بید گلی ص 157 .

علامه حلی

جمال الدین حسن بن یوسف بن مطفر حلی معروف به علامه حلی ، ازکسانی است که به دیدار حضرت نائل شده و از وجود ایشان بهره ها برده است .

وی از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال726ه . ق از دنیا رفت ودر نجف اشرف به خاک سپرده شد . در تمام علوم اسلامی مهارت داشت ، به طوری که تألیفات او را بیش از پانصد جلد تخمین زده

اند . نوشته اند : او سلطان محمد خدابنده - پادشاه مغول- را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بزرگی به مذهب جعفری نمود . (1)

1 . فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بیدگلی ص159 .

علی بن ابراهیم بن مهزیار

همان کسی است که خدمت امام زمان (ع) مشرف شده است .

می گوید : نوزده سفر هر سال به مکه مشرف می شدم تا شاید خدمت مولایم حضرت ولی عصر (ع) برسم . ولی در این سفرها هر چه بیشترتفحص می کردم ، کمتر موفق به اثر یابی از آن حضرت شدم . سر انجام مأیوس شدم و تصمیم گرفتم دیگر به مکه نروم . شبی در خواب دیدم به من گفته شد : امسال بیا سفرت را تعطیل نکن که ان شاه الله به مقصدت خواهی رسید . با امید مهیای سفر شدم . در مکه اعمال حج را انجام دادم . در این مدت دائماً درگوشه مسجد الحرام تنها می نشسشم و فکر می کردم . یک روز سر درگریبان فرو برده بودم ، دیدم دستی بر شانه ام خورد . شخص گندمگونی به من سلام

کرد و گفت : اهل کجایی؟ گفتم : اهواز . گفت : ابن خصیب را می شناسی؟ گفتم : خدا رحمتش کند از دنیا رفت . گفت : انا لله و انا الیه راجعون . مرد خوبی بود ، به مردم احسان بسیاری می کرد ، خدا او را بیامرزد . پس گفت : علی بن مهریار را می شناسی؟ گفتم : بله ، خودم هستم . گفت : مرحبا ای پسر مهزیار تو خیلی زحمت کشیده ای برای زیارت مولایم حضرت بقیه الله به تو بشارت می دهم که در این سفر به زیارت آن حضرت موفق خواهی شد . فردا شب در شعب ابی طالب منتظر تو هستم ، تا تو را خدمت آقا ببرم . فردا با رفقا خدا حافظی کردم و به شعب رفتم . او و من سوار شتر شدیم و به کوه های طایف رسیدیم . به من گفت : پیاده شو تا نماز شب بخوانیم . نماز شب را خواندیم و باز سوار شدیم و راه را ادامه دادیم تا طلوع فجر دمید و نماز صبح را خواندیم .

هوا قدری روشن شده بود ، به من گفت : بالای آن تپه چه می بینی؟ گفتم : خیمه ای می بینم که تمام این صحرا را روشن کرده است . گفت : بله ، مقصود من همان جا است . با او تا نزدیک خیمه رفتم . وارد خیمه شدم . دیدم آقای بسیار زیبایی که دلاها را می برد ، با کمال ملاطفت و محبت ، احوال مرا پرسید . گفتم : چرا ظهور نمی کنید؟ فرمود

: پدرم با من عهد کرده که در شهرها منزل نکنم ، بلکه تا موقعی که خدا بخواهد درکوه ها و صحراها به سر برم ، تا از شر جباران و طاغوت ها در امان باشم و زیر بار فرمان آن ها نروم ، تا وقتی که خدا اجازه فرجم را بدهد .

من چند روز میهمان آن حضرت بودم و از انوار و علومش استفاده می کردم تا آن که خواستم به وطن برگردم ، مبلغ پنجاه هزار درهم داشتم . خواستم به عنوان سهم امام تقدیم حضورش کنم ، فرمود : از قبول نکردنش ناراحت مشو این به آن علت است که تو راه دوری در پیش داری و این پول مورد احتیاج تو خواهد بود . خداحافظی کردم و به طرف اهواز حرکت نمودم . همیشه به یاد آن حضرت و محبت های او هستم و آرزو دارم باز هم آن حضرت را ببینم (1) .

1 . منتهی الامال ج 2 ص 437 بحارالانوار ج 3 1 ، ص 730 .

علی بن بلال

از شخصیت های بزرگ ومورد اعتماد شیعه است .

اوگواهی داده است که امام حسن عسکری (ع) ، فرزندش مهدی (ع) را به چهل نفر از شیعیان نشان داده که یکی از آن ها خود او است (1) .

1 . ینابیع الموده ، ج3 ص 123 .

علی بن زیاد

علی بن محمد بن زیاد صیمری از بستگان نایب چهارم امام زمان (ع) بود .

وی ازکارگزاران اما م رضا (ع) و از وکلای امام دهم و یازدهم (ع) به شمار می آمد وکتابی هم موسوم به " الاوصیاء " نوشت ، تا امامت امام دوازدهم را اثبات کند . (1) وی به امام زمان (ع) نامه نوشت و از او تقاضای کفن کرد . حضرت به او نوشت : تو در سال 280 به آن احتیاج پیدا می کنی . سپس او در سال 280 وفات نمود و حضرت چند روز پیش از وفاتش ، برای اوکفن فرستاد (2) .

1 . بحارالانوارج50 ص 3 31 .

2 . کمال الدین ، ج2 ص 501 بحارالانوار ج 1 5 ، ص 2 1 3 .

علی بن عاصم کوفی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

1 . ارشاد مفید ، ص 330 بحارالانوار ، ج 51 ص 5 .

علی بن فاضل مازندرانی

زین الدین علی بن فاضل مازندرانی شخصی است که حدود هفتصد سال پیش ، طبق ادعای خود به جزیره خضراء سفرکرده است .

وی داستان خود را در نیمه شعبان699 ، در سامرا به دو نفر از علمای شیعه بازگوکرد .

در شوال همان سال ، مشروح سفر خود را ، در حله و در منزل ام سید فخرالدین مازندرانی به فضل بن یحیی بازگفت . فضل بن یحیی که داستان جزیره خضراء را بدون واسطه از علی بن فاضل شنید ، آن را درکتابی به نام الجزیره الخضراء گرد آ ورد . (1)

برخی نقل داستان جریره خضراء درکتب بعضی علماء را ، دلیل بر فضیلت ووثاقت علی بن

فاضل دانسته اند .

در نجم الثاقب آمده است که وی اهل مازندران و از شهرکی به نام ابریم بود . (2)

واما شیخ حر عاملی درکتاب امل الآَمل ، شرح حال فضل بن یحیی را نوشته ولی راجع به علی بن فاضل هیچ اشاره ای نمی کند . گروهی این موضع گیری حرعاملی را دلیل بر بی اعتبار دانستن او نسبت به علی بن فاضل می دانند .

ازکلام میرزا عبدالله اصفهانی- که ظاهرا اولین کسی است که برای علی بن فاضل شرح حال نوشته است- استفاده می شود که او در شرح حال علی بن فاضل ، تنها بر داستان جزیره خضراء اعتماد کرده

است . در صورتی که نقل این روایت ، برای اعتماد به علی بن فاضل کافی نیست مخصوصاً با در نظرگرفتن این که مرحوم علامه و ابن داود از معاصران علی بن فاضل بوده و مع الوصف راجع به او هیچ شرحی ننوشته اند (3) .

ابو الحسن علی بن فرات از خاندان فرات بود .

این خاندان از طرفداران شیعه و متنفذین در دستگاه عباسی بودند . چندین بار در دوران خلیفه مقتدر عباسی مقام وزارت به ایشان واگذار شد . وی یکی از زیرک ترین و فصیح ترین وزرای زمان خویش بود و جزء مشاهیر ادباء به شمار می رفت . وزیر ثروت مندی بود و وزیری که به اندازه او مالک پول نقد و دنانیر و زمین و اثاث باشد ، شنیده نشده است .

حدود پنج هزار نفر از اهل علم و دین و فقراء ، تحت پوشش مالی وی بودند . از زمان مقتدر عباسی سه مرتبه به مقام وزارت برگریده شد 296-299ه ق/ 304-306 ه ق/ 311-312ه ق در وزارت دوم خود که مصادف با نیابت " حسین بن روح " بود ، کمک های قابل ملاحظه ای به ایشان می نمود و رهنمودهای " حسین بن روح " توسط ابن فرات به موقع اجرا می گردید .

در سال 312 ه . ق ابن فرات و پسرش به جرم شیعه بودن دستگیر وکشته می شوند . در همان سال حسین بن روح نیز به همان بهانه وارد زندان می شود (4) .

1 . جزیره خضراء . . . ناجی النجارعلی اکبر مهدی پور

ص 91 .

2 . نجم الثاقب ص 0296

3 . جزیره خضراء افسانه یا وا قعیت طریقه دار ، ص129 .

4 . الکامل ج 8 ص 148 و 147 .

علی بن محمد سمری

چهارمین و آخرین نایب از نوَاب خاص امام زمان (ع) " ابو الحسن علی بن محمد سمری " است که پس از " حسین بن روح " عهده دار مقام نیابت گردید .

موثق بودن و جلالت او مشهورتر از آن است که ذکر شود . نیابت او از طرف امام زمان (ع) به سفارش "حسین بن روح " صورت گرفت . (1)

وی از خاندانی متدین و شیعه بوده است که در خدمتگزاری به سازمان امامیه از شهرت بسیاری برخوردار بودند و همین اصالت خانوادگی او ، باعث شد که در سفارت ، با مخالفت چندانی مواجه نگردد . (2)

بسیاری از اعضای این خاندان همچون حسن و محمد ، فرزندان اسماعیل بن صالح و علی

بن زیاد ، در بصره املاکی بسیاری داشتند . آنان نیمی از درآمد این املاک را وقف امام یازدهم (ع) کرده بودند که امام ، هر ساله درآمد آن را دریافت و با ایشان مکاتبه می کرد . (3)

شیخ طوسی او را جزء اصحاب امام حسن عسکری (ع) به شمار آورده (4) و حضرت با وی مکاتباتی داشته است . شش روز قبل از رحلت سمری ، توقیعی از سوی امام دوازدهم (ع) صادر شد که در آن ، صاحب الامر ، مرگ نایب چهارم را پیشگویی

و زمان مرگ او را نیز تعیین کرده بود .

متن توقیع ، نمایان گر پایان غیبت صغری و انقطاع نیابت خاصه و آغاز غیبت کبری و نیابت عامه است . متن توقیع چنین است : ای علی بن محمد سمری خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد . تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد پس امر حساب وکتاب خود را جمع و جورکن ، و درباره نیابت و وکالت ، به هیچ کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند ، زیرا غیبت کامل فرا رسیده است . دیگر تا آن روزی که خدای تبارک و تعالی بخواهد ، ظهوری نخواهد بود و آن ، پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فرا گیرد و زمین از ستم و بیداد پرگردد . به زودی از شیعیان من ادعای مشاهده خواهندکرد . بدان هرکس که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه و بانگی از آسمان ، ادعای دیدن من را نماید ، دروغگو و تهمت زننده است . قدرت و توانایی از آنِ خداوند بلند پایه بزرگ است و بس (5)

حضار از توقیع شریف ، نسخه برداشته و از نزد او بیرون رفتند و چون روز ششم شد ، به سوی او بازگشتند و دیدند نزدیک است جان به جان آفرین تسلیم کند . به وی گفتند : جانشین شما کیست؟ فرمود : خدا را مشیتی است که خود انجام خواهد داد . این مطلب را گفت و درگذشت .

" علی بن محمد سمری " در

سال 329 ه . ق وفات یافت و قبر او در بغداد ، در خیابان معروف به خلنجی ، جنب ربع المحول ، نزدیک نهر ابوعتاب می باشد . (6) او سه سال امر نیابت حضرت را به عهده داشت .

1 . تنقیح المقال ج 2ص 305

2 . آخرین امید داود الهامی ص 109 .

3 . همان ص108

4 . رجال طوسی ص 432 .

5 . کمال الدین ج 2 ، ص516 بحارالانوار ج 51 ، ص 360 اعلام الوری ص 417 .

6 . غیبه طوسی ، ص 396 .

علی بن مطهر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

1 . بحارالانوار ، ج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

علی بن مهزیار

ابوالحسن علی بن مهزیار دورقی اهوازی از برجسته ترین فقها و محدثان نامدار جهان تشیع و رهبران فکری و اجتماعی شیعه در خطه خوزستان در نیمه اول قرن سوم هجری بود .

وی افتخار مصاحبت و تلمذ نزد چند امام معصوم از ائمه اهل بیت (ع) ، یعنی حضرت علی بن موسی الرضا ، محمد بن علی الجواد ، علی بن محمد الهادی ، و احتمال حسن العسکری (ع) ، را داشت . و از سوی حضرت جوادالائمه (ع) ، وامام هادی (ع) سمت وکالت وسفارت ، و نزد آن امامان همام منزلتی بسیار بزرگ یافت ودر مدح وتمجید او توقیعات بی نظیری از ائمه (ع) صادر گردید .

بدیهی است که وی آن منزلت شایسته را بر اثر خلوص در اعتقاد ، ولایت پذیری ، دقت در انجام تکالیف الهی وارائه خدمات علمی و دینی همچون هدایت مردم و تألیف کتب و نشر تفسیر وفقه و حدیث به دست آورده است .

بر این اساس عموم علمای رجالی و تراجم ، موقعیت ممتاز او را از حیث وثاقت ، تفقه ، وجاهت و محبوبیت نزد ائمه (ع) ، تألیف کتب و دیگر فضائل وکراماتی که از وی مشاهده یا مسمرع گردیده ستوده اند ، و همگی برانند که کسی کوچک ترین خدشه ای بر شخصیت والای ایشان

وارد نکرده است .

شیعیان به ویژه مردم اهواز در طول تاریخ غیبت صغری وکبری مقام او را ارج نهاده و مرقدش را به مثابه ملجأ و پناهگاه معنوی برای عموم مؤمنین زیارت می نمایند .

آرامگاه علی بن مهزیار در اهواز است . علی بن مهزیار علاوه بر سی کتاب مشابه کتب حسین بن سعید ، ده کتاب دیگر به نام های حروف القرآن ، کتاب القائم (ع) ، کتاب انبیاء ، کتاب نوادرکتاب وفات ابوذر کتاب اسلام سلمان فارسی ، کتاب خصال ، کتاب حدیث الاشعریه ، کتاب رسائل علی بن اسباط وکتاب حدیث بدر یعنی مجموعا چهل کتاب تألیف نموده اند .

کتاب های علی بن مهزیارکه در عناوین با کتاب های حسین بن سعید مشابه است عبارتنداز : وضو ، صلاه ، زکاه ، صوم ، حج ، طلاق ، حدود ، دیات ، تفسیر فضائل ، عتق و تدبیر ، تجارات و اجارات ، مکاسب ، مثالب ، دعا ، تجمل و مروت ، مزار, رد برغلات وصایا ، مواریث ، خمس ، شهادات ، فضائل المؤمنین ، ملاحم ، تقیه ، صید و ذبائح ، زهد ، اشربه ، نذور وایمان وکفارات ، بشارات ، النکاح .

کتاب های فوق از اصلی ترین و عمده ترین کتاب هایی بوده که مورد استناد اصحاب کتب اربعه قرارگرفته است .

واما شبی تشرف علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع) : تصور عمومی درباره ایشان در این حد است که بیست بار به قصد ملاقات امام زمان (ع) ، به زیارت خانه خدا مشرف

شده ولی توفیق زیارت نیافته تا اینکه در عالم خواب به اوگفته شده که امسال به سفر حج بروکه به ملاقات امام زمان (ع) توفیق پیدا کنی .

بالاخره در بیست و یکمین سفر پس از ادای مناسک حج خدمت آن مولا شرفیاب شده است . این مضمون حتی در زیارتنامه ای که برای زیارتگاه تنظیم شده منعکس گردیده است . در حالی که اهل علم و مطالعه می دانند درکتب رجال و تراجم قدیمی ، چنین قصه ای برای علی بن مهزیار نیامده و اصولا تاریخ زندگانی او این قصه را تکذیب می کند .

آن کسی که در زمان غیبت امام زمان (ع) ، خدمت آن حضرت رسیده شخصی به نام علی بن ابراهیم بن مهزیار برادرزاده علی بن مهزیار بوده است . زیرا مهزیار سه پسر داشته ، اولی و مشهور آن ها همان علی ، دومی ابراهیم و سومی داود ، و همگی از فقها ر از اصحاب ائمه (ع) بودند وعلی که خدمت امام زمان رسیده ، فرزند ابراهیم بوده است . کتاب هایی که قصه تشرف علی بن ابراهیم بن مهزیار را نقل نموده عبارتند از : الف : کمال الدین و تمام النعمه تألیف شیخ صدوق م (381ق .)

ب : کتاب الغیبه شیخ طوسی م (460 ق .)

ج : دلایل الإمامه ، تألیف محدث کبیر محمد بن جریر بن رستم طبری صغیر ازعلمای قرن پنجم هجری . (1)

1 . نشریه موعود ، شماره21 ص 26 .

عمانی

حسن بن علی بن عقیل عمانی

نخستین کسی بود که رهبری و مرجعیت دینی در دوران غیبت طولانی امام مهدی (ع) را به دست گرفت .

سید محمد مهدی بحرالعلوم درباره شخصیت بزرگ علمی او می نویسد : او نخستین کسی است که فقه را دسته بندی و تهذیب کرد و در راه استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی آن ، دست به تلاش و اجتهاد زد و در آغاز غیبت کبری ، راه را برای تحقیق و تفحص از اصول و فروع وگسترش بخشیدن به آن و بنیاد پایه های آن گشود . . . علما و بزرگان فقه و فقاهت ، به ویژه دو شخصیت گرانقدر علم و فقه ، علامه حلی و محقق حلی و علمای پس از آن دو بزرگوار ، به فرمایشات مرحوم عمانی و فتواهای او و ثبت و نقل آن ها سخت بها می دادند .

فقیه بزرگوار مرحوم عمانی از نظر علما و فقهای بزرگ ، مقام و منزلت بسیار والایی دارد و دانشمندان پیشین ، همچون مرحوم مفید و طوسی او را ستوده اند . او در موضوع امامت ، کتابی به نام " الکر والفر " نگاشت و در فقه ، کتابی تحت عنوان المتمسک بحبل آل الرسول به رشته تحریر در آورد .

تاریخ ولادت آن فقیه بزرگ در دست نیست ، اما به نظر می رسد ، سال هایی پیش از مرحوم مفید زیسته و رحلت کرده است ، چرا که او از نظر زمان ، پیش از ابن جنید بوده و می دانیم که ابن جنید از اساتید مرحوم مفید بوده است .

به هر حال

، رهبری فکری و مرجعیت دینی ، شکل خاص خویش را گرفت و حلقه های درسی در بغداد تشکیل شد و سال ها سپری شد وستاره مفید در بغداد درخشیدن آغازکرد و حوزه علمیه را پی ریخت .

عمر الاهوازی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

1 . بحارالانوار ، ج 51 ص 5 ارشاد مفید ص 330 .

عمر بن زید

برده فروشی بود که ملیکه نرجس خاتون را به فرستاده امام هادی (ع) بشر بن سلیمان فروخت . (1)

در برخی منابع " عمر بن برید " آمده است .

1 . مهدی موعود ، ص 188 کمال الدین ج 2 ، ص 418 .

عَمری

" عمری " لقب مشهور نائب اول امام زمان (ع) - عثمان بن سعید- است .

وجه تسمیه عثمان بن سعید به " عمری " دو منشأ بیشتر نداشته است : یکی این که جد پدری عثمان بن سعید عمرو بود ، و لذا به اوعمری گفته شده است و دیگر این که حضرت امام حسن عسکری (ع) راضی نشد ، هم اسم عثمان بن عفان و هم لقب او در ایشان جمع شده باشد و لذا دستور داد که کنیه او را بر هم زنند و تبدیل به عمری ، کنند . (1)

البته در یک جا لقب عامری نیز درباره ایشان استعمال شده است . (2)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ص 105 .

2 . بحارالانوار ، ج 53 ص 178 .

عنصری بلخی

حسین عنصری بلخی متوفی 431 ق از قصیده سرایان طراز اول زبان فارسی در سده های چهارم و پنجم هجری است .

این قصیده سرا که در دربار سلطان محمود غزنوی از منزلت خاصی برخوردار بوده ، در قصیده مناقبی خود ضمن نکته گیری از غضایری شاعر ، شیوه حکومتی سلطان غزنوی را نسخه ای از حکومت جهان شمول مهدی موعود (ع) معرفی می کند : خدایگان خراسان و آفتاب کمال که وقف کرده براو ذو الجلال عزو جلال

زبیم تیغ توه تیره بود دل کافر به نور دین تو روشن یود دل ابدال

سیاست توبه گیتی علامت مهدی است کجاسیاست تو نیست فتنه دجال (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع

) درآ یینه شعرفارسی محمد علی مجاهدی ص 63 .

عوف سلمی

در روایتی از امام زین العابدین (ع) آمده است : پیش از خروج آن حضرت مهدی (ع) مردی به نام عوف سلمی در سرزمین الجزیره خروج می کند ، در تکریت ماوی می گزیند و در مسجد دمشق به قتل می رسد . (1)

عوف سلمی احتمالاً از نسل جعفر طیار باشد که بصره را با خاک یکسان می کند و از عراق عبورکرده ، وارد دمشق می شود و در مسجد شام به قتل می رسد (2)

این خرابی بصره ، غیر از آن خرابی است که در قرن سوم هجری ، توسط صاحب زنج انجام یافته است .

1 . غیبه طوسی ، ص 270بحارالانوار ج52 ص 13 2 .

2 . روزگار رهایی ج 2 ، ص 1014 .

عیسی (ع)

از حضرت عیسی (ع) در روایات ، با واژه های گوناگون مانند وزیر ، جانشین ، فرمانده و مسؤول در حکومت حضرت مهدی (ع) یاد شده است .

حضرت عیسی (ع) به مهدی (ع) می گوید : من به عنوان وزیر فرستاده شده ام نه امیر (1) حضرت عیسی (ع) وزیر حضرت مهدی (ع) پرده دار و جانشین آن حضرت است (2) حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان فرود می آید و در قدس پس از اعلام بیعت با حضرت مهدی (ع) پشت سر حضرت نماز می گذارد . پس از فتح غرب توسط حضرت و اسلام آوردن

بیشتر مردم آن سامان ، حضرت عیسی (ع) رحلت نموده و حضرت مهدی (ع) و دشمن او را می بیند ، به یاد مرگ می افتد چنان که گویی عیسی (ع) قصد جانش را کرده است در برخی از روایات از حضرت عیسی (ع) به عنوان مسؤول دریافت اموال حضرت قائم (ع) یاد شده است (5)

مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند .

بر طبق روایات ، امام (ع) مراسم دفن و نماز خواندن بر بدن وی را آشکارا در حضور مردم انجام می دهد ، تا همچون بار اول درباره او سخن ناروا نگویند . سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم (ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش ، در قدس به خاک می سپارد (3)

در برخی روایات آمده که حضرت عیسی (ع) ، جزو فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است (4)

در ویژگی حضرت عیسی (ع) آمده است : او چنان ابهتی دارد که چون

1 . ملاحم ابن طاووس ، ص 83 فتن ابن حماد ، ص 160 .

2 . غا یه المرام ، ص697 حلیه الابرار ج 2 ، ص 620 .

3 . عصر ظهور ، علی کورانی ، ص 29

4 . الشیعه والرجعه ج1 ص 167 .

5 . فتن ابن حماد ص 161

عیسی بن مهدی جواهری

ازکسانی است که به نشگاه قبله موعود شرفیاب شده است (1)

می گوید : آن

چنان از شوق دیدار مدهوش شدم ، که پنداشتم عقل از سرم بریده است . حضرت بقیه الله (ع) فرمود : ای عیسی (ع) اگر تکذیب منکران نبود به تو افتخار دیدار نمی دادیم ، که می گویند : کجاست؟ ازکی است؟ کجا متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ چه نشانه هایی از او دیده اید؟ چه خبرهایی از او به شما رسیده است؟ چه معجزاتی از او سر زده است؟ ای عیسی آن چه دیدی به دوستان ما بازگوکن . ولی هرگز به دشمنان ما مگوکه از این- کرامت ها- محروم گردی (2)

1 . روزگار رهایی ج1ص 163 .

2 . منتخب الاثر ص 697 .

غانم

ابو غانم از خادمان منزل امام حسن عسکری (ع) بوده که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و خبر داده است ابو غانم می گوید (1)

حضرت قائم (ع) درگهواره بود , به محضرش شرفیاب شدم ، فرمود : صندل قرمز پیش من بیاور وقتی آوردم ، فرمودند : مرا می شناسی؟ گفتم : آری ، شما مولای من و فرزند مولای من هستید . فرمود : آن را سؤال نکردم گفتم منظور خود را بیان فرمایید . فرمودند : من خاتم اوصیا هستم ، خداوند به وسیله من ، بلا را از اهل و شیعیانم دفع می کند (2)

باز ابو غانم از دیدار دیگری سخن می گوید که در آن گروهی از شیعیان افتخار حضور داشته اند ، وی می گوید : برای ابو محمد امام

حسن عسکری (ع) فرزندی متولد شد که اسم او را محمد گذاشت . روز سوم ولادتش او را بر اصحاب خود نشان داد و فرمود : این مولود امام و سرپرست شما بعد از من است و جانشین من است در میان شما . این همان قائم (ع) است که گردن ها برای انتظار به سوی اوکشیده می شود ، وقتی که زمین از ظلم و جور پر شده باشد ، قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند (3)

1 . ارشاد مفید ، ص 320 بحارالانوار ج 51 ص5 .

2 . کشف الغمه ، ج 3 ، ص 289 ، غیبه طوسی ، ص 481 .

3 . بحارالانوار ج51 ص 5 .

فضل بن یحیی

فضل بن یحیی بن مظفر طیبی ، مؤلف کتاب الجزیره الخضراء است .

وی داستان جزیره خضراء را نخست درکربلا در 15 شعبان 699 از شمس الدین محمد بن بخیح حلی و جلال الدین عبداله حوام حلی شنیده و آنگاه رهسپار حله شد و داستان را بدون واسطه از علی بن فاضل مازندرانی بشنود و درکتاب خود فراهم آورد . فضل بن یحیی اهل کوفه و مقیم واسط بود و به شغل کتابت اشتغال داشت و جزء دوازده نفری است که کشف الغمه را در حضور مؤلفش فرا گرفتند (1)

علی بن عیسی اربلی متوفی692 ، کتاب پرارج خود کشف الغمه را در حضور دوازده تن از دانشمندان عصر خود قرائت کرد و آن ها آن را استماع کرده ، برای خود استنساخ نمودند .

مؤلف به همه آن دوازده نفر اجازه روایت داده است .

در تمام جلساتی که کتاب قرائت می شده ، کاتب جلسه فضل بن یحیی بوده و همه اجازات به خط او بوده است . کشف الغمه ای که به خط فضل بن یحیی بوده تا قرن یازدهم باقی مانده است .

شیخ حر عاملی صاحب وسائل درباره وی می نویسد : فضل بن یحیی ، دانشمند جلیل القدری است که در اواسط به کارکتابت اشتغال داشت و در سال691 کشف الغمه را در حضور مؤلفش خواند و نسخه اش را با نسخه مؤلف تطبیق کرد (2)

پدرش " یحیی بن مظفر " نیز دانشمند ، ادیب و شاعر بود و او نیز جزء دوازده نفری است که کشف الغمه را در حضور مؤلفش فراگرفته اند (3)

تاریخ وفات فضل بن یحیی در دست نیست ، فقط می دانیم که وی تا سال 699زنده بوده است .

نکته دیگر این است که احتمال دارد فضل بن یحیی دو نفر باشند : 1 . راوی داستان جزیره خضراء

2 . کسی که اربلی به او اجازه حدیث داده است . احتمال دو نفر بودن از بیان میرزا عبدالله اصفهانی معروف به افندی معلوم می شود . او می گوید : حق این است که هردو یک نفرند (4)

البته وی دلیل خود را برآن چه آن را حق دانسته ، بیان نکرده است (5)

1 . الذریعه ج 5 ، ص106 .

2 . امل الاَمل ج 2 ص 217 .

3 . همان ص 348 .

4 .

رياضی العلماء ج 4 ص377 .

5 . جزيره خضراء ، افسانه يا واقعيت ، طريقه دار ص 128 .

فضلی بن شاذان

فضل بن شاذان نيشابوری ، از فقها و متكلمين اماميه است و يكصد و هشتاد كتاب نوشته كه از جمله آن ها كتابی در احوال قائم آل محمد (ص) وغيبت است .

شيخ طوسی در رجال خود ، او را از جمله اصحات امام هادی و امام عسكری (ع) شمرده است و می نويسد : فضل بن شاذان در سال 160 ق وفات كرد . شيخ آقا بزرگ تهرانی در الذريعه می نويسد : كتاب غيبت فضل بن شاذان ، نزد سيد محمد بن محمد ميرلوحی كه هم عصر مجلسی بوده ، موجود است (1)

1 . الذريعه ج16 رجال نجاشی ص 235 رجال طوسی ص 420 .

فلان

در روايات مهدوی ، از فلان ، بنی فلان ، ولدفلان بسيار ياد شده است .

در روايتی داريم : چون اولاد فلانی دچار اختلاف شدند ، فرج نزديک است (1)

در روايات ديگری می خوانيم : در بغداد هشتاد هزار نفركشته می شوند كه هشتاد تن از آن ها از اولاد فلانی است . (2)

و نيز آمده آست : اين امر واقع نمی شود ، مگر هنگامی كه شمشيرهای بنی فلانی در ميان خود به كار افتد و حلقه تنگتر شود . (3)

البته در شرح پاره ای احاديث ، منظور از فلان ذكر شده است .

1 . غيبه نعمانی ص351 بحارالانوار ج 52 ، ص 231 .

2 . الزام الناصب .

3 . كشف الغمه ج3 ص 913منتخب الاثر ، ص 252 .

فیض کاشانی

ملا محسن فیض کاشانی متوفای 1091ق از علمای نامدار امامیه در قرن یازدهم هجری معاصر شاه عباس ثانی است که در فقه و حدیث و تفسیر و فلسفه ، صاحب نظر و دارای تالیفات گران بهایی است .

درکثرت و تنوع تألیف ، سرآمد دانشمندان به شمار می رود . علوم عقلی را از استاد بزرگ آخوند ملا صدرالدین شیرازی فراگرفت و به دامادی او مفتخرگردید .

وی بیش از هشتاد تألیف از خود به جاگذاشته که از جمله آن هاست . کتاب الوافی ، تفسیرالصافی ، علم الیقین ، امالی ، المحجه البیضاء فی احیاءالاحیاء و . . . این عالم بزرگوار در عرصه شعر نیزکوشا بوده و دیوان او به همت شاعر فرهیخته مصطفی فیضی ، در سه

جلد منتشر شده است . او در قصاید خود ، بسیار از مهدی یاد کرده است :

برعشق هزارآفرین فیض کزدولت اوبه حق رسیدم

اومهرنبی وآل اوبود جامی که به کام دل کشیدم

ازپیروی چهارده نور حق ، براغیاربرگزیدم

چشمم به ره قدوم مهدی است این سرمه به دیده زآن کشیدم

گرنامه سیاهم ازگنه ، شکر کزمهرائمه ، روسفیدم

فیض کاشانی بسیاری از غزلیات لسان الغیب حافظ شیرازی را استقبال و تضمین کرده و شیفتگی خود را نسبت به ساحت آن مصلح جهانی ابراز داشته است (1) .

1 . سیمای مهدی موعود (ع) در آیینه شعرفارسی محمد علی مجاهدی ص 102 .

قادیانی

میرزا غلام احمد قادیانی بنیانگذار فرقه احمدیه یا قادیانیها بود .

او مردی روحانی ، اهل قصبĀقادیان از شهرستان گرداس پور پنجاب بود که در پنجاه سالگی با استفاده از توجیه وتفسیر بعض احادیث شیعه - که زمان ظهور مهدی (ع) را در قرن چهاردهم هجری پیش بینی کرده است- دعوی نمود که مهدی موعود و مظهر رجعت ، مسیح است .

سپس در روز چهارم مارس 1988م ادعا کرد که وحی بر او نازل شده وپیامبر است چون مردی عالم و زباندان بود ، جمعی از مردم قادیان به اوگرویدند که پیروان این مذهب نوپا را قادیانی یا میرزایی یا احمدی نام نهادند .

غلام احمد در اثبات ادعای خود کتاب های چندی تألیف کرد که هم آن ها : قصا ید احمدیه المسیح الموعود والمهدی الموعود ، مواهب الرحمن ، حمامه البشری الی اهل مکه وصلحاء ام القری است .

به علاوه یک مجله ماهیانه ، به زبان

انگلیسی از سال 1902م در قادیان منتشر نمود که ارگان رسمی قادیان ها است وهنوز هم مرتباً انتشار می یابد . عقاید غلام احمد ، کلاً مبتنی بر اصول اسلام وتشیع بود .

فقط در سه اصل با سایر مسلمانان اختلاف داشت : جهاد ، مسیح ومهدی . او درباره مسیح معتقد است پس از آن که به صلیب کشیده شد نمرد ، بلکه او را به هندوستان وایالت کشمیر بردند ودر آن جا به تبلیغ کیش خود مشغول بود تا آن که در صد و بیست سالگی درگذشت و در شهر " سرینگر " مدفون گشت درباره امام مهدی) ع (می گوید : او مظهر مسیح ومحمد) ع (و جلوه ای از کریشنا یکی از الهه های هندوان است وخود او همان مهدی موعود است که ظهورکرده است .

پس از فوت غلام احمد ، میرزا نورالدین به عنوان خلیفه اول او انتخاب گردید وبعد از او ، میرزا بشیرالدین محمد احمد پسر غلام احمد یا سمت خلیفه دوم به پیشوایی فرقه احمدیه برگزیده شد .

بعد از مرگ نورالدین ، بین فرقه احمدیه انشعاب پیدا شد . گروهی به ریاست مولانا محمد علی عقیده پیدا کردند که غلام احمد نبی یا مهدی ویا مسیح نبوده ، بلکه مبشَر ومجدد اسلام بوده است . این گروه ، انجمنی به نام انجمن اشاعت اسلامی احمدیه تشکیل دادند و به اعضای انجمن لاهور و مجددی ، معروف گشتند . لیکن اکثریت قادیانی ها به ریاست میرزا بشیرالدین ، بر عقیده نبوت ومهدویت و مسیحیت غلام احمد ، باقی ماندند . هر دوگروه

، مساجدی در نقاط مختلف بنا کرده ، تبلیغات دامنه داری را دنبال می کنند (1) .

1 . معارف ومعاریف ، ج 1 ، ص 607 .

قاسم انوار

در دیوان قاسم انوار متوفای 837 ق متخلص به قاسمی ، غزل بشارت انگیزی وجود دارد که رایحه مهدوی از آن به مشام می رسد :

موسی به کوه طور به نورعیان رسید

توفیق وصل یار عنان برعنان رسید

شادی اهل عالم و هنگام شادی است

کاندر زمانه مهدی آخرزمان رسید

آسوده ایم وظاهر ماشاد و خرم است

چون فیض فضل یار ، جهان درجهان رسید (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآ یینه شعرفارسی ، محمد علی مجاهدی ص 93 .

قاسم بن علاء

ازکارگزاران حسین بن روح بود که در آذربایجان فعالیت می کرد .

ابوحامد عمران بن مفلس وابو علی حجدر در دستیار وی بودند . (1)

او از زمان امام هادی (ع) وکیل این ناحیه بود . یکصد وهفده سال عمرکرد وهشتاد سال از سلامتی چشم برخوردار بوده و حضرت هادی و عسکری (ع) را زیارت کرده است (2)

امام زمان (ع) پیش از وفات او ، هفت تکه پارچه برای کفن او فرستاد وبه او خبر داد کهچهل روز پس از رسیدن پارچه های کفن به او ، فوت خواهد کرد واو در همان روز از دنیا رفت (3)

وی به هنگام وفاتش وصیت کرد که اگر از وارثان او کسی با تقوا نبود ، از آن چه که او برای حضرت وقف کرده است محروم باشد ، پس از وفاتش از سوی حضرت ، توقیعی برای تسلیت به فرزندش صادر شده ودرآن این عبارت آمده است : پدرت را پیشوای تو ، وکارهایش را الگوی تو قرار دادیم (

(4

1 . تاریخ سیاست غیبت امام دوازدهم (ع) ، ص 197 .

2 . غیبه طوسی ص 188 .

3 . غیبه طوسی ص 188 .

4 . آخرین امید ص 0118

قاسم بن علی

وکیل نائب دوم- محمد بن عثمان- در آذربایجان ایران بود وتا زمان نائب سوم در این سمَت فعالیت می کرد (1)

1 . آخرین امید ص 90 .

قاهر بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود .

اسم او محمد بن معتضد است . در سال 320 هجری به خلافت رسید ودر سال 322 چشمانش را میل کشیدند وکشتند . اخلاق او ثباتی نداشت و زود رنگ عوض می کرد . نیزه بزرگی داشت که هر وقت در خانه خود راه می رفت آن را به دست می گرفت و به هنگام نشستن جلو روی خود می گذاشت وهرکسی را می خواست بکشد ، با آن می زد .

وی درکارهایش چندان دقت نمی کرد و رفتار او هول انگیز بود . (1)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده ، ص 49 .

قطران تبریزی

ابو منصور قطران تبریزی ملقب به امام الشعراء متوفای 466 قدر قصیده ای که به مناسبت زلزله شهر تبریز سروده ، ویرانی های ناشی از این بلای طبیعی را به تصویر می کشد ومی گوید که به چشم خود ، روز قیامت را مشاهده کرده وپرچم حضرت مهدی (ع) را در اهتزاز وفتنه دجال را فراگیر دیده است .

بود محال مرا داشتن امید محال به عالمی که نباشدهمیشه بریک حال

ازآن زمان که جهان بوده حال زین سان بود جهان بگردد ، لیکن نگرددش احوال

خدا به مردم تبریز ، برفکند فنا فلک به نعمت تبریز برگماشت زوال

همی به دیده بدیدم چو روزرستاخیز زپیش رایت مهدی وفتنه دجال (1)

1 . سیمای مهدی موعود (ع) درآیینه شعرفارس ، محمد علی مجاهدی ص 64 .

قنواء

طبق روایت مفضل بن عمر از امام صادق (ع) ، وی از زنانی است که جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود .

قنواء دختر رشید هجری است ودر خصوص شخصیت او درکتب شیعه وسنی ، سخنی به میان نیامده است .

ابو حیان بجلی می گوید : از قنوا دختر رشید هجری پرسیدم : از پدرت چه حدیث و روایتی شنیده ای گفت : پدرم ازامیرالمؤمنین (ع) نقل کرد که آن حضرت فرمود : ای رشید صبر تو چگونه است ، هنگامی که پسر خوانده بنی امیه- ابن زیاد- تو را نزد خود بخواند و دو دست و دو پا وزبانت را قطع کند؟ عرض کردم : آیا پایان کارم بهشت است فرمود : ای رشید در

دنیا و آخرت به همراه من هستی . قنواء می گوید : به خدا سوگند ، پس از مدتی ابن زیاد پدرم را احضارکرد واز او خواست تا از علی (ع) بیزاری بجوید ، ولی او هرگز این کار را نکرد . ابن زیاد گفت : علی (ع) کیفیت قتل تو را چگونه توصیف کرده است؟ پدرم پاسخ داد : دوست من علی (ع) مرا چنین آگاه ساخت که تو مرا به بیزاری از علی (ع) می خوانی ، ولی من اجابت نمی کنم؟ سپس دو دست ودو پا وزبانم را قطع می کنی . ابن زیاد گفت : به خدا سوگند ، خلاف پیشگویی علی را در حق تو اجرا می کنم . آن گاه دستور داد دو دست ودو پایش را قطع کنند وزبانش را سالم باقی گذارند . قنواء می گوید : من پدرم را به دوش کشیدم ودر راه به اوگفتم : ای پدرا آیا احساس درد می کنی؟ فرمود : خیر ، فقط به مقدار فشاری که جمعیت بر من وارد کند ، احساس ناراحتی می کنم .

چون پدرم را برداشتم و ازکاخ ابن زیاد بیرون بردم ، مردم به گرد او جمع شدند . پدرم از فرصت استفاده کرد وگفت : قلم ودوات وکاغذ بیاورید تا برای شما حوادثی را بازگوکنم؟ ولی چون این خبر به ابن زیاد رسید ، دستور داد زبانش را نیز قطع کنند وپدرم در همان شب به شهادت رسید . (1)

1 . سفینه البحار ، ج 2 ص 522 اعیان الشیعه ج

32 ، ص 6 چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) ص 75 .

کافور

خادم امام هادی (ع) بود که بشر بن سلیمان را- جهت خریداری نرجس خاتون ، ملیکه رومیه - به خدمت حضرت احضارکرد (1)

وی خادم امام حسن عسکری (ع) نیز بوده و در نقل حدیث توثیق شده و او همان کسی است که حضرت عسکری (ع) پارچه ای به دست او داد که به حلوان برود و احمد بن اسحاق قمی را کفن نماید (2) .

1 . مهدی موعود ص 881 بحارالانوار ج 51 ص 6 .

2 . معارف و معاریف ج 8 ص 455 .

کافوربن ابراهیم

کافور بن ابراهیم مدنی ، حسب روایت شیخ طوسی درکتاب غیبه ، از جمله کسانی است که حضرت ولی عصر (ع) را درک نموده و معجزات و غرایبی از آن حضرت مشاهده کرده و از پدر بزرگوارش حضرت عسکری (ع) نص بر امامت آن حضرت نقل کرده است (1)

1 . معارف و معاریف ج 8 ص 455 .

کافی

از سخنرانان مخلصی بود که با تلاش های خالصانه خود به ترویج فرهنگ مهدویت پرداخت .

مرحوم حاج شیخ احمد کافی در سال 1315 در شهر مشهد در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود پدرش مرحوم میرزا محمد کافی ، فرزند میرزا احمد کافی یزدی ، یکی از روحانیان متقی و وارسته بود .

مرحوم میرزا احمدکافی ، جد پدری مرحوم کافی در تحصیل مدارج علمی و عملی بسیارکوشا و موفق بوده است و مرحوم کافی در دامان جد خویش درکمال دقت نظر تربیت یافت . وی ازکودکی علاقه خویش را به حضور در مجالس ابا عبدالله الحسین (ع) و ذکر مراثی آن حضرت نشان

می داد که بسیار مورد تشویق مردم و به ویژه جد خویش واقع شد با بروز این علات و استعداد ، جد مرحوم کافی تصمیم به تربیت و آموزش مسائل دینی به وی را می گیرد ، به طوری که در سنین هشت یا نه سالگی ، مرحوم حاج شیخ احمدکافی رسما در حرم مطهر ثامن الحجج (ع) در شب های جمعه تشکیل جلسه می دهد .

سپس به خواندن دروس حوزوی در مشهد می پردازد و سالیانی بعد

راهی نجف اشرف گشته و مدت پنج سال در آن جا به تحصیل علوم دینی همت می گمارد . پس از آن رهسپار قم شده و حدود سه سال در قم به ادامه تحصیل و درکنار آن به منبر و موعظه برای مردم می پردازد .

در 23 سالگی در شهر مقدس مشهد با بیت مرحوم آیت الله سید حسین شاهرودی که از زهاد و علماء معروف مشهد بود ، وصلت می نماید و بعد از دو سال به جهت اصرار فوق العاده مردم و متدینین شهر تهران و ابرازِ نیاز تبلیغی شهر تهران در رژیم منحوس پهلوی ، ایشان جهت ادای وظیفه شرعی به تهران کوچ می کند و در حقیقت ، مشکلات کار خویش را آغاز می نماید .

تا این که احساس نیاز به یک پایگاه مذهبی ، ایشان را وادار به احداث مهدیه تهران می نماید که منشأ آثار خیری بوده و هست منابر ایشان در سراسرکشور و بعضی کشورها از قبیل : کویت ، سوریه ، عربستان ، پاکستان و . . . همچنین خدماتی از قبیل : تأسیس مدارس مساجد ، درمانگاه ها ، مهدیه ها و . . که برخاسته از خلوص نیت و صفای باطن آن مرحوم بود ، موجب شهرت و محبوبیت ایشان گردید وی در اوج محبوبیت در روز میلاد معشوقش امام زمان (ع) نیمه شعبان- در سال 1357 در 42 سالگی و در مسیر زیارت ثامن الحجج (ع) دارفانی را وداع و به سلف صالح پیوست (1)

هنوز نوارهای پر سوز وگداز وی در دست افراد جامعه می

چرخد و صدا و سوز خالصانه اش ، عطر نام و یاد مهدی (ع) را می پراکند .

1 . نغمه های ازبلبل بوستان حضرت مهدی (عج) ج 1 ، ص 14 .

کامل بن ابراهیم

کامل بن ابراهیم مدنی از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

گروهی از مفوضه او را به محضر امام حسن عسکری (ع) فرستادند تا سؤالاتی از محضر امام بپرسد . وی وارد مجلس شد و درکنار دری که پرده ای بر آن آویخته بود ، نشست . پیش از آن که سؤالاتش را مطرح کند ، بادی وزید و پرده کنار رفت . حضرت مهدی (ع) که در آن جا بودند ، پاسخ پرسش های وی را ارائه فرمودند . (2)

کامل بن ابراهیم از برکت وجود حضرت ، هدایت شد و از عقیده ا ش برگشت . وی جزوکسانی است که بر جنازه امام حسن عسکری (ع) نماز خوانده و در مراسم تشییع جنازه ، حضرت مهدی (ع) را دیده اند (3) .

1 . بحارالانوار ج 51 ص 5 ارشاد مفید ، ص 330 .

2 . کشف الغمه ، ج 2 ص 499 .

3 . روزگار رهایی ج1 ، ص 160و165 .

کامل سلیمان

از نویسندگان پرشور جبل عامل لبنان است که آثار پرارجی را به جهان تشیع تقدیم نموده است .

از جمله آن هاست : الحسن بن علی (ع) ، التربیه ، سسله تربویه ، ادب الائمه شیعتهم ، اشرق من قلبی ، سبیل یا عطشان ، یوم الخلاص و . .

یوم الخلاص ازکتاب های سودمندی است که به شیوه ای دلپذیر و اسلوبی نوین ، پیرامون غیبت

حضرت ولی عصر (ع) به رشته تحریر در آمده است .

این کتاب با عنوان ر وزگار رهایی ترجمه شده است .

کسروی

سید احمد کسروی ازنویسندگان ومورخان ایران است که درسال 1269 شمسی در تبریز متولد و در سال1324 . ش درتهران به دست فدائیان اسلام به ضربت خنجر به قتل رسید . (1)

او مردی تندخو و نسبت به روحانیون سخت دشمن بود . اوبه ساحت مقدس ائمه اطهار (ع) و شخص پیامبر (ص) گستاخی کرد و جسارت ها به مذهب شیعه واعتقاد به امامت مهدی موعود (ع) و غیبت آن حضرت نمود .

دریکی ازکتاب هایش می نویسد : عثمان بن سعید ، محمد بن عثمان ، حسین بن روح و ابوالحسن سیمری که ادعای نیابت امام نا پیدا کردند ، افرادی گمنام بودند وکسی آن ها را نمی شناخت و خواسته اند ، ازاین راه به ریاست برسند . (2)

1 . فرهنگ معین ج 6ص 1577 .

2 . مهدی موعود پاورقی ص 516 .

کلینی

ابو جعفر محمد بن اسحاق کلینی رازی معروف به ثقه الاسلام ، شیخ مشایخ شیعه و رئیس محدثین علمای امامیه و اوثق و اعدل ایشان و مروج مذهب شیعه در عصرغیبت امام عصر (ع) است .

عامه و خاصه در فتاوی به وی مراجعه کرده اند و بدین جهت به ثقه الاسلام شهرت یافت . وی یکی ازصاحبان کتب اربعه و صاحب کافی است که در عقاید حقه اسلامیه و استنباط دینی ، مرجع اکابر و مورد استفاده فقها و محدثین بزرگ است و به تصدیق شیخ مفید ، اجل کتب اسلامی و اعظم مصنفات شیعه و مشتمل بر شانزده هزار و یکصد و نود

و نه حدیث است .

کلینی از علمای زمان غیبت صغری است و وفات او69 سال پس از وفات امام عسکری و در ماه شعبان 329 هجری اتفاق افتاد و قبرش در بغداد است . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 8 ص 576 .

کنیزآذری

زنی است که حضرت ولی عصر (ع) مژده آن را به علی بن حسین پدر شیخ صدوق داد و فرمود از آن کنیز ، دو پسر فقیه و دانشمند برایت متولد خواهد شد .

وقتی علی بن حسین پدر شیخ صدوق فی نامه ای به سوی سفیر خاص امام زمان (ع) از او خواست که از آن حضرت تقاضا کند ، تا از خداوند برای او فرزندان فقیه و دانشمندی طلب نماید ، حضرت در جواب ، مژده کنیز آذری را به او داد ، که بعدها از آن کنیز ، صاحب دو پسر شیخ صدوق و برادرش حسین شد . در پسری که فقیه و دانشمند شدند و آن قدر از روایات حفظ کردند که در میان دانشمندان برخاسته از قم ، نمونه نداشتند . (1)

1 . غیبه طوسی ص 88 1 بحارالانوار ، ج51 ص 324 .

مؤمن آل فرعون

در روایات از مؤمن آل فرعون به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده که هنگام ظهور زنده می شود (1)

نام مؤمن آل فرعون ، حزبیل است . وی پسر عم و نیز ولیعهد فرعون بوده که پنهانی ، مردم را به یکتا پرستی خداوند و نبوت موسی دعوت می کرد ، تا اینکه سخن چینان این ماجرا را به فرعون گزارش دادند .

فرعون گفت : حزبیل که عموزاده و ولیعهد من است اگر چنین کاری کند مستوجب عقوبتی شدید خواهد بود . ولی اگر ثابت شد که شما سعایتگران به وی بهتان می زنید شما را به اشد مجازات

شکنجه می کنم . حزبیل را فرا خواند و آن ها را نیز احضار نمود . بازجویان در حضور فرعون به حزبیل گفتند : توئی که منکر خدائی فرعون شده و نعمت های او را کفران نموده ای وی رو به فرعون کرد وگفت : آیا تا کنون دروغی از من شنیده ای فرعون گفت : نه . حزبیل گفت : از این جمع بپرس خدای شما کیست؟ چون پرسید ، همه گفتند : فرعون . حزبیل گفت : آفریدگارتان گفتند : فرعون . گفت : روزی دهنده شها کیست؟ گفتند : فرعون . حزبیل گفت : ای فرعون تو وا ین جمع حاضر را گواه می گیرم که خدای من و آفریدگار و روزی بخش من همان کسی است که خدا و آفریدگار و روزی بخش این ها است و جز خدای این ها خدای دیگری ندارم و تو و این جماعت را گواه می گیرم که از خدائی جز خدای این ها بیزارم .

فرعون رو به سعایتگران کرد وگفت : شما ای فتنه جویان و ای مفسدان می خواستید میان من و عموزاده ام فتنه برانگیرید پس دستور داد همه را به شدیدترین شکنجه اعدام کردند . (2) امام صادق (ع) در معنی فوقاه الله سیئات ما مکروا روایت شده که فرمود : مراد این آیه مؤمن آل فرعون است که می فرماید خداوند او را از مکر فرعونیان نجات داد . به خدا سوگند سرانجام او را قطعه قطعه کردند ، ولی خداوند او را از اینکه دینش را از دستش بربایند ، نجات داد (3

(

1 . بحا رالانوار ج52 ص346 اثبات الهداه ج 3 ، ص550 .

2 . معارف ومعاریف ج4 ص473 .

3 . بحارالانوار ج 3 1 ، ص 160 .

خروج یاجوج و ماجوج

در برخی روایات ، از نشانه های ظهور دانسته شده (1) که با دقت در آن ها روشن می شود که ارتباطی با مسأله ظهور ندارند ، بلکه بیشتر آن ها ، ناظر به برپایی قیامت هستند .

مواردی هم که در قرآن از خروج یأجوج ومأجوج یاد شده (2) هیچ دلالتی بر این قضیه ندارد .

1 . منتخب الاثرص 461 سنن ابن ماجه ج 2 ص 353 1 کنزالعمال ج 14 ص338 .

2 . سوره کهف 94, سوره انبیاء ص6 9 .

ماریه

ازکنیزان امام حسن عسکری (ع) بود .

وی شاهد تولد حضرت مهدی (ع) بوده و می گوید : صاحب الزمان از شکم مادر در حالی متولد شد که دو زانو بوده و دو انگشت سبابه اش را به سمت آسمان بلند کرده بود .

سپس عطسه زد وگفت : الحمدلله ربَ العالمین و صلی الله علی محمد و آله (1) .

1 . مکیال المکارم ، ج 1 ، ص 246 .

مالک اشتر

در برخی روایات از وی به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده که پس از ظهور حضرت ، زنده می گردد . (1)

1 . مجمع البیان ج 2 ص 489 ارشاد مفید ، ص 365 .

مجلسی

ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی مجلسی معروف به علامه مجلسی ، از بزرگترین و معروف ترین علمای شیعه در عهد صفویه است که در سال 1037 در اصفهان متولد شد و به سال 1111 درهمان شهر وفات یافت .

وی دراواخر عهد شاه سلیمان صفوی و قسمت عمده از عهد شاه سلطان حسین ، رتبه شیخ الاسلامی و امامت جمعه و صاحب اختیار امور دینی کل کشور بود و نیز حائز ریاست علمی و سیاسی گردید .

تعداد تألیفات او متجاوز از شصت کتاب است که معروف تر و مهم تر از همه- به زبان عربی- بحارالانوار است که در حقیقت ، دائره المعارف شیعه می باشد . بیشترین تألیفات او به زبان ساده است مانند ، حق الیقین ، حلیه المتقین ، حیوه القلوب ، عین الحیوه و جلاء العیون (1) .

روایات بسیاری از پیامبر و ائمه معصومین (ع) درباره حضرت مهدی (ع) درکتاب بحارالانوار آمده است . جلد 51 ، 52 ، 53 این کتاب را استاد علی دوانی ، با عنوان مهدی موعود ترجمه کرده است .

1 . معارف ومعاریف ج9ص125 .

محمد بن ابراهیم بن مهزیار

سید ابن طاووس ، او و پدرش ابراهیم بن مهزیار را از وکلا و نواب معروف دانسته که شیعیان امامیه در نیابت او و پدرش اختلافی ندارند .

صدوق نیز او را جزء وکلای منصوب از ناحیه امام زمان (ع) دانسته و در توقیعی که در شأن او وارد شده چنین آمده است . ما تو را به جای پدرت منصوب کردیم ، پس خدا را سپاسگزار

باش (1)

بنا به روایت کلینی و مفید ، وی چند روز بعد ، نامه ای مبنی بر جانشینی پدرش در اهواز دریافت کرد (2)

1 . غیبه طوس ص 220 .

2 . آخرین امید داود الهامی ، ص 161 .

محمد بن احمد قطان

وی از وکیلان نایب دوم - محمد بن عثمان - در بغداد بود که به ملاقات امام زمان (ع) نایل آمد (1)

1 . کمال الدین ص 442 .

محمد بن ادریس

ازکسانی است که شاهد تولد حضرت مهدی (ع) بوده است .

می گوید : حجت خدا را پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) دیدم و بر سر و صورتش بوسه زدم (1)

1 . ارشاد مفید ص 330غیبه طوسی ، ص162 اصول کافی ، ج1 ص331 .

محمد بن ایوب بن نوح

ازکسانی است که حضرت مهدی (ع) را ملاقات کرده است .

او و معاویه بن حکیم ومحمد بن عثمان عمری می گویند : ما چهل نفر از شیعیان در محضر امام حسن عسکری (ع) گرد آمده بودیم که فرزند بزرگوارش حضرت مهدی (ع) را بر ما عرضه کرد و فرمود : این بعد از من ، امام شما و جانشین من در میان تان است از او فرمان ببرید ودر دین تان اختلاف نکنید که هلاک می شوید . سپس فرمود : شما دیگر او را نخواهید دید (1) .

1 . بحارالانوار ج52 ص 26 .

محمد بن بشیر

ازاهالی کوفه ، از موالی بنی اسد و از اصحاب امام کاظم (ع) بود .

وی از غلاه و مبتدعین بود و مدعی بود که پس از امام موسی بن جعفر (ع) ، خود امام است و می گفت : امام کاظم (ع) زنده است و او همان امام قائم است .

پیروانی داشت و در شعبده و اعمال خارق العاده ، مهارت داشت (1)

1 . معارف ومعاریف ج9 ص161 .

محمد بن جعفر اسدی

ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی یکی از وکلای حضرت در منطقه ری بود .

از زمان نواب امام زمان (ع) عده ای از مردم موثق بودند که از طرف نواب توقیعاتی برای آن ها می رسید یکی از آن ها ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی بود (1)

صالح بن ابی صالح می گوید : در سال 290 هجری عده ای از من خواستند که چیزی را به عنوان مال امام از آن ها بپذیرم ولی نپذیرفتم نامه ای نوشتم وکسب تکلیف کردم . جوابی برای من آمد که : محمد بن جعفر اسدی در ری است ، مال به او تحویل داده شود که او از موثقین ما است .

اسدی در ماه ربیع الثانی سال 312 در حالی که مردم او را به عدالت می شناختند ، بدون تغییر عقیده به جهان باقی شتافت (2) .

توقیعی از ناحیه مقدسه به وسیله محمد بن عثمان به دست وی رسیده که مشتمل بر پاسخ های حضرت به سؤالات محمد بن جعفر اسدی است (3) .

توقیع

دیگری از ناحیه امام زمان) ع (خطاب به محمد بن جعفر اسدی توسط محمد بن عثمان صادر شده است ، بدون این که از حضرت سؤالی بکنند و نامه ای خدمت حضرت بفرستند ، حضرت خود ش مبادرت بهارسال این توقیع نموده و در آن کسانی که اموال امام زمان (ع) را برای خود حلال دانسته و به ناحق آن را می خورند ملعون می شمارد (4)

1 . غیبه طوسی ص 415 .

2 . همان

3 . کمال الدین ج 2 ص 520 .

محمد بن حسن صیرفی

وی در بلخ ، رابط بین مردم و حسین بن روح بود (1)

1 . تاریخ سیاس غیبت امام دوازدهم (ع) ص 981 .

محمد بن شاذان بن نعیم

محمد بن شاذان بن نعیم از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بوده و بعد از وفات حضرت ، وی از وکلای حضرت مهدی (ع) از منطقه نیشابور به شمار می رفت . (1)

به او شاذانی و یا نیشابوری نیز می گویند .

امام زمان (ع) در توقیع خود به اسحاق بن یعقوب ، ایشان را مردی از دوستان ما اهل بیت معرفی کرده است (2) .

1 . کمال الد ین ج 2 ص 442 .

2 . کمال الد ین ج 2 ، ص 483 بحارالانوار ج53 ص 801 .

محمد بن عبدالله محض

با گذشت سال ها از انقلاب زید ، فرزند امام سجاد (ع) محمد ، فرزند عبدالله که به محمد بن عبدالله محض معروف گردید ، دیده به جهان گشود او از نواده های حضرت مجتبی (ع) بود .

به همین جهت فرصت طلبان و عناصر زورپرست ، با استفاده از فرصت ، او را مهدی موعود لقب دادند و روایت ساختگی المهدی . . . واسم ابیه اسم ابی . . . را بر او تطبیق کردند . با این که می دیدند این روایت با صدها روایت مسلم و قطعی مخالف است که حضرت مهدی (ع) را ، فرزند حضرت عسکری (ع) دوازدهمین جانشین پیامبر (ص) و نهمین امام از نسل حسین (ع) معرفی می کند . (1)

اما فرصت طلبان با وانهادن همه روایات پیامبر (ص) به این روایت جعلی چنک انداختند و آن

را به محمد بن عبدالله محض تطبیق دادند و آن گاه او را نفس زکیه نامیدند و برخی از مردم نیز با او دست بیعت فشردند .

پدر او نیز با پسرش به عنوان بیعت با مهدی نجات بخش دست بیعت داد . نیز ازکسانی که با او دست بیعت فشرد منصور دوانیقی بود که پس از تشکیل حکومت عباسی ، بیعت خویش را نقض کرد و پایه های مهدویت محمد بن عبدالله نیز فرو ریخت . (2)

1 . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج 1 ص 168 .

2 . امام مهدی (ع) از ولاد ت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص 570 .

محمد بن عثمان

دومین نائب از نواب اربعه امام زمان (ع) و فرزند نائب اول- عثمان بن سعید- است .

در زمان حیات پدرش از طرف امام حسن عسکری (ع) به نیابت امام غائب معرفی شده بود و " عثمان بن سعید " به هنگام مرگ خود ، امر نیابت را به دستور امام زمان (ع) به فرزند خود محمد سپرد شیعیان به عدالت ، وثاقت و امانت داری او اتفاق نظر داشتند .

توقیعات حضرت در امور مهم دینی ، در طول زندگانی او با همان خطَی که در زمان پدرش عثمان بن سعید صادر می شد ، به دست او صادر می گشت و به شیعیان می رسید . شیعیان جز او کسی را به نیابت نمی شناختند و علائم وکراماتی هم از او نقل شده است (1

.)

او بیشترین مدت نیابت را در میان نواب اربعه به خود اختصاص داد و حدود چهل سال به عنوان نایب و رابط بین امام و شیعیان بود . لذا توفیق یافت مشکلات و مسائل فقهی ، کلامی ، اجتماعی و بیشتری را از محضر مبارک امام زمان (ع) استفسار نماید و در اختیار عموم مردم قرار دهد . کنیه او ابو جعفراست و چندین لقب برای او ذکر شده است : عَمری ، اسَدی و کوفی .

امام حسن عسکری (ع) فرمودند : عَمری- عثمان بن سعید - و پسرش- محمد بن عثمان- هر دو موثق و مورد اطمینان هستند ، هر چه آن ها به تو برسانند از طرف ما می رسانند (2) پس از وفات نایب اول نخستین کسی که مورد خطاب ولی عصر (ع) قرار می گیرد ، محمد بن عثمان ، پسر اوست . امام زمان (ع) مرگ پدر را بر او تسلیت می گوید و در آن نامه اشارتی به شخصیت محمد بن عثمان و تصریح به نیابت او شده است . (3)

در زمان نایب دوم حدود 265-305 کسانی پیدا شدند که از فرصت غیبت امام زمان (ع) سوء استفاده کرده و خود را به عنوان نایب امام (ع) معرفی کنند تا بدین وسیله شهرت و منصبی اجتماعی کسب نموده و اموال سرازیر شده از سوی شیعیان به سوی امام را بدون مجوزشرعی تصرف نمایند .

لذا یکی از وظایف محمد بن عثمان ، تکذیب مدعیان دروغین و رسوا کردن آنان

و اثبات نیابت خود وفراهم آوردن اطمینان و اعتماد شیعیان به سوی خویش بود . یکی از دلیل های مشهود و راه های عملی بر صحَت نیابت و وساطت خویش از طرف امام غائب ، خبر دادن از امور غیبی وپنهانی با عنایت امام زمان (ع) به وسیله توقیعات و طرق دیگر بود .

محمد بن عثمان به جهت طولانی بودن دوره نیابت اش فرصت بیان بعضی از حقایق راجع

به امام زمان (ع) از تولد تا غیبت را داشته است . لذا در زمینه های مختلف درباره امام زمان (ع) و درباره موضوعات دیگر ، از ایشان روایت نقل شده است .

احادیثی که از ایشان نقل شده نشان می دهد که وی مکرراً امام زمان (ع) را حتی از دوران کودکی آن حضرت دیده و در دوران امامتش با او ملاقات هایی داشته است . راوی می گوید : محمد بن عثمان ، قبری را برای خود حفر کرد و آن را با چند قطعه تخته آماده ساخت وقتی علت آن را پرسیدم ، گفت : برای مردن اسبابی هست بعد از آن نیز از وی پرسیدم ، گفت : مأمور شده ام که خود را جمع وجورکنم . سپس دو ماه بعد وفات یافت (4) .

ابو جعفر محمد بن عثمان در سال305 ه . ق در آخر ماه جمادی الاولی وفات کرده است . قبر او درکنار قبر مادرش ، بر سر راه کوفه و در محلی که خانه اش آن جا بود واقع است (5) .

این محل در

سمت غربی بغداد می باشد (6) .

1 . غیبه طوسی ، ص 362 .

2 . غیبه طوسی ، ص 360 .

3 . غیبه طوسی ، ص361 کمال الدین ج 2 ، ص15 .

4 . بحا رالانوار ، ج 51 ، ص 351 کمال الدین ج2 ص 502 .

5 . غیبه طوسی ص 366 سفینه البحار ، ج 7 ص 1 1 2 .

6 . تار یخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ص 183 .

محمد بن علی بن بلال

از مدعیان دروغین نیابت در عصر نیابت محمد بن عثمان بوده است ابو طاهر محمد بن علی بن بلال ، معروف به بلالی ، یکی دیگر از مخالفین نیابت محمد بن عثمان بود که اموال امام (ع) را تصرف نموده و از دادن آن به نایب دوم امتناع می کرد و ادعای وکالت از طرف امام زمان (ع) را داشت . (1)

وی قبل از انحرافش ، با امام دهم و یازدهم (ع) رابطه نزدیکی داشت و یکی از وکلای مهم به شمار می رفت و لذا علمای رجال ، تمجیدهای بسیاری از وی نموده اند که همه اش مربوط به قبل از انحراف او می باشد .

امام حسن عسکری (ع) دوبار فرزند خویش ، امام زمان (ع) را به او خبر داده است . این حدیث توسط خود ایشان ، در اصول کافی چنین آمده آست که : محمد بن علی بن بلال می گوید : از جانب امام حسن عسکری (ع) و سال پیش از

وفاتش ، پیامی به من رسید که از جانشین پس از خود به من خبر داد . بار دیگرسه روز پیش از وفاتش پیامی به من رسید و از جانشین بعد ازخود به من خبر داد . (2)

شیخ طوسی می گوید : ماجرای او با محمد بن عثمان ، که با ادعای نیابت حضرت ، اموالی را ضبط ، و از تسلیم آن به وی خودداری نمود و ادعا کرد که از طرف امام زمان (ع) در اخذ آن ها وکالت دارد ، و دوری شیعیان از وی و لعن او- که از ناحیه مقدسه توقیع مبنی بر لعنت وی بیرون آمد- معروف است . (3)

طبق روایت شیخ طوسی ، محمد بن عثمان ملاقاتی سری میان امام دوازدهم و بلالی ترتیب داده بود تا به وی ثابت شود که او از جانب امام عمل می کند . ابو جعفر محمد بن عثمان او را به منزلی در جای نامعلوم برد و در آن جاگفته می شود ، امام را ملاقات کردند .

امام به بلالی دستور داد وجوهات را تسلیم ابوجعفرکند (4)

ابوجعفر پس از ترتیب ملاقات بلا فاصله به منزل بلالی رفت و در آن جا هواداران بلالی جمع شده بودند . ابو جعفر از بلالی پرسید : ای ابوطاهر از تو می پرسم ، تو را به خدا ، آیا صاحب الزمان (ع) به تو دستور نداد وجوهات را که نزد توست به من رد کنی؟ بلالی پاسخ داد : آری . سپس ابوجعفر منزل را ترک کرد (5)

1 . غیبه طوسی ، ص400 .

2 . اصول کافی ج1 ص 328 کمال الدین ص 499 .

3 . غیبه طوسی ، ص 400 بحارالانوار ج 51 ص 269 .

4 . غیبه طوسی ص 246 .

5 . همان .

محمد بن فضل موصلی

از منکران نیابت حسین بن روحاست که در سال 307 ه . ق منکر نیابت ایشان شد ، ولی با راهنمایی های حسن بن علی و جناء و مشاهده بعضی امور ازحسین بن روح از افکار خویش برگشت . نزد او رفت ، در حالی که مرتب گریه می کرد . گفت : سرورم مرا ببخشید . حسین بن روح گفت : ان شاءالله خداوند تو را می بخشد (1)

1 . غیبه طوسی ، ص 315 اثباه الهداه ، ج 3 ص 692 .

محمد بن نصیر نمیری

در دوران محمد بن عثمان ، به دروغ ادعای نیابت کرد .

ابو العباس بن نوح می نویسد : ابو نصر هبه الله بن محمد به من خبر داد که محمد بن نصیر نمیری ، از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود .

چون آن حضرت وفات یافت ، مدعی منصب محمد بن عثمان شد وگفت : نایب امام زمان (ع) من هستم ، امَا خداوند او را رسوا گردانید زیرا الحاد و نادانی وی آشکار گردید . محمد بن عثمان هم او را لعنت کرد و از وی دوری نمود و خود را از او پنهان نگاه داشت . نمیری پس از شریعی به دروغ ادعای نیابت کرد . (1)

وی عقاید کفرآمیز و الحادی داشت و سعی می نمود آن را میان عامه مردم منتشر سازد . سعد بن عبدالله اشعری می گوید : محمد بن نصیر نمیری مدَعی بود که پیغمبر است و امام هادی (ع) او را مبعوث کرده است و عقیده به تناسخ داشت

.

وی معتقد به خدایی امام هادی (ع) بود . ازدواج با محارم را جایز می دانست و عمل لواط را حلال کرده بود . نمیری این را موجب تواضع و فروتنی مفعول و لذت وکامرانی فاعل می دانست و می گفت : خدا هیچ یک از این ها را بر بندگانش حرام نکرده است . (2)

فرقه نمیریه منسوب به محمد بن نصیر نمیری است . " نمیریه " فرقه ای از قائلین به امامت امام هادی (ع) در زمان حیات او بودند و بعدا منحرف شدند و قائل به نبوت محمد بن نصیری نمیری شدند و ادعا کردند که محمد بن نصیر را امام هادی (ع) مبعوث کرده است . (3)

چون نمیری جزء شیعیان نبود ، ادعاهای وی نه موقعیت محمد بن عثمان را تضعیف کرد و نه هیچ یک از پیروانش را به جانب خود کشانید . از این رو نفوذ وی عمدتا به غلات محدود می شد (4)

1 . غیبه طوسی ص 398 .

2 . غیبه طوس ص 398 فرق الشیعه ص 103 .

3 . فرق الشیعه ، ص 102 .

4 . آخرین امید داود الهامی ص125 .

محمدبن نفیس

وکیل حسین بن روح- نائب سوم- در اهواز بود .

اولین توقیع امام زمان (ع) در دوره حسین بن روح به دست ایشان منتشرشد .

حسین بن روح نخستین بخشنامه را به محمد بن نفیس ، وکیل اهواز در پنجم شوال 305 صادرکرد و در آن او را به سِمَت خود ابقاء نمود

(1)

1 . آخرین امید داود الهامی ص125 .

محمدحنفیه

نخستین کسی است که در اسلام ، مهدی موعود نامیده شد .

محمد حنفیه فرزند برومند امیر مؤمنان علی (ع) و مورد توجه خاص آن حضرت بود . شهرتش به حنفیه از این جهت است که مادرش خوله از قبیله بنی حنیفه بود . امیر مؤمنان (ع) او را آزاد کرد ، سپس به حباله نکاح . (1)

حود در آورد . حضرت علی (ع) به این فرزند ارزشمند علاقه ای وافر داشت و درباره او سخنان تحسین آمیزی فرموده از جمله تعبیر مشهور آن حضرت است که فرمود ، محمدها اجازه نمی دهند که به خدا نافرمانی شود . راوی پرسید : محمدها کیانند؟ فرمود : محمد بن جعفر ، محمد بن ابی بکر ، محمد بن ابی حذیفه و محمد بن امیر المؤمنین (2)

در جنگ جمل محمد حنفیه موقعیت بسیار ممتازی داشت . پرچم پیروزی در دست او بود ، با شجاعت وصلابت کم نظیری ، دشمن را به عقب راند ، صف ها را شکست و امتحان نیکویی داد . در همین جنگ بود که از محمد حنفیه پرسیدند : چگونه است که در شرایط سخت و هولناک ، پدرت ترا درکام خطر می اندازد و هرگز برادرانت حسن و حسین را در این مواقع به میدان نمی فرستد محمد حنفیه با تعبیر بسیار ظریفی بیان داشت : حسن و حسین ، دیدگان پر فروغ پدر هستند و من بازوی پرزور او می باشم . پدرم با دست خود

از دیدگانش محافظت می کند . (3)

روی این بیان ، تردید نمی ماند در این که محمد حنفیه دقیقاً بر تمام برادرانش واقف بود وکسی نبود که به ناحق ، دعوی امامت کند . پس از شهادت امام حسین (ع) گروهی به امامت اوگرویدند و بیش از همه مختار بر محوریت او تکیه می کرد و از مردم به نام او بیعت می گرفت . ولی محمد حنفیه از کار او راضی نبود و هرگز بر این کار صحه نگذاشت .

هنگامی که " ابو خالد کابلی " از جناب محمد حنفیه پرسید : آیا امام واجب الطاعه شما هستید؟ به صراحت تمام فرمود : امام بر من ، بر تو و بر همه مسلمانان علی بن الحسین است (4) آن گاه برای این که امر امامت بر همگان روشن شود ، با حضرت علی بن الحسین به گفت وگو نشست . حجرالاسود را حکم قرار دادند ، حجرالاسود به امامت حضرت سجاد (ع) شهادت داد ، او نیز تسلیم شد . (5)

متانت درگفتار ، اعتدال در رفتار و سلوک درکردار ، به ضمیمه دانش سرشار ، عقل پربار و دیگر محاسن اخلاقی ، موجب شد که دل ها از محبت او پر شود و همگان حسن اعتقاد به او داشته باشند و همین موجب شد که مختار خود را به او منتسب کند ، تا بتواند دلها را به سنوی خود جلب کند .

ولی هنگامی که او از دسیسه مختار آگاه شد ، از وی تبری جست .

جناب محمد حنفیه

در محرم سال81 ق در65 سالگی و در مدینه طیبه دیده از جهان فرو بست و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد . در مورد درگذشت او چند قول است : مدینه ، طائف ، ایله بین مکه و مدینه وقولی هم می گوید : درگذشت او در رضوی و دفن در بقیع است . فرقه کیسانیه ، به امامت او معتقد بودند و او را پس از امیرمؤمنان ، امام حسن و امام حسین (ع) ، چهارمین امام می پنداشتند . اکثریت قاطع کیسانیه معتقدند که او نمرده است؟ بلکه درکوه رضوی مخفی شده و پس از یک دوران استتار ، سرانجام ظهورکرده و جهان را پر از عدل و داد می کند . آن ها معتقدند که محمد حنفیه همان مهدی موعود است و از مکه ظهور خواهدکرد (6)

1 . غیبه طوس ص 398 فرق الشیعه ص 103 .

2 . فرق الشیعه ، ص 102 .

3 . وفیات الاعیان ابن خلکان ، ج4 ص 172 .

4 . مناقب آل ابی طالب ، ابن شهر آشوب ، ج 4 ص 121 .

5 . کافی ، ج 1 ص 384غیبه طوسی ، ص 18 .

6 . با دعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ص83 .

خواب مخزومی

مخزومی ، مردی از قبیله مخزوم است .

در حدیثی از امام صادق (ع) که از اجتماع یاران حضرت مهدی (ع) سخن می گوید ، آمده است : وقتی حضرت با یارانش در مکه گرد می آیند ، در کوچه

های مکه به راه می افتند ، تا برای خود محل اقامتی پیداکنند . مردم مکه افراد ناشناسی را در میان خود می بینند و می گویند : تا به امروز آن ها را در این شهر ندیده ایم به ناگاه مرد مخزومی وارد می شود و می گوید : من خوابی دیده ام که بسیار پریشان و نگران هستم .

مردم می گویند : بیا بر نزد فلان ثقیفی برویم . چون به پیش او می روند ، مرد مخزونی چنین می گوید ابری را دیدم که از اعماق آسمان ظاهر شد و به تدریج پایین آمد تا به نزدیکی کعبه رسید و آنگاه دورکعبه طواف نمود . در این ابر ، ملخ های فراوانی با بال های سبز بود که تا مدتی بس دراز ، دور خانه خدا طواف می کردند . آنگاه به چپ و راست پراکنده شدند ، به هیپج آبادی نمی رسیدند جز این که به خاکستر می نشاندند . به هیچ قلعه ای نمی رسیدند جز این که ویران می کردند . سپس از خواب بیدار شدم و چون بید لرزیدم و تاکنون هم در ترس و وحشت هستم . مرد ثقیفی می گوید : امشب لشکری از لشکرهای الهی بر شهر شما وارد شده ، که شما را یارای مقاومت در برابر آنها نیست . مردم مکه از شنیدن این حرف پریشان می شوند و می گویند چیز عجیبی به وجود آمده است .

در بامداد چنین شبی بیعت مبارک انجام می پذیرد و مردم مکه نیز بیعت کرده و به سپاه حق ملحق می شوند و خواب

مخزومی و تعبیر ثقیفی تحقق می یابد (1) .

1 . روزگار رهایی ج 1 ص433 .

مستنصر

فردی است که به همراه مهدی (ع) هنگامی که سفیانی به فرمانده سپاه کوفه می نویسد که به سوی حجاز حرکت کند .

از مدینه می گریزند و به سوی مکه عزیمت می کنند وپیش از آن که فرمانده سپاه سفیانی به آن ها برسد ، آن ها وارد حرم امن الهی می شوند (1)

احتمالاً منظور از " مستنصر " نفس زکیه است که در آخرین سخنرانی خود مردم را به یاری آل محمد (ع) فرا می خواند و به همین سبب " مستنصر " نامیده می شود . (2)

1 . بشاره الاسلام ص 39 .

2 . روزگار رهایی 2 ص1073 .

مسیح

به معنای زیباروی و " متبرک آفریده " است .

لقب حضرت عیسی (ع) است : انما المسیح عیسی کن مریم رسول الله (1) .

سیحا ، نام یا لقب حضرت عیسی (ع) است . الف در زبان فارسی ، علامت تعظیم است چنان که در صدرا . و مسیحی کسی است که بر دین عیسی مسیح باشد .

در روایات متعددی آمده است که هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) ، مسیح از آسمان فرود می آید (2)

1 . سوره نساء 171 .

2 . یوم الخلاص ص 344 .

مفید

" محمد بن نعمان عکبری " معروف به شیخ مفید ، از بزرگان فقهای شیعه در سده های چهارم و پنجم هجری است (1)

در سال 336 ه ق دیده به جهان گشود . در بغداد به کسب دانش پرداخت و پس از مدتی از محضر بزرگانی چون : شیخ صدوق ، محمد بن جنید اسکافی ، ابو علی صولی ، ابوغالب رازی ، ابن قولویه قمی و . . . بهره گرفت . (2)

با استعداد فوق العاده ای که داشت ، خیلی زود به مقام های عالی علمی نائل شد .

درکرخ بغداد ، کرسی درس پایه گذاری کرد و شاگردانی چون : سید مرتضی علم الهدی ، سید رضی ، نجاشی ، شیخ طوسی ، ابن حمزه و . . . را پرورش داد ، (3) که بعدها هرکدام ، از ناموران بزرگ جهان اسلام شدند .

شیخ مفید در سال 413 ه ق

در بغداد دیده از جهان فرو بست و شاگرد برجسته اش سید مرتضی بر او نمازگزارد و در منزلش دفن گردید . از وی آثار ارزشمندی به جای مانده که نجاشی هفتاد و هشت اثر نام می برد . (4)

این دانشمند برجسته ، توفیق نصیبش شد و حضرت ولی عصر (ع) نامه های متعددی برایش نوشت . به ویژه در سال های آخر زندگی اش ، هر سال نامه ای از حضرت دریافت می کرد .

نخستین نامه مبارک را در ماه صفر 410 هجری دریافت کرد . حضرت در این نامه ، شیخ مفیدرا " اخ السدید " خطاب می کند (5)

واژه " سداد " ، شایسته کسی است که درگفتار و عملکرد به راه صواب و استواری گام سپرده و خطا نرفته است . (6) در همین نامه است که حضرت فرموده : ما از رسیدگی به امور شما کوتاهی نکرده و شما را از یاد نبرده ایم . نامه دیگری از حضرت در روز پنجشنبه 23 ذی الحجه سال 412 هجری به شیخ مفید رسیده ، که در آغاز ماه شوال نوشته شده است (7) در فرازهای آخرین این نامه ، حضرت مهدی (ع) به شیخ مفید دستور می دهد که نامه را از همه مردم پنهان کند و آن را جزو اسرار بداند ، تا هیچ کسی بر خط امام وکاتب او- به خاطر اسرار و رموز حکمت هایی- آگاهی نیابد . و نیز دستور می دهد که از آن نامه مبارک ، نسخه ای بردارد و

تنها هر آن که شیخ مفید به امانت داری او ، در مورد اسرار شیعیان اعتماد و اطمینان دارد ، بر آن آگاهی یابد . از این رو ، شاید امام (ع) چنین مصلحت دید که این امر از غیر شیعیان و از استبداد حاکم پوشیده بماند . (8)

1 . رجال نجاشی ص 402 .

2 . اعیان الشیعه ج 9 ص421 .

3 . تنقیح المقال ، ج 3 ، ص 18 .

4 . چشم به راه مهدی ، جمعی از نویسندگان مجله حوزه ص 449 .

5 . احتجاج طبرسی ج 2 ، ص 497 بحارالانوار ، ج53 ص 175 .

6 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص 360 .

7 . بحارالانوارج53 ص176 .

8 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهورسید محمد کاظم قزینی ص 400 .

مقداد

هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، بیست و هفت نفر را زنده می گرداند که یکی از آنان مقداد است . (1)

مقداد از یاران پیامبر (ص) و علی (ع) است . در بزرگی شا ن او همین بس که طبق یکی از روایات ، خداوند به سبب هفت نفر- که یکی از آنان مقداد است- به شما رزق و روزی می دهد و به شما یاری می رساند و باران می فرستد .

او در موضوع خلافت و امامت امیرالمؤمنین (ع) ، پافشاری داشت وکوشش فراوان کرد . پیامبر (ص)

در باره او فرمود : خداوند مرا فرمان داد تا چهار تن را دوست بدارم : علی (ع) ، مقداد ، ابوذر و سلمان .

در روایت دیگری آمده است : بهشت ، مشتاق مقداد است . (2)

1 . چشم اندازی به حکومت مهدی عج , نجم الدین طبسی ص 171 .

2 . معجم رجال الحدیث ج8 ص 314 .

مقدس اردبیلی

احمد بن محمد ، معروف به مقدس اردبیلی از علمای بزرگ و ثقات فقهای شیعه است و شخصیتی است که به زهد و ورع و امانت و دیانت ضرب المثل بوده و مجلسی او را در شمار کسانی که به ملاقات امام عصر (ع) نائل آمد ه اند ، آورده است .

از سید نعمت الله جزایری که از شاگردان او بوده ، نقل شده که مقدس اردبیلی در سال های قحطی ، خوراک خود را میان بینوایان پخش می کرد و برای خود بخشی ، چون آنان می گذاشت .

در یکی از سال ها که چنین کرد همسرش بر وی خشم نمود وگفت : فرزندان ما را در چنین سالی فرو می گذاری ، تا دست به سوی مردم درازکنند مقدس زن را ترک گفت و به قصد اعتکاف ، به سوی مسجد کوفه رهسپار شد .

روز دوم ، مردی بارهای گندم و آردی پاکیزه به خانه آورد وگفت : صاحب خانه که در مسجد معتکف است فرستاده . پس از آن که مقدس اردبیلی به خانه بازگشت ، همسرش به وی گفت : آردی که با آن عرب فرستادی ، آردی نیکو

است . مقدس اردبیلی خدای را شکرکرد و از سرَ آن امر ، بی خبر بود .

در حالات او آمده است که هرگاه هنگام زیارت مخصوصه به کربلا می رفت ، نماز را جمع می خواند و می گفت : زیارت ، سنت است و تحصیل علم ، فریضه می ترسم که سنت چون با فریضه مزاحمت کند ، مورد نهی باشد و سفر ، سفر معصیت از این روتمام را هم می خوانم . مقدس اردبیلی ، علوم معقول و منقول را نزد بعضی از شاگردان شهید ثانی در نجف اشرف خوانده و مرحوم صاحب مدارک از شاگردان او است . وی در عصر شاه طهماسب و شاه عباس اول صفوی و شیخ بهایی می زیسته و میان او و شاه عباس مکاتباتی بود . او در سال 993 در نجف اشرف وفات کرد . (1)

آثار و نوشته هایی که از مقدس اردبیلی به جای ماند . به زبان های عربی و فارسی در رشته های علوم اسلامی همچون کلام ، فقه ، مناقب اهل بیت و عقاید می باشد . برخی آثار او : استیناس المعنویه ، بحر المناقب ، حاشیه بر شرح تجرید ، حدیقه الشیعه ، الخراجیه ، زبده البیان فی آیات الاحکام ، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ، مناسک حج و . . . است . (2)

تشرفات ایشان در کتاب " عبقری الحسان " آمده است . مرحوم علامه مجلسی ازگروهی و آنان نیز از سید بزرگوار ، جناب میرعلام آورده اند که : شبی در ساعت های آخر

شب درصحن مطهَر امیرمؤمنان (ع) بودم ، دیدم که در خلوت شب ، مردی به سوی مرقد منوَر در حرکت است . به او نزدیک شدم . دیدم عالم پروا پیشه مقدس اردبیلی است . خود را به او نشان ندادم و به طور مخفیانه او را دنبال کردم . او به درب حرم مطهرکه بسته بود رسید ، اما با رسیدن او به طور شگفت انگیزی درب گشوده شد و وارد حرم گردید . گوش دادم دیدم گوی با کسی به گفتگو پرداخته است و آنگا ه از حرم خارج گردید و پس از خروج او درب ها به صورت نخست بسته شد . مقدس اردبیلی به سوی مسجد کوفه حرکت کرد و من نیز به طوری که او مرا نبیند ، ازپی او روان شدم . او وارد مسجد و به سوی محرابی که شهادتگاه امیرمؤمنان (ع) بود راه افتاد . خود را به محراب رسانید و مدتی در آن جا درنگ کرد . سپس به سوی نجف بازگشت و من نیز به دنبال او سایه به سایه آمدم . در میانه راه به من سرفه دست داد و آن جناب به حضور من توجَه یافت و فرمود : میر علا م تو هستی پاسخ دادم آری گفت : این جا چه می کنی؟ پاسخ دادم : من از همان لحظات ورود شما به حرم مطهر امیرمؤمنان (ع) تاکنون با شما بوده ام و اینک شما را به مقام شامخ صاحب آن قبر سوگند می دهم که از آن چه از آغاز تا انجام برایتان پیش آمده

است ، مرا با خبر سازی .

گفت : اگرتعهد کنی تا زنده هستم آن را نزد خویش نگاهداری و به کسی نگویی حقیقت را به تومی گویم .

من تعهَد اخلاقی سپردم . گفت : من در برخی مسایل پیچیده علمی و فقهی می اندیشیدم . تصمیم گرفتم کنار مرقد امیر مؤمنان (ع) حاضرگردم و از آن روح بلند و ملکوتی بخواهم مشکل فقهی و علمی مرا پاسخ گوید . هنگامی که به درب حرم رسیدم ، درب ها گشوده شد . وارد شدم وبا همه وجود ، صمیمانه از خدا خواستم که سالارم ، امیر مؤمنان (ع) مرا پاسخ دهد . درست در این هنگام بود که ندایی از جانب قبر مطهر شنیدم که فرمود : امشب به مسجد کوفه برو ، سؤال خود را از قائم آل محمد (ع) بپرس ، چرا که او امام زمان توست .

به سرعت به سوی مسجدکوفه شتافتم و نزدیک محراب رفتم و از حضرت مهدی (ع) که در آن جا به نیایش نشسته بود ، مسایل خویش را پرسیدم و او پاسخ مرا باکرامت وصف ناپذیری داد و اینک به خانه خویش بازمی گردم . (3)

1 . معارف و معایف ج1 ص 604

2 . دیدار با ابرار مقدس اردبیلی سید سجاد موسوی ، ص 47 .

3 . بحارالانوار ج 52 ص 175 .

میلخاء

بر طبق روایتی از پیشوای ششم ، در آخرین رویارویی سپاه حق با قوم یهود ، دابه الارض خارج می شود و خداوند اصحاب کهف را همراه سگشان بر

می انگیزد .

دو تن از اصحاب کهف به نام های میلخاء و حملاها هستند که این دو نفر ، در شاهدی هستند که بر حضرت مهدی (ع) شهادت می دهند و سلام می گویند چنانکه خداوند تبارک و تعالی می فرهاید : انا لننصر ارسلنا والذین امنوا فی الحیوه الدنیا ویوم قوم الاشهاد ، (1)

این ها همان گواهان هستند که به حضرت قائم (ع) به اسم ، سلام می دهند (2) .

1 . سوره مؤمن ، 51 .

2 . بحارالانوار ، ج 52 ص 275 الزام الناصب ص177 و 180 .

ناجی النجار

روحانی ای است اهل کاظمین عراق و از شاگردان شهید آیت الله محمد باقر صدر و از وکلای ناحیه مقدسه مرحوم آیت الله خویی (1)

وی کتابی را با عنوان الجزیره الخضراء وقضیه مثلث برمودا نوشته که آن را آقای علی اکبر مهدی پور ، با عنوان جزیره خضراء وتحقیقی پیرامون مثلث برمودا ترجمه کرده است .

1 . بر اساس بعضی نشانه ها ، احتمالاً جزیره خضرایی که علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش به آن سفرکرده است ، همان منطقه وحشتناک مثلث برمودا ، واقع در اقیانوس اطلس است . که امروزه روزنامه ها و مجله ها از آن سخن می گویند . بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جزیره خضراء امام زمان (ع) و یاران و فرزندانش است .

و اما در جای خود درباره جزیره خضراء ، مثلث برمودا و واقعی یا ساختگی بودن این

دا ستان ، بحث کرده ایم .

1 . جزیره خضراء ، افسانه یا واقعیت طریقه دار پاورقی ص 9 .

نسیم

خادم امام حسن عسکری (ع) بود .

وی یکی ازکسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (1)

این کنیز تربیت یافته بیت رفیع حضرت عسکری (ع) می گوید : یک شب پس از ولادت حضرت مهدی (ع) بر او وارد شدم و درکنارگاهواره اش ، عطسه به من دست داد . آن کودک گرانمایه فرمود : یرحمک الله . از این موضوع ، سخت شادمان شدم که فرمود : بگویم عطسه دارای چه فوایدی است؟ گفتم : آری ، سرورم حضرت فرمودند : عطسه ، تا سه روز ، نوید بخش سلامتی و امان از مر گ کوتاه مدت است . (2)

1 . بحارالانوار ج 51 ص 5 کمال الدین ج 2 ص 104-114 .

2 . کمال الدین ج2 ص 430 غیبه طوسی ، ص 39 1 بحارالانوار ج 51 ص 5 .

نظامی گنجوی

حکیم نظامی گنجوی متوفا 614 ق از شاعران بزرگ ادب فارسی است .

در منظومه خسرو و شیرین خود به هنگام ستایش شاه مظفر قزل ارسلان ، او را مهدیِ زمانه خویش معرفی می کند .

شه مشرق که مغرب را پناه است قزل شه کافسرش بالای ماه است

چو مهدی گرچه شد مغرب وثاقش (1) گذشت از سر حد مشرق یَتاقش (2)

نگینش کرنهد یک نقش برموم خراج ازچین ستاند جزیه از روم (3)

1 . اقامتگاه خانه .

2 . پاسداری نگهبانی

3 . سیمای مهدی موعود (ع)

درآیینه شعرفارسی محمد علی مجاهدی ص 71 .

نعمانی

ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب از مشایخ حدیث امامیه در قرن چهارم هجری و مؤلف کتاب الغیبه مشهور به غیبت نعمانی است .

وی از اهالی شهر نعمانیه - یکی از آبادی های واسط - بود البته بعضی او را به نعمان مصر منسوب می دانند .

به بغداد هجرت کرد و در آن جا ، نقل حدیث را تحت سرپرستی کلینی متوفی 329 هجری و ابن عقده متوفی 333 هجری فراگرفت و سپس به سوریه رفت و در حدودسال 260 در آن جا درگذشت . مدفن او در دمشق است .

پس از رحلت امام یازدهم ، وقتی دید جوامع شیعه را هاله ای از حیرت و شگفتی فراگرفته است ، کتابی با عنوان الغیبه نوشت وکوشید تا ضرورت غیبت امام دوازدهم را با نقل احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) که غیبت آن بزرگوار را پیش بینی کرده اند ، اثبات کند . ظاهرا نعمانی پس از مسعودی ، نخستین کسی بود که تفسیر احادیث منسوب به ائمه را ازکلینی گرد آوری کرده است . (1)

وی از شیخ کلینی ، ابن عقده ، مسعودی ، ابوعلی بن همام و محمد بن عبدالله حمیری و بعضی دیگر از بزرگان ، نقل روایت کرده است . اهل فن از او به نام های نعمانی ، ابن ابی زینب و ابن زینب یاد کرده اند .

از جمله تألیفات او : تفسیرقرآن مجید ، معروف به تفسیر نعمانی ،

جامع الاخبار الرد علی الاسماعیلیه ، کتاب الفرائض ، نثراللئال (2)

1 . آخرین امید داود الهامی .

2 . معارف و معاریف ج 1 ص 223 .

نوستر آداموس

میشل دو نوسترآدام که بیشتر با نام لاتین خود ، یعنی نوستر آداموس noster-adamus شناخته شده است ، در روز چهاردهم دسامبر سال 1503 م . در ناحیه سن رمی فرانسه متولد شد .

خانواده وی ازشجره پزشکی یهودی و ایتالیایی الاصل بود . پدر بزر گ وی در شکل گیری و تربیت نوستر آداموس نقش اساسی داشته و آموزه های اشراقی مکتب کابالیست ها را مستقیماً به وی تعلیم داده است نوستر آداموس در سن 22 سالگی از دانشگاه بسیار معتبر آن روزگارفرانسه ، یعنی مون پلیه در رشته پزشکی فارغ التحصیل شد و برای نجات بیماران از بیماری مرگ سیاه یا طاعون ، بلافاصله مشغول به کار شد .

شاوینی ، پیرو و مفسر معروف نوستر آداموس می نویسد که : وی سه سال تمام بر روی نخستین اشعار وحی آمیز خود که از آینده و رویدادهای آن خبر می آورد ، کارکرد و در سال 1555م دفتری را- که در برگیرنده بیش از سیصد پیشگویی شعرگونه بود- به پسرش سزار ، هدیه کرد . سپس در سال های بعد ، مجموعه کاملی از شعرواره های نوستر آداموس در هزار قطعه ، یعنی 10 سانتوری که هر سانتوری مشتمل بر صد قطعه بود ، منتشرشد .) 1 (

نوستر آداموس پیشگویی بود که در عبارتی پیچیده و الفاظی نمادین و سمبلیک از آینده سخن می گفت ، اما بسیاری از حوادث

و اتفاقات همین یکی دو دهه ، درکنار بن بست های نظری ، دلواپسی درباره آینده و انتظار رهایی بزرگ را مبدل به دغدغه فکری بخش بزرگی از مردم جهان کرد .

چنان که امروزه تنها بیش از پنجاه پایگاه اطلاع رسانی در شبکه جهانی اینترنت ، وظیفه گفت وگو و تفسیر پیشگویی های نوستر آداموس را عهده دارند و نزدیک به یکصد و بیست پایگاه نیز ، آراه عرضه شده درباره گذشته و آینده جهان در میان ساکنان ربع مسکون را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می دهند . این همه ، حکایت از واقعه ای شگرف یا جریانی پیوسته و سازمان یافته در لایه های پنهانی سیاست ، فرهنگ و اقتصاد جهان استکبار می کند (2)

در واپسین دهه های قرن بیستم بود که رسانه های استکبار جهانی ، هجومی علیه ایده ظهور مهدی موعود (ع) بر پاکردند . در سال 1982 میلادی ، سریالی با نام نوستر آداموس به مدت سه ماه متوالی از شبکه تلویریونی آمریکا پخش شد . این فیلم سرگذشت میشل نوستر آداموس بود ، - که نزدیک به پانصد سال قبل می زیسته است- .

این سریال پیشگویی های وی را درباره آینده جهان به تصویرکشیده بود که مهم ترین آن ها ، پیشگویی وی درباره ظهور نواده پیامبر اسلام (ص) در مکه مکرمه و متحد ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپائیان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید- آمریکا- بود .

هدف از این مانور تبلیغاتی به تصویرکشیدن چهره ای خشن ، بی رحم ، ویرانگر وگرفتار جنون قدرت

از مهدی موعود نستجیر بالله و تحریک و بسیج عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن بود و درکوتاه مدت ، بسترسازی روانی برای مقابله با جنبش های اسلامی را در دستورکار خود داشت . (3)

1 . نشریه موعود ، شماره 37 ص 27 .

2 . نشریه موعود شماره 37 ص 4 .

3 . درانتطارققنوس ص 311 .

یوشع نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که درکتاب خود درباره بازگشت حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور خبر داده است . (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) ازدیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ، ص 327 .

واعظ قزوینی

ملا محمد رفیع واعظ (قزوینی) متوفای 1105 ق از غزل پردازان نازک خیال و نامدار سبک اصفهانی در زبان فارسی است او در قصیده شیدایی که در ناپایداری روزگار و بی اعتباری دنیا و منقبت سالار دین ، حضرت صاحب الامر (ع) سروده ، عظمت وجودی آن حضرت را در نهایت هنرمندی و نازک خیالی به تصویرکشیده است :

نیست در اقلیم هستی ای دل محنت قرین آن قدر شادی که کس خندد به وضع آن و این

پیش عاقل یک دل پر درد باشد گوی چرخ نزد دانا یک چرخ پر گرد پهنای زمین

چون فریدون یا سکندر یا سلیمان گر شوی کو فریدون کو سکندر کو سلیمان کو نگین

حجت حق نور مطلق ، صاحب الامر آن که او بحر زخار امامت راست موج واپسین

هستی نه آسمان ، از بهرذات پاک اوست چون وجود حلقه انگشتر از بهر نگین

نور پاکش گر فشردی بر بساط روز پای شب فسردی همچو خون مرده در زیر زمین

روز آن روز است کان خووشید تابان سر زند دولت آن دولت که او باشد شه تخت زمین

دامن عهد ظهورت کو که تا آید برون ناله ها از استخوانم همچو دست از آستین

کی شود یا رب پای دولت در رکاب چتر شاهی برسر از بال پرروح الامین

یکه تاز ظلم میدان جهان را

بسته است هست خالی جایت ای لشکر شکن در روی زین

یشوعا

پدر نرجس خاتون- مادر امام زمان (ع) و پسر قیصر روم شرقی است (1) .

1 . پیشوای دوازدهم هیات تحریریه موسسه در راه حق ص 25 .

یعقوب بن منقوش

ازگواهان ولادت امام عصر (ع) بوده است .

می گوید : به محضر امام حسن عسکری (ع) شرفیاب شدم . امام بر فراز سکَویی در صحن خانه نشسته بود و درکنار آن حضرت پرده ای آویخته بود عرض کردم : مولای من صاحب این امر - بعد از شما - کیست؟ فرمود : پرده را کنار بزن . پرده را کنار زدم ، کودکی بیرون آمد و روی زانوی پدر بزرگوارش نشست . امام خطاب به من فرمود : این- فرزندم- صاحب این امر است . آن گاه خطاب به فرزندش فرمود : تا وقت تعیین شده ، داخل خانه شو . حجت خدا وارد خانه شد . آن گاه امام خطاب به من فرمود : ای یعقوب نگاه کن ، ببین چه کسی در خانه هست؟ وارد خانه شدم وکسی را در آن جا نیافتم (1)

امام حسن عسکری (ع) این گونه شیعیان را به غیبت حضرت بقیه الله تمرین می دهد تا با آن انس بگیرند .

یعقوب بن یوسف

یعقوب بن یوسف ضراب از جمله کسانی است که از تولد امام مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (1)

1 . ارشاد مفیدص 330 بحارالانوار ج 51 ص5 .

1 . کشف الغمه ، ج 3 ، ص 317 منتخب الاثرص 356 بحارالانوار ج 52 ، ص 25 .

یوشع بن نون

وصیَ حضرت موسی (ع) بود که در پاره ای از روایات ، از وی به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده است (1)

1 . تفسیرعیا شی ج 2 ص 32 بحارالانوار ج52 ص346 .

یوئیل نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که درکتاب خود ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) ، نزول حضرت عیسی (ع) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز را آورده است (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 327 .

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است (1)

درباره انقلاب وقیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است . امام صادق (ع) فرمودند : روج این سه تن ، خراسانی ، سفیانی ویمنی در یک سال ویک ماه ویک روز اتفاق می افتد ودرفش یمنی از همه هدایت کننده تر است ، زیراکه دعوت به حق می کند (2)

روایات می گوید : یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود . نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند واز روایات چنین ظاهر می شود که نقش نیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است ، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شود که طرف درگیر با سفیانی ، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی وشعیب هستند ، وگویا یمنی ها پس از یاری رساندنِ به آنان به یمن باز می گردند . اما در منطقه خلیج ، علاوه بر حجاز یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت ، گر چه روایات ، آن را خاطر نشان نساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور وجغرافیای منطقه ، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز وکشورهای

حوزه خلیج در دست نیروهای یمن ، پیرو حضرت مهدی (ع) قرا ر گیرد .

اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد . در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند . (3)

احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند ، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری دارد به این دلیل است که مستقیما از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد .

همچنین یمنی به دیدار حضرتش نائل می شود وکسب شناخت ورهنمود می کند . مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن ، یعنی شخص یمنی را می ستاید وبا این عبارات توصیف می نماید : به سوی حق هدایت می کند و شما را به سوی صاحبتان می خواند واین که برای هیچ مسلمانی سرپیچی از آن جایز نیست وکسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود ، اما انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن ، ستایش از عموم گردیده است . (4)

1 . منتخب الاثرص 452 .

2 . بحا رالانوار ج 52 ص 210 .

3 . بحارالانوار ج 52 ص

. 210

4 . عصر ظهور کورانی ص 161 .

یمانی

شخصی است که در آخر الزمان خروج می کند .

در اخبار آخرالزمان و علائم ظهور حضرت مهدی (ع) مکرر از آن نام برده شده است و در روایت منقول از امام باقر (ع) خطاب به شیعه چنین آمده که : سفیانی و خراسانی و یمانی همزمان خروج می کنند و پرچم او در میان پرچم هایی باشد که در آن زمان برافراشته می گرد . وی بیش از همه به راه حق هدایت می کند ، زیرا وی به یار شمابقیه الله دعوت می نماید و چون خروج کند ، بر هر مسلمانی است که به وی بپیوندد و برکسی جائز نباشد ، از فرمان او سر بتابد و هرکس از اطاعت وی سرپیچی کند ، اهل دوزخ است چه او مردم را به راه حق و صراط مستقیم می خواند (1) .

در بخش نشانه های ظهور ، خروج یمانی از روشن ترین علائم است که بیش از چهارده ماه فاصله با ظهور آن حضرت نخواهد داشت (2) .

ودر حدیثی آمده است : یمانی از شیعیان امیرالمؤمنین (ع) است (3) .

1 . سفینه البحار به نقل از معارف و معاریف ج10 ص 617 .

2 . روزگار رهایی ج2 .

3 . غیبه نعمانی ص 631 بحارالانوار ج52 ص 75 .

1 . عصرظهور ، علی کورانی ، ص 171 .

1 . کمال الدین ج 1 ص 305 غیبه طوسی ص 92 غیبه نعمانی ص62 اختصاص مفید

ص 210 .

غیبت

آثار وجودی امام در عصر غیبت

فایده امام غایب

وجود امام ، هدف اصلی نظام خلقت و رابطه میان عالم مادی و عالم ربوبی است .

امام سجاد (ع) می فرماید : ما امان اهل زمین هستیم ، چنان که ستارگان ، امان اهل آسمان اند . به واسطه ماست که آسمان به زمین فرود نمی آید . به واسطه ما باران رحمت حق ، نازل و برکات زمین خارج می شود . ما اگر روی زمین نبودیم ، زمین اهلش را فرو می برد (1)

بدیهی است که حضورو غیبت او در ترتب این آَثار تفاوتی ندارد . حضرت در ادامه می فرماید : تا حال هیچ وقت ، زمین ازحجَت خالی نبوده است ، ولی آن حجت ، گاهی ظاهر وگاهی غایب است راوی می گوید : گفتم : مردم چگونه ازامام غایب بهره می برند ، فرمود : همان گونه که ازخورشید پشت ابر بهره می برند (2)

فایده دیگر این است که امامی که غایب است و قراراست در آینده ظهور کند ، انتظار می آفریند ، و انتظار مایه امیدواری است . امیدواری به آینده ای روشن ، چراغ راه وازبزرگترین اسباب موفقیت و پیشرفت است این ویژگی ، مختص شیعه است که به انتظار اعتقاد دارد ، ولی در سایر فرقه ها به جهت عدم اعتقاد به چنین امری- احساس پوچی و یأس فراوان است . پس فوائد وجودی امام غایب ، پوشیده نیست ، بلکه او همانند آفتاب پشت ابر ، برای موجودات نافع و مفید است .

برای آگاهی بیشتر به فایده وجودی امام ، به

زیارت جامعه مراجعه کنید

فایده حضرت : وجود حضرت مهدی (ع) منافع بسیاری دارد که برچند گونه است :

قسم اول : منافع آن حضرت ، چه غائب باشد و چه ظاهر و آن بر دو نوع است :

1 . تمام خلایق در آن شریک هستند مانند : زندگی و بقای در جهان .

2 . افاضات علمی و عنایات ربانی که به مؤمنین اختصاص دارد مانند : واضح نمودن وقت نمازهای یومیه و .

قسم دوم : منافع زمان غیبت آن حضرت ، آن هم بر دو نوع است :

1 . مخصوص به مؤمنین است و آن بسیار است ، مانند : ثواب های بسیاری که بر انتظار زمان ظهور آن جناب مترتب است .

2 . مخصوص کافرین و منافقین است و آن مهلت دادن و تأخیر عذاب آن هاست .

قسم سوم : منافع زمان ظهور آن حضرت است و آن دو نوع است :

1 . شامل تمام موجودات می شود . مثل انتشار نور ، ظهور عدلش و امنیت راه های بلاد و ظهور برکات زمین و . . .

2 . مخصوص مؤمنین است که بر دوگونه است : الف : برای زندگان آن ها و آن بهره وری شرف حضور آن حضرت و استفاده ازنور آن جناب و فراگرفتن ازعلوم آن بزرگوار و برطرف شدن بیماری ها وگرفتاری ها و بلاهاازبدن های ایشان است . ب : برای مردگان آن ها : ازجمله خوشحالی ظهور آن حضرت در قبرهای شان ، وازجمله منافع برای اموات مؤمنین ، زنده شدن آن ها است . (

(3

1 . نجم الثاقب باب دوم .

2 . بحارالانوار ، ج52 ص ، 92 .

3 . مکیال المکارم ، ج 1ص 271 .

غیبت شانیه

با توجه به شؤون وتصرفات گوناگون امام در جهان ، به این نتیجه می رسیم که غیبت حجت خدا ، غیبت کلی نیست ؟ بلکه این غیبت ، غیبتِ جزئی است . یعنی عدم حضور در شأنی از شؤون ولایت و آن شأن ، معاشرت با مردم وهدایت مستقیم اجتماع بشری وتشکیل حکومت حق است .

امام زمان (ع) در عصر غیبت ، در همین یک شأن از شؤون ولایت و مقامات وتصرفات خویش غایب است و در دیگر شؤون ، حاضر ، نافذ و فعال است . از این واقعیت ، در ابواب معرفت به غیبت شأنیه تعبیر می کنند امام عصر (ع) در عصر غیبت ، دارای غیبت شأنیه و حضرت شؤونیه است . آن حضرت در یک شأن غائب ودر بقیه حاضر است ، زیرا که این شؤون وحضور ، در ارتباط مستقیم با بقاء وامتداد تکون کائنات است (1)

1 . خورشید مغرب ص 481 به نقل از فرهنگ موعود کریمشاهی بیدگلی ، ص 681 .

غیبت

بررسی تاریخی دوران غیبت ، فرازهایی از حیات پر فراز ونشیب تشیع را آشکار می سازد حیاتی که به ویژه در بعد علمی وفرهنگی از جایگاه ومنزلتی خاص در حیطه تاریخ اسلام برخوردار است .

دوران غیبت صغری به واسطه شرایط اجتماعی خاص پدید آمده ، از موقعیت ویژه ای برخوردار بوداوضاع فرهنگی جامعه شیعی نیز تحت تأثیر این موقعیت قرارگرفت و بر اساس عناصر تعیین کننده آن ، دستخوش تحولاتی شد . تحولاتی بنیادین که اسامی فعالیت های علمی گسترده ای را برنامه ریزی کرد و درکمتر

از یک قرن به اوج شکوفایی خود رسید وسیر پیشرفت آن تا به زمان حال با روندی گاه تند وشتابان وگاه کند و آهسته ادامه یافته است و اینک ما از دستاوردهای ارزنده آن بهره مند هستیم .

در سال 260ه امام حسن عسکری (ع) پس از دوران کوتاه شش ساله امامت در سن 27 سالگی رحلت کرد وتنها فرزند اوکه پنج سال از عمرش می گذشت از جانب خدای متعال وبا نص آن حضرت به امامت منصوب گردید اما به دلایلی امام دوازدهم (ع) از همان زمان از دیدگان پنهان شد ودوران غیبت حضرتش پس از پنج سال حضور در ایام حیات پدرش ، که تنها عده ای از خواص شیعیان موفق به دیدار وی شدند ، آغازگردید .

غیبت صغری که در سال 260ق آغازشد وپس از 69 سال در سال 329ق با درگذشت چهارمین و آخرین نائب خاص امام) ع (پایان یافت ، در واقع مقدمه و آغازی برای غیبت طولانی بود ، تا شرایط پذیرش موقعیت جدید برای مردمان فراهم گردد وشیعیان آمادگی درک دورانی را داشته باشند که در آن از حضور امام معصوم به طور مستقیم بی بهره اند .

درک این موقعیت جدید مستلزم عبور از یک مرحله واسط بود که فراهم کننده شرایط

و آمادگی مذکور باشد این مرحله میانی که با روندی تدریجی از اوایل قرن سوم هجری ودر واقع پس از شهادت امام رضا) ع (آغاز شده بود با حرکتی رو به تزاید به تدریج تا نیمه این قرن ادامه یافت .

در واقع این حرکت به طور

غیر مستقیم از زمانی آغاز شدکه هارون الرشید ، خلیفه عباسی شرایط دشواری را بر امام هفتم ، موسی بن جعفر) ع (تحمیل کرد و آن حضرت را به شدَت تحت مراقبت قرار داد وسال ها در زندان های بغداد محبوس کرد .

گر چه پس از آن ، در زمان حیات امام رضا (ع) آن سختگیری و فشارها به حداقل خود رسید ، ولی در آغاز قرن سوم هجری شرایط به گونه ای دیگر تغییر یافت معتصم خلیفه جانشین مأمون ، امام جواد (ع) را شدیداً تحت نظر قرار داد ووی را به بغداد مرکز حکومت احضارکرد ودر نهایت در سال 320ق امام را مسموم نموده وبه شهادت رسانید .

شهر سامرا که در واقع پا دگان نظامی بود و معتصم آن را تأسیس کرد ، پس از او محل حبس وتبعیدگا ه امام هادی وامام عسگری شد .

متوکل خلیفه سفاک عباسی که از وجود امام در مدینه بیمناک بود ایشان را به شهر سامرا آورده وتحت الحفظ نگاه داشت . در طی این دوران روابط مستقیم شیعیان با امامان به حداقل خود رسید . آنان در واقع امکان دسترسی به امام (ع) را نداشتند ، مگر به طور مخفیانه واز طریق مکاتبه ویا با کمک خدمتکاران ایشان ، یا در قالب فروشندگان دوره گرد یا عابران رهگذر یا . . .

وضعیت مذکور به تدریخ و به طور غیر مستقیم ، این آمادگی را در مردم پدید می آورد که در زمان عدم حضور ویا عدم دسترسی مستقیم به امام چه بایدکرد ؟ از

طرفی امامان (ع) نیز در چنین شرایطی ، ملا کهای راهیابی ومصادر مراجعه شیعیان را مشخص می کردند . نظام وکالت که از دیرباز وجود داشت در این زمان هر چه بیشترگسترش یافت .

ائمه (ع) وکیلانی از جانب خود در شهرها و بلاد مختلف تعیین می کردند که محل رجوع مردم و روابط آن ها با ایشان بودند . شیعیان در شهرهای دور ونزدیک با این وکیلان ارتباط یافته ، مسایل خود را می پرسیدند ، نیازهای خود را بیان می کردند ووجوهات شرعی را به آن ها می پرداختند تا آن ها را به ائمه (ع) ردکنند . این نظام وکالت در واقع مرحله ابتدایی نظام نیابتی بود که در دوران غیبت صغری شکل گرفت .

با این حال با آغاز دوران غیبت صغری ، وضعیت به گونه ای خاص تغییر یافت با وجود این که اولین نائب خاص امام (ع) مدت ها قبل از طرف امام عسکری (ع) به شیعیان معرفی شده بود ، ولی حیرت و سردرگمی فراوانی شیعیان را فراگرفت . راه ارتباط با امام (ع) منحصر به نائب خاص حضرت گردید وحتی وکیلان امام (ع) نیز قادر به دسترسی به امام نبودند اگر چه امکان دیدار با امام به طورکلی منتفی نبود وچه بساکسانی به دیدار حضرت نایل می شدند .

در واقع غیبت صغری برای فراهم شدن شرایط لازم جهت درک دوران غیبت کبری امری ضروری بود چرا که در طی آن مردم می آموختند که مصدر رجوع آن ها در آمور دینی ،

فقیهان وعالمان دینی هستند که مورد نیاز ومراجعه مردم اند وعلمای شیعه نیز به ضرورت این نکته پی بردند که مصادر ومراجع علمی که مورد نیاز ومراجعه مردم هستند ، بایستی به گونه ای متقن وثابت در دسترس مردم قرارگیرند .

مسأله غیبت امری نبود که به تازگی مطرح شده باشد ، بلکه در سخنان معصومین (ع) بارها به آن اشاره شده بود ومردم کمابیش با آن آشنا بودند .

در روایاتی که از نبی اکرم (ص) نقل شده بود ، حضرت ضمن بیان خصوصیات امام مهدی (ع) به مسأله غیبت حضرتش نیز اشاره کرده بود .

در یکی از این روایات پیامبر (ص) چنین فرمود : مهدی از فرزندان من است نام او نام من وکنیه اوکنیه من است وشبیه ترین مردم به من از حیث آفرینش وخلق وخوی است . او غیبت ودوران حیرتی دارد که مردمان در آن به گمراهی می افتند ، سپس همانند شهاب تندرو می آید وزمین را از عدل و داد پر می کند ، همان طورکه از ظلم وجور پر شده باشد . (1)

ائمه (ع) نیز درگفتار خود به مسأله غیبت امام مهدی (ع) و سختی ها و نابسامانی های آن دوران اشاره کرده اند و از تک تک ایشان روایاتی به این مضامین نقل شده است .

اساساً مسأله غیبت درگفتار معصومین (ع) به عنوان یک سنت الهی مطرح شده که در میان انبیای پیشین واوصیای آن ها معمول بوده است . بنا به روایات ، صالح پیامبر در

سن پیری از میان قومش غایب شد وغیبت او مدتی به طول انجامید ، به طوری که چون به میان قومش بازگشت وی را نشناختند موسی (ع) نیز مدتی غایب بود ودر طی این مدت بنی اسرائیل در حیرت وسرگردانی ورنج بسیار به سر می بردند ، تا بار دیگر موسی به نزد آن ها بازگشت . چنین غیبت هایی درباره حضرت یونس یوسف وبرخی دیگر از پیامبران ذکر شده است بنابراین مسأله غیبت به مانند سنت جاریه ای تلقی شده است که درباره امام مهدی) ع (در امت خاتم الانبیاء نیز مصداق پیدا می کند .

طرح مسأله غیبت از همان دهه های اول تاریخ اسلام چنان شایع ومعمول شده بود که بسیاری از فرقه هایی که از تشیع منشعب می شدند ، به گونه ای به مسأله غیبت معتقد می گردیدند .

کیسانیه اولین فرقه ای که از شیعه جدا شدند قائل به امامت محمد حنفیه ومعتقد بودند که وی از میان آن ها غایب شده و درکوه رضوی مخفی گردیده و روزی ظهور خواهدکرد .

ابومسلمیه همین عقیده را درباره ابومسلم داشتند به طورکلی هر یک از فرقه های شیعی که در امامت یکی از ائمه (ع) توقف کردند و مسیر خود را از تشیع اثنی عشری جدا کردند ، به نوعی غیبت درباره امام خود معتقد شدند .

این امر حاکی از آن است که مسأله غیبت امام مهدی (ع) کاملاً در بین مسلمانان وشیعیان شناخته شده وشایع بوده است آن چه این مطلب را تأیید وتاکید می کند تألیف وتصنیف کتاب هایی

در موضوع غیبت ، پیش از آغاز غیبت صغری و در زمان حضورائمه است (2) 1 . کمال الدین ج ا ، ص 287 .

2 . نشریه موعود ، شماره 27 ص 42 .

فترت

در اصطلاح دینی به مدت زمان بین دو پیامبرگفته می شود این کلمه تنها یک بار در قرآن آمده و به فاصله زمانی بین حضرت عیسی (ع) و رسول اکرم (ص) اشاره کرده است .

در مباحث مهدوی ، در بیشتر روایات به مدت زمانِ پنهان زیستی حضرت مهدی و ، غیبت تعبیر شده اما در پاره ای ازآن ، ازاین دوره به عنوان فترت یاد شده است ابوحمزه می گوید : خدمت امام صادق (ع) رسیدم و عرض کردم : صا حب الامر شمایید ؟ فرمود : نه . گفتم پسر شما است ؟ فرمود : نه گفتم : پسر پسر شما است ؟ فرمود : نه گفتم : پسر پسر پسر شما است ؟ فرمود : نه . گفتم : پس او کیست ؟ فرمود : همان کسی است که زمین را پرازعدالت می کند ؟ چنان که پرازستم و جور شده باشد .

او در زمان فترت پیدا نبودن امامان می آید ، چنان که رسول خدا (ص) در زمان فترت پیدا نبودن رسولان مبعوث شد (2)

1 . لسان العرب ، ج10 ص 174 .

2 . کافی ، ج2 ص 141 .

کتاب های غیبت

موضوع غایب شدن حضرت مهدی (ع) مطلب تازه ای نیست ، بلکه از زمان پیامبر اکرم (ص) همواره مورد بحث وگفت گو بوده و آن حضرت به مردم خبر می داد که مهدی از اولاد من است و مدتی از نظر مردم مخفی و غایب می گردد ، سپس ظاهر می شود و

جهان را اصلاح می کند .

علی بن ابی طالب ، فاطمه زهرا ، امام حسن ، امام حسین و سایر ائمه (ع) و خاندان نبوت نیز هر یک در زمان خودشان راجع به غایب شدن مهدی موعود صحبت می کردند و از آن خبر می دادند قبل از این که امام زمان (ع) به دنیا بیاید ، کتاب هایی در خصوص غیبت ، تألیف می شد . مخصوصا از زمان موسی بن جعفر (ع) به بعد ، کتاب هایی در غیبت نوشته شد و احادیث غیبت در آن ها ثبت گشت . از آن جمله است :

1 . علی بن حسن بن محمد طائی طاطری یکی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) است کتابی در غیبت نوشته و مرد فقیه و مورد وثوقی بوده است .

2 . علی بن اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده وکتابی در غیبت نوشته است .

3 . ابراهیم بن صالح انماطی کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده و به واسطه اخبار غیبت بود که کتابی در غیبت تألیف نموده است .

4 . حسن بن علی بن ابی حمزه ، در عصر حضرت امام رضا (ع) زندگی می کرده وکتابی در غیبت تألیف نموده است .

5 . عباس بن هشام ناشری اسدی کتابی در غیبت نوشته است . مرد جلیل القدر و موثقی بوده که در سال دویست وبیست هجری وات نمود . شیخ طوسی ا ورا از اصحاب حضرت رضا (ع) می شمارد

.

6 . فضل بن شاذان نیشابوری کتابی در احوال قائم آل محمد (ع) و غیبت او نوشته است . نجاشی او را توثیق نموده و می نویسد : از فقها و متکلمین امامیه است و احتیاجی به تعریف ندارد و یک صد و هشتاد کتاب نوشته که از جمله آن هاکتاب غیبت است .

7 . ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی ، نیزکتابی در غیبت نوشته است قاسم بن محمد همدانی در سال دویست و شصت و نه از او حدیث شنیده است . طبرسی می نویسد اخبار غیبت ولی عصر قبل ازتولد خودش و پدر و جدش صادر شده و محدثین شیعه آن ها را در اصول وکتاب هایی که در عصر امام باقر و امام صادق (ع) تألیف شد ه ضبط نموده اند . یکی از محدثین موثق ، حسن بن محبوب است که در حدود صد سال قبل از زمان غیبت ، کتاب مشیخه را تألیف نموده و اخبار غیبت را در آن ثبت کرده است .

فرقه دوازده امامی و معتقدین به وجود امام حسن عسکری (ع) در زمان غیبت صغری کاملا در اقلیت بودند و بیش از حد تقیه و تحفظ می نمودند و بدین جهت ، چندان مورد توجه واقع نمی شدند و بحث و انتقاد زیادی در عقیده شان به عمل نمی آمد .

کتاب الغیبه نعمانی که در آن زمان ها تألیف شده ، ایراد و بحث های دامنه دار و مفصل در آن دیده نمی شود و در آن به ذکر روایاتی که دلالت دارند بر اینکه ائمه دوازده

نفرند و زمین هرگز از امام خالی نمی شود و روایات غیبت اکتفا شده است .

هرچه زمان غیبت طولانی تر می گردید تعداد معتقدان به غیبت ولی عصر (ع) زیادتر می شد و دعوت شان علنی تر می گشت و در اظهار عقیده خودشان بیشتر پافشاری می کردند به همین نسبت ، تعداد مخالفان آن عقیده نیز افزایش می یافت و زبان طعن وانتقاد و بحث و رد و ایرادشان بازتر می شد به طوری که وقتی زمان شیخ صدوق فرا رسید دائره مباحث و رد و ایرادها توسعه یافته بود .

شیخ صدوق ومساله غیبت : صدوق در اواخر زمان غیبت صغری تولد یافت و در سال 381 ق وفات نمود . اوکتاب کمال الدین وتمام النعمه ، را در اواخر عمرش تألیف کرده است اما علت تألیف کتاب یاد شده این بود که در آن عصر ، از طرف فرقه اسماعیلیه که فرقه قابل توجهی بودند .

و فرقه زیدیه و طرفداران جعفرکذاب و اهل تسنن که اکثریت داشتند ، ایرادات و اشکالاتی به فرقه امامیه وارد می شد و بدین وسیله اذهان مردم را مشوب می کردند از این جهت شیخ صدوق ، کتاب کمال الدین ، را تألیف نمود .

در اول آن کتاب اشکالات مخالفان را نقل می کند و بدانها پاسخ می دهد و به خوبی از عقیده امامیه دفاع می کند و به تفصیل درباره قائم آل محمد (ع) بحث می کند .

شیخ مفید ومساله غیبت : وقتی نویت به شیخ مفید رسید باز هم دایره اشکالات توسعه یافته بود و مسأله

امامت ، یکی از مسائل قابل توجه شده بود مفید در سال 336 ق . تولد یافت و در سال 413 ق . وفات نمود . موقعیت حساس و اهمیت مسأله امامت را ازکتاب های زیادی که مفید در آن عصر ، در آن باره تألیف نموده می توان یافت .

نجاشی کتاب های زیر را از جمله کتاب های مفید می شمارد : کتاب الا یضاح فی الامامه ، کتاب النقض علی ابن عباد فی الامامه ، کتاب المسائل العشره فی الغیبه ، کتاب مختصرفی الغیبه ، کتاب جوابات الفارقین فی الغیبه ، کتاب نقض الامامه علی جعفربن حرب ، کتاب النقضی علی الطلحی فی الغیبه ، کتاب المسأله علی الزیدیه ، کتاب نقض الامم فی الامه ، النقض علی غلام العجرانی فی الاما مه کتاب النقض علی النصیبی فی الامامه ، الرد علی لکرابیسی فی الامامه ، کتاب الجوابات فی خروج المهدی ، کتاب الرد علی ابن رشید فی الامامه ، کتاب الرد علی فی الاخشید فی الامامه ، کتاب العهد فی الامامه .

سید مرتضی در سال 355 ق . تولد یافت و در سال 643 ق . وفات نمود . سید مرتضی از استادان شیخ طوسی بوده است در آن عصر نیز دائره رد و ایراد باز هم تا حدودی توسعه یافته بود ، لذا سید مرتضی قد علم کرد وکتاب بزرگی پیرامون امامت تألیف نمود به نام الشافی ، او در این کتاب تمام امامت را مورد بحث و بررسی قرار داد و اشکالات و ایرادات مخالفان را پاسخ داده و درباره امام غایب به تفصیل وارد بحث شده است

علاوه بر آن کتابی هم در خصوص غیبت تألیف نموده به نام : المقنع .

شیخ طوسی ومساله غیبت : سید مرتضی در سال 436 ق . درگذشت و منصب زعامت و ریاست امامیه به شیخ طوسی محول شد شیخ نیز در باب غیبت کتاب های متعددی از جمله الغیبه ، را نگاشت .

پس از شیخ طوسی نیزکتاب های بسیاری در موضوع غیبت نوشته شده است ، ولی مندرجات آن ها ، عمدتاً همان مطالبی است که شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و شیخ صدوق تحقیق کرد ه اند . (1)

1 . نشریه موعود شماره16 ص 28 .

ادعای ارتباط با حضرت

درباره ارتباط با امام زمان (ع) ، کتاب هایی نوشته شده که در این اواخر ، رواج فوق العاده ای یافته است .

این کتاب ها مشحون از حکایات و داستان ها ومطالبی است که برخی از آن ها به یقین ، نادرست وبرخاسته از تصوَرات وخیال بافی های نویسندگانِ آن هاست ودر برخی شمه ای از حقیقت وجود دارد .

نقل این داستان ها وحکایت ها ، باعث می شود که یک عقیده درست و صحیح ، به ناصواب هایی آمیخته گردد و عقائد خرافی و ناصحیح و غیر مستند در میان مردم رواج یابد .

وقتی که آقا وخانمی به راحتی و آسانی اهل مکاشفه شوند و آن را درکتاب خود بنویسند ، چرا دیگران به چنین مقامی نرسند . زمانی که مدعی مکاشفه ، پا را فراتر نهد ودر بیداری ، حضرت رسول (ص) و برخی از معصومین (ع) را

ببیند چرا دیگران از این نعمت محروم باشند رواج این گونه کتاب ها باعث شده که در برخی از مناطق ، شاهد اتفاقات عوام فریبانه و خرافی باشیم : کسی در منطقه ای مدعی می شود که قطره ای از خون سر امام حسین (ع) ریخته وسر مبارک حضرت را دیده است . چوپانی مدعی می شود که غلام شاه چراغ است واز وی دستورهایی دریافت کرده است . خانمی که از دست شوهرش فرارکرده ، به مسجد روستایی می رود ومدعی می شود که مسجد ، نظرکرده است ومریض هایی که به این مسجد بیایند شفا می یابند . در مواردی ، دختر یا زنی نظرکرده می شود و حاجت مردم را برآورده می کند . (1)

یا سید مهدی شیوخی م 1278ه . ق درکتاب بوارق الحقایق که شرح سفرهای اوست ادعا می کند : در طوس ، مهدی (ع) را دیده و ایشان آیات واورادی را در دهان وی ، فوت کرده است . در این دیدار ، امام زمان ، چند کلمه به فارسی ، با لهجه افغانی گفته ، او مطلب را فهمید , امَا زمانی که او چند واژه به فارسی می گوید ، حضرت متوجه مقصود وی نمی شود ، از این روی برای آن حضرت توضیح می دهد (2)

پیامد ناگوار این کتاب ها و عقاید برگرفته از حکایت و خواب ، فضایی را به وجود می آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند وزمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد و

در نتیجه ، مخالفان تشیع ، امکان رشد وگسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت می شود وبه دیگران انتقال می یابد ویک عقیده ای که در اصل آن ، تمام فرق اسلامی توافق دارند ، به گونه ای مطرح می شود که فرسنگها با اسلام فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیشه وران اسلامی تنگ می کند .

1 . چشم به راه مهدی ص 35 .

2 . همان ، ص102 .

انواع غیبت

دوغیبت

در روایاتی که غیبت حضرت را پیشگوئی کرده ازدوغیبت داشتن ایشان نیز سخن به میان آمده است .

امام صادق (ع) می فرماید : برای قائم ما دو غیبت است : یکی از آنها کوتاه و دیگری درازاست . درغیبت کوتاه ، تنها نزدیکان شیعه از جایگاه او مطلع می شوند و در دومی ، به جز خدمتگزاران ملازم او ، کسی از اقامتگاهش آگاه نخواهد بود (1)

از پیامبراکرم (ص) ، (2) امام سجاد (ع) (3) و سایر ائمه (ع) نیز روایت هایی در باب دوغیبت حضرت قائم (ع) آمده است .

1 . غیبت نعمانی ص 89 منتخب الاثرص 251 اصول کافی ، ج 1 ، ص 0 34 .

2 . بحارالانوار ج 52 ، ص 0 38

3 . همان ص 34 1 .

غیبت صغری

معتضد بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود .

وی برادرزاده معتمد بود و وقتی عموی او در سال 279 هجری قمری درگذشت ، با او بیعت شد و در سال 289 درگذشت .

مدت خلافتش ، نه سال و نه ماه و دو روز بود . مرگش در سن چهل و هفت سالگی رخ داد . معتضد مردی کم رحم و خونریز بود و علاقه داشت کسانی راکه می کشت اعضای آن ها را ببرد . انواع و اقسام شکنجه ها داشت و افراد را به اشکال مختلف می کشت . او سردابه هایی داشت که شکنجه های مختلفی در آن جا انجام می گرفت و افراد خاصی را عهده دار

این شکنجه هاگماشته بود . فقط به زن و ساختمان علاقه داشت برای قصر خود که به نام " ثریا " معروف بود ، چهارصد هزار دینار خرج کرد که طول آن چهار فرسخ بود . (1)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) ، علی غفارزاده ، ص41 .

مقتدر بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود .

وی برادر مکتفی و اسم او جعفر بن احمد است . در سال 295 هجری قمری و در سیزده سالگی به خلافت رسید و در سال 320 هجری قمری درسن سی وهشت سالگی در بغدادکشته شد . چون مقتدر درکودکی به خلافت رسید ، لذا نتوانست از اقتدار و قدرت مستقلی برخوردار باشد و زنان و غلامان و اطرافیان بر او تسلط کامل داشتند . در زمان خلافت او ، وزرای بسیاری بر سرکار آمدند و عوض شدند .

سختگیری و فشار در این دوره نسبت به شیعیان ، وابسته و منوط به انتخاب وزراء بود . اگر وزیری نسبت به شیعیان متمایل بود ، فشار و خفقان کمتری به چشم می خورد . مثلاً در دوران وزارت محمد بن علی بن فرات که متمایل به شیعیان بود ، اوضاع سیاسی نسبت به دوستداران اهل بیت مساعد می شد ، ولی وقتی حامد بن عباس به وزارت رسید ، حسین بن روح- نائب سوم امام زمان (ع) - نتوانست به فعالیت خویش ادامه دهد و به صورت مخفیانه زندگی می کرد . در سال 312 هجری قمری پس ازکشته شدن محمد بن علی بن فرات و پسرش ، حسین بن

روح تا سال 317 هجری قمری توسط مقتدر زندانی شد . کشته شدن حلاّج در سال 309 هجری قمری به دستور مقتدربود .

مکتفی بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود .

اسم او علی بن احمد معتضد است . در همان روز وفات پدرش معتضد با او بیعت شد . وقتی به خلافت رسید ، بیست واندی سال داشت . در سال295 هجری قمری در سی و سه سالگی از دنیا رفت و مدت خلافت او حدود شش سال به طول انجامید . او مردی معتدل ، خوش رو و دارای ریش انبوه بود .

معتمدِ بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود . در سال 256 هجری قمری در بیست و پنج سالگی به خلافت رسید و در سال 279 هجری قمری در سن چهل و هشت سالگی در بغداد از دنیا رفت و مدت خلافت وی بیست و سه سال طول کشید .

معتمد ، مردی عیاش و سرگرم خوشگذرانی بود و تدبیر امور به دست برادرش ابو احمد موفق افتاده بود که معتمد را به زندان انداخت او نخستین خلیفه ای بود که زندانی شد .

در سال 260هجری قمری در دوران خلافت معتمد ، امام حسن عسکری (ع) در بیست و نه سالگی درگذشت . معتمد در برابر امام (ع) رفتار و واکنشی داشت که از میخ یک از خلفای پیشین مشاهده نشده بود و آن این بود که در برابر امام ، اظهارکوچکی و عجز می کرد و دست به دامان امام (ع) می شد . در اوایل حکومت خویش به خانه حضرت می رفت و از آن حضرت می خواست که برای طولانی شدن حکومت وی دعاکند . (1)

1 . زندگانی نواب خاص ا مام

زمان (ع) ، علی غفارزاده ، ص41 .

غیبت صغری

در آغاز غیبت صغری ، میان علما و دانشمندان اختلاف است سه نظر در آن وجود دارد1 : گروهی مانند شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از هنگام ولادت حضرت مهدی (ع) به شمار آورده اند) (1)

زیرا از همان سال های آغازین ولادت ، آن حضرت غیبت نسبی داشت و شماری اندک از یاران ، وی را مشاهده کردند . بنابر این نظر ، دوره غیبت صغری تقریباً 74 سال می شود ؟ یعنی از آغاز ولادت ، تا پایان سفارت آخرین نائب حضرت .

2 . برخی برآنندکه غیبت صغری ، از سال 260ه . ق یعنی سال درگذشت امام حسن (ع) آغاز شد واین مدت تا شروع غیبت کبری ، دوران آمادگی شیعیان وانس آنان به جدایی از امام زمان (ع) نام گرفت در این دوران ، 69 ساله ، سفیرانی رابط بین امام ومردم بودند .

3 . گروهی آغاز غیبت امام (ع) را از زمانی می دانند که مأموران خلیفه به منزل حضرت در سامرا هجوم آوردند ، تا وی را دستگیرکنند و حضرت در آن هنگام ، درسرداب رفت و همان جا از دیده ها پنهان شد . (2)

در منابع شیعی وکتاب های امامیه ، هیچ نامی از سرداب نیست ، و متأسفانه این مسأله دستاویز حمله نا آگاهانه برخی از نویسندگان اهل سنت ، به تشیع شده است . (3)

زمانی که در سال 260 ق . امام حسن عسکری (

ع) وفات یافت ، فقط عده اندکی از شیعیان خاص و برخی از وکلای حضرت از وجود فرزند ایشان ، امام مهدی (ع) مطلع بودند . خلیفه عباسی احمد المعتمد 256-279ق در پی آن بود تا فرزند و وارث امام (ع) را بیابد از این رو مدتی منزل و خانواده امام را تحت مراقبت قرار داد .

از طرفی جعفر بن علی برادر امام حسن عسکری (ع) به دنبال آن بودکه منزلت و مقام برادر را به دست آورد و حتی در این کار از خلیفه عباسی کمک خواست و لیکن توفیقی نیافت (3) .

امام عسکری (ع) ، پیش از رحلت خود عثمان بن سعید عموی راکه از وکلا و اصحاب خاص بود ، در چند مجلس به اصحاب خود معرفی و او را به عنوان نائب امام دوازدهم پس از خود تعیین کرد . عثمان بن سعید مدت ده سال وکیل امام هادی (ع) بود و پس از آن وکالت امام حسن عسکری (ع) را به عهده داشت و پس ازرحلت امام به ظاهر مراسم تغسیل و تکفین وی را انجام داد . او پس از چندی به بغداد نقل مکان کرد که از شهرهای شیعه نشین عراق بود . در طی این مدت کوتاه که او نیابت خاص امام دوازدهم را به عهده داشت ، شیعیان به وی رجوع می کردند و توقیعات صادره از ناحیه امام به دست وی به دست شیعیان می رسید (4) .

عثمان بن سعید پیش از وفاتش مأمور شد

تا پسرش محمد را به عنوان نائب امام به شیعیان معرفی کند . دوران نیابت محمد بن عثمان دورانی طولانی و سخت بود . فشار و اختناق اعمال شده از جانب عباسیان ، انحرافات دینی و فرقه ای ، القاء شبهات گوناگون و حرکت های رو به گسترش اسماعیلیان از مهم ترین مشکلالی بودند که وی با آنان درگیر بود .

محمد بن عثمان در سال 305ق درگذشت و حسین بن روح نوبختی به نیابت امام منسوب شد . او از مردم قم و مدت ها از دستیاران محمد بن عثمان بود . او با تدبیر وکیاست خود توانست در اوج بحران ، اوضاع مساعدی را برای جامعه شیعی فراهم سازد و تا حد ممکن از فشارهایی که از طرف حکومت بر آن ها اعمال می شد ، بکاهد . سیاست دینی وی به گونه ای بودکه هیچ تنش و عکس العملی را علیه شیعیان پدید نمی آورد . او توانسته بود با اعمال تقیَه شدید چنین جوی را به وجود آورد . یک بار در مجلسی در حضور علمای اهل سنت به گونه ای درباره عمر و ابوبکرسخن گفت که همگان را به تعجب واداشت و هرگونه بدبینی و سوءظن سنیان را نسبت به او برطرف ساخت . او در همین راستا یکی از خدمتکارانش را که عادت به ناسزاگویی به معاویه داشت ، اخراج کرد (5)

بدین ترتیب دوران طولانی نیابت وی ، بهترین ایام غیبت صغری برای شیعیان بوده است . روابط او با دربار عباسیان و نفوذ او در میان وزرا و امرا موجب گردید که سختگیری ها و

اعمال فشارها بر شیعیان به حداقل برسد .

با درگذشت حسین بن روح نوبختی در سال ، 326ق , محمد بن علی سمری به نیابت منصوب شد . وی آخرین نائب امام (ع) بود و در سال 329 ق, درگذشت . آخرین توقیعی که یک هفته بیش از وفاتش به دست او رسید وی را مأمور ساخته بود که شخصی را به عنوان نائب امام بعد از خود معرفی نکند . این توقیع در واقع اعلامی برای آغازغیبت کبری امام (ع) بود .

از مشکلات اساسی که نایبان امام و شیعیان با آن درگیر بودند ، ظهور مدعیان نیابت بود . کسانی که به علل مختلف ادعا می کردند نائب امام (ع) هستند . ظهور این افراد غالباً با انحرافات و القاء شبهاتی همراه بود و این بزرگترین خطری بود که در این عصر شیعیان را تهدید می کرد . مشهورترین این افراد محمد بن علی شلمغانی بود که معاصر با حسین بن روح بود و توقیعی از ناحیه امام (ع) مبنی بر برائت از او ، لعن بر او و چند تن دیگر صادر شد (6)

جامعه اسلامی در دوران غیبت صغری از وضعیت سیاسی آشفته ای برخوردار بود . دستگاه خلافت عباسیان در نهایت ضعف و سستی خود بود .

امرای ترک نژاد که از دوران خلافت معتصم به دربار راه پیداکرده و دارای مناصبی شده بودند ، همچنان نفوذ شدیدی بر خلیفه و درباریان داشتند به طوری که در بسیاری امور ، خلیفه را تحت فشار قرار می دادند وگاه عزل و

نصب خلیفه نیز به وسیله آن ها انجام می شد .

ضعف خلیفه و عدم اراده وی در رسیدگی به امور ، گاه موجب دخالت زنان دربار در این امور می شد . به طوری که مادر خلیفه همراه با قضات واعیان در مجلس مظالم می نشست و حکم صادر می کرد .

درگیری های داخلی میان خلیفه و وابستگانش بر سر تصاحب قدرت ، اموی عادی بود این امر حتی در میان وزیران نیز شایع بود . عدم کفایت و صلاحیت وزیران موجب شده بودکه پیوسته عزل ونصب شوند و هرکس قادر بود با پرداخت اموال بیشتری به دار الخلافه خود را به مقام خلافت برساند . در طی این دوران شش تن از عباسیان به حکومت رسیدند که برخی از آن ها توسط درباریان خلع و برخی به قتل رسید ند .

ضعف و سستی دستگاه خلافت که از نیمه اول قرن سوم هجوی آغاز شده بود ، فرصت خوبی برای مخالفان و امیران محلی بود تا دولت های مستقلی در نواحی مختلف و وسیع اسلامی پدید آورند به طوری که در عصرغیبت صغری نواحی مختلف سرزمین های اسلامی هر یک تحت اختیار دولتی مستقل بود که خلیفه اساساً هیچ نفوذ وسلطه ای بر آن نداشت .

سرزمین اندلس که از سال ها پیش ، تقریباً همزمان با روی کار آمدن عباسیان ، از نکره خلا فت جدا شد . پس از آن ادریسان حسنی در مغرب اقصی- مراکش کنونی- نخستین دولت شیعی را تأسیس کرد .

اغلبیان بر شمال آفریقا حکومت داشتند و مصر تحت اختیار طولونیان و سپس اخشیدیان بود .

طاهریان ، صفاریان ، علویان ، سامانیان و . . . دولت های خود مختاوی بودند که در طی این دوران ، در نواحی ایران امارت داشتند و به همین ترتیب در هر ناحیه دولت وامارتی مستقل برپا بود .

با این حال شیعیان در عصر غیبت ، از موقعیت سیاسی نسبتاً خوبی برخوردار بودند .

نفوذ شیعیان در دربار عباسیان ثمرات خوبی ، به خصوص در دوران حساس غیبت به همراه داشت . در دوره ده ساله خلافت معتضد عباسی 279-289 ق جو اختناق شدیدی علیه شیعه ایجاد شده بود که به تعبیر شیخ طوسی در زمان او از شمشیرها خون می چکید . اما این وضعیت در زمان خلافت مقتدر 295- 320ق تا حدودی دگرگون شد و در برخی موارد چرخش گردونه سیاست به نفع مسلمین بود و آن ها می توانستند با آزادی بیشتری به فعالیت بپردازند . این دگرگونی با نفوذ خاندان بنی فرات که از خاندان های شیعه مذهب و برجسته بغداد بودند ، در دستگاه خلافت آغاز شد .

افراد این خانواده توانستند پس از نفوذ در دربار ، در مناصب بالا و در امور اداری مشغول به کار شوند . حتی چند تن از این افراد به مقام وزارت رسیدند که مشهورترین آن ها ابو الحسن علی بن محمد بن فرات بود . او معروف به ابن فرات اول 241-2 31ق . ودر فاصله سال های296تا 2 31 ، سه بار به وزارت رسید . در دوران او آزادی نسبی برای شیعیان فراهم شد و آن ها از این فرصت ، جهت احیای مذهب تشیع سود می بردند

.

این امرکمابیش همزمان با نیابت حسین بن روح نوبختی- نائب سوم امام (ع) - بود . اوکه خود از خاندان نوبختی واز موقعیت سیاسی خوبی برخوردار بود و توانسته بود در دربار عباسیان راه یابد و بنا به قولی که مسئول امور خاص خلیفه بود .

فرد دیگری از خاندان نوبختی که به وزارت دست یافت ، ابو الفتح فضل بن جعفر 279-327 ق معروف به ابن فرات دوم بود . او در سال های 0 32 تا 324 وزارت دو تن از خلفا را به عهده داشت . دوران وزارت او همزمان با آخرین سال های زندگی حسین بن روح بود . اگر چه نفوذ و قدرت وی همانند ابن فرات اول نبود ، با این حال نبایستی تأثیر و موقعیت آن را نادیده گرفت .

در همین راستا باید به دولت های شیعه مذهبی که در این عصر تشکیل شده ویا امارت داشتند ، اشاره کنیم .

ادریسیان ، اولین دولت شیعی بود که در سال172 ق تأسیس شد . ادریسیان زیدی مذهب تا اوایل قرن چهارم هجری امارت داشتند وسپس به دست فاطمیان برچیده شدند . آثار فرهنگی وتمدنی باز مانده از آن ها در مغرب قابل توجه است .

فاطمیان که از سال 296 ق . در تونس به قدرت رسیدند ، پس از اندک زمانی بر تمام مغرب استیلا یافتند وپس از استیلا بر مصر پس از نیمه قرن چهارم ، تنها قدرت مطرح در سراسر شمال افریقا بودند .

فاطمیان ، مذهب اسماعیلی داشتند و مدتی نزدیک به سه قرن حکمفرمایی کردند . نفوذ آن ها

در سراسر جهان اسلام سبب تأسیس دولت های اسماعیلی متعددی در نواحی مختلف از جمله در یمن و سند شد .

فاطمیان خلافت را حق خود می دانستند واز این رو خود را خلیفه می خواندند . حسن بن زید از نوادگان امام حسن (ع) ، مؤسس دولت علویان در طبرستان 250-355 ق بود . وی که به دعوت مردم طبرستان برای مقابله با ظلم و جور امیران طاهری به این ناحیه آمده بود ، پس از تحت فرمان در آوردن طبرستان به نواحی ری و قزوین دست یافت ، اما بزودی آن ها را ازکف داد . از معروفترین امرای علوی ، حسن بن علی معروف به ناصر الحق وملقب به اطروش 1 30-304 ق بود که بار دیگر طبرستان را به طور یکپارچه تحت فرمان درآورد

آخرین امیر آن ها " الثائر بالله " بود که در سال 355 ق درگذشت (7)

دولت زیدیان یمن نیز از نخستین دولت های مستقل شیعی بود که در عصرغیبت شکل گرفت . شهرهای مکه و مدینه و نواحی یمامه و حجاز نیز مدت ها در اختیار زیدیان بود .

حمدانیان ، شیعیان دوازده امامی از قبیله بنی تغلب بودندکه از اوایل قرن چهارم هجری در نواحی شمال عراق وبخش هایی از شام حکومت می کردند وگرایش های شیعی از دیرباز در میان آن ها وجود داشت .

1 . ارشاد ، مفید ج 2 ، ص 340 .

2 . چشم به راه مهدی ص339 .

3 . منتخب الاثرص 372 .

4 . اعلام الوری ، ج 2 ، ص 150

.

5 . غیبت طوسی ص 237 .

6 . همان .

7 . ابن خلدون ، ج 4 ص 36

دوران حیرت

برهه ای است که امام زمان (ع) ، سایه پدر را از دست داد وخود عهده دار منصب امامت شد و در حقیقت ، دوران غیبت صغری را دوره حیرت و محنت شیعیان نامیده اند . (1)

در این دوران ، بر دوستداران اهل بیت (ع) بسیار سخت گذشت . از یک سو فرقه ها و نحله های گوناگونی پیدا شدند که در رابطه با امامت ، افکار واندیشه های متضادی داشتند ومردم را به شبهه وتردید می انداختند وشیعیان ، به دنبال ملجأ و مرجعی می گشتند ، (2) تا بتوانند در این عرصه خطرناک ، در پناه او بمانند و از افکار و اندیشه خود به دفاع برخیزند .

از سوی دیگر ، دشمن احساس کرده بود که امام یازدهم (ع) فرزندی دارد ، از این روی درصدد دستگیری و نابودی وی برآمده بود مجموعه این حوادث ، فضای حیرت و سرگردانی را دو چندان می ساخت وبه فرموده امام رضا (ع) بعد از درگذشت سومین فرزندم امام حسن (ع) فتنه فراگیر وطاقت فرسایی فرا می رسد که بسیاری از خوبان ونخبگان در آن فرو می افتند . (3)

در آن دوران ، دشمنان از هیچ تبلیغ ناروا وسختگیری کوتاهی نکردند . مؤمنان بسیاری دچار حیرت شدند واختلاف به اندازه ای رسید که به نقل شیخ مفید ، چهارده انشعاب در شیعه به وجود آمدکه از

آن میان ، فقط سه فرقه به وجود مهدی (ع) یقین داشتند .

گسترش دامنه شبهات ، مؤمنان و اندیشورانی را که بر اساس تفکر شیعی ، به غیبت مهدی (ع) پایبند مانده بودند ، به نوشتن کتاب هایی در این موضوع وا داشت .

اخباری مربوط به بیست سال پیش از شروع غیبت کبری در حدود سال 352 ه . ق وجود دارد که نشان می دهد ، حیرت و نا امیدی از بازگشت سریع امام دوازدهم ، ویژگی بارز محافل امامیه بوده است .

حملات شدید به غیبت وفلسفه آن از سوی معتزلیانی چون ابوالقاسم بلخی ، (4) و زیدیه همچون : ابو زید علوی (5) و صاحب بن عباد ، این حیرت را در میان امامیه ، از نیشابور تا بغداد گسترش داد ، تا آن که شماری عقاید خود را ترک گفتند (6)

1 . غیبه نعمانی ، ص 185 .

2 . بحار الانوار ج 51 ، ص 11 .

3 . غیبه نعمانی ص 801 کمال الدین ص 370 سفینه البحار ج 2 ، ص 307 .

4 . المغنی ج 2 ص 176 .

5 . کمال الدین ج 1 ص 221 .

6 . کمال الدین ، ج 1 ص 2 و 3 و 16 .

قاهر بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود .

اسم او محمد بن معتضد است , در سال 320 هجری به خلافت رسید ودر سال 322 چشمانش را میل کشیدند وکشتند .

اخلاق او ثباتی نداشت و زود رنگ عوض می کرد

. نیزه بزرگی داشت که هر وقت در خانه خود راه می رفت آن را به دست می گرفت وبه هنگام نشستن جلو روی خود می گذاشت وهرکسی را می خواست بکشد ، با آن می زد . وی درکارهایش چندان دقت نمی کرد و رفتار او هول انگیز بود (1)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده ، ص 49 .

جعفر کذاب

پسر امام هادی وبرادر امام حسن عسکری (ع) است . پس از شهادت امام عسکری (ع) با علم به این که امام حسن عسکری (ع) فرزندی دارد وایشان جانشین وامام بعد از او می باشد ، به دروغ ادعای امامت کرد . وی پس از شهادت حضرت ، پیش از آن که مردم جنازه را از خانه بیرون ببرند ، دَمِ در ایستاده و تسلیت را نسبت به شهادت برادر وتبریک را نسبت به امامت خود ، از مردم تحویل می گرفت .

شیخ طوسی ، در ضمن حدیثی که نقل می کند واز شرابخواری ومستی او حکایت می کند ، می گوید : کارهای زشت وگفتارهای ناهنجاری که از وی روایت شده ، به قدری زیاد است که نمی توان احصاء نمود . . . جعفر بن علی ، چون از طرف دستگاه بنی عباس تقویت می شد و آن عنصر فاسد را عامل خود دانسته ودر مقابل امام حسن عسکری (ع) تقویت می کردند ، پس از آن حضرت ، او را واداشتند که خود را امام دوازدهم شیعه بداند تا بدان وسیله مسأله امام

غائب را لوث کنند ، جعفر نیز دعوی امامت و جانشینی برادرکرد . امام زمان (ع) نیز طی توقیع هایی او را دروغگو دانست به همین جهت در میان شیعیان به جعفرکذاب مشهورشد (1)

امام هادی (ع) اصحاب خود را از معاشرت و ارتباط با جعفر شدیدا منع کرده و می فرماید : او از تعالیم دین خارج ، و زیر بار فرمان من نیست (2) وقتی که شیعیان دیدند جعفرکذاب ادعای امامت دروغین می کند و منکر وارث شرعی امام حسن عسکری (ع) است وما تَرکِ امام را تصرف کرد ودولت عباسی هم از آن حمایت می کند ، لذا بعضی از آن ها به عثمان بن سعید متوسل شدند تا از طریق اخراج توقیع از طرف امام زمان (ع) جریان جعفر روشن شود ونتواند اذهان عامه مردم را منحرف سازد واز این طریق رسوا گردد .

جریان از این قرار است که : جعفرنامه ای می نویسد به یکی از دوستان و شیعیان امام مهدی (ع) ودر آن نامه می نویسد که قائم وامام بعد از برادرم من هستم وعلم حلال وحرام وتمام علوم در نزد من است وقتی نامه به دست شخص می رسد ، ناراحت شده و در مطالب آن مشکوک می شود . لذا نامه را برداشته پیش احمد بن اسحاق اشعری می رود که او از اصحاب خاص امام حسن عسکری (ع) واز مقربین پیش آن حضرت بوده وجریان را به او می گوید : احمد بن اسحاق هم نامه ای نوشته ونامه

جعفررا هم درداخل آن می گذارد وبه وسیله عثمان بن سعید ، به خدمت حضرت مهدی (ع) می فرستد در پاسخ احمد بن اسحاق نامه ای از طرف امام مهدی) ع (می رسد نامه بسیار تند و با عالی ترین برهان و دلیل لحن بسیار شدید ، امامت جعفر را رد فرموده است .

ما قسمتی از آن نامه را از احتجاج نقل می کنیم : . . این مفسد جعفرکذاب که بر خداوند دروغ بسته ، و ادعای امامت دارد ، نمی دانم به چه چیز خود نظر داشته است ؟ . خداوند گواه است که او چهل روز نماز واجبش را ترک کرد ، به این منظورکه با ترک نماز بتواند شعبده بازی را یاد بگیرد شاید خبر آن به شما هم رسیده باشد . ظرف های شراب او را همه دیده اند . علاوه بر این ها ، آثار و علایم نافرمانی وی از امر و نهی الهی ، مشهود و نزد همگان محقق است . چنان چه ادعای وی مبتنی بر معجزه است ، معجزه خود را بیاورد ونشان دهد واگر حجتی دارد آن را اقامه نماید ، و چنان چه دلیلی دارد ذکرکند (3) و از این طریق است که عثمان بن سعید ، جعفرکذاب را رسوا می کند .

امام سجاد (ع) درپاسخ ابوخالد کابلی که ازآن حضرت پرسید ، چرا ششمین امام ملقب به صادق است ، در حالی که همه شما صادق می باشید ؟ فرمود : به جهت این که در نسل پنجم او ، مردی باشد

به نام جعفرکه او به دروغ ، دعوی امامت کند و او جعفرکذاب است (4)

جعفرکذاب در سال 271 به سن چهل وپنج سالگی در سامرا درگذشت (5)

1 . مفاخر اسلام ، ج 2 ، ص 40 .

2 . تاریخ سامرا, ج 2 ص 251 .

3 . احنجاج طبرسی ج 2 ، ص 468 ,تاریخ سامرا, ج 2 ص 253 .

4 . بحارالانوارج 50 ص 227 .

5 . معارف و معاریف , ج 4 , ص 165 .

زنان در غیبت صغری

در دوران سخت غیبت صغری ، در روزهایی که شیعیان پس از دویست و شصت سال با یک آزمایش بزرگ روبه رو بودند و می بایست با غیبت امام خوکنند ، یک زن به عنوان مفزع وپناه معرفی می شود وآن مادر بزرگوار امام حسن عسکری (ع) است .

در این دوره ، اگر چه امام هادی وامام حسن عسکری (ع) ، زمینه غیبت را از پیش فراهم کرده بودند وشخصیت های مورد اعتمادی همانند عثمان بن سعید عمری وپسرش محمد بن عثمان را به عنوان وکیل معرفی کرده بودند ، به دلایلی از موقعیت مادر امام حسن عسگری (ع) ، معروف به " جده " استفاده شد و وی پناه شیعه معروف گردید .

ازگفت وگوی احمد بن ابراهیم با " حکیمه " دختر امام جواد (ع) برمی آید که پس ازگذشت دو سال از رحلت امام حسن عسکری (ع) ، همچنان بسیاری ازکارها به دست مادر بزرگوار امام حسن عسکری (ع) انجام می

شده است ، ولی در حقیقت از طرف حضرت حجه بن الحسن (ع) و به فرمان آن حضرت صورت گرفته است .

شیخ صدوق (ره) ، از احمد بن ابراهیم نقل کرده است که در سال 262ق . بر حکیمه دختر امام جواد (ع) وارد شدم و از پس پرده با وی سخن گفتم و از او درباره اعتقادش به امامان پرسیدم . او همه آن ها را یکایک شمرد وآنگاه حجه بن الحسن بن علی را نیز نام برد . . .

از او پرسیدم : این فرزند کجاست ؟ گفت : در پس پرده غیب است . گفتم پس شیعه به چه کسی پناه ببرد ؟ گفت : به جده ، مادر امام حسن عسکری (ع) . سپس افزود : این دستور از سوی امام حسن عسکری (ع) و به پیروی از امام حسین (ع) صورت گرفته است .

زیرا امام حسین (ع) در ظاهر برای حفظ جان فرزندش امام سجاد (ع) به خواهرم زینب کبری (ع) وصیت کرد و درنتیجه تا مدتی هرآن چه از امام زین العابدین (ع) صادر می شد به حضرت زینب (ع) نسبت داده می شد تا امر پنهان باشد و حساسیت ها نسبت به امام سجاد (ع) کمتر شود . این امتیاز برای جده باقی بود تا آنکه کسانی مانند " عثمان بن سعید " ودیگر سفرا و نایبان خاص امام زمان (ع) در بین شیعیان شناخته شدند ومنزلت یافتند .

پس از شهادت امام عسکری (ع) یک بانو نظر دستگاه خلافت بنی عباس را نسبت به تعقیب امام زمان تغییر داد .

نوشته اند پس ازگزارش جعفرکذاب ، که در خانه امام حسن عسکری (ع) ، فرزند خردسالی ازآن حضرت باقی مانده است ، آن ها به خانه امام هجوم بردند وپس از دستگیری صیقل یکی ازکنیزان امام فرزند خردسال را از او مطالبه کردند . او نخست انکارکرد وآنگاه برای اینکه موضوع برای آن ها پوشیده ماند ، گفت : من حامله هستم . از این روآن کنیز را به دست أبی الشوارب قاضی وقت ، سپردند تا از او مراقبت کند . در مدتی که صیقل زیر نظر قاضی نگهداری می شد ، دستگاه خلافت با مرگ عبید بن خاقانی وشورش صاحب الزنج روبه رو شد وصیقل از وضعیت آشفته سود جست وفرار کرد . (1)

1 . نشریه موعود ، شمار27ص74 .

خلفای دوران غیبت صغری

دوران غیبت صغری ، مقارن با خلافت شش تن از خلفای عباسی بود .

که عبارتند از : معتمد بالله 256 تا 279ه . ق (متعضد بالله (279 تا 289 ه . ق) ، مکتفی بالله 289 تا 295 ه ق (مقتدر بالله) 295 تا 320 ه . ق ، قاهر بالله 320 تا 322 ه . ق و راضی بالله 322 تا 329 ه . ق .

خلفای عباسی

دوران غیبت صغری که نواب خاص امام زمان (ع) در آن دوره ، مسؤولیت نیابت را به عهده داشتند ونزدیک به هفتاد سال از تاریخ را به خود اختصاص دادند ، مصادف ومقارن با خلافت شش تن از خلفای عباسی بوده است . هنر عباسی ها آن بودکه خودشان را جزء آل محمد به قلم آوردند تا جنبش ونهضت را به نفع خود اداره کنند .

سرانجام بنی عباس به نام اهل بیت (ع) خلافت را ، پس از سرنگونی بنی امیَه به دست گرفتند ، ودر ابتدای کار ، روزی چند به مردم وعلوپین روی خوش نشان دادند . حتی به نام انتقام شهدای علویین ، بنی امیه را قتل عام کردند وقبورخلفاء بنی امیه را شکافتند وهر چه یافتند ، آتش زدند .

امَا دیری نگذشت که شیوه ظالمانه وخصمانه بنی امیه را پیش گرفتند ودر بیدادگری وبی بند وباری ، هیچ گونه فروگذار نکردند و علویین را دسته دسته گردن زدند ویا زنده زنده دفن کردند . یکی از ویژگی های خلفای عباسی که در همه آن ها مشترک می باشد ، مشغول بودن

وپرداختن به لهو ولعب ، خوشگذرانی ، شراب خواری ، شب نشینی ها و عدم کوچک ترین توجه به شؤون زندگی مردم است .

از دیگر ویژگی خلفای عباسی ، دشمنی با خاندان رسالت ، ایجاد نفرت نسبت به علوییین ، تبعید ، زندانی کردن ، کشتن و فشار بر آنان بود . در این فکر میان خلیفه سران قوم ، ارتش و وزراء فرقی نبود وهمه ، هم عقیده بودند . این تفکر در سراسر تاریخ خلافت عباسی به چشم می خورد ، لیکن بر حسب اختلاف اشخاص وروحیه ها در ادوار مختلف شدت وضعف پیدا می کرد .

متوکل در دشمنی با خاندان رسالت ، در میان خلفای عباسی نظیر نداشت . در سال236 هجری قمری امرکرد قبه ضریح امام حسین (ع) را درکربلا وهمچنین خانه های بسیاری که در اطرافش ساخته بودند ، خراب وبا زمین یکسان نمودند ودستور داد آب به حرم امام (ع) بستند وزمین قبر مطهر را شخم وزراعت کنند تا به کلی اسم ورسم مزار فراموش شود . (1)

1 . مروج الذهب ، ج 4 ص 5 شیعه در اسلام ، علامه طباطبای ، ص 26 .

نیابت

در هیچ یک از دو غیبت صغری وکبری ، پیوند امام دوازدهم حضرت مهدی (ع) با مردمان ، به طورکلی گسسته نبوده است . زیرا در هر دو غیبت ، امرا نیابت وجود داشته است و دارد و از طریق نایبان ، ارتباط امام با مردم برقرار بوده است .

همان طورکه غیبت حضرت به در مرحله تقسیم گشت ، به

تبع آن ، نیابت نیز همین گونه است ، یعنی دارای در مرحله است : نیابت خاصه در غیبت صغری ، و نیابت عامه در غیبت کبری (1)

1 . خورشید مغرب محمد رضا حکیمی ص 44 .

وکالت

منصبی است که به شخص مورد اعتماد واگذار می شود و ائمه (ع) و نایبان آنان ، گاهی افرادی را به عنوان وکیلان خود انتخاب می کردند .

هدف اصلی وکالت در اوایل ، جمع آوری خمس ، زکات و انواع دیگر خیرات و میراث برای امامان از ناحیه شیعیان بود گر چه امکان دارد اهداف دیگری در آن زمان در برداشته باشد ، لیکن ماخذ به ندرت آن ما را ثبت کرد ه اند .

امام صادق (ع) آن چنان هوشیارانه فعالیت های سازمان وکالت را هدایت می کرد که عباسیان به هیچ عنوان قادر نبودند از وجود آن آگاهی یابند . آن حضرت از روی تقیه ، از پیروانش می خواست تا وظایفی را نسبت به سازمان انجام دهند ، بی آن که بدانند در واقع کارگزاران او هستند (1)

شیخ طوسی روایت می کند : نصر بن قابوس لخمی ، بیست سال وظیفه وکالت او را انجام داد ، بدون آن که بداند واقعا به عنوان وکیل حضرت منصوب است . (2)

خلفای عباسی از سال197 . ه ق به بعد ، از زمان مأمون سیاست و روش جدیدی را برای کنترل و مراقبت بیشتر و دقیق تر امامان اتخاذ نمودند و آن عبارت از اقامت اجباری آن ها در پایتخت بود .

این سیاست بر امام رضا ، امام جواد ، امام هادی و امام حسن عسکری (ع) تحمیل شد . لذا آن ها جهت ارتباط با پیروان خود مجبور شدند به گسترش سازمان وکالت بپردازند ، تا در هر شرایطی بتوانند اهداف الهی خود راکه هدایت و راهنمایی مردم باشد ، پی گیری کنند .

به مرور زمان ائمه (ع) به علت عدم امکان تماس مستقیم باپیروانشان ، مسؤولیت های بیشتری را به وکلا واگذ ا ر می کردند .

و اما در دوران غیبت صغری ، غیر از چهار نائب خاص ، افراد دیگری نیز از سوی حضرت ولی عصر (ع) سمت وکالت داشته اند . این افراد درگوشه وکنار در میان شیعیان بوده و با ارتباط با آن حضرت ، مشکلات مردم و شیعیان را حل می کرده اند . تفاوت عمده این وکلا با چهار نائب خاص در این بوده که : نائب با خود حضرت روبه رو می شد ، نامه ها و اموال را تسلیم می کرد و خواسته های آنان را به عرض آن حضرت می رساند و پاسخ های لازم را دریافت می کرد ، ولی نمایندگان مستقیما با امام در ارتباط نبودند ، بلکه با واسطه نائب بوده است . مسؤولیت نائب در نگهداری مردم و حفظ دین در غیاب امام ، مخصوص منطقه ای خاص نبود ، ولی وکیل ونماینده فقط در یک ناحیه و شهر مسؤولیت داشت ، لذا نائب در هر زمان بیش از یک نفر نبود ، ولی تعداد نمایندگان بیشتر بوده ا ند .

و اما اسامی

تعدادی از وکلای حضرت : حاجز بن یزید ملقب به وشاه ، محمد بن جعفر اسدی ، ابن مهزیار ، احمد بن اسحاق اشعری ، قاسم بن علاء ، محمد بن شاذان ، ابو عبداله بزوفری ، احمد بن الیسع ، ابراهیم بن محمد همدانی ابو هاشم جعفری ، حسن بن قاسم بن علاءِ ، العطار ، العاصمی ، ایوب بن نوح ، احمد بن اسحاق رازی محمد بن احمد ابو جعفر ابراهیم بن محمد ، حسن بن محبوب زراد ، عمرو اهوازی ، ابو محمد رجناتی عبداله بن جعفر حِمیری ، اسحاق بن محمد ، قاسم بن محمد همدانی ، بسطام علی ، حسن بن هارون بن عمران همدانی ، حسن بن عیسی عریضی ، یحیی بن محمد عریضی ، محمد بن احمد بن جعفرقطان . این وکلا زیر نظر نواب اربعه به سرپرستی امام زمان (ع) توانستند سازمان سفارت و نیابت را در مقطع حساس به طور شایسته اداره نمایند و مذهب شیعه را ازگزند حوادث مصون دارند (3)

در برخی منابع از وکلا به نمایندگان حضرت مهدی (ع) و یا نمایندگان نواب حضرت تعبیر شده است .

1 . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ص 135 .

2 . غیبه طوسی ، ص 347 .

3 . آخرین امید داود الهامی ، ص 122 .

وظایف نواب خاص

نایبان خاص حضرت ، تلاش ها وکوشش های صادقانه و دلسوزانه ای در جنبه های مختلف اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، علمی و . . . داشتند ، اما عمده وظایف و فعالیت های اساسی که مشترک بین همه

آن هاست ، عبارت است از :

1 . پنهان نگه داشتن نام ، مکان و رفع شک و تردید درباره آن حضرت . از یک طرف نام و محل زندگی امام را نه تنها از دشمنان ، بلکه از شیعیان مخفی نگه می داشتند وبه وکلای خود آموزش می دادند که مبادا اسمی از حضرت به میان آید ، و لذا توانستند شیعیان را از خطر عباسیان مصون دارند ، از سوی دیگر بر آن ها لازم بود که وجود مبارک امام (ع) را برای هواداران مورد اعتماد به اثبات برسانند ، تا خط انحراف نتواند شک و تردید در میان آن ها ایجادکند .

2 . جلوگیری از فرقه گرایی و انشعابات شیعیان .

3 . پاسخ گویی به سؤالات فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی نواب خاص ، سؤالات فقهی و شرعی شیعیان را به خدمت امام (ع) می رساندند و پاسخ آن ها را می گرفتند و به مردم ابلاغ می کردند .

4 . مبارزه با مدعیان دروغین نیابت .

5 . اخذ و توزیع اموال متعلق به امام .

6 . سازماندهی وکلاء بنابه ضرورت در هر منطقه ای وکیلی تعیین شده وگاه چند وکیل در مناطق کوچک تر تحت سرپرستی وکیلی قرار داشتند که امام و بعد نواب برای آن ها تعیین می کردند . این وکلاء اموالی را که بابت وجوهات می گرفتند به شیوه های گوناگونی به بغداد ، نزد نواب می فرستادند و آن ها نیز طبق دستور امام (ع) در مواردی که لازم بود ، به کار می

گرفتند (1)

1 . زندگانی نواب خاص امام زمان علی غفارزاد ه ص 85 .

نیابت عامه

مقامی است که به وسیله ائمه (ع) به ویژه امام زمان (ع) به فقیه واجد شرایط تفویض شده است . امام (ع) ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی را معرفی و بیان می کند .

در هر عصری آن صفات و ویژگی های معین در هر فردی از افراد وجود داشته باشد ، نایب عام امام (ع) شناخته می شود .

امام زمان (ع) در توقیع اسحاق بن یعقوب که به دست نایب دوم- محمد بن عثمان- صادر گشت ، فرمود : و اما رویدادها و پیشامدهایی که در آینده روی خواهد داد ، درباره آن ها به راویان حدیث ما رجوع کنید زیرا آن ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا می باشم . (1)

و امام صادق (ع) فرمودند : هرکس از فقهاء ، نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد ، پس عوام باید از او تقلید کنند (2) .

همچنین از مقبوله عمر بن حنظله ، استفاده می شود که مقام نیابت عامه ، به وسیله خود ائمه (ع) به ویژه حضرت ولی عصر (ع) به فقیه واجد شرایط تفویض شده است (3) از این رو ، در عصر غیبت کبری ، ولی فقیه نیابت عامه را به عهده دارد .

- مقبوله عمر بن حنظله ، و لایت فقیه

1 . کمال ا لد ین ج 2ص483 .

2 . بحارالانوار ج 2 ص 88 .

3 . اصول کافی ج 1ص54 .

اهداف نیابت

نمایندگی و نیابت امام زمان در هدف اساسی داشت :

1 . آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبری وعادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام (ع) وجلوگیری از غافلگیر شدن در موضوع غیبت اگر امام (ع) به طور ناگهانی غیبت می کرد ، چه بسا موجب انکار مطلق وجود مهدی (ع) وانحراف افکار عمومی می شد .

لذا نمایندگان خاص حضرت در دوران غیبت صغری ، افکار عمومی را برای غیبت کبری آماده کردند و لزومی به امتدادغیبت صغری نبود .

2 . رهبری دوستداران امام زمان (ع) و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان یعنی نمایندگان ، خلاء وکمبودی که از ناحیه عدم حضور امام (ع) در اجتماع شیعیان پیدا شده بود را پرکردند وامام زمان (ع) توانست به وسیله آنان ، رهبریِ خویش را درجامعه اعمال کند وشیعیان نیزمنحرف نشوند . (1)

1 . تاریخ الغیبه الصغری , سید محمد صدر , ص 426 .

راه اثبات نیابت

یکی از راه های اثبات نیابت نواب خاص از طرف امام زمان (ع) نشان دادن معجزه وکرامت از طریق نواب بوده است .

بسیاری از امامیه پس از غیبت امام زمان (ع) در حیرت بودند واز طرفی ، از ناحیه حکومت وبرخی فرصت طلبان تبلیغات فراوانی شده بود که حضرت امام حسن عسکری (ع) جانشینی باقی نگذاشته است ، لذا آنان

از پرداخت خمس به عثمان بن سعید واطمینانٍ به ایشان ، بدون آن که کرامت ودلیل قانع کننده ای نشان دهد که حقیقتاً از جانب امام

دوازدهم منصوب شده ، سرباز می زدند .

از این روعثمان بن سعید در بعضی موارد با اظهارکرامات از طریق امام (ع) ، نیابت خود را برای عامه امامیَه تثبیت کرد .

شیخ صدوق در کمال الدین می نویسد : محمد بن علی اسود- رضی الله عنه- گفت : سالی از سال ها ، زنی پارچه ای به من داد وگفت آن را به عثمان بن سعید برسان ، من آن را با پارچه های بسیاری دیگر همراه خودآوردم . چون به بغداد رسیدم ، عثمان بن سعید دستور داد که همه آن را به محمد بن عباس قمی بدهم . من هم تمام آن ها را غیر از پارچه آن زن به وی سپردم . پس ازآن ، عثمان بن سعید پیغام فرستاد که پارچه پیرزن را نیز به وی تسلیم کن . درآن موقع به یاد آوردم که زنی هم پارچه ای از مال امام ، به من داده است . آن را جست وجوکردم ، ولی پیدا نکردم . عثمان بن سعید به من فرمود : غمگین مباش ، که به زودی آن را خواهی یافت . سپس آن را پیدا کردم ، در حالی که صورت حساب آن چه با من بود ، نزد عثمان بن سعید نبود . (1)

1 . بحارالانوار ج 51 ص 335 .

ابو دلف کاتب

اسم او " محمد بن مظفر " است .

به ابوبکر بغدادی ایمان آورده وابوبکر بغدادی ، هنگام مرگش به او وصیت کرد واو را نائب خود دانست . پس از فوت علی بن محمد سمری ، ابودلف

ادعای نیابت از سوی امام زمان (ع) کرد ، با این که از آن حضرت ، توقیعی صادر شده بود که دیگر پس از علی بن محمد سمری نائب خاص نخواهد داشت . (1)

یکی از نزدیکان محمد بن عثمان گفت : ابودلف قبلاً کارش جمع آوری خمس اموال شیعیان بود ، زیرا وی درمیان شیعیان کرخ تربیت شده و شاگردی آن ها را کرده بود . مردم کرخ هم خمس مال خود را می پرداختند وهیچ یک از شیعیان در این خصوص تردید نداشتند . ابودلف هم این معنی را اعتراف می کرد وبه آن افتخار می نمود . او بعدها منحرف شده ومی گفت : آقای من شیخ صالح ابوبکر بغدادی (مرا از مذهب ابوجعفرکرخی) محمد بن عثمان به مذهب خود یعنی مذهب ابوبکر بغدادی منتقل نمود (2) سپس شیخ طوسی اضافه می کند : جنون ابودلف وحکایات فساد مذهب وی ، بیش از این است که شماره شود

1 . آخرین امید ، داود الهامی ص 130 .

2 . غیبه طوسی ص 256 بحارالانوار ، ج51 ص 379 .

احمد بن هلال

احمد بن هلال عبرتایی کرخی بغدادی از مدعیان دروغین نیابت در دوران نایب دوم بوده است .

وی پس از وفات نایب اول ، منکر وکالت محمد بن عثمان شد وخط انحرافی را پیش گرفت . بیشترکتب رجالی او را ملقب به عبرتائی می دانند (1) وشیخ طوسی او را کرخی نامگذاری کرده (2) و بغدادی نیز درباره اوگفته شده است . (3)

وی در سال 180 ه

. ق در " عبرتا " که روستایی بزرگ و از نواحی نهروانِ بغداد است متولد شد ودر سال 267 ه . ق از دنیا رفت . (4)

او قبل از انحرافش از شخصیت والایی برخوردار بوده وعالمی برجسته وعارفی متقی محسوب می شده است . او از عصر امام رضا (ع) بوده تا هفت سال گذشته از غیبت صغری ، وعبارات بعضی از علمای رجال دلالت بر مقام والای او دارد .

نجاشی در رجال خویش می گوید : او صالح الروایه (ع) است و دوکتاب برای وی ذکرکرده است ، کتاب یوم ولیله و نوادر . (5)

احمد بن هلال پنجاه وچهار بار به حج رفته است وبیست نوبت از آن را با پای پیاده حج نموده است . (6)

در توقیعی از ناحیه مقدسه که به دست حسین بن روح- نایب سوم- صادر شد ، حضرت وی را لعنت کرده و به شیعیان امرکرده بود که از وی دوری جویند . (7)

آیت الله خویی رحمه الله می نویسد : شکی نیست که احمد بن هلال از نظر عقیده فاسد است وقابل اعتماد نیست ، بلکه از زندگی او استفاده می شود که به چیزی پای بند نبوده است لذا گاهی غلو می کرده وگاهی اعمال ناصبی بودن از او ظاهر می شده است . . . (8)

1 . فهرست ص 50 رجال طوسی ، ص410 .

2 . غیبت طوسی ص 399 .

3 . رجال طوسی ص 410

4 . فهرست ص 50 رجال نجاشی ج

1 ص 218

5 . رجال نجاشی ج 1 ص 218

6 . اختیار معرفه الرجال ج 2 ص 816

7 . غیبه طوسی ص 399

8 . معجم رجال الحدیث ج 2 ص 348

اولین مدعی نیابت

طبق قول شیخ طوسی اولین کسی که به دروغ ، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان (ع) کرد ، شخصی معروف به شریعی بود .

ابو محمد حسن شریعی از اصحاب امام هادی وامام حسن عسکری (ع) بود که بعداً منحرف شد . (1)

گفتنی است ادّعای دروغین نیابت وی در دوران نایب دوم- محمد بن عثمان- بوده که محمد بن عثمان نیز وی را رسواکرده است .

1 . غیبه طوسی ص 397 .

باقطانی

ابوعبدالله باقطانی در زمان عثمان بن سعید از مدعیان دروغین نیابت بوده ، ولی در زمان محمد بن عثمان از ادعای خود دست برداشته ویکی از نزدیکان محمد بن عثمان به شمار می رفت .

درکتب رجالی ، تصریح به ادعای دروغین نیابت وی نیست . فقط حدیثی در بحارالانوار وجود دارد که از آن حدیث ، نیابت دروغین وی واسحاق احمر (ع) فهمیده می شود . (1)

1 . بحارالانوار ، ج 51 ص 30 .

محمد بن علی بن بلال

از مدعیان دروغین نیابت در عصر نیابت محمد بن عثمان بوده است ابو طاهر محمد بن علی بن بلال ، معروف به بلالی ، یکی دیگر از مخالفین نیابت محمد بن عثمان بود که اموال امام (ع) را تصرف نموده و از دادن آن به نایب دوم امتناع می کرد و ادعای وکالت از طرف امام زمان) ع (را داشت (1) وی قبل از انحرافش ، با امام دهم و یازدهم (ع) رابطه نزدیکی داشت و یکی ازوکلای مهم به شمار می رفت و لذا علمای رجال ، تمجیدهای بسیاری از وی نموده اند که همه اش مربوط به قبل از انحراف او می باشد .

خود به من خبر داد . (2) شیخ طوسی می گوید : ماجرای او با محمد بن عثمان ، که با ادعای نیابت حضرت ، اموالی را ضبط ، و از تسلیم آن به وی خودداری نمود و ادعا کرد که از طرف امام زمان (ع) در اخذ آن ها وکالت دارد ، و دوری

شیعیان از وی و لعن او- که از ناحیه مقدسه توقیع مبنی بر لعنت وی بیررن آمد- معروف است . (3)

طبق روایت شیخ طوسی ، محمد بن عثمان ملاقاتی سری میان امام دوازدهم و بلالی ترتیب داده بود تا به وی ثابت شود که او از جانب امام عمل می کند . ابو جعفر محمد بن عثمان او را به منزلی در جای نامعلوم برد و در آن جاگفته می شود ، امام را ملاقات کردند . امام به بلالی دستور داد وجوهات را تسلیم ابوجعفرکند . (4p) < ابوجعفر پس از ترتیب ملاقات بلافاصله به منزل بلالی رفت و در آن جا هواداران بلالی جمع شده بودند . ابو جعفر از بلالی پرسید : ای ابوطاهر از تو می پرسم ، تو را به خدا ، آیا صاحب الزمان (ع) به تو دستور نداد وجوهات را که نزد توست به من رد کنی بلالی پاسخ داد : آری . سپس ابوجعفر منزل را ترک کرد (5)

1 . غیبه طوسی ، ص400 .

2 . اصول کافی ج1 ص 328 کمال الدین ص 499 .

3 . غیبه طوسی ، ص 400 بحارالانوار ج 51 ص 269 .

4 . غیبه طوسی ص 246

5 . همان

شَلمَغانی

اسم او ابو جعفر محمد بن علی معروف به ابن ابی العزاقری و ابن ابی العزاقیر ، بود .

از جمله کسانی بود که به مخالفت با حسین بن روح- نائب سوم- برخاست واز راه حسد دست به تأسیس مذهب جدیدی زد و پیروانش را " عزاقریه "

می گویند .

او از مردم روستای " شلمغان " از حومه های واسط ویکی از قراء قرآن مجید در آن جا بود .

شملغانی یکی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) ویکی از مؤلفین وعلمای شیعه امامیه بود

و قبل از انحراف ، پیش طائفه امامیه مقامی جلیل داشت و مؤلفات او مورد استفاده امامیه بود ، تا آن جا که حسین بن روح ، در همان روزکه رسماً به مقام نیابت نشست ، پس ازاجرای مراسم این کار ، با جماعتی از وجوه شیعه به خانه شلمغانی رفت ، وهنگامی که پنهان شده بود شلمغانی را به نیابت خود منصوب کرد .

شلمغانی در این دوره بین او وطایفه امامیه رابط بود وتوقیعات حضرت قائم (ع) به توسط حسین بن روح به دست شلمغانی صادر می شد و مردم در رفع حوائج وحل مشکلات خود به او مراجعه می نمودند .

البته درست معلوم نیست که حسین بن روح در چه موقع در خفا می زیسته ودوره استتار او چه اندازه طول کشیده است ، ولی از قرائن معلوم می شود که دوره اختفاء او مصادف با شروع ایام وزارت حامد بن عباس ، 360تا 311 وپایان آن بوده است .

شلمغانی هدایت فعالیت های امامیه را در بغداد وکوفه سال ها به عهده داشت . وی از موقعیتی که حسین بن روح برای او فراهم کرده بود ، سوه استفاده کرد و جاه طلبی و شهرت ، او را به عقاید انحرافی کشاند (1)

شلمغانی می کوشید تا برخی از وکلای امامیه وخاندان ایشان به ویژه وکلای

بسطام را به حسین بن روح پس ازکشف عقایدکفرآمیز شلمغانی ، وی را از سمت خود برکنارکرد وارتداد او را در همه جا منتشر ساخت ؟ نخست در میان خاندان نوبخت و آن گاه در میان سایرین (3)

کتاب های شلمغانی به جهت مقام علمی وتقرب او به حسین بن روح پیش از ارتداد ، نزد امامیه شیوع داشته و در دست همه ایشان بوده است . پس از آن که ارتداد او مسلم شد ولعن او صادرگردید ، عده ای از امامیه از حسین بن روح راجع به کتاب های او سؤال کردند وگفتند : خانه های ما از آن ها پر است ، با آن ها چه بایدکرد ؟ حسین بن روح گفت : جوابْ من در این خصوص همان جوابی است که امام ابو محمد حسن بن علی عسکری (ع) موقعی که مردم در خصوص کتب بنی فضال از او پرسیدند به ایشان داد و فرمود : آن چه را روایت کرد ه اند بگیرید و آن چه راکه به رأی خود آورده اند ، رهاکنید . از سوی امام زمان (ع) توقیعی بر لعن شلمغانی وعده ا ی دیگر مانند او به دست ابوالقاسم حسین بن روح صادر شد . (4)

پس از آن که لعن شلمغانی به دست حسین بن روح شایع گردید ، امامیه بغداد از او دوری جستند وهمه حکایت لعن او را در محافل ومجالس نقل می کردند . شلمغانی برای اثبات حقانیت خیالی خود معارضه با حسین بن روح ومتقاعدکردن امامیه ، کتاب الغیبه خود را در این

ایام تألیف کرد ودر آن به تعرض حسین بن روح پرداخته ومدعی همکاری وهمقدمی با شیخ ابوالقاسم نوبختی در تهیه اسباب کار وکالت و نیابت بوده است . ولی اکثریت امامیه به دعاوی او گوش فرا ندادند و در لعن اوکوشیدند (5)

شلمغانی وطرفداران او را به امر خلیفه در حضور قضات ، فقهاء ، کتاب ورؤسای لشگری چند بار محاکمه کردند . سرانجام حکم قتل او به اتفاق آراء ، تصویب وصادرگردید . قبل از اجرای این حکم ، شلمغانی از قضات سه روز مهلت خواست تا از آسمان یا حکم تبرئه او صادر شود ویا دشمنان او به عذاب دچارگردند ، ولی فقها ، خلیفه را امر به تعجیل در قتل اوکردند وخلیفه دستور داد که در روز سه شنبه 29 ذی قعده سال 322ه شلمغانی وابن ابی عون را گردن زدند وسپس جسدشان را به دار آویختند ودر آخرکار ، نعش آن دو نفر را سوزانده وخاکستر آن را به آب دجله دادند (6)

1 . آخرین امید داود الهامی ، ص134 .

2 . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 372 .

3 . غیبه طوسی ص 1 025

4 . همان ، ص 239 .

5 . احتجا ج طبرسی ج2 ص 289 به نقل ازآ خرین امید ، ص 140

6 . غیبه طوسی ص 255 .

باب

باب در تاریخ ائمه معصومین (ع) فرد مورد اعتماد و رابط خاص میان امام و پیروان او را می گویند .

بابیت سمتی بوده در حضور حضرات معصومین که در تاریخ , حالات آن مشخص که

چه کسی از اصحاب فلان امام , حائز این منصب بوده است . از جمله : رشید هجری, باب امام مجتبی (ع) یحیی ابن ام طویل ,باب امام سجاد (ع) , جابر بن یزید جعفی , باب امام باقر (ع) بوده اند .

در عصر غیبت صغری ,باب , لقب نواب اربعه آن حضرت بوده که آن چهار تن ابواب آن حضرت بوده و شیعیان در آن عصر , به وسیله آن ها به امام خود راه می یافتند و مشکلات خود را به حضرتش عرضه می کردند, امام در همان عصر , شیادانی بودند که از این لقب (باب) و (بابیت) سوء استفاده کرده , خود را بدان مشهور ساخته و به فریب عوام الناس می پرداختند و با توجه به این که آنان از پیش به این بیت رفیع مرتبط بوده و یا دم از تشیع می زدند, مورد پذیرش عوام واقع می شوند .

کسانی که به دروغ دعوی بابیت و نیابت حضرت می زدند , مورد پذیرش عوام واقع می شوند . کسانی که به دروغ دعوی بابیت و نیابت حضرت مهدی (ع) در آن عصر را داشته اند , بر حسب نقل شیخ طوسی علیه الرحمه عبارت بودند از : شریعی , محمد بن نصیر نمیری یا فهری, احمد بن هلال کرخی , حسین بن منصور حلاج, ابوالعز اقر شلمغانی ، ابو دلف کاتب البته برخی از آنها در عهد امامت حضرت عسکری (ع) دعوی نیابت وبابیت از آن حضرت داشتند از جمله فهری یا نمیری

وحسن بن محمد بن بابا قمی که حضرت مکرر آنها را لعن ونفرین می نمود . (1)

1 . بحارالانوار ج 29 ص 317 .

توقیع

توقیع در لغت یعنی : نشان گذاشتن ، امضاء کردن نامه ، نوشتن عبارتی در ذیل نامه وکتاب . (1) واصطلاحاً به دستورها ونامه های خلفا وپادشاهان گفته می شود .

درکتب علمای شیعه به نامه ها وفرمان هایی که در زمان غیبت از طرف امام غایب ، به شیعیان رسیده توقیعات می گویند .

درکتاب کمال الدین صدوق وغیبت شیخ طوسی واحتجاج طبرسی و بحارالانوار مجلسی ، حدود هشتاد توقیع از ناحیه مقدسه نقل شده است که محتوای آن ها ، برخی خطاب به سفرا ونواب خاصی است وبرخی خطاب به علما وفقهاست ، بعضی در پاسخ به سؤالات است وبرخی در تکذیب ولعن کسانی است که به دروغ ادعای نیابت از طرف آن حضرت را داشتند . (2)

درباره توقیعات ، اولین سؤالی که معمولا مطرح است ، این است که آیا آن ها به خط مبارک خود حضرت بوده یا آن که به املا ی حضرت وخط دیگری است بعضی ها معتقدند که کاتب آن توقیعات خود حضرت بوده است وحتی خط مبارکش میان خواص اصحاب وعلمای وقت معروف بوده وآن را به خوبی می شناختند . مثلا محمد بن عثمان عمری می گوید : از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شدکه خطش را خوب می شناختم . (3)

ویا شیخ صدوق می گفت : توقیعی که به خط امام زمان برای پدرم صادر شده بود ، اکنون نزد

من موجود است . (4)

لکن در مقابل قراینی است که توقیعات به خط خود امام نبوده است مثلا : ابونصر هبه الله روایت کرده که توقیعات صاحب الامر به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری (ع) صادر می شد ، به وسیله عثمان بن سعید ومحمد بن عثمان برای شیعیان صادر می گشت . (5) می توان چنین گفت که توقیعات در عین صحت صدور ومتن ، به خط امام نبوده است ، بلکه امام حسن عسکری (ع) کاتب مخصوصی داشته که تا زمان عثمان بن سعید ومحمد بن عثمان زنده ومتصدی نوشتن توقیعات بوده است . (6)

به هر حالا ممکن است برخی توقیعات با خط مبارک خود امام صادر شده باشد وبرخی دیگر با املای امام وکتابت دیگری صادر شده باشد واین هیچ خللی از این که توقیعات از طرف حضرت بقیه الله می باشد ، وارد نمی سازد . (7)

از معروف ترین توقیعات حضرت را می توان : توقیع برای شیخ مفید وتوقیع برای علی بن محمد سَمری نام برد که در آن ، حضرت ، آغازغیبت کبری را اعلام می کند .

نگاهی گذرا به مجموع توقیعاتی که از طرف امام زمان (ع) برای شیعیان آمده ، می رساند که امام غایب چون پیشوای حاضر ، کمال مراقبت و دلسوزی را نسبت به شیعیان و دوستان خود دارد وبه هدایت راه جویان وتربیت نفوس و معرفی نواب اربعه و افشاگری مدعیان کاذب نیابت ، علماً و عملا قیام می فرماید ، به طوری

که درماندگان وگرفتارانی که صمیمانه از او یاری طلبیده اند ، گشایش کار و حل مشکل خود را دیده اند و دانش طلبانی که در معضلات علمی و دینی درمانده اند ، از اشراقات والهامات حضرتش روشن وهدایت شده اند .

همه این فیوضات را به صورت پاسخ پرسش ها در توقیعات صادره از ناحیه مقدسه می بینیم . علاوه بر این ها ، نهان بینی ورازگویی و اخبار از غیب ، در بسیاری از توقیعات وجود دارد که نه تنها موجب اطمینان خاطر بیشتر برای مردم آن زمان ، بلکه برای خواننده امروز هم می شود و می فهمد که چگونه امام با دانشی که از گنجینه علم الهی بارور شده است ، بر ضمایر اشراف دارد و قصد و نیت اشخاص را می داند واز پسر یا دختر بودن مولود وروز مرگ افراد با خبر است وپشاپیش آن را اعلام می فرماید ، واز حلال یا حرام بودن مالی که به حضورش تقدیم شده خبر می دهد وحرام آن را رد می کند واگر تقدیم کننده نام خود را بر خلاف بنویسد از دانش امام پنهان نمی ماند وحقیقت به او یاداوری می شود

این ها همه ، اندکی از تجلیات مقام ولایت است که از آینه توقیعات نمایان شده است .

1 . فرهنگ معین ج 51 ص1169

2 . سیمای آفتاب ص 242

3 . بحارالانوار ، ج 51 ، ص 349 .

4 . انوار نعمانیه ج 3 ص 24

5 . بحارالانوارج 51ص 346

6 . گستر جهان ابراهیم امینی ، ص 134 .

7 . سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ص

. 245

توقیعی ابتدایی

توقیع ابتدایی یعنی بدون این که از حضرت سؤالی بکنند ونامه ای خدمت حضرت بفرستند ، حضرت خودش مبادرت به ارسال آن توقیع نماید .

مانند توقیعی که از ناحیه امام زمان (ع) خطاب به محمد بن جعفر اسدی توسط محمد بن عثمان عمری صادر شد ودر آن ، حضرت کسانی که اموال امام زمان (ع) را برای خود حلال دانسته وبه ناحق آن را می خورند ، ملعون می شمارد . (1)

1 . کمال الدین ، ج 2 ، ص 522 بحارالانوار ، ج 53 ص 83 1 .

حمیری قمی

شیخ ابوجعفر محمدبن عبداله بن جعفر بن الحسین بن جامع بن مالک حمیری قمی متوفای بعد از 298 ق از محدثان گران قدر و دانشوران نامدار شیعه در اوایل غیبت صغری بوده است . پدرش از اصحاب بزرگوار امام حسن عسکری (ع) و از مؤلفان و محدثان مورد وثوق به شمار آمده و از آثار ارزشمند او ، جمح آوری و تدوین توقیعات بوده است . همچنین احمد ، جعفر و حسین- برادران دیگر شیخ ابوجعفر حمیری ، از محدثان برومند و نامدار شیعه بوده اند و با حضرت بقیه الله (ع) مکاتبه داشته اند .

نسبت حمیری از آن جهت است که این خاندان از نسل قبیله " حمیر " از قبایل بزرگ یمن بوده اند و . عنوان قمی ، به اعتبار اقامت در شهر مقدس قم می باشد .

شیخ ابوجعفر حمیری ، از اساتید شیخ کلینی متوفی 329 ه ق به شمار آمده است . همچنین علی بن حاتم

قزوینی کتاب هایش را از وی روایت نموده ، و نیز شیخ صدوق متوفی 381ه ق به واسطه احمد بن هارون فامی و جعفر بن الحسین از او روایت کرده است .

جعفر بن محمد بن قولویه متوفی369ه ق هم از حمیری حدیث گرفته است . حمیری آثار ارزشمندی داشته ، از جمله : کتاب الحقوق ، کتاب الاوائل ، کتاب السماءِ ، کتاب الارض ، الغیبه والحیره ، کتاب المساحه والبلدا ن ، قرب الاسناد ، کتاب ابلیس و جنوده ، وکتاب الاحتجاج نیز در ابواب مختلف شریعت ، مسائلی از حضرت ولی عصر (ع) پرسیده است .

سه توقیع از سوی آن حضرت در پاسخ به سؤالات او صادرگردیده است ؟ در یکی از این توقیعات پس از جواب سؤالات ، امام زمان (ع) ، زیارت یاسین را مرقوم داشته اند و شیعیان را به آن افتخار بخشیده اند . (1)

1 . رجال نجا شی ص 52 1 الذریعه ، ج 4 ص401 تنقیح المقال ج 3 ص 139 .

نواب اربعه

سفیران چهارگانه امام زمان (ع) در غیبت صغری بودند .

در تمام مدت غیبت صغری ، این چهار نفر میان امام زمان (ع) و مردم واسطه بودند و آنان نامه ها و عرایض شیعیان را به امام غایب می رساندند و به دستور حضرت ، به آنان پاسخ می دادند . این پاسخ ها به صورت توقیع از ناحیه مقدسه صادر می گردید . مرحوم مجلسی همه این توقیعات را در بحارالانوار آورده است . آن چهار نفر عبارتند از :

1 . ابو عمرو عثمان بن سعید عمری

2 . ابو جعفر محمد بن عثمان عمری

3 . ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

4 . ابوالحسن علی بن محمد سمری

به نواب اربعه ، نواب خاص هم اطلاق می شود وظایف و فعالیت های اساسی نواب اربعه را می توان چنین برشمرد .

1 . مخفی داشتن نام و جایگاه امام

2 . اخذ و توزیع اموال متعلق به امام

3 . پاسخ گویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی مردم

4 . مبارزه با مدعیان دروغین نیابت

1 . زندگانی نوا ب خاص امام زمان (عج) ، علی غفارزاد ص 277 .

2 . سوره صف 8 .

3 . سوره زمر69 .

ناثرنجوم

به معنای فرو ریختن ستاره وکنایه ازکثرت درگذشت علما ومحدثان است .

سال 329ه . ق را سال تناثر نجوم نامگذاری کرد ه اند (1)

همان سالی که علی بن محمد سمری نائب چهارم امام زمان (ع) رحلت کرد .

مرحوم کلینی صاحب کافی ، و علی بن بابویه قمی نیز از جمله کسانی هستند که در این سال وفات یافتند . (2)

1 . تتمه المنتهی ص303, سفینه البحا ر ، ج6 ، ص 432 .

2 . بحارالانوار ج 58 ص233 .

حسین بن روح

سومین نائب خاص از نواب اربعه ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است .

وی در میان شیعیان بغداد ، از اشتهار خاصی برخوردار بود و یکی از افراد مورد اطمینان و اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می رفت .

بعد از ابوسهل اسماعیل بن علی مشهورترین افراد خاندان نوبختی ، ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر است و عمده اشتهار او به واسطه مقام دینی بزرگی است که در میان شیعه امامیه دارد و از نواب اربعه حضرت قائم (ع) محسوب می شود . (1)

تاریخ تولد وی درکتب تاریخ و رجال مشخص نشده است و همین مقدار روشن است که در زمان حیات محمد بن عثمان یکی ازکارگزاران وی بوده است و در بین سال های 305- 326ه ق به عنوان نایب امام زمان (ع) ، واسطه میان امام و شیعیان بوده است .

برخی گفته اند حسین بن روح قمی بوده است . روایت کشی او را ملقب به قمی ذکر می کند

(2) .

در تاریخ الاسلام ذهبی اشاره به قمی بودن او شده است . (3)

وی به زبان آبه از نواحی قم تکلم می کرده است . (4) با وجود این ، بین نوبختی بودن و قمی بودن نایب سوم ، به یکی از دو صورت می شود ، ارتباط برقرارکرد و آن ها را جمع کرد :

1- وی در اصل ، قمی بوده و از طرف مادر ، نوبختی نامیده شده است . (5)

2- وی از شاخه " بنو نوبخت " قم بوده و در زمان نخستین سفیر ، به بغداد مهاجرت کرده است . (6)

" محمدبن عثمان " از دویا سه سال قبل از وفات خود ، با ارجاع بعضی از شیعیان به حسین بن روح " که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می بردند ، زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان (ع) همواره می نمود . نخستین توقیعی که راجع به حسین بن روح " از ناحیه مقدسه صدوریافت ، در سال 305ه ق بود . در آن توقیع آمده است : " اوکاملاً مورد وثوق و اطمینان ماست و در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می گرداند .

با این که محمدبن عثمان غیر از حسین بن روح نه وکیل دیگر در بغداد داشت و همگی زیر نظر وی فعالیت می کردند ، اماحسین بن روح به نیابت امام زمان (ع) انتخاب شد . عفت آن علاوه بر متکلم و فقیه بودن

، بردباری ، هوشیاری و اخلاص او در آن موقعیت خاص سیاسی بود .

" حسین بن روح " با همکاری ده وکیل در بغداد و با وکلای سایر بلاد اسلامی ، کار خویش را در سمت نیابت امام زمان (ع) شروع کرد و توانست با روش معقولانه و منطقی ، درمیان دوست و دشمن ، از مقبولیت بالایی برخوردار باشد .

بنابر شهادت مورخین قرون اولیه و محدثین متقدم ،

او اعقل الناس زمان خود بوده است و از داناترین افراد به شمار می رفت .

" حسین بن روح " بیست ویک سال نیابت حضرت را به عهده داشت و در ماه شعبان سال326ه ق وفات یافت . (7)

قبر او در نوبختیه در جانب غربی بغداد است . (8)

1 . خاندان نوبختی اقبال آشتیانی ، ص 212 .

2 . اختیار معرفه الرجال ، ج 2 ، ص 831 .

3 . تاریخ الاسلام ذهبی ، ص 190- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ، ص 212 .

4 . کمال الدین ج 2 ص 3 50 .

5 . غیبه طوسی ص 371 خاندان نوبختی ، ص 214 .

6 . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ص 192 .

7 . خاندا ن نوبختی ص 221 .

8 . زندگانی نوا ب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده ص 278 .

علی بن محمد سمری

چهارمین و آخرین نایب از نوَاب خاص امام زمان (ع) ، ابو الحسن علی بن محمد سمری است که پس از " حسین بن روح " عهده

دار مقام نیابت گردید .

موثق بودن و جلالت او مشهورتر از آن است که ذکر شود . نیابت او از طرف امام زمان (ع) به سفارش " حسین بن روح " صورت گرفت (1)

وی از خاندانی متدین و شیعه بوده است که در خدمتگزاری به سازمان امامیه از شهرت بسیاری برخوردار بودند و همین اصالت خانوادگی او ، باعث شد که در سفارت ، با مخالفت چندانی مواجه نگردد . (2)

بسیاری از اعضای این خاندان همچون حسن و محمد ، فرزندان اسماعیل بن صالح و علی

بن زیاد ، در بصره املاکی بسیاری داشتند . آنان نیمی از درآمد این املاک را وقف امام یازدهم (ع) کرده بودند که امام ، هر ساله درآمد آن را دریافت و با ایشان مکاتبه می کرد . (3) شیخ طوسی او را جزء اصحاب امام حسن عسکری (ع) به شمار آورده (4) و حضرت با وی مکاتباتی داشته است . شش روز قبل از رحلت سمری ، توقیعی از سوی امام دوازدهم (ع) صادر شد که در آن ، صاحب الامر ، مرگ نایب چهارم را پیشگویی و زمان مرگ او را نیز تعیین کرده بود .

متن توقیع ، نمایان گر پایان غیبت صغری و انقطاع نیابت خاصه و آغاز غیبت کبری و نیابت عامه است . متن توقیع چنین است : ای علی بن محمد سمری خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد . تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد

پس امر حساب وکتاب خود را جمع و جورکن ، و درباره نیابت و وکالت ، به هیچ کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند ، زیرا غیبت کامل فرا رسیده است .

دیگر تا آن روزی که خدای تبارک و تعالی بخواهد ، ظهوری نخواهد بود و آن ، پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ستم و بیداد پرگردد . به زودی از شیعیان من ادعای مشاهده خواهند کرد . بدان هرکس که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه و بانگی از آسمان ، ادعای دیدن من را نماید ، دروغگو و تهمت زننده است . قدرت و توانایی از آنِ خداوند بلند پایه بزرگ است و بس . (5)

حضار از توقیع شریف ، نسخه برداشته و از نزد او بیرون رفتند و چون روز ششم شد ، به سوی او بازگشتند و دیدند نزدیک است جان به جان آفرین تسلیم کند . به وی گفتند : جانشین شما کیست ؟ فرمود : خدا را مشیتی است که خود انجام خواهد داد . این مطلب راگفت و درگذشت .

" علی بن محمد سمری " در سال 329 ه . ق وفات یافت و قبر او در بغداد ، در خیابان معروف به خلنجی ، جنب ربع المحول ، نزدیک نهر ابوعتاب می باشد . (6) او سه سال امر نیابت حضرت را به عهده داشت .

1 . تنقیح المقال ج 2ص 305

2 . آخرین امید داود الهامی ص 109 .

3 . همان ص108

4

. رجال طوسی ص 432 .

5 . کمال الدین ج 2 ، ص516 بحا رالانوار ج 51 ، ص 360 اعلام الوری ص 417 .

6 . غیبه طوسی ، ص 396 .

عثمان بن سعید

ابوعمرو عثمان بن سعید عمری ، نخستین سفیر حضرت مهدی (ع) بود و در سامرا اقامت داشت . وی از سوی امام هادی و امام عسکری (ع) وکیل و نماینده بود . وی مورد اعتماد امام هادی (ع) بود و آن حضرت به یاران خود می فرمود : ابوعمرو مردی ثقه و امین است وهرچه به شما بگوید از جانب من است ، وآن چه به شما می رساند از جانب من می رساند . عثمان بن سعید امام حسن عسکری (ع) را غسل داد وکفن و حنوط کرد و به خاک سپرد . (1) او توانست سرشناسان امامیه را قانع سازد بر این که امام دوازدهم برای محفوظ ماندن از دست دشمنان در پرده غیبت به سر می برد و آن ها را متقاعد ساخت که خود نماینده راستین آن حضرت باشد . موقعیت ممتاز او در زمان امام دهم و یازدهم (ع) سبب شد که وکلا دعوی وی را بپذیرند ، بدون این که او را مورد سؤال قرار داده و معجزه یا حجتی از وی بخواهند (2)

عثمان بن سعید از زمان امام حسن عسکری (ع) ، رئیس وکلای امام بود و تمام وجوهاتی که شیعیان توسط وکلا می فرستادند ، همه به وی تحویل داده می شد و او نیز

آن را خدمت امام تقدیم می کرد .

پس از وفات امام عسکری (ع) نیز به طور مخفیانه سازمان وکالت را اداره می کرد . (3) پس از وفات عثمان بن سعید ، حضرت مهدی (ع) طی نامه ای به فرزندش تسلیت فرمود . عثمان بن سعید چون درگذشت او را در جانب غربی بغداد در شارع المیدان ، در اول محل ، که معروف به " درب الجبله " است ، در داخل مسجد ، درب راست که داخل می شوند و قبر در خود قبله مسجد قرار دارد .

در منابع امامیه به تاریخ وفات او اشاره نشده است و مورخان متاخرکوشیده اند تاریخ تقریبی نشان دهند و نوشته اند رحلت وی باید پس از سال 260 ه تاریخ وفات امام عسکری (ع) - و قبل از سال 267 اتفاق افتاده باشد . (4)

برای عثمان بن سعید دو فرزند به نام های محمد بن عثمان - که بعدها دومین نایب امام زمان شد- و احمد بن عثمان ذکر شده است (5)

وی از یازده سالگی در محضرامام هادی (ع) به خدمتگزاری وکسب فقه و حدیث و تعالیم اسلامی اشتغال داشته است ، و به القابی در میان شیعیان مشهور شده است :

1 . سمان یا زیات روغن فروش : او را سمّان یا زیات می گفتند زیرا برای پوشش نهادن به مقام والای " وکالت " و نیابت (ع) به تجارت زیتون اشتغال داشت ، تا به این وسیله در آن روزگارکه خفقان و اختناق

عجیبی بر جهان پهناور اسلامی و به خصوص شیعیان و دوستداران اهل بیت حاکم بود ، خود را از شر دستگاه خلافت ، حفظ نماید .

روش وی چنین بود که شیعیان ، اموالی را که برای امام حسن عسکری (ع) می آورند به وی تسلیم می کردند و او از ترس دستگاه عباسی ، آن اموال را میان ظرف روغن پنهان نموده و بدین گونه به خانه امام (ع) می رسانید . (6)

او برای پوشش نهادن به موقعیت حساس خود ، در بازار روغن فروشان برای ارتش روغن و اجناس دیگر حمل می کرد (7)

2 . اسدی : چون از قبیله بنی اسد بود لذا به او اسدی می گفتنند

3 . عسکری : عثمان بن سعید را " عسکری " نیز می گفتند ، زیرا او از محله عسکر سامرا بوده است . (8)

4 . عمری : به این لقب شهرت بیشتری دارد . دو علت انتساب وی به عَمری بین علمای رجال اختلاف است . شیخ طوسی در الغیبه ، می نویسد : گروهی از شیعیان گفته اند : حضرت امام عسکری (ع) فرمود : اسم " عثمان " وکنیه او " ابو عَمرو " در یک شخص جمع نمی شود و دستور دادندکه کنیه او را بر هم زنند و از آن وقت عمری خوانده شد .

عثمان بن سعید ، وکیل خاص و نماینده سه امام معصوم ، امام هادی ، امام حسن عسکری و امام زمان (ع) بود .

وی محرم اسرار

امام حسن عسکری (ع) بود . وقتی امام مهدی (ع) متولد شد ، امام حسن عسکری (ع) گفت : پیکی دنبال عثمان بن سعید بفرستید . یک نفر فرستاده شد و و عثمان بن سعید آمد . امام حسن عسکری (ع) فرمود : ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بخر و آن را تقسیم کن و به خاطر آن مولود ، چندین گوسفند عقیقه کن . (9)

امام مهدی (ع) به وکالت و نیابت عثمان بن سعید در مقابل جمعیت و هیأت اهالی قم اشاره کرد و آنها را به عثمان بن سعید ارجاع داد (10)

عثمان بن سعید حدود پنج سال نیابت حضرت را به عهده داشت و وقتی از دنیا رفت ، خاطر شریف امام زمان (ع) نیز محزون گردید و طی نامه شریفی به فرزند بزرگوارش محمد بن عثمان تسلیت گفت و او را به جای پدرش منصوب کرد . (11)

مرحوم علامه مجلسی در " بحار " زیارتنامه ای را برای عثمان بن سعید نقل کرده است که اینگونه شروع می شود : السلام علیک ایها العبد الصالح ، الناصح له و لرَسوله ولاو لیائه . (12)

1 . بحارالانوار ج 51 ص346

2 . اصول کافی ج 1ص329

3 . اختیار معرفه الرجال ص532 .

4 . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ص156 .

5 . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ، ص 105 .

6 . غیبه طوسی ص 354 .

7 .

روزگار رهایی ، ج1 ص 1 29 .

8 . غیبه طوسی ص 354 .

9 . همان .

10 . کمال الد ین ، ج 2 ص 476 .

11 . بحارالانوار ، ج 51 ص 347 کمال الدین ، ج 2 باب توقیعات ، ص 510

12 . بحارالانوار ج 02 1 ، ص 293 .

ابو ها شم جعفری

اشاره

اسم او ابوهاشم داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب معروف به جعفری است .

سید بن طاووس نوشته است که او از جمله نمایندگان ونواب معروفی است که شیعیان قائل به امامت حضرت عسکری (ع) در نیابت آن ها اختلافی ندارند ونیز مؤلف کتاب الزام الناصب نیز او را از نائبان بی واسطه حضرت ولی عصر (ع) دانسته است . (1)

شیخ حر عاملی درباره او می گوید وی از اهالی بغداد بوده ، ثقت و جلیل القدر و دارای شخصیتی ارزنده و مورد احترام ائمه (ع) می باشد . امام جواد ، امام هادی و امام عسکری (ع) را در کرده و در خدمت آن ها بوده است شده که حضرت رضا (ع) را نیز درک کرده است . (2)

درکتاب الفهرست شیخ طوسی آمده است که : او امام رضا ، امام جواد ، امام هادی وامام عسکری (ع) و وجود مقدس امام زمان (ع) را زیارت کرده واز آن هاروایت نموده است . (3) وی در سال 261از دنیا رفت وظاهرا در بغداد به خاک سپرده شد .

(4)

1 . آخرین امید داود الهامی ص 121

2 . وسا یل الشیعه ج 20ص 190 .

3 . جامع الرواه ، ج ا ، ص 307 رجال شیخ طوسی ص 414

4 . معارف ومعاریف ج 1 ص 487 .

محمد بن جعفر اسدی

ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی یکی از وکلای حضرت در منطقه ری بود .

از زمان نواب امام زمان (ع) عده ای از مردم موثق بودند که از طرف نواب توقیعاتی برای آن ها می رسید یکی از آن ها ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی بود (1)

صالح بن ابی صالح می گوید : در سال 290هجری عده ای از من خواستند که چیزی را به عنوان مال امام از آن ها بپذیرم ولی نپذیرفتم نامه ای نوشتم وکسب تکلیف کردم .

جوابی برای من آمد که : محمد بن جعفر اسدی در ری است ، مال به او تحویل داده شود که او از موثقین ما است . اسدی در ماه ربیع الثانی سال 312 در حالی که مردم او را به عدالت می شناختند ، بدون تغییر عقیده به جهان باقی شتافت (2)

توقیعی از ناحیه مقدسه به وسیله محمد بن عثمان به دست وی رسیده که مشتمل بر پاسخ های حضرت به سؤالات محمد بن جعفر اسدی است (3) توقیع دیگری از ناحیه امام زمان (ع) خطاب به محمد بن جعفر اسدی توسط محمد بن عثمان صادر شده است ، بدون این که از حضرت سؤالی بکنند و نامه ای خدمت حضرت بفرستند ، حضرت خود ش مبادرت

به ارسال این توقیع نموده و در آن کسانی که اموال امام زمان (ع) را برای خود حلال دانسته و به ناحق آن را می خورند ملعون می شمارد (4)

1 . غیبه طوسی ص 415 .

2 . همان

3 . کمال الدین ج 2ص 520 .

4 . کمال الدین ج 2 ص 522 .

حسن بن قاسم بن علا

وی از وکلای حضرت مهدی (ع) شمرده شد ه است (1)

1 . آخرین امید , داود الهامی ص122 .

محمد بن احمد قطان

وی از وکیلان نایب دوم - محمد بن عثمان- در بغداد بودکه به ملاقات امام زمان (ع) نایل آمد (1)

1 . کمال الدین ص 442 .

محمد بن ابراهیم بن مهزیار

سید ابن طاووس ، او و پدرش ابراهیم بن مهزیار را از وکلا و نواب معروف دانسته که شیعیان امامیه در نیابت او و پدرش اختلافی ندارند .

صدوق نیز او را جزء وکلای منصوب از ناحیه امام زمان (ع) دانسته و در توقیعی که در شأن او وارد شده چنین آمده است . ما تو را به جای پدرت منصوب کردیم ، پس خدا را سپاسگزار باش (1)

بنا به روایت کلینی و مفید ، وی چند روز بعد ، نامه ای مبنی بر جانشینی پدرش در اهواز دریافت کرد (2)

1 . غیبه طوس ص 220 .

2 . آخرین امید داود الهامی ، ص 161 .

غیبت کبری

فقیهان

عالمان و فقیهان ، حافظان دین خدا در روی زمین اند و راهنمایی و ارشاد مردم در دست آنان است .

آنان با تحمل زحمات ، مسائل دینی را از منابع شرعی استخراج کرده ، در دسترس مردم قرار می دهند ، ولی در آخر الزمان وضع دگرگون می شود و عالمان روزگار بدترین عالمان خواهند بود رسول خدا (ص) دراین باره می فرمایند : فقیهان آن روزگار ، بدترین فقیهانی اندکه در زیر آسمان به سر می برند . فتنه و آشوب ، از آنان آغاز می شود و به آنان نیز باز می گردد . (1)

1 . بحارالانوارج 52 ، ص 190 ثواب الاعمال ص 130 .

مردان آخر الزمان

در روایات برای مردانی که در آخرالزمان دچار آسیب شده اند ، نشانه هایی ذکر شده است . معمولاً اسلام توقعش از مرد این است که حس غیرت دینی و مهابت الهی داشته باشد . روایات حاکی است که در سیمای مبارک خود امام زمان (ع) هم مهابت الهی وجود دارد . یعنی در چهره مبارک امام زمان (ع) در عین ملاحت و شیرینی ، نوعی مهابت و ترس الهی هم وجود دارد و ترکیبی از ملاحت و مهابت درآن دیده می شود .

اما در آخرالزمان بنابرآن چه از روایات به دست می آید ، اگر شما در بین بیست مرد کمتر یا بیشتر ، چهره هایی را مورد ارزیابی و شناسایی قرار دهید ، نمی توانید کسی را پیداکنید که در چهره اش هیبت و مهابت الهی و آثار ترس از خداوند وجود داشته

باشد .

اهل معصیت خیلی راحت در برابرشان مرتکب معصیت می شوند وآن ها هم هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهند .

روایت دوم درباره نشانه ها و خصلت های منفی مردان آخر الزمان می فرماید یطیع الرجل زوجته و یعصی والدیه مردان دوره آخر الزمان از اطاعت و احترام والدین دوری می کنند ، در عین حال یک گرایش و اطاعت وپیروی صد درصد از همسران خود در رفتارشان دیده می شود . باز روایت دیگر می فرماید : یکون الرَجل همه بطنه و قبلته زوجته و دینه دراهم مردانی وجود دارند که تمام همت و عزم شان برای پرکردن شکم های شان است و اصلاً به فکر معیشت دیگران نیستند . همسران شان قبله آن ها می باشند قبلته زوجته گویا این زن ها خدای مردان خود شده اند و برای آن ها اطاعت از همسر ، اطاعت از خدا به حساب می آید و دین آن ها هم پولشان می گردد یعنی برای آن ها مقدس ترین و مهم ترین مسئله پول و ثروت است . روایت دیگری از این حکایت می کند که مردان از مرد بودن خودشان خسته می شوند : لعن الله المخنثین من الرجال تعبیر روایت این است که این ها از صفات مردانه خود خسته شده و سعی می کنند که گرایش ها ، تمایلات و حالت های زنانه را در خودشان نمایان کنند . این گرایش ها ممکن است در حرف زدن ، آرایش و آراستگی ، طرز پوشش و یا تفکر باشد . در نقطه مقابل هم حتی روایتی داریم که والمترجلات من

النساء زنانی هم پیدا می شوند که این ها می خواهند خصوصیات مردان را در خودشان ایجاد کنند و مثل مردان شوند . روایت دیگری می فرماید : یتسمن الرجال للرجال والنساء للنساء و یا یا یتمشط الرجل کما یتمشط المرأه لزوجها امّا یکی از آفت هایی که در دوره آخر الزمان برای مردان به وجود می آید این است که به جای آراستگی دست به آرایش می زنند . آراستگی با آرایش امر بسیار متفاوتی است . یا در روایت دیگر می فرماید که : بعضی از مردها در دوره آخرالزمان خود را برای دیگران آرایش می کنند ، همانند نوعروسی که برای داماد آرایش می کند .

آفت خطرناک تر ، این که در آخرالزمان یتنافس فی الرجل یغار علیه من الرجال یعنی در آخرالزمان باندهایی به وجود می آیند که طرفدار همجنس بازی هستند و در این راستا مردان ، هوسرانی های خودشان را به یکدیگر اختصاص می دهند . روایت می فرماید که یتنافس فی الرجل یعنی ممکن است با هم رقابت داشته باشند و بعد می فرماید یغار علیه من الرجال یعنی ممکن است دو مرد بر سر مرد دیگری یا فرد دیگری ، با هم غیرت و حسادت داشته باشند و هر یک رقیب دیگری برای رسیدن آن فرد باشد (1)

1 . نشریه موعود شماره32 ص 31 .

حکومت اسلامی در غیبت کبری

بیشتر فقهای شیعه ، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت ضروری می دانند و بر این باورند که فقهای عادل ، باید به این مهم اقدام کنند و اگر یکی از آنان تشکیل حکومت داد ،

بر دیگران واجب است که از او پیروی کنند .

در مقابل ، شماری برآنند که اقامه حکومت از شؤون امام معصوم (ع) است ، بنابراین در عصر غیبت تشکیل حکومت جایز نیست . این تفکر ، که نخست به صورت یک اختلاف نظر فقهی کلامی مطرح بود ، در این اواخر رنگ سیاسی به خود گرفت . این تفکر ، چون تضادی با خود کامگی حکام نداشت ، بلکه غیر مستقیم ، توجیه گر اعمال آنان نیز بود ، از سوی آنان حمایت و ترویج شد ، تا جایی که پیش از انقلاب اسلامی ، هواداران این اندیشه به صورت تشکیلاتی منسجم درآمدند .

با نگاهی به گفته ها و نوشته های طرفداران این نظریه و دلایلی که بدان استناد کرده اند ، می توان گفت که این باور از سه راه سرچشمه گرفته است :

1 . برداشت از روایاتی که گسترش ستم و فساد را از نشانه های ظهور امام زمان (ع) معرفی می کند .

2 . استناد به روایاتی که از هرگونه قیامی در عصر غیبت ، نهی و به سکوت و سکون و صبر در بلاها دعوت کرده است .

3 . تفسیر از امامت و رهبری و تصور این که تشکیل حکومت در عصر غیبت ، دخالت در قلمروکار امام معصوم (ع) است .

و اما تلاش مردم ، به ویژه فقها برای حاکمیت قسط و عدل و ایجاد حکومت اسلامی جایز بلکه واجب است . آیا می توان گفت که در طول مدت غیبت صغری ، که بیش از هزار سال

از آن می گذرد و ممکن است هزارها سال دیگر ادامه داشته باشد ، اجرای احکام اسلام لازم نیست بدون تردید ، پاسخ منفی است چرا که لازمه سخن فوق ، این است که احکام اسلام ، محدود به صدر اسلام و زمان حضور معصوم باشد و این بر خلاف ضروریات اعتقادی اسلام است و به گفته حضرت امام خمینی (رحمه الله) : اعتقاد به چنین مطالبی ، یا اظهار آن ها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است . . . هرکه اظهارکند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد ، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلا م را انکارکرده است . (1)

بر همین اساس ، بعضی از فقهای شیعه ، از جمله امام خمینی ، در دوره غیبت ، تشکیل حکومت اسلامی را واجب می دانند و بر این باورند که اگر یکی از فقها تشکیل حکومت داد ، بر دیگران واجب است از او پیروی کنند و اگر تشکیل حکومت اسلامی به جز از راه قیام و اقدام دسته جمعی امکان پذیر نباشد ، همگان باید بدین مهم اقدام کنند و در صورتی که تشکیل حکومت ممکن نباشد ، باز هم تکلیف ساقط نیست و باید به اندازه توان ، احکام اسلامی را اجرا کنند . (2)

پس انتظار فرج و حکومت جهانی مهدی (ع) به هیچ روی ، ناسازگاری با قیام های پیش از ظهور ندارد ، بلکه برخی از قیام ها و حکومت ها ، زمینه ساز قیام و حکومت جهانی حضرت

خواهند بود . (3)

1 . ولا یت فقیه امام خمینی ص 27 انتشارات آزادی قم .

2 . کتاب البیع امام خمینی ج 2ص 465 اسماعیلیان قم

3 . چشم به راه مهدی ص 108 و 0150

سهم امام

در اصطلاح فقه شیعه ، نیمی از خمس آل محمد (ع) است که به امام معصوم اختصاص دارد و در عصر غیبت ، به نواب عام امام می سپارند که در موارد رضای ائمه مانند ترویج دین مصرف کنند .

قَتاد

در روایتی ، دین داری در زمان غیبت امام زمان (ع) از جهت دشواری به تراشیدن درخت قتاد با دست ، تشبیه شده است . (1)

قتاد ، درختی است که خار بسیار دارد و خارهایش مثل سوزن است . جمله درخت قتاد را با دست تراشیدن در عرب ، مثلی است برای انجام کارهای دشوار

1 . اصول کافی ج 2 باب فی الغیبه .

اقامتگاه حضرت

از مسائلی که درباره امام زمان (ع) مطرح است ، مکان و محل زندگی ایشان است .

روایاتی که دراین زمینه وجود دارد سه دسته اند :

1 . برخی ازآن ها محل خاصی را تعیین نمی کند وجایگاه حضرت را در بیابان ها وکوه ها معرفی می کند . ازآن جمله ، حضرت مهدی (ع) به پسر مهزیار می فرماید : فرزند مهزیار پدرم امام حسن (ع) از من پیمان

گرفت . . . و فرمان داد که برای سکونت ، کوه های سخت وسرزمین های خشک ودور دست را برگرینم . (1)

این بخش از روایات گویایآن است که حضرت ازحوزه دسترسی مردم به دوراست و به سختی و دشواری زندگی می کند وکسی ازمحل زندگی ویآگاه نیست .

2 . برخی روایات ، منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت نام می برند ومحدوده آن را نیز تعیین می کنند :

الف : مدینه و پیرامون آن : ابی بصیر می گوید از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود : صاحب الزمان را عزلت وغیبتی است که درآن ،

نیرومنداست به سی نفری که با حضرت هستند ووحشت وتنهایی رااز وی دور می کنند ؟ و خوب جایگاهی است مدینه . (2)

روایت دیگری است که مکان حضرت را کوه رضوی ، دراطراف مدینه نام می برد . راوی می گوید : باامام صادق (ع) از مدینه خارج شدیم ، به روحاء اطراف مدینه که رسیدیم ، حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد . . . و فرمود : این کوه رضوی نام دارد . خوب پناهگاهی است برای خائف امام زمان (ع) و غیبت صغری وکبری . (3)

ب : مکه و پیرامون آن : برخی روایات استفاده می شود که آن حضرت در مکانی به نام ذی طوی پیرامون مکه زندگی می کند واز همان جا نیز همراه یارانش قیام خواهد کرد . امام باقر (ع) فرمود : امام زمان (ع) را غیبتی است در بعضی از دره ها واشاره کرد به منطقه ذی طوی (4) درادامه این روایت و روایات دیگر ، محل ظهور و خروج آن حضرت و مرکز تجمع یاران و دوستان وی نیز ، همین منطقه یاد شده است . (5)

3 . دسته سوم اخباری ایست که مانند دسته اول ، جایگاهی خاص را نام نمی برد ، ولی از وی به عنوان فردی که با مردم حشر و نشر دارد و به گونه ناشناس زندگی می کند ، نام برده است امام صادق (ع) می فرماید : صاحب الامر (ع) در

میان مردم رفت وآمد می کند ، در بازار قدم می زند ، لکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به ویاذن دهد تا خود را معرفی کند . . . (6)

بین این سه دسته از روایات ، تضاد وتنافی نیست نام بردن مکانی خاص ، با زندگی به شکل ناشناس قابل جمع است انتخاب کوه ها و مکانهای دست نیافتنی در حال ضرورت و نیاز نیز امری است طبیعی و موافق با اصل تقیه . (7)

1 . غیبه طوسی ص 266 .

2 . بحارالانوار ، ج 52 ص 153 اصول کافی ، ج1 ، ص 340 .

3 . غیبه طوسی ، ص 162 .

4 . غیبت نعمانی ص 182 .

5 . همان ص 315 .

6 . همان ص 164 .

7 . چشم به راه مهدی ، ص 351 .

حج و مهدی

از مراکزی که در غیبت صغری ، امام عصر (ع) مشاهده شده ، مراسم حج است .

گروهی که حضرت را دیده اند ، به این مطلب تصریح کرده اند .

اما در غیبت کبری برابر روایات ، حضرت در مراسم حج شرکت می کند ، مردم را می بیند ، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند . امام صادق (ع) می فرماید : امام قائم دو غیبت دارد : در یکی از آن دو ، (1) در مراسم حج شرکت می کند ، مردم را می بیند ، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند (2)

محمدبن عثمان عمری- نائب حضرت- می گوید : به خدا سوگند که صاحب الامر هر سال ، ایام حج شرکت می کند و مردم را می بیند و می شناسد ، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند (3)

حمیری از وی سؤال می کند : آیا حضرت را دیده ای ؟ پاسخ می دهد : آخرین دیدار من با حضرت درکنار خانه خدا بود که می فرمود : اللهم انجزلی ما وعدتنی (4)

این سخن دلیل بر آن است که حضرت در مراسم حج شرکت می کند ، منتهی در غیبت صغری کسانی که حضرت را می شناختند ، به وجود مبارک ایشان می بردند ، اما دیگران چنین سعادتی نداشتند .

در زمان غیبت کبری ، تمام افراد از این افتخار محروم هستند ، زیرا کسی حضرت را نمی شناسد . علی بن ابراهیم ازدی می گوید : طواف هفتم بودم که درکنار حلقه ای در طرف راست خانه خدا ، جوان زیبا رو ، خوش بو ، با وقار و با شکوهی را دیدم که گروهی از مردمان دور او را گرفته اند . هرگز احدی را خوش بیان تر و نیکوگفتارتر از او ندیده بودم ، که با منطقی بسیار شیرین و روشی بسیار نیکو با مردم سخن می گفت . نزدیک شدم که با او سخن بگویم . مردم انبوهی که گرداگرد وجودش را گرفته بودند ، مانع شدند . پرسیدم : این جوان کیست ؟ گفتند : او فرزند پیامبر (ص) است ، همه ساله در موسم شرکت کرده ، یک

روز برای خواص شیعیانش ظاهر می شود و با آن ها سخن می گوید . گفته می شود که دیدار ابراهیم بن مهزیار با حضرت ، در موسم حج اتفاق افتاده است .

امام صادق (ع) فرمود : نخستین چیزی که از عدالت قائم (ع) ظاهر می شود ، این است که منادی اعلام می کند ، آنان که طواف مستحبی می کنند ، مطاف و حجرالاسود را برای کسانی که طواف واجب می کنند ، خالی کنند . (5)

1 . علامه مجلسی در مراهالعقول ج 4 ص47 می گوید مراد غیبت کبری است .

2 . کافی ج 1 ص 339 .

3 . کمال الدین ص 440 .

4 . همان, بحارالانوار ج 52 ص 1 اعلام الوری 421 .

5 . بحارالانوار ، ج 52 ، ص 374 الزام النا صب ص 223 .

عمانی

حسن بن علی بن عقیل عمانی نخستین کسی بود که رهبری و مرجعیت دینی در دوران غیبت طولانی امام مهدی (ع) را به دست گرفت .

سید محمد مهدی بحر العلوم درباره شخصیت بزرگ علمی او می نویسد : او نخستین کسی است که فقه را دسته بندی و تهذیب کرد و در راه استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی آن ، دست به تلاش و اجتهاد زد و در آغاز غیبت کبری ، راه را برای تحقیق و تفحص از اصول و فروع وگسترش بخشیدن به آن و بنیاد پایه های آن گشود . . . علما و بزرگان فقه و فقاهت ، به ویژه دو شخصیت

گرانقدر علم و فقه ، علامه حلی و محقق حلی و علمای پس از آن دو بزرگوار ، به فرمایشات مرحوم عمانی و فتواهای او و ثبت و نقل آن ها سخت بها می دادند (1)

فقیه بزرگوار مرحوم عمانی از نظر علما و فقهای بزرگ ، مقام و منزلت بسیار والایی دارد و دانشمندان پیشین ، همچون مرحوم مفید و طوسی او را ستود ه ا ند . او در مرضوع امامت ، کتابی به نام الکر والفر نگاشت و در فقه ، کتابی تحت عنوان المتمسک بحبل آل الرسول به رشته تحریر در آورد (2)

تاریخ ولادت آن فقیه بزرگ در دست نیست ، اما به نظر می رسد ، سال هایی پیش از مرحوم مفید زیسته و رحلت کرده است ، چرا که او از نظر زمان ، پیش ازابن جنید بوده و می دانیم که ابن جنید از اساتید مرحوم مفید بوده است (3)

به هر حال ، رهبری فکری و مرجعیت دینی ، شکل خاص خویش را گرفت و حلقه های درسی در بغداد تشکیل شد و سال ها سپری شد وستاره مفید در بغداد درخشیدن آغازکرد و حوزه علمیه راپی ریخت (4)

1 . فوائد الرجالیه معروف به رجال بحرالعلوم ج1 ص220 .

2 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص 353 .

3 . رجال بحرالعلوم ج 2 ، ص 220 .

4 . امام مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص 354 .

بنیانگذار فرقه بابیه سید علی محمد شیرازی است .

از آن جا که او در ابتدای دعوتش مدعی بابیت امام دوازدهم شیعه بود وخود را طریق ارتباط با امام زمان می دانست ، ملقب به باب گردید وپیروانش بابیه نامیده شدند .

سید علی محمد در سال 1235ق, در شیراز به دنیا آمد . درکودکی به مکتب شیخ عابد رفت وخواندن ونوشتن آموخت . شیخ عابد از شاگردان شیخ احمد احسائی بنیانگذار شیخیه وشاگردش سید کاظم رشتی بود ولذا سید علی محمد از همان دوران با شیخیه آشنا شد ، به طوری که چون سید علی محمد در سن حدود نوزده سالگی به کربلا رفت دردرس سید کاظم رشتی حاضر شد . در همین درس بود که با مسائل عرفانی وتفسیر وتأویل آیات واحادیث ومسائل فقهی به روش شیخیه آشنا گردید .

قبل از رفتن به کربلا ، مدتی در بوشهر اقامت کرد و در آنجا به ریاضت کشی پرداخت . نقل شده است که در هوای گرم بوشهر بر بام خانه رو به خورشید اورادی می خواند . پس از درگذشت سید کاظم رشتی تا مریدان وشاگردان وی جانشینی برای او می جستند که مصداق شیعه کامل یا رکن رابع شیخیه باشد میان چند تن از شاگردان رقابت افتاد وسید علی محمد نیز در این رقابت شرکت کرد ، بلکه پای از جانشینی سید رشتی فراتر نهاد و خود را باب امام دوازدهم شیعیان یا ذکراو ، یعنی واسطه میان امام و مردم شمرد . هجده تن از شاگردان سیدکاظم رشتی که همگی شیخی مذهب بودند از او پیروی کردند .

علی محمد در

آغاز امر بخش هایی از قرآن را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود تأویل کرد وتصریح کرد که از سوی امام زمان (ع) ، مأمور به ارشاد مردم است . سپس مسافرت هایی به مکه وبوشهرکرد ودعوت خود را آشکارا تبلیغ نمود . یارانش نیز در نقاط دیگر به تبلیغ ادعاهای علی محمد پرداختند . پس از مدتی که گروه هایی به اوگرویدند ، ادعای خود را تغییر داد واز مهدویت سخن گفت وخود را مهدی موعود معرفی کرد وپس از آن ادعای نبوت ورسالت خویش را مطرح کرد ومدعی شد که دین اسلام فسخ شده وخداوند دین جدیدی همراه با کتاب آسمانی تازه به نام بیان بر او نازل کرده است .

علی محمد درکتاب " بیان " ، خود را برتر از همه پیامبران دانسته وخود را مظهر نفس پروردگار پنداشته است .

در زمانی که علی محمد هنوز از ادعای بابیت امام زمان (ع) فراتر نرفته بود ، به دستور والی فارس در سال 1261ق . دستگیر وبه شیراز فرستاده شد وپس از آنکه در مناظره با علمای شیعه شکست خورد ، اظهار ندامت کرد و در حضور مردم گفت : لعنت خدا برکسی که مرا وکیل امام غایب بداند . لعنت خدا برکسی که مرا باب امام بداند پس از این واقعه شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود واز آنجا به اصفهان وسپس به قلعه ماکو تبعید شد .

در همین قلعه با مریدانش مکاتبه داشت و از اینکه می شنید آنان درکار تبلیغ دعاوی او می کوشند به شوق افتاد وکتاب

" بیان " را در همان قلعه نوشت . دولت محمد شاه قاجار برای آنکه پیوند او را با مریدانش قطع کند در سال 1264 ق ، وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق در نزدیکی ارومیه منتقل کرد .

پس از چندی او را به تبریز بردند ودر حضور چند تن از علما محاکمه شد . علی محمد در آن مجلس آشکارا از مهدویت خود سخن گفت و " بابیت امام زمان " راکه پیش از آن ادعاکرده بود به بابیت علم خداوند تأویل کرد . علی محمد در مجالس علما نتوانست ادعای خود را اثبات کند و چون از او درباره برخی مسائل دینی پرسیدند ، ازپاسخ فرو ماند و جملات ساده عربی را غلط خواند . در نتیجه وی را چوب زده تنبیه نمودند و او از دعاوی خویش تبری جست وتوبه نامه نوشت .

اما این توبه نیز مانند توبه قبلی او واقعی نبود ، از این رو پس از مدتی ادعای پیامبری کرد 0 پس از مرگ محمد شاه قاجار در سال 1264 ق . مریدان علی محمد ، آشوب هایی درکشور پدید آوردند ودر مناطقی به قتل وغارت مردم پرداختند .

در این زمان میرزا تقی خان امیرکبیر صدر اعظم ناصر الدین شاه تصمیم به قتل علی محمد وفرو نشاندن فتنه بابیه گرفت . برای این کار از علما فتوا خواست . برخی علما به دلیل دعاوی مختلف ومتضاد او ورفتار جنون آمیزش شبهه خبط دماغ را مطرح واز صدور حکم اعدام او خودداری کردند .

اما برخی دیگر علی محمد را مردی دروغگو وریاست طلب می شمردند

واز این رو حکم به قتل او دادند . علی محمد همراه یکی از سرانش در 27 شعبان1266 در تبریز تیرباران شد .

همان طورکه گذشت ، سید علی محمد آراء وعقاید متناقضی ابراز داشته است . ازکتاب " بیان " که آن را کتاب آسمانی خویش می دانست ، برمی آید که خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار می دانسته و عقیده داشت که با ظهور آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن ، به پا شده است . علی محمد خود را مبشر ظهور بعدی شمرده واو را من یظهره الله کسی که خدا او را آشکار می کند خوانده است و در ایمان پیروانش بدو تکید فراوان کرد . از نسبت به کسانی که آیین او را نپذیرفتند خشونت بسیاری را سفارش کرده است .

وی از جمله وظایف فرمانروای بابی را این می داند که نباید جز بابی ها کسی را بر روی زمین باقی بگذارد . باز دستور می دهد غیر ازکتاب های با بیان ، همه کتاب های دیگر باید محو و نابود شوند وپیروانش نباید جزکتاب بیان وکتاب های دیگر با بیان ، کتاب دیگری را بیاموزند . (1)

1 . نشریه موعود , ش 22 , ص 80 .

حلاج

صوفی معروف و نامش " حسین بن منصور حلاج بیضاوی " است .

او یکی از مدعیان نیابت و وکالت بوده که در آغاز ، خود را رسول امام غایب (ع) و وکیل و باب آن حضرت معرفی کرد .

از این رو علمای علم رجال او

را از مدعیان بابیت شمرده اند . (1)

درباره شهر و محل تولد او اختلاف است . خراسان ، نیشابور ، مرو ، طالقان ، ری وکوهستان اقوال مختلفی است که به عنوان زاد گاهش ذکر شده . ابوریحان بیرونی درباره الحاد و ارتداد او می نویسد : حلاج ، ابتدا مردم را به سوی مهدی دعوت می کرد و چنان به مردم القا می کرد که او از طالقان ظهور خواهد کرد .

او را گرفتند و به شام بردند و یک ماه حبس کردند ، تا این که به حیله خود را آزادکرد . او مردی شعبه باز و ساحر بود و با هرکسی مجالست می کرد ، ابتدا با اعتقاد او همراهی می کرد ، پس دعوی حلول و اتحاد نمود وگفت : روح القدس در من حلول کرده خود را به نام خدا معرفی می کرد و می گفت : من خدای شما هستم . در نامه هایی که به اصحاب خود می نوشت ، تصریح به خدایی خود می کرد . پیروانش را از ذکر نام خدا باز می داشت و می گفت : گفتن لا اله الا الله ممنوع است . (2)

فقهای مالکی در بغداد ، در روزگار حکومت المقتدر ، به اتفاق آراء نتیجه گرفتند وی را به این دلائل ، به قتل برسانند : به سبب ادعای الوهیت ، به سبب قول به حلول ، برای بیان انا الحق و این که قبول توبه او را مشروع ندانستند .

بالاخره او به دار آویخته شد و سپس جسد او را سوزاندند و

سرش را بر چوبی بالای پل بغداد زدند . بدین ترتیب او در سال 309 به جرم ادعای باطل وکفر و الحاد به قتل رسید .

وی از نظر شیعه مطرود و ملعون است ، هر چند برخی مانند شیخ عطار درتذکره الاولیاء و جامی در نفحات الانس کرامات فراوانی برای او نقل کرده اند ، که این مطالب به درد خرقه پوشان می خورد و قهرمان پروری های شاعرانه است . (3)

1 . آخرین امید داود الهامی ص 144 .

2 . همان ، ص 151 .

3 . همان ، ص ، 154 .

پیشگویی غیبت

نخستین کسی که به غیبت امام زمان (ع) اشاره کرده ، رسول گرامی اسلام ، سپس امیر المؤمنین و سایر ائمه (ع) بودند .

آنان غیبت او را پیش بینی کرده و سر زبان ها انداخته اند . (1)

پیامبر (ص) فرمود : سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت ، قائم فرزندان من بر طبق عهدی که به او می رسد ، غایب می شود . هرکس زمان غیبت را درک کرد ، باید دینش را نگهداری کند وشیطان را از طریق شک به خود راه ندهد . . (2)

امیر المؤمنین (ع) فرمود : آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می شود که شخص نادان خواهد گفت : خدا به آل محمد احتیاجی ندارد . (3)

مسلمانان به دلیل همین احادیث ، غیبت را برای امام مهدی (ع) ضروری واز جمله خصایص آن حضرت

می دانستند . لذا بعضی ها که از مهدویت سوء استفاده کرده و خود را مهدی موعود معرفی می کردند ، مقید بودند که تا حدی ویژگی غیبت را نیز برای خود ثابت کنند سید حمیری می گوید : من درباره محمد حنفیه غلو کرده و عقیده داشتم که غایب است . تا مدتی به این عقیده غلط بودم تا این که خداوند بر من منت نهاد وبه وسیله امام صادق (ع) هدایت شدم ، واز این عقیده برگشته وتوبه کردم .

به هر حال ، مسأله غیبت آن چنان بین شیعیان شایع بود که مؤلفان بسیاری درباره آن کتاب ها نوشته اند . و اما کسانی که قبل از ولادت امام زمان (ع) درباره غیبت کتاب هایی نوشته اند عبارتند از : فضل بن شاذان نیشابوری کتاب اثبات الغیبه ابو الحسن طائی جرمی الغیبه ، حسن بن علی بن ابو حمزه بطائنی الغیبه ، ابو الحسن علی بن عمر اعرج لغیبه ، ابوعلی حسن بن محمد بن سماعه الغیب ، ابوالفضل عباس بن هاشم ناشری الغیبه ، ابوالحسن علی بن محمد بن علی سواق الغیبه ، ابو اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی الغیبه ، عبدالله بن جعفر حمیری الغیبه والحیره والغیبه ومسائله ، الفتره والغیبه ، علی بن حسن بن علی بن فضال ، الغیبه والملاحم ، حافظ نعیم بن مادالفتن والملاحم ، ابراهیم بن اسحاق احمری ، الغیبه و (4)

بنابراین ، موضوع غیبت حضرت مهدی (ع) امر جدید وناشناخته ای نبوده است تا برخی شیعیان از قبیل عثمان بن سعید برای حفظ موقعیت خویش

آن را اختراع کرده باشنداما ویژ گی ها وممیزات دو غیبت : زمان غیبت صغری محدود بود هفتاد سال به خلاف غیبت کبری که غیر از خدا کسی از مدت آن اطلاع ندارد .

در دوران غیبت صغری ، استتار و احتجاب امام (ع) همه جانبه وعمومی نبود ، بلکه کسانی مانند نواب خاص وبرخی از وکلای دیگر ، می توانستند با امام در تماس باشند و سؤالات و نامه های مردم را خدمت امام ببرند وپاسخ امام را به مردم برسانند ، ولی در غیبت کبری ، امام از انتظار مردم پنهان است وباب مکاتبات ومراسلات بسته است .

البته این معنایش این نیست که امکان ندارد دیده شود ، بلکه ممکن است حضرت را بعضی از افراد- کما این که با سندهای معتبر هم نقل شده ببینند . در غیبت صغری ، حضرت چهار نماینده داشت که آنان اقامتگاه حضرت را می دانستند ، ولی در غیبت کبری چنین نیست . در غیبت صغری ممکن بود کسی او را ببیند وبشناسد ولی در غیبت کبری کسی او را نمی بیند ، واگر هم ببیند او را نمی شناسد .

باید توجه داشت که پیشوایان دین ، با بیان روایات درباره غیبت ، نظرشان این بودکه هرگونه شک وتردید را از دل شیعیان برطرف سازند و آنان را برای غیبت طولانی امام خود آماده نمایند تا با غیبت امام انس بگیرند وبا وظایف خود در دوران غیبت آشنا شوند واز روی دلایل قطعی ، به وجود غیبت امام خود ایمان راسخ و استوار پیدا کنند .

1 . سیمای آفتاب ، ص84

.

2 . ثبات الهدی ج6 ، ص 386 .

3 . همان ص 393 .

4 . در انتظار ققنوس مقدمه ص 17 .

حکمت غیبت

فایده غیبت

از فواید غیبت امام زمان (ع) می توان به این موارد اشاره کرد :

1 . غیبت او ، انتظار می آفریند ، و انتظار مایه امیدواری به آینده است

2 . غیبت او ، سبب آمادگی پیروانش می شود تا حضرت ظهورکند .

3 . غیبت او ، سبب گفت وگو درباره حضرت می شود و طرح این مباحث در طول زمان ، موجب پرورش نفوس و آمادگی برای حکومت جهانی حضرت و زمینه سازی برای ظهور حضرتش می گردد

4 . طولانی شدن غیبت امام ، موجب فساد در جامعه می شود و این فساد ، سبب خستگی و نارضایتی مردم شده و در متن این نارضایتی ، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم ، تشنه عدالت می شوند و ظهور حضرت را طلب می کنند

5 . غیبت ، امتحانی است برای شیعیان حقیقی تا معلوم شود ، چه کسی ثابت قدم در اعتقاد به امامت امام دوازدهم است (1)

6 . غیبت ، دلائلی دارد که به امامان اجازه افشای آن داده نشده است (2) .

1 . بحارالانوار ج51 ص222 منتخب الاثر ص261 .

2 . بحارالانوار ج52 ص 91 الزام الناصب ، ص 612 .

آزمون غیبت

آزمایش های دینی برای ایمان آورندگان در همه زمان ها ، قانون الهی است : أ حَسِبَ الناس ان یترکوا أَنْ یقّولوا آمَنا وَ هُم لا یفتنون

اما این قانون ، در روزگار غیبت به دو جهت مورد تأکید است : آن که امام از نظرها پنهان است ومنتظران ، منتظر ظهور اویند وچون این امر به درازا می

کشد ، افکار و دعوت های باطل ، در میان مسلمانان پدید می آید وگروهی گمراه می شوند . .

در این دوران ، شرایطی به وجود می آید و اوضاعی بر جوامع حاکم می شود که نگاهداشتن دین ، بسیار دشوار می شود . بیشتر مردمان ، به انگیزه های گوناگون ، ایمان دینی خویش را در زندگی از دست می دهند و دینداری را کنار می نهند (1)

امام رضا (ع) درباره آزمایش در دوران غیبت می فرماید : آن چه کردن های خود را به جانبش درازکرده اید تشکیل حکومت آل محمد اتفاق نمی افتد ، تا این که مشخص شوید وامتحان گردید و باقی نمی ماند از شما مگر اندکی . (2)

نعمانی ، باب دوازدهم ازکتاب الغیبه خویش را به امتحان شیعیان در عصر غیبت اختصاص داده واحادیث گوناگونی در این زمینه آورده است . اما مهمترین انگیزه ای که سبب می گردد در دوران غیبت ، دینداران با آزمایش اعتقادی و عملی بسیار رو به روگردند ، عبارتند از : گسترش زمینه های ناباوری ، افزایش انگیزه های انحراف وگریز از دین ، ستیزه جویی ها با دینداری .

پس قانون آزمایش وقربال شدن مؤمنان ، در ظرف زمانی غیبت که گمراهی ها و ستم ها هجوم می آورند ، در شکوفا شدن حق جویی و خلاصی دینیِ دینداران و شایستگی برای حضور در جهادی فراگیر و سخت در رکاب حضرت مهدی (ع) نقشی اساسی وزیربنایی دارد به فرموده پیامبر (ص) چشم به راه فرج داشتن ، همراه با

صبر واستقامت ، عبادت است (3) .

1 . بحارالانوار ج 51 ص 118 .

2 . همان ج 52 ص 259 .

3 . ارشاد مفید ج 2 ص 375

دین داری در عصر غیبت

شاخص های دینداری

دینداری در دوران غیبت ، نیازمند بینشی است که انسان دیندار در پرتو آن بتواند در برابر تحریف ها وتردیدها ، رویکرد دینی خود را حفظ کند .

اما شاخص های دینداری که در روایات اسلامی بر آن تاکید شده است عبارتند از :

انتظار فرج : پیامبر (ص) می فرماید انتظار فرج داشتن ، برترین عمل امت من است (1)

نگهداشت ایمان دینی حضرت علی (ع) می فرماید به سبب غیبت مهدی (ع) سردرگمی به وجود می آید که گروهی گمراه می شوند وگروهی دیگر بر هدایت می مانند (2)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 2801

2 . بحارالانوار ج 51 ص 181

دین داری در عصر غیبت

انسان دیندار ، در صدر اسلام عقاید و باورهای دینی را از پیامبر (ص) می گیرد وتعالیم خالص دین را با دریافت مستقیم از مفسر واقعی وحی دریافت می کند .

رسول خدا (ص) را می بیند واز روش و منش و سیره او الهام می گیرد وپایه باورهای خود را استوار می سازد و این امور در آسان کردن پذیرش حق ، نقش به سزایی دارند . اما انسان دیندار در این عصر ، از تمامی این

دریافت های حسی به دور است وتنها براساس درک عقلی وتاریخی ، پیامبر وامامان (ع) را می شناسد و به رسالت وامامت ایشان ایمان می آورد پیامبر (ص) می فرماید : برادران من کسانی هستند که پس از شما اصحاب زندگی می کنند . به من ایمان می آورن . در حالی که مرا

ندیده اند (1)

بی گمان دیندار بودن در روزگارغیبت ، ایمان افزون تری را می طلبد ، چرا که ایمان به وجود پیامبر (ص) امامان معصوم (ع) وغیبت مهدی (ع) به نوبه خود ، ایمان به غیب است . (2)

دینداری در روزگار غیبت ، نیازمند بینشی است که انسان دیندار در پرتو آن ، بتواند در برابر تحریف ها ، مسخ ها ، شبهه ها ، تردیدها ، تزلزل ها و سرکوفت ها از درون و بیرونِ حوزه دین ، همچنان رویکرد دینی خود را نگاه دارد وبا هیچ یک از این عوامل ، خلوص دینی ودینداری را در فکر وعمل از دست ندهد پیامبر (ص) فرمود : به زودی پس از شما ، کسانی می آیند که یک نفر از آنان پاداش پنجاه نفر از شما را دارد گفتند : ای رسول خدا ما در جنگ بدر و احد وحنین در رکاب شما جهاد کرده ایم ودرباره ما آیه قرآن نازل شده استحضرت فرمود : زیرا اگر آن چه از آزارها و رنج ها که بر آنان می رسد بر شما آید ، به سان آنان ، شکیبایی نخواهید داشت (3) پایداری بر دین در روزگارغیبت ، به پذیرش سختی ها و بیم ها و محرومیت ها وتنگناهای مادی خلاصه نمی شود ، بلکه تحت فشارهای سخت روحی ومعنوی نیز ، بر آنها افزوده می گردد وچنان چه دینداری با صبر و شکیبی آگاهانه توأم نباشد ، به تدریج ، نا امیدی ها روی می آورد و باور را

از روح و فکر می ستاند امام صادق (ع) می فرماید : به تحقیق برای صاحب الامرغیبتی است ، کسی که در آن زمان دینش را نگهدارد ، هم چون کسی است که درخت خار قتاد را با دست بتراشد کدام از شما قدرت دارد که خار آن درخت را به دستش نگهدارد (4)

حضرت در حدیث دیگری می فرماید . . . سوگند به خدا شکسته می شوید مانند شکسته شدن سفال به درستی که سفال هرگز به صورت نخست برنمی گردد ، به خدا سوگند حتماً شما امتحان خواهید شد ، به خدا سوگند قطعاً شما غربال خواهید شد ، چنان که دانه تلخ از میان گندم جدا شود . (5)

سوگندهای پی در پی حضرت ، دلالت بر اصل امتحان و دشواری دینداری در عصر غیبت دارد .

1 . بحارالا نوار ج 52 ، ص 132 .

2 . در بعضی روایت ها ، الذین یومنون بالغیب سوره بقره آیه 2 به غیبت مهدی (ع) منطبق شده است بحارالانوارج 52 ، ص 2401

3 . بحارالانوار ج 25 ص 130 .

4 . غیبه طوسی ص 75 .

5 . بحارالانوار ج 52ص101 .

زمینه سازی غیبت

یکی از مهم ترین ابعاد فعالیت های امام یازدهم (ع) آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت آخرین حجت حق ، حضرت بقیه الله الاعظم (ع) است .

این جهت ، از زمان امام هادی (ع) به طور عملی شروع گردید . زیرا قسمت زیادی از عمر امام هادی وعسکری (ع) در

زندان وتحت مراقبت می گذشت وارتباط وملاقات مسلمین وشیعیان با آن بزرگواران میسر نبود . واین خود شاید لطفی باطنی از جانب حق بود که شیعیان ومسلمانان به تدریج با غیبت حجت خدا وندیدن او انس بگیرند ویک باره دراثرغیبت کلی امام وحشت نکنند ودین خود را حفظ نمایند .

علاوه بر این امام عسکری (ع) تنها به عده ای خاص وقلیل از شیعیان ویا عده ای کم از دیگران به منظور اتمام حجت ، فرزند خود امام مهدی (ع) را نشان می دادند .

قسمت مهمی از این امر را امام (ع) با احادیث و فرمایش ها و نامه های خود محقق می فرمود . ازآن جا که بیان تفصیلی این مطلب مجال وسیعی می خواهد در این جا به ذکر یک نامه از حضرت عسکری (ع) دراین زمینه اکتفا می کنیم . این نامه را حضرت به ابوالحسن علی بن الحسین بن بابویه قمی مرقوم فرمودند :

بر تو باد به صبر وانتظار فرج ، چرا که پیامبر خدا (ص) فرمود : برترین اعمال امت من انتظار فرج است . پیوسته شیعیان ما در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندم (مهدی) ظاهر شود . همو که پیامبر خدا وعده فرموده که زمین را پرازعدل و داد خواهد کرد ، همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد .

ای شیخ بزرگوار من خود صبرکن وتمام شیعیان مرا نیز امر به صبر در برابر سختی ها ، مبارزات ، شهادت ها و سایر مشکلات در راه خدا بنما چرا که

زمین از آن خداست و حکومت آن را به بندگانی که خود بخواهد ، خواهد داد وعاقبت از آن تقوی پیشگان است . سلام بر تو وهمه شیعیان باد . . . (1)

این پیام امام یازدهم حضرت عسکری (ع) به همه ماست : صبر وانتظار فرج صبر در مقابل ناملایمات وسختی های دوران غیبت و ا نتظار فرج امام عصر (ع) (2)

1 . مناقب ابن شهرآشوب ، ج 4 ، ص 425 .

2 . نشریه موعود ، شماره20 ص 14 .

علت غیبت

فلسفه غیبت

امام صادق (ع) فرمود : موضوع غیبت سرَی است از اسرار خداوند و غیبی است از غیوب الهی ، چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنم که کارهایش از روی حکمت صادر می شود گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد . (1)

از این حدیث به خوبی آشکار می شود که علت و فلسفه اصلی غیبت ، جزء اسرار الهی است و جز ائمه اطهار (ع) کسی نمی داند آن ها هم مأذون به بازگوکردن آن نبودند . ولی در پاره ای روایات (2)

بعضی از حکمت های آن بیان شده که به آن ها اشاره می کنیم :

آزمایش وامتحان : امام موسی بن جعفر (ع) می فرماید : برای صاحب الامر ناچار غیبتی خواهد بود ، به طوری که گروهی از مؤمنین از عقیده برمی گردند . خدا به وسیله غیبت ، بندگانش را امتحان می کند . (3)

2 . بیعت نکردن با ستمکاران :

علی بن موسی الرضا (ع) فرمود : گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (4)

امام عسکری (ع) در جست و جوی امام خود همه جا را می گردند ، اما او را نمی یابند . عرض کردم برای چه ؟ فرمود : برای این که امامشان غایب می شود . عرض کردم چرا غایب می شود فرمود : برای این که وقتی با شمشیر قیام کرد ، بیعت احدی درگردنش نباشد . (5)

3 . نجات از قتل : زراره از امام باقر (ع) نقل می کندکه آن حضرت فرمود : قائم باید غایب شود ، عرض کردم چرا ؟ فرمود : ازکشته شدن می ترسد . . . (6)

4 . آمادگی پذیرش : کیما برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان ، علاوه بر وجود رهبری شایسته ، آمادگی عمومی نیز لازم است .

1 . بحارالانوارج 52ص 91

2 . بحارالانوارج 52 باب عله الغیبه .

3 . بحارالانوار ج 52 ص 3 1 1 .

4 . بحارالانوارج51 ص 52 1 .

5 . همان

6 . مهدی انقلابی بزرگ آیت الله مکارم شیرازی ، ص240 .

علت غیبت

در نامه مبارک حضرت ولی عصر (ع) به شیخ مفید ، علت غیبت و طولانی شدن آن چنین آمده است : فما یحسبنا عَنهُم الا ، ما یتصل بنا مما نکرهه ولا نوثره منهم (1)

باید بدانند که جز برخی رفتارهای ناشایسته آنان که ناخوشایند ما است و ما آن عملکرد را

زیبنده شیعیان نمی دانیم ، عامل دیگری ما را از آنان دور نمی دارد .

حقیقت این است که انبوهی از روایات به صراحت ، بیان گر این است که تمام اعمال ما ، در عصر هر امام و پیشوایی از پیشوایان معصوم در هفته دوبار ، در روزهای دوشنبه و پنج شنبه به امام راستین جامعه ارائه می شود از این رو طبیعی است که امام نمی پسندد که شیعه او به راه انحراف و اشتباه وگناه آلوده شود و همین آلودگی به گناه است که توفیق تشرف را از آنان سلب و آنان را از افتخار دیدار محروم می سازد .

در همان نامه حضرت به شیخ مفید آمده است که اگر پیروان و شیعیان ما- که خدا آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق ارزانی شان دارد- به راستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند ، همدل و یک صدا بودند ، هرگز سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد .

به راستی او غیبت نکرده است ، ما ففلت کرد ه ایم . هر چه هست از ماست و باید علّت غیبت را در خویش و رفتارمان جست و جوکنیم .

1 . بحارالانوارج 53 ص 176 .

ترس حضرت

در روایات مختلفی ، سخن از خوف و بیم حضرت مهدی (ع) آمده است . زراره گفت : شنیدم امام ابوعبدالله صادق (ع) فرمود : قائم را پیش از قیام ، غیبتی است . عرضه داشتم : چرا ؟ فرمود : او می ترسد ، و اشاره به شکم خود کرد ،

یعنی ازکشته شدن می ترسد . (1)

از امام سجاد (ع) نیز آمده که فرمود : در حضرت قائم (ع) از هفت پیامبر شیوه و روش است . . . و اما از موسی ترس و غیبت است (2)

از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه . . . ولیبد لنهم من بعده خوفهم آمنا (3) آمده که فرمود : یعنی قائم و اصحاب او . (4)

غیبت از ترس سرچشمه می گیرد ، اما منظور از ترس ، ترس شخصی و فرار از قتل نیست ، بلکه ترس حضرت مهدی (ع) که خدارند او را برای ریشه کن ساختن ظلم و ستم و اجرای عدالت در پهنه گیتی ذخیره نموده است ، از این است که نقصی در پیاده کردن برنامه پیش آید (5) .

1 . کافی ج 1 ص 337

2 . کمال الدین ج 1 ص 322

3 . سوره نور 55

4 . المحجه ص 742

5 . روزگار رهایی ج 1 ص 205

انتظار

فلسفه انتظار

فلسفه انتظار ، دمیدن روح امیدواری و پایداری است . انتظار و عقیده به ظهور مصلح ، شیعه را در جریان زمان ، برای مقاومت پرورش داد و جامعه شیعه را از زوال نگاه داشت و تا امروز ، این عقیده ، عامل بقای شیعه و پایداری اوست . شیعیانی که با وضعیت اسفبار حکومت بنی امیه و بنی عباس ، روبه رو شده بودند ، اگر منتظر وآینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت نداشتند ، هرگز

برای شان حال مقاومت باقی نمی ماند و از دگرگون شدن اوضاع نا امید می شدند و ریشه هر حرکت و پایداری در آن ها خشک می شد . اما قرآن کریم بشارت داده و پیامبر اکرم (ص) ؟ وحضرت علی (ع) نیز وعده داده اند که این دین ، پایدار می ماند و همیشه ، حق پیروز است . پس از رحلت رسول خدا (ص) تا به امروز ، ریشه همه حرکت ها ونهضت های شیعه علیه باطل ، همین فلسفه انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق وباطل بوده است . این همان فلسفه ای است که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آن ها و مشوق آنان به پایداری بوده است پس فلسفه انتظار ، مانند یک عامل و ماده حیاتی مهم ، در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمانان است (1) .

1 . امامت ومهدویت ج 1 ص 394 .

آسیب شناسی انتظار

ادعای ارتباط با حضرت

درباره ارتباط با امام زمان (ع) ، کتاب هایی نوشته شده که در این اواخر ، رواج فوق العاده ای یافته است . این کتاب ها مشحون از حکایات و داستان ها ومطالبی است که برخی از آن ها به یقین ، نادرست وبرخاسته از تصوَرات وخیال بافی های نویسندگانِ آن هاست ودر برخی " شمه ای از حقیقت وجود دارد . نقل این داستان هاَ وحکایت ها ، باعث می شود که یک عقیده درست و صحیح ، به ناصواب هایی آمیخته

گردد و عقائد خرافی و ناصحیح و غیر مستند در میان مردم رواج یابد 0 وقتی که آقا وخانمی به راحتی و آسانی اهل مکاشفه شوند و آن را درکتاب خود بنویسند ، چرا دیگران به چنین مقامی نرسند . زمانی که مدعی مکاشفه ، پا را فراتر نهد ودر بیداری ، حضرت رسول (ص) و برخی از معصومین (ع) را ببیند " چرا دیگران از این نعمت محروم باشند رواج این گونه کتاب ها باعث شده که در برخی از مناطق ، شاهد اتفاقات عوام فریبانه و خرافی باشیم : کسی در منطقه ای مدعی می شودکه قطره ای از خون سر امام حسین (ع) ریخته وسر مبارک حضرت را دیده است . چوپانی مدعی می شود که غلام شاه چراغ است واز وی دستورهایی دریافت کرده است . خانمی که از دست شوهرش فرارکرده ، به مسجد روستایی می رود ومدعی می شود که مسجد ، نظرکرده است ومریض هایی که به این مسجد بیایند شفا می یابند . در مواردی ، دختر یا زنی نظرکرده می شود و حاجت مردم را برآورده می کند (1) یا سید مهدی شیوخی) م 1278ه . ق درکتاب بوارق الحقایق که شرح سفرهای اوست ادعا می کند : در طوس ، مهدی (ع) را دیده و ایشان آیات واورادی را در دهان وی ، فوت کرده است . در این دیدار ، امام زمان ، چند کلمه به فارسی ، با لهجه افغانی گفته ، او مطلب را فهمید 0 ، امَا زمانی که او

چند واژه به فارسی می گوید ، حضرت متوجه مقصود وی نمی شود ، از این روی برای آن حضرت توضیح می دهد (2)

پیامد ناگوار این کتاب ها و عقاید برگرفته از حکایت و خواب ، فضایی را به وجود می آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند وزمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد و در نتیجه ، مخالفان تشیع ، امکان رشد وگسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت می شود وبه دیگران انتقال می یابد ویک عقید ه ای که در اصل آن ، تمام فرق اسلامی توافق دارند ، به گونه ای مطرح می شود که فرسنگها با اسلام فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیشه وران اسلامی تنگ می کند .

ا . چشم به را ه مهدی ص 35 .

2 . همان ، ص0102

نا امیدی از ظهور

نا امیدی از ظهور حضرت بر چند گونه متصور است : 1 یأس و نا امیدی از اصل ظهور حضرت قائم) ع (به طورکلی و بدون شبهه ، همگی در حرام بودن آن اتفاق نظر دارند ، زیراکه ظهور و قیام حضرت قائم) ع (از ضروریات مذهب امامیه است ، بلکه احتمال می رود که از ضروریات دین اسلا م باشد ؟ چون احادیث در این باره از حضرت رسول اکرم) ص (در حد تواتر از طرق شیعه و سنی رسیده است 2 نا امیدی از ظهور حضرت قائم) ع (در مدت معینی بر حسب پندارها و حدس

ها ؟ به این که مثلاکفته شود : حضرت تا پنجاه سال دیگر ظهور نخواهد کرد . لازمه این پندار آن است که در آن مدت ، منتظر نباشد ، و حال آن که از بررسی احادیثی که امر می کند در هر صبح و شام منتظر باشیم ، ظاهر می شودکه این گونه نا امیدی هم حرام باشد .

3 . نا امید بودن از نزدیکی زمان فرج و ظهور آن حضرت ؟ یعنی این که احتمال نزدیک بودن آن را نفی نماید ظاهر از دلایل ، حرام بودن این گونه نا امیدی نیز می باشد ، زیرا که از اخبار روایت شده از امامان) ع (چنین استفاده می شود که بدین جهت وقت ظهور بر مؤمنان مخفی مانده ، تا در تمامی زمان ها منتظرش باشند ؟ هر چند که حکمت های دیگری نیز برای آن هست (1)

ا . مکلیال المکارم ، ج 4 ص243 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

شواذال محمد

در حدیثی از امام باقر (ع) آمده که از شر سفیانی پرهیزکن واز شر آن عدَه از آل محمدکه شذوذ دارند برحذر باش . (1) منظور از شؤاذ آل محمد (ع) افراد تکرو ، کجرو و فرصت طلبی هستندکه از جهت نسبت به اهل بیت منسوب اند ، ولی برای به دست آوردن حکومت به ادعاهای دروغین متوسل می شوند تا بدین وسیله افراد مذهبی وبا حرارت را به طرف خود جذب کنند (2)

1 . بحا رالانوار ، ج 52 ص 0278

2 . روزگا ر رهایی

ج2 ص 993 .

انتظار فرج

آثار انتظار

انتظار و بهداشت روان

در قلَه هرم اعتقادی شیعه ، عقیده به مهدویت وانتظار برای ظهور وحکومت جهانی حضرت است . بنابراین رابطه انتظار و بهداشت روان ، در حقیقت مبتنی بر رابطه دین و باورهای دینی با بهداشت روان است . باورهای دینی از طریق تغذیه روحی ، معنابخشی به زندگی ، اتصال به منابع قدرت ، تخلیه هیجانی . . . . زمینه های آرامش وبهداشت روانی را فراهم می کند 0 انتظار علاوه بر این که از ابتلا به بیماری های روانی . جلوگیری می کند ، زمینه رشد وارتقاء توانمندی های فرد را در ایفای نقش های اجتماعی ، روانی و جسمی فراهم می سازد .

وقتی حالت انتظار در انسان پدید می آید ، می شود امید " و " آمادگی " و اشتیاق " را در خود تجربه کرد . انتظار نور وعدالت ، بارقه امید را در دل انسان زنده می کند 0 آمادگی برای انتظار نیز به این معناست که توانایی بردباری بر تأخیرها وشکیبایی بر مشکلات ناشی از غیبت را داشته باشیم . وگواه صادق بر انتظار ، شور واشتیاق است که از یک سو در غمِ فراق است و از دیگر سو در شوق وصال .

به طورکلی ، امید ، آمادگی و اشتیاق ، شرایط روانی خاصی ایجاد می کند که در جلوگیری از بیماری ها و ارتقاء توانمندی ها در مقابله با اضطراب ها نقش موثری دارد .

آثار انتظار

کسی که انتظار قیام مصلح جهانی را دارد در واقع ، انتظار انقلاب وتحولی را دارد که وسیع ترین و اساسی ترین انقلاب های انسانی در طول تاریخ

بشر است ؟ انقلابی که همه شؤون زندگی انسان ها را شامل می شود 0 انتظار ، همیشه از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل می شود ، یعنی ناراحتی از وضع موجود ، وعشق وعلاقه به وضعیت بهتر 0 پس کسانی که در انتظارند ، اگر در ادعای خود صادق باشند ، باید این آثار در آن ها آشکار شود :

ا . خود سازی فردی : منتظِر ، همیشه باید خودساخته و آماده باشد . برای تحقق بخشیدن به چنین انقلاب عظیمی ، مردانی بزرگ مصمم ، نیرومند ، خودساخته ، شکست ناپذیر و دارای بینش عمیق لا زم است . خودسازی برای چنین هدفی ، مستلزم به کار بستن برنامه های اجتماعی ، فکری واخلاقی است .

2 . خود سازی اجتماعی منتظِر ، علاوه بر خودسازی خویش ، باید مراقب حال دیگران نیز باشد

و علاوه بر اصلاح خویش ، در اصلاح دیگران و جامعهٔ خود نیز بکوشد . در میدان مبارزه ، هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند ، بلکه موظف است هر نقطه ضعفی راکه در هرکجا می بیند ، اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید .

3 . حل نشدن در فساد محیط : یکی از آثارانتظار ، عدم تسلیم در برابر آلودگی های جامعه است 0 هنگامی که فساد فراگیر می شود و بیشتر مردم را به آلودگی می کشاند ، گاهی افراد پاک در یک بن بست روانی قرار می گیرند ، واز اصلاحات ، مأیوس می شوند وفکر می کنند کار ازکار گذشته است ودیگر امیدی برای اصلاح نیست

، این نومیدی ممکن است آنان را به صورت تدریجی به فساد وهمرنگی با محیط بکشاند . تنها چیزی که می تواند در ان ها روح امید بدمد وبه مقاومت وخویشتن داری دعوت کند ، امید به اصلاح نهایی وظهور مصلح جهانی است .

4 . پایداری دربرابر رهبری های فاسد و مبارزه با فساد : هرکس سرگذشت دستگاه های جبار بنی امیه ، بنی عباس ، امویین اندلس ، سلاطین عثمانی ودیگرکسانی راکه بر جوامع مسلمان به اسم اسلام وحاکم مسلمان ، در هند ، ماوراء النهر ، ایران ، مصر شام و نقاط دیگر آسیا ، آفریقا واروپا مسلط شدند بخواند ، می فهمدکه چه وضع نا امیدکنند ای پیش آمدکه هدف های واقعی واصولی اسلام ، بیشتر از رسمیت افتاد واصلاً مطرح نبود . تنها چیزی که مسلمانان را در برابر این وضعیت نگاه داشت و آن ها را در حال اعتراض به اوضاع وتقاضای اجرای برنامه های اسلامی دلیر می کرد ، وعده های قرآن وپیامبر (ص) بود که : این دین از بین نمی رود و آینده برای اسلام است . این وعد ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مانند تسلط بنی امیه ، جنگ های صلیبی ، هجوم چنگیز و سرانجام ، استعمار قرن اخیر ، پایدار نگه داشت و مسلمانان را علیه آنان به جهاد وپیکار برانگیخت . بنابراین مسلمان ، تسلیم ظلم وفساد نمی شود وبا ستمگران و مفسدان همراه وهم صدا نخواهد شد . (1)

البته آثار النتظار ، منحصر به این چهار اثر نیست . برای مطالعه بیشتر می

توانید به کتب دیگر مانند انقلاب جهانی مهدی اثر آَیت الله مکارم شیرازی ، مبحث انتظار مراجعه نمایید .

ا . سیمای آَفتاب ه حبیب الله طاهری ص 211 .

انتظار

" انتظار " در لغت به معنای چشم داشت وچشم به راه بودن ونوعی امید به آینده داشتن است . نیجه ای که از معنای لغوی انتظار " به دست می آید این است که کسی که عمل زشت و ناهنجاری انجام داده ، منتظرکیفر آن است ، وکسی که بذری را در زمین پاشیده منتظر است که محصولش از زمین سربرآورد و سرسبز شود وکسی که کار خیر و شایسته ای انجام داده ، منتظر است تا روزی فرا رسد واو پاداش کار خیرش را دریافت کند 0

و اما انتظار در اسلام- به ویژه مذهب تشیع- عبارت از ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی عصر (ع) وامید به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی ، و آغاز حکومت صالحان است . انتظار فرج در اسلام ، در واقع نوعی آمادگی است آمادگی برای پاک شدن ، پاک زیستن 0 آماد گی برای حرکتی مستمر و دائم ، توأم با خودسازی ودگرسازی و زمینه سازی . و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم حضرت مهدی (ع) که آغاز آن ، ظهور حضرت وپایان آن ، شکست تاریکی ها وظلم ها و نتیجه آن ، برپایی حکومت عدل الهی ونهضت سبز مهدوی است .

مسلمانان بر اساس وعده های صریحی که قرآن کریم بدان ها داده است ، عقیده دارندکه طبق قانون خلقت وسنت آفرینش

، تاریخ بر مبنای سنت های الهی ووعده های خدایی به پیش می رود ، و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران تمام شده ، ولی سرانجام حکومت مطلق جهان به دست صالحان وحق پرستان خواهد افتاد وعدالت وامنیت بر اساس قانون خدا در سرتاسر جهان برقرار خواهد شد . از آیات متعدد قرآن توبه ، 32 و 33- نور ، 55- غافر ، 1 5- انبیاء ، 5 0 1 و106- قصص ، 4- سجده ، 28 و 29- صافات ، 171 و 173- حج ، 41به خوبی استفاده می شودکه جهان روزی را در پیش داردکه حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان خواهد افتاد و روزی راکه مسلمانان انتظار می کشند ، همان روز قیام حضرت مهدی (ع) است .

اصل انتظارفرج از یک اصل کلی اسلامی مایه می گیرد ، و آن ، اصلِ حرمتِ یأس و نومیدی از لطف ورحمت خداوند است . آن چه از روایات به دست می آید ، انتظار فرج ، نوعی عبادت است ، ایمان به غیب است ، اقرار به یگانگی جدا ورسالت پیامبر (ص) وپیشوایی امامان معصوم ع است ، تلاش و سازندگی است ، عامل مقاومت وپایداری است ، نوعی فریاد و خروشی از درون ، و عدم پذیرش سلطه ها و اعتراض به زمامداران خودسر و خودپرست است . دلیل این انتظار ، همان نویدهای صریح قرآن کریم وروایات معتبری است که مسأله ظهور حضرت مهدی (ع) و امید به آینده را به عنوان وعده تخلف ناپذیر الهی مطرح کرده اند . انتظار

دارای دو بعد فکری یا اعتقادی ، وبعد عملی یا اجتماعی است ومعرفت وانتظار فرج است که منتظر را در خیمه گاه امام عصر (ع) آماده به خدمت حفظ می کند . (1) و اما انتظار اعتقادی معرفت امام ، شرط صحت انتظار است . فضیل بن یسار از امام صادق (ع) درباره آیا " یوم ندعوا کل اناس بإمامهم ، (2) روزی که هر مردمی را با امامشان می خوانیم ، پرسید . حضرت چنین فرمود : ای فضیل آمام خود را بشناس ، زیرا اگر معرفت امام خود را داشته باشی ، جلو افتادن یا به تأخیر افتادن این امر زیانی به تو نمی رساند " . (3)

انتظار اجتماعی : همان انتظار در مقام عمل است . محصول انتظار اعتقادی انتظار عملی است . برخورداری از رحمت الهی ، شامل حال منتظرانی است که در جهت اجرای اوامر الهی از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند و همواره تلاش می کنند وظایف اعتقادی خود را بشناسند و با تمام توان شان در جهت تحقق آن ها کوشش نمایند 0 وامَا از جمله وظایف عملکردی منتظران ، دعا برای تعجیل فرج ، حفظ تقوی ، تسلیم محض به امام وزمینه سازی برای برقراری عدل الهی است .

1 . بحار الانوار ج 52 ص 126 .

2 . سوره اسراء 71 .

3 . کافی ج 1 ص 271 .

انتظار و ادیان

انتظار در مسیحیت

حضرت عیسی (ع) از میان مردم رفت . گروهی از یاران وی گفتند : درست است که او درگذشت وبه خاک

سپرده شد ، ولی در روز سوم از قبر خود برخاسته وبه آسمان رفته است و دوباره برای پادشاهی بر روی زمین برخواهد گشت . همچنین گفتند : حضرت عیسی برای این کشته شدکه فدای گناهان مردم شود و مدعی شدندکه پیامبران پیشین درد ورنج وتصلیب وی را پیشگویی کرده بودند . از نظر مسیحیان ، حضرت عیسی (ع) شهید نشد ، بلکه قربانی گناهان مردم گردید . تا جایی که تاریخ نشان می دهد ، این باور زیربنای مسیحیت بوده است و مسیحیان در تبلیغات خود این مسأله را بسیار مطرح می کنند . پس از صعود حضرت عیسی (ع) مسیحیان یقین داشتند که او به زودی می آید ، زیرا از حضرت عیسی (ع) نقل می شدکه درباره خودگفته است : پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود ، و درآن وقت هرکس را موافق اعمالش جزا خواهد داد .

شوق ظهورعیسی مسیح (ع) مردم بر اثر علاقه شدید به بازگشت حضرت عیسی (ع) دچار توهمات شدندوتاریخ هایی را برای این رویداد پیشگویی کردند . این پیشگویی ها ، مانند پیشگویی های مشابه آن در ادیان دیگر ، غلط از آب در آمد و در نتَیجه ، رهبران دینی مردم را از این کار برحذر داشتند . فرقه های منتظر ظهور متعددی پدید آمدکه پایه آن ما را بر این توهمات گذاشته بودند . مثلاً فردی به نام ویلیام میلر اعلام کرد حضرت عیسی (ع) درسال 843 1 تا 844 1م بازخواهدگشت . پیشگویی وی تحقق

نیافت وخود او متعهد شد که دیگر پیشگویی نکند . فرقه " ادونیست های روز هفتم " که بر اثر پشگویی های این شخص پدید آمد ، تا عصر ما باقی است . گروهی از آناباپتیست ها در قرن شانزدهم ، برای آماده کردن زمینه سلطنت هزار ساله حضرت عیسی (ع) برخاستند وبرخی از شهرها را برای مدتی در اختیارگرفتند ، ولی شورش آنان بی رحمانه سرکوب شد . ایروینگیان برای سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت ، دوازده حواری تعیین کردند ، ولی از این ابتکار طرفی نبستند . گروهی از آنان به نام " نوایروینگیان (برای آن حواریون جانشینانی تعیین کردند و به این حرکت ادامه دادند . گواهان یهوه برای پذیرایی از حضرت عیسی (ع) و انبیای پیشین در امریکا آپارتمان تهیه کردند . مورمون ها ، کریستادِلفین ها وبرخی از فرقه های عجیب وغریب دیگر مسیحیت ، برای شتاب دادن به ظهور حضرت عیسی (ع) به کارهایی از این قبیل دست زدند . (1)

1 . نشریه موعود شماره 11ص 18 .

انتظار و صهیونیسم

در عصر ماکه یهودیان صهیونیست خود بر پای خاسته وبا اشغال فلسطین درصدد برآمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند ، چیزی از تب وتاب انتظار موعود کاسته نشده است ویهودیان در انتظار مسیحا لحظه شماری می کنند . حدود صد سال پیش متفکران یهود گفتند قوم ما این همه سال در انتظار مسیحا خواری ها را بر خود هموارکرد ، ولی از وی خبری نیامد . دیگر انتظارمان به سر آمد وکاسه صبرمان لبریز شد . جا

داردکه خود برای پایان دادن به وضع موجود برخیزیم 0 آنان مکتب صهیونیسم را تأسیس کردند وگفتند باید خودمان فلسطین را بگیریم 0 عموم یهودیان می گفتند این کار درست نیست ، زیرا طبق باورهای دینی ، تنها مسیحا می تواند به چنین کاری اقدام کند 0 صهیونیست هاگفتند ما برای قیا م مسیحا پایگاهی در فلسطین درست می کنیم . قانع نمودن قومی که قرن ها در خیالات واهی به سر برده بود ، کاری مشکل بود . اما آنان با صبر وحوصله فراوان ، برای این کار تبلیغ کردند و مهاجرانی را به فلسطین بردند وپنجاه سال پیش دولت غاصب اسرائیل را در اراضی اشغالی بنیاد نهادند . البته هنوز هم اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم ، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحای می دانند وپیوسته با آن مخالفت کرده ، می گویند باید به سنت انتظار ادامه داد . سرانجام ، سواد اعظم یهودیت صهیونیسم را از جان ودل پذیرفتند و آن را رهگشای عصر مسیحا دانستند . از این رو ، صهیونیست های غاصب فلسطین ، علاوه بر دعاهای مسیحایی موسوم ، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم غاصب پنجم ماه اِیار عبر پس از دمیدن در شیپور عبادت ، این گونه دعا می کنند :

اراده خداوند ما چنین بادکه به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم ونفخ صور مسیحا ، گوش ما را نوازش دهد . (1)

ا . نشریه موعود ، شماره 11 .

حقیقت انتظار

انتظار مثبت : انتظار مثبت نقطه مقابلِ انتظار منفی است 0 این گروه

معتقدند : ظهور حضرت مهدی (ع) حلقه ای است از حلقه های مبارزه اهل حق وباطل که به إنت پیروزی اهل حق منتهی می شود 0 سهیم بودن یک فرد در این سعادت ، موقوف به این است که آن فرد عملاً درگروه اهل حق باشد . در روایت آمده است : " یملا ء الله به الارض قسطاً وعَدلاً بعد ما مُلِئَت ظلما وجورا " ؟ خداوند ، زمین را پر از عدل وداد می کند ، پس از آن که از ظلم وجور پر شده باشد 0 در این حدیث ، تکیه بر روی ظلم شده وسخن ازگروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می رساند که قیام مهدی (ع) برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند . شیخ صدوق روایتی از امام صادق (ع) نقل می کند مبنی بر این که ، این امر تحقق نمی پذیرد ، مگر این که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد 0 پس سخن در این است که گروه سعدا و اشقیا هرکدام به نهایتِ کار خود برسند ، سخن در این نیست که سعیدی درکار نباشد وفقط اشقیا به منتها درجه شقاوت برسند که در انتظار منفی آمده است

از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام وظهور امام (ع) ، یک سلسله قیام های دیگر از طرف اهل حق صورت می گیرد . آن چه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است ، نمونه ای از این سلسله قیام هاست . (1)

پس "

انتظار مثبت ، انتظاری است که در آن ، هر فرد نسبت به خود وجامعه مسؤول است . این انتَظار ، تعهد آفرین وتحرَک بخش است ونوعی عبادت شمرده می شود .

1 . سیمای آفتاب حبیب الله طاهری ص 208 .

افضل الاعمال

در روایات مربوط به انتظار ، عبارات ا فضل الاعمال وافضل العباده " بسیار به کار رفته است 0

پیامبراکرم (ص) فرمود : افضل العباده انتظار الفرج (1) و در حدیث دیگری می فرماید :

افضل اعمال امتی انتظار فرج من الله (2) این مضمون دراحادیث بسیاری واردشده است : امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید : افضل العباده الصمت و انتظا رالفرج (3) برترین عبادت ، سکوت از بیهوده گویی وانتظار فرج است .

امام سجاد (ع) نیز فرمود : انتظار فرج از برترین اعمال است . وامام جواد (ع) فرمود : برترین عمل شیعیان ماانتظار فرج است

1 . بحار الانوار ج 52 ص 25

2 . بحار الانوار ج 52 ص 122 .

زمینه سازان ظهور

انقلاب حضرت مهدی (ع) هم چون دیگر انقلاب ها ، بدون مقدمه وزمینه سازی به وجود نمی آید ، بلکه در آستانه ظهور ، حرکت هایی پا می گیرد وزمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد 0 بخش عمده ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور ویاران حضرت مهدی (ع) آمده است ، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند : اهل فارس ، عجم ، اهل خراسان ، اهل قم ، اهل طالقان ، اهل ری و . . . بیان شده است . با بررسی مجموع این روایات به این نتیجه می رسیم که درکشور ایران ، پیش از ظهور ، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین (ع) و برپا می

گرددکه مورد نظر امام زمان (ع) است و نیز مردم ایران ، نقش عمده ای در قیام آن حضرت دارند 0 (1) رسول خدا (ص) می فرماید : مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (ع) فراهم می سازند . (2) نیز می فرماید : پرچم های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمدکه دل های آنان همانند پاره های آهن است ؟ پس هرکس از حرکت آنان آگاهی یافت ، به سوی آنان برود وبا آنان بیعت کند ؟ هر چند لازم باشدکه بر روی یخ حرکت کند 0 " (3) امام باقر (ع) می فرماید : " گویا قومی را می بینم که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند ، ولی حق را به آنان نمی دهند 0 بار دیگر طلب می کنند ولی باز به آنان واگذار نمی کنند . در این حالت ، شمشیرها را از نیام کشیده ، بر شانه می گذارندکه در این هنگام ، دشمن خواسته آنان را می پذیرد ، ولی آنان نمی پذیرند وقیام می کنند وحق را واگذار نمی کنند ، مگر به صاحب امر . کشتگان آنان شهیدند واگر من آنان را درک می کردم ، خودم را برای صاحب این امر آماده می کردم 0 (4)

در این روایات ، به روشنی از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) خبر داده شده است . همه روایات بر این نکته

اتفاق دارند که پیش از ظهور مهدی (ع) حکومتی به رهبری یکی از صالحان ، که گمان می رود از فرزندان پیامبر (ص) هم باشد ، در ناحیه مشرق تشکیل می گردد و زمینه ظهور را مهیا می سازد و این حکومت ، تا ظاهر شدن حضرت مهدی (ع) وتسلیم آن به حضرت ایشان ادامه می یابد 0 بر همین اساس ، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه راکه پس از قرن ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب ، روی کار آمد ، همان دولتی دانسته اندکه در روایات ، از جمله زمینه سازان حکومت مهدی (ع) به شمارآمده است 0 (5)

در زمان ما نیز ، برخی با استناد به ویژگی هایی که در روایا ت آمده ، انقلاب اسلامی ایران را که در سال 1357 ه . ش به رهبری امام خمینی ره به پیروزی رسید ، همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور وقیام مهدی (ع) آماده می کند . در هر صورت ، گر چه قرائن فراوانی این احتمال را قوت می بخشد ، ولی دلیل قطعی که ثابت کند منظور از حکومت زمینه ساز ، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی ره است ، در دست نیست (6)

ا . چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبسی ، ص 58 .

2 . بحا رالانوارج 1 5 ص 87 ا ثبات الهداه ج 3 ، ص 599 کشف الغمه ، ج 3 ص268 .

3 . عقد الدرر

، ص 29 1 ينابيع الموده ، ص 1 49 بحارالانوار ج 51 ، ص 84 .

4 . بحارالانوار ج 2 5ص43 2 غبه نعمانى ص 373 .

5 . بحا رالا نوار ج 52 ، ص 243 .

6 . برترين هاى فرهنگ مهدويت در مطبوعات ، ص 248 .

منتظران

منتظر

يكى از لقب هاى معروف حضرت مهدى (ع) است (1) به كسى گويندكه عده اى در انتظار او باشند . بر اين اساس امام عصر (ع) را ازآن جهت منتظر مى نامندكه شيعيان در انتظار او به سر مى برند ، تا پس از اذن ظهور پيداكردن آن حضرت از طرف خداوند متعال ، به يارى او بشتابند و او را در فراهم ساختن زمينه تشكيل حكومت عدل الهى ، برچيدن بساط ظلم و نابسامانى از سر تا سر عالم ، برقرارى صلح و امنيت واقعى كه آرزوى هميشگى انسان در طول تاريخ بوده است ، يارى كنند 0آنگاه در بسترى كه به بركت حاكميت عدالت و صلح و صفا فراهم شده است ، به كسب فضايل اخلاقى وكمالات انسانى كه سعادت ايدى او درگرو آراستگى به آن هاست ، بپردازند .

درباره علت منتظر ناميده شدن امام مهدى (ع) رواياتى از طرف ائمه اطهار (ع) نقل شده است . از جمله نقل مى كنند : روزى شخصى از امام باقر (ع) سؤال كرد : اى فرزند رسول خدا به چه دليل مهدى آل محمد (ع) را منتظَر ناميد ه اند ؟ آن حضرت در جواب مى فرمايند

: به این دلیل او را منتظر می گوی ندکه آن حضرت دوره غیبت بسیار طولانی خواهد داشت . پیروان مخلص او در طول این دوره با وجود سختی های زیادی که دارد ، در انتظار ظهور او به سر خواهند برد . این در حالی است که بسیاری از افراد تردیدکننده ، قیام و ظهور او را منکر خواهندشد (2) علاوه بر روایات ، در مجموعه زیارت و ادعیه نیز ازآن حضرت با لقب منتظر یاد شده است .

به عنوان نمونه در بخشی از دعای ندبه می خوانیم : این المنتظر لاقامه الاممت مالعوج کجاست آن امامی که مردم به منظور برطرف ساختن اساس کژی و انحراف ها در انتظار او به سر می برند یا در زیارت صاحب الامر (ع) آمده است : السلام علی النتظر والعدل المشتهر . درود برآن قیام کنند ه ای که جهانیان در انتظار اویند وسلام برآن امام عادلی که عدالتش سر تا سرعالم را فرا خواهد گرفت . . . . . (3)

انبیاء وائمه منتظر بودند

تکریم ائمه از حضرت

وجود مقدس حضرت صاحب الزمان ، دارای خصوصیاتی است و برنامه آن بزرگوار ویژگی هایی داردکه چشم امید همه ، حتی پیامبر و ائمه (ع) به او دوخته شده و اهمیت کارش به قدری است که پیوسته دودمان امامت و ولایت درگفتار ورفتارشان ، از آن حضرت به بزرگی یاد کرده و همگان را به عظمت او توجه داده اند . آن چه از ادعیه وزیارات وروایات برمی آید این است که کار تمام انبیاء ومرسلین یک طرف است وکار حضرت مهدی (ع

) ، یک طرف . یعنی تمام آن ها مطلب را رسانده اند تا جایی که بذر را آماده کرده وحضرت حجت (ع) می آید وبه مرحله انتاج می رساند .

امام حسین (ع) فرمودند : اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد ، خداوند آن روز را چندان بلندگرداند ، تا مردی از اولاد من قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید ، چنان که پر از ظلم وستم شده باشد ، این طور از پیغمبر شنیدم . (1)

امام سجاد (ع) فرمودند : خداوند امامت را در نسل حسین (ع) تا روز قیامت برقرار داشته است . قائم ما دو غیبت داردکه یکی از دیگری طولانی تر است . (2)

امام باقر (ع) فرمودند : دوازدهمی آن هاکسی است که عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز می گذ ا رد 000 (3)

امام صادق (ع) فرمودند : هنگامی که سه اسم متوالی در میان ما ائمه ندا شود : محمد وعلی وحسن ، چهارمی آن ها قائم است (4) یا این که فرمودند : اگر من او را می دیدم ، در مدت عمر خدمتگزاش می گشتم (5)

امام کاظم (ع) فرمودند : خوشا به حال آن دسته از شیعیان ماکه در غیبت قائم ما چنگ به دوستی ما زده ، و بر محبت ما ثابت می مانند و از دشمنان ما بیزاری می جویند 000 (6

) امام رضا (ع) فرمودند : امام بعد از من پسر من محمد است وبعد از او علی پسر او وبعد از پسرش حسن می باشد و بعد از حسن پسرش ، حجت قائم امام است که اهل ایمان در زمان غیبتش انتظار او را می کشند و بعد از ظهورش از وی فرمان می برند (7) امام جواد (ع) فرمودند : بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج امام زمان است . (8) امام حسن عسکری (ع) فرمودند : امام زمان را غیبتی است که در آن نادانان حیران گردند واهل باطل به هلاکت افتند وکسانی که وقت ظهور را معین کنند دروغگو باشند (9)

1 . چشم به راه مهدی ص 178

2 . همان ص 184

3 . همان ص 190

4 . همان ص 196

5 . همان ص 200

6 . همان ص 203

7 . همان ص 206

8 . همان ص 212

تکریم پیامبراز حضرت

پیامبر اسلام (ص) در احادیث فراوانی به آمدن مهدی (ع) بشارت داده واز حضرت تکریم کرده است . ابوذر غفاری می گوید از پیغمبر خدا شنیدم که فرمود : هرکس مرا واهل بیت مرا دوست دارد آن گاه اشاره به علی وحسنین (ع) کرد . وگفت این برادرم وبهترین اوصیاست وسبطین من بهترین اسباط ، وبه زودی خارج می فرماید خدای تعالی از صلب حسین ، ائمه دین را واز ماست مهدی این امت . گفتم : ای پیغمبر خدا چند نفر ائمه پس از شما خواهند بود . فرمود : به عدد نقباء بنی

اسرائیل .

نیز پیامبر (ص) فرمود : خروج می کند مردی از اهل بیت من که عمل می کند به سنت من وخدا برکت خود را به سبب او از آسمان نازل می فرماید وبرکات زمین را به سبب او ظاهر می نماید و زمین را پر از عدل می نماید بعد از آن که پر شده باشد از ظلم و جور . نیز فرموده : امامان پس از من دوازده تن خواهند بود 0 یا علی تو اول ایشانی و آخر آن ها امام قائمی است ملقب به مهدی که خدای عالم در دوره آخر به دست او فتح می فرماید مشرق ومغرب زمین را (1)

1 . اد یان ومهدویت ص36 و 37 .

عرض اعمال

یکی از ایام هفته است . در حدیثی آمده است که در روز دوشنبه وپنج شنبه اعمال این امت بر پیامبر (ص) عرضه می شود وپس از آن حضرت ، بر حضرات ائمه (ع) و حضرت ولی عصر (ع) عرضه می گردد . (1) از حضرت رسول (ص) آمده که دانش را در روز دوشنبه فرا گیرید که آن را بر پژوهنده اش آسان می سازد . (2) عرضه اعمال به حضرت

ا . نجم الثاقب باب یا زدهم .

2 . کنزالعمال حد یث 29340 .

منتظران حقیقی

در روایات ، استقامت در دین ، پارسایی و تخلق به مکارم اخلاق از ویژگی های منتظران حقیقی شمرده شده است . پیامبرگرامی اسلام (ص) در تجلیل از مقام شامخ منتظران حقیقی خطاب به صحابه فرمود : شما اصحاب من هستید ، لیکن برادران من مردمی هستندکه در آخرالزمان می آیند . آن گاه در مقام توصیف اوج مجاهدت و تدین ایشان می فرماید : هر یک از ایشان ، بیش از کسی که بر زجر پوست کندنِ درختِ خار با دست خالی در شبِ تاریک یا نگهداریِ آتش سوزانِ چوبِ درختِ تاغ درکفِ دست صبر می کند ، در دینداری خود استقامت می ورزد . به راستی که آنان چراغ های هدایت در شب های ظلمانی هستند . (1)

امام جعفر صادق (عِ) نیز فرمود : هرکس بخواهد در شمار منتظران حقیقی آن عدلِ منتظَر باشد ، باید پارسایی پیشه کند و متخلَق به مکارم اخلاق گردد (

(2

1 . بحار الانوار ج52ص124

2 . بحار الانوار ج52 ص14

دشواری انتظار

از پیامبرگرامی اسلام (ص) دو روایت معروف نقل شده است که با مقایسه آن می توان به دشواری انتظار پی برد ؟

افضل لاعمال احمزها (1) و افضل اعمال امتی انتظار الفرج (2) علل دشواری وظیفه منتظران را می توان در چهار محور خلاصه کرد :

1 . آراستگی به عدالت وتقوا

2 . آراستگی به بردباری و پایدا ری

3 . بهره مندی از دین شناسی بنیادین

4 . لزرم اصلاح طلبی و ظلم ستیزی .

رسیدن به این مراحل کاری است بس دشوار اما شدنی و هرکس دشواری انتظار را هموار کرد در زمره منتظران حقیقی مولا قرار می گیرد که امام صادق (ع) فرمود : " هرکس می خواهد در شمار منتظران حقیقی باشد باید پارسایی پیشه کند و متخفق به مکارم اخلاق گردد (3)

ا . مجمع البحرین ص 297 به نقل از در انتظار ققنوس ص 278

2 . بحار الانوار ج 52ص 14

3 . همان

منزلت منتظران

کبرییت احمر

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است : " سوگند به خداوندکه مرا به حق برانگیخت ، آنان که در عهد غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می مانند ازکبریت احمرکمتر خواهند بود " 0 (1)

کبریت احمر ، به معنای گوگرد سرخ است و در برخی منابع آمده که منظور از آن معدن طلاست . (2)

گویاکبریت احمر ، کنایه از جنس مرغوب و ارزشمند است .

1 . بحارالانوا ر ج 1 5 ، ص 73 اعلام الوری ص 399 المحجه البیضاء ج 4 ، ص337 .

2

. معارف و معاریف ج8 ص463

فضیلت انتظار

در روایات ، ارزش و فضیلت بسیاری برای انتظار " شمرده شده است که برخی از آن ها را می آ وریم

پیامبرگرامی اسلام (ص) برترین عبادت را انتظار فرج می داند (1) . و در جای دیگری می فرماید : برترین جهاد امت من انتظار فرج است (2) حضرت علی (ع) نیز فرمود : منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند نا امید نشوید . به درستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند ، انتظار فرج است (3) امام صادق (ع) نیز فرمود : منتظر امر ما ، به سان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد (4) در روایتی مرحوم مجلسی از امام صادق (ع) نقل می کند : هرکس که بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد ، همانندکسی است که با حضرت قائم) ع (در خیمه اش بوده باشد . پس حضرت چند لحظه ای درنگ کرده ، آنگاه فرمود : نه ، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند . سپس فرمود : نه ، به خدا همچون کسی است که در پیشگاه رسول خدا) ص (شهید شده باشد) 5) و نیز در روایت دیگری می فرماید : بدانید کسی که منتظر ظهور حضرت مهدی (ع) باشد ، پاداش کسی را دارد که شب ها را برای انجام عبادت بیدار ، و روزها روزه دار باشد (6) و در ضمن حدیث

مفصلی آمده است که آن حضرت فرمود : هرکس منتظر امر ما باشد و برترس و آزاری که از دشمنان ما می بیند صبرکند ، فردای قیامت با ما خواهد بود (7) پس انتظار ، آدمی را متعهد می سازد که برای تحقق هدف های اسلامی و آرمان های انسانی ، بدون هیچ گونه ضعف و یأس ، تلاش کند و به سوی مقاصد متعالی اسلام گام بردارد و پیوسته مقاوم و استوار ، به وظایف دینی و اسلامی خود عمل نماید . از همین جهت است که انتظار " در روایات ، عبادت شمرده شده و از بهترین و با ارزش ترین اعمال به شمار آمده است .

1 . کمال الدین ج 1 ص 0287

2 . بحا رالا نوا ر ، ج 74 ، ص 143 .

3 . بحا رالا نوا رج52ص123

4 . کمال الدین ، ج 2 ص 645

5 . بحا رالا نوا رج52 ص126

6 . کا فی ج 2 ، ص 222 .

7 . کافی ج1ص372

متشحط

" : یعنی کشته ای که در خون خود بغلتد (1) امیرالمؤمنین (ع) فرمود آن که منتظر امر ما باشد ، مانندکسی است که در راه خداوند در خون خود بغلتد (2) .

1 . معارف ومعاریف ج9ص80

2 . بحار الانوار ج52ص123

مجالس حضرت

حضور یافتن و نشستن در مجالس که فضایل و مناقب حضرت مهدی (ع) و آن چه مربوط به او است در آن ها یاد می شود ، از تکالیف بندگان در عصر غیبت است . پیامبر (ص) فرمود : " در باغ های بهشت بگردید . عرضه داشتند : ای رسول خدا باغ های بهشت چیست ؟ فرمود : " مجالس ذکر . . . (1) . از امام رضا (ع) نیز روایت شده که " هرکس در مجلسی بنشیندکه امر ما در آن زنده می گردد ، دلش نخواهد مرد ، روزی که دل ها می میرند (2) نیز برپا نمودن مجالسی که مولایمان صاحب الزمان (ع) در آن ها یاد شود و فضائل آن حضرت در آن ها ترویج و منتشرگردد و در آن مجالس برای آن جناب دعا شود ، از تکالیف عصر غیبت است که این کار ، در حقیقت ترویج دین خدا و نصرت ولی الله است (3)

1 . مکیال ا لمکارم ج2 ص 238 .

2 . بحار الانوار ج 44 ، ص 278 .

3 . مکیال المکارم ج2 ص 241 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

ویژگیها و تکالیف

شکر امام

امام شناس ، باید همه مراحل شکر را در مقابل ولی نعمت خویش به جا آورد . در مرحله اول ، شکر قلبیِ نعمت امام (ع) یاری ایشان به قلب است . انسان شاکر باید بررسی کندکه چگونه می تواند قلب ا مام خود را یاری کند 0 مسلماً در این مرحله ، ابتدا

معرفت صحیح ایشان به اسم و وصف وسپس محبت قلبی مطرح می شودکه خود مرتبه والایی از یاری امام است . در این مرحله تهذیب نفس از رذائل اعتقادي و اخلا قی ، جایگاه ویژه و منحصر به فرد دارد . هر چه قلب انسان از آلودگی گناهان پاک تر شود ، معرفتش به آن امام عزیز بالاتر می رود . در مرحله دوم ، شکر زبانيِ این نعمت که برخاسته از معرفت و محبت قلبی است ، می تواند به وسیله یاريِ زبانی حضرت صورت پذیرد . یاد کردن ایشان به زبان ، تبلیغ دین و معرفی امام به زبان ، از مصادیق یاری زبانيِ این نعمت است 0 در مرحله سوم ، شکر عملی نعمت مطرح می شود . بهره برداری صحیح از نعمت امام وقتی صورت می پذیردکه انسان با عمل خویش ، در مسیر بندگی پروردگار قرارگرفته و دیگران را نیز به این مسیر هدایت کند و بدین وسیله به یاری امام عصر (ع) بشتابد . پاک نگه داشتن هه اعضا و جوارح ازگناهانِ خاص خود ، نقش اساسی در این مرحله از شکر نعمت امام دارد . اگر انسان در هر سه مرحله قلبی ، زبانی و عملی امامش را یاری کند ، می تواند امیدوار باشدکه از منتظران حقیقی مولا است . (1)

1 . آفتاب ، وغربت سید محمد بنی هاشمی ص 0329

مجالس حضرت

حضور یافتن و نشستن در مجالس که فضایل و مناقب حضرت مهدی (ع) و آن چه مربوط به او است در آن ها یاد می شود ، از

تکالیف بندگان در عصر غیبت است . پیامبر (ص) فرمود : " در باغ های بهشت بگردید . عرضه داشتند : ای رسول خدا باغ های بهشت چیست ؟ فرمود : " مجالس ذکر . . . (1) . از امام رضا (ع) نیز روایت شده که " هرکس در مجلسی بنشیندکه امر ما در آن زنده می گردد ، دلش نخواهد مرد ، روزی که دل ها می میرند (2) نیز برپا نمودن مجالسی که مولایمان صاحب الزمان (ع) در آن ها یاد شود و فضائل آن حضرت در آن ها ترویج و منتشرگردد و در آن مجالس برای آن جناب دعا شود ، از تکالیف عصر غیبت است که این کار ، در حقیقت ترویج دین خدا و نصرت ولی الله است (3)

1 . مکیال ا لمکارم ج2 ص 238 .

2 . بحار الانوار ج 44 ، ص 278 .

3 . مکیال المکارم ج2 ص 241 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

محبت حضرت

محبت امام زمان (ع) ، که همان محبت خدا می باشد مَن آحبکم فقد احب الله (1) هم جنبه موضوعیت دارد ، هم جنبه طریقیت .

محبت و عشق به آن بزرگوار موضوعیت دارد ، یعنی نفس و ذات این محبت و اظهار عشق و نیاز به آن محبوب ، مطلوب و ممدوح حضرت حق است . چنانکه در احادیث و روایات ائمه معصومین (ع) ، از طریق عامه و خاصه بر آن تاکید شده است 0 زَمَحشَری در تفسیر

آیه : قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی (2) این حدیث را نقل می کند :

رسول خدا (ص) فرمود : هرکه با دوستی آل محمد بمیرد ، شهید مرده است ؟ بخشوده از عذاب مرده است . هرکه با دوستی آل محمد بمیرد ، فرشته مرگ او را بشارت می دهد و سپس منکر و نکیر نیز او را به بهشت بشارت می دهند . هرکه با دوستی آل محمد بمیرد او را معزز ومحبوب به سوی بهشت می برند . آنگونه که عروس را معزز و محبوب به خانه داماد می برند . هرکه با دوستی آل محمد بمیرد ، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می دهد 0 هر که با دشمنی آل محمد بمیرد ، روز قیامت در حالی وارد می شود که بر پیشانی او نوشته است : مأیوس از رحمت خدا هرکه با دشمنی آل محمد بمیرد ، کافر مرده است . هرکه با دشمنی آل محمد بمیرد ، بوی بهشت را استشمام نمی کند 0 " (3) از روایت فوق و ده ها روایت دیگر چنین برداشت می شود که نفس محبت اهل بیت (ع) ، دارای ارزش و اعتبار فوق العاده می باشد . تا آن جا که در برخی از روایات آمده است که از همه عبادت ها بالاتر است 0 چنانکه در روایتی از امام صادق (ع) می خوانیم : بالاتر از هر عبادتی ، عبادتی است ، و محبت اهل بیت (ع) برترین عبادت هاست . (

4) و اما محبت امام زمان طریقیت دارد ؟ وقتی فردی محب یک انسان کامل مانند حضرت ولی عصر (ع) می شود ، طبیعی است که لازمه اش تبعیت محب " از محبوب و نتیجتاً متصَف گشتن محب به صفات " محبوب " است .

چنانکه اهل معرفت می گویند : تأثیر نیروی " محبت " درپیراستن جان از رذائل ، و آراستن آن به فضایل ، از قبیل تأثیر مواد شیمیایی بر روی فلزات است که همچون اکسیری دفعتاً فلزی را مبدل به فلز دیگر می سازد 0 و یا مانند سیم برقی که از وجود محبوب " به " محب " اتصال می یابد و یک جا و با سرعت ، تمام صفات " محبوب " را به محب " انتقال می دهد . بنابراین اگر دیدیم مدعی محبت به کسی ، عاری از صفات محبوب ، بلکه متصف به صفات ضد صفات اوست ، طبیعی است که در صدق ادعای وی دچار تردید شویم و احیانا تکذیبش کنیم .

چنانکه در روایتی که شیخ کلینی ، به اسناد خود از امام صادق (ع) ، نقل می کند ، آمده است : ما اساس هر خوبی و خیری هستیم و هر چه نیکی است از فروغ ماست . . . و دشمنان ما ، ریشه و اصل هر شر و بدی هستند . وهر چه پلیدی و زشتی است از شاخه های شجره خبیثه آن هاست 0 . بنابراین دروغ گفته است کسی که پنداشته است که با ماست ، در حالی که او به گواهی اعمال زشتش

وابسته به فروع غیر ماست از پیوند خوردگان به درخت نپاک دشمنان ماست (5)

این حدیث شریف ، هشداری به دوستان و منتظران حضرت ولی عصر (ع) می دهدکه در اعمال خود بیاندیشند و بنگرند که رفتار وگفتارشان مشابهت با محصول کدامیک از آن دو د رخت خبیث " و طیب " دارد . (6)

1 . سوره شوری ، 023

2 . قسمتی از زیارت جامعه کبیره

3 . بحار الانوار ج27 ص 111 .

4 . بحارالانوارج 27 ص 1 09

5 . کافی ج 8 ص 243 .

6 . نشریه موعود شماره 11 و 10 ص 46

محبوب کردن حضرت

از تکالیف بندگان در عصر غیبت ، محبوب کردن حضرت مهدی (ع) در میان مردم است . به دلالت عقل ، هرکس محبتش واجب و نیکو است ، سزاوار است او را محبوب کنیم (1) در روایتی آمده است : خداوند رحمت کند بنده ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی وکینه توزی آنان قرار ندهد " (2) از امام صادق (ع) روایت شده که : خداوند رحمت کند بنده ا ی راکه مودت مردم را به سوی ما می کشاند " (3)

1 . مکلیال المکارم ج2 ص 205 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

2 . کافی ، ج8 ص 0229

3 . مجالس صدوق ص 61 .

مرابطه

مرابطه این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ مشرکان وکافران ، در مرزهای کشور اسلامی و یا هر موضعی که ازآن احتمال بروز حمله ای علیه مسلمانان می رود ، به حال آماده باش و درکمین به سر برد (1) به تعبیری ، مرزداری است . این عمل در زمان غیبت امام معصوم (ع) مستحب بوده و فضیلت های بسیاری برای آن شمرده شده است . راوی می گوید : امام باقر (ع) به من فرمودند : منتهای زمان مرابطه نزد شما چند روز است عرضه داشتم : چهل روز . حضرت فرمودند : ولی مرابطه ما مرابطه ای است که همیشه هست (2) علامه مجلسی در شرح این فرمایش امام می فرماید : بر

شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام برحق و انتظار فرج او ، ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند . (3) شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهراکلام " در شرح این روایت می نویسد : مرابطه در آین روایت به معنای انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است ؟ هم چنان که در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است ، نه مرابطه مصطلح در فقه . (4)

مرابطه سه قسم دارد : 1 نگهداشتن سلاح و اسب و مانند این ها ، در انتظار ظهور امام زمان (ع) و به امید یاری دادن ایشان در زمان ظهور است . این عمل از مستحبات دینی است . 2 . همان مرابطه مصطلح درکتاب جهاد است که تعریف آن در آغاز بحث آمده است . کمترین زمان این مرابطه سه روز و بیشترین آن چهل روز است . این مرابطه نیز چه در زمان ظهور و چه غیبت ، مستحب است . 3 این است که مؤمن با امام زمان خود مرابطه داشته باشد ، یعنی خود را به رشته ولایت او ببندد ومرتبط سازد . امام صادق) ع (فرمودند : بر معصیت ها صبرکنید و در شکیبایی و استقامت در انجام واجبات بر یکدیگر پیشی بگیرید و با امامان خود مرابطه داشته باشید) 5) رمز این که شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد ، شاید این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر زمان که اراده خداوند تعلق بگیرد ،

ممکن است ظهور واقع شود .

1 . بحارالانوار ج 52 ص 390 .

2 . غیبه طوسی ص 240 ذیل آیه 55 سوره نور

3 . مرا ه العقول ، ج 26 ص582

4 . جواهر الکلام ج21 ص3

5 . بحار الانوار ج 024 ص 220 .

مراقبه

مراقبه به این معنا است که مؤمن درتمام اعمال و در هر سخن خود ، مراقب باشد و بداندکه حضرت مهدی (ع) همه جا با اوست و هیچگاه او را فراموش نمی نماید زیرا حضرت فرموده است : " همانا بر احوال و اخبار شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نیست (1) و نیز فرموده : " ما از رسیدگی و سرپرستی شماکوتاهی نمی کنیم و یاد شما را فراموش نکرد ه ایم (2)

مراقبه ، یکی از وظایف انسان منتظر در دوران غیبت است . براساس روایات ، اعمال شیعه بر امام زمان (ع) عرف می شود ، به ویژه در روزهای دوشنبه ، پنج شنبه (3) در این صورت بر شیعه لازم است ، مراقب باشد و عملی را مرتکب نشودکه حین عرضه اعمال ، باعث شرمندگی او نز د امام (ع) شده وآن وجود نازنین را برنجاند

1 . احتجاج ص497 بحار الانوار ج53ص174

2 . بحار الانوارج53 ص174

3 . نجم الثاقب باب یازدهم بصائر الدرجات ص 426

منتظر

امت اسلامی در برخی روایات به عنوان امت 0 منتظِر " نامیده شده است ؟ چون همیشه آن ها در انتظار مهدی موعود (ع) به سر می برند . امام صادق (ع) به ابو بصیر در ضمن روایتی در این باره می فرمایند : ای ابوبصیر خوشا به حال شیعیان و پیروان قائم ما اهل بیت ؟ چون آن ها در زمان غیبت او منتظر ظهور او هستند و وقتی آن حضرت ظهور

نمایند ، در زمان ظهورش مطیع و فرمانبردار او خواهند بود . آنان اولیای خدایند و هیچ ترس و اندوهی برآن ها وجود ندارد (1) در بسیاری دیگر از روایات و تعابیر دعاها ، از خود امام زمان (ع) با لقب " منتظِر " یاد شده است . (2) به عنوان مثال در دعای روز عید فطر عبارتی به این صورت به چشم می خورد : اللهم ، صل علی ولیک النتظر امرک المنتظر لفرج اولیائک 000

بار خدایا بر ولی خودت درود فرست ؟ آن ولی که منتظِر فرمان توست و همواره در آرزوی گشایش کار دوستان تو در حال انتظار به سر می برد . (3)

بر این اساسی چون امام منتظر مانند مردم ، خود نیز در انتظار صدور اذن الهی به سر می برد تا قیام نموده و جهانِ گرفتار در بند و جور ستم ستمگران و ظالمان را از وضع نابسامانی که دارد رهایی بخشد و اهدافْ بلند انبیای الهی را ، که همانا هدایت وکمال پیداکردن مردم جهان است ، محقق سازد ، لذا به این جهت او را هم منتظِر می نامند 0 او انتظار می کشد تا لحظه ظهور فرا رسد و به این ترتیب دوران رنج و اندوه بشر پایان یابد وحاکمیت ارزش های الهی و فضیلت اخلاقی در سرتاسر عالم تحقق پیداکند و از این رهگذر زمینه تعالی معنوی و رشد کمالات واقعی انسان فراهم شود .

آن حضرت در برخی از دعاهای عارفانه ای که از ایشان به یادگار مانده است ، آرزوها و اهداف خود را

بیان کرده و شوق و اشتیاق غیر قابل وصف خود را برای تحقق یافتن ظهور به نمایش گذاشته اند . در یک موردآن حضرت می فرمایند : پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و دوستانت را با تحقق بخشیدن به وعده هایی که به آنان داده ای گرامی بدار وآنان را به آرزوهایی که داشته اند برسان ؟ زیراکه مهلت حاکمیت ستمگران در نظر ما به پایان رسیده است وما ازآن چه که خشمگین هستی ، خشمگینیم و همواره در یاری حق کوشاییم . ما به صدور فرمان تو مشتاقیم و چشم به راه تحقق وعده هایی که داده ای هستیم . 000 خداوند به این قیام اذن صادرکن و راه های آن را هموار ساز و تحقق شایسته آن را آسان گردان . برنامه آن را به ما بیاموز و سپاهیان و یاوران این قیام را تائیدکن 0 قدرت و توانایی ات را به ستمگران و زورگویان هر چه زودتر آشکار ساز و شمشیر انتقامت را به سر دشمنان کینه توز فررد آور . (4)

باز در جای دیگر می فرماید : ای نور روشنایی ها و ای تدبرکننده کارها . . . برای من وپیروانم در سختی ها گشایشی قرار بده و از غم ها و اندوه ها راه نجاتی فراهم ساز . . 0 خداوندا وعده هایی که به من داده ای تحقق بخش . . 0 وفرج مرا زودتر برسان و به قدرت و نصرتت فتح بزرگ را نصیب گردان . (5)

نتیجه آنکه : از دید روایات در جامعه اسلامی عصر غیبت ، هم

امام و هم امت ، هردو منتظرند . امت در انتظار امام خود است و می خواهد هر چه زودتر او از پس پرده غیب به در آید و راه نجات از نابسامانی ها را به انسان بیاموزد و امام نیز در حال انتظار به سر می برد ، تا اجازه ظهورش فرا رسد ، تا انقلاب حیات بخش خود را آغازکند و به آرمان های انبیا و اولیاءکه ستمگران مانع تحقق آن ها در طول تاریخ بشریت شده اند ، جامه عمل بپوشانند . (6)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 150

2 . نجم الثاقب باب دوم

3 . مکیال المکارم ، ج 2 ، ص 81

4 . بحا رالانوا ر ج85ص 233 .

5 . همان

6 . نشریه موعود شماره 32 ، ص 65 .

نماز هدیه به حضرت

در توسل به حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین (ع) ، به وسیله نماز و هدیه کردن نماز خود به آنان ، ایام هفته را به هر امامی تقسیم کرده اند . برای روز جمعه ، هشت رکعت ذکرکرده اند ؟ چهار رکعت برای رسول خدا (ص) و چهار رکعت برای حضرت حجت (ع) . در روایتی آمده است : کسی که ثواب نماز خود راچه فریضه ، چه نافله برای رسول خدا و امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او هدیه کند ، خداوند ثواب نمازش را دو برابر می کند و هنگام جدایی روح از بدنش ، او را به خاطر چنین هدیه ای بشارت می دهند . بهتر آن است که در این نمازها

، تسبیح رکوع و سجود را سه مرتبه بگوید وپس از آن بگوید : " و صلی الله علی محمد و آله الطیبن الطاهرین و بعد از هر دو رکعت بگوید : " اللهم انت السلام و منلک السلام و الیک یعود السلام حینا ربنا منک بالسلام اللهم ان هذه الرکعات هدیه منی الی فلان کن فلان و نام آن حجت را ببردکه هدیه برای اوست صل علی محمد و آل محمد وبلغه ایاها واعطنی افضل املی و رجائی فیک و فی رسولک صلواتک علیه و آله و فیه . آن گاه دعاکند ، هر چه راکه خواست . (1)

ا . نجم الثاقب باب هفتم .

وظایف منتظران

در باره وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت ، سخن های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی کتاب ها از جمله کتاب " مکیال المکارم فی فوائد الدعاءِ للقائم تا هشتاد وظیفه برای منتظران حضرت مهدی (ع) برشمرده شده است . (1) ما در این جا به تعدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم :

ا . شناخت حجت خدا وامام عصر (ع) نخستین وظیفه منتظران ، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجَت زمان خویش است . این موضوع تا بدان درجه ازاهمیت است که در روآیات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبرگرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده آمده است : هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد ، به مرگ جاهلی مرده است (2)

توجه به مفاد

دعاهایی که خواندن آن ها در عصر غیبت تاکید شده است ، نیز ما را به اهمیت موضوع شناخت حجت خدا رهنمون می سازد : " خدایا خودت را به من بشناسان ، که اگر خودت را به من نشناسانی ، پیغمبرت را نخواهم شناخت ، بار الها پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی ، حجت تو را نخواهم شناخت خدایا حجت خود را به من بشناسان که اگر حجتت را به من نشناسانی ، از دینم گمراه می گردم (3)

2 . پیراستگی از بدیها وآراستگی به خوبی ها : امام صادق) ع (می فرماید : " هرکس دوست دارد از یاران قائم (ع) باشد ، بایدکه منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید (4)

امام زمان (ع) نیز می فرماید ، " هر یک از شما باید آن چه راکه موجب دوستی ما می شود

، پیشه خود سازد و از هر آن چه موجب خشم ما می گردد ، دوری گزیند (5) در توقیعی که از ناحیه مقدسه به مرحوم شیخ مفید صادرگردیده اعمال ناشایست وگناهانی که از شیعیان حضرت سر می زند ، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از دیدار آن حضرت شمرده شده است . (6)

3 . پیوند با مقام ولایت : حفظ و تقویت پیوند قلبی با حضرت وتجدید دائمی عهد و پیمان با آن حضرت در روایتی از امام باقر (ع (می

خوانیم : 1 . بر انجام واجبات صبرکنید و با دشمنانان پایداری کنید و-پیوند خود را با امام منتظرتان مستحکم نمایید) 7) اگر شیعه منتظر ، در آغاز هر روز با حضور و توجه ، عهد و پیمانی را با مقتدای خود تجدید نماید ، هرگز به رکود ، ذلت ، ظلم و بی عدالتی تن نخواهد داد . در همان توقیع حضرت به شیخ مفید آمده است ، اگر شیعیان ما . . . در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شد ، یک دل و مصمم باشند ، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتد

4 . کسب آمادگی برای ظهور : از امام صادق (ع) روایت است که فرمودند : هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم (ع) سلاحی مهیاکند ؟ هر چند یک تیر باشد . خدای تعالی هرگاه بداندکسی چنین نیتی دارد ، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک نماید . . . " 6 در روایت دیگری از امام موسی کاظم) ع (نقل شده که : هرکس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد ، در حالی که او منسوب به ماست ، خداوند روزی اش را فراخ می گرداند) 8) رمز این که شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد ، این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست البته نحوه آمادگی بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی روایات

سخن آماده کردن اسب " تیر و شمشیر به میان آمده ، ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آماد گی برای یاری آن حضرت است 0

5 . ارتباط با فقها و مراجع تقلید : ائمه (ع) تکلیف ما را در زمان غیبت امام و عدم دسترسی به امام معصوم (ع) مشخص کرده و به ما امر فرمود ه اندکه به فقهای جامع الشرایط مراجعه کنیم . (9) امام عصر (ع) نیز در یکی از توقیعات خود در پاسخ " اسحاق بن یعقوب " می فرماید : " و اما رویدادهای که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید ، زیرا آن ها حجت بر شما هستند و من حجَت خدا بر ایشان (10)

6 . دعا برای تعجیل فرج : امام عصر (ع) فرمود : " برای تعجیل فرج ، بسیار دعاکنیدکه فرج شما همان است (11)

7 . بزرگداشت نام ویاد مهدی (ع) (12)

1 . مکیال المکا رم ج 02 ص 04 1 .

2 . بحارالانوار ج8 ص 368 ینابیع الموده ج2 ص 372 .

3 . کمال الدین ج2 ص 512 .

4 . غیبه نعمانی ، ص 200 .

5 . بحا رالانوار ، ج 53ص 176 .

6 . بحا را لانوار ، ج 53 ص ، 178 .

7 . غیبه نعمانی ص 199 .

8 . غیبه نعمانی ، ص 321 .

9 . وسائل الشیعه ج 18 ص 95 .

. 10

کمال الد ین ، ج 2 ، ص483 .

11 . غیبه طوسی ، ص 176 .

12 . برترین های فرهنگ مهدویت ، و مطبوعات ص84 .

یادکرد حضرت

از وظائف مؤمن منتظر ، یادکردن امام عصر (ع) ، در همه زمان ها و مکان ها- در حد مقدور- است ؟ به ویژه در روزها و ساعات مخصوص آن حضرت مانند : روز جمعه ، نیمه شعبان ، شب های قدر و پس از نمازهای یومیه . بهترین صورت یاد حضرت ، آن صورتی است که دل و روح مؤمن در تسخیر یاد آن حضرت باشد . یاد و ذکر آن حضرت در هر حال و در هر صورتی ، ذکر و یاد خداوند متعال است (1) زمان هایی که نسبت به یاد حضرت مهدی (ع) در آن ها تاکید بیشتری شد ه است : شب و روز نیمه شعبان ، شب های قدر ، شب و روز عاشورا ، شب و روز جمعه ، روز نوروز ، عصرهای روز دوشنبه و پنج شنبه ، هنگام خواب ، ثلث آخر شب که آن حضرت مشغول تهجد است ، هنگام طلوع فجر ، پس از نماز صبح ، اول ظهر ، پس از نماز ظهر ، پس از نماز عصر ، هنگام غروب آ فتاب ، روز عرفه ، روزهای عید ، میلاد معصومین (ع (و ایام شهادت آنان می باشد . و اما مکان های ویژه یاد آن حضرت عبارتند از : مسجد الحرام ، مسجد سهله ، مسجد کوفه ، مسجد جمکران ، سرداب مقدس ،

مسجد زید ، مسجد صعصعه ، صحرای عرفات ، مشاهد مشرفه معصومین) ع (به ویژه کربلا . یاد و ذکر امام) ع (با زیارت او ، تقدیم سلام و درود بر او ، دعا در حق ایشان ، اهدای اعمال صالحه مثل صدقه دادن و نماز خواندن و هم چنین انجام نیابت از طرف ایشان در اعمال و عبادات به ویژه حج ، تحقق می یابد (2) .

البته نامگذاری فرزندان به اسامی و القاب حضرت و مادر بزرگوارشان ، انتشار کتاب و نشریات مهدوی ، برگزاری نمایشگاه ها وگفتمان ها ، شب های شعر و مسابقات فرهنگی ، تولید برنامه های تلویریونی و رادیویی و گامی مثبت در یادکرد حضرت و اقدامی مهم در جهت گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در جامعه است

ا . کا فی ج 2 ، ص 493 .

2 . راه وصال ، حسینی مطلق ص 0120

یاری کردن حضرت

از وظایف مؤمنان ، نصرت و یاری کردن آن حضرت می باشدکه نصرت خداوند متعال است . یاری کردن امام عصر (ع) ، این است که مؤمن نسبت به آن چه خواست آن حضرت است ، اقدام نماید . نصرت در زمان غیبت به آن است که مؤمن خودسازی کند و در حق آن حضرت و شیعیان

او دعا نموده ، مناقب و فضایل آن حضرت را بیان نماید . اما نصرت در زمان ظهور ، با جهادکردن درکنار امام (ع) و صبر بر سختی ها و بذل مال و جان به دست می آید (1) .

دفاع از امام (

ع) و صیانت از دین او و سنت رسول اکرم (ص) نوعی یاری کردن آن حضرت است . در وجود ولی عصر (ع) اموری جمع شده که هرکدام از آن ها موجب اهتمام ورزیدن در نصرت و یاری آن جناب است ، زیرا که یاری نمودن او ، یاری کردن مظلوم ، و نصرت غریب " و یاری عالم ، وکمک به ذی القربی ، و نصرت ولی نعمت ، و یاری نبودن واسطه نعمت و نصرت کسی است که خداوند او را یاری می کند ، و نصرت کریم ، شریف ، طرید ، خونخواه و مهجور است (2) .

ا . را وصال ، حسینی مطلق ص 125 .

2 . مکیال المکارم ج 2 ، ص319 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

استغاثه به حضرت مهدی

استغاثه به معنای فریادخواهی وفریادرسی خواستن است . استغاثه به حضرت صاحب الزمان (ع) این است که انسان ، دو رکعت نماز یا حمد و هر سوره که می خواهد بگذارد ، پس از آن رو به قبله زیر آسمان بایستد و بگوید : سلام الله الکامل التام الشامل العام و صلوات الدائمه و برکاته . . . ، سپس بخواهد ، هر چه را که می خواهد براورده شود . بهتر آن است که در رکعت اول نماز استغاثه ، بعد از حمد سوره " انا فتحنا " بخواند و در رکعت دوم " اذا جاء نصر الله (1)

در استغاثه ، استغاثه کننده ، ولی خدا را به درگاه خداوند وسیله قرار می دهد ومی گوید

: خدایا به جاه و منزلت ولیت ، گره ازکار من بگشا . این نوع استغاثه در حقیقت استغاثه به خداوند است نه به شخص دیگری . صورت دیگری از استغاثه آن است که استغاثه به خداوند است وبه همراه آن ، استغاثه به ولی خدا است که او را در برآمدن حاجت مورد نظر ، دعاکند . هر دو نوع استغاثه ، بدون اشکال و مورد تأیید همگان است . (2)

1 . مفاتیع الجنان باب اول فصل هفتم .

2 . معاوف ومعاریف ، ج 2 ، ص 151

فرزندان مهدوی

پیشنهادها و راهکارهایی که برای پرورش فرزندانی شایسته ، شیفته و منتظر و خدمتگزار فراهم است :

1 . رعایت آداب شرعی درازدواج ، انعقاد نطفه فرزند ، تغذیه سالم و حلال و شرعی و آداب دوران جنین ؟

2 . خواندن اذان و دعا به هنگام تولد درگوش فرزند ، و نصب ادعیه مناسب نزد کودک و تخت وی و انتخاب نام مناسب و اسلامی ؟

3 . ایجاد محیطی مذهبی و در شأن و حد و اندازه سن کوک در محیط منزل تا قبل از رفتن به مدرسه ؟ ،

4 . شروع آموزش های مذهبی از زمانی که سخن می گوید ، کلا " م ها و جملات را درک می کند و مارا به عنوان پدر و مادر و معلم خویش می داند ؟

5 . همراه کردن و مهیاکردن او برای ادای فریضه نماز تهیه چادر نماز و سجاده کو دکان حتی اگر کلمات و جمله ها در اول کار غلط و نامفهوم باشد ؟

6 .

همراه بردن به مساجد و اماکن مذهبی برای آشنایی با نماز جماعت ، جمعه و . 0 . شناخت دعاهای مذهبی ؟

7 . آموزش دعاها با ترجمه و خصوصاً شأن و جایگاه دعاها و فلسفه خواندن آن ها ؟

8 . تهیه پاسخ های مناسب برای سؤالات متعددکود کان قبل از اینکه کودک با سؤالات بدون پاسخ بزرگ شود ؟

9 . سعی درتکمیل آگاهی و خواسته های مادی و معنوی وی براساس تعالیم مبانی اسلامی قبل از اینکه پاسخ های ناصحیحی از دیگران دریافت کند ،

10 . همراه کردن وی در اعمال ماه محرم ، بیان فلسفه قیام امام حسین (ع) ، چگونگی شهادت وی و خاندانش ، دلیل نیاز به زنده نگهداشتن فلسفه محرم وتبیین دلیل ریختن اشک در ماتم کربلا وکربلا " بیان

11 . همراه کردن کودک در اعمال ماه مبارک رمضان ، و آشنایی با امام علی (ع) وفلسفه اعمال این ماه ؟

12 . آشنا نمودن با زندگی پیامبران الهی و خصوصا اینکه چرا آخرین پیامبر ، کاملترین و برترین آنان است ؟

13 . آشنا نمودن با زندگی امامان و معصومین دین اسلام و آموزش زندگی نامه و فلسفه مبارزات هرکدام از آنان

14 . آموزش عمل به احکام اسلامی درکلیه شئونات زندگی خویش در محیط منزل ، مدرسه و جامعه ؟ از جمله حجاب ، رفتار و اخلاق اسلامی ؟

15 . تشویق ، ایجاد انگیزه ، آموزش و افزایش

آگاهی های مذهبی با شرکت در مسابقه های مذهبی در خانواده ، مدرسه و مراکز مذهبی ؟

16 . شرکت کردن در اعیاد و

جشن های شادی مسلمین به عنوان الگوهای مناسب برگزاری جشن های سالم ؟

17 . مهم ترین آموزش زندگی وی باید آشنایی با نام حضرت مهدی (ع) باشد ؟

18 . نام مهدی (ع) به عنوان آخرین امام ، پیشوا وکامل کننده دین خدا و تنها امید باقیمانده مسلمین پس از خداوند آموزش داده شود ، 19 . به او آموزش دهیم چگونه شیفته حضور امامش باشد ، فلسفه انتظار چیست و تا ظهور ایشان چه بایدکرد ؟

20 . امیدواریم با آماده ساختن فرزندانمان برای حضور آقای خویش ، بتوانندازجمله خادمین مولای خویش باشند و بتوانند گوشه ای از این برکت را به وجود ما پدران و مادران تسری بخشند و بتوانند همچنان که ما و پیشینیان ما تلاش و همت کردند در تولد و پرورش کودکان صالح و منتظر تلاش نمایند (1)

ا . نشریه موعود شماره32 ص 51

عجله کنندگان

عجله نکردن و تسلیم بودن از تکالیف عصر غیبت است . راوی به امام صادق (ع) عرضه داشت : مرا از این امری که منتظرش هستم خبر ده که کی خواهد بود حضرت فرمود : " وقت گذاران دروغ می گویند و عجله کنندگان هلاک می گردند و تسلیم شدگان نجات می یابند (1) امام صادق (ع) درباره آیه اتی امر الله فلا تستعجلوا ه فرمود : آن امر ماست . خدای عز و جل امر فرموده که در آن تعجیل نشود) تا اینکه سه لشگر آن را تایید کنند : فرشتگان ، مؤمنان و رعب (2) در

روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است که : " درباره امری پیش از رسیدن وقتش شتاب مکنید که پشیمان خواهید شد و مدت را طولانی مشماریدکه دل هایتان را قساوت می گیرد . "

گاهی عجله کردن در این امر ، و از دست دادن صبر و تحمل سبب می شودکه شخص از افراد گمراه کننده و ملحدی پیروی کند ، که ادَعای ظهور می نمایند . و چه بسا می شودکه شتاب کردن در امری ، سبب مأیوس شدن از وقوع آن می گرددکه نتیجه چنین عجله ای ، تکذیب کردن پیغمبر و امامان (ع) خواهد بود که اخبار متواتر و روایات بسیاری از آنان رسیده ، مبنی بر اینکه آن حکومت الهی واقع خواهد شد 0 احیانا* شتابزدگی در این امر ، مایه انکارکردن حضرت صاحب الزمان (ع) شده و یا حداقل آدمی را به شک و تردید می اندازد 0 حاصل این که عجله ای که از آن مذمت شده ، ضد صبر و تسلیم است . شتابزدگی به معنای رهاکردن تسلیم و زود خواستن چیزی ، پیش از رسیدن وقتش است که این مایه پشیمانی است ، ولی درخواست تعجیل فرج از خداوند ، اقرار به بندگی و اعتراف به قدرت و اراده الهی و باور به عجز و ناتوانی خود و نداشتن چاره است (3) -

1 . اصول کافی ج ا ، ص368 .

2 . غیبه نعمانی ص 104 .

3 . مکلیال المکارم ، ج2 ص 272 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

تقیه

تقیه به معنای خطرپرهیزی و مخفی کردن

عقیده و باور خود برای حفظ جان ، مال ، ناموس یا دین است . برخی از روایات ، به طور عموم وبعضی دیگر در دوره غیبت ، شیعیان را به تقیَه دعوت می کنند . امام رضا (ع) می فرماید : " کسی که ازگناهان پرهیز ندارد ، دین ندارد . همچنین کسی که از تقیه استفاده نمی کند ، ایمان ندارد 0 گرامی ترین شما در نزد خداوند ، داناترین شما به تقیه است . گفته شد : ای پسر رسول خدا (ص) تقیه تا چه زمانی لازم است ؟ فرمود : تا قیام قائم . هر آن که پیش از خروج قائم ما ، تقیه را ترک کند ، از ما نیست . " (1)

روایت دیگری نیز مفضل از امام صادق (ع) نقل کرده است و در آن روایت نیز امام ، رفع تقیه را بستگی به قیام قائم (ع) می داند . (2)

برخی با استناد به این روایات ، گفته اند که دخالت در سیاست ومخالفت با حکومت های ستم پیشه ، خلاف تقیه است . در این که در مبارزه با دشمن لازم است از تقیه واصول مخفی کاری استفاده کرد ، تردیدی نیست و اما به نام تقیه ، مسؤولیت های اجتماعی را کنارگذاشتن وتا ظهور امام زمان (ع) در سنگر تقیه ماندن ، چیزی نیست که اسلام آن را تاکید کند . اسلام ، اجازه داده در جایی که جان ، مال ویا ناموس انسان در خطر است واظهار حق ، هیچ

گونه نتیجه ای ندارد ، از آن تا آماده شدن شرایط خودداری کند و وظیفه خود را پنهانی انجام دهد . بنابراین تقیه ،

گاه لازم است زیرا باعث حفظ جان ویا حفظ دین است واماگاهی تقیه وسکوت ، باعث نابودی دین و انحراف جامعه اسلامی است . پس روایات تقیه ، درصدد بازداشتن از جهاد ، یا امر به معروف و نهی از منکر ومبارزه با ستم نیستند ، بلکه به انسان مسلمان گوشزد می کنند : در حالی که به وظایف خود عمل می کند ، در صورت امکان ، جان ومال خود ودیگران مسلمانان را حفظ کند . امام صادق (ع) خطاب به ابوحمزه ثمالی ، در رابطه با معنای تحریف شده تقیه " که چیزی جز فرار از مسؤولیت ورفاه طلبی نیست ، می فرماید : " به خدا سوگند ، اگر ما شما را به یاری خود علیه حکومت های ستم فرا خوانیم ، رد می کنید وبه تقیه ، تمسک می جویید 0 تقیه در نزد شما ، از پدران و مادرانتان دوست داشتنی تر است . اگر قائم قیام کند ، نیاز به پرسش از شما ندارد و درباره بسیاری از شما که نفاق پیشه کرده اید ، حد الهی را جاری خواهد کرد . (3) امام (ع) هشدار می دهد که این گونه از تقیه برداشت کردن ، نشانه نفاق است وهنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهورکند ، با این که این عده ادعای شیعه بودن را دارند ، به عنوان منافق با آنان برخورد خواهد کرد .

افزون

بر این ما ، روایاتی نیز نقل شده که در آن ، بسیاری از قیام های علویان و غیر آنان مورد تأیید ائمه (ع) قرارگرفته است ، مانند : قیام زید ، قیام حسین بن علی شهید فخ ، قیام مختار ، قیام توابین و . . . . . (4)

1 . وسائل الشیعه ، ج 11 ، ص466

2 . همان ص467 .

3 . وسائل الشیعه ج 11 ، ص 483 .

4 . چشم به راه مهدی ص 136 .

تکریم اماکن منسوب به حضرت

در روایات ، بزرگداشت و تکریم اماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته اند ، از تکالیف عصر غیبت یاد شده است . مانند : مسجد سهله ، مسجد اعظم کوفه ، سرداب ، مسجد جمکران . و نیز مواضعی که بعضی از صلحا ، حضرت را در آن مکان ها دیده اند ، یا در روایات آمده که آن جناب در آن جا توقف دارند مانند : مسجد الحرام . (9)

1 . مکیال المکارم ج 2 ص 454ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دست بر سرگذاردن

از جا برخاستن ودست بر سرگذاشتن ، هنگام شنیدن نام حضرت مهدی (ع) مخصوصاً لقب " قائم " ، برای احترام به امام زمان (ع) است . چنان که امام رضا (ع) وقتی که در مجلسی در محضر او نام حضرت قائم (ع) بردند ، حضرت به احترام امام مهدی (ع) دست بر سرگذاشته واز جا برخاست . (1) این امر ریشه مذهبی دارد وفعلِ امامِ معصوم سندی است بر این وظیفه . البته این کار واجب نیست وصرفاً اظهار ادب به پیشگاه حضرت است .

1 . الزام الناصب ، ج 1 ص 271 .

توسل به حضرت

برای توسل به حضرت مهدی (ع) روایات بسیاری آمده است . در روایتی آمده است : هرگاه شمشیر به محل ذبح تو رسید ، چنین استغاثه کن که او فریادرس است و تو را درمی یابد : " یا مولای یا صاحب الزمان (انا مستغیث بک " . و به روایت دیگری آمده است که بگو : " یا صاحب الزمان غثنی یا صاحب الزمان ادرکنی " .

در روایتی ، دعای توسل به امام زمان (ع) چنین آمده است : " اللهم انی اسئلک بحق ولیک و حجتک صاحب الزمان الا اعتنی به علی جمیع اموری وکفینی به موءنه کل موذ و طاغ و باغ و اعتتنی به فقد بلغ مجهودی وکفیتنی کل عدو و هم و غم و دین وولدی و جمیع اهلی و اخوانی ومن یعنینی امره و خلاصتی امین رب العالمین " 0 (1)

امام

صادق (ع) در توسل به امام زمان (ع) فرمود : هرگاه در راه گم شدی ، چنین نداکن ، " یا ابا صالح ارشدنا الی الطریق رحمکم الله (2) 0

1 . بحارالانوارج 94 ، ص 35 .

2 . بحا ر الانوا ر ج 52 ، ص 176 .

حج کردن به نیابت حضرت

یکی از اعمال شایسته ، حج کردن و حجه دادن به نیابت امام عصر (ع) است که این کار در میان شیعیان قدیم مرسوم بوده . قطب راوندی درکتاب خرا یج " روایت کرده ، ابو محمد دعلجی ، دو پسر داشت که یکی از آنان اهل فسق بود 0 فردی به ابو محمد ، مالی داد تا به نیابت حضرت مهدی (ع) حج کند 0 وی مقداری از آن مال را به پسر فاسقش بخشید و او را با خود برد تا برای حضرت حج نماید . وقتی از حج برگشت نقل کردکه : در عرفات ، جوان گندم گون و نیکو سیرتی را دیدم که مشغول تضرع و دعا بود 0 وقتی به او نزدیک شدم به من فرمود : " ای شیخ آیا حیا نمی کنی گفتم " ای سید من از چه چیز ؟ " فرمود : به تو حجه می دهند و تو آن را به فاسقی می دهی که خمر می آشامد 0 به زودی این چشم توکور می شود " (1) . پس از بازگشتن ، چهل روز نگذشت که از همان چشم که به او اشاره شده بود ، جراحتی بیرون آمد وکور شد (

(2

البته طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام (ع) و فرستادن نایب تا از طرف آن حضرت طواف نماید نیز مستحب است . همچنین زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه معصومین (ع) به نیابت از حضرت صاحب الزمان (ع) وارد شده است (3)

ا . بحارالانوار ، ج 52 ص 58 و 59

2 . نجم الثاقب باب دهم .

3 . مکیال المکارم ، ج 2ص 303 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

خدمت به حضرت

از وظایف مؤمنان ، خدمت به امام زمان (ع) است . ملائکه وانبیاء خدمت به آن حضرت را افتخار خود می دانند وپیامبر بزرگی همچون خضر (ع) در خدمت ایشان هستند . امام صادق (ع) نیز می فرمایند : . اگر او را درک می کردم ، در تمام دوران زندگی ام به او خدمت می نمودم . (1) خدمت به حضرت مهدی (ع) از راه خدمت به دوستان ، پیروان وشیعیان او به دست می آید . رفع حوائج ودفع مشکلات وحل وفصل امور آن ها در حقیقت خدمت به آن حضرت است . هم چنین برپایی محافل ومجالس ذکر ، تألیف یا نشرکتب مهدوی ، بنای حوزه های علمیه و . . . خدمت به آن بزرگوار به حساب می آید . مصادیق خدمت به امام (ع) بسیارندکه باید با قصد ونیت خدمت به آن حضرت انجام گیرند .

ا . بحا رالانوار ج 51 ص 148 .

دعا برای فَرج

دعا برای فرج امام زمان (ع) نه تنها منافاتی با حکمت های غیبت ندارد " بلکه خود می تواند از زمره همین حکمت ها به شمارآید دعا برای فرج امام زمان (ع) به عنوان یک وظیفه وتکلیف در عصر غیبت ، در روایات بسیاری مورد تکید قرارگرفته است . پیامبر اکرم (ص) و برخی از امامان بزرگوار (ع (به چنین دعاکردنی امر فرموده اند و حضرت ولی عصر (ع) نیز نه تنها شیعیان خود را به دعاکردن برای تعجیل فرج فرمان داد

ه اند ، بلکه کثرت دعا را از آنان خواسته اند . (1)

به راستی وقتی امام زمان (ع) می فرماید : برای نزدیک شدن فرج بسیار دعا کنید " . آیا می توان آن را بی خاصیت خواند در تعبیر زیبایی از ناحیه امام زمان (ع) که در ذیل فرمان برای تعجیل فرج وارد شده ، کثرت دعا به خودی خود فرج وگشایش شیعیان به شمارآمده است : اکثر و الدعا الفرج فان ذلک فرجکم . (2)

این فرمان نشان می دهدکه خواسته های شیعه چشم انتظار فرج ، دسایه دعا برای فرج " قابل دسترسی است آن چه را که او درپی ظهور امام زمان (ع) می تواند بیابد ، توسط دعاهای خویش نیز می تواند به دست آورد

به عبارت دیگر امنیت ایمان ، رشد اندیشه ، آرامش روحی ، کمالات معنوی و بهره های

بی پایان دوران پس از ظهور را به عنایت الهی می تواند در همین دوره غیبت با اتکا به " دعا برای ظهور " کسب نماید واین امر با توجه به قدرت ومشیت خداوند قابل انکار نیست ، زیرا او خود فرمود : قل ما یعبا بکم ربی لو دعاوکم ، (3) ؟ بگو اگر دعای شما نباشد ، پروردگار من به شما عنایتی نمی فرماید .

با توجه به دلالت همین آیه شریفه است که می توان گفت : عنایت ورحمت و فضل خداوند که نامحدود وبی انتها نیز می تواند باشد ، به مدد دعا وخواستن از او دست یافتنی است اگر چه دوران

غیبت حضرت مهدی (ع) باشد

در برخی روایات ، دعا برای فرج وسیله ای برای نجات از هلاکت به شمارآمده است ، چنانکه حضرت امام حسن عسکری (ع) می فرماید : به خدا فرزندم مهدی را غیبتی است که در

آن هیچ کس از هلاکت نجات نمی یابد ، مگرکسی که خدای عزوجل او را بر اعتقاد نسبت به امامتش ثابت قدم بدارد " واو را نسبت به دعا برای تعجیل فرجش توفیق عنایت فرماید . (4)

بی تردید شرایط سخت دروان غیبت به گونه ای است که جز با اعتقاد محکم نسبت به امامت حضرت مهدی (ع) نمی توان بر اطاعت وتبعیت او باقی ماند وجز با دعا برای نزدیکی فرج نمی توان روح امید را در دل زنده نگه داشت ودر برابر دشواری های غیبت مقاومت نمود .

از دیدگاه قرآن وروایات دعا ، پشتوانه ای برای زندگی وعاملی برای حرکت وپویایی در مسیر خواسته های الهی ، و وسیله ای برای هم جهت ساختن نیازها وخواسته های بشری با اراده ومشیت خداوند است . با چنین نگرشی ، دعا برای فرج ، خود نوعی تلاش در راستای موانع ظهور به شمار می رود ودعا کننده منتظر با شناختی که از حکمت های غیبت دارد ، به نوعی خودش را در مسیر از بین بردن عوامل طولانی شدن آن ، به تکاپو وا می دارد .

دعاکننده برای فرج چون می داندکه یکی از عوامل غیبت آماده نبودن شرایط برای حکومت جهانی آن بزرگوار است ، می کوشد تا در حد توان خویش در ایجاد چنین

زمینه ای مؤثر باشد وزمانی که تحقق آن را از عهده خویش وامثال خویش خارج می یابد ، به رحمت واسعه خداوند امیدوار می ماند .

وچنین است عکس العمل او در برابر خوف امام زمان (ع) ، ازکشته شدن که به عنوان عملی دیگر در پیدایش واستمرار غیبت به شمار می آید . دعا کننده برای فرج تا آن جا که می تواند با شناساندن امام زمان (ع) ، وایجاد محبوبیت نسبت به او وبرانگیزاندن شوق نسبت به قیام وجلوه های ظهور آن بزرگوار در بین مردم ، می کوشد تا به میزان توانایی خود این عامل راکم تأثیر سازد ، چنانکه نسبت به هر عامل دیگر نیز چنین جهت گیری وتلاشی در مورد او صادق است واین خود والاترین وتعیین کننده ترین خاصیت برای دعا فرج است .

تأثیر دعا در تغییر دادن تقدیرات وقضای الهی غیر قابل انکار است ، چنانکه در روایات پیامبر اکرم (ص) آمده است : زیاد دعاکن ، زیرا دعا قضای الهی را باز می گرداند . (5) دعا بلا " ی الهی را برمی گرداند . (6)

تقدیر الهی را چیزی جز دعا تغییر نمی دهد 0 (7)

با توجه به چنین روایاتی ، شیعه منتظر درعین تسلیم به خواست خدا ، با دعای خویش نسبت به تعجیل فرج ، از آفریدگار خویش می خواهدکه در تقدیر وقضای خویش نسبت به ظهور آن

عدالت موعود تغییری ایجاد فرماید و به لطف و عنایت خود بلای غیبت امام زمان (ع) ، را مرتفع گرد ا

ند . (8)

کثرت دعا برای فرج امام عصر (ع) ، حداقل این آثار را دارد : الف زدودن غفلت و بی توجهی نسبت به ظهور امام (ع) ب دور ماندن از آثار و عواقب این بی توجهی و غفلت ج انس با مسأله ظهور و فرج امام عصر (ع) انس وعادت نسبت به ذکر وباد خود آن حضرت و برخورداری از آثار و برکات آن (5) آمادگی روحی برای درک ظهور و زیاد شدن علاقه ومحبت انسان به مولا وامام زمانش ؟ آمادگی برای گام برداشتن عملی در راه بندگی حضرت حق وتقرب به سوی او وولی اعظم او .

ا . کمال الدین ، ج 2 ، ص 485

2 . همان .

3 . سوره فرقان 77

4 . کمال الدین ج 2 ، ص 0384

5 . نهج الفصاحه ص84 حدیث446 .

6 . همان ص332 حدیث 1590 .

7 . همان ، ص 124 حدیث 624

دعا برای سلامتی حضرت

یکی از وظایف منتظران ، دعا کردن برای سلامتی حضرت مهدی (ع) است . دعا کردن برای سلامتی حضرت آثار و برکات فراوانی داردکه عبارتند از :

1 . دعا نشانگر علاقه ومحبت مسلمانان به ایشان است اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین (ع) بخشی از ایمان وشرط قبولی اعمال است ، در عین حال دعا کردن در حق امام زمان (ع) موجب ازدیاد محبت آن حضرت در دل ودرنتیجه موجب تقویت ایمان می گردد . 2 . دعا اظهار تجدید عهد وپیمان باآن حضرت است ومحتوای پیمان باآن حضرت را

دین داری ، شریعت محوری وتصمیم قلبی بر اطاعت امر امام (ع) ویاری رساندن او با نثار جان ومال تشکیل می دهد .

تجدید بیعت باآن حضرت (ع) کاری است که بعد از هر نماز از نمازهای پنجگانه یا در هر روز ویا در هر جمعه انجام آن مستحب است . هر روز بعد از نماز صبح ، دعاهایی که مربوط به وجود مبارک امام عصر (ع) است خوانده شود ، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود . دعای شریف اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین . . . و نیز " دعای عهد " شاهدی برای این سخن است . 3 . دعا سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد . یاد امام زمان) ع (توجه به ارزش های دین واصول اخلاقی را در دل ها زنده می کند وغفلت از یاد امام ، یکی از دلایل عمده پژمردگی وسستی ارزش های الهی و انسانی در جوامع اسلامی است . 4 . کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است ، مسلماًآزردن آن حضرت برایش سخت است ؟ در نتیجه دعا برای سلامتی آن حضرت ، انسان را به انجام کارهایی وامی داردکه موجب خشنود ی آن حضرت و درنتیجه سبب رسیدن به مقام رضوان الهی می گردد 050 دعا بسیار موثر است وموجب فرج آن حضرت ونیز فرج وگشایش در زندگی مؤمنان می شود . 6 . دعا موجب قرب الهی است . امام مهدی) ع (در خصوص زیارت آل یس می فرمایند

: " هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند وبه ما توجه کنید ، این زیارت راکه از جانب خداوند انشا شده است ، بخوانید . این زیارت که از جهات مختلف محتوایی عمیق دارد ، بسیار مورد تکید و سفارش قرار گرفته است 0 این زیارت از ابتدا تا انتها ، دعا برای سلامتی ، تندرستی و بهروزی امام زمان) ع (است 0 در دعای بعد از این زیارت نیز معانی بلندی نهفته است ؟ مانند : خدایا او) ا مام زمان) ع (را از شر هر متجارز وسرکشی واز شر همه خلق خود پناه ده واو را از حوادث یومیه ، از پیش رو واز پشت سر واز طرف چپ ، حفظ ونگه داری کن واز این که آسیب وگزندی به او برسد ، جلوگیری کن و در خصوص او ، رسولت وخاندان رسولت را حفظ نما وبه دست مبارکش عدل وداد را پدیدار نما " اللهم اعذه من شرکل باغ وطاغ ومن شر جمیع خلقک واحفظه من بین یدیه ومن خلقه وعن یمینه وعن شماله واحرسه وامنعهمن ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولک وآل رسولک واظهر به العدل . . . . . نیز دعا کردن برای سلامتی و فرج آن حضرت ، اطاعت از امر خداوند ونیز اهل بیت پیامبر اکرم (ص) است ؟ " و هرکه خدا و رسولش را اطاعت کند و خداترس وپرهیزکار باشد ، چنین کسی به فوز وسعادت خواهد رسید " . (1)

آخرین نکته این است که هر چند طبق وعده الهی حضرت زنده وباقی

هستند ، تا زمانی که پرچم توحید وعدل را در همه جهان به اهتزاز درآورند ، ولی بالاخره بشر هستند ودر معرض آفات جسمانی وبلاهای طبیعی و ممکن است مریض شوند و دچارکسالت گردند و از این نظر

دعای ما برای سلامتی حضرت وحفظ ایشان از این آفات وحوادث ، بدون شک در سلامتی وجودآن عریز عالم وجود و آخرین در صدف امامت و ولایت ، مؤثر و مفید است و بهترین ادعیه برای سلامتی حضرت ، دعای معروف " اللهم کن لولیک الفرج . . . " است .

ا . نور 52 .

رقعه حاجت

رقعه به معنای مکتوب ، نوشته ونامه است و رقعه حاجت عریضه ای است که حاجتمند برای درخواست حاجت خود می نویسد .

سلام بر حضرت

سلام دادن به حضرت در هر هفته وهر روز ، وهر مکان وزمان که ممکن باشد ، به ویژه درایام واوقات و مکان هایی که خصوصیت ویژه ای با آن حضرت دارند ، مثل روز وشب جمعه ، شب های قدر ، نیمه شعبان ومکان هایی هم چون مسجد سهله ، مسجدکوفه ومسجد جمکران ، از وظایف مؤمنان منتظر است 0

مردی از ا مام صادق (ع) سؤال کرد که چگونه بر قائم (ع) سلام کنیم ؟ فرمود : بگویید : السلامُ علیک یا بقیه الله " . نیز در روایت است : وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، این آیه را تلاوت می کند : بقیه الله خیر لکم اِن کنتم مومِنین ، (1) ، آنگاه می فرماید : " أنا بقیه الله 0 پس سلام نمی کند بر او سلام کننده ای ، مگر آنکه می گوید : السلام علیک یابقیه الله فی ارضه (2) سزاوار است که مؤمن ، حضرت مهدی (ع) را هر روززیارت کند واز آن غفلت نورزد و شایسته است زیارت وسلام به او ، به وسیله زیارات و سلام های وارده از جانب اهل بیت (ع) باشدکه درکتب روایی آمده است 0 مانند زیارت آل یاسین که هر وقت می توان آن را خواند و مطلع آن این است : " سلامٌ علی آل یس 0 السلام علیک یا

داعِی الله و 0 . . (3) یا زیارت مخصوصه آن حضرت در روز جمعه که مطلع آن چنین است : " اسلامُ علیک یا حُجه الله فی ارضهِ " . (4)

امام باقر (ع) فرمود : هرکس از شما قائم (ع) را درک کرد ، هنگامی که او را دید باید بگوید السلامُ علیکم یا اهل بیت الرحمه والنبوه ومعدن العلم وموضع رساله (5) سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت ، سلام بر شما ای سر چشمه دانش وکانون رسالت . از این روایات استفاده می شودکه به مردم اجازه داده نشده است که حضرت مهدی (ع) را به هنگام زیارت و سلام ، به نام مبارک یا کنیه اش ندا دهند و بگویند " السلام علیک ایها المهدی " و این نشانگر تعظیم و تجلیل بر مقام والای اوست ؟ (6) همانگونه که خداوند در قرآن کریم " مسلمانان را نهی فرمودکه پیامبرص) را به نام صدا بزنند : . . . . . . لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم ، که دعاء بضکم بعضا " (7) .

ا . سوره هود 86

2 . نجم الثاقب ، باب دوم .

3 . بحا رالانوا ر ج 053 ص 71 ا ؟ مفاتیح الجنان باب سوم ، فصل دهم .

4 . بحار الانوار ، ج 102ص 215 ؟ مفاتیح الجنان ، قبل از دعای صباح وکمیل .

ه . بحارالانوارج 52 ص 331 ,غیبه طوسی ، ص 282 .

6 . . امام

مهدی (ع) ازولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 653

7 . سوره نور63

شکر امام

امام شناس ، باید همه مراحل شکر را در مقابل ولی نعمت خویش به جا آورد . در مرحله اول ، شکر قلبیِ نعمت امام (ع) یاری ایشان به قلب است . انسان شاکر باید بررسی کندکه چگونه می تواند قلب ا مام خود را یاری کند 0 مسلماً در این مرحله ، ابتدا معرفت صحیح ایشان به اسم و وصف وسپس محبت قلبی مطرح می شودکه خود مرتبه والایی از یاری امام است . در این مرحله تهذیب نفس از رذائل اعتقادی و اخلا قی ، جایگاه ویژه و منحصر به فرد دارد . هر چه قلب انسان از آلودگی گناهان پاک تر شود ، معرفتش به آن امام عزیز بالاتر می رود . در مرحله دوم ، شکر زبانیِ این نعمت که برخاسته از معرفت و محبت قلبی است ، می تواند به وسیله یاریِ زبانی حضرت صورت پذیرد . یاد کردن ایشان به زبان ، تبلیغ دین و معرفی امام به زبان ، از مصادیق یاری زبانیِ این نعمت است 0 در مرحله سوم ، شکر عملی نعمت مطرح می شود . بهره برداری صحیح از نعمت امام وقتی صورت می پذیردکه انسان با عمل خویش ، در مسیر بندگی پروردگار قرارگرفته و دیگران را نیز به این مسیر هدایت کند و بدین وسیله به یاری امام عصر (ع) بشتابد . پاک نگه داشتن هءه اعضا و جوارح ازگناهانِ خاص خود ، نقش اساسی در این مرحله از شکر نعمت امام دارد .

اگر انسان در هر سه مرحله قلبی ، زبانی و عملی امامش را یاری کند ، می تواند امیدوار باشدکه از منتظران حقیقی مولا است . (1)

1 . آفتاب ، وغربت سید محمد بنی هاشمی ص 0329

شوق دیدار

اظهار شوق و میل به دیدار آن حضرت و دعا برای دیدار او ، وظیفه هر مؤمن منتظر است . در دعای ندبه می خوانیم : " بر من گران است که همه را ببینم وتو را نبینم واز تو ندایی به گوشم نرسد . (1) در دعای عهد که از امام صادق (ع) روایت شده است ، می خوانیم : بار خدایا آن طلعت رشیده وآن چهره نازنین را به من نشان بده ودید ه ام را به سرمه یک نگاه به او ، روشن ساز " . (2) امام صادق (ع) نیز فرمود : (ع) هرگاه یکی از شما آرزوی دیدار قائم (ع) را داشته باشد ، باید آرزوکند او را در عافیت دیدار نماید که همانا خداوند ، محمد (ص) را به عنوان رحمت

مبعوث کرد وقائم (ع) را برای عقوبت مبعوث می کند (3) ونیز فرمود : هرکس پس از هر نماز واجب خود ، این دعا را بخواند ، همانا امام (م ح م د) فرزند حسن عسکری (ع) را در بیداری یا خواب خواهد دید . (4) مطلع آن دعا این است : (5) اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان اینما کان و حیثما

کان . . . . " .

نیز در مکارم الاخلاق در فضیلت خواندن دعای اللهم اِن رسولک الصادق المصدق " آمده است : هرکس این دعا را پس از هر نماز واجب بخواند و بر آن مواظبت نماید ، به دیدار حضرت صاحب الامر (ع) مشرف خواهد شد . از این روایات استفاده می شودکه درخواست تشرف به لقای آن حضرت امری پسندیده است ، لذا شیوه صالحین از علماء وغیر علماء بر این بوده وهست که تشرف به دیدار آن حضرت را از قدیم الایام درخواست می کرده اند ، به طوری که بعضی از آنان چهل شب جمعه در مسجدکوفه ویا چهل چهارشنبه در مسجد سهله بیتوته کرد ه وعبادت می نمودند تا به این فیض بزرگ نائل شوند 0

در نقطه مقابل شوق دیدار ، مؤمن باید به جهت فراق و عدم دیدار آن حضرت " محزون باشد . فرازهایی از دعای ندبه ، بر حزن وغم مؤمن در فراق آن حضرت گواهی می دهند : 0هل من معین فاطیل معه العویل والبکاء ؟ ، آیا یاوری هست آیا من هم ناله شود تا با او ناله وگریه را طولانی نمایم

دعای ندبه در حقیقت ، ندبه وزاری از جدایی و فراق حضرت مهدی (ع) است .

1 . مفاتیح الجنان دعای ندبه .

2 . بحارالانوار ، ج 102 ص 111 .

3 . کافی ج 8ص 233 .

4 . بحا رالانوار ، ج86ص 61 .

5 . مکا رم الا خلاق ، ص 284 .

صبربرغیبت

خداوند ، بندگان خود را در زمان غیبت ولی

اش ، با انواع محنت ها و بلاها امتحان می کند تا بد از خوب جدا شود و این سنت خداوند ، درگذشتگان و آیندگان است ؟ هم چنان که خدای تعالی فرموده : احَسِب الناس أن یترکوا ان یقولوا امنا وهم لا یفتنون (1) آیا مردم چنین می پندارند به صرف این که گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و هیچ امتحان نمی گردند .

صبرکردن در زمان غیبت امام زمان (ع) بر چندگونه است : 01 صبر بر طول غیبت ، به این که از شتابزدگانی که به سبب طولانی شدن غیبت دل های شان قساوت می گیرد نباشد ، که شتابزدگان در مورد امام (ع) به تردید می افتند2 . صبرکردن مؤمن بر آن چه از آزار واستهزاء وتکذیب ومانند آن ها از مخالفین خود می بیند . 3 . صبر بر اقسام بلاها ومحنت هایی که بر او وارد می شود ، که بعضی از آن ها در آیه شریفه یاد گردیده که خدای تعالی می فرماید : ولنبلونکم بشی ء من الخوف والجوع و . . . . 4 . صبر بر آن چه ازگرفتاری مؤمنین به دست معاندین و آزار مخالفین نسبت به ایشان می بیند ، در صورتی که نتواند آن ها را خلاص کند واز ایشان دفاع نماید ، که در این حال وظیفه او صبر و دعاکردن است . (2)

1 . سوره عنکبوت2 .

2 . مکیال المکارم ج 2ص 9 1 4 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی0

صدقه

آن چه در راه خدا با نیت دستیابی به

ثواب ورضایت پروردگار داده می شود راگویند .

صدقه به معنی وسیع آن شامل هر نوع کمک به مستحق ومحتاج است ، اعم از مادی ومعنوی . یکی از وظایف مؤمنان منتظر ، صدقه دادن برای سلامتی وحفظ وجود حضرت مهدی (ع) است . مقدار صدقه راندازه وکیفیت آن چندان مهم نیست ؟ آن چه مهم است ، خلوص نیت ودادن صدقه به اندازه توانِ مؤمن است .

یکی از اعمالی که سید بن طاورس رحمه الله علیه ، به آن بسیار اهمیت می داده ، صدقه برای حفظ وجود مقدس امام زمان (ع) بوده است ، چون یکی از تکالیف زمان غیبت صدقه دادن است به آن چه میسر است برای حفظ وجود مبارک امام زمان (ع) . به طورکلی صدقه آثاری دارد . یکی این که صدقه نمایشگرصداقت ایمان مؤمن است که با انجام آن نشان می دهد تا چه حد در وادی ایمان و خداپرستی صادق است و از این طریق نیازمندی های مؤمنان رفع می گردد و رفاه عمومی به وجود می آید وهمچنین صدقه یکی از عوامل سازندگی انسان نیز هست ؟ چنانکه قرآن می فرماید : خذ مِن أموالهم صد قه تطهَر هم وتزکیهم بها ای رسول ما تو از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدان صدقات نفس آن ها را پاک وپاکیزه سازی 0 (1) مؤمن صدقه را باید خود یا برای فایده وفرضی که در نظر دارد بدهد ویا برای حفظ نفس خود ویا محبوب و عزیزی که بسیار نزد اوگرامی است 0 و چه محبوبی بالاتر از

امام زمان (ع) که اصلاح بسیاری از امور دینی وآخرت مان بستگی به وجود وسلامتی آن حضرت دارد واین مطلب به دلیل عقل ونقل ثابت است که هیچ شخصی عزیزتر وگرامی تر نیست ونباید باشد از وجود مقدس امام زمان ارواحنا فداه ؟ بلکه حضرتش باید محبوب تر از نفس خودمان باشد واگر چنین اعتقادی نداشته باشیم در ایمان ومعرفت مان نسبت به آن حضرت ضعف وخللی وجود دارد . سید بن طاووس ، به فرزند خود سفارش می فرمایدکه : ابتداکن به صدقه دادن برای آن حضرت قبل از اینکه برای خود وعریزانت صدقه بدهی 0 باید توجه داشت که آن حضرت هیچ احتیاجی به صدقه و دعای ما ندارد ، بلکه از شؤون بندگی وادای بعضی از حقوق بزرگ آن حضرت است وخود یک نوع اظهار محبت ودوستی به آن جناب است ، واین عمل راه وسببی است برای جلب رضای پروردگار وحصول قرب به خداوند در قضای حوائج ودفع بلا " 0 لذا آثار صدقه به انفاق کنندگان آن می رسد ، مخصوصاًا گر انفاق برای اظهار محبت و دعا برای وجود مقدس ا مام (ع) باشد .

همچنین سید بن طاووس ، درکتاب " امان الاخطار در ضمن دعایی که برای صدقه دادن در وقت سفر ذکر می کند می نویسد : خدایا این صدقه از آن تو وبرای توست وصدقه ای برای سلامتی مولایمان م ح م د عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد وبر او درود بفرست آن هنگام که در سفر است ودر تمام حرکت ها واستراحت هایش " در تمامی اوقات شب

وروزش وصدقه ای است برای هر چه که متعلق به اوست . (2)

1 . سوره توبه ، 103 .

2 . نشریه موعود شماره 13 ص68

صله با حضرت

از وظایف مؤمن منتظر ، صله با آن حضرت به وسیله مال ودارایی دنیا است . منظور از صله در این جا ، عطا وبخششی است که فرد ، برای جلب توجهات معنوی امام (ع) تقدیم می کند و همان هدیه ای است که صرفاً جهت خشنودی و سرور امام (ع) اهدا می شود . هرکس به اندازه توانایی وامکانات خود ، مقداری از مال و دارایی خود را به آن حضرت اختصاص می دهد وبه او اهدا می کند . در زمان ظهور آن حضرت ، این مال به خود حضرت تقدیم می گردد ، اما در عصر غیبت ، صله امام (ع) باید در اموری که مرضیَ آن حضرت است به کارگرفته شود . البته به قصد ونیت صله آن حضرت (مثلاً آن مال صرف چاپ کتب ارزنده یا صرف مجالس) ومحافل ذکر ویاد آن حضرت گردد . امام صادق (ع) می فرماید : " یک درهم که با آن ، با امام (ع) صله می شود ، بهتر است از دو میلیون درهم که در سایرکارهای نیک ، جز صله امام صرف می شود0 (1) و امام کاظم (ع) می فرمایند : " هرکس نمی تواند با ما صله نماید ، پس با دوستان صالح ما صله کندکه ثواب صله برای او نوشته می شود "

(2) .

1 . کافی ، ج 1 ص 0538

2 . کامل الزیارات ص 0319

صلوات

درود فرستادن بر رسول گرامی اسلام و خاندان پاک اوست ، که خداوند در قرآن کریم درباره

آن تکید کرده است : اِن الله و ملائکه یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما . . . (1) خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستد ، ای مؤمنان شما نیز بر او درود فرستید وکاملا در برابر او تسلیم باشید . یکی از وظایف مؤمن منتظر ، صلوات فرستادن بر حضرت مهدی (ع) است . مثلا در حق آن حضرت بگوید : " اللهمصل علی مولانا صاحب الزمان " 0 درکتب ادعیه (2) صلوات های چندی برای امام عصر (ع) و دیگر معصومین (ع) وجود داردکه باید تنها آن ها مورد استفاده قرارگیرند ، زیرا بهتر است صلوات بر آن حضرت ، طبق آن چه از اهل بیت (ع) روایت شده است ، انجام گیرد .

امام صادق (ع) فرمود : " هرکس پس از نماز ظهر ونماز صبح در روز جمعه وغیر جمعه بگوید : اللهم صل علی محمد وآل محمد و عجل فرجهُم ، نمی میرد تا حضرت قائم (ع) را درک کند ". (3)

در روایت دیگری آمده است که هرکس بگوید : اللهم صل علی محمد وآل محمد وعجل فر جهُم ، خداوند شصت حاجت او را برآورده می سازد ، سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت

از حوائج آخرت 0 (4)

درود و صلوت فرستادن بر حضرت مهدی (ع) نوعی دعا است ؟ آن هم دعایی جامع که دربر گیرنده خواسته ها و دعاهای بسیاری است . در این درخواست مؤمن ، تمنای حفظ آن حضرت وحفظ یاران و دوستداران او و برطرف شدن هرگونه هم وغم از قلب مقدس آن حضرت وتعجیل در ظهور او وپیروزی آن بزرگوار وجود دارد ، چرا که صلوات بر آن حضرت ، یعنی طلب رحمت برای او .

ا . سوره احزاب56

2 . مانند صلواتی که در مفاتیح الجنان باب زیارات بعد از زیارت جامعه ، تحت عنوان صلوات حجج طاهر ه آمده است 0

3 . مصباح المتجهد طوسی ، ص 328 مفاتیح الجنان ، اعمال روز جمعه .

4 . معجم احاد یث الامام المهدی (ع) ج 4 ، ص 113 .

عرض حاجت به حضرت

دادخواهی و توجه نمودن و عرضه کردن حاجت بر آن حضرت (ع) از تکالیف عصر غیبت بر شمرده شده است .

حضرت مهدی (ع) فریادرس است و در زیارتی که از حضرتش روایت شده است آمده که : دادرس کسی است که از او دادخواهی کنند در زیارت جامعه نیز آمده است که : فازَ من تمسک بکم و امن مَن لجَا الیکم (1) ؟ هرکس به شما تمسک جست رستگار شد و هرکس به شما پناه آ ورد ، ایمن گشت .

استغاثه و عرض حاجت به آن حضرت به زبان خاص و چگونگی معین و وقت مخصوصی مقیَد نیست 0 بلکه آن چه در این

باب مهم است ، اصلاح دل ، توجه کامل ، توبه ازگناهان ، یقین ثابت و اعتقاد راسخ است . برای اسغاثه و عرضه کردن حاجت ، دعاها و رقعه هایی وارد شده که شایسته است به انضمام آن چه یاد کردیم ، به کارگرفته شوند تا در تقرب به آن حضرت و محبوب شدن نزد او موثرترگردد (2)

1 . بحار الانوارج 102 ، ص 130 .

2 . مکیال المکارم ، ج 2 ، ص 387 ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

عریضه نویسی

بیشتر لغت شناسان ، عریضه را به عرض حال و درخواست نامه معنی می کنند (1) و برای عرض " معانی مختلفی بیان می کنند که یکی از آن ها ، بیان مطلبی از طرف فردکوچک تر به بزرگتر است . (2)

در اصطلاح ، عریضه نویسی یکی از شیوه های خاص توسل است که در طول تاریخ ، در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است 0 گاهی افراد جامعه با یک سلسله نیاز و گرفتاری ها مواجه می شوند که بر حسب ظاهر ، امکان برطرف نمودن آن ها از طریق اسباب عادی میسر نیست ، یا حداقل بسیار مشکل است . در چنین مواردی به جای نا امید شدن ، از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) توصیه شده است که از اموری نظیر دعا و توسل کمک گرفته شود . آن گاه برای توسل ، شیوه های مختلفی بیان شده است که از جمله آن ها نوشتن عریضه است .

عریضه ، گاهی خطاب

به خداوند متعال نوشته می شود و در آن ، فرد نیازمند ضمن اشاره به مشکل و حاجت مورد نظر خود ، به مقام و منزلت یکی از معصومین (ع) یا همه آن ها درپیشگاه خداوند متوسل می شود ، و یا این که عریضه ، مستقیماً به معصوم و نوشته می شود تا او به واسطه قرب و منزلتی که نزد خداوند متعال دارد ، برآورده شدن حاجت یا برطرف گشتن مشکل را درخواست نماید ، یا خود معصوم (ع) به واسطه ولایت و قدرتی که از ناحیه پروردگار به او اعطا شده است ، به اذن خداوند ، این نیاز وگرفتاری را برطرف سازد .

عربضه نویسی شرایطی دارد :

الف : شرایط نویسنده عریضه : پس از معرفت به خداوند و ایمان به منزلت اهل بیت (ع) که واسطه های فیض الهی اند ، ضرورت دارد که نویسنده این شرایط را در خود احرازکند : توبه از گناهان ، هماهنگی خواسته با دل ، اطمینان به قبولی درخواست (3)

ب : شرایط حاجت : حاجت او ، مخالف سنت های جاریه الهی و اراده تکوینی خداوند نباشد ، درخواست او باید امر حلالی باشد یعنی خارج از اراده تشریعیه خداوند نباشد . (4)

1 . الرائد ج 2 ، ص 1183 به نقل از عریضه نویسی ، سید نژاد ، ص 15

2 . فرهنگ معین ج2 ص 288 2 .

3 . امام صادق (ع) می فر مایند : وقتی دعا می کنی و از خداوند حاجتی را درخواست می

نمای باید چنان گمان کنی که حاجت تو در پشت در است و منتظر دعای توست ، همین که دعای تو تمام شد آن را به تو اعطا می کنند .

اصول کافی ج 3 ، باب اقبال الدعاء0

4 . عریضه نویسی سید صادق سید نژاد ، ص 79 .

عریضه نویسی

بیشتر لغت شناسان ، عریضه را به عرض حال و درخواست نامه معنی می کنند (1) و برای عرض " معانی مختلفی بیان می کنند که یکی از آن ها ، بیان مطلبی از طرف فردکوچک تر به بزرگتر است . (2)

در اصطلاح ، عریضه نویسی یکی از شیوه های خاص توسل است که در طول تاریخ ، در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است 0 گاهی افراد جامعه با یک سلسله نیاز و گرفتاری ها مواجه می شوند که بر حسب ظاهر ، امکان برطرف نمودن آن ها از طریق اسباب عادی میسر نیست ، یا حداقل بسیار مشکل است . در چنین مواردی به جای نا امید شدن ، از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) توصیه شده است که از اموری نظیر دعا و توسل کمک گرفته شود . آن گاه برای توسل ، شیوه های مختلفی بیان شده است که از جمله آن ها نوشتن عریضه است .

عریضه ، گاهی خطاب به خداوند متعال نوشته می شود و در آن ، فرد نیازمند ضمن اشاره به مشکل و حاجت مورد نظر خود ، به مقام و منزلت یکی از معصومین (ع) یا همه آن

ها درپیشگاه خداوند متوسل می شود ، و یا این که عریضه ، مستقیماً به معصوم و نوشته می شود تا او به واسطه قرب و منزلتی که نزد خداوند متعال دارد ، برآورده شدن حاجت یا برطرف گشتن مشکل را درخواست نماید ، یا خود معصوم (ع) به واسطه ولایت و قدرتی که از ناحیه پروردگار به او اعطا شده است ، به اذن خداوند ، این نیاز وگرفتاری را برطرف سازد .

عربضه نویسی شرایطی دارد :

الف : شرایط نویسنده عریضه : پس از معرفت به خداوند و ایمان به منزلت اهل بیت (ع) که واسطه های فیض الهی اند ، ضرورت دارد که نویسنده این شرایط را در خود احرازکند : توبه از گناهان ، هماهنگی خواسته با دل ، اطمینان به قبولی درخواست (3)

ب : شرایط حاجت : حاجت او ، مخالف سنت های جاریه الهی و اراده تکوینی خداوند نباشد ، درخواست او باید امر حلالی باشد یعنی خارج از اراده تشریعیه خداوند نباشد . (4)

1 . الرائد ج 2 ، ص 1183 به نقل از عریضه نویسی ، سید نژاد ، ص 15

2 . فرهنگ معین ج2 ص 288 2 .

3 . امام صادق (ع) می فر مایند : وقتی دعا می کنی و از خداوند حاجتی را درخواست می نمای باید چنان گمان کنی که حاجت تو در پشت در است و منتظر دعای توست ، همین که دعای تو تمام شد آن را به تو اعطا می کنند .

اصول کافی ج 3

، باب اقبال الدعاء0

4 . عریضه نویسی سید صادق سید نژاد ، ص 79 .

ظهور

تقویم زمان ظهور

ذی حَجه

دوازدهمین ماه سال عرب و از ماه های حرام است پیامبر (ص) در ذکر نشانه های ظهور فرمود : صیحه ای در ماه رمضان شنیده می شود . . . قبیله ها در ماه ذی حجه به جنگ برمی خیزند ونشانه آن این است که حجاج را غارت می کنند وفاجعه بزرگی در منی روی می دهدکه افراد بی شماری کشته می شوند وخون ها ریخته می شود و بر جمرات می ریزد . (1)

نفس زکیه را روز 25 ذی حجه در میان رکن ومقام مظلومانه می کشند (2) همچنین یکی از نامه هایی که از ناحیه مقدسه به افتخار شیخ مفید صادر شده ، تاریخ وصول آن 23 ذی حجه سال 412 هجری می باشد (3)

در دهم ذی حجه آخرین سال غیبت ، سفیانی ، کشتارگاه کوفه را به راه می اندازد و علاوه بر مردم ، هفتاد عالِم دینی را شهید می کند . در دهم ویازدهم ذی حجه ، در مکه ومنی آشوب می شود . و در این ماه در مدینه منوره ، مرد هاشمی به شهادت می رسد (4)

1 . روزگار رهایی ، ج 2 ، ص 865 بحار الانوار ج 51ص81 .

2 . روزگار رهایی ج 2 ص 167 الزام الناصب ص190

3 . احتجاج طبرسی ج 2 ، ص 495 و499 .

4 . شش ما ه پایانی مجتبی الساده ترجمه مطهری نیا ص 203 .

ربیع

به معنای بهار است . ربیع الارل و ربیع الثانی ، ماه های سوم و چهارم سال

قمری هستند . شب هشتم ماه ربیع الاول سال 0 260 هجری وفات حضرت عسکری (ع) واقع شده است (1) به نقل شیخ مفید در روز دهم ماه ربیع الثانی سال 232 ولادت حضرت عسکری (ع) بوده است . (2) از امام صادق (ع) درباره امام مهدی (ع) پرسیدند که آیا به هنگام ولادت دیده می شود؟ فرمود : آری ، به خدا قسم ، از روز تولد تا روز وفات پدرش دیده می شود ، آن گاه از آخرین ساعات روز جمعه هشتم ربیع الاول سال260 غایب می گردد . (3) و آخرین دیدار عمومی حضرت بقیه لله با شیعیان ، روز هشتم ربیع الاول سال 260 بود ، که در مراسم تشییع جنازه پدرش ظاهر گردید وبر جنازه پدر بزرگوارش نماز خواند و سپس غائب شد . (4) در احادیثی که در باب آشوب های جهانی آمده است ، می خوانیم که جنگهای قبیله ای در ماه ربیع روی می دهد .

1 . بحارالانوار ، ج 51 ، ص23 محجه البیضاء ، ج 4 ، ص335

2 . معارف ومعاریف ، ج 5 ص 624 و 626

3 . بحارالانوار ، ج 3 5 ص 6 بشاره الاسلام ص 267 .

3 . روزگاررهایی ، ج ا ، ص 287 0

4 . منتخب الاثرص 451 روزگار رهایی ج 2ص 904 .

رمضان

ماه نهم از ماه های قمری است وبه قولی ، یکی از اسماء خداوند است . بیست ویکم این ماه ، حضرت عیسی (ع

) به آسمان رفته است . از حضرت مهدی (ع) در پاسخ نامه حمیری آمده که وداع ماه رمضان در شب آخر آن است واگر احتمال دهی که ماه ناقص باشد ، در دو شب ، آن را وداع کن (1) امام صادق (ع) فرمود : آن صیحه آسمانی که در ماه رمضان ، پیش از ظهور طنین می افکند ، در شب جمعه ، شب 23 ماه رمضان خواهد بود (2) در روایات آمده که وقتی سفیانی خروج می کند ، سی هزار نفر از قبیله کلب با او در ماه رمضان بیعت می کنند . (3) امام صادق (ع) فرمود : نشانه پدیده های ماه رمضان ، علامتی است در آسمان که به دنبال آن اختلافی شدید در میان مردمان پدید می آید . (4)

در روایات ، خسوف ماه در شب اول ماه رمضان وکسوف خورشید در پانزدهم آن ازنشانه های ظهور حضرت مهدی (ع) یاد شده است (5) و در برخی ، کسوف خورشید در پانزدهم رمضان و خسوف ماه در آخر آن ذکر شده است (6) امیر مؤمنان علی (ع) فرمود : از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید : اختلاف شامیان ، پرچم های سیاه از خراسان ، وصیحه آسمانی در ماه رمضان . (7)

1 . معارف ومعاریف ج 5ص 701 .

2 . غیبه طوسی ص 274 کمال الدین ، ج 2 ، ص 650 بحار رالانوار ج 2 5 ص 204 .

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 1083

4 . همان ص 839 .

5 . ارشادمفید ص 338 اعلام الوری ص 428

6 . روزگار رهایی ج 2 ص 843

7 . غیبه نعمانی ص 133 بحار الانوار ج 52ص229 منتخب الاثر ص220

رمضان

ماه نهم از ماه های قمری است وبه قولی ، یکی از اسماء خداوند است . بیست ویکم این ماه ، حضرت عیسی (ع) به آسمان رفته است . از حضرت مهدی (ع) در پاسخ نامه حمیری آمده که وداع ماه رمضان در شب آخر آن است واگر احتمال دهی که ماه ناقص باشد ، در دو شب ، آن را وداع کن (1) امام صادق (ع) فرمود : آن صیحه آسمانی که در ماه رمضان ، پیش از ظهور طنین می افکند ، در شب جمعه ، شب 23 ماه رمضان خواهد بود (2) در روایات آمده که وقتی سفیانی خروج می کند ، سی هزار نفر از قبیله کلب با او در ماه رمضان بیعت می کنند . (3) امام صادق (ع) فرمود : نشانه پدیده های ماه رمضان ، علامتی است در آسمان که به دنبال آن اختلافی شدید در میان مردمان پدید می آید . (4)

در روایات ، خسوف ماه در شب اول ماه رمضان وکسوف خورشید در پانزدهم آن ازنشانه های ظهور حضرت مهدی (ع) یاد شده است (5) و در برخی ، کسوف خورشید در پانزدهم رمضان و خسوف ماه در آخر آن ذکر شده

است (6) امیر مؤمنان علی (ع) فرمود : از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید : اختلاف شامیان ، پرچم های سیاه از خراسان ، وصیحه آسمانی در ماه رمضان . (7)

1 . معارف ومعاریف ج 5ص 701 .

2 . غیبه طوسی ص 274 کمال الدین ، ج 2 ، ص 650 بحار رالانوار ج 2 5 ص 204 .

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 1083

4 . همان ص 839 .

5 . ارشادمفید ص 338 اعلام الوری ص 428

6 . روزگار رهایی ج 2 ص 843

7 . غیبه نعمانی ص 133 بحار الانوار ج 52ص229 منتخب الاثر ص220

ذی قعده

یازدهمین ماه از سال قمری واز ماه های حرام است ابوریحان در آثارالباقیه آورده که روز پنجم آن کعبه نازل شد وابراهیم واسماعیل (ع) به تجدید بنای کعبه پرداختند . (1) در نشانه های سال ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است که جنگ وجدال در ماه ذی قعده روی می دهد . (2) نیز آمده است که در ذی قعده ، هرج ومرجی پدید می آید (3) بیست ویکم وبیست ودوم ذی قعده آخرین سال غیبت حضرت ، سفیانی در بغداد ، کشتارگاهی برپا کرده وهشتاد هزار نفر را می کشد (4)

1 . معارف ومعاریف ج 5ص 578

2 . کشف الغمه ج 3 ص260و 277 بحارالانوارج 51ص 81

3 . منتخب الاثر ص451

4 . شش ماه پایانی مجتبی الساده ترجمه مطهری نیا ص 203

رجب

ماه هفتم از سال قمری و از ماه های حرام است . بر طبق روایات ، اتفاقات گوناگونی درآن می افتد . امام رضا (ع) فرمود : در ماه رجب ، سه ندا از آسمان طنین می افکند : یکی می گوید : به هوش باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد ، دومی می گوید : هان ای مؤمنان رستاخیز ، نزدیک است . و سومی می گوید : خداوندآن گرامی را فرمان ظهور داده است ، پس سخنان او را بشنوید وفرمان او را گردن نهید (1) در سلسله روایاتی که در باب آشوب های جهانی وارد شده ، از امیرالمؤمنین (ع) آمده است : همه شگفتی ها در میان جمادی

ورجب است . یکی از مستمعان پرسید : ای امیر مؤمنان این چه حادثه شگفت انگیزی است که این همه موجب تعجب شما شده است؟ فرمود : رای بر تو ، چه چیزی شگفت انگیزتر از این که مردگان برخیزند وگردن زنده ها را بزنند . (2) در روایت دیگری می خوانیم : " خروج سفیانی ، یمانی و خراسانی ، در یک روز ویک ماه ویک سال خواهد بود . هر سه در یک روز از ماه رجب یک سال ، خروج خواهندکرد . (3) نیز در سالی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، بیست وچهار باران رحمت می باردکه به وسیله آن ها زمین مرده را زنده می سازد ، یکی ازآن ها در ماه جمادی الثانیه می بارد ودیگری در ماه رجب که ده روز تمام طول می کشد واثرآن در همه جا دیده می شود وبرکت آن در همه جا ظاهر می گردد . (4) همچنین آمده است : سالی که صیحه آسمانی درآن شنیده می شود ، نشانه ای پیش ازآن ، در ماه رجب دیده می شود . گفته شد : آن نشانه چیست؟ امام صادق (ع) فرمود : سیمایی در قرص ماه دیده می شود . . . . . (5)

ا . غیبه طوسی ص 268 بحارالانوار ج 2 5ص 289 .

2 . بحارالانوار ، ج 53 ص 1 8

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 1101

4 . الزام الناصب ص 85 1 روزگار رهایی ج 2 ص 828 .

5

. بحار الانوار ، ج 52 ، ص 233 ارشاد مفید ، ص 337 .

شعبان

ماه هشتم از ماه های عرب است . در جاهلیت آن را عاذل می گفتند ولادت حضرت مهدی (ع) درآن واقع شده است . در این ماه روحیه آمادگی آمیخته به ترس و هراسی در جهان اسلام نمایان می شود که ناشی از بروزآن دسته از جریانات سیاسی است که در یک عرصه با هم به تاخت وتاز مشغولندکه از ماه رجب به مرور رو در روی هم قرارگرفته اند . به طورکلی دو جریان در این ایام در حال شکل گرفتن است . جریان یاوران حضرت مهدی (ع) یمانی از یمن وسید خراسانی از ایران وجریان سفیانی که بر رقبای خویش اصهب وابقع فایق آمده وپس از این پیروزی با رومیان ویهودیان غرب هم پیمان گشته است .

در ماه شعبان جریانات از هم جدا شده ومردم هم ازکنار یکدیگر پراکنده می شوند وبه همین علت است که در احادیث نشانه ها و حوادث دوران ظهور ، خاورمیانه همانند میدان مبارزه وجنگهای متعدد وباکشته های بسیار ترسیم شده است . ساکنان این منطقه هم که مسلمانان هستند در شرایط گرفتاری وسختی وناراحتی به سر می برندکه نتیجه عدم ثبات سیاسی کشورهای منطقه است وبه زودی هم آتش جنگ جهانی بزرگی برافروخته خواهد شد .

ابو بصیر نقل می کندکه از امام صادق (ع) درباره ماه رجب پرسیدم حضرت فرمودند : پیش از اسلام دوران جاهلیت آن را یعنی ماه رجب را بزرگ می شمردند و درآن جنگ نمی کردند نام آن را

ماه خالی از ندای جنگ نهاده بودند

ابو بصیر می گوید : پرسیدم شعبان؟ فرمود : امور درآن از هم جدا می شود؟ گفتم : ماه رمضان چطور فرمود : ماه خداوند تبارک وتعالی است که درآن به نام صاحب شما ، حضرت مهدی (ع) وپدرش ندا در دهند .

. . . پرسیدم : جمادی الاول والثانی

فرمود : از ابتدا تا انتهایش فتح وپیر وزی است (1)

ابو حمزه ثمالی از قول امام باقر (ع) نقل کرده که فرمودند : وقتی شنیدید که مردم شام دچار اختلاف شده اند ، ازآن جا فرارکنیدکه فتنه وکشتار به جانش افتاده است .

گفتم به کجا فرارکنیم؟ فرمودند : مکه بهترین جایی است که مردم بدانجا بگریزند (2)

در روایتی که در روضه الکافی آمده واین رویدادها را توصیف کرده و مردم را متوجه وظایفشان درآن زمان وشرایط می کند آمده است : وقتی ماه رجب شد با نام خداوند متعال روی کنید و اگر دوست داشتیدکه تا شعبان به تأخیر بیندازید ، ضرر نمی بینید و اگر دوست داشتیدکه در میان اقوام و خویشانتان پناه بگیرید روزه بگیرید شاید برای شما بهتر محکم تر باشد . سفیانی هم به عنوان یک نشانه برای شماکافی است (3)

در این حدیث اجازه داده شده است که شتاب کردن در مسافرت تا پایان ماه رمضان به تأخیر انداخته شود

ا . بحار الانوار ج 19 ، ص63 مستدرک ج 2 ، ص265 .

2 . بحار الأنوار ، ج52 ص 271 .

3 همان ص302 .

صَفَر

از ماه

های قمری است . در آخر الزمان در ماه صفر ، نشانه بسیار روشنی از آسمان ظاهر می شود ونشانه دیگری نیز در زمین آشکار می گردد ودر مشرق زمین ، حادثه هولناکی واقع می شودکه موجب وحشت واضطراب می گردد . نشانه روشن آسمانی در آن روز ، ظاهر شدن کف دستی است در قرص خورشید که در روایات آمده است . (1)

1 . روزگار رهایی ج2 ، ص 098 1 .

آثار ظهور

آثار ظهور

آَثاری که در روایات برای قیام موعود آَخر الزمان برشمرده شده است (1)

1 . ثروتها به صورت مساوی تقسیم میشود هنگامی که به واسطه ظهور امام زمان (ع) دنیا پر از عدالت شود ، ثروت های جهان به طور مساوی تقسیم خواهند شد چنان چه امام محمد باقر (ع) فرمودند : وقتی قائم ما اهل بیت قیام کند ، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند

2 . عدالت را در میان مردم پیاده می نماید . (2)

3 . رضایت و خشنودی همگانی است . رسول اکرم (ص) می فرمایند : ساکنان آسمان ، مردم زمین ، پرندگان هوا ، درندگان صحراها و ماهیان دریاها همه و همه- از او خشنود خواهند شد . (3)

4 . فقروبینوایی ریشه کن خواهد شد در پرتو عدالت حضرت بقیه الله (ع) ، عموم مردم بی نیاز خواهند شد . چنان چه در حدیث آَمده است : زمانی برای مردم پیش می آَیدکه انسان صدقات از طلا را با خود برمی دارد تا ؛ آَن

ها را در راه خدا انفاق کند ، ولی نیازمندی را پیدا نمی کند که این صدقه را قبول نماید .

5 . همه مردم در امنیت به سر خواهندبرد چنان چه امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند : دشمنی از دل ها زدوده می شود درندگان و چهارپایان با یکدیگر سازش می کنند ، یک زن طبقی بر سر گذارده از عراق تا شام (از شرق تا غرب) تنها سفر می کند ، همه جا قدم بر سرزمین سبز وخرم می گذارد .

در حالی که درند های او را نمی آزارد ودچار ترس و وحشت نمی شود . (4)

6 . برکات آسمانی نازل میشود چنان چه در حدیث آمده است : زمین چیزی از بذرهای خود را نگه نمی دارد ، جز اینکه آن را بیرون می فرستد و آسمان چیزی از باران رحمتش را نگه نمی دارد جز اینکه سیل آسا بر بندگان خود فرو می ریزد (5)

7 . همگی در رفاه به سر می برند رسول خدا (ص) فرمودند : امت من در زمان حضرت مهدی (ع) آن چنان متنعم می شوندکه هرگز چنین بهره مند نشد ه اند . (6)

8 . زمین گنجهای پنهان خود را آشکار می کند پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می فرماید : در آن زمان چهارپایان در امان هستند و درندگان با هم سازش می کنند . زمین پاره های جگرش گنج های پنهان و با ارزش خود را بیرون می ریزد . . . پاره های

جگر زمین ستون هایی از طلا و نقره است . (7)

9 . دام هاو چهارپایان زیاد میشوند وچنان که در روایتی ازپیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است : مهدی (ع) خارج می شود ، خداوند باران رحمتش را می فرستد ، زمین گیاهش را می رویاند ، و دام در جهان زیاد می شود . او ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند وامت اسلام بزرگ و شکوهمند می گردد . (8)

10 . رفع مزاحمت ها وایجاد آسایش برای عموم مردم است چنان چه امام محمد باقر (ع) می فرمایند : مهدی (ع) راه های اصلی را توسعه می دهد ، بالکن هایی را که به خارج جاده ها آمده و از دیگران سلب آزادی کرده است و ناودان هایی راکه به کوچه ها می ریزد ، از بین می برد . (9)

11 . پرده های ظلمت کنار میرود امام صادق (ع) در این باره می فرمایند : وقتی قائم ما قیام کند ، زمین به نور پروردگارش نورانی می شود ، و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و شب و روز یکی می شوند وتاریکی از بین می رود .

12 . ایجاد برابری و مساوات بین انسانها چنان چه امام محمد باقر (ع) می فرمایند : هنگامی که قائم ما قیام کند ، دوران برابری و برادری فرا می رسد . در آن زمان یک مسلمان آن چه نیاز داشته باشد ، از جیب برادر مسلمانش برمی دارد

و او مانع نمی شود .

1 . برگرفته از نشریه موعود شماره 2 1 ، ص 78 . عقد الدرر ص40 الحاوی للفتاوی ج 2ص 82 صحیح البخاری جلد 2ص 136

2 . بشاره الاسلام ص 236 .

3 . المستدرک علی الصحیحین ، ج 4ص 514

4 . إعلام الوری ، ص433

5 . المستدرک علی الصحیحین ج4ص514 .

6 . تاریخ مابعد الظهور ص 774 .

7 . ارشاد مفید ، ص 365 .

8 . المحجه فیما نزل فی القائم الحجه ، ص 185 .

9 . بحارالانوار ج 52 ص 372 .

شادمانی جهان از ظهور

از روایات فهمیده می شود که قیام حضرت مهدی (ع) موجب خرسندی اهل زمین و آسمان و حتی مردگان می شود رسول خدا (ص) می فرمایند : همه اهل آسمان وزمین ، پرندگان ، حیوانات درنده وماهیان دریا ، از ظهور حضرت مهدی (ع) شاد و خرسند می شوند (1) حضرت علی (ع) می فرمایند : هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، نام مبارکش بر سرزبان ها خواهد بود ووجود مردم سرشار از عشق به مهدی است ، به گونه ای که جز نام او ، هیچ نامی در یاد وزبان آنان نیست وبا درستی او روح خود را سیراب می کنند (2)

حضرت رضا (3) درباره گشایش پس از ظهور می فرمایند : در آن هنگام گشایشی بر مردم می رسد ، به طوری که مردگان آرزوی زندگی دوباره می کنند . (3)

امام صادق (

ع) نیز درباره پس از ظهور حضرت می فرمایند : هیچ مؤمنی در قبر نمی ماند ، مگر آنکه آن شادی و سرور در قبرش وارد می شود به گونه ای که مردگان به دیدار یکدیگر می روند وظهور حضرتش را به همدیگر تبریک می گویند (4)

1 . عقدالدرر ص 84 البیان ص 118 .

2 . الحاوی للفتاوی ، ج2 ص 168حقاق الحق ، ج 13 ص 324 .

3 . غیبه طوسی ص 268 .

4 . اثبات الهداه ج3 ص530

زمینه سازان ظهور

ممَهدون للمهدی

به معنای زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (ع) است . همچنین عنوان کتابی است از نویسنده ارزشمند ، علی کورانی .

زمینه سازان ظهور

انقلاب حضرت مهدی (ع) هم چون دیگر انقلاب ها ، بدون مقدمه وزمینه سازی به وجود نمی آید ، بلکه در آستانه ظهور ، حرکت هایی پا می گیرد وزمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد . بخش عمده ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور ویاران حضرت مهدی (ع) آمده است ، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند : اهل فارس ، عجم ، اهل خراسان ، اهل قم ، اهل طالقان ، اهل ری و . . . بیان شده است . با بررسی مجموع این روایات به این نتیجه می رسیم که درکشور ایران ، پیش از ظهور ، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین (ع) و برپا می گرددکه مورد نظر امام زمان (ع) است و نیز مردم ایران ، نقش عمده ای در قیام آن حضرت دارند (1) رسول خدا (ص) می فرماید : مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (ع) فراهم می سازند . (2) نیز می فرماید : پرچم های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمدکه دل های آنان همانند پاره های آهن است پس هرکس از حرکت آنان آگاهی یافت ، به سوی آنان برود وبا آنان بیعت کند هر چند لازم باشدکه بر روی یخ حرکت کند (3)

امام باقر (ع) می فرماید : گویا قومی را می بینم که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند ، ولی حق را به آنان نمی دهند . بار دیگر طلب می کنند ولی باز به آنان واگذار نمی کنند . در این حالت ، شمشیرها را از نیام کشیده ، بر شانه می گذارندکه در این هنگام ، دشمن خواسته آنان را می پذیرد ، ولی آنان نمی پذیرند وقیام می کنند وحق را واگذار نمی کنند ، مگر به صاحب امر . کشتگان آنان شهیدند واگر من آنان را درک می کردم ، خودم را برای صاحب این امر آماده می کردم . (4)

در این روایات ، به روشنی از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) خبر داده شده است . همه روایات بر این نکته اتفاق دارند که پیش از ظهور مهدی (ع) حکومتی به رهبری یکی از صالحان ، که گمان می رود از فرزندان پیامبر (ص) هم باشد ، در ناحیه مشرق تشکیل می گردد و زمینه ظهور را مهیا می سازد و این حکومت ، تا ظاهر شدن حضرت مهدی (ع) وتسلیم آن به حضرت ایشان ادامه می یابد . بر همین اساس ، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه راکه پس از قرن ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب ، روی کار آمد ، همان دولتی دانسته اندکه در روایات ، از جمله زمینه سازان حکومت مهدی (ع) به شمارآمده است .

(5)

در زمان ما نیز ، برخی با استناد به ویژگی هایی که در روایات آمده ، انقلاب اسلامی ایران را که در سال 1357 ه . ش به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید ، همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور وقیام مهدی (ع) آماده می کند . در هر صورت ، گر چه قرائن فراوانی این احتمال را قوت می بخشد ، ولی دلیل قطعی که ثابت کند منظور از حکومت زمینه ساز ، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) است ، در دست نیست . (6)

ا . چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبسی ، ص 58 .

2 . بحا رالانوارج 1 5 ص 87 ا ثبات الهداه ج 3 ، ص 599 کشف الغمه ، ج 3 ص268 .

3 . عقد الدرر ، ص 29 1 ینابیع الموده ، ص 1 49 بحارالانوار ج 51 ، ص 84 .

4 . بحارالانوار ج 2 5ص43 2 غیبه نعمانی ص 373 .

5 . بحارالا نوار ج 52 ، ص 243 .

6 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص 248 .

ظهور نزد ادیان و مذاهب

زرتشت و بشارت موعود

در منابع زرتشتیان تصریحات بسیاری به ظهور حضرت مهدی (ع) شده است که قسمتی از آن ها را در این جا می آوریم : درکتاب زند که ازکتب مقدسه زرتشتیان است ، درباره انقراض اشرار ووراثت صلحا می گوید : لشکر اهریمنان با ایزدان ، دایم در روی خاکدان محاربه وکشمکش دارند وغالباً

پیروزی با اهریمنان باشد ، امَا نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو ومنقرض سازند ، چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد . آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند ، وتمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند ، و بعد ازپیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان ، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده ، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست (1)

در بخش " گات ها " که یکی از بخش های چهارگانه " اوستا " ست ، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) وسیطره جهانی آن حضرت آمده است : . . . وهنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد ، پس آنگاه ای " مزدا " کشورت را " بهمن " در پایان برپا کند ، از برای کسانی که دروغ را به دست های راستی سپرند ، وخواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند . . . . کی ای مزدا بامداد روز فراز آید ، جهان دین راستین فرا گیرد ، با آموزش های فزایش بخش پر خرد رهانندگان ، کیانند آنانی که بهمن به یاری شان خواهد آمد ، از برای آگاه ساختن ، من تو را برگزیدم ای اهورا بهمن را نماینده توانایی و منش نیک وراستی وپارسایی دادار اهور مزدا ، تفسیر کرده اند (2)

جاماسب درکتاب معروف خود " جاماسب نامه " می

گوید : پیغمبر عرب ، آخر پیغمبران باشد

که در میان کوه های مکه پیدا شود ، وشتر سوار شود وقوم او شتر سواران خواهند بود ، وبا بندگان خود چیز خورد ، وبه روش بندگان نشیند ، واو را سایه نباشد وازپشت سر ، مثل پیش رو ببیند . دین او اشرف ادیان باشد وکتاب او باطل گرداند همه کتاب ها را . . . واز فرزندان دختر آن پیغمبرکه خورشید جهان وشاه زنان نام دارد ، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان ، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیاکه مکه باشد ودولت اوتا به قیامت متصل باشد وبعد از پادشاهی او ، دنیا تمام شود . . . همه جهان را یک دین کند ودین گبری وزرتشتی نماند ، وپیغمبران خدا وحکیمان وپری زادان ودیوان ومرغان وهمه اصناف جانوران وابرها وبادها ومردان سفیدرویان در خدمت او باشند . . . (3)

در زند و هومن یسن از ظهور شخصیت فوق العاده ای بنام سوشیانس ، نجات دهنده بزرگ خبر داده و درباره نشانه های ظهور وی چنین می گوید . نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آیدکه به ظهور منجی جهان دلالت می کند وفرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند ، وبه همه دنیا پیام می فرستند . . . سوشیانس دین را به جهان رواج دهد ، فقر وتنگدستی را ریشه کن سازد ، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده ، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و همکردارگرداند . (4) لازم به یاد آوری

است که اعتقاد یه ظهور سوشیانس در میان ملت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست های جنگی وفراز ونشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری ، خود را از یأس ونا امیدی نجات می دادند . (5)

1 . بشارت عهدین ص237

2 . بشارات عهدین استدراکات ، پس از مقدمه چاپ دوم ص 10 و 11 .

3 . لمعات النور ، ج 1 ص 23-25 .

4 . او خواهد آمد علی اکبر مهدی پور ، ص 08 1 و 121 و 122 .

5 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان ، هاشمی شهیدی ص 355 .

عاموس نبی

از پیامبران پیرو تورات است که درکتاب خود از نزول حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور حضرت مهدی خبر داده است (1)

1 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 327 .

تورات و بشارت موعود

درکتاب تورات که ازکتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آن ها است ، بشارات زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است .

در زبور حضرت داود (ع) که تحت عنوان مزامیر در لابلای کتب " عهد عتیق " آمده نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است و در 35 بخش از مزامیر 150 گانه ، اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت ونویدی از پیروزی صالحان بر شریران وتشکیل حکومت واحد جهانی وتبدیل ادیان ومذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید ، موجود است . (1) و جالب این که مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی (ع) اززبور نقل کرده است ، عیناً در زبور فعلی

موجود و از دستبرد تحریف وتفسیر مصون مانده است . قرآن کریم چنین می فرماید : ولقد کتبنا فی الزبور من بعده الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (2) ما علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم که درآینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد . مقصود از ذکر در آیه شریفه ، تورات موسی (ع) است که زبور داود (ع)

پیرو شریعت تورات بوده است . در زبور آمده است : . . . زیراکه شریران منقطع می شوند . اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد (3) اسم او ابداً بماند ، اسمش مثل آفتاب باقی بماند ، در او مردمان برکت خواهند یافت وتمامی قبایل او را خجسته خواهندگفت ، بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد وتمامی زمین از جلالش پر شود ، دعای داوود پسر یسئ تمام شد . (4)

درکتاب اشعیای نبی که یکی از پیامبران پیرو تورات است ، بشارات فراوانی درباره ظهور حضرت آمده است : ونهالی ازتنه یسی (5) بیرون آمده ، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شگفت وروح خداوند بر او قرار خواهد گرفت . . . مسکینان رابه عدالت داوری خواهد کرد وبه جهت مظلومان زمین ، به راستی حکم خواهد نمود . . . کمربند کمرش عدالت خواهد بود وکمربند میانش امانت . . . (6) منظور از نهالی که از تنه یسی خواهد رویید ممکن است یکی از چهار نفر : حضرات داود ، سلیمان ، عیسی و مهدی (ع) و باشند ولی دقت و بررسی کامل آیات مذکور نشان می دهدکه منظور از این نهال ، هیچ یک از آن پیامبران نیستند ، بلکه همه آن بشارت ها ویژه قائم آل محمد (ع) است ، زیرا حضرت داود وسلیمان فرزندان پسری یسی ، وحضرت عیسی (ع) نواده دختری وی ، و مهدی (ع) نیز از جانب مادرش ، جناب نرجس خاتون که دختر یشوعا

، پسر قیصر ، پادشاه روم و از نسل حضرت داود ، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی (ع) بوده ، ونسب شریفش به (ع) شمعون صفا ، وصی حضرت عیسی (ع) می رسد نواده دختری یسی می باشد . (7) درکتاب یوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است ، چنین آمدهاست : آن گاه جمیع امت ها را جمع کرده ، به وادی یهوشافاظ (9) فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود ومیراث خویش ، اسرائیل را محاکمه خواهم نمود . زیرا که ایشان را در میان امت ها پراکنده ساخته وزمین مرا تقسیم نموده اند وبر قوم من قرعه انداخته وپسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند (10) درکتاب عاموس نبی (11) وهوشع نبی (12) نیز از نزول حضرت عیسی (ع) وداوری آن حضرت سخن به میان آمدهاست . درکتاب زکریای نبی بشارت ظهور مهدی (ع) چنین آمده است : اینک روز خداوند می آید وغنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد . وجمیع امت ها را به ضد اورشلیم برای جنگ فراهم خواهد کرد وشهر را خواهند گرفت وخانه ها را تاراج خواهند نمود . . . وخداوند بیرون آمده با آن قوم ها مقاتله خواهد کرد چنان که در روز جنگ مقاتله نمود . . . و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود . . . ویهوه خدابر تمامی زمین پادشاه خواهد بود . . . .

(13) .

لازم به یاد آوری است که درکتب عهدین تورات وانجیل کلمه خداوند بیشتر در مورد حضرت عیسی (ع) به کار می رود . درکتاب حزقیال نبی نیز در مورد حضرت مهدی (ع) و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده است : . . و اما تو ای پسر انسان خداوند یهوه چنین می فرماید : که به هر جنس مرغان وبه همه حیوانات صحرا بگو : جمع شوید وبیایید ونزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آیید . قربانی عظیمی که بر کوه های اسرائیل ، تاگوشت بخورید و خون بنوشید . و خداوند یهو ه می گوید : که بر سفره من از اسبان وسواران وجباران وهمه مردان جنگی سیر خواهید شد . ومن جلال خود را در میان أمت ها قرار خواهم داد و جمیع امت ها داوری مراکه آن را اجرا خواهم داشت ودست مراکه بر ایشان فرود خواهم آورد ، مشاهده خواهند نمود . . . . . (14) باید توجه داشت که منظور از پسر انسان مانند کلمه مسیح ، حضرت عیسی (ع) نیست؟ بلکه مراد از آن ، حضرت مهدی (ع) است ، زیرا در انجیل بیش از هشتاد بارکلمه پسر انسان آمده است که تنها در سی مورد آن حضرت مسیح (ع) اراده شده است . درکتاب حَجِئ نبی نیز بشارت ظهور آمده است : یهوه صبایوت چنین می گوید : یک دفعه دیگر آسمان ها وزمین ودریا وخشکی را متزلزل خواهم ساخت وتمامی

امت ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت ها خواهد آمد . . . این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت . . . (15) که در آن به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره شده است . درکتاب " صفنیای نبی " همچنین آمده است : " . . . خداوند می گوید : برای من منتظر باشید ، تا روزی که به جهت غارت برخیزم ، زیراکه قصد من این است که أمت ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود وتمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم ، زیراکه تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد . . . (16) نیز درکتاب دانیال نبی آمده که : . . . . امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است ، خواهد برخاست . . . . . بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد . . . (17)

ا . آخرین امید ، داود الهامی ص 0193

2 . سوره انبیاء ، آیه 105 .

3 . عهد عتیق ، کتاب مزامیر مزمور37 .

4 . همان ، مزمور 72 .

5 . یسی به معنای قوی ، پدر حضرت داود و نوه " راعوت " است ، و به طوری مشهور بود که داود را پسر " یسی " می نامیدند در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بوده است . قاموس کتاب مقدس .

6 . تورات ،

کتاب اشعیاینبی ، باب 11 .

7 . ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ، مذاهب وملل جهان هاشمی شهیدی ، ص 312 .

8 . نام صحرای است در نزدیکی بیت المقدس که اکنون وادی " قدرون " نامیده می شود . لغت نامه دهخداص 177 .

9 . تورات ، کتاب یوئیل نبی ، ص 327 1باب 3 بندهای 2 و 3 .

10 . تورا ت ، کتاب عاموس نبی ، ص1333 باب 4 بندمای 2 1 و 3 1 .

11 . تورات ، کتاب هوشع نبی ص 1314باب 5 ، بندهای 14 و 15 .

12 . تورات کتاب زکریای نبی ص 1382 باب 4 1 ، بندهای ا- 10

13 . تورات کتاب حزقیال نبی ص1265 باب 39 ، بند 7 1-23 .

14 . قاموس کتاب مقدس ، ماده " پسر خواهر " ص 9 1 02

15 . کتاب مقدس کتاب حجی نبی ص 1367باب 2بندهای 6-9 .

16 . کتاب مقدس کتاب صفنیای نبی ص 1363باب 3 ، بندهای 5- 9 .

17 . کتاب مقدس کتاب دانیال نبی ص 1309 ، باب 12 بندهای ا- 12 .

ظهور

کلمه ظهور نوعاً به معنای ظهور شخص امام زما (ع) مطرح می شود و مثلاً به همین معنی عجل علی ظهورک گفته می شود والبته این مسأله ای قطعی وغیر قابل انکار است لکن احتمال قوی وجدی دیگری هم وجود داردکه ظهور به معنای ظهور امر باشد ، نه ظهور شخص . البته ظهورکامل وقائم امر ، مستلزم ظهور شخص است یعنی تا شخص ظاهر نشود ،

امر امت به صورت تمام وکامل ظاهر نمی شود ، ولی درعین حال میان این دو تفاوت هایی وجود دارد . اصل این تفکر واندیشه از این جا سرچشمه می گیردکه ظهور حداقل می تواند دو معنا داشته باشد : یک بار به معنای طلوع و آشکار شدن وپیدایش بعد از استتار : بدینگونه که ظهور را نقطه مقابل خفا بگیریم که نظارت مطلب بیشتر به ظهور شخص می باشد ، والبته این قابل انکارنیست ، و یار دیگر ظهور را از ماده و ریشه ظهور معناکنیم که عبارت از تقویت وپشتوانه یافتن چیزی باشدکه ما از آن تعبیر به پیروزی و حاکمیت مقتدرانه می نماییم و در این برداشت و نظر ، مطالب دیگری به ذهن می رسد ونتایج دیگری به دست می آید

در این بحث ، توجه به مشتقات لفظی لغت ظهور ، مفید مطالب ارزشمندی است که می توان از آن کمک گرفت .

اگر ظهور را صفت شخص بگیریم تمام آیات وروایات وادعیه وزیارات و مناجات هایی که در آن ها واژه ظهور به کار رفته واستعمال شده است تحقق نیافته ومعنی پیدا نمی کند ، مگر با ظهور شخص امام زمان (ع) زیرا ظهور به معنای پیدایش بعد از استتار وخفا استعمال شده است . اما اگر ظهور را به معنای پیروزی وسلطه اسلام تعبیر نماییم حتی ممکن است این پیروزی البته تا حدودی قبل از ظهور امام زمان (ع) نیز حاصل شود لکن نه به گونه ای که مستغنی از ظهور آن حضرت باشیم (1)

1 . نشریه موعود شماره 11 و10ص

یاران

یاوران حضرت

امدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است و با انجام کراماتی ، حضرت مشکلات را از سر راه خود بر می دارد و یا به وسیله رعب و ترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند (1) و یا این که خداوند ، ملائکه را به یاری حضرت می فرستد (2) .

در برخی از روایات سخن از نیروهایی است که دارای خصوصیات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرت هستند تا او را یاری کنند (3)

از تابوت و اشیایی که در آن است نیز ، به عنوان وسیله ای دیگر برای یاری حضرت مهدی (ع) نام برده شده است (4)

امام صادق (ع) می فرماید : خداوند ، حضرت قائم (ع) را با سه لشکر یاری می دهد : فرشتگان ، مؤمنان و رعب ترس انداختن به دل دشمن امام باقر (ع) نیز می فرماید گویا هم اکنون حضرت قائم (ع) ویارانش را می بینم . (5) . . . . . .

فرشته جبرئیل در سمت راست حضرت مهدی و میکائیل در سمت چپ آن حضرت حرکت می کنند و ترس و وحشت ، پیشاپیش سپاهیانش و پشت سر آن ها به فاصله یک ماه در حرکت است و خداوند او را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می رساند (6)

1 . بحا رالانوار ج52 ص 356 .

2 . کمال الدین ج 2 ، ص 672 غیبه نعمانی ص 309 .

3 . بحارالانوار ، ج27 ص 41 ا ثبات الهداه ج 3 ص523

4 . الشیعه والرجعه ج 1 ، ص 136 ملاحم ابن طاووس ص 66 اثبات الهداه ج 3 ، ص 489 .

5 . بحارالانوار ، ج 52 ، ص 356 .

6 . بحارالانوار ، ج 52 ، 343 نورالثقلین ج 1 ص 388 .

جن

از یاری کنندگان حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور ، ملائکه وجنیان هستند . امام صادق (ع) فرمود : چهل وشش هزار ملائکه وشش هزار جن ، حضرت مهدی (ع) را یاری می کنند . (1)

1 . نجم الثاقب باب سوم .

آزمون یاران حضرت

همه انبیاء ومصلحان الهی ، هسته های اصلی نهضت خویش را با آزمایش برگزیده اند ، چراکه راه دشوار است و آمیخته با رنج ها ، وبدون داشتن یارانی آبدیده ، سرد وگرم چشیده ، فداکار و وفادار ، نمی توان خطرکرد .

طالوت ، که در روایات ، یاران مهدی به یاران او تشبیه شده اند ، (1) در نبرد با جالوت ، لشکریانش را با تشنگی آزمود . تن پروران وناشکیبایان نظم را بر هم زدند ، حریصانه به آب افتادند ، ولی صبور مردان از آن ، لب تر نکردند .

از این راه ، روشن شد که گروه نخست ، ارزش وتوان همراهی با طالوت را ندارند وسرانجام ، در رویارویی با سپاه دشمن ، وحشت آنان را فرا گرفت واز جنگیدن ، باز ماندند ولی گروه دوم که ایمان فکری و بصیرت واقعی داشتند ، همه پیروزی را در اختیار خدا دیدند و صبورانه مقاومت ورزیدند .

یاران مهدی (ع) نیز برای رسیدن به درجه شایستگی همراهی ، از قربال های گوناگون گذر داده می شوند وپس از پیمودن مراحل دشوار ، به قله رفیع نصرت بالا می روند .

پاره ای آزمایش ها پیش از قیام صورت می گیرد وپاره ای پس از آن

طولانی شدن غیبت ، فتنه ها ، فریبندگی ها ، افکار باطل ، جاه و مقام ، جلوه فروشان ، محراب داران ، دین به دنیا فروشان ، عالِم نمایان و . . . بسیاری از منتظران را از راه باز می دارند .

به میزان درجات ایمان وگذر از آزمون ها ، منتظران متمایز می شوند و به میزان مایه های ایمانی ، در یاری امام بر یکدیگر پیشی می جویند .

به فرموده امام صادق (ع) در وقت ظهور ، برخی یاران ، شب در بستر ناپدید می شوند و فردای آن در مکه اند وگروهی روز در آسمان راه می سپارند . گفتم : فدایت شوم کدام یک ایمانشان بیشتر است فرمود : آن که در آسمان حرکت می کند . (2)

پس ازکرد آمدن نیروها ، آزمون ها سخت تر می شود . امام با آزمون های جسمی وروانی ، باورها را به آزمایش می گذارد . از جمله ، همانند طالوت که سپاهیانش را با تشنگی آزمود ، یاران امام نیز با تشنگی امتحان خواهند شد . (3)

فراتر از آن ، امام بی پروا به باورهای خرافی وعوامانه حمله می برد و معارف به دوراز دسترس وپوشانده شده در غبار فراموشی را آشکار می سازد . در این تکان های فکری ، صاحبان بصیرت و معرفت ، تزلزلی به خود راه نداده واستوار بر جای می مانند ، ولی آنان که در باورهای خود ناخالصی دارند و اندیشه را از سرچشمه نگرفته اند و در حقانیت امام تردید کرده اند ، از پیرامون

حضرت پراکنده می شوند . (4)

هنگام سخنرانی امام در مسجد کوفه وتخریب دیوار مسجد پیامبر ، تفاوت های فکری وبینش همراهان به بوته آزمایش در می آید و درجه و رتبه یاران درپیروی فرامین امام ارزیابی می شود . (5)

1 . غیبه نعمانی ص 316 .

2 . بحار الانوارج 52 ، ص 356

3 . غیبه نعمانی ص 316 .

4 . چشم به راه مهدی ص 371

5 . بحا رالا نوار ج 52 ، ص 386 .

اصحاب کهف

در روایات آمده است که اصحاب کهف هنگام ظهور ، برای یاری حضرت مهدی (ع) خواهند آمد . (1)

مفضل بن عمر می گوید : امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که قائم آل محمد (ع) ظهورکند ، تعدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که هفت نفر از اصحاب کهف ، از جمله آنان هستند . (2) حلی می گوید : اصحاب کهف همگی از نژاد عرب اند وجز به عربی سخن نمی گویند و آنان وزیران مهدی هستند . (3)

پیشوای ششم در مورد آخرین رودررویی سپاه حق با قوم یهود می فرماید . . وقتی دابه الارض خارج می شود ، خداوند اصحاب کهف را همراه با نشان برمی انگیزد ، یکی از آن ها میلخاء نام دارد و دیگری حملاها

ازامام باقر (ع) روایت شده که : قائم (ع) 309 سال حکومت می کند ، به تعداد سال هایی که اصحاب کهف درکهف درنگ کردند اصحاب کهف ، افراد مؤمنی

بودند که ایمان خود را از حاکم زمان خود ، پنهان می کردند و آنان به غاری پناه برده و سال ها در آن جا به خواب رفتند . بعد ازگذشت سال های طولانی بیدار شدند و اندکی پس از آن وفات کردند که داستان آنان در سوره کهف آمده است .

1 . ارشاد القلوب ص 286حلیه الابرارج 2 ، ص 601 .

2 . چشم اندازی به حکومت مهدی (عج) نجم الدین طبسی ، ص101 .

3 . منتخب الاثرص 485 .

انصار حضرت

انصار حضرت مهدی (ع) را مردم پاکباخته و با ایمان و شایسته کرداری تشکیل می دهندکه با قیام حضرت از مکه ، به تدریج به لشکر او می پیوندند وبا همه وجود در خدمت اجرای برنامه وگام های بلند اصلاحی آن حضرت قرار می گیرند وبا دشمنان حق وعدالت ، تا محو بیداد و سرشار ساختن زمین و زمان از عدل و داد ، پیکار همه جانبه می نمایند . حضرت ، هنگام حرکت از مکه با ده هزار نیروکه انصار او هستند ، حرکت اصلاحی را آغاز می کند وتازه اینان بخشی از یاران او هستند و در عراق ، سید هاشمی با دوازده هزار نفر به او می پیوندد .

علاوه بر انبوه انسان های شایسته انبوه فرشتگان نیز یاران او خواهند بود که برای تحقق اهداف بزرگ و اجرای دستوراتش حاضر می گردند (1)

در زیارت آل یاسین می خوانیم : . . . واجعلنی اللهم من أنصاره وأعوانه وأتباعه وشیعته . . . . (2)

بار خدایا ما

را از یاران و مددکاران پیرو ان و شیعیان او قرار ده .

در زیارت عاشورا می خوانیم : از خدای نیکوکار می خواهم که دوستی شما را روزی ام سازد ومرا برای خون خواهی شما به همراه امام منتظر و هدایت کننده به راه حق وعدالت از خاندان محمد (ص) توفیق ارزانی دارد . (3)

نیز در زیارتی که از حضرت باقر (ع) رسیده است می خوانیم : از خدا می خواهم که خونخواهی شما را به همراه امام هدایت وگویای به حق از شما خاندان وحی و رسالت که آشکار خواهد شد ، روزی ام سازد . (4)

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص 602

2 . بحارالانوار ج 101ص 83 . مفاتیح الجنان زیارت آل یاسین

3 . مفاتیح الجنان زیارت عاشورا غیر معروفه

4 . بحار الانوار ج 101 ، ص 292 .

پیروان ادیان

نیروهای حضرت مهدی (ع) از ملیت های گوناگونی تشکیل می شوند .

در برخی روایات گاهی سخن از قوم خاصی مانند توبه کنندگان بنی اسرائیل ، مؤمنان مسیحی و انسان های وارسته رجعت یافته است که به یاری حضرت می آیند .

مفضل بن عمر می گوید : امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که قائم آل محمد (ع) ظهورکند ، تعدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که عبارتند از : بیست وهفت نفر از قوم موسی ، هفت نفر از اصحاب کهف ، یوشع وصی موسی ، مؤمن آل فرعون ، سلمان فارسی

، ابادجانه انصاری (1) و مالک اشتر . (2)

ابن عباس می گوید : در تفسیر آیه مبارکه و قلنا من بعدِهِ لبنی اسرائیل اسکنوا الارض فاِذا جاء وعد الاخِرهِ جئنا بکُم لفیفا ، (2) پس از آن به بنی اسرائیل فرمان دادیم که در آن سرزمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فرا رسد ، همه شما را باز مبعوث گردانیم . گفته اند که مراد از وعده اخری ، ظهور حضرت عیسی (ع) است که بنی اسرائیل همراه آن حضرت قیام می کنند ، ولی اصحاب ما روایت کرده اند که آنان به همراه حضرت قائم آل محمد (ع) قیام می کنند . (3)

در روایات آمده است که وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، برای اتمام حجت با پیروان همه ادیان ، با کتاب های آسمانی خودشان بحث می کند ونویدهای موجود درکتاب های هر آیینی راکه از آمدن آن مصلح جهانی خبر داده اند به آن ها یاد آوری می کند . هرکسی ایمان بیاورد از او می گذرد و هرکس پس از شناخت حق واثبات حقیقت برکفر خود اصرار بورزد ، به سزای خود می رسی (4)

1 . تنقیح المقال ، ج 2ص 68 .

2 . روضه الواعظین ج 2 ، ص266

3 . سوره اسراء 104 .

4 بحا رالانوار ، ج 54 ص 163 .

اسراء

" إسری " به معنای به شب راه رفتن است . هفدهمین سوره قرآن ومکی است . از امام

صادق (ع) روایت شده هرکس این سوره را در هر شب جمعه تلاوت نماید ، نمی میرد تا این که حضرت حجت (ع) را درک کند واز جمله یاران آن حضرت باشد . (1)

1 . بحارالانوارج 92 ص 281 .

امت امت

به معنای بمیران بمیران است .

خداوند حضرت مهدی (ع) را با سپاهی میان دوازده الی پانزده هزار نفر می فرستد که رمزشان به هنگام حمله امِت امت است . آن گاه پیروزمی شوند وانس والفت و نعمت و رفاه مسلمین به آن ها بازمی گردد (1)

شعار یاران حضرت نیز آمده است (2) .

1 . روزگاررهایی ج 1 ، ص 453 .

2 . منتخب الاثر ، ص 486 .

شیعه در عصر ظهور

شیعیان در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) در طلیعه یاران او هستند ودر عصر ظهور به اوج اقتدار و شکوه خواهند رسید .

امام صادق (ع) فرمود : شیعیان ما در حکومت قائم (ع) سروران و زمامداران زمین ، وفرمانروایان آن هستند و به هرکدام ، قدرت و نیروی چهل قهرمان داده می شود (1)

ونیز فرمود : خداوند خوف وترس را از قلب شیعیان ما برکنده و آن را در قلب دشمنان ما جای می دهد . از این رو هرکدام از آنان برنده تر از نیزه وپرشهامت تر از شیرند . دشمنان را با سرنیزه خویش زخمِ کاری می زنند و به وسیله شمشیر از پای درمی آورند وپایمال می سازند . (2)

در روایات است : هنگامی که قائم (ع) قیام کند ، خداوند در دستگاه شنوایی وبینایی شیعیان ما ، گستردگی وکشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان ومهدی ما ، واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد (3)

یا این که فرموده اند : مؤمن

درعصرقائم (ع) در حالی که در مشرق است ، برادر خویش را که در مغرب است می بیند وهمان گونه که در مغرب است ، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند . (3)

امام باقر (ع) فرمود : مردم ، مالیات اموال و امکانات خویش را خود به دلخواه وافتخار به سوی دولت مهدی می برند و خداوند بر شیعیان ، چنان وسعت و برکت و رفاه و امکاناتی ارزانی می دارد که اگر حقیقت سعادت ونیکبختی را نمی فهمیدند وبه ارزش های اخلاقی آراسته نبودند ، مست امکانات می شدند وبه طغیان وتجاوز سربرمی داشتند ، اما آنان به دلیل رشد فکری وتکامل عقلی ، خدای را سپاس می گذارند وبه وظایف خویش در نهایت جدیت عمل می کنند . (4)

این روایت نشانگر اوج رشد فکری وتکامل عقلی شیعیان در عصر ظهور است .

1 . بحارالانوار ج52 ص372 معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج4 ص6

2 . بحارالانوار ، ج52 ص332 اختصاص مفید ص 8

3 . کافی ، ج8 ص 240 .

4 . بحارالانوار ج52 ص 345 .

یوشع بن نون

وصیَ حضرت موسی (ع) بود که در پاره ای از روایات ، از وی به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده است (1)

1 . تفسیرعیاشی ج 2 ص 32 بحارالانوار ج52 ص346 .

الیاس (ع)

از پیامبران مرسل است که در قرآن کریم دو بار از او یاد شده است .

از حضرت الیاس وخضر (ع) به عنوان اوتادی یاد شده است که پیوسته اطراف حضرت مهدی (ع) هستند .

درباره حضرت الیاس (ع) بیان کرده اند که او از جمله زندگان است و ازکسانی است که خداوند به سبب حکمتی که خود می داند ، عمرشان را طولانی نموده است . بر طبق نظر عده ای از مفسران که در تفسیر آیاتی راجع به وی اظهارکرده اند وتعدادی از روایات که درباره او از اهل بیت (ع) رسیده است آن حضرت زنده است و خداوند ، عمر او راهمچون خضر طولانی کرده و آن دو بزرگوار ، هر سال در سرزمین عرفات ودیگر جاها با هم حضور پیدا می کنند . (1)

1 . عصرظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص 289 .

اوتاد

جمع وَتد به معنای میخ ها است .

در قرآن آمده است : و الجبال اوتادا (1) ما کوه ها را میخ های زمین قرار دادیم .

برخی با توجه به این آیه گفته اند می توان نتیجه گرفت که اوتاد ، مردانی خالص اند که همچون کوه استوار و در خدمت حضرت مهدی (ع) به سر می برند .

برخی از اوتاد به سی نفری که همواره در خدمت حضرت مهدی (ع) هستند وهرگاه یکی از آن ها بمیرد ، فرد صالح دیگری جانشین او می شود ، تعبیرکرده اند (2)

درصفت اوتاد آمده است :

آنان قومی هستند که طرفه العینی از پروردگارشان غفلت نمی کنند ، واز دنیا مگر قوت روزانه جمع نمی کنند وازآنان ، لغزش های بکر صادر نمی شود . (3) برخی گفته اند : اوتاد ، چهار تن از اولیاء هستندکه همیشه درعالم برقرارند واگر یکی از آن ها بمیرد ، دیگری به جای اومی آید . (4)

در حدیث قدسی آمده که خداوند عزوجل به پیغمبرش (ص) فرمود : ای احمد آیا می دانی که چرا تو را بر سایر انبیاء برتری دادم ؟عرض کرد : نه ، فرمود : به یقین ، خوی نیک ، سخاوت طبع ورحمتی که بر خلق داشتی وهمچنین اوتاد الارض ، اوتاد نشدند جز بدین صفات (5)

از این حدیث برمی آید : همچنان که کوه ها ، میخ های ظاهری زمین اند (6) که زمین با آن ها معتدل ومتوازن می ماند ، در عالم معنا نیز اولیاء الله ، میخ های نگهدار زمین اند .

1 . سوره نباء 7 .

2 . بحارالانوار ج 52 ص 153 .

3 . نجم الثاقب باب نهم .

4 . معارف ومعاریف ، ج 2 ص 545 .

5 . بحارالانوار ، ج77ص 29 .

6 . سوره نباء ، 07

جوانان

در روایات مهدوی ، از جوانان بسیار سخن رفته است .

در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است که یاران اصلی قائم (ع) همگی جوان هستند وسالخورده در میان آنان اندک است به سان سرمه در چشم یا نمک در طعام

، باز هم کمتر (1) .

در حدیث آمده است : سید هاشمی که از فرزندان امام حسن (ع) است وبا دوازده هزار سوار به حضرت مهدی (ع) می پیوندد جوان است . (2)

در احوال اهل آخر الزمان آمده است که جوانان ، غنا و مشروبات را حلال می شمارند (3) ، به فسق و فجورگرایش پیدا می کنند (4) و در بی عفتی غوطه ورند . (5)

در روایتی آمده است : دشمنی سخت برای مردم شام صف آرایی می کند که همه ملت اسلامی برای مقابله با آن هاگرد می آیند , گفته شد : مراد شما رومیان یهود است ، فرمود : آری ، سپس فرمود : در آن هنگام جنگی در می گیرد و بیشتر جوانان ، از اسلام برمی گرد ند . (6)

در حدیثی امام صادق (ع) می فرماید : در حالی که جوانان شیعه ، بر پشت بام ها خوابیده اند ، ناگهان آن ها را گروه گروه در یک شب و بدون وعده قبلی نزد حضرت می آورند . آن گاه همگی صبحگاه نزد حضرت گرد می آیند . (7)

1 . بحارالانوا ر ج52ص 333 غیبه نعمانی ص 5 31 .

2 . ملا حم ابن طاووس ص 77 عقد الدرر ، ص 128 معجم احادیث الإمام المهدی (ع) ج 3 ، ص 270 .

3 . الزام الناصب ، ص 195 روزگار رهایی ج 2 ص 719 .

4 . منتخب الاثرص

426 تحف العقول ، ص 41 .

5 . روزگار رهایی ، ج 2 ص 778 .

6 . الزام الناصب ص 178 روزگار رهایی ، ج 2 ص 955 .

7 . غیبه نعمانی ، ص 6 31 بحارالانوار ج 2 5 ص 198 بشاره الاسلام ، ص198 .

سلاح یاران حضرت

طبق روایتی ، سلاح یاران و سربازان حضرت از آهن است ، ولی چنان است که اگر بر کوه فرود آید ، آنرا به دو نیم می کند .

امام صادق (ع) می فرمایند : یاران مهدی (ع) شمشیرهایی از آهن دارند ، ولی جنس آن غیر از آهن است . اگریکی ازآنان با شمشیر خود برکوهی ضربه بزنند ، آن را دو نیم می کند . (1)

وسایل دفاعی نیروهای حضرت به گونه ای است که اسلحه دشمن برآنان کارگر نیست .

امام صادق (ع) در این باره می فرمایند : یاران مهدی (ع) اگر با سپاهیانی که بین شرق و غرب را فرا گرفته اند درگیر شوند ، آنان را در لحظه ای نابود می کنند وهرگز سلاح دشمن درآنان تأثیر نمی کند . (2)

1 . بحارالانوار ج 27 ص41 اثبات الهداهج 3 ، ص 523 .

2 . بحا رالانوار ، ج 54 ص 54 .

شهادت در رکاب حضرت

چون هدف از جنگها در زمان حضرت مهدی (ع) نابودی ستمگران وتشکیل حکومت اسلامی است ، شرکت در جنگ در رکاب حضرت نیز از پاداشی چند برابر برخوردار است .

امام باقر (ع) به شیعیان می فرمایند : اگر شما چنان باشید که ما سفارش کرده ایم وازامرما سرپیچی نکنید ، اگر در آن حال کسی از شما

پیش از ظهور قائم ما بمیرد ، شهید خواهد بود واگر حضرت را درک کند ودر رکاب او به شهادت برسد ، پاداش دو شهید را دارد واگر یکی از

دشمنان ما را بکشد ، پاداش بیست شهید را خواهد داشت . (1)

در روایت دیگری می خوانیم : رزمنده امام ، اگر دشمن ما را بکشد ، پاداش بیست شهید را دارد وکسی که همراه قائم ما به شهادت برسد ، پاداش بیست وپنج شهید برای اوست . (2) امیرالمؤمنین (ع) درباره شیوه رفتار امام زمان (ع) با شهیدان و خانواده آنان می فرماید : حضرت قائم (ع) پس از عملیات روانه کوفه می شود و در آن جا اقامت می گزیند . . . و هیچ شهیدی نمی ماند مگر آن که حضرت بدهی او را می پردازد وبرای خانواده اش حقوق و مستمری قرار می دهد . (3)

و امَا دو آرزو در روایات ما مطلوب است : یکی ، بودن درکربلا وشهادت در رکاب حسین (ع) یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما (4) ودیگری ، فیض جهاد و شهادت در رکاب حضرت مهدی (ع) اللهم اِنی اُجدُ له فی صبیحه یومی هذا . . . . واجعلنی من انصاره . . . . . والمستشهدین بین یدیه . . . فَاَخرجنی من قبری مؤتزرا کفنی ، شاهرا سیفی . . . . . (5)

1 . بحارالانوار ج 52 ، ص 123 و 317 امالی طوسی ج1 ص 236 .

2 . کافی ج 2 ، ص 222 .

3 . بحا رالانوار ج 52 ، ص 224 .

4 . مفاتیح الجنان زیارت مطلقه امام حسین (ع)

.

5 . همان دعای عهد .

اصحاب حضرت

همان 313 نفری هستند که امیر مؤمنان وامام صادق (ع) آنان را پرچمدار یاوران آن گرامی تعبیرکرده اند واین بیانگر این واقعیت است که آنان دارای توانایی ها ، کارآیی ها ، آگاهی ها ، کفایت ها ، مدیریت ها و صلاحیَت های لازم و بالایی برای فرماندهی و سازمان بخشیدن به نیروهای طرفدار حق اند .

که امام صادق (ع) از آنان تعبیر به حکام الله فی ارضه (1) می کند (2)

1 . بحارالانوار ج 52 ، ص 326 .

2 . امام مهدی (ع) از ولادت تاظهور سید محمد کاظم قزوینی , ص 601 .

محل ظهور حضرت

در روایات متعددی آمده که مکه ، محل ظهور حضرت مهدی (ع) می باشد . (1)

ا . غیبه نعمانی ، ص 313 بحار الانوار ج 52 ، ص 368 .

اشخاص

جبرئیل

کلمه ای عبری به معنای " بنده خدا " است . نام فرشته وحی و از بزرگان ملائکه است که بر همه انبیاء یا اولوالعزم از آن ها ، یا بر بعضی از غیر اولوالعزم نیز نازل می شده و وحی خداوند را به آن ها ابلاغ می نموده است . نقل است که وی پنجاه بار بر حضرت ابراهیم (ع) چهار صد بار بر موسی (ع) ، ده بار بر عیسی (ع) و بیست و چهار هزار بار بر حضرت محمد (ص) فرود آمده است . (1) این نام سه بار در قرآن مجید آمده است (2) از حضرت رسول (ص) آمده است که جبرئیل از همه

فرشتگان برتر است . (3) آیه 19 تا 23 سوره مبارکه تکویر ، تصریح است در این که فرشته وحی ، پیک محترمی است و در نزد خداوند ، مکانت دارد و در میان ملائک مطاع و پیش خدا ، امین است و نیز صریح است در این که حضرت رسول (ص) او را بالعیان دیده است امام صادق (ع) فرمود : هرگاه جبرئیل به نزد پیامبر (ص) می آمد ، مانند بردگان در برابر آن حضرت می نشست و بدون اذن ، بر حضرتش وارد نمی شد .

(1)

امام صادق (ع) فرمود : نخستین کسی که با قائم (ع) بیعت خواهد نمود ، جبرئیل است . او در چهره پرنده سفیدی از آسمان فرود می آید وبا آن حضرت دست بیعت می دهد . آن گاه یک پا بر بیت الله ، و پای دیگر به بیت المقدس میگذارد و با ندای زیبا و رسایی که همگان آن را می شنوند ، میگوید : اتی امر الله فَلا تَستعجلوه (2) فرمان خدا رسید ، پس آن را به شتاب نخوا هید . (3)

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت کرده که فرموده اند : آنگاه که خداوند به حضرت قائم (ع) اجازه خروج دهد . . . خداوند جبرئیل ر ا می فرستد که نزد او بیاید ، جبرئیل در حجر اسماعیل نزد آن حضرت می آیدو میگوید : به چه چیز مردم را می خوانی؟ حضرت دعوت خود را به او خبر می دهد . جبرئیل میگوید : من نخستین کسی هستم که با تو بیعت میکنم ، دست خویش را برای بیعت بازکن ، پس دست به دست آن حضرت میگذارددر (4)

همچنین از روایاتی استفاده می شودکه صدای آسمانی که از نشانه های حتمی ظهور است و مردم را دعوت به پیروی از حق میکند ، ندا و صدای حضرت جبرئیل است .

محمد بن مسلم روایت میکند : گوینده ای از آسمان ، قائم را به نام صدا می زند ، به طوری که مردم شرق و غرب آن را

می شنوند و از وحشت آن ، هرکس ایستاده ، روی زمین می نشیند و هر کس نشسته بر می خیزد ، و آن صدای جبرئیل امین است (5)

امام باقر (ع) نیز فرمود : وقتی مهدی (ع) قیام کند ، جبرئیل در سمت راست او حرکت می کند (6)

پس از این که حضرت مهدی (ع) متولد شد ، امام عسکری (ع) آن حضرت را به جبرئیل روح القدس که به صورت پرنده ای ظاهر شده بود ، داد تا از او مواظبت کند و هر چهل روز یک بار ، به نزد آن ها بیاورد (7)

ا . معارف و معاریف ج 4ص 94 .

2 . سوره بقره 97 و 98 سوره تحریم 4 سوره شعراء ، 0193

3 . بحار الانوار ج 59 ص 0258

4 . معارف و معاریف ج 4 ، ص 095

5 . غیبه طوسی 274 .

6 . بحار الانوار ج 52 ، ص 343 .

7 . منتهی الامال باب 4 1 فصل ا .

سفیانی

یکی از نشانه های حتمی ظهور مصلح بزرگ جهانی خروج سفیانی است (1) سفیانی در روایات این گونه توصیف شده است مردی است به رنگ سرخ و زرد با جشم کبود در ظاهر ذکر خدا می کوید ولی از پلید ترین و کثیف ترین مردم روزگار است و در پلیدی و خیانت جنان است که زن بچه دار خود را از ترس این که مبادا مردم را به مخفیگاه او راهنمایی کند زنده به گور

می کند . (2) در روایتی حضرت علی (ع) فرمود : پسر هند جگر خوار سفیانی از بیابان بیرون می آید . او مردی متوسط القامه ، قیافه اش وحشتناک و سرش ضخیم ورویش آبله دارد . اگر او را ببینی خیال می کنی یک چشمی است ، او از اولاد ابو سفیان است وی خروج می کند وبه کوفه یا نجف می آید وبر منبر آن می نشیند . گروه کثیری را فریب می دهد وآنان را با خود همدست می نماید و مناطق : شام ، دمشق ، حمص ، فلسطین ، اردن و قنسرین را تصرف می نماید . (3) وی گروه بسیاری از شیعیان را به قتل می رساند ، (4) سپس از ظهور حضرت مهدی (ع) اطلاع پیدا می کند . لشکری انبوه به سوی او می فرستد اما به خود امام دست نمی یابد و سرانجام در بیابانی بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند . (5) از امام صادق (ع) آورده اند که فرمود : گویی می نگرم که سفیانی درکوفه ودر میدان شهر شما ، بساط خویش راگسترده است وجارچی های او جار می زنند که : هرکس سر شیعه ای را بیاورد یک هزار درهم جایزه دارد . (6) آنگاه است که همسایه بر همسایه می شورد واو را به جرم شیعه بودن سر می برد تا هزار درهم جایزه بگیرد . اصل خروج سفیانی ، صرف نظر از ویژگی ها و قضایای جزئی ، امری مسلم است

، ولی این که سفیانی کیست و چه ویژگی هایی دارد و چگونه شورمی می کند ، چندان روشن نیست . در برخی از روایات ، از امام علی (ع) در مورد نام سفیانی پرسیده شده و آ ن حضرت ، از بیان آن خودداری کرده اند (7) حال آنکه اگر نام وی مشخص بود ، دلیلی نداشت که از بردن نام وی ، خودداری کند . به نظر می رسد ، سفیانی فرد مشخصی نیست ، بلکه فردی است با ویژگی های ابوسفیان ، که در آستانه ظهور مهدی (ع) به طرفداری از باطل ، خروج می کند ومسلمانان را به انحراف می کشاند . امام سجاد (ع) می فرماید : ظهور قائم (ع) از ناحیه خداوند ، قطعی و خروج سفیانی نیز ، قطعی است 0 در برابر هر قیام کننده ومصلحی ، یک سفیانی وجود دارد . (8) ویا امام صادق (ع) می فرماید : ما وخاندان ابوسفیان ، دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم . ما سخن خداوند را تصدیق کردیم وآنان تکذیب کردند . ابو سفیان ، با پیامبر (ص) مبارزه کرد ومعاویه با علی (ع) ویزید با حسین بن علی (ع) به مخالفت برخاستند وسفیانی نیز با قائم (ع) خواهد جنگید . (9)

بر اساس این روایات ، سفیانی جریان باطل در بسترتاریخ است ورو در رویی بین حق وباطل در این دو خانواده ، نمونه بارزی از جریان

این دو خط است . پس بر فرض که سفیانی را از نسلابو سفیان هم بدانیم ، آخرین مهره این زنجیره ، همان سفیانی است که در آستانه ظهور قائم (ع) خروج می کند . این که همزمان با خروج سفیانی از منطقه شام ، یمانی و خراسانی به طرفداری از حق در ناحیه خراسان ویمن ، قیام می کنند ، نیز موید این نظر می تواند باشد . (10) ابو سفیان ، به عنوان سردمدار شرک و بت پرستی و سرمایه داری طاغوتی ، هر نوع حرکت و جنبشی راکه دم از عدالت ، برادری وآزادی می زد ، دشمن خود می دانست وبا قدرت تمام در برابر آن به مبارزه برمی خاست . سفیانی ، فردی است با این ویژگی ها که در برابر انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (ع) خروج می کند . بر این اساس ، در حقیقت سفیانی یک جریان است ، نه یک شخص (11)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 182

2 . بحا رالانوار ج 52 ، ص206 .

3 . بحار الانوار ج 52ص206منتخب الاثر ص458

4 . بحارالانوار ج 52 ، ص 215 و 222 .

5 . همان ص238

6 . غیبه طوسی ص 273؟ بحارالانوا ج 52ص 5 1 2 .

7 . همان ، ص 206 .

8 . بحار الانوار ج52ص182

9 . همان

10 . بحارالانوارج 52 ص 210 و 217 .

11 . چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه ص 275 .

خضر (ع)

از پیامبران مرسل بودکه خداوند او را به

قومش مبعوث ساخت ، تا آن جان را به یکتاپرستی واقرار به انبیاء ورسل وکتب آسمانی دعوت نماید . معجزه اش این بودکه هرگاه بر چوبی خشک یا زمین بی سبزه ای می نشست ، فوراً چوب ، بر می آورد و زمین سرسبز می شد و از این جهت وی را خضر (ع) گویند . نام اصلی اش تالیا بن ملکان بن عابر بن ارفخشد بن سام بن نوح است .

از امام صادق (ع) آورده اند که . . . اما آن بنده صالح خدا خضر ، خداوند عمر او را نه به خاطر رسالتش طولانی گردانید و نه به خاطرکتابی که بدو نازل کند و نه به خاطر این که به وسیله او وشرت او ، شریعت پیامبران پیش از او را نسخ کند ونه به خاطر امامتی که بندگانش بدو اقتدا نمایند و نه به خاطر طاعتی که خدا بر او واجب ساخته بود ، بلکه خدای جهان آفرین ، بدان دلیل که اراده فرموده بود عمرگرامی قائم (ع) را در دوران غیبت او بسیار طولانی سازد ومی دانست که بندگانش بر طول عمر او ایراد واشکال خواهند نمود ، به همین جهت عمر این بنده صالح خویش خضررا طولانی ساخت که بدان استدلال شود و عمر قائم (ع) بدان تشبیه گردد و بدین وسیله اشکال و ایراد دشمنان و بداندیشان باطل گردد . (1)

بدون تردید او زنده است وهم اکنون بیش از شش هزار سال از عمر شریفش می گذرد . (2) زندگی حضرت خضر ورفتنش به

بحر ظلمات وخوردنش از آب حیات خود داستان مفضلی است که درکتب تاریخی وحدیثی به تفصیل از آن بحث شده ، علاقمندان به کتب مبسوط حدیثی مراجعه فرمایند . (3)

شرکت حضرت خضر در مراسم عید غدیر در سرزمین غدیر خم ودر مراسم سوگواری رسول اکرم (ص) به هنگام رحلت آن حضرت ودر سوگ حضرت علی (ع) به هنگام شهادت آن حضرت درکتاب های حدیثی مشروحا آمده است .

امام رضا (ع) می فرماید : حضرت خضر (ع) از آب حیات خورد ، او زنده است وتا دمیده شدن صور از دنیا نمی رود ، او پیش ما می آید وبر ما سلام می کند ، ما صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم ، او در مراسم حج شرکت می کند وهمه مناسک را انجام می دهد ، در روز عرفه در سرزمین عرفات می ایستد وبرای دعای مؤمنان آمین می گوید . خداوند به وسیله او در زمان غیبت ، از قائم ما رفع غربت می کند وبه وسیله او وحشتش را تبدیل به انس می کند . (4)

از این حدیث استفاده می شودکه حضرت خضر (ع) جزء سی نفری است که همواره در محضر حضرت بقیه الله (ع) هستند ورتق وفتق امور به فرمان آن حضرت در دست آن هاست . (5)

ا . کمال ا لدین ج 3 ، ص 357 بحا رالانوار ج 51 ، ص 222 .

2 . یوم الخلاص ص157 .

3 . بحار الانوار ،

ج 2 1 ، ص 72 1- 5 1 2 وج 13 ص 278- 322 .

4 . كمال الدين ، ج 2 ص 390 بحارالانوار ، ج13 ص 299 .

5 . غيبه نعمانی ، ص 99 بحارالانوار ج 52 ، ص 158 0

جبیر بن خابور

در برخی روایات ، از وی به عنوان یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) نام برده شده است . امام صادق (ع) فرمود : جبیر بن خابور ، گنجینه دار معاویه بود . او مادرپیری داشت که در شهرکوفه زندگی می کرد روزی جبیر به معاویه گفت : دلم برای مادرم تنگ شده است اجازه بده تا از او دیدارکنم تا کمی از حقوقی که برگردن من دارد ، اداکنم . معاویه گفت : در شهرکوفه چه کار داری در آن جا مرد جادوگری به نام علی بن ابی طالب است واطمینان ندارم که تو را نفریبد . جبیرگفت : من با علی کاری ندارم من می خواهم به دیدار مادرم بروم وحق او را به جا آورم . جبیر پس ازکسب اجازه عازم سفر شد . آن گاه که به شهرکوفه رسید ، چون امیرالمؤمنین (ع) پس از جنگ صفین ، پیرامون شهرکوفه دیده بان گماشته بود ورفت و آمدها را کنترل میکردند ، دیده بانان او را دستگیرکردند و به شهر آوردند . حضرت علی (ع) به او فرمود : تو یکی ازگنجینه های خداوندی . معاویه به تو چنین گفته است که من جادوگر هستم . جبیر گفت : سوگند به خداکه چنین گفته است . حضرت فرمود

: تو مالی همراه داشته ای که مقداری از آن را در منطقه عین التمر به خاک سپرده ای جبیر این مطلب را نیز تصدیق کرد سپس امیر مؤمنان (ع) به امام حسن دستور داد تا از وی پذیرایی کند روز بعد ، علی (ع) به یاران خود فرمود : این شخص در جبل الاهواز به همراه چهار هزار نفر در حالی که سلاح ها را از نیام کشیده اند ، منتظرند تا قائم اهل بیت ما ظهورکند آن گاه این شخص ، همراه حضرت و در رکاب‌ش با دشمنان خواهد جنگید (1)

1 . بحارا لانوار ، ج 41 ص 296 به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبسی ، پاورقی ص 96 .

عیسی (ع)

از حضرت عیسی (ع) در روایات ، با واژه های گوناگون مانند وزیر ، جانشین ، فرمانده و مسؤول در حکومت حضرت مهدی (ع) یاد شده است . حضرت عیسی (ع) به مهدی (ع) می گوید : من به عنوان وزیر فرستاده شده ام نه امیر (1) حضرت عیسی (ع) وزیر حضرت مهدی (ع) پرده دار و جانشین آن حضرت است (2) حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان فرود می آید و در قدس پس از اعلام بیعت با حضرت مهدی (ع) پشت سر حضرت نماز می گذارد . پس از فتح غرب توسط حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن

سامان ، حضرت عیسی (ع) رحلت نموده و حضرت مهدی (ع) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند . بر طبق روایات ، امام (ع) مراسم دفن و نماز خواندن بر بدن وی را آشکارا در حضور مردم انجام می دهد ، تا همچون بار اول درباره او سخن ناروا نگویند . سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم (ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش ، در قدس به خاک می سپارد (3) در برخی روایات آمده که حضرت عیسی (ع) ، جزو فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است (4) در ویژگی حضرت عیسی (ع) آمده است : او چنان ابهتی دارد که چون دشمن او را می بیند ، به یاد مرگ می افتد؟ چنان که گویی عیسی (ع) قصد جانش راکرده است (5) در برخی از روایات از حضرت عیسی (ع) به عنوان مسؤول دریافت اموال حضرت قائم (ع) یاد شده است فرود آمدن حضرت عیسی (ع)

1 . ملاحم ابن طاووس ، ص 83 فتن ابن حماد ، ص 160

2 . غایه المرام ص697 حلیه الابرار ج 2 ، ص 620 .

3 . عصر ظهور علی کورانی ، ص 29

4 . الشیعه والرجعه ج1 ص 167 .

5 . فتن ابن حماد ص 161

پیشگویی ها

منجم یهودی

هنگام تولد حضرت ولی عصر (ع) منجمی یهودی در قم اقامت می کرد که در آن

سامان شهرت بسزایی داشت . احمد بن اسحاق که از شخصیت های معروف قم و وکیل امام حسن عسکری (ع) در قم بود ، پیش منجم یهودی رفت وگفت : برای ما در فلان روز مولودی به دنیا آمده است ، فالی او را برای ما ببین . یهودی گفت : آن چه من از محاسبه های خود به دست می آورم ، این است که او یا پیامبر خواهد بود و یا وصی پیامبر . او شرق و غرب جهان را تحت حکومت و سیطره خود در خراهد آورد . من چنین در می یابم که احدی روی زمین نمی ماند ، جز این که در برابر او تسلیم می شود (1)

1 . روزگار رهایی ج 1 ، ص 141 .

پیشگویی های نوستر آداموس

بررسی پیشگویی های نوستر آداموس درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران : شاهزاده عرب ، مریخ ، خورشید ، ناهید ، شیر ، حکومت کلیسا را از طریق دریا از پای درخواهد آورد ، از جانب ایران پرشیا بیش از یک میلیون پرهیزگار به بیزانس ومصر ، به سوی شمال هجوم خواهند آورد (1)

ازکشور عربی خوشبخت در منطقه غنی وثروتمند اعراب شخصی قدرتمند ومسلط بر شریعت حضرت محمد (ص) زاده خواهد شد ، اسپانیا را به درد سر انداخته وبرگرانادا

غرناطه مستولی می شود . از طریق دریا بر مردم نیکوزیا ظفر خواهد یافت . (2) مرد مشرقی از محل استقرار خویش خارج خواهد شد ، برای دیدار فرانسه ازکوه آپونین خواهد گذشت ، از فراز آسمان ، از برف ها

، دریاها وکوه هاگذر خواهدکرد و همگان را با عصایش مضروب خواهد کرد . . . . (3)

ادبیات رمز آلود ، واژه ای است که به بهترین نحو می تواند عمق معانی شعرواره های نوسترآداموس را بیان کند چرا که طبق نظر اغلب مفسران معروف نوستر آداموس یعنی اریکاچیتهام ، گی بوحک رژان شارل, دو فن برون ، حداقل وقایع ذیل را می توان بدون هیچ شک وتردیدی از میان شعرواره های رمزآلود نوستر آداموس برشمرد :

آتش سوزی بزرگ لندن در سال1666 م اعدام چارلز اول ، روی کار آمدن حکومت مذهبی کرامول در انگلستان ، وقوع انقلاب فرانسه ، انقلاب روسیه ، رویارویی استالین وتروتسکی پس از مرگ لنین ، اضمحلال رژیم شوروی ، اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتَوانت ، به قدرت رسیدن ناپلئون وانتخاب لقب امپراتور توسط وی ، به قدرت رسیدن هیتلر ورژیم نازی ، به قدرت رسیدن موسولینی در ایتالیا و ژنرال فرانکو در اسپانیا ، تروركندی ، سقوط شاه ایران و وقوع انقلاب اسلامی در ایران ، رهبری امام خمینی ره از فرانسه او دقیقاً عنوان می کند که رهبر ایران از فرانسه باعث سقوط شاه ایران می شود- وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و آتشی که در برج های دوقلوی شهر جدید نیویورک ایجاد می شود و بسیاری از حوادث تاریخی دیگر از سال های 1555 میلادی به بعدکه حدود450 سال را در بر می گیرد .

دو محاصره ، درگرمایی سوزان ، انجام می گیرد . آن مرد ، ازفشار تشنگی ، به خاطر دوفنجان مملواز آب ، کشته می شود

.

دژ نظامی ، مملو می شود ، ویک آرمانگرای کهنسال امام خمینی ره ، نشانه های نیرا سرزمین ایران ، را به اهالی ژنو سازمان ملل متحد نشان خواهد داد . (4) رهبر پاریس ، اسپانیای بزرگ را اشغال می کند ، کشتی های جنگی در برابر مسلمانان محمدی ها که از پارتیا ناحیه ای درا یران و مدیا ناحیه ای درایران برخاسته اند ، می ایستند آن مرد ، سیکلادا روپا را تاراج می کند ، وآنگاه انتظاری بزرگ در بندر یونان حکلمفرما می شود .

در مجموع نوستر آداموس به این موضوع به صراحت اشاره می کندکه ایران پارت ، نیرا ، پرشیا ، مدیا با کمک مسلمانان سراسر جهان ، از جمله کشورهای عربی و مخصوصاً سوریه ، عربستان سعودی ولیبی حکومت مقتدری را تشکیل می دهند وپس از جنگی مذهبی که هستهآن از لبنان شروع می شود و عمدتا بر علیه اسرائیل است ، جهان را به تسخیر خود در می آورند وسپس جنگی جهانی و عظیم رخ خواهد داد وجهان نابود خواهد شد (5)

در هنگامه دمیدن خورشید ، آتش بزرگ ، دیده خواهد شد صدا و روشنای ، درامتداد شمال ، ادامه خواهد یافت . در میانه کره خاک ، مرگ وآوای مرگ ، کشیده خواهد شد مرگ از درون سلاح ها ، آتش وخشکلسالی آنان را به انتظارخواهند نشاند . درخاتمه ، ا ین سرزمین به واسطه جنگ جهانی سوم نابود ونامسکون خواهد شد . (6) سرزمین مسکونی ، از سکنه خالی خواهد شد برای به دست آوردن سرزمین ها ،

جدال واختلاف شدیدی در می گیرد , قلمروما به مردانی سپرده خواهد شد که از غرور و سربلندی تهی خواهند بود . سپس ، برای برادران بزرگ ، نفاق و مرگ پیش خواهد آمد .

وچنین بر می آید که ایران ، جهان را ابتدا از طریق حمله به ترکیه و مقدونیه به تصرف خود درخواهد آورد :

شب در آسمان ، مشعلی رو به خاموشی ، دیده خواهد شد . در مرکز رن ، جنگ و خشکسالی به بار می آید ، کمک خیلی دیر می رسد . پرشیا ایران حمله آورده وماگدونیا و در جای دیگر می گوید : مقدونیه را به محاصره درمی آورد . (7)

توای فرانسه اگر ازآب های لیگوریاگذرکنی خود را ، درمیانه دریا و جزایر در محاصره خواهی یافت . و پیروان محمد ، در برابرتو خواهند ایستاد . و همچنین تو ای دریای آدریاتیک استخوان خزان واسبان را خواهی جوید (8) وباز می گوید : آن مرد ، با سلاح ها وآتش درختان ، در نزدیکی دریای سیاه از پرشیا برای تسخیرترابوزان خواهد آمد .

فاروس و میتیلن به لرزه درخواهد آمد خورشید ، دریای آدریاتیک راکه مملو ازاجساد اعراب است روشن خوا هدکرد . (9)

و سپس نوستر آداموس ، عواقب جنگ اتمی و نابودی تدریجی جهان به واسطه جنگ جهانی سوم را شرح می دهد :

کسوفی در پیش خواهد بودکه از زمان آفرینش گیتی تا زمان مرگ و مصائب حضرت مسیح واز آن زمان تا به امروز مرکزرخ نداده است وجهان چنین ظلمتی به خود ندیده است .

(10) . .

که در این مورد آیات مربوط به قیامت در سوره قیامت به ذهن انسان تداعی می شود :

فاذا برق البصر و خسف القمر و جمع الشمس والقمر یقول الانسان یومئذ این المفر . هنگامی که بینایی خیره می گردد ، و ماه فرو می رود ، و خورشید و ماه گرد هم آیند ، آن روز انسان می گوید : به کجا فرارکنم

مرد والامقامی از تبار عرب به زودی پیش خواهد تاخت . از سوی اهالی بیزانس به او خیانت خواهد شد . ازشهرقدیمی رودس به پیشوازاو خواهند آمد ، از جانب هانگری مجارستان متحمل آزار بسیارخواهد شد . (11)

در حوالی دریای آدریاتیک براثرتوفانی عظیم ، کشتی غرق می شود وزمین به لرزه درآید وبه سوی آسمان پرتاب می شود ودوباره فرومی افتد در مصرجنبش پیروان محمد افزا یش می یابد و پیکی به أن سوی مرزها ، فرستاده می شود تا خبررا اعلان کند .

. . . شهرهاآلوده وکثیف گشته ، باعث اعتراض وشرمساری زیادی خواهد شد ، وتاریکی وجهل فقط با درخشش نورازبین می رود وبا تغییراتی حکومت جهل وظلمت پا یان خواهد یافت . . . رهبری اصلی مشرق زمین با شورش های زیادی روبرو خواهد شد ، که اکثرا از طرف شمالی ها و غربی ها مغلوب شده است ، که عده ای کشته و برخی مورد آزار قراگرفته اند و بقیه در حال گریزند و فرزندانشان که از زنان متعددی هستند ، زندانی شده اند . (12)

م . پ . ادوارد درکتاب خود در باب پیشگویی های

نوسترآداموس نقل می کند که سانتوری هشتم ، قطعه 6 مربوط به وقوع جنگ جهانی سوم است :

" . . . جنگ و خونریزی برای مرتبه سوم حتمی است آتش به حدی است که دریاها به جوش می آید واز دولت ما فقط دو دولت واز جهان فقط نیمی باقی می ماند . . . (13) شاهزاده لیبیای که نما ینده حکومت ایران است در غرب به قدرت خواهد رسید ، یک فرانسوی ازاعراب به شدت مکدرخواهد شد ، دانشمند ادیب ، ادبا خود را با اوضاع وفق خواهند داد ، زبان عرب برفرانسه پیش می گیرد . . . . (14)

در نزدیکی سوربن جهت حمله به مجارستان ، قهرمانی ازاهالی برودها سیاه پوستان به آنان هشدار خواهد داد . رهبر بیزانس ، سالون ازاسلاوینا ، آنان را به شریعت محمد درخواهد آورد . همچنین نوستر آداموس چنین می سراید که : امپراتوری مقدس به آلمان خواهد آمد پیروان اسماعیل جایگاه بی مانع خواهند یافت . آدم های نادان همچنان خواستارکارمانی شریعت کهنه هستند . تمامی حمایت کنندگان محمد سراسر گیتی را خواهند پوشاند (15)

بنابراین ، نوسترآداموس در اغلب سانتوری ها از جمله سانتوری 5 نسبت به فتح جهان به وسیله شریعت حضرت محمد (ص) به غرب وتمدن غربی هشدار می دهد وبه جهانیان اعلاممی کند که روزی مسلمانان به رهبری ایران وتمدن ایرانی بر جهان مسلط خواهند شدکه این بی شک در پیوند باگسترش و جهانی شدن انقلاب اسلاْمی ایران است . (16)

l . سانتوری قطعه 5/55

2 . قطعه 29/2

3

. سانتوری 4 قطعه 59 .

4 . سانتوری 4 ص 63/3

5 . سانتوری 2 قطعه 91

6 . سانتوری 2 قطعه 95

7 . سانتوری 2 قطعه 96

8 . سانتوری 3 قطعه 23

9 . قطعه 27/5

10 . سانتوری 5 قطعه 47

11 . سانتوری 2 قطعه 86

12 . نوستر آداموس نامه به فرزند ص 274

13 . سانتوری 3 قطعه 27

14 . سانتوری 10 قطعه 62

15 . سانتوری 10 قطعه 31

16 . نشریه موعود ، شماره37 ص 27

سطیح کاهن

کاهن به معنای غیبگو است و " سطیح کاهن " یکی از مشهورترین غیبگویان تاریخ است . وی از مردم یمن بوده وهمواره بر زمین افتاده بود ومیگویند 50 سال عمرکرده است . (1) مرحوم علامه مجلسی درکتاب " بحارالانوار " ازکتاب مشارق الانوار تألیف حافظ رجب برسی ، که از علما ومحدثان شیعه است ، خبری را درباره ظهور امام زمان (ع) از سطیح کاهن بدین مضمون نقل نموده است : ذاجدن پادشاه برای استفسار از موضوعی که در آن تردید داشت به دنبال سطیح کاهن فرستاد . چون

سطیح آمد خواست او را امتحان کند ، لذا یک دینار درکفش خود پنهان کرد و آن گاه به وی اجازه داد که داخل شود . چون وارد شد ، شاه گفت : ای سطیح برای تو چه پنهان کرده ام سطیح گفت : درکفش خود یک دینار پنهان کرده ای شاه پرسید : این را ازکجا دانستی؟ سطیح گفت : از یک نفر جن که مانند برادر ، همه جا با من همراه است . شاه گفت : ای سطیح از آن چه در

روزگاران پدید می آَید مرا مطلع گردان سطیح گفت : هنگامی که نیکان از میان بروند واشرار به جاه و مقام برسند ، و مقدرات الهی را تکذیب نمایند ، واموال را به سختی حمل کنند . . . و اختلاف کلمه پدید آَید . . . ستارهء دنباله داری که عرب را پریشان کند ، طلوع نماید . در آَن هنگام ، باران نبارد و رودها خشک شود و اوضاع روزگار دگرگون گردد . . . آن گاه مردی از اولاد صَخر (2) خروج میکند وپرچم های سیاه را به پرچم های سرخ تبدیل می نماید و محرمات را مباح میگرداند . . . در آن موقع مهدی فرزند پیغمبر ظاهر می شود و این در وقتی است که مظلومی در مدینه وپسر عموی وی در خانه خداکشته شود . . . . او حق را به اهل حقبرگرداند و میهمانی را در میان مردم افزون گرداد و با عدالت خوی غبار ضلالت را از میان ببرد (3)

1 . بحارالانوار ج 51 ، ص 65 غیبه طوسی ، ص 13 1 کشف الغمه ، ج 3 ، ص 263 و 267 .

2 . صَخر : نام ابوسفیان پدر معاویه است و مقصود از او سفیانی مشهور می باشد .

3 . بحارالانوار ج 51 ص 162

پیشگویی های واقع شده

برخی از حوادثی که احادیث ، پیشاپیش از رخ دادن آن ها پیش از ظهور خبر داده اند

و وقوعشان درکتب تاریخی پس ازگذشت سال ها به ثبت رسیده . پیشگویی های مطابق واقع ایشان از این قرار است :

پیشگویی اول

و دوم : انحراف و فساد بنی عباس , پیامبر (ص) و ائمه (ع) درباره ویژگی های حکومت بنی عباس از جهت منحرف شدن آن ها به سمت فساد وخروج شان از مسیر حق خبر داده اند . به خوبی می دانیم که دولت بنی عباس چه بر سر ائمه (ع) و دیگر فرزندان رسول اکرم (ص) در طول تاریخ آوردند و چه آوارگی ها ، تعقیب ها و دستگیر شدن ها و ستم هایی را از آن ها چشیدند که مشهورتر از آن است که این روزما بخواهیم آن را به نگارش درآوریم . امام باقر (ع) طی حدیثی می فرماید : . . . سپس بنی عباس به سلطنت می رسند وهمواره در عیش و نشاط حکومت و وفور خوشی ها خواهند بود ، تا اینکه در میان آن ها اختلاف می افتد وپس از آن که دچار اختلاف شدند حکومت را ازکف می دهند . (1)

لازم است به یاد داشته باشیم امام باقر (ع) پس از زوال سلسله بنی امیه به شهادت رسیدند

و 18 سال بعد حکومت عباسیان بر مسلمانان مسلط شدند . (2)

پیشگویی سوم : اختلاف اهل مشرق و مغرب (3) در ادامه حدیثی که از امام باقر (ع) نقل کردیم حضرت فرمودند : و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می شوند . (4) که نمونه های بسیاری برای این اختلاف در طول تاریخ می توان یافت : مانند اختلاف اهل مشرق و مغرب برای تعیین

مرزهای کشورهای اسلامی که این مسأله سابقه طولانی در میان مسلمانان دارد به طوری که بر مشرق عباسیان حکومت می کردند . و بر مغرب یا همه اندلس اسلامی حکمرانان اموی . یا اینکه در شمال آفریقا غرب دولت فاطمیون را تأسیس کردند . در هر دو حالت غرب از خلافت مشرق که در دست عباسیان بود ، جدا شده بودند 0

شاید هم منظور چیزی است که در عصرکنونی از زمان جنگ جهانی دوم تا الان- شاهدش هستیم که دو دولت بزرگ وجود داشته اند به طوری که یکی مدعیٰزعامت جمهوری ها درمشرق است و دیگری خود را فرمانروای غرب می شمرد . به هر حال اختلاف را به هرکدام از این معانی یا معانی دیگر بگیریم این اختلاف میان شرق وغرب از جمله نشانه های ظهور است و همواره شاهدش بوده ایم .

این سه پیشگویی اتفاق افتاده در تاریخ آن هم پس از بیان آن حضرت (ع) ونقل محدثین در منابع شان ، خود بهترین دلیل بر صدق صدور آن از معصوم (ع) است .

پیشگویی چهارم : انحراف جامعه اسلامی پیامبر اکرم (ص) بارها از انحراف در رهبری اسلامی جامعه پس از خویش خبر داده اندکه از آن جمله این روایت است که ابن عباس نقل کرده که حضرت ضمن صحبت های شان از معراج ، این مطالب را از جمله علایم ظهور برشمرده اند : کافران ، فرمانروای مردم می شوند و فاجران ستمکاران سرپرست ، و ظالمان هم آنان را یاری می کنند وفاسقان هم مشاوران آن ها می شوند . در چنین زمانی

سه خسف فرو رفتن پیش می آید : در مشرق ، مغرب و جزیره العرب ، بصره را هم یکی از نوادگان توکه زنگی ها از او پیروی می کنند خراب می کند . (5)

ودر حدیث دیگری چنین می فرمایند : . . . وپس از من ، رهبرانی خواهند آمدکه به هدایت من هدایت نگردند از طریق من که هدایت است پیروی نمی کنند و به سنت من هم رفتار نمی کنند ، از میان آن ها مردانی قیام خواهندکردکه قلب های شان قلب شیطان است درکالبد انسان .

این همان مسأله ای است که پس از رسول اکرم اسلام (ص) رخ داد و حکومت بر اساس مصلحت ها ویا به طور موررثی دست به دست شد .

پیشگویی پنجم : شورش صاحب زنج , جریان صاحب الزنج وقومش در تاریخ از این قرار ثبت شده است که وی شخصی بودکه در سال 255 ق مصادف با میلاد حضرت مهدی (ع) قیام کرد . نامش علی بن محمد بود وعلی رقم اینکه از حیث عقاید وتفکرات با اهل بیت (ع) اختلاف داشت ، گمان می کردکه از علویان است . طی مدت 15 سال در جامعه چنان فسادی به راه انداخته بودکه نهایتاً در سال 270 ق دستش را به قتل عام مردم آلوده کرد . علاوه بر انتساب خویش به علویان عمده مطلبی که در شورش خود روی آن تکیه می کرد این بود به طور اساسی به کارگران وطبقه زحمتکش جامعه ، خصوصا بندگان وغلامان تحت سرپرستی دیگران نظرداشت واز این جهت بود

که به وی صاحب الزنج یا سرور بندگان لقب داده بودند . فساد زیادی در جامعه به پا کرد ودولت عباسی را به شدت به زحمت انداخت وساکنان بصره و بسیاری دیگر از شهرها را با قتل وغارت و سرگردانی مردم تحت فشار قرار داد . این واقعه تاریخی هم خود دلیل بزرگی برای صدق حدیث وگوینده آن می باشد .

پیشگویی ششم : ظهور علم در شهر قم ,از جمله این احادیث ، این مورد است که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند : کوفه از حضور مؤمنین خالی خواهد شد وعلم از آن رخت برمی بندد ، همانند ماری که به سوراخ لانه خویش خزیده باشد . سپس در شهری که به آن قم می گویند نمایان می شود و آن جا معدن علم وفضل می گردد ، به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی ماند حتی عروسان حجله نشین که این جریان نزدیک ظهور قا ئم (ع) می با شد . (6)

این موضوع در دهه گذشته پیش آمده است وعظمت امامان (ع) را زمانی متوجه می شویم که بدانیم امام از ظهور علم دینی در قم در حالتی خبر می دهندکه حتی موقعیت مکانی این شهر در زمان ایشان هنوز ناشناخته بود وساکنان آن هم بت پرست و آتش پرست بودند وپس از گذشت قریب 1200 سال مرکز مطالعات وشهر علم شیعه گشت .

1 . غیبه نعمانی ص 175 .

2 . همان .

3 . همان

4 . بشاره الاسلام ص5

5 . تاریخ

الغیبه الکبری ص 59 .

6 . منتخب الاثر ص 443 یوم الخلاص ص 480

سیمای دورانِ ظهور

سیما راکه روایات از اوضاع جهان در زمان ظهور ترسیم می کنند به ویژ ه از منطقه ظهور آن حضرت مانند : یمن ، حجاز ، ایران ، عراق ، شام ، فلسطین ، مصر ومغرب . . . سیمایی است کامل که بسیاری از حوادث بزرگ و کوچک و نام های اشخاص واماکن را دربر می گیرد .

روایات حاکی از این است که انقلاب وحرکت ظهور حضرت ، بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای وجهانی ، از مکه آغاز می شود وطبق بیان روایات ، در سطح جهانی نبردی سخت میان رومیان- غربی ها- وترکان ویا هواداران آن ها-که ظاهرا روس ها باشند- به وجود می آید ، تا جایی که به جنگ جهانی منجر می گردد . اما در سطح منطقه در حکومت هوادار حضرت مهدی (ع) در ایران ویمن تشکیل خواهد شد . . . که یاران ایرانی آن حضرت ، مدتی قبل از ظهور ، حکومت خویش را تأسیس نموده ودرگیر جنگی طولانی می شوندکه سرانجام درآن پیروز می گردند .

اندک زمانی پیش از ظهورآن بزرگواردر میان ایرانیان دو شخصیت ، با عنوان سید خراسانی ، رهبر سیاسی ، وشعیب بن !صالح ، رهبر نظامی ظاهر شده وایرانیان تحت رهبری این دوتن ، نقش مهمی را درحرکت ظهورآن حضرت ایفاء خواهند نمود .

اما یاران یمنی وی ، قیام وانقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده وظاهراًایشان در سامان بخشیدن به خلافت سیاسی که در

حجاز به وجود می آید همکاری می نمایند . علت به وجود آمدن این خلافت سیاسی حجاز ، این است که شاه نابخردی از خاندان فلان!- که آخرین پادشاه حجاز می باشد-کشته شده و بر سرِ جانشینی او اختلاف به وجود می آید ، به گونه ای که این اختلاف تا ظهور مهدی (ع) ادامه خواهد یافت . در این هنگام نشانه های ظهور حضرت آشکار شده وشاید بزرگترین نشانه آن ، ندای آسمانی است که به نام او در بیست وسوم ماه رمضان شنیده می شود . طبق روایات پس از این ندای آسمانی حضرت به طور سری برخی از یاران وهواداران خود ارتباط برقرار می نماید . درباره حضرت ، در سراسر جهان سخن بسیار به میان آمده ونام وی زبانزد همگان گشته ، ومحبتش در دل ها جای می گیرد .

دشمنان وی از ظهورآن حضرت سخت بیمناک شده واز این رو برای دست یافتن به او تلاش می کنند . . . در میان مردم شایع می شودکه آن حضرت در مدینه منوره اقامت گریده ، و حکومت حجاز یا نیروهای خارجی ، جهت کنترل اوضاع داخلی حجاز ، وپایان دادن به کشمکش قبائل با حکومت وقت ، لشکریان سفیانی را از سوریه به یاری می طلبند . این سپاه وارد مدینه شده وبه هر مرد هاشمی که دست یابند او را دستگیر می کنند . بسیاری ازآنان وشیعیان آن ها راکشته وبقیه را به زندان می افکنند . سپس آن حضرت در شهر مکه با بعضی از یاران خود تماس می گیرد . . . . تا این

که قیام وحرکت مقدس خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز عشاء از حرم شریف همگی آغاز می کند . آن گاه نخستین سخنرانی خود را برای مردم مکه ایراد می فرماید که دشمنان وی سعی در ترورآن حضرت دارند ، اما یاران آن حضرت با در میان گرفتن آن بزرگوار ، دشمنان را متفرق ساخته ، ونخست بر مسجد الحرام وسپس بر مکه تسلط می یابند . در صبح روز دهم محرم ، حضرت مهدی (ع) پیام خودرا به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند وملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده ، اعلام می دارد که در مکه خواهد ماند ، تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت مصطفی (ص) وعده فرموده ، وآن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است- که برای در هم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند- به وقوع پیوندد . پس از اندک زمانی ، معجزه وعده داده شده در مورد سپاه سفیانی- که در مسیر مکه به حرکت در آمده اتفاق می افتد . آن حضرت پس از این معجزه ، با سپاه خود که بیش از ده هزار نفر است از مکه رهسپار مدینه می شود وپس از نبرد با نیروهای دشمن ، مدینه را آزاد ساخته وبا آزادسازی دو حرم مکه و مدینه ، فتح حجاز وتسلط بر منطقه خاتمه می یابد .

در برخی از روایات آمده است که آن حضرت ، پس از پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می شود ودرآن جا با سپاه ایران وتوده های مردم آن

سامان به رهبری خراسانی وشعیب بن صالح برمی خورد . آنان با وی بیعت کرده وبا قوای دشمن در بصره به پیکار می پردازند که سرانجام به پیروزی آشکاری دست می یابند .

سپس امام وارد عراق گردیده واوضاع داخلی آن جا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی آن ها را شکست داده وبه قتل می رساند . آن گاه عراق را مرکز حکومت وکوفه را پایتخت خود قرار می دهد و بدین سان یمن ، حجاز ، ایران وعراق یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی آید .

از روایات برمی آید : نخستین جنگی که حضرت پس از فتح عراق به آن اقدام می کند جنگ با ترکان است که آن ها را شکست می دهد . امام پس از تجهیز ، سپاه بزرگش را راهی قدس می گرداند ، در این هنگام با سپاه سفیانی درگیر نبردی سخت می شوند ، نبردی که محورهای ساحلی آن از عکا در فلسطین گرفته تا انطاکیه در ترکیه ودر داخل از طبریه شهر ودریاچه ای است در فلسطین تا دمشق وقدس را فرا می گیرد . . . .

دراین هنگام خشم الهی بر نیروهای سفیانی ویهودی ورومی فرود آمده وبه دست مسلمانان کشته می شوند ومسلمانان پیروزمندانه وارد قدس می گردند . غربیان مسیحی وقتی مواجه با شکست یهودیان به دست باکفایت حضرت می شوند ، خشمگین شده وعلیه حضرت اعلان جنگ می کنند؟ ولی ناگاه حضرت مسیح (ع) ازآسمان وقدس فرود آمده وبا سخنان خویش جهانیان وبه ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می دهد . فرود

آمدن حضرت مسیح (ع) برای جهان نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان وملت های مسیحی خواهد گردید .

بسیاری از غربی ها به آیین اسلام گرویده وحضرت مهدی (ع) را مورد حمایت وتأیید خویش قرار می دهند . اما رومیان به جهت اینکه حضرت مسیح (ع) موج همبستگی مردمی در میان ملت ها ایجاد کرده ، وحشت زده شده و در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام وفلسطین یورش می آورند .

در این یورش ، نیروهای اسلام رویاروی آن ها قرارگرفته و حضرت مسیح (ع) موضع خود را با حضرت مهدی (ع) هماهنگ اعلام کرده وپشت سروی در قدس نماز می گذارد . نبرد با رومیان روی می دهد و شکستی سخت متوجه رومیان می گردد . پس از این ، دروازه های پیروزی جهت فتح کردن اروپا و غربِ مسیحیت ، به روی آن حضرت گشوده می شود .

پس از فتح غرب توسط حضرت ودر آمدن آن تحت فرمانروایی آن حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان ، حضرت مسیح (ع) رحلت نموده و حضرت مهدی (ع) ومسلمانان بر پیکر او نمازگزارده واو را در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می سپارد . پس از فتح جهان توسط آن حضرت ویکپارچگی تمام دولت های جهان به صورت یک حکومت اسلامی ، حضرت برای تعالی بخشیدن وشکوفایی زندگی مادی ورفاه همگان قیام نموده وجهت گسترش فرهنگ و دانش مردم می کوشد .

در زمان حضرت ، پای ساکنان

زمین به سوی ساکنان کرات گشوده می شود . بعد از آن شماری از پیامبران وامامان (ع) به زمین باز خواهندگشت وتا هر زمان که اراده حق تعالی باشد ، فرمانروایی خواهند نمود و این امر از نشانه های رستاخیز و مقدمات آن است .

به نظر می رسدکه جنبش دجال ملعون وفتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی وبهره گیری از پیشرفت علوم باشدکه در زمان حضرت ، جامعه بشری به آن دست می یابد . دجال از روش های پیشرفته ، برای فریب جوانانِ پسر و دختر و زنان که بیشتر پیروان او را تشکیل می دهند استفاده می کند . از این رو موجی از فتنه و آشوب به وجود می آوردکه مردم فریبکاری های او را باور می کنند ، اما حضرت مهدی (ع) نیرنگ) های وی را آشکار ساخته وبه زندگی او وهوادارنش خاتمه می دهد .

این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) بود . (1)

ا . عصرظهور علی کورانی ص 23 .

قیام

هدف قیام

در بین روایات مربوط به ابعاد مسأله مهدویت ، روایاتی عهده دار تبیین هدف قیام امام عصر (ع) می باشند که به طورکلی شاید بتوان این روایات را به دو دسته تقسیم کرد : الف : روایاتی که هدف ظهور آن حضرت را پرکردن جهان از عدل و داد یملأ الأرض قسطا وعدلا و امور مربوط به آن معرفی می کنندکه برخی 123 روایت و برخی دیگر 132 روایت از مراجع شیعه و سنی در این باره شمرده ا

ند .

ب : روایاتی که هدف ظهور آن حضرت را انتقام خون ابا عبدالله (ع) یا انتقام پیامبران و . . . شمرده و آن حضرت را الطالب بدم المقتول کربلا و امثال آن معرفی می نماید . امام صادق (ع) در ذیل حدیثی طولانی در وصف یاران آن حضرت آورده است : و شعار آنان این است ای خونخواهان حسین (ع) یالثارات الحسین (ع) .

اکنون این سؤال مطرح است که هدف قیام آن عصاره هستی و یگانه عصر ، کدام امر است؟ یکی از این دو ، یا هر دو؟

مدعا این است که آن یگانه عصر در هدف هم یگانه است؟ هدف او یک چیز بیشتر نیست ، آن هم انتقام خون امام حسین (ع) که خود عین برقراری قسط و عدل جهانی است برقراری قسط و عدل جهانی ، همان انتقام خون حسین (ع) است و بالعکس .

آن چه در روایات درباره انتقام امام عصر (ع) از قاتلین ابا عبدالله (ع) آمده است مراد از انتقام ، کشتن جانیان کربلا نیست آنها را مختار ثقفی و امثال اوکشتند و از آنها چیزی امروز باقی نمانده است تاکشته شوند . همانا انتقام او واژگونی مخروط امارت جور است که تا عصر ظهور به شکل عظیمی تنومند شده و عالم راگرفته است ونشانه آن هم پر شدن دنیا از ظلم و جور و فساد وتباهی است که از نشانه های حتمی ظهور آن حضرت است .

از این رو خصوصیت اصلی دولت کریمه امام عصر (

ع) تعزبها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله است . یعنی با قرارگرفتن امام عادل در رأس مخروط امامت جهانی عدل جامع زیر مجموعه های این امام همام هم ، عادل خواهند بود و آن ها اهل واقعی اسلام اند و با این مخروط امامت است که با جریان عدل اخلاقی در پیکره آن و درک صحیح قانون الهی عدل جامع قرآن و عمل به آن ، کار دنیا به سوی عدل و قسط ره خواهد پیمود و این نقطه جمع انتقام خون حسین (ع) و اقامه قسط و عدل توسط امام عصر (ع) می باشد . (1)

ا . نشریه موعود شمار 190 ص65

ایام الله

درآیه پنجم سوره مبارکه ابراهیم آمده است : ، . . . وذکرهم بایامِ الله از امام محمد باقر (ع) روایت است که ایام الله سه روز است : روز قیام قائم (ع) ، روز رجعت و روز قیامت . (1) این حدیث به همین تعبیر از امام صادق (ع) نیز روایت شده است . (2) ودر تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز آمده که " ایام الله " سه روز است : روز قیام قائم (ع) ، روز مرگ و روز رستاخیز (3)

1 . ینابیع الموده ج 3ص 242

2 . المحجه ص 225

3 . خصال صدوق ص 108 تفسیرصافی ج 4ص

حارث بن حارث

از قیام کنندگان پیش از قیام حضرت مهدی (ع) است رسول اکرم (ص) فرمود : مردی از ماوراء النهر قیام خواهد کرد که به او " حارث بن حارث " گفته می شود . فرمانده سپاه او مردی است که به وی منصورگویند . او حکومت را برای آل محم (ع) آماده می کند ، هم چنان که قریش برای رسول خدا (ص) زمینه حکومت را فراهم کرد بر هر فرد مسلمان مؤمن واجب است وی را یاری دهد . (1)

1 . عقد الدرر ص 130 ، به نقل از فرهنگ موعود حسین کریمشاهی ص 77 .

سیف

به معنای شمشیر است و بر اساس روایات ، قیام حضرت با شمشیر است . امام سجاد (ع) در حدیثی فرمود : در قائم ما نشانه هایی از هفت پیامبر وجود دارد . . . واما نشانه اش از حضرت محمد (ص) خروج او با شمشیر است . (1) امام صادق (ع) نیز فرمود : . . . فاذا کان وقت خروجه یکون له سیف مغمود ناداه السیف قم یا ولی الله فاقتل اعداء الله (2)

چون زمان ظهور او فرا رسد ، شمشیرش که در غلاف است او را صدا می زند : ای ولیَ خدابرخیز ودشمنان خدا را طعمه شمشیرکن . .

امام باقر (ع) می فرماید : لیس شانه الا السیف (3)

او فقط شمشیر را می شناسد . ونیز امام صادق (ع) می فرماید : یکفون

سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل (4)

یاران قائم شمشیرهای خویش را بر زمین نمی نهند تا این که خداوند راضی شود . در دعای عهد نیز از خداوند می خواهیم ما را از یاران حضرتش قرار دهد واگر پیش از زمان او مردیم ، ما را از قبر بیرون آورد در حالی که شمشیر را از غلاف بیرون آورده ایم : واجعلنی من انصاره فاخرجنی من قبری مؤتزرا کفنی ، شاهرأ سیفی (5)

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که : یاران حضرت مهدی (ع) شمشیرهایی دارندکه بر هر شمشیری ، کلمه ای و از هرکلمه ، هزارکلمه مفتوح می شود (6) در پاره ای روایات ، از حضرت به صاحب السیف تعبیر شده است . (7)

ا . کمال الدین ج 1 ص 438 بحارالانوار ج 1 5 ، ص 17 2 .

2 . بحار الانوار ج 52ص 304 .

3 . غیبه نعمانی ص233 کمال الدین ج ا ، ص331 .

4 . بحار ا لانوار ، ج 52 ص 27 .

5 . مفاتیح الجنان ، دعای عهد .

6 . نجم الثاقب باب سوم .

7 . اصول کافی ج 1 ص 536

اولین دادگاه پس از ظهور

بر طبق برخی روایات ، نخستین دادگاهی که در دولت حقه حضرت مهدی (ع) تشکیل می شود ، برای بررسی خون به ناحق ریخته شده محسن حضرت فاطمه (ع) است . (1)

1 . روزگار رهایی ، ج 2 ص 070 1 .

پرچم پیش از قیام

در پاره ای روایات آمده است که هر پرچمی پیش از قیام قائم برافراشته شود ، پرچمدار آن طاغوت است . (1)

برخی افراد از این روایات ، برای مشروع نبودن تشکیل حکومت در عصر غیبت کبری استفاده کرده اند . حتی برخی ، از روایت امام سجاد (ع) که می فرماید : به خدا سوگند ، هیچ یک از ما ، پیش از قیام خروج نمی کند ، مگر این که مثل او ، مانند جوجه ای است که پیش از محکم شدنِ بال هایش ، از آشیانه پروازکرده باشد . در نتیجه کودکان ، او را گرفته و با او به بازی می پردازند (2) ، نتیجه گرفته اندکه قیام برای تشکیل حکومت اسلامی ، نه تنها بی نتیجه است که گرفتاری وناراحتی اهل بیت (ع) را نیز پی دارد . در جای خود پاسخ داده شده است که این روایت اولا : اصل جواز قیام را رد نمی کند ، بلکه پیروزی را نفی می کند ، زیرا اگر نفی جوازکنند ، قیام امام حسین (ع) وقیام زید بن علی وحسین بن علی شهید فخ و . . . . را محکوم کرده اند ، با این که بدون تردید این قیام

ها مورد تأیید ائمه (ع) بوده است . ثانیا : عدم پیروزی قیام ، دلیل بر نفی تکلیف به قیام نیست .

مشروع بودن یا نبودن تشکیل حکومت در عصر غیبت ، همراه با موافقان ومخالفان وادله آن ها ، در جای خود بحث شده است .

1 . وسائل ا لشیعه ج 1 1 ، ص37 , مستدرک الوسائل ، ج 11ص 34 .

2 . وسائل الشیعه ج 11 ص 36 ,مستدرک الوسائل ج 11ص 37 .

روز قیام

روایات گوناگونی درباره روز قیام حضرت مهدی (ع) وجود دارد . در برخی از " نوروز " به عنوان روز آغاز قیام یاد شده است . برخی احادیث روز عاشورا " را روز قیام ذکرکرده وتعدادی از روایات روزشنبه و در تعدادی دیگر ، جمعه روز قیام تعیین شده است

در هر زمانی نوروز با عاشورا اشکالی به نظر نمی رسد ویکی شدن این دو روز ممکن است

و هر زمانی این در روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است . امَا آن چه مشکل است ذکر دو روز هفته جمعه وشنبه به عنوان روز قیام است . اگر سند این روایات صحیح باشد ، در این صورت احادیثی که جمعه را روز ظهور حضرت تعیین کرده است ، بر روز قیام وظهور حمل می شود وروایاتی که شنبه را روز قیام می داند بر استقرار وتثبیت نظام الهی و نابودی مخالفان تفسیر می شود . اما روایاتی که شنبه را روز قیام می داند از نظر سند مورد تأمل است . (1)

1 . چشم اندازی به حکومت

مهدی (عج) نجم الدین طبسی ص 63 .

شعار پرچم قیام

هر حکومتی دارای پرچمی است که به وسیله آن شناخته می شود و قیام ها وانقلاب ها نیز از پرچم مخصوصی برخوردارند که آرمان تا حدودی نمایانگر اهداف رهبرانش می باشد . انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) نیز پرچم مخصوصی دارد و برآن شعاری نقش بسته است . هر چند درباره شعارپرچم آن حضرت اختلاف است ، ولی نکته ای در همه اقوال مشترک است وآن این که مردم را به فرمانبری از حضرتش دعوت می کند . در روایتی آمده است : بر روی پرچم حضرت مهدی (ع) نوشته شده است : گوش شنوا داشته باشید واز حضرتش اطاعت کنید . (1) در جای دیگری می خوانیم : شعار پرچم مهدی (ع) ، البیعه لله بیعت مخصوص خدا است می باشد (2)

1 . بحار والانوار ج 52 ، ص 305 اثبات الهداه ج3ص 582

2 . فتن ابن حماد ص 98 الشیعه والرجعه ، ج 1 ص 210 .

نشانه های ظهور

نشانه ها در طبیعت

گرسنگی

از نشانه های پیش از ظهور حضرت ، گرسنگی ذکر شده است .

محمد بن مسلم می گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود : " پیش از ظهور حضرت قائم (ع) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه هایی است " گفتم : خدا مرا فدای توگرداند ، آن نشانه ها کدام است؟ فرمود : آن ها همان گفته خداوند است که فرمود : و لبنونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرین (1) وشما مؤمنان را به چیزی از ترس وگرسنگی

وکمی دارایی ها وجان ها ومیوه ها می آزماییم ، پس صابران را مژده ده . آنگاه فرمود : " خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آزماید ومراد ازگرسنگی ، گرانی قیمت هاست

1 . سوره بقره 155 .

ابرسخت

به ابرهایی گویند که در آن رعد وبرق و آذرخش وصاعقه باشد . امام باقر (ع) فرمود : ابر سخت ، برای حضرت صاحب (ع) ذخیره شده است . هرگاه ابری چنین بود ، صاحب شما بر آن سوار است . بی شک او سوار بر ابر می شود وبا آن به سوی آسمان بالا می رود و آسمان ها و زمین های هفتگانه را می پیماید . (1)

امام صادق (ع) فرمود : خداوند ذوالقرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر کرد . او ابر رام را برگزید . و اگر ابر سخت را بر می گزید ، اجازه استفاده از آن را نداشت ، زیرا خداوند ، ابر سخت را برای حضرت قائم (ع) ذخیره کرده است . (2)

1 . بحار الانوار ج 2 5 ص 1 32 بصائرالدرجات ص 409 اختصاص مفید ص 99 1 .

2 . بحار الانوار ج 52 ص 2 31 اختصاص مفید ص 326 غایه المرام ص 77 .

باران های فراوان

از نشانه های ظهور ذکر شده است . در سال ظهور ، باران های پیاپی زمین را آباد و سبز می کند ووضع مردم بهتر می شود . امامان (ع) در تبیین نشانه های ظهور و خبر دادن از رخدادهای آن روزگار ، از این واقعه نیز یاد کرد ه اند . امام صادق (ع) می فرماید : در آستانه قیام مهدی (ع) سالی پرباران خواهد بود که در اثر آن ، خرما بر

روی نخل می پوسد . پس در این تردیدی به خود راه ندهید " . (1) و نیز می فرماید : و چون هنگام ظهور مهدی (ع) نزدیک شود ، در تمام ماه جمادی الاخر و ده روز نخست ماه رجب ، بارانی بر مردم ببارد که تا آن هنگام ، مانند آن را ندیده باشند . . . . (2) این نشانه را بزرگانی مانند شیخ مفید ، شیخ طوسی و طبرسی در ردیف نشانه های ظهور آورده اند ، ولی باید توجه داشت که روایت طبرسی و مفید مرسله است وروایت شیخ طوسی نیز ضعیف است . (3)

و اما درباره عصر ظهور حضرت مهدی (ع) آورده اند که : خداوند ، برای مهدی (ع) برکت را از آسمان فرو می فرستد . (4) آسمان ، بارانی می بارد که زمین ، محصول خود را آشکار می سازد ومردم در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار می شوند که هرگز مانند آن را ندیده اند . (5) در دولت او ، آب ها فراوان می شود و رودخانه ها بالا می آید ، (6) چشمه ها می جوشد ، و زمین چند برابر محصول می دهد . (7)

ا . غیبه طوس ص 449

2 . اعلام الوری ص 290 و 432 بحار الانوار ج 52 ص 337 .

3 . برترین های فرهگ مهدویت در مطبوعات ص 250 .

4 . ملاحم ابن طاووس ص 1 7 و 141 عقد الدرر ص

. 1 69

5 . بحارالانوار ج 52 ص 345 اثبات الهداه ج 3 ص 524 احقاق الحق ج 9
1 ص 655 .

6 . عقد الدرر ص 84

07 بحارالانوار ج 52 ص 304 اختصاص مفید ص 208 .

صورتی در خورشید

از نشانه های آخرالزمان ، ظاهر شدن صورتی در قرص خورشید ذکر شده است . مردم سیمای مردی را در قرص خورشید خواهند دیدکه نام و نشان او را خواهند شناخت . این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی و خود سفیانی هلاک خواهند شد . (1) صاحب کتاب روزگار رهایی می نویسد : منظور از سیمای مردی که در قرص خورشید ظاهر خواهد شد ، سیمای حضرت مسیح (ع) است که در خورشید ظاهر می شود و از آسمان فرود می آید و با حسب و نسبش شناخته می شود و دیگرکسی در حق او دچار تردید ، (2) نمی شود . در حدیث دیگری آمده است : صورت و سینه ای در قرص خورشید برای مردمان ظا هر می شود . (3)

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است : سه بانگ آسمانی در ماه رجب شنیده می شد : 1 . آگاه باشیدکه لعنت خدا بر ستمگران باد ، 2 . ای گروه مؤمنان رستاخیز نزدیک است ، 3 . بدن انسانی به وضوح در قرص خورشید دیده می شودکه با صدای رسا بانگ بر می آورد : هان ای مردم خداوند فلانی ، پسر فلانی . . . . سلسله نسب حضرت

قائم (ع) را تا حضرت علی (ع) می رساند را برانگیخت . (4)

1 . ارشاد مفید ص 338 بحار الا نوار ج52 ص 220 اعلام الوری ص 428

2 . روزگار رهایی ج2 ص 845

3 . همان ص 846 .

4 . غیبه طوسی ص 268 بحار الانوار ج 52 ص 289 منتخب الاثر ص 422 .

ملخ سرخ

از نشانه های پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) ظاهر شدن ملخ هایی سرخ فام در فصل خود و در خارج از فصل خود است که بر زراعت و غلات هجوم می برند و موجب کمی محصول می گردند (1) در روایتی آمده است : یمن با هجوم ملخ و ستم زمامداران خراب می شود . (2) و در روایت دیگری خرابی چین ، از ملخ ذکر شده است .

1 . غیبه نعمانی ص 148 الزام اناصب ص 185

2 . بشاره الاسلام ص 43

سرخی آسمان

پدیدار شدن سرخی در آسمان وگسترش آن در آفاق آسمان ، از نشانه های ظهور مهدی (ع) یاد شده است . (1) این رخداد ممکن است انعکاس پرتو خورشید در افق یا فضا باشد و این از آثار و نشانه های خشم خدا بر زمینیان است که نظیر آن در عاشورا پس از شهادت امام حسین (ع) پدیدار شده است . ابوالعلاء در این مورد می گوید : بر افق آسمان دو شاهد از خون مقدس علی (ع) و فرزندش موجود است (2) در روایتی آمده است : قائم قیام نمی کند ، جز هنگامی که چشم دنیا در آورده شود وسرخی آسمان پدید آیدکه آن ها اشک های خونبار حاملان عرش است که برای مردم زمین از چشم آسمان می بارد (3)

1 . ارشاد مفید ص 356 بحار الانوار ج 2 5 ص 220 .

ص 495 .

3 . غیبه نعمانی ص 74 بحارالانوار ج 52 ص 226 الزام الناصب ص 179 .

صورتی در ماه

در روایت است : سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود نشانه ای پیش از آن در ماه رجب دیده می شود . گفته شد : آن نشانه چیست فرمود : سیمایی در قرص ماه دیده می شود ، دست وکف دست روشنی در فضا ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند و ندایی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین آن را می شنوند . (1)

1 . غیبه نعمانی ص 33 1 بحارا لانوار ج 52 ص 233 ارشاد مفید ص 337 .

مکانها

ارمینیه

ارمینیه در آسیای صغیر و محدود به کوه های آرارات ، قفقاز ، ایران ، ترکیه و رود فرات می باشد وروزگاری حکومتی مستقل داشت وپس از انقراض امپراتوری بیزانس ، این سرزمین بین ایران ، روس و عثمانی ها تقسیم شد

امیر المومنین (ع) درباره گشودن ارمینیه به دست حضرت مهدی (ع) می فرماید : . . . حضرت مهدی (ع) به حرکت خود ادامه می دهد تا به ارمینیه می رسد . چون مردم آن سرزمین او را می بینند ، یکی از راهبان دانشمند را برای مذاکره ، خدمت حضرت می فرستند . راهب به امام می گوید : آیا مهدی تو هستی؟ حضرت می فرماید : آری ، منم آنکه نامم در انجیل آمده است و بشارت داده شده که در آخر الزمان ظهور می کنم . او پرسش هایی را مطرح می کند و امام پاسخ می دهد . راهب مسیحی ، اسلام می آورد ، ولی ساکنان

ارمینیه ، تمرد می کنند . پس از آن ، سپاهیان حضرت وارد شهر می شوند وپانصد هزار نفر از نیروهای مسیحی را نابود می سازند . . . پادشاه ارمینیه از ترس می کریزد وبه اطرافیانش نیز دستور می دهد به پناهگاهی بروند . در بین راه ، شیری راه را بر آنان می بندد و آنان هراسان ، سلاح ها واموالی را که به همراه دارند ، می اندازند . . . (1)

1 . الشیعه والرجعه ج 1 ص 162 به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی عج طبسی ص 126

اوضاع اجتماعی

فقیهان

عالمان و فقیهان ، حافظان دین خدا در روی زمین اند و راهنمایی و ارشاد مردم در دست آنان است . آنان با تحمل زحمات ، مسائل دینی را از منابع شرعی استخراج کرده ، در دسترس مردم قرار می دهند ، ولی در آخر الزمان وضع دگرگون می شود و عالمان روزگار بدترین عالمان خواهند بود رسول خدا (ص) دراین باره می فرمایند : فقیهان آن روزگار ، بدترین فقیهانی اند که در زیر آسمان به سر می برند . فتنه و آشوب ، از آنان آغاز می شود و به آنان نیز باز می گردد . (1)

ا . بحارالانوار ج 52 ، ص 190 ثواب الاعمال ص 1 30 .

کسادی

از ویژگی های پیش از ظهور ذکر شده است . در حدیثی امام صادق (ع) پس از قرائت آیه155 أم سوره مبارکه بقره و نبلونکم بشی ء من الخوف والجوع . . . فرمود : خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آزماید و مراد ازگرسنگی ، گرانی قیمت هاست و منظور ازکمی دارایی ها ، کسادی تجارت وکمبود درآمد است . (1)

1 . کمال الدین ج 2 650 غیبه نعمانی ص 250 .

مفاسد آخرالزمان

مفاسدی که در آستانه انقلاب حضرت مهدی (ع) فراگیر می شود ، بسیار است . امام صادق (ع) در روایتی ، نوع مفاسدی که در آخر الزمان رایج می شود و بعضی از آن ها جنبه اجتماعی وسیاسی ، و بعضی جنبه اخلاقی دارد را پیش بینی کرده است . حضرت می فرماید :

1 . آنگاه که دیدی حق مرده و اهل حق از میان رفتند .

2 . ستم همه جا را فراگرفته است .

3 . قرآن فرسوده شده ، و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده است .

4 . دین بی محتوا شده ، همانند ظرفی که آن را واژگون می سازند .

5 . اهل باطل بر اهل حق بزرگی می جویند .

6 . و دیدی که شر آشکار است و از آن نهی نمی شود ، و هرکه کار زشت انجام دهد ، معذورش می دارند .

7 . فسق آشکارگردیده و مردان به مردان وزنان به زنان اکتفاء

می کنند .

8 . شخص مؤمن ، سکوت اختیارکرده و سخنش را نمی پذیرند .

9 . شخص فاسق دروغ می گوید ، وکسی دروغ و افترایش را بر او باز نمی گرداند .

10 . بچه کوچک ، مرد بزرگ را خوار می شمارد .

11 . پیوند خویشاوندی بریده می شود .

12 . هرکه را به کار بد بستایند ، خوشحال می گردد .

13 . پسر بچه همان می کندکه زن می کند .

14 . زنان با زنان تزویج می نمایند .

15 . مداحی و چاپلوسی فراوان شده است .

16 . مرد ، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می کند وکسی از او جلوگیری نکند .

17 . چون شخص مؤمنی را ببیند ازکوشش و تلاش او به خدا پناه برد .

18 . همسایه ، همسایه خود را اذیت می کند و مانعی برای او در این کار نباشد .

19 . کافر خوشحال است ، از آن چه در مؤمن می بیند و شاد است از این که در روی زمین فساد وتباهی بیند .

20 . آشکارا شراب بنوشند ، و برای نوشیدنش گرد هم آیند ، کسانی که از خدای عزوجل نمی ترسند .

21 . امر به معروف کننده خوار است .

22 . فاسق در آن چه خدا دوست ندارد ، نیرومند و ستوده است .

23 . اهل قرآن و هرکه آنان را دوست دارد ، خوار است .

24 . راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرارگرفته است .

25 . خانه

کعبه تعطیل شده و دستور به ترک آن داده می شود .

26 . مرد به زبان می گوید ، آن چه راکه عمل به آن نمی کند .

27 . مردان خود را برای استفاده مردان فربه می کنند و زنان برای زنان .

28 . زندگی مرد از پس او اداره می گردد و زندگی زن از فرج او .

29 . زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند .

30 . در میان فرزندان عباس کارهای زنانگی آشکارگشته و خود را مانند زنان زینت می کنند ، همان طورکه زن برای جلب نظر شوهرش خود را آرایش می کند .

31 . به مردها پول می دهندکه با آن ها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند .

32 . شخص متمول از شخص با ایمان عزیزتراست .

33 . رباخواری آشکار است و رباخوار مورد ملامت قرار نمی گیرد .

34 . زنها به عمل زنا افتخار می کنند .

35 . زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می کند .

36 . بیشتر مردم و بهترین خانه ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می کنند .

37 . مؤمن به خاطر ایمانش غمناک و پست و خوار می گردد .

38 . بدعت و زنا آشکار می گردد .

39 . مردم به شهادت ناحق اعتماد می کنند .

40 . دستورات دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر می گردد .

41 . حلال تحریم شود و حرام مجاز .

42 . مردم چنان در ارتکاب گناه جری شده اندکه منتظر رسیدن شب

نیستند .

43 . مؤمن نمی تواند کار بد را نکوهش کند ، جز با قلب .

44 . مال کلان در راه غضب الهی خرج می شود .

45 . زمامداران به کافران نزدیک می شوند و از نیکان دوری می گزینند .

46 . والیان در داوری رشوه می گیرند .

47 . پست های حساس دولتی به مزایده گذارده می شود .

48 . مردم با محارم خود نزدیکی می کنند .

49 . به تهمت و سوء ظن مرد به قتل می رسد .

50 . مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می کند و خود و اموالش را در اختیار او می گذارد .

51 . مرد به خاطر آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار می گیرد که چرا با مردان آمیزش نمی کند .

52 . مرد ازکسب زنش از هرزگی نان می خورد و آن را می داند و به آن تن می دهد .

53 . زن بر مرد خود مسلط می شود ، وکاری راکه مرد نمی خواهد انجام می دهد ، و به شوهر خود خرجی می دهد .

54 . مرد ، زن وکنیزش را برای زنا کرایه می دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می دهد .

55 . سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می گردد .

56 . قمار آشکار می گردد .

57 . شراب را بدون مانع علناً می فروشند .

58 . زنان مسلمان خود را در اختیارکافران می گذارند .

59 . لهو و لعب آشکار می گردد وکسی که ازکنار آن عبور

می کند از آن جلوگیری نمی کند و کسی جرأت جلوگیری را ندارد .

60 . مردم شریف را خوار می کند ، کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند .

61 . نزدیک ترین مردم به فرمانروایان کسی است که به دشنامگویی ما خانواده ستایش شود .

62 . هرکس ما را دوست دارد ، دروغگویش می دانند و شهادت او را نمی پذیرند .

63 . برگفتن حرف زور و ناحق مردم با همدیگر رقابت می کنند .

64 . شنیدن قرآن بر مردم سنگین وگران می آید ودر عوض ، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است .

65 . همسایه ، همسایه راگرامی می دارد از ترس زبانش .

66 . حدود خدا تعطیل شده و در آن طبق دلخواه خود عمل می کنند .

67 . مساجد طلاکاری می شود .

68 . راستگوترین مردم پیش آن ها ، مفتریان دروغگو می باشند .

69 . شر و سخن چینی آشکار می گردد .

70 . ستمکاری شیوع یافته .

71 . غیبت را سخن نمکین می شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می دهند .

72 . برای غیر خدا به حج و جهاد می روند .

73 . سلطان به خاطرکافر ، مؤمن را خوار می کند .

74 . خرابی و ویرانی بیش از عمرانی و آبادی است .

75 . زندگی مرد ازکم فروشی اداره می شود .

76 . خونریزی را آسان می شمارند .

77 . مرد برای غرض دنیایی ریاست می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می سازد

تا از او بترسند وکارها را به او واگذارکنند .

78 . نماز را سبک می شمارند .

79 . مرد مال بسیار دارد ، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده زکات آن را نپرداخته است .

80 . قبر مرده ها را می شکافند و آن ها را می آزارند وکفن های شان را می فروشند .

81 . آشوب بسیار می شود .

82 . مرد روز خود را به نشئه شراب به شب می برد و شب را به مستی صبح می کند .

83 . با حیوانات عمل زشت انجام می دهند .

84 . حیوانات همدیگر را می درند .

85 . مرد به مصلی می رود ، ولی چون بر می گردد جامه در تن ندارد .

86 . دل مردم سخت و چشمان شان خشک شده ویاد خدا بر آنان سنگین می آید .

87 . کسب های حرام شیوع یافت و بر سر آن رقابت می کنند .

88 . نماز خوان برای ریا و خود نمابی نماز می خواند .

89 . فقیه برای غیر دین فقه می آموزد و دنیا و ریاست طلب می کند .

90 . مردم دورکسی را گرفته اند که قدرت دارد .

91 . هرکس روزی حلال می جوید ، مورد سرزنش قرار می گیرد و جوینده حرام ، مورد ستایش وتعظیم است .

92 . در مکه و مدینه کارهایی می کنندکه خداوند دوست ندارد وکسی هم نیست که مانع شود و هیچ کسی آن ها را از این اعمال زشت باز نمی دارد

.

. 93

آلات لهوو لعب حتی در مکه و مدینه آشکار می گردد .

94 . مرد سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند دیگران او را نصیحت می کنند و می گویند : این کار برتو لازم نیست .

95 . مردم به همدیگر نگاه می کنند و به مردم بدکار اقتداء می نمایند .

96 . راه خیر به کلی خالی است وکسی از آن راه نمی رود .

97 . مرده را به مسخره می گیرند وکسی برای مرگ او غمگین نمی شود .

98 . هر سال بدعت و شرارت بیشتر می شود .

99 . مردم و انجمن هاپیروی نمی کنند مگر از توانگران .

100 . به فقیر چیزی می دهند ، در حالی که به او می خندند و برای غیر خدا به او ترحم می نمایند .

101 . نشانه های آسمانی پدید می آید ، ولی کسی از آن هراس ندارد .

102 . مردم در حضور جمع ، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می شوند و میچکس از ترس ، کار زشت را انکار نمی کند .

103 . مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می کند ، ولی در مورد اطاعت خدا ازکم هم دریغ می ورزد .

104 . آزار به پدر و مادر آشکار می گردد و مقام آن ها را سبک می شمارند و حال آن ها در پیش فرزند از همه بدتر باشد ، و از اینکه به آن ها افترا زده شود ، خوشحال می شوند .

105 . زنها بر حکومت غالب

گشته و پست های حساس را قبضه می کنند ، وکاری پیش نمی رود ، جز آن چه طبق دلخواه آنان باشد .

106 . پسر به پدر خود افتراء می زند و به پدر و مادر خود نفرین می کند و از مرگشان خوشحال می شود .

107 . اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روزگناهی بزرگ مرتکب نشده باشد ، مانند هرزگی یاکم فروشی یا انجام کار حرام یا میخوارگی ، آن روز غمگین است و خیال می کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بی خود تلف شده است .

108 . سلطان مواد غذایی را احتکار می کند .

109 . حق خویشاوندان پیامبر خمس به ناحق تقسیم می شود و بدان قمار بازی می کنند و میخوارگی می نمایند .

110 . با شراب مداوا می کنند و بدان بهبودی می جویند .

111 . مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی عقیدگی یکسان می شوند .

112 . منافقان و اهل نفاق سر و صدایی دارند و اهل حق بی سر و صدا و خاموشند .

113 . برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می گیرند .

114 . مسجدها پر است ازکسانی که ترس از خدا ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می آیند و در مساجد ، از شراب مست کننده توصیف می کنند .

115 . شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیشنمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرند و چون مست

گردد ، گرامیش می دارند .

116 . هرکه مال یتیمان را بخورد ، شایستگی او را می ستایند .

117 . قضات به خلاف دستور خدا داوری می کنند .

118 . زمامداران از روی طمع خیانتکاران را امین خود می سازند .

119 . میراث یتیمان را فرمانروایان به دست افراد بدکار و بی باک نسبت به خدا داده اند ، از آن ها حق و حساب می گیرند و جلوی آن ها را رها می سازند تا هر چه می خواهند انجام دهند .

120 . بر فراز منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور می دهند ، ولی خود گوینده به آن دستور عمل نمی کند .

121 . وقت نمازها را سبک می شمارند .

122 . صدقه به وساطت دیگران به اهل آن می دهند و به خاطر رضای خدا نمی دهند ، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آن ها می پردازند .

123 . تمام هَم و غم مردم شکم و عورت شان است . باکی ندارندکه چه بخورند و با چه آمیزش کنند .

124 . دنیا به آن ها روی آورده است .

125 . نشانه های حق مندرس گشته است .

امام صادق (ع) پس از پیش بینی این حوادث خطاب به راوی فرمود : در چنین موقعی مواظب خود باش . نجات خود را از خداوند بخواه فرج نزدیک است و بدان که مردم با این نافرمانی ها مستحق عذابند . اگر عذاب بر آن ها فرود آمد و تو در میان آن ها بودی ، باید به سوی رحمت حق

بشتابی تا ازکیفری که آن ها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می بینند ، بیرون بیایی . بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند و اِن رحمه الله قریب من المحسنین . (1)

ا . روضه کافی حدیث 7 ، ص 36 و 42 بحارالانوار ج 52 ص 254-260

آتش و دود

در نشانه های آخر الزمان آمده است : آَتش و دودی در خاور زمین برمی خیزد که تا چهل شب مشتعل می شود (1) قیامت برپا نمی شود تا در یکی از وادی های حجاز ، آَتش روان گردد .

(2) رسَیَلان و روان در مورد آَتش محل تأمل است زیرا آَتش هنگامی می تواند روان گردد که جسم شعله ور ، یک جسم سیال و مایع باشد و آَن چیزی جز نفت نیست برخی از این آَتش ، تعبیر به منفجر شدن چاه های نفت کرده اند .

امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید : پیش از قیام قائم (ع) مردم با یک سلسله از نشانه های آسمانی بیم داده می شوند : آتشی که در آسمان پدید آید . . .

(3) در حدیث دیگری آَمده است : عمودی از آَتش در طرف مشرق درآَسمان پدید می آَید که همه مردم روی زمین آَن را می بینند . هرکس آَن زمان را درک کند ، برای خانواده اش مواد گذایی یک ساله را تامین کند (4)

ا . روزگار رهایی ج 2ص 833 .

2 . همان ص 834 .

3 . ارشاد مفید ، ص 340اعلام

الوری ، ص 429 الزام النا صب ، ص 184 .

4 . روزگار رهایی ج 2ص 839 .

امر به منکر

در احوال اهل آخرالزمان آمده است که : به جای امر به معروف ، امر به منکر و نهی از معروف می کنند . معروف را منکر خیال کرده ، منکر را معروف می پندارند . (1) کسی که امر به معروف کند ، خوار می شود وکسی که مرتکب گناه شود مورد ستایش قرار می گیرد . (2) مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکریکی شده اند و اعراض از دین فراگیر شده و بی تقوایی میان عالم و جاهل مشترک شده است . (3)

1 . منتضب الاثر ص 426 الزم الناصب ص 180 تحف العقول ، ص 41 .

2 . منتخب الاثرص 293 بحار الانوار ، ج 52ص 256 و 264 .

3 . بحارالا نوار ج 52 ، ص 259

تردید در حضرت

روایات مختلفی درباره تردید کنندگان در وجود حضرت آمده است . امام صادق (ع) فرمود : او امامی است که در ولادتش شک و تردید می کنند . برخی می گویند : به دنیا نیامده ، برخی می گویند : دیده به جهان گشوده ، برخی می گویند : چند سال پیش از وفات پدرش ، چشم به جهان گشوده ، جز این که خدا می خواهد بندگان خود را بیازماید ، که گروه باطل در آن زمان به شک و تردید می گرایند . (1) امام حسن عسکری (ع) نیز فرمود : برای فرزندم غیبتی است که مردم در آن دچار شک و تردید می شوند ، به جزکسی که خدا او را

از لغزش و انحراف باز دارد . (2)

و امام صادق (ع) فرمود : هرگز در حق او تردید به خود راه ندهید ، از صفحه دل هرگونه شک و تردید را بزدایید . (3)

1 . اصول کافی ج ا ص 337 .

2 . بحار الانوار ج51 ص 60 1 اعلام الوری ص 415 منتخب الاثرص 227 .

3 . روزگار رهایی ج ا ص 0501

حج در آخر الزمان

در حدیث مفصلی از حضرت رسول اکرم (ص) درباره پیشگویی از اوضاع آخر الزمان نقل شده و مورد خطاب حضرت در آن جا ، جناب سلمان فارسی است ، آمده که : ای مسلمان در آن زمان ، توانگران امتم به هدف تفریح و خوش گذرانی ، و طبقه متوسط به منظور تجارت ، و فقرا برای خودنمایی حج می کنند . (1)

ا . بحارالانوار ج ص 305

دین فروشی

یکی از علائم آخر الزمان این است که مردم از دین خارج می شوند . روزی امام حسین (ع) نزد امیر مؤمنان (ع) آمد . گروهی درگرداگرد حضرت (ع) نشسته بودند 0 ایشان به آنان فرمود : حسین پیشوای شماست رسول خدا او را سید وسرور نامیده است . از نسل او مردی ظهور خواهدکردکه در اخلاق وچهره ، شبیه من است . او دنیا را پر از عدل وداد می کند ، چنان که پر از ستم و جور شده است . سؤال شد : این قیام در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود : افسوس هنگامی که از دین خارج شوید (1) همچنین پیامبرگرامی اسلامی درباره اهمیت دین داری در آخر الزمان فرموده است : . . . گروهی دین خود را به بهای ناچیز و متاع اندک می فروشند . کسی که در آن روز به دین خود چنگ زده وپای بند است ، همانندکسی است که گلوله ای از آتش را در دست گرفته یا بوته ای از خار را در دست می فشرد (2)

1 . ملاحم

ابن طاووس ص 144

2 . مسند احمد ج 2 ص 390

رشوه

مالی که شخص در مقابل عملی می گیردکه از وظایف او است ، یا برای ابطال حقی یا احقاق حقی آن را می گیرد .

رشوه از محرمات شرع اسلام است و در نکوهش آن ، آثار و اخبار بیش از حد و حصر آمده است . پیامبر (ص) فرموده است : خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه بین این دو را (1) . . پیامبر (ص) فرمود : در آخر الزمان ، معامله و داد و ستد با رشوه انجام می شود و دین را نادیده می گیرند و دنیا را ارج می نهند . (2) و در اخبار آخر الزمان آمده است : درآن زمان ربا شایع می شود وکارها با رشوه انجام می یابد (3) و رشوه را به نام هدیه حلال می پندارند (4) .

1 . بحارالانوار ، ج 2 ص62

2 . بحارالانوار ج 6 ص 305 .

3 . بشاره الا سلام ص 026

4 . روزگار رهایی ج 2 ص 707 .

زنان آخر الزمان

در روایات ، ویژگی های مختلفی برای زنان آخر الزمان ذکر شده است ، از جمله این که : زنانی هستندکه در نوع پوشش ، گرایش به پوشش های مردانه پیدا می کنند و این مسلما ناشی از یک حالت روانی است که اگر زنی بخواهد اطوار و حالت های مردانه داشته باشد ، یکی از تجلیاتش در نوع پوشش و لباسی است که استفاده می کند . به عبارت بهتر در آخر الزمان مرزهایی که جدا کننده

زن ومرد است عمدتاً برداشته شده ونوعی اختلاط فرهنگی ودیگر ابعاد از جمله در پوشش بین زن و مرد مشاهده می گردد .

خصوصیت دومی که برای این زنان ترسیم شده این است که این ها علاوه بر پوشش ظاهری ، در همه مسایل ودر همه حالت ها زنانی هستند که می خواهند ژست مردانه بگیرند لذا در روایت داریم که پیامبر اکرم (ص) فرمودند : لعن الله المترجلا من النساء خدا لعنت کند آن گروه زنانی راکه سعی می کنند ، حالت های مردانه به خود بگیرند .

مشخصه ای دیگری که برای زنان آخر الزمان ذکر شده این است که همانند مردان در بین آن ها نوعی خود مشغولی پیش می آید وعمدتاً یکی از آسیب های جدی زنان آخر الزمان این است که تلاش می کنندکه نظر زنان دیگر را به خودشان جلب کنند . در روایات داریم که یتسمن النساء للنساء یعنی زنان به جای اینکه برای شوهر مشروع خود آرایش کنند و آراستگی خاص برای او داشته باشند ، همت شان این است که هم جنسان خود را به سمت خویش جذب وجلب کنند . مطلب بعدی این است که نوعِ فریبایی خاصی در این طایفه و حالت های آن ها دیده خواهد شد به قدری که قبله مردان می شوند . اینکه قبله شدن زنان به چه معنا است ، شاید معانی گوناگونی داشته باشد . یکی از احتمالات این است که قبله شدن زن برای مرد به این معنا است که مرد در برابر زن کرنش و محل فروتنی وتواضع مرد قرارگیرد . یا اینکه شاید

به این معنا باشد که تمام همت مردان ، زنان می شود . به عبارت دیگر در اسلام داریم که سعی کنید اعمال تان را رو به قبله انجام دهید ، ممکن است در آخر الزمان برای مردان چنین اتفاق افتاده وتمام همت شان ، زنان و رسیدن به تمنیات و خواسته های زنانشان باشد .

در روایت دیگری آمده است که گاهی زنان به مسایل سوء ، گرفتار می شوند و شرایط طوری می شود که اگر مردی بخواهد حفاظت وغیرتمندی برای حفظ ناموس خودش بروز بدهد ،

مورد سرزنش قرار می گیرد . معمولاً مردها دعوت به گسیختگی ، بی غیرتی و بی حفاظتی در مورد ناموس خودشان می شوند و از آن ها می خواهند در این جهت حساسیت های خودشان را تماماً از دست بدهند . (1)

ا . نشریه موعود شماره 32 ص15

قطعی رحم

به معنای بریدن پیوند خویشاوندی است . این امر در روایات ، بسیار مورد نکوهش قرار گرفته و مذمت شده است .

در روایتی آمده است که حضرت مهدی (ع) پس از ظهور ، خطاب به مردم می گوید : بیایید به سوی آن چه که برای آن قطع رحم کردید ، خون ها ریختید و مرتکب گناه شدید . آن گاه آن چنان عطایای کلان به آن ها می دهدکه هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است (1) . پیامبر (ص) قطع رحم را از نشانه های اهل آخر الزمان معرفی می کند ومی فرماید : . . . هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند ،

ثروت ها دردست اشرار قرار می گیرد (2)

ا . منتخب الأثرص 430 .

2 . تحف العقول ص 43

معنوییت پیش از ظهور

سست شدن بنیان خانواده ، خویشاوندی ، دوستی و سردی عواطف انسانی و بی مهری از ویژگی های بارز آخرالزمان است . رسول گرامی اسلام (ص) وضعیت آن روزگار را از نظر عاطفی چنین بیان می دارد : در آن روزگار ، بزرگتران به زیردستان وکوچکتران رحم نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید . در آن هنگام خداوند به او اذن قیام می دهد . (1) نیز آن حضرت می فرمایند : قیامت برپا نمی شود تا آن که زمانی فرا رسدکه مردی از شدت فقر به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آن آنرا به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به اوکمک کنند ، ولی چیزی به او نمی دهند . همسایه از همسایه خودکمک می طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می دهد ، ولی همسایه کمکش نمی کند . (2)

در آن روزگار فساد و بی بند و باری اخلاقی به طورگسترده ای گسترش می یابد . محمد بن مسلم می گوید : به امام باقر (ع) عرض کردم : ای فرزند رسول خدا قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود : هنگامی که مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند . آنگاه که مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان . (3)

1 . بحارالانوارج 52 ص 380 .

2 . امالی ج 2 ،

ص 271

3 . کمال الدین ج 1 ص 1 33 .

فراگیر شدن ظلم

فراگیر شدن ظلم و ستم ، از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی (ع) به شمار آمده است .

این نشانه در روایات بسیاری به چشم می خورد . در روایتی آمده است : خداوند به وسیله ظهور مهدی (ع) زمین را پراز عدل و داد می سازد ، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد (1)

یااز حضرت مهدی (ع) نقل شده : " نشانه آشکارشدن من ، زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب هاست . (2) گاهی نیز زیاد شدن گناهان و مفاسد اخلاقی و اجتماعی در میان مسلمانان ، به عنوان نشانه های نزدیک شدن ظهور پیش گویی شده است . علامه مجلسی ره در باب نشانه های ظهور ، روایتی رااز امام صادق (ع) آورده که در آن بیشاز یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی ، اجتماعی ، اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت ، دامن گیر جوامع اسلامی می شود ، پیش گویی شده است از جمله : رشوه خواری ، قمار بازی ، شراب خواری ، زیادشدن زنا ، لواط ، قطح صله رحم ، سنگ دل شدن مردمان ، اهتمام مردم تنها به شهوت و شکم ، از میان رفتن شرم ، نپرداختن زکات و خمس ، کم فروشی ، بی اعتنایی به اوقات نماز ، آراستن مساجد به زیورآلات ، گزاردن حج به انگیزه های مادی و برای غیر خدا ، رعایت نکردن احترام

بزرگترها ، پیروی از ثروتمندان ، صرف کردن سرمایه های عظیم در فساد و ابتذال و بی دینی ، چاپلوسی و تملق گوی ، نا امنی راه ها ، به اسارت رفتن مسلمانان ، افزایش مرگهای ناگهانی ، نداشتن دادرس و پناه ، نا امیدی جهانیان از نجات و 000 زیاد شدن این فسادها و آلودگی ها در میان مردم ، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است .

فراگیر شدن یعنی به گونه ای که بدی ها بر خوبی ها و ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه می یابد و شعله آتش فتنه ، دامن همه را می گیرد و جامعه انسانی در باتلاق فساد فرو می رود 0 البته گسترش حاکمیت استکبار در روی زمین و در استضعاف و محرومیت قرارگرفتن پیروان حق ، که براساسپیشگویی امامان (ع) در آستانه ظهورپیش خواهد آمد ، نمود دیگری از بی عدالتی و زیاد شدن ظلم و جور است . شهید مرتضی مطهری ره روایتی رااز شیخ صدوق ره می آورد مبنی بر اینکه منظوراز فراگیر شدن ظلم ، آن است که هر یک از شقی و سعید ، گروه حق و باطل ، به نهایت کار خود می رسند . ستمکاران و بدکاران ، به نهایت درجه بدی و نابکاری می رسند و لهیب آتش آنان همه را فرامی گیرد . در این هنگام که صالحان در مظلومیت و استضعاف به سر می برند و همه راه های چاره بر آنان بسته می شود ، مهدی (ع) ظهور می کند و دنیا را پراز عدل

و داد می نماید (3)

1 . بحا رالانوار ج51 ، ص 320 .

2 . بحار الانوار ج 052 ص256 .

3 . قیام وانقلاب مهدی ، ص 66 0

انکار حضرت

روایات فراوانی دلالت می کند بر آن که قبل از ظهور حضرت ، بیشتر مردم مسلمان از دین حق بر می گردند بیشتر قائلین به حضرت و معتقدین به امامت و عصمت آن بزرگوار ، اعتقاد خود را از دست داده و وجود آن حضرت را انکار می کنند . امام جواد (ع) فرمودند : . . . او دارای غیبتی است که روزهای زیاد و مدتی دراز به طول می انجامد . پس مخلصان در انتظار ظهورش به سر می برند و اهل تردید انکارش می کنند و منکران ، یاد او را به استهزاء می گیرند . (1)

امام صادق (ع) نیز فرمودند : و اما در غیبت عیسی (ع) به درستی که یهودیان و مسیحیان هم داستان شدند بر این که اوکشته شده ، ولی خداوند عزوجل آنان را تکذیب نمود و فرمود : و او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی مطلب یر آنان مشتبه شد . غیبت حضرت قائم (ع) نیز همین گونه است که سرانجام ، این امت آن را انکار می ورزند در اثر طولانی شدن آن ، بعضی از هدایت نیافتگان قائل می شوند که آن حضرت اصلا متولد نشده و برخی دیگر خواهندگفت که او متولد شد و از دنیا رفت وگروهی کافر می شوند ، به خاطر این که می گویند

یازدهمین نفر از ما ، بدون فرزند بوده وکسانی دیگر سرکش خواهند شد به خاطر این اعتقادکه امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند و بعضی هم خداوند عزوجل را عصیان و نافرمانی می کنند ، به اینکه می گویند روح امام قائم (ع) در پیکر شخص دیگری وارد شده و سخن می گوید . (2)

در بخشی از روایات نیز آمده که مردمانی ، حضرت را پس از ظهور انکار می کنند ، زیرا او به صورت جوان باز می گردد ، در حالی که آن ها او را پیر خیال می کردند . (3) و در روایتی آمده است که مردم می گویند : چگونه ممکن است این او باشد ، او باید قرن ها پیش ، استخوان هایش پوسیده باشد . (4)

در روایات ، ازکسی که حضرت مهدی (ع) راانکارکند ، به کافر تعبیر شده است . در حدیثی از امام کاظم (ع) آمده است هرکس یکی از امامان زنده را انکارکند ، امامان قبلی را نیز انکار نموده است ، (5) ونیز آمده است که : هرکس به همه امامان اعتراف کند ، ولی حضرت مهدی (ع) را انکارکند ، مانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف کند ، ولی حضرت محمد (ص) را انکار نماید . (6) امام حسن عسکری (ع) نیز فرمود : اطاعت آخر ما ، اطاعت اول ما ، وانکار آخر ما ، چون انکار اول ماست . (7)

با وجود این روایات ، انکار حضرت مهدی (ع) انکار همه امامان وتکذیب رسول اکرم (ص) است .

ا . کمال الدین ج 2ص 378 .

2 . بحارالانوار ج 51 ص 0 22 .

3 . ینابیع الموده ج 3 ، ص 67 ا منتخب الأثر ص 285 .

4 . بحار الانوار ، ج 1 5 ، ص 48 1 و 225 غیبه طوس ، ص 26 منتخب الأثرص 276

5 . منتخب الاثر ص149 الزام الناصب ص 59 ینابیع الموده ج 3 ص 108و 162

6 . غیبه النعمانی ص 63 اصول کافی ج 1ص 313

7 . بحار الانوار ج 51 ص 143 کشف الغمه ج 3 ص 313

ترس

پیش از ظهور حضرت ، ستمگران بر جهان فرمانروایی می کنند و بیم وترس غالبا از حکومت آنان سرچشمه می گیرد . رسول خدا (ص) می فرمایند : زمین از ستم وبیداد پر می شود ، تا جایی که در هر خانه ای ترس و جنگ وارد می گردد . (1) امام باقر (ع) نیز می فرمایند : حضرت قائم قیام نمی کند مگر در دورانی پر از بیم وهراس . (2)

واما امدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است وبا انجام کراماتی ، حضرت مشکلات را از سر راه برمی دارد ویا به وسیله رعب وترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند . در روایات ، ترس به عنوان یکی از سه لشکری که حضرت را یاری می رساند ذکر شده است .

امام صادق (ع) می فرمایند : خداوند ، حضرت قائم را با سه لشکر یاری می دهد ، فرشتگان ، مؤمنان و ترس . (3)

امام باقر (ع) نیز می فرمایند : ترس ورعب در پشاپیش حضرت مهدی (ع) به فاصله یک ماه وازپشت سر نیز به فاصله یک ماه واز سمت راست به فاصله یک ماه واز سمت چپ نیز به فاصله یک ماه در حرکت است . (4)

از این روایات استفاده می شودکه وقتی حضرت جایی را قصدکند ، دشمن پیشاپیش دچار ترس و وحشت شده ، توان رویارویی در برابر سپاهیان حضرت را از دست می دهد .

1 . کنز العمال ج14, ص 584

2 . امالی ج 2 ص 156 , بحار الانوار ج 52 ص 23

3 . بحار الانوار ج 52ص 356

4 . همان ص 361

ربا

در اخبار آخرالزمان آمده است : درآن زمان ربا شایع می شود . (1) زمانی پیش می آید که احدی یافت نمی شود جز این که به ربا آلوده می گردد ، اگر مستقیما هم ربا نخورد ، گرد ربا به او می رسد . (2) هیچ قومی نیست که ربا در میان آن ها شایع شود ، جز این که دچار غفلت و بی خبری می شوند . (3) درآن زمان ربا را به نام داد و ستد ، حلال می پندارند . (4)

1 . بشاره الا سلام ص 026

2 . نهج الفصاحه ج 2 ص 500

3 . نهج الفصاحه ج 2

ص 577 الزام الناصب ص 82 1

4 . روزگار رهایی ج 2 ص 707 .

زمامداران آخر الزمان

در وصف زمامداران آخرالزمان ، نکات قابل تأملی در روایات آمده است . رسول خدا (ص) می فرماید : دو صنف از امت من هستندکه اگر آن ها اصلاح شوند مردمان اصلاح می شوند ، و اگر آن ها فاسد باشند مردمان فاسد می شوند : آن ها دانشمندان وزمامداران هستند . (1)

عباراتی که در روایات درباره زمامداران آخرالزمان آمده ، چنین است : بلای سختی از ناحیه زمامداران بر امت من وارد می شود (2) زمامداران شما ، بدترین شما هستند (3) زمامداران شما ، ستم پیشه اند (4) زمامداران برای آزمندی خویش ، خائنان را برسرکار می آورند . (5)

در باب زمامداری در آخرالزمان نیز آمده که : زمامداریِ چند ساله از بین می رود و زمامداری چند ماهه و چند روزه معمول می گردد . (6)

1 . غیبه طوسی ص 277 .

2 . بحار الا نوار ج 52 ، ص 220 الزام الناصب ، ص 185 .

3 . کشف الغمه ج 3 ، ص273

4 . نهج الفصاحه ج 2 ص 393 تحف العقول ص 42 .

5 . بشاره الاسلام ص 28 و 31 .

6 . غیبه طوسی ، ص 271 بحار الانوارج 52 ، ص 210

عاق والدین

از جمله گرفتاری های مردم آخرالزمان ، عاق والدین شدن است . فرزندان به سبب بی حرمتی بر پدر و مادر و سبک شمردن حق آنان ، دچار نفرین پدر و مادر می شوند (1) و روایات ، عاق والدین را

به سبب همکاری مردم درکارهای ناشایست ، دوری جستن از احکام مذهبی ، دوست

داشتن همدیگر به جهت دروغ و قهرکردن از یکدیگر به جهت راستگویی می دانند (2) امام صادق (ع) در اوضاع اهل آخرالزمان می فرماید . . . عاق والدین شدن علنی شده ، پدر و مادر در پیش فرزندان خوار شمرده می شوند و از دیدگاه فرزند ، پست تر از هر فرد دیگر به شمار می آیند . . . . . و چنین زمانی از خشم خدا بترس و از خدای تبارک و تعالی نجات بطلب . (3)

1 . بحارالانوار ج 52 ، ص 259 منتخب الاثر ص 431 .

2 . منتخب الاثرص 437 الزام الناصب ص 82 1 نهج الفصاحه ج2 ص 9 51 .

3 . بحارالانوار ج 52 ص 256 و300الزام الناصب ص 83 1 منتخب الاثرص 425 .

هرج و مرج

فتنه و آشوب وگس?ختگ? اجتماع راگویند . در روایات ، از آن به یکی از آفت های دوران آخرالزمان یاد شده است . پیامبر اکرم (ص) فرمود : در آینده ، روزگاری به شما روی می آورد که جهل و نادانی در آن فرود می آید و علم و دانش از آن رخت بر می بندد و هرج و مرج در آن فراوان می گردد . عرض شد : یا رسول الله چگونه هرج و مرج پدید می آید؟ فرمود : کشتار (1) در حدیث دیگری از آن حضرت آمده که : زمانی پیش از قیامت ، هرج و مرج پیش خواهد آمد . عرض

شد : چگونه هرج و مرجی؟ فرمود : کشتار ، نه کشتارکفار ، بلکه همین امت به جان یکدیگر می افتند تا جائی که برادر ، برادر خود را بکشد . عقول مردم در آن زمان گرفته می شود (2) .

1 . کنزالعمال حدیث 30850 .

2 . کنزالعمال حدیث 31195 .

زمانی بیاید

یأتی زمان ، سیأتی زمان . عنوانی معروف درکتب حدیث است که روایات بسیاری تحت این عنوان مبنی بر پیشگوئی از وقایع و حوادث ویا ملاحم وفتن ذکر شده است . اینک شماری از آن ها را می آوریم .

رسول خدا (ص) فرمود : زمانی بیاید که چهره های مردم چهره آدمیان ودل هاشان دل های شیاطین باشد ، بسان گرگ درنده خونخوار باشند ، از منکرات اجتناب نکنند . اگر در جمع آن ها باشی بدنامت کنند وچون با آن ها سخن گویی به تو دروغ گویند وچون از آن ها جدا شوی غیبتت کنند . سنت در میان آن ها بدعت وبدعت به نزدشان سنت بود ، محترمتان نزد آن ها موهون ، و موهونان محترم باشند . مؤمن نزد آن ها خوار و فاسق ارجمند بود . کودکان شان گستاخ وبی ادب و زنان شان بی شرم وپیرانشان امر به معروف ونهی از منکر نکنند . پناه بردن به آن ها خواری واعتماد به آن ها ذلت ودرخواست مال از آن ها بیچارگی وننگ باشد . در آن هنگام خداوند باران به موقع به آن ها نبارد و در غیر موسم خود ببارد وبدانشان را بر آنان چیره سازدکه به بدترین وجهی آن

ها را آزار دهند ، پسرانشان را بکشند وزنانشان را زنده دارند ، در آن حال هر چه نیکان دعاکنند به اجابت نرسد .

زمانی بر مردم بیاید که شکم هاشان خدای شان بود هر چه خواهد از حلال وحرام به آن بدهند و زنانشان قبله شان باشد که تمام توجه شان به آن ها بود (وپولشان دینشان) که آن را در حد پرستش دوست دارند و شرف وعزت خویش را درتجملات و امتعه دنیا دانند ، از ایمان جز نامی واز اسلام جز آثاری واز قرآن جز درسی بیش نماند . مساجدشان از حیث ساختمان آباد و دل هاشان از هدایت تهی وویران ، علماشان بدترین خلق خدا در روی زمین باشند . در آن هنگام خداوند آن ها را به سه بلیه دچار سازد : جور سلطان وخشکسالی وظلم وستم حکام وزمامداران . اصحاب از سخنان حضرت به شگفت آمده عرض کردند : مگر آن ها بت می پرستند فرمود : آری ، پول نزد آن ها چون بت مورد پرستش باشد .

زمانی بیاید که دینداری به نگهداری آتش درکف دست بماند . زمانی بر امتم بیاید که زمامدارانشان به شیوه جباران وستمگران عمل کنند وعلمای شان طمعکار وکم پرهیز ، وپارسایان شان متظاهر ، و بازرگانان رباخوار و فریبکار ، وزنان شان خود را برای نامحرمان بیارایند . در آن هنگام اشرارشان بر آن ها چیره گردند وهر چه دعاکنند به اجابت نرسد .

زمانی بر مردم بیایدکه اخلاق انسانی از آنان رخت بربندد چنانکه اگر نام یکی را بشنوی ، به از آن بودکه وی را ببینی ویا

او را ببینی به از آن باشدکه او را بیازمایی وچون او را بیازمایی حالاتی زشت و ناروا در او مشاهده کنی . دین شان پول ، و هم و غمشان شکم و قبله شان زنان شان باشد . برای رسیدن به گرده نانی کرنش کنند وبرای درهمی به خاک افتند . پریشان و سرگردان باشند ، نه خود را در پناه اسلام دانند ونه به کیش نصاری زندگی کنند (1) امیرالمؤمنین (ع) فرمود : زمانی بر مردم فرا رسد که مقرب نباشد جز سخن چین ، وجالب شمرده نشود جز فاجر ، وتحقیر نگردد جز افراد با انصاف . در آن زمان دستگیری مستمندان زیان بشمار آید ، وصله رحم لطف وبزرگواری محسوب شود ، وعیادت بیمار ، وسیله برتری جویی بر مردم باشد . در آن زمان حکومت به مشورت با زنان وفرمانروایی کودکان وتدبیر خواجه سرایان برگزار شود . (2)

ا . بحار الانوار ج 103 ص 82 و 22 و 74 .

2 . نهج البلاغه حکمت 102 .

نشانه ها

ذو السویقَتین

امیرمؤمنان علی (ع) یکی از نشانه های آخر الزمان را ویران کردن کعبه می داند و می فرماید : گویی با چشم خود می بینم که مردی از حبشه ، بسیار نیرومند و شجاع کلنگی به دست گرفته ، خانه کعبه را ویران می کند و سنگ های آن را یکایک دور می اندازد (1) بر طبق روایات ، این مرد حبشی چابک و چالاک ذوالسویقتین نام دارد (2)

ا . بحار الانوار ج52 ص 218 .

2 .

صحیح مسلم ، ج8 ص 83 ا روزگار رها یی ج 2 ، ص 13 9 .

خَسف

از نشانه های آخرالزمان و به معنای فرو رفتن در زمین و زیر آوار ماندن به وسیله زلزله ، سیل ، طوفان ، موشک ، بمباران و جز آن ها است (1)

در روایتی آمده است که سه خسف روی می دهد : یکی در مشرق ، دیگری در مغرب و سومی در جزیره العرب (2)

و نیز می خوانیم : خسفی در حله و بصره واقع می شود و مردمان بسیاری کشته می شوند . (3)

1 . روزگا رهایی ج 2 ص 854

2 . بحارالانوار ج 51ص 70 الزام الناصب ، ص 64 .

3 . محجه البیضا ج 4 ص 343 بحارالا نوار ج 52ص 0 22 .

جا موس

به معنای هر شیء جامد است . امیر مؤمنان علی (ع) در خبرهای مربوط به آخر الزمان می فرماید : هنگامی که ناقوس به صدا در آید ، سایه شوم کایوس بر همه جا سنگینی کند و جاموس سخن بگوید ، در چنین زمانی شگفتی ما پدید خواهد آمد (1)

ناقوس به معنای زنگ خطر و بیدار باش است و در این جا منظور ، بانگ جبرئیل امین است . کابوس به معنای رؤیای وحشت انگیز و فاجعه های رعب آور است و در این جا خسف سرزمین بیداء و هلاکت سپاه سفیانی در آن سرزمین منظور شده است و اما تکلم جاموس در عصر ما تحقق یافته و نمونه های فراوانی چون رادیو ، تلویزیون ، تلفن و ضبط صوت و امثال این ها از مصادیق آن است (2)

.

1 . الزام الناصب ص 213 .

2 . روزگار رهایی ، ج 2 ص 0691

یک سوم

در روایات ظهور ، سخن از باقی ماندن یک سوم مردم جهان است .

امیرالمؤمنین (ع) فرمود : حضرت مهدی (ع) ظهور نمی کند مگر آنکه یک سوم مردم کشته می شوند و یک سوم می میرند و یک سوم باقی می مانند (1) محمد بن مسلم می گوید : امام صادق (ع) فرمود : امام زمان ظهور نمی کند ، مگر این که دو سوم مردم جهان از بین بروند . عرض شد : اگر دو سوم کشته شوند ، پس چه مقدار می ماند؟ فرمود : آیا راضی نیستید و دوست ندارید ازیک سوم باقی مانده باشید (2)

1 . احقاق الحق ج 13 ص 29 .

2 . کمال الدین ج2 ص655 اثبات الهداه ج 3 ، ص 510 بحارالانوار ج52 ص 207 .

ملا حم

جمع ملحمه ، حوادث عظیمی است که از حیث آشوب و فتنه ، پیچیده و مبهم باشند . اخبار ملاحم ، اخباری است که از فتنه های آینده خبر می دهد . اخبار بدین مضمون در متون حدیثی اسلام ، فراوان آمده است . از آن جمله ، خطبه 138 نهج البلاغه است که در آن امیرالمؤمنین (ع) به ظهور حضرت بقیه الله (ع) خبر می دهد . (1)

1 . معارف ومعاریف ج 9 ، ص 588 .

کشف هیکل

بر طبق روایتی از امیر مؤمنان علی (ع) کشف هیکل یکی از نشانه های آخر الزمان است (1) منظور از هیکل ، هیکل حضرت سلیمان (ع) است

که در عصر آن حضرت ، معبد بسیار باشکوهی بود و در شهر بیت المقدس قرار داشت و پایه های آن بر روی 360 ستون از مرمر گران بها وکمیاب استوار بود و در آن ده ها سنگ قیمتی ، الواح و نوشته های شگفت انگیز وجود داشت که هر بیننده ای را مبهوت می ساخت . زمین آن از بلور شفاف مفروش بود و آب ها از زیر آن روان بودکه بلقیس آن را دریاچه پنداشت و دامنش را بالا زدکه از روی آب عبورکند و به بارگاه حضرت سلیمان باریابد ، پرده داران به او تذکر دادندکه آب ها از زیر یک پوشش بلورین روان است (2)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 273 الزام الناصب ص 76 1 بشاره الاسلام ص 58 .

2 . روزگار رهایی ج2 ص 692

ستاره دنباله دار

طلوع ستاره دنباله دار از نشانه های ظهور است (1)

در روایات آمده است : مهدی (ع) پس از غیبتی طولانی ، همزمان با طلوع ستاره ای سرخ و ویرانی ری و خسف زوراء ظهور می کند . (2) ستاره ای از مشرق طلوع می کندکه دنباله درخشانی دارد (3)

طلوع ستاره ای دنباله دار ، ملت عرب را به وحشت می اندازد وآن ستاره ای است که در طرف مشرق ظاهر می شود و همانند ماه می

درخشد . سپس دنباله اش برمی گردد و نزدیک می شودکه در سرش به یکدیگر برسد (4)

پر واضح است که ترس و وحشت عرب از ستاره نیست ، بلکه از حوادث جانکاهی است که همزمان با طلوع ستاره روی می دهد . رسول اکرم (ص) می فرماید : هنگامی که پل در بغداد زده شد و ستاره های دنباله دار از مشرق طلوع کرد ، درکنارآن پل گروه گروه کشته می شوند . (5) در کتاب روزگار رهایی آمده است : احتمال می رود که پیامبر (ص) با تعبیر ستاره دنباله دار ، هواپیماهای جنگی را اراده کندکه به دنبال خود دود غلیظی به جای می گذارند و شاید منظور همان ستاره دنباله دار باشد که در احادیث فراوانی ازآن بحث شده است و خود ، نشانه نزدیک شدن ظهور حضرت بقیه الله (ع) است . (6)

1 . روزگار رهایی ج 2 ص 874

2 . بحار الا نوار ج 52ص 226 الزام الناصب ، ص 88 1 .

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 847

4 . بحارالانوار ج52 ص 220 محجه البیضاء ج 4 ص 343 .

5 . محجه البیضاء ج 4 ص 343 بشاره الاسلام ص 60

6 . روزگار رهایی ج2 ص 842

جذام

نوعی بیماری پوستی است . فراوانی این بیماری از نشانه های آخر الزمان است . (1)

حمیری ضمن نامه ای از حضرت حجت (ع) پرسید : آیا پیس وجذامی وفلج ، شهادتشان در محاکم قبول است . حضرت مرقوم

داشت : اگر این بیماری ها در آین ها حادث وعارضی ونو پدید باشد ، شهادتشان مقبول ، و اگر مادرزادی باشد ، خیر (2)

1 . ارشاد مفید ص 338 اعلام الوری ، 428 .

2 . بحارالانوار ج 104 ، ص 0315

بوا سیر

نوعی بیماری است که در مقعد یا بینی پدید می آید (1) فزونی این بیماری از نشانه های قیامت است (2) درباره نشانه های آخر الزمان نیز آمده است که بواسیر ، مرگ ناگهانی وجذام فراوان می شود . (3)

1 . معارف و معاریف ج 3 ص 281

2 . بحار الانوار ج 62ص 66

3 . ارشاد مفید ص 338 اعلام الوری ص428

نشانه های نزدیک ظهور

برابر روایات ، تعدادی از نشانه های ظهور متصل به ظهور خواهند بود به گونه ای که میان آن ها و ظهور فاصله زیادی نیست از پدیدار شدن نخستین نشانه متصل ، تا ظهور مهدی (ع) نشانه ها همچون حلقه های زنجیر ، بدون فاصله پی درپی می آیند ، چنان که در روایتی ، محمد بن صامت از امام صادق (ع) پس از آن که برخی نشانه ها را امام بیان کرده بودند ، پرسید : فدایت شوم ، می ترسم این امر تحقق نشانه های ظهور مهدی (ع) به طول انجامد امام (ع) فرمود : نه ، محققاً هم چون مهره های تسبیح ، یکی پس از دیگری می آید (1)

حتی درباره برخی از نشانه های متصل به ظهور ، مقدار فاصله آن با ظهور نیز بیان شده است امام باقر (ع) درباره قتل نفس زکیه ، فرمود : " فاصله میان کشته شدن نفس زکیه و قیام قائم ، بیش از پانزده شب نیست (2) خروج سفیانی و یمانی نیز ، برابر آن چه از روایات استفاده می

شود ، در یک محدوده زمانی در آستانه ظهور صورت می گیرد و فاصله آن تا قیام قائم (ع) از پانزده ماه ، بیشتر نخواهد بود (3) بر این اساس ، تردیدی نیست که شماری از نشانه های ظهور ، که بیشتر نشانه های حتمی نیز هستند ، نزدیک ظهور و متصل به آن واقع می شوند

در مقابل ، نشانه های فراوانی وجود دارند که پیدایش آن ها در عصر غیبت خبر داده شده ، ولی پیوستگی به ظهور معلوم نیست و چه بسا با فاصله زیاد از ظهور مهدی (ع) واقع شوند ، چنان که شماری از نشانه ها بر فرض نشانه بودن آن ها سال ها ، بلکه قرن ها از وقوع آن می گذرد . مانند : از هم گسستن بنی امیه و بنی عباس ، خروج ابو مسلم خراسانی ، اشغال منطقه جزیره توسط ترک ها و بسته شدن پل بر روی دجله و (4)

مرحوم شیخ مفید می فرماید : روایات رسیده از پیامبر (ص) و خاندان وحی ورسالت بیانگر نشانه ها و رخدادهایی است که پیش از قیام حضرت مهدی (ع) پدیدار می گردند که اهم آن ها عبارتند از : جنبش ارتجاعی سفیانی ، قتل سید حسنی ، جنگ قدرت بنی عباس ، گرفتن خورشید در نیمروز ماه رمضان ، گرفتن ماه در آخر ماه رمضان ، بر خلاف عادت ، شکافته شدن زمین و فرو بردن تجاوزکاران ، فرو رفتن زمین در مشرق ، فرو رفتن زمین در مغرب ، توقف خورشید به هنگامنیم

روز در وسط آسمان ، طلوع خورشید از مغرب ، قتل " نفس زکیه " پشت دروازه کوفه در زمره هفتاد نفر از شایستگان ، بریده شدن سر مردی از بنی هاشم میان رکن و مقام ، ویران شدن دیوار مسجد کوفه ، آمدن پرچم های سیاه از طرف خراسان ، قیام و جنبش یمنی ، آشکار شدن مرد مغربی و تصرف شام بوسیله سپاه او ، فرود آمدن ترک ها در جریره ، فرود آمدن رومیان در " رمله " طلوع ستاره ای درخشان و نورانی به سان ماه و آنگاه انعطاف خاص آن . . . ، پدیدار شدن سرخی در آسمان وگسترش آن در آفاق آسمان ، پیدایش ستون آتشی در مشرق به مدت سه تا هفت روز ، قیام امت عرب و برکنار شدن زمامدارآن عرب به وسیله ملت های خویش و به دست گرفتن زمام امورکشورها به وسیله مردم ، خروج جهان عرب از سیطره عجم ، کشته شدن رهبر مصر به دست مردم ، انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن ، ورود پرچم های قیس وعرب به مصر ، و پرچم های کنده ، به خراسان ، ورود سپاهی از سوی مغرب و رسیدن آن ها به دروازه شهر " حیره " ، آمدن پرچم های سیاه از سوی مشرق ، شکستن دیوار فرات و جریان یافتن آب درکوچه های کوفه ، خروج 60پیامبر دروغین ، خروج دوازده امام دروغین ، و به آتش کشیده شدن مرد گرانقدری از بنی عباس بین جلولاء و خانقین ، ایجاد پل ارتباط میان کرخ و بغداد ، وزش بادی

سیاه در آغاز روز ، زلزله ای که انبوهی را به زمین فررمی برد ، ترس و نا امنی فراگیری که همه عراق و بغداد را فرا می گیرد ، مرگ سریع و دردناک و نقص و زیان در اموال و جان و ثمرات ، آفت ملخ نابهنگام و به هنگام کشاورزی ، برداشت کمِ محصولات زراعی ، جنگ قدرت میان عجم و خونریزی بسیار در میان آنان َ، شورش بردگان بر ضدَ برده داران وکشتن آنان ، مسخ شدن گروهی از بدعتگذاران و به صورت میمون و خوک درآمدن آنان ، تسلط کشورهای عقب مانده به کشورهای زورمند و ثروتمند ، طنین افکن شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش جهانیان به زبان های گوناگون ، پدیدار شدن چهره و سینه ای درکره خورشید ، زنده شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به دنیا ، به گونه ای که مردم آنان را شناخته با آنان دیدار می کنند . (5)

1 . بحار الانوار ج52ص 235

2 . غیبه طوسی ص 445 .

3 . بحار الانوار ج52ص 248

4 . برترین های فرهنگ مهدویت درمطبوعات ص 214 .

5 . ارشاد مفید ص 356 بحارالانوار ج 52 ، ص 220 .

گرسنگی

از نشانه های پیش از ظهور حضرت ، گرسنگی ذکر شده است . محمد بن مسلم می گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود : پیش از ظهور حضرت قائم (ع) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه هایی است گفتم : خدا مرا فدای توگرداند ، آن نشانه ها کدام است؟ فرمود

: آن ها همان گفته خداوند است که فرمود : و لبنونکم بشی ء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرین (1) وشما مؤمنان را به چیزی از ترس وگرسنگی وکمی دارایی ها وجان ها ومیوه ها می آزماییم ، پس صابران را مژده ده آنگاه فرمود : خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آزماید ومراد ازگرسنگی ، گرانی قیمت ها ست

1 . سوره بقره 155 .

قذف

از نشانه های آخرالزمان و به معنای پرتاب چیزی از مکانی به مکانی است مانند : بمباران ، سنگباران ، موشک های زمین به زمین و امثال آن ها (1)

در روایتی از رسول خدا (ص) می خوانیم : در آخرالزمان خسف ، قذف و مسخ واقع خواهد شد . (2) نیز آمده است : در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه ای روی نداده است ، جز این که در میان امت من نیز نظیر آن روی خواهد داد ، حتی خسف ، قذف و مسخ (3)

1 . روزگار رهایی ج 2 ص 854

2 . نهج الفصاحه ج 2 ، ص 272 ینابیع الموده ج3 ص 46 1 .

3 . بحارالانوار ج 53 ص 31 01

علائم غیر حتمی

صیحه آسمانی

منظور از صیحه آسمانی ، ظاهراً صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان شنیده می شود (1) و همه مردم آن را می شنوند 0 در روایات ، تعبیرهای نداء و " فزعه " و " صوت " نیز به کار رفته که ظاهر آن ها نشان می دهدکه هر یک از آن ها نشانه جداگانه ای است که پیش از ظهور واقع می شود (2) لکن به نظر می رسدکه این ها تعبیرهایی گوناگون ازیک حادثه ویا دست کم ، اشکال گوناگون یک حادثه باشند . مراد از همه آن ها ، بلند شدن صدایی در آسمان است . ولی به

اعتبار این که صدای عظیم ، بیدار باشی است که همه را متوجه خود می کند

ونیز موجب وحشت عمومی و ایجاد دلهره و اضطراب می گردد ، به آن صیحه ، فزعه ، صوت و نداء که هر یک بیانگر ویژگی از آن حادثه اند ، اطلاق شده است 0 این احتمال هم وجود داردکه آن ما سه حادثه جدای از هم باشدکه در یک زمان رخ نمی دهند ، بلکه ابتدا صدایی عظیم همه را متوجه خود می کند صیحه به دنبال آن صدایی هولناک ، مردم را به وحشت می اندارد فزعهو آن گاه صدایی از آسمان شنیده می شودکه مردم را به سوی مهدی (ع) فرا می خواند نداء0

امام باقر (ع) می فرماید : " نداکننده ا ی از آسمان نام قائم را ندا می کند ، پس هرکس در شرق

و غرب است ، آن را می شنود . از وحشت این صدا ، خوابیده ها بیدار ، ایستادگان نشسته ونشستگان بر دو پای خویش می ایستند 0 رحمت خدا برکسی که از این صدا عبرت بگیرد و ندای وی را اجابت کند؟ زیرا صدای نخست ، صدای جبرئیل روح الامین است 0 آن گاه می فرماید : این صدا در شب جمعه 23 ماه رمضان خواهد بود . در این هیچ شک نکنید وبشنوید و فرمان برید . در آخر روز ، شیطان فریاد می زندکه فلانی مظلومانه کشته شد " تا مردم را بفریبد وبه شک اندارد (3)

البته روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد . از مجموع روایات می توان استفاده کرد : 1 . صیحه از نشانه های حتمی ظهور است ، 02 این صدا

از آسمان شنیده می شود ، به گونه ای که همه مردم زمین از شرق و غرب آن را می شنوند ، 3 . محتوای این پیام آسمانی ، دعوت به حق رحمایت وبیعت با مهدی (ع) است ، ، . هم زمان با آن یاکمی پس از آن ، در روی زمین نیز صدایی شنیده می شود . ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند ، . جبرئیل ، مردم را به حق فرا می خواند . (4)

مطلب دیگر این که در برخی روایات ، سخن از " نداء " درکنارکعبه به میان آمده است . امام صادق (ع) می فرماید : " گویا می بینیم که حضرت قائم (ع) در روز شنبه " عاشورا ، هنگام ظهر ، بین رکن ومقام ، درکنارکعبه ایستاده است ودر پیش او ، جبرئیل صدا می زند : بیعت برای خداست 00 . (5)

گویا این ندا غیر از ندای آسمانی وصیحه است که به عنوان نشانه ظهور بیان شده ، زیرا این ندا در زمین وپس از ظهور است و ندا در آسمان و در آغاز روز صورت می گیرد . ولی احتمال هم داردکه همان صدای آسمانی ، توسط سخنگوی حق ، جبرئیل ، ارکنارکعبه بلند شود و در تمام جهان شنیده شود . (6) ار امام صادق (ع) درباره ندای آسمانی پرسیدند ، فرمود : " هر جامعه و مردمی به زبان و فرهن (ع) خود ، آن ندای آسمانی را می

شنود (7)

ا . منهاج الدموع ص 93 .

2 . وافی ج2 ص 443 .

3 . همان ص ، 254 .

4 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 230 .

5 . غیبه طوسی ، ص 453 منتخب الاثرص 464 .

6 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 233 .

7 . غیبه طوسی ، ص 266 بحارالانوارج 52 ص 288

صورتی در خورشید

از نشانه های آخرالزمان ، ظاهر شدن صورتی در قرص خورشید ذکر شده است . مردم سیمای مردی را در قرص خورشید خواهند دیدکه نام و نشان او را خواهند شناخت . این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی و خود سفیانی هلاک خواهند شد . (1) صاحب کتاب روزگار رهایی می نویسد : منظور از سیمای مردی که در قرص خورشید ظاهر خواهد شد ، سیمای حضرت مسیح (ع) است که در خورشید ظاهر می شود و از آسمان فرود می آید و با حسب و نسبش شناخته می شود و دیگرکسی در حق او دچار تردید (2) نمی شود . در حدیث دیگری آمده است : صورت و سینه ای در قرص خورشید برای مردمان ظا هر می شود . (3)

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است : سه بانگ آسمانی در ماه رجب شنیده می شد : 1 . آگاه باشیدکه لعنت خدا بر ستمگران باد ، 2 . ای گروه مؤمنان رستاخیز نزدیک است ، 3 . بدن انسانی به وضوح در

قرص خورشید دیده می شودکه با صدای رسا بانگ بر می آورد : هان ای مردم خداوند فلانی ، پسر فلانی . . . سلسله نسب حضرت قائم (ع) را تا حضرت علی (ع) می رساند را برانگیخت . (4)

1 . ارشاد مفید ص 338 بحار الا نوار ج52 ص 220 اعلام الوری ص 428 .

2 . روزگار رهایی ج2 ص845

3 . همان ص 846 .

4 . غیبه طوسی ص268 بحارالانوار ج 52 ص 289 منتخب الاثرص 422 .

سیدحسنی

خروج سید حسنی از نشانه هایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) رخ می دهد . خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است . سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زندکه به فریاد قائم آل محمد (ع) برسیدکه از شما یاری می طلبد 0

این سید حسنی ظاهر از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می باشد . او از مکان خود تاکوفه را از لوث وجود ظالمان پاک می کند . چون با اصحاب خود واردکوفه می شود ، به او خبر می دهند که حضرت حجت (ع) ظهورکرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است . پس با اصحاب خود ، خدمت آن حضرت مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و مواریث انبیاء را می نماید . او می داندکه مهدی (ع) بر حق است ، ولکن مقصودش این است

که حقیقت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید . پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می کند . وقتی سید حسنی یقین به صدق امام ندا می کند ، می گوید : الله اکبر دستت را بده تا با تو بیعت کنم . با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او ، سپاهش نیز بیعت می کنند . (1)

1 . بحار الانوار ج 52ص 115به نقل ازفرهنگ موعود حسین کریمشاهی ، ص 130

خسف بیداء

خسف به معنای فرو رفتن وپنهان شدن است (1) و " بیداء " نام سرزمینی است میان مکه ومدینه . ظاهرا منظور از خسف بیداء آن است که سفیانی ، با لشکری عظیم به قصد جنگ با مهدی (ع) عازم مکه می شود ، در میان مکه ومدینه ودر محلی که به سرزمین " بیداء " معروف است ، به گونه معجزه به امر خداوند در دل زمین فرو می روند (2) این حادثه از نشانه های حتمی ظهور بیان شده است .

حضرت علی (ع) می فرمایند : مردی از خاندان من ، در سرزمین حرم قیام می کند ، چون خبر ظهور وی به سفیانی می رسد ، وی سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ به سوی او می فرستد ، ولی سپاه مهدی آنان را شکست می دهد ، آن گاه خود سفیانی با لشکریان همراه ، به جنگ وی می روند و چون از سرزمین بیداء می گذرند ، در زمین فرو می روند و جز یک نفر

، که خبر آنان را می آورد ، همگی می شوند . (3) گر چه حادثه خسف در منطقه بیداء و در مورد لشکر سفیانی واقع می شود ، ولی در برخی روایات ، غیر از خسف در بیداء ، از خسف درمشرق وخسف در مغرب نیز یاد شده است ، (4) واین نشانِ آن است که در سایر نقاط زمین نیز چنین حوادثی رخ می دهد و به امر خداوند ، دشمنان مهدی (ع) بدین وسیله نابود می گردند . (5)

1 . محجه البیضا ج 4 ، ص 343 بحار الا نوار ج 52ص 0 22 .

2 . لسان العرب ، ج 9 ، ص67

3 . غیبه نعمانی ص 252 .

4 . وافی ج 2 ص 443 منتخب الاثرص 442 .

5 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص 224 .

خروج یاجوج و ماجوج

در برخی روایات ، از نشانه های ظهور دانسته شده (1) که با دقت در آن ها روشن می شودکه ارتباطی با مسأله ظهور ندارند ، بلکه بیشتر آن ها ، ناظر به برپایی قیامت هستند . مواردی هم که در قرآن از خروج یأجوج ومأجوج یاد شده (2) هیچ دلالتی بر این قضیه ندارد .

1 . منتخب الاثرص 461 سنن ابن ماجه ج 2 ص 353 1 کنزالعمال ج 14 ص338

2 . سوره کهف 94, سوره انبیاء ص6 9 .

خروج دجال

این نشانه ، درکتاب های اهل سنت از نشانه برپایی قیامت دانسته شده است (1) ولی در منابع روایی شیعه ، از نشانه های ظهور . (2) البته هیچ اشکالی ندارد که رخدادهایی چون خروج دجال ، هم نشانه ظهور باشند وهم نشانه قیامت دجال فردی است که در آخر الزمان وپیش از قیام مهدی (ع) خروج می کند وبا انجام کارهای شگفت انگیز جمع بسیاری از

مردم را می فریبد و سرانجام به دست عیسی مسیح (ع) درکنار دروازه " لد " در منطقه شام ، به هلاکت می رسد . از " نزال بن سبره " آورده اندکه می گوید : امیر مؤمنان (ع) برای ما سخن می گفت که : نخست سپاس خدا را به جا آورد واو را ستود وبر پیامبر وخاندانش (ع) درود فرستاد ، آن گاه سه بار فرمود : سلونی ایها الناس قبل أن تفقدونی . . . . . .

یعنی : مردم تا مرا از دست

نداد ه اید ، هر آن چه می خواهید بپرسید .

صعصعه بن صوحان بپا خاست وگفت : چه زمانی دجال خواهد آمد؟ علی (ع) فرمود : بنشین خدا سخن تو را شنید ومنظورت را دانست . . . برای خروج " دجال " نشانه ها وعلایمی است که دسته دسته هرکدام پس از دیگری روی خواهد داد اگر می خواهی تو را از آن ها آگاه سازم ، صعصعه پاسخ داد : آری ای امیر مؤمنان فرمود : پس به خاطر بسپار و حفظ کن که این ها علایم و نشانه های آن است :

هنگامی که مردم راه ورسم وفرهنگ ومعنویت نماز را نابود ساختند وبه پوسته آن قناعت کردند و ویژگی امانت و امانتداری را ضایع ساختند و دروغ پردازی را روا شمردند ورباخوارگی وربا را مباح دانستند ورشوه دادند وگرفتند ودین به دنیا فروختند وسفیهان وکم خردان را به اداره امور جامعه گماشتند و قطع رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خون ها را آسان ساختند . هنگامی که بردباری ، ناتوانی شمرده شد و بیدادگری ، باعث افتخارگردید و زمامداران فاجر و بدکار و زیران ، ستمکار شدند و مأموران و مجریان عدالت ، خیانت پیشه ساختند وگویندگان و قاریان قرآن ، به فسق وگناه روی آوردند وشهادت های دروغین در جامعه پدیدار شد وکارهای ناپسند وتهمت تراشی ها وگناهکاری وتجاوزگری علنی گردید ، آنگاه که قرآن به صورت زیبایی چاپ وجلد وتزیین گردید ومسجدها آراسته شد ومناره ها سر به آسمان سایید واشرار مورد تجلیل قرارگرفتند وصف های جماعت فشرده ودل ها از

هم دور شد و عهدها و پیمان ها گسسته و آن وعده بزرگ نزدیک گردید و زنان به خاطر حرص به دنیا ، در کسب وکار همسران خود شرکت کردند وبه بازارها ومغازه ها وکارخانه ها سرازیرگشتند . صدای آواز فاسقان ، همه جا پخش وبه گوشها رسید وهر چه گفتند وخواندند از آنان پذیرفته شد . رهبری جامعه ها به دست اراذل واگذاشته شد وبا فاجر به خاطر ترس از شرارتش ، مدارا گردید و دروغ ساز و دروغ پرداز ، تصدیق وتأیید شد و خیانتکار ، امین شمرده شد .

هنگامی که کنیزان آوازه خوان و رقاصه ها و آلات لهو و موسیقی ، به کارگرفته شد و نسل های آخرین به نسل های پیشین نفرین کردند وزنان بر زینها سوار شدند وتلاش کردند خود را شبیه مردان سازند ومردان نیز خود را در ظاهر واخلاق بسان زنان ساختند ، وشاهد بی آن که از او شهادت بخواهند به دادگاه رفت و شهادت داد ، و دیگری بر خلاف حق وعدالت وبدون آگاهی ، به خاطر رفاقت باکسی ، به نفع اوبه درغ گواهی کرد . . . . آری در این شرایط منحط ووخامت بار وگناه آلود جامعه ها وتمدن های اسلامی وجهانی است که دجال ظاهر می گردد ودر آمدن شتاب می کند . (3)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 193 کمال الدین ص 525 .

2 . برترین های فرهنگ مهدویت ، در مطبوعات ص 233 .

3 . کمال الدین ج 2ص 525 و 526 .

صورتی در ماه

در روایت است : سالی که صیحه آسمانی در

آن شنیده می شود ، نشانه ای پیش از آن در ماه رجب دیده می شود . گفته شد : آن نشانه چیست فرمود : سیمایی در قرص ماه دیده می شود ، دست وکف دست روشنی در فضا ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند و ندایی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین آن را می شنوند . (1)

1 . غیبه نعمانی ص 33 1 بحار الانوار ج 52ص233 ارشاد مفید ص 337 .

صدای زمینی

در روایات از دعوت به باطل تعبیر به " صدای زمینی " واز دعوت به حق ، تعبیر به " صدای آسمانی " شده است .

امام صادق (ع) درباره صیحه آسمانی که از نشانه های حتمی ظهور است می فرماید : در ابتدای روز ، گوینده ای در آسمان ندا می دهد : آگاه باشیدکه حق با علی و شیعیان اوست . پس از آن در پایان روز ، شیطان که لعنت خدا بر او باد از روی زمین فریاد می کندکه حق با عثمان وپیروان اوست . پس در این هنگام ، باطل گرایان به شک می افتند . (1)

هم زمان با شنیده شدن صدای آسمانی ویاکمی پس از آن ، در روی زمین نیز صدایی شنیده می شود . ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند ومی کوشد با ایجاد تردید در مردم ، آن ها را از حمایت مهدی (ع) واجابت دعوت آسمانی باز دارد . (2)

1 . بحار الا

نوار ج 52 ، ص 288 .

2 . برترین های فرهنگ مهدویت و مطبوعات ص 232 .

سید خراسانی

اندکی پیش از ظهور حضرت ، در میان ایرانیان ، شخصی با عنوان سید خراسانی ظاهر شده که رهبری سیاسی مردم را به عهده می گیرد وشعیب بن صالح نیز رهبری نظامی را وایرانیان تحت رهبری این دوتن ، نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا می کنند . سید خراسانی وشعیب جنگ را در مرزهای ایران ، ترکیه وعراق هدایت می کنند ونیروهای مستقر در شام ، خود را به پیش رانده ودر همان زمان ، از دو جناح عراق وشام ، آماده پیشروی بزرگ به سوی فلسطین وقدس می شوند .

پیرامون شخصیت سید خراسانی ، سؤال های بسیاری مطرح است . از مهم ترین آن ها این است که آیا مراد از خراسانی در روایات ، فرد معیَنی است ویا این که تعبیر از رهبر ایران است که در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وجود خواهد داشت؟ روایات به روشنی دلالت دارد بر این که آن شخصیت از ذریه امام مجتبی (ع) ویا امام حسین (ع) است وازاو به عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است وصفات جسمی وی راکه دارای صورتی نورانی وخال برگونه راست ویا دست را ست دارد ، بیان کرده است .

اما روایاتی که در منابع حدیث درجه اول شیعه مانند غیبت نعمانی و طوسی در خصوص این شخص وارد شده است ، احتمال دارد ایشان را به یاور خراسانیان ویا رهبر اهالی خراسان ویا فرمانده لشکر خراسان تفسیرکرد . زیرا

این روایات تعبیر به " خراسانی " تنها نموده نه هاشمی خراسانی ، اما مجموعه قرائن موجود ، پیرامون شخصیت اودلالت دارد که مشخص است وی همزمان با خروج سفیانی ویمنی ظاهر می شود ونیروهای خود را به سوی عراق اعزام می داردکه سپاهیان سفیانی را شکست می دهند .

نسبت ایشان به خراسان به این معنا نیست که حتماًاهل استان خراسان فعلی باشد ، چون در صدر اسلام ، نسبت دادن به خراسان به مشرق زمین اطلاق می شده است که شامل ایران وسایر مناطق اسلامیِ متصل به آن که امروز تحت اشغال شورری است ، می شود . بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه ای که از این محدوده باشد ، نسبت او به خراسان صحیح است ، چنان که از منابع درجه اول حدیثی شیعه استفاده نمی شودکه او سید حسنی ویا حسینی است؟ آن گونه که در منابع روائی برادران اهل سنت به آن تصریح شده است . سید خراسانی ، آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) بر ایران حکومت کرده ویا معاصر با آخرین فردی است که فرمانروای ایران خواهد بود . (1)

ا . عصر ظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص 270 .

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است (1) درباره انقلاب وقیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است . امام صادق (ع) فرمودند : خروج این سه تن ، خراسانی ، سفیانی ویمنی در یک سال ویک ماه ویک روز اتفاق می افتد ودرفش یمنی از همه هدایت کننده تر است ،

زیراکه دعوت به حق می کند (2)

روایات می گوید : یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود . نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند واز روایات چنین ظاهر می شود که نقش نیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است ، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شودکه طرف درگیر با سفیانی ، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی وشعیب هستند ، وگویا یمنی ها پس از یاری رساندنِ به آنان به یمن باز می گردند . اما در منطقه خلیج ، علاوه بر حجاز " یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت ، گر چه روایات ، آن را خاطر نشان نساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور وجغرافیای منطقه ، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز وکشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمن ، پیرو حضرت مهدی (ع) قرا ر گیرد .

اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد . در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند (3) احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند ، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری

دارد به این دلیل است که مستقیما از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد . همچنین یمنی به دیدار حضرتش نائل می شود وکسب شناخت ورهنمود می کند . مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن ، یعنی شخص یمنی را می ستاید وبا این عبارات توصیف می نماید : به سوی حق هدایت می کند " و شما را به سوی صاحبتان می خواند " واین که " برای هیچ مسلمانی سرپیچی از آن جایز نیست وکسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود ، اما انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن ، ستایش از عموم گردیده است (4)

1 . منتخب الاثرص 452 .

2 . بحا رالانوار ج 52ص 210 .

3 . بحارا لانوار ج 52 ص 210

4 . عصر ظهور کورانی ص 161 .

خروج سفیانی

یکی از نشانه های قطعی ظهور است . سفیانی ، عنصر بی بند وبار ، آلوده وپرده در اموی نسب واموی نژاد است که در سوریه انقلاب می کند وانقلابش نیز ، پس از غلبه بر دوگروه مخالف خویش ، به ظاهر پیروز می گردد و آن ده خط مخالف راکه رهبری یکی را مردی سرخ رو و دیگری را مردی " ابرص " به عهده دارد ، در هم می کوبد . فضای سیاسی و اجتماعی برای او آماده می شود و او بر منطقه وسیعی که شامل : دمشق ، حمص ، حلب ، اردن ، فلسطین و اسرائیل کنونی است ، مسلط

می گردد ویهودیان و عناصر تبهکار و حق ستیز ، کودکان پرورشگاهی وکنار خیابانی از او پیروی می کنند و همه این تحولات ظرف شش ماه صورت می پذیرد .

پس از استقرار قدرت وسیطره سفیانی در سوریه ومنطقه وسیعی که نام برده شد ، سپاه گرانی مرکب از 142 هزار نفر سازماندهی می کند وبخشی از آن را به منظور فتح عراق وبخشی دیگر را به سوی حجاز ومدینه منوره ، گسیل می دارد . سپاه 12 هزار نفری او به سوی مدینه می رود تا حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر بزرگ جهانی را که خبر ظهورش پخش گردیده ، دستگیر نماید . آنان سه روز در مدینه توقف می کنند ودر آن جا دست به چپاول وجنایت می زنند وپس از آن ، بخش مهم آن 12 هزار نفر ، مدینه را به منظور دستیابی به امام مهدی (ع) به قصد مکه ترک می کنند ، چرا که اطلاع می یابندکه آن اصلاحگر بزرگ ، از مدینه به مکه رفته است .

این سپاه تجاوزکار در راه مکه ، به بیابانی می رسند ودر آن جا ، زمین به امر خدا همه آنان را می بلعد و جز دو نفر باقی نمی ماند ، یکی از آن دو به سوی حضرت مهدی (ع) می رود تا بشارت نابودی دشمنان حق وعدالت را بدهد ودیگری به سوی سفیانی می رود تا سرنوشت شوم ستونی از سپاه تجاوزکار او را گزارش کند . اما سپاه تجاوزکاری که از سوی سفیانی به عراق گسیل می گردد ، در منطقه ای

از اطراف نجف که روحاء نام دارد پیاده می شود وده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف وکوفه حرکت می کنند .

روز عیدی از اعیاد اسلامی ، تجاوز خویش را به این دو شهر آغاز می کنند وسر راه خود با ستونی از مدافعان که از بغداد می رسد درگیر می شوند و میان این ده ها هزار مدافع عراقی و سپاه سفیانی ، جنگ وحشتناکی جریان می یابد که البته سپاه سفیانی پیروز می شود وکوفه را به اشغال خود در می آورد ودر آن جا سخت به کشتار وسیع غیر نظامیان ، جاری ساختن سیلاب خون از بیگناهان ، برپا ساختن چوبه های بی شمار دار وبه اسارت بردن زنان ودختران ، دست می زند . مردی برای دفاع ازکوفه وحقوق مردم آن بپا می خیزد وانقلابی به راه می اندازد ، امّا کشته می شود .

سرانجام این بخش از سپاه سفیانی به سوی شام برمی گردد ، اما گروهی ازکوفه وگروهی به فرماندهی سید هاشمی وگروهی به فرماندهی قهرمان پروا پیشه " یمنی " سپاه 100 هزار نفری سفیانی را تعقیب می کنند وطی جنگ خونین میان راه عراق وشام همه را درهم می کوبند و انبوهی اسیر و غنایم جنگی ، بدست می آورند .

اما سرانجامِ شوم سفیانی و جنبش ارتجاعی او ، بدین گونه پایان می پذیرد که : حضرتَ مهدی (ع) آن اصلاحگر زمین وزمان پس از ظهور خویش ، از مکه به تدریج به کوفه می رسد وپس از استقرار عدالت در حجاز و عراق ودمشق ، قلمرو سیطره ظالمانه سفیانی

را هدف قرار می دهد . در حرکت اصلاحی امام به سوی شام ، انبوهی از حق طلبان به او می پیوندند وسفیانی نیز در رمله ، شمال شرقی فلسطین و قدس برای شرارت آماده می شود . لحظات رویارویی دو سپاه حق و باطل و عدل و بیداد ، فرا می رسد ، گروه هایی از سپاه سفیانی ، قرارگاه خویش را رها کرده وبه لشکر حق می پیوندند وگروهی نیز به سپاه سفیانی ملحق می شوند . شرایط برای یک پیکار بزرگ وسرنوشت ساز آماده می شود .

سفیانی با دریافت گزارش رسیدن نیروی حق و آمدن اصلاحگر بزرگ امام مهدی (ع) از عراق به شام وفلسطین ، خود را با همه قدرت و امکانات آماده رویا رویی ودیدار می کند و بنا به روایتی از امام باقر (ع) می گوید : " اخرجوا الی ابن عمی "

یعنی : عموزاده ام را نزد من بیاورید . (1) پس از آنکه رویاروی هم قرار می گیرند وامام مهدی (ع) سفیانی را برای گفتگو به حضور می پذیرد و آن گفتگو به بیعت سفیانی با حضرت مهدی وبا ایمان به او وحرکت عظیم وعمیق و آسمانی او می انجامد ، سفیانی از قرارگاه حضرت مهدی (ع) به سوی سپاه خویش باز می گردد که سران سپاهش می پرسند : چه کردی؟ پاسخ می دهد : من در برابر منطق پولادین وموضع بحق حضرت مهدی (ع) اسلام او را پذیرفتم وبه راه و رسم اوگردن نهادم و با او دست بیعت دادم وازگذشته

سپاه خویش ، ندامت کردم سران سپاه او می گویند : زشت باد رأی تو در شرایطی که خلیفه ای بلا مانع وپراقتدار به سوی امام مهدی (ع) رفتی ، اینک بر خط اطاعت اوگردن نهاده ، بازگشته ای؟ " سفیانی از پیمان خویش دست کشیده وبیعت خویش با حجت خدا وخلیفه راستین او را می شکند وبه تشویق سران سپاه تجاوزکار خود ، برای پیکار با حق و عدالت آماده می شود 0

سحرگاه یکی از روزها ، پیکار نهایی حق وباطل آغاز می گردد و خداوند پس از نبردی خونبار میان دو سپاه عدل وظلم ، حجت خدا ویاران حق گرای او را پیروزی کامل می بخشد و آنان ، سپاه حق ستیز سفیانی را به طورکامل نابود می سازند . (2)

طبق روایت دیگری ، سفیانی از سرنوشت شوم وتکان دهنده سپاه خویش که در راه مکه به زمین فرو می رود وزمین به فرمان خدا آن ها را می بلعد درس عبرت گرفته و می کوشد تا فرمان امام مهدی (ع) راگردن نهد . به همین جهت بیعت می کند ، اما پس ازاندک زمانی بیعت خویش را می شکند و سرکشی می کند وپس از نبردی خونین به اسارت درمی آید و نابود می گردد . (3)

به روایت دیگری ، پس از دستگیری به دستور حضرت مهدی (ع) در دروازه بیت المقدس کشته می شود . (4)

ا . به اعتبار اینکه از نسل بنو امیه است و آنان خود را پسرعموهای بنی هاشم می پندارند .

دابه الارض

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده وخروج آن از علائم آخر الزمان است .

امیر المومنین (ع) فرمود : آگاه باشید !قسم به خداوند که دابه الارض ، انسان است (1) این واژه ، متخذ از آیه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض (2) می باشد . این آیه وسه آیه بعد از آن ، از واقعه هولناکی که در آینده به وقوع می پیوندد خبر می دهند . معنی ظاهر آیه این است : هنگامی که مردم مستوجب عذاب شدند و دوران مهلت پایان پذیرفت (جانوری) جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم که با آن ها سخن می گوید که مردم به آیات ما یقین نمی آورندمشهور میان شراح حدیث و اغلب مفسران ، این است که دابه الارض از علامات قیامت است ، یا نخستین علامت است که کوه صفا منشق می شود در اخبار شیعه ، مکرر آمده که دابه الارض از نشانه های قیامت است وامیر المومنین علی (ع) است در بیشتر کتب حدیث اهل سنت آمده که دابه الارض ، همان صاحب عصا و میسم آلت نشانگذار است . منظور از عصا ، عصای حضرت موسی (ع) است که در دست آن حضرت خواهد بود ، و میسم به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چارپایان داغ می زنند ونشان دار می کنند ، چنان که در آخرت ، امیر مؤمنان قسیم الجنه و النار هستند ، در رجعت نیز دوست و دشمن را از یکدیگر جدا

می کنند وبر روی بینی دشمنان مهر باطله می زنند . (3)

در حدیثی آمده که در روز سوم ورود حضرت مهدی (ع) به بیت المقدس ، دابه الارض خارج می شود (4) <p > از نظر روایات اهلبیت عصمت وطهارت هیچ تردیدی نیست که منظور از دابه الارض رجعت وجود مقدس حضرت علی بن ابی طالب (ع) می باشد که احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم : امام باقر (ع) ز حضرت علی نقل می کنند که فرمود : من تقسیم کننده بهشت و دوزخم ، کسی وارد آن ها نمی شود جز بر اساس تقسیم من . من فاروق اکبر . من پیشوای آیندگانم . من گزارشگرگذشتگانم . جز رسول اکرم (ص) کسی بر من پیشی نمی گیرد او ومن دریک صراط مستقیم ، جز اینکه این صراط به نام اوست . به من شش فضیلت داده شد : ا . علم منایا وبلایا ووصایا به من داده شد2 . سخن فصل جدا کننده حق وباطل به من عطا شد . . من صاحب رجعت ها هستم . فرمانروائی کل به من عطا شده 5 . من صاحب عصا ومیسم هستم 6 . من دابه الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت (5)

امام صادق (ع) می فرماید : روزی رسول اکرم (ع) وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیر مؤمنان (ع) شن های مسجد را زیر سرش

بالش کرده و خوابیده است . با پای مبارک شان او را حرکت دادند و فرمودند : ای دابه الارض برخیز . یکی از اصحاب گفت : ای رسول گرامی آیا ما همدیگر را با این نام بخوانیم فرمود : نه ، به خدا سوگند که این نام به او اختصاص دارد . او همان دابه الارض است که خدای تبارک وتعالی درکتابش فرموده : چون سخن بر آن ها فرود آید جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم وبرای مردم سخن می گوید که مردم به آیات ما باور نمی کردند . سپس خطاب به علی (ع) فرمود ای علی چون آخر الزمان فرا رسد خداوند تو را در زیباترین صورتی ظاهر می سازد ودر دست تو میسمی آهنی هست که دشمنانت را با آن علامت می گذاری (6)

رسول اکرم (ص) در وصف دابه الارض فرمود : تیز پائی به او نمی رسد ، فرارکننده ای از او فوت نمی شود . مؤمن را نشان مؤمن ، وکافر را نشان کافر می زند . عصای حضرت موسی وانگشتر حضرت سلیمان با اوست (7)

امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که در شب معراج گفته شد : ای محمد علی اول است ، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است علی آخر است ، زیرا اوآخرین امامی است که روحش را قبض می کنم . او همان دابه است که با مردم سخن می گوید (8) رسول اکرم (ص) در

ضمن حدیث مفضلی می فرماید که دابه الارض سه بار ظاهر می شود

و هر سه را بیان می فرماید . (9) از محضر امیر مؤمنان در مورد " دابه الارض " پرسیدند ، فرمود به خدا سوگند ، آن جنبنده ای نیست که دم داشته باشد ، بلکه جنبنده ای است که ریش دارد (10)

امیر مؤمنان در ضمن خطبه مفصلی که در مورد " دجال " ایراد فرموده است ، بعد از شرح کشته شدن دجال می فرماید پس از آن طامه کبری است اصحاب پرسیدند : " طامه کبری " چیست؟ فرمود خروج دابه الارض است که در نزدیکی صفا ظاهر می شود انگشتر حضرت سلیمان وعصای حضرت موسی در دست اوست . . . هنگامی که سرش را بلند می کند همه کسانی که در میان مشرق ومغرب هستند به قدرت الهی او را می بینند . و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام درِ توبه بسته می شود (11)

از بررسی روایات اهل سنت استفاده می شود که از نظر آن ها نیز ، روایات بسیار مشابه روایات شیعه است ، جز این که به رجعت وبه نام مقدس حضرت علی (ع) تصریح نکرده اند ، ولی غالب نشانه ها یکی است . اینک فهرست نشانه ها یکی که در احادیث اهل سنت در مورد " دابه الارض " آمده است : . برای دابه الارض سه خروج است اولین نشانه ، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابهالارض خروج دابه الارض از مسجد الحرام است

(12) . خروج دابه الارض از نزدیکی صفا است . . انگشتر حضرت سلیمان وعصای حضرت موسی در دست اوست . سه بار بانگ برمی آورد وهمه مردم مشرق ومغرب آن را می شنوند . چون دابه الارض خارج شد در توبه بسته می شود (13) . دابه الارض مؤمن وکافر را نشان می گذارد که برای همه شناخته می شوند . (14) طلوع خورشید از مغرب ملازم خروج دابه الارض است ، هرکدام از آن دو جلوتر واقع شود ، آن دیگری به دنبال آن واقع می شود

خروج دابه الارض یکی از اشراط ساعه دهگانه ای است که بیش از قیامت بدون تردید تحقق خواهند یافت .

از بررسی احادیث ، به این نتیجه می رسیم که روایات اهل سنت در مورد دابه الارض (ع) دقیقا با روایات شیعه منطبق است جز این که تصریح نکرده اند که منظور از آن مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) می با شد . (15)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

2 . سوره نمل 82 .

3 . معارف ومعاریف ج 5 ص 315 .

4 . بحار الانوار ج 53 ص 127 .

5 . تفسیر برهان ج 3 ص 209نور الثقلین ج 4 ص 97 تفسیرصافی ج 4 ص 75 .

6 . بحارالانوار ج 39 ص 243 تفسیرقمی ص 479 تفسیر صافی ج 4 ص 674 نورالثقلین ، ج 4 ص 98 ، نفسیر برهان ج 3 ص 209 .

7 . بحار الا نوار ج6 ص300 مجمع البیان ج

7 ص 234 نورالثقلین ج 4 ص 98 تفسیر صافی ج 4 ، ص 75 .

8 . بحار الانوار ج 40 ص 38 و بصائر الدرجات , ص 150 .

9 . نورالثقلین ، ج 4 ، ص 99 مجمع البیان ، ج 7 ، ص 234 و بحار الانوار ج 6 ص 300 .

10 . تفسیر بیان ، ج 8, ص 119 و نور الثقلین , ج 4 ص 98 .

11 . بحار الانوار ج 52 ص 194 تفسیر صافی ج 4 ص 75 و کمال الدین ج 2 ص 527 .

12 . تفسیر کشاف ج 3 ص 374عقدالدرر313و تفسیرالدرر المنثور ج5 ص 116 .

13 . عقد الدرر ص 313 و سنن ابن ماجه ج 2 ص 1353 .

14 . مستدرک حاکم ج 4 ص 484 عقد الدرر ص 314 و کشاف ج 3 ص 384 .

15 . رجعت محمد خادمی شیرازی ص65 .

دانشمندان آخر الزمان

درهر عصری ، عالمان دینی مسؤولیت زدودن جهل و نادانی از اندیشه های مردم را به عهده دارند و از روایات فهمیده می شودکه عالمان در آخرالزمان نیز این نقش را به خوبی ایفا می کنند . امام هادی (ع) می فرمایند : اگر در دوران غیبت قائم آل محمد (ع) عالمان نبودند که مردم را به سوی او هدایت کنند و با حجت های الهی از دین دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام های شیطان و پیر وانش رهایی و از شر ناصبی ها نجات بخشند ، کسی در دین خدا پا بر جا نمی

ماند و همه مرتد می شدند . ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند ، چنان که ناخدای کشتی ، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد؟ پس آنان نزد خداوند والاترین انسان ها هستند . (1) رسول خدا (ص) نیز درباره زنده کننده دین در هر قرن می فرمایند : خداوند بزرگ برای امت اسلام در آغاز هر قرن ، شخصی را برمی انگیزاند تا دین را زنده نماید . (2)

احادیث دیگری نیز در مذمت برخی دانشمندان اهل آخرالزمان آمده است . رسول خدا (ص) فرمود : علمای آن ها خائن و فاسق هستند . آن ها و پیروان شان و آنان که به سوی آن ها می آیند و از آن هاکسب نور می کنند ، آنان که آن ها را دوست دارند ، بدترین مخلوقات روی زمین هستند (3) و در روایتی می خوانیم : فقهای آن زمان ، طبق هوای نفس خود فتوا می دهند . (4)

ا . بحار الانوار ج 2 ، ص 6 ا حتجاج طبرسی ، ج 2ص 0260

2 . کنزالعمال ، ج 12 ، ص 93 1 سنن ابی داود ج 4 ، ص 109 .

3 . الزام الناصب ، ص 185

4 . بشا ره الاسلام ، ص 77 الزام الناصب 195 .

اشخاص

ابقع

درلغت به ابلق یعنی هر شیء سیاه و سفید و به خصوص به کلاغ سیاهی که با سفیدی آمیخته باشد و به هر شخص پلید

و به ابرص وشورزا وکسی که لباس وصله دار و رنگارنگ بپوشد ، گفته می شود . (1) از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) روایت شده که خروج ابقع در مصر و به دنبال دیده شدن ستاره دنباله دار وکسوف خورشید و خسوف ماه خواهد بودکه همه این ها در نزدیکی ظهور روی خواهد داد . (2)

1 . لسان العرب به نقل از روزگارهایی ج 2 ، ص 997

2 . روزگار رهایی ج 2 ص 0993

سید خراسانی

اندکی پیش از ظهور حضرت ، در میان ایرانیان ، شخصی با عنوان سید خراسانی ظاهر شده که رهبری سیاسی مردم را به عهده می گیرد وشعیب بن صالح نیز رهبری نظامی را وایرانیان تحت رهبری این دوتن ، نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا می کنند . سید خراسانی وشعیب جنگ را در مرزهای ایران ، ترکیه وعراق هدایت می کنند ونیروهای مستقر در شام ، خود را به پیش رانده ودر همان زمان ، از دو جناح عراق وشام ، آماده پیشروی بزرگ به سوی فلسطین وقدس می شوند .

پیرامون شخصیت سید خراسانی ، سؤال های بسیاری مطرح است . از مهم ترین آن ها این است که آیا مراد از خراسانی در روایات ، فرد معیَنی است ویا این که تعبیر از رهبر ایران است که در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وجود خواهد داشت؟ روایات به روشنی دلالت دارد بر این که آن شخصیت از ذریه امام مجتبی (ع) ویا امام حسین (ع)

است وازاو به عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است وصفات جسمی وی راکه دارای صورتی نورانی وخال برگونه راست ویا دست را ست دارد ، بیان کرده است .

اما روایاتی که در منابع حدیث درجه اول شیعه مانند غیبت نعمانی و طوسی در خصوص این شخص وارد شده است ، احتمال دارد ایشان را به یاور خراسانیان ویا رهبر اهالی خراسان ویا فرمانده لشکر خراسان تفسیرکرد . زیرا این روایات تعبیر به " خراسانی " تنها نموده نه هاشمی خراسانی ، اما مجموعه قرائن موجود ، پیرامون شخصیت اودلالت دارد که مشخص است وی همزمان با خروج سفیانی ویمنی ظاهر می شود ونیروهای خود را به سوی عراق اعزام می داردکه سپاهیان سفیانی را شکست می دهند .

نسبت ایشان به خراسان به این معنا نیست که حتماً اهل استان خراسان فعلی باشد ، چون در صدر اسلام ، نسبت دادن به خراسان به مشرق زمین اطلاق می شده است که شامل ایران وسایر مناطق اسلامیِ متصل به آن که امررز تحت اشغال شورری است ، می شود . بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه ای که از این محدوده باشد ، نسبت او به خراسان صحیح است ، چنان که از منابع درجه اول حدیثی شیعه استفاده نمی شودکه او سید حسنی ویا حسینی است آن گونه که در منابع روائی برادران اهل سنت به آن تصریح شده است . سید خراسانی ، آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) بر ایران حکومت کرده ویا معاصر با آخرین فردی است که فرمانروای ایران خواهد بود . (1

)

ا . عصر ظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص 270 .

دجال

از نشانه های ظهور ، خروج دجال است . " دجال " از ریشه " دجل " به معنای دروغگویِ حیله گر است . در زبان عربی به معنای آب طلا است و به همین علت ، افراد بسیار دروغگوکه باطل را حق جلوه می دهند ، دجال نامیده می شوند . در روایات " دجال " ها و دروغگویان فراوانی نام برده شده است . در برخی دوازده و در برخی سی ، شصت وهفتاد دجال آمده است . (1) از میان این دجال ها ، فردی که در دروغگویی و حیله گری سرآمد همه دجالان است و فتنه او از همه بزرگتر است ، نشانه ظهور مهدی (ع) (1) ویا برپایی قیامت (2) است . بر این اساس باید گفت دو نوع دجال داریم ، یکی دجال حقیقی که پس از همه دجال ها می آید و دیگری گروهی شیاد و دروغگو که به فریب مردم وگمراهی آنان دست می زنند .

دجال در روایات اسلامی این چنین توصیف شده است : او دارای قدرت وتأثیر عجیبی است ، چشم راست ندارد وچشم دیگرش در وسط پیشانی اوست ومانند ستاره صبح می درخشد . چیزی در چشم اوست که گویی آمیخته به خون است . داخل دریاها می شود و آفتاب با او می گردد . کوهی از طعام و نهری از آب همیشه با اوست . آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه می رویاند . اختیارگنج

های زمین با اوست . مرده را زنده می کند . با صدای بلندی که تمام جهانیان صدای او را می شنوند ، می گوید : من خدای بزرگ هستم که شما را آفریده وروزی رسان هستم ، به سوی من بشتابید " (3) وی از همه جا می گذرد وفقط در مکه و مدینه قدم نمی گذارد . (4) بیشتر پیروان او از یهود و زنان و عرب های بیابانی است . اصل او را از اصفهان یا بجستان ویا خراسان گفته اند . (5) اصل داستان دجال درکتاب های مقدس مسیحیان آمده و بارها واژه دجال در انجیل به کار رفته است . درباره دجال ، صرف نظر از ویژگی های او ، چند احتمال وجود دارد : 1 . دجال ، نام شخص معینی نیست . هرکسی که با ادعاهای پوچ وبی اساس وبا توسل به حیله گری ونیرنگ ، در صدد فریب مردم باشد ، دجال است . بر ایناساس دجال ها خواهند بود و این که در روایات از دجال های فراوان دوازده ، سی ، شصت وهفتاد سخن به میان آمده ، این احتمال را تقویت می کند . فردی معین ومشخص به عنوان دجال " در دوره غیبت ، با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده ، خروج می کند و مردم را به انحراف می کشاند . این احتمال نیز وجود داردکه مراد از " دجال " ، همان سفیانی باشد که در کتاب های عامه ، بیشتر به عنوان دجال ودرکتاب های خاصه به عنوان سفیانی آمده است

(6) .

دجال ، کنایه ازکفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان است . استکبار ، به معنای واقعی ، دجال است . استکبار خود را قیم ملت ها می داند و با تکیه بر ثروت انبوه وقدرت عظیمی که در اختیار دارد ، در همه جای زمین دخالت می کند وهمه را به زیر سلطه خویش می آورد . (7) موضوع دجال ، بیش از آن چه در روایات شیعه است ، از طریق اهل سنت نقل شده است وقسمت عمده آن را احمد بن حنبل درکتاب مسند " ترمذی " در صحیح خود و " ابن ماجه در سنن ، و مسلم در صحیح ، و ، ابن اثیر در نهایه از عبدالله بن عمر وابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده اند . (8) مرحوم صدوق در این زمینه می گوید : متعصبین اهل سنت ، این گونه اخبار را تصدیق می کنند و آن را درباره دجال وغیبت وی وزنده بودنش را در این مدت طولانی روایت نموده اند که در آخر الزمان خروج می کند ، ولی درباره قائم باور نمی کنند که او مدت طولانی غائب می شود ، آنگاه آشکار می گردد وجهان را پر از عدل و داد می کند ، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد ، با این که پیامبر (ص) و امامان (ع) از این موضوع ، صریحا سخن گفته اند (9) همچنین موضوع دجال ، اختصاص به اسلام ندارد ، بلکه ریشه داستان

دجال را باید درکتاب مقدس مسیحیان جست وجوکرد در رساله اول یوحنا نوشته است : دروغگو کیست ، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکارکند ، ان دجال است که پدر وپسر را انکار می نماید . (10)

1 . بحار الا نوار ج 52 ، ص 209 کنز العمال ج 14 ص 0198

2 . طبق کتب شیعه

3 . طبق کتب اهل تسنن

4 . بحارالانوار ج 52 ، ص 94 1 به نقل از آخرین امید داود الهامی ص 0322

5 . الزام الناصب ، ص 074

6 . غیبه طوسی ص 463 .

7 . آخرین امید داود الهامی ص 323 .

8 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص 239 .

9 . بحار الانوار ج 52 ص 200

10 . رساله یوحنا باب 2 آیه 022

خروج دجال

این نشانه ، درکتاب های اهل سنت از نشانه برپایی قیامت دانسته شده است (1) ولی در منابع روایی شیعه ، از نشانه های ظهور . (2) البته هیچ اشکالی ندارد که رخدادهایی چون خروج دجال ، هم نشانه ظهور باشند وهم نشانه قیامت 0 دجال فردی است که در آخر الزمان وپیش از قیام مهدی (ع) خروج می کند وبا انجام کارهای شگفت انگیز جمع بسیاری از مردم را می فریبد و سرانجام به دست عیسی مسیح (ع) درکنار دروازه " لد " در منطقه شام ، به هلاکت می رسد . از " نزال بن سبره " آورده اندکه می گوید : امیر مؤمنان (ع) برای ما سخن می

گفت که : نخست

سپاس خدا را به جا آورد و او را ستود وبر پیامبر وخاندانش (ع) درود فرستاد ، آن گاه سه بار فرمود : سلونی ایها الناس قبل أن تفقدونی . . . . . .

یعنی : مردم تا مرا از دست نداده اید ، هر آن چه می خواهید بپرسید .

صعصعه بن صوحان بپا خاست وگفت : چه زمانی دجال خواهد آمد؟ علی (ع) فرمود : بنشین خدا سخن تو را شنید ومنظورت را دانست . . . برای خروج " دجال " نشانه ها وعلایمی است که دسته دسته هرکدام پس از دیگری روی خواهد داد اگر می خواهی تو را از آن ها آگاه سازم ، صعصعه پاسخ داد : آری ای امیر مؤمنان فرمود : پس به خاطر بسپار و حفظ کن که این ها علایم و نشانه های آن است : هنگامی که مردم راه ورسم وفرهنگ ومعنویت نماز را نابود ساختند وبه پوسته آن قناعت کردند و ویژگی امانت و امانتداری را ضایع ساختند و دروغ پردازی را روا شمردند ورباخوارگی وربا را مباح دانستند ورشوه دادند وگرفتند ودین به دنیا فروختند وسفیهان وکم خردان را به اداره امور جامعه گماشتند و قطع رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خون ها را آسان ساختند . هنگامی که بردباری ، ناتوانی شمرده شد و بیدادگری ، باعث افتخارگردید و زمامداران فاجر و بدکار و زیران ، ستمکار شدند و مأموران و مجریان عدالت ، خیانت پیشه ساختند وگویندگان و قاریان قرآن ، به فسق وگناه روی آوردند وشهادت

های دروغین در جامعه پدیدار شد وکارهای ناپسند وتهمت تراشی ها وگناهکاری وتجاوزگری علنی گردید ، آنگاه که قرآن به صورت زیبایی چاپ وجلد وتزیین گردید ومسجدها آراسته شد ومناره ها سر به آسمان سایید واشرار مورد تجلیل قرارگرفتند وصف های جماعت فشرده ودل ها از هم دور شد و عهدها و پیمان ها گسسته و آن وعده بزرگ نزدیک گردید و زنان به خاطر حرص به دنیا ، در کسب وکار همسران خود شرکت کردند وبه بازارها ومغازه ها وکارخانه ها سرازیرگشتند . صدای آواز فاسقان ، همه جا پخش وبه گوشها رسید وهر چه گفتند وخواندند از آنان پذیرفته شد . رهبری جامعه ها به دست اراذل واگذاشته شد وبا فاجر به خاطر ترس از شرارتش ، مدارا گردید و دروغ ساز و دروغ پرداز ، تصدیق وتأیید شد و خیانتکار ، امین شمرده شد .

هنگامی که کنیزان آوازه خوان و رقاصه ها و آلات لهو و موسیقی ، به کارگرفته شد و نسل های آخرین به نسل های پیشین نفرین کردند وزنان بر زینها سوار شدند وتلاش کردند خود را شبیه مردان سازند ومردان نیز خود را در ظاهر واخلاق بسان زنان ساختند ، وشاهد بی آن که از او شهادت بخواهند به دادگاه رفت و شهادت داد ، و دیگری بر خلاف حق وعدالت وبدون آگاهی ، به خاطر رفاقت باکسی ، به نفع اوبه درغ گواهی کرد . . . . آری در این شرایط منحط ووخامت بار وگناه آلود جامعه ها وتمدن های اسلامی وجهانی است که دجال ظاهر می گردد ودر آمدن شتاب می کند . .

. . (3)

1 . بحا رالانوار ج 52 ص 193 کمال الدین ص 525 .

2 . برترین های فرهنگ مهدویت ، در مطبوعات ص 233 .

3 . کمال الدین ج 2ص 525 و 526 .

اصهب

در لغت به معنای شتر سرخ مو شتر سفیدی که با سرخی آمیخته و نام چشمه ای در میان بصره و بحرین و به معنای دشمن است و به رومیان نیز از جهت رنگ چهره و دشمنی با اسلام گفته می شود . (1)

اصهب و " ابقع " دو رهبر مخالف سفیانی هستندکه سفیانی بر آن ها پیروز شده و بر منطقه تسلط می یابد . روایات بسیاری به صورت متواتر رسیده که حاکی از درگیری بزرگ سفیانی با آنان در قرقیسیا ، واقع در مرز سوریه ، عراق و ترکیه می باشد . این نبرد از جنگهای بزرگ است که ازپیش وعده داده شده ، و انگیزه آن درگیری وکشمکش بر سرگنجی است که در مجرای نهر فرات و یا نزدیک آن کشف می شود . (2) در روایات آمده که اصهب کافر قیام نمی کند ، جز به هنگام شدت یافتن فتنه ها وکثرت حوادث و فجایع . (3) امام باقر (ع) نیز می فرماید : از شر اصهب ابرص پرهیزکن . پرسیدند : اصهب کیست؟ فرمود : ابرص . پس فرمود : از شر سفیانی نیز پرهیز کن و از شر آن عده از آل محمدکه شذوذ دارند برحذر باش . (4) در این حدیث ، اَصهب و ابغع یک

نفر معرفی شده که براساس احادیث دیگر ، دو نفر هستند . در این حدیث به شیعیان امر شده که تحت تأثیرتبلیغات اَصهب و ابقع و سفیانی و شواذ آل محمد قرار نگیرند و به سودشان شمشیر نزنند . (5)

ا . لسان العرب به نقل از روزگار رهایی ج 52 ص 997 .

2 . عصرظهورعلی کورانی ص 2 6

3 . روزگار رها?ی ، ج 2 ، ص 993 .

4 . بحارالانوارج51 ص70 وج 52ص278 .

5 . روزگاررهایی ج2ص993

اخنس

نویسنده کنزالعمال در کتاب برهان ص200 به نقل از تاریخ ابن عساکر از پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمود :

مردی از قریش به نام اَخنس در مصر وجود دارد که به قدرت می رسد . آن گاه بر اوپیروز می شوند ویا قدرت از اوگرفته می شود وبه مردم می گریزد ورومیان را به اسکندریه می آورد و در آن جا با مسلمانان به نبرد می پردازد واین نخستین حادثه است . منظور از حادثه ، حوادث ظهور حضرت مهدی (ع) است . (1)

1 . عصرظهور علی کورانی ص 171 .

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است (1) درباره انقلاب وقیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است . امام صادق (ع) فرمودند : خروج این سه تن ، خراسانی ، سفیانی ویمنی در یک سال ویک ماه ویک روز اتفاق می افتد ودرفش یمنی از همه هدایت کننده تر است ، زیراکه دعوت به حق می کند 0 (2)

روایات می گوید : یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود . نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند واز روایات چنین ظاهر می شود که نقشنیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است ، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شودکه طرف درگیر با سفیانی ، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی وشعیب هستند ، وگویا یمنی ها پس از یاری رساندنِ به آنان به یمن باز می گردند . اما در منطقه خلیج

، علاوه بر حجاز " یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت ، گر چه روایات ، آن را خاطر نشان نساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور وجغرافیای منطقه ، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز وکشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمن ، پیرو حضرت مهدی (ع) قرا ر گیرد .

اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد . در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند . (3) احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند ، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری دارد به این دلیل است که مستقیما از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد . همچنین یمنی به دیدار حضرتش نائل می شود وکسب شناخت ورهنمود می کند . مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن ، یعنی شخص یمنی را می ستاید وبا این عبارات توصیف می نماید : به سوی حق هدایت می کند " و شما را به سوی صاحبتان می خواند " واین که " برای هیچ مسلمانی سرپیچی از آن جایز نیست وکسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود ، اما

انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن ، ستایش از عموم گردیده است . (4)

1 . منتخب الاثرص 452 .

2 . بحا رالانوار ج 52ص 210 .

3 . بحارا لانوار ج 52 ص 210

4 . عصر ظهور کورانی ص 161 .

سیدحسنی

خروج سید حسنی از نشانه هایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) رخ می دهد . خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است " سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زندکه به فریاد قائم آل محمد (ع) برسیدکه از شما یاری می طلبد

این سید حسنی ظاهر از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می باشد . او از مکان خود تاکوفه را از لوث وجود ظالمان پاک می کند . چون با اصحاب خود واردکوفه می شود ، به او خبر می دهند که حضرت حجت (ع) ظهورکرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است . پس با اصحاب خود ، خدمت آن حضرت مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و مواریث انبیاء را می نماید . او می داندکه مهدی (ع) بر حق است ، ولکن مقصودش این است که حقیقت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید . پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می کند . وقتی سید حسنی یقین به صدق امام ندا می کند ، می گوید

: الله اکبر دستت را بده تا با تو بیعت کنم . با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او ، سپاهش نیز بیعت می کنند . (1)

1 . بحار الانوار ج 52 ص 15 1 به نقل ازفرهنگ موعود حسین کریمشاهی ص 130

خروج سفیانی

یکی از نشانه های قطعی ظهور است . سفیانی ، عنصر بی بند وبار ، آلوده وپرده در اموی نسب واموی نژاد است که در سوریه انقلاب می کند وانقلابش نیز ، پس از غلبه بر دوگروه مخالف خویش ، به ظاهر پیروز می گردد و آن ده خط مخالف راکه رهبری یکی را مردی سرخ رو و دیگری را مردی " ابرص " به عهده دارد ، در هم می کوبد . فضای سیاسی و اجتماعی برای او آماده می شود و او بر منطقه وسیعی که شامل : دمشق ، حمص ، حلب ، اردن ، فلسطین و اسرائیل کنونی است ، مسلط می گردد ویهودیان و عناصر تبهکار و حق ستیز ، کودکان پرورشگاهی وکنار خیابانی از او پیروی می کنند و همه این تحولات ظرف شش ماه صورت می پذیرد 0

پس از استقرار قدرت وسیطره سفیانی در سوریه ومنطقه وسیعی که نام برده شد ، سپاه گرانی مرکب از 142 هزار نفر سازماندهی می کند وبخشی از آن را به منظور فتح عراق وبخشی دیگر را به سوی حجاز ومدینه منوره ، گسیل می دارد . سپاه 12 هزار نفری او به سوی مدینه می رود تا حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر بزرگ جهانی را که خبر ظهورش پخش

گردیده ، دستگیر نماید . آنان سه روز در مدینه توقف می کنند ودر آن جا دست به چپاول وجنایت می زنند وپس از آن ، بخش مهم آن 12 هزار نفر ، مدینه را به منظور دستیابی به امام مهدی (ع) به قصد مکه ترک می کنند ، چرا که اطلاع می یابندکه آن اصلاحگر بزرگ ، از مدینه به مکه رفته است .

این سپاه تجاوزکار در راه مکه ، به بیابانی می رسند ودر آن جا ، زمین به امر خدا همه آنان را می بلعد و جز دو نفر باقی نمی ماند ، یکی از آن دو به سوی حضرت مهدی (ع) می رود تا بشارت نابودی دشمنان حق وعدالت را بدهد ودیگری به سوی سفیانی می رود تا سرنوشت شوم ستونی از سپاه تجاوزکار او را گزارش کند . اما سپاه تجاوزکاری که از سوی سفیانی به عراق گسیل می گردد ، در منطقه ای از اطراف نجف که روحاء نام دارد پیاده می شود وده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف وکوفه حرکت می کنند .

روز عیدی از اعیاد اسلامی ، تجاوز خویش را به این دو شهر آغاز می کنند وسر راه خود با ستونی از مدافعان که از بغداد می رسد درگیر می شوند و میان این ده ها هزار مدافع عراقی و سپاه سفیانی ، جنگ وحشتناکی جریان می یابد که البته سپاه سفیانی پیروز می شود وکوفه را به

اشغال خود در می آورد ودر آن جا سخت به کشتار وسیع غیر نظامیان ، جاری ساختن سیلاب خون

از بیگناهان ، برپا ساختن چوبه های بی شمار دار وبه اسارت بردن زنان ودختران ، دست می زند 0 مردی برای دفاع ازکوفه وحقوق مردم آن بپا می خیزد وانقلابی به راه می اندازد ، امَا کشته می شود .

سرانجام این بخش از سپاه سفیانی به سوی شام برمی گردد ، اما گروهی ازکوفه وگروهی به فرماندهی سید هاشمی وگروهی به فرماندهی قهرمان پرواپیشه " یمنی " ، سپاه 100 هزار نفری سفیانی را تعقیب می کنند وطی جنگ خونین میان راه عراق وشام همه را درهم می کوبند و انبوهی اسیر و غنایم جنگی ، بدست می آورند 0

اما سرانجامِ شوم سفیانی و جنبش ارتجاعی او ، بدین گونه پایان می پذیرد که : حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر زمین وزمان پس از ظهور خویش ، از مکه به تدریج به کوفه می رسد وپس از استقرار عدالت در حجاز و عراق ودمشق ، قلمرو سیطره ظالمانه سفیانی را هدف قرار می دهد . در حرکت اصلاحی امام به سوی شام ، انبوهی از حق طلبان به او می پیوندند وسفیانی نیز در رمله " ، شمال شرقی فلسطین و قدس برای شرارت آماده می شود 0 لحظات رویارویی دو سپاه حق و باطل و عدل و بیداد ، فرا می رسد ، گروه هایی از سپاه سفیانی ، قرارگاه خویش را رها کرده وبه لشکر حق می پیوندند وگروهی نیز به سپاه سفیانی ملحق می شوند . شرایط برای یک پیکار بزرگ وسرنوشت ساز آماده می شود .

سفیانی با دریافت گزارش رسیدن نیروی حق و آمدن اصلاحگر بزرگ

امام مهدی (ع) از عراق به شام وفلسطین ، خود را با همه قدرت و امکانات آماده رویا رویی ودیدار می کند و بنا به روایتی از امام باقر (ع) می گوید :

" اخرجوا الی ابن عمی "

یعنی : عموزاده ام را نزد من بیاورید . (1) پس از آنکه رویاروی هم قرار می گیرند وامام مهدی (ع) سفیانی را برای گفتگو به حضور می پذیرد و آن گفتگو به بیعت سفیانی با حضرت مهدی وبا ایمان به او وحرکت عظیم وعمیق و آسمانی او می انجامد ، سفیانی از قرارگاه حضرت مهدی (ع) به سوی سپاه خویش باز می گردد که سران سپاهش می پرسند : چه کردی؟ پاسخ می دهد : " من در برابر منطق پولادین وموضع بحق حضرت مهدی (ع) ، اسلام او را پذیرفتم وبه راه و رسم اوگردن نهادم و با او دست بیعت دادم وازگذشته سیاه خویش ، ندامت کردم سران سپاه او می گویند : " زشت باد رأی تو در شرایطی که خلیفه ای بلا " مانع وپراقتدار به سوی امام مهدی (ع) رفتی ، اینک بر خط اطاعت اوگردن نهاده ، بازگشته ای؟ " سفیانی از پیمان خویشدست کشیده وبیعت خویش با حجت خدا وخلیفه راستین او را می شکند وبه تشویق سران سپاه تجاوزکار خود ، برای پیکار با حق و عدالت آماده می شود 0

سحرگاه یکی از روزها ، پیکار نهایی حق وباطل آغاز می گردد و خداوند پس از نبردی خونبار میان دو سپاه عدل وظلم

، حجت خدا ویاران حق گرای او را پیروزی کامل می بخشد و آنان ، سپاه حق ستیز سفیانی را به طورکامل نابود می سازند . (2)

طبق روایت دیگری ، سفیانی از سرنوشت شوم وتکان دهنده سپاه خویش که در راه مکه به زمین فرو می رود وزمین به فرمان خدا آن ها را می بلعد درس عبرت گرفته و می کوشد تا فرمان امام مهدی (ع) راگردن نهد 0 به همین جهت بیعت می کند ، اما پس ازاندک زمانی بیعت خویش را می شکند و سرکشی می کند وپس از نبردی خونین به اسارت درمی آید و نابود می گردد . (3)

به روایت دیگری ، پس از دستگیری به دستور حضرت مهدی (ع) در دروازه بیت المقدس کشته می شود .) 4 (

ا . به اعتبار اینکه از نسل بنو امیه است و آنان خود را پسرعموهای بنی هاشم می پندارند .

2 . بحار الانوا ر ج 52 ص 388؟ معجم ا حایث الامام المهدی (ع) ، ج 3 ص 31 6 .

3 . عقد الدورص 33 1 معجم احادیث ، ا لامام المهدی (ع) ج 1 ص 505 .

4 . عقد الدور ص 85 معجم ا حادیث الامام المهدی (ع) ج 3 ص 313 .

علائم حتمی

خسف بیداء

خسف به معنای فرو رفتن وپنهان شدن است (1) و " بیداء " نام سرزمینی است میان مکه ومدینه . ظاهرا منظور از خسف بیداء آن است که سفیانی ، با لشکری عظیم

به قصد جنگ با مهدی (ع) عازم مکه می شود ، در میان مکه ومدینه ودر محلی که به سرزمین " بیداء " معروف است ، به گونه معجزه به امر خداوند در دل زمین فرو می روند (2) این حادثه از نشانه های حتمی ظهور بیان شده است .

حضرت علی (ع) می فرمایند : مردی از خاندان من ، در سرزمین حرم قیام می کند ، چون خبر ظهور وی به سفیانی می رسد ، وی سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ به سوی او می فرستد ، ولی سپاه مهدی آنان را شکست می دهد ، آن گاه خود سفیانی با لشکریان همراه ، به جنگ وی می روند و چون از سرزمین بیداء می گذرند ، در زمین فرو می روند و جز یک نفر ، که خبر آنان را می آورد ، همگی می شوند . (3) گر چه حادثه خسف در منطقه بیداء و در مورد لشکر سفیانی واقع می شود ، ولی در برخی روایات ، غیر از خسف در بیداء ، از خسف در مشرق وخسف در مغرب نیز یاد شده است ، (4) واین نشانِ آن است که در سایر نقاط زمین نیز چنین حوادثی رخ می دهد و به امر خداوند ، دشمنان مهدی (ع) بدین وسیله نابود می گردند . (5)

1 . لسان العرب ، ج 9 ، ص67

2 . غیبه نعمانی ص 252 .

3 . تاریخ غ?بت کبری ، ص 521 .

4 . وافی

، ج 2 ص 443 منتخب الاثرص 442 .

5 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص 224 .

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است . (1) درباره انقلاب وقیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است . امام صادق (ع) فرمودند : خروج این سه تن ، خراسانی ، سفیانی ویمنی در یک سال ویک ماه ویک روز اتفاق می افتد ودرفش یمنی از همه هدایت کننده تر است ، زیراکه دعوت به حق می کند . (2)

روایات می گوید : یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود . نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند واز روایات چنین ظاهر می شود که نقش نیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است ، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شودکه طرف درگیر با سفیانی ، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی وشعیب هستند ، وگویا یمنی ها پس از یاری رساندنِ به آنان به یمن باز می گردند . اما در منطقه خلیج ، علاوه بر حجاز یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت ، گر چه روایات ، آن را خاطر نشان نساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور وجغرافیای منطقه ، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز وکشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمن ، پیرو حضرت مهدی (ع) قرا ر گیرد .

اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه

ساز ایرانیان ، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد . در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند . (3) احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند ، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری دارد به این دلیل است که مستقیما از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد . همچنین یمنی به دیدار حضرتش نائل می شود وکسب شناخت ورهنمود می کند . مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن ، یعنی شخص یمنی را می ستاید وبا این عبارات توصیف می نماید : به سوی حق هدایت می کند و شما را به سوی صاحبتان می خواند واین که برای هیچ مسلمانی سرپیچی از آن جایز نیست وکسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود ، اما انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن ، ستایش از عموم گردیده است . (4)

1 . منتخب الاثرص 452 .

2 . بحا رالانوار ج 52ص 210 .

3 . بحارا لانوار ج 52 ص 210

4 . عصر ظهور کورانی ص 161 .

یمانی

شخصی است که در آخر الزمان خروج می کند . در اخبار آخرالزمان و علائم ظهور حضرت مهدی (ع) مکرر از آن نام برده شده

است و در روایت منقول از امام باقر (ع) خطاب به شیعه چنین آمده که : سفیانی و خراسانی و یمانی همزمان خروج می کنند و پرچم او در میان پرچم هایی باشدکه در آن زمان برافراشته می گردد . وی بیش از همه به راه حق هدایت می کند ، زیرا وی به یار شما) بقیه الله (دعوت می نماید و چون خروج کند ، بر هر مسلمانی است که به وی بپیوندد و برکسی جائز نباشد ، از فرمان او سر بتابد و هرکس از اطاعت وی سرپیچی کند ، اهل

دوزخ است؟ چه او مردم را به راه حق و صراط مستقیم می خواند (1)

در بخش نشانه های ظهور ، خروج یمانی از روشن ترین علائم است که بیش از چهارده ماه فاصله با ظهور آن حضرت نخواهد داشت (2) ودر حدیثی آمده است : یمانی از شیعیان ا میرالمؤمنین (ع) ا ست (3)

1 . سفینه البحار به نقل از معارف و معاریف ج10 ص 617 .

2 . روزگار رهایی ج2 ص 1023

3 . غیبه نعمانی ص 63 1 بحا رالانوار ج52 ص 75 .

صیحه آسمانی

منظور از صیحه آسمانی ، ظاهراً صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان شنیده می شود (1) و همه مردم آن را می شنوند . در روایات ، تعبیرهای نداء و " فزعه " و " صوت " نیز به کار رفته که ظاهر آن ها نشان می دهدکه هر یک از آن ها

نشانه جداگانه ای است که پیش از ظهور واقع می شود (2) لکن به نظر می رسدکه این ها تعبیرهایی گوناگون ازیک حادثه ویا دست کم ، اشکال گوناگون یک حادثه باشند . مراد از همه آن ها ، بلند شدن صدایی در آسمان است . ولی به اعتبار این که صدای عظیم ، بیدار باشی است که همه را متوجه خود می کند ونیز موجب وحشت عمومی و ایجاد دلهره و اضطراب می گردد ، به آن صیحه ، فزعه ، صوت و نداء که هر یک بیانگر ویژگی از آن حادثه اند ، اطلاق شده است . این احتمال هم وجود داردکه آن ما سه حادثه جدای از هم باشدکه در یک زمان رخ نمی دهند ، بلکه ابتدا صدایی عظیم همه را متوجه خود می کند صیحه به دنبال آن صدایی هولناک ، مردم را به وحشت می اندارد فزعه و آن گاه صدایی از آسمان شنیده می شودکه مردم را به سوی مهدی (ع) فرا می خواند نداء (3)

امام باقر (ع) می فرماید : نداکننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند ، پس هرکس در شرق و غرب است ، آن را می شنود . از وحشت این صدا ، خوابیده ها بیدار ، ایستادگان نشسته ونشستگان بر دو پای خویش می ایستند . رحمت خدا برکسی که از این صدا عبرت بگیرد و ندای وی را اجابت کند؟ زیرا صدای نخست ، صدای جبرئیل روح الامین است . آن گاه می فرماید : این صدا در شب جمعه

23 ماه رمضان خواهد بود . در این هیچ شک نکنید وبشنوید و فرمان برید . در آخر روز ، شیطان فریاد می زندکه فلانی مظلومانه کشته شد تا مردم را بفریبد وبه شک اندارد . (4)

البته روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد . از مجموع روایات می توان استفاده کرد : 01 صیحه از نشانه های حتمی ظهور است ، 2 . این صدا از آسمان شنیده می شود ، به گونه ای که همه مردم زمین از شرق و غرب آن را می شنوند ، 3 . محتوای این پیام آسمانی ، دعوت به حق رحمایت وبیعت با مهدی (ع) است . . . . هم زمان با آن یاکمی پس از آن ، در روی زمین نیز صدایی شنیده می شود . ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند . جبرئیل ، مردم را به حق فرا می خواند . (5)

مطلب دیگر این که در برخی روایات ، سخن از " نداء " درکنارکعبه به میان آمده است . امام صادق (ع) می فرماید : گویا می بینیم که حضرت قائم (ع) در روز شنبه عاشورا ، هنگام ظهر ، بین رکن ومقام ، درکنارکعبه ایستاده است ودر پیش او ، جبرئیل صدا می زند : بیعت برای خداست . . . (6)

گویا این ندا غیر از ندای آسمانی وصیحه است که به عنوان نشانه ظهور بیان شده ، زیرا این ندا در زمین وپس از ظهور است و ندا

در آسمان و در آغاز روز صورت می گیرد . ولی احتمال هم داردکه همان صدای آسمانی ، توسط سخنگوی حق ، جبرئیل ، ارکنارکعبه بلند شود و در تمام جهان شنیده شود . (7) از امام صادق (ع) درباره ندای آسمانی پرسیدند ، فرمود : هر جامعه و مردمی به زبان و فرهنگ خود ، آن ندای آسمانی را می شنود . (8)

ا . منهاج الدموع ص 93 .

2 . وافی ج2 ص 443 .

3 . غیبه نعمانی ص 257 .

4 . همان ص ، 254 .

5 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 230 .

6 . غیبه طوسی ، ص 453 منتخب الاثرص 464 .

7 . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 233 .

8 . غیبه طوسی ص 266 بحارالانوارج 52 ص 288

نشانه های حتمی ظهور

نشانه هایی که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت ، پنج نشانه است که به آن ها علائم حتمی می گویند . زیرا در مورد آن ها احتمال بداء نیست و به طور یقین و جزم واقع شدنی است . این علائم پنج گانه حتمی در روایات و اخبار از زبان حضرات ائمه معصومین (ع) به ویژه امام علی ، امام صادق و امام باقر (ع) مطرح شده است .

امام صادق (ع) می فرماید : پنج نشانه قبل از ظهور قائم می باشد : 1 . صیحه آسمانی 2 . خروج یمانی 3 . خسف در سرزمین بیداء4 . خروج سفیانی

5 . قتل نفس زکیه (1)

ا . منتخب الاثرص 452 .

خروج سفیانی

یکی از نشانه های قطعی ظهور است . سفیانی ، عنصر بی بند وبار ، آلوده وپرده در اموی نسب واموی نژاد است که در سوریه انقلاب می کند وانقلابش نیز ، پس از غلبه بر دوگروه مخالف خویش ، به ظاهر پیروز می گردد و آن ده خط مخالف راکه رهبری یکی را مردی سرخ رو و دیگری را مردی " ابرص " به عهده دارد ، در هم می کوبد . فضای سیاسی و اجتماعی برای او آماده می شود و او بر منطقه وسیعی که شامل : دمشق ، حمص ، حلب ، اردن ، فلسطین و اسرائیل کنونی است ، مسلط می گردد ویهودیان و عناصر تبهکار و حق ستیز ، کودکان پرورشگاهی وکنار خیابانی از او پیروی می کنند و همه این تحولات ظرف شش ماه صورت می پذیرد .

پس از استقرار قدرت وسیطره سفیانی در سوریه ومنطقه وسیعی که نام برده شد ، سپاه گرانی مرکب از 142 هزار نفر سازماندهی می کند وبخشی از آن را به منظور فتح عراق وبخشی دیگر را به سوی حجاز ومدینه منوره ، گسیل می دارد . سپاه 12 هزار نفری او به سوی مدینه می رود تا حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر بزرگ جهانی را که خبر ظهورش پخش گردیده ، دستگیر نماید . آنان سه روز در مدینه توقف می کنند ودر آن جا دست به چپاول وجنایت می زنند وپس از آن ، بخش مهم آن 12 هزار نفر ، مدینه

را به منظور دستیابی به امام مهدی (ع) به قصد مکه ترک می کنند ، چرا که اطلاع می یابندکه آن اصلاحگر بزرگ ، از مدینه به مکه رفته است .

این سپاه تجاوزکار در راه مکه ، به بیابانی می رسند ودر آن جا ، زمین به امر خدا همه آنان را می بلعد و جز دو نفر باقی نمی ماند ، یکی از آن دو به سوی حضرت مهدی (ع) می رود تا بشارت نابودی دشمنان حق وعدالت را بدهد ودیگری به سوی سفیانی می رود تا سرنوشت شوم ستونی از سپاه تجاوزکار او را گزارش کند . اما سپاه تجاوزکاری که از سوی سفیانی به عراق گسیل می گردد ، در منطقه ای از اطراف نجف که روحاء نام دارد پیاده می شود وده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف وکوفه حرکت می کنند .

روز عیدی از اعیاد اسلامی ، تجاوز خویش را به این دو شهر آغاز می کنند وسر راه خود با ستونی از مدافعان که از بغداد می رسد درگیر می شوند و میان این ده ها هزار مدافع عراقی و سپاه سفیانی ، جنگ وحشتناکی جریان می یابد که البته سپاه سفیانی پیروز می شود وکوفه را به اشغال خود در می آورد ودر آن جا سخت به کشتار وسیع غیر نظامیان ، جاری ساختن سیلاب خون از بیگناهان ، برپا ساختن چوبه های بی شمار دار وبه اسارت بردن زنان ودختران ، دست می زند . مردی برای دفاع ازکوفه وحقوق مردم آن بپا می خیزد وانقلابی به راه می

اندازد ، امَا کشته می شود .

سرانجام این بخش از سپاه سفیانی به سوی شام برمی گردد ، اما گروهی ازکوفه وگروهی به فرماندهی سید هاشمی وگروهی به فرماندهی قهرمان پرواپیشه " یمنی " ، سپاه 100 هزار نفری سفیانی را تعقیب می کنند وطی جنگ خونین میان راه عراق وشام همه را درهم می کوبند و انبوهی اسیر و غنایم جنگی ، بدست می آورند .

اما سرانجامِ شوم سفیانی و جنبش ارتجاعی او ، بدین گونه پایان می پذیرد که : حضرتِ مهدی (ع) آن اصلاحگر زمین وزمان پس از ظهور خویش ، از مکه به تدریج به کوفه می رسد وپس از استقرار عدالت در حجاز و عراق ودمشق ، قلمرو سیطره ظالمانه سفیانی را هدف قرار می دهد . در حرکت اصلاحی امام به سوی شام ، انبوهی از حق طلبان به او می پیوندند وسفیانی نیز در رمله ، شمال شرقی فلسطین و قدس برای شرارت آماده می شود . لحظات رویارویی دو سپاه حق و باطل و عدل و بیداد ، فرا می رسد ، گروه هایی از سپاه سفیانی ، قرارگاه خویش را رها کرده وبه لشکر حق می پیوندند وگروهی نیز به سپاه سفیانی ملحق می شوند . شرایط برای یک پیکار بزرگ وسرنوشت ساز آماده می شود .

سفیانی با دریافت گزارش رسیدن نیروی حق و آمدن اصلاحگر بزرگ امام مهدی (ع) از عراق به شام وفلسطین ، خود را با همه قدرت و امکانات آماده رویا رویی ودیدار می کند و بنا به روایتی از امام باقر (ع)

می گوید :

" اخرجوا الی ابن عمی

یعنی : عموزاده ام را نزد من بیاورید . (1) پس از آنکه رویاروی هم قرار می گیرند وامام مهدی (ع) سفیانی را برای گفتگو به حضور می پذیرد و آن گفتگو به بیعت سفیانی با حضرت مهدی وبا ایمان به او وحرکت عظیم وعمیق و آسمانی او می انجامد ، سفیانی از قرارگاه حضرت مهدی (ع) به سوی سپاه خویش باز می گردد که سران سپاهش می پرسند : چه کردی؟ پاسخ می دهد : " من در برابر منطق پولادین وموضع بحق حضرت مهدی (ع) ، اسلام او را پذیرفتم وبه راه و رسم اوگردن نهادم و با او دست بیعت دادم وازگذشته سیاه خویش ، ندامت کردم سران سپاه او می گویند : زشت باد رأی تو در شرایطی که خلیفه ای بلا مانع وپراقتدار به سوی امام مهدی (ع) رفتی ، اینک بر خط اطاعت اوگردن نهاده ، بازگشته ای؟ سفیانی از پیمان خویش دست کشیده وبیعت خویش با حجت خدا وخلیفه راستین او را می شکند وبه تشویق سران سپاه تجاوزکار خود ، برای پیکار با حق و عدالت آماده می شود 0

سحرگاه یکی از روزها ، پیکار نهایی حق وباطل آغاز می گردد و خداوند پس از نبردی خونبار میان دو سپاه عدل وظلم ، حجت خدا ویاران حق گرای او را پیروزی کامل می بخشد و آنان ، سپاه حق ستیز سفیانی را به طورکامل نابود می سازند . (2)

طبق روایت دیگری ، سفیانی از سرنوشت شوم

وتکان دهنده سپاه خویش که در راه مکه به زمین فرو می رود وزمین به فرمان خدا آن ها را می بلعد درس عبرت گرفته و می کوشد تا فرمان امام مهدی (ع) راگردن نهد . به همین جهت بیعت می کند ، اما پس ازاندک زمانی بیعت خویش را می شکند و سرکشی می کند وپس از نبردی خونین به اسارت درمی آید و نابود می گردد . (3)

به روایت دیگری ، پس از دستگیری به دستور حضرت مهدی (ع) در دروازه بیت المقدس کشته می شود . (4)

1 . به اعتبار اینکه از نسل بنو امیه است و آنان خود را پسرعموهای بنی هاشم می پندارند .

2 . بحار الانوار ج 52 ص 388 معجم احایث الامام المهدی (ع) ج 3 ص 6 31 .

3 . عقد الدررص 33 1 معجم احادیث ، الامام المهدی (ع) ج 1 ص 5 0 5 .

4 . عقد الدور ص 85 معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج 3 ص 313 .

وقت ظهور

بداء

در لغت به معنای ظهور وروشن شدن پس از مخفی بودن چیزی است واصطلاحا به روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم است بدین معنا که خداوند متعال بنا بر مصلحتی مسأله ای را از زبان پیامبر یا ولی ای از اولیای خویش به گونه ای تبیین می کند وسپس در مقام عمل ظهور وبروز ، غیر آن رابه مردم نشان می دهد .

در قرآن آمده است : یمحُواالله ما یَشاءُ و

ینبت وَعِنْدَه ام الکتابِ ، (1)

خداوند هر چه رابخواهد محو یا ثبت می کند در حالی که ام الکتاب نزد اوست او خود می داند عاقبت هر چیزی چیست .

و در آیه ای دیگر : وبدالهم سیئات ما کسبوا ، (2)

بدی هایی راخودکسب کرده بودند و برای آن ها مخفی بود ، برای شان نمایان شد .

ویا : ثم بدالهم من بعد ما راوا الایات (3)

پس از آن که نشانه ها رادیدند حقیقت امر بر آن ها روشن شد .

این ظهور پس از خفا تنها برای انسان رخ می دهد ودر مورد خداوند متعال ابداً صدق نمی کند وگرنه لازمه اش این است که خداوند نسبت به آن موضوع ، جهل داشته باشد که این امر محالی است .

خداوند ، چنانکه قرآن کریم می فرماید به همه چیز آگاه وداناست : ان الله کان علیما خبیرا (4) ، ونسبت به همه چیز در همه زمان ها ومکان ها چه حاضر باشند وچه غایب ، چه موجود باشند وچه فانی و چه در آینده به وجود بیایند علم حضوری دارد .

قرآن کریم در این زمینه می فرماید : إن الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء (5) هیچ چیزی در آسمان وزمین از انظرخداوند متعال مخفی نمی شود . از همین روست که مسئله بداء وظاهر کردن آن امر مخفی ، به خداوند نسبت داده می شود : و بدالهم من الله ما لم یکونوا یحتسبون خداوند آن چه راگمان نمی کردند ، برای

آن ها ظاهرکرد .

بر اساس آیه : ان الله لا یغیر ما بقوم یغیروا ما بانفسهم (6)

خداوند چیزی را که از آنِ مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند وبا استفاده از دیگر آیات وروایات می توان چنین برداشت کردکه برخی اعمال حسنه ، نظیر : صدقه ، احسان به دیگران ، صله رحم ، نیکی به پدر ومادر ، استغفار وتوبه ، شکر نعمت واداى حق آن و . . . سرنوشت شخص را تغییر داده و رزق و عمر و برکت زندگی اش را افزایش می دهد . همان طورکه اعمال بد و ناشایست ، اثر عکس آن را بر زندگی شخص می گذارد .

پیش از شرح این عبارت که بداء در حقیقت ظاهر شدن چیزهایی است که از ناحیه خداوند متعال برای مردم مخفی وبرای خودش مشخص بود ، لازم است یاد آور شویم که خداوند متعال بنا بر آیات قرآن دو لوح دارد :

1 . لوح محفوظ : لوحی که آن چه در آن نوشته می شود پاک نشده ومقدرات آن تغییر نمی یابند چراکه مطابق با علم الهی است : بل هو قرآن فی لوح محفوظ بلکه آن قرآن مجیدی است که درلوح محفوظ ثبت گردیده است .

2 . لوح محو و اثبات : بنابر شرایط وسنتی از سنت های الهی ، سرنوشت شخص یا جریانی به شکلی خاص می شود ، با از بین رفتن آن سنت ها ویا مطرح شدن سنت های جدید ، سرنوشت آن شخص ویا آن جریان تحت الشعاع سنت های جدید قرار می گیرد

. به عنوان مثال بناست که شخص در سن 20 سالگی فوت کند ، اما به واسطه صله رحم یا صدقه ای که می دهد ، 30 سال به عمرش اضافه می شود وتا 50 سالگی زنده می ماند ویا به عکس ، آن شخص بناست 50 سال عمرکند به واسطه گناه کبیره ای خاص 30سال از عمرش کاسته می شود و در 20 سالگی می میرد . البته خداوند متعال از اولمی دانست که بناست اولی 50 سال ودومی 20 سال عمرکند ، ولی برای روشن شدن این سنت های الهی مطلب به این شکل از زبان پیامبران یا اولیای الهی (ع) بیان می شود .

درقرآن کریم هم آمده است : یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب (7) ویا این آیه : ثم قضی اجلا و اجل مسمی عنده (8)

با توجه به این دو لوح ومطالبی که تا به حال به آن ها پرداختیم ، این سؤال به ذهن می رسد که : آیا ظهور حضرت مهدی (ع) و نشانه هایی که برای آن بیان شده است ، در لوح محفوظ اند یا محو واثبات به عبارت دیگر آیا ممکن است اصلا مسئله ای به نام ظهور ایشان تا آخر عمر بشریت وهستی اتفاق نیفتد ویا ظهور بدون تحقق نشانه ها رخ دهد یا همه نشانه ها باید رخ دهند؟ در پاسخ به این سؤال بایدگفت : جز نشانه هایی که صراحتا در احادیث به حتمی بودن آن ها اشاره شده است ، بقیه نشانه های ظهور همگی از امور

موقوفه به شمار می روند ، چنان که بزرگانی مانند شیخ مفید ، شیخ صدوق و شیخ طوسی بدان تصریح کرده اند .

بدین معنا که به جز نشانه های حتمی ظهور بقیه آن ها بنا بر مشیت و اراده الهی وممکن است دچار تغییر وتبدیل ، تقدم ویا تأخر شوند .

به عبارت دیگر آن ها از جمله امور لوح محو واثبات به حساب می آیند وممکن است با تغییر وتبدیل در شرایط آن ها وعوض شدن علل رخ دادن آن ها به گونه دیگری پدید آیند ویا اصلا رخ ندهند . البته بسیاری از رویدادهایی که در احادیث ما به آن ها اشاره شده است تاکنون اتفاق افتاده اند ودچار بداء در اصل تحقق خویش نشده اند .

مثلا اگر در حدیث به نزول بلایی مشروط اشاره شده باشد به واسطه توسل واستغفار مؤمنان ومسلمانان ممکن است در نزول آن تأخیر رخ دهد ویا اصلا چنین بلایی به جهت عظمت عمل صالح ایشان نازل نشود ویا اینکه با برخی اعمال صالح ویا ناصالح ، ظهور حضرت را دچار تعجیل یا تأخیرکنند .

شاید بتوان علت بیان چنین اخباری را این دانست که اگر مسأله به این شکل تبیین نمی شد ، مؤمنان هم از احتمال حدوث آن حادثه باخبر نمی شدند وبدان مبتلا می گشتند ، اما پس از صدور حدیث از ناحیه معصوم (ع) و آگاه شدن مؤمنان ومسلمانان از آن ، با دعا وتوسل واستغفار از پدید آمدن چنان حادثه ناگواری ممانعت به عمل آورند ویا سبب حدوث اتفاقی خوشایند شوند .

البته فراموش نکنیم که عکس این مطلب

هم کاملا صادق است ، به این معنا که شخص معصوم (ع) با اعلام نزول بلا وعلت آن ، حجت رابر مردم تمام می کنند که شما با وجود آنکه می توانستید ، آن بلا را از خویش دفع نکردید ، یا فلان خیر رابه سوی خویش جلب ننمودید و از همین روست که روایت شده است : خداوند متعال ، به چیزی مثل بداء عبادت نشده است (9)

ظهور حضرت حجت (ع) از اموری است که در اسلام نسبت به آنها به شدت تاکید شده و در حتمیت آن ذره ای شک و شبهه وجود ندارد .

در آیاتی نظیر آیه 55 سوره نور خداوند متعال به مؤمنان وعده داده است که فرمانروایان زمین گردند و بر آن سیطره یابند که چنین واقعه ای در تمام طول تاریخ تا کنون اتفاق نیفتاده است واز آن جا که اِن الله لا یُخلِف المیعاد ، (10) و خداوند در وعده خویش تخلف نمی کند ، در آینده ای دور یا نزدیک حتماً چنین اتفاقی خواهد افتاد ان شاءالله . . . . (11)

علاوه بر اینکه در موارد بسیاری رسول اکرم اسلام (ص) و معصومین (ع) شدیداً تاکید نموده اند که : حتی اگر از عمر هستی بیش از یک روز باقی نمانده باشد ، خداوند آن قدر این روز را طولانی می کند که حضرت مهدی (ع) ظهورکرده وجهان را مملو از قسط و عدالت گرداند . (12)

1 . سوره رعد 39

2 . سوره زمر 48

3

. سوره یوسف35

4 . سوره نساء 35 .

5 . سوره آل عمران 55 .

6 . سوره زمره 47 .

7 . سوره رعد 39 .

8 . سوره انعام 2 .

9 . کافی ج ا باب بداء

10 . سوره آل عمران 9 .

11 . نشریه موعود شماره 37ص 60

12 . ارشاد مفید ، ج 2 ص 340 اعلام الوری ص 1 40 بحارالانوار ج 51 ص 133 .

جمعه

به سکون میم به معنی هفته وبه ضم میم ، نام یکی از روزهای هفته است . (1)

روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام زمان دارد .

یکی آن که ولادت حضرت درآن روز بوده است . دیگرآن که ظهورآن جناب در روز جمعه خواهد بود (2)

انتظار فرج درآن روز بیشتر از روزهای دیگر است ، بلکه عید بودن روز جمعه وشمردن آن را به عنوان یکی از اعیاد چهارگانه ، به جهت آن است که در روز زمین را از لوث شرک و کفر واز وجود ملدین و کافرین پاک می فرماید (3)

راوی می گوید خدمت امام علی النقی (ع) رسیدم و گفتم : ای سید من حدیثی از رسول خدا (ص) روایت شده که معنای آن را نمی فهمم . فرمود : چیست گفتم لا تعادوا الایام فتعادیکم یعنی با روزها دشمنی نکنید که آن ها با شما دشمنی خواهند کرد حضرت فرمود مراد از ایام ما هستیم مادامی که آسمان ها وزمین بپاست شنبه اسم رسول خدا (ص) است و یکشنبه امیر

المؤمنین (ع) و دوشنبه حسن وحسین (ع) و سه شنبه علی بن الحسین ومحمد بن علی و جعفر بن محمد (ع) و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی ومحمد بن علی (ع) ومنم و پنجشنبه فرزندم حسن (ع) و جمعه فرزند فرزندم است وبه سوی او اهل حق جمع می شوند . . . . . سفیانی نیز در روز جمعه خروج می کند (4)

در فضیلت روز جمعه پیامبر (ص) فرمودند روز جمعه بهترین روزهاست و نزد خداوند از روزعید قربان وعید فطرارجمندتر است (5)

همچنین امام باقر (ع) فرمودند خوبی و بدی در روز جمعه دو چندان می شود امام صادق (ع) نیزدر روز جمعه , عملی را برتر از صلوات بر محمد وآل محمد نمی داند . (6)

پیامبر (ص) فرمود : خداوند در روز جمعه , ششصد هزار نفر را از آتش آزاد می سازد که همه مستحق دوزخ بوده اند (7)

اولین کسی که جمعه را جمعه نامید کعب ابن لوی بن غالب یکی از اجداد پیامبر (ص) بود .

پیش از آن این روز را عروبه می گفتند . (8)

1 . معارف ومعاریف ج 4ص 92 1 .

2 . بحارالانوار ج 52 ص 279 .

3 . مفاتیح الجنان اعمال روز جمعه

4 . مفاتیح باب اول فصل پنجم

5 . بشاره الاسلام ص 192

6 . بحار الانوار ج 89 ص 367

7 . ثواب الاعمال

ص 172

8 . خصال ص 394

9 . بحار الانوار ج 89ص 268وج 59 ص36

عا شورا

در پاره ای روایات ، از عاشورا به روز ظهور حضرت مهدی (ع) تعبیر شده است .

امام باقر (ع) می فرمایند : حضرت قائم (ع) روز شنبه که روز عاشورا است قیام می کند روزی که امام حسین (ع) شهید شد (1)

و نیز می فرمایند : آیا می دانید که این روز عاشورا چه روزی است؟ همان روزی است که خداوند توبه آدم و حوا را پذیرفت روزی است که خداوند دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و فرعون و پیروانش را غرق کرد و موسی (ع) بر فرعون پیروز شد . روزی است که ابراهیم (ع) متولد شد . روزی است که خداوند توبه قوم یونس (ع) را پذیرفت روز تولد حضرت عیسی (ع) و روزی است که حضرت قائم (ع) در آن روز قیام می کند (2)

امام باقر (ع) می فرماید : یکدیگر را در روز عاشورا ، این گونه تعزیت دهید : اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین وجعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع اولیه الامام المهدی من آل محمد (ع) (3) خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و ما و شما را ازکسانی قرار دهدکه به همراه ولی اش ، امام مهدی از آل محمد (ع) ، طلب خون آن حضرت کرده ، به خون خواهی او

برخیریم .

خود حضرت مهدی (ع) نیز در زنده نگهداشتن یاد عاشورا می کوشد گواه آن داستان علامه بحرالعلوم است که با آن کهولت سن و موقعیت علمی و اجتماعی ، در صف سینه زنان امام حسین (ع) با وضعیتی خاص ظاهر می شود . و وقتی از او می پرسند چرا چنین عزاداری می کنید؟ می فرماید : بارسیدن به دسته سوگواران ، چشمم به محبوب دل ها ، امام عصر (ع) افتاد ودیدم آن حضرت ، باسرولای برهنه درمیان انبوه عزاداران ، درسوگ پدرش حسین (ع) باچشمانی اشک بار به سروسینه می زند به همین جهت ، قرار ازکفم رفت وچنین به سوگواری پرداختم . (4)

1 . کمال الدین ج 2 ، ص 653 غیبه طوسی ص 274 .

2 . بحارالانوار ج 52 ص 285 .

3 . مصباح المتجهد مفاتیح الجنان

4 . عاشورا وانتطار پورسیدآقایی ص 27 .

توقیت

به معنای وقت قرار دادن است .

در روایات از معین کردنِ وقت ، برای ظهور حضرت مهدی (ع) نهی شده است . امام صادق (ع) می فرماید : کسی که برای مهدی ما وقت تعیین کند ، خود را در علم خدا شریک پنداشته است و ادعا کرده است که بر اسرار خدا واقف ا ست . (1)

1 . بحارالانوار ج53 ص 3, الزام الناصب ، ص 30 .

سال فرد

در روایات است که حضرت مهدی (ع) در یکی از سال های فرد ظهور می کند سال هایی چون یک ، سه ، پنج ، هفت یا نُه (1)

1 . کشف الغمه ج 3ص 534 بحار الانوار ج 52ص 235 .

الر

از امام باقر (ع) آمده که حضرت فرمود : در حروف مقطعه قرآن علم بسیاری است خدای تعالی نازل فرمود : الم ذلک الکتاب . . . پس حضرت محمد (ص) قیام کرد تا اینکه نورش ظاهر گشت و سخنش در دل ها نشست ، و آن حضرت متولد شد در هنگامی که از هزاره هفتم ، صد و سه سال گذشته بود ، سپس فرمود : بیان این مطلب درکتاب خداوند در حروف مقطعه است ، هرگاه آن ها را بدون تکرار بشماری ، از حروف مقطعه هیچ حرفی نمی گذرد ، جز این که با گذشت آن یکی از بنی هاشم قیام کند . سپس فرمود ، الف یک ، لام سی ، میم چهل ، و صاد نود است که مجموع آن ها صد و شصت و یک می باشد .

وآغاز قیام امام حسین (ع) (الم) بود . و چون به آخر مدتش رسید ، قائم فرزندان عباس درالمص قیام کند ، و چون آن بگذرد ، قائم ما درالر بپا خیزد . پس این را بفهم و به خاطر بسپار وازنااهل آن را کتمان کن . (1)

1 . بحارالانوار ج 2 5 ص 106 به نقل از مکیال المکارم ، ج 2ص

. 484

امر ناگهانی

در بسیاری از روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نقل شده ، این نکته مورد تاکید قرارگرفته که ظهور نیز مانند قیامت ، ناگهانی وغیر منتظره فرا می رسد وزمان آن را هیچ کس جز خداوند نمی داند .

از جمله در روایتی که امام رضا (ع) به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند ، چنین آمده است : به پیامبر (ص) عرض شد : ای رسول خدا آن قائم که از نسل شماست چه وقت ظهور می کندآن حضرت فرمود : ظهور او مانند قیامت است (1)

امام باقر (ع) نیز درتفسیر آیه شریفه (هل ینظرون إلا الساعةَ أَن تَاتِيِهم بغته وهم لا یشعرون (2) می فرماید : مراد از ساعت ، ساعت قیام قائم (ع) است گه ناگهان بر ایشان می آید .

حضرت مهدی (ع) نیز در نامه خود به شیخ مفید می نویسد : . . فَإن امرنا بغته فجاه (3) فرمان ما به طور ناگهانی فرا می رسد .

دو واژه بغته وفجاه هر دو ، به یک معناست که عبارت از ناگهانی رسیدن امر است وظاهر سخن این است که منظور ازامرا در نامه مبارک ، همان ظهور حضرت ولی عصر (ع) است .

واما نشانه های قطعی ای که پیش از ظهور رخ می دهد ، روز ظهور را مشخص نمی سازد وظهور آن حضرت برای مردم ، به ویژه برای کسانی

که به خاطر بها ندادن به مسأله یا ضعف عقیده به حضرت مهدی (ع) پیرامون وجود گرانمایه او وظهورش نمی اندیشند ، ناگهانی تر وغافلگیر کننده ترخواهد بود . (4)

1 . کمال الدین ج 2ص372

2 . سوره زخرف 66

3 . بحارالانوار ج24ص 164 .

4 . احتجاج طبرسی ج 2 ، ص 497 بحارالانوار ج 53 ، 75 1 .

ذی حَجه

دوازدهمین ماه سال عرب و از ماه های حرام است پیامبر (ص) در ذکر نشانه های ظهور فرمود : صیحه ای در ماه رمضان شنیده می شود . . . قبیله ها در ماه ذی حجه به جنگ برمی خیزند ونشانه آن این است که حجاج را غارت می کنند وفاجعه بزرگی در منی روی می دهد که افراد بی شماری کشته می شوند وخون ها ریخته می شود و بر جمرات می ریزد (1)

نفس زکیه را روز 25 ذی حجه در میان رکن ومقام مظلومانه می کشند . (2)

همچنین یکی از نامه هایی که از ناحیه مقدسه به افتخار شیخ مفید صادر شده ، تاریخ وصول آن 23 ذی حجه سال 412 هجری می باشد (3)

در دهم ذی حجه آخرین سال غیبت ، سفیانی ، کشتارگاه کوفه را به راه می اندازد و علاوه بر مردم ، هفتاد عالِم دینی را شهید می کند . در دهم ویازدهم ذی حجه ، در مکه ومنی آشوب می شود . و در این ماه در مدینه منوره ، مرد هاشمی به شهادت می رسد . (4

)

1 . روزگار رهایی ج 2 ، ص 865 بحار الانوار ج 51ص81 .

2 . روزگار رهایی ج 2 ص 1067 الزام الناصب ص190 .

3 . احتجاج طبرسی ج2 ، ص 495 و499 .

4 . شش ماه پایانی مجتبی الساده ترجمه مطهری نیا ص 203 .

ربیع

ربیع الاول و ربیع الثانی ، ماه های سوم و چهارم سال قمری هستند .

شب هشتم ماه ربیع الاول سال 260 هجری وفات حضرت عسکری (ع) واقع شده است (1) به نقل شیخ مفید در روز دهم ماه ربیع الثانی سال 232 ولادت حضرت عسکری (ع) بوده است . (2)

از امام صادق (ع) درباره امام مهدی (ع) پرسیدند که آیا به هنگام ولادت دیده می شود؟ فرمود : آری ، به خدا قسم ، از روز تولد تا روز وفات پدرش دیده می شود ، آن گاه از آخرین ساعات روز جمعه هشتم ربیع الاول سال260 غایب می گردد . (3)

و آخرین دیدار عمومی حضرت بقیه لله با شیعیان ، روز هشتم ربیع الاول سال 260 بود ، که در مراسم تشییع جنازه پدرش ظاهر گردید وبر جنازه پدر بزرگوارش نماز خواند و سپس غائب شد (4)

در احادیثی که در باب آشوب های جهانی آمده است ، می خوانیم که جنگهای قبیله ای در ماه ربیع روی می دهد (5)

1 . بحارالانوار ج 51 ، ص23 محجه البیضاء ج 4 ، ص335

2 . معارف ومعاریف ، ج 5 ص 624 و

3 . بحارالانوار ج 3 5 ص 6 بشاره الاسلام ص 267 .

4 . روزگار رهایی ج ا ص 287

5 . منتخب الاثر ص 451 روزگار رهایی ج 2ص 904 .

رمضان

ماه نهم از ماه های قمری است وبه قولی ، یکی از اسماء خداوند است .

بیست ویکم این ماه ، حضرت عیسی (ع) به آسمان رفته است .

از حضرت مهدی (ع) در پاسخ نامه حمیری آمده که وداع ماه رمضان در شب آخر آن است واگر احتمال دهی که ماه ناقص باشد ، در دو شب ، آن را وداع کن (1)

امام صادق (ع) فرمود : آن صیحه آسمانی که در ماه رمضان ، پیش از ظهور طنین می افکند ، در شب جمعه ، شب 23 ماه رمضان خواهد بود (2)

در روایات آمده که وقتی سفیانی خروج می کند ، سی هزار نفر از قبیله کلب با او در ماه رمضان بیعت می کنند . (3)

امام صادق (ع) فرمود : نشانه پدیده های ماه رمضان ، علامتی است در آسمان که به دنبال آن اختلافی شدید در میان مردمان پدید می آید . (4)

در روایات ، خسوف ماه در شب اول ماه رمضان وکسوف خورشید در پانزدهم آن ازنشانه های ظهور حضرت مهدی (ع) یاد شده است (5) و در برخی ، کسوف خورشید در پانزدهم رمضان و خسوف ماه در آخر آن ذکر شده است (6) امیر مؤمنان علی (

ع) فرمود : از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید : اختلاف شامیان ، پرچم های سیاه از خراسان ، وصیحه آسمانی در ماه رمضان . (7)

1 . معارف ومعاریف ج 5ص 701 .

2 . غیبه طوسی ص 274 کمال الدین ج 2 ، ص 650 بحار الانوار ج 2 5 ص 204 .

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 1083

4 . همان ص 839 .

5 . ارشاد مفید ص 338 اعلام الوری ص 428

6 . روزگار رهایی ج 2 ص 843

7 . غیبه نعمانی ص 133 بحار الانوار ج 52ص 229 منتخب الاثر ص220

شوال

در شوال آخرین سال غیبت ، در نزدیکی مدینه دیر الزور سوریه معرکه قرقیسیا روی می دهد که صد هزار نفر از ستمگران کشته می شوند وسفیانی پیروز می گردد . (1)

1 . شش ماه پایانی ، مجتبی الساده ترجمه مطهری نیا ، ص 203 .

صَفَر

در آخر الزمان در ماه صفر ، نشانه بسیار روشنی از آسمان ظاهر می شود ونشانه دیگری نیز در زمین آشکار می گردد ودر مشرق زمین ، حادثه هولناکی واقع می شود که موجب وحشت واضطراب می گردد .

نشانه روشن آسمانی در آن روز ، ظاهر شدن کف دستی است در قرص خورشید که در روایات آمده است . (1)

1 . روزگار رهایی ج 2 ، ص 1 098 .

شعبان

ماه هشتم از ماه های عرب است .

در جاهلیت آن را عاذل می گفتند ولادت حضرت مهدی (ع) درآن واقع شده است .

در این ماه روحیه آمادگی آمیخته به ترس و هراسی در جهان اسلام نمایان می شود که ناشی از بروزآن دسته از جریانات سیاسی است که در یک عرصه با هم به تاخت وتاز مشغولندکه از ماه رجب به مرور رو در روی هم قرارگرفته اند .

به طورکلی دو جریان در این ایام در حال شکل گرفتن است . جریان یاوران حضرت مهدی (ع) یمانی از یمن وسید خراسانی از ایران وجریان سفیانی که بر رقبای خویش اصهب وابقع فایق آمده وپس از این پیروزی با رومیان ویهودیان غرب هم پیمان گشته است .

در ماه شعبان جریانات از هم جدا شده ومردم هم ازکنار یکدیگر پراکنده می شوند وبه همین علت است که در احادیث نشانه ها و حوادث دوران ظهور ، خاورمیانه همانند میدان مبارزه وجنگهای متعدد وبا کشته های بسیار ترسیم شده است . ساکنان این منطقه هم که مسلمانان هستند در شرایط گرفتاری وسختی وناراحتی به سر

می برند که نتیجه عدم ثبات سیاسی کشورهای منطقه است وبه زودی هم آتش جنگ جهانی بزرگی برافروخته خواهد شد .

ابو بصیر نقل می کندکه از امام صادق (ع) درباره ماه رجب پرسیدم حضرت فرمودند : پیش از اسلام دوران جاهلیت آن را یعنی ماه رجب را بزرگ می شمردند و درآن جنگ نمی کردند نام آن را ماه خالی از ندای جنگ نهاده بودند .

ابو بصیر می گوید : پرسیدم شعبان؟ فرمود : امور درآن از هم جدا می شود؟ گفتم ماه رمضان چطور فرمود : ماه خداوند تبارک وتعالی است که درآن به نام صاحب شما ، حضرت مهدی (ع) وپدرش ندا در دهند .

. . . پرسیدم : جمادی الاول والثانی؟

فرمود : از ابتدا تا انتهایش فتح وپیروزی است (1)

ابو حمزه ثمالی از قول امام باقر (ع) نقل کرده که فرمودند : وقتی شنیدید که مردم شام دچار اختلاف شده اند ، ازآن جا فرارکنید که فتنه وکشتار به جانش افتاده است .

گفتم به کجا فرارکنیم؟ فرمودند : مکه بهترین جایی است که مردم بدانجا بگریزند (2) در روایتی که در روضه الکافی آمده واین رویدادها را توصیف کرده و مردم را متوجه وظایفشان درآن زمان وشرایط می کند آمده است : وقتی ماه رجب شد با نام خداوند متعال روی کنید و اگر دوست داشتید که تا شعبان به تأخیر بیندازید ، ضرر نمی بینید و اگر دوست داشتید که در میان اقوام و خویشانتان پناه بگیرید روزه بگیرید شاید برای شما بهتر محکم تر باشد

. سفیانی هم به عنوان یک نشانه برای شماکافی است (3)

در این حدیث اجازه داده شده است که شتاب کردن در مسافرت تا پایان ماه رمضان به تأخیر انداخته شود .

1 . بحار الانوار ج 19 ، ص 63 مستدرک ج 2 ، ص265 .

2 . بحار الانوار ، ج52 ص 271 .

3 . همان ص302 .

رجب

ماه هفتم از سال قمری و از ماه های حرام است .

بر طبق روایات ، اتفاقات گوناگونی درآن می افتد .

امام رضا (ع) فرمود : در ماه رجب ، سه ندا از آسمان طنین می افکند : یکی می گوید : به هوش باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد

دومی می گوید : هان ای مؤمنان رستاخیز ، نزدیک است .

و سومی می گوید : خداوند آن گرامی را فرمان ظهور داده است ، پس سخنان او را بشنوید وفرمان او را گردن نهید (1)

در سلسله روایاتی که در باب آشوب های جهانی وارد شده ، از امیرالمؤمنین (ع) آمده است : همه شگفتی ها در میان جمادی ورجب است . یکی از مستمعان پرسید : ای امیر مؤمنان این چه حادثه شگفت انگیزی است که این همه موجب تعجب شما شده است؟ فرمود : رای بر تو ، چه چیزی شگفت انگیزتر از این که مردگان برخیزند وگردن زنده ها را بزنند . (2)

در روایت دیگری می خوانیم : خروج سفیانی ، یمانی و خراسانی ، در یک روز ویک ماه ویک سال خواهد بود . هر

سه در یک روز از ماه رجب یک سال ، خروج خواهندکرد . (3)

نیز در سالی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، بیست وچهار باران رحمت می باردکه به وسیله آن ها زمین مرده را زنده می سازد ، یکی ازآن ها در ماه جمادی الثانیه می بارد ودیگری در ماه رجب که ده روز تمام طول می کشد واثرآن در همه جا دیده می شود وبرکت آن در همه جا ظاهر می گردد . (4)

همچنین آمده است : سالی که صیحه آسمانی درآن شنیده می شود ، نشانه ای پیش ازآن ، در ماه رجب دیده می شود . گفته شد : آن نشانه چیست؟ امام صادق (ع) فرمود : سیمایی در قرص ماه دیده می شود . . . . (5)

1 . غیبه طوسی ص 268 بحارالانوار ج 2 5ص 289 .

2 . بحارالانوار ، ج 53 ص 1 8

3 . روزگار رهایی ج 2 ص 1101

4 . الزام الناصب ص 85 1 روزگار رهایی ج 2 ص 828 .

5 . بحار الانوار ، ج 52 ، ص 233 ارشاد مفید ، ص 337 .

ذی قعده

یازدهمین ماه از سال قمری واز ماه های حرام است

ابوریحان در آثارالباقیه آورده که روز پنجم آن کعبه نازل شد وابراهیم واسماعیل (ع) به تجدید بنای کعبه پرداختند (1)

در نشانه های سال ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است که جنگ وجدال در ماه ذی قعده روی می دهد (2)

نیز

آمده است که در ذی قعده ، هرج ومرجی پدید می آید (3)

بیست ویکم وبیست ودوم ذی قعده آخرین سال غیبت حضرت ، سفیانی در بغداد ، کشتارگاهی برپا کرده وهشتاد هزار نفر را می کشد (4)

1 . معارف ومعاریف ج5ص 578 .

2 . کشف الغمه ج 3 ص260و277 بحارالانوارج51 ص 81

3 . منتخب الاثر ص451

4 . شش ماه پایانی مجتبی الساده ترجمه مطهری نیا ص 203

بعد از ظهور

کمالات در عصر ظهور

کمالات در عصر ظهور

پیامبر گرامی اسلام (ص) در وصف حضرت قائم (ع) فرمود : او ظاهر و باطن امامان است . (1) یعنی آن حضرت آشکارکننده علوم ظاهر و باطن است که خداوند متعال به پیامبر و امامان (ع) عطا فرموده و مظهر تمام کمالات و شؤون آنان است . امیرالؤمنین (ع) فرمود : ای کمیل هیچ علمی نیست مگر این که من افتتاح کننده آنم و هیچ چیزی نیست ، مگر این که قائم آن را به پایان می رساند (2) با این ویژگی هاکه برای حضرت در روایات آمده ، تغییرات و تحوَلات در دوران ظهور ، بی نظیر است . در روایتی است وقتی حضرت ظهور می کند ، خداوند در گوش ها و چشم های شیعیان ، به اندازه چهار فرسخ قوت می دهد و به کمال می رساند و آنان با حضرت تکلم می کنند و سخنان یکدیگر را می شنوند . (3) علاوه بر این در روایت دیگری است که در زمان قائم (ع) مؤمن در مشرق ، برادر خود را در

مغرب می بیند و بالعکس (4) بحث کامل شدن عقول بندگان و ظهور تمام علم و دانش در دوران ظهور نیز در روایات است . (5)

1 . کمال الدین ج1 ص 281

2 . مکیال المکارم ج1 ص 117 .

3 . نجم الثاقب باب سوم

4 . همان

5 . بحار الانوار ج52 ص 326 .

مدینه فاضله مهدی

تا آن جاکه در حافظه تاریخ به یاد مانده است ، هیچ گاه انسان از اندیشه و رویای بهتر زیستن فارغ نبوده و همیشه ، نگاه او برای یافتن آینده ای بهتر و سامان یافته تر ، دور دست ها را نظاره کرده است . این رؤیا ، در زندگانی انسان به گونه های مختلفی تبلور یافته است و بارزترین نمونه از آن را در اندیشه مدینه فاضله می یابیم . و اما مهم ترین و برجسته ترین خصوصیات مدینه فاضله اسلامی که تحقق آن را پس از ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی به ما وعده داده اند عبارتند از : ا . مدینه عدل در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان هیچ ویژگی به اندازه عدالت و قسط روشنی ندارد . در زیارت صاحب الامر می خوانیم : السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر . . (1) در مدینه فاضله اسلامی و در بستر ظهور آن منجی نیز ، همه سخن از عدالت است . دامنه عدالت او ، تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده است ، حتی عدالت و دادگری ممچون گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ می کند و مأمن و

مسکن وجود آًنان را سامان می بخشد . (2) در سایه این عدالت ، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند . (3)

2 . مدینه رفاه مدینه فاضله اسلامی ، مدینه رفاه و آًسایش همگانی است . رفاه و تنعم بدان سان که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه یافت نمی توان کرد . یک دلیل مهم بر این امر ، توزیع عادلانه ثروت ها و منابع است . در روایات ، سخن ازکثرت مال ، وفور نعمت ها ، باران های پی درپی ، سبکباری از بارهای سنگین زندگی ، ادای قرض مقروضین و سخن از بذل و بخشش امام (ع) بر همگان است ، به طوری که از طلب مال و بخشش دیگران بی نیازگردند . (4)

3 . مدینه امن که در روایتی از امام صادق (ع) در تفسیرآیه شریفه وَعَد الله الذین ا امَنوا . . . . و لیبدلنهم من بعدِ خوفهم امنا ، می فرماید : نزلت فی القائم واصحابه (5) یعنی وعده خداوند ، مبنی بر اینکه وحشت و خوف مؤمنان را به امنیت و سلام تبدیل می کند ، در زمان ظهورآن حضرت ، معنی و مصداق می یابد .

4 . مدینه تربیت : تربیت و پرورش روح انسان ها و توجه به اخلاق و فضائل روحی ، از اساسی ترین برنامه های ظهور است . انسان ها درکنار غنای مالی ، از فنای قلبی و روحی نیز بهره مند می گردند (6) و درکنار تمام

نعمت و وفور ثروت ، به کمال اخلاق و فضیلت های انسانی راه می یابند . (7)

5 . مدینه علم : علم دوره ظهور ، دوران گسترش علم و دانایی است و مدینه فاضله اسلامی ، مدینه العلم است . او می آید و دانایی و فرزانگی ، جانشین جهل و نادانی می گردد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می شود . (8)

6 . مدینه مستضعفان : آنان که پیش از ظهور ، بار سنگین فقر و بیچارگی و نامردمی را تحمل کرده اند ، اکنون در راستای اجرای عدالت باید به حق مسلم خویش در وراثت و پیشوایی زمین دست یابند (9) و بدین سان ، بهشت زمینی در عالم خارج ، واقعیت می یابد (10)

1 . مفاتیح الجنان زیارت صاحب الامر

2 . بحارالانوار 6 ج 52 ص 362 .

3 . بحارالا نوار ج 52 224 .

4 . بحارالانوار ج 52 ص 390 .

5 . غیبه طوسی ص 240ذیل آیه 55 سوره نور .

6 . بحار الانوار ج84 ص 1 05

7 . بحارالانوار ج84 ص 23 1 .

8 . بحارالانوار ج75 ص 51

9 . سوره قصص 5

10 . چشم به راه مهدی ص 98 1 .

مرگ حضرت

ما منا الا مقتول

یعنی هیچ یک از ما معصومین خاندان نبوت نباشد ، جز این که به مرگ شهادت از دنیا برویم . این جمله از قول چند تن از حضرات معصومین (ع) نقل شده است (1) در روایتی آمده است که : ما مِنا الا

مسموم او مقتول (2) . کسانی که معتقدند پایان عمر حضرت ، شهادت است و به مرگ طبیعی نمی میرد ، به این احادیث استناد کرده ا ند .

1 . بحار الانوار ج27 ص 214 و 209 .

2 . بحار الانوار ج 27ص 217

هفت تکبیر

با هفت تکبیر بر جنازه حضرت علی (ع) نماز خواندند ، و این عمل پس از ایشان ، فقط بر جنازه حضرت مهدی (ع) جایز است . امیر المؤمنین (ع) بر امام حسن (ع) وصیت کرد که : پس از کفن و حنوط و بردن تا موضع قبر شریف ، بر من نمازکن و هفت تکبیر بگو . بدان که این عمل برای احدی غیر از من ، حلال نیست ، مگر بر مردی که در آخرالزمان ظهور می کند اسم او قائم مهدی (ع) است که از فرزندان برادر تو ، حسین است (1)

در معجزات حضرت مهدی (ع) آمده است که حضرت جلوی قسطنطنیه فرود می آید . در آن روزگار ، آن دژ ، هفت دیوار دارد و حضرت هفت تکبیر می گوید و دیوارها فرو می ریزد . (2)

1 . نجم الثاقب باب سوم

2 . عقد الدرر ص 180 .

مرگ حضرت

این که حضرت ، به مرگ طبیعی یا شهادت از این جهان خواهد رفت ، اختلاف هایی در روایات به چشم می خورد .

برخی از روایات می گویندکه آن حضرت مدتی حکومت خواهدکرد ، سپس وفات می کند و مسلمانان بر او نماز می گذارند5 از بعضی روایات استفاده می شودکه مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران ، با مشخصاتی که برای آنان ذکر شده ، به شهادت می رسد . (1)

امام صادق (ع) می فرمایند : چون دولت حقه مدتش به

سر آید ، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد . او را زنی از بنی تمیم به شهادت می رساندکه نام او سعیده است و همانند مردان ، ریش و سبیل دارد . او به هنگام عبور حضرت ، سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی او پرتاب می کند و حضرت را به شهادت می رساند (2)

بررسی و قضاوت در این امر مبتنی بر دو مسأله است : 1 . آیا همه امامان معصوم (ع) شهید می شوند یا امکان دارد که به مرگ طبیعی از دنیا بروند ؟ 2 . اگر در سایر ائمه (ع) پذیرفتیم که همه به شهادت رسیده اند ، نسبت به امام زمان (ع) چه خواهد شد ؟ اجل طبیعی یا شهادت ؟

اما این که آیا همه ائمه به شهادت رسیده اند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند اختلاف است : شیخ صدوق بر این باور است که همه معصومین به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند . . . . کسی که چنین عقیده نداشته باشد ازما نیست . (3)

شیخ مفید در جواب صدوق می نویسد : آن چه را که شیخ صدوق در رابطه با درگذشت پیامبر (ص) وامامان معصوم (ع) به ستم و قتل گفته ، برخی از آن ها ثابت است و برخی مشکوک . اما شهادت امام علی و امام حسن و امام حسین (ع) حتمی و قطعی است . پس از ایشان ، مسمومیت و شهادت موسی

بن جعفر (ع) نیز قطعی و مسلم است . درباره امام رضا (ع) نیز قول قوی مسمومیت و شهادت ایشان است ، گرچه جای تردید هست . اما در دیگر ائمه (ع) راهی برای اثبات این که آنان به وسیله ستم یا ترور ویا قتل ، به شهادت رسیده اند ، در دست نیست . (4) علامه مجلسی پس از آن که روایات را زیر عنوان انهم علیهم السلام لایموتون الأ بالشهاده می آورد ، نظر شیخ مفید را مورد نقد و بررسی قرار می دهد .

امام حسن مجتبی (ع) می فرماید : هیچ یک از ما امامان نیست ، جز آن که مسموم یاشهید می شود (5)

قاتلین به شهادت ائمه ، اصل کلی را از این گونه روایات استفاده کرده اند و بر این نظرند که ساختار بدنی پیامبر و امامان (ع) به گونه ای است که زمینه و ظرفیت حیات و عمر طولانی را دارند مگر عارضه و حادثه ای از خارج بر آنان تحمیل شود . (6)

به هر حال اگر نظر شیخ صدوق را بپذیریم و به روایات ما مِنا الأمسموم او مقتول (7)

پایبند باشیم و آن ها را از نظر سند بپذیریم ، امام زمان (ع به دست جنایتکاران به شهادت می رسد . ولی اگر قول شیخ مفید را بپذیریم ، باید بگوییم که چگونگی مرگ حضرت مهدی (ع) روشن نیست . (8)

امام صادق (ع) فرمود : . . .

چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل های مردم استقرار یافت ، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد . حضرت امام حسین (ع) متولی غسل وکفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی ، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند . (9) سلام علیه یوم ولد و یوم یظهر و یوم یموت و یوم یبعث حیا .

1 . تاریخ ما بعد الظهور سید محمد صدر ص 881 .

2 . الزام الناصب ص 109 به نقل از روزگار رهایی ج 2 ص 662

3 . اعتقادات صدوق ج 5 ص 99 کنگره شیخ مفید .

4 . تصحیح الاعتقاد مفید ، ج 5 ص 0131

5 . بحار الانوار ج27ص217

6 . تاریخ الغیبه الصغری ، ص 230 .

7 . بحار الانوار ج27 ص 217

8 . چشم به راه مهدی ص360

9 . کافی ج8 ص 206 بحار الانوار ج 53ص 13

خاک سپاری حضرت

امام صادق (ع) می فرماید : چون معرفت و ایمان به حضرت در دل های مردم استقرار یافت ، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد . پس حضرت امام حسین (ع) متولّی غسل وکفن وحنوط ودفن ایشان خواهد شد وهرگز غیر از وصی ، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند (1)

1 . بحار الانوار ج53 ص 13 و ج 51 ص 56 کافی ج 8 ص 206

اِعلام ظهور

ظهور حضرت مهدی (ع) ، ابتدا به وسیله منادی آسمانی اعلام می گردد ، آن گاه حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است ، با دعوت به حق ، ظهور خود رااعلام می کند .

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند : هنگامی که منادی ازآسمان ندا می دهد ، حق از آن آل محمد (ع) است شمااگر طالب هدایت و سعادت هستید ، به دامان آل محمد (ع) چنگ زنید ، حضرت مهدی ظهور می کند . (1)

1 . احقاق الحق ج 13 ص 324 .

اولین دادگاه پس از ظهور

موتور

به معنای کسی است که یکی از نزدیکانش کشته شده و انتقام او را نگرفته باشد (1) و از القاب حضرت مهدی (ع) است . در روایات متعددی ، حضرت به لقب " موتور " ذکر شده است موتور " به والد ، منظورکسی است که پدرش کشته شده و خونخواهی او نشده است علامه مجلسی فرموده که مراد به والد ، یا حضرت عسکری (ع) یا امام حسین (ع) و یا جنس والدکه شامل همه ائمه (ع) می شود است .

امام صادق (ع) نیز فرمود : قائم موتور و خشمناک خروج می کند ؟ در حالی که پیراهن خونین رسول خدا (ص) که در جنگ احد بر تن داشت ، بر بدن آن حضرت است (2) در برخی روایات موتور بابیه دارد . در زیارت عاشورا می خوانیم : السلام علیک یاثار الله ابن ثاره والوتر الموتور (

3) >

1 . الرائد ج2 ص 1688

2 . نجم الثاقب باب دوم

3 . مفاتیح الجنان باب سوم

اولین دادگاه پس از ظهور

بر طبق برخی روایات ، نخستین دادگاهی که در دولت حقه حضرت مهدی (ع) تشکیل می شود ، برای بررسی خون به ناحق ریخته شده محسن حضرت فاطمه (ع) است . (1)

1 . روزگار رهایی ج 2 ص 070 1 .

منتقم

در بعضی از روایات و دعاها از حضرت بقیه الله (ع) با لقب منتقم یاد شده است . انتقام در لغت به معنی مجازات کردن به کار می رود . در قرآن کریم در مواردی این صفت به خدا هم

نسبت داده شده است . به عنوان مثال در آیه 37 سوره زمر می خوانیم : الیس الله بعزیز ذی انتقام . و اما حضرت مهدی (ع) پس ازتمام شدن حجت بر مردم و از بین رفتن بهانه ها و عذرهاست که مجبور به استفاده از قدرت و شمشیر خواهد شد . به عبارت دیگر در شرایطی که هیچ چیز به جز قدرت نظامی کارایی ندارد ، امام (ع) به آن متوسل خواهد شد وگرنه درآغاز قیام باز همانند انبیاء و اوصیای الهی توده های مردم را موعظه می کنند و در حد لازم به روشنگری و از بین بردن شبهات آن ها می پردازند . منتهی چون بسیاری از افراد پیروی از اوامر و رهنمودهای آن حضرت را به زیان حکومت و موقعیت ظالمانه خود خواهند دید ، در نتیجه علی رغم درک حقانیت آن حضرت به خاطر زرق و برق و مطامع دنیوی به روی امام (ع) شمشیر خواهند کشید . در این شرایط است که آن

حضرت هم مجبور به استفاده از قوای نظامی و قدرت شمشیر خواهند شد . به علاوه ازتوَجه به مضمون و مفاد روایات و ادعیه ای که امام عصر (عج) را با لقب منتقم یاد کرده اند ، به خوبی این حقیقت روشن می شودکه انتقام گیری آن حضرت از ستمگران و متعدیان به حقوق انسان ها و مستکبران خواهد بود یعنی آن هایی که بندگان خدا را به بردگی برای خود وا می دارند و حاضر نیستندکه بگذارند آن ها آزادانه برای خود یک زندگی و خط مشی مستقلی انتخاب کنند و به خاطر منافع خود همه هستی و سرمایه های مادی و معنوی آنان را نابود می کنند . وقتی امام مهدی (ع) ظهورکنند از قدرت های استکباری ، انتقام توده های مستضعفی را که سال ها تحت سیطره آن ها واقع شده اند خواهدگرفت . در مقابل ، آن حضرت با توده های مردم جز به شیو ه عفو و رحمت و بخشندگی رفتار نخواهند کرد . همان گونه که مفاد روایات و دعاها بر این موضوع دلات دارند ؟ به عنوان مثال : پیامبر اکرم (ص) در خطبه معروف خود در روز عید غدیر وقتی به توصیف امام مهدی (ع) می پردازند می فرمایند : . . الا أنه المنتقم من الظالمین الا عنه مدرک کل صار اولیاء الله عزوجل . .

آگاه باشید که او خاتم الاوصیاء مهدی موعود (ع) انتقام گیرنده از ستمگران است او خونخواه خون به ناحق ریخته همه بندگان صالح خداست . (1)

احمد .

بن اسحاق می گوید : روزی در حضور امام عسکری (ع) بودیم که توفیق زیارت فرزند بزرگوارشان امام مهدی (ع) نصیب من شد . شنیدم که آن جانشین بر حق حضرت عسکری (ع) فرمودند : انا بقیه الله فی بارضه و المنتقم من اعدائه . .

من بقیه الله در روی زمین خدا هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت (2) .

در قسمتی از دعای ندبه در اشاره به این مسئولیت امام زمان (ع) می خوانیم این الطالب ĠșИṢIالانبیاء و این الطالب بدم المقتول بکربلا . . . .

کجاست آن منتقمی که خون به ناحق ریخته و پایمال شده پیامبران و فرزندان آن ها را طلب خواهدکرد کجاست آنکه از خون شهیدکربلا انقام خواهدکشید (3)

نقل شده است که وقتی در روز عاشورا امام حسین (ع) و اصحابش به دست شقی ترین انسان ها به ناجوانمردانه ترین صورت به شهادت رسیدند ، ملائکه الهی از این پیشامد بسیار ناراحت شدند و شکایت به درگاه الهی بردند . خداوند متعال در پاسخ به آن ها ضمن نشان دادن نور وجود حضرت مهدی قائم آل محمد (ع) فرمودند : یذلک القائم انتقم منهم

به توسط این قائم از قاتلان امام حسین و یارانش انتقام خواهم گرفت (4) در حدیث معراج پیامبر اکرم (ص) باز در این باره می خوانیم وقتی در عرش الهی چشم رسول گرامی اسلام به نورهای ائمه اطهار (ع) افتاد و دید یکی از آن ها با سایر نورها

فرق می کند ، از جانب خداوند متعال ندا رسیدکه : او همان قائم ماست او همان کسی است که حلال ما را حلال و حرام ما را حرام خواهدکرد . . . من به توسط او از دشمنان انتقام خواهم گرفت (5) همانگونه که از تک تک این روایت ها و نظایر آن ها برمی آید ، مهدی موعود (ع) آن دست انتقام خداوندی است که همه حقوق پایمال شده انسان های صالح و مظلوم در طول تاریخ را از دشمنان باز خواهد ستاند و هرکجا خونی به ناحق ریخته شده است انتقام آن را از عاملان آن خواهدگرفت و این کار نه تنها موجب نگرانی و دلهره مردم نمی شود ، بلکه دل های توده مردم را در طول تاریخ شادابی می بخشد و به آن ها نشان می دهدکه اگر در نتیجه طغیان و تعدی عد ه ا ی ستمگر برخی از حقوق آن ها پایمال شد ، بالاخره روزی ستمگران به سزای اعمال خود رسید ند . (6)

ا . بحار الانوار ج 37 ص 211و 213 .

2 . الزام الناصب ج 1 ص 253 .

3 مفاتیح الجنان دعای ندبه .

4 . بحار الانوار ج73 ص 294

5 . کمال الد ین ج 2 ص 252 .

6 . نشریه موعود ش 34ص 34

ناصبی ها

هنگامی که حضرت مهدی (ع) قیام کند ، همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می کنند . اگر به اسلا م اقرارکردند ، آنان را رها می کند وگرنه به قتل می

رسند ، یا آنان را به پرداخت جریه هم چنان که اهل ذمه می پردازند ملزم می کند . (1) مرحوم مجلسی می گوید : شاید این حکم ، مربوط به آغاز قیام باشد زیرا ظاهر روایات این است که از آنان جز ایمان پذیرفته نمی شود و اگر نپذیرند ، کشته می شوند (2) ابو بصیر می گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : رفتار امام مهدی (ع) با ناصبی ها وکسانی که با شما دشمنی دارند ، چگونه خواهد بود ؟ فرمود : ابا محمد در دولت و حکومت ما ، مخالفان بهره ای نخواهند داشت . خداوند برای ما خون های شان را در آن هنگام حلال خواهد کرد ، ولی امروز خون شان بر ما و شما حرام است (3)

1 . بحار الانوار ج52 ص 372 .

2 . مرآه العقول ج 26 ص160 .

3 . بحار الانوار ج 52 ص 367 به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) طبسی ص 47 01

حکومت

تخریب مساجد

هنگامی که قائم (ع) قیام می کند ، چهار مسجد را درکوفه ویران می سازد وهیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد ، مگر این که کنگره واشراف آن را ویران می کند وبا حالت سا دگی وبدون اشراف ، آن را برجای می گذارد وهر مسجدی را که در مسیر جاده قرار بگیرد ، ویران می سازد . (1) شاید مراد ، چهار مسجدی باشد که سران لشکر یزید ، پس از شهادت امام حسین (

ع) به شکرانه کشتن آن حضرت ، درکوفه ساختند و بعدها به مساجد ملعونه معروف شدند . هر چند این مساجد اکنون موجود نیست ، ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت ، آن ها را دوباره بسازند . (2) امام باقر (ع) نیز درباره این مساجد می فرماید : درکوفه به دلیل شادی ازکشتن حسین (ع) چهار مسجد ساخته شدکه عبارتند از : مسجد اشعث ، مسجد جریر ، مسجد سماک ومسجد شبث بن ربعی (3) . حضرت علی (ع) فرمود : بی گمان هنگامی که قائم ما قیام کند ، مسجدکوفه را ویران کرده ، قبله آن را تعدیل می کند . (4) ابوهاشم جعفری می گوید : خدمت امام حسن عسکری (ع) بودم که ایشان فرمود : هنگامی که حضرت قائم قیام کند ، دستور می دهد مناره ها و مقصوره هایی (5) که در مساجد است ، ویران شود . با خود گفتم : چرا حضرت چنین می کند ؟ امام رو به من کرد و فرمود : چون این ها بدعت هایی است که پیامبر وامامی آن را نساخته است . (6)

در روایات دیگر سخن از تخریب سقف مساجد (7) وتخریب مسجد الحرام ومسجد النبی و بازگرداندن آن ها به اندازه اصلی شان است . (8)

ا . من لا یحضره الفقیه, ج 1 ص 53 بحار الانوار ج 52 ص 333 .

2 . مهدی موعود ص 1 094

3 .

بحارالانوار ج 45 ص 89 1 0

4 . غیبه نعمانی ص 317 بحار الانوار ج 2 ص 0364

5 . محلی از مسجدکه برای خلیفه یا امام جماعت می ساختند تا در حال نماز در آن جا بایستد فرهنگ عمید

6 . غیبه طوسی ص 23 ا کشف الغمه ج 3 ص 208 بحار الانوار ج 50 ص 0215

7 . وسائل الشیعه ج 3 ص 488 من لا یحضره الغیبه ج1 ص 53 1 .

8 . ارشاد مفید ص 364 غیبه طوسی ص 297 بحارالانوار ج 602 ص 332 .

عدالت مهدی (ع)

در زیارت صاحب الامر می خوانیم : السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر . (1) در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان (ع) هیچ ویژگی به اندازه عدالت و " قسط " روشنی ندارد . آن قدرکه در روایات بر ویژگی عدالت گستری آن حضرت تاکید شده ، بر سایر مسائل چنین ابرامی نرفته است و این نشان از برجستگی این مهم در دوران ظهور دارد . ده ها و بلکه صدها روایت درکتاب های مختلف روایی ، به ویژه درکتاب منتخب الاثر " کمال الدین " ، در مورد عدالت گستری آن حضرت وارد شده است . در بسیاری از این روایات ، از آن امام به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است . دامنه عدالت حضرت تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده است حتی عدالت و دادگری همچون گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ می کند . (2) خداوند چنان بر این مهم تاکید دارد که

اگر حتی یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد ، از آن را چنان طولانی خواهد کرد (3) تا رؤیای موعود مردمان از راه برسد . در سایه این عدالت ، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند . (4) حقوق به یغما رفته انسان ها به آن ما باز می گردد . (5) بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از سر وگردن انسان ها باز می گردد و زمینه استثمار انسان از انسان به کلی برچیده می شود . (6) کارگزاران ظلم و بیداد ، مورد بازخواست قرار می گیرند . قاضیان و حاکمان کج رفتار ، از مسؤولیت خویش عزل می شوند و زمین ، از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می گردد . (7) عدالت چنان می شود که مردم آرزو می کنند ، ای کاش مردگانشان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره مند می شدند . (8) بر طبق برخی روایات ، نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم (ع) آشکار می شود ، این است که اعلام می کند ، کسانی که حج یا مناسک مستحب به جا می آورند و حجر الاسود را استلام می کنند و طواف مستحبی انجام می دهند ، آن را به کسانی که حج واجب دارند ، واگذارکنند . (9)

ا . مفاتیح الجنان زیارت صاحب الامر .

2 . بحار الانوار ج 52 ص362

3 . کمال الدین ص 318 .

4 . بحار الانوار ج 52ص 224

5 . همان ج 52

ص 225

6 . بحار الانوار ج 51ص 57

7 . همان ص120

8 . مجمع الزوائد ج 7ص 315

9 . کافی ج 4ص 427 بحار الانوار ج52ص 374

شیوه حکومت حضرت

امام صادق (ع) می فرمایند : قائم بر طبق شیوه پیامبر اکرم (ص) رفتار می کند و آن چه از نشانه های جاهلیَت باقی باشد را از میان برمی دارد وپس از ریشه کن ساختن بدعت ها ، اسلام را از نو پیاده می کند . (1)

1 . بحارالانوار ج 52 ص 352 منتخب الاثر ص 305

بازرگانی در عصر ظهور

رشد وگسترش بازرگانی درکشور وجامعه ، نشانه شکوفایی اقتصاد وثروتمند بودن آن جامعه است هم چنان که تعطیل شدن بازارها وکساد بازرگانی ، نشانه فقر جامعه است . از آن جا که در حکومت امام عصر (ع) مردم در وضعیت اقتصادی خوبی به سر می برند ، بازرگاتی رونق می گیرد و بازارها فعال می شوند . رسول خدا (ص) در این باره می فرماید : از نشانه های قیامت ظهور مهدی (ع) این است که مال وثروت همانند سیل در میان مردم به جریان می افتد ، علم و دانش ظاهر می شود و بازرگانی گسترش یافته ، شکوفا می گردد . (1) عبدالله بن سلام می گوید : مردم پس از خروفی دجال ، چهل سال زندگی می کنند ونخل ها می نشانند و بازارها بر پا می گردد (2)

1 . عیون الاخبار این قتیبه ج 1 ص 12 .

2 . درالمنثور ج 5 ص 354 به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی عج طبسی ص 208

بی نیازی در عصر ظهور

امام صادق (ع) بی نیازی همگانی را در عصر حضرت مهدی (ع) چنین توصیف می کند : به منادی دستور می دهدکه در میان مردم اعلام کند ، هرکس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد . از میان همه مردم فقط یک نفر برمی خیزد ومی گوید : من حضرت قائم (ع) به او می فرماید : برو پیش کلیددار وبگو مهدی به تو دستور می دهد که مالی به من بدهی . کلیددار می گوید :

جامه ات را بیاور . جامه اش را پهن می کند ووسط آن را پر می کند . هنگامی که آن را بر دوش می گیرد پشیمان می شودکه چرا در میان امت محمدی (ص) من از همه آزمندتر باشم چرا آن عفت نفس عمومی را من دارا نباشم آن گاه مال را به کلیددار پس می دهد وپذیرفته نمی شود و حضرت مهدی (ع) می فرماید : ما آن چه عطاکردیم هرگز بازپس نمی گیریم .

در حدیث دیگری امام صادق (ع) می فرمایند : به همه شیعیان ما اجازه داده شده از آن چه در دست دارند به شیوه ای نیکو انفاق کنند ، ولی هنگامی که قائم ما (ع) قیام کند بر همه ثروت اندوزان ثروت اندوزی را حرام می کند ، بر صاحبان گنج هاست که گنج های خود را پیش او بیاورند تا در راه بی نیازی عمومی خرج شود علی بن عقبه نقل می کند : در آن روزگار ، کسی جایی را برای دادن صدقات وصرف پول در راه نیک نمی یابد ، زیرا بی نیازی ، همه مؤمنان را فراگرفته است .

از این گونه روایات دو نکته دانسته می شود : 1 . مردم در حکومت حضرت ، چنان از نظر فکری رشد می کنندکه بدون زور و فشار ، به وظایف خود در همه ابعاد عمل می کنند . یکی از آن وظایف ، پرداخت مالیات درآمد به دولت اسلامی است . اگر همه مسلمانان ، خمس درآمد وزکات اموال خود را به حکومت اسلامی پرداخت کنند

، رقم بزرگی را پدید می آورد و دولت بر هرگونه اقدام اصلاحی وخدمات همگانی قادر می شود . 2 . هر چند بخشش آن حضرت در آن روزگار بی حساب است و مردم به شیوه های گوناگونی درآمدهایی دارند که آنان را بی نیاز می کند ، ولی آن چه بیش تر نظر را جلب می کند بلند طبعی وروح بی نیازی در آنان است . مردم در عصر امام زمان (ع) از فنای روحی برخوردارند واین همان دگرگونی معنوی است که در آن عصر پدید می آید . (1)

1 . چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبسی ص 200

دام پروری در عصر ظهور

از جمله ویژگی های دوران حکومت حضرت مهدی (ع) گسترش دام پروری است . علاوه بر فراوان شدن آب و رونق کشاورزی ، دام وگوسفند نیز فراوان می گردد (1) رسول خدا (ص) می فرماید : در آن عصر ، گله های دام فراوان وجود دارند و به زندگی ادامه می دهند (2) در سخن پیامبر (ص) نکته ای وجود دارد و آن این که گویا پیش از آن ، در اثرکمبود آب وعلوفه وگسترش بیماری ها ، دام ها نمی توانستند به زندگانی ادامه بدهند . نیز آن حضرت می فرماید پس ازکشته شدن دجال ، خداوند به گله ها برکت می دهد به گونه ای که بچه شتری ، گروهی از مردم را سیر میکند وگوساله ای ، غذای قبیله ای را فراهم می سازد و بزغاله ای ، برای سیرکردن گروهی کافی

است (3)

1 . بحار الانوار ج 51 ص 81 کشف الغمه ج 3ص 260 عقدالدرر ص 144 .

2 . احقاق الحق ج 13 ص 215 ج 19 ص 681 .

3 . فتن ابن حماد ص 148 .

رفاه در عصر ظهور

یکی از برنامه های الهی حضرت مهدی (ع) رفاه همگانی و آباد ساختن جهان انسانی است .

او خواهد آمد تا به برکت وجودش ، همه جمعیت روی زمین از رفاه وآبادانی برخوردار شوند . در این زمینه روایات بسیاری از وجود مقدس رسول خدا (ص) وسایر پیشوایان معصوم (ع) رسیده است که ما در این جا به ذکر چند حدیث بسنده می کنیم . پیامبر (ص) می فرماید : امت من در زمان حضرت مهدی (ع) آن چنان از نعمت الهی بهره مند می شوند که هرگز نظیرآن دیده نشده است . آسمان باران رحمتش را سیل آسا برآن ها فرو می ریزد ، زمین چیزی ازگیاهانش را باقی نمی گذارد ، جز این که آن را می رویاند ، درآن روز ثروت بر روی هم انباشته می شود ، هر کسی که بیاید وبگوید : ای مهدی به من عطاکن ، می فرماید : بگیر (1) وحضرتش در ضمن حدیث دیگری می فرماید : ساکنان آسمان و زمین از او راضی و خشنود می شوند ، مال را به طور مساوی بین آن ها تقسیم می کند ، قلوب امت محمد (ص) را پر از بی نیازی می نماید وعدالتش همگان را فرا می گیرد .

(2) امام باقر (ع) می فرماید : راه های اصلی را توسعه می دهد ، بالکن هایی که به داخل راه ها آمده از بین می برد . ناودان هایی را که به کوچه ها می ریزد برمی دارد ، هیچ بدعتی نمی ماند مگر این که آن را از بین می برد ، وهیچ سنَت نیکی نمی ماند جز این که آن را برپا می دارد (3)

امام صادق (ع) نیز فرمود : صله رحم به جای آورید وبا همدیگر نیکی ومهربانی کنید . سوگند به خدایی که دانه را شکافت وانسان را آفرید ، روزی خواهد رسیدکه یک نفر از شما نتواند محلی را پیداکندکه دینار یا درهمی از مال خودش را درآن جا به مصرف برساند . (4) و در حدیث دیگری آمده است که فرمود : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، به عدالت رفتارخواهدنمود . . . و به حکم حضرت داود ومحمد (ص) در میان مردم داوری خواهد کرد ودر آن هنگام زمین گنجینه های خود را آشکار خواهد ساخت وبرکات خود را بیرون خواهد فرستاد . در آن زمان ، انسان برای صدقات و میرات خود ، جایی پیدا نمی کند ، زیرا بی نیازی همه مؤمنان را فرا می گیرد . (5)

در روایات سخن از کثرت مال ، وفور نعمت ها ، باران های پیاپی ، سبکباری و رهایی از بارهای سنگین زندگی (6) آسودگی از رنج طلب کردن و نیافتن ، ادای قرضِ تمام مقروضین

واداءِ دینِ تمام صاحبان دین و (7) آبادی همه خرابی ها است (8)

از مجموع این احادیث استفاده می شودکه در روزگار شکوهمند حضرت مهدی (ع) همگان از نعمت های الهی برخوردار می شوند ، و حق هر صاحب حقی به او می رسد وسرانجام امنیت و آرامش در تمام جهان گسترده می شود و همگان در رفاه وآسایش کامل زندگی می کنند و حتی درندگان نیز به همدیگر اذیت و آزار نخواهند رسانید . (9)

بحث رفاه عمومی در هنگام ظهور حضرت درکتاب هندوها (10) وتورات (11) و انجیل (12) نیز آمده است .

1 . فتن ابن حماد ص 253 عقد الدرر ص 195 .

2 . کنزالعمال ج 14 ص 261 مسند احمد ج 3 ص 427 .

3 . ارشاد مفید ص 365 بشاره الاسلام ص 258 غیبه طوسی ص 283 .

4 . غیبه نعمانی ص 150 .

5 . ارشاد مفید ج 2 ص 384 اعلام الوری ج 2 ص 0 29 بحار الانوار ج 52 ص 338 .

6 . همان ص 123

7 . همان ج 52 ص 390

8 . کمال الدین ص 331 .

9 . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص 326 .

10 . بشارات عهدین ص 272

11 . کتاب مقدس اشیعیای نبی ص 1046

12 . کتاب مقدس انجیل متی ص 44 .

برکت درعصر ظهور

از ویژگی های دوران حکومت حضرت مهدی (ع) رواج برکت است . علاوه

بر آنکه خداوند ، برکت را از آسمان فرو می فرستد (1) چشمه سارها می جوشد وزمین ، چند برابر محصول می دهد (2) درباره برکت محصولات روایات مختلفی آمده است : یک دانه انار ، چندین نفر را سیر می کند (3) ویک خوشه انگور را چندین نفر می خورند (4) و سیر می گردند .

یک کشاورز از هر مَن گندم ، صد من محصول به دست می آورد (5) همان گونه که خداوند فرمود : در هر سنبلی صد دانه به عمل می آید وخداوند برای هرکس که اراده نماید ، زیادتر . (6) درختان بار می گیرند وبرکت ها فراوان می گردد (7) واما درباره برکت در عمرو نیروی انسان ها نیز روایات مختلفی آمده است ، از جمله این که : مردم در سایه فرمان روایی او ، عمری دراز خواهند داشت ، به گونه ای که برای هر شخص ، هزار فرزند متولد می شود . (8) توان ونیروی هر یک از شیعیان حضرت ، برابر با نیروی چهل مرد می گردد (9) ومؤمنان ، مانند پاره های آهن می گردند . (10)

1 . ملاحم ابن طاووس ص 71 و 141 . عقد الدرر ص 169 .

2 . بحا رالانوار ج 52 ص 0304

3 . ملاحم ابن طاووس ص 152 .

4 . همان .

5 . الشیعه و الرجعه ج 1ص 167 .

6 . سوره بقره 261 .

7 . ملاحم ابن طاووس ص

8 . ارشاد مفید ص 363 بحار الانوار ج 52 ص 337 وافی ج 2ص 0113

9 . غیبه نعمانی ص 317 خصال صدوق ج 2 ص 541 .

10 . خصال صدوق ص 507

کارگزاران حکومیت مهدی (ع)

در حکومتی که امام مهدی (ع) رهبری آن را به عهده دارد ، کارگزاران و مسؤولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند . روایات ، ترکیب دولت امام مهدی (ع) را از پیامبران ، جانشینان آنان ، تقوا پیشگان و صالحان روزگار و امت های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر (ص) بیان می کندکه نام برخی از آنان بدین گونه است : حضرت عیسی (ع) هفت نفر از اصحاب کهف ، یوشع وصی موسی (ع) مؤمن آل فرعون ، سلمان فارسی ، ابود جانه انصاری ، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان (1)

1 . بحار الانوار ج 52 ص 346 عقدالدرر ص 97 مجمع البیان ج 2 ص 489 .

مرکز حکومت حضرت

کوفه ، پس از ظهور حضرت مهدی (ع) موقعیت ویژه ای می یابد ، چون طبق روایات رسیده از امامان معصوم (ع) آ ن جا مرکز حکومت عادلانه و جهانی اسلام و پایتخت دولت او خواهد شد .

امیرمؤمنان (ع) ضمن بیانی پیرامون ظهور حضرت مهدی (ع) فرمود : . . . . سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه ومنزل اوست . (1) مفضل به امام صادق (ع) گفت ، سرورم آیا همه مؤمنان راستین در عصر ظهور قائم (ع) درکوفه خواهند زیست حضرت فرمود : (ع) آری . . . همه درکوفه یا پیرامون آن خواهند بود وکوفه ارزشی خواهد یافت که هر متر از زمین

آن ، از مرز دو هزار درهم خواهد گذشت . و مردم با ایمان هنگامی که قائم (ع) وارد شهرکوفه شد و آن جا مرکز حکومت عادلانه جهانی اوگردید ، دوست می دارند در آن جا باشند و همواره دل های ایمان آورندگان در آن جا است (2) امام مجتبی (ع) در این مورد فرمود : جای یک قدم زمین درکوفه ، برای من دوست داشتنی تر از خانه ای در مدینه است (3) امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که قائم (ع) قیام کند ، کوفه را پایگاه عدالت خود قرار می دهد و آن جا چنان گسترش می یابد که خانه های کوفه به شهرکربلا می رسد . (4) و نیز فرمود : پایتخت آن حضرت ، کوفه خواهد بود و مرکز قضاوت او مسجد جامع کوفه ، و مرکز اصلی بیت المال ، مسجد سهله در نزدیکی کوفه . (5)

ا . تفسیرعیاش ج 1 ص 66 معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج 5 ص 22 .

2 . بحار الانوار ج52 ص 375

3 . بحار الانوار ج 52 ص 385 و ج 100 ص 385 .

4 . بحار الانوار ج 52 ص336 ارشاد مفید ص 362

5 . بحارالانوار ج 53 ص 11 .

عقل

قوه ای است در نفس انسان که به وسیله آن ، حسن و قبح وکمال و نقصان و خیر وشر را تمیز می دهد . در روایات است که به برکت ظهور حضرت مهدی (ع)

عقل ما کامل می شود . امام باقر (ع) فرمود : وقتی قائم ظهورکند بر سر بندگان دست می کشد و به سبب آن ، عقل آن هاکامل می گردد . (1)

1 . نجم الثاقب باب سوم .

کشاورزی در عصر ظهور

از جمله ویژگی های دوران حکومت حضرت مهدی (ع) گسترش و رونق کشاورزی است . از آسمان بارانی می باردکه زمین محصول خود را آشکار می سازد و مردم از نعمتی برخوردار می شوند که هرگز مانند آن را ندیده اند . (1) در عصر حضرت ، رودخانه ها پر آب می شود چشمه سارها جوشش می کند و زمین ، چند بار محصول می دهد . (2) رسول خدا (ص) فرمود : خوشا به زندگی ، پس از آن دوران که مسیح (ع) دجال را می کشد ، زیرا به آسمان اذن بارش و به زمین اجازه رویش داده می شود . اگر دانه ای بر روی کوه صفا گذارده شود ، حتماً خواهد (3) .

رویید . و نیز می فرماید : آسمان ، بارانش راپی در پی می فرستد و زمین نیز چیزی ازگیاهان را در خود نگه نمی دارد ، بلکه آن را بیرون می فرستد . (4)

بر طبق روایات ، در عصر حضرت زمین همانند نقره ای که پس از جوشش آرام می گیرد ، آماده کشت می شود وگیاهانش را می رویاند ، هم چنان که در زمان حضرت آدم (ع) بود . (5) زمین گیاهانش

را می رویاند ، به گونه ای که یک زن از عراق ، پیاده به شام می رود و در سراسر راه جز بر سبزی و بوته گام نمی گذارد (6) میان مکه و مدینه را درخت های خرما به هم متصل . (7) می کند نعمت و برکت ، از مین وآسمان می روید ومی بارد .

ا . بحار الانوار ج52 ص 345 اثبات الهداه ج3 ص 524

2 . بحار الانوار ج 52 ص 304 .

3 . فردوس الاخبار ج 3 ص 24 .

4 . غیبت طوسی ص 15 1 اثبات الهداه ج 3 ، ص 504 .

ه . ملاحم ابن طاووس ص 152 فتن ابن حماد ص 162 .

6 . تحف العقول ص 15 1 بحار الانوار ج51 ص 316 و 345 .

7 . بحار الانوار ج 51 ص 49 تفسیر قمی ج 2 ص 346 .

زنان در دوران ظهور

زنان در حکومت قائم آل محمد (ع) چه می کنند ؟ چه کسانی هستند ؟ چند نفرند ازکجا می آیند وچه مسؤولیتی بر عهده دارند ؟ بر اساس برخی از روایات ، حضور ونقش این زنان از نظر زمان و موقعیت ، چهارگونه است : الف : حضور پنجاه زن در بین یاران امام : اولین گروه اززنانی که به محضر امام زمان می شتابند ، آن هایند که در آن ایام می زیسته اند وهمانند دیگر یاران امام (ع) به هنگام ظهور ، در حرم امن الهی به خدمت امام (ع) می رسند . در این باره دو

روایت وجود دارد : روایت اول : ام سلمه ضمن حدیثی درباره علایم ظهور ، از پیامبر روایت کرده است که فرمود : در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه می آورد ومردم همانندکبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می برند ، به سوی او جمع می شوند تا اینکه در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفرگرد می آیندکه برخی از آنان زن می باشندکه بر هر جبار و جبارزاده ای پیروز می شود . (1)

روایت دوم : جابر بن یزید جعفی ، ضمن حدیث مفصلی از امام باقر (ع) در بیان برخی نشانه های ظهور نقل کرده که : به خدا سوگند ، سیصد وسیزده نفر می آیندکه پنجاه نفر از این عده زن هستندکه بدون هیچ قرار قبلی در مکه کناریکدیگر جمع خواهند شد . این است معنای آیه شریفه : هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند . زیرا او بر هرکاری توانا است . (2) نکته شگفت در این دو روایت این است که می فرماید : سیصد و سیزده مردگرد آیندکه پنجاه نفر ایشان زن هستند

دوم آنکه : در روایتی که نام یاران برشمرده شده است نام هیچ زنی وجود ندارد . (3) در پاسخ این شبهه می توان گفت : این چند نفر در زمره همان سیصد و سیزده نفر هستند . زیرا اولا امام (ع) می فرماید : (ع) فیهم ؟ یعنی در این عده پنجاه زن می باشد . دوم : شاید تعبیر مردان

بدین سبب باشد که بیشتر این افراد مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان ، چنین ذکر شده است . سوم : اگر مقصود همراهی خارج از این عده بودکه امام می فرمود : (ع) معهم . . . نه اینکه بفرماید فیهم ، زیرا این سیصد وسیزده نفر مانند عدد اصحاب بدر برشمرده شده ا ند و همه یاران و فرماندهانعالی رتبه واز نظر مقام وقدرت در حد بسیار بالایی هستندکه برخی با ابر جابه جا می شوند واین ها بدون شک با بقیه مردم آن زمان فرق بسیار دارند . بنابراین اگر بگوییم آن ها جزو همان سیصد وسیزده نفر هستند برای آن ها رتبه وموقعیت ویژه قائل شده ایم واگر بگوییم در زمره یاران دیگر حضرت باشند از امتیازکمتری برخوردارند .

ب) زنان آسمانی : دسته دوم چهارصد بانوی برگزیده هستندکه خداوند برای حکومت جهانی حضرت ولی عصر (ع) در آسمان ذخیره کرده است وبا ظهور آن حضرت به همراه حضرت عیسی (ع) به زمین می آیند 0 ابوهریره از پیامبر (ص) روایت کرده که : عیسی بن مریم (ع) به همراه هشتصد مرد وچهارصد زن از بهترین وشایسته ترین افراد روی زمین فرود خواهد آمد .

آیا این زنان از امت های پیشین هستند یا امت اسلامی زمان پیامبر (ص) ومعصومین (ع) یا از دوران های مختلف ؟ آن ها از چه زمان وبه چه علت به آسمان برده شده اند وبرای عهده داری منصبی در حکومت حضرت می آیند یا برای مسایل

دیگر ؟ این ها پرسش هایی است که این حدیث از آن ها چیزی نمی گوید .

ج) رجعت زنان : سومین گروه از یاوران حضرت بقیه الله (ع) زنانی هستندکه خداوند به برکت ظهور امام زمان آن ها را زنده خواهد کرد وبار دیگر به دنیا رجعت خواهند نمود . این گروه دو دسته اند : برخی با نام ونشان از زنده شدن شان خبر داده شده وبرخی دیگر فقط از آمدن شان سخن به میان آمده است . در منابع معتبر اسلامی نام سیزده زن یاد می شودکه به هنگام ظهور قائم آل محمد (ع) زنده خواهند شد ودر لشکر امام زمان به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت .

طبری در دلائل الامامه ، از مفضل بن عمر نقل کرده که امام صادق (ع) فرمود : همراه قائم آل محمد (ع) سیزده زن خواهند بود . گفتم آن ها را برای چه کاری می خواهد ؟ فرمود : به مداوای مجروحان پرداخته ، سرپرستی بیماران را به عهده خواهندگرفت . عرض کردم : نام آن ها را بفرمایید . فرمود : قنواء دختر رشید هجری ، ام ایمن ، حبابه والبیه ، سمیه مادر عمار یاسر زبیده ام خالد احمسیه ، ام سعید حنفیه ، صیانه ماشطه ، ام خالد جهنیه . (4) این گروه سیزده نفری رجعت خواهندکرد وخداوند برای قدردانی از آن ها ، به برکت امام زمان آن ها را زنده خواهد کرد . در این روایت امام صادق (ع) از سیزده زن فقط

نام نه نفر را یاد می کند . درکتاب خصایص فاطمیه به نام نسبیه ، دختر کعبه مازینه ، ودرکتاب منتخب البصائربه نام وتیره و " احبشیه " اشاره شده است .

د) بانوان منتظر : ، چهارمین گروه یاوران امام زمان (ع) بانوان پرهیزکاری هستندکه پیش از ظهورحضرت بقیه الله (ع) رحلت کرده اند . به ایشان گفته می شود : امام تو ظاهرگشته است ، اگر مایلی می توانی حضور داشته باشی . آنان نیز به اراده پروردگار زنده خواهند شد . رجعت زنان مربوط به گروه خاصی نیست وهر بانویی خود را با خواسته ها وشرایط زندگی در حکومت مهدی آل محمد (ع) تطبیق دهد ، ممکن است در آینده از رحمت خداوندی بهره مندگشته ، برای یاری امام زنده شود . یکی ازآن شرایط خواندن دعای عهد است که در فرد ، نوعی آمادگی برای پذیرش حکومت آخرین ذخیره الهی ایجاد می کند . (5)

1 . معجم احادیث الامام المهدی ج ا ص 500

2 . همان .

3 . بحار الا نوار ج 52 ص 223 .

4 . دلائل الکافی الامامه ص 314 .

5 . نشریه موعود شمار27 ص 75 .

مرکز بیت المال در عصر ظهور

در روایات ، محل زندگی ، مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم جنگی در زمان حضرت مهدی (ع) ، مسجد سهله ذکر شده است (1)

1 . بحار الانوار ج 53 ، ص 11 .

مرکز قضاوت حضرت

در روایات ، مرکز قضاوت حضرت مهدی (ع) ، مسجد اعظم کوفه ذکر شده است (1)

1 . بحارا لانوار ج 53 ، ص 11 الزام الناصب ص 7 1 2 ینا بیع الموده ج3 ص66

جزیه

ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید : امام زمان (ع) با اهل ذمه چه خواهد کرد ؟ فرمود : مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان پیمان می بندد ، آنان هم با کمال خضوع ، با دست خودشان جریه می پردازند . (1) جزیه ، مالیاتی است که از اهل ذمه یهود ، نصاری و مجوس با در نظرگرفتن توانا و ناتوان بودن آن ها ، گرفته می شود و در مقابل ، از حمایت قانون برخوردار می شوند و مانند یک فرد مسلمان در پناه اسلام ، آزاد زندگی می کنند ، و آن مثل زکات وخراج ومالیات وغیره است که از مسلمانان گرفته می شود در این حکم ، اجحاف و ظلمی نیست و هر دولت برای اداره مملکت ، از وصول مالیات ناگزیر است در اسلام ، آن چه از اهل کتاب دریافت می شود به نام جزیه و آن چه از مسلمین اخذ می گردد به نام زکات وغیره خوانده شده است . پس از فتح مکه و درآمدن مردم فوج فوج به دین اسلام وسیطره مسلمانان به نحوکامل بر جزیره العرب ، خداوند پیغمبرش را به نبرد با اهل کتاب از یهود ونصاری امر فرمود : قاتلوا الذین لا یومنون بالله . . . . . من الذین اتوا الکتاب حتی یعطوا

الجزیه عن ید وهم صاغرون (2)

با اهل کتاب که به ایمان به خدا و روز واپسین تن نداده و آن چه راکه خدا و رسول حرام کرده ، حرام ندانند و به دین حق نگرایند ، بجنگید تاگامی که به دست خود ، به حالت خواری وذلت جزیه بپردازند . ابن کثیر گفته : این آیه در سال نهم هجرت ، نازل گردید وتا آن روز پیغمبر (ص) از اهل کتاب جزیه نگرفته بود . وچون این آیه فرود آمد ، آن حضرت از نصارای نجران ومجوس هجر وسپس از اهل ایله و اذرح و مردم اذرعات و جز آن ها از قبایل نصاری که در اطراف جزیره العرب سکونت داشتند ، جزیه گرفت . (3)

1 . بحار الانوار ج 52 ص 376و 381 .

2 . سوره توبه ، 29 .

3 . معارف و معاریف ج 4 ص 143 .

مرکز قضاوت حضرت

در روایات ، مرکز قضاوت حضرت مهدی (ع) مسجد اعظم کوفه ذکر شده است (1)

1 . بحار الانوار ج 53 ص 11 الزام الناصب ص 217 ینا بیع الموده ج 3 ص 66

داوری حضرت

داوری ائمه معصومین (ع) در میان کلیمیان با توراتشان ، ودر میان مسیحیان با انجیلشان است واین به معنای به رسمیت شناختن یهودیت ومسیحیت پس از آمدن اسلام نیست ، بلکه از نظر اسلام ، دین انحصار به اسلام دارد وهرکس با آیینی جز اسلام به خداوند تقرب کند از او پذیرفته نخواهد شد ، لکن حضرت مهدی (ع) برای اتمام حجت ورفع عذر ، باپیروان همه ادیان ، باکتاب های آسمانی خودشان بحث و محاجه می کند و نویدهای موجود درکتاب های هر آیینی راکه از آمدن آن مصلح جهانی خبر داده اند به آن ها یاد آوری می کند . هرکس ایمان بیاررد از او می گذرد وهرکس پس از شناخت حق واثبات حقیقت برکفر والحاد خود اصرار بورزد ، به سزای خود می رسد .

امام باقر (ع) می فرمایند : چون قائم ما قیام کند در میان اهل تورات با تورات ، در میان اهل انجیل با انجیل ، در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن داوری می کند . ثروت های روی زمین وگنج های درون آن از تمام نقاط جهان به سوی اوگرد می آید . (1) امام صادق (ع) می فرمایند : چون قائم آل محمد (ع) فرمانروا شود ، در میان

مردم به حکم حضرت داود (ع) داوری می کند ونیازی به شاهد وگواه نخواهد داشت . در هر موردی ، خداوند حکم واقعی را به او الهام می کند واو بر اساس علم خود قضاوت می نماید . (2)

حکم داودی این گونه است که داور به علم خود داری کند و مطالبه شاهد نکند و هنگامی که به داور از طرف خداوند چنین علم قطعی داده شود و مصونیت او از لغزش ، از طرف خداوند بیمه شود ، هیچ مانعی ندارد وجای شگفت نیست زیرا امام باقر (ع) فرمایند : خدای تبارک وتعالی برتر والاتر از آن است که اطاعت بنده ای را بر همگان واجب کند ، ولی چیزی از دانش های زمین وآسمان ها را از او پوشیده بدارد . (3)

امام باقر (ع) فرمود : حضرت قائم (ع) احکام و قضاوت هایی دارد که حتی برخی از یاران وکسانی که در رکابش شمشیرها زده اند ، به آن احکام اعتراض می کنند و آن قضاوت حضرت آدم است و حضرت نیزگردن معترضان را می زند . سپس به روش دیگری قضاوت می کندکه قضاوت حضرت داود (ع) است ، ولی گروه دیگری از یارانش اعتراض می کنند و حضرت گردن آنان را نیز می زند . برای بار سوم ، حضرت به شیوه حضرت ابراهیم (ع) قضاوت می کند و باز همگروهی از یارانش که در رکابش شمشیر زده اند اعتراض می کنند و حضرت آنان را نیز اعدام می کند . آن گاه

حضرت به روش محمد (ص) رفتار می کند و دیگرکسی بر حضرت اعتراض نمی کند . (4)

1 . بحار الانوار ج 1 5 ص 29 غیبه نعمانی ص 124 .

2 . ارشاد مفید ص 344 بحار الانوار ج 052 ص 9 1 3 و 339 .

3 . اصول کافی ج ا ص 262 .

4 . بحارالانوار ج 52 ص 389 اثبات الهداه ج 3 ، ص 585 .

مدت حکومت حضرت

در این که مدت حکومت حضرت مهدی چند سال است ، دقیقاً روشن نیست . آن چه مسلَم است ، مدت حکومت و حاکمیت مهدی باید به اندازه ای باشدکه پایه های ظلم و ستمگری ویران گردد و بر جای آن ، بنیاد عدل و داد استوارگردد . بدون تردید ، این مسأله اساسی ، زمان می طلبد و فرصت می خواهد . و بنا نیست که ممه امور را آن حضرت بر اساس معجزه و روش غیر عادی به پیش ببرد . بنابراین عقل و شواهد دیگری اقتضا می کند که آن حضرت مدتی طولانی حیات داشته باشد تا بتواند در این دنیای گسترده ، تحؤلی ممه جانبه و فراگیر ایجاد کند . (1)

روایات وارده در مدت حکومت حضرت ، گوناگون است : پنج ، بیست ، سی و چهل سال ، در منابع اهل سنت . (2)

نوزده ، بیست ، سیصد و نه سال ، در منابع شیعی . (3)

امام باقر فرمود : قائم ، مدت 309 سال حکومت می کند ، به تعداد سال هایی که

اصحاب کهف درکهف درنگ کردند . . . . . (4)

امام صادق نیز می فرمایند : هفت سال بدین منوال می گذرد ، ولی شب ها و روزهایش طولانی می شود و هر سال آن با ده سال از سال های شما برابری می کند و بدین گونه مدت حکومت او با هفتاد سال از سال های شما برابر می باشد و آن گاه خداوند هر چه اراده کند ، انجام میدهد . (5)

و در برخی روایات استشهاد شده به روزهای طولانی رستاخیز که در قرآن کریم ، هر روز آن معادل پنجاه هزار سال از سال های دنیا شمرده شده است .

1 . سنن ابی داوود ج4 ص ، 116 .

2 . بحار الانوار ج 54 ص 280 اعلام الوری ص 434 غیبه طوس ص 471 .

3 . بحار الانوار ج 52 ص 291 غیبه نعمانی ص 0181

4 . بحار الانوار ج 52 ص 3 38 ارشاد ص 342 المحجه البیضاء ج 4 ص 337 .

پایان حکومت حضرت

امام صادق (ع) می فرمایند : دولت او آخرین وبهترین دولت هاست ، پس از پایان همه دولت ها می آید . هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن تصور باشد ، جز این که پیش از او به حکومت می رسد ، تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگویدکه اگر ما نیز به قدرت رسیدیم ، این چنین رفتار می کردیم و این است معنای کلام خدا که فرمود : و العاقبه للمتقین (1)

در حدیث دیگری از حضرتش آمده است

: میان وفات قائم و آغاز رستاخیز چهل روز فاصله است . (2)

در مورد روزهای پس از شهادت حضرت مهدی (ع) امام صادق (ع) آورده است : در توبه بسته می شود و به کسی که پیش از آن ایمان نیاورده باشد ودر ایمانش خیری کسب نکرده باشد ، دیگر ایمان آوردن سودی نمی بخشد . آن ها بدترین مردمان هستند . (3) همچنین حضرتش می فرمایند : پایان یافتن سلطنت او از نشانه های رستاخیز است ، چنان که قرآن کریم می فرماید : وانه لعلم للساعه (4) یعنی او هشدار و نشانه رستاخیز است . (5)

1 . ارشاد مفید ص 344 المحجه البیضاء ج 4 ص 336

2 . بحار الانوار ج 52 ص 145 ارشاد مفید ص 345

3 . بحار الانوار ج 53 ص 147

4 . سوره زخرف 61

5 . ینابیع الموده ج 3 ص 136

کتاب جدید

در تعدادی از روایات از احکام جدید ، قضاوت های حضرت مهدی (ع) و اصطلاحاتی که حضرت انجام می دهد ، به کتاب جدید ، تعبیر شده است (1) آیین جدید کتاب حضرت در حدیثی از امام جواد (ع) آمده است که : کتاب مهرکرده ای با حضرت است که تعداد یارانش با نام ، شهر ، نوع نژاد ، مشخصات وکنیه آنان در آن نوشته شده است . (2) از امام صادق (ع) نیز روایت شده که فرمود : هر یک از ما امامان صحیفه ای داریم که شرح وظائف مان تا

آخر عمر در آن نوشته است . (3) امام باقر (ع) می فرماید : رسول اکرم (ص) در میان امتش به نرمش و ملاطفت مأمور بود . . . ولی قائم با منطق شمشیر سخن می گوید و از آن ها مطالبه توبه نمی کند . . . . او درکتابی که نزد اوست ، به چنین شیوه ای مأمور است . (4)

1 . چشم اندازی به حکومت مهدی عج نجم الدین طبسی ص 0149

2 . عیون اخبارالرضا ج 1ص 59 بحار الانوار ج52 ص 310 .

3 . معارف ومعاریف ج6 ص 656

4 . غیبه نعمانی ص 21 1 منتخب الاثرص 302 .

جهانی سازی حضرت

تمام پیامبران الهی ، به دنبال محقق کردن هدف واحدی بودند ، همان هدفی که همه دسته ها وگروه ها وجمعیت های بشری را یکجا زیر پرچم پرافتخار مهدی منتظر (ع) جمع می کند . خداوند تعالی در قرآن کریم می فرماید : ، هُوَ الذِی ارسَل رسولهُ بالهُدی و ودین الحق لیظهره علی الدینِ کله و لو کره المشرکون (1) او همان کسی است که رسولش را بَا هدایت ودین حق ارسال کرد ، تا علی رغم میل مشرکان آن را بر تمام ادیان حاکم گرداند .

امام هفتم (ع) ذیل این آیه فرمودند : هنگام قیام مهدی (ع) است که اسلام را بر تمامی ادیان حاکم می گردا ند . (2)

اولین گام برای تحقق دهکده جهانی و جامعه احد بشری ، ایمان آوردن تمام ادیان وپیران آن

ها به حضرت مهدی (ع) وجمع شدن آن ها زیر پرچمش است چراکه دعوت به اتحاد جهان وجهانیان امری تازه نیست ودر تمام ادیان آسمانی وقدیمی می توان مسأله ای مرتبط با آن را یافت وریشه تفکر اتحاد بشریت را باید در دین ادیان جستجوکرد .

ودر ثانی حقیقت همه ادیان ، دعوت جوامع وملت های بشری به همبستگی واتحاد زیر پرچم ایمان به خدایی واحد بوده است ، آفریننده ای بی همتا وارزش ها وباورها و مسلمات مشترکی که رفتار ومنش انسانی را در تمام جهان مستحکم کند . به همین جهت است که تمام ادیان ، توقع و انتَظار ظهور مهدی (ع) را دارند ، و آن زمان که ظهورکند با علائم و نشانه هایی که به راحتی شک را از آن ها برطرف می کند به شخص او ایمان می آورند . آری ، به همراه او عیسی بن مریم (ع) ، خروج می کند وپشت سر حضرتش نماز می خواند . از امام باقر (ع) نقل شده است : وقتی حضرت مهدی (ع) قیام کند ، پرچم رسول خدا ، انگشتر سلیمان وسنگ وعصای موسی را ظاهرمی کند . (3)

باز از ایشان نقل کرد ه اند که : وقتی که ده هزار نفر نزد او جمع می شوند ، هیچ یهودی و مسیحی و هرکه غیر خدا را می پرستد باقی نمی ماند ، جز آنکه به او ایمان می آورد وتصدیقش می کند ویگانه امت اسلامی می شود (4)

وهمچنین : مهدی (

ع) را به این دلیل ، مهدی نامیده اند که به امری مخفی هدایت می کند وتورات و انجیل را از زمینی که به آن انطاکیه گویند ، در می آورد . (5) حضرت مهدی (ع) در خلال ارتباطات جهانی وتوانایی وقدرتش بر یکی کردن روش ها ومنش ها در تمام نقاط جهان ، جهانی کردن خویش را به ظهور می رساند . حضرت صادق (ع) در مورد ندای آسمانی فرمودند : هر قومی به زبان خویش آن صدا وندا را می شنود (6) واین در حالی است که زبان ، یکی از مشکل ترین و جدی ترین موانع و سدها در مسیر ارتباطات بشری است که ازگفت وگوها و ایجاد ارتباطات متقابل ممانعت به عمل آورده و آن ها را به جدایی وتفرقه وگوشه نشینی سوق می دهد .

جهان بشری که از بحران ها ضربه های فراوان خورده است در مسیر جهانی شدن به سمت مخالف تحقق سعادت بشری سیر می کند ، حال آن که بشریت آرزویش عدالت است که از درد فراقش هماره به خود پیچیده است . درخت صبر وتحمل بشریت در این راستا آن زمان که آن امام منتظر ، پرچم عدالتش را بر سر ظلم وستم می کوبد به گل خواهد نشست . امام باقر (ع) فرمودند : هرگاه قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان خدامی کشد وبا آن عقل های شان را کامل می کند . (7)

پس از تحقق عدالت ، امنیت گسترش می یابد ، جرم و خلاف کاری

ها پنهان و ناپیدا می گردد . امام باقر (ع) درباره امنیت وامان در زمان حضرت مهدی (ع) می فرمایند : پیرزنی ضعیف و ناتوان از شرق به سمت غرب جهان می رود و احدی او را اذیت و آزار نمی کند . (8)

با از بین بردن مرزها و حدود جغرافیایی ، حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) تکامل می یابد

و موانعی که به دست خود بشر ساخته شده برداشته می شود واو به منتهای آرزو وخواسته اش که آزادی در عمل وتحریک زندگی و حیاتش می باشد ، می رسد . زمین است که وطن هر انسان در عصر حضرت مهدی (ع) می شود . امام صادق (ع) فرمودند : مؤمن در زمان قائم ، چنان می شودکه شخصی که در شرق است برادرش را در غرب می بیند واو هم همین طور . (9) جامعه بشری به وحدت واقعی که جنگ ها ، نابسامانی ها ، بحران ها ومشکلات را ریشه کن سازد ، دست نخواهد یافت مگر این که به مسائل اساسی وعوامل واقعی که جمعیت بشری را می تواند جمع کند ، نظر بیفکند . وشکی نیست که مسائل مادی جز عاملی برای ایجاد اختلاف و جنگ وبهره کشی از همدیگر نیست . در حالی که عقل وفطرت عاملی هستندکه بشریت را به اصل خویش هدایت می کنند ورسیدن به حقیقت وجودی جز با یک رهبری واقعی همانند تکامل عقلی وبازگشت به فطرت وتبری جستن از موانع کشنده ناشی از خودپرستی ممکن نیست که آن هم عصر

عدالت ، آزادی ، امنیت وسعادت یعنی عصر امام منتظر حضرت مهدی (ع) است . (10)

1 . سوره توبه 33 .

2 . منتخب الاثر ج 2 ص 35 .

3 . غیبه نعمانی ص 238 .

4 . نور الابصار باب 2 ص 155 به نقل از : امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ترجمه دکتر فریدونی 587 .

5 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ترجمه دکتر فریدونی ص 588 به نقل از عقد الدرر .

6 . همان ص 441 به نقل از : بحار الانوار ج 52 ص 205 .

7 . بحار الانوار ج 2 5 ص 6 33 .

8 . ینابیع الموده ص 423 .

9 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ص 53 6 به نقل از : حق الیقین .

10 . نشریه موعود شماره 33 ص 49

بهداشت در عصر ظهور

شکوفایی دانش ، به ویژه علم بهداشت ودرمان درعصر حکومت حضرت مهدی و بهره گیری از آن برای گسترش بهداشت در جامعه وپیدایش آرامش روانی وتأمین بهداشت روحی و نیزگسترش کشاورزی و دامداری وتأمین تغذیه مطلوب ، از جمله عواملی است که بهداشت را درعصر حضرت ، به حد ایده ال می رساند و چنان می شود که وضعیت جسمی مردم دگرگون می گردد و عمر آنان طولانی می شود . رسول خدا فرمود : هنگامی که عیسی از آسمان فرود آمد ودخال را کشت . . . تا چهل سال زندگی پربار وآسوده ای خواهید داشت و در این مدت

، نه کسی می میرد ونه بیمار می شود . (1) شاید منظور از این سخن ، آن باشدکه مرگ ها و بیماری هایی که پیش از ظهور حضرت گسترش یافته ، در دوران حضرت به اندازه ای اندک وناچیز است که می توان آن را در حکم عدم دانست ، وشاید معنای ظاهری آن مراد باشد . امام حسین (ع) درباره حکومت حضرت مهدی (ع) می فرماید : هیچ نابینا ، زمین گیر و دردمندی بر روی زمین نمی ماند ، مگر آن که خداوند درد او را برطرف می سازد (2) و امام صادق (ع) نیز فرمود : هنگامی که قائم قیام کند ، خداوند بیماری ها را از مؤمنان دور می سازد وتندرستی را به آنان باز می گرداند . (3) نیز امام باقر (ع) درباره بهداشت محیط زیست در حکومت حضرت مهدی (ع) می فرماید : هنگامی که قائم ما قیام کند . . . چاه های فاضلاب و ناودان هایی را که در مسیر راه هاست ، از بین می برد (4)

1 . ملاحم ابن طاووس ص 97 .

2 . بحار الانوار ج 53 ص 62 .

3 . غیبه نعمانی ص 317 بحار الانوار ج 52 ص 364 اثبات الهداه ج 3 ص 493

4 . ارشاد مفید ص 365 غیبه طوسی ص 283بحار الانوار ج 52 ص 333 .

امنیت پس از ظهور

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) شرایط نا امنی بر جهان چیره است ،

یکی از بنیادی ترین کارهای حضرت ، بازگرداندن امنیت به جامعه است . در حکومت حضرت مهدی (ع) با برنامه ریزی دقیقی که انجام می شود ، در مدت کوتاهی امنیت در همه زمینه ها به جامعه باز می گردد ومردم در محیطی پر از امنیت به زندگی خود ادامه می دهند امنیتی که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است . راه ها به گونه ای امن می شودکه زنان جوان از جایی به جای دیگر ، بدون همراه داشتن محرمی ، سفر می کنند واز هرگونه تعرض وسوء نظر در امان هستند (1) مردم در امنیت کامل قضایی به سر می برند ، به گونه ای که دیگرکسی از این که ممکن است حقش پایمال شود ، کوچک ترین بیمی ندارد . (2) برنامه ها و قوانین به گونه ای طرح ریزی واجرا می شود که مردم ، خود را در امنیت کامل مالی وجانی می بینند . دزدی از جامعه رخت برمی بندد و امنیت مالی تا جایی فراگیر می شودکه اگرکسی دست در جیب دیگری ببرد ، هرگز احتمال دزدی داده نمی شود وکار او توجیه می گردد . چنان نا امنی ، جایش را به امنیت می دهدکه حیوانات و جانداران را نیز در بر می گیرد به گونه ای که گوسفند وگرگ درکنار هم زندگی می کنند (3) وکودکان با عقرب وگزندگان هم بازی می شوند ، بدون این که آسیبی ببینند . (4) امیرالمؤمنین (ع) فرمود : . . . در آن زمان ،

گرگ وگوسفند در یک مکان می چرخند . کودکان با مارها وعقرب ها بازی می کنند و آسیبی نمی بینند ، شر و بدی از میان می رود وخیر وخوبی می ماند . . . . مردم به اطاعت وعبادت رو می آورند . دین و آیین رونق می یابد . امانت ها رعایت می شود ، درختان پرثمر می شود و برکت ها بسیار می گردد ، اشرار به هلاکت می رسند . نیکان می مانند واز دشمنان اهل بیت کسی باقی نمی ماند . (5)

1 . ملاحم ابن طاووس ص 69 عقد الدرر ص 151 فتن ابن حماد ص 98 .

2 . بحار الانوار ج 52 ص 0224

3 . ملا حم ابن طاووس ص 152 .

4 . همان .

5 . عقد الدرر ص 211 .

تالیف قلوب

به معنای جمع کردن دل ها و متحد ساختن قلب هاست بیشتر مردم یکی از دو حال را دارند ، یا صلاح واقعی خود را تشخیص نمی دهند ، لذا به اموری که به ضرر آن ها است تن می دهند و یا اینکه مصلحت را تشخیص می دهند ، ولی به خاطر منافع دنیوی به آن رضایت ندارند . یگانه کسی که بین این دو حالت را جمع می کند و اتحاد می بخشد ، امام عصر (ع) است لذا در دعای ندبه می خوانیم : این مؤلف این مولف شمل الصلاح و الرض کجاست آن که میان پراکندگی ، صلاح و رضا را جمع کند و در دعای امیر المومنین (ع) در باره آن

حضرت آمده : و پراکندگی امت را با او جمع فرما و در حدیثی آمده : به وسیله او میان دل های مختلف و پراکنده ، الفت و اتحاد داده می شود (1)

و از امام صادق (ع) روایت شده که : خداوند به وسیله آن حضرت بین دل های پراکنده و مخالف یکدیگر ، ائتلاف می بخشد ،

1 . مکیال المکارم ج 1 ص 81 .

اقلیت ها در حکومت حضرت

در حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) حقوق تمام اقلیت ها به طورکامل مراعات خواهد شد . اهل کتاب وکسانی که شبهه کتاب دارند ، خواهند توانست با انعقاد پیمان ذمه وکسب تابعیت ، در قلمرو حکومت اسلامی ازادانه زندگی کنند و از حقوق انسانی خود بهره مند گردند . ابوبصیر طی سؤالات گوناگونی از امام صادق (ع) پرسید : امام زمان (ع) با اهل ذمه چه خواهد کرد ؟ فرمود : مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان پیمان می بندد . آنان هم با کمال خضوع ، با دست خودشان جزیه می پردازند (1) امام باقر (ع) فرمود : وقتی که قائم اهل بیت قیام کرد ، تورات وسایرکتاب های آسمانی را از غاری که در انطاکیه واقع شده ، استخراج می نماید . بین اهل تورات با تورات ، بین اهل انجیل با انجیل ، بین اهل زبور با زبور وبین اهل قرآن با قرآن قضاوت خوا هد کرد . (2)

بدین ترتیب اهل ذمَه در دولت مهدی از نظر قضایی کاملا آزاد خواهند بود ودر منازعات

واختلافاتِ مخصوص خود ، خواهند توانست به دادگاه های خود مراجعه کنند و اگر خودشان دادگاه ویژه نداشته باشند ویا با افراد مسلمان اختلاف و نزاعی پیدا کردند ، با کمال اطمینان به حاکم مسلمین مراجعه نمایند . همین خوش رفتاری و مسالمت مسلمانان با اقلیت های مذهبی در دولت مهدی ، سبب خواهد شد که اقلیت های مذهبی ، به خصوص یهود ونصاری تا پایان در جهان خواهند ماند . ظاهر آیاتی از قرآن و مِن الذِینَ قالوا إنا نَصاری . . . (3) و قالتِ الیهودُ یَدُ اللهِ مَغوله . ، (4) دلالت دارند که آیین یهود ونصاری تا قیامت ودر عصر دولت مهدی (ع) نیز باقی خواهد ماند ، ولیکن در مقابل این آیات و روایات ، احادیث دیگری هم وجود دارد که دلالت می کنندکه در دولت مهدی (ع) غیر از مسلمانان ، احدی روی زمین باقی نخواهد ماند . آن حضرت دین اسلام را بر اهل کتاب ، عرضه می دارد واگر نپذیرفتند ، کشته می شوند . (5) و چون این روایات ، علاوه بر ضعف سند ، مخالف قرآن و سیره پیامبراکرم (ص) و اصول مسلم اسلام است ، از درجه اعتبار ساقط می باشد . (6) پس اقلیت های مذهبی در عصر حضرت مهدی (ع) باقی خواهند ماند وشرائط ذمه را خواهند پذیرفت وتحت الحمایه حکومت اسلامی ، آزادانه زندگی خواهند کرد . دولت های باطل همه سقوط می کنند و همه قدرت وحکومت جهان ، به دست مسلمانان می افتد

و دین اسلام ، بر تمام ادیان غالب می گردد و بانگ توحید از همه جا بلندمی شود (7)

1 . بحار الانوار ج52 ص 376و 381 .

2 . غیبه نعمانی ص 125 به نقل از آخرین امید ص 299 .

3 . سوره مائده14

4 . سوره مائده 64

ه . بحارالانوار ج 2 ص 340 و 390 .

6 . آخرین امید داود الهامی ص 300 .

7 . همان

دانش در عصر ظهور

روایات ، جهان را در روزگار امام عصر (ع) ، جهانی متمدن و در اوج قدرت وپیشرفت علمی معرفی می کند . فرق اساسی پیشرفت در روزگار حضرت مهدی (ع) با جهان کنونی در این است که در آن زمان ، بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی وصنعتی می رسد ، به همان اندازه به تعالی اخلاق وکمال انسانی نزدیک می گردد . دانش و علمی که امام عصرف (ع) بر روی مردم می گشاید ، قابل سنجش با پیشرفتی ائمه بشر از نظر علمی داشته است ، نیست و مردم نیز استقبال بیشتری به فراگیری دانش نشان خواهند داد تا جایی که حتی زنان جوان که هنوز سنی از آنان نگذشته است آن چنان به کتاب خدا ومبانی مذهب آشنا می شوندکه به ؛آسانی ، حکم خدا را از قرآن کریم استخراج می کنند (1) روایاتی که درباره پیشرفت صنعت در عصر ظهور آمده است ، نمایانگر دگرگونی شگرفی در این زمینه است مانند روایاتی که می گوید : شخصی در مشرق برادرش را در مغرب می بیند

(2) حضرت را به هنگام سخنرانی ، همه جهانیان می بینند (3) یاران حضرت از فاصله دور با هم سخن می گویند و سخن یکدیگر را می شنوند (4) چوب تعلیمی وبند کفش با انسان سخن می گویند (5) اشیای درون خانه ودیوارهای خانه به انسان گزارش می دهند (6) برای مسافرت ، در یک چشم به هم زدن به مقصد خود می رسند (7) و نمونه های بسیاری که هر چند برخی از آن ها شاید اشاره به اعجاز داشته باشد ، ولی با توجه به همه روایات ، آن دگرگونی را می توان دریافت .

حکومت آن حضرت باعث رشد وتکامل خردها واخلاْق است . در نظام الهی مهدی (ع) ، بشریت به نهایت بلوغ خود می رسد و اخلاق ، اندیشه ، آرزو و . . . رنگ کمال به خود می گیرد . امام صادق (ع) فرمود : علم و دانش ، بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند ، تنها دو حرف آن است ومردم تاکنون جز با آن دو حرف ، آشنایی ندارند وهنگامی که قائم ما قیام کند ، بیست وپنج حرف دیگر را بیرون آورده ، آن را میان مردم نشر وگسترش می دهد . (8) از این روایت استفاده می شودکه بشر هر چه از نظر علم ودانش پیشرفت کند ، در روزگار حضرت مهدی (ع) به یک باره ، بیش از دوازده برابر رشد وگسترش می یابد . (9

(

ا . بحار الانوار ج 52 ص 0352

2 . همان ص 1 39 .

3 . کافی ج 8ص 240 بحار الانوار ج 2 5 ص 336

4 . همان .

ه . مسند احمد ، ج 3 ، ص 89 فردوس الاخبار ج 5 ص 98 .

6 . بحار الانوار ج 52 ، ص 365 غیبه نعمانی ص 319 .

7 . احقاق الحق ج 3 1 ص 1 35 فردوس الا خبار ج 2 ص 449 .

8 . بحارالانوار ج 52 ، ص 326 خرائج ج2 ص 1 84 0

9 . چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبسی ، ص 178 .

شیعه در عصر ظهور

شیعیان در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) در طلیعه یاران او هستند ودر عصر ظهور به اوج اقتدار و شکوه خواهند رسید . امام صادق (ع) فرمود : شیعیان ما در حکومت قائم (ع) سروران و زمامداران زمین ، وفرمانروایان آن هستند و به هرکدام ، قدرت و نیروی چهل قهرمان داده می شود . (1) ونیز فرمود : خداوند خوف وترس را از قلب شیعیان ما برکنده و آن را در قلب دشمنان ما جای می دهد . از این رو هرکدام از آنان برنده تر از نیزه وپرشهامت تر از شیرند . دشمنان را با سرنیزه خویش زخمِ کاری می زنند و به وسیله شمشیر از پای درمی آورند وپایمال می سازند . (2) در روایات است : هنگامی که قائم (ع) قیام کند ، خداوند در دستگاه شنوایی

وبینایی شیعیان ما ، گستردگی وکشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان ومهدی ما ، واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد . (3) یا این که فرموده اند : مؤمن در عصر قائم (ع) در حالی که در مشرق است ، برادر خویش راکه در مغرب است می بیند وهمان گونه که در مغرب است ، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند . (4) امام باقر (ع) فرمود : مردم ، مالیات اموال و امکانات خویش را خود به دلخواه وافتخار به سوی دولت مهدی می برند و خداوند بر شیعیان ، چنان وسعت و برکت و رفاه و امکاناتی ارزانی می دارد که اگر حقیقت سعادت ونیکبختی را نمی فهمیدند وبه آرزش های اخلاقی آراسته نبودند ، مست امکانات می شدند وبه طغیان وتجاوز سر بر می داشتند ، اما آنان به دلیل رشد فکری وتکامل عقلی ، خدای را سپاس می گذارند وبه وظایف خویش در نهایت جدیت عمل می کنند . (5) این روایت نشانگر اوج رشد فکری وتکامل عقلی شیعیان در عصر ظهور است .

1 . بحارالانوار ج52 ص372 معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج4 ص 6

2 . بحارالانوار ج52 ص332 اختصاص مفید ص 8

3 . کافی ج8 ص 240 .

4 . بحارالانوار ج 52ص1 39 معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج 4 ص 056

5 . بحارالانوار ج52ص 0345

قیامت

ایام الله

درآیه پنجم سوره مبارکه ابراهیم آمده است : . . . وذ کرهم بایامِ الله از امام محمد باقر (ع

) روایت است که ایام الله سه روز است : روز قیام قائم (ع) ، روز رجعت و روز قیامت . (1) این حدیث به همین تعبیر از امام صادق (ع) نیز روایت شده است . (2) ودر تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز آمده که " ایام الله " سه روز است : روز قیام قائم (ع) ، روز مرگ و روز رستاخیز (3)

1 . ینابیع الموده ج 3ص 242

2 . المحجه ص 225

3 . خصال صدوق ص 108 تفسیر صافی ج 4ص 225

چهل روز قبل از قیامت

بیشتر روایات دلالت دارند بر این که حضرت مهدی (ع) ، چهل روز قبل از قیامت از دنیا خواهند رفت و در این چهل روز ، حالت نابسامانی و نشانه های خروج مردگان از قبور وبرپایی قیامت برای رسیدگی به حساب خلایق خواهد بود (1) روایاتی هم داریم به ابن مضمون که زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود ، مگر چهل روز قبل از قیامت (2)

1 . ارشاد مفید ص 366 ؛ بحار الانوار ج 53 ص 145 .

2 . کمال الدین ج ا ص 229 محاسن برقی ص 236 .

بوا سیر

نوعی بیماری است که در مقعد یا بینی پدید می آید . (1) فزونی این بیماری از نشانه های قیامت است . (2) درباره نشانه های آخر الزمان نیز آمده است که بواسیر ، مرگ ناگهانی وجذام فراوان می شود . (3)

1 . معارف و معاریف ج 3 ص 281

2 . بحار الانوار ج 62ص 66

3 . ارشاد مفید ص 338 اعلام الوری ص428

اشتراط الساعه

به معنای (ع) نشانه های برپایی قیامت (ع) است . در منابع روایی ، از برخی نشانه های ظهور ، به عنوان نشانه های برپایی قیامت یاد شده است . مانند : خروج دجال ، آشکار شدن خورشید در ناحیه مغرب ، نزول عیسی (ع) از آسمان و . . .

پیامبر (ص) می فرمایند : ده چیز ، پیش از برپایی قیامت ، ناگزیر رخ خواهد داد : خروج سفیانی و دجال ، پیدا شدن دود و چهارپا ، خروج قائم ، طلوع خورشید از مغرب و فرود آمدن عیسی (ع) از آسمان ، فرو رفتن در زمین در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیره العرب ، آتشی که از انتهای عَدَن برمی خیزد ومردمان را به سوی صحرای محشر می کشاند (1) برابر این حدیث ، خروج سفیانی و دجال ، طلوع خورشید از مغرب و . . . از نشانه های قیامت است وحال آن که در

روایات دیگر ، آن ها به روشنی از نشانه های ظهور معرفی شده اند . البته همه این رخدادها که از

وقوع آن ها خبر داده شده ، چه به عنوان نشانه های ظهور و چه به عنوان نشانه های قیامت ، پیش از برپایی قیامت هر چند با فاصله زیاد واقع خواهند شد . با این حساب ، آن چه در طول دوره غیبت کبری واقع شود ، به طور طبیعی بیش از برپایی قیامت واقع شده ودرنتیجه از نشانه های قیامت است (2) بر این اساس ، همه نشانه های ظهور ، به گونه ای نشانه های قیامت هم هستند ، ولی همه نشانه های قیامت ، نشانه های ظهور نمی توانند باشند ، زیرا ممکن است برخی از آن ها پس از ظهور حضرت مهدی (ع) واقع شوند . (3)

البته یکی از نشانه های حتمی قیامت ، ظهور حضرت مهدی (ع) است . و اما اشراط ساعت در احادیث اهل سنت ده چیز است : خروج دابه الارض ، طلوع خورشید از مغرب ، نزول حضرت عیسی (ع) ، خروج دجال ، فتح یأجوج ومأجوج ، آتشی که از قعر عدن خارج می شود ، دخان ، طوفان یاگردباد ، خسفی در مشرق ، خسفی در مغرب و خسفی در جریره العرب . (4)

در قرآن کریم ، تعبیر " اشراط الساعه " فقط یک بار آمده است : فهل ینظرون الا الساعه ان تاتیهم بغته فقد جاء اشراطها فانی لهم اذا جاءتهم ذکراهم (5)

1 . بحار الا نوار ج 52 ص 209 .

2 . تاریخ الغیبه الکبری ج 2 ص 248 .

3 . برترین

های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص 198 .

4 . عقد الدررص 327صحیح مسلم ج 4 ، ص2226 .

5 . سوره محمد 18 .

دابه الارض

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده وخروج آن از علائم آخر الزمان است .

امیر المومنین (ع) فرمود : آگاه باشید ! قسم به خداوند که دابه الارض ، انسان است (1) این واژه ، متخذ از آیه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابه من الارض (2) می باشد . این آیه وسه آیه بعد از آن ، از واقعه هولناکی که در آینده به وقوع می پیوندد خبر می دهند . معنی ظاهر آیه این است : هنگامی که مردم مستوجب عذاب شدند و دوران مهلت پایان پذیرفت (جانوری) جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم که با آن ها سخن می گوید که مردم به آیات ما یقین نمی آورند مشهور میان شراح حدیث و اغلب مفسران ، این است که دابه الارض از علامات قیامت است ، یا نخستین علامت است که کوه صفا منشق می شوددر اخبار شیعه ، مکرر آمده که دابه الارض از نشانه های قیامت است وامیر المومنین علی (ع) است در بیشترکتب حدیث اهل سنت آمده که دابه الارض ، همان صاحب عصا و میسم آلت نشانگذار است . منظور از عصا ، عصای حضرت موسی (ع) است که در دست آن حضرت خواهد بود ، و میسم به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چارپایان داغ می زنند ونشان دار

می کنند ، چنان که در آخرت ، امیر مؤمنان قسیم الجنه و النار هستند ، در رجعت نیز دوست و دشمن را از یکدیگر جدا می کنند وبر روی بینی دشمنان مهر باطله می زنند . (4) در حدیثی آمده که در روز سوم ورود حضرت مهدی (ع) به بیت المقدس ، دابه الارض خارج می شود . (5)

از نظر روایات اهلبیت عصمت وطهارت هیچ تردیدی نیست که منظور از دابه الارض رجعت وجود مقدس حضرت علی بن ابی طالب (ع) می باشد که احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم : امام باقر (ع) از حضرت علی نقل می کنند که فرمود : من تقسیم کننده بهشت و دوزخم ، کسی وارد آن ها نمی شود جز بر اساس تقسیم من . من فاروق اکبر . من پیشوای آیندگانم . من گزارشگرگذشتگانم . جز رسول اکرم (ص) کسی بر من پیشی نمی گیرد . او ومن دریک صراط مستقیم ، جز اینکه این صراط به نام اوست . به من شش فضیلت داده شد : ا . علم منایا وبلایا ووصایا به من داده شد 2 . سخن فصل جدا کننده حق وباطل به من عطا شد . 3 . من صاحب رجعت ها هستم . 4 . فرمانروائی کل به من عطا شده 5 . من صاحب عصا ومیسم هستم 6 . من دابه الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت (6)

امام صادق

(ع) می فرماید : روزی رسول اکرم (ص) وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیر مؤمنان (ع) شن های مسجد را زیر سرش بالش کرده و خوابیده است . با پای مبارک شان او را حرکت دادند و فرمودند : ای دابه الارض برخیز . یکی از اصحاب گفت : ای رسول گرامی آیا ما همدیگر را با این نام بخوانیم فرمود : نه ، به خدا سوگند که این نام به او اختصاص دارد . او همان دابه الارض است که خدای تبارک وتعالی درکتابش فرموده : چون سخن بر آن ها فرود آید جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم وبرای مردم سخن می گوید که مردم به آیات ما باور نمی کردند . سپس خطاب به علی (ع) فرمود ای علی چون آخر الزمان فرا رسد خداوند تو را در زیباترین صورتی ظاهر می سازد ودر دست تو میسمی آهنی هست که دشمنانت را با آن علامت می گذاری (7)

رسول اکرم (ص) در وصف دابه الارض فرمود : تیز پائی به او نمی رسد ، فرار کننده ای از او فوت نمی شود . مؤمن را نشان مؤمن ، وکافر را نشان کافر می زند . عصای حضرت موسی وانگشتر حضرت سلیمان با اوست . (8)

امام صادق (ع) از رسول اکرم (صع) نقل می کند که در شب معراج گفته شد : ای محمد ! علی اول است ، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است علی آخر

است ، زیرا اوآخرین امامی است که روحش را قبض می کنم . او همان دابه است که با مردم سخن می گوید (9) رسول اکرم (ص) در ضمن حدیث مفضلی می فرماید که دابه الارض سه بار ظاهر می شود

و هر سه را بیان می فرمایداز محضر امیر مؤمنان در مورد " دابه الارض " پرسیدند ، فرمود به خدا سوگند ، آن جنبنده ای نیست که دم داشته باشد ، بلکه جنبنده ای است که ریش دارد (10)

امیر مؤمنان در ضمن خطبه مفصلی که در مورد " دجال " ایراد فرموده است ، بعد از شرح کشته شدن دجال می فرماید پس از آن طامه کبری است اصحاب پرسیدند : " طامه کبری " چیست ؟ فرمود " " خروج دابه الارض است که در نزدیکی صفا ظاهر می شود انگشتر حضرت سلیمان وعصای حضرت موسی در دست اوست . . . هنگامی که سرمی را بلند می کند همه کسانی که در میان مشرق ومغرب هستند به قدرت الهی او را می بینند . و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام درِ توبه بسته می شود (11)

از بررسی روایات اهل سنت استفاده می شود که از نظر آن ها نیز ، روایات بسیار مشابه روایات شیعه است ، جز این که به رجعت وبه نام مقدس حضرت علی (ع) تصریح نکرده اند ، ولی غالب نشانه ها یکی است . اینک فهرست نشانه ها یکی که در احادیث اهل سنت در مورد " دابه

الارض " آمده است : 1 . برای دابه الارض سه خروج است (12) اولین نشانه ، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابهالارض (13) خروج دابه الارض از مسجد الحرام است . (14) . خروج دابه الارض از نزدیکی صفا است . (15) . انگشتر حضرت سلیمان وعصای حضرت موسی در دست اوست (16) . سه بار بانگ برمی آورد وهمه مردم مشرق ومغرب آن را می شنوند (17) . چون دابه الارض خارج شد در توبه بسته می شود . (18) . دابه الارض مؤمن وکافر را نشان می گذارد که برای همه شناخته می شوند . (19) . طلوع خورشید از مغرب ملازم خروج دابه الارض است ، هرکدام از آن دو جلوتر واقع شود ، آن دیگری به دنبال آن واقع می شود

خروج دابه الارض یکی از اشراط ساعه دهگانه ای است که بیش از قیامت بدون تردید تحقق خواهند یافت .

از بررسی احادیث ، به این نتیجه می رسیم که روایات اهل سنت در مورد دابه الارض (ع) دقیقا با روایات شیعه منطبق است جز این که تصریح نکرده اند که منظور از آن مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) می با شد (20)

ا . نجم الثاقب باب دوم .

2 . سوره نمل 82 .

3 . معارف ومعاریف ج 5 ص 315 .

4 . بحار الانوار ج 53 ص 127 .

5 . بحار الانوار ج 52 ص 275 ؛ الزام الناصب ص

177 و 180 .

6 . تفسير برهان ج 3 ، ص 209 نور الثقلين ج 4 ص 97 تفسيرصافى ج 4 ص 75 .

7 بحارالانوار ج 39 ص 243 تفسيرقمى ص 479 ثفسبر صافى ج 4 ص 674 نورالثقلين ج 4 ص 98 ، نفسير برهان ج 3 ص 209 .

8 . بحار الا نوار ج6 ص 0 30 جمع البيان ، ج 7 ص 234 نورالثقلين ج 4 ص 98 تفسير صافى ج 4 ص 75 .

9 . بحار الانوار ج 40 ص 38 و بصائر الدرجات ص 150 .

10 . نورالثقلين ج 4 ص 99 مجمع البيان ج 7 ص 234 و بحار الانوار ج 6 ص 300 .

11 . تفسير تبيان ج 8 ص 119 و نور الثقلين ج 4 ص 98 .

12 . بحار الانوار ج 52 ص 194 ؛ تفسير صافى ج 4 ص 75 و كمال الدين ج 2 ص 527 .

13 . تفسيركشاف ج 3 ص 374عقدالدرر313 و تفسيرالدرر المنثور ج5 ص 116 .

14 . عقد الدرر ص 313 و سنن ابن ماجه ج 2 ص 1353 .

. 15 . مستدرک حاکم ج 4 ص 484 عقد الدرر ص 314 و كشاف ج 3 ص 384 .

16 . الدر المنثور ج 5 ص 115 عقد الدرر ص 315 و كشاف ج 3 ص 384 .

17 . كشاف ج 5 ص 384؛ الدر المنثور ج 5 ص 116 عقد الدرر ص 316 و سنن ترمذى ج 5 ص 340 .

18 . عقد الدرر ص 315 و

الدر المنثور چ 5 ص 117 .

19 . عقد الدرر ص 318 ؛ تفسیر کشاف ج 3 ص 384 و الدرر المنثور ج 5 ص 116 .

20 . رجعت محمد خادمی شیرازی ص 65 .

مخالفان حضرت

مقدس مآب

کسانی هستندکه به ظاهر ، خود را به قداست و تقوی آراسته می کنند و از درون به بیماری خود خواهی و خود پسندی دچارند و عوام الناس آن ها را مقدس می پندارند .

طبق روایات بیشترین کار شکنی ها علیه حضرت از طرف کسانی است که ادعای موافقت با امام را دارند و خود را از منتظران حضرت (ع) می دانند . اینان ، امام را نه به خاطر پیاده کردن اسلام اصیل ، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوهای خود می خواهند . اینان چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند ، با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق (ع) : چه بسیارکسانی که ادعای پیروی او را دارند ، ولی پس از ظهور از او رو برمی گردانند (1) امام باقر (ع) می فرماید : . . . حضرت مهدی (ع) به سوی کوفه رهسپار می شود . در آن جا شانزده هزار نفر از بتریه ، مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستندکه پیشانی های شان از عبادت بسیار ، پینه بسته ، چهره های آن ها بر اثر شب زنده داری زرد شده و نفاق سراپای شان را پوشانده است . آنان

یک صدا فریاد بر می آورند ، ای فرزند فاطمه (ع) از همان راه که آمده ای برگرد ، زیرا به تو نیازی نداریم . حضرت مهدی (ع) در پشت شهر نجف ، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را می کشد (2)

ا . میزان الحکمه ج 1 ص 292 .

2 . غیبه طوسی ص 283 اثبات الهداه ج 3 ص 516 بحارالانوار ج 2 ص 598 .

منافقان

از جمله مخالفان حضرت مهدی (ع) هستند . امام صادق (ع) در تفسیر آیه 25 سوره مبارکه فتح ، لو تزیلوا . . . . . فرمود : خداوند ، در صلب کافران و منافقان ، امانت هایی از مؤمنان دارد . حضرت قائم ما ظهور نمی کند ، مگر آن که آن امانت ها را خداوند از صلب آنان بیرون می آورد وآن مؤمنان متولد می شوند پس ازآن ، حضرت کافران و منافقان را به قتل می رساند و فرمود : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، نیازی نداردکه از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از شما منافقان ، حد خدا را جاری می کند . (1)

امام حسین (ع) به فرزندش امام سجاد (ع) فرمود : سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی ایستد تا این که خداوند ، مهدی (ع) را برانگیزد . آن حضرت به انتقام خون من ، از منافقان فاسق وکافر ،

هفتاد هزار نفر را می کشد . (2) امام باقر (ع) نیز فرمود : چون قائم قیام کند . . . به کوفه می آید و درآن جا همه منافقان را به قتل می رساند وکاخ های آنان را ویران می کند و با جنگجویان آنان می جنگد وآن قدر ازآنان می کشد تا خداوند خشنودگردد (3)

1 . غیبه نعمانی ص 34 1 بحار الانوار ج52 ص 0230

2 . کمال الدین ج 2 ص 261 المحجه ص 206 احقاق الحق ج13 ص 357 .

3 . التهذیب ج6 ص 72 1 وسائل الشیعه ج 1 1 ص 382 .

مخالفان حضرت

کندوکاو درباره مخالفان ، نشان می دهد سوای مستکبران که در سر لوحه قهر سپاه مهدی (ع) قرار دارند ، بیشترین کارشکنی ها از جانب کسانی است که ادعای موافقت با امام دارند و خود را از منتظران حضرت (ع) می دانند . اینان ، امام را نه به خاطر پیاده کردن اسلام اصیل ، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوها و هوس های خود می خواهند . پس از پیوستن به امام ، چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند و ناچارند از منافع نامشروع خود درگذرند ، به توجیه اهداف خود روی می آورند و با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روندکه به فرموده امام صادق (ع) چه بسیار ازکسانی که ادعای پیروی او را دارند ، ولی پس از ظهور حضرت ، از او روی می گردانند . (1) این جا

به برخی از این افراد یاگروه ها اشاره می کنیم :

ا . راحت طلبان : راحت طلبی ریشه در خودپرستی دارد و خودخواهی منشأ همه مفاسد است . جمعی از مسلمانان مکه ، پیش از هجرت به مدینه ، خدمت پیامبر (ص) رسیده ابراز می داشتند : مورد آزار دشمنانیم ، اگر اجازه دهی با دشمنان می جنگیم . پیامبر (ص) فرمود : اکنون مأمور به مبارزه نیستیم . دست نگه دارید . نماز بخوانید و زکات بدهید . پس از هجرت به مدینه و ایجاد آرامش نسبی در آن شهر ، پس از آن که دستور جهاد نازل گشت ، زبان به اعتراض گشودند که خدایا ، چرا فرمان نبرد دادی و آن را مدتی به تأخیر نینداختی . قرآن ، ریشه ترس و وحشت آنان را راحت طلبی می شمرد و مردم را نسبت به فرجام آن هشدار می دهد . (2) امام خمینی (ره) در طرز تفکر راحت طلبان می گوید : می گویند : اگر حضرت صاحب ، خودشان مقتضی می دانند ، برای جهاد و مبارزه تشربف بیاورند ، من که دلم برای اسلام بیشتر از آن حضرت نسوخته است و حضرت هم که این ها را می بیند ، خودشان بیایند ، چرا من این کار را بکنم . . . . (3) امام صادق (ع) می فرمایند اگر شما برای یاری ما دعوت شدید ، خواهید گفت : ما در تقیه هستیم و نمی توانیم شما را یاری دهیم . . . . (4

)

2 . جمود اندیشان : همیشه ظاهرگرایان از مهم ترین موانع احیای دین و تحولات اجتماعی بوده اند . کسانی که به باطن و روح دین توجه نکرده و افق درک شان فراتراز پوست و قالب را نمی نگرد ، لذا موجب می شودکه در زمان های حساس ، تکلیف را نشناسند و به رویارویی پیامبر و امامان (ع) کشانده شوند . در جریان نزول آیه روزه و نماز مسافر ، پیامبر (ص) در سفر ، دستور افطار دادند و خود روزه گشودند ، ولی گروهی که به خیال مقدس مآبانه خود ، هر سختی ثواب دارد ، به روزه ادامه دادند . پیامبر با آنان برخورد کردو به ایشان لقب گناهکار داد (5)

امام صادق (ع) می فرماید : آزردگی هایی که مهدی ما از روی نادانان روزگار خود متحمل می شود ، بیش از زحماتی است که به پیامبر از جاهلان زمان خود وارد شده . گفتم : چگونه ؟ فرمود : پیامبر در زمانی برانگیخته شد که مردم ، سنگ و درخت و چوب می پرستیدند . قائم ، آن گاه که قیام کند ، مردم علیه او قرآن را تاویل می کنند (6)

3 کافران ومنافقان : دو چهرگان که آینده خود را در خطر می بینند ، با پخش شایعه و همکاری با گروه های معارض ، دشمنی خود را آشکار می کنند . در مناطق مرزی ، با دشمنان خارجی همدست می شوند و در مرکز خلافت کوفه آشکارا با امام می جنگند . حضرت پس از درهم

شکستن مقاومت مخالفان ، پیروزمندانه واردکوفه می شود و منافقان را در ردیف سایر فرقه های منحرفِ نافرمان از میان بر می دارد . (7)

1 . میزان الحکمه ری شهری ج 1 ص 292 .

2 . تفسیر قمی علی بن ابراهیم قمی ج1 ص 44 1 ذیل آیه 71 سوره نساء

3 . امام و روحانیت ، مجموعه دیدگاه ها و سخنان امام درباره روحانیت ص 206 .

4 . وسائل الشیعه ج 11 ص 483

5 . تفسیر نور الثقلین ج1 ص 0165

6 . غیبه نعمانی ص 0322

7 . بحار الانوار ج 52 ص 388

نام روز ظهور

یوم الفتح

تعبیری است از امام صادق (ع) درباره روزی که دنیا به دست حضرت مهدی (ع) فتح می شود

یوم الخلاص

پیامبرگرامی اسلام (ص) روز ظهور حضرت مهدی (ع) رایوم الخلاص نامیده اند . (1) و بیش از او مسیح (ع) در انجیل از آن روز مسعود به عنوان " یوم الخلاص " تعبیرکرده است . بعد از او ، امام جعفر صادق (ع) نیز آن روز خجسته رایوم الخلاص نام نهاده است (2)

کامل سلیمان نیز به عنوان تبرک و تیمن ، و به انگیزه پیروی از پیشوایان معصوم (ع) کتاب خود را یوم الخلاص نامیده است (3) این کتاب ارزشمند را جناب آقای علی اکبر مهدی پور در دو جلد با عنوان " روزگار رهایی " ترجمه کرده است .

1 . بحارالانوار ج 51 ص 81 منتخب الاثرص 0461

2 . روزگار رهایی ج 1 ص 567

3 . همان .

اولین برنامه حضرت

بر طبق پاره ای روایات ، نخستین برنامه ای که حضرت آغاز می کند ، این است که دست بنی شیبه را قطع می کند و بالای کعبه می آویزد و جارچی آن حضرت ندا می کند : این ها دزدان اموال خدا هستند . (1)

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) نخستین برنامه حضرت این گونه آمده است که : در سراسر جهان اعلام می کند : توجه کنید برای هرکس نزد احدی از شیعیان ما قرضی هست تذکر دهد ، تا اینکه حتی یک دانه سیر و خردل کوچک را ادا کنند تا چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک . (2)

اولین هایی که در

اینگونه روایات آمده است یا اول نسبی است نه حقیقی یعنی کارهایی که همان اوائل ظهور انجام می دهد ، نسبت به کارهای بعدی و یا مراد از اول ، اولیت در بعد خاصی است . مثلا اولین کار در بعد اجتماعی ، دست دزدان را قطع کردن و در بعد اقتصادی مثلا پرداخت دیون شیعه می باشد .

1 . بحار الانوار ج 52 ص 361 .

2 . همان ج 53 ص 34 .

پایان تاریخ

انسان با توجه به طبع جستجوگرش ، همواره به سرانجام دنیا می اندیشیده است . همه ادیان الهی و بیشتر مکاتب بشری درباره پایان تاریخ اظهار نظرکرده اند . در همه پیشگویی های مربوط به آخرالزمان ، خبرهای نگران کننده ای وجود دارد ، ولی اغلب بر این امر اتفاق دارند که پایان کار بشر ، روشن و امیدوارکننده است . در متون زرتشتی به صراحت از دوره طلایی بشر در پایان جهان یاد شده که به آشوب ها و بلاهای بسیار مسبوق می گردد و با ظهور سوشیانس واپسین منجی محقق می شود . در ادیان ابراهیمی ، بیش از آیین ها و مکاتب دیگر بر دوره طلایی بشر در پایان تاریخ ، تاکید شده است . در عهد عتیق ، برقراری سعادت و عدالت در سراسر جهان پیش بینی شده که به وسیله " ماشیح " محقق می شود . در عهد جدید نیز به این مطلب پرداخته شده است . در مکاشفه یوحنا نیز به برقراری صلح وآرامش جهان در پایان آن اشاره شده است . دیدگاه قرآن نیز درباره سرانجام بشر ، خوش بینانه

است و در آن ، پایان دنیا روشن و سعادت آمیز دانسته شده است .

رجعت

اولین رجعت کننده

نخستین کسی که در جریان رجعت به دنیا باز می گردد ، امام حسین (ع) است با 75 هزار تن (1) امام صادق (ع) فرمود : اولین کسی که به دنیا باز می گردد ، امام حسین (ع) و اصحاب با وفای ایشان اند آن گاه یزید و یارانش نیزبرمی گردند . امام حسین (ع) همه آن ها را می کشد ، دقیقا برای هر ضربتی یک ضریت می زند . (2)

امام صادق (ع) درتفسیر یوم ترجف الراجفه تتبعها الرادفه (3)

فرمود : منظور از راجفه امام حسین (ع) و منظور از " رادفه " حضرت علی (ع) است (4)

ا . بحار الانوار ج 53 ص 39 و 63 و 106 . تفسیر برهان ج 4 ص 101 .

2 . تفسیر صافی ج 3 ص 179 تفسیرعیاشی ج 2 ص 282 نور الثقلین ج 3 ص 40 1 .

3 . سوره نازعات 6 .

4 . بحارالانوار ج 53 ص 106 تفسبر برهان ج 4 ص 424 .

رجعت

در لغت به معنای بازگشت وبازگشتن به دنیا پس از انتقال به جهان دیگر است . و در اصطلاح بدین مفهوم است که امامان خاندان وحی ورسالت (ع) وانبوهی ازکسانی که جهان را بدرود گفته اند ، بار دیگر پس از حضرت مهدی (ع) وپیش از شهادت او به خواست خداوند واراده حکیمانه او ، بدین جهان باز می گردند . نخستین رجعت کننده ، امام

حسین (ع) است وپس از ایشان ، همه امامان اهل بیت (ع) یکی پس از دیگری رجعت می کنند (1)

رجعت ، از عقاید مسلم شیعه است و آیات وروایات در این باره ، بیش از حد شهرت وتواتر است .

در یادداشت های مرحوم دهخدا از ظهور حضرت بقیه الله (ع) و از نزول حضرت مسیح (ع) نیز " رجعت " تعبیر شده است (2) که از نظر معنای لغوی درست است ولی از نظر اصطلاح ، صحیح نیست زیرا رجعت در اصطلاح کلامی شیعه ، عبارت از بازگشت پس از مرگ است ، در حالی که وجود اقدس حضرت صاحب الزمان (ع) در پشت پرده غیبت است واز پرده بیرون می آید ، و وجود مقدسی حضرت عیسی (ع) در آسمان هاست که پس از ظهور ولی عصر (ع) او نیز نازل می شود و در پیاده کردن عدالت اجتماعی ، یار و مددکار آن مهر تابان می شود . از این رهگذر در مورد امام زمان (ع) ظهور تعبیر می شود و درباره حضرت عیسی (ع) " نزول " ، و تعبیر رجعت اصطلاحی در حق آن ها صحیح نیست . وامّا فرمان رجعت ، همانند فرمان ظهور ، از طرف خداوند متعال صادر می شود و جمعی از بندگان خالص خداوندکه سال ها و احیاناً قرن ها پیش ازآن ، دیده از جهان فرو بسته اند ، باز می گردند وتجلی قدرت خداوند را در دولت کریمه حضرت مهدی

(ع) می بینند . (3)

سؤال مهم این است که آیا رجعت اختیاری است ناگفته پیداست افرادی که برای انتقام وتنبیه رجعت می کنند ، هرگز به میل واراده خود برنمی گردند ، بلکه به مصداق کافر به جهنم نمی رود ، کشان کشان می برندآن ها نیز ناگریر تن به رجعت نمی دهند ، که رجعت برای آن ها بسیار ذلت بار وسخت است . ولی در مورد مؤمنین به نظر می رسدکه اختیاری خواهد بود نه اجباری . مفضل بن عمر می گوید : در خدمت امام صادق (ع) صحبت از حضرت ولی عصر (ع) شد واز افرادی که عاشقانه انتظار ظهور او را می کشند وپیش از نیل به چنین سعادتی از دنیا می روندگفت وگو شد ، فرمود : هنگامی که حضرت ولی عصر (ع) قیام کند ، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می گیرند وبه آن ها می گویند : ای بنده خدا مولایت ظهورکرده است ، اگر می خواهی به او بپیوندی آزاد هستی ، واگر بخواهی در نعمت های الهی متنعم بمانی باز هم آزاد هستی (4) از این حدیث استفاده می شود که رجعت در مورد مؤمنان ، اختیاری است .

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 792 .

2 . لغتنامه دهخدا حرف راء ، ص 295

3 . رجعت محمد خادمی شیرازی ص 16 .

4 . بحارالانوار ج 53 ، ص 092

رجعت پیامبران

طبق روایاتی که در تفسیر آیه 81 سوره

آل عمران از معصومین (ع) رسیده است ، همه پیامبران در رجعت برمی گردند . اینک به چند روایت اشاره می کنیم : به خدا سوگند از زمان حضرت آدم تا رسول اکرم (ص) ، پیامبری مبعوث نشد ، جز این که خداوندآن ها را باز می گرداند ، تا در برابر علی بن ابیطالب شمشیر بزنند . (1) خداوند همه پیامبران ومؤمنان را برای یاری امیر مؤمنان (ع) گرد می آورد . درآن روز علی بن ابیطالب (ع) ، پرچم رسول اکرم (ص) را در دست می گیرد و امیر همه مخلوقات می شود . همه مخلوقات در زیر پرچم او قرار می گیرند واو بر همه فرمانروایی می کند . (2) واما در مورد رجعت برخی از پیامبران به خصوص روایاتی هست : رجعت حضرت اسماعیل (ع) ، رجعت حضرت رسول اکرم (ص) ، (3) رجعت حضرت خضر ورجعت حضرت عیسی (ع) . از نظر این که حضرت عیسی (ع) به نصَ قرآن به آسمان ها رفته است ، بازگشت او از آسمان ها به روی زمین یک نوع رجعت است ، ولی رجعت اصطلاحی نیست . ولی مرحوم شیخ حر عاملی درکتاب ایقاظ ، از نزول حضرت عیسی (ع) به رجعت تعبیر نموده است . (4)

ا . بحار الانوار ج 3 5 ص 41 تفسیرعیاشی ج ا ص 81 1 تفسیربرهان ج 1 ص 295 .

2 . تفسیر برهان ج 1ص 295

نور الثقلین ج 1 ص 0359

3 . بحار الانوار ج 3 5 ص 46 تفسیر برهان ج 3 ص 239 .

4 . ایقاظ ص 324 بحار الانوار ج 4 1ص 336

رجعت امامان

رجعت امامان (ع) در قرآن کریم و روایات وزیارت ها آمده است . در قرآَن آمده است : اِن الذ ی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد (1) آن کسی که قرآن را بر تو فرو فرستاد به یقین ، تو را به وعده گاهت باز می گرداند . امام سجاد (ع) در تأویل این آیه شریفه فرمود : پیامبر شما وامیر مؤمنان وامامان اهل بیت ، در عصر ظهور به دنیا باز می گردند . (2) در روایتی امام صادق (ع)

می فرماید : نخستین کسی که در جریان رجعت به دنیا باز می گردد ، امام حسین (ع) است . (3) و فرمود : حسین (ع) به اراده حکیمانه خداوند به دنیا بازمی گردد و حضرت مهدی (ع) انگشتر سلیمان را به همراه زمام امور جامعه به او می سپارد ، واوکسی است که قائم (ع) را پس از یک زندگی طولانی وشکوهبارکه از دنیا می رود ، غسل می دهد وبه خاک می سپارد . (4) نیز در تاویل آیه شریفه قران ثم رددنا لکم الکره علیهم (5) می فرماید : حسین (ع) با حدود هفتاد نفر از یاران خویش به خواست خدا به دنیا باز می گردد . . . . درهمان حال

، حضرت مهدی (ع) نیز در میان یاران حسین (ع) ومردم است . آن گاه هنگامی که عرفان وایمان مردم نسبت به رجعت حضرت حسین (ع) استوارگردید ، پایان زندگی امام مهدی (ع) فرا می رسد . امام حسین (ع) امور مربوط به غسل ونماز وبه خاک سپاری پیکر پاکش را به عهده می گیرد ، چراکه پیکر مطهر امام معصوم (ع) را تنها همانند او باید غسل وکفن کند وبر پیکر او نماز بگذارد واو را به خاک سپارد . (6) در زیارت نامه های رسیده از جانب امامان راستین نیز ، مسأله رجعت به طور صریح بیان شده است .

امام صادق (ع) از رجعت حضرت علی (ع) سخن می گوید وتوضیح می دهد که برای آن حضرت چندین بار رجعت است (7) خود حضرت امیر (ع) نیز در ضمن خطبه مفصلی فرمودند : برای من بازگشت پس از بازگشت ورجعت پس از رجعت است ، من صاحب رجعت ها هستم ، من صاحب صولت ها وشوکت ها هستم ، من صاحب دولت ها وقدرت ها هستم (8) از نظر روایات ، تردیدی نیست که منظور از دابه الارض در آیه 82 سوره نمل ، رجعت حضرت علی (ع) می باشد . امام باقر (ع) از حضرت علی (ع) نقل می کنند که فرمود : به من شش فضیلت داده شده : 1 . علم منایا وبلایا ووصایا به من داده شده 2

. سخن فصل جداکننده حق وباطل به من عطا شده 3 . من صاحب رجعت ها هستم 4 . فرمانروایی کل به من داده شده 5 . من صاحب عصا ومیسم هستم 6 . من دابه الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت . (9)

1 . سوره قصص 85

2 . بحارالانوار ج 53 ص 32 تفسیر برهان ج 3 ص 239 .

3 . بحار الا نوار ج 53 ص 063

4 . همان ص 103 .

5 . سوره اسراء6 .

6 . کافی ج 8 ص 206 بحار الانوار ج 51 ص 56 تفسیربرهان ج 2 ص 406

7 . بحار الانوار ج 53 ص 75 .

8 . همان ص 46 تفسیرصافی ج ا ص 6 32 تفسیربرهان ج 3ص 49 01

9 . تفسیربرهان ج 3 ص 209 نورا لثقلین ج 4 ص 97 تفسیرصافی ج 4 ص 75 .

رجعت در ادعیه و زیارات

یکی از عالی ترین منابع عقیدتی و والاتربن معارف مذهبی شیعه ، دعاها وزیارت های وارده از ائمه معصومین (ع) می باشد . در مورد رجعت ، مطالب فراوانی در دعاها وزیارت های مأثوره یافت می شودکه به برخی ازآنها اشاره می کنیم : 1 . زیارت جامعه : معترف بکم مومن بایابکم مصدق یرجعتکم منتظر لامرکم مرتقب لدولتکم (1)

به شما ایمان دارم ، بازگشت شما را باور دارم ، رجعت شما را تصدیق می کنم ، امیر شما را انتظار می کشم ودولت شما را چشم به راهم . 2 . زیارت رسول اکرم (ص) : اِنی لمِنَ القائلین

بفضلکم مقر برجعتکم (2)

من به مقام والای شما معتقدم ، به رجعت شما باور دارم 3 . زیارت امام حسین (ع) فقلبی لکم مسلم . . . . . . انی من المومنین برجعتکم (3)

قلب من تسلیم فرمان شماست . . . من به رجعت شما باور دارم . 4 . زیارت وارث : انی بِکم مؤمن و بِایابکم موقن (4)

من به شما ایمان دارم وبازگشت شما را یقین دارم . 5 . زیارت اربعین : واشهد انی بکم مومن وبایکم موقن

6 . زیارت حضرت ابوالفضل (ع) : انی بکم وبایابکم من الومنین (5)

7 . زیارت حضرت بقیه الله (ع) در فرازی از زیارت آن حضرت در روز نیمه شعبان آمده است : فان ادرکنی الموت فبل ظهورک فانی اتوسل بک وباباتک الطاهرین الی الله تعالی واسئله ان یصلی علی محمد وآل محمد وان یجعل لی کره فی ظهورک ورجعه فی ایامک لا بلغ من طاعتک مرادی ولشفعی من اعدائک فوادی (6)

اگر پیش از ظهور تو ، مرگ مرا دریابد ، به وسیله تو وپدران بزرگوارت به خدای تبارک وتعالی متوسل می شوم واز او می خواهم که به محمد وآل محمد صلوات بفرستد وبرای من بازگشتی در ظهورتو ورجعتی در روزگار تو قرار دهد ، تا به مقصود خود در زمینه اطاعت تو نائل شوم و دلم از دشمنان تو خنک شود . 8 . زیارت آل یاسین : وان رجعتکم حق لا ریب فیها (7) . زیارت رجبیَه :

حتی العود الی حضرتکم والفوز فی کرتکم (8)

10 . دعای عهد : اللهم اِن حال بینی و بینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقیضا فاخرجنی من قبری . . . . (9)

خدایا اگر مرگی که بر همه بندگانت قطعی ومسلم کرده ای ، میان من و ظهور مولایم جدایی بیندازد ، مرا از قبر بیرون بیاور .

1 . بحار الانوار ج100ص 189

2 . بحار الانوار 101ص 169و ج53ص 98

3 . بحار الانوار ج 101 ص 200

4 . همان ص 332

5 . همان ص 277و 218 .

6 . بحار الانوار ج 02 1ص 18 1 الزام الناصب ج 2 ص 358 .

7 . بحار الانوار ج 102ص 82 و 094

8 . بحار الانوار ج 53 ص 94 .

9 . بحار الانوار ج102 ص 111 وج 3 5 ص 96 .

رجعت در روایات

روایاتی که بیانگر زنده شدن مردگان ، پیش از فرا رسیدن رستاخیز باشد ، بسیار است و بر سه بخش قابل تقسیم می باشند : 1 . انبوه روایاتی که از زنده شدن مردگان به دست پیامبران گذشته سخن می گوید واین دسته بسیار است2 . روایاتی که تصریح می کندکه به دعای خالصانه پیامبر (ص) وبه دست او مردگانی زنده شدند . 3 . روایاتی که نشانگرآن است که بر اثر دعای برخی از امامان معصوم (ع) برخی مردگان زنده شدند . این سه دسته روایات ، هرکدام دلیل بر امکان رجعت وزنده شدن برخی از مردگان ، پیش از روز رستاخیز است واما روایاتی که از

رجعت سخن می گوید ، بسیار است وبر دو بخش قابل تقسیم1 . روایاتی که به صراحت از رجعت سخن می گوید ، 3 . زیارت هایی که به وسیله آنان ، امامان راستین را زیارت می کنیم ، ونیز دعاهایی که در مناسبت های گوناگون خوانده می شود که از هر دو دسته می توان بر مسأله رجعت استدلال کرد .

روایات که دلالت شان روشن است اما زیارت ها و دعاها نیز بدان دلیل که از ائمه معصومین (ع) رسیده است ، مانند روایات ، دارای پیام است . (1) مأمون خلیفه عباسی از حضرت رضا (ع) پرسید : در مورد رجعت چه می فرمایید امام فرمود : رجعت درست است و در میان امت های پیشین بوده است و قرآن ازآن سخن گفته وپیامبر (ص) فرمود : در این امت ، درست همه آن چه در امت های پیشین رخ داده است ، بی کم وکاست ، همان گونه رخ خواهد داد . (2)

امام صادق (ع) نیز فرمود : ایام الله سه روز است : روز قیام قائم ، روز رجعت وروز رستا خیز (3)

هر پژوهشگر با انصافی که روایات اهل بیت (ع) را درباره رجعت مورد پژوهش قرار دهد ، بدون تردید به متواتر بودن این احادیث معتقد می شود . علامه مجلسی در این رابطه می فرماید : اگر احادیث رجعت متواتر نباشد ، دیگر در هیچ مورد نمی توان ادعای تواترکرد . (4) شیخ حر عاملی درکتاب ایقاظ ،

520 حدیث پیرامون رجعت نقل کرده است (5) واز محدث جزایری در شرح تهذیب نقل شده که 620 حدیث در پیرامون رجعت دیده است .

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمدکاظم قزوینی ص 800 .

2 . بحار الانوار ج 53ص 59عیون اخبارالرضا ج 2 ص 201 .

3 . بحارالانوار ج 53 ص 063

4 . بحارالانوار ج 53 ص 22 1 و 123 .

5 . ایقاظ ص 430 .

رجعت در قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی است که امامان اهل بیت (ع) آن ها را به مسأله رجعت تفسیر کرده اند . روشن است که ائمه معصومین (ع) مترجمان ومفسران حقیقی وحی الهی هستند وقرآن در خانه آنان فرود آمده وصاحبان خانه ، ازآن چه در خانه است ، از همگان آگاه تر و داناترند . برخی از دانشمندان معاصر ، 6 7 آیه از آیات قرآن را تأویل به رجعت کرده اند . در قرآن کریم آمده است : و یوم نَحشُرُ من کل أمته فوجا (1)

وآن روزکه از هر امتی ، گروهی از کسانی را که آیات ما را دروغ انگاشتند ، محشورگردانیم . از امام صادق (ع) روایات متعددی در تأویل این آیه شریفه در مورد رجعت رسیده است . از جمله این روایت است که : مردی به امام صادق (ع) گفت : اهل سنت می پندارند که این آیه شریفه درباره روز قیامت است . حضرت فرمود : آیا خداوند در روز رستاخیز از هر امتی گروهی را

محشور می سازد وبقیه آنان را وا می گذارد ؟ هرگز این آیه در مورد رجعت است که برخی را زنده می سازد . این آیه شریفه در مورد قیامت است که می فرماید : و حَشَرناهُمفلم نغادر منهم احدار (2)

وهمه آنان را گرد خواهیم آورد و هیچ یک را فروگذار نخواهیم کرد . ونیز درباره آیه شریفه ویوم نحشر من کل امه فوجا ، فرمود : همه انسان های با ایمانی که به ناحق کشته شده باشند ، رجعت می کنند وپس ازآن از دنیا می روند . رجعت برای مؤمنان خالص ونیزکافران محض است . (3)

درباره آیه شریفه : ربنا امتنا اثنین واحییتنا اثنتین (4)

پروردگارا ما را دو بار میراندی ودو بار زنده ساختی ، امام باقر (ع) فرمود : این آیه مخصوص گروه هایی است که پس از مرگ بار دیگر به همین دنیا رجعت می کنند . (5) وامام رضا (ع) فرمود : ا این آیه شریفه در مورد رجعت است (6) درباره آیه شریفه انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیوه الدنیا و یوم یقوم الاشهاد (7)

ما پیام آوران خویش و ایمان آورندگان را در زندگی دنیا و در روز قیامت که شاهدان برای شهادت به پای می خیزند ، یاری می کنیم ؟ امام صادق (ع) فرمود : به خدا سوگند که این یاری رسانی ، در رجعت خواهد بود ، آیا نمی دانی که بیشتر پیامبران خدا در دنیا به پیروزی ظاهری نرسیده وبه شهادت نائل

آمدند ، همین گونه امامان راستین با این بیان ، این وعده پیروزی در هنگام رجعت خواهد بود . (8) پس در پرتو آیات وحی ثابت گردید که رجعت ، یک وا قعیت تردید ناپذیر است .

ا . سوره نمل 083

2 . سوره کهف 47 .

3 . بحار الانوار ج 52 ص 326 تفسیر برهان ج 3 ص 0 31 .

4 . سوره مؤمن 11 .

5 . تفسیر برهان ج 4 ص 93 .

6 . همان .

7 . سوره مومن 51

8 . بحار الانوار ج 53

رجعت و اندیشمندان

علامه مجلسی پس از این که دیدگاه اندیشمندان وعلمای شیعه را درباره مسأله رجعت توضیح می دهد ، می نویسد : چگونه یک انسان با ایمان می تواند به درستی دیدگاه امامان اهل بیت (ع) در مورد واقعیتی که در حدود دویست روایت صحیح ، به صورت متواتر ، آن هم به وسیله چهل نفر از شخصیت های بزرگ و علمای نامدار و مورد اعتمادکه در فراتر از پنجاه کتاب ارزشمند خویش آن را آورده اند ، تردید روا دارد چهره های شایسته ای چون : کلینی ، صدوق ، طوسی ، سید مرتضی ، نجاشی ، کشَی ، عیاشی ، علی بن ابراهیم ، سلیم هلالی ، مفید ، کراجکی ، نعمانی ، سعد بن عبدالله ، صفار ، ابن قولویه ، علی بن عبد الحمید ، ابن طاووس ، مؤلف کتاب التنزیل والتحریف ، طبرسی ، ابراهیم بن محمد ثقفی ، محمد بن عباس ، برقی ، ابن شهر آشوب ، حسن بن سلیمان ، قطب

راوندی ، علامه حلی ، سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم ، احمد بن داوود ، حسن بن علی ، علی بن حمزه ، فضل بن شاذان ، شهید محمد بن مکی ، حسین بن حمدان ، حسن بن محمد ، حسن بن محبوب ، جعفر بن محمد ، طهر بن عبدالله ، شاذان بن جبرئیل ، صاحب کتاب الفضائل ، مؤلف کتاب العتیق ، مؤلف کتاب الخطب ودیگر نویسندگان وراویان بزرگ ومورد اعتمادی که کتاب های آنان نزد ما موجود است وآنان را به طور مشخص نمی شناسیم . (1) شیخ حر عاملی درکتاب پرارج ایقاظ 520 حدیث در پیرامون رجعت نقل کرده است . (2) از محدث جزایری در شرح تهذیب نقل شده که 20 ، حدیث در پیرامون رجعت دیده است . (3)

1 . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهورسید محمدکاظم قزوینی ص811

2 . ایقاظ ص 0430

3 . بیان الفرقان ج 5 ص 288

رجعت در امت های پیشین

در ده ها حدیث از رسول اکرم (ص) از طریق شیعه وسنی نقل شده که آن چه در امَت های پیشین واقع شده در این امت نیز واقع خواهد شد . ما در این جا برخی آیات مربوط به وقوع رجعت در میان پیشینیان را می آوریم

1 . ثم بعثنا کم من بعد موتکم لعلکم تشکرون

آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاسگزار باشید . (1)

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم حضرت موسی (ع) است که حضرت موسی (ع) آنها را از

میان قوم خود برگزید وبا خود به طور سینا برد تا بر جریان مکالمه اش با خدا وگرفتن الواح از جانب خدا شاهد باشند ، و در نتیجه بنی اسرائیل صدور الواح را از جانب خدا تکذیب نکنند . چون به طور رسیدند ومکالمه حضرت موسی را با خدا مشاهده کردند ، گفتند : ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم مگر این که خداوند را آشکارا به ما بنمایانی ، هر چه حضرت موسی آنها را از این خواسته جاهلانه منع کرد ، آن ها بر خواهش خود اصرار ورزیدند تا سرانجام صاعقه آمد و همه آنها را نابود کرد . حضرت موسی (ع) عرضه داشت بار پروردگارا اگر این هفتاد نفر زنده نشوند ، من چگونه به سوی قوم بروم ؟ آن ها مرا به قتل متهم خواهندکرد . خداوند بر او منت نهاد وآنها را زنده کرد وهمراه حضرت موسی به سوی خانه وکاشانه خود بازگشتند . در مورد سرگذشت این هفتاد نفر هیچ اختلافی نیست و صریح قران است که آنها در اثر صاعقه جان سپردند و به درخواست حضرت موسی (ع) از نو زنده شدندکه معنای " رجعت " چیزی جز زنده شدن پس از مرگ! نیست .

در این آیه ، قرآن کریم تعبیر مرگ را به کار برده تا تصور نشودکه آنها مثلا به خواب رفته بودند ویا غش کرده بودند ، بلکه صریحاً می فرماید : شما را پس از مرگتان برانگیختیم . عبدالله بن ابی بکر یشکری به خϘŘϗامیر مؤمنان (ع) عرض کرد : گرومی از اصحاب شما خیال

می کنندکه پس از مرگ یک بار دیگر زنده شده به این جهان باز می گردند . امیر مؤمنان به استناد آیاتی ازقران کریم ، در مورد رجعت استدلال نمودند و در پایان فرمودند : این هفتاد نفر برگزیدگان حضرت موسی پس از مرگ زنده شدند وبه خانه های خود بازگشتند ، آنگاه مدتی زندگی کردند غذا خوردند ، ازدواج کردند صاحب اولاد شدند وپس از فرا رسیدن اجلشان از دنیا رفتند . (2)

آیه شریفه به خوبی امکان رجعت را اثبات می کند ، به خصوص که امیر مؤمنان در حدیث فوق با این آیه به امکان رجعت استدلال نموده است . (3)

2 . واد قتلتم نفسا فاداراتم والله مخرج ما کنتم تکنمون فقلنا اضربوه ببعضا کذلک یحی الله الموتی ویریکم ایاته لعلکم تعقلونِ

به یاد آورید هنگامی راکه فردی را به قتل رساندید . سپس درباره قاتل او به نزاع پرداختید

و خداوندآنچه راکه مخفی می کردیدآ شکار می سازد . پس گفتیم که قسمتی ازگاو را به مقتول بزنید تا زنده شود وقاتل خود را معرفی کند خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد ، شاید عقل خود را به کار ببرید .

این آیات در پیرامون حادثه قبلی است که در بنی اسرائیل روی داد وبه امر خدا گاوی ذبح گردید وقسمتی از بدن گاو به مقتول زده شد ومقتول زنده شد وقاتل خود را معرفی کرد . داستان از این قرار است : در میان بنی اسرائیل پیرمردی بود که ثروتی سرشار و نعمتی بی شمار

وپسری یگانه داشت که پس از مرگ پدر همه آن ثروت به او منتقل می شد ، ولی عموزاده گانش که تهی دست بودند بر او حسدکردند واو را به قتل رسانیدند وجسدش را در محله قومی دیگر انداختند وتهمت قتل را به آنها بستند وبه خونخواهی برخاستند . اختلاف شدیدی پدید آمد

وکار پیکار به محضر حضرت موسی (ع) کشیده شد تا در میان آنها داوری کند .

حضرت موسی (ع) به وحی خدا فرمود تا ماده گاوی ذبح کنند وزبان آن گاو را بر تن مقتول بزنند تا زنده گردد وقاتل خود را معرفی کند .

هرگاو ماده ای راکه ذبح می کردندکفایت می کرد ، ولی با پرسش های بیجاکار خود را دشوار ساختند ودر هر بار نشانه هائی گفته شدکه آن نشانه فقط با یک گاوتطبیق نمودکه ازآن کودکی یتیم بود . به ناگریرانرا به قیمت بسیارگزافی خریدند وسر بریدند وقسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول زدند ، او با قدرت الهی زنده شد وگفت : ای پیامبر خدا مرا پسر عمویم به قتل رسانید . است ، نه آن هاکه به قتل متهم شده اند . حضرت موسی (ع) امر فرمود پسرعمویش را قصاص کردند . (4) از امام حسن عسکری (ع) روایت شده که شخص مقتول60 سال داشت . هنگامی که به اذن خدا زنده شد ، خدای تبارک وتعالی 70 سال دیگر به او عمر داد و 130 سال عمرکرد وتا پایان عمر از نشاط وتندرستی وسلامتی حواسَ برخوردار بود (5)

در این آیه تصریح

شد که آن مقتول پس ازکشته شدن یک بار دیگر زنده شد وطبق اخبار 70 سال دیگر زندگی کرد و " رجعت " چیزی جز این نیست . این آیه دلیل روشنی بر امکان رجعت وامکان آفرینش مجدد انسان در رجعت وقیامت است .

3 . الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله لذو فضل علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشرکون .

آیا ندیدی آنان راکه از بیم مرگ از خانه های خود بیرون رفتند وآن ها هزاران تن بودند ، پس خداوند به آنهاگفت : بمیرید . سپس آنان را زنده کرد ، بی گمان خدا بر مردم صاحب فضل است و لکن بسیاری از مردم سپاسگزاری نمی کنند (6)

این آیه در مورد قومی است که از ترس طاعون از وطن خودگریختند وخداوند آن ها را مدَتی طولانی بمیراند وبه سبب دعای یکی از پیامبران به نام حزقیل همه آنها را زنده کرد وروزگاری زندگی کردند وبه اجل طبیعی از دنیا رفتند (7)

آیه 259 سوره بقره در مورد " عزیر " است که روزی در مسیر خود به دهکده ویرانی رسید که دیوارهای خراب وسقف های واژگون واستخوان های پوسیده وبدن های از هم گسیخته سکوت مرگباری را به وجود آورده بود .

عزیر از الاغ پیاده شد و زنبیل های انجیر وانگور را پهلوی خودگذاشت وافسار الاغ را بست و به دیوار باغ تکیه داد ودرباره آن مردگان به اندیشه پرداخت ، که این مردگان چگونه زنده می شوند و این پیکرهای پراکنده

شده چگونه گرد می آیند و به صورت پیشین برمی گردند . خداوند در این حال او را قبض روح کرد و صد سال تمام درآن جا بود ربعد ازصد سال خداوند او را زنده کرد . چون عزیر زنده شد تصوَرکرد که از خوابی گران برخاسته است . پس به جست وجوی الاغ وزنبیل ها وکوزه آب پرداخت . فرشته ای به سوی او آمد وپرسید : ای عزیر چه مدت در این جا درنگ کرده ای ؟ گفت : یک روز ویا قسمتی از یک روز . فرشته گفت : بلکه تو صد سال در این جا درنگ کرده ای . در این صد سال طعام و نوشابه ات تغییر نکرده است ، ولی الاغت را ببین که چگونه استخوان هایش از هم پاشیده است . اکنون بنگرکه خداوند چگونه آن را زنده می سا زد .

عزیر تماشا می کرد ومی دیدکه استخوان های الاغ به یکدیگر متصل شد وگوشت آن ها را پوشانید وبه حالت اولیه برگشت . هنگامی که عزیر به شهر باز آمد وبه کسان خودگفت من عزیر هستم باور نکردند ، پس تورات را از حفظ خواند . آن گاه باورکردند ، زیراکسی جز او تورات را از حفظ نداشت . (8) از امیر مؤمنان (ع) روایت شده که هنگامی که عزیر از خانه بیرون رفت همسرش حامله بود وعزیر 50 ساله بود ، چون به خانه اش بازگشت او با همان طراوت 50 سالگی بود وپسرش 100 ساله بود . (9)

داستان عزیر یکی از روشن ترین ادله رجعت است که

معصومین (ع) به آن استدلال نموده اند ودانشمندان شیعه در طول چهارده قرن درکتاب های تفسیری وعقیدتی به آن استناد نموده اند که ازآن جمله است شیخ طوسی درتبیان ، شیخ مفید در اجوبه مسائل عکبریه ، شیخ صدوق در اعتقادات ، شیخ طبرسی در احتجاج وشیخ حر عاملی در ایقاظ و . . . . (10)

نظیر این داستان در مورد " ارمیا " یکی از پیامبران بنی اسرائیل نیز نقل شده که داستانش بسیار شیرین ومفضل است که برای اختصار از نقل آن صرف نظر می کنیم . علاقمندان به منابع یاد شده در پاورقی مراجعه فرمایند (11)

روایات وارده از معصومین (ع) در مورد ارمیا و " عزیر " به قدری فراوان است که برای خواننده اطمینان می آورد که این داستان دو بار اتفاق افتاده ، یک بار برای ارمیا ویک بار دیگر برای عزیر از این رهگذر مرحوم فیض کاشانی نیز پس از نقل روایات وارده می فرماید : این احادیث را می توانیم چنین جمع کنیم که این داستان دو بار روی داده است ، یک بار برای ارمیا هنگامی که کشته های بخت نصر را دید ودر مورد زنده شدن آن ها در اندیشه فرو رفت ویک بار دیگر برای عزیر هنگامی که جنازه های اصحابش را روی هم انباشته دید ودر مورد برانگیخته شدن آن ها به فکر فرو رفت (12) داستان مردی که صد سال مرد وسپس به زندگی بازگشت ، عزیر ، ارمیا ویا هر دو برای اثبات امکان رجعت به قدری روشن وصریح است

که به هیچ توضیحی نیاز ندارند (13)

مواردی از رجعت در عهد امامان معصوم (ع) اتفاق افتاده که هفتاد موردآن را محدث بزرگوار مرحوم شیخ حرَ عاملی گردآورده است . (14) فضل بن شاذان از اصحاب امام رضا (ع) بیش از ده مورد از موارد رجعت در امَت اسلامی را از طریق اهل سنت درکتاب ایضاح خود نقل کرده است . (15)

ده ها روایت از طریق شیعه سنی به ما رسیده است که هر چه در اقوام گذشته روی داده بدون کم وزیاد در این امت نیز روی خواهد داد . رسول اکرم (ص) می فرماید : آن چه درامت های پیشین واقع شده ، مو به مو در این امت نیز واقع خواهد شد .

ازآن چه آوردیم ، نتیجه می گیریم : 1 . رجعت در امت های پیشین واقع شده است . 2 . آن چه در امت های پیشین واقع شود ، در امت اسلامی نیز واقع خواهد شد . 3 . ده ها آیه از قرآن کریم از وقوع رجعت در امت اسلامی خبر داده است . . . . چند مورد در امت اسلامی واقع شده وهزاران مورد دیگر پس از قیام قائم (عج) واقع خواهد شد .

روی این بیان هرکس به قرآن و آورنده آن ایمان داشته باشد راهی ندارد جز اینکه رجعت را نیز باورکند .

1 . سوره بقره 56

2 . بحار الانوار ج 53 ص 73و129 تفسیر برهان ج 1 ص 1 0 1 وتفسیرصافی ج 4 ص 77

.

3 . تفسیرصافی ج1 ص119 .

4 . تفسیربرهان ج ا ص 08 1- 2 1 1 نورالثقلین ج 1 ص 87- 89 تفسیرصافی ج 1ص 24 1- 30 1 المیزا ن ج 1 ص 204 .

5 . تفسیرصافی ج 1 ص 29 1 تفسیر برهان ج ا ص 0 1 1 .

6 . سوره بقره 243 .

7 . المیزان ج 2 ص 283 تفسیربرهان ج ا ص 234 وروضه کافی ج1 ص 282 .

8 . تفسیرصافی ج 1 ص 269 مجمع البیان ج 1 ص 0370وتفسیر کشاف ج 1 ص307 .

9 . مجمع البیان ج 1 ص370 تفسیرصافی ج 1 ص 269 . نورالثقلین ج 1ص 269 تفسیربرهان ج 1 ص 249 .

10 . بحارالانوار ج 53 ص 28 1- 131 وا لا یقاظ ص 79 .

11 . تفسیربرهان ج 1 ص 246-249 تفسیرصافی ج 1 ص 264- 269 تفسیرعیاشی ج 1 ص 40 1 نور الثقلین ج 51 ص 268- 275 وبحار الانوار ج 14 ص 0360

12 . رجعت محمد خادمی شیرازی ص 112 .

13 . الایقاظ ص 188- 0231

14 . الایضاح ص 89 1- 6 9 1 .

15 . الایقاظ ص 41 و 99 بحار الانوار ج 53 ص 59 و 129 و 40 .

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109